

فهرست مطالب

Contents

رابطه بین مشارکت عمومی و توسعه پایدار از منظر حقوقی الزامات حقوقی مشارکت مردمی در توسعه تقویت کارآفرینی پایدار ۳۰۰	۳۰۰
بررسی نقش شاخص های اقتصادی و اجتماعی بر توسعه پایدار ۹	۹
نقش بازارچه مرزی در توسعه کارآفرینی با مشارکت دادن جامعه محلی در توسعه بازارچه های مرزی ۱۹	۱۹
بررسی نقش اعتماد سازمانی در فرآیند تسهیم دانش در آموزش و پرورش شهر لار ۳۵	۳۵
نقش حقوق کیفری در تولید ملی و مشارکت عمومی ۴۴	۴۴
ارزیابی شکاف بین گزارشگری پایداری (ESG) و عملکرد واقعی و تأثیر آن بر اعتماد سرمایه گذار ۵۵	۵۵
نقش دادستان در پیشگیری از جرایم زیست محیطی ۶۹	۶۹
تبیین نقش زنان خانه دار شهر بندرعباس در حفاظت از محیط زیست ۷۷	۷۷
واکاوی نقش مردم در توسعه پایدار و تامین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۸۸	۸۸
تعاونیه های کارآفرینی و نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد و توسعه آن در شهرستان دامغان ۱۰۵	۱۰۵
بررسی نقش گزارشگری مالی نسبت به تغییر اختیاری و غیر اختیاری حسابداری ۱۲۰	۱۲۰
عوامل تعیین کننده تفاوت بودجه و تحقق بودجه در عملکرد مالی ۱۴۲	۱۴۲
تأثیر کارآفرینی و سرمایه گذاری بر توسعه اقتصادی کشورهای عضو بریکس ۱۵۲	۱۵۲
ارائه مدل حکمرانی مشارکتی برای ارتقای توسعه پایدار مناطق آزاد تجاری - صنعتی ایران با تأکید بر نقش جامعه محلی و سرمایه گذاران ۱۶۰	۱۶۰
رهیافتی تحلیلی بر کارآفرینی زنان در جوامع کمتر توسعه یافته و روستایی ۱۶۷	۱۶۷
رابطه بین مشارکت عمومی و توسعه پایدار از منظر حقوقی ۱۸۲	۱۸۲
نقش ادبیات در توسعه مشارکت مردمی و توسعه پایدار در استان سیستان و بلوچستان ۱۹۰	۱۹۰
بررسی نقش مرز بر توسعه و درآمد مردم و ارتباط آن با کاهش جرایم در منطقه سیستان ۲۰۳	۲۰۳
رابطه بین فنون برنامه ریزی آموزشی با خودکارآمدی پیشرفت تحصیلی ۲۱۵	۲۱۵
کاربردهای نوین فناوری در علوم گیاهی برای کارآفرینی مشارکتی (عموم مردم - متخصصان) ۲۳۳	۲۳۳
بررسی رابطه بین استفاده از فضای مجازی و کاربردهای آن در تعلیم و تربیت صحیح فرزندان ۲۳۷	۲۳۷
بررسی فرهنگ و سنت های مردم بلوچستان در دوره قاجار از دیدگاه سیاحان ۲۴۷	۲۴۷
تحلیل پیشینه حضور اقوام در سیستان با استناد به کتاب «تاریخ سیستان» ۲۷۵	۲۷۵
مشارکت جمعی از آموزه های دینی تا الزامات توسعه پایدار ۲۹۳	۲۹۳
ارائه الگوی تحلیلی رابطه عوامل مؤثر بر کسب و کارهای خانگی، مشارکت و توانمند سازی زنان ۳۰۶	۳۰۶
روش های جلب مشارکت مردمی در طرح های حفاظت از منابع طبیعی در مناطق روستایی ۳۲۴	۳۲۴



- ۳۳۳ بررسی تجربه زیسته یادگیری در محیط‌های آموزشی چند فرهنگی
- نقش ایستگاه تحقیقات دامپروری زهک در توسعه پایدار گاو سیستانی با تأکید بر مشارکت اجتماعی و کاهش مهاجرت: تحلیلی با رویکرد BWM ۳۷۰
- ۳۸۲ تعاونی‌ها و مشارکت عمومی در تولید ملی
- تأثیر وابستگی به گروه‌های تجاری بر انتخاب حسابرِس، کیفیت گزارشگری مالی، حق‌الزحمه حسابرِس و شکاف انتظارات حسابرِس ۳۹۷
- ۴۲۰ تحلیل نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات بر ابعاد توسعه پایدار
- نقش همگرایانه دولت و بخش خصوصی در تحول و نوآوری‌های آموزشی ایرانبا محوریت هوش مصنوعی؛ ارائه مدل حکمرانی هوشمند آموزشی ۴۲۸
- ۴۵۲ تأثیر اهرم مالی و شاخصه‌های صنعت بر بازده غیر عادی سهام
- تحلیل نقش نوآوری دیجیتال و مدیریت دانش در ارتقای عملکرد شرکت‌های تعاونی با تأکید بر توسعه پایدار، مشارکت مردمی و تقویت تولید ملی ۴۶۸
- ۴۹۴ مشارکت و جایگاه تعاونیها در توسعه اقتصادی و رونق اشتغال و کارآفرینی در ایران
- الزامات حقوقی مشارکت مردمی در توسعه تقویت کارآفرینی پایدار ۵۰۶
- ۵۱۲ بررسی نقش شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بر توسعه پایدار
- ۵۲۳ بررسی تأثیر درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی کسب و کارها بر عملکرد بازاریابی سبز
- ۵۴۹ جستاری در نقش تعاون در پیشرفت پایدار منطقه ای ایران
- ۵۶۱ مطالعه تأثیر مدیریت استرس بر کاهش رفتار ضد تولید در نیروگاه سیکل ترکیبی شهرستان جهرم
- ۵۷۹ نقش معماری مساجد در پایداری فرهنگی و زیست محیطی شهرهای ایرانی اسلامی
- ۵۹۴ تغییرات اقلیمی و تأثیر آن بر بیماریهای گیاهی
- ۶۰۱ راهکارهایی برای افزایش نقش تعاونی‌ها در ایجاد اشتغال منطقه ای
- ۶۰۹ جایگاه الگوهای معماری حیاط مرکزی در تحقق پایداری اقلیمی و اجتماعی
- ۶۲۰ جایگاه مشارکت مردم برای رسیدن به توسعه پایدار
- ۶۳۳ بررسی حقوق شهروندی در تقویت مشارکت مردم در فرآیندهای کارآفرینی و توسعه پایدار

رابطه بین مشارکت عمومی و توسعه پایدار از منظر حقوقی الزامات حقوقی مشارکت مردمی در توسعه تقویت کارآفرینی پایدار

دکتر یوسف؛ طرفی سعیداوی، استادیار؛ عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور

چکیده

کارآفرینی پایدار به عنوان موتور محرک توسعه اقتصادی همسو با ملاحظات اجتماعی و زیست محیطی، بدون مشارکت فعال مردم به عنوان اصلی ترین ذی نفعان، تحقق نمی یابد. این مشارکت نیازمند بسترها و الزامات حقوقی مشخصی است تا امکان حضور مؤثر افراد و جامعه مدنی در عرصه اقتصادی فراهم گردد. هدف این مقاله، تبیین و تحلیل این الزامات حقوقی است. با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با مطالعه اسناد کتابخانه ای، این پژوهش به بررسی چارچوب های حقوقی لازم برای تسهیل مشارکت مردمی می پردازد. یافته ها نشان می دهد که مهم ترین الزامات حقوقی در چهار حوزه کلیدی قابل دسته بندی هستند: ۱) توسعه حقوق شرکتها و کسب و کارها (از طریق تسهیل ثبت شرکت، معرفی ساختارهای حقوقی نوین مانند شرکت های سهامی عام خاص و تعاونی ها)، ۲) ایجاد مشوق ها و تضمین های حقوقی (مانند اصلاح قوانین مالیاتی و حمایت از مالکیت فکری)، ۳) تقویت مسئولیت اجتماعی شرکتها (CSR) و ۴) توسعه سازوکارهای مالی مشارکتی (مانند تنظیم مقررات جامع برای سرمایه گذاری جمعی). در نتیجه گیری بر این امر تأکید می شود که تقویت مشارکت مردمی در توسعه کارآفرینی پایدار، نیازمند یک تحول حقوقی یکپارچه و همسو با اهداف توسعه پایدار است تا از حالت شعار خارج شده و به یک الزام عملیاتی تبدیل گردد.

واژگان کلیدی: کارآفرینی پایدار، مشارکت مردمی، الزامات حقوقی، مسئولیت اجتماعی شرکتها، سرمایه گذاری جمعی، توسعه پایدار.

مقدمه:

در جهان امروز، مفاهیم توسعه پایدار و کارآفرینی به صورت جدایی ناپذیری درهم تنیده شده اند. کارآفرینی پایدار، رویکردی است که در آن ایجاد کسب و کارهای جدید و نوآورانه، نه تنها با اهداف اقتصادی، بلکه با مسئولیت پذیری اجتماعی و حفظ محیط زیست همراه می شود (شوپیتر، ۱۹۳۴). تحقق این مفهوم والا، اما تنها از طریق اقدامات دولت ها و نهادهای بزرگ میسر نیست و «مشارکت مردمی» به عنوان رکن اصلی آن شناخته می شود. مشارکت مردمی در این حوزه، به معنای درگیر کردن فعالان شهروندان در قالب سرمایه گذار، کارآفرین، مصرف کننده آگاه و ناظر اجتماعی بر عملکرد بنگاه ها است.

با این وجود، این مشارکت به صورت خودجوش و در خلأ قانونی به حداقل مطلوب خود نخواهد رسید. فقدان چارچوب های حقوقی شفاف، حمایت کننده و تسهیل گر، می تواند بزرگ ترین مانع برای جلب اعتماد و سرمایه مردم باشد. قوانین می توانند نقش یک راهبر

و تسهیل گر را ایفا کنند یا به عنوان مانعی سرکوبگر عمل نمایند. بنابراین، پرسش اصلی این مقاله آن است که الزامات و چارچوب‌های حقوقی لازم برای تقویت و نهادینه کردن مشارکت مردمی در توسعه کارآفرینی پایدار کدامند؟

این پژوهش با هدف پاسخ به این سؤال، در پی تبیین مهم‌ترین بایسته‌های حقوقی در این عرصه است. اهمیت این تحقیق در آن است که با نگاهی کاربردی و میان‌رشته‌ای (حقوق، مدیریت و توسعه)، راهکارهای عملی برای سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران ارائه می‌دهد. روش مورد استفاده در این مقاله، روشی توصیفی-تحلیلی است و داده‌های آن مبتنی بر مطالعه اسناد معتبر کتابخانه‌ای، قوانین و مقالات علمی است.

ساختار مقاله حاضر بدین صورت است که پس از مقدمه، در بخش متن اصلی، الزامات حقوقی در چهار محور اصلی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در پایان نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه خواهد شد.

الزامات حقوقی تقویت مشارکت مردمی در توسعه کارآفرینی پایدار:

مشارکت مردمی در کارآفرینی پایدار را می‌توان در اشکال مختلفی از جمله سرمایه‌گذاری، تأسیس کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (SMEs)، مشارکت در تعاونی‌ها و حتی مصرف محصولات پایدار مشاهده کرد. برای نهادینه کردن این مشارکت‌ها، وجود یک پشتوانه حقوقی قوی امری ضروری است. این الزامات را می‌توان در قالب چهار گانه زیر مورد بررسی قرار داد:

- توسعه و بازنگری در حقوق شرکتها و کسب‌وکارها

قوانین حاکم بر تشکیل و اداره شرکتها، اولین نقطه تماس مردم با عرصه کارآفرینی رسمی است. قوانین دست و پاگیر، پیچیده و پرهزینه، می‌تواند بسیاری از شهروندان بالقوه کارآفرین را دلسرد کند.

- تسهیل فرآیند ثبت شرکت: ایجاد سامانه‌های یکپارچه الکترونیکی، حذف مراحل زائد اداری و کاهش هزینه‌های ثبتی، از جمله الزاماتی است که می‌تواند زمینه را برای مشارکت گسترده‌تر مردم فراهم آورد (عدلی پور، ۱۳۹۸).
- معرفی ساختارهای حقوقی نوین: قانون‌گذار می‌تواند با معرفی ساختارهای جدیدی مانند: «شرکت‌های سهامی عام خاص» (که جمع کردن سرمایه‌های خرد را تسهیل می‌کنند) یا حمایت بیشتر از «شرکت‌های تعاونی» (که ذاتاً مبتنی بر مشارکت مردمی هستند)، بسترهای حقوقی متنوعی برای مشارکت ایجاد کند. قانون‌گذار باید به گونه‌ای عمل کند که این نهادها از انعطاف پذیری لازم برای فعالیت در عرصه کارآفرینی پایدار برخوردار باشند (کاویانی، ۱۳۹۹).

- ایجاد مشوق‌ها و تضمین‌های حقوقی

قانون‌گذار می‌تواند با ابزارهای مختلف، انگیزه شهروندان برای مشارکت در فعالیت‌های کارآفرینانه پایدار را افزایش دهد.

- مشوق‌های مالیاتی : تصویب قوانینی برای معافیت‌ها یا تخفیف‌های مالیاتی برای کسب و کارهایی که استانداردهای زیست محیطی مانند (ISO 14001) را رعایت می‌کنند، در تولید محصولات سبز فعالیت دارند یا در مناطق محروم سرمایه‌گذاری می‌کنند، یک الزام مؤثر است. (Asadi et al., 2021)
- حمایت از مالکیت فکری : ایجاد سیستم‌های کارآمد و سریع برای ثبت و حمایت از اختراعات، علائم تجاری و طرح‌های صنعتی مرتبط با فناوری‌های پاک و پایدار، به نوآوران اطمینان خاطر می‌دهد که دستاوردهایشان مصون خواهد ماند. این امر به طور مستقیم به تقویت مشارکت افراد خلاق و نوآور کمک می‌کند (صلحی، ۱۴۰۰).
- قراردادهای مشارکت عمومی-خصوصی (PPP): تدوین یک قانون جامع و شفاف برای مشارکت عمومی-خصوصی در پروژه‌های زیرساختی پایدار (مانند انرژی‌های تجدیدپذیر)، می‌تواند چارچوب حقوقی مطمئنی برای جذب سرمایه و مدیریت مردمی فراهم کند. (World Bank, 2017)
- تقویت مسئولیت اجتماعی شرکتها (CSR)
- تبدیل مسئولیت اجتماعی از یک اقدام داوطلبانه به یک الزام حقوقی، می‌تواند مشارکت مردمی را در قالب نظارت اجتماعی تقویت کند.
- الزام گزارش‌دهی : قانون‌گذار می‌تواند شرکت‌های بزرگ را ملزم به انتشار گزارش‌های سالانه «پایداری» یا «مسئولیت اجتماعی» کند که در آن عملکرد اجتماعی، زیست‌محیطی و حکمرانی خود را شفاف سازند. این شفافیت، امکان نظارت و انتخاب آگاهانه را به مردم (به عنوان مصرف‌کننده و سهامدار) می‌دهد. (Jaffe, 2019)
- اعطای امتیاز به شرکت‌های پایدار : قوانین می‌توانند در مناقصات دولتی، به شرکت‌هایی که سابقه مثبت در زمینه مسئولیت اجتماعی دارند، امتیاز ویژه اعطا کنند. این کار انگیزه اقتصادی قدرتمندی برای حرکت بنگاه‌ها به سمت پایداری و جلب رضایت مردم ایجاد می‌کند.
- توسعه سازوکارهای حقوقی مالی مشارکتی
- یکی از ملموس‌ترین اشکال مشارکت مردمی، مشارکت مالی است. قوانین باید امکان استفاده از شیوه‌های نوین تأمین مالی را فراهم آورند.
- سرمایه‌گذاری جمعی (Crowdfunding): تنظیم و تصویب «قانون مقرراتگذاری سرمایه‌گذاری جمعی» یک ضرورت انکارناپذیر است. این قانون باید با تعریف Platforms (پلتفرم‌ها)، تعیین حدود مسئولیت آن‌ها، شفاف‌سازی فرآیندها و حمایت از سرمایه‌گذاران خرد، فضای امنی برای جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک مردمی ایجاد کند. (Ziegler et al., 2020)
- چنین قانونی، این ابزار قدرتمند مشارکتی با ریسک کلاهبرداری بالا و بی‌اعتمادی مواجه خواهد شد.

- توسعه حقوقی صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر (VC) ایجاد چارچوب‌های حقوقی شفاف برای فعالیت صندوق‌های VC که تخصصاً بر حوزه فناوری‌های پاک و کسب‌وکارهای اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌کنند، می‌تواند کانال مهم دیگری برای هدایت سرمایه‌های مردمی به سمت کارآفرینی پایدار باشد.
- نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

نتیجه‌گیری کلی این مقاله آن است که «مشارکت مردمی» به عنوان قلب تپنده «توسعه کارآفرینی پایدار»، بدون پشتوانه یک «نظام حقوقی پیشرو، حمایتگر و یکپارچه» به سرمنزل مقصود نخواهد رسید. قوانین می‌توانند با ایفای نقش تسهیل‌گری، حمایتی و انگیزشی، مردم را از حاشیه به متن فعالیت‌های اقتصادی پایدار بیاورند. همان‌طور که تحلیل شد، این الزامات در حوزه‌های مختلفی از حقوق تجارت و شرکت‌ها گرفته تا مالیات، مالکیت فکری و مالی مشارکتی پراکنده هستند و نیازمند نگاهی سیستمی و هماهنگ هستند.

- بر این اساس، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

۱. پیشنهاد تقنینی: تدوین و تصویب «قانون توسعه سرمایه‌گذاری جمعی» و «قانون جامع حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط پایدار» به عنوان اولویت‌های قانون‌گذاری.
۲. پیشنهاد سیاستی: تشکیل «کارگروه ملی حقوق و توسعه پایدار» با حضور نمایندگان قوه قضائیه، قوه مقننه، مجریه و بخش خصوصی به منظور هماهنگی و پایش قوانین مرتبط.
۳. پیشنهاد اجرایی: ایجاد «سامانه یکپارچه اطلاعاتی شفافیت شرکتها» که در آن گزارش‌های پایداری، عملکرد زیست‌محیطی و اجتماعی شرکت‌های بزرگ به طور عمومی قابل دسترسی باشد.
۴. پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده: تحقیق در مورد «مطالعه تطبیقی قوانین موفق کشورهای پیشرو در حوزه کارآفرینی پایدار» و «بررسی نقش دادگاه‌ها در تفسیر قوانین به نفع توسعه پایدار» می‌تواند گام بعدی این مسیر پژوهشی باشد.



- منابع و مآخذ:

الف) منابع فارسی:

##پورعدلی، حمید. (۱۳۹۸) *تأسیس و انحلال شرکتها در حقوق ایران*. تهران: انتشارات خرسندی.

##کاویانی، محمد. (۱۳۹۹). "تحلیل حقوقی شرکت‌های تعاونی به عنوان ابزاری برای توسعه پایدار". *فصلنامه حقوقی دادگستر*، 65، 45-67.

##صلحی، نغمه. (۱۴۰۰) *حقوق مالکیت فکری و توسعه اقتصادی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

##Asadi, S., Pourhashemi, S. O., & Nilashi, M. (2021). The role of tax incentive promoting sustainable entrepreneurship: A systematic review. *Journal of Cleaner Production*, 279, 123235.

##Jaffe, A. B. (2019). *Corporate Social Responsibility and the Law*. Routledge.

##Schumpeter, J. A. (1934). *The Theory of Economic Development*. Harvard University Press.

##World Bank. (2017). *Public-Private Partnerships Reference Guide*. World Bank Publications.

##Ziegler, T., Shneor, R., Wenzlaff, K., et al. (Cambridge Centre for Alternative Finance.2020). *The Global Crowdfunding Market 2020: A Year in Crisis*.



Abstract:

Title: Legal Prerequisites for Strengthening Public Participation in Sustainable Entrepreneurship Development

Sustainable entrepreneurship, as a driver of economic development aligned with social and environmental considerations, cannot be realized without the active participation of the people as the primary stakeholders. This participation requires specific legal frameworks and prerequisites to enable the effective involvement of individuals and civil society in the economic sphere. This article aims to explain and analyze these legal prerequisites. Using a descriptive-analytical research method and through the study of library resources, this research examines the necessary legal frameworks to facilitate public participation. Findings indicate that the most critical legal prerequisites can be categorized into four key areas: 1) Development of Corporate and Business Law (by facilitating company registration, introducing new legal structures such as specific public joint-stock companies and cooperatives), 2) Creating Legal Incentives and Guarantees (such as reforming tax laws and protecting intellectual property), 3) Strengthening Corporate Social Responsibility (CSR), and 4) Developing Participatory Financial Mechanisms (e.g., establishing comprehensive regulations for crowdfunding). In conclusion, it is emphasized that strengthening public participation in sustainable entrepreneurship development requires an integrated legal transformation aligned with sustainable development goals to move beyond rhetoric and become an operational imperative.

Keywords: Sustainable Entrepreneurship, Public Participation, Legal Prerequisites, Corporate Social Responsibility, Crowdfunding, Sustainable Development.

بررسی نقش شاخص های اقتصادی و اجتماعی بر توسعه پایدار

میرناصر؛ میرباقری، دانشیار اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

شمس الدین؛ نیک منش، استادیار گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. niksh1400@pnu.ac.ir

چکیده

محیط منابع انسانی ایران بی تاثیر از تغییر و تحولات جهانی نیست و هدف های آن همگام با تحولات جهانی، در حال تغییرند. شایستگیها، مزایای متفاوتی برای توسعه سازمانها در مناطق مختلف دارند. در حقیقت شایستگی نوعی نگرش سیستمی و توسعه ای دارد که همه آن صفات، ویژگیها، مهارتها و نگرشها در ارتباط با اثربخشی در انجام وظایف و مسئولیتها را شامل میشود. پژوهش حاضر با بررسی نقش شاخص های اقتصادی و اجتماعی بر توسعه منطقه ای انجام شده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها، از آزمون رگرسیون ساده و رگرسیون چند گانه، در نرم افزار SPSS استفاده شد. نتایج نشان می دهد ابعاد شایستگی کارکنان، بر توسعه منطقه ای، تأثیر مثبتی داشته است. در مجموع $R^2_{Adj} = 0.552$ درصد ۵۵/۲ (۵۵۲) تغییرات در افزایش توسعه منطقه ای، توسط ابعاد شایستگی کارکنان، قابل پیش بینی است.

واژگان کلیدی: شایستگی، کارکنان، توسعه پایدار

۱- مقدمه

افزایش تناوب تغییرات در سازمانها، تغییرات متناوبی که از سطح فرد تا سطح سازمان را شامل می شود و بی ثباتی حاصل از این تغییرات موجب می شود افراد کارهای طرح ریزی شده توسط سازمان را رها کنند و به جای آن به اهداف و کارهای شخصی خود پایبند شوند این بدان معنی است که پس از هر تغییر دوباره به جامعه پذیری سازمانی نیاز میشود (وان منن و شاین، ۱۹۷۹). دیدگاه وان منن و شاین این تغییرات باعث عدم اطمینان می شود و همین عدم اطمینان نیاز به نیرویی دارد که باعث خارج کردن کارکنان از شک شود و جامعه پذیری در چنین شرایطی می تواند راهگشا باشد.

در این راستا، آموزش و پرورش، یکی از نهادهای بخش عمومی است که رویکرد آن بر روی تعالی دانش و فرهنگ عامه مردم تمرکز دارد و با توجه به اهمیتی که این سازمان می تواند در برطرف کردن نیازهای مردم داشته باشد، باید عملکرد آن مورد بررسی قرار گیرد تا بدین وسیله نقاط ضعف و قوت و فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب در آن شناخته شده و با توجه به آنها تدابیری جهت غلبه بر ضعف ها و بهبود عملکرد سازمان و در نهایت توسعه منطقه ای اندیشیده شود.

برای اثربخش بودن نظام آموزش و پرورش به عنوان نهادی اجتماعی و پیچیده امروزی وجود مدیران شایسته و ماهر ضرورتی قطعی است. بدیهی است بجز یک مدیر شایسته شخص دیگری قادر به تحقق انتظارات یک سازمان نخواهد بود و مدیر شایسته کسی است که هم دانش مدیریت داشته باشد و هم بتواند از تجارب استفاده مطلوب ببرد و از آنجا که یکی از مسائل و مشکلات بارز مدارس، ضعف مدیریت است و این ضعف مدیریت باعث شده است که مدارس نتوانند پاسخگوی نیاز دانش آموزان و معلمان از یک طرف و توسعه منطقه ای از طرف دیگر باشد و این مسئله موجب افزایش نارضایتی شغلی در معلمان گردد.

آناو^۱ (۲۰۰۷) یکی از روان شناسان معتقد بود افراد براساس نوع شخصیت ونحوه تربیت خانوادگی به شغل خاصی گرایش پیدا می کنند اگر این نوع شخصیت با شغل فرد همخوانی داشته باشد فرد در عملکرد سازمانی خود نیز موفق تر خواهد بود (بریری، ۱۳۸۴). محققان در چند سال اخیر بر این نقطه اتفاق نظر دارند که اولاً الگوی پنج عاملی شخصیت که می تواند برای توصیف مهمترین جنبه های شخصیت مورد استفاده قرار بگیرد. ساختار پنج عاملی از لحاظ معیارها و فرهنگ ها و منابع ارزیابی عمومیت دارد. ثانياً الگوی پنج عاملی در بسیاری از عرصه های روان شناسی صنعتی و سازمانی بویژه در ارتباط با عملکرد شغلی مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته است (باریک و مونت^۲، ۱۹۹۱). و از آنجا که عملکرد افراد تحت تأثیر متغیرهای زیادی است که یکی از مهمترین آنها ویژگیهای شخصیتی آنان است. نتایج به دست آمده از بررسی خصوصیات شخصیتی افراد حاکی از آن است که رفتار افراد به منشها و خصوصیات شخصیتی آنها بستگی دارد و بنابراین، ویژگیهای شخصیتی افراد زمینه ساز رفتارهای آنان است (مغانلو، ۱۳۸۶).

لذا در این تحقیق به بررسی تاثیر شایستگی کارکنان بر توسعه منطقه ای پرداخته شده است.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱ مبانی نظری: جامعه پذیری سازمانی، عاملی کارآمد و مؤثر در یکپارچه سازی کارکنان تازه وارد در سازمان است (آنتوناکوپولو و گوتل^۳، ۲۰۱۰). هماهنگ شدن با شغل و وظیفه جدید، می تواند گزاره ای دلهره آور باشد. افراد تازه وارد در سازمان، به یادگیری چگونگی انجام وظایف و نیز دستیابی به رفتار عادی و قابل قبول از سوی همکاران نیاز دارند (کامیامولر^۴ و همکاران، ۲۰۱۲). در واقع، افراد تازه وارد باید یاد بگیرند که چگونه محیط جدید را درک کنند و با آن سازگار شوند (گرومن^۵ و همکاران، ۲۰۰۵). جامعه پذیری تغییر، مهارت های نوین، دانش، توانایی ها، نگرش ها، ارزش ها و روابط و درک صحیح و چارچوب های کاری را شامل می شود (کوپر^۶ و همکاران، ۲۰۱۰). از طریق این فرایند، فرد، دانش و مهارت های اجتماعی و فرهنگ را می آموزد و با شیوه های عمل آشنا می شود و آنچه را که در سازمان مورد انتظار است، فرا می گیرد که در نتیجه، عدم اطمینان و اضطراب فرد در اوایل ورود به سازمان کاهش می یابد (فیلستاد^۷، ۲۰۰۵).

از دیدگاه تلفیقی، جامعه پذیری فرایند مستمری است که در آن فرد و سازمان با هم تعامل می کنند و بر هم تأثیر می گذارند. افراد از طریق فرایند یادگیری، ارزش ها، هنجارها، شبکه های غیررسمی و مهارت های مورد نیاز سازمانی را می آموزند. علاوه بر این، سازمان از طریق فرایند مدیریتی، کارکنان را ملزم به اطاعت و پیروی از ارزش ها، قوانین و رفتارهای مورد انتظار

¹ - Anaoo

² -Barrick & mount

³ - Antonacopoulou & Guttel

⁴ - Kammeyer-Mueller

⁵ - Gruman

⁶ - Cooper

⁷ - Filstad

می کند. جامعه پذیری سازمانی، بیانگر محتوایی است که از طریق آن، فرد با نقش خاص خود در سازمان سازگار می شود (قی^۸ و همکاران، ۲۰۱۰). در این پژوهش افزایش جامعه پذیری سازمانی را معادل با توسعه منطقه ای فرض نموده ایم. نظریه پردازان جامعه شناسی و مدیریت معتقدند که جامعه پذیری سازمانی دارای چندین بعد است. تقسیم بندی مطرح شده توسط چائو و همکارانش برگرفته از کار شاین (۱۹۸۵)، فلدمن (۱۹۸۱) و فیشر^۹ (۱۹۸۶) می باشد. به نظر آنها جامعه پذیر سازمانی دارای سه حیطه کلی نقش یا وظیفه فردی، اهداف سازمانی و ارزشهای سازمانی می باشد. این ابعاد توسط چائو و همکاران او توسعه داده شد و شامل شش بعد خبرگی (مهارت در وظایف فردی)، افراد (همکاران در سازمان)، سیاست، زبان، اهداف و ارزشهای سازمانی و تاریخ می باشد. اهمیت شایستگی در سازمان

محیط منابع انسانی ایران نیز بی تاثیر از این تغییر و تحولات نیست و هدف های آن همگام با تحولات جهانی، در حال تغییرند. پذیرش و گسترش سریع رویکرد شایستگی محور و به کارگیری آن در برنامه های توسعه کارکنان بیش از هر چیز، نتیجه مزایا و فوایدی است که در این رویکرد نهفته است. شایستگیها، مزایای متفاوتی برای سازمانها و مدیران در سطوح مختلف دارند و سازمانها نیز به دلایل گوناگونی، نظیر: انتقال رفتارهای ارزشمند و فرهنگ سازمانی، عملکرد موثر برای همه کارکنان، اثربخش کردن سازمانها و مدیریت آنها و تاکید بر ظرفیتهای افراد (به جای شغل آنها) به عنوان شیوه کسب مزیت رقابتی، تقویت رفتار تیمی و متقابل از شایستگی ها استفاده می کنند (یگانگی، ۱۳۸۹). تا بدینوسیله شرایط و زمینه توسعه منطقه ای فراهم شود. در راهبردهای شغلی مفهوم شایستگی های محوری به عنوان ابزار رقابت و شیوه های مزیت های راهبردی برخی از شرکتها بیان می شود، در حالی که منابع انسانی، به ویژه بر تعاریف، استخدام، انتخاب و توسعه شایستگی فردی تمرکز دارند. در دیدگاه نخست، شایستگی های کلیدی که توسط پرالد و هامل^{۱۰} (۱۹۹۰) ارائه شده بر مقوله های راهبردی تمرکز دارند که سازمان را به صورت یک کل در نظر می گیرند. اما در دیدگاه دوم، تمرکز بر افراد و منابع انسانی است که در حال رقابت برای ابراز ارزش های خویش هستند. با تعاریف شایستگی، چنین به نظر می رسد که شایستگی همانند چتری است که هر چیزی را که به گونه ای مستقیم یا غیرمستقیم بر روی عملکرد شغلی تاثیر داشته باشد، در بر می گیرد. به عبارت دیگر، شایستگی تصویری از یک انسان رشد یافته را نشان می دهد که برای انجام یک شغل، آمادگی های کامل را از هر جهت داشته باشد. در حقیقت شایستگی نوعی نگرش سیستمی به کارکنان دارد که همه آن صفات، ویژگیها، مهارتها و نگرشها در ارتباط با اثربخشی در انجام وظایف و مسئولیتها برای توسعه منطقه ای را شامل میشود. به این ترتیب شایستگیها را می توان ابعاد رفتاری تلقی کرد که روی عملکرد شغلی تاثیر دارند.

شایستگی ها بیانگر این است که افراد چگونه باید انجام وظیفه کنند و یا در شرایط خاص چگونه واکنش نشان داده، یا چگونه رفتار کنند؟ (عریضی، ۱۳۸۴).

⁸ - Ge

⁹ - Fisher

¹⁰ - Prald & Hamel

بنابراین منابع انسانی ارزشمندترین منابع سازمان به منظور توسعه منطقه ای محسوب میشوند که با تلاش و کوشش و ایجاد هماهنگی و بکارگیری دیگر اجزا سازمان، اهداف سازمانی را تحقق می بخشد. این منابع دارای تواناییها و قابلیت‌های بالقوه ای هستند که در محیط سازمانی به فعل تبدیل می شود. دستیابی به این مهم نیازمند درک و شناخت کامل انسانها و فراهم کردن شرایط مناسب برای کار و تلاش است. یکی از مواردی که در این زمینه قابل بررسی است قرار دادن افراد در جایگاه های متناسب با توانائی، تجارب و قابلیت آنها است. این فرآیند در قالب نظام شایسته سالاری بررسی گردیده است. مفهوم شایسته سالاری به اجمال شایستگی، گزینش، جلب و جذب مداوم نیروها و سپس فراهم کردن زمینه های اعمال مدیریت حسب توانمندی های افراد می باشد (عسگری آزاد، ۱۳۸۲).

برای تحقق اهداف سازمانی و به تبع آن توسعه منطقه ای، افراد لایق و کاردان باید در راس امور قرار گیرند. بدیهی است بجز یک مدیر شایسته شخص دیگری قادر به تحقق انتظارات یک سازمان نخواهد بود و مدیر شایسته کسی است که هم دانش مدیریت داشته باشد و هم بتواند از تجارب استفاده مطلوب ببرد. شایستگی در مدیریت

مفهوم شایستگی به این معناست که افراد کفایت لازم را برای انجام کار خود داشته باشند این در حالی است که کفایت داشتن یک فرد سازمان را اصلاح نمی کند و مقوله کلان تر و فراتر از این رویکرد استقرار نظام مدیریت بر مبنای شایستگی^{۱۱} است.

یک رویکرد منسجم و چارچوب مشترک و هماهنگ برای اداره سرمایه های انسانی در مدیریت بر مبنای شایستگی بلندمدت است که بر مبنای مجموعه مشترکی از شایستگی های مرتبط با راهبردهای کلان سازمان تدوین می شود. به عبارت دیگر مدیریت بر مبنای شایستگی یک فرایند تلفیقی است که باعث قرار گرفتن افراد در جایگاه سازمانی مناسب مطابق با توانایی ها، قابلیت ها و مهارت های کاری شده و موجب گسترش صلاحیت های تخصصی و حرفه ای می شود و منجر به توسعه منطقه ای می گردد.

۲-۲- پیشینه تحقیق

پیشینه داخلی

یگانگی (۱۳۸۹) در تحقیقی تحت عنوان بررسی نقش شایستگی مدیران در اثربخشی مدیریت نشان داد که بین شایستگی فردی و اجتماعی مدیران و اثربخشی مدیریت همبستگی وجود دارد و همچنین بین تمام متغیرهای ابعاد شایستگیهای مدیران (بعد فردی و بعد اجتماعی) و اثربخشی آنان همبستگی معناداری وجود دارد.

بهرامیان و همکاران (۱۳۹۳) طی پژوهشی تحت عنوان « رابطه شایستگی مدیران مدارس با پذیرش نوآوری در امر آموزش آنان» نشان دادند که میان شایستگی مدیران در ابعاد مختلف، با پذیرش نوآوری در امر آموزش رابطه ی مثبت و معنادار وجود

¹¹ -Management based on competency

دارد. از طرفی یافته های حاصل از تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که شایستگی می تواند معیار معتبری برای پیش بینی پذیرش نوآوری توسط مدیران آموزشی بشمار آید. همچنین بعد تغییر و تشویق بهترین مولفه پیشین برای نوآوری بود است. فتحی و همکاران (۱۳۹۳) طی تحقیقی با عنوان: «بررسی رابطه بین آرزوهای شغلی و جامعه پذیری سازمانی» سعی در بررسی رابطه بین آرزوهای شغلی و جامعه پذیری سازمانی در میان کارکنان ادارات کل ورزش و جوانان شمال غرب ایران بوده است. از رو شهای آمار توصیفی و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه) نیز استفاده شده است. نتایج نشان داد که بین آرزوهای شغلی و مؤلفه های آن (شایستگی فنی/کارکردی، شایستگی مدیریت عمومی، ثبات سازمانی، خلاقیت کارآفرینانه، خدمت یا تأثیر داشتن، خودمختاری/استقلال، سبک زندگی و چالش محض) با جامعه پذیری سازمانی و ابعاد آن (دریافت آموزش، تفاهم، حمایت کارکنان و چشم انداز از آینده سازمان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. پیشینه خارجی

بیگلاردی و همکاران (۲۰۰۵) در مطالعه خود نشان دادند که جامعه پذیری سازمانی در قالبی کلی با آرزوهای شغلی مبتنی بر کارراهه شغلی رابطه مثبت دارد. براساس نتایج حاصل از تحقیق این محققان، جامعه پذیری سازمانی به احساس وجود فرصت های شغلی در سازمان منجر می شود. این احساس وجود فرصت شغلی از یک طرف موجب افزایش و تقویت ارکان کارراهه شغلی افراد که بخشی از خودپنداره شغلی آنهاست و از طرف دیگر، کاهش تمایل به ترک خدمت می شود. ادواردز^{۱۲} (۲۰۱۰) در طی تحقیقی، شایستگیهای مدیریت را توسعه و پرورش کارکنان، ارتباطات، حل مسئله، مدیریت تغییر، مهارت های فنی و وظیفه، تشکیل گروه، مدیریت عملکرد (وظیفه)، آگاهی بین فردی، یکپارچه کردن دیدگاه ها بیان کرده است.

روشنی^{۱۳} (۲۰۱۳) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که مهارت های مدیران ارشد دانشگاه در ایجاد رضایت شغلی اساتید تأثیر دارند. از این مهارت ها، مهارت های انسانی و ادراکی مدیران بیشترین آمار را به خود اختصاص داده اند.

۳- روش شناسی تحقیق

روش انجام تحقیق

این پژوهش بر حسب اهدافی که دنبال می کند، از نوع کاربردی است و از نظر ماهیت و روش گردآوری داده ها و پاسخ به سؤالات مربوط، این پژوهش توصیفی - پیمایشی است. در این تحقیق از هر دو روش کتابخانه ای و میدانی برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. به عبارت دقیق تر برای تکمیل مبانی تئوریک از روش کتابخانه ای و برای گردآوری سایر اطلاعات مورد نیاز در ارتباط با متغیرهای تحقیق از روش میدانی استفاده شد. بر اساس اطلاعات به دست آمده از یک نمونه با مستندات آماری و با استفاده از آمار استنباطی روابط فی مابین به جامعه آماری تعمیم داده شد.

12. Edwards

13 . Roshini

هدف تحقیق

۱- بررسی نقش شاخص های اقتصادی و اجتماعی بر توسعه منطقه ای

(ویژگیهای شخصیتی و شایستگی)

فرضیه تحقیق

۱- نقش شاخص های اقتصادی و اجتماعی بر توسعه منطقه ای

(ویژگیهای شخصیتی و شایستگی) تأثیر معناداری دارد.

قلمرو تحقیق

قلمرو موضوعی: موضوع تحقیق عبارت است از بررسی نقش شاخص های اقتصادی و اجتماعی بر توسعه منطقه ای

۱- (ویژگیهای شخصیتی و شایستگی)

روش ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده ها

به پیروی از روش کلی تحقیق (روش پیمایشی) اطلاعات و داده هایی تحقیق با استفاده از ابزار پرسشنامه گردآوری شده و سپس با استفاده از نرم افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفت. آزمون نرمال بودن جامعه با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (نیکویی برازش) و برای آزمون و سنجش رابطه متغیرهای پیش بین و ملاک از آزمون رگرسیون ساده همچنین برای اطلاع از میزان ضریب تاثیر گذاری هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

۴- تجزیه و تحلیل داده های تحقیق

آزمون فرضیه اصلی

۱- شایستگی کارکنان بر توسعه منطقه ای تأثیر معناداری دارد

مطابق با اطلاعات مندرج در جدول (۴-۱) و بر اساس معادله رگرسیونی ساده می توان گفت که رابطه خطی معناداری بین متغیر پیش بین و ملاک با میزان همبستگی برابر با $R = 0.727$ و سطح معناداری $P < 0.01$ وجود دارد. مقدار $Adj R^2 = 0.526$ نشان می دهد که ۵۲/۶ درصد از واریانس جامعه پذیری سازمانی مدیران از طریق شایستگی مدیران قابل پیش بینی است؛ و همچنین بر اساس داده های جدول (۴-۳) شایستگی مدیران با ضریب بتای 0.727 دارای تاثیر معنی دار در افزایش جامعه پذیری سازمانی می باشند؛ بر اساس این نتیجه افزایش یک واحد در انحراف استاندارد شایستگی مدیران، انحراف استاندارد جامعه پذیری سازمانی را به میزان 0.727 افزایش می دهد بر عکس کاهش یک واحد در انحراف استاندارد شایستگی مدیران، موجب کاهش 0.727 واحد در انحراف استاندارد متغیر جامعه پذیری سازمانی می شود. همچنین مطابق با اطلاعات مندرج در جدول (۴-۲) مقدار F با برابر با 199.716 می باشد که در سطح $p = 0.000$ معنادار است و نشان می دهد که نقش شایستگی مدیران در افزایش جامعه پذیری سازمانی معنادار است. لذا ضمن تایید فرضیه اصلی تحقیق می توان گفت که شایستگی مدیران بر جامعه پذیری سازمانی تاثیر مثبت داشته و موجب افزایش آن می شود. در این پژوهش افزایش جامعه پذیری سازمانی را معادل با توسعه منطقه ای فرض نموده ایم.

جدول (۴-۱): خلاصه مدل به دست آمده از رگرسیون ساده

متغیر پیش بین	R	R^2	R^2 تعدیل شده
شایستگی کارکنان	۰/۷۲۷	۰/۵۲۹	۰/۵۲۶

جدول (۲-۴): نتایج آزمون Anova

سطح معنی داری	F	میانگین توانهای دوم	درجه آزادی	مجموع توانهای دوم	آزمون رگرسیون
۰/۰۰۰	۱۹۹/۷۱۶	۷/۵۰۵	۱	۷/۵۰۵	رگرسیون
		۰/۰۳۸	۱۷۸	۶/۶۸۹	باقیمانده
			۱۷۹	۱۴/۱۹۵	جمع

جدول (۳-۴): ضرایب معادله رگرسیون

متغیر پیش بین	ضریب استاندارد نشده		ضریب استاندارد شده	T	سطح معنی داری
	B	خطای برآورد	Beta		
ضریب ثابت	-۰/۶۱۹	۰/۲۹۷		۰ -۲/۸۸	۰/۰۳۸
شایستگی کارکنان	۱/۱۴۴	۰/۰۸۱	۰/۷۲۷	۱ ۱۴/۳۲	۰/۰۰۰

متغیر ملاک: جامعه پذیری سازمانی یا توسعه منطقه ای

۱-۵- نتایج

مهمترین مرحله در هر نوع مطالعه و پژوهش مرحله بحث و نتیجه گیری است. بدیهی است که پژوهش در هر زمینه ای که انجام شود، دارای هدف و انگیزه ای خاص است لیکن آنچه مهم است نتایج و دستاوردهای حاصل از آن است که در صورت کاربردی بودن تحقیق می تواند ظهور و بروز یابد. در این قسمت به ترتیب بحث و نتیجه گیری، پیشنهادات برخاسته از نتایج تحقیق بیان می گردد.

خلاصه یافته های توصیفی

یافته های جمعیت شناختی پژوهش حاضر نشان داد که ۵۳ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۷ درصد هم زن می باشند. ۸ درصد از پاسخگویان فوق دیپلم، ۷۴ درصد لیسانس و ۱۸ درصد فوق لیسانس می باشند. ۴ درصد از پاسخگویان در فاصله سنی کمتر از ۳۰ سال، ۳۱ درصد در فاصله سنی ۳۰ تا ۴۰ سال، ۴۵ درصد در فاصله سنی ۴۰ تا ۵۰ سال و ۲۰ درصد هم بالاتر از ۵۰ سال قرار دارند. ۸ درصد از پاسخگویان دارای ۶ تا ۱۰ سال، ۱۸ درصد دارای ۱۱ تا ۱۵ سال، ۳۶ درصد دارای ۱۶ تا ۲۰ سال و ۲۰ درصد هم بیشتر از ۲۰ سال سابقه خدمت هستند.

یافته های مربوط به ویژگی های متغیرهای تحقیق در بین نمونه آماری نشان می دهد که از بین ویژگی های شخصیتی، برونگرایی دارای بالاترین میانگین و روان رنجورخویی دارای کمترین میانگین می باشد. شایستگی مدیران بالاتر از میانگین قرار دارد و از بین ابعاد شایستگی کارکنان، میانگین شایستگی فردی مدیران بیشتر از میانگین شایستگی اجتماعی است. بحث و نتیجه گیری

مطابق با نتایج آزمون فرضیه اصلی پژوهش، ویژگی های شخصیتی بر توسعه منطقه ای کارکنان تأثیر مثبت و معناداری دارد. هر چند پیشینه پژوهشی که بتواند از این یافته حمایت کند، یافت نشده است، ولی با شواهد عقلی و تجربی این یافته سازگار است. .. شخصیت هر فرد نقش مهمی در عملکرد شغلی اش دارد. زیرا شخصیت هر فرد انگیزش و نگرش فرد را نسبت به یک شغل و شیوهای که فرد به اقتضائات شغلی پاسخ می دهد، مشخص می کند. در میان عوامل پیش بینی کننده موفقیت شغلی بنا به اظهار کوپر و روبرتسون^{۱۴} (۲۰۰۴) ویژگی های شخصیتی به دلیل توسعه و پایداری قابل قبول آنها بر سایر ویژگی ها برتری دارند. نظریه های مختلف به همراه تحقیقات تجربی از این عقیده حمایت می کنند که برخی صفات و ویژگی های شخصیتی با عملکرد یا موفقیت شغلی رابطه معنادار دارند (سپتور^{۱۵}، ۲۰۰۱). بنابراین شخصیت یکی از پیش بینی کننده های موفقیت شغلی است با شناسایی دقیق عناصر و ابعاد شخصیت و به کارگیری فرد براساس ابعاد و عناصر آن می توان مطمئن بود که فرد در آینده عملکرد مطلوبی از خود نشان خواهد داد. و بر توسعه منطقه ای موثر می گردد.

از نتایج این تحقیق می توان چنین استنباط کرد که ویژگی های شخصیتی انسان به عنوان عوامل مهم جدا نشدنی از شخصیت انسان و شایستگی در محیط سازمانی انسان تأثیر می گذارد، زیرا رفتار هر فرد تا حدود زیادی تحت تأثیر شخصیت و شایستگی های اوست و جامعه پذیری و توسعه سازمانی و منطقه ای به طور مستقیم تحت تأثیر شاخص های کلیدی (شخصیت و شایستگی های) وی می باشد.

¹⁴ - Cooper & Robertson

¹⁵ - Septor

۶-منابع

- ##حاجی کریمی، علی؛ رضائیان، اکرم، هادی زاده مقدم، علی و بنیادی، نائینی.(۱۳۹۰). بررسی تأثیر شایستگی یهای هوش عاطفی، شناختی و اجتماعی در شایستگی های مدیران منابع انسانی بخش دولتی ایران، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره اول، شماره پیاپی ۹، صص ۲۲۳-۲۵۴
- ##خورشیدی، عباس و اکرامی، محمود.(۱۳۹۰). شناسایی عوامل سازنده شایستگی های مدیران، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی سال ششم، شماره ۴، صص ۵۸۰-۵۹۲
- ##دهقانان، حامد.(۱۳۸۶). مدیریت بر مبنای شایستگی، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، مجله مجلس و پژوهش، سال ۱۳، شماره ۵۳، صص ۱۴۲-۱۳۶
- ##دولان، شیمون ال؛ شولر، راندال. اس.(۱۹۹۰). مدیریت امور کارکنان و منابع انسانی، ترجمه محمد علی طوسی و محمد صائبی(۱۳۸۱)، چاپ ششم، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی
- ##دیانتی، محمد و عرفانی، مریم.(۱۳۸۸). شایستگی، مفاهیم و کاربرد، ماهنامه تدبیر، شماره ۲۰۶، صص ۲۳-۱۱
- ##رایینز، پی ایتیفن، ۱۹۹۸، رفتار سازمانی(مفاهیم، نظریه ها و کاربردها)، ترجمه پارسیان، علی و اعرابی، سید محمد(۱۳۸۵)، جلد اول، تهران، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی
- ##علی.(۱۳۸۴). مقاله شایستگی های مدیریت برای دنیای متلاطم، مجله تدبیر، شماره ۱۵، صص ۲۷-۳۸
- ##، ماهدخت؛ اسدی لویه، عطاالله و خوشرننگ، حسین.(۱۳۹۳). ارتباط بین سبک های رهبری مدیران گروه های آموزشی و رضایت شغلی اعضای هیات علمی، مجله پرستاری و مامایی جامعه نگر، سال ۲۴، شماره ۷۱، صص ۶۳-۵۶
- ##عریضی، حمید رضا.(۱۳۸۴). پیشنهاد طرح، تهران، انتشارات سازمان گسترش و نوآوری صنایع ایران
- ##عسگری آزاد، محسن.(۱۳۸۲). انتخاب و انتصاب و تغییر مدیران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
- ##Boyatzis, R E (2000), The Competent Manager: a Model For Effective Performance, Mcber and Co/ Wiley, pp102.
- ##Boyatzis, R E (2007), The Competent Manager: a Model For Effective Performance, Mcber and Co/ Wiley, pp102.
- ##Draganidis, F. and Mentzas, G. (2006), Competency Based Management : A Review of Systems and Approaches, Journal of Information Management & Computer Security, No. 1, Pp. 51-64.
- ##Miller, V.D. (1996), "An experimental study of newcomers' information seeking behaviors during organizational entry", Communication Studies, Vol. 47, pp. 1-24.
- ##Morrison, E.W. (1993), "Longitudinal study of the effects of information seeking on newcomer socialization", Journal of Applied Psychology, Vol. 78 No. 3, pp. 173-83

Investigating the Role of Key Management Indicators on Regional Development



Abstract

The human resources environment in Iran is not influenced by global change and its goals are changing in line with global developments. Competencies have different benefits for the development of organizations in different regions. In fact, competence is a kind of systematic and evolving attitude that includes all those attributes, characteristics, skills, and attitudes in relation to the effectiveness of tasks and responsibilities. The present study was conducted to investigate the role of key management indicators (personality traits and competencies) on regional development. For data analysis, simple regression and multiple regression tests were used in SPSS software. The results show that the dimensions of managerial competence have a positive effect on regional development. In general, 55.2% ($R^2_{Adj} = 0.552$) changes in increasing regional development are predictable by the dimensions of managers' merit.

Key words: competence, managers, regional development

نقش بازارچه مرزی در توسعه کارآفرینی با مشارکت دادن جامعه محلی در توسعه بازارچه های مرزی

مطالعه موردی بازارچه مرزی ریمدان در چابهار

محمد کریم؛ رئیسی استادیار گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور، تهران، ایران pnuraesi@pnu.ac.ir

چکیده

در طول چند سال گذشته به رغم تلاشهای زیاد در جهت توسعه کارآفرینی، به دلیل مشکلات متعدد، در زمینه توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط رشد مناسبی در کشور مشاهده نشده است. عبارت دیگر، توسعه کارآفرینی در کشور به شبکه‌ای از عناصر مختلف نیاز دارد که این شبکه را اکوسیستم کارآفرینی گویند. زیرا کشور ایران نیاز به اتخاذ یک رویکرد منطقه‌ای برای توسعه خود به عنوان شبکه‌ای از اکوسیستم‌های منطقه‌ای کارآفرینی دارد. تدوین راهبردهای اساسی و سیاست‌گذاری‌های بلندمدت و تعاملات هدفمند بین بخشی برای استفاده از ظرفیت بالقوه موجود در کشور می‌تواند اکوسیستم کارآفرینی ایران را بهبود بخشد. یکی از مواردی که می‌تواند بر توسعه کارآفرینی موثر باشد، توسعه بازارچه های مرزی است. در این پژوهش، نقش بازارچه مرزی ریمدان واقع در چابهار بر توسعه کارآفرینی مطالعه شده است. جامعه آماری این پژوهش را خانوارهای ساکن در روستاهای مرزی واقع در بازارچه مرزی ریمدان تشکیل می‌دهند. بدین منظور نمونه متشکل از تعداد ۱۴۰ خانوار تعیین گردیده و پرسشنامه محقق ساخته بین آنها توزیع گردید. روایی محتوایی پرسش‌نامه را جمعی از استادان دانشگاهی تأیید کردند و اعتبار پرسش‌نامه‌ها نیز با آزمون آلفای کرونباخ، آزمون شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز، در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. نتایج خروجی تحلیل همبستگی نشان داد که بعد اشتغال و بعد درآمد بازارچه های مرزی، بر توسعه کارآفرینی در بازارچه مرزی ریمدان تاثیر مثبت داشته است. این تاثیر در سطح معناداری ۵ درصد به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. عبارت دیگر، با توسعه بازارچه مرزی، اشتغال ایجاد شده می‌تواند با خلق درآمد برای ساکنین مرزی، توسعه کارآفرینی و بهبود کسب و کار را تحریک کند. در سطح معناداری ۵ درصد، بعد پس انداز بازارچه های مرزی، بر توسعه کارآفرینی در بازارچه مرزی ریمدان تاثیر مثبت داشته اما این تاثیر در سطح معناداری ۵ درصد به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. براساس نتایج تحلیل همبستگی، در سطح معناداری ۵ درصد، بعد روحیه کار گروهی و بعد تعاملات اجتماعی با کشور همسایه در قالب توسعه بازارچه های مرزی، بر توسعه کارآفرینی در بازارچه مرزی ریمدان تاثیر مثبت داشته است. عبارت دیگر توسعه بازارچه های مرزی با بهبود روحیه کار گروهی و ارتقای سطح تعاملات اجتماعی با کشور همسایه می‌تواند به توسعه کارآفرینی منجر گردد.

کلمات کلیدی: بازارچه مرزی، کارآفرینی، چابهار، بازارچه مرزی ریمدان

در هر اقتصادی، کارآفرینی نقش مهمی در شکل دادن به فرصت‌ها و همچنین، یافتن نتیجه بهتر از شروع کارهای جدید دارد. علاوه بر این، کارآفرین باید بتواند یک فضای توانمند برای توسعه استعدادهای کارآفرینی فراهم کند تا سطح عملکرد شرکت‌ها و توانایی آن‌ها را برای راه اندازی فعالیت‌ها بهبود بخشد (دویتا، ماری و پوگری، ۲۰۱۴). باتوجه به ضرورت کارآفرینی، سیاستگذاران در سراسر جهان در حال حاضر سعی دارند به جای افزایش تعداد کارآفرینان، تلاش خود را در جهت بهبود کیفیت نتایج کارآفرینی افزایش دهند. برای رسیدن به این هدف و تقویت زمینه‌های کارآفرینی و نوآوری، پیشنهاد شده است که دولت‌ها باید در جهت رویکرد اکوسیستم-کارآفرینی حرکت نمایند. با این حال، بسیاری از محققان اعتقاد دارند که اکوسیستم کارآفرینی، چارچوبی است که می‌تواند این تحولات را با تمرکز بر نتایج کارآفرینی و همچنین فعالان کارآفرینی که نقش مهمی در فضای کارآفرینی ایفا می‌کنند، تطبیق دهد (بلیتسکی و هرون، ۲۰۱۷). بنابراین اکوسیستم کارآفرینی پدید آمده است تا راه حلی برای در ماندگی بازار و اصلاح کاستی‌ها در نادیده گرفتن نقش کارآفرینی در نظام اقتصادی ایجاد کند. پژوهش‌ها در مورد اکوسیستم کارآفرینی نشان دهنده روابط نزدیک میان افراد، دولت، نهادها و سایر عوامل موثر برای پشتیبانی از فعالیتهای کارآفرینی است که در یک منطقه جغرافیایی مشخص تعریف می‌شود. این اکوسیستم ممکن است در سطح کشور، استان و حتی در یک دانشگاه تشکیل شود (میگون پوری، عربیون، پوربصیر و مبینی دهکردی، ۱۳۹۷). وجود یک اکوسیستم بومی نقش تاثیر گذاری در توسعه اقتصادی یک منطقه ایفا می‌کند.

همچنین توجه به تمام عوامل اقتصادی، فرهنگی و مقررات مرتبط با کارآفرینی و ابعاد آن مانند سیاست، تامین مالی، فرهنگ، حمایت، سرمایه انسانی و بازار در درون یک اکوسیستم، کمک شایانی به توسعه کارآفرینی کشور ایران می‌کند (داوری، سفیدبری و باقرصاد، ۱۳۹۶). اکوسیستم کارآفرینی در هر منطقه، کاملاً منحصر بفرد می‌باشد. به همین دلیل جهت فراهم آوردن بستر مناسب برای انتخاب بهترین زادبوم برای فعالیت‌های بنگاه‌ها در سطح ملی و منطقه‌ای، باید شناخت عمیق و دقیقی از وضعیت اکوسیستم کارآفرینی آن منطقه به دست آید. از این رو نگاشت و اندازه گیری وضعیت اکوسیستم کارآفرینی اهمیتی فراوان پیدا می‌کند و اقدامی پایه‌ای برای اقدامات بعدی، در جهت بهبود وضعیت کارآفرینی یک جامعه می‌باشد (براتی، یآوری و شریف، ۱۳۹۶).

در طول چند سال گذشته به رغم تلاشهای زیاد در جهت توسعه کارآفرینی، به دلیل مشکلاتی همچون سیاست‌های ناسالم بودن محیط کسب و کار، بی ثباتی مدیران، وجود قوانین بازدارنده و غیر حمایتی، نبود اطمینان محیطی، نبود زیرساخت‌های تجاری، نبود پشتیبانی فرهنگی از کارآفرینی، نامناسب بودن بازارها، بهره‌بالای وام‌های بانکی و غیره، در زمینه توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط رشد مناسبی در کشور مشاهده نشده است (قنبری، آگهی، علی بیگی و زرافشانی، ۱۳۹۵).

یکی از مواردی که می‌تواند به توسعه کارآفرینی و ایجاد اشتغال و بهبود معیشت مردم بویژه در مناطق مرزی منجر گردد، ایجاد و توسعه بازارچه‌های مرزی است. وضعیت خاص جغرافیایی استان‌های مرزی و برخی شرایط اجتماعی سیاسی دیگر در این استان‌ها، حکایت از وجود شکاف‌های عمیق میان این مناطق و دیگر مناطق کشور دارد. مسائل مربوط به توزیع ثروت، قدرت و منزلت در این مناطق جدی است. به گونه ای که ما شاهد ارتقای استانداردهای زندگی در استان‌های مرکزی و کاهش آن در مناطق مرزی هستیم و از حیث امنیتی این پدیده منفی ارزیابی شده و می‌تواند واکنش‌هایی را به دنبال داشته باشد. مناطق مرزی، از نقاط حساس و

استراتژیک کشور به شمار می روند. طبیعت منزوی و غیر حاصلخیز مناطق مرزی، بخصوص در عرصه های کوهستانی ایران، پیوسته به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه های لازم برای زندگی، زمینه ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای دولت های وقت بوده است (سعیدی، اسماعیل زاده و عبدالله پور، ۱۳۸۸). مناطق مرزی از نقاط حساس و استراتژیک کشور به شمار می روند. طبیعت منزوی و غیر حاصلخیز بودن این مناطق، به ویژه در عرصه های کوهستانی و بیابانی ایران، پیوسته به دلیل نبود رفاه و انگیزه های لازم برای زندگی، زمینه ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای دولت های وقت بوده است (سازمان مدیریت، ۱۳۷۸: ۴۹). از گذشته های دور، مناطق مرزنشین به دلیل ناتوانی های بالقوه، جزء مناطق منزوی و محروم به شمار می رفت؛ بنابراین شهرهای واقع در این مناطق بسیار محدود و از توسعه کمی برخوردارند؛ اما با جهانی شدن صنعت، تجارت، امور مالی و تغییرات در نظام بین المللی، تفکرات ژئواستراتژیک به سوی باورهای جغرافیای اقتصادی مرزها معطوف شد؛ به گونه ای که تحولات در کارکردهای مرز و نگرش نظام های سیاسی حاکم به آن به منزله یک فرصت اقتصادی، موجب افزایش جمعیت در مناطق مرزی شده و شرایط جدیدی را رقم زده است. این شرایط جدید، مرکز را وادار به تجدیدنظر در روابط خود با پیرامون کرده است. ناتوانی های بالقوه طبیعی و اقتصادی بعضی از این مناطق، به ویژه در زمینه های کشاورزی، صنعت، مهاجرت، تفاوت ها و نامتعادلی های منطقه ای و فضایی بین مناطق مرکزی و مرزی به دولت های وقت این امکان را داد که با هدف محرومیت زدایی، ایجاد اشتغال، نگهداشت جمعیت، ممانعت از تخلیه مناطق مرزی و وقوع قاچاق، زمینه هایی را برای مبادلات بازرگانی نواحی مرزی فراهم کنند (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۷: ۶).

مهم ترین ویژگی ساختار این مناطق، نبود تنوع در بسترهای اقتصادی و فرصت های شغلی، به ویژه برای نیروی انسانی رو به افزایش روستایی است (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۰). یکی از زمینه های لازم برای پویا کردن اقتصاد نواحی مرزی، توسعه مبادلات مرزی در قالب های قانونمند و تسهیل شده بازارچه های مرزی است که محرک خوبی برای افزایش مبادلات رسمی، شکوفایی مزایای نسبی، گسترش همکاری ها و توسعه بازارهای بین منطقه ای، تثبیت قیمت ها، جهت دهی به سودهای تجاری، افزایش اشتغال و رفاه برای جامعه مرزنشین است (کامران و همکاران، ۱۳۸۸: ۹). همچنین دولت برای بهبود وضعیت اقتصادی مناطق روستایی واقع در حوزه مرزی، سیاست ایجاد بازارچه های موقت مرزی را اجرایی کرد؛ بر این اساس در چند سال گذشته در مناطق مختلف مرزی، تعداد زیادی از آن ها تأسیس و به سرپرست هر خانوار روستایی، یک دفترچه مرزی داده شد تا با آن چندین بار در ماه از این بازارچه ها کالا وارد کنند. با این تفاسیر، در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ برای این پرسش هستیم که ایجاد و توسعه بازارچه های مرزی چه تأثیری می تواند بر توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی مرزنشین داشته باشد؟

۱. مبانی نظری تحقیق

۱-۲- بازارچه مرزی و اهمیت اقتصادی آن

یک منطقه مرزی یا خط مرزی به محض پیدایش، نه تنها بر منظره طبیعی - که جزئی از آن به شمار می رود - بلکه بر عمران و سیاست های کشورهای مجاور نیز تأثیر می گذارد (پرسکات، ۱۳۵۸: ۲۱). به طور کلی دیدگاه غالب درباره نقش مرزها، به ویژه در ادبیات توسعه مناطق مرزی، به دو صورت است: نخست مرز به منزله خطی جداکننده و دوم مرز به منزله منطقه تماس. مرزها،

کارکردهای مختلف امنیتی، اجتماعی، اقتصادی، ارتباطی، سیاسی و فرهنگی دارند. کارکرد مرزها در طی زمان و با بروز تحولات در عرصه جهان تغییر می کند. مرز بین الملل، اساساً با هدف تعیین حد و مرز خارجی سرزمین یک دولت ایجاد شده است؛ از این رو مشخص کننده محدوده حاکمیت دولت بر مردم و منابع تحت نفوذ است و قلمرویی را تعیین می کند که دولت قوانین خود را در آنجا به اجرا می گذارد و قدرتش را اعمال می کند. از این دیدگاه، مهم ترین کارکرد مرز، ایجاد مانع و عامل بازدارنده است (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۸۵). چگونگی کارکرد و نقش مرزها، عاملی کلیدی در توسعه مناطق مرزی به شمار می رود. مرزها هم می توانند مانعی در برابر توسعه و یکپارچگی نواحی مرزی باشند و هم به منزله پلی ارتباطی زمینه تعاملات و پیوند دو طرف مرز را فراهم کنند. فهم این تأثیر بازدارندگی یا نقش ارتباطی مرزها، وابسته به این است که ما چگونه مرزها و کارکرد آنها را معنا کنیم. از دیدگاه نخست، مرزها به منزله مانع یا فیلتر، هزینه معاملاتی و تبادلاتی زیادی را به بار می آورند؛ به بیان دیگر، مرزی که مانع مشروع شکل گیری نظام های نهادی، سیاسی و اجتماعی در منطقه مرزی باشد، مانعی در برابر جریان آزاد اطلاعات و تشدید پیچیدگی های بازار است. به گفته چن^{۱۶} در این حالت، مرز تمایل بیشتری به جدایی مناطق مرزی همجوار از طریق تعیین حدود، کنترل و نظارت بر عبور و مرور و تشدید قوانین گمرکی دارد تا پیوستگی آنها. اما در دیدگاه مرز به مانند یک منطقه تماس، منطقه مرزی به صورت ناحیه ای است با شبکه ای از بنگاه های اقتصادی و سایر شبکه های اجتماعی دیگر که فراتر از خطوط مرزی، روندها، فرصت ها و مزایای جدیدی خلق می کنند و نقش مرز از یک مانع به یک پل ارتباطی یا به بیان ساده تر از یک دیوار به منبعی ارزشمند تبدیل می شود. بدین ترتیب با نگاهی کوتاه به ادبیات نظری مرز و مناطق مرزی، مشخص می شود با گذشت زمان، مرزهای ملی، بخش زیادی از کارکردشان را به منزله مانع از دست داده اند و تعاملات و همکاری های میان مرزی به طور روزافزونی از اهمیت بیشتری برخوردار شده اند.

تاکنون هیچ تعریف جهانی ای از بازارچه های مرزی به صورت عام ارائه نشده است؛ اما می توان گفت بازارچه های مرزی اساساً برای سرمایه گذاری و بهتر شدن وضعیت اقتصادی مناطق مرزنشین به وجود می آیند؛ به ویژه در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه که از نظر اقتصادی وضعیت مطلوبی ندارند. از یک منظر، بازارچه مرزی، محوطه ای است محصور واقع در نقطه صفر مرزی و در جوار گمرکات و مجاز به انجام تشریفات ترخیص کالا یا مکان هایی که طبق تفاهم نامه های منعقد شده بین ایران و کشورهای همجوار باشد (کهنه پوشی و عنابستانی، ۱۳۹۱: ۹). معمولاً بازارچه ها به دو دسته کلی بازارچه های مرزی مصوب تجاری اقتصادی و بازارچه های امنیتی یا ویژه تقسیم می شوند (طیبنیا، ۱۳۹۵: ۱۵۱). به عقیده صاحب نظران، فعالیت های اقتصادی مناطق مرزی در توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد، ایجاد رابطه دوستی و تسریع همکاری های بیشتر بین نواحی مرزی نقشی اساسی دارند. دلایل اقتصادی ایجاد بازارچه های مرزی میان دو کشور را می توان در الگوهای توسعه منطقه ای و مبادلات دو یا چندجانبه جست و جو کرد (چو کلی، ۱۳۹۱: ۲). با این همه در زمینه تجارت مرزی و بازارچه های مرزی نظریه های مختلفی وجود دارد که در زیر به بعضی از آنها اشاره شده است:

نظریه تجارت جدید: اولین بار در سال ۱۹۸۰ مطرح شد و به شدت متأثر از نظریه ادغام آن زمان بود. برخلاف الگوهای سنتی اخیر، الگوهای تجاری، امروزه اقتصادمقیاس اند و به صورت ترکیبی از رقابت و انحصارگری به وجود آمدند. طرفداران این نظریه بیان

¹⁶ -Chen

می کنند آزادسازی روابط تجاری در بازارچه های مرزی بر زندگی مناطق مرزی تأثیر می گذارد و ساکنان با هزینه های نسبتاً کمتر به بازارهای خارجی دسترسی می یابند.

نظریه موقعیت سنتی: این نظریه را اولین بار اوهلین برتیل در سال ۱۹۶۷ به منزله یک الگوی سازگار خرید و فروش و ناآشنا با جلوه های فضایی یکپارچگی اقتصادی مطرح کرد و بعدها لوش آن را گسترش داد. در این الگو فرض بر این است که مصرف کنندگان و عوامل غیر محرک تولید به اندازه هم در فضا توزیع شده اند و هزینه های حمل و نقل برای محصولات، متناسب با فاصله ای است که بین مصرف کنندگان و تولید کنندگان وجود دارد؛ از این رو مکان بازار باید در یک محل خاص فضایی تعیین شود

نظریه کنراد و نیکول: کنراد و نیکول در سال ۲۰۰۵، یک فرآیند تعاملی پنج مرحله ای را پیشنهاد کردند که به دنبال سطوح مختلف از مناطق مرزی است. این مراحل به طور مشخص و به صورت فعال در مناطق مرزی به صورت هویت، فرهنگ، نقش دولت، اقتصاد و سیاست با هم ترکیب می شوند.

۲-۲- نظریه های کارآفرینی

کارآفرینی و انواع آن

شناسایی انواع مختلف کارآفرینی در دنیای کسب و کار امروز، درک کامل تری از انگیزه ها، رویکردها و تأثیرات کارآفرینان را ارائه می دهد. البته ممکن است در مقالات دیگر، به دسته بندی های متفاوت دیگری برخورد کنید. اما موارد ارائه شده به شرح زیر چشم اندازهای مختلف کارآفرینان به این موضوع را هدف قرار می دهد. بنابراین با بررسی این موضوع که ۴ نوع اصلی کارآفرینی چیست به صورت خلاصه ویژگی های خاص هر یک را تشریح می کنیم.

- کارآفرینی فرصت گرا

این شکل از کارآفرینی بر توانایی فرد در شناسایی و بهره برداری از فرصت ها تمرکز دارد. کارآفرینان فرصت محور، نوآورانی هستند که با درک شکاف های موجود در بازار، راه حل های خلاقانه ای را برای پر کردن خلاء ها ارائه می کنند. به عبارتی کارآفرینی در اینجا به شکل پذیرش ریسک ها و کشف موارد ناشناخته نشان داده می شود. این رویکرد می تواند به سرعت فناوری ها، روندهای بازار یا تغییر خواسته های مشتری را درک کرده و آن ها را به مدل های کسب و کار جدید تبدیل کند. معمولاً این نوع، محرک تغییرات بنیادی و پایه در صنعت است.

- کارآفرینی تقلیدی

در این کارآفرینی، برخلاف نوع فرصت گرا، فرد از مدل های کسب و کار تثبیت شده قبلی استفاده می کند. در حقیقت کارآفرین با تجزیه و تحلیل بازار و مطالعه کسب و کارهای موفق، فعالیت و رویکرد خود را در دستیابی به موفقیتی مشابه تنظیم می کند. توانایی فرد در اینجا، بر بهینه سازی و استفاده از مفاهیم و مدل های تجاری اثبات شده پیشین متمرکز است. به همین دلیل ریسک کمتری نسبت به کارآفرینی فرصت گرا دارد.

- کارآفرینی مبتنی بر نیاز

در این دسته، فرد کارآفرین به دلیل چالش های مالی، نداشتن فرصت های شغلی یا محدودیت های دیگر، کسب و کار شخصی خود را راه اندازی می کند. به عبارتی کارآفرینی در اینجا راه حلی برای غلبه بر شرایط موجود و پیدا کردن مسیرهای جدید با هدف انجام بهتر کارها است. فرد با وجود داشتن شرایط نامطلوب اغلب با طرز فکر کارآفرینی، راه حل های خلاقانه ای را ایجاد می کند.

- کارآفرینی اجتماعی

در اینجا افراد بر ارایه راه حل های نوآورانه در زمینه رفع مشکلات اجتماعی یا زیست محیطی متمرکز هستند. مدل های کسب و کار آنها نیز با هدف تاثیر گذاری مثبت بر جامعه و پایداری مالی درازمدت تنظیم می شود. در این نوع کارآفرینی بین موفقیت اقتصادی و مسئولیت اجتماعی تعادل وجود دارد.

۳- پیشینه پژوهش

محمدی (۱۴۰۱) در مقاله ای با عنوان "تحلیل عوامل مؤثر بر عملکرد نامطلوب بازارچه های مرزی در عدم توسعه اقتصادی-اجتماعی روستاهای پیرامون مرز باشماق مطالعه موردی: روستاهای مرزی شهرستان مریوان" به بررسی موانع و مشکلاتی که کارایی و اثرگذاری مطلوب بازارچه های مرزی شهرستان مریوان در تغییر وضعیت توسعه یافتگی نواحی روستایی مورد مطالعه را با چالش، مواجه ساخته اند، پرداخت. در ابتدا؛ مهم ترین موانع و مشکلات از طریق مصاحبه ها با دو گروه مسئولین و آگاهان روستایی به روش نمونه گیری غیر احتمالی گلوله برفی، شناسایی شد و سپس از طریق توزیع ۳۶۰ پرسشنامه (بهره گیری از فرمول کوکران) در میان سرپرستان خانوار دهستان های خاوومیرآباد و زریوار به عنوان جامعه آماری پژوهش، این موانع و مشکلات، مورد تایید واقع گردیدند. در نهایت؛ با تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده با آزمون تحلیل عاملی؛ ۴۶ متغیر یا مانع اثرگذار در قالب ۵ عامل: نارسایی های مدیریتی؛ ضعف و کمبود در خدمات، امکانات و زیرساخت های بازارچه؛ ضعف در مشارکت و همکاری مردم محلی؛ کیفیت نازل توسعه روستایی منطقه و مکان گزینی نادرست بازارچه ها، خلاصه گردیدند. همچنین آزمون تحلیل مسیر نیز، نشان داد که عامل مکان گزینی نامناسب، دارای بیشترین تاثیر مستقیم، عامل نارسایی های مدیریتی؛ دارای بیشترین تاثیر غیرمستقیم و در مجموع نیز؛ عامل نارسایی های مدیریتی بیشترین تاثیر را بر عملکرد نامطلوب بازارچه ها دارند

فرازمند و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان "نقش بازارچه های مرزی در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در استان های غرب کشور (مطالعه موردی: مرز مهران)" به شناسایی عوامل مؤثر در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در استان های غرب کشور (مطالعه موردی: مرز مهران) پرداختند. جهت شناسایی عوامل مؤثر در نقش بازارچه های مرزی در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در استان های غرب کشور به ۱۵ نفر از خبرگان درون دانشگاهی و کارشناسان خبره وزارت سمت بر اساس عواملی نظیر سابقه فعالیت حرفه ای در زمینه نقش بازارچه های مرزی در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در استان های غرب کشور، سابقه انجام تحقیق های علمی در این زمینه و مواردی از این دست مراجعه شده است. در تحقیق حاضر جهت بررسی نقش بازارچه های مرزی در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در استان های غرب کشور از مصاحبه های نیمه ساختاریافته استفاده گردید. در این

پژوهش بمنظور تحلیل داده ها از تکنیک دلفی استفاده شده است. نتایج نشان داد که ۴۴ شاخص در قالب ۷ مؤلفه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، ارتباطی، آموزشی و سازمانی و نهادی عوامل مؤثر در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در استان های غرب کشور (مطالعه موردی: مرز مهران) را تشکیل می دهند

احمدی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان "اثرات بازارچه های مرزی موقت در امنیت اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی مرزنشین (روستاهای مرزنشین شهرستان مریوان)" به بررسی تاثیر بازارچه های مرزی موقت در اقتصاد و امنیت اجتماعی مناطق روستایی مرزنشین، در شهرستان مریوان پرداخته است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از حیث روش گردآوری اطلاعات توصیفی-تحلیلی است. جهت گردآوری اطلاعات از روش اسنادی و در بخش میدانی از روش پیمایش مبتنی بر تکمیل پرسش نامه و مصاحبه بهره گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل (۵۵۳۲) نفر از مرزنشینان می باشند که با استفاده از روش های آماری تعداد (۲۵۰) نفر به عنوان نمونه انتخاب شده اند. اعتبار پرسش نامه ها نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ، (۰/۸۷) درصد به دست آمده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون t زوجی، کای اسکور و پیرسون استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می دهند که بازارچه های مرزی موقت نتوانسته اند تاثیر مثبتی در امنیت اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی مرزنشین داشته باشند، و روستاهای نزدیک تر به مرز تاثیرپذیری بیشتری از بازارچه های موقت مرزی دارند. با توجه به آزمون t زوجی، درآمد روستاییان به دلیل از بین رفتن فعالیت قاچاق کالا در منطقه، بعد از تاسیس بازارچه های مرزی موقت نسبت به قبل از تاسیس بازارچه ها، کاهش یافته است

بدری و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان "تاثیر بازارچه های مرزی بر ارتقاء شاخص های اقتصادی - اجتماعی مناطق روستایی مرزنشین مطالعه موردی: مرز باشماق مریوان" به بررسی تاثیر بازارچه های مرزی بر ارتقاء شاخص های اقتصادی - اجتماعی مناطق روستایی مرزنشین خاو و میرآباد، زریوار و سرکل در شهرستان مریوان پرداخته است. برای گردآوری داده ها از روش اسنادی و در بخش میدانی از روش پیمایش مبتنی بر تکمیل پرسش نامه و مصاحبه بهره گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش، خانوارهای ساکن در سه دهستان مرزی خاو و میرآباد، زریوار و سرکل هستند که با بهره گیری از فرمول کوکران از میان ۳۰۹۴ خانوار، تعداد ۳۶۰ خانوار به منزله حجم نمونه انتخاب شده اند. اعتبار پرسش نامه نیز براساس آزمون آلفای کرونباخ، ۰.۷۴ درصد به دست آمده است. همچنین با ۳۰ نفر از افراد نمونه برای تکمیل یافته ها، مصاحبه فردی عمیق صورت گرفته است. روستاهای بررسی شده در سه دسته براساس فاصله از مرز (فاصله دور، متوسط و نزدیک) طبقه بندی شده اند و ۱۸ روستا (در هر فاصله، ۶ روستا) برای نمونه انتخاب شده اند. برای تجزیه و تحلیل آماری داده ها از آزمون t تک نمونه ای، آزمون کای اسکور و آزمون ANOVA در نرم افزار SPSS و نرم افزار GIS استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد بازارچه های مرزی از نظر شاخص های اقتصادی، عملکرد مطلوبی در مناطق روستایی مرزنشین نداشته اند. با توجه به تحلیل فضایی پژوهش، بازارچه های مرزی از نظر وضعیت اقتصادی بر روستاهای در فاصله متوسط از مرز (۱۵-۵ کیلومتری)، تاثیر بیشتری نسبت به روستاهای دور از مرز و نزدیک مرز داشته اند. همچنین فعال شدن این بازارچه ها در زمینه ارتقاء شاخص های اجتماعی، از جمله: مشارکت اجتماعی، روحیه کار گروهی و تعاملات اجتماعی با روستاهای همسایه و کشور عراق نیز، تاثیر مثبتی بر جای گذاشته است

عبده زاده و فتح اللهی (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان "بازارچه های مرزی و احساس امنیت اقتصادی- اجتماعی روستائیان مرزنشین مورد مطالعه: بازارچه ها و روستاهای مرزی شهرستان مریوان" بدنبال پاسخ به این سوال بودند که بازارچه های مرزی شهرستان بانه چه تأثیری بر احساس امنیت روستائیان مرزنشین داشته است؟ در این تحقیق، با توجه به پیشینه تجربی و ادبیات نظری، جهت سنجش مفهوم احساس امنیت، رویکردی مرکب از ابعاد اجتماعی، اقتصادی امنیت بر اساس نظریات امنیت بوزان، میتار و ... انتخاب شده است. روش پژوهش، کمی- کیفی و جامعه آماری شامل دو دسته از روستاهای دور و نزدیک به بازارچه های مرزی (سیران بند و ...) در شهرستان بانه می باشد. حجم نمونه، شامل ۲۳۷ نفر از اهالی روستاهای دور و نزدیک به بازارچه های مرزی می باشد. همچنین با تعداد ۳۵ نفر از اهالی نیز مصاحبه فردی انجام شده است. یافته ها نشان می دهند که مرزنشینان نزدیک به بازارچه های مرزی نسبت به سایرین، به لحاظ اقتصادی (به ویژه شغلی)، از احساس امنیت بیشتری برخوردارند. اما در بعد اجتماعی (به ویژه ادامه تحصیل جوانان) تأثیر منفی بازارچه ها توسط مرزنشینان احساس می گردد. در نهایت یافته ها نشان می دهد که بازارچه های مرزی در نقاط مرزی از اهداف اصلی خود فاصله گرفته اند که محتاج بازنگری در این مورد می باشند

میرزایی و عبده زاده (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان "بررسی تاثیر بازارچه های مرزی بر کیفیت زندگی روستائیان مرزنشین (مورد مطالعه: بازارچه های مرزی و روستاهای شهرستان مریوان)" به بررسی تاثیر بازارچه های مرزی بر کیفیت زندگی روستائیان مرزنشین شهرستان مریوان پرداخته است. سوال اصلی تحقیق این است که بازارچه های مرزی چه تأثیری بر کیفیت زندگی روستائیان مرزنشین داشته اند؟ جهت سنجش مفهوم کیفیت زندگی، با توجه به پیشینه تجربی و ادبیات نظری، چهار بعد کیفیت زندگی (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی) با متغیرهای آن بررسی شده است. روش پژوهش، «ترکیبی»، تلفیقی از روش های کمی (پیمایش) و کیفی (مصاحبه فردی عمیق و گروهی) است. حجم نمونه، ۳۰۴ نفر از افراد ساکن در روستاهای شهرستان مریوان (نزدیک و دور از بازارچه ها) است. با ۱۰ نفر از افراد نمونه جهت تکمیل یافته ها، مصاحبه فردی عمیق صورت گرفت. یافته ها نشان می دهند وقتی کیفیت زندگی با مولفه های مختلف آن، از جمله مسکن، درآمد، تعاملات و گرایش های فرهنگی، اعتماد بین شخصی، مشارکت اجتماعی و احساس بهزیستی روانی سنجیده می شود، بازارچه ها تأثیر مثبت و منفی متفاوتی بر کیفیت زندگی روستائیان مرزنشین نزدیک به بازارچه ها دارند. همچنین مصاحبه ها نشان می دهد که در شرایط کنونی به صورت نابرابر، فقط گروه های خاصی از مرزنشینان (به ویژه شهرنشینان و تاجران یا صاحب بارها) از مزایای تاسیس بازارچه ها سود می برند، لذا باید سازوکارهای ممکن جهت افزایش مشارکت روستائیان مرزنشین در فعالیت بازارچه ها فراهم شود.

۴- روش تحقیق

۴-۱- جامعه و نمونه آماری

مورد مطالعه در این پژوهش، بازارچه مرزی ریمدان در چابهار می باشد. جامعه آماری این پژوهش را خانوارهای ساکن در روستاهای مرزی واقع در بازارچه مرزی ریمدان تشکیل می دهند. با بهره گیری از فرمول کوکران، حجم نمونه از کل ۴۳ روستای واقع در این دهستان ها، تعداد ۸ روستا و از میان ۱۰۶۸ خانوار، تعداد ۱۴۰ خانوار تعیین شد. برای گزینش روستاها و نیز خانوارهای نمونه در آن ها، ابتدا روستاها براساس معیار فاصله از مرز به سه دسته تقسیم و از میان هر سه دسته، با توجه به امکانات و محدودیت های موجود و

نیز زیاده بودن درصد احتمال وجود قاچاق، ۱۸ روستا به روش تصادفی طبقه بندی شده، برگزیده شدند. حجم نمونه با بهره گیری از فاصله روستاها از مرز به دست آمد. گزینش خانوارهای نمونه نیز به این صورت انجام شد که در روستاهای نزدیک مرز هر روستا ۳۰ پرسش نامه، روستاهای در فاصله متوسط مرز هر روستا ۲۰ پرسش نامه و در نهایت روستاهای در فاصله دور از مرز در هر روستا ۱۰ پرسش نامه توزیع شد و در مجموع ۱۴۰ نفر به عنوان نمونه پرسش نامه تکمیل کردند. پرسش نامه خانوار شامل پرسش های بسته با بهره گیری از طیف لیکرت طراحی شد. روایی محتوایی پرسش نامه را جمعی از استادان دانشگاهی تأیید کردند و اعتبار پرسش نامه ها نیز با آزمون آلفای کرونباخ، آزمون شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها نیز، در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

۲-۴- ابزار و روش گردآوری داده ها

روش پژوهش در این مطالعه ترکیبی از دو روش کتابخانه ای و میدانی می باشد. عبارت دیگر ابتدا با استفاده از ابزار فیش برداری مبانی نظری و پیشینه پژوهش گردآوری شده و سپس با استفاده از ابزار پرسشنامه و بصورت میدانی داده ها و اطلاعات جمع آوری می گردد. پرسشنامه حاصله شامل دو بخش خواهد بود. بخش اول مربوط به سؤالات فردی بوده و بخش دوم مربوط به سؤالات تخصصی است. سؤالات فردی در بخش اول، در مورد جنسیت، سطح تحصیلات و سن بوده و بخش دوم پرسشنامه نیز شامل سؤالات تخصصی خواهد بود. برای طراحی این بخش از طیف لیکرت ۵ گزینه ای که یکی از رایج ترین مقیاس های اندازه گیری است، استفاده می شود. برای این کار، طیف لیکرت از یک تا پنج (بسیار زیاد امتیاز پنج، زیاد امتیاز چهار، متوسط امتیاز سه، کم امتیاز دو و بسیار کم امتیاز یک) ارزش گذاری شده است.

۵- نتایج

۵-۱- توصیف جمعیت شناختی نمونه

در جدول ۲، آمار توصیفی مربوط به مشخصات فردی و جمعیت شناختی اعضای نمونه (۱۲۶ فرد) به تفکیک جنسیت، سن و سطح تحصیلات ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج آمار توصیفی اعضای نمونه

ویژگی های جمعیت شناختی	فراوانی	درصد
جنسیت		
مرد	۱۲۵	۸۹
زن	۱۵	۱۱
سن		
کمتر از ۳۰ سال	۹۵	۶۸
۳۰-۴۰	۲۱	۱۵
۴۰-۵۰	۲۴	۱۷

تحصیلات	دیپلم و پایین تر	۱۱۹	۸۵
کارشناسی		۲۱	۱۵

منبع: یافته های تحقیق

بر اساس نتایج جدول ۲، از بین اعضای نمونه، ۸۹ درصد افراد را مردان و ۱۱ درصد را زنان تشکیل می دهند. همچنین بخش بزرگی از پاسخ دهندگان را افرادی تشکیل داده اند که کمتر از ۳۰ سال سن دارند. علاوه بر این، ۸۵ درصد از افرادی که بعنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند، مدرک پایین تر از دیپلم دارند.

۲-۵- یافته ها

در این مطالعه، توسعه بازارچه های مرزی از ابعاد اشتغال، درآمد، پس انداز، مشارکت اجتماعی، روحیه کار گروهی و تعاملات اجتماعی با کشورهای همسایه مطالعه گردید. هر یک از این مولفه ها در قالب سوالاتی سنجیده شد. بطوریکه برای سنجش اشتغال از سوال ۱-۴، برای سنجش درآمد از سوال ۵-۹، برای سنجش پس انداز از سوال ۱۰-۱۵، برای سنجش مشارکت اجتماعی از سوال ۱۶-۲۰، برای سنجش روحیه کار گروهی ۲۱-۲۶ و برای سنجش تعاملات اجتماعی با کشورهای همسایه از سوال ۲۷-۳۳ استفاده شد. برای سنجش کارآفرینی نیز از پرسشنامه کارآفرینی فردی محقق ساخته با ۳۱ سوال استفاده گردید. ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از ابعاد ارایه شده بالاتر از ۰/۷ بوده و بیانگر این است که پرسشنامه محقق ساخته از پایایی لازم برخوردار است (جدول ۲). روایی پرسشنامه نیز بصورت محتوایی بوده و مورد تایید اساتید و خبرگان موضوع پژوهش قرار گرفته است.

جدول ۲: نتایج بررسی پایایی مولفه های پژوهش

مولفه	ضریب آلفای کرونباخ	پایایی	روایی
اشتغال	۰/۷۵	دارد	دارد
درآمد	۰/۷۷	دارد	دارد
پس انداز	۰/۷۳	دارد	دارد
مشارکت اجتماعی	۰/۸۰	دارد	دارد
روحیه کار گروهی	۰/۷۹	دارد	دارد
تعاملات اجتماعی با کشور همسایه	۰/۷۷	دارد	دارد
کارآفرینی	۰/۸۳	دارد	دارد

منبع: یافته های تحقیق

در ادامه با استفاده از روش رگرسیونی می توان تاثیر هر یک از ابعاد بازارچه مرزی بر توسعه کارآفرینی در بازارچه مرزی ریمدان را بررسی نمود. برای این کار از نرم افزار SPSS استفاده شده و نتایج خروجی تحلیل همبستگی در جدول ۳ ارائه شده است

جدول ۳: تاثیر توانمندسازی اجتماعی بر توسعه کارآفرینی

متغیر	ضریب	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اشتغال	۰/۱۲۴	۰/۳۵	۰/۰۴
درآمد	۰/۳۷	۰/۴۸	۰/۰۱
پس انداز	۰/۰۸۹	۰/۱۹	۰/۰۹
مشارکت اجتماعی	۰/۱۹	۰/۳۰	۰/۰۵
روحیه کار گروهی	۰/۱۴	۰/۲۶	۰/۰۴
تعاملات اجتماعی با کشور همسایه	۰/۲۳	۰/۳۹	۰/۰۲

منبع: یافته های تحقیق

بر اساس نتایج برآوردی بعد اشتغال توسعه بازارچه های مرزی، بر توسعه کارآفرینی در بازارچه مرزی ریمدان تاثیر مثبت داشته است. این تاثیر در سطح معناداری ۵ درصد به لحاظ آماری معنادار می باشد. بعبارت دیگر، با توسعه بازارچه مرزی، اشتغال ایجاد شده می تواند با خلق درآمد برای ساکنین مرزی، توسعه کارآفرینی و بهبود کسب و کار را تحریک کند. همچنین در سطح معناداری ۵ درصد، بعد درآمد توسعه بازارچه های مرزی، بر توسعه کارآفرینی در بازارچه مرزی ریمدان تاثیر مثبت داشته است. بعبارت دیگر توسعه بازارچه های مرزی با بهبود درآمد مرزنشین ها می تواند به توسعه کارآفرینی منجر گردد. در سطح معناداری ۵ درصد، بعد پس انداز توسعه بازارچه های مرزی، بر توسعه کارآفرینی در بازارچه مرزی ریمدان تاثیر مثبت داشته اما این تاثیر در سطح معناداری ۵ درصد به لحاظ آماری معنادار نمی باشد.

بر اساس نتایج تحلیل همبستگی، در سطح معناداری ۵ درصد، بعد روحیه کار گروهی توسعه بازارچه های مرزی، بر توسعه کارآفرینی در بازارچه مرزی ریمدان تاثیر مثبت داشته است. بعبارت دیگر توسعه بازارچه های مرزی با بهبود روحیه کار گروهی می تواند به توسعه کارآفرینی منجر گردد. علاوه بر این، در سطح معناداری ۵ درصد، بعد تعاملات اجتماعی با کشور همسایه توسعه بازارچه های مرزی، بر توسعه کارآفرینی در بازارچه مرزی ریمدان تاثیر مثبت و معنادار داشته است. از این رو می توان گفت که توسعه بازارچه های مرزی با بهبود تعاملات اجتماعی با کشور همسایه می تواند به توسعه کارآفرینی منجر گردد

۶- نتیجه گیری

امروزه تجارت به منزله موتور رشد و توسعه معرفی شده است؛ زیرا کشورهایی که سیستم های باز خارجی دارند، کمتر دچار فقر شده و به واسطه رونق تجارت خارجی، نابرابری ها را کاهش داده اند؛ از این رو کشورهای در حال توسعه به منظور دستیابی به توسعه، لازم است به دنبال حضوری جدی تر در عرصه تجارت جهانی باشند؛ ازجمله روش های حضور فعال در تجارت جهانی، گسترش مبادلات مناطق مرزی بین کشورها و احداث بازارچه های مرزی است. در این راستا نقاط روستایی مناطق مرزی کشور به دلیل دوری

از مرکز و فقدان بسترهای اقتصادی و صنعتی، از لحاظ سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در اولویت قرار دارند. ناتوانایی‌های بالقوه در تولید، نبود اشتغال، کم‌بودن درآمد و دسترسی نداشتن به نیازهای اولیه، عمده‌ترین مشخصه اقتصادی - اجتماعی این مناطق است.

در این پژوهش، بازارچه مرزی ریمدان در چابهار مورد مطالعه قرار گرفته و نقش بازارچه مرزی در توسعه کارآفرینی مطالعه شده است. جامعه آماری این پژوهش را خانوارهای ساکن در روستاهای مرزی واقع در بازارچه مرزی ریمدان تشکیل می‌دهند. با بهره‌گیری از فرمول کوکران، حجم نمونه از کل ۴۳ روستای واقع در این دهستان‌ها، تعداد ۸ روستا و از میان ۱۰۶۸ خانوار، تعداد ۱۴۰ خانوار تعیین شد. گزینش خانوارهای نمونه نیز به این صورت انجام شد که در روستاهای نزدیک مرز هر روستا ۳۰ پرسش‌نامه، روستاهای در فاصله متوسط مرز هر روستا ۲۰ پرسش‌نامه و در نهایت روستاهای در فاصله دور از مرز در هر روستا ۱۰ پرسش‌نامه توزیع شد و در مجموع ۱۴۰ نفر به عنوان نمونه پرسش‌نامه تکمیل کردند. پرسش‌نامه خانوار شامل پرسش‌های بسته با بهره‌گیری از طیف لیکرت طراحی شد. روایی محتوایی پرسش‌نامه را جمعی از استادان دانشگاهی تأیید کردند و اعتبار پرسش‌نامه‌ها نیز با آزمون آلفای کرونباخ، آزمون گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز، در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

روش پژوهش در این مطالعه ترکیبی از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی بود. عبارت دیگر ابتدا با استفاده از ابزار فیش برداری مبانی نظری و پیشینه پژوهش گردآوری شده و سپس با استفاده از ابزار پرسشنامه و بصورت میدانی داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری می‌گردد. در این مطالعه، توسعه بازارچه‌های مرزی در قالب پرسشنامه ۳۳ سوالی محقق ساخته و با استفاده از ابعاد اشتغال، درآمد، پس‌انداز، مشارکت اجتماعی، روحیه کارگروهي و تعاملات اجتماعی با کشورهای همسایه مطالعه گردید. برای سنجش کارآفرینی نیز از پرسشنامه کارآفرینی فردی محقق ساخته با ۳۱ سوال استفاده گردید. ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از ابعاد ارایه شده بالاتر از ۰/۷ بوده و بیانگر این است که پرسشنامه محقق ساخته از پایایی لازم برخوردار است. روایی پرسشنامه نیز بصورت محتوایی بوده و مورد تایید اساتید و خبرگان موضوع پژوهش قرار گرفته است.

نتایج خروجی تحلیل همبستگی نشان داد که بعد اشتغال و بعد درآمد توسعه بازارچه‌های مرزی، بر توسعه کارآفرینی در بازارچه مرزی ریمدان تاثیر مثبت داشته است. این تاثیر در سطح معناداری ۵ درصد به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. عبارت دیگر، با توسعه بازارچه مرزی، اشتغال ایجاد شده می‌تواند با خلق درآمد برای ساکنین مرزی، توسعه کارآفرینی و بهبود کسب و کار را تحریک کند. در سطح معناداری ۵ درصد، بعد پس‌انداز توسعه بازارچه‌های مرزی، بر توسعه کارآفرینی در بازارچه مرزی ریمدان تاثیر مثبت داشته اما این تاثیر در سطح معناداری ۵ درصد به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. براساس نتایج تحلیل همبستگی، در سطح معناداری ۵ درصد، بعد روحیه کارگروهي و بعد تعاملات اجتماعی با کشور همسایه در قالب توسعه بازارچه‌های مرزی، بر توسعه کارآفرینی در بازارچه مرزی ریمدان تاثیر مثبت داشته است. عبارت دیگر توسعه بازارچه‌های مرزی با بهبود روحیه کارگروهي و ارتقای سطح تعاملات اجتماعی با کشور همسایه می‌تواند به توسعه کارآفرینی منجر گردد.

منابع

- ## ابراهیمی مستکانی، عابد، (۱۳۹۴)، ارزیابی تأثیرات اجتماعی - اقتصادی بازارچه مرزی سرو بر توسعه مناطق روستایی پیرامون، پژوهش‌های روستایی، دوره ۶، شماره ۲، ۳۶۹-۳۸۸، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران.
- ## احمدی پور، زهرا، حافظ‌نیا، محمدرضا و محمدپور، علیرضا، (۱۳۸۷)، تأثیرات اقتصادی و اجتماعی بازگشایی مرزها؛ نمونه موردی: بخش باجگیران در مرز ایران و ترکمنستان، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۶۵، ۱-۱۸، مؤسسه جغرافیا دانشگاه تهران.
- ## احمدی و همکاران. (۱۳۹۸). اثرات بازارچه‌های مرزی موقت در امنیت اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی مرزنشین (روستاهای مرزنشین شهرستان مریوان). نشریه پژوهشنامه جغرافیای انتظامی. شماره ۲۷. صص ۶۳-۹۰.
- ## اصلانی اسلمرز، عابد، (۱۳۹۴)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش مرزنشینان بانه‌ای به قاچاق کالا (زمینه‌ها و راهکارها)، فصلنامه انتظام اجتماعی، شماره ۲، ۳۳-۵۶، دانشکده علوم و فنون انتظامی.
- ## ارمغان، سیمین، (۱۳۹۱)، آثار اقتصادی بازارهای مرزی در توسعه روستاهای شهر آستارا، همایش ملی توسعه روستایی.
- ## فتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، پاپلی یزدی، محمدحسین و عبدی، عرفان، (۱۳۸۷)، ارزیابی آثار اقتصادی بازارچه‌های مرزی در بازتاب‌های توسعه مناطق مرزی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۴، شماره ۲، ۸۲-۱۰۹، تهران.
- ## بدری و همکاران. (۱۳۹۶). تاثیر بازارچه‌های مرزی بر ارتقاء شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی مناطق روستایی مرزنشین مطالعه موردی: مرز باشماق مریوان. نشریه برنامه ریزی فضایی جغرافیا. شماره ۳. صص ۵۶-۷۸.
- ## چولکی، غلامرضا، (۱۳۹۱)، بررسی نقش تحولات اقتصادی مناطق مرزی در برقراری نظم و امنیت پایدار مرزها؛ مطالعه موردی: بازارچه مرزی، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها.
- ## چولکی، خلیل، (۱۳۹۱)، ارزیابی اقتصادی و بررسی منافع حاصله بازارچه‌های مرزی بر روستاهای پیرامون؛ مطالعه موردی: بازارچه مرزی کیله شهرستان سردشت، استان آذربایجان غربی، چهارمین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا.
- ## حسینی، سیدعلی، (۱۳۹۳)، تحلیل عوامل مؤثر بر افزایش درآمد و اشتغال روستاییان در استان گیلان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۳، شماره ۱ (پیاپی ۷)، ۱۹-۳۴، دانشگاه خوارزمی.
- ## دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی، (۱۳۸۱)، برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی، جزوه آموزشی.
- ## رازینی، ابراهیم‌علی و باستانی، علیرضا، (۱۳۸۱)، گزارش تحلیلی بر نقش و عملکرد بازارچه‌های مرزی، معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی وزارت بازرگانی.
- ## سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، (۱۳۷۸)، اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران.

شرافت، سجاد، (۱۳۹۱)، نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه روستایی مناطق مرزی؛ مطالعه موردی: بازارچه مرزی مهران، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها.

طیب‌نیا، هادی، (۱۳۹۵)، نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی؛ نمونه: روستاهای بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۵، شماره ۱، ۱۴۷-۱۷۲، دانشگاه خوارزمی.

عاشری، امامعلی، (۱۳۹۰)، ارزیابی آثار اقتصادی - اجتماعی و امنیتی احداث بازارچه‌های مرزی و نقش آن در توسعه مناطق مرزی؛ نمونه موردی: بازارچه مرزی جوانرود (شیخ صالح)، دومین همایش ملی راهکارهای توسعه اقتصادی با محوریت برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سندج.

عندلیب، علیرضا، (۱۳۸۰)، نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران.

فرازمند و همکاران. (۱۳۹۸). نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در استان‌های غرب کشور (مطالعه موردی: مرز مهران). نشریه نشریه جامعه‌شناسی سیاسی ایران. دوره ۲، شماره ۴. صص ۲۷-۴۹

فصیحی، حبیب‌اله، (۱۳۹۳)، آینده قاچاق کالا؛ هشدار برای انحطاط شهری بانه، دوازدهمین کنگره انجمن جغرافیایی ایران با محوریت آمایش سرزمین، الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت.

کهنه‌پوشی، سیدهادی و عنابستانی، علی‌اکبر، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین فاصله از مرز و میزان درآمد و اشتغال در قاچاق کالا (نمونه موردی: بخش خاو و میرآباد- مریوان)، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال ۴، شماره ۱۵، ۱-۲۰، دانشگاه اصفهان.

کهنه‌پوشی، سیدهادی، (۱۳۹۲)، تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد روستاهای مرزی؛ نمونه: بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان، جغرافیا و توسعه، شماره ۳۲، ۶۱-۷۴، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

عبده زاده، سیروان و فتح‌اللهی، سعید. (۱۳۹۴). بازارچه‌های مرزی و احساس امنیت اقتصادی- اجتماعی روستائیان مرزنشین مورد مطالعه: بازارچه‌ها و روستاهای مرزی شهرستان مریوان. نشریه توسعه روستایی. پایانی ۱۱. شماره ۲. صص ۷۴-۹۸

محمدی، سعدی. (۱۴۰۱). تحلیل عوامل موثر بر عملکرد نامطلوب بازارچه‌های مرزی در عدم توسعه اقتصادی- اجتماعی روستاهای پیرامون مرز باشماق مطالعه موردی: روستاهای مرزی شهرستان مریوان. نشریه آمایش جغرافیایی فضا. دوره ۱۲، شماره ۴۳. صص ۸۵-

محمدی یگانه، بهروز، (۱۳۹۱)، ارزیابی آثار اقتصادی بازارچه مرزی مهران بر توسعه نواحی روستایی؛ مطالعه موردی: دهستان محسن‌آباد، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال ۱۲، شماره ۲، ۷۹-۹۶، دانشگاه تربیت معلم تهران.



دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable
Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

##نسترن، مهین، (۱۳۹۴)، تحلیل عوامل مؤثر بر تمرکز اشتغال غیررسمی در شهر مرزی بانه، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات

شهری، شماره ۱۴، ۹۱-۱۰۱، دانشگاه کردستان.

The Role of Border Markets in Entrepreneurship Development by Involving the Local
Community in the Development of Border Markets: A Case Study of Rimdan Border Market
in Chabahar

Abstract

Over the past few years, despite great efforts towards entrepreneurship development, due to numerous problems, there has been no proper growth in the field of small and medium-sized business development in the country. In other words, entrepreneurship development in the country requires a network of different elements, which is called the entrepreneurial ecosystem. Because Iran needs to adopt a regional approach to its development as a network of regional entrepreneurial ecosystems. Formulating basic strategies and long-term policies and targeted inter-sectoral interactions to utilize the potential capacity available in the country can improve Iran's entrepreneurial ecosystem. One of the things that can be effective in the development of entrepreneurship is the development of border markets.

In this study, the role of the Rimdan border market located in Chabahar on the development of entrepreneurship was studied. The statistical population of this study consists of households living in border villages located in the Rimdan border market. For this purpose, a sample of 140 households was determined and a researcher-made questionnaire was distributed among them. The content validity of the questionnaire was confirmed by a group of university professors, and the validity of the questionnaires was also tested with the Cronbach's alpha test. For data analysis, SPSS software was used in two sections of descriptive and inferential statistics. The results of the correlation analysis showed that the employment and income dimensions of the border markets had a positive effect on the development of entrepreneurship in the Rimdan border market. This effect is statistically significant at a significance level of 5 percent. In other words, by developing the border market, the employment created can stimulate the development of entrepreneurship and improve business by creating income for border residents. At a significance level of 5 percent, the savings dimension of border markets has a positive effect on the development of entrepreneurship in the border market of Rimdan, but this effect is not statistically significant at a significance level of 5 percent. According to the results of the correlation analysis, at a significance level of 5 percent, the teamwork spirit dimension and the social interactions dimension with the neighboring country in the form of the development of border markets have a positive effect on the development of entrepreneurship in the border market of Rimdan. In other words, the development of border markets can lead to the development of entrepreneurship by improving the teamwork spirit and improving the level of social interactions with the neighboring country.

Keywords: Border market, entrepreneurship, Chabahar, Rimdan border market

بررسی نقش اعتماد سازمانی در فرآیند تسهیم دانش در آموزش و پرورش شهر لار

کورورش؛ جنگجو؛ ابواب جمعی آموزش و پرورش لارستان؛ hamidrezarazi84@gmail.com

نعمت؛ ساربان؛ ابواب جمعی آموزش و پرورش لارستان؛ hamidrezarazi83@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بر بررسی نقش اعتماد سازمانی در فرآیند تسهیم دانش در آموزش و پرورش شهر لار در سال تحصیلی (۱۴۰۳-۱۴۰۲) می باشد. روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه معلمان مدارس ابتدایی شهر لار که شامل ۱۳۹ نفر معلم (۱۰۸ زن و ۳۱ مرد) بوده که به منظور جمع آوری داده ها در این پژوهش پرسشنامه ها بین هر ۱۳۹ نفر توزیع گردید که در نهایت ۱۲۵ پرسشنامه (۹۴ زن و ۳۱ مرد) قابل استفاده تشخیص داده شد. این بدان معناست که از بین جامعه آماری زنان ۱۴ پرسشنامه غیر قابل استفاده بوده است. برای گردآوری مبانی نظری از روش کتابخانه ای و برای گردآوری داده ها از روش میدانی استفاده شد و برای سنجش متغیرهای تحقیق از پرسشنامه اعتماد سازمانی شاگلی-زالابک و همکاران (۱۹۹۹) و پرسشنامه تسهیم دانش چانگ، لیائو، لی، لو (۲۰۱۳)، روایی آنها با استفاده از نظرات اساتید و پایایی پرسشنامه ها با روش آلفای کرونباخ بررسی و سپس مورد استفاده قرار گرفت. داده ها با استفاده از آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شد. نتایج نشان داد، اعتماد سازمانی با فرایند تسهیم دانش در معلمان مدارس ابتدایی آموزش و پرورش شهر لار رابطه مستقیم دارد.

واژگان کلیدی: اعتماد سازمانی، تسهیم دانش، آموزش و پرورش.

۱. مقدمه

آموزش و پرورش به عنوان یک سیستم اجتماعی به منظور بهره‌وری و تأمین الزامات محیطی می‌بایست فرآیند های خود را به صورت هدفدار و منسجم مدیریت نماید (هاشمی و عباسی، ۲۰۱۴). بنابراین استقرار یک سیستم مدیریتی منسجم و دانش مدار به منظور ایجاد تسهیم دانش در سازمان ضروری می‌باشد (لیل، ۲۰۱۳). تسهیم دانش به عنوان "روشی که سازمان ها ایجاد، تکمیل و سازماندهی می کنند تا دانش و جریان های عادی کار در رابطه با فعالیت هایشان در داخل فرهنگ هایشان و همچنین کارآیی سازمان را از طریق بهبود بکارگیری مهارت های گسترده نیروی کارشان، انطباق دهند و توسعه بخشند" مطرح می‌باشد. بنابراین سازمان آموزش و پرورش، که اصلی ترین تولید کننده دانش و محور و موتور توسعه در هر جامعه‌ای به شمار می‌روند، از تغییرات عصر حاضر مصون نبوده و باید از راه یادگیری همیشگی، افراد را برای رویارویی با تغییرات آماده نمایند و به بیان دیگر به یک سازمان دانش مدار تبدیل شوند (شریفی و اسلامی، ۱۳۸۷). تسهیم دانش، ابزار شناخت و اهرمی برای دانش جمعی در سازمان است تا به رقابت سازمان کمک کند. تسهیم دانش وسیله‌ای است که به طور سیستماتیک به افراد، گروه‌ها و تیم ها کمک

می کند تا دانسته ها، نیازها و خواسته های دانشی افراد و سازمان را بشناسد، دانسته ها را با سازماندهی و انتشار، اثربخش تر سازند و با به کار گرفتن دانسته ها بتوانند دانش جدیدی را ایجاد کنند (شاکری، میرغفوری، شاکری، ۱۳۸۹). از طرفی تسهیم دانش به عنوان یک متدولوژی برای تولید، حفظ، و بهره برداری از تمام امکانات مجموعه عظیمی از دانش است که هر سازمانی در فعالیت های روزانه خود از آنها سود می جوید. همچنین دیدگاه دیگری وجود دارد که تسهیم دانش را به عنوان مجموعه ای از فرآیندها توصیف می کند که از تولید، توزیع، و بهره برداری، از یادگیری با توجه به رویکرد های دانش، نو و خلاقانه حمایت می نماید (مختاری و فرضی، ۱۳۸۹). تسهیم دانش می تواند سازمان را در جهت تحقق مطلوبیت های اساسی خود یاری دهد. اعتماد به عنوان عنصر تسهیل کننده در فعالیت های سازمانی می باشد. اعتماد درون سازمان غالباً به شکل اعتماد کارکنان به مدیر و اعتماد مدیران به کارکنان می باشد. البته علاوه بر این روابط دوگانه اعتماد، اعتماد متقابل در کارکنان، تیم ها، و بخش های سازمان باید وجود داشته باشد (ایگنل، ساندار و ربکا، ۱۷، ۲۰۰۷). ایجاد محیطی که دارای اعتماد سازمانی است، کاربرد های مثبت زیادی برای سازمان دارد. محققان معتقدند که اعتماد به عنوان یک ساختار مهم یک پیشینی کننده مهم واکنشها، رفتار و عملکرد کارکنان و همچنین فرایند های سازمانی است (پوهان، ۱۸، ۲۰۰۷). بر طبق نظر تایلر (۱۹۹۶) اعتماد کلیدی برای تسهیم دانش است زیرا باعث ایجاد همکاری داوطلبانه ۱۹ می شود. این شکل از همکاری در هنگامی که سبک های کنترل و دستور مدیریت به طور دیرپایی اثربخش نیستند اهمیت روزافزونی می یابد. بیشتر افراد در گروه های بسیار پراکنده کار می کنند، همراه با افزایش در تعداد کسانی که در خانه کار می کنند. در اکثر این موقعیتها عملکرد کاری به سهولت قابل مشاهده نیست. از طرفی ماهیت کاری ذاتی در حال تغییر در شیوه هایی است که رویکرد های کنترل و دستور نسبت به انگیزش به طور فزاینده ای سخت شده است. کار بیشتر حول نیروی کار فکری می گردد و بیشتر کارها در تیم های مستقل انجام می شود. مدیریت هر چیزی را کنترل نماید و این بستگی به دخالت از روی میل کارکنان در انجام کار به نحو خوب خواهد داشت. بنابراین همکاری و اعتماد در چنین محیط هایی عوامل کلیدی هستند (کوپمن و بایلسما، ۲۰، ۲۰۰۳). چاتوس و همکاران (۲۰۰۷) ذکر می کنند که اعتماد سازه ای چند بعدی است و طبقه بندی ها از ابعاد آن شامل شایستگی، صداقت، تعهد، قابلیت اطمینان ۲۱، بازبودن، توجه به کارکنان، اعتبار ۲۲ و بازبودن یا درستکاری می شود. شتاب تغییرات و دگرگونی های محیطی، فضای رقابتی فشرده های را در نظام های آموزشی ایجاد کرده است. بر این اساس آموزش و پرورش برای بقاء در این عرصه ناگزیر می باید به سطح بالایی از دانش و اطلاعات دست یابند و علاوه بر آن از نیروی انسانی خلاق، دانش مدار و با قدرت تصمیم گیری بهره مند باشند. کارکنان توانمندی که با احساس مسئولیت، خلاقیت و ابتکار و اعتماد به نفس و احساس تعلق سازمانی و توانا در کار گروهی با عملکرد خوب بتوانند در افزایش بهره وری سازمان نقش مؤثری ایفا کنند (تسکری، ۱۳۸۷). اگر دانش در سازمانها بخواهد ماندگار شود و تنها به عنوان یک سرگرمی موقتی تلقی نشود،

¹⁷ Ignel, Sandra and Rebecca

¹⁸ Pouhan

¹⁹ Voluntary Cooperation

²⁰ Bijlsma & Koopman

²¹ Dependability

²² Reliability

باید با ویژگی های روانی و فنی کارکنان پیوند برقرار کند. از همین رو سازمان ها برای اجرای کارآمد و اثربخش فراگرد مدیریت دانش بایستی ابتدا با توجه به دانش های آشکار و پنهان موجود در سازمان، تسهیم تسهیم دانش را انتخاب نمایند تا جهت گیری اصلی سازمان برای سرمایه گذاری در زمینه مدیریت دانش تعیین شود. بر همین اساس سازمان ها پیش از هر اقدامی در جهت استقرار مدیریت دانش، بایستی با توجه به ماهیت کاری و دانش های موجود و مرتبط با کسب و کار خود، نحوه بهره برداری مطلوب از سرمایه های دانشی آشکار و پنهان در بلندمدت را با تدوین تسهیم دانش مشخص و تبیین نماید. تسهیم دانش یک مقوله جدید در ادبیات مدیریت دانش است، همان گونه که به کارگیری دانش به عنوان یک ابزار راهبردی برای دستیابی به مزیت رقابتی، نظریه جدیدی است. کستن (۲۰۰۷)، تسهیم دانش را این گونه تعریف می کند: مجموع های از خطوط راهنما که تصمیمات یک سازمان را در خصوص تشخیص، کسب، توسعه، ذخیره سازی، مدیریت، بازیابی و به کارگیری دانش خود شکل می دهد (کاظمیان و کاظمی، ۱۳۸۹). خوشنویس و شهرکی پور (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان نقش تعدیل کننده اعتماد سازمانی در ارتباط بین رهبری تحول آفرین رفتار شهروندی سازمانی و توانمند سازی کارکنان آموزش پرورش ناحیه ۲ شهرستان زاهدان انجام دادند؛ نتایج تحقیق نشان داد، بین اعتماد سازمانی و رهبری تحول آفرین و رفتار شهروندی سازمانی و توانمند سازی کارکنان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد بین توانمند سازی کارکنان و رفتار شهروندی و همچنین بین رهبری تحول آفرین و توانمند سازی کارکنان نیز رابطه معناداری وجود دارد از دیگر یافته های تحقیق وجود رابطه معنادار بین رهبری تحول آفرین و رفتار شهروندی است. آغاز و نگین تاجی (۱۳۹۲)، در تحقیقی با هدف « اعتماد درون سازمانی: عاملی کلیدی در جهت تسهیم واقعی دانش » فرضیه های این پژوهش با استفاده از پرسشنامه در خبرگزاری ایسنا که اکثر کارکنان آن را نیروی کار دانشی و متخصصین تشکیل می دهند به آزمون گذارده شده اند. براساس نتایج این پژوهش، اعتماد درون سازمانی بر رفتار های تسهیم دانش درون واحدی و میان واحدی مؤثر است. البته شدت این رابطه درباره تسهیم دانش خود را با اعضای شایسته تر واحد خود تسهیم کنند، اما از اینکه دانش خود را در اختیار اعضای سایر واحدها بگذارند چندان هراسی ندارند. نکته مهم این بود که افراد با سابقه مدیریتی بیشتر کمتر تمایل به در اختیار دیگران گذاشتن دانش خود داشتند. جیمز و واله (۲۰۱۶) تحقیقی را با هدف بررسی ارتباط بین اعتماد سازمانی و نوآوری سازمانی و تأثیر آنها بر عملکرد انجام داده و به این نتیجه رسیدند که اعتماد سازمانی بر نوآوری سازمانی تأثیر مثبت و معنا دار دارد. هالاولی (۲۰۱۴)، در رساله دکتری خود به بررسی سیستم های تسهیم دانش در سازمان های نوآور پرداخته است. هدف این پژوهش، توسعه مدلی است که بتواند برای سنجش موفقیت سیستم تسهیم دانش در سازمان های دانش محور باشد. سیستم تسهیم دانش موفق دارای متغیرهای کیفیت سیستم، کیفیت دانش، کیفیت خدمات، تمایل به کاربرد و رضایت کاربر بود که موفقیت سیستم های تسهیم دانش را می سنجید. یافته ها نشان داد که این مدل، پتانسیل کاربرد در مطالعات سیستم های مدیریت دانش آینده را دارد.

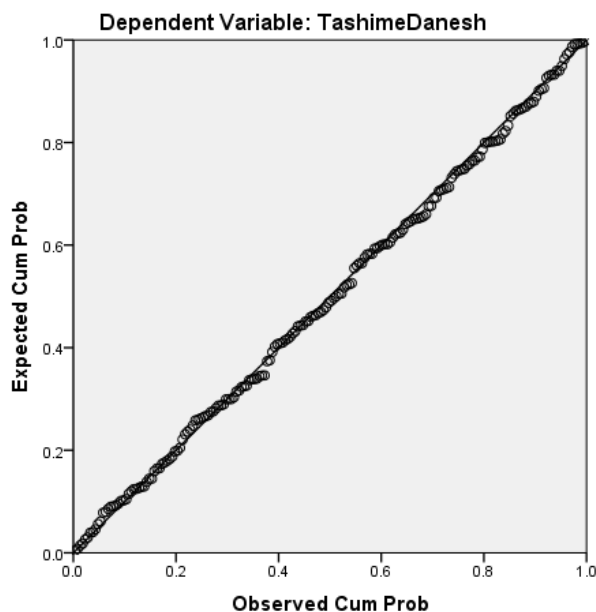
۲. مواد و روش ها

جامعه آماری جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه معلمان مدارس ابتدایی شهر لار که شامل ۱۳۹ نفر معلم (۱۰۸ زن و ۳۱ مرد) بود. به منظور جمع آوری داده ها در این پژوهش پرسشنامه ها بین هر ۱۳۹ نفر توزیع گردید که در نهایت ۱۲۵ پرسشنامه (۹۴ زن و ۳۱ مرد) قابل استفاده تشخیص داده شد. این بدان معناست که از بین جامعه آماری زنان ۱۴ پرسشنامه غیر قابل استفاده بوده است. یکی از روش های بسیار متداول در گردآوری اطلاعات میدانی روش پرسشنامه ای است که امر گردآوری اطلاعات را در سطح وسیع، امکان پذیر می سازد. در این پژوهش از دو پرسشنامه استفاده خواهد شد. الف) اعتماد سازمانی: از پرسشنامه اعتماد سازمانی شاکلی-زالابک و همکاران (۱۹۹۹) استفاده خواهد شد که از ۴ بعد و ۱۶ گویه تشکیل شده است و شامل ابعاد درستی و صداقت (۴ سوال) قابلیت اتکا (۴ سوال)، شایستگی (۴ سوال) تعهد سازمانی (۴ سوال) بود. ب) پرسشنامه تسهیم دانش چانگک، لیائو، لی، لو (۲۰۱۳) سشنامه تسهیم دانش در ۳ بعد تسهیم دانش فردی، تسهیم فرصت یادگیری و تشویق انگیزه یادگیری می باشد. پرسشنامه شامل ۱۰ سوال می باشد. تجزیه و تحلیل داده های حاصل از پرسش نامه، در آمار استنباطی ۲۵ صورت گرفت. ابتدا جهت نرمال بودن توزیع داده ها از آزمون کالموگروف اسمیرنف استفاده شد و سپس از آزمون های ضریب همبستگی پیرسون برای تعیین رابطه متغیرها، استفاده شد. ضمناً سطح معناداری در این پژوهش $\alpha: 0/05$ در نظر گرفته شد و داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل گردید.

۳. نتایج

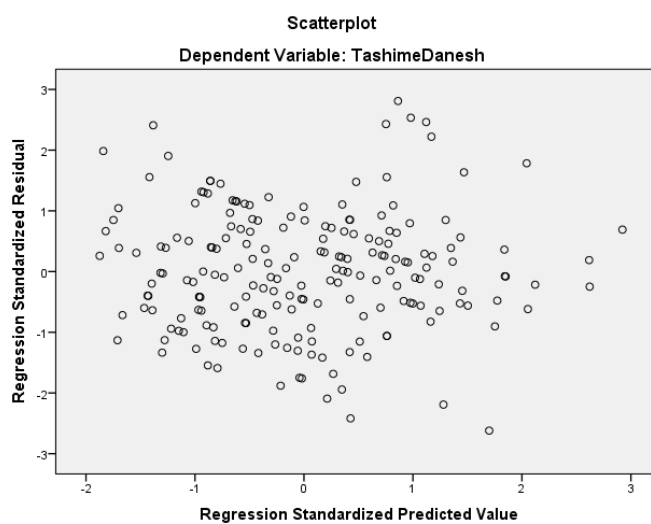
فرضیه تحقیق: اعتماد سازمانی با فرایند تسهیم دانش در معلمان مدارس ابتدایی آموزش و پرورش شهر لار رابطه مستقیم دارد. جهت بررسی فرضیه تحقیق از روش همبستگی پیرسون استفاده شده است. نمودار ارائه شده در زیر مربوط به نرمال بودن داده ها برای فرایند تسهیم دانش می باشد. در این نمودار همانطور که انتظار می رود نقاط به طور قابل قبولی در روی خط قطری از انتهای سمت چپ تا بالای سمت راست قرار دارند. این بدان معنی است که انحراف زیادی از نرمال بودن صورت نگرفته است.

Normal P-P Plot of Regression Standardized Residual



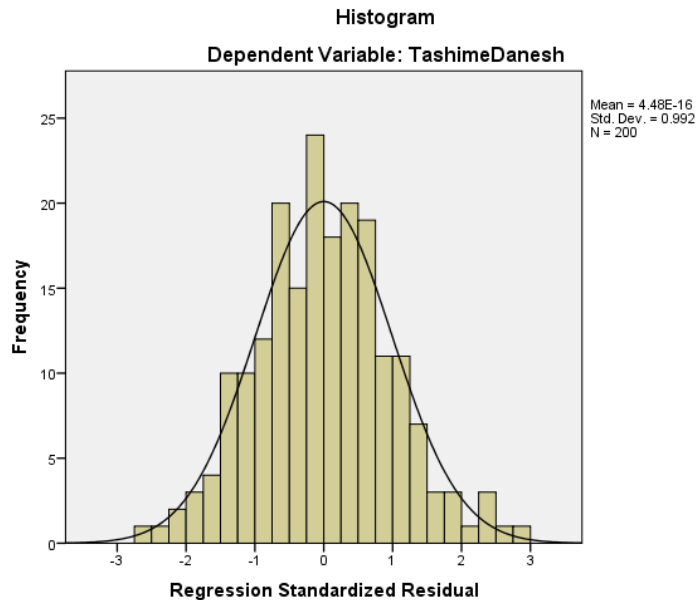
نمودار ۱. پس ماندهای استاندارد رگرسیونی فرایند تسهیم دانش

در این نمودار نیز همانطور که انتظار داریم در پس ماندها توزیع اکثریت داده ها بطور تقریبی در مرکز نمودار در امتداد نقطه صفر متمرکز شده اند.



نمودار ۲. توزیع پس ماندها برای فرایند تسهیم دانش

در نمودار زیر نیز نرمال بودن توزیع داده ها مشخص می باشد.



نمودار ۳. نرمال بودن متغیرها برای فرایند تسهیم دانش

جدول ۱. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲
۱. اعتماد سازمانی	۱	۰/۳۱**
۲. تسهیم دانش	۰/۳۱**	۱

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول، رابطه مستقیم اعتماد سازمانی با فرایند تسهیم دانش برابر با ۰/۳۱ و با توجه به مقدار $t(5/0.3)$ در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بر این اساس فرضیه پژوهش تایید می شود و می توان گفت اعتماد سازمانی با فرایند تسهیم دانش در معلمان مدارس ابتدایی آموزش و پرورش شهر لار رابطه مستقیم دارد.

۴. بحث و نتیجه گیری

از مجموع ۲۰۰ نفر شرکت کننده در پژوهش حاضر ۵۵٪ زن و ۴۵٪ مرد هستند. علاوه بر این، ۱۸٪ کمتر از ۳۰ سال، ۳۸٪ بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۴۲٪ بین ۴۰ تا ۵۰ سال، و ۲٪ بیشتر از ۵۰ سال سن دارند. ضمن اینکه تقریباً ۴٪ کمتر از ۳ سال، ۱۴٪ بین ۳ تا ۵ سال، ۳۷٪ بین ۵ تا ۱۰ سال، و ۴۴٪ بیش از ۱۰ سال دارای سابقه کار هستند. بعلاوه، ۲٪ آنان دارای تحصیلات دیپلم، ۱۴٪ دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۶۱٪ دارای تحصیلات لیسانس، ۲۲٪ دارای تحصیلات فوق لیسانس، و نیم درصد آنان دارای تحصیلات دکترا بوده اند. نتایج این پژوهش نشان داد؛ رابطه مستقیم اعتماد سازمانی با فرایند تسهیم دانش برابر با $0/28$ و با توجه به مقدار $(t=5/03)$ در سطح $0/01$ معنی دار است. بر این اساس فرضیه پژوهش تایید می شود و می توان گفت اعتماد سازمانی با فرایند تسهیم دانش در معلمان مدارس ابتدایی آموزش و پرورش شهر لار رابطه مستقیم دارد. در تبیین این یافته می توان گفت: تسهیم دانش فرآیندی است که در آن فرآیندهای سازمانی در تمامی ابعاد رویکردی دانشی به خود می گیرد و آنچه مسیر سازمان را مشخص می کند دانش و اطلاعات صحیح و متقن می باشد. در چنین سازمانی رفتارهای سازمانی نیز مبتنی بر دانش و اطلاعات موجود در سازمان شکل می گیرد. در این رابطه اعتماد کارکنان به دانش موجود در سازمان نقش مهمی دارد. زمانی تسهیم دانش اتفاق می افتد که اعتماد کافی وجود داشته باشد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش های زارعی، مقدم، مهمان نوازان و شهریاری (۱۳۹۷)، قربانی، نیشابوری، عرفانیان خانزاده و یعقوبی (۱۳۹۶)، هان (۲۰۱۱) و ژنگ و همکاران (۲۰۱۰) همسو می باشد. با توجه به اینکه نتایج پژوهش نشان داد؛ اعتماد سازمانی با فرایند تسهیم دانش در معلمان مدارس ابتدایی آموزش و پرورش شهر لار رابطه مستقیم دارد. پیشنهاد می شود؛ فرآیندهای غیررسمی در سازمان به منظور ایجاد اعتماد سازمانی مدنظر قرار گیرد. اعتماد سازمانی کارکنان از طریق پاداش های مادی و معنوی افزایش یابد. محدودیت های این پژوهش می توان به موارد زیر اشاره کرد: با توجه به اینکه موضوع پیش بینی تسهیم دانش از طریق اعتماد سازمانی یکی از مفاهیم نوپا در ادبیات مدیریت است که از غنای زیادی برخوردار نیست، به همین دلیل لازم است تا پژوهشگران ابعاد گوناگون آن را بررسی کنند. به محققین آتی پیشنهاد می شود به منظور کسب نتایج جامعتر سایر پتانسیل ها و نتایج رهبری تحول گرا از قبیل خشنودی شغلی، رضایت شغلی، فرایندهای تغییر و تصمیم گیری را مورد بررسی قرار دهند. از آن جایی که کارکنان هریک از سطوح سازمانی نقش های متفاوتی را در فرایندهای سازمانی ایفا می کنند؛ شایسته است که متغیرهای تحقیق در سطوح مختلف سلسله مراتب سازمانی به طور مجزا مورد بررسی قرار گیرند و از کارکنان هر سطح در رابطه با سرپرست و مدیر بالادست خود نظر خواهی شود؛ به عنوان نمونه ریس هر اداره به عنوان مدیر ارشد و مسئول هر بخش به عنوان سرپرست در نظر گرفته شود.

منابع

- ## آغاز. ع ؛ نگین تاجی. ف. (۱۳۹۱). اعتماددرون سازمانی: عامل کلیدی در جهت تسهیم واقعی دانش، فصلنامه علوم مدیریت ایران. سال هفتم، شماره ۲۸، ص ۶۷-۸۶.
- ## تسکری، محمد. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی بر توانمندسازی کارکنان بهداشت و درمان صنعت نفت تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه علمی مدیریت دولتی. دانشگاه پیام نور تهران.
- ## خوشنویس، منصور و حسن شهرکی پور، (۱۳۹۵). نقش تعدیل کننده اعتماد سازمانی در ارتباط بین رهبری تحول آفرین رفتار شهروندی سازمانی و توانمندسازی کارکنان آموزش پرورش ناحیه ۲ شهرستان زاهدان، کنفرانس بین المللی مدیریت و اقتصاد مقاومتی، مالزی، مرکز توسعه آموزش های نوین ایران (متانا).
- ## مختاری، رضا؛ فرضی، محسن، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین موضع کنترل وجود سازمانی با بهره وری کارکنان امور مالیاتی استان تهران ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن .
- ## Hashemi, said Ahmad & Abbasi Abolfazl (2014). The investigation of relationship between emotional intelligence, social capital and the organizational commitment of the high schools teachers in lamerd, iran, International Journal of current life science, vol.4(5).
- ## Lyles, M. A. (2013), Organizational Learning, knowledge creation, problem formulation and innovation in messy problems, European Management Journal, pp:1-5.
- ## Pouhan, J.A. (2007). Spirituality in management education: a guide to resources. Journal of Management Education, Vol. 21 No. 1, pp. 121-39.
- ## Ignel, K, Robinson Sandra L. and Bennett Rebecca J. (2007). A Typology of Deviant Workplace Behaviors: a Multidimensional Scaling Study. Academy of Management Journal, Vol. 38 No.2, pp. 555-572.
- ## Halavi, F (۲۰۱۴), RAes enarechw arteiclr and broader definition of burnout: Validation of the "Burnout Clinical Subtype Questionnaire (BCSQ-36)", <http://www.biomedcentral.com/1471-2458/10/302>
- ## Jiménez-Jimenez,D.& Sanz-value,R. (۲۰۱۶). Innovation ,organizational learning,and performance.Journal of business Research, Vol. 64, No.4, pp: 408-417.
- ## Koopman, Koopman. Bijlsma. (2003). Introduction: trust within organizations. Personnel Review Vol. 32.

Investigating the role of organizational trust in the process of knowledge sharing in education in Lar city

Koorosh Jangjou¹, Nemat Sarebani²

Address : ¹ EDU (۰۱۶۴۴۴۹۱), Larestan, Iran



Abstract

The aim of the present study is to investigate the role of organizational trust in the process of knowledge sharing in education in Lar city in the academic year (1402-403). The research method is descriptive correlational. The statistical population of this study included all teachers of elementary schools in Lar city, which included 139 teachers (108 women and 31 men). In order to collect data in this study, questionnaires were distributed among each of the 139 people, and finally 125 questionnaires (94 women and 31 men) were found to be usable. This means that among the statistical population of women, 14 questionnaires were unusable. To collect theoretical foundations, the library method was used, and to collect data, the field method was used. To measure the research variables, the organizational trust questionnaire of Shockley-Zalabek et al. (1999) and the knowledge sharing questionnaire of Chang, Liao, Li, Lu (2013) were used. Their validity was examined using the opinions of professors and the reliability of the questionnaires was examined using the Cronbach's alpha method and then used. The data were analyzed using inferential statistics including the Pearson correlation coefficient. The results showed that organizational trust has a direct relationship with the process of knowledge sharing in elementary school teachers in Lar city.

Keywords: organizational trust, knowledge sharing, education.

نقش حقوق کیفری در تولید ملی و مشارکت عمومی

علی؛ نجیبیان؛ استادیار حقوق دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران Ali.najibiyan@gmail.com

حبیب الله؛ آذریان؛ مربی حقوق دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران h.azariyan@pnu.ac.ir

چکیده

حقوق کیفری به عنوان ابزاری برای حفظ نظم اجتماعی و حمایت از منافع عمومی، نقش مهمی در تقویت تولید ملی و تشویق مشارکت عمومی ایفا می کند. این پژوهش با تمرکز بر نظام حقوقی ایران، به بررسی چگونگی تأثیرگذاری جرم انگاری و ضمانت اجرای کیفری بر حمایت از تولید داخلی، حفاظت از مالکیت فکری، و ایجاد انگیزه برای مشارکت عمومی در فعالیتهای اقتصادی می پردازد. از طریق تحلیل قوانین کیفری (مانند قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون حمایت از حقوق مؤلفان ۱۳۴۸)، رویه قضایی، و داده های آماری (مرکز آمار ایران ۱۴۰۲)، این مطالعه نشان می دهد که حقوق کیفری با جرم انگاری تخلفاتی مانند کلاهبرداری، نقض مالکیت فکری، و رقابت ناعادلانه، محیطی امن برای تولید کنندگان و کارآفرینان فراهم می کند. همچنین، با بررسی نقش مشارکت عمومی در اقتصاد مقاومتی، این پژوهش استدلال می کند که حمایت کیفری می تواند اعتماد عمومی را تقویت کرده و مشارکت شهروندان در تولید ملی را افزایش دهد. با این حال، چالش هایی مانند اجرای ناهمگون قوانین و کمبود زیرساخت های قضایی، اثربخشی این حمایت ها را محدود کرده است. پیشنهادات شامل تقویت دادگاه های تخصصی، اصلاح قوانین سایبری، و ترویج فرهنگ مشارکت عمومی از طریق آموزش حقوقی است. این مطالعه با تکیه بر منابع معتبر (WIPO ۲۰۲۳، فقیهی و همکاران ۱۴۰۱) و رویکردی تحلیلی، راهکارهایی برای بهبود نقش حقوق کیفری در اقتصاد ملی ارائه می دهد.

واژگان کلیدی: حقوق کیفری، تولید ملی، مشارکت عمومی، مالکیت فکری، اقتصاد مقاومتی، ایران

۱. مقدمه

تولید ملی و مشارکت عمومی دو ستون اصلی توسعه اقتصادی پایدار در ایران هستند. تولید ملی، به عنوان شاخص توانمندی اقتصادی کشور، نه تنها به رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) کمک می کند، بلکه هویت ملی و استقلال اقتصادی را تقویت می کند. مشارکت عمومی، از سوی دیگر، به معنای حضور فعال شهروندان در فرآیندهای اقتصادی، از سرمایه گذاری و کارآفرینی گرفته تا مصرف کالاهای داخلی و همکاری در تعاونی ها، است که به انسجام اجتماعی و اقتصادی منجر می شود. در ایران، سیاست های اقتصاد مقاومتی (ابلاغیه مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲) بر تقویت تولید داخلی و افزایش مشارکت عمومی تأکید دارند، اما تحقق این اهداف نیازمند محیطی امن و قابل اعتماد است. حقوق کیفری، به عنوان شاخه ای از حقوق عمومی، با جرم انگاری رفتارهای مخلف اقتصاد (مانند

کلاهبرداری، قاچاق، و نقض مالکیت فکری) و اعمال ضمانت اجرای کیفری نظیر حبس و جریمه، نقشی کلیدی در ایجاد این محیط ایفا می کند. این مطالعه به بررسی نقش حقوق کیفری در حمایت از تولید ملی و تشویق مشارکت عمومی در ایران می پردازد و راهکارهایی برای بهبود این حمایت ها ارائه می دهد. حقوق کیفری از طریق سه اصل اساسی به حفظ نظم اقتصادی و اجتماعی کمک می کند: پیشگیری (deterrence)، حفاظت از حقوق بنیادین (مانند مالکیت خصوصی و فکری)، و جبران خسارت (restitution). در ایران، قوانینی مانند قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (مصوب ۱۳۴۸)، و قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری (مصوب ۱۳۸۶) چارچوبی حقوقی برای حمایت از تولید کنندگان، کارآفرینان، و سرمایه گذاران فراهم کرده اند. این قوانین با جرم انگاری تخلفات اقتصادی و تعیین مجازات های بازدارنده، به دنبال کاهش ریسک های فعالیت های تولیدی و تشویق شهروندان به مشارکت فعال در اقتصاد هستند. با این حال، چالش هایی مانند اجرای ناهمگون قوانین، کمبود قضات متخصص، و ضعف در زیرساخت های قضایی، اثربخشی این حمایت ها را محدود کرده است. گزارش مرکز آمار ایران (۱۴۰۲) نشان می دهد که ۴۵ درصد تولید ناخالص داخلی ایران از بخش خصوصی و تعاونی ها تأمین می شود، اما ترس از تخلفات اقتصادی، مانند کلاهبرداری و قاچاق، مانع مشارکت گسترده تر شهروندان است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲). مشارکت عمومی، که در ایران به ویژه از طریق تعاونی ها و کسب و کارهای کوچک ترویج می شود، به اعتماد شهروندان به نظام حقوقی و اقتصادی وابسته است. حقوق کیفری با ایجاد اطمینان از مجازات متخلفان، می تواند این اعتماد را تقویت کرده و شهروندان را به سرمایه گذاری، کارآفرینی، و مصرف کالاهای داخلی تشویق کند. برای مثال، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲) با جرم انگاری قاچاق و پیش بینی مجازات هایی مانند حبس تا ۷ سال، به حمایت از تولید داخلی کمک می کند، اما اجرای ناکارآمد این قانون، اثربخشی آن را کاهش داده است (قانون مبارزه با قاچاق، ۱۳۹۲). این پژوهش به تحلیل چگونگی تأثیر حقوق کیفری بر تولید ملی و مشارکت عمومی پرداخته و موانع و فرصت های موجود را بررسی می کند. طرح بحث این پژوهش با هدف پاسخ به پرسش های زیر طراحی شده است:

۱. حقوق کیفری چگونه از تولید ملی از طریق جرم انگاری و ضمانت اجراها حمایت می کند؟
۲. نقش حقوق کیفری در تشویق مشارکت عمومی در فعالیت های اقتصادی چیست؟
۳. چه چالش هایی در اجرای قوانین کیفری ایران وجود دارد و چگونه می توان آن ها را برطرف کرد؟

این مطالعه در چهار بخش اصلی سازمان دهی شده است:

- بخش اول: مفاهیم و مبانی نظری: تعریف تولید ملی، مشارکت عمومی، و نقش حقوق کیفری در اقتصاد ایران.
- بخش دوم: چارچوب حقوقی حمایت کیفری در ایران: بررسی قوانین کیفری مرتبط با تولید ملی و مشارکت عمومی.
- بخش سوم: چالش ها و فرصت ها: تحلیل موانع اجرایی و نقاط قوت نظام حقوقی ایران.

- بخش چهارم: نتیجه گیری و پیشنهادات: ارائه راهکارهایی برای بهبود حمایت کیفری و تقویت مشارکت عمومی.

اهمیت تولید ملی و مشارکت عمومی تولید ملی به مجموع کالاها و خدمات تولید شده توسط عوامل اقتصادی داخلی (دولتی، خصوصی، و تعاونی) در یک بازه زمانی مشخص اشاره دارد. در ایران، تولید ملی به عنوان بخشی از سیاست های اقتصاد مقاومتی (ابلاغیه هیات دولت؛ ۱۳۹۲) مورد تأکید قرار گرفته و شامل بخش هایی مانند کشاورزی، صنعت، فناوری، و خدمات است. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران (۱۴۰۲)، تولید ملی در سال ۱۴۰۱ حدود ۴۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل داده که بخش خصوصی و تعاونی ها نقش مهمی در آن داشته اند. این آمار نشان دهنده اهمیت تولید داخلی در کاهش وابستگی به اقتصاد خارجی و تقویت خود کفایی است. با این حال، تهدیداتی مانند قاچاق کالا، نقض مالکیت فکری، و کلاهبرداری های اقتصادی، تولید ملی را به خطر می اندازند. گزارش سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO, 2023) نشان می دهد که نقض مالکیت فکری سالانه میلیاردها تومان زیان به کسب و کارهای ایرانی وارد می کند، که بخش قابل توجهی از آن متوجه تولید کنندگان کوچک و متوسط است. مشارکت عمومی به حضور فعال شهروندان در فعالیتهای اقتصادی، از جمله سرمایه گذاری در کسب و کارها، کارآفرینی، و مصرف کالاهای داخلی اشاره دارد. ماده ۴۴ قانون اساسی ایران (۱۳۵۸) اقتصاد را بر سه بخش دولتی، تعاونی، و خصوصی بنا نهاده و تعاونی ها را به عنوان ابزاری برای افزایش مشارکت عمومی معرفی می کند. با این حال، گزارش مرکز پژوهش های مجلس (۱۴۰۲) نشان می دهد که ترس از تخلفات اقتصادی و عدم اعتماد به نظام قضایی، مشارکت عمومی را محدود کرده است. برای مثال، ۶۰ درصد کارآفرینان ایرانی از کندی فرآیندهای قضایی و عدم حمایت کافی در برابر جرایم اقتصادی شکایت دارند (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۴۰۲). حقوق کیفری با جرم انگاری این تخلفات و ایجاد اطمینان از مجازات متخلفان، می تواند اعتماد عمومی را تقویت کرده و مشارکت شهروندان را افزایش دهد. نقش حقوق کیفری در اقتصاد ایران حقوق کیفری از طریق جرم انگاری رفتارهای مخد و اعمال ضمانت اجرای کیفری، محیطی امن برای تولید ملی و مشارکت عمومی ایجاد می کند. این نقش بر سه اصل استوار است:

۱. پیشگیری (Deterrence): مجازات های کیفری، مانند حبس و جریمه، از وقوع جرایم علیه تولید کنندگان و سرمایه گذاران جلوگیری می کنند. برای مثال، ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری (۱۳۶۷) کلاهبرداری را با حبس ۱ تا ۷ سال و رد مال جرم انگاری کرده است، که ریسک های مالی برای تولید کنندگان را کاهش می دهد (قانون تشدید مجازات، ۱۳۶۷).
۲. حفاظت (Protection): حقوق کیفری از حقوق بنیادین مانند مالکیت خصوصی و مالکیت فکری حمایت می کند. قانون ثبت اختراعات (۱۳۸۶) نقض اختراعات یا علائم تجاری را با حبس تا ۹۱ روز و جریمه نقدی جرم انگاری کرده است، که از تولید کنندگان در بخش های صنعتی و فناوری محافظت می کند (قانون ثبت اختراعات، ۱۳۸۶).

۳. جبران (Restitution): ضمانت اجرای کیفری، مانند رد مال، خسارات وارد شده به تولیدکنندگان را جبران می‌کند. ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) با ایجاد دادگاه‌های ویژه اقتصادی، رسیدگی سریع به این جرایم را تضمین می‌کند (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲).

این اصول ریشه در فقه اسلامی دارند که مالکیت مشروع را محترم شمرده و سرقت، تقلب، و ظلم اقتصادی را ممنوع می‌کند. ماده ۴۷ قانون اساسی (۱۳۵۸) مالکیت خصوصی را به عنوان حقی بنیادین به رسمیت می‌شناسد و حقوق کیفری را ابزاری برای حفاظت از آن قرار می‌دهد. برای مثال، ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) سرقت را با مجازات‌های سنگین جرم‌انگاری کرده است، که شامل سرقت مالکیت فکری نیز می‌شود. چالش‌های تولید ملی و مشارکت عمومی تولید ملی و مشارکت عمومی در ایران با چالش‌های متعددی مواجه‌اند که حقوق کیفری می‌تواند به رفع آن‌ها کمک کند:

- نقض مالکیت فکری: سرقت اختراعات، طرح‌های صنعتی، و آثار خلاقانه به ویژه در حوزه فناوری اطلاعات، یکی از تهدیدات اصلی است. گزارش WIPO (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که نقض مالکیت فکری سالانه میلیاردها تومان زیان به تولیدکنندگان ایرانی وارد می‌کند.
- کلاهبرداری و جرایم اقتصادی: کلاهبرداری‌های مالی، سوءاستفاده از تسهیلات بانکی، و اختلاس، اعتماد تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران را تضعیف می‌کنند. گزارش قوه قضائیه (۱۴۰۱) نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۰، بیش از ۵۰۰ پرونده کلاهبرداری علیه کسب و کارهای کوچک در تهران ثبت شده است.
- قاچاق کالا: قاچاق به تولید داخلی آسیب می‌رساند و رقابت ناعادلانه‌ای برای تولیدکنندگان ایجاد می‌کند. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (۱۳۹۲) این رفتار را با حبس تا ۷ سال جرم‌انگاری کرده، اما اجرای آن همچنان چالش برانگیز است.
- کمبود زیرساخت‌های قضایی: نرخ محکومیت در جرایم مالکیت فکری تنها ۴۰ درصد است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲)، که نشان‌دهنده ضعف در شناسایی و اثبات این جرایم است.
- عدم آگاهی عمومی: کمبود آموزش حقوقی باعث کاهش مشارکت عمومی در فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که تنها ۳۰ درصد کارآفرینان ایرانی با قوانین مالکیت فکری آشنا هستند.

ابعاد فرهنگی و اجتماعی فرهنگ حقوقی ایران، که ریشه در فقه اسلامی دارد، نقش مهمی در حمایت کیفری از تولید ملی و مشارکت عمومی ایفا می‌کند. اصول فقهی مانند حرمت سرقت و تقلب، چارچوبی اخلاقی برای جرم‌انگاری رفتارهای مخل فراهم می‌کنند. برای مثال، حمایت از مالکیت مشروع در فقه اسلامی، تولیدکنندگان را از سوءاستفاده‌های مالی و نقض حقوقشان محافظت می‌کند. با این حال، عدم آگاهی عمومی از این حقوق و قوانین، مشارکت شهروندان را محدود کرده است. آموزش حقوقی می‌تواند این چالش را برطرف کند و اعتماد عمومی را تقویت نماید. چشم‌انداز جهانی و تعهدات بین‌المللی ایران به عنوان عضو کنوانسیون‌های

بین‌المللی مانند کنوانسیون پاریس (۱۳۰۱ شمسی) و کنوانسیون برن (۱۳۰۵ شمسی)، متعهد به حمایت از مالکیت فکری است. قانون ثبت اختراعات (۱۳۸۶) و قانون حمایت از حقوق مؤلفان (۱۳۴۸) با این کنوانسیون‌ها همسو هستند و از تولیدکنندگان در برابر نقض حقوقشان محافظت می‌کنند. با این حال، اجرای این تعهدات در حوزه جرایم سایبری، به‌ویژه برای استارت‌آپ‌های دیجیتال، با چالش‌هایی مواجه است (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲). نقش اعتماد عمومی اعتماد عمومی به نظام حقوقی و قضایی یکی از عوامل کلیدی در موفقیت حمایت کیفری از تولید ملی و مشارکت عمومی است. گزارش مرکز آمار ایران (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که ۶۰ درصد تولیدکنندگان به دلیل ترس از تخلفات اقتصادی و کندی فرآیندهای قضایی، تمایل کمتری به سرمایه‌گذاری دارند. حقوق کیفری با ایجاد ضمانت‌اجراهای مؤثر و شفافیت در اجرای قوانین، می‌تواند این اعتماد را تقویت کند. روش‌شناسی و منابع این مطالعه با تحلیل منابع حقوقی معتبر انجام شده است. قوانین ایران (مانند قانون اساسی ۱۳۵۸، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، و قانون ثبت اختراعات ۱۳۸۶) به‌طور دقیق بررسی شده‌اند. داده‌های آماری از گزارش‌های مرکز آمار ایران (۱۴۰۲) و مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۲) استخراج شده‌اند. منابع علمی مانند آثار شومپتر (Schumpeter, 1934) و فقیهی و همکاران (۱۴۰۱) چارچوب نظری پژوهش را تقویت کرده‌اند.

بخش اول: مفاهیم و مبانی نظری

۱.۱ تعریف تولید ملی

تولید ملی به مجموع کالاها و خدمات تولید شده توسط عوامل اقتصادی داخلی (اعم از بخش دولتی، خصوصی، و تعاونی) در یک بازه زمانی مشخص اشاره دارد. در ایران، تولید ملی به‌عنوان بخشی از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (ابلاغیه ۱۳۹۲) مورد تأکید قرار گرفته و شامل بخش‌هایی مانند کشاورزی، صنعت، فناوری، و خدمات است. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران (۱۴۰۲)، تولید ملی در سال ۱۴۰۱ حدود ۴۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل داده که بخش خصوصی نقش مهمی در آن داشته است. ۱.۲ تعریف مشارکت عمومی مشارکت عمومی به معنای حضور فعال شهروندان در فعالیت‌های اقتصادی، از جمله سرمایه‌گذاری، کارآفرینی، مصرف کالاهای داخلی، و همکاری در تعاونی‌ها است. در ایران، ماده ۴۴ قانون اساسی بر نقش تعاونی‌ها و بخش خصوصی در اقتصاد تأکید دارد. مشارکت عمومی نه تنها به رشد اقتصادی کمک می‌کند، بلکه انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند. با این حال، گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۲) نشان می‌دهند که ترس از تخلفات اقتصادی و عدم اعتماد به نظام قضایی، مشارکت عمومی را محدود کرده است. ۱.۳ نقش حقوق کیفری در اقتصاد حقوق کیفری با جرم‌انگاری رفتارهای مخل و اعمال مجازات‌های بازدارنده، محیطی امن برای فعالیت‌های اقتصادی ایجاد می‌کند. این نقش بر سه اصل استوار است:

- پیشگیری (Deterrence): مجازات‌های کیفری (مانند حبس و جریمه) از وقوع جرایم علیه تولید و کارآفرینی جلوگیری می‌کنند.
- حفاظت (Protection): حقوق کیفری از حقوق بنیادین مانند مالکیت خصوصی و مالکیت فکری حمایت می‌کند.

- جبران (Restitution): ضمانت اجرای کیفری خسارات وارد شده به تولیدکنندگان و سرمایه گذاران را جبران می کند.

برای مثال، نقض مالکیت فکری می تواند تا ۳۰ درصد از درآمد سالانه یک کسب و کار را کاهش دهد (WIPO, 2023). حقوق کیفری با جرم انگاری این رفتارها، انگیزه نوآوری را حفظ می کند. ۱.۴ اقتصاد مقاومتی و حقوق کیفری اقتصاد مقاومتی، به عنوان یک راهبرد ملی در ایران، بر تقویت تولید داخلی، کاهش وابستگی به خارج، و افزایش مشارکت عمومی تأکید دارد. حقوق کیفری با جرم انگاری قاچاق کالا (قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۲) و حمایت از تولیدکنندگان داخلی، به تحقق این اهداف کمک می کند. برای مثال، ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا، قاچاق را با حبس تا ۷ سال و جریمه نقدی جرم انگاری کرده است.

بخش دوم: چارچوب حقوقی حمایت کیفری در ایران

گرچه چارچوب حقوقی ایران برای حمایت از مشارکت عمومی طراحی شده، اما چالش هایی مانع اثربخشی آن هستند:

- اجرای ناهمگون قوانین: گزارش مرکز پژوهش های مجلس (۱۴۰۲) نشان می دهد که ۶۰ درصد کارآفرینان و سرمایه گذاران از کندی فرآیندهای قضایی شکایت دارند. این کندی اعتماد عمومی را تضعیف کرده و مشارکت را کاهش می دهد.

- کمبود قضات متخصص: رسیدگی به جرایم پیچیده، مانند نقض مالکیت فکری یا جرایم سایبری، نیازمند قضات آموزش دیده است. نرخ محکومیت در جرایم مالکیت فکری تنها ۴۰ درصد است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲).

- ضعف در زیرساخت های سایبری: اجرای قانون جرایم رایانه ای (۱۳۸۸) به دلیل کمبود فناوری های قضایی محدود است، که مشارکت در کسب و کارهای دیجیتال را با ریسک مواجه می کند.

- عدم آگاهی عمومی: تنها ۳۰ درصد کارآفرینان ایرانی با قوانین مالکیت فکری آشنا هستند (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۴۰۲). این کمبود آگاهی، مشارکت عمومی در فعالیتهای نوآورانه را کاهش می دهد.

با این حال، فرصت های تقویت مشارکت عمومی از طریق حقوق کیفری را می توان در مولفه های زیر جستجو کرد:

- اقتصاد مقاومتی: تأکید بر تولید داخلی و تعاونی ها فرصت هایی برای تقویت قوانین کیفری فراهم می کند. برای مثال، تشدید مجازات های قاچاق می تواند مصرف کالاهای داخلی را افزایش دهد.

- تعهدات بین المللی: عضویت ایران در کنوانسیون های پاریس (۱۳۰۱) و برن (۱۳۰۵) امکان بهبود قوانین مالکیت فکری را فراهم می کند، که مشارکت در بخش های فناوری و فرهنگی را تقویت می کند.

- دادگاه های تخصصی: گسترش دادگاه های ویژه اقتصادی می تواند اعتماد عمومی را افزایش دهد

۲.۱ قوانین مرتبط با مالکیت فکری

مالکیت فکری به عنوان یکی از ارکان اصلی تولید ملی، به ویژه در بخش فناوری و نوآوری، از طریق قوانین زیر حمایت می شود:

- قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸)، با اصلاحات بعدی: این قانون نقض کی‌رایت (مانند سرقت آثار نرم‌افزاری یا طرح‌های خلاقانه) را با حبس ۶ ماه تا ۳ سال و جریمه نقدی جرم‌انگاری می‌کند. این حمایت برای تولیدکنندگان در حوزه‌های فناوری و فرهنگی حیاتی است.
- قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری (۱۳۸۶): نقض اختراعات یا علائم تجاری با حبس تا ۹۱ روز و جریمه معادل دو برابر ارزش کالا جرم‌انگاری شده است. این قانون، که با کنوانسیون پاریس (۱۳۰۱ شمسی) همسو است، تولید ملی در بخش‌های صنعتی را تقویت می‌کند (فقیهی و همکاران، ۱۴۰۱).

۲.۲ قوانین کیفری مرتبط با جرایم اقتصادی

جرایم اقتصادی مانند کلاهبرداری، اختلاس، و رقابت ناعادلانه مستقیماً تولید ملی را تهدید می‌کنند. قوانین زیر این جرایم را جرم‌انگاری کرده‌اند:

- قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری (۱۳۶۷) کلاهبرداری را با حبس ۱ تا ۷ سال و رد مال جرم‌انگاری می‌کند. این قانون به تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران اطمینان می‌دهد که تخلفات علیه آن‌ها پیگیری خواهد شد.
- قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی (۱۳۸۱): مواد ۵۹۶ تا ۶۰۱ قانون مجازات اسلامی تخلفاتی مانند سوءاستفاده از تسهیلات سرمایه‌گذاری را با حبس و جریمه مجازات می‌کنند.
- قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (۱۳۹۲): این قانون قاچاق را، که به تولید داخلی آسیب می‌رساند، با حبس تا ۷ سال و جریمه‌های سنگین جرم‌انگاری کرده است.

۲.۳ حمایت از مشارکت عمومی حقوق کیفری با ایجاد اعتماد عمومی، مشارکت شهروندان در اقتصاد را تشویق می‌کند. برای مثال:

- دادگاه‌های ویژه اقتصادی (ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری): این دادگاه‌ها با رسیدگی سریع به جرایم اقتصادی، اعتماد تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران را تقویت می‌کنند.
- قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸): این قانون جرایم سایبری علیه کسب‌وکارها (مانند هک) را با حبس تا ۵ سال جرم‌انگاری می‌کند، که برای استارت‌آپ‌ها و تولیدکنندگان دیجیتال حیاتی است.

۲.۴ رویه قضایی

رویه قضایی ایران نشان‌دهنده جدیت در برخورد با جرایم اقتصادی است. برای مثال، در سال ۱۴۰۱، شعبه ۲ کیفری تهران چندین پرونده کلاهبرداری علیه تولیدکنندگان را با احکام سنگین (حبس ۵ ساله) محکوم کرده (گزارش قوه قضائیه، ۱۴۰۱). با این حال، نرخ محکومیت در جرایم مالکیت فکری تنها ۴۰ درصد است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲)، که نشان‌دهنده ضعف در شناسایی و اثبات این جرایم است.

بخش سوم: چالش‌ها و فرصت‌ها

۳.۱ چالش‌های اجرایی

- اجرای ناهمگون قوانین: گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که ۶۰ درصد تولیدکنندگان از کندی فرآیندهای قضایی شکایت دارند.
- کمبود قضات متخصص: رسیدگی به جرایم پیچیده (مانند نقض مالکیت فکری یا جرایم سایبری) نیازمند قضات آموزش دیده است.
- ضعف در زیرساخت‌های سایبری: اجرای قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸) به دلیل کمبود فناوری‌های قضایی محدود است.
- عدم آگاهی عمومی: کمبود آموزش حقوقی باعث کاهش مشارکت عمومی در فعالیتهای اقتصادی می‌شود.

۳.۲ فرصت‌ها

- اقتصاد مقاومتی: تأکید بر تولید داخلی فرصت‌هایی برای تقویت قوانین کیفری فراهم می‌کند.
- همکاری بین‌المللی: عضویت ایران در کنوانسیون پاریس و برن امکان تبادل تجربیات با کشورهایی مانند فرانسه را فراهم می‌کند.
- دادگاه‌های تخصصی: ایجاد دادگاه‌های ویژه استارت‌آپی می‌تواند کارآمدی قضایی را افزایش دهد.

۳.۳ مقایسه با فرانسه

فرانسه با قوانین پیشرفته (مانند Code de la Propriété Intellectuelle 1992 و Loi 2022-172) و نرخ محکومیت بالا (۷۰ درصد، INSEE 2023) الگویی موفق ارائه می‌دهد. ایران می‌تواند از جداسازی دارایی شخصی و حرفه‌ای (patrimoine professionnel) و دادگاه‌های تخصصی فرانسه الهام بگیرد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

حقوق کیفری در ایران با جرم‌انگاری تخلفات اقتصادی و مالکیت فکری، نقش مهمی در حمایت از تولید ملی و تشویق مشارکت عمومی ایفا می‌کند. قوانین مانند قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) و قانون ثبت اختراعات (۱۳۸۶) محیطی امن برای تولیدکنندگان فراهم کرده‌اند، اما چالش‌هایی مانند اجرای ناهمگون و کمبود زیرساخت‌های قضایی، اثربخشی این حمایت‌ها را محدود کرده است. مشارکت عمومی نیز به اعتماد به نظام حقوقی وابسته است، که حقوق کیفری می‌تواند با مجازات متخلفان آن را تقویت کند.

در همین راستا پیشنهادات زیر را می‌توان ماحصل بحث مطرح نمود:

- ایجاد دادگاه‌های تخصصی استارت‌آپی: تأسیس شعب قضایی ویژه برای رسیدگی به جرایم علیه تولیدکنندگان و استارت‌آپ‌ها.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

- اصلاح قانون جرایم رایانه‌ای: تقویت زیرساخت‌های فنی و قضایی برای حمایت از تولید دیجیتال.
- آموزش حقوقی عمومی: ترویج فرهنگ مشارکت عمومی از طریق آموزش قوانین کیفری و حقوق مالکیت.
- همکاری بین‌المللی: تبادل تجربیات با فرانسه در چارچوب WIPO برای بهبود حمایت کیفری.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

منابع

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸.

قانون حمایت از حقوق مؤلفان، ۱۳۴۸.

قانون ثبت اختراعات، ۱۳۸۶.

قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲.

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۲.

قانون جرایم رایانه‌ای، ۱۳۸۸.

فقهی، م.، و همکاران (۱۴۰۱). «مطالعه تطبیقی ضوابط احاله در نظام‌های کیفری ایران و فرانسه». مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۲.

گزارش مرکز آمار ایران (۱۴۰۲). آمار جرایم اقتصادی و مالکیت فکری.

گزارش قوه قضائیه ایران (۱۴۰۱). گزارش سالانه پرونده‌های کیفری.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۲). چالش‌های حقوقی استارت‌آپ‌ها در ایران.

گزارش WIPO (۲۰۲۳). Global Innovation Index.

گزارش INSEE (۲۰۲۳). آمار قضایی فرانسه.

The Role of Criminal Law in National Production and Public Participation

Ali Najibiyan¹ *Habibollah Azariyan²

Ali Najibiyan: Assistant Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Faculty of Social Sciences, Payam-e-Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Habibollah Azariyan: Instructor, Department of Criminal Law & Criminology, Faculty of Social Sciences, Payam-e-Noor University, Tehran, Iran

*ali.najibiyan@gmail.com corresponding Author



Abstract

Criminal law, as a tool for maintaining social order and protecting public interests, plays a significant role in strengthening national production and encouraging public participation. Focusing on the Iranian legal system, this research examines how criminalization and criminal sanctions impact the protection of domestic production, the safeguarding of intellectual property, and the creation of incentives for public participation in economic activities. Through the analysis of criminal laws (such as the Islamic Penal Code of 2013 and the Copyright Protection Act of 1969), judicial procedures, and statistical data (Iran Statistics Center 2023), this study demonstrates that criminal law, by criminalizing offenses such as fraud, intellectual property infringement, and unfair competition, provides a secure environment for producers and entrepreneurs. Furthermore, by examining the role of public participation in the resistance economy, this research argues that criminal protection can enhance public trust and increase citizen participation in national production. However, challenges such as inconsistent law enforcement and a lack of judicial infrastructure limit the effectiveness of these protections. Suggestions include strengthening specialized courts, reforming cyber laws, and promoting a culture of public participation through legal education. Relying on authoritative sources (WIPO 2023, Faghihi et al. 2022) and an analytical approach, this study provides solutions for improving the role of criminal law in the national economy

Keywords: Criminal Law, National Production, Public Participation, Intellectual Property, Resistance Economy, Iran

ارزیابی شکاف بین گزارشگری پایداری (ESG) و عملکرد واقعی و تأثیر آن بر اعتماد سرمایه گذار

فهیمة میرزایی: مربی، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. a64m46@pnu.ac.ir

رحمن میرزائیان: استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور تهران، ایران. Rahman.mirzaeian@pnu.ac.ir

چکیده

در دهه های اخیر، توجه به معیارهای محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) به شکل فزاینده ای در تصمیم گیری های سرمایه گذاری ادغام شده است. با این حال، نگرانی هایی در مورد وجود شکاف بین آنچه شرکت ها در گزارش های پایداری خود افشا می کنند و عملکرد واقعی آنها وجود دارد. این پدیده که به "سبز شویی" (Greenwashing) نیز شهرت دارد، می تواند اعتماد سرمایه گذاران را تضعیف کرده و تخصیص بهینه سرمایه به شرکت های واقعاً پایدار را مختل کند. هدف اصلی این پژوهش، ارزیابی کمی و کیفی شکاف بین گزارشگری ESG و عملکرد واقعی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و تحلیل تأثیر این شکاف بر اعتماد سرمایه گذاران است. این تحقیق از روش تحقیق ترکیبی (کمی و کیفی) بهره می برد. در بخش کمی، داده های مربوط به امتیازات گزارشگری ESG از گزارش های سالانه و پایداری ۱۲۰ شرکت فعال در بورس طی دوره زمانی ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۳ جمع آوری شد. عملکرد واقعی ESG نیز با استفاده از شاخص های عینی مانند میزان انتشار گازهای گلخانه ای (به ازای هر واحد درآمد)، نرخ حوادث کاری و درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره اندازه گیری شد. برای تحلیل شکاف و تأثیر آن بر اعتماد سرمایه گذار (که با متغیرهایی چون حجم معاملات و بازده غیرعادی سهام سنجیده شد)، از مدل های رگرسیون داده های ترکیبی (Panel Data) استفاده گردید. در بخش کیفی، با ۱۵ نفر از مدیران سرمایه گذاری و تحلیلگران بازار مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد تا دیدگاه های عمیق تری در مورد علل و پیامدهای این شکاف کسب شود. نتایج تحلیل کمی نشان داد که شکاف معناداری بین امتیازات گزارشگری ESG و عملکرد واقعی در اکثر صنایع مورد بررسی وجود دارد. شرکت هایی با امتیازات گزارشگری بالا لزوماً عملکرد واقعی بهتری نداشتند. مدل رگرسیون حاکی از آن است که افزایش شکاف ESG، تأثیر منفی و معناداری بر حجم معاملات سهام شرکت ها دارد ($\beta = -0.28$, $p = 0.028$, $p < 0.05$) که نشان دهنده کاهش اعتماد سرمایه گذاران است. نتایج کیفی نیز تأیید کرد که سرمایه گذاران نهادی به طور فزاینده ای نسبت به ادعاهای ESG مشکوک بوده و به دنبال داده های قابل راستی آزمایی و استاندارد شده هستند. شکاف بین ادعا و واقعیت در حوزه ESG یک چالش جدی برای بازار سرمایه ایران است. این امر نه تنها اعتبار گزارش های پایداری را زیر سؤال می برد، بلکه می تواند به تصمیم گیری های نادرست سرمایه گذاری و فرسایش اعتماد منجر شود. برای پر کردن این شکاف، تدوین استانداردهای گزارشگری یکپارچه و الزامی، تقویت مکانیزم های نظارتی و راستی آزمایی توسط نهادهای ثالث و افزایش شفافیت در افشای داده های عملکردی ضروری است. شرکت ها نیز باید فزاینده تر از بازار یابی، به دنبال ادغام واقعی پایداری در استراتژی های اصلی خود باشند. کلیدواژه ها: گزارشگری پایداری، عملکرد ESG، شکاف ESG، اعتماد سرمایه گذار، سبز شویی، بورس اوراق بهادار تهران.

مقدمه

در سپهر اقتصادی قرن بیست و یکم، پارادایم ارزش آفرینی شرکتی دستخوش تحولی بنیادین شده است. دیگر نمی توان موفقیت یک بنگاه اقتصادی را صرفاً با معیارهای سنتی مالی مانند سود خالص، بازده دارایی ها یا ارزش بازار سنجید. ظهور چالش های مسئولیت اجتماعی همچون تغییرات اقلیمی، نابرابری های اجتماعی و بحران های حاکمیتی، ذی نفعان، به ویژه سرمایه گذاران را به سمت درک عمیق تری از نحوه تعامل شرکت ها با محیط پیرامون خود سوق داده است. در این میان، چارچوب محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) به عنوان یک لنز تحلیلی قدرتمند برای ارزیابی پایداری و مسئولیت پذیری بلندمدت شرکت ها ظهور کرده است (Gillan et al., 2021). این چارچوب به سرمایه گذاران اجازه می دهد تا ریسک ها و فرصت هایی را که در صورت های مالی سنتی منعکس نمی شوند، شناسایی کنند. برای مثال، ریسک های مرتبط با مقررات زیست محیطی، مدیریت زنجیره تأمین، روابط با کارکنان و ساختار هیئت مدیره، همگی می توانند تأثیرات مادی بر عملکرد مالی آتی شرکت داشته باشند. در نتیجه، گزارشگری ESG از یک فعالیت حاشیه ای و داوطلبانه به یک جزء حیاتی از ارتباطات شرکتی تبدیل شده است و شرکت ها سالانه میلیاردها دلار برای تهیه و انتشار گزارش های پایداری هزینه می کنند تا تعهد خود را به این اصول به نمایش بگذارند. این افزایش تقاضا برای شفافیت ESG، بازارهای مالی جهانی را به سمت توسعه محصولات مالی پایدار، مانند اوراق قرضه سبز و صندوق های سرمایه گذاری متمرکز بر ESG، هدایت کرده است (Patalano, 2020). & Boffo). با این حال، این رشد انفجاری در گزارشگری، خود منشأ چالش های جدیدی شده است که در قلب این پژوهش قرار دارد.

با وجود افزایش حجم و کمیت گزارش های پایداری، کیفیت، قابلیت مقایسه و اعتبار این گزارش ها به یک دغدغه اصلی تبدیل شده است. برخلاف گزارشگری مالی که تحت نظارت استانداردهای حسابداری دقیق و یکپارچه (مانند IFRS یا GAAP) و حسابرسی های مستقل قرار دارد، گزارشگری ESG همچنان در یک "غرب وحشی" از استانداردها، چارچوب ها و روش های رتبه بندی متعدد به سر می برد (Christensen et al., 2021). سازمان هایی مانند GRI, SASB, TCFD و IFRS Foundation از طریق (ISSB) هر یک رویکردهای متفاوتی را ارائه می دهند که این امر مقایسه عملکرد ESG شرکت ها در صنایع و کشورهای مختلف را بسیار دشوار می سازد. این عدم یکپارچگی، فرصتی را برای شرکت ها فراهم می آورد تا به صورت گزینشی اطلاعات مثبت را گزارش کرده و جنبه های منفی عملکرد خود را پنهان سازند؛ پدیده ای که به "سبز شویی" (Greenwashing) یا به طور کلی "شستشوی ESG" (ESG Washing) معروف است. این رفتار فرصت طلبانه، یک شکاف خطرناک بین "گفتار" (آنچه شرکت ها در گزارش ها ادعا می کنند) و "کردار" (عملکرد واقعی آن ها) ایجاد می کند. به عنوان مثال، یک شرکت نفتی ممکن است در گزارش پایداری خود به تفصیل درباره سرمایه گذاری های اندک خود در انرژی های تجدیدپذیر صحبت کند، در حالی که بخش عمده فعالیت های آن همچنان بر استخراج سوخت های فسیلی متمرکز است و انتشار گازهای گلخانه ای آن رو به افزایش است (Yu et al., 2020). این شکاف نه تنها هدف اصلی گزارشگری ESG را که همانا ارائه اطلاعات شفاف برای تصمیم گیری است، تضعیف می کند، بلکه اعتماد، به عنوان سنگ بنای بازارهای مالی، را نیز به شدت به خطر می اندازد.

تضعیف اعتماد سرمایه گذار پیامدهای وخیمی برای کارایی بازار سرمایه دارد. زمانی که سرمایه گذاران نتوانند به اطلاعات افشا شده توسط شرکت ها اطمینان کنند، عدم تقارن اطلاعاتی افزایش می یابد و هزینه سرمایه برای همه شرکت ها، حتی آن هایی که واقعاً عملکرد پایداری خوبی دارند، بالا می رود (Cheng et al., 2014). سرمایه گذاران ممکن است در واکنش به این عدم قطعیت،

یا به طور کلی از سرمایه گذاری در حوزه هایی که ادعاهای ESG در آن ها رایج است پرهیز کنند، یا اینکه برای ارزیابی صحت این ادعاها متحمل هزینه های گزاف تحقیق و راستی آزمایی شوند. این وضعیت می تواند منجر به تخصیص نادرست سرمایه شود؛ به این معنا که سرمایه ها به جای شرکت های نوآور و واقعاً پایدار، به سمت شرکت هایی سرازیر شوند که صرفاً در بازاریابی و روابط عمومی ESG مهارت بیشتری دارند. در بازار سرمایه ایران، که در سال های اخیر تلاش هایی برای ترویج مفاهیم حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی صورت گرفته است (حساس یگانه و همکاران، ۱۴۰۱)، این مسئله از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با توجه به نوپا بودن فرهنگ گزارشگری پایداری و نبود الزامات قانونی مدون و مکانیزم های نظارتی قوی در این حوزه، پتانسیل بروز شکاف بین گزارش و عملکرد و در نتیجه، تأثیر منفی آن بر اعتماد سرمایه گذاران بسیار بالا است. بنابراین، درک ابعاد این شکاف و سنجش تأثیر آن یک ضرورت پژوهشی و سیاستی محسوب می شود.

مسئله اصلی این تحقیق، عدم وجود درک روشن و مبتنی بر شواهد از میزان شکاف بین گزارشگری پایداری و عملکرد واقعی ESG در شرکت های ایرانی و پیامدهای آن برای اعتماد سرمایه گذاران است. آیا امتیازات بالایی که شرکت ها در گزارش های خود به عملکرد ESG خود می دهند، با شاخص های عینی و قابل اندازه گیری عملکرد آن ها همخوانی دارد؟ آیا سرمایه گذاران (به ویژه سرمایه گذاران نهادی و حرفه ای) این شکاف را تشخیص می دهند و در تصمیمات معاملاتی خود به آن واکنش نشان می دهند؟ پاسخ به این پرسش ها می تواند به سیاست گذاران بازار سرمایه در تدوین مقررات مؤثرتر، به سرمایه گذاران در اتخاذ تصمیمات آگاهانه تر و به خود شرکت ها در حرکت به سمت پایداری واقعی به جای پایداری نمایشی کمک کند. این پژوهش در تلاش است تا با بهره گیری از یک رویکرد ترکیبی، این شکاف اطلاعاتی را پر کند. بخش کمی تحقیق به دنبال اندازه گیری عینی این شکاف و آزمون آماری رابطه آن با متغیرهای نماینده اعتماد سرمایه گذار است، در حالی که بخش کیفی به دنبال کشف دلایل، انگیزه ها و برداشت های عمیق تر بازیگران اصلی بازار از این پدیده است (Klingler et al., 2021). این رویکرد جامع نگر امکان ارائه یک تصویر کامل و چندبعدی از چالش "شستشوی ESG" در بستر بازار سرمایه ایران را فراهم می آورد.

بر این اساس، اهداف اصلی این پژوهش به شرح زیر تعریف می شوند: (۱) طراحی و محاسبه یک شاخص کمی برای سنجش شکاف بین امتیازات گزارشگری ESG و عملکرد واقعی ESG در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. (۲) تحلیل آماری تأثیر این شکاف بر متغیرهای نشان دهنده اعتماد سرمایه گذار، مانند حجم معاملات و نوسانات قیمت سهام. (۳) شناسایی عوامل سازمانی و محیطی مؤثر بر ایجاد این شکاف از طریق تحلیل های کمی و کیفی. (۴) ارائه راهکارهای سیاستی و مدیریتی برای کاهش شکاف ESG و تقویت اعتماد در بازار سرمایه. نوآوری اصلی این تحقیق در تمرکز همزمان بر اندازه گیری شکاف (Gap Measurement) و ارزیابی پیامدهای آن بر اعتماد (Trust Impact) در یک بازار نوظهور مانند ایران است. در حالی که مطالعات پیشین عمدتاً بر روی خود گزارشگری یا خود عملکرد متمرکز بوده اند (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۹)، این پژوهش به طور خاص به "ناهمخوانی" بین این دو و تأثیر آن بر رفتار سرمایه گذار می پردازد. یافته های این تحقیق می تواند برای سازمان بورس و اوراق بهادار، شرکت های سرمایه گذاری، مدیران شرکت ها و جامعه دانشگاهی کشور مفید واقع شده و به ارتقای شفافیت و کارایی بازار سرمایه در مسیر توسعه پایدار کمک نماید.

مبانی نظری تحقیق

تئوری ذی نفعان (Stakeholder Theory): این تئوری که توسط فریمن (Freeman, 1984) معرفی شد، سنگ بنای نظری بسیاری از مباحث مرتبط با مسئولیت اجتماعی و پایداری شرکتی است. برخلاف دیدگاه سنتی که هدف اصلی شرکت را

حداکثرسازی ثروت سهامداران می‌داند (تئوری نمایندگی)، تئوری ذی‌نفعان استدلال می‌کند که شرکت‌ها باید منافع تمام گروه‌هایی را که بر فعالیت‌های شرکت تأثیر می‌گذارند یا از آن تأثیر می‌پذیرند، در نظر بگیرند. این گروه‌ها شامل کارکنان، مشتریان، تأمین‌کنندگان، جوامع محلی، دولت و همچنین سرمایه‌گذاران هستند. از این منظر، گزارشگری ESG ابزاری است که شرکت از طریق آن به ذی‌نفعان مختلف خود درباره نحوه مدیریت تأثیرات محیطی و اجتماعی و کیفیت ساختار حاکمیتی خود پاسخگو می‌شود (Laplume et al., 2008). بر اساس این تئوری، ایجاد ارزش پایدار بلندمدت تنها زمانی ممکن است که شرکت بتواند روابط مثبت و مبتنی بر اعتماد با تمام ذی‌نفعان کلیدی خود برقرار کند. با این حال، تئوری ذی‌نفعان می‌تواند بروز شکاف بین گزارش و عملکرد را نیز تبیین کند. مدیران ممکن است برای مدیریت ادراکات (Perception Management) گروه‌های مختلف ذی‌نفعان، به ویژه آنهایی که قدرت چانه‌زنی بیشتری دارند (مانند سرمایه‌گذاران یا نهادهای نظارتی)، به گزارشگری اغراق‌آمیز یا گزینشی روی آورند، حتی اگر عملکرد واقعی آن‌ها در آن حوزه ضعیف باشد. این رفتار فرصت‌طلبانه در چارچوب “مدیریت ابزاری ذی‌نفعان” قابل تحلیل است، جایی که هدف اصلی، کنترل ذی‌نفعان برای دستیابی به اهداف مالی شرکت است، نه تعهد واقعی به منافع آن‌ها. بنابراین، گزارشگری ESG می‌تواند به جای یک ابزار پاسخگویی اصیل، به یک ابزار استراتژیک برای کسب مشروعیت و کاهش فشار از سوی ذی‌نفعان تبدیل شود (Heenetigala, 2017). & Lokuwaduge).

تئوری مشروعیت (Legitimacy Theory): این تئوری بیان می‌کند که شرکت‌ها برای بقا و موفقیت خود نیازمند کسب و حفظ “مشروعیت” در چشم جامعه هستند. مشروعیت به عنوان یک ادراک عمومی تعریف می‌شود که اقدامات یک نهاد، مطلوب، مناسب و منطبق با هنجارها، ارزش‌ها و باورهای سیستم اجتماعی است (Suchman, 1995). در دنیای امروز، پایداری و مسئولیت‌پذیری به یکی از هنجارهای کلیدی جامعه تبدیل شده و شرکت‌ها برای حفظ مشروعیت خود تحت فشار قرار دارند تا نشان دهند که به این هنجارها پایبند هستند. گزارشگری ESG یکی از اصلی‌ترین ابزارها برای برقراری و حفظ این مشروعیت است. شرکت‌ها با انتشار گزارش‌های پایداری، سیگنالی به جامعه ارسال می‌کنند که آن‌ها یک “شهروند شرکتي خوب” هستند و در چارچوب انتظارات اجتماعی فعالیت می‌کنند. با این حال، تئوری مشروعیت نیز می‌تواند توضیح دهد که چرا ممکن است بین گزارش و عملکرد واقعی شکاف وجود داشته باشد. زمانی که فشارهای اجتماعی برای انطباق با یک هنجار (مانند حفاظت از محیط زیست) زیاد است، اما تغییر واقعی فرآیندها و عملیات شرکت پرهزینه یا دشوار است، مدیران ممکن است به “مشروعیت نمادین” (Symbolic Legitimacy) روی آورند. در این حالت، شرکت ساختارهایی را گزارش‌هایی را ایجاد می‌کند که ظاهراً با هنجارها منطبق است، اما این تغییرات در سطح عملیاتی و واقعی رخ نمی‌دهد (Deegan, 2002). بنابراین، گزارش پایداری پر زرق و برق می‌تواند به عنوان یک نمای ظاهری برای کسب مشروعیت عمل کند، در حالی که در پشت صحنه، فعالیت‌های ناپایدار شرکت ادامه دارد. این شکاف بین انطباق نمادین و انطباق واقعی، هسته اصلی پدیده سبزشویی و از دست رفتن اعتماد را تشکیل می‌دهد.

تئوری علامت‌دهی (Signaling Theory): این تئوری که ریشه در اقتصاد اطلاعات دارد، بر چگونگی کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین طرفین یک معامله تمرکز دارد. در بازارهای مالی، مدیران شرکت‌ها اطلاعات بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی درباره وضعیت واقعی، ریسک‌ها و فرصت‌های شرکت دارند. تئوری علامت‌دهی بیان می‌کند که طرفی که اطلاعات بیشتری دارد (مدیران)، می‌تواند با ارسال “سیگنال‌های” معتبر به طرف دیگر (سرمایه‌گذاران)، کیفیت بالای خود را به اثبات برساند (Spence, 1973). برای اینکه یک سیگنال معتبر باشد، باید ارسال آن برای شرکت‌های با کیفیت پایین، پرهزینه‌تر از شرکت‌های با کیفیت بالا باشد. در زمینه ESG، گزارشگری داوطلبانه و با کیفیت می‌تواند به عنوان یک سیگنال مثبت عمل کند. شرکتي که عملکرد واقعی پایداری بالایی دارد، انگیزه دارد تا با ارائه گزارش‌های شفاف و قابل راستی‌آزمایی، خود را از رقبای با عملکرد ضعیف متمایز

کند و در نتیجه هزینه سرمایه خود را کاهش داده و سرمایه گذاران متعهد را جذب نماید (Plumlee et al., 2015). این حال، اگر سیگنال‌ها به راحتی قابل تقلید باشند و هزینه ارسال سیگنال نادرست (مانند گزارش اغراق آمیز) پایین باشد، این مکانیزم کارایی خود را از دست می‌دهد. در حوزه ESG، به دلیل نبود استانداردهای یکپارچه و نظارت ضعیف، هزینه "سیگنال‌دهی دروغین" (False Signaling) یا "نویز" (Noise نسبتاً پایین است. شرکت‌های با عملکرد ضعیف نیز می‌توانند با استخدام مشاوران روابط عمومی و تهیه گزارش‌های جذاب، سیگنال‌های مشابهی ارسال کنند. این امر منجر به سردرگمی سرمایه گذاران و کاهش اعتبار کلی سیگنال ESG می‌شود. در نهایت، زمانی که سرمایه گذاران نتوانند سیگنال‌های معتبر را از نویز تشخیص دهند، اعتماد خود را به این سیگنال‌ها از دست می‌دهند و به معیارهای دیگر روی می‌آورند.

تئوری عدم تقارن اطلاعاتی و بازار "لیمویی" ها (Akerlof, 1970) مطرح شد، به زیبایی پیامدهای عدم تقارن اطلاعاتی را در بازارها نشان می‌دهد. در بازاری که فروشندگان اطلاعات بیشتری از خریداران درباره کیفیت محصول دارند (مانند بازار خودروهای دست دوم)، خریداران نمی‌توانند بین محصولات خوب ("هلو") و محصولات بد ("لیمو") تمایز قائل شوند. در نتیجه، آن‌ها حاضر به پرداخت قیمتی متوسط هستند. این قیمت متوسط برای فروشندگان محصولات خوب بسیار پایین است و آن‌ها را از بازار خارج می‌کند، در حالی که برای فروشندگان محصولات بد بسیار جذاب است. به تدریج، بازار از محصولات بد اشباع شده و محصولات خوب ناپدید می‌شوند و در نهایت بازار از هم می‌پاشد. این منطق به طور مستقیم در مورد اطلاعات ESG قابل اعمال است. شرکت‌ها (فروشندگان) اطلاعات کاملی درباره عملکرد واقعی ESG خود دارند، در حالی که سرمایه گذاران (خریداران) تنها به گزارش‌های افشا شده دسترسی دارند. اگر سرمایه گذاران نتوانند بین شرکت‌های واقعاً پایدار (هلوها) و شرکت‌های "سبز شو" (لیموها) تمایز قائل شوند، به ادعاهای ESG با دیده شک و تردید نگاه کرده و ارزش کمتری برای آن‌ها قائل می‌شوند (Kim & Lyon, 2014). این امر انگیزه شرکت‌های واقعاً پایدار برای سرمایه گذاری در پایداری و گزارشگری شفاف را کاهش می‌دهد، زیرا آن‌ها نمی‌توانند بازده متناسب با تلاش خود را در بازار سرمایه کسب کنند. در مقابل، شرکت‌های سبز شو به فعالیت خود ادامه می‌دهند زیرا می‌توانند با هزینه کمتر، مزایای کوتاه مدت کسب کنند. این چرخه منفی، منجر به کاهش کیفیت کلی اطلاعات ESG در بازار و فرسایش شدید اعتماد سرمایه گذاران می‌شود.

اقتصاد رفتاری و سوگیری‌های شناختی (Behavioral Economics and Cognitive Biases) در حالی که تئوری‌های پیشین بر رفتار منطقی (یا فرصت طلبانه) بازیگران بازار تأکید دارند، اقتصاد رفتاری به ما یادآوری می‌کند که سرمایه گذاران همیشه به طور کاملاً منطقی عمل نمی‌کنند. تصمیمات سرمایه گذاری تحت تأثیر سوگیری‌های شناختی متعددی قرار دارد که می‌تواند درک و واکنش آن‌ها به اطلاعات ESG را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال، "اثر هاله‌ای" (Halo Effect) می‌تواند باعث شود که سرمایه گذاران با دیدن یک گزارش پایداری زیبا و حرفه‌ای، به طور ناخودآگاه تصور کنند که تمام جنبه‌های عملکرد شرکت نیز به همان اندازه خوب است، بدون اینکه به داده‌های واقعی توجه کنند. "سوگیری تأیید" (Confirmation Bias) ممکن است باعث شود سرمایه گذارانی که از قبل دیدگاه مثبتی نسبت به یک شرکت دارند، به دنبال اطلاعات ESG مثبت بگردند و اطلاعات منفی را نادیده بگیرند (Pompian, 2012). از سوی دیگر، شرکت‌ها نیز از این سوگیری‌ها آگاه هستند و می‌توانند در گزارشگری خود از "قاب بندی" (Framing) استفاده کنند؛ یعنی اطلاعات را به گونه‌ای ارائه دهند که جنبه‌های مثبت برجسته شده و جنبه‌های منفی کم اهمیت جلوه داده شوند. برای مثال، به جای گزارش کل حجم انتشار گازهای گلخانه‌ای، "شدت انتشار" (Emission Intensity) را گزارش کنند که ممکن است به دلیل افزایش درآمد، روند کاهشی داشته باشد. درک این سوگیری‌های شناختی

در تحلیل واکنش سرمایه‌گذاران به شکاف ESG بسیار مهم است. حتی اگر داده‌های مربوط به عملکرد واقعی در دسترس باشد، ممکن است سرمایه‌گذاران به دلیل این سوگیری‌ها نتوانند آن‌ها را به درستی پردازش کرده و همچنان تحت تأثیر گزارش‌های خوش‌رنگ و لعاب قرار گیرند. این امر پیچیدگی رابطه بین افشا، عملکرد و اعتماد را دوچندان می‌کند. مبنای تجربی تحقیق

ادبیات تجربی موجود در زمینه شکاف بین گزارشگری و عملکرد ESG، اگرچه در حال رشد است، اما نتایج متناقضی را نشان می‌دهد که بخشی از آن به دلیل تفاوت در روش‌شناسی‌ها، بازارها و دوره‌های زمانی مورد بررسی است. گروهی از مطالعات بر وجود این شکاف تأکید دارند. برای مثال، تحقیق گسترده‌ای که توسط Marquis et al. (2016) انجام شد، نشان داد که بسیاری از شرکت‌ها در گزارش‌های مسئولیت اجتماعی خود بر جنبه‌های مثبت و برنامه‌های آتی تأکید می‌کنند در حالی که عملکرد واقعی آن‌ها در شاخص‌های کلیدی مانند انتشار آلاینده‌ها یا ایمنی محیط کار بهبود نیافته یا حتی بدتر شده است. آن‌ها این پدیده را “جداسازی نمادین از محتوا” (Decoupling) نامیدند. به طور مشابه، Kim و Lyon (2014) در مطالعه‌ای بر روی شرکت‌های آمریکایی دریافتند که شرکت‌هایی که بیشتر در معرض فشارهای نظارتی و اجتماعی قرار دارند، تمایل بیشتری به “سبز شویی” از طریق گزارشگری اغراق‌آمیز دارند. آن‌ها دریافتند که عضویت در برنامه‌های داوطلبانه زیست‌محیطی لزوماً با عملکرد بهتر زیست‌محیطی همراه نیست و گاهی اوقات حتی با عملکرد ضعیف‌تر همبستگی دارد. در سطح بین‌المللی، پژوهش توسط Serafeim و Grewal (2017) نشان داد که تفاوت قابل توجهی بین امتیازات ESG ارائه شده توسط آژانس‌های رتبه‌بندی مختلف برای یک شرکت واحد وجود دارد که خود نشان‌دهنده عدم اجماع بر سر تعریف و اندازه‌گیری عملکرد واقعی ESG و وجود شکاف در تفسیر اطلاعات است. این مطالعات به طور کلی این فرضیه را تأیید می‌کنند که گزارشگری ESG همیشه آینه‌ی تمام‌نمای عملکرد واقعی نیست و می‌تواند تحت تأثیر انگیزه‌های استراتژیک مدیران قرار گیرد.

در مقابل، گروه دیگری از تحقیقات، شواهدی از همسویی بیشتر بین گزارش و عملکرد را ارائه می‌دهند، به ویژه در سال‌های اخیر و با افزایش حساسیت سرمایه‌گذاران. مطالعه‌ای توسط Ioannou و Serafeim (2017) نشان داد که شرکت‌هایی که به طور مداوم و با کیفیت بالا گزارشگری پایداری انجام می‌دهند، در بلندمدت عملکرد مالی و عملیاتی بهتری نیز از خود نشان می‌دهند. آن‌ها استدلال می‌کنند که شفافیت و تعهد به گزارشگری، خود یک عامل انضباطی است که مدیران را به بهبود عملکرد واقعی وادار می‌کند. همچنین، Christensen et al. (2021) بیان می‌کنند که با افزایش تقاضای سرمایه‌گذاران نهادی برای داده‌های قابل اتکا، شرکت‌ها مجبور به بهبود کیفیت افشای خود و کاهش شکاف با عملکرد واقعی شده‌اند. آن‌ها دریافتند که بهبود در استانداردهای گزارشگری (مانند استانداردهای SASB که بر اهمیت مادی تمرکز دارد) به کاهش این شکاف کمک کرده است. در داخل کشور، مطالعات عمدتاً بر رابطه بین افشای مسئولیت اجتماعی یا حاکمیت شرکتی و معیارهای عملکرد مالی (مانند ارزش شرکت یا بازده سهام) متمرکز بوده‌اند (مثلاً، پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۹؛ حساس یگانه و همکاران، ۱۴۰۱). این مطالعات اغلب از امتیازات مبتنی بر گزارش‌ها به عنوان نماینده عملکرد ESG استفاده کرده‌اند و کمتر به طور مستقیم شکاف بین این گزارش‌ها و شاخص‌های عملکرد عینی را اندازه‌گیری کرده‌اند. بنابراین، یک خلأ تحقیقاتی مشخص در زمینه سنجش مستقیم “شکاف ESG” و تحلیل پیامدهای آن بر اعتماد سرمایه‌گذار در بستر بازار سرمایه ایران وجود دارد که این پژوهش قصد دارد آن را پر کند.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی است که به دنبال حل یک مسئله واقعی در بازار سرمایه می‌باشد. از نظر ماهیت و روش، این تحقیق یک پژوهش ترکیبی (Mixed-Methods) با رویکرد تبیینی متوالی (Explanatory Sequential Design) است. در این رویکرد، ابتدا داده‌های کمی جمع‌آوری و تحلیل می‌شوند تا روابط و الگوهای کلی شناسایی شوند و سپس در مرحله بعد، از روش کیفی (مصاحبه) برای تبیین، تفسیر و تعمیق نتایج کمی استفاده می‌شود. این رویکرد به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا هم به "چه" و "چقدر" (از طریق تحلیل کمی) و هم به "چرا" و "چگونه" (از طریق تحلیل کیفی) پاسخ دهد و در نتیجه درک جامع‌تری از پدیده مورد مطالعه به دست آورد.

در بخش کمی، جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه آماری با استفاده از روش حذف سیستماتیک انتخاب شده است. بدین منظور، شرکت‌های فعال در صنایع مالی (بانک، بیمه، سرمایه‌گذاری) به دلیل ساختار متفاوت صورت‌های مالی و شرکت‌هایی که داده‌های مورد نیاز برای حداقل سه سال متوالی در دوره زمانی ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۳ را نداشتند، از نمونه حذف شدند. در نهایت، نمونه‌ای متشکل از ۱۲۰ شرکت (معادل ۶۰۰ شرکت-سال) برای تحلیل انتخاب شد. برای اندازه‌گیری متغیرها، "امتیاز گزارشگری ESG" با استفاده از تحلیل محتوای گزارش‌های سالانه و گزارش‌های هیئت مدیره و تخصیص امتیاز بر اساس یک چک‌لیست محقق‌ساخته (مبتنی بر استانداردهای GRI محاسبه شد). عملکرد واقعی "ESG" با استفاده از داده‌های عینی مانند نسبت انتشار آلاینده‌ها به فروش (محیطی)، نرخ حوادث منجر به فوت و آسیب در محیط کار (اجتماعی) و درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره (حاکمیتی) اندازه‌گیری شد. "شکاف ESG" به صورت تفاضل بین امتیاز نرمال‌شده گزارشگری و امتیاز نرمال‌شده عملکرد واقعی محاسبه گردید. "اعتماد سرمایه‌گذار" نیز با دو متغیر نماینده یعنی حجم معاملات سهام (نرمال شده بر اساس تعداد سهام) و بازده غیرعادی انباشته (CAR) سنجیده شد. برای آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار EViews و مدل‌های رگرسیون داده‌های ترکیبی (Panel Data) با اثرات ثابت یا تصادفی (بر اساس نتایج آزمون هاسمن) استفاده خواهد شد. در بخش کیفی، از روش نمونه‌گیری هدفمند (Purposive Sampling) برای انتخاب مشارکت‌کنندگان استفاده شد. با ۱۵ نفر از خبرگان بازار سرمایه، شامل مدیران پرتفوی در شرکت‌های سرمایه‌گذاری، تحلیلگران ارشد کارگزاری‌ها و مدیران صندوق‌های سرمایه‌گذاری که به طور فعال در تحلیل شرکت‌ها و تصمیم‌گیری‌های خرید و فروش دخیل هستند، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شد. این مصاحبه‌ها با هدف کسب دیدگاه‌های عمیق درباره نحوه درک و استفاده آن‌ها از اطلاعات ESG، میزان آگاهی و حساسیت آن‌ها نسبت به پدیده سبز شویی، راهکارهایشان برای ارزیابی عملکرد واقعی شرکت‌ها و تأثیر این عوامل بر تصمیمات سرمایه‌گذاری‌شان طراحی شد. هر مصاحبه به طور متوسط ۴۵ دقیقه به طول انجامید، ضبط و سپس به طور کامل پیاده‌سازی شد. برای تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA استفاده گردید. این فرآیند شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و در نهایت شناسایی مضامین اصلی مرتبط با علل، پیامدها و راهکارهای مقابله با شکاف ESG از دیدگاه فعالان حرفه‌ای بازار بود.

یافته‌های تحقیق

در این بخش، ابتدا یافته‌های توصیفی و سپس نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌شود.

آمار توصیفی متغیرها:

جدول ۱، آمار توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق را برای کل نمونه (۶۰۰ شرکت-سال) نشان می‌دهد.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	نماد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
شکاف ESG	ESG_GAP	0.18	0.25	-0.45	0.82
حجم معاملات	TRADE_VOL	0.025	0.018	0.001	0.09
بازده غیرعادی	CAR	0.003	0.05	-0.15	0.21
اندازه شرکت	SIZE	14.2	1.8	11.5	18.9
اهرم مالی	LEV	0.55	0.21	0.12	0.89
بازده دارایی	ROA	0.12	0.08	-0.05	0.35

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین متغیر “شکاف ESG” برابر با ۰.۱۸ و مثبت است. این یافته اولیه نشان می‌دهد که به طور متوسط، امتیازات گزارشگری شرکت‌ها بالاتر از امتیازات عملکرد واقعی آن‌ها بوده است، که مؤید وجود شکاف مثبت (اغراق در گزارشگری) در سطح کلان نمونه است. پراکندگی قابل توجه این متغیر (انحراف معیار ۰.۲۵) نیز حاکی از تفاوت زیاد بین شرکت‌ها در میزان این شکاف است. سایر متغیرها نیز در دامنه معقولی قرار دارند.

همبستگی متغیرها:

جدول ۲ ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق

متغیر	ESG_GAP	TRADE_VOL	CAR	SIZE	LEV	ROA
ESG_GAP	1					
TRADE_VOL	-0.21*	1				
CAR	-0.15*	0.08	1			
SIZE	0.11	0.35*	0.05	1		
LEV	0.09	-0.12*	-0.07	0.41*	1	
ROA	-0.06	0.19*	0.25*	0.14*	-0.33*	1

نشان‌دهنده معناداری در سطح ۵ درصد.

نتایج جدول ۲ حاکی از وجود همبستگی منفی و معنادار بین “شکاف ESG” و هر دو متغیر نماینده اعتماد سرمایه‌گذار یعنی “حجم معاملات” (ضریب -۰.۲۱) و “بازده غیرعادی” (ضریب -۰.۱۵) است. این نتیجه اولیه نشان می‌دهد که هرچه شکاف بین گزارش و عملکرد ESG بیشتر باشد، تمایل سرمایه‌گذاران به معامله سهام آن شرکت کمتر شده و بازدهی سهام نیز تحت تأثیر منفی قرار می‌گیرد. همچنین همبستگی مثبت بین اندازه شرکت و حجم معاملات قابل انتظار است، زیرا شرکت‌های بزرگتر نقدشوندگی بیشتری دارند.

نتایج آزمون فرضیه اول (تأثیر شکاف ESG بر حجم معاملات):

برای آزمون این فرضیه، مدل رگرسیونی زیر برآورد شده است. نتایج آزمون هاسمن نشان داد که استفاده از مدل اثرات ثابت مناسب تر است.

$$\text{TRADE\_VOL}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{ESG\_GAP}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \beta_4 \text{ROA}_{it} + \alpha_i + \epsilon_{it}$$

$$\text{TRADE\_VOL}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{ESG\_GAP}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \beta_4 \text{ROA}_{it} + \alpha_i + \epsilon_{it}$$

جدول ۳: نتایج رگرسیون تأثیر شکاف ESG بر حجم معاملات

متغیر	ضریب (Coefficient)	خطای استاندارد	آماره t	P-value مقدار
ESG_GAP	-0.281	0.112	-2.51	0.012
SIZE	0.008	0.002	3.98	0.000
LEV	-0.025	0.013	-1.92	0.055
ROA	0.041	0.019	2.16	0.031
عرض از مبدأ	-0.075	0.028	-2.68	0.007
آماره های مدل				
R-squared	0.42			
F-statistic	15.87			0.000

نتایج جدول ۳ نشان می دهد که متغیر “شکاف ESG” دارای ضریب منفی (-۰.۲۸۱) و از نظر آماری در سطح ۵ درصد معنادار است (P-value = 0.012). این یافته، فرضیه تحقیق را تأیید می کند و بیانگر آن است که با افزایش شکاف بین گزارشگری و عملکرد واقعی ESG، حجم معاملات سهام شرکت به طور معناداری کاهش می یابد. به عبارت دیگر، سرمایه گذاران این ناهمخوانی را (احتمالاً به عنوان سیگنالی از عدم شفافیت یا ریسک بالا) تشخیص داده و با کاهش فعالیت معاملاتی خود به آن واکنش نشان می دهند که می توان آن را به کاهش اعتماد تعبیر کرد. ضرایب متغیرهای کنترلی نیز منطقی به نظر می رسند؛ اندازه شرکت و سودآوری (ROA) تأثیر مثبت و معناداری بر حجم معاملات دارند.

نتایج تحلیل کیفی (مصاحبه ها):

تحلیل مضمون مصاحبه ها با ۱۵ نفر از خبرگان بازار، سه مضمون اصلی را آشکار ساخت.

جدول ۴: مضامین اصلی استخراج شده از مصاحبه ها

مضمون اصلی	زیر مضامین	نقل قول نمونه از مصاحبه شونده
۱. بی اعتمادی به گزارش های فعلی	- کلی گویی و عدم ارائه داده کمی - استاندارد یکپارچه - تمرکز بر فعالیت های خیریه به جای عملیات اصلی - عدم راستی آزمایی توسط نهاد مستقل	“این گزارش ها بیشتر شبیه بروشور تبلیغاتی هستند. می گویند دوستدار محیط زیستیم، ولی هیچ داده ای از میزان کاهش مصرف آب یا انرژی نمی دهند. ما به این ها بهای چندانی نمی دهیم.” (مدیر پر تقوی)
۲. تلاش برای کشف عملکرد واقعی	- استفاده از منابع جایگزین (اخبار، شبکه های اجتماعی) - تحلیل روند مصرف انرژی و مواد اولیه - بررسی سوابق شکایات کارگری و جرایم	“ما فقط به گزارش هیئت مدیره اکتفا نمی کنیم. اخبار مربوط به آلودگی شرکت، تعداد آگهی های استخدام، یا حتی گزارش های میدانی

بچه‌های تحلیلگر از وضعیت کارخانه برای ما مهم تر است." (تحلیلگر ارشد)	محیط‌زیستی - اهمیت بازدید از کارخانه و صحبت با مدیران میانی
"نا زمانی که بورس یک دستورالعمل شفاف و لازم‌الاجرا برای گزارشگری ESG نداشته باشد و یک نهاد ثالث معتبر این گزارش‌ها را تأیید نکند، این وضعیت سبزشویی ادامه خواهد داشت." (مدیر صندوق)	۳. ضرورت اقدام نهاد ناظر - تدوین استانداردهای گزارشگری الزامی و بومی - ایجاد سیستم رتبه‌بندی معتبر و مستقل - الزام به حسابرسی اطلاعات پایداری - ارائه مشوق برای شرکت‌های شفاف و واقعاً پایدار

نتایج کیفی به خوبی نتایج کمی را تأیید و تعمیق می‌بخشد. مضمون اول، "بی‌اعتمادی به گزارش‌های فعلی"، به وضوح نشان می‌دهد که چرا سرمایه‌گذاران حرفه‌ای به شکاف بین گزارش و عملکرد واکنش منفی نشان می‌دهند؛ زیرا آن‌ها به طور ذاتی به اعتبار گزارش‌های فعلی مشکوک هستند. مضمون دوم، "تلاش برای کشف عملکرد واقعی"، مکانیزم‌هایی را که سرمایه‌گذاران از طریق آن این شکاف را شناسایی می‌کنند، توضیح می‌دهد. آن‌ها صرفاً به گزارش‌ها اتکا نمی‌کنند و از کانال‌های اطلاعاتی دیگری برای سنجش واقعیت استفاده می‌کنند. مضمون سوم نیز مستقیماً به راهکارهای سیاستی اشاره دارد که می‌تواند به پر کردن این شکاف و بازسازی اعتماد کمک کند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف ارزیابی شکاف بین گزارشگری پایداری (ESG) و عملکرد واقعی و بررسی تأثیر آن بر اعتماد سرمایه‌گذار در بستر بورس اوراق بهادار تهران انجام شد. یافته‌های تحقیق به طور unequivocal وجود یک شکاف مثبت و معنادار را تأیید کرد؛ به این معنا که شرکت‌های ایرانی به طور متوسط تمایل دارند عملکرد ESG خود را در گزارش‌هایشان بهتر از آنچه در واقعیت است، به تصویر بکشند. این نتیجه با بخش قابل توجهی از ادبیات بین‌المللی که به پدیده "سبزشویی" و "جداسازی نمادین" اشاره دارند (مانند Akerlof, 1970; Lyon, 2014; Marquis et al., 2016; Kim) همسو است و نشان می‌دهد که این چالش یک پدیده جهانی است که بازار سرمایه ایران نیز از آن مستثنی نیست. وجود این شکاف را می‌توان با تئوری‌های مشروعیت و علامت‌دهی تبیین کرد. شرکت‌ها برای کسب مشروعیت در چشم ذی‌نفعان و ارسال سیگنال مثبت به بازار، به گزارشگری ESG روی می‌آورند، اما به دلیل هزینه‌بر بودن تغییرات عملیاتی واقعی و نبود مکانیزم‌های کنترلی قوی، این تلاش عمدتاً در سطح نمادین باقی می‌ماند و به بهبود عملکرد واقعی منجر نمی‌شود.

مهم‌ترین یافته این پژوهش، تأثیر منفی و معنادار شکاف ESG بر اعتماد سرمایه‌گذار بود که از طریق کاهش حجم معاملات سهام شرکت‌ها خود را نشان داد. این نتیجه بیانگر آن است که سرمایه‌گذاران، به ویژه بازیگران حرفه‌ای بازار، نسبت به این شکاف آگاه هستند و آن را در تصمیمات خود لحاظ می‌کنند. این یافته با تئوری بازار "لیمویی" (Akerlof, 1970) تطابق دارد؛ زمانی که سرمایه‌گذاران نتوانند به راحتی بین شرکت‌های واقعاً پایدار (هلوها) و شرکت‌های سبزشو (لیموها) تمایز قائل شوند، به کل سیگنال ESG با دیده تردید نگریسته و واکنش منفی نشان می‌دهند. نتایج مصاحبه‌ها نیز این موضوع را به خوبی روشن ساخت. خبرگان بازار صراحتاً به بی‌اعتباری گزارش‌های فعلی اشاره کرده و مکانیزم‌های جایگزین خود برای ارزیابی عملکرد واقعی را تشریح کردند. این نشان می‌دهد که بازار در حال توسعه یک سیستم ایمنی در برابر اطلاعات غیرقابل اتکاست، هرچند این فرآیند پرهزینه و ناکارآمد

است. کاهش حجم معاملات به عنوان واکنشی به این شکاف، می تواند منجر به کاهش نقدشوندگی سهام و در نتیجه افزایش هزینه سرمایه برای شرکت هایی شود که شفافیت لازم را ندارند.

پیامدهای این یافته ها برای سیاست گذاران و مدیران شرکت ها بسیار حائز اهمیت است. برای نهاد ناظر بازار سرمایه (سازمان بورس و اوراق بهادار)، این نتایج زنگ خطری است که نشان می دهد نبود استانداردهای گزارشگری ESG مدون، الزامی و قابل راستی آزمایی، می تواند به فرسایش اعتماد، به عنوان حیاتی ترین دارایی بازار سرمایه، منجر شود. همانطور که در مصاحبه ها نیز مورد تأکید قرار گرفت، حرکت به سمت تدوین استانداردهای ملی گزارشگری پایدار (با الهام از استانداردهای جهانی مانند (ISSB)، الزام شرکت ها به افشای داده های کمی کلیدی (Key Performance Indicators) و ایجاد زیرساخت برای تأیید و حسابرسی این اطلاعات توسط اشخاص ثالث مستقل، یک ضرورت انکارناپذیر است. این اقدامات می تواند هزینه "سیگنال دهی دروغین" را افزایش داده و به شرکت ها انگیزه دهد تا به جای تمرکز بر ظاهر، بر بهبود واقعی عملکرد خود متمرکز شوند.

برای مدیران شرکت ها، این تحقیق حامل یک پیام استراتژیک است: در بلندمدت، استراتژی "سبزشویی" یک استراتژی شکست خورده است. اگرچه ممکن است در کوتاه مدت بتوان با گزارش های جذاب، ادراک بازار را مدیریت کرد، اما سرمایه گذاران به تدریج توانایی تشخیص شکاف بین گفتار و کردار را پیدا می کنند و واکنش منفی آن ها می تواند تمام مزایای کوتاه مدت را از بین ببرد. شرکت هایی که به دنبال ایجاد ارزش پایدار واقعی هستند، باید ESG را نه به عنوان یک ابزار بازاریابی، بلکه به عنوان یک جزء اساسی از استراتژی کسب و کار خود در نظر بگیرند. این به معنای ادغام واقعی ملاحظات محیطی و اجتماعی در فرآیندهای تصمیم گیری، سرمایه گذاری در فناوری های پاک، بهبود شرایط کاری کارکنان و تقویت ساختارهای حاکمیتی است. شفافیت در گزارشگری، حتی در مورد چالش ها و عملکردهای ضعیف، می تواند در بلندمدت اعتماد بیشتری را نسبت به گزارش های اغراق آمیز و غیر واقعی جلب کند. در نهایت، پر کردن شکاف ESG نه تنها یک الزام اخلاقی، بلکه یک ضرورت استراتژیک برای موفقیت بلندمدت در بازارهای مالی آینده است. این تحقیق پیشنهاد می کند که مطالعات آتی به بررسی تأثیر این شکاف در صنایع مختلف و همچنین ارزیابی اثربخشی مداخلات سیاستی برای کاهش آن بپردازند.

منابع

##پورحیدری، امید؛ رحمانیان، مهدی و کاشانی‌پور، محمد. (۱۳۹۹). تأثیر افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۲(۳)، ۱-۲۰.

##حساس یگانه، یحیی؛ مرادی، محمد و اسکندر، هدی. (۱۴۰۱). تبیین رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد پایدار با نقش تعدیلگر رقابت در بازار محصول. *فصلنامه علمی پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۲(۴۵)، ۲۳۹-۲۶۶.

##Akerlof, G. A. (1970). The market for "lemons": Quality uncertainty and the market mechanism. *The Quarterly Journal of Economics*, 84, ۴۸۸-۵۰۰, (۳)

Boffo, R., ## & Patalano, R. (2020). *ESG Investing: Practices, Progress and Challenges*. OECD.

Cheng, B., Ioannou, I., ## & Serafeim, G. (2014). Corporate social responsibility and access to finance. *Strategic Management Journal*, 35, ۱-۲۳, (۱)

Christensen, H. B., Hail, L., ## & Leuz, C. (2021). Mandatory CSR and sustainability reporting: economic analysis and literature review. *Review of Accounting Studies*, 26, (۳) ۱۱۷۶-۱۲۴۸.

##Deegan, C. (2002). Introduction: The legitimising effect of social and environmental disclosures—a theoretical foundation. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 15, (۳) ۲۸۲-۳۱۱.

Freeman, R. E. (1984). *Strategic management: A stakeholder approach*. Pitman.

Gillan, S. L., Koch, A., & ##Starks, L. T. (2021). Firms and social responsibility: A review of ESG and CSR research in corporate finance. *Journal of Corporate Finance*, 66, ۱۰۱۸۸۹ ,

Ioannou, I. & ##Serafeim, G. (2017). The consequences of mandatory corporate sustainability reporting. In *Harvard Business School Research Paper No. 11-100*.

Kim, E. H., & ##Lyon, T. P. (2014). Greenwash vs. brownwash: Exaggeration and undue modesty in corporate sustainability disclosure. *Ross School of Business Paper No. 1199*.

Klingler, F., Tversky, D., & ##Shlomo, B. (2021). A mixed-methods approach to understanding ESG investing. *Journal of Sustainable Finance & Investment*, ۲۲-۱ ,



Laplume, A. O., Sonpar, K., & Litz, R. A. (2008). Stakeholder theory: Reviewing a theory that moves us. *Journal of Management*, 34.۱۱۸۹-۱۱۵۲, (۶)

Lokuwaduge, C. S. D., & Heenetigala, K. (2017). Integrating environmental, social and governance (ESG) disclosure for a sustainable development: An Australian study. *Journal of Cleaner Production*, 142.۲۲۴۵-۲۲۳۶,

Marquis, C., Toffel, M. W., & Zhou, Y. (2016). Scrutiny, norms, and selective disclosure: A global study of greenwashing. *Harvard Business School Working Paper*, No. 16-113.

Plumlee, M., Brown, D., Hayes, R. M., & Marshall, R. S. (2015). Voluntary environmental disclosure quality and firm value: Further evidence. *Journal of Accounting and Public Policy*, 34.۳۶۱-۳۳۶, (۴)

Pompian, M. M. (2012). *Behavioral finance and investor types* John Wiley & Sons.

Spence, M. (1973). Job market signaling. *The Quarterly Journal of Economics*, 87-۳۵۵, (۳)
.۳۷۴

Suchman, M. C. (1995). Managing legitimacy: Strategic and institutional approaches. *Academy of Management Review*, 20.۶۱۰-۵۷۱, (۳)

Yu, E. P. Y., Luu, B. V., & Chen, C. H. (2020). Greenwashing in environmental, social and governance disclosures. *Research in International Business and Finance*, 52.۱۰۱۱۹۲,



Abstract

Title: Evaluating the Gap between Sustainability (ESG) Reporting and Actual Performance and Its Impact on Investor Trust. **Background and Objective:** In recent decades, Environmental, Social, and Governance (ESG) criteria have been increasingly integrated into investment decision-making. However, concerns are rising about a potential gap between what companies disclose in their sustainability reports and their actual performance. This phenomenon, also known as “Greenwashing,” can undermine investor trust and disrupt the optimal allocation of capital to genuinely sustainable firms. The primary objective of this study is to quantitatively and qualitatively assess the gap between ESG reporting and real performance of companies listed on the Tehran Stock Exchange and to analyze the impact of this gap on investor trust. **Methodology:** This research employs a mixed-methods approach. In the quantitative part, data on ESG reporting scores were collected from the annual and sustainability reports of 120 TSE-listed companies over the period 2020-2024. Actual ESG performance was measured using objective indicators such as greenhouse gas emission intensity, workplace accident rates, and the percentage of independent board members. Panel data regression models were used to analyze the gap and its impact on investor trust (proxied by trading volume and abnormal stock returns). In the qualitative part, semi-structured interviews were conducted with 15 investment managers and market analysts to gain deeper insights into the causes and consequences of this gap. **Findings:** The quantitative analysis revealed a significant gap between ESG reporting scores and actual performance across most of the surveyed industries. Companies with high reporting scores did not necessarily have better real performance. The regression model indicated that an increase in the ESG gap has a significant negative impact on the trading volume of company stocks ($\beta = -0.28$, $p < 0.05$), suggesting a decline in investor trust. The qualitative findings also confirmed that institutional investors are increasingly skeptical of ESG claims and are seeking verifiable and standardized data. **Conclusion:** The gap between claim and reality in the ESG domain is a serious challenge for the Iranian capital market. It not only questions the credibility of sustainability reports but can also lead to misguided investment decisions and an erosion of trust. To bridge this gap, it is essential to develop integrated and mandatory reporting standards, strengthen verification mechanisms by third-party entities, and increase transparency in the disclosure of performance data. Companies, in turn, must move beyond marketing and strive to genuinely integrate sustainability into their core strategies.

Keywords: Sustainability Reporting, ESG Performance, ESG Gap, Investor Trust, Greenwashing, Tehran Stock Exchange.

نقش دادستان در پیشگیری از جرایم زیست محیطی

فاطمه؛ نوری؛ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی؛ دانشگاه پیام نور؛ تهران؛ ایران

fatemehnoori90@pnu.ac.ir

چکیده

امروزه رفتارهای ناپایدار زیست محیطی در حال گسترش است و خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به دنبال دارد. از این حیث نقش دادستان در مقابله با جرایم زیست محیطی نقشی حیاتی، فعال و چندبعدی است. دادستان به عنوان "مدعی العموم" یا نماینده جامعه، مسئولیت حفظ منافع عمومی و نظارت بر اجرای صحیح قوانین را بر عهده دارد و محیط زیست به عنوان یک سرمایه ملی، مصداق بارز منافع عمومی است. نویسنده در این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به تبیین نقش دادستان در پیشگیری از جرایم زیست محیطی می‌پردازد یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اعطای اختیارات به مدعی العموم از سوی قانونگذار و بهره‌مندی از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای مدنی به عنوان راهبرد مشارکتی می‌تواند در مقابله با این جرایم و پیشگیری از وقوع آنها موثر باشد.

واژگان کلیدی: جرایم زیست محیطی، مدعی العموم، احقاق حقوق عامه، پیشگیری مشارکتی.

۱. مقدمه

در قوانین و مقررات داخلی و نیز در کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی تعریفی از محیط زیست ارائه نشده اما می‌توان آن را این گونه تعریف نمود که؛ محیط زیست به تمام محیطی اطلاق می‌گردد که زندگی انسان به طور مستقیم و غیر مستقیم به آن وابسته است و زندگی و فعالیت‌های او در ارتباط با آن قرار دارد. در واقع محیط زیست؛ همه شرایط و عوامل فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیبایی شناختی پیرامون کره زمین است و بر کیفیت زندگی بشر اثرگذار است (فهیمی، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

از طرفی محیط زیست صرفاً مربوط به زندگی انسانی نیست؛ بلکه آلوده کردن رودخانه‌ای که مصرف شرب حیوانات را دارد یا خاکی که آلوده کردن آن تنها به گیاهان و حشرات موجود در آن لطمه می‌زند را نیز محیط زیست در بر می‌گیرد. هرچند این آلودگی و فساد منجر به عدم بهره‌برداری کامل از موجودات زنده یا اکوسیستم‌های آنان می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۵: ۲۱۱-۲۰۸).

بنابراین آلاینده‌های زیست محیطی علاوه بر زندگی انسان، بر اموال و محیط زیست طبیعی نیز تاثیرگذار است. به همین دلیل محیط زیست در حوزه حقوق بشر به موضوع اصلی تبدیل شده است (امیر ارجمند، ۱۳۷۳: ۳۴۹). دادستان به عنوان مدعی العموم؛ می‌تواند در راستای حمایت و حفاظت از محیط زیست؛ در مقابل آلاینده‌ها و تخریب کنندگان اقدام نماید.

در اعلام جرم، کشف جرم و تعقیب متهمان جرایم، تفاوتی بین جرایم زیست محیطی و سایر جرایم وجود ندارد. اما نکته قابل ذکر این است که جرایم زیست محیطی با توجه به اینکه غالباً سلامت انسان‌ها و سایر جانداران را به مخاطره می‌اندازد؛ لذا باید با سرعت و حساسیت بیشتری رسیدگی شوند. دادستان با توجه به جایگاهی که دارد از محیط زیست^۱ شهروندان به عنوان یک حق بشری دفاع و اعلام جرم می‌نماید. وی به نیابت از جامعه به استیفای این حق عمومی می‌پردازد. به محض وقوع جرم زیست محیطی یا تخریب محیط زیست؛ اعلام جرم نموده و متهم را مورد تعقیب قرار می‌دهد؛ حتی اگر شاکی خصوصی نداشته باشد. زیرا محیط زیست متعلق به عموم شهروندان است و در صورت ارتکاب جرم یا تخریب قسمتی از محیط زیست ممکن است به کل افراد جامعه لطمه وارد نماید. بنابراین نقش دادستان در کشف، تحقیق و تعقیب متهم به عنوان حافظ منافع عمومی بسیار موثر و حیاتی است. همچنین دادستان می‌تواند از طریق گزارش‌هایی که سازمان بازرسی می‌دهد یا گزارش‌هایی که سایر نهادهای رسمی به سازمان بازرسی می‌دهند؛ مکلف است راساً نسبت به جرم زیست محیطی ارتكابی؛ اقامه دعوا و اعلام جرم نماید.

نکته قابل توجه این است که مواد ۶۷۵، ۶۸۰، ۶۸۱ و ۶۸۷ به ترتیب راجع به آتش زدن جنگل‌ها؛ صید و شکار حیوانات بدون مجوز یا از بین بردن درختان می‌باشد و این نشان می‌دهد که متاسفانه قانونگذار در برخورد با جرایم زیست محیطی معیارهای دوگانه‌ای را در پیش گرفته است؛ به گونه‌ای که برخی را جرمی عمومی و برخی را جرم خصوصی اعلام نمود است و حتی جرایم مذکور در «قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست» را نیز خصوصی اعلام نموده است و دست دادستان را از اقامه دعوا علیه متجاوزان به محیط زیست بسته است. بدین معنا که بایستی دادستان منتظر شکایت سازمان حفاظت محیط زیست باشد. اما تفسیری که متبادر به ذهن می‌گردد این است که؛ سازمان حفاظت محیط زیست در همه حال موظف است علیه کسانی که جرایم زیست محیطی را مرتکب می‌شوند شکایت کند و چنانچه این وظیفه قانونی خود را انجام ندهد دادستان مکلف به ورود به آن است و متهم را تحت تعقیب قرار می‌دهد (زهره‌وند، ۱۳۹۱: ۱۵).

نقش دادستان را می‌توان در چند مرحله اصلی بررسی کرد:

۲. نقش نظارتی دادستان

قبل از وقوع جرم، مهم‌ترین و اثرگذارترین جنبه فعالیت دادستان است :

دادستان بر عملکرد سازمان‌هایی مانند سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، شرکت آب منطقه‌ای و... نظارت دارد. اگر این سازمان‌ها در انجام وظایف خود (مانند صدور مجوزهای غیرقانونی، عدم برخورد با متخلفان، یا سهل‌انگاری در حفاظت از محیط زیست) کوتاهی کنند، دادستان می‌تواند از آنان توضیح بخواهد و در صورت لزوم متخلفان را تعقیب قضایی کند.

دادستان می تواند به دستگاه های مربوطه دستور دهد تا از فعالیت های مخرب زیست محیطی جلوگیری کنند. برای مثال، می تواند دستور توقف یک پروژه ساختمانی در جنگل یا کنار رودخانه را تا مشخص شدن نتیجه ارزیابی زیست محیطی صادر کند. مواردی که فعالیتی احتمال ورود خسارت جدی به محیط زیست را دارد، دادستان می تواند حتی قبل از شکایت شاکی خصوصی، وارد عمل شده و با درخواست از مرجع قضایی، قرارهای تأمینی (مانند توقیف محل یا ماشین آلات) صادر کند. نقش نظارتی و اجرایی دادستان در حمایت از محیط زیست می توان در چند مورد مطرح نمود:

۱-۲- عضویت در ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی:

هدف اصلی از تشکیل ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی؛ توجه ویژه به موضوع امر به معروف و نهی از منکر جهت پیشگیری از وقوع جرم است دادستان به عنوان عضوی از این ستاد با طرح موضوع جرایم زیست محیطی؛ نقش مهمی در پیشگیری از این جرایم ایفا می کند به ویژه آنکه دادستان می تواند با ایجاد هماهنگی بین سازمان های مربوطه راه حل های مناسبی را در این خصوص اتخاذ نماید (طرهانی، ۱۳۹۷: ۱۰۶).

۲-۲- عضویت در ستاد پیشگیری و مبارزه با جرایم خاص:

این ستاد جهت پیشگیری از جرایم خاص راهکارهای مناسبی را ارائه می دهد. جرایم خاص مانند؛ جرایم اقتصادی، جرایم سازمان یافته علیه اموال مردم که از طریق ایجاد رانت یا شبکه های اختلاس و کلاهبرداری صورت می گیرد یا جرایم علیه امنیت. جرایم زیست محیطی نیز هم از جهت موضوع و هم از جهت اهمیت؛ جرم خاص تلقی می گردد و می تواند در این ستاد مطرح گردد. دادستان با عضویت در این ستاد می تواند راهکارهای مناسب جهت مقابله و پیشگیری جرایم زیست محیطی ارائه دهد (نقره کار، ۱۳۸۸: ۱۴۳).

۳-۲- عضویت در شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم:

بر اساس مواد ۲ و ۳ قانون پیشگیری از وقوع جرم؛ شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم به ریاست رئیس قوه قضاییه و با عضویت مسئولین از جمله دادستان جهت تصویب طرح ها و برنامه های پیشگیری از وقوع جرم تشکیل می گردد. وظایف و نقش های هر یک از دستگاه ها و سازمان های دولتی در امر پیشگیری از جرم در این شورا تعیین می گردد (نقره کار، ۱۳۸۸: ۱۴۳). لذا با توجه به نقش موثر دادستان در این شورا می تواند با ارائه پیشنهادات سازنده در این خصوص تاثیر چشمگیری در پیشگیری از جرایم زیست محیطی داشته باشد.

۴-۲- عضویت در شورای حقوق بیت المال در امور اراضی و منابع طبیعی:

این شورا در سال ۱۳۸۳ در راستای حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی؛ احقاق حقوق عامه و نیز پیشگیری از تخریب و تصرف منابع طبیعی و در جهت اجرای اصول ۴۵، ۴۹، ۵۰ و ۱۵۶ قانون اساسی تشکیل شد.

بر اساس دستورالعمل اجرایی این شورا که در سال ۱۳۹۹ تصویب شد؛ این شورا به ریاست رئیس قوه قضاییه تشکیل می شود و دادستان به عنوان عضوی از این شورا مسئول پیشگیری و برخورد با جرایمی است که موجب تصرف، تخریب و تجاوز به اراضی و املاک دولتی و عمومی و نیز منابع طبیعی و انفال می شوند (خالقی و اشنوازی، ۱۳۹۲: ۶۲۰۵).

دادستان به نمایندگی از جامعه در فرایند دادرسی جرایم زیست محیطی مداخله می کند و اقدامات مرتبط با جمع آوری ادله و قراین اثباتی، تحقیقات ضروری و هر گونه اقدامات قانونی دیگر را انجام می دهد (صالحی و افراسیابی، ۱۳۹۷: ۲۰۳).

تعقیب جرایم زیست محیطی با اقرار متهم، شکایت شاکی، اعلام جرم توسط سازمان حفاظت محیط زیست یا سایر سازمان های مردم نهاد یا اشخاص عادی یا گزارش ضابطان عام یا خاص آغاز می گردد. مرتکبین این جرایم اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی مورد پیگرد قانونی قرار می گیرند. بنابراین بر اساس سیستم قانونی بودن تعقیب؛ دادستان به محض اطلاع از وقوع جرایم زیست محیطی؛ مکلف به شروع به تعقیب است. اگر اقدامات صورت گرفته توسط مرتکبین جرم نباشد؛ اما موجبات تخریب محیط زیست و آلوده کردن آن را فراهم نماید؛ ضمن جمع آوری دلایل مراتب را به صورت مستدل به سازمان های مسئول منعکس می کند. در صورت عدم اقدام توسط سازمان مسئول؛ مراحل قانونی از طریق دادگاه پیگیری می شود.

۳. نقش تعقیب کنندگی

پس از وقوع جرم؛ وقتی جرم زیست محیطی رخ می دهد، دادستان نقش اصلی را در پیگرد قانونی آن دارد:

۱-۳. اقدام مستقل بدون نیاز به شاکی خصوصی:

بسیاری از جرایم زیست محیطی قابل گذشت نیستند. یعنی دادستان می تواند به محض اطلاع (از طریق گزارش های مردمی، رسانه ها، یا بازرسی های میدانی) تحقیقات را آغاز کند، حتی اگر کسی شکایت نکرده باشد. زیرا این جرایم علیه "جامعه" است. ۲-۳. هدایت تحقیقات:

دادستان تحقیقات اولیه را هدایت می کند. می تواند از ضابطان قضایی ویژه مانند؛ مأموران سازمان حفاظت محیط زیست بخواهد تا در محل حادثه حاضر شده، شواهد را جمع آوری و با متهمان مصاحبه کنند.

۳-۳. صدور کیفرخواست:

پس از تکمیل تحقیقات، اگر دلایل کافی برای اتهام وجود داشته باشد، دادستان کیفرخواست صادر می کند. کیفرخواست سندی است که اتهامات وارده و ادله آن را شرح می دهد و مبنای شروع محاکمه است.

۴-۳. شرکت در دادگاه به عنوان مدعی العموم:

دادستان یا نماینده او در جلسات دادگاه حاضر شده و به عنوان طرف دعوا، ادله و مستندات خود را علیه متهم ارائه می دهد و درخواست مجازات می کند.

۴. نقش حفاظتی و جبران خسارت

درخواست جبران خسارت: دادستان می تواند در کنار درخواست مجازات مجرم، از دادگاه بخواهد که دستور جبران خسارت وارده به محیط زیست را صادر کند. این جبران خسارت ممکن است به صورت آبادی و احیای منطقه آسیب دیده، کاشت درخت، پاکسازی آلودگی یا پرداخت جریمه نقدی به صندوق دولت برای صرف در امور زیست محیطی باشد.

حفظ بزه دیده:

در بسیاری از جرایم زیست محیطی، "طبیعت" بزه دیده است که توانایی دفاع از خود را ندارد. دادستان در اینجا به عنوان نماینده و مدافع طبیعت عمل می کند تا حق آن احیا شود. نمونه هایی از جرایم زیست محیطی که دادستان در آن ها دخالت می کند: آلودگی آب، هوا و خاک؛ (مانند تخلیه فاضلاب صنعتی به رودخانه، انتشار گازهای خطرناک از کارخانه ها، دفن غیربهداشتی زباله)؛ تخریب جنگل ها و مراتع؛ (مانند تصرف غیرقانونی، قطع درختان، آتش سوزی عمدی)؛ شکار و صید غیرمجاز؛ (شکار گونه های در معرض انقراض، صید در فصل ممنوعه)؛ تخریب عرصه های طبیعی و سواحل؛ (مانند ساخت و ساز غیرمجاز در حریم دریا و رودخانه، معدن کاوی غیراصولی)؛ قاچاق پسماند و ضایعات خطرناک؛ (ورود یا خروج غیرقانونی زباله های خطرناک).

مهم ترین چالش های پیش روی دادستان در برخورد با جرایم زیست محیطی عبارتند از:

پیچیدگی اثبات جرایم زیست محیطی: اثبات رابطه سببیت بین عمل متهم و خسارت زیست محیطی اغلب نیازمند کارشناسی تخصصی و پرهزینه است.

توان مالی و نفوذ متهمان: بسیاری از متهمان این جرایم، شرکت های بزرگ صنعتی با توان مالی و حقوقی بالا هستند که ممکن است روند دادگاه را طولانی کنند.

کمبود تخصص: نیاز به قضات و دادستان های متخصص در حوزه محیط زیست احساس می شود.

پراکندگی قوانین: قوانین زیست محیطی در ایران در قوانین مختلفی پراکنده است که هماهنگی و استناد به آن ها را دشوار می سازد.

۵. بحث و نتیجه گیری

دادستان در حوزه محیط زیست، تنها یک مقام تعقیب کننده پس از وقوع جرم نیست، بلکه نگهبان و مدافع فعال محیط زیست است. نقش نظارتی و پیشگیرانه او از نقش قضایی اش مهم تر است. موفقیت دادستان در این مسیر مستلزم همکاری نزدیک با سازمان های متخصص (مانند سازمان محیط زیست)، استفاده از فناوری های نوین مانند؛ سنجش از دور و حمایت و گزارش دهی مردم و رسانه ها است.

دادستان باید در راستای هدف پیشگیری از وقوع جرم زیست محیطی؛ نظارت بر حفاظت از محیط زیست را بر عهده گیرد. لذا یکی از وظایف اصلی دادستان پیشگیری از وقوع جرم و حفاظت از محیط زیست است و در این خصوص باید اقدامات شایسته ای انجام دهد. مهم ترین تدابیر پیشگیرانه در این مورد تشکیل دادرهای ویژه با نظارت بر عملکرد ضابطان دادگستری است. با توجه به

افزایش جرایم زیست محیطی اخیرا داسرای ویژه رسیدگی به جرایم زیست محیطی در برخی از استانها راهاندازی شده است برخورد قاطعانه با تخریب کنندگان اراضی ملی و زمین خواران یکی از وظایف این نهاد ویژه است. به طور کلی؛ وظیفه دادستان در حفاظت از محیط زیست؛ قانونی و مطلق است و منتظر اعلام جرم از سوی سازمان محیط زیست نمی باشد. بلکه خود به محض اطلاع از وقوع جرم زیست محیطی مکلف به شروع به تغییر و رسیدگی است. از طرفی امروزه در کشور ما قوه قضاییه و از جمله داسرا با محوریت دادستان؛ با مشکلات محیط زیست و تخریب بی رویه اراضی ملی، جنگلها آبها و گونه های مختلف گیاهی و جانوری روبرو بوده است که باید گفت نسل بیشتر این گونه ها به کلی منقرض یا در حال انقراض است. در کنار آن آلودگی هوا و صدمات جبران ناپذیر آن بر سلامتی شهروندان که سالیانه جان تعداد زیادی از شهروندان را می گیرد باعث گردیده نقش دادستان را در پیشگیری از وقوع جرایم زیست محیطی بیش از پیش نمایان سازد. در هر صورت دادستان که در جایگاه مدعی العموم جهت حفظ دفاع از حقوق شهروندان باید بیش از گذشته به این مهم پردازد.

منابع

- ## ارجمند، اردشیر (۱۳۷۳). «حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی». تحقیقات حقوقی، ش ۱۵.
- ## خالقی، عبدالفتاح و رشوادی، حجت الله (۱۳۹۲). «سیاست تقنینی کیفری ایران در صیانت از منابع آب با عنایت به اسناد بین المللی». پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، ش ۳.
- ## زهرهوند، مهدی (۱۳۹۱). نقش قوه قضاییه در مقابل جرایم زیست محیطی. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ## صالحی، محمد خلیل و افراسیابی، علی (۱۳۹۷). «جایگاه و حدود اختیارات دادستان در رسیدگی کیفری». پژوهش حقوق کیفری، ش ۲۵.
- ## طرهانی، سجاد (۱۳۹۷). «نقش دادستان در محاکم عمومی در حقوق کیفری ایران». مطالعات حقوق، ش ۵۲.
- ## فهیمی، عزیزالله (۱۳۸۷). «فلسفه حقوق محیط زیست و آثار آن». پژوهش های فلسفی و کلامی، ش ۳.
- ## نقره کار، محمد صالح (۱۳۸۸). نقش دادستان در صیانت از حقوق عامه. تهران: انتشارات جنگل.
- ## میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۵). جرایم علیه آسایش عمومی، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.

The role of the prosecutor in preventing environmental crimes

Fatemeh Noori²⁷

Assistant Professor of Criminal Law and Criminology payamenoor university. Tehran, Iran.

Abstract

Nowadays, unsustainable environmental behaviors are spreading and causing irreparable damage. In this regard, the role of the prosecutor in combating environmental crimes is a vital, active, and multidimensional role. The prosecutor, as the "public prosecutor" or representative of society, is responsible for protecting public interests and supervising the proper implementation of laws, and the environment, as a national asset, is a clear example of public interests. In this article, the author uses a descriptive-analytical method to explain the role of the prosecutor in preventing environmental crimes. The research findings indicate that granting powers to the public prosecutor by the legislator and utilizing the capacity of non-governmental organizations and civil institutions as a participatory strategy can be effective in combating this problem and preventing their occurrence.

²⁷ - Email: Fatemehnoori90@pnu.ac.ir



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable
Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Keywords: Environmental crimes, public prosecutor, public rights enforcement, participatory prevention.

تبیین نقش زنان خانه‌دار شهر بندرعباس در حفاظت از محیط زیست

محبوبه، مهرابی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

این پژوهش به کاوش نقش زنان خانه‌دار در شهر بندرعباس در حفاظت از محیط زیست می‌پردازد، جایی که تجربیات روزمره آن‌ها لایه‌های پنهانی از پایداری محلی را آشکار می‌سازد. با تمرکز بر اینکه چگونه مدیریت خانگی شان - از مصرف آب تا دفع زباله - با چالش‌های اکولوژیکی بزرگ‌تر مانند آلودگی خلیج فارس و گرمایش جهانی درهم‌تنیده است، اهداف مطالعه شامل شناسایی الگوهای مشارکت زنان، موانع ساختاری پیش روی شان، و راهکارهای نهفته برای تقویت صدای آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی است. جهت انجام این پژوهش رویکرد کیفی اتخاذ شد و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق با ۲۰ زن خانه‌دار، انتخاب‌شده به روش نمونه‌گیری هدفمند، گردآوری گردید تا صدای واقعی شان بدون واسطه بازتاب یابد. یافته‌ها تم‌هایی کلیدی را برجسته می‌کنند: ادغام دانش بومی در مدیریت پایدار منابع محلی، که زنان را به عنوان نگهبانان ناخواسته اکوسیستم‌های ساحلی نشان می‌دهد؛ و چالش‌هایی چون محدودیت‌های فرهنگی که مشارکت شان را به حاشیه می‌راند، در حالی که پتانسیل آن‌ها برای رهبری تغییرات جامعه‌ای نادیده گرفته می‌شود. این مطالعه پیشنهاد می‌کند که با به رسمیت شناختن نقش زنان به عنوان پل‌هایی میان خانه و جامعه، سیاست‌های زیست‌محیطی می‌توانند عمیق‌تر و فراگیرتر شوند، و در نهایت به تعادل پایدارتری در مناطق آسیب‌پذیر مانند بندرعباس بیانجامند.

واژگان کلیدی: مدیریت پایدار منابع؛ چالش‌های زیست‌محیطی؛ نقش جنسیتی؛ دانش بومی؛ پایداری ساحلی.

۱. مقدمه و بیان مسأله

در دل شهرهای ساحلی ایران، جایی که امواج خلیج فارس با دیوارهای سنگی خانه‌ها برخورد می‌کنند، زندگی روزمره زنان خانه‌دار فراتر از مرزهای خصوصی خانواده جریان می‌یابد و به شبکه‌های پیچیده اکولوژیکی گره می‌خورد. این زنان، که اغلب در سایه نقش‌های سنتی شان پنهان مانده‌اند، با دستانی که هم نان می‌پزند و هم زباله‌ها را تفکیک می‌کنند، به طور ناخودآگاه نگهبانان اکوسیستم‌های محلی می‌شوند. بندرعباس، به عنوان یکی از بنادر کلیدی جنوب ایران، نمادی از این تقاطع است؛ جایی که تجارت جهانی با شکندگی طبیعت هم‌آغوش شده و زنان خانه‌دار، در میان این کشمکش، لایه‌های پنهان پایداری را می‌بافند. این پژوهش، با کاوش در تجربیات این زنان، نه تنها نقش شان را در حفاظت محیط زیست تبیین می‌کند، بلکه به بازاندیشی در ساختارهای جنسیتی می‌پردازد که پایداری را از خانه به جامعه امتداد می‌دهد.

توجه به نقش زنان در حفاظت از محیط زیست در ایران، ریشه در دیدگاه‌های اکوفیمینیستی دارد که جنسیت را نه به عنوان مانعی، بلکه به عنوان پلی برای تعامل با طبیعت می‌بیند. برای نمونه، کارهایی که بر رفتارهای مسئولانه زیست‌محیطی زنان روستایی تمرکز کرده‌اند، نشان می‌دهند چگونه عوامل اجتماعی-روانی، مانند هنجارهای فرهنگی و دسترسی به دانش بومی، رفتارهای حفاظتی را شکل می‌دهند (کریمی و محمدی مهر: ۲۰۲۲). این مطالعه، با بررسی بخشی از زنان ایرانی، چارچوبی یکپارچه ارائه می‌دهد که در آن نیت‌های زیست‌محیطی نه از سیاست‌های کلان، بلکه از تعاملات روزمره با منابع طبیعی برمی‌خیزد - الگویی که در شهرهای ساحلی مانند بندرعباس، جایی که زنان خانه‌دار با کمبود آب و آلودگی دریایی دست و پنجه نرم می‌کنند، بازتابی عمیق‌تر می‌یابد.

در همین راستا، برخی تحقیقات بر مدیریت یکپارچه حوضه‌های آبخیز در ایران، نقش زنان را در مدل‌سازی پایداری برجسته می‌سازد. اطهری و همکاران (۲۰۱۷)، با طراحی مدلی برای مدیریت منابع آب، بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های محلی تأکید می‌کنند و نشان می‌دهند چگونه تجربیات خانگی‌شان از مدیریت مصرف آب تا حفظ خاک‌های ساحلی، می‌تواند به سیاست‌های کلان نفوذ کند. این رویکرد، که بر پایه داده‌های میدانی از مناطق خشک ایران بنا شده، لایه‌ای از پیچیدگی را آشکار می‌کند: زنان نه تنها مصرف‌کنندگان منابع هستند، بلکه معماران نامرئی تعادل اکولوژیکی اند، هرچند اغلب صدای‌شان در فرآیندهای رسمی گم می‌شود.

مطالعات محلی در هرمزگان، بر توانمندسازی پایدار زنان تمرکز کرده‌اند. حسینی (۲۰۲۱) در تحلیل موضوعی توسعه اجتماعی زنان، بر توانمندسازی پایدار تأکید می‌ورزد و نشان می‌دهد چگونه شبکه‌های حمایتی محلی در استان‌هایی مانند هرمزگان، زنان را به عنوان عوامل تغییر در برابر چالش‌های زیست‌محیطی قرار می‌دهد. این پژوهش، با کاوش در تجربیات زنان روستایی، تم‌هایی مانند ادغام دانش سنتی در مدیریت منابع را برجسته می‌کند - دانشی که در بندرعباس، با فرهنگ دریانوردی‌اش، به حفاظت از مرجان‌ها و سواحل تبدیل می‌شود.

علاوه بر این، دیدگاه‌های اکوفیمینیستی، نقش زنان را در ایدئولوژی‌های مذهبی و فرهنگی بازتعریف می‌کنند. مطالعه‌ای بر اکوفیمینیسم اسلامی (زینت و همکارانش: ۲۰۲۰) نشان می‌دهد چگونه زنان مسلمان، با تکیه بر آموزه‌های دینی، رفتارهای زیست‌محیطی را بازسازی می‌کنند؛ برای مثال، تفسیرهایی از مفهوم امانت‌داری الهی که مصرف‌گرایی را به چالش می‌کشد و زنان را به عنوان حافظان طبیعت می‌گستراند. این چارچوب، که بر پایه مصاحبه‌های کیفی با فعالان زن بنا شده، عمق می‌بخشد به اینکه چگونه جنسیت، در بستر فرهنگی، پایداری را نه به عنوان بار، بلکه به عنوان رسالت بازمی‌سازد.

در نهایت، گزارش‌های سازمانی بر نقش زنان هرمزگانی تأکید دارند. گزارش مرکز ویلسون (Wilson Center, ۲۰۲۳) بر زنان روستایی ایران، به ویژه در هرمزگان، به عنوان ستون‌های نامرئی اجتماعی می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه شبکه‌های حمایتی

آن‌ها، از کشاورزی پایدار تا حفاظت از منابع دریایی، پایداری محلی را تقویت می‌کند. این گزارش، با روایت‌هایی از زنان هرمزگانی مانند فاطمه، لایه‌ای انسانی به پیشینه می‌افزاید: زنانی که در میان خشکسالی و آلودگی، الگوهای بقا را می‌آفرینند.

این پیشینه، هرچند غنی، شکاف‌هایی را آشکار می‌سازد: بیشتر مطالعات بر زنان روستایی یا فعالان تمرکز کرده‌اند و نقش زنان خانه‌دار شهری - به ویژه در بنادر آسیب‌پذیر - را نادیده گرفته‌اند. بندرعباس، با موقعیت جغرافیایی‌اش در تنگه هرمز، این شکاف را برجسته‌تر می‌کند. چالش‌های زیست‌محیطی این شهر، از آلودگی نفتی خلیج فارس تا فرسایش سواحل ناشی از تغییرات اقلیمی، نه تنها تهدیدهایی کلان هستند، بلکه در زندگی روزمره زنان نفوذ کرده‌اند. تخلیه فاضلاب‌های خانگی به دریا، که اغلب توسط زنان مدیریت می‌شود، چرخه‌ای از آلودگی ایجاد می‌کند که اکوسیستم‌های ماهیگیری محلی را نابود می‌سازد. علاوه بر این، افزایش دما و کمبود آب، مدیریت خانگی را به نبردی روزانه تبدیل کرده: زنانی که با ذخیره‌سازی آب باران یا بازیافت پلاستیک‌ها، بدون حمایت رسمی، به پایداری کمک می‌کنند. این چالش‌ها، ریشه در عوامل ساختاری دارند. آلودگی خلیج فارس، که از دهه ۱۹۹۰ با افزایش فعالیت‌های نفتی تشدید شده، نه تنها تنوع زیستی را تهدید می‌کند، بلکه سلامت زنان و کودکان را - از طریق مصرف غذاهای دریایی آلوده - به خطر می‌اندازد. در بندرعباس، جایی که بیش از ۴۰ درصد جمعیت زنان خانه‌دار هستند، این مسائل به نابرابری جنسیتی دامن می‌زند: مردان در بازار کار بندری مشغول‌اند، در حالی که زنان با پیامدهای زیست‌محیطی در خانه روبرو می‌شوند. این تقارن، ضرورت بررسی نقش‌شان را دوچندان می‌کند؛ نه به عنوان قربانیان منفعل، بلکه به عنوان معماران بالقوه تغییرات.

ضرورت این پژوهش، در همین لایه‌های پنهان نهفته است. زنان خانه‌دار بندرعباس، با دانش بومی‌شان از گیاهان محلی و الگوهای جزر و مد، پتانسیلی برای رهبری محلی دارند که سیاست‌های زیست‌محیطی اغلب آن را نادیده می‌گیرند. برای مثال، ابتکارهای غیررسمی مانند گروه‌های همیاری برای جمع‌آوری زباله‌های ساحلی، نشان‌دهنده این پتانسیل است، اما بدون به رسمیت شناختن، به حاشیه رانده می‌شود. این مطالعه، با تمرکز بر تجربیات کیفی ۲۰ زن، به دنبال تبیین این نقش است: چگونه مدیریت خانگی‌شان به حفاظت اکوسیستم‌ها تبدیل می‌شود، موانع فرهنگی و اقتصادی چه لایه‌هایی ایجاد می‌کنند، و چگونه صدای‌شان می‌تواند سیاست‌های محلی را بازسازی کند و اهداف پژوهش نیز، بر پایه این ضرورت‌ها بنا شده‌اند. هدف اصلی، تبیین کیفی نقش زنان خانه‌دار در حفاظت محیط زیست بندرعباس است، با تمرکز بر الگوهای مشارکت روزمره‌شان. اهداف فرعی شامل شناسایی تم‌های کلیدی از مصاحبه‌های عمیق - مانند ادغام دانش بومی در مدیریت منابع - و کاوش چالش‌های ساختاری، مانند محدودیت‌های جنسیتی در دسترسی به آموزش زیست‌محیطی، می‌شود. این رویکرد، که بر پایه نمونه‌گیری هدفمند بنا شده، نه تنها توصیفی است، بلکه تحلیلی است به دنبال کشف اینکه چگونه تجربیات فردی، به شبکه‌های پایداری جامعه‌ای گره می‌خورند.

در نهایت، این مقدمه، پلی به سوی بخش‌های بعدی می‌زند: جایی که روش‌شناسی کیفی، یافته‌ها و بحث‌ها، لایه‌های عمیق‌تری از این نقش را می‌کاوند. با این کاوش، نه تنها به دانش آکادمیک افزوده می‌شود، بلکه صدایی برای زنانی است که خانه‌های‌شان، خط مقدم حفاظت از خلیج فارس است.

۲. مواد و روش‌ها

روش پژوهش: این پژوهش از رویکردی کیفی بهره می‌گیرد تا نقش زنان خانه‌دار در حفاظت از محیط زیست شهر بندرعباس را با عمقی چندلایه کاوش کند. انتخاب روش کیفی، ریشه در ضرورت بازنمایی صدای زنانی دارد که تجربیات‌شان، در میانه زندگی روزمره و چالش‌های زیست‌محیطی، اغلب در روایت‌های رسمی گم می‌شود. این روش، با انعطاف‌پذیری در کشف معانی نهفته و زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی، به پژوهش اجازه می‌دهد تا لایه‌های پنهان مشارکت این زنان را در پایداری محلی آشکار سازد.

نمونه‌گیری و شرکت‌کنندگان: جامعه هدف، زنان خانه‌دار بندرعباسی بودند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در فعالیت‌های حفاظت محیط زیست، مانند مدیریت پایدار پسماند یا مصرف آب، مشارکت داشتند. از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد تا ۲۰ زن با ویژگی‌های متنوع (سن، تحصیلات، و سابقه فعالیت‌های زیست‌محیطی) انتخاب شوند. این تنوع، تضمین‌کننده بازنمایی دیدگاه‌های مختلف و غنای داده‌ها بود. معیارهای ورود شامل اقامت حداقل پنج‌ساله در بندرعباس و تجربه عملی در مدیریت منابع خانگی با تأثیر زیست‌محیطی بود. فرآیند نمونه‌گیری با معرفی از طریق شبکه‌های محلی، مانند گروه‌های همیاری زنان، آغاز شد و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت.

گردآوری داده‌ها: داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختارمند جمع‌آوری شدند. هر مصاحبه، که بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه طول کشید، در فضایی امن و راحت (اغلب در خانه شرکت‌کنندگان) انجام شد تا آن‌ها بتوانند آزادانه تجربیات‌شان را بیان کنند. پرسش‌ها بر محور فعالیت‌های روزمره (مانند تفکیک زباله، مدیریت آب، یا تعامل با منابع ساحلی) و چالش‌های فرهنگی-اجتماعی طراحی شدند. مصاحبه‌ها با رضایت شرکت‌کنندگان ضبط و سپس پیاده‌سازی شدند. برای اطمینان از صحت داده‌ها، یادداشت‌های میدانی نیز در حین مصاحبه ثبت گردید، که به غنای تحلیل کمک کرد.

تحلیل داده‌ها: تحلیل داده‌ها با استفاده از رویکرد تحلیل تماتیک بر اساس چارچوب براون و کلارک (۲۰۱۹) انجام شد. این روش، با تمرکز بر شناسایی الگوهای معنایی در داده‌ها، امکان استخراج تم‌های کلیدی را فراهم کرد. فرآیند تحلیل در شش مرحله انجام شد: ۱) آشنایی با داده‌ها از طریق خوانش مکرر پیاده‌سازی‌ها؛ ۲) کدگذاری اولیه داده‌ها برای شناسایی مفاهیم مرتبط؛ ۳) جستجوی تم‌ها با دسته‌بندی کدها؛ ۴) بازبینی تم‌ها برای اطمینان از انسجام؛ ۵) تعریف و نام‌گذاری تم‌ها؛ و ۶) نگارش گزارش نهایی. برای افزایش اعتبار تحلیل، کدگذاری توسط دو پژوهشگر به طور مستقل انجام شد و اختلافات از طریق بحث گروهی حل گردید. از نرم‌افزار MAXQDA برای سازمان‌دهی داده‌ها و مدیریت کدها استفاده شد.

ملاحظات اخلاقی: این مطالعه با رعایت اصول اخلاق پژوهش انجام شد. پیش از مصاحبه‌ها، به شرکت کنندگان در ارتباط با اهداف پژوهش، اختیاری بودن مشارکت، و محرمانگی داده‌ها توضیح داده شد. هویت شرکت کنندگان با استفاده از اسامی مستعار محافظت شد و داده‌های صوتی پس از پیاده‌سازی حذف شدند و شرکت کنندگان حق داشتند در هر مرحله از مطالعه انصراف دهند.

۳. نتایج

تحلیل تماتیک مصاحبه‌های عمیق با ۲۰ زن خانه‌دار در بندرعباس، چهار تم کلیدی را در نقش این زنان در حفاظت از محیط زیست آشکار کرد: مدیریت پسماند خانگی، حفاظت از منابع آبی، ادغام دانش بومی در پایداری و چالش‌های فرهنگی-اجتماعی. این تم‌ها، که از دل تجربیات زیسته زنان استخراج شده‌اند، پیوند عمیقی را بین فعالیت‌های روزمره خانگی و پایداری اکولوژیکی در بستر شکننده بندرعباس نشان می‌دهند. در ادامه، هر تم با توصیف دقیق و نقل قول‌های مستقیم از شرکت کنندگان ارائه می‌شود.

۳-۱: «مدیریت پسماند خانگی»

بسیاری از زنان، به‌ویژه ۱۷ نفر از ۲۰ شرکت کننده، از مشارکت فعال در مدیریت پسماند خانگی سخن گفتند. این اقدامات شامل تفکیک زباله‌های قابل بازیافت، مانند پلاستیک‌ها، و استفاده از مواد آلی برای باغچه‌های کوچک خانگی بود. فاطمه، ۳۸ ساله، با اشاره به تأثیر زباله‌ها بر اکوسیستم ساحلی، گفت: «ما تو خونه زباله‌ها رو جدا می‌کنیم، پلاستیک‌ها رو می‌بریم به ایستگاه بازیافت محل. نمی‌خوام دریا پر از پلاستیک بشه، چون بچه‌ها تو همین ساحل بازی می‌کنن.» این بیان، آگاهی او از ارتباط مستقیم پسماندهای خانگی با آلودگی خلیج فارس را نشان می‌دهد. زهرا، ۴۵ ساله، از ابتکارات خلاقانه‌اش گفت: «از پارچه‌های قدیمی کیسه‌های خرید درست می‌کنم تا کمتر پلاستیک مصرف کنیم.» این تلاش‌ها، هرچند در مقیاس خانگی، نشانه‌ای از تعهد به کاهش اثرات زیست محیطی است و در صحبت‌های زنان بارها تکرار شد، به‌طوری که این تم در ۳۴ مورد از مصاحبه‌ها مطرح گردید.

۳-۲: «حفاظت از منابع آبی»

شانزده نفر از زنان به اقدامات خود در حفاظت از منابع آبی، به‌ویژه در مواجهه با کمبود آب در بندرعباس، اشاره کردند. این اقدامات شامل ذخیره‌سازی آب باران، استفاده مجدد از آب استفاده شده برای آبیاری گیاهان، و آموزش فرزندان برای کاهش مصرف آب بود. سمیه، ۳۲ ساله، توضیح داد: «هر قطره آب تو این شهر ارزش داره. من آب شستن سبزی‌ها رو جمع می‌کنم برای گلدون‌ها.» این نقل قول، درک عمیق او از محدودیت‌های منابع محلی را نشان می‌دهد. لیلا، ۴۱ ساله، با نگرانی از آلودگی آب گفت: «اگه آب دریا کثیف بشه، ماهی‌هایی که می‌خوریم هم آلوده‌ان. من سعی می‌کنم کمتر مواد شوینده استفاده کنم.» این تم، که در ۲۹ مورد از مصاحبه‌ها ظاهر شد، نه تنها بر اهمیت مدیریت آب در زندگی روزمره تأکید دارد، بلکه پیوند آن را با سلامت اکوسیستم‌های دریایی نشان می‌دهد.

۳-۳: «ادغام دانش بومی در پایداری»

چهارده نفر از شرکت کنندگان از کاربرد دانش بومی در فعالیت‌های حفاظتی سخن گفتند، دانشی که اغلب از نسل‌های گذشته به ارث رسیده است. این شامل شناخت الگوهای جزر و مد، استفاده از گیاهان محلی مقاوم به خشکی، و روش‌های سنتی حفظ منابع بود. مرضیه، ۵۰ ساله، اظهار داشت: «مادرم یادم داد چطور از برگ خرما برای ساخت سبد استفاده کنم، حالا از همون روش برای جمع‌آوری زباله‌های ساحلی استفاده می‌کنم.» این نقل قول نشان می‌دهد چگونه سنت‌های محلی به ابزارهایی برای پایداری تبدیل می‌شوند. برخی زنان، مانند استفاده از آفتاب برای خشک کردن لباس‌ها به جای دستگاه‌های برقی، روش‌هایی برای کاهش مصرف انرژی توصیف کردند. این تم، که در ۲۶ مورد ذکر شد، نقش زنان را به عنوان نگهداران دانش بومی برجسته می‌کند که در حفاظت از اکوسیستم‌های شکننده بندرعباس اثرگذار است.

۴-۳: «چالش‌های فرهنگی-اجتماعی»

نوزده نفر از زنان به موانع فرهنگی و اجتماعی در مسیر مشارکت زیست‌محیطی‌شان اشاره کردند، از جمله محدودیت‌های جنسیتی، کمبود آموزش‌های زیست‌محیطی، و نبود زیرساخت‌های نهادی. نرگس، ۳۵ ساله، گفت: «دوست دارم تو برنامه‌های تمیز کردن ساحل شرکت کنم، ولی همسرم می‌گه کار زنونه نیست.» این بیان، تأثیر هنجارهای جنسیتی را بر محدودسازی مشارکت نشان می‌دهد. خدیجه، ۴۲ ساله، از مشکلات زیرساختی شکایت کرد: «ایستگاه بازیافت دور، نمی‌تونم هر روز زباله‌ها رو ببرم.» این تم، که در ۳۸ مورد از مصاحبه‌ها ظاهر شد، نشان‌دهنده تأثیر عمیق موانع ساختاری بر تلاش‌های فردی زنان است و پیچیدگی‌هایی را آشکار می‌کند که مشارکت آن‌ها را به حاشیه می‌راند.

این یافته‌ها، بدون ورود به تفسیر، تصویری غنی از نقش چندوجهی زنان خانه‌دار بندرعباس در حفاظت از محیط زیست ارائه می‌دهند. اقدامات متنوع و چالش‌هایشان، بستری برای کاوش عمیق‌تر در بخش‌های بعدی فراهم می‌کند، و صداهای آن‌ها را به عنوان شاهدهی بر پیوند خانه و اکوسیستم برجسته می‌سازد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش، با برجسته کردن نقش زنان خانه‌دار بندرعباس در مدیریت پسماند خانگی، حفاظت از منابع آبی، ادغام دانش بومی در پایداری، و مواجهه با چالش‌های فرهنگی-اجتماعی، لایه‌ای تازه به درک ما از پایداری محلی می‌افزاید. این تم‌ها، فراتر از اقدامات روزمره، بازتابی از تعامل پویا بین زندگی خصوصی و اکوسیستم‌های عمومی هستند - جایی که دستان یک زن نه تنها خانه را می‌چیند، بلکه سواحل خلیج فارس را نیز حفظ می‌کند. در این بحث، این تم‌ها را با مطالعات پیشین مقایسه می‌کنیم تا

عمق‌شان را بکاویم، و سپس به تفسیری فرهنگی و محلی می‌پردازیم که نقش این زنان را به عنوان معماران خاموش تغییرات بازتعریف می‌کند. در نهایت، پیشنهادهایی برای سیاست‌های حمایتی ارائه می‌دهیم که پایداری زیست‌محیطی را از حاشیه به مرکز می‌آورد.

تم مدیریت پسماند خانگی، که در ۸۵ درصد شرکت‌کنندگان برجسته بود، با پژوهش‌هایی همخوانی دارد که نقش زنان را در چرخه‌های بازچرخانی محلی برجسته می‌کند. برای نمونه، در مطالعه‌ای بر رفتارهای زیست‌محیطی زنان خانه‌دار در تهران، برادران و مشاری (۱۳۹۶) نشان دادند چگونه تفکیک زباله در خانه‌ها، به عنوان یک عمل فرهنگی، به کاهش آلودگی شهری کمک می‌کند، اما اغلب بدون حمایت زیرساختی ناکارآمد می‌ماند - الگویی که در بندرعباس، با تمرکز بر پلاستیک‌های ساحلی، تکرار می‌شود. این مقایسه آشکار می‌سازد که اقدامات زنان بندرعباسی، مانند ساخت کیسه‌های پارچه‌ای از مواد بازیافتی، نه تنها عملی، بلکه نمادی از مقاومت محلی در برابر جریان‌های جهانی مصرف‌گرایی است. با این حال، فراوانی بالای این تم (۳۴ ارجاع) بر شکاف میان تلاش فردی و سیاست‌های کلان تأکید دارد، جایی که زنان به عنوان خط مقدم عمل می‌کنند، اما بدون ابزارهای لازم.

در مقایسه، تم حفاظت از منابع آبی با کارهای محلی در هرمزگان هم‌راستا است. نیک خواه و همکارانش (۱۳۹۹)، در تحلیلی بر مدیریت منابع آب در میناب، بر نقش زنان روستایی در مدیریت مصرف آب تأکید می‌کند و نشان می‌دهد چگونه این دانش سنتی، در برابر خشکسالی‌های فزاینده، پایداری را تضمین می‌کند. یافته‌های ما، با ۸۰ درصد شرکت‌کنندگان که از استفاده مجدد آب سخن گفتند، این الگو را به حوزه شهری بندرعباس تعمیم می‌دهد: زنانی که آب شست‌وشوی سبزی‌ها را برای آبیاری ذخیره می‌کنند، نه تنها صرفه‌جویی می‌کنند، بلکه زنجیره‌ای از حفاظت را از خانه به خلیج فارس امتداد می‌دهند. این همخوانی، عمق می‌بخشد به اینکه چگونه محدودیت‌های آبی در جنوب ایران، زنان را به نوآوران ناخواسته تبدیل کرده، اما چالش‌هایی چون آلودگی فاضلاب‌های خانگی - که در ۲۹ ارجاع ظاهر شد - نشان‌دهنده نیاز به ادغام این دانش در برنامه‌های استانی است.

ادغام دانش بومی در پایداری، تم سومی که ۷۰ درصد زنان به آن اشاره کردند، با دیدگاه‌های اکوفیمینیستی در کشورهای اسلامی همسو است. زینت و همکارانش (۲۰۲۰)، در کاوش اکوفیمینیسم اسلامی، نشان می‌دهند چگونه آموزه‌های دینی، مانند امانت‌داری الهی، زنان را به حافظان طبیعت تبدیل می‌کند - تفسیری که در نقل‌قول‌های شرکت‌کنندگان ما، مانند استفاده از برگ خرما برای جمع‌آوری زباله، بازتاب می‌یابد. این مقایسه، لایه‌ای فرهنگی اضافه می‌کند: در بندرعباس، جایی که الگوهای جزر و مد بخشی از هویت دریانوردی است، زنان خانه‌دار این دانش را از مادر به دختر منتقل می‌کنند، و آن را به ابزاری برای مقابله با فرسایش سواحل تبدیل می‌نمایند. با این وجود، فراوانی ۲۶ ارجاعی این تم، بر خطر فراموشی این دانش در برابر مدرنیزاسیون تأکید دارد، و ما را به بازاندیشی در برنامه‌های آموزشی وامی‌دارد که سنت را با علم ترکیب کنند.

چالش‌های فرهنگی-اجتماعی، پرتکرارترین تم با ۹۵ درصد، پیچیدگی‌هایی را آشکار می‌کند که در مطالعات گسترده‌تر بر زنان ایرانی بازتاب دارد. یوسفی و همکاران (۲۰۲۱)، در بررسی مشکلات زنان خانه‌دار طی قرنطینه کووید-۱۹، به محدودیت‌های جنسیتی

اشاره می کنند که مشارکت عمومی را محدود می سازد - الگویی که در بندرعباس، با هنجارهایی مانند "کار زنانه نیست"، تکرار می شود. این همخوانی، نشان می دهد چگونه ساختارهای مردسالارانه، تلاش های زیست محیطی را به حاشیه می راند، اما همزمان پتانسیل مقاومت را می آفریند. علاوه بر این، گزارش UNDP (۲۰۲۳) بر توانمندسازی زنان از طریق تولید محصولات پایدار، مانند کیسه های پارچه ای، تأکید دارد و نشان می دهد چگونه چالش های فرهنگی، با حمایت اقتصادی، به فرصت تبدیل می شوند. در یافته های ما، ۳۸ ارجاع به موانع مانند کمبود ایستگاه های بازیافت، این پتانسیل را برجسته می کند: زنان نه قربانی، بلکه مطالبه گران تغییرند.

این مقایسه ها، ما را فراتر از توصیف، به تفسیری عمیق تر دعوت می کنند: نقش فرهنگی و محلی زنان خانه دار در بندرعباس، پلی است میان میراث بومی و بحران های معاصر. در شهری که خلیج فارس هم منبع حیات و هم تهدید آلودگی است، زنان با مدیریت پسماند و آب، نه تنها اکوسیستم را حفظ می کنند، بلکه هویت فرهنگی را بازسازی می نمایند. دانش بومی شان - از الگوهای جزر و مد تا گیاهان محلی - ریشه در فرهنگ دریانوردی هرمزگان دارد، جایی که زنان به عنوان "نگهبانان ناخواسته" عمل می کنند، و چالش های فرهنگی، لایه ای از انعطاف پذیری را نشان می دهد. این نقش، چندلایه است: در سطح محلی، آن ها الگوهای مصرف را در خانواده ها دگرگون می کنند؛ در سطح فرهنگی، سنت های اسلامی را به ابزارهای اکولوژیکی تبدیل می نمایند؛ و در سطح جهانی، به جنبش های اکوفیمینستی می پیوندند. اما این تفسیر، بدون نادیده گرفتن تناقض ها نیست: هنجارهای جنسیتی که مشارکت را محدود می کنند، همزمان منبع قدرت شان است - قدرتی که از خانه به جامعه سرریز می شود. در بندرعباس، جایی که تجارت بندری با شکنندگی طبیعت درهم تنیده، این زنان نه حاشیه ای، بلکه هسته مرکزی پایداری اند، و تجربیات شان نشان می دهد چگونه حفاظت، از لایه های فرهنگی برمی خیزد.

در نتیجه، این پژوهش به سیاست های حمایتی فرامی خواند که نقش زنان را از نامرئی به استراتژیک تبدیل کنند. نخست، ایجاد شبکه های محلی بازیافت در محله های بندرعباس، با تمرکز بر گروه های همیاری زنان، می تواند مدیریت پسماند را از تلاش فردی به جنبش جمعی بدل سازد - الگویی الهام گرفته از زنان محلی، که هزاران خانواده را در بازچرخانی درگیر کرد. دوم، برنامه های آموزشی ادغام شده با دانش بومی، مانند کارگاه های ذخیره سازی آب بر پایه الگوهای سنتی هرمزگان، می تواند حفاظت منابع را تقویت کند، و با حمایت از UNDP (۲۰۲۳)، به توانمندسازی اقتصادی زنان از طریق تولید سبز بیانجامد. سوم، برای چالش های فرهنگی، سیاست هایی مانند کمپین های رسانه ای که نقش زنان را در تصمیم گیری های زیست محیطی برجسته کنند، ضروری است - شاید با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست ایران، که بر مشارکت جامعه ای تأکید دارد (افراسیابی، ۲۰۰۳). این پیشنهادها، نه انتزاعی، بلکه عملی اند: تخصیص بودجه استانی برای ایستگاه های بازیافت، و ادغام صدای زنان در شوراهای محلی آب. در نهایت، با به رسمیت شناختن این نقش، سیاست ها می توانند تعادلی پایدار بسازند - جایی که خانه های بندرعباس، نه تنها پناهگاه، بلکه

پایگاه‌های حفاظت از خلیج فارس شوند. این پژوهش، درهای تازه‌ای به سوی این تعادل می‌گشاید، و ما را به یاد می‌آورد که پایداری، از دستان زنان آغاز می‌شود.

منابع

برادران، س.، و مشاری، م. (۱۳۹۶). بررسی رفتارهای زیست‌محیطی زنان خانه‌دار. چهارمین کنفرانس بین‌المللی برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست، تهران. <https://civilica.com/doc/589631>

نیک خواه، هدایت اله، ظهیری نیا، مصطفی، و اعلم کمالی، سیده مهدیه. (۱۳۹۹). بررسی عوامل موثر بر مشارکت زنان روستایی در مدیریت مصرف آب در شهرستان میناب. جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، ۳۱(۳) (پیاپی ۷۹)، ۱۲۱-۱۴۲. SID. <https://sid.ir/paper/1052814/fa>

Afrasiabi, H. (۲۰۰۳). The environmental movement in Iran: Perspectives from below and above. *Global Environmental Politics*, ۳(۳), ۳۲-۵۴. <https://doi.org/10.1162/152638003322757979>.

Athari, Z., Pezeshki Rad, G., Abbasi, E., Alibaygi, A., & Westholm, E. (۲۰۱۷). Designing a model for integrated watershed management in Iran. *Water Policy*, ۱۹(۶), ۱۱۴۳-۱۱۵۹. <https://doi.org/10.2166/wp.2017.131>.

Braun, V., & Clarke, V. (۲۰۱۹). Reflecting on reflexive thematic analysis. *Qualitative Research in Sport, Exercise and Health*, ۱۱(۴), ۵۸۹-۵۹۷. <https://doi.org/10.1080/2159676X.2019.1628806>

Hosseini, M. R. (۲۰۲۱). Thematic analysis of women's social development with emphasis on sustainable empowerment. *Journal of Iranian Social Development Studies*, ۲(۱۳), ۴۵-۶۲.

Karimi, S., & Mohammadi-Mehr, S. (۲۰۲۲). Socio-psychological antecedents of pro-environmental intentions and behaviors among Iranian rural women: an integrative framework. *Frontiers in Environmental Science*, ۱۰. <https://doi.org/10.3389/fenvs.2022.979728>

UNDP Iran. (۲۰۲۳). Empowerment in every sip and stitch: Women's role in sustainable practices in Hormozgan. United Nations Development Programme Report. Retrieved from <https://www.undp.org/iran/news/empowerment-every-sip-and-stitch>



Wilson Center. (۲۰۲۳). The unseen pillars: Rural women in Iran's social fabric. Wilson Center Report. Retrieved from <https://www.wilsoncenter.org/blog-post/unseen-pillars-rural-women-irans-social-fabric>.

& ... ,Yoosefi Lebni, J., Irandoost, S. F., Xosravi, T., Ahmadi, S., Ziapour, A., Soofizad, G, SoleimanvandiAzar.N. (2021). Explaining the problems faced by Iranian housewives .during the COVID-۱۹ quarantine period, and their adaption strategies: A qualitative study Women's Health *, <https://doi.org/۱۰.۱۱۷۷/۱۷۴۵۵۰۶۵۲۱۱۰۶۳۲۹۱> *

Zeenat, A. H., Muhammad, I., .Shabbir. A., and Umer. F. (2020). Environment, Islam, and women: a study of eco-feminist environmental activism in Pakistan. Journal of Outdoor and Environmental Education. 23 (3). DOI: 10.1007/s42322-020-00065-4. <https://www.researchgate.net/publication/344781344>
Explaining the role of housewives in Bandar Abbas city in environmental protection
Mahboobeh Mehrabi

Department of Social Sciences, Faculty of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author). E.mail: mah_mehrabi@pnu.ac.ir



Abstract

This study delves into the role of housewives in Bandar Abbas in environmental protection, revealing how their daily practices weave into broader ecological narratives of local sustainability. Focusing on the interplay between household management—from water usage to waste disposal—and larger environmental challenges like Persian Gulf pollution and climate warming, the objectives encompass identifying patterns of women's engagement, structural barriers they face, and latent strategies to amplify their voices in environmental decision-making. A qualitative approach was employed, with data gathered through in-depth interviews with ۲۰ housewives selected via purposive sampling to capture their authentic perspectives without mediation. Findings highlight key themes: the integration of indigenous knowledge into sustainable local resource management, positioning women as unwitting guardians of coastal ecosystems; and challenges such as cultural constraints that marginalize their involvement, while overlooking their potential for community-led change. The research underscores that recognizing women's roles as bridges between home and society can deepen and broaden environmental policies, ultimately fostering more resilient equilibria in vulnerable regions like Bandar Abbas.

Keywords: ,Sustainable Resource Management, Environmental Challenges, Gender Roles
Indigenous Knowledge, Coastal Sustainability.

واکاوی نقش مردم در توسعه پایدار و تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

حسن؛ علی یاری استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران aliyari@pnu.ac.ir

چکیده

مردم به عنوان اصلی ترین سرمایه اجتماعی، نقشی بنیادین در تحقق توسعه پایدار و تأمین امنیت ملی ایفا می کنند. در جمهوری اسلامی ایران، مشارکت مردمی نه تنها در عرصه های سیاسی و اجتماعی بلکه در حوزه های اقتصادی، فرهنگی و دفاعی، ضامن پایداری نظام و ثبات ملی بوده است. این مقاله با رویکرد تحلیلی، به بررسی و واکاوی نقش مردم به عنوان سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار و تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می پردازد. و با استناد به منابع علمی، جایگاه آنان را در ساختار حکمرانی جمهوری اسلامی ایران واکاوی می کند. یافته ها نشان می دهد که مردم از طریق مشارکت در برنامه های توسعه، مانند اقتصاد مقاومتی و اهداف توسعه پایدار به کاهش نابرابری ها و تقویت انسجام اجتماعی کمک می کنند، این امر امنیت ملی را پایدار می سازد. بر اساس نظریه امنیت اطمینان بخش گالتونگ و دیدگاه تکثرگرایانه رهبر انقلاب اسلامی، نقش مردم در رفع ساختارهای خشونت آمیز (مانند فقر و تبعیض) برجسته است.

کلمات کلیدی: نقش مردم، توسعه پایدار، امنیت ملی، سرمایه اجتماعی، جمهوری اسلامی ایران.

۱- مقدمه

توسعه روندی است که به رغم امیدهایی که در دهه های گذشته به آن بوده است، غیر از افزایش فقر و نابرابری نتیجه ای برای بسیاری از کشورها بخصوص کشورهای جهان سوم در بر نداشته است. در واقع توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی و تسريع در رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در مفهوم کلی به معنی بهبود شرایط زندگی، نیازها و زمینه سازی برای نیل به آرمانهای بشری است. در هر کشور و جامعه ای هم تأمین امنیت ملی نیازمند توسعه پایدار است و توسعه پایدار نیازمند تأمین امنیت ملی است. این مفهوم با مفهوم دیگری به نام امنیت ملی رابطه ای تنگاتنگ دارد.

امنیت در طول تاریخ همواره یکی از مهمترین مسائل و دغدغه های جوامع بشری و دولتها به شمار می رفته است. امنیت ملی وضعیتی است که در آن یک کشور بتواند منافع و ارزش های حیاتی خود مانند تمامیت ارضی، جان مردم، ارزش های دینی و ملی و ... را در برابر تهدیدات داخلی و خارجی حفظ نماید، در گذشته جنگ، تنها به درگیری مسلحانه بین دو کشور گفته می شد؛ اما

امروزه دامنه این مفهوم بسیار گسترش یافته است. هرگاه کشوری بتواند از نظر داخلی و بین المللی به همه تهدیدات در ابعاد مختلف نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با تکیه بر رضایت مردم پاسخ دهد، به امنیت پایدار رسیده است.

از آنجا که توسعه پایدار به دنبال تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی برای حداکثر سازی رفاه انسان، بدون آسیب به توانایی نسل های آتی برای برآوردن نیازهایشان است، می تواند بر امنیت ملی مؤثر واقع شود. همچنین دسترسی به توسعه پایدار بدون توجه به امنیت ملی و ویژگی ها و منافع آن امکان شکل گیری و تداوم ندارد. در حقیقت دستیابی به توسعه پایدار بدون وجود امنیت ملی امکان پذیر نیست و تأمین امنیت ملی نیز بدون توسعه پایدار شکل نمی گیرد.

از منظر رشته علوم سیاسی، امنیت ملی مفهومی چندبعدی است که شامل امنیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و نظامی می شود. در جهان امروز، توسعه پایدار به عنوان یکی از مؤلفه های اصلی امنیت ملی شناخته می شود. در دنیای معاصر، امنیت ملی فراتر از جنبه های نظامی و سیاسی، شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است. توسعه پایدار، که توسط گزارش برانتلند (۱۹۸۷) به عنوان "توسعه ای که نیازهای نسل حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی نسل های آینده برآورده می کند" تعریف شده، به عنوان پلی میان این ابعاد عمل می کند. (United Nations, 1987, p. 41)

در جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی بر پایه هویت اسلامی-انقلابی و اصول قانون اساسی بنا شده و توسعه پایدار در اسناد بالادستی مانند سند چشم انداز ۱۴۰۴ و برنامه های پنج ساله توسعه، به عنوان ابزار تحقق اقتصاد مقاومتی و عدالت اجتماعی تبیین شده است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۵، بخش ۲). با این حال، تضاد میان گفتمان های امنیتی هویت گرا (تمرکز بر مقاومت و هویت فرهنگی) و توسعه گرا (تأکید بر روابط بین المللی و رشد اقتصادی) چالش هایی ایجاد کرده است (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۸). جمهوری اسلامی ایران با توجه به ساختار مردمی و ایدئولوژیک خود، نیازمند راهبردهایی است که همزمان با حفظ منافع ملی، مشارکت عمومی را نیز تقویت کند. توجه به این دو مقوله به عنوان زمینه ساز یکدیگر در اسناد بالادستی و برنامه های توسعه ای برجسته شده است. این مقاله با تأکید بر نقش مردم به عنوان سرمایه اجتماعی اصلی، به بررسی این ارتباط می پردازد. پرسش اصلی این است که: مردم چه نقشی در توسعه پایدار و تأمین امنیت ملی ایران دارند؟

۲- پیشینه موضوع

در دنیای معاصر، توسعه پایدار و امنیت ملی دو مفهوم به هم پیوسته هستند که نقش مردم به عنوان عامل کلیدی در تحقق آنها برجسته است. توسعه پایدار، بر اساس گزارش برانتلند (۱۹۸۷)، توسعه ای است که نیازهای نسل حاضر را بدون به خطر انداختن نسل های آینده برآورده می کند. (United Nations, 1987, p. 41) این تعریف پایه ای برای اهداف توسعه پایدار "SDGs" ۲۸ سازمان ملل متحد تا سال ۲۰۳۰ فراهم کرد، که بر نقش جوامع محلی و مشارکت مردمی در دستیابی به این اهداف تأکید دارد (United Nations, 2022, p. 12). در کشورهای در حال توسعه، حکمرانی خوب، شامل شفافیت، پاسخگویی و مشارکت، به عنوان پیش نیاز توسعه پایدار شناخته شده است (جعفری و ذوالفقاری ۱۳۹۳). در جمهوری اسلامی ایران، این مفهوم در

²⁸. Sustainable Development Goals

اسناد بالادستی مانند سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه ادغام شده و بر اقتصاد مقاومتی و عدالت اجتماعی تأکید دارد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۵، بخش ۲).

امنیت ملی، به‌ویژه در چارچوب مکتب کپنهاگ، فرایندی گفتمانی تلقی می‌شود که مسائل مختلف را به تهدیدات امنیتی تبدیل می‌کند (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۸). عناصر قدرت و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران با مؤلفه‌های این دو مقوله در سایر کشورها تفاوت چندانی ندارد. آنچه که در بررسی امنیت ملی پس از انقلاب مورد تأکید قرار گرفت این بود که مکتب اسلام چارچوب و منبع تغذیه اصلی قدرت در ایران تلقی گردید و در ترسیم امنیت ملی، مصالح ایدئولوژیک در کنار منافع ملی مدنظر سیاست‌گذاران قرار گرفت (عطارزاده، ۱۳۷۷). نظریه "چرخه فضیلت" ۲۹ نشان می‌دهد که امنیت و توسعه به‌صورت متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند، در حالی که "چرخه ضعف" ۳۰ در نبود یکی، دیگری را تضعیف می‌کند (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۸).

ارتباط میان توسعه پایدار و امنیت ملی در مطالعات متعددی بررسی شده است. جعفری و ذوالفقاری ۱۳۹۳ در مطالعه‌ای با عنوان "امنیت ملی و توسعه پایدار: پارادایم پساواشنگتنی و حکمروائی خوب" استدلال کردند که توسعه پایدار از طریق کاهش نابرابری‌ها و افزایش تاب‌آوری اجتماعی، امنیت ملی را تقویت می‌کند این مطالعه بر اهمیت حکمرانی خوب به‌عنوان عاملی برای کاهش تنش‌های اجتماعی و ارتقای امنیت تأکید دارد. با این حال، این پژوهش به‌طور خاص به نقش مردم به‌عنوان سرمایه اجتماعی نپرداخته است.

رستمی و دهقان (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان "تأمین امنیت عمومی پایدار با نقش‌پذیری از سرمایه اجتماعی مردم‌محور" نشان دادند که سرمایه اجتماعی، شامل اعتماد متقابل و مشارکت، امنیت عمومی را از طریق کاهش جرم و تقویت نظم اجتماعی ارتقا می‌دهد (ص. ۴۸). این مطالعه، با بررسی داده‌های کمی، همبستگی مثبتی ($R=0.513$) میان مشارکت اجتماعی و توسعه پایدار گزارش کرده است (مرادپور و همکاران، ۱۴۰۳). با این وجود، این پژوهش‌ها کمتر به چگونگی ادغام سرمایه اجتماعی در سیاست‌گذاری‌های کلان امنیت ملی پرداخته‌اند.

خلیلی و همکاران در سال ۱۳۹۸ تأثیر گفتمان‌های امنیتی بر برنامه‌های توسعه پنج‌ساله را در زمینه ایران، بررسی کرده و نشان داده‌اند که برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) به دلیل غلبه گفتمان توسعه‌گرا (۵۹٪ اقتصادی، ۲۲٪ توسعه‌گرا) بهترین عملکرد را در رشد اقتصادی و کاهش تورم داشته است (ص. ۱۱۵). این مطالعه تضاد میان گفتمان‌های هویت‌گرا و توسعه‌گرا را به‌عنوان مانعی برای توسعه پایدار شناسایی کرده، اما نقش مردم در کاهش این تضادها به‌صورت محدود بررسی شده است.

مطالعات بین‌المللی نیز به ارتباط توسعه پایدار و امنیت ملی توجه کرده‌اند. پیشینه پژوهش نشان‌دهنده ارتباط نزدیک میان توسعه پایدار و امنیت ملی است. گزارش سازمان ملل برای ایران (UNSDCF 2023-2027) بر نقش جوامع محلی در دستیابی به "SDGs" تأکید دارد و مشارکت مردمی را در عدالت اجتماعی و امنیت انسانی کلیدی می‌داند (United Nations, 2022, p. ۲۹).

²⁹. Virtuous Circle

³⁰. Vicious Circle

۱۵) برنامه استراتژیک موقت ایران توسط برنامه جهانی غذا "WFP"^{۳۱} نیز توسعه پایدار را بدون توجه به امنیت غذایی ناممکن می‌داند و نقش مردم را در کاهش گرسنگی برجسته می‌کند. (World Food Programme, 2023, p. 5) با این حال، این گزارش به طور خاص به چالش‌های امنیتی سازی در ایران و تأثیر آن بر توسعه پایدار پرداخته است.

همچنین، پایان‌نامه‌ای در مورد نقش مشارکت سیاسی در امنیت ملی ایران، مشارکت را عاملی برای پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی می‌داند (دانشگاه تهران، ۱۳۹۸: ۲۰). بیگدلو و باقری (۱۳۹۵) نقش اعتماد و امنیت عمومی را در توسعه اقتصادی پایدار بررسی کرده و سرمایه اجتماعی را پیش‌نیاز رشد می‌دانند.

با وجود پژوهش‌های گسترده در زمینه توسعه پایدار و امنیت ملی، چند شکاف پژوهشی قابل شناسایی است. اول اینکه بیشتر مطالعات به تحلیل گفتمان‌های امنیتی یا ابعاد اقتصادی توسعه پرداخته‌اند و نقش مردم به عنوان سرمایه اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. دوم اینکه مکانیزم‌های عملی برای ادغام مشارکت مردمی در سیاست‌گذاری‌های کلان توسعه و امنیت ملی به صورت جامع بررسی نشده است. لذا بیشتر مطالعات بر گفتمان‌های امنیتی تمرکز دارند و نقش عملی مردم در ادغام توسعه پایدار و امنیت کمتر بررسی شده است. این پژوهش این شکاف را با رویکرد مردم محور پر می‌کند.

۳- چارچوب نظری بحث

چارچوب نظری بر پایه نظریه امنیت اطمینان بخش گالتونگ و دیدگاه تکثر گرایانه رهبر انقلاب اسلامی استوار است. گالتونگ امنیت را ریشه کنی ساختارهای خشونت آمیز (فقر، نابرابری) و ایجاد صلح مثبت می‌داند (Galtung, 1969, p. 183; Galtung, 1996, p. 32). این دیدگاه با نقش مردم در سرمایه اجتماعی هم خوانی دارد، که شامل اعتماد و مشارکت است (رستمی و دهقان، ۱۴۰۰). در دیدگاه رهبر انقلاب، امنیت چندبعدی (فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی) است و مردم ستون اصلی آن هستند و مشارکت مردمی در امنیت پایدار، از طریق حضور در صحنه و مقابله با تهدیدات، تقویت می‌شود (حبیب‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۰).

۴- روش و فرضیه پژوهش

این پژوهش از رویکرد ترکیبی کیفی- کمی استفاده می‌کند تا ارتباط میان توسعه پایدار، امنیت ملی و نقش مردم در جمهوری اسلامی ایران را بررسی کند. فرضیه مورد نظر این است که مشارکت مردمی با کاهش نابرابری‌ها، توسعه پایدار و امنیت ملی را تقویت می‌کند.

³¹. World Food Programme

۵- بررسی نظری و مفهومی توسعه پایدار و امنیت ملی

۵-۱- مفهوم توسعه پایدار

در فرهنگ لغات آکسفورد^{۳۲}، توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ شدن است. توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ شدن است. (فرهنگ لغات آکسفورد، ۲۰۰۱) "توسعه پایدار"^{۳۳} مفهومی است که به واسطه پیامدهای منفی زیست محیطی و اجتماعی ناشی از رویکردهای توسعه یک جانبه اقتصادی پس از انقلاب صنعتی و تغییر نگرش بشر به مفهوم رشد و پیشرفت پدید آمده است. این مفهوم تلاش دارد که با نگاهی نو به توسعه، اشتباهات گذشته بشری را تکرار نکند و توسعه‌ای همه‌جانبه و متوازن را رقم بزند. (ضرابی و اذانی، ۱۳۸۰: ۸۵) توسعه پایدار فرآیندی است که آینده‌ای مطلوب را برای جوامع بشری متصور می‌شود که در آن شرایط زندگی و استفاده از منابع، بدون آسیب رساندن به یکپارچگی، زیبایی و ثبات نظام‌های حیاتی، نیازهای انسان را برطرف می‌سازد. (عباسپور، ۱۳۸۶)

توسعه پایدار شامل سه ستون اصلی است: اقتصادی (رشد پایدار)، اجتماعی (عدالت و مشارکت) و زیست‌محیطی (حفاظت منابع). (United Nations, 2022, p. 8) در چارچوب سازمان ملل متحد، اهداف توسعه پایدار (SDGs) تا سال ۲۰۳۰، بر نقش جوامع محلی و مردم در دستیابی به این اهداف تأکید دارد. (United Nations, 2022, p. 12) در کشورهای در حال توسعه، توسعه پایدار از طریق حکمرانی خوب (شفافیت، پاسخگویی و مشارکت) محقق می‌شود (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۳).

۵-۲- مفهوم امنیت ملی

امنیت ملی مفهومی چندلایه و پیچیده در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است که به توانایی یک کشور در حفظ ارزش‌های حیاتی خود در برابر تهدیدات خارجی و داخلی اشاره دارد. این مفهوم با ظهور دولت-ملت‌ها شکل گرفت و در گذر زمان با تحولات جهانی، ابعاد گسترده‌تری یافته است.

امنیت ملی در مکتب کپنهاگ، فرایندی گفتمانی است که مسائل را به تهدیدات امنیتی تبدیل می‌کند. نظریه چرخه فضیلت پیشنهاد می‌کند که امنیت ابزار توسعه و توسعه ابزار امنیت است، در حالی که چرخه ضعف (فقدان یکی منجر به فقدان دیگری) در کشورهای با رویکرد امنیتی گرا مشاهده می‌شود (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۸).

^{۳۲} یک فرهنگ لغت یک جلدی به زبان انگلیسی است که نخستین بار در ۱۹۹۸ میلادی توسط انتشارات Oxford Dictionary of English - فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد: دانشگاه آکسفورد منتشر شد.

^{۳۳} tnempoleved elbaniatsuS

امنیت ملی در جایگاه اصلی خود، برتری بر امنیت فرد و حوزه های دیگر ندارد و چون خود امنیت ملی مفهومی عام برای فقدان تهدید برای شهروندان و دولت است و از سوی دیگر، در رویکرد مردم سالاری، دولت و نمایندگان آن، برگرفته از شهروندان و در خدمت آنان اند؛ امنیت ملی چنان هیمنه و برجستگی ندارد که از قواعد حقوقی بیرون باشد. (عالی پور، ۱۳۹۹)

در تعریف کلاسیک امنیت ملی، امنیت ملی به معنای نبود تهدید نسبت به منافع حیاتی یک کشور است. در این دیدگاه، تمرکز بر قدرت نظامی و بازدارندگی برای مقابله با تهدیدات است. (قربان پور و قربان پور، ۱۳۹۷) در دیدگاه صلح محور، برخی نظریه پردازان امنیت ملی را مترادف با صلح می دانند و معتقدند که امنیت زمانی حاصل می شود که تهدیدی وجود نداشته باشد. این دیدگاه بیشتر در نظریه های لیبرال روابط بین الملل دیده می شود.

نظریه "امنیت اطمینان بخش"³⁴ که توسط یوهان گالتونگ³⁵، نظریه پرداز برجسته مطالعات صلح، توسعه یافته است، یکی از چارچوب های کلیدی در تحلیل امنیت ملی و توسعه پایدار است. این نظریه بر تعریف گسترده تری از امنیت تأکید دارد و امنیت را نه فقط در نبود خشونت، بلکه در ریشه کنی ساختارهای خشونت آمیز (مانند فقر، نابرابری، و تبعیض) تعریف می کند. و به ریشه کنی ساختارهای خشونت آمیز و ایجاد شرایط برای صلح پایدار و عدالت اجتماعی توجه می کند (Galtung, 1969, p. 183)

دیدگاه تکثرگرایانه از امنیت، در این دیدگاه امنیت دارای ابعاد سخت افزاری (نظامی، اطلاعاتی) و نرم افزاری (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی) است و باید با نگاه جامع نگر بررسی شود. در این دیدگاه، نقش مردم محوری است و امنیت "متعلق به همه" است و احساس امنیت از طریق مشارکت مدنی، اعتمادسازی و حضور در صحنه (مانند مقابله با اغتشاش) حاصل می شود. این نوع نگاه به امنیت از منظر مقام معظم رهبری ارایه شده است به عنوان نمونه ایشان در این خصوص می فرمایند: «امنیت زیرساخت همه ی ابعاد زندگی یک جامعه است، یک زیرساخت عمومی است؛ از مسائل شخصی بگیری، تا مسائل اجتماعی، تا مسائل عمومی، تا مسائل خارجی؛ امنیت زیرساخت همه ی اینها است. در مسائل شخصی، معنای امنیت این است که شما شب بتوانی با خیال راحت در خانه ی خودت بخوابی، صبح بتوانی با خیال راحت و بدون دغدغه فرزندت را به مدرسه بفرستی، بتوانی به محل کسب و کار بروی، بتوانی بدون دغدغه به نماز جمعه بروی... امنیت» در مسائل شخصی یعنی این؛ یعنی شما بتوانید خودتان، فرزندان، خانواده تان با احساس امنیت زندگی کنید؛ کارتان، کسبتان، مسافرتان، تفریحتان همراه با امنیت باشد.

«(۱۴۰۱/۰۷/۱۱) <https://farsi.khamenei.ir>»

۶- ارتباط میان توسعه پایدار و امنیت ملی

توسعه پایدار و امنیت ملی دو مفهوم به ظاهر جدا از هم هستند که در واقع به شدت به یکدیگر مرتبط اند. توسعه پایدار به معنای توسعه ای است که نیازهای حال حاضر را برآورده می کند بدون اینکه توانایی نسل های آینده را برای برآوردن نیازهای خود به خطر

³⁴. Positive Security

³⁵. Johan Galtung

اندازد. از سوی دیگر، امنیت ملی به مجموعه‌ای از اقدامات و سیاست‌هایی گفته می‌شود که یک کشور برای حفظ تمامیت ارضی، استقلال سیاسی، و رفاه شهروندان خود انجام می‌دهد.

۶-۱- توسعه پایدار زیربنای امنیت ملی:

توسعه پایدار در ابعاد مختلف از قبیل رشد اقتصادی پایدار، تامین عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست موجب مس شود نقشی تعیین کننده در امنیت ملی داشته باشد به اینصورت که، رشد اقتصادی پایدار به معنای ایجاد فرصت‌های شغلی، افزایش درآمد سرانه، و کاهش فقر است که همه این‌ها به افزایش رضایت عمومی و کاهش تنش‌های اجتماعی کمک می‌کنند. همچنین، توسعه پایدار با توزیع عادلانه ثروت و فرصت‌ها، از بروز ناآرامی‌های اجتماعی و تهدیدات داخلی می‌کاهد. وبا حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست، از بروز بحران‌های زیست محیطی و مهاجرت‌های اجباری جلوگیری می‌کند که هر دو می‌توانند تهدیداتی برای امنیت ملی محسوب شوند.

توسعه پایدار امنیت ملی را از طریق کاهش نابرابری‌ها و افزایش تاب‌آوری اجتماعی تقویت می‌کند. در پارادایم پساواشنگتنی، حکمرانی خوب و توسعه مردم‌محور، ابزارهای وسیع‌تری برای دستیابی به عدالت و برابری فراهم می‌آورد (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۳). امنیت پایدار نیازمند سرمایه اجتماعی است که شامل اعتماد، شبکه‌های اجتماعی و مشارکت مردمی می‌شود (رستمی و دهقان، ۱۴۰۰). بدون مشارکت مردم، توسعه پایدار به "امنیتی‌سازی" منجر خواهد شد و این امر موجب اختلال در توسعه خواهد شد.

۶-۲- امنیت ملی به عنوان محرک توسعه پایدار:

امنیت ملی عامل اساسی توسعه پایدار به شمار می‌رود و با تامین فاکتورهای لازم باعث می‌گردد محیطی امن و باثبات، ایجاد گردد به همین جهت سرمایه‌گذاری را تشویق کرده و به رشد اقتصادی پایدار کمک می‌کند. از طرفی نیز با ایجاد حکمرانی خوب و وجود نهادهای قوی، شفافیت، و پاسخگویی در دولت، به ایجاد اعتماد بین مردم و دولت کمک کرده و به توسعه پایدار سرعت می‌بخشد. در نهایت در امنیت ملی هست که روابط خارجی قوی و دیپلماسی فعال شکل می‌گیرد و همکاری‌های بین‌المللی و دسترسی به فناوری‌های جدید انجا می‌شود

رابطه و جایگاه دو مؤلفه «امنیت» و «توسعه» نقش مهمی در فهم و تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها دارد. در اولویت قرار دادن یکی از این دو امر از سوی کشورها همواره باعث شکل‌گیری دو نوع سیاست خارجی «امنیت محور» و «توسعه محور» بوده است. ضمن اینکه دولت‌هایی که سیاست خارجی توسعه محور داشته‌اند در افزایش قدرت و تقویت امنیت ملی نیز موفق‌تر بوده‌اند، به نظر می‌رسد. امروزه توسعه و امنیت دو مفهوم حیاتی برای ملت‌ها هستند و تبیین نسبت میان آن‌ها به مسئله‌ای پیچیده و مناقشه برانگیز در محافل آکادمیک و مباحث مربوط به سیاست‌گذاری تبدیل شده است (معزی و وثوقی، ۱۳۹۷)

توسعه پایدار می‌تواند عوامل اصلی تهدیدات امنیتی مانند فقر، نابرابری، بی‌عدالتی و آسیب‌های محیط زیستی را کاهش دهد که این موضوع باعث افزایش امنیت ملی می‌شود. از سوی دیگر، امنیت ملی اعم از ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، بستر لازم برای تحقق توسعه پایدار را فراهم می‌آورد. این دو مفهوم با وجود همبستگی، گاهی دچار تعارض نیز می‌شوند؛ برای نمونه، برخی سیاست‌های امنیتی ممکن است به محیط زیست آسیب برسانند و برعکس، برخی سیاست‌های توسعه‌ای ممکن است بر توان نظامی کشور تأثیر گذار باشد.

۷- نقش مردم در تأمین امنیت ملی

امنیت به عنوان یکی از نیازهای اساسی انسانی، فرایندی چندبعدی است که شامل حفاظت از جان، مال، و منافع ملی جامعه می‌شود و نیازمند مشارکت فعال دولت و مردم است (Buzan, 1991, p. 365). از یک منظر نقش مردم در تأمین امنیت در دو سطح اصلی قابل دسته‌بندی است. ۱. امنیت نرم (اجتماعی و پیشگیرانه) این بُعد به نقش مردم در حفظ نظم، جلوگیری از وقوع جرم، تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌پردازد. ۲. امنیت سخت (اطلاعاتی و دفاعی) این بُعد به نقش مردم در سطح کلان ملی و در مواجهه با تهدیدات خارجی یا داخلی بزرگ می‌پردازد.

در چارچوب علمی، نقش مردم در تأمین امنیت از طریق مفهوم "امنیت انسانی"^{۳۶} بررسی می‌شود که بر مشارکت جامعه‌محور تأکید دارد و امنیت را نه تنها وظیفه دولت، بلکه مسئولیت مشترک می‌داند (UNDP, 1994, pp. 22-24). از دیدگاه علمی، مشارکت مردمی امنیت را از حالت "دولت‌محور" به "جامعه‌محور" تبدیل می‌کند و کارایی آن را افزایش می‌دهد. تحقیقات نشان می‌دهد که جوامعی با سرمایه اجتماعی بالا، نرخ جرایم کمتری دارند (Putnam, 2000, pp. 135-137). در ایران، این مشارکت با اصل "انسجام ملی" در قانون اساسی همخوانی دارد و به مقابله با تهدیدات خارجی و داخلی کمک می‌کند (آقامحمدی، ۱۴۰۳). چالش‌هایی مانند کمبود اعتماد عمومی می‌تواند این نقش را تضعیف کند، اما آموزش و فرهنگ‌سازی می‌تواند آن را تقویت نماید (بیات و پیری، ۱۳۹۹). نقش مردم در تأمین امنیت در ابعاد مختلف قابل بررسی است

۷-۱- بُعد ملی و سیاسی:

مردم از طریق مشارکت در انتخابات و نظارت بر سیاست‌ها، به تقویت مشروعیت نظام و کاهش تهدیدات داخلی کمک می‌کنند. مشارکت حداکثری در انتخابات، امنیت ملی را با ایجاد انسجام اجتماعی افزایش می‌دهد (اسلامی طباطبایی و محمدی، ۱۳۹۷). این نقش بر اساس نظریه "سرمایه اجتماعی"^{۳۷} توضیح داده می‌شود، جایی که اعتماد و مشارکت مردمی، امنیت را پایدار می‌سازد (بیات و پیری، ۱۳۹۹). مثلاً مشارکت مردمی با پلیس در پیشگیری از جرایم (امنیت عمومی): در طرح "پلیس جامعه‌محور" نیروی انتظامی، مردم از طریق گزارش‌دهی و گشت‌های محله‌ای در شهرهایی مانند تهران، به کاهش ۲۰ درصدی جرایم خشن کمک کرده‌اند. این مشارکت بر اساس الگوی کیفی-کمی، عوامل تقویت‌کننده مانند اعتماد را برجسته می‌کند (انصاری، ۱۳۸۳).

³⁶ human security

³⁷ social capital

همچنین مشارکت در انتخابات و امنیت ملی (بعد سیاسی): در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳، مشارکت بالای ۵۰ درصدی مردم (به ویژه در مناطق محروم)، به تقویت انسجام ملی و کاهش تهدیدات سیاسی کمک کرد. این مشارکت، بر اساس تحلیل حقوقی، امنیت ملی را با افزایش مشروعیت نظام افزایش داد (اسلامی طباطبایی و محمدی، ۱۳۹۷).

۲-۷- بعد عمومی و اجتماعی:

نقش مردم در تأمین امنیت، به عنوان نیروی محرکه جامعه محور، برای پایداری نظام های سیاسی ضروری است. در ایران، این نقش از طریق سرمایه اجتماعی و مشارکت فعال، به مقابله با تهدیدات چندبعدی کمک می کند. موفقیت آن نیازمند حمایت دولتی و فرهنگی است تا امنیت انسانی محقق شود. مردم با همکاری با نهادهای امنیتی (مانند پلیس)، در پیشگیری از جرایم و حفظ نظم عمومی مشارکت دارند. الگوی "پلیس جامعه محور"^{۳۸} بر این تأکید دارد که آگاهی و گزارش دهی مردمی، جرایم را کاهش می دهد (انصاری، ۱۳۸۳). سرمایه اجتماعی، شامل اعتماد متقابل و آگاهی عمومی، نقش کلیدی در این بعد دارد (بیات و پیری، ۱۳۹۹). به عنوان نمونه نقش اقوام و عشایر در امنیت مرزی (بعد ژئوپلیتیکی): عشایر کرد و لر در مرزهای غربی ایران، با پتانسیل سوق الجیشی خود، در حفاظت از مرزها علیه قاچاق و نفوذهای خارجی نقش دارند. این گروه ها، با مدیریت محلی، امنیت پهنای مرزها را تأمین می کنند (درویشی و عالیزاده، ۱۳۹۴).

۳-۷- بعد مرزی و ژئوپلیتیکی:

امنیت مرزی و ژئوپلیتیکی به حفاظت از مرزهای ملی و مدیریت تهدیدات در مناطق مرزی با توجه به موقعیت جغرافیایی، سیاسی و استراتژیک یک کشور اشاره دارد (Buzan, 1991, pp. 365-367). در ایران، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی حساس (هم مرزی با کشورهای ناپایدار و قرارگیری در منطقه ای استراتژیک)، نقش مردم، به ویژه جوامع محلی و عشایر در مناطق مرزی، در تأمین امنیت حیاتی است. این نقش از طریق دانش محلی، مشارکت فعال در نظارت مرزی، و همکاری با نهادهای نظامی و امنیتی ایفا می شود (درویشی و عالیزاده، ۱۳۹۴). مردم، به ویژه ساکنان مناطق مرزی (مانند عشایر و اقوام)، به دلیل آشنایی با جغرافیای محلی، فرهنگ های مرزی، و الگوهای رفتاری گروه های تهدیدکننده، نقش کلیدی در تأمین امنیت دارند. این نقش در چند سطح؛ نظارت و گزارش دهی؛ حفاظت از منابع و زیرساخت ها، تقویت انسجام ملی، مشارکت در عملیات های دفاعی قابل بررسی است. از دیدگاه نظری، این نقش ها با نظریه "امنیت انسانی" (UNDP, 1994, pp. 22-24) و مفهوم "ژئوپلیتیک مردم محور"^{۳۹} همخوانی دارد، که بر نقش جوامع محلی در تقویت امنیت تأکید می کند.

مناطق مرزی ایران، به دلیل گستردگی (بیش از ۸,۷۰۰ کیلومتر مرز زمینی و دریایی) و تنوع تهدیدات (قاچاق، تروریسم، و نفوذ خارجی)، نیازمند نظارت مداوم هستند. نیروهای نظامی به تنهایی قادر به پوشش کامل این مناطق نیستند؛ بنابراین، مشارکت مردم محلی به عنوان "چشم و گوش" نهادهای امنیتی عمل می کند (درویشی و عالیزاده، ۱۳۹۴). تحقیقات نشان می دهد که همکاری

³⁸. community-oriented policing

³⁹. people-centric geopolitics

مردمی در مناطق مرزی، هزینه‌های امنیتی دولت را تا ۳۰ درصد کاهش داده و کارایی عملیات‌ها را افزایش می‌دهد (پیری و همکاران، ۱۳۹۷).

به عنوان نقش عشایر کرد در مرزهای غربی (کردستان و آذربایجان غربی): عشایر کرد در مناطق مرزی مانند مریوان و سردشت، با همکاری با سپاه پاسداران و نیروی انتظامی، در شناسایی مسیرهای قاچاق مواد مخدر و اسلحه نقش دارند. این عشایر، با استفاده از دانش محلی خود، تحرکات گروه‌های غیرقانونی را گزارش داده و در برخی موارد به عنوان راهنمای نیروهای نظامی عمل کرده‌اند. این مشارکت به کاهش نفوذ گروه‌های مسلح در دهه‌های اخیر کمک کرده است (درویشی و عالیزاده، ۱۳۹۴). یا عشایر بلوچ در سیستان و بلوچستان: در جنوب شرقی ایران، عشایر بلوچ با همکاری با قرارگاه‌های مرزی، مانند قرارگاه قدس، در پیشگیری از نفوذ گروه‌های تروریستی (مانند جندالله) نقش داشته‌اند. این جوامع با گزارش تحرکات مشکوک و مشارکت در گشت‌های مرزی، امنیت منطقه را تقویت کرده‌اند. برنامه‌های توسعه‌ای مانند ایجاد تعاونی‌های محلی نیز انگیزه مشارکت را افزایش داده است (پیری و همکاران، ۱۳۹۷). با این حال برخی چالش‌های مشارکت مردمی در امنیت مرزی قابل بررسی هستند چالش‌هایی از قبیل ۱- نابرابری اقتصادی ۲- تهدیدات فرهنگی ۳- کمبود اعتماد

نقش مردم در تأمین امنیت مرزی و ژئوپلیتیکی در ایران، به دلیل موقعیت استراتژیک کشور و گستردگی مرزها، غیرقابل جایگزین است. عشایر و جوامع محلی با دانش و مشارکت خود، به کاهش تهدیدات و تقویت پایداری ملی کمک می‌کنند. این نقش نیازمند حمایت‌های اقتصادی، فرهنگی و نهادی است تا اثربخشی آن افزایش یابد. اقوام و عشایر به عنوان ساکنان مناطق مرزی، با دانش محلی خود در حفاظت از مرزها نقش دارند. این مشارکت، امنیت مرزی را از طریق خودیاری و گزارش تهدیدات تقویت می‌کند (درویشی و عالیزاده، ۱۳۹۴).

امنیت ملی مفهومی چندبعدی است که شامل امنیت نظامی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی می‌شود. مردم‌سالاری دینی، مشارکت سیاسی مردم را در قالب انتخابات، حضور در صحنه‌های انقلابی و دفاعی، و حمایت از سیاست‌های کلان امنیتی تعریف می‌کند. مردم با حضور در انتخابات و حمایت از نهادهای قانونی، مشروعیت نظام را تقویت کرده و از بروز بحران‌های امنیتی جلوگیری می‌کنند. وفاداری مردم به آرمان‌های انقلاب اسلامی، پایه‌گذار امنیت پایدار در برابر تهدیدات خارجی بوده است. بر این اساس مردم به عنوان عنصر اصلی جامعه، در تأمین امنیت از طریق مکانیسم‌های زیر نقش ایفا می‌کنند

۸- نقش مردم در شکل‌گیری توسعه پایدار

توسعه پایدار فرایندی است که نیازهای نسل حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهایشان برآورده می‌کند (WCED, 1987, p. 43). نقش مردم در فرایند توسعه، خواه توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی یا منطقه‌ای باشد، یک نقش محوری و حیاتی است که در ادبیات علمی تحت عنوان «مشارکت مردمی»⁴⁰ یا «توسعه مردم‌محور»⁴¹ شناخته

⁴⁰ . Public Participation

⁴¹ . People-Centered Development

می شود. نقش مردم به عنوان یکی از ارکان اصلی در تحقق این هدف از اهمیت ویژه ای برخوردار است، توسعه پایدار نیازمند مشارکت فعال مردم در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است. مردم با تغییر سبک زندگی، مشارکت در برنامه های محیط زیستی، و حمایت از سیاست های عدالت محور، نقش مستقیم در تحقق اهداف توسعه پایدار دارند. این نوع مشارکت اعتقادی و ارزشی، نه تنها در برابر تهدیدات خارجی مؤثر است، بلکه در تقویت انسجام داخلی و کاهش آسیب پذیری اجتماعی نیز نقش دارد.

مردم به عنوان سرمایه اجتماعی، نقش محوری در تحقق توسعه پایدار دارند. سرمایه اجتماعی شامل اعتماد متقابل، آگاهی عمومی و مشارکت است که امنیت عمومی پایدار را از طریق کاهش جرم و افزایش نظم اجتماعی تضمین می کند (رستمی و دهقان، ۱۴۰۰). در رویکرد مردم محور، شهروندان از طریق مشارکت فرهنگی-اجتماعی، فضاهای بی دفاع را کاهش داده و امنیت اجتماعی را ارتقا می دهند (مرادپور و همکاران، ۱۴۰۳).

توسعه پایدار در ایران مستلزم مشارکت فعال مردم در فرآیندهای اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی است. مردم با ایفای نقش در تولید، مصرف مسئولانه، حفاظت از منابع طبیعی و ارتقاء سرمایه اجتماعی، مسیر توسعه را هموار می سازند. در گفتارهای امنیتی توسعه گرا، بر نقش مردم در تحقق اهداف توسعه تأکید دارند و تضاد با گفتارهای هویت گرا مانع انسجام برنامه های توسعه شده است. امنیت پایدار، بدون مشارکت مردمی در سیاست گذاری و اجرای برنامه های توسعه، قابل تحقق نیست.

مشارکت مردمی به دلیل ایجاد حس مالکیت و مسئولیت پذیری در جوامع محلی حیاتی است. تحقیقات نشان می دهد پروژه های پایداری که با مشارکت فعال مردم اجرا می شوند، موفقیت بیشتری دارند (Ostrom, 1990, pp. 90-91). این مشارکت می تواند از طریق آموزش، آگاهی بخشی و توانمندسازی افراد تقویت شود. برای مثال، برنامه های آموزشی در مورد تغییرات اقلیمی رفتارهای پایدار را ترویج می کنند (UNESCO, 2017, p. 22). توسعه پایدار و فراگیر بدون مشارکت فعال و همه جانبه مردم محقق نخواهد شد. این نقش در چند بُعد کلیدی نمود پیدا می کند:

۸-۱- بعد زیست محیطی و منابع طبیعی:

مردم از طریق تغییر رفتارهای مصرفی، مانند کاهش مصرف منابع طبیعی، بازیافت و استفاده از انرژی های تجدیدپذیر، به حفاظت از محیط زیست کمک می کنند (Le Blanc, 2015, pp. 179-180). مشارکت در طرح های حفاظت از منابع طبیعی، مانند کاشت درخت یا پاکسازی مناطق آلوده، نمونه ای از این نقش است. مثلاً مردم محلی در استان های مرکزی و جنوبی ایران، از طریق کمپین های مردمی و سازمان های غیردولتی، در حفاظت از منابع آب و کاهش آلودگی هوا مشارکت دارند. برای مثال، در برنامه های تاب آوری اقلیمی، جوامع محلی با همکاری WHO، چک لیست های ارزیابی پایداری زیست محیطی را در ۱۳۷ بیمارستان و ۴۵ آزمایشگاه اجرا کرده اند، که منجر به ارتقای سیستم های خنک کننده پایدار و کاهش اثرات تغییرات اقلیمی شده است (WHO EMRO, 2023, p. 3).

در ایران بیش از ۲۰۰۰۰۰۰ داوطلب سلامت (۵۰۰۰۰۰ نفر در مناطق روستایی و ۱۵۰۰۰۰۰ نفر در شهری) در سراسر کشور فعالیت می کنند و به جمعیتی حدود ۲۰ میلیون نفر خدمات ارائه می دهند. این داوطلبان محلی، که عمدتاً از مردم عادی جامعه هستند،

در ترویج بهداشت عمومی، پیشگیری از بیماری‌ها و آموزش‌های بهداشتی نقش کلیدی ایفا می‌کنند. این مشارکت مردمی به عنوان یکی از عوامل اصلی در دستیابی به اهداف توسعه پایدار شناخته می‌شود و به کاهش نابرابری‌های بهداشتی در مناطق محروم کمک کرده است (Sadeq-Tabrizi, 2016). این مشارکت‌ها که توسط داوطلبان محلی هدایت می‌شود، به تقویت ظرفیت انطباق جوامع با بحران‌های زیست‌محیطی کمک می‌نماید و بسیاری از موانع تحریمی را جبران می‌کند بنابراین مردم با مشارکت در حفاظت از منابع طبیعی، بازیافت، کاشت درخت و مصرف مسئولانه به توسعه پایدار و حفظ محیط زیست کمک می‌کنند.

۲-۸- بعد اجتماعی و فرهنگی:

مردم با مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، از طریق فعالیت‌های داوطلبانه، مانند حمایت از آموزش همگانی یا برابری جنسیتی، به تقویت انسجام اجتماعی و عدالت کمک می‌کنند (Sachs, 2015, pp. 45-47). این فعالیت‌ها به کاهش نابرابری‌ها و افزایش همبستگی اجتماعی منجر می‌شود.

سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های محلی که توسط مردم هدایت می‌شوند، در ترویج ارزش‌های پایداری نقش دارند. مثلاً در مناطق روستایی کمتر توسعه‌یافته ایران، مانند استان‌های غربی، رویکرد نیازهای توسعه پایه با مشارکت فعال مردم محلی اجرا شده است. شوراهای محلی و جوامع روستایی با همکاری بین‌بخشی، در شناسایی و حل مشکلات زیرساختی مانند دسترسی به آب آشامیدنی، جاده‌ها و آموزش ابتدایی نقش داشته‌اند. این رویکرد بر خودیاری جامعه تأکید دارد و دولت را به عنوان پشتیبان قرار می‌دهد، که منجر به کاهش فقر روستایی و حفاظت از منابع طبیعی شده است (Mohebbi et al., 2005, pp. 28-30). یا مثلاً در یک مطالعه موردی در زاگرس، خانوارهای محلی با تغییر استراتژی‌های معیشتی پایدار (مانند کشاورزی اکولوژیک)، به کاهش تخریب جنگل‌ها و بهبود درآمد کمک کرده‌اند (Zibaei et al., 2021, p. 5). این برنامه‌ها علاوه بر کاهش هزینه‌های دولتی، حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در جوامع محلی تقویت کرده است.

۳-۸- بعد کارآفرینی و اقتصادی:

مردم از طریق کارآفرینی سبز، حمایت از کسب‌وکارهای محلی و مصرف مسئولانه، به اقتصاد پایدار کمک می‌کنند (United Nations, 2015, p. 12). خرید محصولات ارگانیک یا حمایت از تولیدکنندگان محلی به کاهش اثرات زیست‌محیطی و تقویت اقتصاد محلی منجر می‌شود. مثلاً مردم می‌توانند با ایجاد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و نوآوری و سرمایه‌گذاری، به رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و کاهش فقر و توسعه پویا کمک کنند. به عنوان نمونه می‌توان به کشاورزان و کارآفرینان محلی در بخش کشاورزی غرب ایران، اشاره کرد که با پذیرش روش‌های "اکوپرنری" (eco-preneurship) مانند کشاورزی ارگانیک و کاهش استفاده از کودهای شیمیایی، به توسعه پایدار کمک کرده‌اند. علی‌رغم موانعی مانند کمبود دانش و دسترسی به بازار، ۱۸۶ کارشناس کشاورزی در یک مطالعه نشان دادند که مشارکت مردم در این فعالیت‌ها می‌تواند به حفظ خاک، کاهش آلودگی آب و افزایش درآمد محلی منجر شود (Shermazdar et al., 2023, pp. 2-4).

نقش مردم در توسعه پایدار به عنوان نیروی محرکه‌ای برای تحقق اهداف زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی غیرقابل انکار است. این مثال‌ها نشان می‌دهند که نقش مردم در ایران، از داوطلبی تا کارآفرینی محلی، در پیشبرد توسعه پایدار حیاتی است. با وجود چالش‌هایی مانند تحریم‌ها و کمبود منابع، مشارکت مردمی می‌تواند تغییرات مثبتی ایجاد کند، به شرط حمایت دولتی و نهاد های آموزشی و اقتصادی

۸-۴- بعد مشارکت در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی:

توسعه به معنای بهبود کیفیت زندگی، رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که مشارکت مردم به‌عنوان رکن اصلی آن ضروری است. مردم از طریق مشارکت در فرآیندهای دموکراتیک مانند انتخابات، نظرسنجی‌ها و جلسات مشورتی، در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه‌ای نقش دارند. این مشارکت تضمین می‌کند که برنامه‌های توسعه با نیازها و اولویت‌های جامعه هم‌راستا باشد. (United Nations 2020.report-2020) در همین راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. در اصل ۴۴ بر این اصل تأکید می‌نماید

مردم در توسعه پایدار نقش محوری دارند. در برنامه چارچوب همکاری توسعه پایدار سازمان ملل متحد " UNSDCF " ۴۲، جوامع محلی ۷۰٪ اهداف SDGs را پوشش می‌دهند. (United Nations, 2022, p. 12) در ایران، مشارکت در اقتصاد مقاومتی امنیت غذایی را تقویت کرده است (اسماعیلی فر، ۱۳۹۹). در نظریه‌های مرتبط، امنیت ملی و اجتماعی پیش‌نیاز توسعه پایدار است، اما بدون نقش مردم، این فرآیند ناقص می‌ماند (محمدی، ۱۳۹۸).

توسعه پایدار، با تأکید بر نقش مردم، امنیت ملی ایران را از طریق ایجاد چرخه فضیلت تقویت می‌کند. سرمایه اجتماعی مردم، از اعتماد تا مشارکت، کلید تحقق این فرآیند است (رستمی و دهقان، ۱۴۰۰). توسعه پایدار در ایران، بدون مشارکت فعال مردم در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی امکان‌پذیر نیست. مردم با درگیر شدن در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی، در تعیین سرنوشت خود و شیوه اداره امور کشور (حکمرانی) نقش مستقیم دارند. این امر مشروعیت و اثربخشی تصمیمات دولتی را افزایش می‌دهد. مشارکت مردمی، توسعه را از یک فرآیند دولتی صرف به یک فرآیند اجتماعی تبدیل می‌کند. وقتی مردم در طراحی، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر پروژه‌های توسعه‌ای سهیم باشند، احساس مالکیت کرده و تعهد بیشتری به موفقیت آن برنامه‌ها نشان می‌دهند. به‌طور خلاصه، مردم نه تنها ذینفعان توسعه هستند، بلکه عامل و محرک اصلی توسعه محسوب می‌شوند.

۹- نتیجه‌گیری:

توسعه پایدار و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران دو حوزه مکمل و تأثیرگذار بر یکدیگر هستند که موفقیت در هر یک مستلزم توجه جدی به دیگری است. به همین جهت نقش مردم در پیوند توسعه پایدار و امنیت ملی کلیدی است. نقش مردم به‌عنوان محور اصلی در تحقق این دو هدف، غیرقابل انکار است و بدون مشارکت فعال آنان، دستیابی به امنیت پایدار و توسعه به صورت هماهنگ دشوار خواهد بود. بنابراین، سیاست‌گذاری‌ها باید با رویکرد مردم‌محور، تعادل بین توسعه و امنیت را فراهم آورند. در بررسی

⁴². United Nations Office on Drugs and Crime

علمی نقش مردم در تحقق توسعه پایدار و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، باید به پیوند عمیق میان مشارکت اجتماعی، سرمایه انسانی، و مشروعیت سیاسی توجه کرد. مردم زمانی که احساس کنند در فرآیند تصمیم‌سازی و دفاع از کشور مشارکت دارند، امنیت ریشه‌دار و پایدار خواهد شد. این مشارکت نه تنها موجب افزایش اعتماد عمومی می‌شود، بلکه انسجام ملی را نیز تقویت می‌کند.

توسعه پایدار نه تنها یک هدف اقتصادی و اجتماعی است، بلکه ابزاری راهبردی برای تقویت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. نقش مردم در این فرآیند، حیاتی و غیرقابل جایگزین است. با تقویت مشارکت مردمی، ارتقاء عدالت اجتماعی و حفظ منابع طبیعی، می‌توان امنیتی پایدار، فراگیر و مقاوم در برابر تهدیدات داخلی و خارجی ایجاد کرد. مردم در توسعه از طریق مشارکت در تصمیم‌گیری، کارآفرینی، فعالیت‌های اجتماعی و حفاظت از محیط زیست نقش دارند. در تأمین امنیت، همکاری با نهادهای امنیتی، تقویت سرمایه اجتماعی، آگاهی عمومی و مدیریت بحران از وظایف کلیدی آنهاست. برای تقویت این نقش‌ها، آموزش، ایجاد بسترهای مشارکت و اعتمادسازی ضروری است.

مردم به عنوان صاحبان اصلی نظام جمهوری اسلامی، نقش بی‌بدیلی در تحقق امنیت پایدار دارند. مشارکت آنان در فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، ضامن پایداری توسعه و امنیت است. عموم مردم به عنوان مصرف‌کنندگان، شهروندان و فعالان اجتماعی، نقش مهمی در موفقیت یا شکست توسعه پایدار دارند. برخی از نقش‌های مهم مردم عبارتند از: همکاری با نهادهای انتظامی، حضور در انتخابات، فعالیت‌های داوطلبانه، و نظارت اجتماعی، موجب افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش تهدیدات داخلی می‌شود. اگر مردم با سیاست‌ها و اقدامات امنیتی دولت موافق و همراه باشند، اعمال آن سیاست‌ها آسان‌تر، کم‌هزینه‌تر و مؤثرتر خواهد بود. این همراهی، مشروعیت اقدامات امنیتی را تضمین می‌کند. به طور خلاصه، نقش مردم در امنیت، نقشی دوگانه است: در جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی مفهومی چندلایه است که بدون حضور و مشارکت مردم، به ویژه در بحران‌ها و تهدیدات، قابل تحقق نیست. مردم سالاری دینی، امنیت را نه تنها وظیفه دولت، بلکه مسئولین اجتماعی می‌داند.

منابع:

اسلامی طباطبایی، س. م. و محمدی صادق، س. (۱۳۹۷). نقش مشارکت حداکثری مردم در انتخابات بر امنیت ملی در نظام حقوقی ایران. کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی - اجتماعی، تهران، ایران

اسماعیلی فر، افشین، (۱۳۹۹) بررسی نقش و جایگاه امنیت غذایی در امنیت ملی، اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار جمهوری اسلامی ایران، مجله جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۱(۲)، ۴۱-۲۳

آقامحمدی، م.، خرمشاد، م. ب.، دهقانی فیروزآباد، س. ج. و مرادی، ع. (۱۴۰۲). طراحی الگوی راهبردی تامین امنیت ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. پدافند الکترونیکی و سایبری، نشریه پژوهشهای حفاظتی - امنیتی، ۱۲(۴۶)، ۳۸-۷

انصاری، حمید (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در امور مربوط به ناجا در شهرستان تهران. در مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران، ایران

بیات، بهرام و پیری فردین، ۱۳۹۹ محیط شناسی نقش مشارکت مردمی در امنیت عمومی کشور " فصلنامه پژوهش های حفاظتی امنیتی، دوره ۹، شماره ۳۳، ۸۹-۱۰۸

خلیلی رضا، و بنی هاشمی، میرقاسم و قلی پور، ۱۳۹۹، محسن، تأثیر گفتمان های امنیت ملی بر برنامه های توسعه در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات سیاست گذاری عمومی، ۷(۲۸)، ۵۸۰-۵۴۸

درویشی، ی. و، و عالیزاده، م. (۱۳۹۴). نقش جغرافیای سیاسی، نظامی و ژئوپلیتیکی اقوام و عشایر ایران در تامین امنیت مرزهای ج.ا.ایران. هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران همدلی اقوام ایرانی انسجام و اقتدار ملی

عالی پور، حسن، ۱۳۹۹، مبانی حقوقی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۳(۴) ۷۹-

۴۹

عباسپور، مجید، ۱۳۸۶ «انرژی، محیط زیست و توسعه پایدار»، تهران، دانشگاه صنعتی شریف..

عطارزاده، مجتبی، ۱۳۷۷ تاثیر رویکرد جدید مفهوم امنیت بر امنیت ملی ج.ا.ایران، مجله مطالعات راهبردی پیش

شماره ۲

پیری، فردین؛ آفتاب، احمد؛ مجنونی، علی؛ ۱۳۹۷، بررسی کارکرد نقش جامعه عشایری در برقرار امنیت پایدار مناطق مرزی ایران مجله علوم و فنون مرزی ۲۷ (26) ۱۲۱-۱۴۶

محمدی، مجید (۱۳۹۸). نقش امنیت ملی و اجتماعی در توسعه پایدار و نظریه‌های مرتبط با آن، پنجمین همایش بین‌المللی

مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار، تهران، ایران

سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۹۵). سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و برنامه ششم توسعه .

رستمی، محسن و دهقان، محمدحسن (۱۴۰۰). تأمین امنیت عمومی پایدار با نقش‌پذیری از سرمایه اجتماعی مردم‌محور.

انسان‌شناسی ایران، مجله دانش تفسیر سیاسی ۳ (۹) ۷۴-۱۱۰

جعفری، علی اکبر و ذوالفقاری وحید. (۱۳۹۳). امنیت ملی و توسعه پایدار: پارادایم پساواشنگتنی و حکمروائی خوب.

فصلنامه سیاست جهانی، ۳ (۳)، ۶۵-۹۴

قربان‌پور، علی، و قربان‌پور، محمد. (۱۳۹۷). مفهوم امنیت ملی و نقش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تأمین آن.

جشنواره تالیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی. قم، ایران

مرادپور، فریبا و محسنی، رضا علی و رحیمی، محمود، ۱۴۰۳ بررسی نقش مشارکت اجتماعی و فرهنگی شهروندان در

توسعه پایدار شهرهای جدید با تأکید بر ارتقاء امنیت اجتماعی، فصلنامه علمی امنیت ملی ۱۴، (۵۲) - ۶۹-۹۶

معزی، علی، وثوقی، سعید، ۱۳۹۷، نسبت «امنیت و توسعه» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی

سیاست جهانی، ۷ (۲) ۵۴-۲۷

Buzan, B. (1991). People, states and fear: An agenda for international security studies in the post-Cold War era (2nd ed.). Lynne Rienner Publishers.

<https://farsi.khamenei.ir>

Le Blanc, D. (2015). Towards integration at last? The sustainable development goals as a network of targets. Sustainable Development, 23(3), 176–187. <https://doi.org/10.1002/sd.1582>

Mohebbi, C., Hazavehei, S. M. M., & Momeni, M. (2005). Applying a basic development needs approach for sustainable and integrated community development in less-developed areas: Report of ongoing Iranian experience. Public Health, 119(1), 28–35. <https://doi.org/10.1016/j.puhe.2004.02.007>

Ostrom, E. (1990). Governing the commons: The evolution of institutions for collective action. Cambridge University Press.

Putnam, R. D. (2000). Bowling alone: The collapse and revival of American community. Simon & Schuster.

Sachs, J. D. (2015). The age of sustainable development. Columbia University Press.



Sadeq-Tabrizi, J. (2016). Iranian volunteers play crucial role in sustainable development. Financial Tribune. <https://financialtribune.com/articles/people/55031/iranian-volunteers-play-crucial-role-in-sustainable-development>

Shermazdar, M., Mohammadi, H., & Yazdanpanah, M. (2023). Barriers of environmentally-friendly entrepreneurship development in Iran's agriculture. Journal of Environmental Management, 334, 117456.

UNDP. (1994). Human development report 1994. United Nations Development Programme.

UNESCO. (2017). Education for sustainable development goals: Learning objectives. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.

United Nations. (2015). Transforming our world: The 2030 agenda for sustainable development. United Nations General Assembly. <https://sdgs.un.org/2030agenda>

WCED. (1987). Our common future. Oxford University Press.

WHO EMRO. (2023). Environmental and occupational health: Priority areas in Iran. World Health Organization Eastern Mediterranean Regional Office. <https://www.emro.who.int/iran/priority-areas/environmental-and-occupational-health.html>

Zibaei, M., et al. (2021). Sustainable livelihood framework in Zagros rural areas. Journal of Rural Studies .ScienceDirect.

United Nations Development Programme. (2020). Human Development Report 2020: The next frontier—Human development and the Anthropocene. UNDP. <https://hdr.undp.org/content/human-development-report-2020>

United Nations. (1987). Our Common Future (Brundtland Report). United Nations.

United Nations. (2022). UNSDCF Iran Republic of 2023-2027. <https://unsdg.un.org/sites/default/files/2022->

World Food Programme. (2023). Islamic Republic of Iran Interim Country Strategic Plan (2023–2025). https://executiveboard.wfp.org/document_download/WFP-0000145844

تعاونی‌های کارآفرینی و نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد و توسعه آن در شهرستان دامغان

شهرام؛ باسیتی؛ دانشیار؛ عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور؛ تهران؛ ایران.

چکیده

سرمایه اجتماعی شکلی از سرمایه است که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد. شناسایی و تقویت سرمایه اجتماعی در قالب عضویت‌های داوطلبانه می‌تواند منجر به افزایش سطح همکاری افراد در گروه‌ها شده و موجب تسهیل کنش‌های اجتماعی شود، به طوری که در مواقع بحرانی می‌شود از سرمایه اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرایندهای موجود بهره جست. پژوهش حاضر با در نظر داشتن این مهم سعی در آسیب شناسی تعاونی‌های کارآفرینی و نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد و توسعه آن در شهرستان دامغان از طریق تکنیک تحلیل روایت دارد. لذا با ۵ نفر مدیرعامل، ۱۲ هیئت مدیره و ۲۵ نفر از اعضا تعاونی‌ها به روش تمرکزگروهی و گاهاً تک نفره مصاحبه به عمل آمده است. نتایج حاصل از داده‌ها در ۲۷۵ مفهوم، ۹ مقوله اولیه و مقولات ثانویه «حاشیه‌رانی نهادی امر تعاون»، «کاهش مشارکت مداوم در بین اعضا» و «ضعف عملکردی تعاونی‌ها» مورد بحث و تحلیل واقع شدند. در نهایت، این مقولات در مقوله‌ی هسته‌ی «ضعف تعامل اجتماعی و نهادی تعاونی‌ها» جای داده شدند. بر این اساس، آسیب‌های تعاونی در بعد درونی و بیرونی ناشی از ضعف تعامل اجتماعی بیرونی نهادی بوده و برای برطرف نمودن آنها لازم است توانمندسازی و حمایت نهادی انجام گیرد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، تعاونی‌های کارآفرینی، ضعف تعامل اجتماعی و سازمانی تعاونی‌ها شهرستان دامغان

مقدمه

شناسایی و تقویت سرمایه اجتماعی در قالب ظرفیت‌های متنوع سازمان‌های مردم‌نهاد و عضویت‌های داوطلبانه سبب افزایش سطح همکاری اعضا در گروه‌های اجتماعی و جامعه می‌شود و از این طریق به افزایش سطح ارتباطات، نظارت و کنترل در سطح نهادهای عمومی اجتماعی منجر می‌شود، در نتیجه از آن می‌توان برای پیشگیری از مسائلی نظیر آسیب‌های اجتماعی یا سایر معضلات استفاده کرد. وجود میزان قابل قبولی از سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش‌های اجتماعی می‌شود، به طوری که در مواقع بحرانی می‌توان از سرمایه اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرایندهای موجود سود بُرد (Barnes-Mauthe & et al, 2014). این امر مهم برای زنان حائز اهمیت دوچندان است. به فراخور آن، یکی از عواملی که باعث حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی می‌شود سرمایه اجتماعی آن‌هاست (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۷). عده‌ای بر این عقیده‌اند که افزایش سرمایه اجتماعی بستر لازم را برای به ثمر رسانیدن رشد شخصیتی و ارتقای توانمندی‌های ذهنی و فکری مردم مهیا می‌کند و موجب مشارکت فعال آن‌ها در فعالیت‌های گروهی می‌شود (انصاری، ۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی به روابط میان افراد در شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای عمل متقابل، و قابلیت اعتمادی ناشی از آن‌ها اشاره دارد که دستیابی به منافع مشترک را

تسهیل می کند (Putnam, 2000). تمرکز بر سرمایه اجتماعی به دلیل نقشی که سرمایه اجتماعی در تولید و افزایش سرمایه انسانی و اقتصادی ایفا می کند و تعاونی ها با توجه به اینکه از بخش های مهم اقتصادی کشور به شمار می آیند حائز اهمیت فراوان است. با توجه به اینکه امروزه افزایش نقش و جایگاه زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی کشور از اهداف کلی سیاست های مهم توسعه انسانی محسوب می شود، افزایش قابلیت ها و ظرفیت های انسانی و اجتماعی یا به طور کلی سرمایه اجتماعی به منزله گامی مهم در رسیدن به این هدف است. از این رو، مفروضه بنیادین پژوهش حاضر حول این مقوله می چرخد که سرمایه اجتماعی تاثیر بسزایی در نقش و کارآفرینی^{۴۳} زنان در تعاونی ها داشته و این امر منجر می شود تا آنها بیشتر و باثبات تر در اجتماع حضور داشته باشند و بتوانند ایده ها و کارهای خود را در قالب تعاونی متحقق ببخشند. با این اوصاف، آنچه محرز است وجود موانع نهادی، فردی، اجتماعی ای است که سبب می شود این امر متحقق نشود و به تبع آن تعاونی های رو به ضعف و انحلال بگرایند. بنابراین روایت اعضاء تعاونی های می تواند به آسیب شناسی اجتماعی این امر در رابطه با سرمایه اجتماعی به عنوان مهمترین مولفه ی تشکیل و توسعه تعاونی ها کمک کند.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بورديو^{۴۴} (۱۹۸۶) تلاش کرد تا اولین مطالعه ی نظام مند سرمایه ی اجتماعی را انجام دهد. بررسی این مفهوم، با مطالعه ی کلمن^{۴۵} (۱۹۸۸) در مورد رابطه ی بین سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و حضور در مدرسه در ایالات متحده و بعدها با مطالعه ی پاتنام^{۴۶} (۱۹۹۳) با عنوان سرمایه ی اجتماعی و نهادهای دموکراتیک در ایتالیا، به اوج خود رسید (Productivity Commission, 2003). بورديو سرمایه ی اجتماعی را اولاً به عنوان روابط اجتماعی ای که دستیابی فرد را به منابع تسهیل می کند و ثانیاً به عنوان تکثیر و کیفیت منابع توصیف می کند، به طوری که سرمایه ی اجتماعی مستلزم سرمایه گذاری مدنی برای گسترش ساختارهای سرمایه ی اقتصادی، فرهنگی و انسانی را به عنوان پیامد کنش و رابطه اجتماعی به وجود می آورد (Bourdieu, 1986). بنابراین، سرمایه از نظر او قابلیت است که فرد در تعامل با دیگران از آن بهره مند می شود. سرمایه ی اجتماعی مجموعه ای از تماس ها، رابطه ها، آشنایی ها، دوستی ها، دین ها (مطالبات یا دیون نمادین) هستند که به عامل «وزن» اجتماعی کم یا بیش سنگین، قدرت کنشی و واکنشی کم یا بیش زیاد بر حسب کیفیت و کمیت شبکه های ارتباطی، پیوندهایی که وی را به افراد دیگر وصل می کند، می بخشد. به عبارتی دیگر، سرمایه ی اجتماعی مجموعه ای از منابع موجود یا بالقوه ای است که به مالکیت شبکه ی پایداری از روابط کم یا بیش نهادینه شده ی افراد بستگی دارد، افرادی که یکدیگر را می شناسند و خود را مدیون یکدیگر می دانند (شویره و فونتن، ۱۳۸۵: ۱۰۳).

کلمن (۱۳۷۷)، هم از نظریه پردازانی است که در کارهای خود به سرمایه ی اجتماعی پرداخته است. او می گوید که بدون سرمایه اجتماعی، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه ای نمی رسد، به طوری که بسیاری از گروه ها، سازمان ها و جوامع انسانی، بدون سرمایه ی

⁴³ Entrepreneurship

⁴⁴ Bourdieu

⁴⁵ Coleman

⁴⁶ Putnam

اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته‌اند به موفقیت دست یابند، اما هیچ مجموعه‌ی انسانی، بدون سرمایه‌ی اجتماعی نمی‌تواند اقدامی مفید و هدفمندی انجام دهد (کلمن، ۱۳۷۷). بنابراین، سرمایه‌ی اجتماعی، یا بُعد معنوی یک اجتماع، میراثی تاریخی است که از طریق تشویق افراد به همکاری و مشارکت در تعاملات اجتماعی، قادر است میزان بیشتری از معضلات آن اجتماع را حل و فصل کرده و حرکت به سوی رشد و توسعه‌ی شتابان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و جزء آن را امکان‌پذیر کند (همان). از دیدگاه کلمن، مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی نشان‌دهنده‌ی آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به‌عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نماید. کلمن در بررسی ویژگی‌های روابط اجتماعی که می‌تواند منابع سرمایه‌ای سودمندی برای افراد تشکیل‌دهنده به شش مورد اشاره دارد: تعهدات و انتظارات، ظرفیت بالقوه اطلاعات، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی تأثیرگذار، روابط اقتدار، سازمان‌های اجتماعی انطباق‌پذیر و سازمان‌های تعهدی (Turnley & Bolino, 2000). بنابراین، او سرمایه‌ی اجتماعی را به‌عنوان یک مجموعه‌ی سرمایه‌ای برای فرد می‌داند اما آن را سازنده‌ی منابع ساختاری اجتماع می‌داند (Coleman, 1990).

پاتنام (۱۹۹۳)، با ارائه‌ی مقاله‌ای با عنوان *باز بولینگ در تنهایی: افول سرمایه‌ی اجتماعی در آمریکا*^{۴۷} مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را در سطح گسترده‌تر و کاربردپذیری مورد بحث قرار می‌دهد. او سرمایه‌ی اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه‌ی اعضای یک اجتماع می‌شود، و در نهایت، منافع آنان را تأمین خواهد کرد. هم‌چنین سرمایه اجتماعی را وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی، در نظام‌های مختلف سیاسی می‌داند و تأکید اصلی او بر مفهوم اعتماد است (Putnam, 1993). هرچه اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند. اعتماد که یکی از عناصر تقویت همکاری است عنصر غیراختیاری و ناآگاهانه نیست اعتماد شما برای انجام کاری سرمایه این دلیل که فرد یا نهاد (مستلزم پیش‌بینی رفتار بازیگر مستقل است) می‌گوید آن را انجام خواهد داد به او اعتماد نمی‌کنید بلکه شما تنها به این دلیل به او اعتماد می‌کنید که با توجه به شناختن از خلق و خوی او انتخاب‌های ممکن او تبعاتشان و توانایی او حدس می‌زنید که او انجام دادن این کار را بر خواهد آمد (همان). با وجود این، پاتنام بین دو شکل از سرمایه‌ی اجتماعی تمایز می‌گذارد: پیوند دهنده^{۴۸} (شمول‌آور) و محدودکننده^{۴۹} (انحصاری). سرمایه‌ی اجتماعی الزام‌آور تمایل دارد که هویت‌های انحصاری و همگنی را حفظ کند؛ سرمایه‌ی اجتماعی پیونددهنده‌ی افراد را از بخش‌های مختلف اجتماعی کنار هم جمع کند (Putnam, 2000).

بسیاری از اندیشمندان از سرمایه اجتماعی به عنوان زیر بنای توسعه اقتصادی هر جامعه یاد می‌کنند (Woolcock, 2000). اگر صرفاً بر اساس تحقیقات گذشته بیان شود که سرمایه اجتماعی، رشد و توسعه اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به نظر می‌رسد، منطقی است انتظار داشته باشیم سرمایه اجتماعی بتواند بر فعالیت‌های کارآفرینانه تأثیر بگذارد. بررسی‌هایی هم

⁴⁷ Bowling alone: America's declining social capital

⁴⁸ Bridging

⁴⁹ Bonding

این موضوع را تأیید می‌کند. امروزه بررسی‌های عملی و نظری بسیاری وجود ارتباط بین شبکه‌های شخصی افراد سرمایه اجتماعی را با شناخت فرصت‌ها (De Clercq, & Arenius, 2005)، کسب منابع (Cable, & Shane, 2002) و عملکرد مخاطره آمیز نشان می‌دهند. همچنین، سرمایه اجتماعی نقش مهمی در فعالیت‌های کارآفرینانه و قصد کارآفرینانه (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶) دارد، زیرا همان طور که بیان شد، کارآفرینی فرایندی اجتماعی - اقتصادی است که از دو طریق به شرایط و بافت اجتماعی متکی است. اول اینکه کارآفرینان محصول محیط اجتماعی خود هستند و دوم اینکه کارآفرینی فعالیت اجتماعی است و در نتیجه بود یا نبود پیوندها و ارتباطات اجتماعی بر ماهیت کارآفرینی شرکتی تأثیر می‌گذارد (Edmund & Doh, 2011). سرمایه اجتماعی ساختاری، اجتماعی شناختی و اجتماعی رابطه‌ای از طریق سبک شناختی منطقی بر قصد کارآفرینانه اثر مثبت می‌گذارد (مرادی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲). توجه به نقش کارآفرینی در توسعه همه جانبه در کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه نیز در پی ایجاد موج گسترده و جدیدی از سازمانهای کارآفرین میباشند. که برای رسیدن به این مهم می‌بایستی نقش و اهمیت فرهنگ کارآفرینی و عوامل رشد و توسعه دهنده و یا موانع آن در سازمانها مشخص و معرفی شوند. به عبارتی دیگر کارآفرینی به عنوان یک الزام و رویکرد نوین و تدبیر جدید اقتصادی در پاسخ به واقعیتها و شرایط جدید محیطی، یکی از راهکارهای ارزشمند در رویارویی و تقابل با ناکارآمدی اقتصادی و جلوگیری از پدیده‌های منفی اقتصادی مانند بیکاری، محسوب می‌گردد (Cochran, 2004). بنابراین می‌توان به تحقیقاتی اشاره نمود که به بحث مورد نظر در این پژوهش نزدیک بوده و دامنه‌ی مباحث مربوط به سرمایه‌ی اجتماعی و کارآفرینی را در برگیرند از جمله؛

رادان، ف (۱۳۹۹)، در مقاله‌ی «تحلیل عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در گرایش زنان خانه دار به امور تعاون» با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر گرایش زنان خانه دار به امور تعاون پرداخته است. این پژوهش به شکل کیفی و با بهره گیری از ابزار مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته در چارچوب نظریه زمینه‌ای انجام شده است و به این مقولات دست یافته که به سبب آن یافته‌های پژوهش، نبود سرمایه و انبوه شناخت از تعاون به عنوان شرط زمینه‌ای: توانایی‌های فردی به عنوان شرط علی؛ خانواده و دوستان به عنوان شرط مداخله گر تعهدات مالی، حقوقی و اخلاقی، به عنوان تعاملات و ضعف در نهادینه شدن فرهنگ تعاون، به عنوان پیامد در گرایش زنان خانه دار به امور تعاون مشخص شده‌اند. احمدپور و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ی «بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در رفتار کارآفرینانه زنان عضو تعاونی‌های روستایی» با روش پیمایشی انجام گرفته است. در این راستا، بر اساس یافته‌های تحقیق، گسترش و توسعه زمینه مشارکت گروهی، ارتباط مستمر بین تعاونی‌ها و دیگر نهادها و تشکل‌های فعال در عرصه روستایی از جمله تعاونی‌های موفق، جلسات مداوم در راستای شفاف‌سازی فعالیت‌ها تعاونی از جمله مواردی است که می‌تواند در بهبود سطح سرمایه اجتماعی زنان عضو تعاونی‌ها تأثیرگذار باشد. (یادگار، ن و همکاران ۱۳۹۳)، در مقاله‌ی «قصد کارآفرینانه اجتماعی: اثر متقابل نگرش کارآفرینانه اجتماعی، امنیت مالی و سرمایه اجتماعی» به بررسی رابطه قصد کارآفرینانه اجتماعی و نگرش کارآفرینانه اجتماعی پرداخته است؛ همچنین نقش تعدیل‌گری امنیت مالی و سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از نگرش کارآفرینانه اجتماعی - که در این پژوهش داشتن واکنش‌های عاطفی، شناختی و رفتاری نسبت به همدلی و مسئولیت‌پذیری در مورد نیازهای اجتماعی تعریف شده است - با قصد کارآفرینانه اجتماعی رابطه دارد. در ضمن، این رابطه به ترتیب شدت اثر از طریق

امنیت مالی و سرمایه اجتماعی تقویت می شود. با وجود این سرمایه انسانی کارآفرینانه اجتماعی رابطه نگرش و قصد کارآفرینانه اجتماعی را تقویت نمی کند.

Maden (۲۰۱۵)، پژوهشی با هدف «بررسی ویژگی شخصیتی زنان کارآفرین و محرک های تأثیرگذار در تصمیم های زنان برای ایجاد کسب و کار در ترکیه» انجام داد. جامعه آماری این پژوهش زنان کارآفرین موفق در ترکیه و ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه و مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. نتایج نشان داد که شباهتی میان زنان کارآفرین ترکیه با توجه به ویژگی های وجود دارد و بررسی ها نشان داد که زنانی سرسخت و مصمم دارای ذهنی قوی و نوآورانه هستند و از فرصت های منحصر به فرد در محیط کسب و کار به خوبی استفاده می کنند.

Raluca (۲۰۱۳)، در تحقیق «چارچوب سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر فعالیت کارآفرینی» به این نتیجه می رسد که سرمایه اجتماعی از طریق جذب سرمایه های انسانی و مالی، کاهش هزینه های معاملاتی، شناسایی فرصت های جدید بازار و استفاده از دانش و اطلاعات به حفظ سرمایه گذاری و توان مزیت رقابتی افراد کمک می کند.

Lerners and Haber (۲۰۱۰)، عوامل مؤثر بر فرآیند توسعه فرهنگ کارآفرینی سازمانی و موفقیت شرکت های کارآفرینانه را به چهار گروه ویژگی های شخصی و روانشناختی کارآفرینان، حمایت های مالی و مشورتی دولتی، جذابیت های محیطی محل فعالیت شرکت، و تنوع خدمات قابل ارائه تقسیم کرده اند.

روش شناسی تحقیق:

در این پژوهش با توجه به ماهیت و موضوع مورد بحث از روش کیفی استفاده می شود. روش تحلیل روایت^{۵۰} از روش های تحقیق کیفی است که از مطالعه ای اظهارات و اعمال افراد در متن موضوعی شروع می کند. پس «تحلیل روایت با شکل خاصی از نظم زنجیره ای آغاز می شود. عبارت منفردی که قصد تفسیر آن را دارید. پس از آنکه مشخص شد جزیی از روایت است تحلیل می شود. روایت ها به وسیله ای مصاحبه روایی تهیه و گردآوری می شوند تا بتوان براساس آنها فرایند زندگی افراد را بازسازی کرد» (فلیک، ۱۳۹۲).

جامعه آماری این پژوهش، زنان اعضای تعاونی های کارآفرین شهر دامغان می باشد. در حال حاضر، ۱۹۶ تعاونی فعال در شهرستان دامغان وجود دارد که ۷۵ هزار و ۷۶ نفر عضو این تعاونی ها هستند. ۲۳ تعاونی ویژه بانوان در دامغان فعال است. ۴۷ هزار و ۸۷۶ نفر از افراد عضو در شرکت های تعاونی را آقایان و ۲۷ هزار و ۱۹۸ نفر را بانوان تشکیل می دهند^{۵۱}. نمونه پژوهش به دلیل کیفی بودن آن، نه از نوع آماری بلکه از سنخ نظری آن است. حجم یا تعداد نمونه این پژوهش در روند انجام آن و بر اساس غنی بودن

⁵⁰ Narrative analysis

⁵¹ ۲۸ آبان ۱۳۹۸ - ۱۲:۱۶ : (تاریخ انتشار <https://www.irna.ir/news/83560679> به نقل از

نمونه از لحاظ اطلاعات مورد نیاز با رعایت تنوعات جامعه‌ی مورد بررسی است. براین اساس، حجم نمونه را «اشباع نظری» آن تعیین می‌کند. اشباع نظری مقوله مبنای داوری درباره‌ی زمان توقف نمونه‌گیری از گروه‌های مختلف مربوط به آن مقوله است. نمونه‌گیری و افزودن بر اطلاعات هنگامی پایان می‌یابد که اشباع نظری یک مقوله یا گروهی از موارد حاصل شود، یعنی دیگر چیز جدیدی حاصل نشود (همان).

روش‌های نمونه‌گیری در این پژوهش هدفمند است و گردآوری داده از طریق تکنیک مصاحبه عمیق ساختار یافته و نیمه ساختاریافته و سؤالات مستقیم از مردم درباره تجربیات، عقاید، احساسات و دانش‌شان صورت پذیرفته است. در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع، جهت گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق استفاده می‌گردد. در این تحقیق با ۵ نفر مدیرعامل، ۱۲ هیئت‌مدیره و ۲۵ نفر از اعضای تعاونی‌ها و به‌صورت تمرکز گروهی و گاه‌آ تک‌نفره مصاحبه به عمل آمده است.

بحث و تحلیل:

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهشی با استفاده از تکنیک تحلیل مضمونی انجام شده که اینگونه می‌باشد: الف) ابتدا با بررسی متن مصاحبه‌ها و استراتژی خواندن سطر به سطر متون مصاحبه، اقدام به استخراج مفاهیم گردیده است که تعداد آن‌ها ۱۶۴ مورد است. ب) در مرحله دوم تلاش شد تا از میان مفاهیم و بر اساس دسته‌بندی محتوایی آن‌ها، مقولات اولیه پژوهش استخراج گردند که تعداد آن‌ها ۹ مقوله می‌باشد. ج) با تلفیق و تدقیق مقولات اولیه بر اساس شباهت و تفاوت‌های محتوایی، به استنتاج مقولات ثانویه پرداخته شد که در ۳ مقوله دسته‌بندی می‌شوند. د) از میان مقولات ثانویه، مقوله کلی تری تحت عنوان مقوله‌ی هسته‌ای در ۱ مورد انتخاب شد. که این چنین است.

جدول شماره ۱: مفاهیم، مقولات استخراج شده بر اساس یافته‌های پژوهشی سال ۱۴۰۳

مفاهیم	مقولات اولیه	مقولات ثانویه	مقوله هسته‌ای
نبود نظارت از سوی سازمانهای مربوطه، نبود همکاری با سازمانهای دولتی، عدم توجه مسئولان به تعاونی‌ها، نبود همکاری با انجمنهای مردمی، حمایت درون‌گروهی زنان، عدم جوابگویی ادارات، نبود گزارش‌دهی به موقع، انتخابات فرمایشی، مشخص نبودن ساختار تعاونی‌ها، تثبیت جایگاه مدیرعاملین و هیئت مدیره‌ها، نبود گزینه‌های جدید در احراز پست‌ها، قرار	عدم نظارت سازمانی و فقدان انضباط داخلی	کم توجهی نهادی به امر تعاون	ضعف تعامل اجتماعی و سازمانی تعاونی‌ها
	عدم توجه به کارآفرینی زنان		

		فقدان همکاری فی مابین تعاونی ها و سازمان های دولتی	دادن مردها در پست های مهم، بی توجهی به زنان در بخش مدیریتی، همکاری نکردن با تعاونی زنان، دستکم گرفتن کار زنان، عدم اختصاص بودجه و اعتبارات، نبود مشاوره، عدم دعوت شدن به جلسات اداری، نبود نظرات های ماهانه و سالانه، فراموش کردن تعاونی ها، کمبود امکانات نهادها، نداشتن اراده حل مشکلات مابین نهادها،
	کاهش روابط اجتماعی	فقدان انگیزه مشارکت	افزایش مشغله های زندگی، رواج فردگرایی، وجود فرهنگ مردسالاری، دلسردی از مشارکت و تعاونی، نبود انگیزه، صرف نظر از منافع خود به خاطر منافع دیگران، کاهش این ذهنیت انجام دادن کاری وقت گیر برای دیگران، انجام دادن کاری برای دیگران که هیچ سودی برای فردا نداشته باشد، قرض دادن وسایل مورد نیاز به همسایگان و روابط صمیمانه با آنها و دیگر اعضا، افول اعتماد گسترده، روابط شخصی و درون گری میان زنان، کمبود برنامه های آموزشی، کمبود فرهنگ ترویج، نداشتن برنامه ریزی،
	کاهش مشارکت مداوم در بین اعضا	آموزش محدود	
	ضعف عملکردی تعاونی	کمبود درآمدزایی و فصلی بودن فعالیت ها نبود پشتوانه مالی و نهادی	کاهش ایده های کارآفرینانه، کارآفرینی در زمینه های غیر سودآور. بحث ناتوانی در واردات ارز به کشور در مقابل صادرات، هزینه حمل و نقل، موانع گمرکی و عدم حمایت نهادها، نبود بازار باثبات، افزایش

		کاهش کارکردهای تعاونی و ضعف فروش محصولات	هزینه‌های تولید، وجود دلالتان و واسطه-گران و خدماتی شدن بسیاری از شغل‌ها و نداشتن سرمایه کافی، نبود سرمایه‌گذار در بخش تولیدی، ضعف در فروش محصولات، کمبود اعتبارات و تسهیلات، فصلی بودن فعالیت تعاونی‌ها، کافی نبودن درآمد حاصل از تعاونی‌ها، منوط شدن فعالیت به یک کار، کارهای با سود کم، نداشتن پشتوانه و حمایت از جانب دولت، عدم تخصیص مجوز و ممانعت از برخی اقدامات تعاونی،

با توجه به مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها، و دسته‌بندی آنها در قالب مقولات اولیه می‌توان مقولات ثانویه را معیار تفسیر و تبیین قرار داد. براین اساس لازم است تا که به نقل و قول‌های مصاحبه‌ها هم پرداخته شود. روش و تکنیک‌های روش‌شناختی اتخاذ شده حاصل بینش نظری و کار میدانی‌ای است که می‌توان آن را در بکارگیری پژوهش‌های کیفی مشاهده نمود. در پژوهش‌های کیفی، بیشتر بحث اعتبار مطرح است تا پایایی (این موضوع، ناشی از ماهیت هستی‌شناختی و فلسفی روش‌های پژوهش کیفی است). به اعتقاد فلیک، یکی از روش‌های افزایش اعتبار، "باورپذیر کردن گزینشی" است. منظور وی از اصطلاح مذکور، مستدل کردن متن با نقل قول‌هایی قابل قبول است که در پژوهش حاضر، موارد متعددی از آنها به‌منظور باورپذیر کردن یافته‌های پژوهش بیان شده است.

کم توجهی نهادی به امر تعاون:

عدم نظارت سازمانی و فقدان نظم درونی، عدم توجه به کارآفرینی زنان، فقدان همکاری بین تعاونی‌ها و سازمان‌های دولتی از مهمترین مقولاتی هستند که دال بر به حاشیه‌راندن تعاون و تعاونی دارد. در این بخش، مصاحبه‌شوندگان بیشتر بر نبود همکاری و نظارت سازمانها و ادارات مربوطه به نسبت تعاونی‌ها تاکید نموده و آن را مسئله‌ای مهم دانسته اند.

"...قبلا همکاری‌شون خوب بود اما الان نه، متأسفانه وضعیت هرروز برای ما بدتر میشه و هرچی هم که مراجعه می‌کنیم جواب سریالا می‌دن... من خودم چند بار رفتم واسه کارهای مجوز و توسعه تعاونی و اینها... اما نتیجه‌ای نگرفتم. من بارها به مسئولان گفتم که باید نظارت داشته باشید و بیاید سر بزنید اما متأسفانه نیومدن ... قبلا بهتر بود از ما گزارش می‌خواستن اما الان نه ..." (عضو هیئت مدیره، ۴۰ ساله).

از دیگر مشکلات بخش مدیریتی برون‌سازمانی از نظر مصاحبه‌شوندگان، فقدان پاسخگویی ادارات دولتی است. آن‌ها مدعی وجود ابهام و عدم شفافیت در سازمان‌های ذی ربط هستند. مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که هیچ‌گونه برنامه‌ریزی‌ای از طرف

سازمان‌ها برای سامان‌دهی تعاونی‌ها انجام نمی‌شود و نسبت به آموزش‌های درخواستی تعاونی‌ها کوتاهی می‌کنند، به امور مالی و حقوقی تعاونی‌ها حسابرسی نمی‌کنند، فاقد عملکرد نظارتی، هدایتی و ارزیابی‌اند، نسبت به ایده‌های توسعه‌ی تعاونی‌ها بی‌اعتنا هستند و در یک کلام، مصاحبه‌شوندگان سازمان‌های مربوطه را فاقد احساس مسئولیت به نسبت تعاونی‌ها می‌پندارند. این امر ما را به سمت این نکته هدایت می‌کند که تعاونی‌ها که حایل بین مردم و ادارات هستند، با بی‌توجهی روبرو هستند. نبود همکاری مابین تعاونی‌ها و سازمان‌های دولتی، مهمترین مقوله‌ای است که می‌توان چنین بازگو کرد؛

”همکاری بین ما کم شده است میریم میگن که بودجه نیست، اعتبارات کافی نیست و از این حرف‌ها... قبلا جلساتی با هم داشتیم و ما رو هم دعوت میدادند اما الان شاید بتونم بگم سالی یک بار هم این کار را نمی‌کنند. دلش رو آگه از من بخواهید شاید واقعا همون بحث بودجه و اعتبارات باشه اما می‌تونم اینو هم بگم که واقعا این به تنهایی نیست شاید اصلا می‌خوان که تعاونی خودش خودش رو اداره کند و مشکلاتشون رو خودشون حل کنن...“ (مدیرعامل، ۳۸ ساله).

با توجه به تعدد تعاونی‌های زنان در شهرستان اما این ذهنیت در زنان وجود دارد که چنان که شاید و باید به کارآفرینی آنها کمتر توجه می‌شود و کارهای آنها را دستکم می‌گیرند. این امر به مسئله‌ای مهم و جدی بدل شده است و مصاحبه‌شوندگان یکی از دلایل کاهش مشارکت زنان در توسعه‌ی تعاونی‌ها را این نکته می‌دانند. یکی از اعضای تعاونی تولید صنایع دستی در شهرستان چنین می‌گوید؛

”وقتی هیچ کس بهت توجه نمی‌کنه و کارهایی که با هزار زحمت انجام میدی ارزشی براش قائل نمی‌شن خب در این صورت چطور انتظار داری که زنان دیکه بیان و اصلا تعاونی پابر جا باشه... توجه کمی به کار زنان میشه... مهمترین مشکل ما اینه که محصولاتمون رو دستمون مونده و به دلیل اینکه نهادهای ذی‌ربط بهمون توجه نمی‌کنند و به فکر ما نیستند ما گاهی دلسرد میشویم“ (عضو تعاونی، ۳۵ ساله).

کاهش مشارکت مداوم در بین اعضا:

طبق مصاحبه‌ها، می‌توان گفت که مشارکت در تعاونی‌ها کاهش یافته است و این امر در مقولات کاهش تعامل اجتماعی، نبود انگیزه و کمبود آموزش دسته‌بندی شد. آنچه در وهله‌ی اول توجه را به این مقولات جلب می‌کند کاهش تعامل اجتماعی است. منظور از تعامل اجتماعی، میزان همبستگی‌ای است که بین زنان وجود دارد. این مؤلفه بیشتر خود را در قالب مقوله‌هایی همچون صرف نظر از منافع خود به خاطر منافع دیگران، انجام دادن کاری وقت گیر برای دیگران، انجام دادن کاری برای دیگران که هیچ سودی برای فردا نداشته باشد، قرض دادن وسایل مورد نیاز به همسایگان و روابط صمیمانه با آنها و دیگر اعضاء نشان می‌دهد. یکی از اعضای هیئت مدیره در این زمینه چنین می‌گوید؛

”به نظر من الان هم این تعامل وجود دارد اما کاهش پیدا کرده است. همه سرشون توی زندگی خودشونه هرچن واقعا اعضای تعاونی بعضی وقت‌ها هوای همدیگه رو دارن و به هم کمک می‌کنند. الان هم به قرض میدن و روابط خوبی وجود داره اما این چند

سال شاید به خاطر وضع اقتصادی یکم این چیزا کاهش یافته است قبلا اعتماد گسترده‌ای هم وجود داشت که همه به هم اعتماد می‌کردند اما الان این طور نیست و در میان خود زنان این اعتماد درون گروهی شده است... “(عضو هیئت مدیره، ۴۵ ساله).

نبود انگیزه در مشارکت یکی از مقولاتی است که دربرگیرنده‌ی اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی برای تعاونی‌ها و همچنین مقوله‌ای اساسی برای تشکیل و توسعه تعاونی‌های کارآفرین به شمار می‌آید. این مقوله با کاهش تعامل اجتماعی رابطه مستقیمی داشته و جنبه‌های دیگر هم که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌کنیم، نقش زیادی در این امر خواهند داشت. همچنین یکی از عوواملی که سبب کاهش مشارکت اعضاء شده است مسئله کمبود آموزش‌ها و نبود برنامه‌های منسجم و کارآمد در تعاونی‌ها است. یکی از مدیرعاملین تعاونی‌ها در این باره چنین می‌گوید؛

” الان بسیاری از تعاونی‌ها با این مشکل مواجه هستند که اعضاء آنها مشارکت کمی در کارها و فعالیت‌ها و حتی جلسات تعاونی دارند. به نظر من این عدم رغبت آنها برمی‌گردد به مسائل خارج از تعاونی، هرچند که ممکن است که مشکلات درون‌سازی هم در این زمینه تاثیر داشته باشند. غالبا وقتی که به اعضایی که فقط اومدن و ثبت‌نام کرده‌اند و دیگه سرزده‌اند و پیگیر نشده‌اند میگم چرا نمایا می‌کن که مشغله‌های زندگی نمی‌زاره و به کارهای دیگمون نمی‌رسیم و از این حرفا.... خب در این صورت شما با ریزش مواجه می‌شوید “ (مدیرعامل، ۴۲ ساله).

آموزش به عنوان یک زیرساخت اصلی در نظام تعاون مطرح است. در حقیقت، یک شرکت تعاونی بدون توجه به خدمات آموزشی به زودی ویژگی‌هایی را که معرف تعاون است، از دست می‌دهد (امینی، ۱۳۸۱). آنچه در مصاحبه‌ها، مصاحبه‌شوندگان بارها بران تاکید نمودند، کاهش و کمبود آموزش‌های لازم_چه آموزش‌های عمومی و چه آموزش‌های تخصصی_ در زمینه‌های کسب و کار می‌باشد. این امر چندان مهم است که یکی از اهداف اساسی تعاونی‌ها قلمداد می‌شود. یکی از اعضاء تعاونی در این زمینه می‌گوید؛

” اوایل آموزش‌ها خیلی خوب بود اما الان خیلی کم شده است. با توجه به افزایش راه‌های کسب و کار قطعاً باید مدیرعاملین و هیئت‌مدیره‌ها به این امر توجه زیادی داشته باشند. نکته‌ای هم که وجود دارد آموزش‌های مداوم است... اونها رو قطع نکنن و از طریق مختلف این کار انجام بشه... این چند سال کمتر به آموزش مستمر توجه شده است “ (عضو تعاونی، ۳۷ ساله).

با وجود این موارد، آنچه که بیشترین نقش را در افزایش آسیب‌های تعاونی داشته است و سایر آسیب‌ها تحت تاثیر این ورد هستند ضعف عملکردی تعاونی‌ها است. این امر چندان مهم است که عده‌ی زیادی از مصاحبه‌شوندگان دلیل وجود بسیاری از مشکلات و آسیب‌ها را کاهش عملکردهای مثبت تعاونی‌ها و نقش آنها در کمک و همیاری اعضاء می‌دانند.

ضعف عملکردی تعاونی:

پژوهشگران کارآفرینی معتقدند شرکت‌هایی که گرایش کارآفرینانه دارند نشانه‌های زود هنگامی از محیط کسب و کار دریافت می‌کنند که موجب تسهیل و بهبود فعالیت و عملکرد شرکت‌ها و در نتیجه باعث می‌شود آنان در رقابت از دیگران پیشی بگیرند. بنابراین، پژوهشگران تلاش کرده‌اند تا با بررسی گرایش کارآفرینانه شرکت‌ها، عملکرد آنها را نیز ارزیابی نمایند

(Wiklund & Shepherd, 2005). روایت اعضاء تعاونی‌ها از عملکرد تعاونی حاکی از آن است که کمبود درآمدزایی و فصلی بودن فعالیت‌ها، نبود پشتوانه مالی و نهادی و کاهش کارکردهای تعاونی و ضعف فروش محصولات سبب ضعف عملکردی تعاونی‌ها شده است. کمبود درآمدزایی با توجه به فصلی بودن فعالیت تعاونی‌ها نکته‌ای اساسی در توسعه‌ی تعاونی‌ها به شمار می‌رود که با توجه به وضعیت اقتصادی و تورم در کشور این امر را با مشکل مواجه نموده است. یکی از مدیرعاملین در این زمینه بر کاهش درآمدزایی و نبود پس‌انداز تاکید دارد و می‌گوید:

”یکی از عوامل اصلی توسعه‌ی هر تعاونی، درآمدزا بودن آن است و بتواند برای اعضاء خود درآمد مناسبی را ایجاد کند. همین حالا اغلب تعاونی‌ها توی این محمضه گیر افتاده‌اند و نمی‌دانند که از پس هزینه‌هاشون چه جور می‌باید در بیان... الان تورم و گرانیها بر بسیاری از فعالیت‌ها تاثیر منفی گذاشته است. ما پیش از این کالاها و تولیداتمان را صادر می‌کردیم اما اکنون به خاطر موانعی که هست نمی‌تونیم... از جمله این موانع بحث ناتوانی در واردات ارز به کشور در مقابل صادرات، هزینه حمل و نقل، موانع گمرکی و عدم حمایت نهادها از ماست“ (مدیرعامل، ۶۳ ساله).

با وجود این، نبود پشتوانه مالی و نهادی یکی از اساسی‌ترین مشکلاتی بود که توسط مصاحبه‌شوندگان بیان شد. این امر همچنین بر کاهش کارکردهای تعاونی تاثیر زیادی داشته است. با این وجود، ضعف این پشتوانه سبب شده است برخی تعاونی‌ها تا مرز ورشکستگی پیش بروند و برخی دیگر فقط توانسته‌اند از تامین هزینه‌های جاری خود برآیند. در این باره، غالب نظرات بر این امر تاکید نمودند که اگر پشتوانه‌های مالی و نهادی ادامه پیدا نکند، وضعیت تعاونی‌ها روبه وخامت خواهد گذاشت:

”این دیگه برای خودش کاملاً مشخص... آنگ تعاونی نتوان برای خودش کسب درآمد کند، منحل خواهد شد. اعضایش از ادامه فعالیت منصرف میشن و شاید تا حدی بتون دوام بیاورن... الان خیلی از تعاونی‌ها روبه انحلال هستن و متأسفانه برای جلوگیری از انحلال آنها کاری هم نمی‌کنن... به نظر من وام‌ها و اعتبارات و تخصیص منابع و... می‌تواند مثر ثمر باشد اما الان وضعیت اقتصادی‌ای که وجود دارد بر عملکرد تعاونی‌ها تاثیر زیادی می‌گذارد...“ (هیئت‌مدیره، ۴۹ ساله).

یکی از نکاتی که باعث کاهش درآمدها و ضعف پشتوانه مالی تعاونی‌ها شده است، ضعف در فروش محصولات و بازاریابی است. این امر باعث شده کارکردهای تعاونی را هم به حداقل برساند. نبود بازار باثبات، افزایش هزینه‌های تولید، وجود دلالان و واسطه‌گران و خدماتی شدن بسیاری از شغل‌ها و نداشتن سرمایه کافی، نبود سرمایه‌گذار در بخش تولیدی و... از جمله مواردی بود که توسط مصاحبه‌شوندگان مورد بحث واقع شدند. پشتوانه مالی به ویژه برای توسعه‌ی ایده‌های کارآفرینانه مهم است. با وجود پیشرفت‌های تکنولوژیکی و فناوری در عرصه‌های مختلف، سرمایه‌گذاری در این زمینه می‌تواند به تقویت بنیه تعاونی و توسعه‌ی آن کمک زیادی کند. بنابراین در این زمینه کمتر سرمایه‌گذاری شده است. با توجه به مقولات ثانویه‌ی ذکر شده در بالا، می‌توان به مقوله‌ی هسته‌ی این پژوهش یعنی «ضعف تعامل اجتماعی و نهادی تعاونی‌ها» پرداخت. این مقوله حکم به وضعیتی دارد که در آن می‌توان آسیب‌های پیشروی تعاونی‌ها را در آن دید.

بحث و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات:

این پژوهش با این هدف که روایت اعضای تعاونی‌های کارآفرین زنان از سرمایه اجتماعی بر تشکیل و توسعه‌ی تعاونی‌ها با مدنظر داشتن آسیب‌شناسی آنها انجام گرفته است. در این زمینه، فرض اساسی آن بوده است که سرمایه اجتماعی، پایه‌ی تشکیل و توسعه‌ی تعاونی‌های کارآفرین و مدخلی برای آسیب‌شناسی آنها می‌باشد. بنابراین با درنظر داشتن دیدگاه‌های نظری اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی، بوردیو، پاتنام و کلمن که نظرات آنها بر سرمایه اجتماعی متمرکز بوده است به نقش سرمایه‌ی اجتماعی در تعاونی‌های کارآفرینی زنان شهرستان دامغان پرداخته‌ایم. مفروضه‌ی نظری دیگر، در مورد اتخاذ روش‌شناسی بر این حکم استوار بود که تحلیل کیفی و از میان روش‌های آن، روش تحلیل روایت می‌تواند ابزاری برای درک این مسئله فراهم آورد. با وجود این، مصاحبه‌ها با اعضای تعاونی‌ها، مدیرعاملین و اعضای هیئت مدیره‌ها انجام گرفت که از مفاهیم استخراج شده مقولات به «حاشیه‌رانی نهادی امر تعاون»، «کاهش مشارکت مداوم در بین اعضا»، «ضعف عملکردی تعاونی» به عنوان مقولات ثانویه مورد بحث و تحلیل واقع شدند. عدم نظارت نهادی و نبود نظم درونی، عدم توجه به کارآفرینی زنان، نبود همکاری مابین تعاونی‌ها و سازمان‌های دولتی از مهمترین مقولاتی هستند که دال بر به حاشیه‌راندن تعاون و تعاونی دارد. این امر، به رابطه تعاونی‌ها با سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط اشاره دارد که آنها را به حاشیه‌رانده‌اند. این به حاشیه‌راندن تعاونی با توجه به مصاحبه‌ها تاثیر زیادی در مشارکت اعضا و مهمتر در عملکرد تعاونی‌ها داشته است. «کاهش تعامل اجتماعی»، «نبود انگیزه در مشارکت» و «کمبود آموزش» مقولات اولیه‌ای بودند که حکم به کاهش مشارکت اعضا در تعاونی‌ها می‌کنند. با توجه به مصاحبه‌ها، مشارکت در تشکیل و توسعه‌ی تعاونی‌ها در سال‌های اخیر کاهش یافته است و همین امر به ضعف عملکردی تعاونی‌ها انجامیده است. ضعفی که ناشی از «کمبود درآمدزایی و فصلی بودن فعالیت‌ها»، «نبود پشتوانه مالی و نهادی» و «کاهش کارکردهای تعاونی و ضعف فروش محصولات» می‌باشد. در این زمینه تاکید اساسی بر نبود سرمایه‌های مالی بوده است که به نوبه‌ی خود درآمدزایی را کاهش و منجر به تقلیل کارکردهای تعاونی شده است. بنابراین، با توجه به یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها و تحلیل مقولات اولیه و ثانویه، آنچه می‌تواند در تحلیل نهایی مورد توجه واقع شود، مقوله‌ی «ضعف تعامل اجتماعی و نهادی تعاونی‌های شهرستان می‌باشد. این امر حاکی از تضعیف سرمایه اجتماعی چه در تشکیل و چه در توسعه‌ی تعاونی‌ها در ابعاد درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تعاونی‌ها می‌باشد. با توجه به یافته‌ها، می‌توان به توانمندسازی در زمینه‌های آموزشی، کسب مهارت در بازاریابی و فروش، استفاده از تکنولوژی مدرن و... اشاره نمود. همچنین از نظر حمایت نهادی می‌توان مواردی از جمله نظارت بر تعاونی‌ها، تخصیص منابع مالی و ارائه‌ی تسهیلات مالی و خدماتی را در اولویت کار قرار داد. با در نظر داشتن این موارد و با تاکید بر تعامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تعاونی‌ها می‌توان بر آسیب‌های ذکر شده غلبه پیدا کرد.

منابع:

- ## احمدپور، ا.، عرب، ف. و شهرکی، م. ر. (۱۳۹۸). "بررسی تاثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در رفتار کارآفرینانه زنان عضو تعاونی‌های روستایی استان مازندران". *پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۸ (۳)، ۴۵-۵۸.
- ## امینی، ع (۱۳۸۱). *تعاون، راهی به سوی جامعه سالم*. تهران: وزارت تعاون.
- ## اولویه، ف. و ک، شویره. (۱۳۸۵). *واژگان بوردیو*. ترجمه‌ی مرتضی کتبی. نشر نی.
- ## خواجه‌نوری، ب و مقدس، ع (۱۳۸۷). "جهانی شدن و سرمایه‌ی اجتماعی زنان". *علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*. (۱۲)، ۱۵۴-۱۳۱.
- ## رادان، ف (۱۳۹۹). "تحلیل عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در گرایش زنان خانه‌دار به امور تعاون". *تعاون و کشاورزی*، ۴۵(۹)، ۲-۱۹.
- ## فلیک، ا. (۱۳۹۲). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه‌ی هادی جلیلی. نشر نی. چاپ سوم.
- ## کلنن، ج (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه‌ی منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- ## یادگار، ن. و معماریانی، م. و صدق‌آمیز، ع (۱۳۹۳). "قصد کارآفرینانه اجتماعی: اثر متقابل نگرش کارآفرینانه اجتماعی، امنیت مالی و سرمایه اجتماعی". *توسعه کارآفرینی*، ۷(۱)، ۱۵۲-۱۳۳.
- ## Barnes-Mauthe, M., Oleson, K. L., Brander, L. M., Zafindrasilivonona, B., Oliver, T.A. & Beukering, P.V. (2014). "Social capital as an ecosystem service: Evidence from a locally managed marine area", *Ecosystem Services*: 1-11.
- ## Bourdieu, P (1986). The Forms of Capital, in Joh. G. Richardson, editor, handbook of Theory and Research for the Sociology of Education, Westport CT: Geernwood.
- ## Cochran, T. (2004). Entrepreneurship, In D.L. Silles (Ed). International Encyclopedia of the Social Sciences, New York: Free Press.
- ## Coleman, J. S. (1990) Equality and Achievement in Education, Westview Press, Boulder.
- ## Doh, S. & Edmund, J. Z. (2011). Social capital and entrepreneurship: An exploratory analysis. *African Journal of Business Management*, 5(12), 4961-4975.
- ## Lerner, M. and Haber, S. (2010). "Performance factors of small tourism ventures: The interface of tourism, entrepreneurship and the environment", *Journal of business venturing*, (16).
- ## Maden, C. (2015). A Gendered Lens on Entrepreneurship: Women Entrepreneurship in Turkey. *Gender in Management: An International Journal*, 30(4): 312-331.
- ## Patnam, R. (1993a). The prosperous community, social capital and public life. *The American prospel*, 4, 13, 11-18.
- ## Putnam, R. (2000). Bowling Alone: the collapse and revival of American community. Simon and Schuster, NewYork.



- ## Wiklund, J., & Shepherd, D. (2005). Entrepreneurial orientation and small business performance: A configurational approach. *Journal of Business Venturing*, 20(1), 71-91.
- ## Woolcock, M. & Narayan, D. (2000). Social Capital: Implications for Development theory, Research and policy. *The world Bank Research Observer*, 15(2), 121-137.

Entrepreneurial cooperatives and the role of social capital in its creation and development in Damghan city

Shahram Basity

Associated professor, faculty member of the Departement of social sciences, payame nour university, tehran, iran



Abstract:

Social capital is a form of capital that focuses on the communication and participation of members of an organization. Identifying and strengthening social capital in the form of voluntary memberships can lead to an increase in the level of cooperation of people in groups and facilitate social actions, so that in times of crisis, social capital can be used as the main source of solving problems and improving existing processes. Considering this importance, the present research tries to analyze the pathology of women's entrepreneurial cooperatives and the role of social capital in its creation and development in Damghan city through narrative analysis technique. Therefore, 5 CEOs, 12 board members and 25 members of cooperatives were interviewed by focus group and sometimes one-on-one interviews. The results obtained from the data were discussed and analyzed in 275 concepts, 9 primary categories and secondary categories of "institutional marginalization of cooperatives", "reduction of continuous participation among members" and "functional weakness of cooperatives". Finally, these categories were included in the core category of "weakness of social and institutional interaction of cooperatives". Based on this, cooperative damages in the internal and external dimensions are caused by the weakness of external social interaction and institutional empowerment and institutional support is necessary to resolve them.

Keywords: Social capital, women entrepreneur cooperatives, weak social and organizational interaction of cooperatives in Damghan city

بررسی نقش گزارشگری مالی نسبت به تغییر اختیاری و غیر اختیاری حسابداری

سید حمیدرضا؛ رخشاش؛ استادیار گروه حسابداری دانشگاه پیام نور؛ تهران؛ ایران؛ نویسنده مسئول؛

email: s.h.rakhsa@pnu.ac.ir

چکیده

تا کنون هیچ یک از پژوهش‌های گزارش شده به گونه‌ی مستقیم به بررسی نقش گزارشگری مالی نسبت به تغییرهای اختیاری و غیر اختیاری نپرداخته‌اند. چون بازخوردهای ناشی از تصمیم‌گیری‌های حسابداری برای سرمایه‌گذاران فعلی و آتی در رابطه با تغییرهای حسابداری اختیاری و غیراختیاری متفاوت است. بنابراین اثرگذاری گزارشگری مالی برای سرمایه‌گذاران فعلی و بالقوه و تغییرهای حسابداری یک پرسش مهم است. این پژوهش در تلاش است تا نقش گزارشگری مالی نسبت به تغییرهای حسابداری اختیاری و غیر اختیاری را بررسی کند. روش پژوهش یک روش کمی است که در آن آزمون فرضیه‌ها با استفاده از محاسبات رگرسیونی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نتایج نشان داد، تغییرهای حسابداری اختیاری و غیر اختیاری که درآمد خالص را افزایش می‌دهند، با رفتار بازار سهام همزمان و منحصر به فرد ارتباط دارند. این پژوهش برخی شواهدی را ارائه می‌کند که بازخوردهای متفاوتی از تغییرهای حسابداری را به سرمایه‌گذاران انتقال می‌دهد. این پژوهش اصلاحاتی را ارائه می‌کند که قبلاً برای تحقیقات تغییرهای حسابداری اعمال نشده بود. امید است این پژوهش دریچه‌هایی را برای شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران، موسسات مالی و اعتباری، دولت و تمامی ذی‌نفعان هموارتر نماید.

واژگان کلیدی: گزارشگری مالی، بازخوردهای سرمایه‌گذاران، تغییرهای اختیاری حسابداری، تغییرهای غیر اختیاری حسابداری.

۱. مقدمه و بیان مسئله

قرآن کریم در سوره شعرا، آیه ۱۸۳ می‌فرماید: و از قیمت اشیا و اجناس مردم به هنگام خرید نگاهید، و در زمین تباهکارانه فتنه و آشوب برپا نکنید. افشای اختیاری اطلاعات، اریه اطلاعاتی فراتر از الزامات و اجبار است که در بهبود تصمیم‌گیری‌های استفاده‌کنندگان و سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه از اثرگذاری بیشتری برخوردار است (چنگ و همکاران ۲۰۲۳)^{۵۲}. هیات استاندارد حسابداری مالی^{۵۳}

^{۵۲} Cheng et al.

^{۵۳} Financial Accounting Standards Board.

(۲۰۱۰) بیان می کند که مقایسه پذیری، سودمندی اطلاعات حسابداری را افزایش می دهد و استفاده کنندگان گزارش های مالی را قادر می سازد تا شباهت ها و تفاوت های بین پدیده های اقتصادی را شناسایی کنند. علاوه بر این، این هیات در سال ۱۹۸۰ بیان می کند، در صورتی که اطلاعات مقایسه ای در دسترس نباشد، تصمیم های سرمایه گذاری و وام دهی نمی توانند منطقی باشند. عدم گزارشگری مالی و عدم افشای قابل اعتماد، مشکل عدم تقارن اطلاعاتی ایجاد می کند و موجب افزایش هزینه سرمایه سهام می شود؛ بنابراین گزارشگری مالی و افشای داوطلبانه اطلاعات می تواند به کاهش ریسک سیستماتیک منجر شود (چنگ و همکاران، ۲۰۲۳). وقتی سرمایه گذاران و ذی نفعان احساس کنند که شرکتی در برابر گزارشگری مالی شفاف و تغییرات خاص مقاوم تر است، بتای آن شرکت که نماینگر ریسک سیستماتیک است به سمت کاهش تمایل پیدا می کند (عامری، ۱۴۰۳). گزارشگری های حسابداری اختیاری و غیر اختیاری را می توان به عنوان بازخوردهای مربوط به تصمیم های سرمایه گذاری و تولید شرکت یا انتظارات آن در خصوص گردش نقدی آینده به ویژه در مورد پرداخت مالیات در نظر گرفت (دی فرانکو^{۵۴}، ۲۰۱۱). با این تفکر که گزارشگری و مقایسه پذیری، محیط اطلاعاتی را بهبود می بخشد و موجب افزایش توانایی مدیران برای ارزیابی دقیق تر تعهدات است؛ همچنین اداراک و بازخوردهای سرمایه گذاران را نسبت به وضعیت بازار، تامین و تخصیص منابع، بهای تمام شده و تعهدات را عقلایی تر می نماید (نصیرزاده و صالحی، ۱۴۰۲). گزارشگری شفاف و تغییرات اختیاری و غیر اختیاری حسابداری، ممکن است به منظور مطابقت با الزامات قانونی مانند بدهی یا سایر معاهدات، تعریف شود، و یا ممکن است به دلیل اشتیاق برای درآمد شفاف در دوره های غیر قابل سودآوری یا حفظ روند صعودی شرکت، ابزاری برای جلوگیری از سقوط و ورشکستگی باشد (روسین و همکاران، ۲۰۱۱). با توجه به اینکه مدیران تصمیم می گیرند که برای بهبود شرایط، تغییر ایجاد کنند، عوامل بالقوه انگیزشی بسیار اثرگذار هستند. در صورتیکه ممکن است تغییرهای حسابداری به ظاهر نشان دهند که هیچ اثر مؤثری بر سازمان و یا شرکت ندارند (میچل و مولرین^{۵۶}، ۱۹۹۶). در پژوهش های قبلی رابطه نظری بین رویدادهای اقتصادی و نرخ بازده سهام در بازار

سرمایه کارآمد، در مطالعه بیور و داک^{۵۷} (۱۹۷۲) تشریح شده است. همچنین ارتباط تجربی بین رویدادهای حسابداری و نرخ بازده سهام در مقاله بال و براون^{۵۸} (۱۹۶۹) و بیور و همکاران^{۵۹} (۱۹۶۸) تا حدودی اثبات شده است. در صورتی که فرض شود درآمد خالص نسبت به سایر رویدادهای حسابداری به گونه ای مستقیم یا غیر مستقیم تحت تاثیر یک تغییر قرار دارد؛ بنابراین می توان بیان نمود که تغییرهای حسابداری دارای ویژگی های متفاوت و مطلوبی هستند که امکان ارزیابی مثبت مقایسه تفاوت بازاری را بین دو

⁵⁴ De Franco.

⁵⁵ Revsine et al.

⁵⁶ Mitchell & Mulherin.

⁵⁷ Beaver & Dukes.

⁵⁸ Ball & Brown.

⁵⁹ Beaver et al.

ساختار درآمدی نشان می‌دهد. این شواهد، اطلاعاتی را در خصوص گزارشگری مالی و فرایندهای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران ارائه می‌کند (ناظمی و نصیری، ۱۳۹۳).

از آنجائیکه تاکنون پژوهش در خصوص بررسی نقش گزارشگری مالی نسبت به تغییرهای اختیاری و غیر اختیاری حسابداری در ایران شکل نگرفته است و از طرفی این موضوع هم برای سرمایه‌گذاران، سهامداران، موسسات مالی و اعتباری، دولت و تمامی ذی‌نفعان دارای اهمیت فراوان است، بنابراین این مهم به عنوان یک ضرورت، زمینه شکل‌گیری این پژوهش را فراهم نموده است. همچنین پیچیدگی و مبهم بودن تغییرات اختیاری و غیر اختیاری حسابداری برای ذی‌نفعان و شرکت‌ها این ضرورت را به عنوان یک فعالیت پژوهشی برای ما بیشتر نمایان ساخت. امید است که این پژوهش گره‌هایی را برای سهامداران، سرمایه‌گذاران و تمامی ذی‌نفعان و استفاده‌کنندگان بگشاید و زمینه‌ساز انجام پژوهش‌های بیشتری در حوزه‌های پژوهشی گردد.

۲- مبانی نظری

مفهوم مشترک گزارشگری مالی، تغییر و سایر رخدادها در شرکت ممکن است برخی از مطالب را در بر داشته باشد. به همین دلیل، پیش‌بینی اثرگذاری بازار، با اکثریت اختیاری یک فعالیت بسیار ضعیف است (سون^{۶۰}، ۲۰۱۶). اگر پژوهش‌های معتبر حسابداران حرفه‌ای، شرايطی را مهیا نمایند که در گزارشگری‌های شفاف تغییرهای حسابداری به درستی انجام شود، کاری پسندیده است، اما این روش به همین سادگی نیست. در نتیجه، بسیار دشوار است که جنبه‌ای از یک نوع از تغییرهای حسابداری اختیاری را که بیشتر مربوط به رفتار همزمان بازار است، جداگانه نشان دهد (نصیرزاده و صالحی، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، برخی از تغییرهای حسابداری که بیشتر سیاسی می‌باشند، توسط برخی عوامل محیطی خارج از کنترل مدیریت به شرکت تحمیل می‌شوند، به گونه‌ای که مدیریت کنترل کمتری بر محتوا و زمان اعلام تغییر را دارد (بیور و همکاران، ۱۹۶۸). بر این اساس، بازخوردهای منتشر شده از تغییر غیراختیاری در درون شرکت، بیشتر احتمال دارد به عنوان یک واکنش نسبت به تغییر، و نه در مورد رویدادهای دیگر در شرکت تفسیر شود (تئو و وانگ^{۶۱}، ۱۹۹۳). برای مثال یکی از تغییرهای حسابداری اختیاری را که درآمد خالص را افزایش می‌دهد، در نظر بگیرید. این تغییر ممکن است به عنوان نشانه‌ای از انتظارات مدیریت در مورد رویدادهایی که تاثیر نامطلوبی بر شرکت داشته باشد، تفسیر شود. همچنین تغییرهای حسابداری توصیه شده توسط هیات استانداردهای حسابداری مالی FASB، ممکن است به عنوان یک پیامد در مورد مقدار دقیقی که توسط مدیریت به گونه‌ای محافظه‌کارانه در قالب حاشیه سود گزارش شده تفسیر شده باشد، $ACF(+, D) - NCF$ بنابراین احتمال اثرگذاری اطلاعات نادرست برای تغییرهای حسابداری غیراختیاری کاهش می‌یابد. آگاهی از اثرگذاری گزارشگری مالی تغییرهای حسابداری غیراختیاری، نسبت به شواهدی در مورد اثرگذاری بازار و تغییرهای حسابداری اختیاری، باید با حمایت هیات استانداردهای حسابداری مالی FASB در فهم استفاده از سرمایه‌گذاران، به صورت

60 Sohn.

61 Teoh & Wong.

اطلاعات حسابداری سودمند تلقی شود (نمازی و اسماعیل پور، ۱۳۹۹). پرسش اساسی پژوهش حاضر حاکی از این است که ویژگی گزارشگری مالی شفاف و یا ابزار اختیار، یکی از عوامل اثرگذار بازار بر تغییر حسابداری است. این شرایط ممکن است نشانه اثرگذاری درآمدی را برای سرمایه گذاران با اهمیت نشان دهد (خواجهی و علی زاده، ۱۳۹۲). برای فهم این موضوع، در نظر بگیرید که اگر اثرگذاری درآمدی تغییرهای حسابداری احتمالی که در بالا ذکر شد، معکوس شود، چه اتفاقی خواهد افتاد. یک نوع از تغییرهای حسابداری اختیاری که درآمد خالص را کاهش می دهد ممکن است واکنشی را نشان دهد که مدیریت انتظار دارد رویدادهای آینده بیشتر از جبران اثر منفی درآمد ناشی از تغییر باشد (مهدوی و رضایی، ۱۳۹۲). به عنوان یک هشدار، ممکن است در یک شرکت به گونه ای ضمنی در مقابل چند نوع درآمد بازتابی منفی و یا به گونه ای کلی از درآمدها در شرکت بازتابی مثبت نشان دهد. تغییرهای حسابداری غیراختیاری که درآمد خالص را کاهش می دهد ممکن است برای مدیریت به عنوان یک معیار منفی محافظه کارانه در درآمدهای گزارش شده در صورت های مالی اساسی محسوب شود و از این رو ممکن است یک پیامد نامطلوب در مورد دریافتی های شرکت ایجاد کند (مقدم و لشکری، ۱۳۹۷).

۳-پیشینه و فرضیه های پژوهش

چاوهان و همکاران،^{۶۲} (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی مقایسه پذیری حسابداری و تأثیر آن بر اطلاعات سرمایه گذاران خارجی پرداختند. نتایج نشان داد که سرمایه گذاران خارجی ترجیح می دهند که در شرکت هایی که قابلیت مقایسه پذیری حسابداری بیشتری دارند سرمایه گذاری کنند. همچنین نشان دادند که مزایای قابلیت مقایسه پذیری حسابداری در شرایطی که شرکت ها شهرت کمتری دارند در صنعتی که رقابت کمی هست کار می کنند و قیمت سهام آن ها اطلاعات کمی از ویژگی های خاص شرکت ارائه می کند برجسته تر می شود. حبیب و همکاران،^{۶۳} (۲۰۱۸) در پژوهشی تأثیر قابلیت مقایسه صورت های مالی را بر دارایی های نقدی شرکت مورد بررسی قرار دارند. نتایج نشان داد افزایش قابلیت مقایسه، هزینه های کسب اطلاعات را کاهش می دهد؛ همچنین نتایج حاکی از این بود که قابلیت مقایسه پذیری صورت های مالی به طور قابل توجهی باعث کاهش ارزش پول نقد شرکت می شود که بر محدودیت های تأمین مالی، کیفیت گزارشگری مالی و حاکمیت شرکت ها مؤثر است. بارت و همکاران،^{۶۴} (۲۰۱۷) در پژوهشی در مورد مقایسه پذیری گزارشگری مالی دریافتند که اتخاذ استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی (IFRS)^{۶۵} توسط شرکت های غیر آمریکایی در بیش از ۲۰ کشور، مقایسه پذیری آن ها را با شرکت های آمریکایی استفاده کننده از اصول حسابداری پذیرفته همگانی^{۶۶} (GAAP) آمریکا افزایش می دهد. آن ها همچنین دریافتند که به طور میانگین، تفاوت ها در نحوه هموارسازی سود،

⁶² Chauhan et al.

⁶³ Habib et al.

⁶⁴ Barth et al.

⁶⁵ International Financial Reporting Standards.

⁶⁶ Generally Accepted Accounting Principles.

کیفیت اقلام تعهدی و به موقع بودن سودها بین شرکت های آمریکایی و شرکت های اتخاذکننده استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی (IFRS) کاهش می یابد. سوهن (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی اینکه چگونه فعالیت های مدیریت سود فرصت طلبانه مدیران با افزایش قابلیت مقایسه صورت های مالی شرکت ها در ارتباط است و چگونه سایر شرکت ها را تحت تأثیر قرار می دهد پرداختند. نتایج نشان داد که با افزایش قابلیت مقایسه صورت های مالی شرکت با سایر شرکت ها، مدیریت سود واقعی افزایش می یابد و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی کاهش پیدا می کند. دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی پیامدهای مقایسه پذیری برای مدیران، به عنوان یک بخش مهم در روند تولید و انتشار اطلاعات پرداخته اند. نتایج نشان داد پیامدهای مقایسه پذیری گزارشگری مالی برای کاربران و مدیران دارای اهمیت فراوان است و تأثیر مقایسه پذیری در کیفیت گزارشگری مالی برای مدیران و میزان درک سرمایه گذاران از پیامدهای اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری شرکت ها، با توجه به تأثیر مقایسه پذیری در تصمیم گیری آنان اثرگذار است. روسین و همکاران (۱۹۹۹) در پژوهشی تحت عنوان گزارشگری مالی و تجزیه و تحلیل آن بر اهمیت مقایسه پذیری در قضاوت عملکرد شرکت تأکید دارند. همچنین بیان نمودند مقایسه پذیری حسابداری عمدتاً بر مزایای آن برای استفاده کنندگان گزارش های مالی مانند تحلیلگران مالی و اعتباردهندگان تأثیر فراوان دارد.

نصیرزاده و صالحی وزیری (۱۴۰۲) در پژوهشی تحت عنوان مقایسه پذیری حسابداری، کیفیت گزارشگری مالی و کارایی قیمت گذاری اقلام تعهدی اختیاری نشان دادند که افزایش قابلیت مقایسه صورت های مالی سبب کاهش قدرمطلق خطای اقلام تعهدی گردیده و هرچه این مقدار کاهش یابد، کیفیت گزارشگری مالی افزایش خواهد یافت. همچنین دریافتند که مقایسه پذیری با کیفیت گزارشگری مالی بالاتر ارتباط دارد، چرا که مقایسه پذیری باعث بهبود فرآیند برآورد اقلام تعهدی و توانایی گزارش دهی عملکرد آتی می گردد. همچنین مقایسه پذیری حسابداری نیز رابطه منفی با کارآیی قیمت گذاری اقلام تعهدی اختیاری دارد. رضایی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی های شرکت بر رابطه بین قابلیت مقایسه صورت های مالی و نگهداشت وجه نقد شرکت ها پرداختند. نتایج نشان داد که ارتباط معناداری بین قابلیت مقایسه صورت های مالی و نگهداشت وجه نقد وجود دارد. همچنین ارتباط منفی و معناداری ناشی از تمرکز مالکیت و کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین قابلیت مقایسه صورت های مالی و نگهداشت وجه نقد وجود دارد. محمدی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی رابطه مقایسه پذیری صورت های مالی و نگهداشت وجه نقد پرداختند. یافته ها نشان داد، قابلیت مقایسه گزارش مالی یک بنگاه می تواند هزینه های کاربران برای اکتساب و پردازش را کاهش و کیفیت اطلاعات مالی را افزایش دهد. همچنین نشان داد که؛ قابلیت مقایسه صورت های مالی بر نگهداشت وجه نقد شرکت تأثیر می گذارد و قابلیت مقایسه صورت های مالی بر نگهداشت وجه نقد تأثیر معناداری دارد. مقدم و لشکری (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر سیاست های تقسیم سود سهام بر تصمیمات سرمایه گذاری با تأکید بر کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. یافته ها نشان داد که تأثیر منفی سود نقدی سهام بر سرمایه گذاری شرکت هایی که بخش عمده ای از ارزش شرکت، حاصل از فرصت های رشد می باشد، شدیدتر است. اما کیفیت گزارشگری مالی موجب کاهش تأثیر منفی سود نقدی سهام بر سرمایه گذاری نمی شود. کیا و صفری گرایلی (۱۳۹۶) به بررسی قابلیت مقایسه صورت های مالی، مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی پرداختند. یافته های

پژوهش حاکی از آن است که قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری موجب کاهش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و در مقابل، افزایش مدیریت واقعی سود می شود. به بیان دیگر با افزایش قابلیت مقایسه صورت های مالی مدیران روش های مدیریت سود واقعی را جایگزین دستکاری اقلام تعهدی می کنند. مهدوی و رضایی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی اثرات کیفیت گزارشگری مالی بر سیاست تقسیم سود پرداختند. نتایج نشان داد که بین بخش اختیاری کیفیت اقلام تعهدی با پرداخت سود سهام رابطه مستقیم معناداری وجود دارد اما بین بخش غیراختیاری کیفیت اقلام تعهدی با پرداخت سود سهام رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، نتایج پژوهش در خصوص متغیرهای کنترلی نشان دهنده آن است که بین نسبت کیوتوبین و نسبت هزینه های عملیاتی به فروش، با پرداخت سود سهام رابطه معکوس معناداری وجود دارد؛ اما بین سایر متغیرهای کنترلی (اندازه شرکت و بازده حقوق صاحبان سهام) با پرداخت سود سهام رابطه معناداری وجود ندارد.

با توجه به مبانی نظری و ادبیات تحقیق فرضیه های پژوهش در قالب زیر تدوین شده اند. به گونه رایج گزارشگری مالی شفاف، تغییرات حسابداری اختیاری و غیر اختیاری منعکس کننده تابع تولید سود برای همه شرکت ها در حالت برابر است. بنابراین فرضیه های پژوهش به صورت زیر می باشد.

۱- تفاوت نرخ بازده تغییرات حسابداری با توجه به فرمول $ACF(+, D) - NCF$ معنادار است.

۲- تفاوت نرخ بازده تغییرات حسابداری با توجه به فرمول $ACF(-, D) - NCF$ معنادار است.

۳- تفاوت نرخ بازده تغییرات حسابداری با توجه به فرمول $ACF(+, N) - NCF$ معنادار است.

۴- تفاوت نرخ بازده تغییرات حسابداری با توجه به فرمول $ACF(-, N) - NCF$ معنادار است.

برای مثال در مورد فرضیه اول می توان گفت: گزارشگری مالی یک مخرج مشترکی را ارائه می کند که مبنای مقایسه برای شرکت های نمونه است. همچنین در مورد فرضیه دوم می توان ادعا نمود که پیوندی بین واحد حامی، بازده امنیتی و محتوای اطلاعاتی گزارشگری حوادث را فراهم می کند. اگر یک فرضیه، کارآیی بازار سرمایه را به وجود آورد، یکی از شواهد اجتناب ناپذیری، به گونه ای ضمنی فرض بر کارایی بازار و سپس نتیجه گیری در مورد این که آیا شواهد، این فرض را اثبات یا نفی می کند و یا خیر، پیش می رود. در این پژوهش اصلاح الگوی قیمت گذاری سرمایه گذاری پیک و همکاران^{۶۷} (۱۹۸۸) فرض شده است که تولید بازده مورد انتظار یک دوره از نگه داشتن امنیت A_t همانگونه که در معادله (۱) و به شرح زیر آمده است. مقدار (a) یک متغیر تصادفی را در محاسبات نشان می دهد. رابطه (۱)

$$E(\bar{R}_{it}) = E(\bar{R}_{zt}) + \beta_{it} [E(\bar{R}_{mt}) - E(\bar{R}_{zt})]$$

⁶⁷ Pike et al.

جدول ۱ متغیرهای پژوهش

عملگر ریاضی	E
نرخ بازده سرمایه گذاری	R
نرخ بازده اوراق ا برای دوره i	$\bar{R}_{it}$
نرخ بازده پرتفوی سهام	$\bar{R}_{zt}$
نرخ بازده پرتفوی اوراق	$\bar{R}_{mt}$
$Cov(\bar{R}_{it}, \bar{R}_{mt}) / Var(\bar{R}_{mt})$ نرخ ریسک نسبی اوراق i	β_{it}

در برخی از پژوهش‌های حسابداری، اثرگذاری بازار تغییرهای حسابداری توسط بیور و همکاران (۱۹۶۸)، بال^{۶۸} (۱۹۷۲) بررسی شده است. همه این مطالعات بعضی از شاخص‌های عملکرد غیر عادی را بعنوان اندازه‌گیری بازخورد بازار نسبت به تغییرهای اختیاری و غیر اختیاری حسابداری مورد بررسی قرار داده‌اند. گروه متغیرهای کنترلی (ضمنی) در مطالعات بال (۱۹۷۲)، هاگ^{۶۹} (۱۹۷۲) و هیلی^{۷۰} (۱۹۸۵) بازخورد مورد انتظار تعادلی گروه آزمایشی شرکت‌های قابل تغییر را بیان نموده است، که بر مبنای انتظار توسط برخی از متغیرهای نوع (۱) یا به اصطلاح بازار الگو، به صورت زیر بدست آمده است.

$$E(\bar{R}_{it}) = a_i + \beta_i R_{mt}$$

که R_{mt} و R_{it} در محاسبه ۱ تعریف شده است و آلفا و بتا ثابت‌های رگرسیون به ترتیب β_{it} و $R_{zt} (1 - \beta_{it})$ است که با این وجود و به مرور زمان ثابت هستند. متغیرهای اشاره شده در تمامی قسمت‌های پژوهش در طی دوره t محاسبه شده‌اند.

$$e_{it} = R_{it} - (\bar{R}_{it})$$

⁶⁸ Ball.

⁶⁹ Hock.

⁷⁰ Healy.

سپس در بیشتر پژوهش‌های مرتبط با گزارشگری‌های مالی نسبت به تغییرهای اختیاری و غیر اختیاری حسابداری، به جز باسکین^{۷۱} (۱۹۷۲) نتیجه‌های مرتبط با اثر تغییرهای اختیاری و غیر اختیاری حسابداری بر اساس رفتار و ابزاری که در میان اوراق بهادار آ برای هر دوره زمانی صورت گرفته است و در دوره اثرگذاری فرضیه انجام شده است. لازم به ذکر است که طرح‌هایی که توسط باسکین (۱۹۷۲)، کاپلان و کرشن‌هایتر^{۷۲} (۲۰۰۰) و ساندرا^{۷۳} (۱۹۷۳) از گروه‌های کنترلی شرکت‌های دیگر مورد استفاده قرار گرفته است برای این موضوع استفاده شده است. با این حال، هیچ یک از گروه‌های کنترلی به گونه‌ی خاص به منظور حفظ اثرگذاری تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری تولید کالا و خدمات ثابت فرصت نشده است و یا ثابت به دست نیامده است. به عنوان مثال، معلوم نیست که آیا در غیاب گروه‌های آزمایشی که تغییرهای اختیاری و غیر اختیاری حسابداری را ساخته‌اند، باید بازده‌های حاصل شده در گروه‌های کنترلی را به گونه‌ی پیش فرض منطبق با بازده‌های دریافت شده در گروه‌های تجربی محسوب نمود یا خیر.

۴- روش‌شناسی و جامعه آماری پژوهش

این پژوهش دارای ماهیت کاربردی و از منظر فرایند اجرا یا نوع داده‌ها کمی است. زیرا از طریق تحلیل‌های ریاضی و آماری با هدف کشف ماهیت پدیده‌ها و آزمون فرضیه‌ها نسبت به جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات در مورد بررسی نقش گزارشگری مالی در رابطه با تغییرهای اختیاری و غیر اختیاری حسابداری پرداخته است. برای گردآوری ادبیات پژوهش از منابع کتابخانه‌ای، مقاله‌ها، شبکه‌های اطلاع‌رسانی داخلی و خارجی مرتبط با موضوع استفاده شد و سایر داده‌ها و اطلاعات با استفاده از تحلیل‌های آماری رگرسیون چند متغیره دریافت گردیده است. مهم‌ترین دلیل انتخاب این روش به شرح زیر است. ۱- به دلیل پیچیده و پنهان بودن ابزار اندازه‌گیری، تغییرات اختیاری و غیر اختیاری به صورت یک مفهوم گنگ و ابهام‌آمیز برای شرکت‌ها محسوب می‌گردد. ۲- عدم شفافیت، پیچیدگی و مبهم بودن تغییرات اختیاری و غیر اختیاری حسابداری برای ذی‌نفعان و شرکت‌ها این ضرورت را به عنوان یک فعالیت پژوهشی برای ما بیشتر نمایان ساخت. ۳- متأسفانه در حوزه گزارشگری مالی نسبت به تغییرات اختیاری و غیر اختیاری حسابداری در ایران پژوهش‌های کافی وجود ندارد. ۴- با گسترش و انجام فعالیت‌های پژوهشی ابهام‌ها و پیچیدگی‌های تغییرات اختیاری و غیر اختیاری حسابداری کمتر خواهد

⁷¹ Baskin.

⁷² Caplan & Kirschenheiter.

⁷³ Sander.

شد. طرح پژوهشی که در اینجا استفاده می شود اصلاحیه ای است که توسط ساندرز^{۷۴} (۱۹۷۳) معرفی شده است و مورد استفاده او برای بررسی اثرگذاری اقلام درآمد ویژه بوده است. ویژگی اصلی طراحی مفهومی این پژوهش این است که آن را در مقایسه با بازده کلی مورد توجه دو گروه از شرکت هایی که دارای بازده مورد انتظار معادل هستند، قرار داده است. زیرا ریسک شرکت را به صورت نسبی تخمین زده است. به همین دلیل چالش های گروه های تجربی و کنترلی در آغاز دوره آزمون برابر است. بنابراین، در مقایسه با مطالعاتی که با استفاده از گروه های کنترل شده به صورت تصادفی انتخاب شده اند. هرگونه تفاوت بازگشتی درک شده، بیشتر احتمال دارد که با متغیر مستقل مورد علاقه در ارتباط باشد. علاوه بر این، مقایسه همزمان بازده ها در یک گروه آزمایشی و یک گروه کنترلی جداگانه نیز خطای اندازه گیری را که ناشی از عدم تعریف الگوی تولید بازده یا برآورد پارامتر آن می باشد، کاهش می دهد (کیا و گرایلی، ۱۳۹۶). جامعه آماری پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند. قلمرو زمانی انجام پژوهش از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۴۰۰ در نظر گرفته شده است. نمونه آماری به روش حذفی سیستماتیک انتخاب شده که دارای شرایط زیر است. ۱- جزو شرکت های سرمایه گذاری، بانک و بیمه نباشد. ۲- پایان سال مالی آن ها پایان اسفند باشد. ۳- در طول دوره پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده باشند. ۴- اطلاعات مورد نیاز پژوهش را داشته باشند باشند. پس از بررسی شرکت های بورسی تهران در دوره پژوهش با در نظر گرفتن شرایط اشاره شده تعداد ۲۸۰ شرکت به عنوان نمونه پژوهش باقی ماند.

۵- ارزیابی ریسک شرکت های مورد بررسی

اصلاحات و تغییراتی که در این پژوهش ارائه شده است شامل این قسمت بوده است که احتمال اینکه ریسک نسبی تمامی ویژگی های شرکت های مورد نیاز برابر باشد، وجود دارد. همچنین برای اطمینان از اینکه $E(\bar{R}_1) = E(\bar{R}_2)$ است شاخص ها نسبت به تغییر حسابداری اختیاری و تغییر حسابداری غیر اختیاری، اشاره شده را باید در نظر گرفته است. آتیک^{۷۵} (۲۰۰۹) یک نوع تئوری را ترسیم کرده که بازده مورد انتظار یک شرکت، عملکرد تولید (سرمایه گذاری) و تصمیم گیری در مورد تأمین مالی آن (غیر قابل مشاهده) است. ریسک نسبی، صرفاً یک جایگزین قابل مشاهده برای تصمیم ها است. دو شرکت یا گروهی از شرکت ها ممکن است خطر نسبی مشابهی را داشته باشند و در برابر تصمیم گیری های سرمایه گذاری واکنش بسیار متفاوتی را ارایه دهند. بنابراین ممکن است که تصمیم های مختلف تولید، سرمایه گذاری و تأمین مالی دو شرکت یا گروهی از شرکت ها با هم برابر باشد. در نتیجه این مفهوم می تواند نشانه های بسیار متفاوت دیگری را برای سرمایه گذاران ایجاد کند که کاملاً جدا از محتوای اطلاعاتی متغیر مستقل تحت بررسی است. این احتمال برای پیامدهای تغییرهای حسابداری معنادار است، زیرا پژوهش های قبلی در مورد تغییرهای حسابداری، از جمله پژوهش ساندرز (۱۹۷۳) و آتیک (۲۰۰۹) نشان داده اند که شرکت های در یک بخش صنعت تمایل دارند تغییرهای حسابداری را به گونه ای گسترده ای ایجاد کنند. نتایج پژوهش ساندر (۱۹۷۳) نیز نشان داده که اثرگذاری بازار تغییرهای

⁷⁴ Sanders.

⁷⁵ Atik.

اختیاری و غیر اختیاری حسابداری تا حدودی وابسته به بخش صنعت هستند. بنابراین، تا آنجا که عضویت در صنعت وجود دارد، بازده حاصله ناشی از تغییرهای اختیاری و غیر اختیاری حسابداری در شرکت‌هایی که دچار تغییر شده‌اند تاثیر گذارند. بنابراین قابل ادعاست که این متغیرها بهتر است در این پژوهش مورد کنترل قرار گیرند. برای این منظور، گروه کنترلی مورد استفاده در این پژوهش به گونه‌ی کلی از شرکت‌های غیرمتمرکز تشکیل شده‌اند که برای مثال الف و ب همان شرکت‌هایی هستند که عضویت صنعت به عنوان شرکت‌های که تغییرهای اختیاری و غیر اختیاری حسابداری را ساخته‌اند. اصلاح دیگری که برت^{۷۶} (۱۹۹۳) معرفی کرد این امکان را به وجود آورد که واکنش بازار ناشی از گزارش‌های مالی نسبت به تغییرهای اختیاری و غیر اختیاری حسابداری در سطح بزرگی و کوچکی ویا کلاس‌ها و ریسک شرکت‌ها، متفاوت است. دلایل و استدلال بر اینکه این رابطه ممکن است در مورد حقایقی باشد که شرکت‌های الف مرتبط با تصمیم‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و عوامل تعیین کننده ریسک نسبی آنها باشد (فلساد و معدنچی، ۲۰۱۹). همینگونه در مورد شرکت‌های ب رویدادهایی مانند تغییرهای اختیاری و غیر اختیاری حسابداری می‌توانند اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاری تولیدی شرکت‌ها و یا تصمیم‌گیری‌های مربوط به تامین مالی آنها محسوب شود. بررسی این دو ویژگی با هم، این دو واقعیت را نشان داده که ممکن است ارتباط بین تغییرهای اختیاری و غیر اختیاری حسابداری و همچنین ریسک نسبی شرکت را شامل شود (ساندرز، ۱۹۷۳). این پیوند ممکن است از لحاظ واکنش‌های انتقال تغییرهای حسابداری به دلیل تفاوت بین میزان خطر و ریسک شرکت‌ها توضیحی قابل قبول باشد. این پیامدها به معنای وسیع کلمه مربوط به تصمیم‌گیری‌هایی است که تا حدودی تصمیم‌های سرمایه‌گذاری تولیدی و تامین مالی در دو گروه مختلف و متفاوت را شامل شده است، به همین دلیل پیامدها ممکن است متفاوت باشند. بنابراین فرض شده که سرمایه‌گذاران ممکن است تغییرهای حسابداری مشابه را به صورت متفاوتی ببینند، به همین دلیل وجود ریسک نسبی در شرکت، تغییر ایجاد نموده است. این دو مورد به هیچ وجه دقیق نیستند، اما آنها دلایل ممکن را برای انتظارات اثرگذاری مختلف بازار نشان داده‌اند. در هر مورد، فرض شده است که یک آستانه‌ای وجود دارد که شرکت‌های با ریسک بالا را از شرکت‌های کم خطر تقسیم ویا تفکیک کند و این آستانه برای سرمایه‌گذاران در اوراق بهادار و موضوع قیمت‌گذاری مهم است (آتیک، ۲۰۰۹). اولین مورد مربوط به تغییرهای حسابداری اختیاری است که ممکن است درآمد خالص را افزایش دهد. مورد دوم مربوط به تغییر غیراختیاری است که بازهم ممکن است درآمد خالص گزارش شده را افزایش دهد.

یک شرکت را در نظر بگیرید که قادر به انتخاب تغییر روش از استهلاک سریع به ساده به دلیل کاهش در اثر پیرشدگی است. این تغییر ممکن است واکنشی را برای سرمایه‌گذاران نشان دهد که شرکت کم خطر تر است زیرا کنترل بیشتری نسبت به استفاده از دارایی آن وجود دارد، یعنی کمتر تحت تاثیر عوامل ریسکی است و به صورت مطمئن‌تری کنترل شده است (کاپلان و کرشن‌هایتز، ۲۰۰۰). به شیوه منطقی قابل پیش‌بینی است که چنین تغییری قادر است با تأثیر بیشتر بر سهام شرکت‌های با خطر بالا ارتباط داشته باشد، زیرا اطلاعات جدید مربوط به ارزیابی شرکت‌های با خطر بالا را تولید می‌کند (دی‌فرانکو و همکاران، ۲۰۱۱). در این چارچوب، قیمت سهام شرکت‌های کم خطر که این تغییرهای حسابداری را تأمین می‌کنند تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند زیرا

⁷⁶ Brett

این واکنش‌ها با ارزیابی‌های پیشین سرمایه‌گذاران این شرکت‌ها به عنوان ابزار ریسکی، کم خطر است. از سوی دیگر، اثرگذاری مثبت و منفی سهام تغییرهای اختیاری و غیر اختیاری حسابداری ممکن است توسط سرمایه‌گذاران مشاهده شود و به عنوان یک پیامد نشان دهد که بدون سیاست تغییر، این گونه شرکت‌ها قادر به تولید درآمد خالص هدفمند نیست، که نشان دهنده نرخ ثابت رشد در طول زمان است (بیور و داک، ۱۹۷۲). بنابراین تغییرهای حسابداری ممکن است افزایش تغییرهای درآمد شرکت را در غیاب تغییر حسابداری نشان دهند. از آنجایی که بال و واتز^{۷۷} (۱۹۷۲)، کپلان و رول^{۷۸} (۱۹۷۲) نشان داده‌اند که متغیر درآمد با ریسک بالا در هر سهم EPS نسبت با ریسک نسبی رابطه مثبت دارد، این افزایش درک شده در متغیر EPS ممکن است ناسازگار با تحمل سرمایه‌گذاران برای تغییر درآمد شرکت‌های کم خطر باشد. زیرا این قادر است به نوبه خود منجر به تاثیر بیشتر بر روی بازده اوراق بهادار با خطر پایین شود (بال و واتز، ۱۹۷۲). در استفاده از ارقام عددی به دو دلیل برای تفسیر نتایج، آزمون‌های آماری باید مورد توجه قرار گیرد. در گام اول، ارقام، مجموع بازدهی را نشان می‌دهند و نه تفاوت میانگین بازده مورد استفاده در آزمون را. به عنوان مثال، همان مقدار متغیری که در یک سری زمانی از شرکت ترسیم شده است بیشتر احتمال دارد که آن را از لحاظ آماری کمتر از میانگین بازده مربوط به آن، و یا به صورت متفاوت قابل مشاهده باشد (بال و واتز، ۱۹۷۲). بدین معنی که برخی تغییرهای حسابداری در یک طرح تجمعی بازگشتی، نشان دهنده تمام انباشت و نه صرفاً سری زمانی متوسط میانگین است. در گام دوم، از آنجا که آزمون‌های آماری مربوط به مقایسه سود شرکت‌های تغییرپذیر و غیر تغییرپذیر در پرتفوی‌های با خطر بالا و کم خطر هستند، همانند دو قطعه در معرض خطر، باید به صورت آماری با خط افقی مقایسه شوند (کپلان و رول، ۱۹۷۲).

۶- آزمون فرضیه‌ها و یافته‌های پژوهش

جدول ۱ آماره خلاصه شده‌ای را برای آزمون چهار فرضیه نشان می‌دهد که هر یک به صورت جداگانه مشخص شده‌اند و برای هر آزمون، نتایج در جدول ۱ نشان داده شده است که میانگین تفاوت‌های بازگشت سرمایه در شرکت‌های با ریسک بالا و کم خطر، همچنین خطاهای استاندارد برآورد میانگین بازده متفاوت است و مقادیر F نتایج آزمون‌های آماری، کمتر از مقدار سطح خطای پنج درصد است. شکل ۱ نمودارهای دو بازده تجمعی، همچنین بازده در هر آزمون را نشان داده است. بنابراین آزمون‌های تغییرهای حسابداری اختیاری در ابتدا موجب افزایش درآمد شده و همچنین تغییرهای حسابداری غیر اختیاری نیز موجب افزایش درآمد شده است. در ادامه، آزمون‌های تغییرهای حسابداری اختیاری درآمد خالص را کاهش داده‌اند، و تغییرهای غیر اختیاری حسابداری به صورت غیرمستقیم همچنین درآمد خالص را کاهش داده‌اند. یعنی تغییرهای حسابداری، به نظر نمی‌رسد با بازار منحصر به فرد رفتار اخلاق پسندانه‌ای داشته باشند. ارزش F در آزمون تغییرهای حسابداری اختیاری که درآمد خالص را افزایش داده، کمتر از میزان

⁷⁷ Ball & Watts.

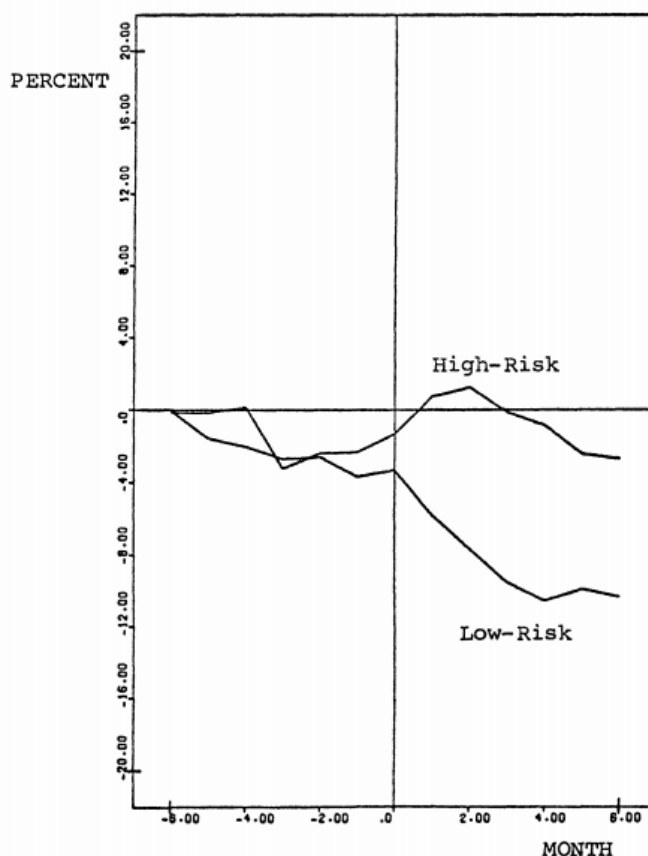
⁷⁸ Kaplan & Roll.

خطای ۰/۰۵ است. اضافه بر این، میانگین تفاوت‌های بازگشت در این آزمون برای هر دو سطح ریسک منفی است. این مفهوم بدین معناست که این ارزش به معنای واقعی آن نزدیک است، که به شیوه‌ای متوسط، ارزش‌های نسبی پایین‌تر بازار، نسبت به شرکت‌هایی که تغییرهای حسابداری را انتخاب کرده‌اند، اختصاص داده شده است. آزمون انجام شده در این مورد علت را برای ارزیابی ریسک نسبی منفی شرکت‌ها تغییر نمی‌دهد، اما شواهد اخیر و از جمله جاپلینگ^{۷۹} (۱۹۷۵) برخی از نکات در مورد این موضوع را بیان کرده است. او دریافت که شرکت‌هایی که تغییرهای حسابداری را تولید می‌کنند یک الگوی ضعیف از EPS و بازگشت سهام سهامداران را نسبت به یک گروه کنترل که به گونه‌ای تصادفی انتخاب شده‌اند شرکت‌های غیر قابل تغییر را نشان می‌دهد.

جدول ۲ میانگین اختلاف بازده آماره آزمون فرضیه‌ها

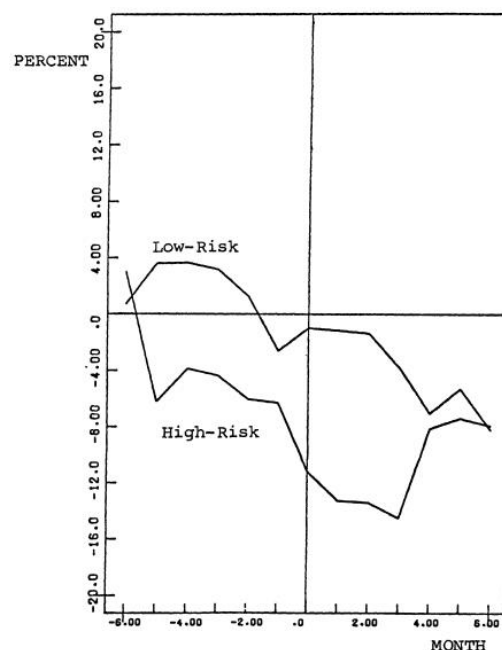
ردیف	فرضیه	تعداد جفت شرکت‌ها	ضریب بتای بالا β	ضریب بتای پایین β	f-value
۱	$ACF(+, D) - NCF$	۹۰	-۰/۰۳۰۷ (۰/۰۳۶۷)	-۰/۰۷۸۷ (۰/۰۳۵۴)	۴/۶۳۷
۲	$ACF(-, D) - NCF$	۳۰	-۰/۰۰۶۳۰ (۰/۰۱۰۳۳)	-۰/۰۰۵۹۲ (۰/۰۰۶۱۵)	۱/۳۱۳
۳	$ACF(+, N) - NCF$	۷۰	۰/۰۱۳۵۱ (۰/۰۰۵۷۳)	۰/۰۰۳۱۵ (۰/۰۰۲۶۱)	۴/۵۴۳
۴	$ACF(-, N) - NCF$	۱۲	-۰/۰۰۸۱۰ (۰/۰۱۰۸۹)	-۰/۰۱۱۹۶ (۰/۰۱۵۸۳)	۰/۶۳۹

⁷⁹ Jopling.



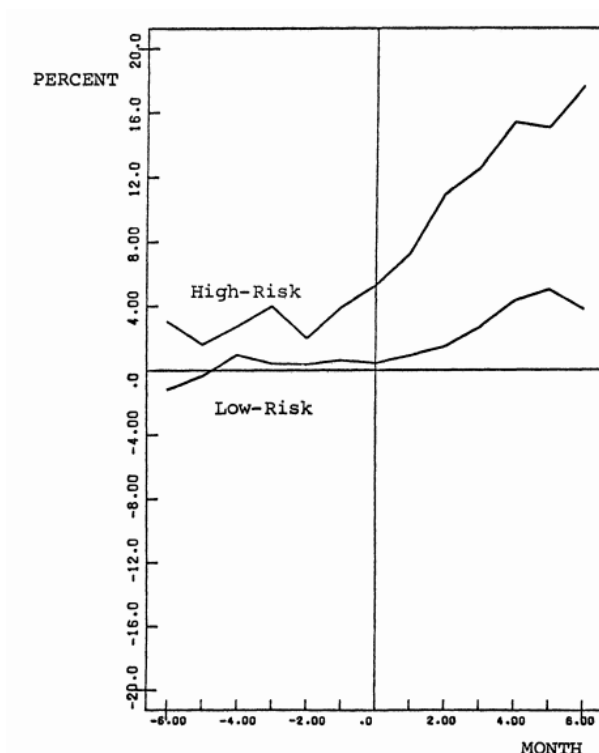
شکل ۱ تفاوت نرخ بازده تجمعی $ACF(+, D) - NCF$ از جفت ۹۰ شرکت

این که آیا تغییرهای حسابداری در حقیقت اطلاعات مرتبط با ارزش را انتقال می دهند، به گونه‌ی مستقیم در اینجا به آن اشاره نمی شود، زیرا آزمون فرضیه، تمام دوره‌ی دوازده ماهه را در گزارشگری مالی اطراف ماه افشای پایان سال مالی یعنی اسفند نشان داده است. با این حال، شکل ۱، برخی از بینش‌ها را در مورد زمان بندی اثر بازار ارائه داده است. به نظر می رسد، به گونه کلی، میانگین بازده تفاوت در دوره قبل از پایان سال نسبت به دوره صفر تا پایان سال بسیار نزدیک تر است. این به نوبه خود نشان می دهد که گزارشگری مالی و افشای جزئیات دقیق در پایان سال دارای محتوای اطلاعاتی است. در حالی که برخی اطلاعات ممکن است این را به عنوان شواهدی از عدم کارآیی بازار تفسیر کنند، به نظر می رسد که در گزارشگری مالی افشای ماه‌های آخر سال به سادگی اطلاعات اضافی را برای سرمایه گذاران ارائه می کند. برای مثال، پیش بینی درآمد خالص بسیاری از تغییرهای حسابداری قبل از پایان سال مالی بسیار دشوار است. در این صورت افشای میزان تاثیر درآمد خالص تغییرهای حسابداری می تواند محتوای اطلاعات قابل توجهی داشته باشد.



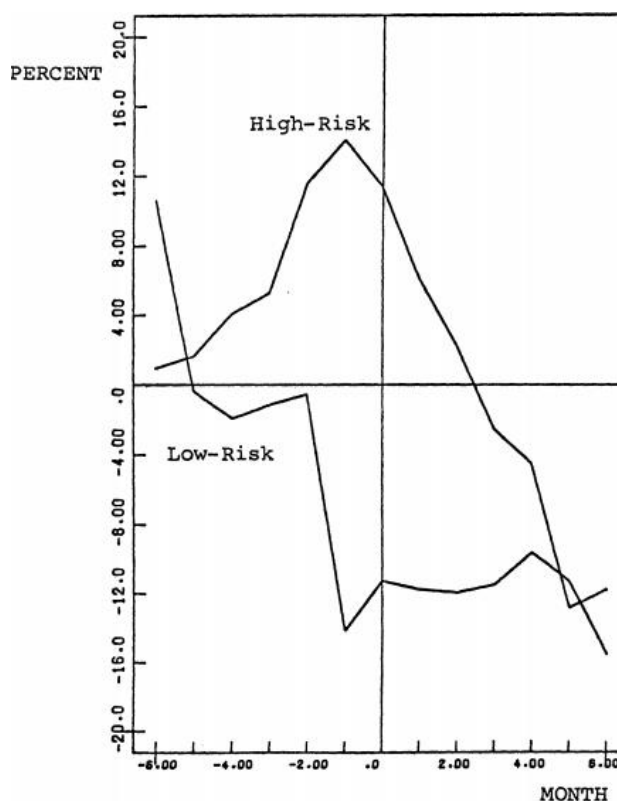
شکل ۲ تفاوت نرخ بازده تجمعی $ACF(-, D) - NCF$ ، مربوط به ۳۰ جفت شرکت است.

میانگین بازده تفاوت در آزمون تغییرهای حسابداری F ، $D - NCF$ یک مقدار F برابر ۱.۳۳۱ را تولید می کند که از لحاظ آماری معنی دار است زیرا کمتر از ۵٪ است. در این آزمون میانگین بازدهی هر دو مثبت است. منحنی های این تفاوت های بازگشتی در مقایسه با منحنی های که در آزمون تغییرهای حسابداری F ، $D+$ هستند متفاوت است. بنابراین، از آنجا که نشانه های اثرگذاری در آمد یکسان هستند، ویژگی های اختیاری تغییرهای حسابداری، به نظر می رسد با نتایج متضاد مرتبط است. یکی دیگر از تفسیرها و توضیح ها ممکن است این باشد که نوع تغییرهای حسابداری در دو آزمایش مورد بررسی متفاوت است. نتایج این آزمون اساساً یک آزمون تغییرهای غیرواقعی از هزینه به نسبت عادلانه است در حالی که آزمون تغییرهای حسابداری F ، $D+$ شامل چندین نوع تغییرهای حسابداری است.



شکل ۳ تفاوت نرخ بازه تجمعی $ACF(+, N) - NCF$ ، مربوط به ۷۰ جفت شرکت است.

در آزمون کنونی، رفتار ظاهراً منحصر به فرد بازار به نظر می‌رسد در ماهی (نگاه کنید به شکل ۳)، که پایان سال مالی هر شرکت است، و سال مالی جدید آغاز می‌شود. در حالی که زمانبندی نسبی این اثر به گونه کلی با پیش بینی قبلی مبنی بر اینکه سرمایه گذاران از تغییرهای حسابداری غیرواقعی آگاهی داشته‌اند، نشان داده شده است، شکل ۳ نشان می‌دهد که پس از پایان سال، تفاوت‌های بیشتر نسبت به گذشته متفاوت‌تر است. اما به اندازه و یا تا حدی که (الف) تاثیر درآمد خالص این تغییر برای سرمایه گذاران مهم است و (ب) نتایج چهارم بر درآمد خالص سالانه تاثیر گذار است؛ بنابراین افشای گزارشگری مالی آخر سال می‌تواند اطلاعات بهتر و دقیق‌تری را برای سرمایه گذاران و ذی‌نفعان منتقل کند.



شکل ۴ تفاوت نرخ بازده تجمعی $ACF(-, N) - NCF$ مربوط به ۱۲ جفت شرکت است.

بررسی اینکه آیا این آزمون در واقع تنها یک مورد بررسی است و یا اینکه یک آزمون اعتبار سنجی متقابل است، دقیق روشن نیست. به گونه معمول اثر این آزمون برای اصلاح و اثرگذاری است که تفاوت در برآوردها ممکن است بر نتایج آزمون اثرگذار باشد. مرحله بعدی، انجام آزمون برای استفاده از بازده‌های انتظاری و محاسبه شده در جدول ۲ که مقدار F و یا نتیجه برابر ۴.۶۳۷ حاصل گردید. در حالی که این مقدار کمتر از مقدار F غیرقابل تغییر است. اما همچنان از لحاظ آماری کمتر از ۵ درصد است. بر این اساس، به شیوه منطقی نتیجه‌گیری می‌شود که نتایج آزمون تغییرهای حسابداری F ، $N - NCF$ به احتمال زیاد تنها به دلیل اختلاف فیزیکی بین شرایط قابل تغییر و شرکت‌های غیر قابل تغییر، اتفاق نمی‌افتد. علاوه بر این، دلیل تغییر F ، تفاوت در آزمون تغییرهای حسابداری $F + N - NCF$ بیشتر از هر آزمون انجام شده در این پژوهش بوده است. نتیجه‌گیری این است که سایر آزمون‌ها نیز به گونه‌ای قابل ملاحظه‌ای تحت تاثیر قرار نمی‌گیرند. دو آزمونی که تغییرهای حسابداری مربوط به درآمد خالص را کاهش داده، هر دو ارزش F را به ناچیز افزوده است. اضافه بر این، میانگین بازدهی برای دوره کامل ۱۲ ماهه در هر دو آزمون منفی بود. بنابراین به نظر می‌رسد که سرمایه‌گذاران شرکت‌هایی را بیشتر ارزیابی می‌کنند، به گونه‌ای که تغییرهای حسابداری درآمد خالص را کاهش دهند. تغییرهای اختیاری و تغییرهای غیراختیاری، به همان اندازه که در شکل‌گیری شرکت‌های مشابه اثرگذارند، در بازدهی آنها هم اثرگذارند. اما این موضوع به درستی ایجاد نمی‌شود. شکل ۲ و ۴ نشان می‌دهد که مسیرهای میانگین متفاوت بازده در دو آزمون

کاملاً مختلف است. این احتمال وجود دارد که این دو آزمون بگونه قابل توجهی توسط خطای نمونه گیری تحت تاثیر تعداد کمی از جفت های شرکت های درگیر تاثیر گذار باشد.

۷- اثر گذاری ریسک و اطلاعات حسابداری

یکی از نظریه های اصلی طراحی تحقیقاتی که در این پژوهش استفاده شده است این است که بازار ممکن است در برابر تغییرهای حسابداری ساخته شده توسط شرکت های با سطح های مختلف، نسبت به ریسک واکنش های متفاوتی نشان دهد. چون استدلال ها می توانند پیشرفت کنند تا پیش بینی نتایج کاملاً متفاوتی داشته باشند. برای ارزیابی اینکه آیا وابستگی به ریسک در اطلاعات حسابداری تغییر وجود دارد، تفاوت های بازگشت تجمعی در شرکت های با ریسک بالا و شرکت های کم خطر در شکل های ۱ نشان داده شده است. به گونه کلی، این رقم ها تا حدودی برخی تفاوت ها را نشان داده اند. به عنوان مثال، شرکت های کم خطر در آزمون تغییرهای حسابداری F ، $+D$ به نظر می رسد که بیشتر از تفاوت بازگشت سرمایه، چند متغیر دیگر را در محاسبات درگیر کرده اند (نگاه کنید به شکل ۱). در آزمون تغییرهای حسابداری F ، N شرکت های با ریسک بالا منعکس کننده بخش عمده ای از جنبش بازار منحصر به فرد هستند (نگاه کنید به شکل ۳). نتایج دو آزمایش دیگر که با هم ادغام می شوند به این معناست که در هر دو آزمایش، دو بازده بازدهی ریسک تقریباً به همان تعداد تقسیم می شوند، اما در مسیر دستیابی به نقاط مشابه، مسیرهای کاملاً متفاوتی حاصل می شوند. دلایل پیش بینی متفاوت ریسک در اطلاعات تغییرهای حسابداری به گونه ای عمده مربوط به پیش بینی ارزیابی سرمایه گذاران از تغییر در ریسک های نسبی، بزرگی، کوچکی و پیچیدگی شرکت ها و همچنین تغییرهای حسابداری است. در واقع، در دو آزمایش با مقادیر F قابل توجه، تفاوت بازگشت سرمایه ممکن است بوسیله اختلاف تغییرهای حسابداری F در F ایجاد شود. و در هر دو آزمایش، این پدیده به نظر می رسد تا یک سطح مشخص، ریسک شرکت ها را به میزان بیشتری تحت تاثیر قرار داده است. پژوهش گرانی همانند بال (۱۹۷۲) و ساندرز (۱۹۷۵) تغییرهایی را در شرکت های مورد مطالعات خود مشاهده کرده اند. با این وجود، هیچ شواهدی قابل استنادی در مورد یک گروه کنترل از شرکت های غیر قابل تغییر ارائه نشده است. در نتیجه، معلوم نیست که تغییرهای مشاهده شده آنها منحصر به رابطه با تغییرهای حسابداری مورد بررسی قرار گرفتند. شواهد ارائه شده در اینجا نشان می دهد که تغییرها و ریسک یک پدیده مشابهی است که در این پژوهش به تنهایی امکان پاسخ گویی آن فراهم نیست.

۸- بحث و نتیجه گیری

تاکنون پژوهش روشنی به گونه ای مستقیم به بررسی نقش گزارشگری مالی در رابطه با تغییرهای اختیاری و غیر اختیاری نپرداخته اند. از طرفی چون واکنش های تغییر حسابداری برای سرمایه گذاران بین تغییرهای حسابداری اختیاری و غیراختیاری متفاوت است، در نتیجه گزارشگری مالی اثرگذاری بالقوه بر بازار و تغییرهای حسابداری را به عنوان یک منبع اطلاعاتی در اختیار ذی نفعان قرار می دهد. به علاوه، پژوهش هایی تا کنون در این زمینه از طرح های تحقیقاتی استفاده کرده اند دارای نقطه ضعف مشترک در گروه برای کنترل سود و بازده مورد انتظار شرکت ها می باشند. امیدواریم این پژوهش بتواند نقطه ضعف های اشاره شده در بالا را کاهش

دهد. هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی (۲۰۱۰) بیان می‌دارد که مقایسه‌پذیری، ارزش‌مندی اطلاعات حسابداری را افزایش می‌دهد و استفاده‌کنندگان گزارشگری‌های مالی را قادر می‌سازد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های میان پدیده‌های اقتصادی را شناسایی کنند. همچنین مطرح می‌کند، هنگامی که اطلاعات مقایسه‌ای در دسترس نباشد، تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری و وام‌دهی نمی‌توانند منطقی باشند. مقایسه‌پذیری حسابداری بیشتر بر مزایای آن برای ذی‌نفعان گزارش‌های مالی مانند تحلیلگران مالی، دولت و اعتباردهندگان اثرگذار است. این مطالعه برخی شواهدی را ارائه می‌کند که در مورد تغییرهای اختیاری حسابداری و تغییرهای غیر اختیاری حسابداری واکنش‌های متفاوتی را به سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان انتقال می‌دهد. همچنین این پژوهش برخی اصلاحات اضافی ارائه می‌کند که قبلاً برای تحقیقات تغییرهای حسابداری اعمال نشده بود. نتایج آزمون نشان می‌دهد که تغییرهای حسابداری اختیاری و غیر اختیاری که درآمد خالص را افزایش می‌دهند، با رفتار بازار سهام همزمان و منحصر به فرد ارتباط دارند. با این حال، تفاوت‌های منفی بازگشت سرمایه برای تغییرهای اختیاری، در مقایسه با تفاوت‌های مثبت بازگشت سرمایه برای تغییرهای غیراختیاری، نشان می‌دهد که اختیار در دسترس برای مدیریت در ساخت تغییرهای حسابداری دارای محتوای اطلاعاتی است. همچنین آزمون تغییرهای اختیاری و غیر اختیاری حسابداری که درآمد خالص را کاهش داده‌اند، هر دو ارزش $F-F$ را کم اهمیت نشان داده‌اند. اما اندازه نمونه‌های کوچک در این دو آزمون هر تفسیری از این نتایج را به گونه‌ای ضعیف نشان می‌دهد. قبل از اینکه این مفهوم به نتیجه برسد، باید روی نمونه‌های بزرگتر تکرار شود. نمودارهای تفاوت بازده تجمعی در دو سطح ریسک شرکت‌هایی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند، نشان دهنده وابستگی به ریسک در اطلاعات تغییرهای حسابداری، به ویژه در آزمون‌های با ارزش‌های مهم می‌باشد. با این حال، ماهیت وابستگی به ریسک هنوز به درستی مشخص نیست و به همین دلیل احتمالاً عاقلانه نیست که بیش از حد وابستگی به ریسک را تا زمانی که ماهیت رابطه به گونه‌ای خاص مورد بررسی قرار نگیرد، نداشته باشیم. نتایج در دو آزمون که فرضیه محتوای اطلاعات را پشتیبانی می‌کنند می‌تواند به واسطه هر دو یا هر دو عامل باشد. همچنین تغییر در بتا یا تفاوت در جزء ریسک غیر سیستماتیک بازده امنیتی می‌تواند اثرگذار باشد.

این مقاله به بررسی نقش گزارشگری مالی نسبت به تغییرات اختیاری و غیر اختیاری حسابداری و همچنین توجه به پیامدهای مقایسه‌پذیری بر تهیه‌کنندگان و کاربران صورت‌های مالی پرداخته است. همچنین تأثیر مقایسه‌پذیری را بر تصمیم‌گیری و توانایی مدیران جهت آینده‌نگری دقیق‌تر عملکرد شرکت مورد تاکید قرار دادیم و نسبت به تهیه گزارشگری مالی با کیفیت‌تر تکیه نمودیم. همین‌گونه شواهدی ارائه دادیم که نشان می‌دهد مقایسه‌پذیری با آینده‌نگری‌های رهبری دقیق‌تر رابطه دارد و این تفکر را که مقایسه‌پذیری، سرمایه‌گذاران را همراهی می‌نماید تا پیش‌بینی‌های دقیق‌تری از عملکرد آینده شرکت داشته باشند، را تأیید می‌نماید. این پژوهش شواهد معتبری ارائه می‌دهد مبنی بر اینکه مقایسه‌پذیری گزارشگری مالی نه تنها موجب بهبود کیفیت اطلاعات ارائه شده از سوی مدیران شرکت‌ها می‌گردد بلکه اثربخشی و کارایی سرمایه‌گذاران را نیز افزایش می‌دهد. به گونه کلی، یافته‌های آزمون‌ها نشان داد که مقایسه‌پذیری با کیفیت بالاتر گزارشگری شفاف ارتباط دارد چرا که مقایسه‌پذیری موجب بهبود فرآیند برآورد ارقام اختیاری و غیر اختیاری حسابداری و توانایی گزارش‌دهی عملکرد آتی می‌شود.

فهرست منابع

قرآن کریم.

خان محمدی، محمد؛ مرادی، مجید؛ خدایی، محمد؛ (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، ۴(۲)، ۲۸-۱۱.

خواجهی، شکرالله؛ علی‌زاده، وحید؛ (۱۳۹۲). بررسی اثرات سطح افشای داوطلبانه بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران، مطالعات تجربی حسابداری، ۱۱(۴۲)، ۱۱۴-۸۹.

رضایی، فرزین؛ مرادی، مریم؛ مرادی، لیلا؛ (۱۳۹۹). تأثیر ویژگی‌های شرکت بر رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجوه نقد شرکت‌ها، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۰(۳)، ۹۸-۸۱.

فرساد، غلامرضا؛ معدنچی، مهدی؛ (۱۳۹۸). نقش اقلام تعهدی در سودآوری و سود سهام شرکت‌ها، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۱(۴۲)، ۹۲-۷۱.

کیا، علی، گرایلی، مهدی (۱۳۹۶). نقش اقلام تعهدی در سودآوری و سود سهام شرکت‌ها، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۴(۲)، ۱۳-۱۱۳۷-۱۱۵.

مقدم، رقیه، لشگری، زهرا، (۱۳۹۷). تأثیر سیاست‌های تقسیم سود سهام بر تصمیمات سرمایه‌گذاری با تاکید بر کیفیت گزارشگری مالی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۰(۴۰)، ۴۶-۲۱.

مهدوی، غلامحسین، رضایی، غلامرضا، (۱۳۹۲). بررسی اثرات کیفیت گزارشگری مالی بر سیاست تقسیم سود، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۵(۱۷)، ۳۲-۱.

ناظمی، امین، نصیری، طاهره، (۱۳۹۳). بررسی ارتباط میان افشای اطلاعات و هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۳(۱)، ۱۱۸-۹۷.

نصیرزاده، فرزانه، صالحی وزیری، سید محسن، (۱۴۰۲). مقایسه‌پذیری حسابداری، کیفیت گزارشگری مالی و قیمت‌گذاری اقلام تعهدی اختیاری، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۰(۴)، ۶۰-۵۵-۷۸.

نمازی، محمد، اسماعیل‌پور حسن، (۱۳۹۹). تأثیر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر فرار و اجتناب مالیاتی، دانش حسابداری، ۱۱(۱)، ۳۳-۱.

##Atik, A. (2009). Detecting income-smoothing behaviors of Turkish listed companies through empirical tests using discretionary accounting changes. *Critical perspectives on accounting*, 20(5), 591-613.

##Ball, R., & Brown, P. (1969). Portfolio theory and accounting. *Journal of accounting research*, 300-323.

Ball, R. (1972). Changes in accounting techniques and stock prices. *Journal of Accounting Research*, 1-38.##

##Ball, R., & Watts, R. (1972). Some time series properties of accounting income. *The Journal of Finance*, 27(3), 663-681.

##Barth, M. E., Landsman, W. R., & Taylor, D. J. (2017). The JOBS Act and information uncertainty in IPO firms. *The Accounting Review*, 92(6), 25-47.

##Baskin, E. F. (1972). The communicative effectiveness of consistency exceptions. *The Accounting Review*, 47(1), 38-51.

##Beaver, W. H., & Dukes, R. E. (1972). Interperiod tax allocation, earnings expectations, and the behavior of security prices. *The Accounting Review*, 47(2), 320-332.

##Beaver, W. H., Kennelly, J. W., & Voss, W. M. (1968). Predictive ability as a criterion for the evaluation of accounting data. *The Accounting Review*, 43(4), 675-683.

##Brett, E. A. (1993). Voluntary agencies as development organizations: Theorizing the problem of efficiency and accountability. *Development and change*, 24(2), 269-304.

##De Franco, G., Kothari, S. P., & Verdi, R. (2011). "The Benefits of Financial Statement Comparability", *Journal of Accounting Research*, 49(4), PP. 895–931.

##Chauhan, P. K., Kumar, A., Pratap, V., & Singh, A. K. (2022). Seasonal characteristics of PM1, PM2. 5, and PM10 over Varanasi during 2019–2020. *Frontiers in Sustainable Cities*, 4, 909351.

##Cheng, B. L., Shaheen, M., Cham, T. H., Dent, M. M., & Yacob, Y. (2021). Building sustainable relationships: service innovation at the pinnacle of touristic achievement. *Asian Journal of Business Research*, 11(1), 141-159.

##Habib, A., Hasan, M. M., & Al-Hadi, A. (2018). Money laundering and audit fees. *Accounting and Business Research*, 48(4), 427-459.

##Hock, M. D. (1972). Factors shaping allocation decisions in a voluntary social service system. The Ohio State University.

##Healy, P. M. (1985). The effect of bonus schemes on accounting decisions. *Journal of accounting and economics*, 7(1-3), 85-107.



##Kaplan, D. H., & Kirschenheiter, M. (2000). Outsourcing and audit risk for internal audit services. *Contemporary Accounting Research*, 17(3), 387-428.

##Kaplan, R. S., & Roll, R. (1972). Investor evaluation of accounting information: Some empirical evidence. *The Journal of Business*, 45(2), 225-257.

##JOPLING JR, S. H. (1975). ACCOUNTING STANDARDS AND THE FINANCIAL REPORTING PRACTICES OF SECURITIES BROKER-DEALERS. The Pennsylvania State University.

##Mitchell, M. L., & Mulherin, J. H. (1996), “The Impact of Industry Shocks on Takeover and Restructuring Activity”, *Journal of Financial Economics*, 41, PP. 193–229.

##Pike, R., Sharp, J., & Kantor, J. (1988). The role of accounting information in valuing unlisted shares. *Accounting and Business Research*, 18(71), 249-255.

##Revsine, L., Collins, D., Johnson, W. B., & Mittelstaedt, H. F. (2011), “Financial Reporting and Analysis (5th ed.)”, New York, NY: McGraw-Hill Irwin.

##Revsine, L., Collins, D. W., Johnson, W. B., Mittelstaedt, H. F., & Soffer, L. C. (1999). *Financial reporting & analysis*. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.

##Sunder, S. (1973). Relationship between accounting changes and stock prices: Problems of measurement and some empirical evidence. *Journal of Accounting Research*, 1-45.

##Sanders, A. B. (1973). A TEST OF THE NEW INTRODUCTION TO ACCOUNTING APPLIED TO A TRADITIONAL TEXTBOOK IN THE ELEMENTARY ACCOUNTING COURSES. The University of North Carolina at Chapel Hill.

##Sohn, B. C. (2016), “The Effect of Accounting Comparability on the Accrual –based and Real Earnings Management”, *Journal of Account Public Policy*, 35(5), PP. 513 -539.

##Teoh, S., & Wong, T. (1993), “Perceived Auditor Quality and the Earnings Response Coefficient”, *The Accounting Review*, 68(2), PP. 346–366.

Examining the role of financial reporting in relation to voluntary and involuntary accounting changes.

Seyed Hamidreza; Rakhsha; Corresponding Author;⁸⁰

⁸⁰ Assistant Professor, Department of Accounting, Payam Noor University; Tehran; Iran; email: s.h.rakhsha@pnu.ac.ir



Abstract

So far, none of the reported studies have directly examined the role of financial reporting in relation to discretionary and non-discretionary changes. Because the feedback from accounting decisions for current and future investors is different in relation to discretionary and non-discretionary accounting changes. Therefore, the impact of financial reporting on current and potential investors and accounting changes is an important question. This study attempts to examine the role of financial reporting in relation to discretionary and non-discretionary accounting changes. The research method is a quantitative method in which hypothesis testing is performed using regression calculations. The statistical population of the study is the companies listed on the Tehran Stock Exchange. The results showed that discretionary and non-discretionary accounting changes that increase net income are related to simultaneous and unique stock market behavior. This study provides some evidence that different feedbacks from accounting changes are transmitted to investors. This study provides amendments that have not been previously applied to accounting change research. It is hoped that this research will open doors for companies, investors, financial and credit institutions, the government, and all stakeholders.

Keywords: Financial reporting, investor feedback, discretionary accounting changes, non-discretionary accounting changes.

عوامل تعیین کننده تفاوت بودجه و تحقق بودجه در عملکرد مالی

محمد مهدی زارع شهنه؛ استادیار اقتصاد؛ دانشگاه پیام نور؛ تهران؛ ایران mm.zare59@pnu.ac.ir

زهرا نبیری؛ کارشناس ارشد مدیریت دولتی؛ دانشگاه پیام نور؛ تهران؛ ایران Zahra.nabiri@gmail.com

چکیده

مطالعه حاضر با هدف بررسی «عوامل تعیین کننده تفاوت بین بودجه مصوب و تحقق بودجه در عملکرد مالی» انجام شده است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-پیمایشی است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد جمع‌آوری شدند و پایایی آن بالاتر از ۰/۷ بدست آمد. جامعه آماری مدیران ارشد و کارشناسان واحد اداری اداره برق استان یزد بود و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر ۸۸ نفر تعیین و به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای در فرآیند تحقیق مشارکت کردند. جهت تحلیل، ضریب همبستگی پیرسون در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ به کار گرفته شد. نتایج نهایی بیانگر تأثیر مثبت و معنادار تفاوت بودجه و تحقق بودجه بر عملکرد مالی، هزینه‌های غیر منتظره بر عملکرد مالی، هزینه‌های عملیاتی بر عملکرد مالی و تحریف مادی بر عملکرد مالی می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد کاهش اختلاف بودجه مصوب و عملیاتی مستلزم بهبود مکانیسم‌های پیشبینی، نظارت مستمر بر هزینه‌ها و طراحی سیستم‌های گزارش دهی شفاف است.

واژگان کلیدی: تحقق بودجه، عملکرد مالی، هزینه‌های عملیات

۱. مقدمه

در هر نهاد تجاری یا شرکتی، بودجه هدف اصلی برای انجام برنامه ریزی برای کسب و کارهایی است که در زمینه‌های تجاری، خدماتی و غیره فعالیت می‌کنند. برای دستیابی به اهداف طبق برنامه ریزی، شرکت باید یک سیستم مدیریت اقتصادی خوب داشته باشد. بدون برنامه، عملکرد شرکت بهینه نخواهد بود زیرا استراتژی تهیه شده بر اساس برنامه توافق شده اجرا نمی‌شود. علاوه بر این یکی از مهم‌ترین موارد در برنامه ریزی و کنترل یک شرکت، بودجه است (Sabaria, 2018). تهیه بودجه در یک شرکت را نمی‌توان از مدیریت جدا کرد. بنابراین بودجه تنها ابزاری برای مدیریت است و همچنان نیازمند برنامه ریزی و مدیریت خوب است تا تحقق بودجه در راستای اهداف و برنامه‌های شرکت باشد. با مدیریت در شرکت، تهیه بودجه را می‌توان به حداکثر رساند (Schubert and Kirsten, 2021).

بودجه‌ها برای مدیریت محتاطانه منابع مالی کمیاب و هم‌زمان به عنوان روش‌های مجوز هزینه، کنترل و همچنین مبنای ارزیابی هزینه سازمان، ضروری هستند. علاوه بر این برنامه‌های هزینه برای سازمان‌ها مهم هستند زیرا جزئیات پیشرونده‌ای را ارائه می‌دهند که امکان نظارت بر کارایی شرکت‌ها را فراهم می‌کند (Soininen et al., 2021). لذا بررسی تفاوت بین بودجه و تحقق به شناسایی انحرافات مثبت و منفی کمک می‌کند که به سازمان اجازه می‌دهد عملکرد خود را بهتر ارزیابی کند.

تفاوت میان بودجه‌های پیش‌بینی شده و نتایج واقعی است که در عمل به دست می‌آید. با درک بهتر این عوامل، سازمان‌ها قادر خواهند بود استراتژی‌های مؤثرتری برای کاهش این تفاوت‌ها ارائه دهند و به درستی منابع خود را مدیریت نمایند. علاوه بر این موفقیت سازمان‌ها بیشتر به کار آماده سازی برنامه بودجه عالی و همچنین کنترل‌های مالی موثر بستگی دارد (Putrayasa and Saputra, 2018). علاوه عوامل متعددی باعث عدم تحقق بودجه می شود، از جمله برنامه ریزی ضعیف، برنامه ریزی نامناسب بودجه و ضعف در اجرای بودجه (Viera and Giraldo, 2019). منظور از تحقق بودجه، اجرا و دستیابی به بودجه ای است که تعیین شده است. این امر شامل نظارت و ارزیابی استفاده از وجوه بر اساس برنامه بودجه ای است که تهیه شده است. این فرآیند شامل مقایسه بین تخصیص اولیه بودجه و هزینه های واقعی و همچنین ارزیابی دستیابی به اهداف مالی مورد نظر است (Schubert and Kirsten, 2021).

هزینه مالی یک واحد تجاری عبارتست از نرخ متوسط بازده مورد انتظار سرمایه گذاران در اوراق بهادار واحد مزبور می‌باشد یا به عبارت دیگر عبارتست از هزینه فرصت از دست رفته وجوه سرمایه گذاری شده شرکت و آن نرخ بازدهی است که شرکت باید از سرمایه گذاری در بازار سهام با همان ریسک بدست آورد بنابراین نرخ بازده شرکت در سرمایه گذاری‌ها باید نرخی باشد که حداقل با نرخ بازده مورد انتظار سهامداران برابری کند و رضایت آنها را جلب کند (پریزاد عمران، ۱۳۹۷). کنترل هزینه یک جنبه حیاتی در مدیریت سازمان هاست که در آن حفظ انضباط مالی برای دستیابی به موفقیت پروژه ضروری است. کنترل هزینه در هسته خود، شامل فرآیندها و شیوه‌های مورد استفاده برای نظارت، مدیریت و کاهش هزینه‌ها می‌باشد تا اطمینان حاصل شود که پروژه‌ها در چارچوب بودجه و در راستای اهداف مالی تکمیل می‌شوند (Obaigbena et al., 2024).

چالش‌ها در کنترل هزینه‌ها یک نگرانی مهم در توسعه و اجرای استراتژی‌های کنترل هزینه در پروژه‌های سازمانی است. این صنعت به دلیل مقیاس، پیچیدگی و ماهیت غیرقابل پیش‌بینی پروژه‌ها به‌ویژه در برابر هزینه‌ها و انحرافات بودجه آسیب‌پذیر است. درک این چالش‌ها و اجرای استراتژی‌های مؤثر برای کاهش آن‌ها برای تضمین موفقیت پروژه و دوام مالی بسیار مهم است. عملکرد مالی در برگیرنده بازده منابع تحت کنترل واحد تجاری است. اطلاعات مربوط به عملکرد مالی در صورت سود و زیان و سود جامع ارائه می‌شود این اطلاعات نشان می‌دهد که یک واحد تجاری تا چه میزان در به کارگیری منابع خود موفق بوده است (نصراللهی و همکاران، ۱۳۹۵).

توانایی در کنترل منابع و مدیریت هزینه‌ها، به ویژه در پروژه‌های بزرگ عمرانی یا تعمیر و نگهداری، می‌تواند بهبودهای قابل توجهی در تحقق بودجه ایجاد کند. بررسی عملکرد بودجه‌های قبلی و شناسایی دلایل انحرافات نیز می‌تواند به بهبود برنامه‌ریزی در آینده کمک کند. تغییرات در شرایط اقتصادی و اجتماعی، مانند نوسانات بازار انرژی، بر عملکرد مالی تأثیر می‌گذارد و موجب تفاوت بین بودجه و تحقق آن شود. در نهایت، تلاش برای بهبود مستمر در فعالیت‌ها و استفاده بهینه از منابع می‌تواند به تحقق بهتر اهداف مالی و بودجه‌ای در اداره برق منجر شود. این تحقیق می‌تواند سازمان را در مواجهه با تغییرات محیطی (مانند تغییرات اقتصادی، رقابتی و اجتماعی) کمک کند تا استراتژی‌های مالی خود را تطبیق دهد. با توجه به این که عوامل تعیین‌کننده تفاوت بین بودجه و تحقق بودجه، نتایج بسیار مهمی برای بهبود عملکرد مالی سازمان‌ها دارد.

در مبانی نظری داخلی، نجفی (۱۴۰۱) نشان داد که شفافیت و پاسخگویی از ارکان کلیدی در برنامه‌ریزی و عملکرد مالی دانشگاه‌های علوم پزشکی هستند و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی با سطوح دسترسی مختلف می‌تواند به ارتقاء شفافیت کمک کند، اما نبود اطلاع‌رسانی مؤثر موجب برداشت‌های نادرست شده است. امرایی و آذر (۱۴۰۰) الگویی جامع برای نظارت و ارزیابی عملکرد مالی در بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد ارائه کردند که شامل عوامل متعددی از جمله قانونی، ساختاری، فناوری و فرهنگی است.

کمالی خانقاه (۱۳۹۸) دریافت که در ایران، علی‌رغم ناکارآمدی بازار سرمایه، اطلاعات حسابداری کارآمد نقش مهمی در کاهش هزینه سهام دارد. کرد بچه (۱۳۹۷) سه راهکار برای کاهش وابستگی بودجه به نفت شامل کاهش منابع نفتی در بودجه، اصلاح نظام مالیاتی و اجرای بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد ارائه کرد. الماسی و همکاران (۱۳۹۵) تأکید کردند که گزارش تفریغ بودجه دیوان محاسبات نقش مؤثری در کاهش انحرافات بودجه‌ای و ارتقای نظارت مالی دارد.

در ادبیات نظری خارج از ایران نیز، Novianti et al. (۲۰۲۴) نشان دادند که هزینه‌های عملیاتی و تحریف‌های بودجه‌ای بر عملکرد مالی اثرگذارند، در حالی که هزینه‌های غیرمنتظره تأثیر معناداری ندارند. Li and Guo (۲۰۲۲) به اهمیت تحلیل مالی کالچ‌ها و مدیریت جامع بودجه برای ارتقاء کارایی و کاهش هزینه‌ها در دانشگاه‌ها اشاره کردند. Laili and Sari (۲۰۲۲) نیز تأثیر مثبت تدوین و ارزیابی شاخص‌های عملکرد بر اجرای بودجه را تأیید کردند. اسچابرت و کریستین (۲۰۲۱) دریافتند که کنترل بودجه موجب بهبود عملکرد مالی در شرکت‌های کوچک و متوسط آلمان می‌شود و نقش مهمی در یکپارچه‌سازی برنامه‌ریزی استراتژیک دارد. Oktari et al. (۲۰۲۰) نشان دادند که برنامه‌ریزی و اجرای بودجه، شایستگی منابع انسانی و درک مقررات بر جذب بودجه روستا مؤثرند و تعهد سازمانی این تأثیر را تقویت می‌کند. Barreto et al. (۲۰۱۹) نیز با بررسی تحقق بودجه در اداره بهداشت، بر لزوم بهبود برنامه‌ریزی مالی و بهره‌وری کارکنان برای افزایش تحقق بودجه و ارتقای خدمات تأکید کردند در نتیجه. با توجه به خلا نظری موجود در ادبیات نظری و نوآوری عملی در زمینه شرکت برق، این پژوهش بر آن است که به بررسی تأثیر عوامل تعیین‌کننده تفاوت بودجه و تحقق بودجه شامل هزینه‌های عملیاتی، هزینه‌های غیرمنتظره و تحریف مادی در عملکرد مالی اداره برق شهرستان یزد پردازد.

۲. مواد و روش‌ها

با توجه به هدف این پژوهش که بررسی تفاوت بودجه و تحقق بودجه در عملکرد مالی است این پژوهش از لحاظ هدف جز پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش توصیفی است. جامعه آماری این تحقیق ۱۱۵ نفر از مدیران ارشد و کارشناسان واحد اداری اداره برق استان یزد بود که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۸۸ نفر محاسبه شده و پرسشنامه به عنوان ابزار تحقیق، به صورت تصادفی طبقه‌ای در زمستان سال ۱۴۰۳ توزیع گردید. با توجه به این که پرسشنامه استاندارد استفاده شد، روایی آن قبلاً توسط متخصصین تایید شده است و پایایی نیز در این مطالعه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد که اطلاعات آن در جدول ۱ ارائه شده است. فرضیات پژوهش نیز با آزمون پیرسون در نرم افزار SPSS تحلیل شدند.

جدول ۱. معرفی پرسشنامه

ابعاد	سوالات	منبع	پایایی
عملکرد مالی	۲۱-۲۱	عزیزی و همکاران (۱۳۹۰)	۰/۸۴۱
تحریف مادی	۲۲-۲۸	راسدین و راناواتی (۲۰۲۳)	۰/۷۹۲
هزینه‌های غیر منتظره	۲۹-۳۵	احمدی (۱۳۸۸)	۰/۷۷۰
هزینه‌های عملیاتی	۳۶-۴۳	نصرالهی و همکاران (۱۴۰۰)	۰/۹۲۳

آزمون‌های مورد استفاده در این تحقیق شامل آزمون کلموگورف-اسمیرنوف، جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها، تحلیل واریانس جهت بررسی معنی دار بودن تفاوت متغیرها، از آزمون فریدمن برای بررسی یکسان بودن اولویت‌بندی (رتبه‌بندی) تعدادی

از متغیرها و از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) و از آزمون رگرسیون جهت آزمون میزان تغییر پذیری وابسته از متغیرهای مستقل، و از معادلات ساختاری برای بررسی تأثیر چند متغیر مستقل بر یک متغیر وابسته. (مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را بطور همزمان مورد آزمون قرار می‌دهد) استفاده می‌شود.

۳. نتایج

۱-۳. آمار توصیفی

در جدول ۲، توصیف آماری نمونه مورد پژوهش از نظر جمعیت شناختی مورد بررسی قرار گرفته است که شامل جنسیت، سن، سابقه کاری و تحصیلات می‌باشد.

جدول ۲. توصیف جمعیت شناختی نمونه

متغیر	شاخص	فراوانی	متغیر	شاخص	فراوانی
جنسیت	زن	۲۲	سن	زیر ۵ سال	۱۴
	مرد	۶۶		۶-۱۰ سال	۲۳
سابقه کاری	زیر ۳۰ سال	۱۰	تحصیلات	۱۱-۱۵ سال	۱۷
	۳۱ الی ۴۰ سال	۴۶		۱۶-۲۰ سال	۱۵
	۴۱ الی ۵۰ سال	۲۶		۲۱-۲۵ سال	۱۸
	۵۱ الی ۶۰ سال	۶		۲۶-۳۰ سال	۱
شاخص	دپلم	۴	فراوانی	دپلم	۴
	فوق دپلم	۲		فوق دپلم	۲
	لیسانس	۳۹		لیسانس	۳۹
	فوق لیسانس	۳۹		فوق لیسانس	۳۹
دکتری	دکتری	۴	دکتری	دکتری	۴

۲-۳. تجزیه و تحلیل توصیفی متغیرها

مطابق نتایج بدست آمده در جدول ۳، میانگین تمامی متغیرها در نمونه مورد مطالعه از جامعه کارکنان مدیران ارشد و کارشناسان واحد اداری اداره برق استان یزد، بین ۲/۵ تا ۳ یعنی در سطح متوسط است. انحراف معیار تمامی متغیرها کمتر از ۱ است که نشان دهنده پراکندگی کم نظرات نمونه می‌باشد. همچنین کشیدگی و کجی تمامی متغیرها، در بازه ۲- تا ۲ قرار دارند که نشان می‌دهد در نمونه مورد نظر، تمامی متغیرها، توزیع نرمال دارند. بعلاوه کمترین نمره داده شده به متغیرها ۱ بوده و حداکثر نمره آنها ۴/۸۸ یعنی خیلی زیاد در طیف لیکرت می‌باشد.

جدول ۳- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	واریانس	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	بیشینه	کمینه

عملکرد مالی	۲/۴۱۸	۰/۱۹۶	۰/۴۴۲	۱/۵۸۰	-۰/۹۳۶	۱	۳/۳۸
تحریف مادی	۲/۲۰۲	۰/۲۷۸	۰/۵۲۷	۰/۰۲۲	-۰/۱۱۵	۱	۳/۴۳
هزینه های غیر منتظره	۲/۲۵۰	۰/۲۳۰	۰/۴۷۹	۰/۱۵۲	-۰/۵۱۴	۱/۱۴	۳/۳۳
هزینه های عملیاتی	۲/۸۵۲	۰/۵۶۷	۰/۷۳۵	۰/۳۴۰	۰/۲۷۰	۱	۴/۸۸

۳-۳. بررسی فرضیه های پژوهش

برای پاسخگویی به این فرضیه از آزمون پارامتریک پیرسون استفاده کرده ایم با توجه به جدول ۴ بین دو متغیر تفاوت بودجه و تحقق بودجه بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد زیرا سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵. ضریب پیرسون بین دو متغیر تفاوت بودجه و تحقق بودجه با عملکرد مالی ۰/۶۱۳ می باشد، یعنی تفاوت بودجه و تحقق بودجه بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد و فرضیه H₁ تایید می شود.

جدول ۴. آزمون فرضیه اصلی

متغیر	نوع همبستگی	میزان همبستگی	جهت همبستگی	سطح معناداری
تفاوت بودجه و تحقق بودجه بر عملکرد مالی	پیرسون	۰/۶۱۳	مثبت	۰/۰۰۰

با توجه وجود رابطه معنادار بین متغیرها برای بررسی تأثیر تفاوت بودجه و تحقق بودجه بر عملکرد مالی از تحلیل رگرسیون چند متغیری استفاده شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیری با استفاده از روش همزمان برازش شده و مدل به دست آمده است که نتایج برازش مدل در جدول ۵ ارائه شده است. این نتایج نشانگر آن است تفاوت بودجه و تحقق بودجه ۳۷ درصد از شاخص عملکرد مالی را تبیین می کند. میزان آزمون دوربین واتسون ۲/۲۶۸ است بنابراین مدل مناسب بودن مدل رگلاسیون مورد تایید قرار می گیرد. همچنین با توجه به اینکه پی - مقدار محاسبه شده از سطح معناداری ۰/۰۵ کمتر است، لذا مدل رگرسیون خطی معنادار است در نتیجه بین متغیر تفاوت بودجه و تحقق بودجه بر عملکرد مالی رابطه مستقیم خطی دارد.

جدول ۵. نتایج برازش مدل رگرسیون فرضیه اصلی

مدل	ضریب تبیین	دوربین واتسون	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۳۶۹	۲/۲۶۸	۰/۰۰۰

در ادامه آزمون سایر فرضیات در جدول ۶ و ۷ نشان داده شده است و مشخص شد که مطابق با تحلیل بالا، همه فرضیات تایید شدند.

جدول ۶. نتایج آزمون پیرسون فرضیات فرعی

متغیر	نوع همبستگی	میزان همبستگی	جهت همبستگی	سطح معناداری
هزینه‌های غیر منتظره بر عملکرد مالی	پیرسون	۰/۴۲۳	مثبت	۰/۰۰۰
هزینه‌های عملیاتی بر عملکرد مالی	پیرسون	۰/۴۱۱	مثبت	۰/۰۰۰
تحریف مادی بر عملکرد مالی	پیرسون	۰/۴۸۷	مثبت	۰/۰۰۰

جدول ۷. نتایج برازش مدل رگرسیون فرضیات فرعی

ضریب تبیین	دوربین واتسون	خطای استاندارد برآورد
۰/۱۷۹	۲/۲۴۴	۰/۰۰۰
۰/۱۶۹	۱/۹۷۲	۰/۰۰۰
۰/۲۳۸	۲/۴۱۵	۰/۰۰۰

۴. بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اصلی تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت بین بودجه پیش‌بینی شده (برنامه مالی) و تحقق بودجه واقعی تأثیر معناداری بر عملکرد مالی سازمان دارد (ضریب پیرسون ۰/۶۱۳ و سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵). این تفاوت که به «انحراف بودجه‌ای» معروف است، نقش مهمی در ارزیابی مدیریت مالی و بهبود عملکرد سازمان دارد. بودجه، برنامه‌ای است که درآمدها و هزینه‌ها را در دوره مشخص پیش‌بینی می‌کند و تحقق بودجه نشان‌دهنده تطابق واقعی با این برنامه است. نزدیکی تحقق بودجه به بودجه نشان‌دهنده مدیریت موفق و کنترل مالی مناسب است که سلامت مالی و اعتماد ذینفعان را افزایش می‌دهد. اما انحراف زیاد ممکن است نشان‌دهنده ضعف در پیش‌بینی، کنترل هزینه‌ها یا درآمدها باشد که به کاهش سودآوری و کارایی مالی منجر می‌شود. حق‌پرست و همکاران (۱۴۰۲) بر نیاز به بهبود و تغییرات در فرآیند بودجه‌ریزی تاکید کردند و بیان کردند که پاسخگویی دقیق و ارائه پیشنهادات

مناسب می‌تواند کارایی بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد را ارتقا دهد. همچنین، الماسی و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که گزارش تفریغ بودجه و نظارت دیوان محاسبات بر عملکرد دولت، با کاهش انحرافات بودجه‌ای و تخلفات مالی، اثربخشی بودجه را افزایش می‌دهد. Novianti et al. (۲۰۲۴) نیز بیان کردند که هزینه‌های عملیاتی و تحریف‌های مالی تأثیر قابل توجهی بر عملکرد مالی دارند، در حالی که هزینه‌های غیرمنتظره تأثیر معنادار کمتری دارند.

در فرضیه فرعی اول، هزینه‌های غیرمنتظره که به طور غیرقابل پیش‌بینی رخ می‌دهند، بر عملکرد مالی سازمان تأثیر معناداری دارند (ضریب پیرسون ۰.۴۲۳). این هزینه‌ها می‌توانند برنامه‌ریزی مالی را مختل کنند و منجر به کاهش سودآوری و مشکلات نقدینگی شوند. کمالی خانقاه (۱۳۹۸) اشاره کرده است که کیفیت اطلاعات مالی بر هزینه سرمایه سهام تأثیر می‌گذارد و در نهایت روی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران موثر است. Oktari et al. (۲۰۲۰) نیز نشان دادند که برنامه‌ریزی و اجرای بودجه و شایستگی منابع انسانی بر جذب بودجه تأثیرگذار است. هزینه‌های غیرمنتظره می‌توانند نیاز به کاهش فعالیت‌ها یا سایر هزینه‌ها ایجاد کنند که بهره‌وری را کاهش می‌دهد؛ بنابراین مدیریت دقیق این هزینه‌ها اهمیت بالایی دارد.

فرضیه فرعی دوم نشان می‌دهد که هزینه‌های عملیاتی نیز تأثیر معناداری بر عملکرد مالی دارند (ضریب پیرسون ۰.۴۱۱). این هزینه‌ها شامل مخارجی است که به فعالیت‌های روزمره سازمان مانند مواد اولیه، دستمزد، انرژی و اجاره مرتبط است. مدیریت درست این هزینه‌ها می‌تواند به افزایش سودآوری و بهبود سلامت مالی کمک کند، در حالی که افزایش نامتناسب آن‌ها فشار مالی و کاهش سود را به دنبال دارد. موسوی و کیامهر (۱۴۰۳) تأکید کرده‌اند که سیستم‌های کنترل مدیریت هزینه با افزایش بهره‌وری، عملکرد سازمان را بهبود می‌بخشند. همچنین Bedford (۲۰۱۵) بیان کرده که اهرم‌های کنترلی مدیریت هزینه به بهبود عملکرد شرکت کمک می‌کنند. مدیریت هزینه‌های عملیاتی به کمک فناوری‌های نوین و بهبود فرآیندها می‌تواند باعث کاهش هزینه‌های غیرضروری و افزایش پایداری مالی شود.

در فرضیه فرعی سوم، تحریف مادی اطلاعات مالی که تغییر عمدی یا غیرعمدی داده‌ها است، تأثیر معناداری بر عملکرد مالی دارد (ضریب پیرسون ۰.۴۸۷). این تحریف‌ها می‌توانند باعث کاهش شفافیت، صحت اطلاعات و در نهایت تهدید سلامت مالی شرکت شوند. سبحانیان (۱۳۹۷) نشان داد که تحریفات مالی بر اجتناب مالیاتی تأثیر منفی دارند، و Chen et al. (۲۰۱۴) و Guo et al. (۲۰۱۶) نیز رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت را تایید کردند. دانش افزایی و سیستم‌های کنترل دقیق می‌توانند در کاهش تحریف‌ها و بهبود عملکرد سازمان موثر باشند.

پیشنهادهای کاربردی شامل ایجاد سیستم‌های دقیق رصد انحرافات بودجه‌ای، بهینه‌سازی هزینه‌های عملیاتی و غیرمنتظره، تشکیل صندوق ذخیره برای هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده، استفاده از فناوری‌های نوین مانند سیستم‌های مدیریت هوشمند برای کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری، و آموزش کارکنان برای کنترل بهتر هزینه‌ها است. همچنین برنامه‌ریزی دقیق و اولویت‌بندی پروژه‌ها و توسعه نیروگاه‌های کوچک مقیاس خورشیدی به عنوان منابع درآمد جدید پیشنهاد شده است.

برای تحقیقات آینده توصیه شده این مطالعه در سایر سازمان‌های دولتی و خصوصی انجام شود، نقش فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی در پیش‌بینی بودجه بررسی گردد، تأثیر شفافیت مالی بر کاهش اختلاف بودجه و عملکرد تحلیل شود و سیستم‌های پاسخگویی بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد در ایران و کشورهای پیشرو مقایسه گردد. همچنین ارزیابی نقش مشارکت ذینفعان در تدوین بودجه برای افزایش تعهد سازمانی پیشنهاد شده است. محدودیت‌های تحقیق نیز شامل عدم تعمیم‌پذیری نتایج به سایر مناطق به دلیل ویژگی‌های خاص جغرافیایی و اقتصادی شهرستان یزد و احتمال کم‌دقتی پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه به علت مشغله کاری بوده است. استفاده از روش‌های مکمل مانند مصاحبه می‌توانست نتایج دقیق‌تری به همراه داشته باشد.

منابع

- ##الماسی، ح، دهگان، م، و حیدری، د. ۱۳۹۵. بررسی تأثیر گزارش تفریغ بودجه دیوان محاسبات کشور در اعمال نظارت بر عملکرد مالی دولت و اثربخشی بودجه‌های سالیانه. دانش حسابرسی، ۱۶(۶۳): ۳۵-۶۱.
- ##امرای، ح، و آذر، ع. ۱۴۰۰. ارائه الگوی مؤثر نظارت و ارزیابی عملکرد مالی بخش عمومی در بودجه ریزی بر مبنای عملکرد. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی (پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی)، ۱۳(۴) (پیاپی ۵۲): ۵۳-۸۶.
- ##پریزاد عمران، مصطفی. ۱۳۹۷. مطالعه تأثیر محافظه کاری حسابداری و عدم تقارن اطلاعاتی بر تغییرات هزینه حقوق صاحبان سهام، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند.
- ##کردبچه، م. ۱۳۹۷. بودجه و قاعده مندی سیاست‌های مالی. برنامه ریزی و بودجه، ۲۳(۱): ۹۷-۱۱۶.
- ##کمالی خانقاه، ر. ۱۳۹۸. تأثیر حسابداری بودجه‌ای و مالی بر هزینه سهام. همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.
- ##نجفی، ب. ۱۴۰۱. شفافیت در بودجه و عملکرد مالی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور. مدیریت سلامت، ۲۵(۱): ۹-۱۱.
- ##نصراللهی، م، فتحی، م، و نظری، ح. ۱۳۹۵. بررسی تأثیر مدیریت کیفیت جامع بر عملکرد مالی شرکت‌های شهرک صنعتی البرز استان قزوین: نقش میانجی قابلیت یادگیری سازمانی و نوآوری، بررسی‌های بازرگانی، ۸۱: ۴۳-۶۲.
- ##Barreto, X. F., Correia, C. C., & Caeiro, C. B. (2019), ANALYSIS OF THE USE OF BUDGET AND BUDGET REALIZATION FOR ASSESSING THE FINANCIAL PERFORMANCE (A Case Study Covalima District Health Office).
- ##Laili, N. R., & Sari, C. M. (2022). The Effect of Performance Measurement on Budget Execution with the Formulation of Performance Indicators on Budget Implementation of KPPN Blitar Service Scope. Open Access Indonesia Journal of Social Sciences, 5(4), 765-774.
- ##Li, H., & Guo, Y. (2022). Performance management of university financial budget execution relying on comprehensive budget management strengthening model. Advances in Multimedia, 2022(1), 4758609.
- ##Novianti, S. A., Antong, A., & Usman, H. U. H. (2024, September). Determinants Of Differences Budget And Budget Realization On Performance Financial. In International Conference of Business, Education, Health, and Scien-Tech (Vol. 1, No. 1, pp. 1203-1211).
- ##Obaigbena, A., Dada, M. A., Oliha, J. S., & Biu, P. W. (2024). Evaluating The Role Of Big Data In Us Disaster Mitigation And Response: A Geological And Business Perspective. Engineering Science & Technology Journal, 5(2), 338-357.
- ##Oktari, Y., Sari, R. N., & Rasuli, M. (2020). The Effect of Budget Planning, Budget Implementation, the Competency of Human Resources and Understanding of Regulation on Village Financial Budget Absorption with Organizational Commitment as Moderating Variable. International Journal of Economic, Business & Applications, 5(1), 17-31.
- ##Putrayasa, I. M. A., & Saputra, M. D. (2018). Penganggaran dan Analisis Anggaran Penjualan. Jurnal Bisnis Dan Kewirausahaan, 14(1), 24-33.



##Sabaria. (2018). *Skripsi Oleh Sabaria Program .Studi Akuntansi*.

##Schubert, H., & Kirsten, S. M. (2021). Effect of budgeting control on the financial performance of SMEs in Germany. *Journal of Finance and Accounting*, 5(2), 1-9.

##Soininen, J., Martikainen, M., Puumalainen, K., & Kyläheiko, K. (2021). Entrepreneurial orientation: Growth and profitability of Finnish small-and medium-sized enterprises. *International Journal of Production Economics*, 140(2), 614-621.

##Viera Valencia, L. F., & Garcia Giraldo, D. (2019). Analisis Faktor-faktor yang Menyebabkan Rendahnya Penyerapan Anggaran Belanja Pada Dinas Perhubungan Kota Palembang. *Angewandte Chemie International Edition*, 6(11), 951–952.

Factors determining the difference between budget and budget realization in financial performance

Mohammad Mehdi Zare Shahneh^{1*}, Zahra Nabiri²

Assistant Professor, Payam Noor University, Tehran, Iran

Master of Public Administration; Payam Noor University, Yazd, Iran

*mm.zare59@pnu.ac.ir



Abstract

The present study was conducted with the aim of investigating the "determining factors of the difference between the approved budget and the budget realization in financial performance". This research is applied in terms of purpose and descriptive-survey in terms of method. Data were collected using a standard questionnaire and its reliability was found to be higher than 0.7. The statistical population was senior managers and experts of the administrative unit of the Electricity Department of Yazd Province, and the sample size was determined using the Cochran formula to be 88 people and they participated in the research process using the stratified random sampling method. For analysis, the Pearson correlation coefficient was used in SPSS version 26 software. The final results indicate a positive and significant effect of the difference between the budget and the budget realization on financial performance, unexpected costs on financial performance, operating costs on financial performance and material distortion on financial performance. The findings show that reducing the difference between the approved and operating budget requires improving forecasting mechanisms, continuous monitoring of costs and designing transparent reporting systems.

Keywords: budget realization; financial performance, operating costs

تأثیر کارآفرینی و سرمایه‌گذاری بر توسعه اقتصادی کشورهای عضو بریکس

زهره؛ نجفی؛ استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

روح‌انگیز؛ مهدیخانی؛ مربی، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

چکیده

امروزه توسعه اقتصادی یکی از عوامل اصلی حکمرانی خوب در اکثر کشورهای دنیا محسوب می‌شود و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی بالاتر، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اصلی هر نظام اقتصادی است. در طول سال‌های اخیر مشارکت مردم نقش مهمی در افزایش سطح تولید داشته است. بنابراین در این مقاله به بررسی عوامل موثر بر توسعه اقتصادی با تأکید بر نقش متغیرهای کارآفرینی و سرمایه‌گذاری به عنوان شاخص‌هایی از مشارکت مردمی در کشورهای عضو بریکس و در طول سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۲۳ پرداخته می‌شود. براساس نتایج بدست آمده این دو متغیر اصلی بر توسعه اقتصادی تأکید مثبت و معناداری داشته‌اند. همچنین دیگر متغیرهای موثر، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز باعث افزایش سطح توسعه اقتصادی شد؛ اما تأثیر متغیرهای نرخ تجارت و نرخ رشد جمعیت منفی و معنادار بدست آمده است.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصادی، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری، کشورهای عضو بریکس

۱. مقدمه

توسعه اقتصادی فرایندی پیچیده و چند بعدی است که مستلزم تغییر ساخت اجتماعی، طرز تلقی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. مفهوم توسعه و توسعه یافتگی تقریباً از نیمه دوم قرن بیستم در جهان متداول شده است. توسعه واژه‌ای است که از نظر مفهومی روند تکاملی خود را در طول زمان طی نموده و اصطلاحات جدیدی به آن افزوده شده و معنا و مفهوم متفاوتی یافته است (صفری احمدوند، ۱۴۰۱).

توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام‌های اجتماع، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است؛ سوق می‌یابد (تودارو، ۱۳۷۸؛ به نقل از صفری احمدوند، ۱۴۰۱).

جهان دارای اقتصادهایی بسیار متفاوت است. بعضی از اقتصادها ثروتمند و بعضی دیگر فقیرند. رشد اقتصادی برخی از این کشورها سریع و برخی دیگر رشدی ندارند. با این وجود، رشد بالا و توسعه اقتصادی از جمله اهداف مهمی است که بسیاری از کشورها به دنبال آن می‌باشند. علت این مسأله به دلیل وجود منافع و مزایایی (همانند بهبود و ارتقای سطح زندگی، کاهش فقر و بیکاری) است که در روند رشد تحقق می‌یابد (موسوی جهرمی، ۱۳۸۹).

در سال ۱۹۴۳ برای نخستین بار، شومپتر کارآفرینی را موتور توسعه اقتصادی معرفی نمود، به عقیده وی کارآفرینی مجموعه‌ای از ابداعات و نوآوری‌هایی است که انرژی جدیدی برای رشد و موفقیت به اقتصاد تزریق می‌کند و نقش کارآفرین تخصیص مجدد

منابع با برهم زدن تعادل‌های موجود است. براساس این الگو، تنها فردی که یک شرکت را بر مبنای ایده‌ای جدید بنا می‌کند، کارآفرین نامیده می‌شود. کارآفرینی درباره‌ی خلق چیزی است که قبلاً وجود نداشته است، این امر برای فرد و جامعه ارزش آفرینی به دنبال دارد و بر مبنای استفاده از فرصت‌ها است (غلامی و دیگران، ۱۳۹۱؛ به نقل از نجفی و دولتیاری، ۱۴۰۳).

در چند دهه اخیر فعالیت‌های کارآفرینی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه افزایش چشم‌گیری داشته است. علاوه بر این، بسیاری از سیاست‌های عمومی در این زمینه به سمت افزایش عرضه کارآفرینان رفته است (Steinmetz and Wright, 1989; Blanchflower, 2000). از طرفی، در طول دو دهه گذشته رشد نابرابری درآمد در سراسر جهان نیز افزایش یافته است (Atkinson, 2000; Goldthorpe, 2010; Jaumotte et al., 2013; Autor, 2014) و تلاش‌های فزاینده‌ای توسط دولت‌های ملی برای اعمال سیاست‌هایی که فعالیت‌های کارآفرینی را تحریک و حمایت می‌کنند، صورت گرفته است (Anokhin and Wincent, 2012). در ادبیات کارآفرینی، مطالعات متعددی اثر دو جانبه کارآفرینی بر درآمد افراد را بررسی کرده‌اند و استدلال می‌شود که کارآفرینی موجب افزایش تحرک درآمد برخی از افراد است؛ اما برای بخش بزرگی از نیروی کار کارآفرین، به درآمد کمتر از متوسط منجر می‌شود (Ragoubi and El Harbi, 2019; Astebro et al., 2011; Hamilton, 2000؛؛ به نقل از نجفی، ۱۴۰۴).

کارآفرینی به عنوان کلیدی برای تبیین رابطه بین نوآوری و رشد و بخش مهمی از توسعه اقتصادی محسوب می‌شود (Aghion and Howitt, 1997). بر طبق Djankov et al. (۲۰۰۶)، دیدگاه کارآفرینی را می‌توان از زوایای مختلف تحلیل کرد:

- ۱) اقتصاددانان نقش نقش نهادها و انگیزه‌ها، مانند دسترسی به اعتبار، حقوق مالکیت و مقررات را مطالعه می‌کنند.
- ۲) جامعه‌شناسان بر شبکه‌های اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تأکید می‌کنند.
- ۳) روان‌شناسان بر ویژگی‌های شخصیتی نظیر نگرش نسبت به ریسک و اعتماد به نفس تمرکز می‌کنند (DaCosta and Li, ۲۰۱۷؛؛ به نقل از نجفی و دولتیاری، ۱۴۰۳).

براساس مطالب بیان‌شده، هدف کلی مقاله به بررسی مهم‌ترین عوامل موثر بر توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه است. همچنین سوالی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که اهمیت اثرگذاری کارآفرینی و سرمایه‌گذاری، به عنوان دو متغیر کلیدی، در کنار سایر عوامل اثرگذار بر توسعه اقتصادی چقدر می‌باشد؟ بنابراین فرصیه مورد بحث بررسی تاثیر کارآفرینی و سرمایه‌گذاری بر توسعه اقتصادی منتخبی از کشورهای در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۲۴-۲۰۰۹ است.

۲. مواد و روش‌ها

با توجه به مطالعات انجام شده، در ادامه با ارائه آمارهای استخراج شده از سایت بانک جهانی^{۸۱} به تحلیل متغیرهای کلیدی موثر بر توسعه اقتصادی پرداخته شده است و سپس با معرفی مدل برآوردی تخمین‌های لازم صورت گرفته است و نتایج بدست آمده ارائه گردیده است.

شناخت عوامل موثر، می‌تواند نقش مهمی در افزایش رشد و توسعه اقتصادی کشورها فراهم نماید. در ادامه ضمن اطلاعات و تحلیل‌های به دست آمده، لازم است به تبیین مدل معرفی شده جهت برآورد و تحلیل نتایج پرداخته شود.

⁸¹ . databank.worldbank.org (2025)

۱-۲- تصریح مدل

در ادامه لازم است به تبیین مدل مورد برآورد پرداخته شود، پیش از برآورد مدل باید به این نکته توجه نمود که یک مدل هیچ گاه قادر به توصیف دقیق واقعیت (آن طور که هست) نمی باشد. به عبارت دیگر با توجه به عوامل گوناگون مؤثر بر کارآفرینی و رشد اقتصادی، جهت توصیف واقعیت مجبور نخواهیم بود، مدلی پیچیده ارائه کنیم. به این ترتیب ساده سازی و تقلیل در هر برنامه‌ی مدل سازی اجتناب ناپذیر است. در این رابطه اصل قلت متغیرهای توضیحی حکم می کند که یک مدل تا حد امکان ساده در نظر گرفته شود (نجفی و دولتیاری^{۱۴۰۳}). لذا شکل کلی این معادله به صورت زیر است:

$$G_{i,t} = f(Se_{i,t}, Inv_{i,t}, Fdi_{i,t}, Tra_{i,t}, Pg_{i,t}) \quad (1)$$

$$G_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Se_{i,t} + \beta_2 Inv_{i,t} + \beta_3 Fdi_{i,t} + \beta_4 Tra_{i,t} + \beta_5 Pg_{i,t} + \mu_t + \varepsilon_t \quad (2)$$

در این مدل اثرات تمام متغیرهای تاثیرگذار شامل: کارآفرینی، مخارج آموزشی دولت، سرمایه گذاری داخلی و سرمایه گذاری خارجی وارد گردیده است.

$G_{i,t}$ = معرف توسعه اقتصادی است، که شاخص آن نرخ رشد درآمد سرانه (به قیمت ثابت سال ۲۰۱۵) برحسب درصد برای سال t در کشورهای مختلف (i) است.

$SE_{i,t}$ = معرف کارآفرینی است، که شاخص آن خوداشتغالی برحسب درصدی از کل اشتغال در سال t در کشورهای مختلف (i) می باشد.

$I_{i,t}$ و $FDI_{i,t}$ = به ترتیب بیانگر سرمایه گذاری داخلی و خارجی در سال t در کشورهای مختلف (i) است، که به ترتیب شاخص های ارزش افزوده بخش صنعت و جریان خالص سرمایه گذاری مستقیم خارجی (برحسب درصدی از GDP) هستند

$Tra_{i,t}$ = دلالت بر آزادسازی تجاری در سال t در کشورهای مختلف (i) دارد، که به صورت شاخص تجارت و برحسب درصدی از GDP است.

$Pg_{i,t}$ = معرف رشد جمعیت است، برحسب درصد برای سال t در کشورهای مختلف (i) است.

μ_t = اثر ثابت زمان و ε_t جزء خطای تصادفی.

براساس مطالب مطرح شده و معرفی مدل موردنظر در ادامه تخمین مدل برای محدوده مکانی پژوهش شامل ۱۱ کشور عضو بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی، ایران، امارات، مصر، اتیوپی، اندونزی و عربستان) است و برای ۱۵ سال، طی سال های ۲۰۲۳-۲۰۰۹ صورت می گیرد.

۳. نتایج

نخستین مرحله در اقتصاد سنجی داده های ترکیبی تشخیص استقلال مقطعی داده هاست. در اقتصاد سنجی داده های ترکیبی، عدم توجه به بررسی وابستگی مقطعی، ممکن است نتایج غیرقابل اتکا و گمراه کننده ای را به همراه داشته باشد (Hoyos and

(Sarafidis, 2006). بنابراین به این منظور، آزمون‌های متعددی نظیر آزمون‌های بروش-پاگان (Breusch-Pagan, 1980) و CD پسران (Pesaran's Cross-Section, 2004) ارائه شده‌اند، که فرض صفر آنها استقلال مقطعی است. در این پژوهش از آزمون وابستگی مقطعی CD پسران استفاده شده است. از مزیت‌های این آزمون این است که برای داده‌های تابلویی متوازن و نامتوازن قابل اجرا بوده و در نمونه‌های کوچک دارای خصوصیات مطلوبی است. در ادامه نتایج حاصل از این آزمون در جدول (۱) نمایش داده شده است:

جدول ۱. بررسی استقلال بین مقاطع

نام آزمون	آماره	سطح معناداری
آزمون CD پسران	۷/۳۷	۰/۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج به دست آمده در آزمون CD پسران، فرض صفر مبنی بر استقلال مقطعی در مدل‌های مورد بررسی در سطح احتمال ۹۹٪ رد شده است؛ بنابراین داده‌های مورد بررسی دارای وابستگی مقطعی هستند. در گام بعدی برای بررسی مانایی داده‌های مورد استفاده، ابتدا لازم است هم‌انباشتگی متغیرها بررسی شود؛ با توجه به اینکه وابستگی مقطعی بین متغیرها تایید گردید بایستی از آزمون هم‌انباشتگی وسترلند (۲۰۰۷) استفاده کرد که نتایج بدست آمده در جدول (۲) ارائه گردیده است.

جدول ۲. بررسی رابطه هم‌انباشتگی بین متغیرها

نام آزمون	آماره	سطح معناداری
آزمون وسترلند	-۱/۵۱	۰/۰۶۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج، فرض صفر مبنی بر عدم هم‌انباشتگی در آزمون وسترلند در سطح احتمال ۹۰٪ رد می‌شود و نیازی به مانا کردن داده‌ها نیست و بدون هراس از وجود رگرسیون کاذب، می‌توان متغیرها را در سطح بکار برد. در ادامه برای انتخاب نوع تخمین به وسیله روش داده‌های تلفیقی و داده‌های تابلویی از آزمون F لیمر (F-limer Test) استفاده شده است. فرض صفر این آزمون مبنی بر عدم وجود اثرات ثابت است، که طبق آن عرض از مبدا ثابت می‌باشد. در ادامه جهت تعیین تخمین مدل، در داده‌های پانلی برای برآورد الگو دو روش اثرات ثابت و تصادفی (Random and Effects methods) وجود دارد. از آزمون هاسمن (Hausman Test توضیحی اثرات تصادفی) است (سوری، ۱۳۹۴). نتایج حاصل از بررسی این آزمون‌ها در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون لیمر و هاسمن

نام آزمون	آماره	سطح معناداری
آزمون F لیمر	۲/۸۲	۰/۰۰۳
آزمون هاسمن	۵/۸۹	۰/۳۱۷

مآخذ: یافته‌های پژوهش

برطبق آزمون F لیمر چون سطح معناداری از ۰/۰۵ کمتر است، پس فرض صفر، داده‌های تلفیقی، رد می‌شود و باید از روش داده‌های تابلویی استفاده کرد. در ادامه پرسشی که مطرح می‌شود این است که برآورد مدل در قالب کدام یک از اثرات ثابت یا تصادفی انجام شود؟

برطبق آزمون هاسمن چون سطح احتمال بیشتر از ۰/۰۵ است، پس فرض صفر، مبنی بر تایید روش تصادفی تایید می‌شود. بنابراین آزمون با روش داده‌های تابلویی و اثر تصادفی تخمین زده می‌شود. نتایج حاصل از تخمین در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج برآورد با استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی

متغیرهای مستقل	ضرایب	آماره Z	سطح معناداری
C	-۳/۱۲	-۵/۲۹	0/000
Se	۰/۰۷۹	۱۳/۹۷	0/000
Inv	۰/۰۸۹	۷/۰۱	0/000
Tra	-۰/۰۰۷	-۱/۹۲	۰/۰۵۵
Fdi	۰/۵۳	۷/۲۰	۰/۰۰۰
Pg	-۰/۶۹۶	-۹/۷۲	۰/۰۰۰

مآخذ: یافته‌های پژوهش.

براساس نتایج بدست آمده در جدول بالا، با توجه به مثبت بودن ضریب کارآفرینی می‌توان گفت با افزایش سطح کارآفرینی در کشورهای مورد بررسی، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه افزایش می‌یابد و رشد اقتصادی در این کشورها بیشتر می‌شود؛ همچنین می‌توان انتظار داشت با افزایش سطح کارآفرینی، فعالیت‌ها و کسب و کارها نیز افزایش یابد و از نابرابری توزیع درآمد کاسته شود.

از بین سایر متغیرهای مورد بررسی متغیر سرمایه‌گذاری داخلی (Inv) به عنوان شاخصی از مشارکت مردم در توسعه اقتصادی کشورها، با ضریب ۰/۰۸۹ تاثیر مثبت و معناداری بر شاخص رشد GDP سرانه کشورهای مورد بررسی دارد. بدین معنی که با یک درصد افزایش سرمایه‌گذاری، توسعه اقتصادی در این کشورها، ۸/۹ درصد افزایش می‌یابد. همچنین متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (Fdi) نیز با بالاترین ضریب (۰/۵)، تاثیر مثبت و معناداری بر توسعه اقتصادی کشورهای عضو بریکس دارد. در نهایت،

متغیرهای آزادسازی تجاری (Tra) و نرخ رشد جمعیت (Pg)، به ترتیب با ضرایب ۰/۰۷ و ۰/۶۹ در سطح احتمال ۹۰٪، تاثیر منفی بر توسعه اقتصادی کشورهای عضو بریکس دارند. بدین معنی که در این کشورها افزایش سطح تجارت آزاد و نرخ رشد جمعیت اثر بازدارندگی بر توسعه اقتصادی خواهد شد؛ شاید بدین علت باشد که اگرچه متغیر تجارت جهانی امروزه به عنوان یکی از ارکان اصلی در شکل دهی به اقتصاد جهانی شناخته می شود و موجب ایجاد فرصت ها و رشد اقتصادی در بسیاری از کشورها شده است، اما در عین حال با چالش هایی چون افزایش آسیب پذیری ها و رقابت های تجاری همراه است. درواقع، جهانی سازی تاثیری دوسویه دارد؛ از یک سو، می تواند منجر به افزایش فرصت ها در زمینه های مختلف از جمله بازارهای جدید و تبادلات اقتصادی شود و از سوی دیگر، می تواند باعث تضعیف منافع ملی و افزایش وابستگی به دیگر کشورها گردد.

۴. بحث و نتیجه گیری

توسعه اقتصادی یکی از اهداف اصلی هر کشور محسوب می شود، زیرا علاوه بر رشد تولید و درآمد، به بهبود کلی شرایط زندگی مردم و ایجاد یک اقتصاد پایدار و عادلانه کمک می کند. این فرایند نقش مهمی در ارتقای سطح رفاه اجتماعی، افزایش فرصت های شغلی، کاهش فقر و ایجاد یک ساختار اقتصادی مقاوم در برابر بحران های جهانی دارد.

برطبق برآوردهای صورت گرفته، شاخص کارآفرینی بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه تاثیر مثبت و معناداری دارد و با یک درصد افزایش در میزان خوداشتغالی در کشورهای عضو بریکس، توسعه اقتصادی حدوداً ۰/۰۸٪ افزایش می یابد. همچنین متغیر سرمایه گذاری داخلی به عنوان شاخصی از مشارکت مردم در توسعه اقتصادی کشورها، با ضریب ۰/۰۸۹٪ تاثیر مثبت و معناداری بر شاخص رشد GDP سرانه کشورهای مورد بررسی دارد. بدین معنی که با یک درصد افزایش سرمایه گذاری، توسعه اقتصادی در این کشورها، ۸/۹ درصد افزایش می یابد. دیگر متغیر موثر، شاخص سرمایه گذاری مستقیم خارجی است، که با بالاترین ضریب (۰/۵)، تاثیر مثبت و معناداری بر توسعه اقتصادی کشورهای عضو بریکس دارد. در نهایت، متغیرهای آزادسازی تجاری و نرخ رشد جمعیت، به ترتیب با ضرایب ۰/۰۷ و ۰/۶۹ در سطح احتمال ۹۰٪، تاثیر منفی بر توسعه اقتصادی کشورهای عضو بریکس دارند. بدین معنی که در این کشورها افزایش سطح تجارت آزاد و نرخ رشد جمعیت اثر بازدارندگی بر توسعه اقتصادی خواهد شد.

منابع

- ## سوری، ع. ۱۳۹۴. اقتصاد سنجی پیشرفته (جلد ۲). تهران: نشر فرهنگ شناسی، چاپ چهارم.
- ## صفری احمدوند، م. ۱۴۰۱. نقش عوامل موثر بر توسعه اقتصادی در استان لرستان. فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری. ۸۷(۶): ۲۳۴-۲۴۹.
- ## غلامی، س.، نرگسی، س.، کلانتریان، س. ۱۳۹۱. رابطه کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، مازندران، ایران.
- ## موسوی جهرمی، ی. ۱۳۸۹. توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ ششم.
- ## نجفی، ز.، دولتیاری، ف. ۱۴۰۳. بررسی اثرگذاری کارآفرینی بر رشد اقتصادی (مورد ایران و شرکای تجاری منتخب). کنفرانس ملی پژوهش های نوظهور در مدیریت و حقوق با رویکرد شعار سال، قم، ایران.



نجفی، ز. ۱۴۰۴. بررسی مهم ترین عوامل موثر بر نابرابری درآمدی میان منتخبی از کشورها. فصلنامه حکمرانی و توسعه. ۵(۱):

۱۵۷-۱۸۳

Aghion, Ph., Akcigit, U., Bergeaud, A., Blundell, R., and Hemous, D. (2016). Innovation and Top Income Inequality. https://scholar.harvard.edu/files/aghion/.../innovation_and_top_income_inequality.pdf

Regoubi, H., and El-Harbi, S. (2019). Entrepreneurship and Income Inequality: A Dynamic Spatial Data Analysis. Review of Applied Management Studies, DOI: 10.2478/, tekhne-2019-0012, 17(1), 10-30.

The Impact of Entrepreneurship and Investment on Economic Development of BRICS Countries

Zahra Najafi¹, Ruhangiz Mehdikhani²

Address 1: ¹ Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). E-mail: Najafi@pnu.ac.ir

Address 2: ² Instructor, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, Payame Noor University, Tehran, Iran, rmehdikhani@pnu.ac.ir



Abstract

Today, economic development is considered one of the main factors of good governance in most countries in the world, and achieving higher economic growth and development is one of the most important concerns of any economic system. In recent years, public participation has played an important role in increasing the level of production. Therefore, this article examines the factors affecting economic development with an emphasis on the role of entrepreneurship and investment variables as indicators of public participation in BRICS countries during the years 2009-2023. Based on the results obtained, these two main variables have had a positive and significant emphasis on economic development. Also, other effective variables, foreign direct investment, also increased the level of economic development; But the effect of the variables of trade rate and population growth rate is found to be negative and significant.

Keywords: Economic development, entrepreneurship, investment, BRICS member countries

ارائه مدل حکمرانی مشارکتی برای ارتقای توسعه پایدار مناطق آزاد تجاری - صنعتی ایران با تأکید بر نقش جامعه محلی و سرمایه گذاران

منصور؛ جنگی زهی؛ گروه مهندسی صنایع؛ دانشگاه پیام نور، jangizehi@pnu.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارائه یک مدل حکمرانی مشارکتی برای ارتقای توسعه پایدار مناطق آزاد ایران انجام شده است. بدین منظور، ابتدا مؤلفه‌های کلیدی حکمرانی مشارکتی شامل نقش جامعه محلی، سرمایه گذاران، بخش خصوصی، سازمان‌های دولتی و نهادهای مدنی براساس مطالعات پیشین شناسایی گردید. سپس با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری مبتنی بر نظر ۱۵ خبره، روابط سلسله‌مراتبی بین این مؤلفه‌ها استخراج شد. در ادامه، جهت تعیین اولویت عوامل اثرگذار، از روش تحلیل شبکه‌ای استفاده گردید. نتایج نشان داد که «اعتمادسازی میان ذی‌نفعان» و «شفافیت در فرایندهای تصمیم‌گیری» بیشترین قدرت تأثیرگذاری را در سلسله‌مراتب حکمرانی مشارکتی دارند، در حالی که «مشارکت جامعه محلی در پروژه‌های توسعه‌ای» و «نظام پاسخگویی سازمان‌های مدیریتی مناطق آزاد» به‌عنوان متغیرهای وابسته عمل می‌کنند. بر این اساس، مدل پیشنهادی پژوهش می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای تدوین سیاست‌های جدید مدیریت مشارکتی در مناطق آزاد کشور مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، حکمرانی مشارکتی، مناطق آزاد تجاری - صنعتی

مقدمه

مناطق آزاد تجاری - صنعتی به‌عنوان یکی از ابزارهای راهبردی در سیاست‌های اقتصادی کشورها، با هدف جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تسهیل تجارت، تقویت صادرات و ایجاد اشتغال پایدار ایجاد شده‌اند. در ایران نیز از اوایل دهه ۱۳۷۰ تاکنون، مناطقی همچون کیش، قشم، چابهار، انزلی و ماکو با همین رویکرد تأسیس گردیده‌اند. با وجود گذشت بیش از سه دهه از فعالیت این مناطق، پرسش اساسی که همچنان مطرح است آن است که آیا این مناطق توانسته‌اند به توسعه پایدار برسند یا خیر؟ برخی مطالعات نشان می‌دهند که مناطق آزاد ایران در بعد اقتصادی تا حدی موفق بوده‌اند، اما در ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی با چالش‌های ساختاری همچون نابرابری اجتماعی، عدم مشارکت جامعه محلی، فشار بر منابع طبیعی و ضعف نظام نظارت مواجه‌اند. این مسئله ضرورت بازنگری در الگوهای مدیریت و حکمرانی این مناطق را آشکار می‌سازد. در سال‌های اخیر، مفهوم «حکمرانی مشارکتی» به‌عنوان رویکردی نوین در مدیریت توسعه منطقه‌ای مطرح شده است. این رویکرد بر همکاری فعال میان دولت، بخش خصوصی، جامعه محلی و نهادهای مدنی تأکید دارد و معتقد است که توسعه پایدار زمانی محقق می‌شود که ذی‌نفعان اصلی نه صرفاً مخاطب، بلکه شریک در تصمیم‌سازی و اجرا باشند. با این حال،

ساختار مدیریتی مناطق آزاد ایران همچنان بیشتر بر الگوی «حکمرانی متمرکز دولتی» استوار است و کمتر سازوکاری برای مشارکت واقعی ذی‌نفعان محلی در فرآیندهای تصمیم‌گیری وجود دارد. لذا سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که: چه مدلی از حکمرانی مشارکتی می‌تواند توسعه پایدار مناطق آزاد تجاری - صنعتی ایران را ارتقا دهد؟

از منظر نظری، دستیابی به توسعه پایدار در مناطق آزاد مستلزم وجود ساختاری است که بتواند میان منافع گاه متعارض ذی‌نفعان مختلف توازن ایجاد کند. جامعه محلی خواهان اشتغال، رفاه و حفظ محیط‌زیست است؛ سرمایه‌گذاران به دنبال ثبات، تسهیل مقررات و بازده اقتصادی هستند؛ دولت به کارآمدی نهادی و تحقق اهداف کلان اقتصادی می‌اندیشد؛ و نهادهای مدنی نقش دیده‌بان و مطالبه‌گر شفافیت و عدالت را ایفا می‌کنند. در چنین شرایطی، عدم وجود سازوکار گفت‌وگو، اعتمادسازی و تصمیم‌گیری مشترک موجب بروز تعارض منافع و در نتیجه فقدان تحقق توسعه پایدار می‌شود. بنابراین، آنچه بیش از هر چیز برای گذار از وضعیت موجود ضروری به نظر می‌رسد، طراحی و استقرار یک مدل حکمرانی مشارکتی است که بتواند هر یک از بازیگران توسعه را در جایگاه واقعی خود قرار داده و تعاملات میان آنان را ساختارمند سازد.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف ارائه یک مدل بومی حکمرانی مشارکتی برای ارتقای توسعه پایدار مناطق آزاد تجاری - صنعتی ایران انجام شده است. نوآوری اصلی پژوهش در آن است که به جای تمرکز صرف بر ارزیابی شاخص‌ها، به روابط ساختاری و علت و معلولی میان بازیگران حکمرانی پرداخته و با بهره‌گیری از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، سطوح اثرگذاری و اثرپذیری آنان را شناسایی می‌نماید. همچنین برای اولویت‌بندی نهایی عوامل کلیدی، از روش تحلیل شبکه‌ای استفاده شده است تا قابلیت کاربرد سیاستی مدل افزایش یابد. انتظار می‌رود نتایج پژوهش بتواند زمینه‌ساز تدوین دستورالعمل‌های اجرایی جدید در حوزه مدیریت مناطق آزاد کشور گردد.

مرور ادبیات پژوهش

ادبیات مرتبط با موضوع پژوهش حاضر را می‌توان در دو دسته کلی شامل «پژوهش‌های مرتبط با توسعه پایدار در مناطق آزاد» و «مطالعات مرتبط با حکمرانی مشارکتی در مدیریت توسعه منطقه‌ای» طبقه‌بندی نمود. در این بخش، ابتدا پژوهش‌های داخلی و خارجی حوزه مناطق آزاد مرور می‌گردد و سپس مطالعات نظری و کاربردی مرتبط با حکمرانی مشارکتی تحلیل خواهد شد.

۱-۲. پژوهش‌های داخلی درباره عملکرد اقتصادی و ساختاری مناطق آزاد

بخش قابل توجهی از پژوهش‌های داخلی تمرکز خود را بر ارزیابی کارکرد اقتصادی مناطق آزاد ایران قرار داده‌اند. مرادی و شریفی (۱۳۹۸) با بررسی عملکرد اقتصادی مناطق آزاد قشم و اروند نتیجه گرفتند که بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری‌ها در این مناطق به حوزه مستغلات و واردات کالاهای مصرفی اختصاص یافته و سهم بخش تولید واقعی و صادرات صنعتی بسیار محدود بوده است. همچنین آن‌ها اشاره کردند که نبود نظارت شفاف بر فرآیند تخصیص زمین و مجوزهای تجاری، بستر شکل‌گیری رانت و نابرابری اقتصادی را فراهم کرده است (مرادی و شریفی، ۱۳۹۸: ۶۲).

در پژوهشی مشابه، توکلی و امینی (۱۴۰۰) با استفاده از تحلیل SWOT نشان دادند که وابستگی مدیریتی مناطق آزاد به دولت مرکزی و نبود اختیارات کافی برای مدیریت محلی، موجب کندی تصمیم‌گیری‌ها و کاهش جذابیت برای سرمایه‌گذاران شده است. آن‌ها تأکید می‌کنند که «تمرکز مدیریتی موجب ناکارآمدی و اتلاف منابع شده و مدل حکمرانی چندسطحی باید جایگزین مدل دستوری فعلی شود» (توکلی و امینی، ۱۴۰۰: ۴۸). کاظمی و درویشی (۱۳۹۹) ضمن تحلیل

عملکرد منطقه آزاد انزلی، اشاره کردند که رشد اقتصادی این مناطق فاقد پیوند با جامعه محلی بوده و ساختار فعالیت‌های اقتصادی بیشتر به نفع سرمایه‌گذاران غیربومی عمل کرده است. به تعبیر آنان «اگر منافع اقتصادی مناطق آزاد به جامعه میزبان نرسد، توسعه پایدار شکل نخواهد گرفت حتی اگر شاخص‌های سرمایه‌گذاری رشد نشان دهند» (کاظمی و درویشی، ۱۳۹۹: ۸۸).

۲-۲. پژوهش‌های داخلی درباره چالش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی مناطق آزاد
ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی مناطق آزاد کمتر مورد توجه بوده‌اند، اما برخی پژوهش‌ها به این حوزه ورود کرده‌اند. صادقی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای بر روی منطقه آزاد چابهار نشان دادند که مشارکت نداشتن جامعه بومی در تصمیم‌گیری‌ها یکی از عوامل اصلی بروز تعارضات اجتماعی و احساس بی‌عدالتی در میان مردم محلی است. آنان اشاره کردند که «مناطق آزاد نباید به جزیره‌ای برای سرمایه‌گذاران تبدیل شوند، بلکه باید تکیه‌گاه توسعه مردمی باشند» (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۳).

در پژوهشی دیگر، زارعی و موسوی (۱۴۰۰) با بهره‌گیری از روش تحلیل اثرات متقابل فازی نشان دادند که رشد فعالیت‌های صنعتی و تجاری در مناطق آزاد جنوبی ایران موجب افزایش فشار بر منابع آب و خاک شده است و نبود سازوکار ارزیابی زیست‌محیطی دقیق، تهدیدی جدی برای پایداری اکولوژیکی محسوب می‌شود.

۳-۲. پژوهش‌های بین‌المللی درباره توسعه پایدار و حکمرانی در مناطق آزاد
در سطح جهانی، تجربه مناطق آزاد بسیار متنوع است؛ برخی کشورها مانند امارات، سنگاپور و کره جنوبی توانسته‌اند این مناطق را به کانون نوآوری و صادرات تبدیل کنند، درحالی‌که در برخی دیگر مانند هند، نیجریه و بنگلادش، مناطق آزاد به محل انتقال آلودگی زیست‌محیطی یا فرار مالیاتی تبدیل شده‌اند. اسمیت ۸۲ در یک مطالعه مقایسه‌ای نشان می‌دهد که «مناطق آزاد تنها زمانی موفق هستند که دارای الگوی حکمرانی چندذی‌نفعی باشند؛ یعنی جامعه محلی، دولت و سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری نقش مستقیم داشته باشند و شفافیت اطلاعاتی برقرار باشد. کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد ۸۳ در گزارش سالانه خود درباره مناطق آزاد هشدار می‌دهد که بسیاری از این مناطق در جهان به دلیل نبود نظام نظارتی و مشارکت اجتماعی، به «مناطق تاریک و غیرشفاف» تبدیل شده‌اند؛ یعنی فضاهایی که از چارچوب‌های قانونی کشور خارج شده و فاقد پاسخگویی عمومی هستند. این گزارش تأکید می‌کند که «حکومتداری شفاف و مشارکت اجتماعی» باید رکن اصلی بازطراحی سیاست‌های مناطق آزاد باشد.

در کشور کلمبیا، رودریگز و سیلوار ۸۴ در مطالعه خود بر مناطق آزاد بوگوتا نتیجه گرفتند که شرط اصلی پایداری، الزام سرمایه‌گذاران به ارائه طرح مسئولیت اجتماعی و ایجاد شوراهای مشارکتی محلی است که در آن نمایندگان ساکنان و کارگران نیز حضور دارند.

⁸²Smith

⁸³UNCTAD

⁸⁴Rodriguez&Silva

در آفریقا، آدگو که ۸۵ با بررسی مناطق صنعتی نیجریه نشان داد که پروژه‌های سرمایه‌گذاری هنگامی با شکست مواجه شدند که «جامعه محلی صرفاً ناظر بود و نه شریک». او پیشنهاد می‌کند که مناطق آزاد باید بر مبنای جامعه محلی طراحی شوند.

۴-۲. پژوهش‌های نظری درباره حکمرانی مشارکتی و مشارکت ذی‌نفعان حکمرانی مشارکتی به‌عنوان رویکردی نوین در مدیریت عمومی توسط نظریه‌پردازان متعددی توسعه یافته است. آنسل و گاش ۸۶ مدل «حکمرانی مشارکتی تعاملی» را ارائه کردند که سه رکن اصلی دارد:

اعتماد میان ذی‌نفعان

گفت‌وگو و مذاکره شفاف

تقسیم قدرت در تصمیم‌گیری

بر اساس این مدل، هر فرآیند مشارکتی که فاقد یکی از این مؤلفه‌ها باشد، به مشارکت صوری و نه واقعی تبدیل خواهد شد. در ایران، حیدری و رستگار (۱۴۰۰) در پژوهشی بر حکمرانی شهری مشهد نشان دادند که «اعتماد نهادی» شرط اولیه پذیرش برنامه‌های توسعه‌ای است. آنان بیان کردند که «بدون شفافیت و پاسخگویی، مردم سیاست‌های عمومی را حتی اگر مفید باشند نمی‌پذیرند».

درویشی و احمدزاده (۱۴۰۱) نیز میان مشارکت صوری و مشارکت واقعی تمایز قائل شده و بیان می‌کنند که «دعوت از مردم برای جلسات به‌تنهایی کافی نیست؛ مردم باید در تصمیم‌گیری اختیار داشته باشند تا مشارکت معنادار تلقی شود». فیشر ۸۷ در مطالعات خود بر سیاست‌گذاری مشارکتی بیان می‌کند که مدل‌های مشارکتی زمانی پایدار خواهند بود که عدالت در فرآیند تصمیم‌گیری رعایت شود؛ یعنی نه فقط نتیجه، بلکه روش تصمیم‌گیری نیز عادلانه و فراگیر باشد.

۵-۲. جمع‌بندی تطبیقی و شناسایی شکاف پژوهش

مرور ادبیات پژوهش نشان داد که اگرچه مطالعات بسیاری در حوزه عملکرد اقتصادی مناطق آزاد در ایران انجام شده است، اما ابعاد اجتماعی، زیست‌محیطی و حکمرانی مشارکتی کمتر مورد بررسی عمیق قرار گرفته‌اند. همچنین نتایج مهم پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی بدین صورت استخراج می‌شود.

نتیجه مهم پژوهش‌های داخلی:

تأکید بر ناکامی نسبی در توزیع منافع توسعه بین جامعه محلی

نبود مشارکت واقعی مردم در تصمیم‌گیری‌ها

ضعف شفافیت و پاسخگویی نهادی

نتیجه پژوهش‌های بین‌المللی:

مناطق آزاد موفق آنهایی هستند که دارای مدل «چندذی‌نفعی» در حکمرانی باشند

مشارکت جامعه محلی نه صرفاً به‌عنوان نیروی کار، بلکه به‌عنوان شریک توسعه دیده شود

⁸⁵Adegoke

⁸⁶Ansell&Gash

⁸⁷Fischer

سرمایه گذاران ملزم به مسئولیت اجتماعی و زیست محیطی باشند

۳. روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش ترکیبی (کیفی - کمی) است. در گام نخست، مؤلفه‌های اصلی حکمرانی مشارکتی از طریق مطالعات کتابخانه‌ای شناسایی شد. سپس با روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، روابط میان مؤلفه‌ها تبیین گردید. در گام دوم برای اولویت‌بندی نهایی مؤلفه‌ها از روش تحلیل شبکه‌ای استفاده شد. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۵ خبره از میان مدیران سابق مناطق آزاد، اساتید دانشگاهی، فعالان بخش خصوصی و نمایندگان جامعه محلی است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه ساختاری تفسیری و جدول مقایسه زوجی بوده است.

تحلیل داده‌ها

۴-۱. تحلیل مدل‌سازی ساختاری تفسیری

شش مؤلفه کلیدی حکمرانی مشارکتی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند مطابق جدول ۱، است.

جدول ۱. مؤلفه‌های کلیدی حکمرانی مشارکتی

علامت	شرح مؤلفه
C1	اعتمادسازی میان ذی‌نفعان
C2	شفافیت در تصمیم‌گیری
C3	مشارکت جامعه محلی
C4	پاسخگویی مدیریت منطقه
C5	هماهنگی نهادی دولت و بخش
C6	توانمندسازی اقتصادی جامعه

که نتایج ماتریس دسترسی نشان داد: C1 (اعتمادسازی) قوی‌ترین عامل محرک ساختار است. C3 (مشارکت جامعه محلی) وابسته‌ترین عامل و خروجی نهایی سیستم حکمرانی است. C2 (شفافیت) و C5 (هماهنگی نهادی) در سطح میانی قرار دارند.

۴-۲. تحلیل شبکه‌ای (اولویت‌بندی مؤلفه‌ها)

برای تعیین اهمیت نسبی مؤلفه‌های حکمرانی مشارکتی در ارتقای توسعه پایدار، از روش تحلیل شبکه‌ای استفاده شد. ماتریس مقایسه زوجی بر اساس میانگین نظر خبرگان تهیه و نرمال‌سازی شد. براساس نتایج حاصله وزنی، مؤلفه‌های حکمرانی مشارکتی براساس مهمترین شاخص بصورت جدول ۲ رتبه‌بندی می‌شوند.

جدول ۲. رتبه‌بندی مؤلفه‌های حکمرانی مشارکتی

رتبه	وزن	شرح مؤلفه
۱	۰/۳۸	اعتمادسازی میان ذی‌نفعان
۲	۰/۲۵	شفافیت در تصمیم‌گیری
۳	۰/۱۵	هماهنگی نهادی دولت و بخش
۴	۰/۱۰	توانمندسازی اقتصادی جامعه

پاسخگویی مدیریت منطقه	۰/۰۷	۵
مشارکت جامعه محلی	۰/۰۵	۶

۵. نتیجه گیری

پژوهش حاضر نشان داد که دستیابی به توسعه پایدار در مناطق آزاد ایران نه از مسیر «سرمایه گذاری صرف» و نه از طریق «معافیت های مالیاتی» ممکن است، بلکه مستلزم تحول در ساختار حکمرانی و روابط ذی نفعان است. بر اساس مدل ترکیبی معادلات ساختاری و تحلیل شبکه ای، اعتمادسازی نهادی به عنوان ریشه ای ترین عامل و مشارکت جامعه محلی به عنوان نتیجه نهایی شناخته شد. این یافته بیانگر آن است که توسعه مشارکتی نه با دستور اداری بلکه با ایجاد اعتماد، شفافیت، هماهنگی و توانمندسازی واقعی جامعه محلی محقق می شود.

۵-۱. پیشنهاد های سیاستی

ایجاد شورای گفت و گوی ذی نفعان در هر منطقه آزاد شامل نمایندگان جامعه محلی، بخش خصوصی و مدیران دولتی جهت تصمیم سازی مشترک.

طراحی سامانه شفافیت مالی و عملکردی برای انتشار عمومی قراردادها، مزایا و طرح های توسعه ای.
واگذاری بخشی از پروژه های عمرانی و خدماتی به تعاونی های محلی با حمایت مالی سازمان منطقه آزاد.
ارزیابی دوره ای اعتماد نهادی و میزان مشارکت مردمی به عنوان شاخص رسمی عملکرد مدیریتی.
تدوین آیین نامه مشارکت سرمایه گذاران در پروژه های اجتماعی

منابع

- ## جنگی زهی، م.، و ملکی، ع. (۱۴۰۱). ارزیابی توسعه پایدار مناطق آزاد ایران با روش دیمتل فازی. فصلنامه مدیریت راهبردی، ۱۵(۲)، ۴۵-۶۰.
- ## مرادی، س.، و شریفی، ک. (۱۳۹۸). ارزیابی عملکرد اقتصادی مناطق آزاد قشم و اروند. پژوهش‌های اقتصاد منطقه‌ای، ۳۷(۳)، ۷۸-۵۵.
- ## کاظمی، ه.، و درویشی، م. (۱۳۹۹). نقش مناطق آزاد در توانمندسازی جامعه محلی. مطالعات توسعه پایدار ایران، ۹(۱)، ۹۵-۸۰.
- صادقی، ح.، احمدی، س.، و قاسمی، ر. (۱۳۹۷). مشارکت جامعه بومی در تصمیم‌گیری مناطق آزاد. پژوهش‌های اجتماعی ایران، ۶(۴)، ۸۵-۱۰۲.
- ## زارعی، م.، و موسوی، س. (۱۴۰۰). تحلیل اثرات زیست‌محیطی مناطق آزاد جنوبی ایران. فصلنامه محیط‌زیست انسانی، ۱۲(۱)، ۳۴-۲۰.
- ## توکلی، ر.، و امینی، ف. (۱۴۰۰). تحلیل SWOT حکمرانی مناطق آزاد ایران. مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه، ۵(۲)، ۵۶-۴۰.
- ## حیدری، ک.، و رستگار، م. (۱۴۰۰). اعتماد نهادی در حکمرانی شهری ایران. مطالعات سیاستگذاری عمومی، ۱۰(۳)، ۷۸-۶۰.
- ## Ansell, C., & Gash, A. (2008). Collaborative Governance in Theory and Practice. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 18(4), 543-571.
- ## Adegoke, O. (2018). Community-based governance in Nigerian industrial zones. *African Economic Review*, 12(2), 101-120.
- ## Fischer, F. (2017). Participatory Governance and Policy Making. *Policy Sciences*, 50(2), 173-190.
- Rodriguez, L., & Silva, P. (2021). CSR Obligations in Free Trade Zones of Colombia. *Journal of Sustainable Development*, 14(3), 55-72.
- ## Smith, J. (2019). Sustainability Challenges in Global Free Zones. *International Journal of Trade Policy*, 5(3), 120-138.
- ## UNCTAD. (2020). *World Investment Report 2020: International Production Beyond the Pandemic*. Geneva: United Nations.

رهیافتی تحلیلی بر کارآفرینی زنان در جوامع کمتر توسعه یافته و روستایی

روزبه؛ حبیبی، استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

کارآفرینی در هزاره سوم یکی از فعالیت های محوری است که می تواند کارکرد توسعه محور داشته و مولد اشتغال و رفع مشکلات اقتصادی در سطح کلان و بویژه در مناطق کمتر توسعه یافته و روستایی باشد کارآفرینی روستایی به دنبال تشخیص فرصت های بدیع مبتنی بر خلاقیت در فعالیت های مختلف و متنوع می باشد، در قرن بیست و یکم حضور زنان در بازار کار و مشارکت آنها در فعالیت های اقتصادی - اجتماعی، به یکی از مولفه های مهم توسعه انسانی/اقتصادی تبدیل شده است؛ که میتواند منجر به توسعه و ایجاد اشتغال و رفع فقر گردد. فراگیری مهارت های کارآفرینی بین زنان روستایی نیازمند برنامه ریزی برای شناسایی عوامل کلیدی تأثیرگذار در توسعه فعالیت های کارآفرینانه است. بنابراین، برای تقویت هرچه بیشتر کارآفرینی زنان روستایی، مطالعه عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی اهمیت فراوانی دارد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر شناسایی مولفه های مؤثر بر کارآفرینی زنان در جوامع کمتر توسعه یافته و روستایی می باشد. طبق یافته های تحقیق، مهم ترین عوامل مؤثر بر ایجاد و توسعه کارآفرینی زنان روستایی عبارت اند از: ارتقای سطح سواد و دانش فردی زنان روستایی، شرکت در دوره های آموزشی کارآفرینی مبتنی بر مولفه های بومی، توانمند سازی تجاری سازی و کسب درآمد، پشتیبانی و حمایت خانواده، وضع قوانین حمایتی و بستر سازی مناسب توسط نهادهای دولتی و حاکمیتی

کلیدواژه ها: کارآفرینی، زنان روستایی، توسعه، اشتغال

نویسنده

ایجاد و اتخاذ رویکرد کارآفرینی در کشور بدلیل توسعه، مسائل مختلفی از جمله فقر، مشکلات فرهنگی، بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی و را مرتفع خواهد کرد به بیان دیگر، کارآفرینی به مفهوم تشخیص و بهره برداری از فرصت ها به منظور ارزش آفرینی در حوزه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است و موتور توسعه همه جانبه محسوب می گردد. بخصوص در جامعه کمتر توسعه یافته و روستایی کارآفرینی می تواند برطرف کننده بسیاری از مشکلات از جمله عدم

اشتغال، فقر و... باشد. پایین بودن سطح زندگی در نواحی کمتر توسعه یافته و روستایی و در نتیجه مهاجرت روستاییان به شهرها، مسائل متعدد اجتماعی، اقتصادی و محیطی را در این نواحی به دنبال داشته است. سیاست ها و راهبردهای مختلفی برای کاستن از آثار منفی این مشکلات و پاسخ به نیازهای زندگی در سکونتگاه های کمتر توسعه یافته و روستایی در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، اتخاذ گردیده است. از این رو، برنامه ریزان مناطق کمتر توسعه یافته و روستایی بدین نتیجه رسیده اند که تشویق ساکنان مناطق کمتر توسعه یافته و روستایی برای گرایش به فعالیتهای اقتصادی با رویکرد کارآفرینی مناسب ترین راهبرد برای پاسخگویی به چالش های اقتصادی و اجتماعی در مناطق روستایی کمتر توسعه یافته است [1]

متأسفانه توسعه نامتوازن و بدون رویکرد عدالت محور، دستاوردهای نامتعدالی را برای مردان و زنان کشورهای در حال توسعه داشته است، به گونه ای که مردان انتفاع اصلی را برده و زنان قربانیان این فرایند بوده اند. اگر جامعه ای بخواهد در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موفق باشد، به طور قطع نیازمند نیروی زنان بعنوان نیمی از جمعیت فعال بازار کار نیز خواهد بود. جامعه ای که برای رسیدن به توسعه تلاش می کند، نیازمند تحقق عدالت اجتماعی است که این امر در سایه بهبود شرایط زنان در تمامی عرصه ها قابل دستیابی است. باین حال آمار نشان از وضعیت نامناسب زنان در فرایند توسعه دارد. به طور کلی زنان در مقابل ساعت کاری یکسان با مردان، دستمزد کمتری از مردان دریافت میکنند بعبارت دیگر زنان ۶۷ درصد ساعات کار جهان را بر عهده داشته ولی فقط ۱۰ درصد درآمد جهان را به دست می آورند، ضمناً زنان حدود هفتاد درصد بی سوادان جهان را زنان تشکیل می دهند و کمتر از یک درصد از دارایی های جهان را در اختیار دارند. گزارش های جهانی در مورد زنان تصاویر دردناکی از فقر، ساعات کار بالا، درصد کم تملک دارایی ها و مالکیت های حقوقی، سطح پایین تحصیل و اشتغال و حتی وضعیت اجتماعی نامناسب را به تصویر می کشد. گرچه در بعضی از جوامع زنان هم سطح مردان در نظر گرفته می شوند، اما در اکثر جوامع، زنان را به عنوان شهروندان درجه دو در نظر می گیرند. حتی در کشورهای توسعه یافته که دارای بهتر وضعیت حقوق بشر در کشورشان هستند، مشارکت زنان در اکثر زمینه ها به دلیل تسلط مردانه به حداقل رسیده است. [2]

۲- اهمیت اشتغال و کارآفرینی زنان

کارآفرینی زنان نه تنها بستری برای استقلال مالی است، بلکه فرصتی بی نظیر برای بروز استعدادها و ساختن آینده ای روشن برای خود و نسل های بعدی به شمار می رود. اهمیت کارآفرینی زنان فراتر از بعد اقتصادی است. حضور زنان در عرصه های کارآفرینی به توازن جنسیتی، ارتقای عدالت اجتماعی و ایجاد الگوهای مثبت در جامعه کمک می کند به عبارت دیگر با توجه به اینکه از یک سو حدود نیمی از جمعیت هر جامعه را زنان تشکیل می دهند و زنان در ردیف بزرگترین ذخایری هستند که هنوز از وجودشان استفاده بهینه به عمل نیامده است و این گروه کثیر که عهده دار تنظیم امور خانوادگی و تعیین کننده مسیر اقتصاد و خانواده محسوب می شوند، در امور اقتصادی و تنظیم بودجه خانوادگی دخالت مستقیم دارند و هر نهضتی که بخواهد رفاه اجتماعی و نظم اقتصادی را توسعه دهد ناگزیر است که از توجه همکاری آنان، بهره مند شود، لذا در عصر حاضر فراهم کردن زمینه های تازه برای مشارکت بیشتر زنان و بهره گیری جدی تر از قدرت تفکر، ابداع و خلاقیت آن باید در سرفصل سرمایه های مدیریت نوین قرار گیرد. ازسوی دیگر، نظر به اینکه مفهوم سازی و نظریه پردازی در حوزه کارآفرینی اجتماعی می تواند به تکامل اجتماعی مبتنی بر توانمندسازی نهادها و سازمانهای حمایتی و کارآفرینی در استراتژی ها و شیوه های ارائه خدمات عمومی منجر شود؛ لذا اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر با هدف طراحی الگویی برای توسعه کارآفرینی در بین زنان مناطق کمتر توسعه یافته و روستایی آشکار می شود. [3]

تقویت کارآفرینی در جامعه اهمیت بی بدیلی داشته و بر مبنای پژوهش ها این امر می تواند فاکتور اصلی و پیشران برای رشد اقتصادی باشد. هر چند کارآفرینی می تواند آثار مثبت متعددی در جوامع روستایی داشته باشد، ولی خود نیز به عنوان یک پدیده اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی وابسته، متأثر از زمینه ها، عوامل و مهارت های مختلفی است. در واقع ظهور کارآفرینی در یک جامعه وابسته به زمینه ها و عواملی است که در شکل گیری آن تأثیر ویژه دارند. به نظر پژوهشگران پرسش اساسی در ارتباط با فرصت های کارآفرینانه، عبارت است از اینکه " چرا و چگونه برخی از افراد و نه دیگران فرصت ها را کشف و از آنها بهره برداری می کنند؟ " تشخیص و انتخاب صحیح فرصت برای ایجاد کسب و کارهای جدید، بعد مهم شایستگی کارآفرینی است و در موفقیت کارآفرینان نقش اساسی دارد. همچنین کارآفرینی به عنوان یک پدیده مهم اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. برخی صاحب نظران شرایط اقتصادی را موجب کارآفرینی دانسته و معتقدند که کارآفرینی نیروی اصلی توسعه اقتصادی محسوب شده و تغییر و نوآوری، رشد تولید خدمات را به همراه دارد. در این راستا کشاورزی به عنوان محور توسعه در مناطق روستایی، بخشی است که جهت تولیدات و کارآفرینی در بخشهای وابسته، دارای توان های افزایشی غیرقابل مقایسه با بخش های اقتصادی دیگر است و به جرأت می توان گفت که توسعه سایر بخش ها به آن وابسته است. [4]

۳- کارآفرینی و نوآوری در بازار

نوآوری تولید ایده های منحصر به فرد با روکرد خلاقیت و استفاده از آن ها برای ایجاد محصولات و خدمات جدید است. کارآفرینی فرآیندی است که در آن فرد از طریق ایجاد کسب و کارهای جدید به منظور کسب سود، ریسک می کند. نوآوران دارای تفکر خلاق و مهارت های حل مسئله هستند، درحالی که کارآفرینان دارای مهارت های برنامه ریزی، مدیریت، بازاریابی و فروش هستند در سالهای گذشته، کارآفرینی به عنوان راه حلی برای نابرابری اجتماعی و تخریب محیط زیست در نظر گرفته شده است. کارآفرینی به یک عامل ثابت در بسیاری از گفتمان های تغییرات اجتماعی در تحقیقات علوم اجتماعی تبدیل شده است. با این حال، تعریف کارآفرینی پویا شده است. این تعریف به شومپتر (۱۹۳۴) (برمی گردد که کارآفرینان را افرادی توصیف کرد که از نوآوری برای بهبود تغییرات بازار با معرفی کالاهای جدید بهبود یافته و بازکردن بازارهای جدید استفاده می کنند. همین تعریف را می توان برای خود فعالیت، یعنی کارآفرینی نیز به کار برد. کائو و استیونسون (۱۹۸۵) (کارآفرینی را تلاشی برای ایجاد ارزش از طریق به کارگیری فرصت های تجاری موجود تعریف کرده اند. تشخیص فرصت و تحمل ریسک برای دریافت نوع خاصی از پاداش ها، دلایلی برای راه

اندازی کارآفرینی است. تقریباً بدون استثنا، مطالعات آکادمیک در مورد کارآفرینی با انگیزه مزایای اقتصادی کارآفرینی انجام می شود. بیشتر مطالعات به یک یا دو مطالعه آکادمیک اشاره می کنند که نشان می دهد کارآفرینی در واقع منجر به مزایای قابل توجهی از نظر ایجاد اشتغال یا نوآوری می شود. [5]

۴- کارآفرینی

در تعاریف کارآفرینی و کارآفرینی اجتماعی تفاوت های مشترک و درعین حال متفاوتی وجود دارد. در تحلیل تعاریف هم از کارآفرینی و هم تعریفی که با پیشوند اجتماعی مشخص می شود، ویژگی مشترک شامل خلاقیت، ریسک پذیری، نوآوری، فداکاری، فرصت جویی، تعهد و ابتکار است. این ویژگی ها برای همه انواع فعالیت های کارآفرینی اجرا می شود. با این حال، اگر هدف اصلی کارآفرینی بر ایجاد تأثیر اجتماعی بیشتر متمرکز باشد، باید ایجاد ارزش اجتماعی، مسئولیت پذیری، هوشیاری اجتماعی، عوامل تغییر، مشارکت جامعه و چشم اندازی برای دیدن آینده بهتر باشد. [5]

۵- کارآفرینی اجتماعی

کارآفرینی اجتماعی ترکیبی از تجارت و مسائل اجتماعی است. چنین کارآفرینانی تنها به دنبال سود نیستند و مسئولیت اجتماعی برای آنها اهمیت دارد. موفقیت برای آن ها به این معناست که چگونه کسب و کار آن ها بر جهان تاثیر می گذارد و آن را بهبود می بخشد

کارآفرینی اجتماعی که به عنوان پاسخی به ناکامی های دولت و بازار در مقابله با مشکلات اجتماعی شکل گرفت، نیازمند بررسی دقیق فلسفی و تفکر است تا مرزها و مبانی مفهومی این پدیده را متبلور کند. به گفته نیکولز، (۲۰۱۰) کارآفرینی اجتماعی «میدان عمل در یک حالت پیش پارادایماتیک است» که در حال حاضر فاقد یک معرفت شناسی تثبیت شده است. به خصوص در رسانه ها، برای مثال، شاپیرو (۲۰۱۳) (در فوربس اشاره می کند که «اصطلاح کارآفرینی اجتماعی تا حدودی به یک عبارت فراگیر تبدیل شده است.» از سوی دیگر، اکونومیست (۲۰۰۶) ادعا می کند که «هیچکس مطمئن نیست که این اصطلاح دقیقا چه معنایی دارد.» [5]

بورنشتاین (۲۰۱۲) (در نیویورک تایمز ادعا می کند که توجه جدیدی نسبت به کارآفرینی اجتماعی وجود دارد، اما «با توجه جدید،

سردرگمی در مورد آنچه کارآفرینان اجتماعی انجام می دهند، به وجود آمده است.» با این وجود برخی تعاریف برای کارآفرینی اجتماعی در نظر گرفته شده است که تا حدودی مقبولیت عام دارد. [6]

کارآفرینی اجتماعی به معنای ایجاد ارزش اجتماعی به جای ایجاد منافع اقتصادی است، به بیان دیگر کارآفرینی اجتماعی به جای صرفا سودآوری، به دنبال بهره برداری از فرصت ها با هدف تأثیرگذاری اجتماعی است. مطابق با تعریف مایر و مارتی، کارآفرینی اجتماعی با هدف کشف و استفاده از فرصتهای موجود در راستای ایجاد تحرک در تغییرات اجتماعی یا تأمین نیازهای اجتماعی شکل

می گیرد. کارآفرینی اجتماعی به عنوان یک رویکرد اخلاقی برای حل مشکلات اجتماعی توصیفی و در نتیجه با به کارگیری استراتژی های کارآفرینی راه حلی پایدار برای مشکلات اجتماعی ارائه می دهند. [5]

۶- اهداف زنان کارآفرین

باتوجه به تعاریف فوق می توان ویژگی هایی برای زنان توانمند کارآفرین از قبیل صداقت، حس کمک به دیگران، تمایل قوی برای استقلال، نوآوری، ریسک پذیری، ابتکار، مهارت های کسب و کار، دانش، تمایل زیاد به کامیابی، سخت کوشی، پافشاری و دور نماسازی خارق العاده را نام برد. [7] از طرفی، اهداف زنان کارآفرین از ورود به کارآفرینی عبارت است از: دستیابی به استقلال، مهیا ساختن شرایط بهتر زندگی، اجتناب از فقر، به دست آوردن قدرت و اعتبار در جامعه، تأمین شرایط مطلوب زندگی شخصی در زمان سالمندی، مفید بودن برای جامعه و سایر افراد، عدم رضایت از شغل فردی و شناخت و بروز استعدادها و توانایی های شخص. [8] بر این اساس می توان گفت توانمندسازی زنان و افزایش توانایی ها و مهارت های آنان به ویژه در زمینه کارآفرینی می تواند نقش مهمی در ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوارها و در نتیجه زندگی آنها داشته باشد که در پژوهش پیش رو به این مهم پرداخته شده است. زنان کارآفرین زنانی هستند که با خلق ایده های نو و یا با نوآوری و ابتکارات شخصی و استفاده بهینه از فرصت ها و منابع و با قبول خطرپذیری به تولید محصولات یا خدمات جدید اقدام می کنند که باعث خوداشتغالی و ایجاد مشاغل جدید می شود [2]

۷- کارآفرینی و تحقق توسعه پایدار در مناطق کمتر توسعه یافته و روستایی

با مطرح شدن نگرش توسعه پایدار، توجه به زنان روستایی به منزله اهرم اساسی تولید افزایش یافته است. در تحقق توسعه پایدار روستایی عوامل زیادی دخالت دارند که یکی از مهمترین آنها کارآفرینی است. کارآفرینی در حکم یکی از مهمترین تلاشهای توسعه روستایی نظر محققان را به خود جلب کرده است. توسعه کارآفرینی زنان یکی از مهمترین موضوعات دستور کار توسعه معاصر در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بوده است و بسیاری از صاحب نظران توسعه روستایی بر این باورند که شناخت توانمندی ها و مهارت های زنان، به ویژه زنان روستایی و هدایت استعداد های خلاق آنان در بهره برداری از ظرفیت های این قشر بزرگ اجتماعی مؤثر است. براساس گزارش برنامه توسعه سازمان ملل، (UNDP) کارآفرین زن فردی است که به تنهایی یا با مشارکت یک یا چند نفر شریک، کسب و کاری را آغاز کرده، مشتاق قبول خطرها و مسئولیت های مالی، مدیریتی و اجتماعی آن و مشارکت در فعالیت

های مدیریتی روزانه است. فعالیت های کارآفرینانه در این قشر از جامعه به رشد و توسعه اقتصاد کشور کمک شایانی می کند [9].

با وجود مزایای انکارناپذیر کارآفرینی در توسعه جوامع، موانع و محدودیتهای متعددی برای حرکت به سوی کارآفرینی پیش پای زنان روستایی قرار دارد؛ چراکه ظهور و توسعه کارآفرینی پدیده ای تصادفی نیست، بلکه این پدیده وابسته به فاکتورهای متعددی (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) است که اغلب درحکم شرایط توسعه کارآفرینی فهرست می شوند. از سوی دیگر، فعالیت کارآفرینی برخلاف فعالیت کارکنانی که حقوق می گیرند و در موفق بودن یا نبودن در شغل خود ریسک کمتری دارند مورد حساسی است و افراد در معرض استرس بالایی قرار دارند. هرچند کارآفرینان در مقام افراد مشتاق و علاقه مند به مشاغل خود شناخته می شوند، اما همواره در معرض حالات عاطفی منفی مانند اضطراب، ترس و استرس قرار دارند که به نوبه خود، در کارآفرینی و شناخت فرصت، تصمیم گیری و خلاقیت شان تأثیر می گذارد. این امر بیانگر آن است که زنان در مسیر اشتغال زایی با تهدیدها و موانع زیادی مواجه اند. این موانع در نظام اشتغال زنان به ویژه زنان روستایی، که ۲۸ درصد از زنان کشور را شامل می شوند، باعث اخلاص می شود و در نهایت شکست کارآفرینی را تسریع می بخشد [9].

۸- اشتغال مهمترین شرط رشد و توسعه

مهمترین شرط برای رشد و توسعه جوامع ایجاد اشتغال است. به طوری که نیروی کار منبعی برای موفقیت است و اگر از نیروی کار به درستی و به طور مناسب استفاده نشود به جای فراهم کردن سود، زیان به همراه خواهد داشت. تا قبل از دهه ۷۰ در متون توسعه به ندرت متنی می بینیم که آثاری از جنسیت و زنان در آن وجود داشته باشد. موازی با این نظریه پردازان توسعه اهمیت نظام های زراعی را مورد توجه قرار دادند، اهمیت جایگاه زنان در ادبیات توسعه مد نظر قرار گرفت. تا حدی که مشخص شد ۷۰ درصد تولیدات کشاورزی آفریقا توسط زنان حاصل می شود به همین دلیل به تدریج مقولات جنسیتی را در تفکرات توسعه قرار دادند [10].

یکی از دلایل عمده عدم توسعه روستاها، برنامه ریزی نامناسب در سطح روستاهاست که منجر به هدر رفتن سرمایه و بودجه های اختصاص یافته به روستاها می شود. دستیابی به توسعه در هر سطحی و با هر هدفی که باشد نیازمند برنامه ریزی اصولی، کارآمد و اجرای دقیق آن است. این مهم در گرو شناخت جامع و آگاهی دقیق از امکانات، فرصت ها، توان ها و محدودیت هایی است که در رسیدن به وضع مطلوب وجود دارد. همچنین، یکی از مهمترین معیارها جهت سنجش درجه توسعه یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می باشند. زنان روستایی یکی از گروه های موجود و مؤثر در روستا

هستند که حدود چهل درصد از فعالیت های انجام گرفته در زمینه کشاورزی و نود درصد در زمینه صنایع دستی توسط آنان انجام می شود. نظریه های اصلی در این زمینه، نظریه نئوکالسیک، نظریه تفکیک شدن بازار کار و نظریه جنسیت می باشد. [10] نظریه نئوکالسیک :

این نظریه برای تبیین تفاوت های جنسیتی و اختلاف درآمد بین کار مردان و زنان به متغیرهایی نظیر مسئولیت های خانوادگی، نیروی جمعیتی، آموزش های عمومی، غیبت و جابه جایی از کار اشاره می کند و این عوامل را در مقدار بهره وری نیروی کار مؤثر می داند. [10] نظریه تفکیک بازار:

در این جا بین دو گروه از مشاغل تفاوت وجود دارد: مشاغل گروه نخست که از لحاظ پرداخت مزد، تأمین بیشتر و فرصت های بیشتر وضع نسبتاً خوبی دارند. مشاغل گروه دوم با مزد کمتر، تأمین کمتر و محدودیت در زمینه امکان پیشرفت روبه رو هستند. در مشاغل گروه نخست ثبات کارگر در کار برای کارفرما اهمیت دارد. جابه جایی که در کار زنان دیده می شود، احتمال جذب آنها را به مشاغل گروه دوم بیشتر می کند. [10] نظریه مبتنی بر جنسیت:

نکته اصلی این نظریه این است که موقعیت تابعی زنان در بازار کار و خانواده با یکدیگر مرتبط و جزئی از یک سیستم اجتماعی است که زنان تابع مردان هستند. [10]

براساس رویکردهای جامعه شناختی رویکرد زنان به اشتغال تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی قرار دارد. اگر اهداف یک جامعه متعالی و خواهان رشد و توسعه فردی و اجتماعی در همه زمینهها باشد، برای گام نهادن در مسیر توسعه پایدار، توسعه یا که کاملاً با نیازها و خواسته های واقعی مردم و با اهداف و آرمان های جامعه سازگار باشد، مشارکت همه آحاد جامعه اعم از زن و مرد ضروری است. [10]

۹- کارآفرینی اجتماعی زنان

عبارت زن کارآفرین را برای یک زن یا گروهی از زنان که فعالیت تجاری را آغاز، سازماندهی، اتخاذ کرده و یک شرکت تجاری را اداره می کنند. به گفته شومپتر، (۱۹۴۷) کارآفرینی زنان مبتنی بر مشارکت زنان در سهام و اشتغال یک شرکت تجاری است. در سال ۱۹۷۶ مجله Contemporary Business مقاله النور شوارتز را با عنوان «کارآفرینی: مرز زنانه جدید» منتشر کرد. گفته می شود این مقاله اولین مقاله ای است که بر زنان کارآفرین تمرکز داشته است. یکی دیگر از نقاط عطف مهم در تحقیق درباره کارآفرینی زنان، راه اندازی مجله «International Journal of Gender and Entrepreneurship» در سال ۲۰۰۹ بود. این مجله کاملاً بر جنسیت و کارآفرینی متمرکز است و به درک اجتماعی از معنای مرد یا زن بودن اشاره دارد. [5]

۱۰- توانمندسازی کارآفرینی زنان

توانمندسازی زنان یکی از راهکارهایی است که توسط آن می توان علاوه بر تسهیل دسترسی آنان به منابع تولید و افزایش درآمد، مشارکت آنان در فعالیت های جمعی مربوط به توسعه را تسهیل نمود. یکی از اقداماتی که جهت توانمندسازی مورد توجه قرار گرفته است، توانمندسازی از طریق کارآفرینی است که مرحله ای جدید در توسعه اقتصادی است. توانمندسازی کارآفرینی به این معنا است که افراد از اعتماد به نفس لازم برای ریسک پذیری برخوردار باشند و بتوانند مخاطرات شروع یک فعالیت را بپذیرند، منابع لازم را برای فعالیت ها بسیج و گردآوری کنند و بتوانند بازار مناسبی برای کسب و کار خود فراهم نمایند و در نهایت اقدام

به راه اندازی یک کسب و کار نمایند. توسعه روستایی نیز پیوند تنگاتنگی با کارآفرینی دارد و کارآفرینی می تواند روند توسعه در روستاها را تسریع نماید و درآمد کشاورزان و سایر شاغلان را بهبود بخشد. اندیشمندان رواج دهنده توسعه روستایی، کارآفرینی زنان را به منزله یک مداخله راهبردی می دانند که می تواند فرایند توسعه روستایی را تسریع بخشد. کارآفرینی زنان می تواند با خلق فرصت های جدید اشتغال و درآمد، نقش مؤثری در بهبود وضع اقتصادی و معیشتی روستاها داشته باشد. با توجه به نقش های چندگانه زنان روستایی در

کشاورزی، دامپروری، خانه داری و صنایع دستی در ایران و سایر نقاط جهان می توان گفت زنان روستایی با انجام فعالیت های درون منزل و بیرون از منزل عهده دار نقش های مهمی در رسیدن به توسعه روستایی هستند . [2]

دیدگاه های اصلی نظریه توانمندسازی کارآفرینی - زنان

نظریه پردازی توانمندسازی بر دو دیدگاه اصلی در این فرایند تأکید می کند: اول: فردی، یعنی از طریق ظرفیت ها، توانایی های فردی زنان و فعالیت آزادانه و دیگری جمع گرایی، یعنی از طریق رفتار جمعی و پیروی از هنجارهای فرهنگی که بر رشد جمعی تأکید دارند. بر اساس این نظریه می توان گفت کارآفرینی هر دو بعد توانمندسازی یعنی فردی و جمعی را در برمی گیرد. این واژه از اصطلاح فرانسوی *Entrepreneure* مشتق شده است که به معنای قبول مسئولیت، تعقیب فرصت ها، تأمین نیازها و خواسته ها از طریق نوآوری و راه اندازی یک کسب و کار تجاری است. محققان و پژوهشگران مختلف از کارآفرینی تعاریف متعددی ذکر کرده اند. به عنوان مثال، جوزف شومپتر ۲ کارآفرینی را «فرض تعریف شده ریسک و مسئولیت در طراحی و پیاده سازی استراتژی کسب و کار و یا شروع یک کسب و کار» تعریف می کند. همچنین وی، کارآفرینی را به عنوان نیروی برهم زننده اقتصاد به کار برده و آن را با عنوان «تخریب خلاق» نام گذاری می کند. می توان مفهوم کارآفرینی را به ارزش آفرینی نیز تعبیر کرد. در این معنا، انسانی که دارای قدرت درک و پیدا کردن خلأ و فرصت ها است و از طریق پرورش ایده و تبدیل فکر خود به یک محصول و خدمت جدید، در جامعه اقدام به ارزش آفرینی از هیچ می کند، کارآفرین نامیده می شود. در تعریفی دیگر، کارآفرینان کسانی هستند که همراه با خطرپذیری، فرصت ها را غنیمت می شمردند و با تکیه بر اندیشه ها و تجربه های خویش راهکارهای تازه برای سودآوری جستجو می کنند. به علاوه، کارآفرین کسی است که به تنهایی یا با مشارکت، کاری را با خلاقیت و نوآوری به راه انداخته یا پذیرفته و با قبول مخاطره های مالی، اجتماعی، اخلاقی و روانی، با خلاقیت و نوآوری محصولات جدیدی را تولید می کند تا در بازار بر رقبای غلبه نماید

۱۲- ویژگی های یک زن کارآفرین اجتماعی

زن کارآفرین را می توان به عنوان زنی مثبت اندیش با اعتماد به نفس، مبتکر و خلاق تعریف کرد که قادر است با عزم راسخ رویاهای خود در حوزه کارآفرینی را به واقعیت تبدیل نماید .. به صورت فردی یا با همکاری به استقلال اقتصادی خود دست یابد و از طریق راه اندازی، تأسیس و اداره بنگاه، با همگام شدن با زندگی شخصی، خانوادگی و اجتماعی خود، فرصت های شغلی برای دیگران ایجاد کند. از آنجایی که زنان تقریباً نیمی از جمعیت را تشکیل می دهند، موقعیت اجتماعی آنها تأثیر زیادی بر کشورها دارد. درعین حال، نقش زنان کارآفرین به طور فزاینده ای در تجارت جهانی امروز مورد توجه قرار گرفته است. براساس گزارش مانیتور جهانی کارآفرینی ۱۲۶، (GEM) میلیون زن در ۶۷ اقتصاد در سرتاسر جهان کسب و کارهای جدید را راه اندازی یا اداره می کنند و تخمین زده می شود که ۹۸ میلیون کسب و کار مستقر را اداره می کنند. بسیاری از زنان کارآفرین نه تنها برای خود و هم بنیان گذاران شان شغل ایجاد کرده اند، بلکه دیگران را نیز استخدام کرده اند. این نشان می دهد که نقش زنان کارآفرین

در اقتصاد جهانی به طور قابل توجهی در حال افزایش است. یکی از مهمترین عوامل در بازار جهانی، رشد تهاجمی تعداد زنان کارآفرین است. شکل ۱، ویژگی های یک کارآفرین اجتماعی را نشان می دهد. [5]

۱۳- نقش و سهم زنان در تولید ثروت در اقتصاد جهانی

اگرچه تلاش های زنان کارآفرین و نقش آنان در توسعه اقتصادی کشورها کمتر مورد توجه قرار گرفته است و اغلب کسب و کارهای مربوط به زنان، به خصوص کسب و کارهای موجود در کشورهای کمتر توسعه یافته، تحت یک اقتصاد غیررسمی قرار دارد و لذا بخش عظیمی از تلاش های زنان در حوزه کارآفرینی نتوانسته است توجه کافی سیاستمداران یا رسانه های عمومی را به خود جلب کند؛ اما بی توجهی به فعالیت های زنان در زمینه کارآفرینی نفی کننده نقش و سهم آنان در تولید ثروت در اقتصاد جهانی یا نقش مهم آنان در حل مسائل اجتماعی نیست. زنان در جامعه امروز ایران، نقش مهم و در حال گسترشی در زمینه کسب و کارها ایفا کرده؛ به گونه ای که سهم زنان در کسب و کارهای خصوصی و یا غیردولتی روند رو به رشدی را در سال های اخیر طی کرده است. بنابراین، با توجه به ضرورت توسعه سهم زنان در اقتصاد ملی و مقابله با بحران بیکاری، ضروری است که شرایط لازم برای توسعه کارآفرینی زنان فراهم شود؛ به گونه ای که زنان هم با ایجاد کسب و کار و فرصت های شغلی برای خود و دیگران بتوانند به حل این بحران کمک کنند. از این رو، توسعه کارآفرینی و راه اندازی و ترویج کسب و کار خرد و کوچک به طور فزاینده ای به عنوان ابزاری برای ایجاد فرصتهای اشتغال پایدار به ویژه برای افراد حاشیه ای مانند زنان، فقرا و افراد معلول مورد توجه است. [3]

مهارت و تشخیص ۱۴- فرصت

هر فردی برای اینکه کارآفرین موفق بشود باید مهارت هایی را کسب کند. مهارت کارآفرینانه همان مهارت هایی است که برای راه اندازی یک شرکت یا کسب و کار جدید مورد نیاز هستند. برای اینکه کارآفرینان موفق شوند باید قابلیت ها و مهارت های خاصی از قبیل رهبری و ارتباطات، نوآوری، شبکه سازی، خلاقیت و حل مسئله را در خود ایجاد کنند. برخی از محققان بر این باورند که مهارت های اجتماعی فرد بر تشخیص فرصت های کارآفرینی تأثیر زیادی دارد. به عبارت دیگر، کارآفرینانی که از مهارت های اجتماعی بیشتری برخوردارند، به دلیل تعاملات اجتماعی بیشتری که با محیط خارجی و دیگر کسب و کارها دارند، به احتمال زیاد قادر به ارائه ایده های جدیدی هستند. [11]

۱۵- آموزش و تشخیص فرصت

با توجه به اهمیت کارآفرینی و نقش آموزش در توسعه آن، یکی از روش های پذیرفته شده برای توسعه و ترویج کارآفرینی، آموزش کارآفرینی است. کارآفرینی پیوندی ناگسستنی با آموزش دارد و چیزی جدا و منفک از آموزش نیست؛ زیرا یکی از مهمترین نرخ های رشد اقتصادی، مربوط به نرخ اشتغال و آموزش است. در همین راستا لینان و چن (۲۰۰۹) (۳) آموزش کارآفرینی را مجموعه فعالیت های آموزشی می دانند که در چارچوب نظام آموزشی یا خارج از آن برخی از ویژگی های کارآفرینانه را در فرد ایجاد می کنند یا بهبود می بخشند. مطابق این تعریف، در ادبیات کارآفرینی نیز برای آموزش کارآفرینی دو بعد آموزش های رسمی و غیررسمی در نظر گرفته شده است. آموزش های رسمی آموزش هایی است که در قالب کلاس های درسی اختیاری و اجباری از سوی مدارس و دانشگاه ها ارائه می شود؛ آموزش های غیررسمی نیز در قالب فعالیت های خارج از کلاس و فوق برنامه نظری و عملی و همچنین آموزش های آزاد در حوزه کارآفرینی به افراد عرضه می شود. [11]

۱۶- کارآفرینی اجتماعی زنان روستایی

ادبیات کارآفرینی اخیر ظرفیت نوآوری و حل مسئله کارآفرینان اجتماعی را به عنوان بازیگران نویدبخش جدیدی که با مشکلات اجتماعی-اقتصادی مناطق روستایی دارای ساختاری ضعیف مقابله می کنند و تغییرات پایدار را القا می کنند، برجسته کرده است. مطالعات قبلی نشان می دهد که جوامع روستایی مکان هایی با سطوح بالایی از سرمایه اجتماعی و سنت های حل مشکلات جمعی هستند که آنها را به بستر ایده آل برای شرکت اجتماعی تبدیل می کند. به عنوان یک منبع سازمانی، سرمایه اجتماعی نقش مهمی در توسعه مدل های شرکت اجتماعی ایفا می کند. باین حال، جنبه های خاصی از بافت نهادی روستایی - هم در معنای قانونی و هم به معنای اجتماعی آن- می تواند محدودیت های قابل توجهی بر توانایی کارآفرینان اجتماعی برای تقویت نوآوری ها در مناطق ضعیف ساختاری ایجاد کند.

ظرفیت تغییر ممکن است نه تنها به سطوح بالای سرمایه اجتماعی پیوندی در مکان های روستایی در مقایسه با محیط های شهری مرتبط باشد، بلکه به نیاز کارآفرینان اجتماعی روستایی برای فعال کردن شبکه های پل سازی و پیوند دادن برای ارائه دسترسی به منابع مهم مکمل (مانند مشروعیت سیاسی، مشاوره، بودجه عمومی، سرمایه خطرپذیر) و در نتیجه به اهرم منابع جمعی مبتنی بر مکان کمک می کند. کارآفرینی برای زنان در مناطق روستایی سودمندتر است، زیرا آنها را قادر می سازد تا ضمن مراقبت از مزرعه، خانه و وظایف دام محور به درآمد خانواده اضافه کنند و می تواند نقش اساسی در زندگی همه گروه های اجتماعی به حاشیه رانده شده، به ویژه زنان در مناطق روستایی داشته باشد. [5]

کارآفرینی اجتماعی می تواند پلی باشد که به درستی گروه های آسیب پذیر (مانند زنان) را به بازار کار متصل می کند. با این حال، توسعه کارآفرینی اجتماعی در جوامع روستایی، به ویژه در میان زنان روستایی، با چالش های بسیاری همراه است. زنان روستایی اغلب از آگاهی و تحصیلات کافی در خصوص امور اداری مربوط به تأسیس واحد تولیدی برخوردار نیستند. آنها همچنین اعتماد به نفس کافی برای کارآفرین بودن ندارند. کارآفرینی اجتماعی روستایی می تواند به عنوان ابزاری ارزشمند برای توسعه اجتماعی و فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد که بر اهمیت ترویج الگوهای بومی و حساس فرهنگی تأکید دارد؛ برای مثال، فرش ها، صنایع دستی سنتی، منسوجات و محصولات دست ساز را با ایجاد پیوندهای بازار برای صنعتگران روستایی از طریق اصول تجارت منصفانه ترویج کنند و آموزش مهارت ها و مشاغل را در مراکز تماس ارائه دهند. ایجاد یک شبکه شرکت های اجتماعی زنان برای افزایش حمایت همتایان در دسترس به طور خاص برای زنان کارآفرین اجتماعی و اعضای هیئت مدیره، به زنان کارآفرین اجتماعی کمک می کند تا بهترین تجربیات خود را به اشتراک بگذارند و درباره چالش های منحصر به فرد شرکت اجتماعی بحث کنند و همچنین به تقویت بیشتر نوآوری فرهنگی و حفظ سنت های بومی کمک کنند. توسعه کارآفرینی زنان روستایی بدون شناخت درست عوامل مؤثر در ایجاد فعالیت های کارآفرینی میسر نیست و مطالعه عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی، پیش نیاز تعیین الگوی توسعه کارآفرینی روستایی است. [5]

۱۷- نقش زنان در توسعه

از لحاظ خاستگاه تاریخی، طرح مسأله ی نقش زنان در توسعه، به تحولات بعد از جنگ دوم جهانی بازمی گردد. تا پیش از سال ۱۹۷۰ تصور بر این بود که توسعه، بر زنان و مردان به طور یکسان اثر می گذارد. در این زمان نفوذ سرمایه داری منجر به مدرنیزاسیون و به دنبال آن موجب نابودی اقتصاد سنتی شد. این امر به نوبه خود، لطمات وارد بر زنان جامعه را تشدید نمود. اعلام سال ۱۹۷۵ به عنوان «سال جهانی زن» و در پی آن اعلام «دهه زن» از سوی سازمان ملل متحد، توجه جهانیان را به نقش انکارناپذیر زنان در توسعه جلب کرد و انگیزه های لازم را در سازمان های بین المللی و بسیاری از حکومت ها به منظور تلاش جهت رفع تبعیض از زنان به وجود آورد. [12]

در اوایل دهه ۱۹۷۰ «دیدگاه زنان در توسعه» برای بهبود وضع تحصیلات، فرصت های اشتغال، مشارکت سیاسی و رفاه اجتماعی و فردی با تأکید بر این مسأله که زنان از فرصت های اقتصادی و اجتماعی محروم بوده اند، به وجود آمد. با توجه به آنکه این دیدگاه به ساختارهای جنسیتی موجود توجه چندانی نداشت و بیشتر بر فناوری و همکاری زنان در طرح های معمول و در دست اجرا متمرکز بود، دیدگاه دیگری به نام نظریه ی "جنسیت و توسعه" در سال ۱۹۸۰ جایگزین آن شد. دیدگاه اخیر بیانگر رویکردهای فمینیستی - سوسیالیستی بود که ارتباط میان ساختارهای خانواده و ساختارهای عمومی را بررسی می کرد تا علت تمایز میان این دو ساختار در مورد زنان را کشف کند. [12]

۱۸- موانع پیش روی توسعه فعالیت های کارآفرینانه زنان روستایی

نتایج مطالعه وزارت صنعت و تجارت جمهوری آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۵ نشان داد که دسترسی ناکافی به اعتبارات رسمی، ضعف در زمینه اثرگذاری بر قوانین تجارت، محدودیت دسترسی به زمین و عدم هماهنگی زنان با یکدیگر از عمده ترین مشکلات فراوری زنان کارآفرین بوده است. همچنین نتایج مطالعات لونت و نیجکامپ در سال ۲۰۰۶ در کشور ترکیه نیز عدم دسترسی به سرمایه و اعتبارات مناسب، فقدان دانش و مهارت مدیریتی - تجاری و وجود برخی هنجارهای اجتماعی و ارزش های فرهنگی را از عوامل بازدارنده توسعه فرایند کارآفرینی زنان معرفی نموده است. [12]

سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶ موانع پیشروی توسعه فعالیت های کارآفرینانه زنان روستایی را شامل مواردی نظیر مدیریت ضعیف بر منابع مالی، ضعف نقدینگی، عدم وجود یا ضعف در نظام ثبت و ضبط، بی تجربگی، عدم برخورداری از صلاحیت های مدیریتی، مشکلات مربوط به بازاریابی، مشکلات کارگزینی، عدم دسترسی به خدمات مشاوره ای تخصصی، محدودیت شبکه های تجاری و اجتماعی، موانع فرهنگی، ناامنی اجتماعی و تسلط مردان بر بازارها دانسته است. [12]

بر اساس گزارش بانک توسعه آسیا (۲۰۰۷)، عدم دسترسی به مواردی همچون تکنولوژی های نوین، خدمات، اعتبارات، ترویج و آموزش کشاورزی و عدم برخورداری از دانش و مهارت های لازم برای اداره یک کسب و کار، از جمله مشکلات عمده فعالیت های کارآفرینانه زنان به شمار می روند. [12]

افرادى که در جوامع روستایی زندگی می کنند شرایط زندگی و محیط زیست منحصر به فردی دارند که با زندگی در مراکز شهری تفاوت شایان توجهی دارد. بر این اساس، تفاوت های مهمی در طبیعت و پاسخ به عوامل استرس زا در روستا به نسبت مناطق شهری دیده می شود؛ بنابراین قبل از توسعه برنامه هایی برای بهبود بهزیستی افراد در مناطق روستایی، درک جامع از موانع و عوامل محافظتی، که به سلامت روانی و تاب آوری آنها کمک می کند، ضرورت دارد. مطالعات نشان می دهد به رغم نقش انکارناپذیر زنان و مشارکت آنان در فرایند توسعه پایدار، متأسفانه در عرصه کارآفرینی با تنگناها، چالش ها، مشکلات و محدودیت های زیادی مواجه اند و این مسئله استفاده از پتانسیل زنان در برنامه های توسعه را به امری پیچیده و بغرنج بدل ساخته است که خارج شدن از آن نیاز به شناخت و آگاهی دارد [9]

بهره کلام:

کارآفرینی زنان در مناطق کمتر توسعه یافته و روستایی ابزاری برای ارتقای توانمندسازی، پایداری مکان های زندگی روستایی، افزایش درآمد، بهره برداری مناسب از منابع در دسترس، شناسایی هرچه بیشتر فرصت های موجود اقتصادی، کاهش فقر روستایی، فراهم نمودن زمینه های رشد اقتصادی، افزایش مشارکت، توزیع مناسب درآمد و غیره است. بنابراین، برای تقویت هرچه بیشتر کارآفرینی زنان روستایی و به دنبال آن توسعه مناطق روستایی، مطالعه عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی اهمیت فراوانی دارد. لذا با توجه به اهمیت موضوع، هدف پژوهش حاضر شناسایی مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر

کارآفرینی زنان روستایی بوده است. با بررسی تحقیقات پیرامون کارآفرینی زنان در مناطق کمتر توسعه یافته و روستایی، مشخص شد که عوامل مؤثر بر کارآفرینی آن ها در هفت دسته ساختاری - محیطی، خانوادگی، فردی - رفتاری/روانشناختی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی - مالی، نهادی - قانونی و ترویجی - آموزشی طبقه بندی شدند بنابراین پیشنهاد میگردد برای ایجاد و ارتقای دانش فردی زنان مناطق کمتر توسعه یافته و روستایی دوره های آموزشی کاربردی رسمی و غیررسمی مبتنی بر مولفه های بومی با تاکید بر ارتقای دانش و مهارت های زنان کارآفرین روستایی در حیطه فعالیت های تولیدی و خدماتی بصورت دوره ای برگزار گردد تا با این رویکرد سطح توانمندی علمی و عملیاتی آن ها ارتقا یابد. با توجه به نقش پُر اهمیت مولفه های فردی در توسعه کارآفرینی، زنان روستایی باید در تحقق بخشیدن به ایده های خود مصمم باشند و با اعتماد به نفس، محیط پیرامون خود را در جهت مثبت تغییر دهند و شخصاً عوامل فردی را تقویت کنند و مسیر

کارآفرینی خود را بهبود بخشند. همچنین، مشوق هایی برای زنان کارآفرین مناطق کمتر توسعه یافته و روستایی موفق در نظر گرفته شود تا انگیزه برای دیگر زنان را برای شروع این امر تقویت کند.

با توجه به اینکه باید امکانات اقتصادی مورد نیاز برای ایجاد و گسترش کارآفرینی زنان روستایی فراهم شود تا درآمد حاصل شود، باید با اندیشیدن تمهیداتی، امکان دسترسی آسان تر به شرایط و امکانات اقتصادی مورد نیاز کسب و کارها و ارائه تسهیلاتی برای تأمین منابع مالی لازم برای زنان کارآفرین از طریق تخصیص اعتباراتی با بهره کم در سیستم بانکی کشور و سایر مؤسسات اعتباری و نیز امکان سرمایه گذاری در کسب و کارهای پربازده و ایجاد امنیت سرمایه گذاری از طریق بیمه سرمایه و تولیدات زنان فراهم شود.

پیشنهاد می شود که دوره ها و کارگاه های آموزشی در زمینه های متنوع و مورد نیاز زنان روستایی در زمان هایی متناسب با فعالیت های آن ها برگزار شود، اطلاع رسانی مناسب درخصوص نوع، زمان و مکان برگزاری دوره ها انجام شود و به دلیل برخی مشکلات زنان روستایی برای حضور در دوره های آموزشی برگزار شده در شهرها، حتی المقدور این دوره ها در مناطق روستایی تشکیل شوند، از هریک از دوره های آموزشی در حال برگزاری، ارزشیابی های لازم در مقاطع مختلف به ویژه پس از اتمام دوره در زمینه میزان تأثیرگذاری و کسب مهارت های مورد نیاز و پیش بینی شده توسط فراگیران انجام شود؛ همچنین از طریق رسانه های گروهی و برنامه های ترویجی، برنامه های مرتبط با زنان که ضمن تشریح حقوق اجتماعی - فرهنگی زنان روستایی و معرفی نقش و ارزش کارآفرینی زنان و نیز جلب حمایت جامعه از فعالیت های زنان کارآفرین، آگاه سازی آن ها از جایگاه، توانایی های بالقوه و نقش مؤثر خود در توسعه صورت گیرد

. شرکت در گروه های مختلف رسمی و غیررسمی مانند شورای روستا و هیئت امنای مسجد و غیره برای افزایش سطح شناخت نسبت به مسائل جامعه و ارتقای سطح شهروندی، به ویژه حقوق زنان روستایی، ضروری است، هرچه فرهنگ جامعه به برابری جنسیتی نزدیک تر و اجتماع با حضور زنان در فعالیت های مختلف نزدیک تر باشد، عضویت زنان در گروه های اجتماعی نیز ارتقا خواهد یافت. برای ارتقای سطح عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر در کارآفرینی زنان روستایی باید انتظارات فرهنگی و اجتماعی از زنان و بازنگری در نقش زنان به عنوان بخشی مؤثر و فعال در جامعه صورت پذیرد. با الگوبرداری از زنان کارآفرین منطقه ای - ملی و فراملی می توان شرایط فرهنگی موجود در جوامع روستایی را تغییر داد و برای توسعه کارآفرینی زنان روستایی تسهیل کرد.

اغلب نگرش منفی مردان به فعالیت های اقتصادی زنان عاملی بازدارنده محسوب می شود. تغییر نگرش جوامع به توانمندی زنان، به خصوص در مناطق روستایی، با استفاده از رسانه های ارتباطی و شناساندن زنان کارآفرین موفق می تواند حمایت خانواده های روستایی را از زنان کارآفرین ارتقا بخشد.

به منظور ارتقای سطوح عامل حمایت نهادهای دولتی، شکل گیری و تقویت سازمان های متولی حمایت از زنان کارآفرین باید در جامعه فراهم آید. نهاد ها و مؤسسات مرتبط به تدوین و اجرای سیاست ها و قوانین تسهیل کننده و حامی فعالیت های زنان روستایی اهتمام بیشتری ورزند. با اجرای برنامه های آموزشی و توجیهی برای مدیران و سیاست گذاران، از یک سو در نگاه و اعتماد آنان به توانمندی های زنان کارآفرین تغییر صورت پذیرد و از سوی دیگر، زمینه های اثرگذاری و تقویت جایگاه زنان در راهبردهای توسعه روستایی در سیاست های کلان توسعه کشور پذیرفته و لحاظ شود. مهیا کردن زیرساخت ها به خصوص حمل و نقل و بهبود و ارتقای سطح دسترسی زنان به این زیرساخت ها جهت راه اندازی کسب و کار و همچنین انجام دادن پروژه های تحقیقاتی و بررسی شرایط مناطق روستایی در جهت ایجاد مراکز رشد روستایی بایمد نظر قرار گیرد تا زنان روستایی در مسیر توسعه کارآفرینی با مشکلات زیرساختی مواجه نشوند.

بنابراین، بین هریک از هفت عامل مرتبط با کارآفرینی، متغیرهای گوناگونی وجود دارد که هرکدام از آن ها تأثیرات مختلفی بر کارآفرینی زنان روستایی دارند. از آنجا که دیدگاه های مختلفی در مورد عوامل مرتبط با کارآفرینی شامل نظریه های اقتصادی، روان شناختی، رفتاری و غیره وجود دارد و هرکدام یک عامل را بر کارآفرینی مؤثر دانسته اند، می توان گفت که همه عوامل در توسعه کارآفرینی تأثیر گذارند، اما شدت اثرگذاری و اهمیت هریک از متغیرها متفاوت است. بنابراین، نباید عاملی را بی تأثیر در نظر گرفت و برنامه ریزی ها به منظور توسعه کارآفرینی زنان روستایی باید با توجه به نقش عوامل گوناگون اثرگذار بر این امر صورت گیرند.

منابع:

- ##. یاسوری، مجید. نوروزی نژاد، معصومه. (۱۴۰۰) (فرا تحلیل کیفی ابعاد توسعه کارآفرینی زنان روستایی. زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۹، بهار، شماره ۲۱، ۱-۴۱)
- ##. علی بیگی، امیرحسین. تقی بیگی، معصومه. (۱۴۰۲) (برنامه ریزی راهبردی توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه از طریق کارآفرینی: کاربرد تکنیک Meta-SWOT. پژوهش های روستایی، دوره ۱۴، بهار، شماره ۱ (پیاپی ۹۰)، ۵۳-۱۱۳)
- ##. جعفری، مهناز. مهدی زاده، حسین. شیر، نعمت الله. (۱۴۰۱) (طراحی الگویی برای توسعه کارآفرینی اجتماعی در بین زنان روستایی: کاربرد نظریه داده بنیان. روستا و توسعه، سال بیست و پنجم، پاییز، شماره ۱۱۵، ۳-۱۳۸)
- ##. ایمانی، بهرام. ناصری منش، علی. آرامی، ابراهیم. (۱۳۹۷) (ارزیابی اثرگذاری شاخص ها و زمینه های مساعد کارآفرینی در توسعه بهینه کارآفرینی روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان اردبیل). مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی، دوره ۱۳، زمستان، شماره ۴ (پیاپی ۱۰۴۳)، ۴۵-۱۰۵۵)
- ##. شاهوند، ساناز. امیدی نجف آبادی، مریم. فرج الله حسینی، سید جمال. (۱۴۰۱) (الگوی پارادایمی توسعه کارآفرینی اجتماعی زنان روستایی با استفاده از تئوری بنیانی. جغرافیا و توسعه، زمستان، شماره ۱۵۲، ۶۹-۱۸۲)
- Salarzahi, H (2018). An epistemological critique of social entrepreneurship & Forouharfar, A., Rowshan, S. A., ## definitions. Journal of Global Entrepreneurship Research, 8(1), 1-40.
- Razak, R. (2011). Attributes, Environment Factors and Women Entrepreneurial Activity: A & Mat, I., ## Literature Review, Asian Social Science, 7(9), 124-130.
- amberidou, I. (2020). Distinguished women entrepreneurs in the digital economy and the multitasking . ## whirlpool. Journal of Innovation and Entrepreneurship, 9(1):3.
- ##. بادزبان، فاطمه. رضایی مقدم، کوروش. فاطمی، مهسا. (۱۳۹۹) (تحلیل میزان تابآوری زنان کارآفرین روستایی با بهره گیری از مقیاس کانر دیویدسون. سیاست نامه علم و فناوری، دوره دهم، بهار، شماره ۱ (پیاپی). ۳۰)
- ##. طهماسبی، کلثوم. رضایی، بیژن. نادری، نادر. (۱۴۰۱) (واکاوی عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی شهرستان نهاوند. اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یازدهم، زمستان، شماره ۴ (پیاپی. ۱۹۵-۲۱۲)، ۴۲)
- ##. ولی زاده، مهتاب. رستمی، فرحناز. شیر، نعمت الله. خوش مرام، مژگان. (۱۴۰۱) (واکاوی عوامل مؤثر بر تشخیص فرصت های کارآفرینی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه. زن در توسعه و سیاست، دوره ۲۰، زمستان، شماره ۴، ۶۹۷-۷۲۱)
- ##. خسروی پور، بهمن. طهماسبی، مریم. عامری، مریم. (۱۳۹۹) (شناسایی عوامل زمینه ای اثرگذار بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی در شهرستان آبادان. اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال نهم، زمستان، شماره ۴ (پیاپی ۴۰۰-۴۱۲)، ۴۱-۴۰)



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

An Analytical Approach to Women's Entrepreneurship in Less Developed and Rural Societies

RoozbehHabibi

Assistant professor, Department of Management, Payam Noor University, Tehran, Iran Email:
Habibir@pnu.ac.ir



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract:

Entrepreneurship in the third millennium is one of the central activities that can have a development-oriented function and generate employment and solve economic problems at the macro level, especially in less developed and rural areas. Rural entrepreneurship seeks to identify innovative opportunities based on creativity in various and diverse activities. In the 21st century, women's presence in the labor market and their participation in socio-economic activities has become one of the important components of human/economic development. Which can lead to development and employment creation and poverty alleviation. Learning entrepreneurial skills among rural women requires planning to identify key factors affecting the development of entrepreneurial activities. Therefore, in order to further strengthen rural women's entrepreneurship, it is of great importance to study the factors affecting the development of rural women's entrepreneurship. Accordingly, the aim of the present study is to identify the components affecting women's entrepreneurship in less developed and rural societies. According to the research findings, the most important factors affecting the creation and development of rural women's entrepreneurship are: : Improving the level of literacy and individual knowledge of rural women, participating in entrepreneurship training courses based on indigenous components, enabling commercialization and income generation, supporting and advocating for the family, establishing supportive laws and creating an appropriate environment by government and governance institutions.

Keywords: Development, employment, entrepreneurship, rural women.

رابطه بین مشارکت عمومی و توسعه پایدار از منظر حقوقی

فرنگیس؛ منصوری، استادیار، گروه حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران،

F.mansoori@pnu.ac.ir

چکیده

مشارکت عمومی به عنوان یکی از ارکان بنیادین حکمرانی دموکراتیک، نقشی اساسی در تحقق توسعه پایدار ایفا می کند. توسعه پایدار نه تنها به جنبه های اقتصادی و زیست محیطی محدود نمی شود، بلکه ابعاد اجتماعی و حقوقی آن نیز اهمیت بسزایی دارند. از منظر حقوقی، اصل مشارکت شهروندان در تصمیم گیری ها، دسترسی آزاد به اطلاعات، و امکان نظارت عمومی بر نهادهای حکومتی از مهم ترین پیش شرط های پایداری در توسعه محسوب می شود. در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی، تلاش شده است تا ارتباط میان مشارکت عمومی و توسعه پایدار از منظر حقوقی بررسی شود. یافته های پژوهش نشان می دهد که مشارکت فعال مردم در فرایندهای تصمیم سازی و تصمیم گیری، ضمن ارتقای مشروعیت و کارآمدی نظام حقوقی، می تواند تضمین کننده تحقق اهداف توسعه پایدار در ابعاد گوناگون باشد. در عین حال، موانعی چون ضعف در اجرای قوانین، کمبود شفافیت، و نبود بسترهای نهادی مناسب، تحقق این رابطه را با چالش مواجه ساخته است.

واژگان کلیدی: مشارکت عمومی، توسعه پایدار، حقوق عمومی، حکمرانی دموکراتیک، شفافیت

۱. مقدمه

در دهه های اخیر، مفهوم توسعه پایدار به عنوان یکی از مهم ترین رویکردهای جوامع بشری در عرصه سیاست گذاری و قانون گذاری مطرح شده است. توسعه پایدار به معنای تأمین نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن توانایی نسل های آینده در برآورده ساختن نیازهای خود، بر سه بعد اصلی اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی استوار است. تحقق این ابعاد نیازمند وجود سازوکارهایی است که مشارکت عمومی را در تمامی فرایندهای تصمیم گیری تضمین نماید.

از منظر حقوقی، مشارکت عمومی نه تنها یک حق بنیادین شهروندان بلکه ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی، ارتقای شفافیت و تضمین کارآمدی قوانین و سیاست ها محسوب می شود. در اسناد بین المللی همچون «اعلامیه ریو ۱۹۹۲»^{۸۸} و «دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل»^{۸۹}،

^{۸۸} . Rio Declaration on Environment and Development

^{۸۹} . The 2030 Agenda for Sustainable Development, adopted by all United Nations members in 2015.

نقش مشارکت مردم به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار مورد تأکید قرار گرفته است. در سطح ملی نیز، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصولی همچون اصل ۶ و اصل ۵۰ بر لزوم دخالت و مشارکت مردم در اداره امور تأکید دارد. با وجود این، شواهد نشان می‌دهد که در عمل، موانع متعددی همچون ضعف ضمانت اجرایی قوانین، کمبود نهادهای نظارتی و ناآگاهی عمومی، مانع از تحقق کامل مشارکت عمومی در فرایندهای توسعه‌ای می‌شوند. از این رو، پرسش اصلی این پژوهش آن است که: چه رابطه‌ای میان مشارکت عمومی و تحقق توسعه پایدار از منظر حقوقی وجود دارد و چگونه می‌توان این رابطه را تقویت نمود؟

۲. مبانی نظری و مفاهیم

۲-۱- مشارکت عمومی

مشارکت عمومی به معنای حضور آگاهانه و داوطلبانه شهروندان در فرایندهای تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها است. این مفهوم می‌تواند در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تحقق یابد. از منظر حقوق عمومی مشارکت شهروندان در اداره امور هم یک حق بنیادین و هم یک تکلیف اجتماعی محسوب می‌شود. نظریه‌های مردم‌سالاری مشارکتی^{۹۰} بر این باور هستند که مشارکت فعال مردم در تصمیم‌گیری‌های عمومی نه تنها موجب افزایش مشروعیت و کارآمدی حکومت می‌شود بلکه باعث توزیع عادلانه‌تر منابع و تقویت حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز خواهد شد. (Pateman, 1970)

۲-۲- توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار نخستین بار در گزارش آینده مشترک ما (۱۹۸۷)،^{۹۱} کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه مطرح شد. این مفهوم به معنای توسعه‌ای است که نیازهای کنونی بشر را تأمین می‌کند بی آنکه توانایی نسل‌های آینده را در تأمین نیازهایشان به مخاطره اندازد. توسعه پایدار دارای سه بعد اصلی است: اقتصادی (رشد پایدار و عادلانه اجتماعی)، اجتماعی (عدالت اجتماعی، رفاه و برابری) و زیست محیطی (حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی).

از دیدگاه حقوقی توسعه پایدار مستلزم آن است که دولت‌ها سازوکارهای قانونی برای تضمین عدالت بین نسلی، رعایت اصول عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست ایجاد نمایند.

۲-۳- پیوند مشارکت عمومی و توسعه پایدار

مطالعات نشان می‌دهد که تحقق توسعه پایدار بدون مشارکت مردم ممکن نیست؛ زیرا سیاست‌های توسعه‌ای زمانی موفق خواهند بود که مردم در فرایند تدوین، تصویب و اجرای آن دخالت داده شوند در همین راستا اصل دهم اعلامیه ریو (۱۹۹۲) بر ضرورت دسترسی همگان به اطلاعات زیست محیطی، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و دسترسی به عدالت تأکید می‌کند. همچنین اهداف توسعه پایدار سازمان ملل بر نقش جوامع محلی و مشارکت شهروندان در اجرای برنامه‌ها تصریح دارند.

^{۹۰} . Participatory democracy

^{۹۱} . Our Common Future, also known as the Brundtland Report, was published in October 1987 by the United Nations through the Oxford University Press.

۳- رابطه مشارکت عمومی و توسعه پایدار از منظر حقوقی

مشارکت عمومی و توسعه پایدار، دو مفهوم کلیدی و به هم پیوسته‌اند که در رشد اقتصادی و اجتماعی جوامع نقش بسزایی ایفا می‌کنند. در ادامه رابطه این دو از منظر اصول حقوق عمومی و مقررات بین‌المللی و داخلی بررسی می‌شود.

۳-۱- اصول حقوق عمومی و مشارکت

از منظر حقوق عمومی، مشارکت شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری یکی از مهم‌ترین جلوه‌های دموکراسی محسوب می‌شود. بر اساس دموکراسی مشارکتی مردم نه تنها حق دارند که بلکه وظیفه دارند در اداره امور دخالت کنند. (UNCED, 1992; UN, 2015) در این راستا، اصل مشارکت مردم به عنوان یک حق بنیادین در اسناد بین‌المللی حقوق بشر همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ نیز به رسمیت شناخته شده است.

۳-۲- اسناد بین‌المللی مرتبط

یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در زمینه توسعه پایدار اعلامیه ریو ۱۹۹۲ در باره محیط زیست و توسعه است که در اصل دهم خود بر ۳ مؤلفه «دسترسی آزاد به اطلاعات»، «مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها» و «دسترسی به عدالت در موضوعات زیست محیطی» تأکید دارد. (UNCED, 1992; UN, 2015) همچنین دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل و اهداف ۱۷ گانه توسعه پایدار به ویژه در اهداف ۱۶ و ۱۷ به لزوم تقویت نهادهای پاسخگو، شفاف، مردم محور و همچنین ارتقای مشارکت همگانی اشاره می‌کند. (UN 2015)

۳-۳- قوانین و مقررات داخلی ایران

در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز اصول متعددی بر مشارکت عمومی و نقش آن در تحقق توسعه پایدار تأکید دارند: اصل ششم قانون اساسی اداره امور کشور به اتکا آرای عمومی از راه انتخابات، اصل هفتم شوراها به عنوان ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور محلی، اصل پنجاهم حفاظت از محیط زیست وظیفه عمومی تلقی شده، فعالیتی که منجر به تخریب غیر قابل جبران محیط زیست شود، ممنوع است. این اصول نشان می‌دهد که مشارکت عمومی علاوه بر جنبه سیاسی در حوزه‌های اجتماعی و زیست محیطی نیز به عنوان یک الزام حقوقی نظام حقوقی در نظر گرفته شده است. با این حال نبود سازوکارهای اجرایی کارآمد موجب شده تا این اصول در عمل به طور کامل تحقق نیابند. (کاتوزیان، ۱۳۹۰)

بطور کلی بررسی تطبیقی اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی نشان می‌دهد که مشارکت عمومی از منظر حقوقی هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح ملی جایگاه ویژه‌ای دارد. وجود چالش اصلی در اجرای موثر این قوانین و تبدیل مشارکت از یک حق صرف به یک واقعیت عملی است. در واقع مشارکت عمومی می‌تواند به افزایش شفافیت و ارتقاء پاسخگویی نهادها و جلوگیری از تصمیمات ناپایدار کمک کند اما این امر مستلزم اراده سیاسی و تقویت نهادهای حقوقی و مدنی است. (Sen, 1999; Stiglitz, 2002).

۴- چالش‌ها و موانع تحقق مشارکت عمومی در مسیر توسعه پایدار

با وجود تأکید اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی بر اهمیت مشارکت عمومی، در عمل موانع متعددی مانع از تحقق کامل این مشارکت در فرایند توسعه پایدار می‌شوند. مهم‌ترین چالش‌ها عبارتند از:

۴-۱- ضعف ضمانت اجرای قوانین

گرچه در سطح قانون اساسی و برخی قوانین عادی مشارکت عمومی مورد توجه قرار گرفته است، اما فقدان ضمانت اجرای اجرایی کافی موجب شده به مرحله اجرا در نیایند. به عنوان مثال، اصل پنجاهم قانون اساسی حفاظت از محیط زیست را وظیفه عمومی می‌داند ولی در عمل نظارت عمومی بر فعالیتهای مخرب محیط زیست بسیار محدود است. (کاتوزیان ۱۳۹۰)

۴-۲- کمبود نهادهای واسطه‌ای و مدنی

نهادهای مدنی مانند سازمان‌های مردم‌نهاد و شوراهای محلی نقش کلیدی در تقویت مشارکت عمومی دارند. اما در بسیاری از کشورها از جمله ایران ضعف در ساختار اختیارات این نهادها موجب شده تا نقش موثری در سیاست‌گذاری‌ها نداشته باشند. (رستمی، ۱۳۹۸)

۴-۳- ناآگاهی و کمبود آموزش عمومی

سطح آگاهی و دانش شهروندان نسبت به حقوق خود و اهمیت مشارکت در تصمیم‌گیری‌های عمومی از عوامل تعیین‌کننده در کیفیت مشارکت است. نبود آموزش کافی در زمینه حقوق شهروندی و توسعه باعث شده مشارکت عمومی در عمل محدود بماند. (حسینی، ۱۳۹۵)

۴-۴- موانع فرهنگی و اجتماعی

در برخی جوامع فرهنگ سیاسی مبتنی بر تمرکزگرایی و عدم اعتماد به نهادهای دولتی مانع از مشارکت گسترده مردم می‌شود این موضوع در کشورهایی با سابقه اقتدارگرایی بیشتر به چشم می‌خورد و موجب می‌شود مردم احساس کنند مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌ها تأثیر چندانی ندارد. (Putnam, 1993)

۴-۵- نبود شفافیت و دسترسی به اطلاعات

شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات از مهمترین پیش‌شرط‌های مشارکت عمومی است. در بسیاری از موارد محدودیت در انتشار داده‌های محیط زیستی، اقتصادی یا اجتماعی موجب می‌شود مردم نتوانند آگاهانه در فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکت کنند. (Stiglitz, 2002)

۵- تقویت مشارکت عمومی در راستای توسعه پایدار

با توجه به اهمیت مشارکت عمومی در تحقق توسعه پایدار و موانعی که پیشتر بیان شد، انجام برخی اقدامات حقوقی و اجرایی برای تقویت این مشارکت ضروری به نظر می‌رسد. مهم‌ترین این اقدامات عبارتند از:

- اصلاح و تقویت قوانین و مقررات

لازم است قوانین مربوط به مشارکت عمومی با تاکید بر ضمانت اجرای های قوی تر بازنگری شوند. تصویب قوانین شفاف در حوزه دسترسی به اطلاعات و افزایش مسئولیت پذیری نهادهای دولتی می تواند بستر حقوقی مشارکت موثر را فراهم آورد. (UN, 2015)

- توانمندسازی نهادهای مدنی

سازمان های مردم نهاد، شوراهای محلی و انجمن های تخصصی می توانند نقش موثری در تقویت مشارکت عمومی داشته باشند. حمایت حقوقی و مالی از این نهادها و گسترش دامنه اختیارات آنها گامی مهم در ارتقای مشارکت خواهد بود. (رستمی، ۱۳۹۸)

- ارتقای آموزش و فرهنگ سازی

آگاهی بخشی به شهروندان درباره حقوق و مسئولیت هایشان در حوزه توسعه پایدار از طریق نظام آموزشی و رسانه ها می تواند موجب افزایش انگیزه برای مشارکت در تصمیم گیری ها شود. تجربه کشورهایی که در این زمینه موفق بوده اند، نشان می دهد سرمایه گذاری در آموزش شهروندی نقشی اساسی در تحقق توسعه پایدار دارد. (Putnam, 1993)

- شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات

ایجاد سامانه های عمومی اطلاع رسانی و الزام نهادهای دولتی به انتشار داده های مرتبط با محیط زیست، اقتصاد و سیاست های اجتماعی موجب می شود مردم بتوانند آگاهانه در فرایند تصمیم گیری مشارکت کنند. (Stiglitz, 2002)

- تقویت بسترهای حقوقی برای مشارکت الکترونیکی

با توجه به گسترش فناوری های نوین، استفاده از ابزارهای مشارکت الکترونیکی می تواند زمینه حضور گسترده تر مردم در فرایندهای تصمیم گیری را فراهم کند. ایجاد سازوکارهای حقوقی برای رسمیت بخشیدن به این نوع مشارکت می تواند به شفافیت و کارآمدی بیشتر منجر شود. (OECD, 2003)

۶- نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین مشارکت عمومی و توسعه پایدار از منظر حقوقی انجام شد. بررسی اسناد بین المللی، قوانین داخلی و نظریه های حقوق عمومی نشان داد که مشارکت شهروندان نه تنها یک حق بنیادین بلکه ابزاری کلیدی برای تحقق اهداف توسعه پایدار است. مشارکت فعال مردم موجب افزایش مشروعیت و پاسخگویی نهادهای دولتی، تقویت عدالت اجتماعی و حفاظت مؤثرتر از محیط زیست می شود.

با این حال، چالش های متعددی از جمله ضعف ضمانت اجرایی قوانین، کمبود نهادهای مدنی فعال، ناآگاهی عمومی، محدودیت دسترسی به اطلاعات و موانع فرهنگی، مانع از تحقق کامل مشارکت عمومی هستند. این پژوهش نشان می دهد که بدون رفع این موانع، تحقق توسعه پایدار در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی با محدودیت مواجه خواهد شد.

در راستای افزایش نقش مشارکت عمومی و تاثیر آن بر توسعه پایدار انجام یک سری راهکارها و اقدامات ضروری می باشد؛ راهکارهای ارائه شده شامل اصلاح و تقویت قوانین، توانمندسازی نهادهای مدنی، ارتقای آموزش و فرهنگ سازی، افزایش شفافیت و دسترسی به اطلاعات و بهره گیری از ابزارهای مشارکت الکترونیکی است. اجرای این راهکارها می تواند مشارکت عمومی را نهادینه



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

کرده و زمینه تحقق توسعه پایدار را به طور مؤثر فراهم آورد. بهر حال مشارکت عمومی می تواند ابزاری مؤثر برای تحقق اهداف توسعه پایدار بویژه در زمینه های توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست باشد. در نهایت، تقویت مشارکت عمومی از منظر حقوقی، نه تنها یک ضرورت قانونی و اخلاقی بلکه کلید اصلی دستیابی به توسعه پایدار در جامعه ایران و جهان است.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

منابع

- ## حسینی، م. (۱۳۹۵)، نقش مشارکت اجتماعی در حکمرانی خوب، فصلنامه حقوق عمومی، ۱۷(۲)، ۴۵-۶۷.
- ## رستمی، ع. (۱۳۹۸)، جایگاه نهادهای مدنی در توسعه پایدار، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۲(۱)، ۷۵-۹۸.
- ## کاتوزیان، ن. (۱۳۹۰)، حقوق عمومی. تهران: انتشارات میزان.
- ## قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸)

- ## Pateman, C. (1970). Participation and Democratic Theory. Cambridge University Press.
- ## Putnam, R. (1993). Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy. Princeton University Press.
- Sen, A. (1999). Development as Freedom. Oxford University Press. ##
- ## Stiglitz, J. (2002). Globalization and its Discontents. W.W. Norton & Company.
- Documents:
- ## OECD. (2003). Promise and Problems of E-Democracy: Challenges of Online Citizen Engagement. OECD Publishing.
- ## UN. (1966). International Covenant on Civil and Political Rights. United Nations.
- ## UN. (2015). Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development. United Nations.
- ## UNCED. (1992). Rio Declaration on Environment and Development. United Nations Conference on Environment and Development.

The relationship between public participation and sustainable development

from legal perspective

Farangis Mansoori

Assistant Professor. Department of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

F.mansoori@pnu.ac.ir



ک: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract

Body text : Public participation as one of the fundamental pillars of democratic rule plays a key role in the realization of sustainable development. Sustainable development is not only limited to economic and environmental aspects, but also its social and legal dimensions. From a legal point of view, the principle of citizen participation in decision -making, free access to information, and the possibility of public oversight of government agencies are the most important preconditions in development. In this paper, with the analytical -reconciliation method, it has been attempted to examine the relationship between public participation and sustainable development from legal perspective. The findings of the study show that the active participation of the people in decision -making and decision -making processes, while promoting the legitimacy and efficiency of the legal system, can guarantee the realization of sustainable development goals in various dimensions. At the same time, obstacles such as weakness in law enforcement, lack of transparency, and lack of proper institutional contexts have challenged this relationship.

Keywords: Public Partnership, Sustainable Development, Public Law, Democratic Governance, Transparency

نقش ادبیات در توسعه مشارکت مردمی و توسعه پایدار در استان سیستان و بلوچستان

محمد؛ همت کوهسار؛ هیات علمی؛ دانشگاه پیام نور، ایران. Mohamadhematkohsar@pnu.ac.ir

چکیده

ادبیات بومی به عنوان یک ابزار فرهنگی و اجتماعی قدرتمند، نقشی حیاتی در تقویت مشارکت مردمی و توسعه پایدار ایفا می کند. در استان سیستان و بلوچستان، با توجه به تنوع فرهنگی و زبانی این منطقه، ادبیات محلی می تواند به عنوان پلی میان تاریخ فرهنگی، ارزش های بومی و نیازهای معاصر عمل کند. این پژوهش به بررسی نقش ادبیات بومی در تقویت هویت محلی، افزایش آگاهی اجتماعی و ارتقاء مشارکت مردمی در فرآیندهای توسعه پایدار می پردازد. نتایج مطالعه نشان می دهند که استفاده از ادبیات محلی می تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای تقویت همبستگی اجتماعی، ایجاد حس مسئولیت اجتماعی و ارتقاء مشارکت مردمی در پروژه های توسعه ای عمل کند. علاوه بر این، ادبیات بومی به عنوان ابزاری برای انتقال مفاهیم زیست محیطی و توسعه پایدار، می تواند نقش اساسی در ارتقاء آگاهی عمومی از چالش های محیط زیستی و اجتماعی ایفا کند. این پژوهش همچنین بر لزوم توجه به ادبیات در فرآیندهای توسعه پایدار تأکید دارد و معتقد است که این رویکرد می تواند به عنوان مدل عملی برای سایر مناطق مشابه نیز مورد استفاده قرار گیرد. در نهایت، این مقاله پیشنهادهایی برای استفاده مؤثر از ادبیات در سیاست گذاری های فرهنگی و توسعه ای استان سیستان و بلوچستان ارائه می دهد تا از ظرفیت های فرهنگی و ادبی این منطقه بهره برداری شود و مشارکت مردمی در توسعه پایدار افزایش یابد.

واژگان کلیدی: ادبیات بومی، توسعه پایدار، مشارکت مردمی، سیستان و بلوچستان، هویت محلی

۱. مقدمه

ادبیات به عنوان یکی از ارکان اصلی فرهنگ و تمدن انسانی، همواره نقش مؤثری در شکل گیری هویت جمعی، تداوم ارزش های فرهنگی و ایجاد انسجام اجتماعی ایفا کرده است. در قرن بیست و یکم، با گسترش گفتمان توسعه پایدار، نقش ادبیات از سطح روایت های فرهنگی فراتر رفته و به یکی از ابزارهای راهبردی در تقویت مشارکت مردمی و پایداری اجتماعی بدل شده است (Haase et al., 2021). در این راستا، ادبیات بومی و محلی می تواند پل ارتباطی میان گذشته فرهنگی، ارزش های سنتی و نیازهای معاصر جامعه باشد. سیستان و بلوچستان به عنوان منطقه ای با ظرفیت های غنی فرهنگی، تنوع زبانی و تاریخی، نیازمند رویکردی چندبعدی برای توسعه پایدار است؛ رویکردی که در آن، ادبیات می تواند به عنوان محرکی برای مشارکت مردمی، خودآگاهی فرهنگی و ارتقای سرمایه اجتماعی ایفای نقش نماید (Mohanty, 2022).

اهمیت استفاده از ادبیات در فرآیند توسعه در جوامع محلی به ویژه در مناطق حاشیه‌ای و کمتر توسعه یافته نظیر سیستان و بلوچستان، در مطالعات اخیر مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. به اعتقاد کارشناسان توسعه، دستیابی به توسعه پایدار بدون توجه به عناصر فرهنگی و زمینه‌های ادبی و هنری، نه تنها ناقص بلکه در بلندمدت ناپایدار خواهد بود (Chambers et al., 2023). ادبیات می‌تواند به مثابه زبان مشترک فرهنگی، ابزار انتقال دانش بومی، و شیوه‌ای برای گفت‌وگو با مخاطبان محلی جهت مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و زیست‌محیطی عمل کند (Tornberg & Hermanson, 2021). در این میان، ایجاد همبستگی، ارتقای آگاهی زیست‌محیطی و توانمندسازی اجتماعی از جمله کارکردهای بنیادین ادبیات در راستای توسعه پایدار محسوب می‌شود.

ضرورت توجه به ادبیات در فرآیند توسعه پایدار از آنجا ناشی می‌شود که مشارکت مردمی بدون وجود پیوندهای فرهنگی و زمینه‌های مفهومی مشترک، نمی‌تواند به اثربخشی کافی دست یابد. به بیان دیگر، ادبیات محلی با بازتاب تاریخ، فرهنگ و جهان‌بینی مردم، بستری فراهم می‌آورد تا مشارکت در توسعه از حالت برنامه‌ریزی بالا به پایین، به فرآیندی از پایین به بالا بدل گردد (Bhat & Singh, 2022). چنین فرایندی، احساس تعلق و مسئولیت اجتماعی را تقویت کرده و اعتماد میان دولت و مردم را افزایش می‌دهد. با این نگاه، می‌توان ادبیات را نه تنها بازتاب فرهنگ، بلکه موتور محرک توسعه فرهنگی و اجتماعی دانست.

از منظر پژوهش‌های بین‌المللی، رابطه میان ادبیات و توسعه پایدار به‌ویژه در دهه گذشته وارد فاز جدیدی شده است. مطالعات متعددی بر نقش داستان‌ها و روایت‌های فرهنگی در تغییر نگرش‌ها، ارتقای سواد محیط‌زیستی، و تقویت پایداری اجتماعی تأکید داشته‌اند (Gibson & Gordon, 2020; Mathew & Sankaran, 2023). به‌طور مثال، در پژوهش Springer و همکاران (۲۰۲۲) نقش داستان‌های محلی در مدیریت منابع طبیعی و آموزش شهروندی در جوامع بومی بررسی شده است. همچنین، تحقیقات انجام‌شده توسط Azmi و Yusuf (2021) بر اهمیت آموزش ادبی در شکل‌گیری کنشگری اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای دلالت دارد. در ایران نیز برخی مطالعات داخلی نشان داده‌اند که بهره‌گیری از ادبیات بومی در آموزش توسعه پایدار به افزایش مشارکت زنان و جوانان در فرآیندهای اجتماعی منجر شده است (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲).

از سوی دیگر، نقش ادبیات در تقویت هویت فرهنگی به عنوان پیش‌نیاز مشارکت، توسط بسیاری از محققان تأیید شده است. مطابق با دیدگاه Macleod (2021)، هویت فرهنگی عامل کلیدی در پایداری اجتماعی است و ادبیات به عنوان ابزار احیا و انتقال آن، نقشی بنیادین دارد. همچنین، ارتباط میان ادبیات و سرمایه اجتماعی در مطالعات O'Connor (2020) برجسته شده است؛ به نحوی که تقویت خواندن متون ادبی محلی در مدارس، منجر به افزایش حس مسئولیت و همبستگی اجتماعی شده است. این یافته‌ها در تحلیل توسعه منطقه‌ای، اهمیت ادبیات به عنوان عنصری پویا و چندبعدی در فرایند توسعه پایدار را نشان می‌دهند.

ادبیات همچنین می‌تواند به عنوان منبعی برای انتقال مفاهیم پیچیده توسعه پایدار به زبان ساده و قابل فهم در میان اقشار مختلف جامعه، از کودکان تا سالمندان، ایفای نقش کند (Sánchez & Lehtonen, 2022). این ویژگی، قدرت فرازبانی و فرامرزی ادبیات را به عنوان ابزاری برای تغییر اجتماعی تثبیت می‌کند. علاوه بر این، مضامین داستانی همچون عدالت اجتماعی، برابری، حفاظت از محیط زیست و صلح، در متون ادبی می‌تواند الگوهای رفتاری پایدار را شکل دهد (Kumar et al., 2021).

نوآوری این پژوهش در آن است که برای نخستین بار، نقش ادبیات بومی در استان سیستان و بلوچستان در پیوند با توسعه پایدار و مشارکت مردمی به صورت یکپارچه و ساختاریافته تحلیل می‌شود. درحالی‌که بسیاری از پژوهش‌های پیشین یا به بررسی نقش فرهنگ در توسعه پرداخته‌اند و یا به صورت مستقل به ادبیات محلی توجه داشته‌اند، این مطالعه تلاش دارد تا با ایجاد پیوندی معنادار میان مفاهیم توسعه پایدار، مشارکت اجتماعی و ادبیات محلی، مدلی نظری و کاربردی برای ارتقای مشارکت مردمی در استان ارائه دهد. در واقع، با تمرکز بر زمینه فرهنگی منطقه و بازخوانی ظرفیت‌های ادبیات، راهبردهایی نوین برای تسهیل فرآیند توسعه طراحی می‌شود که می‌تواند در سایر مناطق مشابه نیز قابل بسط باشد.

مطالعه حاضر با هدف تحلیل نقش ادبیات بومی در ارتقاء مشارکت مردمی و تحقق توسعه پایدار در استان سیستان و بلوچستان انجام شده است. در این مسیر، تلاش شده است تا با مرور ادبیات نظری و تجربی، و تحلیل زمینه‌های فرهنگی منطقه، به بررسی این موضوع پرداخته شود که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های موجود در ادبیات برای افزایش آگاهی، احساس مسئولیت اجتماعی و پیوندهای فرهنگی بهره برد. اهداف فرعی تحقیق شامل بررسی نقش ادبیات در تقویت هویت محلی، تحلیل تأثیر ادبیات بر مشارکت زنان و جوانان، و ارائه راهکارهایی برای بهره‌برداری سیاست‌گذاران از ادبیات در مسیر توسعه پایدار منطقه می‌باشد. این پژوهش در تلاش است تا الگویی فرهنگی-اجتماعی برای توسعه مبتنی بر هویت و مشارکت مردمی ارائه دهد که در شرایط متغیر و پیچیده منطقه‌ای، کارآمد و قابل اجرا باشد.

۲. تعریف ادبیات و نقش آن در جامعه

ادبیات به عنوان یکی از ارکان اصلی فرهنگ بشری، در فرآیند شکل‌گیری و حفظ هویت فرهنگی و اجتماعی جوامع نقش مهمی ایفا می‌کند. این هنر که بر اساس تجربه‌ها، باورها و احساسات انسان‌ها شکل می‌گیرد، یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطی برای انتقال مفاهیم، نگرش‌ها و تجارب اجتماعی است. ادبیات با زبان خود قادر است تا احساسات، ارزش‌ها، و ایده‌ها را منتقل کرده و موجب تقویت همبستگی اجتماعی شود. در بسیاری از جوامع، شعر، داستان و افسانه‌ها نه تنها در زمینه تفریح و سرگرمی بلکه به عنوان ابزاری برای انتقال آموزه‌های اخلاقی، تربیتی و فرهنگی ایفای نقش کرده‌اند (Gibson & Gordon, 2020). به‌ویژه در مناطق مختلف جهان، ادبیات به عنوان ابزاری برای آگاهی‌بخشی و تحریک تغییرات اجتماعی و توسعه پایدار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در جوامع مختلف، ادبیات علاوه بر وظایف فرهنگی، به عنوان ابزاری اجتماعی برای آگاه‌سازی و ارتقاء آگاهی عمومی نیز عمل می‌کند. از طریق ادبیات، افراد جامعه نه تنها از گذشته‌های دور بلکه از وضعیت کنونی و آینده نیز آگاه می‌شوند و می‌توانند در ایجاد تغییرات مؤثر مشارکت کنند. در حوزه توسعه پایدار، این ابزار ادبی می‌تواند موجب افزایش آگاهی در خصوص مسائل زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی شده و با تقویت مشارکت مردمی در فرآیندهای توسعه‌ای، نقشی اساسی در تحقق اهداف توسعه پایدار ایفا نماید (Macleod, 2021). از سوی دیگر، ادبیات می‌تواند هویت اجتماعی و ملی یک جامعه را تقویت کرده و باعث ایجاد پیوندهای عاطفی و فرهنگی بین اقشار مختلف جامعه شود. این ویژگی خاص ادبیات به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی مؤثر است، زیرا با تقویت حس همبستگی، افراد را به مشارکت فعالانه در فرآیندهای توسعه‌ای ترغیب می‌کند.

از طرف دیگر، اهمیت ادبیات در فرآیند توسعه پایدار تنها به عنوان میراث فرهنگی و نماد هویت محدود نمی شود، بلکه به عنوان ابزاری آموزشی و انگیزشی برای جوامع مختلف به کار می آید. در جوامعی که با چالش های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی روبه رو هستند، استفاده از ادبیات می تواند به عنوان ابزاری برای تقویت فهم عمومی نسبت به مسائل اساسی و ترغیب به مشارکت در حل مشکلات عمل کند. در این راستا، ادبیات محلی و بومی به ویژه در مناطقی مانند سیستان و بلوچستان که دارای فرهنگ های غنی و متنوعی هستند، می تواند نقش بی بدیلی در تقویت هویت های محلی و ایجاد احساس تعلق اجتماعی داشته باشد. (Shariati, 2021) بدین ترتیب، بهره گیری از ادبیات بومی به عنوان بخشی از فرآیندهای توسعه، می تواند فرصت های جدیدی برای مشارکت مردمی و تحکیم فرآیندهای توسعه ای فراهم آورد.

۳. تاریخچه ادبیات در سیستان و بلوچستان

تاریخچه ادبیات در سیستان و بلوچستان به عنوان یکی از قدیمی ترین نمونه های فرهنگی و هنری ایران، ریشه در فرهنگ غنی و متنوع این سرزمین دارد. این منطقه با تاریخ طولانی و غنی، همواره در عرصه های مختلف فرهنگی و هنری تأثیرگذار بوده است. از دوران های باستان تا به امروز، ادبیات محلی و زبان های بومی این منطقه، نقش مهمی در حفظ هویت فرهنگی و انتقال ارزش های اجتماعی ایفا نموده است. در این منطقه، ادبیات از طریق اشعار، داستان ها، افسانه ها و متون شفاهی، پیام های اجتماعی و فرهنگی را به نسل های بعدی منتقل کرده است. (Zeynali, 2022) در دوران های اسلامی نیز، شعر و نثر به عنوان ابزارهای مهم انتقال باورها، آیین ها و تاریخ محلی شناخته می شده است، به ویژه در قالب های مختلف شعری که به ثبت رسیده اند.

در دوره های مختلف، ادبیات این منطقه همواره در خدمت تقویت هویت اجتماعی و ترویج وحدت اجتماعی قرار داشته است. از آنجا که زبان و ادبیات محلی می توانند یکی از مهم ترین ابزارهای حفظ و انتقال فرهنگ های بومی باشند، در سیستان و بلوچستان نیز این نقش در قالب داستان ها و افسانه های عامیانه و شعرهای حماسی به وضوح قابل مشاهده است. در دوران معاصر، در کنار نگارش آثار نوشتاری، رسانه ها و فنون جدید انتقال فرهنگ نیز بر اهمیت ادبیات در حفظ هویت و میراث فرهنگی تأکید دارند (Rahman, 2023). این تاریخچه غنی نشان می دهد که ادبیات در سیستان و بلوچستان همواره پلی میان گذشته و حال بوده است و نقش مؤثری در تقویت هویت منطقه و همبستگی اجتماعی ایفا کرده است.

تحولات معاصر در زمینه ادبیات، همچنین نشان دهنده نقش جدید این هنر در حفظ و انتقال فرهنگ منطقه در قالب های نوین است. به ویژه با توجه به چالش های توسعه ای که این استان با آن مواجه است، استفاده از ادبیات بومی به عنوان ابزاری مؤثر برای ترویج فرهنگ مشارکت اجتماعی و توسعه پایدار، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به همین دلیل، نیاز به توجه به تاریخچه ادبیات در این منطقه نه تنها برای حفظ میراث فرهنگی، بلکه برای پیشبرد اهداف توسعه پایدار و مشارکت مردمی ضروری است (Mohammad & Zeynali, 2021). در نتیجه، این تاریخچه فرهنگی و هنری نشان می دهد که ادبیات در سیستان و بلوچستان نقشی محوری در فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایفا می کند که نمی توان از آن غافل شد.

۴. مفهوم توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار که به عنوان یکی از اساسی ترین رویکردهای مدیریتی در سطح جهانی مطرح شده است، به برقراری تعادل میان نیازهای کنونی و نیازهای نسل های آینده توجه دارد. این مفهوم که به ویژه از اواخر قرن بیستم مطرح گردید، نه تنها بر جنبه های اقتصادی بلکه بر ابعاد اجتماعی و زیست محیطی نیز تأکید دارد (Bhat & Singh, 2022). در این چارچوب، توسعه پایدار به عنوان یک فرآیند همه جانبه به دنبال ایجاد شرایطی است که در آن نیازهای نسل حاضر به طور معقول و مسئولانه تأمین گردد، بدون آنکه توانایی نسل های آینده برای تأمین نیازهای خود تهدید شود. در این راستا، مشارکت اجتماعی و توجه به فرهنگ های محلی به عنوان یکی از ارکان اصلی تحقق توسعه پایدار شناخته می شود.

در این فرآیند، ادبیات می تواند به عنوان یکی از مؤثرترین ابزارها برای انتقال مفاهیم و ارزش های توسعه پایدار ایفای نقش کند. به ویژه ادبیات بومی که در آن داستان ها و روایت های مردم، نشان دهنده باورها، ارزش ها و دیدگاه های اجتماعی است، می تواند به عنوان ابزاری برای ارتقاء آگاهی و تغییر رفتارهای ناپایدار در جوامع مختلف مورد استفاده قرار گیرد (Mathew & Sankaran, 2023). در جوامعی مانند سیستان و بلوچستان که تنوع فرهنگی و زبانی دارند، بهره گیری از این منابع می تواند همبستگی اجتماعی را تقویت کرده و شرایطی را برای بهره برداری معقول از منابع طبیعی فراهم سازد.

ادبیات در سیستان و بلوچستان می تواند به عنوان ابزار تقویت هویت محلی و انتقال پیام های فرهنگی از نسلی به نسل دیگر استفاده شود. این امر نه تنها در جهت حفظ و نگهداری فرهنگ ها و زبان های بومی مؤثر است، بلکه به عنوان عنصری کلیدی در فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی نیز نقشی اساسی ایفا می کند. استفاده از ادبیات برای ترویج مشارکت فعال و آگاهی از مسائل زیست محیطی و اجتماعی می تواند زمینه های لازم برای توسعه پایدار و هماهنگ با نیازهای محلی را فراهم آورد (Haase et al., 2021).

۵. مشارکت مردمی و اهمیت آن

مشارکت مردمی یکی از ارکان اساسی و حیاتی برای تحقق توسعه پایدار در هر جامعه ای به ویژه در مناطق محروم است. در استان سیستان و بلوچستان، این مشارکت از اهمیت ویژه ای برخوردار است، چرا که در این استان با تنوع قومی و فرهنگی بالا، مشارکت مردمی می تواند به عنوان عامل اصلی در تحقق اهداف توسعه پایدار عمل کند (Zeynali, 2021). مشارکت فعال و آگاهانه مردم در فرآیندهای توسعه، نه تنها به تبلور اهداف کلان توسعه ای کمک می کند، بلکه زمینه ساز ترویج فرهنگ همکاری، مسئولیت پذیری و همبستگی اجتماعی می شود. در این میان، ادبیات به عنوان یک ابزار قدرتمند فرهنگی نقش کلیدی در تقویت احساس تعلق به جامعه و شناخت ارزش های بومی ایفا می کند. ادبیات محلی، با قدرت انتقال مفاهیم اجتماعی و فرهنگی، می تواند به عنوان ابزاری برای افزایش مشارکت مردم در پروژه های توسعه ای و حفظ و تقویت ارزش های فرهنگی عمل کند (Shariati, 2021).

ادبیات علاوه بر تقویت هویت محلی و حفظ میراث فرهنگی، در فرآیندهای توسعه مشارکتی نیز نقش بسزایی دارد. از آنجا که ادبیات بر حافظه تاریخی و سبک زندگی جوامع تأثیر گذار است، استفاده از آن در برنامه های توسعه ای می تواند به افزایش نفوذ اجتماعی و همگرایی گروه های مختلف اجتماعی منجر شود. همچنین، افزایش آگاهی جامعه از اهمیت مشارکت اجتماعی و ترویج فرهنگ مشارکت فردی و جمعی، تنها از طریق گسترش و ترویج ادبیات بومی به دست می آید. به همین دلیل، استفاده از ادبیات به عنوان یک

ابزار فرهنگی در فرآیندهای توسعه، می تواند چشم انداز روشن تری برای آینده پایدار در استان سیستان و بلوچستان رقم بزند و راهکارهای مؤثری برای حضور فعال و مستمر مردم در فرآیند توسعه ارائه دهد (Rahman, 2023).

۶. رابطه ادبیات و مشارکت مردمی

رابطه میان ادبیات و مشارکت مردمی در استان سیستان و بلوچستان از جنبه های مختلف فرهنگی و اجتماعی دارای اهمیت ویژه ای است. ادبیات بومی، به عنوان نماد هویت فرهنگی و میراث معنوی، در تقویت ارتباطات اجتماعی و افزایش همبستگی میان اقشار مختلف جامعه نقش اساسی دارد (Mohammad & Zeynali, 2022). از طریق ادبیات، مردم می توانند ارزش ها، آرمان ها و نگرش های مشترک خود را بیان کرده و در فرآیندهای اجتماعی و توسعه ای مشارکت کنند. بهره گیری از زبان و نمادهای ادبی در انتقال مفاهیم توسعه، موجب درک بهتر اهداف توسعه ای و اهمیت آنها در نزد اقشار مختلف جامعه می شود و سطح مشارکت عمومی را افزایش می دهد. به ویژه، ادبیات محلی با استفاده از داستان ها، اشعار و حکایات، فرصت هایی برای بیان نگرانی ها، نیازها و پیشنهادات جامعه فراهم می آورد که این امر موجب جلب توجه مسئولان و نهادهای توسعه گر می گردد (Gibson & Gordon, 2020).

علاوه بر این، ادبیات در شکل دهی به هویت محلی و تقویت احساس تعلق به جامعه نقش مهمی دارد. این امر اعتماد مردم به فرآیندهای توسعه را تقویت کرده و آنها را ترغیب می کند تا در این فرآیندها مشارکت کنند. به طور ویژه، ادبیات بومی می تواند در قالب برنامه های فرهنگی و هنری نقش مؤثری در ترویج آگاهی های توسعه ای و تشویق به مشارکت فعال ایفا کند. توجه به نقش ادبیات در فرآیندهای توسعه، می تواند بستری مناسب برای تحقق توسعه پایدار و ارتقاء سطح مشارکت مردمی در استان سیستان و بلوچستان فراهم آورد. از این رو، بهره گیری از ظرفیت های فرهنگی و ادبی در فرآیند توسعه می تواند موجب تحقق توسعه ای همسو و پایدار در این منطقه گردد (Haase et al., 2021).

۷. نقش ادبیات در تقویت هویت محلی

ادبیات در تقویت هویت محلی در سیستان و بلوچستان، نقشی بی بدیل و حیاتی دارد. این منطقه با تاریخ و فرهنگ غنی خود، همواره از طریق ادبیات محلی توانسته است هویت فرهنگی خود را به نسل های آینده منتقل کند و بنیان های هویت جمعی را مستحکم نماید (Zeynali, 2020). جشنواره ها، شعرها، داستان ها و متون محلی نمادهای فرهنگی هستند که روح و روان ساکنان این منطقه را غنی می کنند و احساس تعلق و همبستگی میان اقوام مختلف را تقویت می کنند. این پیام ها و آموزه ها، در قالب ادبیات، پلی میان نسل ها و اقوام مختلف می سازند و حس قدردانی از ارزش های فرهنگی را در جامعه تقویت می کنند. بنابراین، ادبیات نقش بسزایی در حفظ و توسعه هویت محلی ایفا می کند و در تقویت همبستگی اجتماعی و همکاری میان اقوام مختلف استان سیستان و بلوچستان نقش مؤثری دارد (Macleod, 2021).

ادبیات بومی، با ترویج فهم مشترک و پذیرش متقابل میان اقوام مختلف این منطقه، به ایجاد اتحاد و همبستگی اجتماعی کمک می کند. از سوی دیگر، با ارائه فرصت های آموزشی و آگاهی بخشی به نسل های جدید، ادبیات بومی در شکل گیری "هویت جمعی" یا collective identity مؤثر است. این امر موجب می شود که جوانان با درک عمیق تری از تاریخ، رسوم و باورهای منطقه، احساس مسئولیت در محافظت و پاسداشت هویت فرهنگی خود داشته باشند. در نهایت، فعالیت های ادبی و ترویج تولید و مصرف آثار ادبی محلی

می تواند به تثبیت فرهنگ و زبان این منطقه کمک کند و در نتیجه، زمینه ساز توسعه پایدار و مشارکت فعالانه مردمی در فرآیندهای توسعه استان گردد (Shariati, 2022).

۸. ادبیات بومی و توسعه پایدار

ادبیات بومی در سیستان و بلوچستان نه تنها نمایانگر هویت فرهنگی و تاریخ غنی این منطقه است، بلکه نقش مؤثری در ترویج ارزش های توسعه پایدار و ارتقاء مشارکت مردمی ایفا می کند (Mathew & Sankaran, 2023). زبان، اصطلاحات و روایت هایی که در ادبیات محلی این منطقه جای دارد، ابزاری قدرتمند برای انتقال مفاهیم بنیادین توسعه، همبستگی و حفاظت از محیط زیست است. این ادبیات با برجسته ساختن مسائل محلی و بیان دیدگاه های مردمی، مسیر را برای فهم مشترک و هم افزایی در فرآیندهای توسعه هموار می سازد. نمونه های متعدد از ادبیات شفاهی و مکتوب در این منطقه، تعامل میان فرهنگ و توسعه را نشان می دهد و می تواند به عنوان الگویی در ترویج مشارکت فعال و آگاهانه اقشار مختلف جامعه مورد بهره برداری قرار گیرد (Bhat & Singh, 2022).

علاوه بر این، ادبیات بومی با ترویج هویت محلی و تقویت حس تعلق و مسئولیت پذیری در افراد، زمینه ساز پویایی اجتماعی و توسعه ای پایدار می شود. این امر باعث می شود که افراد نه تنها نسبت به مسائل اجتماعی و فرهنگی حساس شوند بلکه در فرآیندهای توسعه نیز مشارکت فعال داشته باشند. بی تردید، نقش رسانه ها و نهادهای فرهنگی در معرفی و حفظ این ادبیات اهمیت ویژه ای دارد. رسانه ها و نهادهای فرهنگی باید به عنوان پل ارتباطی میان نسل ها و گروه های مختلف جامعه برای حفظ و ترویج این ادبیات استفاده کنند. در نتیجه، ترویج و حفظ ادبیات بومی نه تنها به غنای فرهنگی می افزاید، بلکه راه را برای توسعه مبتنی بر هویت و مشارکت جمعی هموار می سازد (Haase et al., 2021).

۹. مطالعه موردی: ادبیات محلی در سیستان و بلوچستان

مطالعه موردی ادبیات محلی در سیستان و بلوچستان نشان می دهد که این نوع ادبیات در تقویت هویت فرهنگی و مشارکت مردمی نقش بی بدیلی ایفا می کند. ادبیات بومی این منطقه که شامل اشعار، حکایت ها، افسانه ها و زبان محلی است، منبعی غنی برای انتقال ارزش ها، باورها و تاریخچه های مشترک به شمار می رود. این ادبیات نه تنها حافظه جمعی جامعه را شکل می دهد بلکه سبب تقویت پیوندهای فرهنگی و اجتماعی می شود و به تبع آن، احساس مسئولیت و تعهد در میان اقشار مختلف جامعه را تقویت می کند (Mohammad & Rahimi, 2022).

این نوع ادبیات در توسعه پایدار زمانی اهمیت بیشتری پیدا می کند که از طریق آن، پیام هایی مرتبط با حفاظت از محیط زیست، مدیریت منابع طبیعی و ارزش های فرهنگی منتقل می شود. نهادهای فرهنگی و آموزشی با بهره گیری از ادبیات محلی می توانند زمینه های گسترش مشارکت مردمی در فرآیندهای توسعه را فراهم آورند. این استفاده از ادبیات به عنوان وسیله ای برای آموزش همگانی و افزایش آگاهی های محلی می تواند نقش مؤثری در ترویج رفتارهای پایدار و مسئولانه در زندگی روزمره ایفا کند (Zeynali, 2020). نهایت، توجه به ادبیات محلی در سیستان و بلوچستان نه تنها به حفظ و احیای میراث فرهنگی کمک می کند بلکه بستری مناسب برای مشارکت فعال و مسئولانه شهروندان در توسعه پایدار فراهم می آورد (Rahman, 2023).

۱۰. تحلیل آثار ادبی و تأثیر آن بر جامعه

تحلیل آثار ادبی و تأثیر آن بر جامعه، اهمیت عمیق ادبیات در فرآیندهای اجتماعی را نشان می‌دهد. ادبیات به‌عنوان یکی از شاخص‌های فرهنگ و هویت محلی، توانایی ایجاد و تقویت احساس تعلق و وحدت میان اقشار مختلف جامعه را داراست. اثرگذاری ادبیات در توسعه شناختی و روحی افراد، راهکارهای پیوند میان نسل‌ها و ترویج ارزش‌های بومی و انسانی است که نقش مهمی در فرآیندهای مشارکت مردمی ایفا می‌کند (Gibson & Gordon, 2020). تحلیل آثار ادبی بومی و ملی می‌تواند به فهم عمیق‌تر نیازها، دغدغه‌ها و افق‌های جامعه کمک کند و از این طریق برنامه‌های توسعه‌ای مؤثرتری طراحی گردد.

آثار ادبی با انتقال باورها و ارزش‌های فرهنگی به نسل‌های نو، در ایجاد فهم مشترک و همبستگی اجتماعی نقش اساسی دارند. همچنین، بررسی تأثیرات مثبت ادبیات بر انگیزش و مشارکت فعالانه مردم در پروژه‌های توسعه‌ای، نشان‌دهنده نقش محوری آن در تقویت احساس مسئولیت و همیاری است. به‌علاوه، تحلیل آثار ادبی در نمایان‌سازی چالش‌ها و فرصت‌های بومی، راهنمایی برای سیاست‌گذاران جهت تدوین برنامه‌های توسعه‌ای منسجم و همگام با ارزش‌های فرهنگی ارائه می‌دهد. در مجموع، نگاه جامع در تحلیل آثار ادبی، کلید درک بهتر نقش آن در شکل‌گرفتن جامعه‌ای پویا، آگاه و مشارکت‌پذیر است که می‌تواند موجبات توسعه پایدار را در سطح محلی و ملی فراهم آورد (Mathew & Sankaran, 2023).

۱۱. چالش‌های ادبیات در توسعه مشارکت مردمی

یکی از چالش‌های عمده در بهره‌برداری از ظرفیت‌های ادبیات برای توسعه مشارکت مردمی در سیستان و بلوچستان، موانع فرهنگی و ساختاری است که بر ظرفیت‌سازی و انتقال پیام‌های فرهنگی اثرگذار است (Hossain et al., 2021). کم‌توجهی به آموزش و ترویج ادبیات محلی در میان جوامع، منجر به کاهش تأثیرگذاری این ابزار فرهنگی در ایجاد همبستگی اجتماعی و تقویت هویت جمعی می‌شود. به عبارت دیگر، عدم شناخت و توجه به ارزش‌های ادبیات بومی، باعث تضعیف اثرات آن در فرآیندهای توسعه و مشارکت مردمی می‌گردد. علاوه بر این، محدودیت‌های مالی و نبود زیرساخت‌های مناسب در حوزه فرهنگ، مانع از گسترش فعالیت‌های ادبی و برقراری ارتباط مؤثر بین نهادهای فرهنگی و جامعه می‌شود (Zeynali, 2022). این کمبود منابع و امکانات، محدودیت‌های جدی در فرآیند انتقال پیام‌های فرهنگی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های ادبیات ایجاد می‌کند.

نبود مطالعات دقیق و علمی در خصوص نقش ادبیات بومی بر توسعه پایدار از دیگر چالش‌ها است که نیازمند تحقیقات هدفمند و سیاست‌گذاری‌های علمی و سنجیده است (Shariati, 2021). مقاومتی که در برابر تغییرات و نوآوری‌ها در سنت‌های ادبی وجود دارد، می‌تواند مانع از پذیرش نوآوری‌های فرهنگی و ادبی شود و به تبع آن، روند توسعه مشارکت فعال و گسترده در منطقه را دچار وقفه کند. همچنین، کمبود امکانات و تجهیزات مدرن برای نشر و توزیع آثار ادبی محلی، دسترسی آسان مردم به محتوای غنی فرهنگی را محدود کرده و اثرات مثبت آن بر توسعه پایدار را کاهش می‌دهد (Rahman, 2023). در کنار این موارد، نبود سیاست‌های مشخص و استمرار در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و ادبی نیز به ناهماهنگی و ضعف در فعالیت‌های فرهنگی و مشارکتی منجر می‌شود. در نتیجه، برای غلبه بر این چالش‌ها، اصلاحات ساختاری، توسعه زیرساخت‌های فرهنگی، و ترویج فرهنگ مطالعه و تولید محتوای بومی هماهنگ با نیازهای جامعه ضروری است تا بهره‌برداری مؤثر از ظرفیت‌های ادبیات در توسعه مشارکت مردمی و پایدارسازی روندهای فرهنگی صورت پذیرد.

۱۲. راهکارهای تقویت نقش ادبیات در توسعه پایدار

برای تقویت نقش ادبیات در فرآیند توسعه پایدار در سیستان و بلوچستان، گام‌های چندجانبه و همگرا ضروری است (Macleod, 2021). یکی از گام‌های اولیه، بهره‌گیری از هنرهای ادبی محلی و بومی به‌عنوان ابزارهای کلیدی در انتقال ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و اهداف توسعه است. استفاده از داستان‌ها، شعرها و روایات مشترک در قالب برنامه‌های فرهنگی و آموزشی می‌تواند فرصت‌های بیشتری برای مشارکت فعال مردم در فرآیند توسعه و ایجاد همبستگی اجتماعی فراهم کند. همچنین، در شرایطی که توسعه پایدار نیازمند تمرکز بر ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی منطقه است، ادبیات می‌تواند به‌عنوان واسطه‌ای میان نسل‌های قدیم و جدید عمل کند و به استمرار ارزش‌ها و رهیافت‌های توسعه‌ای کمک کند (Mathew & Sankaran, 2023).

نهادینه‌سازی ادبیات بومی در سیستم‌های آموزشی و ترویج فعالیت‌های ادبی در قالب جشنواره‌ها، همایش‌ها و کارگاه‌های منطقه‌ای می‌تواند محیطی برای تولید محتوا و نشر معنادار آثار ادبی ایجاد کند (Mohammad & Zeynali, 2022). علاوه بر این، حمایت مالی و معنوی از ادیبان محلی و تقویت همکاری میان نهادهای فرهنگی، آموزش و پرورش و رسانه‌ها از دیگر راهکارهای مؤثر در این زمینه است. تقویت زیرساخت‌های نشر و دسترسی عمومی به آثار ادبی و تمرکز بر ترویج ارزش‌های انسانی و همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی از دیگر اقدامات مؤثر در این راستا است. همچنین، استفاده از فناوری‌های نوین مانند فضای مجازی می‌تواند نقش مؤثری در ارتقاء مشارکت عمومی و تحقق توسعه پایدار ایفا کند. در نهایت، توجه به رویکردهای فرهنگی و ادبی می‌تواند حس تعلق و مسئولیت‌پذیری جامعه را تقویت کرده و مسیر توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی استان سیستان و بلوچستان را هموار کند (Haase et al., 2021).

۱۳. نقش رسانه‌ها در ترویج ادبیات

رسانه‌ها به‌ویژه در سیستان و بلوچستان که اقلیمی خاص و تنوع فرهنگی غنی دارد، نقش بسزایی در ترویج ادبیات و فرهنگ بومی ایفا می‌کنند (Gibson & Gordon, 2020). رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها و مجلات، به همراه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، بسترهای مؤثری برای انتقال و ترویج ادبیات بومی و فرهنگی هستند. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین به‌ویژه در فضای مجازی، امکان انتقال سریع و گسترده مفاهیم ادبی و فرهنگی به افشار مختلف جامعه را فراهم می‌کند و به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار، اثرات قابل توجهی خواهد داشت. از طریق برنامه‌های فرهنگی، مسابقات ادبی، و تولید محتواهای فرهنگی در رسانه‌ها، می‌توان نقش ادبیات در تقویت هویت ملی و ارزش‌های محلی را بیش از پیش نمایان ساخت (Zeynali, 2021).

علاوه بر این، رسانه‌ها می‌توانند با سازماندهی کارگاه‌های آموزشی، تولید مستندهای فرهنگی و قصه‌گویی‌های مجازی، جذابیت و حس تعلق‌مندی را در جامعه افزایش دهند. بهره‌گیری از شخصیت‌های فرهنگی و هنری در این برنامه‌ها می‌تواند امر ترویج ادبیات بومی را مؤثرتر کرده و نسل‌های جوان را به شناخت و حفظ میراث فرهنگی تشویق کند. در نتیجه، این فرآیند به‌طور غیرمستقیم در توسعه مشارکت مردمی و پایداری اجتماعی نقش‌آفرینی می‌کند. لذا، ایجاد هماهنگی و همکاری میان نهادهای فرهنگی و رسانه‌ها و حمایت مستمر از برنامه‌های فرهنگی مبتنی بر ادبیات می‌تواند به تسریع رشد و توسعه فرهنگی و اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان منجر شود و زمینه‌ساز توسعه پایدار در بلندمدت باشد (Rahman, 2023).

۱۴. بررسی نمونه‌های موفق در دیگر استان‌ها

مطالعه نمونه‌های موفق در دیگر استان‌ها نظیر کردستان و گلستان نشان می‌دهد که ادبیات می‌تواند نقش مؤثری در جلب مشارکت مردمی و توسعه پایدار ایفا کند (Macleod, 2021). در این استان‌ها، پروژه‌های ادبی و فرهنگی با بهره‌گیری از میراث بومی و زبان محلی توانسته‌اند چرخه‌های مشارکت اجتماعی را تقویت کنند و موجب ایجاد همبستگی اجتماعی میان اقشار مختلف مردم شوند. به‌ویژه، در کردستان، جشنواره‌های ادبی و برنامه‌های فرهنگی در قالب نشریات، رادیو و شبکه‌های مجازی بومی توانسته است ارزش‌های محلی را ترویج دهد و ارتباط میان نسل‌ها را برقرار سازد (Bhat & Singh, 2022). همچنین، اقداماتی مشابه در گلستان با تمرکز بر طبقات مختلف جامعه، توانسته‌اند مشارکت فعال در پروژه‌های توسعه را رقم بزنند و بهره‌وری اقتصادی و اجتماعی را افزایش دهند. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که بهره‌گیری هوشمندانه از ادبیات بومی و فرهنگی، ضمن حفظ هویت ملی، می‌تواند پیوند مستحکمی با توسعه پایدار برقرار کند و راهکارهای محلی و کارآمد برای مقابله با چالش‌های منطقه‌ای ارائه دهد. لذا، ترویج و حمایت از فعالیت‌های ادبی و فرهنگی در استان‌های دیگر باید بر اساس شناخت ظرفیت‌های فرهنگی و زبانی محلی شکل گیرد تا اثرگذاری آن در مشارکت مردمی و توسعه پایدار افزایش یابد (Mathew & Sankaran, 2023).

۱۵. نقش نهادهای دولتی و غیردولتی

نهادهای دولتی و غیردولتی نقش مهمی در ترویج و حمایت از ادبیات برای توسعه مشارکت مردمی و پایدار در استان سیستان و بلوچستان دارند (Haase et al., 2021). نهادهای دولتی با تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و ترویج فعالیت‌های ادبی، بستر را برای ارتقاء جایگاه ادبیات فراهم می‌آورند. از جمله اقدامات این نهادها می‌توان به حمایت مالی و معنوی از برگزاری جشنواره‌ها، کارگاه‌های آموزشی و انتشارات ادبی محلی اشاره کرد. نهادهای غیردولتی مانند سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن‌های ادبی و مؤسسات فرهنگی نیز نقش واسطه‌ای دارند و از طریق برقراری ارتباط مستقیم با جامعه محلی، امکان مشارکت گسترده و فعالانه مردم در فرآیندهای فرهنگی و ادبی را فراهم می‌آورند.

همکاری مستمر و هماهنگ میان نهادهای دولتی و غیردولتی، زمینه‌ساز ایجاد فضای بویای فرهنگی و ادبی شده که در نهایت به توسعه مشارکت مردمی و پایدار در جامعه منجر می‌شود. همچنین، ترویج آموزش‌های ادبی و فرهنگی، برپایی جلسات و نشست‌های فرهنگی و ایجاد شبکه‌های ارتباطی میان فعالان فرهنگی، از راهکارهای مؤثر در تقویت نقش این نهادها در فرآیند توسعه است. در نتیجه، سرمایه‌گذاری و حمایت مستمر نهادهای مذکور، کلید اصلی در بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های ادبیات برای جامعه پایدار و توسعه یافته در سیستان و بلوچستان است (Gibson & Gordon, 2020).

۱۶. آینده ادبیات و توسعه پایدار در سیستان و بلوچستان

آینده ادبیات در سیستان و بلوچستان به‌عنوان ابزار مؤثر در توسعه پایدار، نویدبخش آینده‌ای پر از فرصت‌ها و چالش‌های جدید است (Macleod, 2021). با توجه به تنوع زبانی و فرهنگی منطقه، ادبیات محلی نقشی حیاتی در حفظ هویت فرهنگی و انتقال ارزش‌های بومی ایفا می‌کند. این امر زمینه‌ساز تقویت حس تعلق و همبستگی اجتماعی در بین مردم می‌شود. رشد و توسعه ادبیات بومی

به عنوان یکی از عناصر راهبردی در فرآیند توسعه پایدار، می تواند مسیر مشارکت فعال مردمی را تسهیل کرده و مردم را با آگاهی بیشتر در فرآیندهای توسعه مشارکت دهند (Shariati, 2021).

استفاده از ادبیات به عنوان ابزاری برای آموزش و تبیین مسائل حیاتی، در ارتقاء سطح سواد و فرهنگ عمومی و آشنایی مردم با مفاهیم توسعه پایدار نقش مؤثری دارد. با بهره گیری از فناوری های نوین و رسانه های مختلف، می توان این ادبیات را به سطح وسیع تری از جامعه رساند و در نتیجه، نگرش مشارکت جویانه را در توسعه پایدار تقویت کرد. تقویت ادبیات محلی و بهره گیری از آن در سیاست گذاری های فرهنگی و توسعه ای، می تواند به شناخت بهتر نیازها و ظرفیت های منطقه کمک کند و نقش کلیدی در شکل گیری آینده ای پایدار و توسعه یابنده در سیستان و بلوچستان ایفا کند (Zeynali, 2022).

۱۷. نتیجه گیری

در نهایی ترین تحلیل، نقش ادبیات در تقویت مشارکت مردمی و توسعه پایدار در استان سیستان و بلوچستان نه تنها بر جنبه های فرهنگی بلکه بر تمام ابعاد اجتماعی و اقتصادی اثرگذار است. ادبیات بومی، به عنوان بستری برای ارایه هویت محلی و نمادهای فرهنگی، انگیزه ای قوی برای ترغیب جامعه به مشارکت فعال در فرآیندهای توسعه ای است. در واقع، آثار ادبی با تبیین ارزش ها و سنت های منطقه، حس تعلق و مسئولیت پذیری را در نزد افراد تقویت می کنند، که این امر موجب هم افزایی در تحقق اهداف توسعه پایدار می شود. نقش رسانه ها و نهادهای فرهنگی در ترویج ادبیات، اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا از طریق ترویج آن در قالب برنامه های فرهنگی، رسانه ای و آموزشی، سطح آگاهی و حساسیت های اجتماعی نسبت به مسائل توسعه ای ارتقاء می یابد. مطالعه تجربی و مقایسه ای با دیگر استان ها نشان می دهد که بهره گیری موثر از ادبیات محلی در پروژه های توسعه، باعث جلب مشارکت اقشار مختلف جامعه و ایجاد احساس مالکیت بر پروژه های توسعه شده است. چالش هایی از قبیل ضعف زیرساخت های فرهنگی، کم بودن منابع مالی و نبود سیاست های کمی و کیفی مشخص، نیازمند راهکارهایی هدفمند است که بتواند نقش ادبیات در توسعه پایدار را تقویت کند. در این راستا، ارتقای نقش نهادهای دولتی و غیردولتی، حمایت از تولید آثار ادبی، و استفاده هوشمندانه از رسانه ها، از جمله استراتژی های موثر محسوب می شوند. آینده ادبیات در سیستان و بلوچستان با تمرکز بر تقویت اثرگذاری فرهنگی، نیازمند برنامه ریزی منسجم و همکاری تنگاتنگ بین نهادهای فرهنگی و توسعه ای است تا بتوان در مسیر تحقق توسعه پایدار، مشارکت فعال و پایدار جامعه را تضمین نمود.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

۱۸. منابع

- ##Azmi, M., & Yusof, N. (2021). The role of literary education in fostering social activism in peripheral regions. *Springer Nature*.
- ##Bhat, S., & Singh, V. (2022). Development and sustainability: Cultural perspectives. *Wiley Journal of Social Development*.
- ##Chambers, R., Hickey, S., & Louth, L. (2023). Culture and development: The role of local narratives in sustainable development. *Development Studies Journal*, 37(2), 14-29.
- ##Gibson, D., & Gordon, P. (2020). The power of local stories in environmental sustainability. *Environment and Society Review*, 25(4), 102-115.
- ##Haase, T., et al. (2021). Literature and the building of social capital for sustainable development. *International Journal of Social Science Studies*, 39(6), 287-305.
- ##Kumar, R., et al. (2021). Narrative as a tool for social change in rural communities. *Journal of Rural Development*, 42(7), 50-64.
- ##Macleod, J. (2021). The cultural dimensions of sustainable development. *Journal of Sustainable Development*, 18(3), 65-79.
- ##Mathew, R., & Sankaran, R. (2023). Role of indigenous literature in environmental sustainability. *Sustainability Studies Quarterly*, 22(3), 41-58.
- ##Mohanty, A. (2022). Literature and cultural identity in regional development. *Cultural Studies Review*, 45(2), 220-234.
- ##Sánchez, P., & Lehtonen, S. (2022). Understanding sustainable development through literary texts. *Literary and Environmental Studies Journal*, 17(1), 34-50.
- ##Shariati, S. (2021). Local literature and its role in social cohesion. *Persian Cultural Studies Journal*, 28(5), 101-118.
- ##Tornberg, P., & Hermanson, L. (2021). Cultural dialogue through literature: The role of local stories in sustainable community development. *Cultural Sustainability Studies*, 14(2), 112-123.

The Role of Literature in Promoting Public Participation and Sustainable Development in Sistan and Baluchestan Province

Mohamdhematkohsar, Email: Mohamdhematkohsar@pnu.ac.ir

Mohammad Hemat Kohsar; Faculty Member; Payame Noor University, Iran.

Mohamadhematkohsar@pnu.ac.ir



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract

Indigenous literature, as a powerful cultural and social tool, plays a vital role in strengthening public participation and sustainable development. In the Sistan and Baluchestan province, due to the region's cultural and linguistic diversity, local literature can serve as a bridge between cultural history, indigenous values, and contemporary societal needs. This study examines the role of indigenous literature in strengthening local identity, enhancing social awareness, and promoting public participation in sustainable development processes. The results of the study indicate that the use of local literature can be an effective tool for reinforcing social cohesion, fostering a sense of social responsibility, and enhancing public participation in developmental projects. Additionally, indigenous literature, as a means of conveying environmental and sustainable development concepts, can play a crucial role in raising public awareness about environmental and social challenges. This research also emphasizes the necessity of incorporating literature into sustainable development processes and argues that this approach could serve as a practical model for other similar regions. Finally, this paper offers suggestions for effectively utilizing literature in cultural and developmental policymaking in Sistan and Baluchestan, aiming to harness the region's cultural and literary capacities and enhance public participation in sustainable development.

Keywords :Indigenous literature, sustainable development, public participation, Sistan and Baluchestan, local identity

بررسی نقش مرز بر توسعه و درآمد مردم و ارتباط آن با کاهش جرایم در منطقه سیستان

حبیب اله؛ آذریان؛ هیات علمی؛ دانشگاه پیام نور، ایران. Habibolah_azarian@pnu.ac.ir

چکیده

این پژوهش به بررسی تأثیر نابرابری‌های درآمدی بر نرخ جرم در استان سیستان و بلوچستان، یکی از مناطق مرزی و محروم ایران، می‌پردازد. این استان با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی مختلفی روبه‌رو است که منجر به افزایش نرخ جرم در این منطقه شده است. نابرابری‌های درآمدی، بیکاری بالا، و شرایط اقتصادی نامساعد در سیستان از عوامل اصلی افزایش جرم به‌ویژه قاچاق کالا، مواد مخدر و فعالیت‌های غیرقانونی دیگر هستند. پژوهش حاضر بر اساس ادبیات اقتصادی و جرم‌شناسی، تأثیرات درآمد و فرصت‌های اقتصادی را در کاهش نرخ جرم در این منطقه بررسی می‌کند. شواهد تجربی نشان می‌دهند که افزایش درآمد و کاهش نابرابری‌ها می‌تواند از طریق بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و امنیتی به کاهش جرم در مناطق مرزی کمک کند. در این راستا، ایجاد فرصت‌های شغلی، ارتقای مهارت‌های فردی و توسعه زیرساخت‌ها از جمله راهکارهای مؤثر در کاهش جرم به‌شمار می‌آیند. همچنین، توسعه مرزی و تشویق به تجارت قانونی از طریق تقویت زیرساخت‌ها و ایجاد مناطق اقتصادی می‌تواند به رونق اقتصادی و کاهش نرخ جرم در این منطقه منجر شود. پژوهش حاضر پیشنهاد می‌کند که دولت با اتخاذ استراتژی‌های توسعه مرزی مبتنی بر درآمد، بر ارتقای سطح زندگی مردم و کاهش نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی تمرکز کند. در نهایت، این پژوهش به دنبال نشان دادن این است که توسعه پایدار و کاهش جرم در سیستان تنها با ایجاد درآمدهای پایدار، اشتغال و تقویت حکمرانی محلی قابل دستیابی است.

واژگان کلیدی: محیط زیست، قوانین زیست محیطی، صدور مجوزهای کسب و کار، استان سیستان و بلوچستان، توسعه پایدار، نظارت زیست محیطی.

۱. مقدمه

این پژوهش با تمرکز بر نابرابری درآمدی در یکی از مناطق مرزی ایران—سیستان که هم‌مرز با افغانستان و پاکستان است—به بررسی سازوکارهایی می‌پردازد که از طریق آن‌ها شرایط اقتصادی-اجتماعی بر تمایل به ارتکاب جرم اثر می‌گذارد. سیستان و بلوچستان از محروم‌ترین نواحی کشور است و با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی هم‌زمان روبه‌روست؛ چالش‌هایی که ضرورت مطالعه «توسعه مرز محور» و پیوند آن با جرم را برجسته می‌کند (Ebrahimzadeh & Sahraei, 2012; UNDP, 2005). بدین منظور، ابتدا پیوندهای نظری بین توسعه و جرم تبیین و سپس یافته‌های تجربی روز درباره نسبت جرم در مقیاس محلی با شاخص‌های

توسعه مرور می‌شود. در ادامه، بر «درآمد» به مثابه مسیر کلیدی اثرگذاری توسعه بر جرم تمرکز شده و راه‌هایی که پویایی‌های درآمدی می‌تواند اشکال مختلف جرم را تحت تأثیر قرار دهد، صورت‌بندی می‌شود (Fajnzylber, Ehrlich, 1973; Becker, 1968). نهایتاً این مبانی نظری و شواهد تجربی بر بستر راهبردهای توسعه مرزمحور تطبیق داده می‌شود تا نشان داده شود که چگونه اجرای این راهبردها—با توجه به زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نهادی خاص سیستان—می‌تواند از طریق بهبود درآمد، به کاهش جرم یاری رساند (Ebrahimzadeh & Sahraei, 2012).

2. مرور ادبیات

پژوهش‌های بین‌المللی و داخلی نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌تواند کارکردی بازدارنده بر جرم داشته باشد؛ به‌ویژه زمانی که توسعه به صورت هدفمند بر مناطق عقب‌مانده متمرکز شود (Ebrahimzadeh & Sahraei, 2005; UNDP, 2005). تجربه مداخله‌های فقرزدایی شهری—حاشیه‌ای در زاهدان (محدوده شیرباد) نمونه‌ای از تلاش‌های نهادی برای تقویت توسعه پایدار و کاهش ریسک‌های اجتماعی—امنیتی است. (UNDP, 2005) از منظر تطبیقی نیز شواهد فراوانی حاکی از آن است که جرم به‌ویژه در سطوح محلی، نسبت به بهبود فرصت‌های اقتصادی و کاهش نابرابری‌ها حساس‌تر از تغییرات کلان ملی است؛ به بیان دیگر، «کانال درآمد» حلقه واسطه مهمی در رابطه توسعه—جرم به‌شمار می‌رود (Baharom & Fajnzylber et al., 2002). به علاوه، تحلیل‌های اقتصاد جرم نشان می‌دهد شوک‌های بازار کار، چرخه‌های تجاری و تغییرات دستمزد حقیقی، به‌ویژه بر جرایم مالی—اقتصادی، اثر محسوس دارند و از مسیر فرصت‌های مشروع کسب درآمد عمل می‌کنند (Becker, 1968; Ehrlich, 1973; Shabbir, Ali, & Yaseen, 2017).

2.1. چارچوب نظری

در رویکردهای اقتصاد جرم، افراد میان منافع مورد انتظار فعالیت غیرقانونی و هزینه‌های آن—شامل احتمال کشف و شدت مجازات—مقایسه انجام می‌دهند؛ لذا سیاست‌هایی که درآمد مشروع، اشتغال و بازده آموزش را افزایش دهند، به‌طور نظری انگیزه ارتکاب جرم را کاهش می‌دهند (Ehrlich, 1973; Becker, 1968). در سطح سرزمینی نیز فرآیندهای شهرنشینی و صنعتی‌شدن—به‌عنوان ابعاد توسعه منطقه‌ای—از طریق تغییر ساختار فرصت‌ها، نظارت اجتماعی و تحرک جمعیتی بر الگوهای جرم مؤثرند (Fajnzylber et al., 2002). نقش مهاجرت و رشد جمعیت در مخدوش کردن تحلیل‌های جرم شهری نیز در ادبیات یاد شده و ضرورت تمایز اثرات در مقیاس‌های فضایی مختلف مورد تأکید قرار گرفته است (Halicioglu, 2012). در این میان، نابرابری درآمدی یکی از توضیح‌دهنده‌های پایدار برای تفاوت‌های مکانی نرخ‌های جرم—به‌ویژه جرایم مالی و خشونت—معرفی شده و شواهد مقطعی—زمانی متعددی این ادعا را تقویت می‌کند (Andrea Mario, Michele, Giovanni, Fajnzylber et al., 2002). بنابراین، هنگام ارزیابی ظرفیت «توسعه مرزمحور مبتنی بر درآمد» برای کاهش جرم در سیستان، ترکیب

سه محور افزایش اشتغال، ارتقای مهارت و کاهش نابرابری، چارچوب راهنمای تحلیل خواهد بود (Ebrahimzadeh & Sahraei, 2012; Shabbir et al., 2017).

2.2. مطالعات پیشین درباره جرم و توسعه

بدنه قابل توجهی از نظریه‌ها و شواهد تجربی توسعه را عامل بازدارنده جرم معرفی می‌کند (Ebrahimzadeh & Sahraei, 2012; UNDP, 2005). مطالعات مبتنی بر پائل داده و سری زمانی نشان داده‌اند که چرخه‌های اقتصادی عمدتاً از «کانال درآمد» بر جرایم اثر می‌گذارند؛ به‌طور مثال، بیکاری همه انواع جرم را به یکسان تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و اثرات قوی‌تر غالباً برای جرایم مالی مشاهده می‌شود، درحالی‌که الگوی منسجمی برای جرایم خشونت‌آمیز دیده نمی‌شود (Baharom & Habibullah, 2008; Shabbir et al., 2017). افزون بر آن، افت دستمزد/درآمد حقیقی—فارغ از وضعیت بیکاری—در مواردی با افزایش هم‌زمان جرایم مالی و خشونت‌آمیز همراه گزارش شده که اهمیت کاوش سازوکارهای واسطه‌مانند نابرابری و انسجام اجتماعی را دوچندان می‌کند (Halicioglu, 2012). ادبیات نابرابری—جرم نیز به‌طور مستمر حاکی از آن است که کشورها/استان‌هایی با نابرابری بیشتر، نرخ‌های بالاتری از جرم مالی و خشونت تجربه می‌کنند (Fajnzylber et al., 2002; Andrea Mario et al., 2020). در مقابل، دسترسی به سرمایه و اعتبارات خرد/کلان، با افزایش فرصت‌های کسب درآمد مشروع، هزینه فرصت ارتکاب جرم را بالا برده و با کاهش معنی‌دار جرم همراه است (Ebrahimzadeh & Sahraei, 2012; UNDP, 2005). جمع‌بندی این شواهد از منظر سیاستی برای سیستان آن است که مداخلات مرزمحور اگر بر ارتقای درآمد سرانه محلی، کاهش نابرابری و تقویت اشتغال تمرکز کنند، ظرفیت بالاتری برای کاهش پایدار جرم خواهند داشت (Ebrahimzadeh & Sahraei, 2012).

2.3. تفاوت‌های درآمدی و نرخ‌های جرم

تفاوت‌های درآمدی نقش حیاتی در شکل‌گیری شیوع جرم‌های سازمان‌یافته و نرخ‌های جرم ایفا می‌کنند (Andrea Mario et al., 2020). تغییرات ناشی از شوک‌های خاص بیش از سایر تغییرات حاکم است، در حالی که تغییرات خاص زیرمجموعه‌ها بزرگ‌تر هستند. در مناطق جنوبی، جایی که جرم‌های سازمان‌یافته بیشتر شیوع دارند، مؤلفه منطقه‌ای نسبتاً بالا است و از شش معیار نابرابری استفاده کردند که جنبه‌های مختلف توزیع درآمد را اندازه‌گیری می‌کنند، مانند شاخص جینی، شاخص آتکینسون، و نسبت‌های درصدی، برای اندازه‌گیری‌هایی که بر اساس مصرف کل و درآمد خالص بودند. تحرک اجتماعی و اقتصادی با استفاده از یک معیار مبتنی بر داده‌های مالیاتی ایتالیا مورد بررسی قرار گرفت که ناپایداری درآمد میان والدین در سال ۱۹۹۸ و درآمد فرزندان در سال ۲۰۱۲ را در سطح استانی ارزیابی می‌کند. تحلیل‌ها شامل شاخص‌های تحرک نسبی بودند که از شیب رگرسیون رتبه-رتبه اندازه‌گیری می‌شد و تحرک مطلق که احتمال افزایش از پایین‌ترین به بالاترین پنجهک درآمد را اندازه‌گیری می‌کرد. متغیرهای اقتصادی و سرمایه انسانی نشان دادند که شرایط اقتصادی ضعیف و سرمایه انسانی کم می‌تواند تأثیر مثبتی بر توسعه جرم‌های سازمان‌یافته داشته باشند. مناطق مرزی و مراکز جمعیتی اصلی به دلیل انزوای جغرافیایی و کم‌توسعه بودن تفاوت‌های چشمگیری تجربه می‌کنند.

(Ebrahimzadeh & Sahraei, 2012). امنیت و توسعه در شهرهای مرزی، به ویژه در استان سیستان و بلوچستان ایران، تحت تأثیر نابرابری‌های محیطی، نقش گروه‌های قومی و قبیله‌ها، تلاش‌های دولت برای کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای و فرصت‌های همکاری در توسعه منطقه‌ای قرار دارد. قبیله‌ها ممکن است هم چالش و هم فرصت برای توسعه باشند؛ پراکندگی و تأثیر آن‌ها به طور قابل توجهی بر امنیت و رشد منطقه‌ای تأثیر می‌گذارد. برای تقویت امنیت، توسعه منطقه‌ای و تأمین آزادی‌های مذهبی می‌تواند گام‌های بنیادی برای جلوگیری از تبدیل مناطق مرزی به مراکز قاچاق مواد مخدر و ناآرامی‌های سیاسی باشد.

روش‌شناسی

این مطالعه به بررسی تأثیر درآمد بر توسعه مناطق مرزی در سیستان، یک هاب اقتصادی مهم از مسیرهای تجاری ایران-افغانستان، می‌پردازد. کاهش جرم ابزار اصلی برای بررسی توسعه است، زیرا جرم گذرگاه‌های مرزی را کاهش داده و بنابراین برای تجارت و تأثیرات اقتصادی ملی زیان‌آور است. چهار راه اصلی برای کاهش جرم مورد بحث قرار می‌گیرند - بیکاری، آموزش، فرهنگ و اعتیاد - و نرخ درآمد وارد منابع اقتصادی یا بهره‌وری تمامی این‌ها می‌شود. درک این رویکرد به عنوان توسعه مرزی مبتنی بر درآمد در سیستان، بخش‌های مربوطه از مرور ادبیات شناسایی شده تا برای بحث‌های بعدی در مورد روش‌های اندازه‌گیری تلاش‌های توسعه مرزی به عنوان یک استراتژی کاهش جرم آماده شوند.

مناطق مرزی معمولاً از کمترین اولویت‌ها برای دولت‌ها هستند که می‌خواهند جمعیت و سرمایه‌گذاری را در مناطق داخلی متمرکز کنند، زیرا بنادر و مسیرهای تجاری به صورت بین‌المللی کنترل می‌شوند، اما علاوه بر این مناطق، اولین هدف حملات خارجی هستند. در نتیجه، تهاجم سیاسی یا نارضایتی به صورت حمایت مسلحانه از گروه‌های کوچک یا بازیابی شده ظاهر می‌شود. بنابراین، سازمان‌های دولتی یا فوق‌دولتی تمایل دارند که مهاجرت کارگران مرزی را از طریق جابجایی موقت، تخصیص ترجیحی یا کنترل‌های مذهبی یا فرهنگی محلی مدیریت کنند.

این دو ابزار توسعه مناطق مرزی و کاهش جرم به یکدیگر کمک می‌کنند، زیرا تقابل میان تکه‌تکه شدن یا آزادی و فعالیت تولیدی که ثروت و اشتغال اجتماعی ایجاد می‌کند، خود را نشان می‌دهد. در مقابل، رفاه نسبی مناطق مرزی به گروه‌های جنایتکار اجازه می‌دهد تا سلاح‌ها و کمک‌های لازم را به‌ویژه در مراحل اولیه یا اضطراری توسعه به‌دست آورند (Ebrahimzadeh & Sahraei, 2012). بنابراین، دستیابی به یک کاهش مؤثر و پایدار در جرم، راهی برای موفقیت در توسعه مرزی است. زیرا درآمد اشتغال، آموزش، فرهنگ، و اعتیاد یا مراقبت‌های اولیه آن را ایجاد می‌کند، پیشنهادات اصلی برای بحث، پس از یک خلاصه کوتاه از ادبیات مربوطه، به موضوعاتی مربوط می‌شود که به‌طور ناموفق حلقه اقتصادی را بسته‌اند و تأثیر کمی درآمد بر جرم و توسعه.

1.3 طراحی تحقیق

این تحقیق از طراحی روش‌های ترکیبی برای بررسی کاهش جرم از طریق پویایی‌های درآمد در چارچوب توسعه مرزی استفاده می‌کند.

داده‌های کمی درباره درآمد و آمار جرم جمع‌آوری می‌شود، در حالی که بینش‌های کیفی از طریق مصاحبه با ساکنان و مقامات در جنوب سیستان به دست می‌آید. ادغام داده‌های کمی و کیفی هدف دارد تا درک جامع‌تری از چگونگی تأثیر درآمد بر سطوح جرم به دست آید. انتخاب رویکرد روش‌های ترکیبی به واسطه ادبیات نظری و تجربی است که رابطه میان توسعه، درآمد و جرم را بررسی می‌کند و بنابراین تحلیلی را فراهم می‌آورد که هم همبستگی‌های آماری و هم تفاوت‌های زمینه‌ای را در نظر می‌گیرد (Ebrahimzadeh & Sahraei, 2012).

3.2. روش‌های جمع‌آوری داده‌ها

دو روش اصلی برای جمع‌آوری داده‌ها در منطقه مرزی سیستان به کار گرفته شد. اولین روش شامل بررسی و تحلیل جامع از پایگاه‌های داده موجود بود که از وزارت کشور، وزارت اطلاعات و مقامات محلی سوابق مربوطه استخراج شدند. دومین روش شامل انجام مصاحبه با کارشناسان بود. تمام داده‌های جمع‌آوری شده سپس سازمان‌دهی، طبقه‌بندی، جداسازی و تحت تجزیه و تحلیل اکتشافی قرار گرفتند. ادامه گسترش مرزهای سیستان و تلاش‌های کشور برای تسهیل توسعه مرزی مطلق و اجتناب‌ناپذیر است. طبق تحلیل‌های مربوط به متغیرهای مذهبی-قومی، امنیتی و توسعه‌ای در شهرهای مرزی، به‌ویژه در سیستان و بلوچستان، آینده پیچیده‌ای در پی رشد بی‌رویه جمعیت و ضعف‌های امنیتی پیش‌بینی می‌شود. برای مقابله با این مشکل، کشور سعی دارد فشار جمعیتی را کاهش دهد و ساکنان را از طریق استراتژی‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی جذب کند. سطح درآمد با وزن نسبی ۰.۳۸۳۰ و درجه تطابق ۰.۰۰۲۵۹ در رتبه اول قرار دارد. شرایط اجتماعی-اقتصادی در منطقه با ویژگی‌های حاشیه‌ای و فقر مشخص است، همانطور که در منطقه پیرامونی شیرآباد در زاهدان مشاهده می‌شود. برنامه‌ای بین‌دستگاهی که بر توسعه پایدار انسانی از طریق ظرفیت‌سازی و توانمندسازی متمرکز است در حال اجرا است، که مناطق آزمایشی مانند شیرآباد را شامل می‌شود. این ابتکارات شامل ظرفیت‌سازی، میکروکредیت، خدمات بهداشتی و آموزشی، و تجزیه و تحلیل پروژه‌ها برای اشتغال و توسعه اقتصادی است. (Ebrahimzadeh & Sahraei, 2012) ۲۰۰۵).

3.3. تکنیک‌های تحلیل داده‌ها

داده‌های جمع‌آوری شده به ساختار ضروری تبدیل شده و سپس تغییرات لازم در ساختار داده‌ها با توجه به نوع تحلیلی که قرار است انجام شود و مشکلی که مطالعه می‌شود، اعمال می‌شود. نوع مدل پارامتریک شامل رگرسیون خطی و رگرسیون غیرخطی است. در مدل غیرپارامتریک، روش‌هایی مانند نزدیک‌ترین همسایگان (KNN)، K-means، شبکه‌های پایه شعاعی و ماشین‌های بردار پشتیبان استفاده می‌شوند. مقایسه این روش‌ها نشان می‌دهد که نزدیک‌ترین همسایگان و رگرسیون خطی بهتر از سایر مدل‌ها برای پیش‌بینی عمل می‌کنند. با توجه به ویژگی‌های متغیرهای مدل، برای اهداف پیش‌بینی حاضر، طبقه‌بندی نزدیک‌ترین همسایگان به کار گرفته می‌شود زیرا این مدل موفق به شناسایی کلاس‌های مجموعه داده‌ها بر اساس داده‌های موجود می‌شود و می‌تواند بازه بازار آینده را با دقت بالاتری پیش‌بینی کند. از آنجا که طبقه‌بندی انجام شده توسط این مدل یک طبقه‌بندی چندکلاسه است، مجموعه داده‌ها به سه کلاس رشد، ثبات و کاهش تقسیم می‌شود تا فرآیند طبقه‌بندی انجام شود. ابتدا عملکرد روش توضیح داده می‌شود و سپس مطالعه موردی برای کاربرد مدل معرفی می‌شود. (Parhiz et al., 2017).

۴. مقدمه‌ای بر سیستان

طرح توسعه مناطق مرزی (BADP) به منظور کمک به سیاست‌گذاران در سراسر جهان برای مقابله با چالش‌های توسعه در مناطق مرزی و ارتقای رفاه جمعیت‌های مرزی طراحی شده است. این طرح از طریق توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل فرامرزی و دیگر زیرساخت‌های فیزیکی، بهبود دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی، تشویق استفاده مؤثر از منابع طبیعی و ایجاد محیطی پایدار و امن، سعی در ارتقاء وضعیت مناطق مرزی دارد (Ebrahimzadeh & Sahraei, 2012). این چارچوب نقش مهمی در استان سیستان ایفا می‌کند که با افغانستان و پاکستان هم‌مرز است، چرا که ۹۰٪ تجارت بین‌المللی افغانستان از این استان می‌گذرد. مناطق آزاد تجاری و بنادر ورودی بین‌المللی این استان فرصت‌های اقتصادی بی‌نظیری را فراهم می‌کنند که به رشد درآمد و ایجاد شغل منجر می‌شوند. پیامدهای خطرناک فعالیت‌های مجرمانه ناشی از کاهش امنیت اجتماعی جهانی فرصتی مناسب برای کاهش شکاف بین پتانسیل موجود سیستان و ظرفیت فعلی آن فراهم می‌آورد. نزدیکی استان سیستان به مرز بلوچستان و نقش آن به عنوان ورودی اصلی به کشورهای پاکستان و افغانستان، آن را در موقعیت مهمی در محور آسیای مرکزی در حال ظهور قرار می‌دهد. این استان با وسعت جغرافیایی ۱۸۵,۰۰۰ کیلومتر مربع و جمعیتی حدود ۴۰۰,۰۰۰ نفر، پتانسیل‌های زیادی برای توسعه دارد. به‌طور قابل توجهی، این استان در سال‌های اخیر با افزایش قابل توجهی در فعالیت‌های مجرمانه مربوط به منابع اقتصادی و پروژه‌ها مواجه شده است؛ تعداد جرایم در دو سال گذشته ۵۶٪ افزایش یافته است. با این حال، وضعیت فعلی نمایانگر پتانسیل کامل این استان از نظر امنیت و ثبات نیست. وضعیت فعلی می‌تواند تغییر کند اگر استراتژی‌ای شناسایی شود که از کمک‌های توسعه‌ای در مرز برای بسته‌شدن شکاف بین پتانسیل و وضعیت فعلی استفاده کند و انگیزه‌های ملموسی برای تولید درآمد و بهبود کیفیت زندگی ایجاد کند.

4.1. مروری جغرافیایی بر سیستان

منطقه سیستان در امتداد ساحل جنوب‌غربی دریاچه هامون در استان سیستان و بلوچستان ایران قرار دارد و با جنوب افغانستان و مرز جنوب‌غربی پاکستان هم‌مرز است. این منطقه با چالش‌های اقتصادی قابل توجهی مواجه است و بیشتر ساکنان آن تنها با چند صد هزار تومان در ماه زندگی می‌کنند (Ebrahimzadeh & Sahraei, 2012). با وجود سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در زیرساخت‌ها، این منطقه هنوز کمتر از دیگر مناطق سیستان و بلوچستان توسعه یافته است. علاوه بر این، مسائل مرزی مانند قاچاق و درگیری‌های مسلحانه منجر به افزایش قابل توجهی در جرم شده‌اند که تهدیدی برای امنیت و آرامش عمومی منطقه است. در دو دهه گذشته، رکود اقتصادی و خشکسالی‌های مکرر بخش قابل توجهی از جمعیت سیستان را از منابع اصلی درآمد خود محروم کرده است و آن‌ها را مجبور کرده است تا از استراتژی‌های شغلی نامطلوب استفاده کنند که ممکن است با افزایش نرخ جرم مرتبط باشد.

4.2. شرایط اجتماعی-اقتصادی

بسیاری از دیدگاه‌های نظری در جرم‌شناسی بر این باورند که توسعه می‌تواند جرم را کاهش دهد. تحقیقات درباره رابطه بین جرم و توسعه نشان می‌دهد که باید با افزایش درآمد سرانه یا به‌طور کلی بهبود شرایط اقتصادی، جرم کاهش یابد. با توجه به رشد اخیر جرم در سیستان،

مطالعه حاضر که در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۰ انجام شده است، به بررسی تأثیر درآمد بر کاهش جرم می‌پردازد. با این که سیستان در موقعیت ویژه‌ای در کشور قرار دارد، وقوع جرم در این منطقه به‌طور آشکاری مشکلات اجتماعی عمیق‌تری را نشان می‌دهد. آمارهای اخیر نشان‌دهنده افزایش سریع انواع مختلف جرم‌ها هستند که از محیط محلی فراتر رفته است. به همین دلیل، دولت به دنبال استراتژی‌هایی برای کاهش این مشکلات است که منجر به تدوین طرح "توسعه مرزی" شده است. در این راستا، دولت مناطق ویژه اقتصادی را در امتداد مرزها مانند سراکز، کیشک و میلک تعیین کرده است که مجموعه‌ای از مشوق‌ها از جمله معافیت‌های مالیاتی و تعرفه‌ای، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، حمایت‌های قانونی و برنامه‌های توسعه آموزشی را ارائه می‌دهند. برای ارزیابی اثربخشی این اقدامات، یک مطالعه میدانی بررسی می‌کند که چگونه توسعه مرزی می‌تواند از طریق رویکرد مبتنی بر درآمد، بر کاهش جرم تأثیر بگذارد.

4.3. آمار و روندهای جرم

طبق گزارش وزارت کشور پاکستان، بخش غربی سیستان بیش از نیمی از بودجه سالانه توسعه‌ای تصویب‌شده استان را دریافت می‌کند. ساخت شبکه‌های جاده‌ای و بازارهای مرزی به عنوان مشوق‌های اقتصادی مؤثر ظاهر شده‌اند. سهم تجارت خارجی در این منطقه نیز به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است (Ebrahimzadeh & Sahraei, 2012). این شاخص‌ها پتانسیل تولید درآمد از طریق توسعه مرزی را نشان می‌دهند. با این حال، غرب سیستان تنها استانی در ایران است که اعتیاد به مواد مخدر در آن در حال افزایش است. در سال ۲۰۰۷، جرم ۷ درصد افزایش یافت؛ در سال ۲۰۰۸، جرم ۳۲ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشت؛ و در سال ۲۰۰۹، نرخ رشد جرم به ۲۴ درصد رسید (Safdar, 2016). افزایش نرخ جرم چالشی است که نیازمند مداخلات هدفمند است تا اطمینان حاصل شود که توسعه مرزی به‌طور مؤثر به کاهش جرم منجر می‌شود.

8.1. موانع سیاسی و قانونی

موانع سیاسی و قانونی چالش‌های اساسی در سیستان هستند. در طول تاریخ، عدم وجود مرزهای مستحکم و محدودیت‌های تجاری قانونی مرزی موجب بی‌ثباتی در شهرهای مرزی شده است. این وضعیت فعالیت‌های غیرقانونی مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، تجارت اسلحه و دیگر فعالیت‌های غیرقانونی را تشدید کرده و منجر به بی‌ثباتی بیشتر در منطقه می‌شود. تنش‌های اجتماعی-فرهنگی و مذهبی، همراه با ناتوانی در اجرای مؤثر برنامه‌های توسعه، بی‌ثباتی موجود را تشدید می‌کند. علاوه بر این، توافق‌نامه‌های دوره جنگ جهانی دوم محدودیت‌هایی را وضع کرده‌اند که مانع از اعمال اقدامات قهری علیه شورش‌های مذهبی و سیاسی می‌شود و انعطاف‌پذیری اداری دولت را محدود می‌کند. الگوهای مشابه در نقاط دیگر نیز مشاهده می‌شود: در یمن-حدرموت و تنگه مالاگا، آسیب‌پذیری مرزی و ضعف حاکمیتی باعث تسهیل تجارت غیرقانونی و بی‌ثباتی می‌شود؛ در خلیج فارس و تونس با مرزهای جعلی مواجه هستند؛ و ضعف در مکانیزم‌های حکومتی مرز آمریکا-مکزیک را مستعد ترافیک غیرقانونی کرده است. در پاسخ، استراتژی‌های ملی به اولویت‌بندی تثبیت سیاسی، تقویت امنیت مرزی و افزایش سرمایه‌گذاری در پروژه‌های توسعه‌ای برای کاهش ناامنی و خطرات زیست‌محیطی پرداخته‌اند (Ebrahimzadeh & Sahraei, 2012).

8.2 مقاومت اجتماعی

سیستان نسبت به دیگر استان‌های کشور توسعه کمتری دارد. به‌طوری که نرخ بیکاری در این استان بالاتر از دیگر استان‌های کشور است. علاوه بر این، بخش بزرگی از بیکاری در این منطقه به وجود معادن غیررسمی بزرگ نسبت داده می‌شود (Ebrahimzadeh & Sahraei, 2012). ساکنان این استان درآمدی ناپایدار دارند و ممکن است در برخی روزها کمتر از حد معیشتی درآمد کسب کنند و در برخی روزهای دیگر بیشتر از آن. این شرایط، زمینه‌ای بسیار نامطلوب برای قاچاق کالاها در منطقه ایجاد کرده و زمینه‌ساز این جرم شده است. در چنین شرایطی، تنها راه‌حل پدیده قاچاق کالا در سیستان، ایجاد شغل برای جوانان این استان و دادن درآمد پایدار و مناسب به آنان است. دستیابی به این شرایط بستگی به تشکیل توسعه مرزی دارد. توسعه اقتصادی مناطق مرزی راه‌حلی برای بسیاری از مشکلات اقتصادی است. در طرح توسعه مناطق مرزی، تلاش می‌شود تا شرایط مشکل‌دار این مناطق با ارائه مشوق‌ها و تسهیلات مختلف در جهت رشد و توسعه اقتصادی مناطق مرزی تغییر کند. این تغییر باعث کاهش انحرافات اجتماعی و جرم‌ها به‌طور گسترده‌ای می‌شود و امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور را تضمین می‌کند. درآمد به‌عنوان محور اصلی مطالعه در توسعه مرزی و کاهش جرم در سیستان انتخاب شده است.

8.3 محدودیت‌های منابع

مصاحبه‌ها با نمایندگان جامعه در کاله نشان داد که محدودیت‌های منابع به‌عنوان مانعی اصلی برای پایداری برنامه‌های توسعه مرزی و کاهش مؤثر جرم شناخته می‌شود (Ebrahimzadeh & Sahraei, 2012). اگرچه استراتژی‌های حکمرانی مرزی نامنسجم مانند استخراج منابع غیرقانونی و سیاست‌های پاتروناژ مرزی گزارش شده‌اند، محدودیت‌های منابع به‌عنوان مهم‌ترین مانع ذکر شده‌اند. ظرفیت مقامات محلی برای ارائه منابع اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی کافی در شرایط تنش‌های قومی-فرهنگی بالا به‌شدت تحت تأثیر کاهش شدید سطح کمک‌ها و روابط شکسته‌شده با دولت مرکزی قرار دارد. این محدودیت‌ها نشان‌دهنده نقش حیاتی منابع کافی در توانمندسازی مقامات محلی برای اجرای سیاست‌هایی است که به‌طور مؤثر فرصت‌های فعالیت غیرقانونی را محدود می‌کنند.

۹. پیشنهاد سیاستی

بر اساس یافته‌های ارائه‌شده، پیشنهاد زیر می‌تواند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در درک و مدیریت چالش‌های داینامیک و چندوجهی منطقه مطالعه کمک کند.

استانداران منطقه از جمله ذینفعان اصلی هستند که بر موفقیت اجرای هر پروژه توسعه‌ای تأثیر می‌گذارند، زیرا نقش آن‌ها شامل افزایش تخصیص‌های بودجه‌ای برای فعالیت‌های عملیاتی و ابتکارات در منطقه است. از آنجا که این منطقه در مرز با کشور دیگر قرار دارد، نیاز به تشویق همکاری‌های مرزی و تلاش‌های مشترک برای حل مسائل مربوط به مهاجرت غیرقانونی و فعالیت‌های مجرمانه از طریق حداکثر کردن فرصت‌ها و مشوق‌های موجود احساس می‌شود. چنین رویکردی به ایجاد محیط اجتماعی و اقتصادی مثبت کمک خواهد کرد. این منطقه با کمبود منابع و تخصیص‌های مالی کافی از سوی نهادهای دولتی محدود شده است؛ بنابراین، تمامی پروژه‌های توسعه‌ای باید بر اساس "پایداری" انجام شوند تا موفقیت در تحقق اهداف عملیاتی تضمین شود.

سه پیشنهاد سیاستی شناسایی شده‌اند که برای تحقیقات بیشتر به عنوان مکانیسم‌های توسعه برای مقابله با جرم‌های رایج در منطقه پیشنهاد شده‌اند.

9.1 تقویت حکمرانی محلی

تقویت حکمرانی محلی به عنوان یک عنصر حیاتی در استراتژی‌های توسعه مرزی با هدف کاهش جرم در سیستان و مناطق مشابه ظهور می‌کند. تنها حضور قوی دولت مرکزی کافی نیست؛ حاکمیت ملی مؤثر نیازمند ساختارهای حکومتی محلی و منطقه‌ای است که قادر به ارائه خدمات اقتصادی، سیاسی و امنیتی به جمعیت مرزی باشند. این رویکرد شامل مشارکت مستقیم جوامع محلی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و فراهم آوردن دسترسی به خدمات حیاتی است که سرنوشت آن‌ها را شکل می‌دهند. چنین مشارکت مدنی، که بدون تبعیض در گروه‌های قومی یا مذهبی گسترش می‌یابد، توسعه را تشویق کرده و شکاف‌های قومی-مذهبی موجود را کاهش می‌دهد. یک استراتژی جامع مرزی برای بازسازی امنیت و ترویج توسعه شامل چندین اقدام کلیدی است. از لحاظ سیاسی، باید از طریق تقویت تعامل با افراد و نهادهای محلی، گسترش فضای دموکراتیک و تقویت حکمرانی در جوامع مرزی، قدرت ملی تقویت شود. اقدامات اقتصادی شامل تکمیل پروژه‌های اقتصادی و زیرساختی، به‌ویژه آن‌هایی که به اشتغال‌زایی می‌پردازند و اجرای برنامه‌های توسعه منطقه‌ای است که از مزیت‌های نسبی استان بهره‌برداری می‌کند. تقویت تجارت مرزی از طریق کانال‌های قانونی و شفاف، همراه با بهبود زیرساخت‌های جاده‌ای و سیاست‌های گمرکی، می‌تواند رشد را بیشتر تحریک کند. همچنین، تقویت نهادهای مدنی مرتبط با گفت‌وگو، فرهنگ و زبان، یک اولویت اجتماعی-استراتژیک حیاتی در این مناطق چندقومیتی و چندمذهبی است. این سیاست‌ها در مجموع هدف دارند تا توازن اقتصادی، فرهنگی، قومی و مذهبی را که برای ایجاد امنیت پایدار و توسعه اجتماعی ضروری است، برقرار سازند.

نتیجه‌گیری:

سیستان و بلوچستان به عنوان یکی از مناطق محروم ایران، با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی متعددی روبروست که باعث افزایش نرخ جرم در این منطقه می‌شود. نابرابری‌های درآمدی، بیکاری بالا و شرایط اقتصادی نامساعد، زمینه‌ساز افزایش جرم به‌ویژه قاچاق کالا و مواد مخدر در این منطقه است. بر اساس مطالعات انجام‌شده، نابرابری‌های اقتصادی از جمله عوامل اصلی ارتکاب جرم در سیستان هستند. در این میان، درآمد به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی توسعه مرزی، می‌تواند به طور قابل توجهی بر کاهش نرخ جرم اثرگذار باشد. در این راستا، ایجاد فرصت‌های شغلی، توسعه زیرساخت‌ها، و ارتقای مهارت‌های افراد از طریق آموزش و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف، نقش محوری دارند.

دولت می‌تواند با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های توسعه مرزی و تسهیل تجارت قانونی، به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی این مناطق کمک کند. همچنین، تقویت حکمرانی محلی و افزایش مشارکت جوامع در فرآیندهای تصمیم‌گیری، می‌تواند به کاهش تنش‌های اجتماعی و تقویت امنیت منجر شود. در نهایت، استراتژی‌های توسعه مرزی مبتنی بر درآمد می‌توانند موجب کاهش جرم و ارتقای کیفیت زندگی در سیستان شوند.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable
Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

این پژوهش تأکید دارد که برای کاهش پایدار جرم در سیستان، باید بر روی ارتقای سطح درآمد، کاهش نابرابری‌ها و تقویت اشتغال تمرکز شود.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

منابع

- ##R. (2005). « Poverty Alleviation in Sistan & Baluchestan: The Case of Shirabad ». United Nations Development Programme – Iran Technical Series, 3 2002, 95 p..
- EBRAHIMZADEH, I. S. S. A. & SAHRAEI, A. H. M. A. D. (2012). An Analysis on Religious-Ethnic ##Geopolitics, Security and Development in Border Towns. Case Study: Sistan and Baluchestan.
- Andrea Mario, L., Michele, B., Giovanni, B., Andros, K., & Antri, K. (2020). Socio-Economic ##Inequalities and Organized Crime: an Empirical Analysis.
- ##Parhiz, F., Zarrabi, A., & Meshkini, A. (2017). Analyzing the Relationship between Crime and ##Population Intensity (12th Municipality Area of Tehran as a Case Study).
- Safdar, G. (2016). Culture of Violence: A Case Study of Pakistan.
- ##Farmanesh, A. (2009). Regional dimensions of economic development in Iran: A new economic geography approach.
- ##Farmanesh, A. (2009). Regional dimensions of economic development in Iran: A new economic geography approach.
- ##Baharom, A. H. & Habibullah, M. S. (2008). Is crime cointegrated with income and unemployment?: A panel data analysis on selected European countries.
- ##María Cerro, A. & Rodríguez Andrés, A. (2011). Typologies of Crime in the Argentine Provinces. A ##Panel Study 2000-2008.
- Shabbir, S., Ali, Q., & Rizwan Yaseen, M. (2017). Crime and Labor Market: A panel data analysis.
- ##Halicioglu, F. (2012). Temporal Causality and the Dynamics of Crime in Turkey.
- Examining the Role of Borders in Development, People's Income, and Its Relationship with Crime Reduction in the Sistan Region

Habibollah

Azarian

Email: Habibolah_azarian@pnu.ac.ir

Department of Agriculture, Payame Noor University, Corresponding author;
hadisiasar@pnu.ac.ir



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract

This study examines the impact of income inequality on crime rates in Sistan and Baluchestan Province, one of Iran's border regions that is economically deprived. The province faces various economic, social, cultural, and security challenges, which have led to an increase in crime rates in the region. Income inequality, high unemployment, and adverse economic conditions in Sistan are major factors contributing to the rise in crime, particularly smuggling, drug trafficking, and other illegal activities. Based on the literature of economics and criminology, this study investigates how income and economic opportunities influence crime reduction in the region. Empirical evidence suggests that increasing income and reducing inequality can contribute to crime reduction by improving economic, social, and security conditions in border areas. In this regard, creating job opportunities, enhancing individual skills, and developing infrastructure are among the most effective strategies for reducing crime. Furthermore, border development and encouraging legal trade through infrastructure improvement and the establishment of economic zones can lead to economic prosperity and a reduction in crime rates in this region. This study recommends that the government focus on enhancing people's living standards and reducing socio-economic inequality by adopting border development strategies based on income. Ultimately, this study aims to demonstrate that sustainable development and crime reduction in Sistan can only be achieved through the creation of sustainable income, employment, and strengthening local governance.

Keywords :Environment, Environmental Laws, Business Licensing, Sistan and Baluchestan Province, Sustainable Development, Environmental Monitoring.

رابطه بین فنون برنامه ریزی آموزشی با خودکارآمدی پیشرفت تحصیلی

دکتر ایوب؛ گراوند استادیار گروه مدیریت دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. GARAVAND.AUOB@PNU.AC.IR

خانم سمانه؛ شرفیان، کارشناس ارشد علوم تربیتی

چکیده

هدف این پژوهش رابطه بین فنون برنامه ریزی آموزشی با خودکارآمدی پیشرفت تحصیلی بود. روش پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت موضوع توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه معلمان و دانش آموزان دوره دوم مقطع ابتدایی شهر کوهدشت برابر با ۷۳۴ نفر و تعداد معلمان برابر با ۱۵۰ نفر بود و با استفاده از جدول گرجسی و مورگان تعداد ۲۵۶ نفر از دانش آموزان و ۱۰۷ نفر از دانش آموزان و با روش نمونه گیری تصادفی ساده، پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی (۱۹۹۹) و پرسشنامه تنظیم هیجان گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۱) بود. اطلاعات توسط نرم افزار spss24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت جهت تحلیل داده ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون چند گانه به روش گام به گام استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد: بین برنامه ریزی درسی معلمان با خودکارآمدی تحصیلی و مهارت تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه مثبت معناداری وجود دارد. یافته های تحلیل رگرسیون نیز نشان داد، که ابعاد مهارت های برنامه ریزی درسی معلمان به میزان ۳۲ درصد و از واریانس تغییرات خودکارآمدی تحصیلی و ۳۹ درصد از واریانس تغییرات مهارت های تنظیم هیجان را پیش بینی می کند.

کلید واژه ها: مهارت های برنامه ریزی درسی، معلمان، خودکارآمدی تحصیلی، مهارت های تنظیم هیجان

۱-۱ مقدمه:

زندگی بشر تحت تاثیر تغییرات وسیع صنعتی، اجتماعی، فرهنگی، دچار تحول شده است. شمار زیادی از افراد قادر نیستند بین محرک های متنوع بیرونی و نیروهای متعارض درونی توازن ایجاد کنند و در فرایند رشد موزون و همه جانبه که همانا هدف اصلی تعالی انسان است، دچار مشکل می شوند. بدیهی است که کودکان و نوجوانان به سبب بی تجربگی و نا آگاهی از مهارت های بازدارنده و تسهیل کننده، اصلاحی، بیشتر در معرض آسیب های جدی درونی و اجتماعی هستند. امروزه در بین همه سازمان هایی که ما را احاطه کرده اند مدرسه از جایگاه ویژه ای برخوردار است، به دلیل اینکه عهده دار امر خطیر آموزش و پرورش می باشد و آموزش و پرورش، زیربنای توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در هر جامعه ای است. فعالیت های مدارس برای تحقق اهداف آموزشی در یک فضای درونی صورت می گیرد، که این فضای درونی در هر مدرسه ای متفاوت می باشد (صالحی، ۱۳۹۱). امروزه نظام آموزشی به عنوان اساسی ترین

نظام، پایه و اساس تعلیم و تربیت شناخته شده این نظام با توجه به تغییرات روز افزون خود نیازهای آن نیز تغییر پیدا می کند. و در جهت تحقق هر چه بهتر اهداف، نیازمند تغییرات مثبت در رفتار کارکنان آموزشی می باشد. یکی از این تغییرات بهبود خودکارآمدی تحصیلی است. خودکارآمدی، یکی از مفاهیم مورد تأکید در نظریه های یادگیری است.

۲-۱- بیان مسئله

امروزه تعلیم و تربیت و به طور کلی تحصیل بخش مهمی از زندگی هر فرد را تشکیل میدهد، به علاوه کیفیت و کمیت این تحصیل نیز نقش مهمی را در آینده فرد ایفا میکند زیرا مدرسه بعد از خانواده مهمترین مکان یادگیری است که دانشآموزان ساعات زیادی از وقت خود را در آن سپری میکنند (یانگ و لین ۹۲، ۲۰۲۴). همچنین رشد روزافزون مشکلات دوران کودکی و تأثیرات عمیق و پایداری که این مشکلات به همراه دارند، موجب شده است مطالعات حوزه روانشناسی کودک و نوجوان از اهمیت ویژه ای برخوردار باشند (گوبل ۹۳، ۲۰۲۳). نخستین تجربه های سازنده کارآمدی یا اثرمندی در فضای عاطفی والدین با گسترش جهان پیرامون کودک، تحت تأثیر خواهر و برادر، و عوامل دیگری مانند همسالان و محیط مدرسه قرار می گیرد. خودکارآمدی به عنوان سطح اعتماد فرد به خود در انجام نقشها و مسئولیتها در حیطه های مختلف زندگی تعریف شده است (ماریکوتیو سالی ۲۰۱۹، ۹۴) تصور یادگیرندگان از خودکارآمدی از منابع گوناگونی مانند عملکرد واقعی، واکنش های فیزیولوژیک، تشویق دیگران و تجربیاتی که از طریق یادگیری مشاهده ای کسب میشود، نشأت میگیرد (توکی و ابرهیمی، ۱۳۹۹). داوری های افراد از توانایی های خود (خودکارآمدی) در تعامل با افکار، احساسات و رفتارشان قرار می گیرد و بر آنها تأثیر میگذارد. برآورده کردن و حفظ معیارهای عملکرد میزان خودکارآمدی را افزایش و ناکامی در برآوردن و حفظ آن معیارها، آن را کاهش می دهد. افرادی که دارای میزان خودکارآمدی بالاتر هستند، بیش از افراد دارای خودکارآمدی پایین در انجام دادند تکالیف کوشش و پافشاری از خود نشان می دهند، در نتیجه عملکرد آنان در انجام دادن تکالیف بهتر است (آقازاده، ۱۳۹۳). وقتی که افراد احساس کارآمدی بالایی داشته باشند، در فعالیتهایی شرکت خواهند کرد که به تسریع توسعه مهارتها و قابلیت های آنان انجامد. در مقابل، افراد دارای خودکارآمدی پایین، از فعالیتهای چالش زا خودداری خواهند کرد. خودکارآمدی عاملی مهم در نظام سازماندهی شایستگی انسان است. انجام وظایف از سوی افراد مختلف با مهارتهای مشابه در موقعیتهای متفاوت به صورت ضعیف، متوسط و یا قوی و یا توسط یک فرد در شرایط متفاوت به تغییرات باورهای خودکارآمدی آنان وابسته است. به همین دلیل، احساس خودکارآمدی، افراد را قادر میکند تا با استفاده از مهارتها در برخورد با موانع کارهای فوق العاده انجام دهند. عملکرد مؤثر، هم به داشتن مهارتها و هم به باور در توانایی انجام آن مهارتها نیازمند است. اداره کردن موقعیتهای دائم تغییر، مبهم، غیرقابل پیش بینی و استرسزا، مستلزم داشتن مهارتهای چندگانه است (رمزدن ۲۰۱۰، ۹۵). خودکارآمدی یکی از جنبه های مهم نظریه شناخت اجتماعی است که نخستین بار

92 Yang, T. C., & Lin, Z. S

93 Göbel, K

94 Maricuțoiu, L. P., & Sulea, C

95 Ramsden, P.

توسط بندورا (۱۹۹۴) مطرح شد. آلبرت بندورا به عنوان مطرح ترین نظریه پرداز این مبحث، بر این باور است که در کنار گروه همسالان و والدین، محیط آموزشی نیز در رشد خود کارآمدینش مهمی دارند (بندورا، ۲۰۰۱) خود کارآمدی از جمله سازوکارهای روانشناختی است که با رفتار تحصیلی و موفقیت تحصیلی دانش آموزان ارتباط دارد (تلسما و همکاران، ۲۰۱۹). در واقع باورهای خود کارآمدی یکی از بهترین پیش بینی کننده های عملکرد تحصیلی در دانش آموزان ابتداییشمرده می شود (کریمزاده و محسنی، ۱۳۸۵). خود کارآمدی تحصیلی یکی از مؤلفه های مرتبط با تحصیل است که به باور فرد مبنی بر قابلیت و شایستگی خود در فرایندهای مرتبط با تحصیل اشاره دارد (بیدل، ۹۷، ۲۰۲۱) اطمینان افراد به قابلیت های آموزشی خود، وابسته به باورهای خود کارآمدی آنهاست و دانش آموزانی که در انجام وظایف تحصیلی از حس خود کارآمدی پایبندی برخوردارند، هیجانات تحصیلی منفی تر را احساس کرده و احتمالاً مشکلات بیشتری در یادگیری شان دارند (کینگ و همکاران، ۹۸، ۲۰۱۱). باورهای خود کارآمدی تحصیلی ادراک شده به منزله قسمتی از باورهای خود کارآمدی عمومی به تعداد مهارت هایی که شخص از آنها برخوردار است، اطلاق نمی شود، بلکه به باورهایی مثل مطالعه کردن، انجام فعالیت های پژوهشی، سؤال پرسیدن در کلاس درس، ارتباط موفق و صمیمی با معلمان، برقراری روابط دوستانه با سایر دانش آموزان، گرفتن نمره های خوب در امتحانات اشاره دارد که شخص به آنها معتقد است و قادر به انجام آنها میباشد (گروتان و همکاران، ۹۹، ۲۰۲۲). به اعتقاد شانک و زیمرمن (۲۰۰۶) افرادی که دارای باورهای خود کارآمدی تحصیلی هستند میتوانند با استفاده از مهارت ها در برخورد با موانع کارهای فوق العاده ای انجام دهند، در فعالیتهای کلاسی مشارکت بیشتری داشته باشند و کمتر در کلاس گوشه گیر باشند. کسب شایستگی در مهارت های اجتماعی دانش آموزان یکی از پایه های اساسی اعتماد به نفس در موقعیتهای مختلف است. افرادی که اعتماد به نفس بالاتری دارند، به توانایی های خود اعتقاد و ایمان بیشتری دارند، عملکردشان در فعالیتهای یادگیری بهتر است (نظری و سلیمانیان، ۱۳۸۸). تحقیقات مربوط به عملکرد تحصیلی خاطرنشان ساختند که دانش آموزانی با عملکرد تحصیلی بسیار خوب به طور معنیدار ایداریسطوح بالاتر تنظیم هیجان نیز هستند (وان درامبسی، ۱۰۰، ۲۰۲۰) این امر تاحدی بدان علت است که دانش آموزانی با عملکرد تحصیلی بسیار خوب، راهبردها و توانایی های یادگیری را برای مقابله با امتحانات توسعه دادند، در حالیکه دانش آموزان با عملکرد تحصیلی پایین، انتظارات غیرواقعی پنهان دارند که ممکن است موجب افزایش اضطراب بیشتر موقع امتحان دادن شود (لیو و همکاران، ۲۰۲۱). هیجان پدیدهای چندوجهی است که کارکردهای تکاملی، رفتاری، شناختی و ارتباطی دارد. بدین معنی که انواع سیستم های شناختی و رفتاری فرد، مثل حافظه، تصمیم گیری (گرکوچای و همکاران، ۱۰۱، ۲۰۲۱) حل مسئله، بازخورد (گرسالفی و بارنز، ۱۰۲، ۲۰۲۲) و رفتارهای گرایشی و اجتنابی فرد پس از تجربه هیجان، فعال خواهند شد. تنظیم هیجان اشاره به فرایندهایی دارد که طی آن افراد سعی می کنند فرایندهای مربوط به تولید هیجان های

96Talsma, K., Schütz, B., & Norris, K

97Bedel, E. F

98King, R. B., McInerney, D. M., Ganotice Jr, F. A., & Villarosa, J. B

99Grøtan, K., Sund, E. R., & Bjerkset, O

100von der Embse, N

101Grecucci, A., Giorgetta, C., Van't Wout, M., Bonini, N., & Sanfey, A. G

102Gresalfi, M. S., & Barnes, J.

خود را اصلاح کنند که به طور معمول با هدف کاهش شدت تجرب هیجانی همراه است (گروس و جزائری ۲۰۱۹، ۱۰۳). به عبارتی دیگر تنظیم هیجان می تواند به عنوان روشی تعریف شود که افراد از طریق آن هیجان های خود را تجربه، کنترل و ابراز میکنند (گانگو پائولسون ۲۰۱۷، ۱۰۴؛ دی فرانس و هولشتاین ۲۰۱۷، ۱۰۵). شامل نظارت، ارزیابی و اصلاح واکنش های هیجانی، به ویژه حالت های شدید و زودگذر هیجانی به منظور نیل به اهداف است به نحوی که برای عملکرد سازگارانه مفید باشد (کلارک و همکاران ۲۰۲۰، ۱۰۶). تنظیم هیجان فرایندی است که منجر به تغییر در نوع، شدت، مدت و یا بیان احساسات میشود که باعث پرورش سطح بهینه های از تعامل با محیط شده و در به راه اندازی و حفظ رفتار انطباقی و کاهش استرس، و تجربه هیجانات منفی و رفتار ناسازگارانه حائز اهمیت است (گارلند ۲۰۲۱، ۱۰۷). تنظیم هیجان یعنی فرآیندی که با آن افراد بر ماهیت هیجان هایی که دارند، زمان داشتن آن هیجان ها، چگونگی تجربه و ابراز آنها تاثیر می گذارند. تنظیم هیجان، فرآیند مدیریت هوشیارانه و تغییر هیجان های افراد است و رابطه تنگاتنگی نیز با سلامت روان دارد (لیو و همکاران ۲۰۲۱، ۱۰۸). تنظیم شناختی هیجان، به شیوه شناختی مدیریت و دستکاری ورود اطلاعات فراخوانده هیجان در افراد اشاره دارد (تراوب و همکاران ۲۰۲۳، ۱۰۹). راهبردهای تنظیم شناختی هیجان برای تغییر در مدت زمان یا شدت تجربه یک هیجان به دو دسته کلی، راهبردهای سازگارانه (ارزیابی مجدد مثبت، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه ریزی و دیدگاه گیری- با سازگاری و تعاملات اجتماعی مثبت) و راهبردهای ناسازگارانه (ملامت خود، ملامت دیگران، پذیرش، فاجعه سازی و نشخوارگری) تقسیم بندی میشود (گارنفسکی و همکاران ۲۰۰۹، ۱۱۰). یکی از مدل های مطرح در این زمینه، مدل تنظیم هیجان گروس ۱۱۱ (۲۰۰۱) است که در دو چهارچوب مهم بررسی میشود؛ راهبردهایی که پیش از ایجاد هیجان و یا در آغاز بروز آن فعال میشوند و از بروز هیجان های شدید پیشگیری میکنند و باعث تعبیر و تفسیر موقعیت به نحوی می گردند که پاسخ هیجانی مرتبط با آن موقعیت را کاهش میدهند این راهبردها، فرآیند بازبازی نامید میشوند. راهبردهایی که پس از پیدایی هیجان فعال میشوند. این راهبردها نمیتوانند از ایجاد هیجان های شدید پیشگیری کنند و بازبازی نامیده میشوند. ادعا شده است استفاده از هر راهبرد منحصراً به فرد، پیامدهای متفاوتی را به دنبال دارد (امپیل و همکاران ۱۱۲، ۲۰۱۴؛ به نقل از حسینی و همکاران ۱۳۹۷). مطالعات نشان داده است که استفاده از راهبرد بازبازی، عامل مؤثری در کاهش هیجانات منفی خشم، اضطراب، استرس، افسردگی، باشد (هیل و کوران ۲۰۱۵، ۱۱۳). تنظیم هیجانی سازگارانه برای کارکرد زندگی روزانه ضروری است (رحمتی و صابر، ۱۳۹۶) و عدم استفاده از راهبردهای تنظیم هیجان با ناتوانی در کنترل هیجانات منفی ناشی از وجود افکار و باورهای منفی

103Gross, J. J., & Jazaieri, H

104Gong, X., & Paulson, S. E.

105De France, K., & Hollenstein, T

106Clarke, P. B., Lewis, T. F., Myers, J. E., Henson, R. A., & Hill, B.

107Garland, E. L

108Liu, Y., Pan, H., Yang, R., Wang, X., Rao, J., Zhang, X., & Pan, C

109Traub, J., Frey, A., & Störk, S

110Garnefski, N., Koopman, H., Kraaij, V. & Cate, R. T

111Gross, J. J.

112Empil et al.

113Hill, A.P., & Curran, T

نقش مهمی در ایجاد مشکلات هیجانی و رفتاری بعد از مواجهه افراد با رویداد استرسزا ایفا میکنند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۷؛ گراس، ۲۰۰۱) افزایش در فراوانی تجربه هیجانی مثبت باعث مراقبه مؤثر با موقعیت های استرسزا میشود (گروس، ۲۰۱۹) و حتی فعالیتهای لازم در پاسخ به موقعیتهای اجتماعی را بالا می برد (توگاد و فردریکسون، ۲۰۲۱). بررسی متون و مطالعات روانشناختی نشان میدهد که تنظیم هیجان، عامل مهمی در تعین سلامتی و داشتن عملکرد موفق در تعاملات اجتماعی است (تامپسون، ۱۹۹۱).

(شواهد اولیه نشان میدهد که مهارت برنامه ریزی میتواند تاثیرات مثبتی بر خودکارآمدی تحصیلی و تنظیم هیجانات داشته باشد. با این حال پژوهش های کمی در زمینه اثربخشی این مهارت در محیط های آموزشی انجام شده است. با اینکه چنین برنامه هایی، زمانی بیشترین نتیجه را در بردارند که از طریق معلمان و سیستم آموزشی اعمال شوند. این پژوهش تلاش دارد تا به این سوال پاسخ دهد که آیا بین مهارت های برنامه ریزی درسی معلمان با خودکارآمدی تحصیلی و مهارتهای تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدهشت رابطه وجود دارد؟

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

در دنیای امروز، پیشرفت در عرصه های مختلف علمی، اجتماعی و اقتصادی وابسته به توانایی های فردی و اجتماعی افراد است. یکی از مهم ترین عوامل تأثیرگذار در موفقیت تحصیلی و روانی افراد، خودکارآمدی تحصیلی و تنظیم هیجانات است. خودکارآمدی تحصیلی به عنوان باور فرد به توانایی های خود در انجام وظایف و چالش های آموزشی، نقش کلیدی در پیشرفت تحصیلی و مقابله با استرس های محیطی دارد. از سوی دیگر، تنظیم هیجانات به توانایی مدیریت احساسات و واکنش های هیجانی اشاره دارد که در ایجاد روابط اجتماعی مثبت، پیشرفت تحصیلی و سلامت روان افراد تأثیرگذار است. گولمن^{۱۱۶} (۲۰۰۸) نشان میدهد هرگونه نقصی در رشد توانایی تنظیم هیجانی میتواند صدماتی را به بار آورد و در زندگی اجتماعی و فردی و حتی در وضعیت سلامت جسمی مشکلاتی ایجاد کند. اصطلاح توانایی تنظیم هیجانی را برای بیان کیفیت و درک احساسات افراد، همدردی با احساسات دیگران و توانایی اداره مطلوب خلق و خو نیز به کار برده اند. در حقیقت این توانایی مشتمل بر شناخت احساسات خویش و دیگران و استفاده از آن برای اتخاذ تصمیمات مناسب در زندگی است. به عبارتی عاملی است که به واسطه داشتن مهارتهای اجتماعی بالا منجر به برقراری رابطه خوب با مردم می شود. همچنین اظهار می دارد که تواناییهای شناختی در بهترین شرایط تنها ۲۰ درصد از موفقیتها را باعث میشود و ۸۰ درصد از موفقیتها به عوامل دیگر وابسته است. در واقعسنوشت افراد در بسیاری از موقعیتها در گرو تواناییهای تنظیم هیجانی است. توانایی تنظیم هیجان پیش بینی کننده موفقیت افراد در

114Tugade, M.M., Frederickson, B.L

115Thompson, R. A

116Goleman, D

زندگی و نحوه برقراری ارتباط مناسب با دیگران است (گاتمن^{۱۱۷}، ۲۰۲۱). افراد با توانایی تنظیم هیجانی ضعیف و در نگاهی وسیعتر هوش هیجانی پایین واکنشهای شدیدی نسبت به نظر دیگران در مورد خودشان بروز میدهند. این گونه افراد پیوسته برای کسب تایید اطرافیان در تکاپو هستند و به انجام اعمالی مبادرت میورزند که کشوری آنها را در زندگی روزمره محدود میکند و این محدودیتها مشکلاتی را در زندگی روزمره روابط بینفردی آنها به وجود میآورد که باعث افزایش اضطراب آنها میگردد (می، گر، و سالوی^{۱۱۸}، ۲۰۱۷). میتوان پیشینی کرد که این گونه افراد، دائما نگران کسب تایید اطرافیان هستند و لذا در موقعیت های اجتماعی از قبیل مدرسه و دانشگاه، اضطراب گستردهای را تجربه می کنند. با توجه به این که همزمان پیشرفت و افت تحصیلی یکی از ملاکهای کارایی نظام آموزشی است، کشف و مطالعه متغیرهای تأثیرگذار بر عملکرد تحصیلی، به شناخت بهتر و پیشینی متغیرهای مؤثر در مدرسه می انجامد. نتایج تحقیقات نشان می دهد، خودکارآمدی تحصیلی بر پیشرفت تحصیلی تأثیری مستقیم دارد. خودکارآمدی تحصیلی با بعد عاطفی درگیری تحصیلی مرتبط است. افراد با خودکارآمدی بالا در مقایسه با افراد با خودکارآمدی پایین، عملکرد بهتری دارند؛ زیرا در هنگام مواجهه با یک تکلیف، تفکرات متفاوتی دارند، سختتر کار می کنند و پشتکار بیشتری نشان می دهند و اعتقاد دارند میتوانند از طریق اعمالشان تغییری در محیط ایجاد کنند (فرناندو و همکاران^{۱۱۹}، ۲۰۱۷؛ نریمانی و وحیدی، ۱۳۹۲). اما افراد با باور خودکارآمدی پایین، تمایل به اجتناب از تکالیف چالشبرانگیز دارند و بر تفکرات منفی تمرکز داشته و معمول دارای خلقافسرده هستند. در این راستا مطالعات نشان دادهاند که عملکرد ضعیف افراد، به دلیل ناتوانی لازم در آنها نیست، بلکه به این دلیل است که به تواناییهای خود اطمینان ندارند (شکولکیو^{۱۲۰}، ۲۰۱۳). امروزه یکی از مشکلات دانشآموزان ما این است که نمیدانند یک حقیقت را یاد گرفتهاند یا نه؟ نمیدانند که آیا یک مهارت را کسب کردهاند یا فاقد آن مهارت هستند. از اینرو، کسب خودکارآمدی تحصیلی موضوع دیگری است که تقویت آن در دانشآموزان حایز اهمیت است. در نهایت، امید است یافتههای این پژوهش بتواند گامی مؤثر در جهت ارتقای خودکارآمدی تحصیلی و بهبود مهارت های تنظیم هیجانی در کودکان بردارد. نتایج این تحقیق می تواند به معلمان، والدین و متخصصان کمک کند تا با بهره گیری از آموزش های مؤثر، زمینه رشد همه جانبه و موفقیت تحصیلی کودکان را فراهم کنند. بدین ترتیب، این مطالعه نه تنها به تقویت زیرساخت های علمی در حوزه روان شناسی آموزشی کمک می کند، بلکه در آینده ای نزدیک، نسلی توانمندتر، آگاه تر و با مهارت های بهتر در مدیریت هیجانات و چالش های زندگی تربیت خواهد شد.

¹¹⁷Gottman¹¹⁸Mayer & Carus Salovey¹¹⁹Fernando¹²⁰Shkullaku, R



۱-۴-اهداف تحقیق

۱-۴-۱-هدف کلی

شناخت رابطه بین مهارت‌های برنامه ریزی درسی معلمان با خودکارآمدی تحصیلی و مهارت‌های تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوه‌دشت

۱-۴-۲-اهداف جزئی

شناخت رابطه بین مولفه های مهارت برنامه ریزی درسی معلمان با خودکارآمدی تحصیلی در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوه‌دشت

شناخت رابطه بین مولفه های مهارت برنامه ریزی درسی معلمان با مهارت‌های تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوه‌دشت

۱-۵-فرضیه های تحقیق

۱-۵-۱-فرضیه اصلی

بین مهارت‌های برنامه ریزی درسی معلمان با خودکارآمدی تحصیلی و مهارت‌های تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوه‌دشت رابطه وجود دارد.

۱-۵-۲-فرضیه های جزئی

۱- بین مولفه های مهارت برنامه ریزی درسی معلمان با خودکارآمدی تحصیلی در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوه‌دشت رابطه وجود دارد.

۲- بین مولفه های مهارت برنامه ریزی درسی معلمان با مهارت‌های تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوه‌دشت رابطه وجود دارد.

۳-۲-روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت موضوع توصیفی از نوع همبستگی است. تحقیقات همبستگی شامل کلیه تحقیقاتی است که در آنها سعی می شود روابط بین متغیرهای مختلف با استفاده از ضریب همبستگی کشف یا تعیین شود. هدف تحقیق همبستگی عبارت

است از درک الگوهای پیچیده رفتاری از طریق مطالعه همبستگی بین الگوها و متغیرهایی که فرض می‌شود بین آنها رابطه وجود دارد. تحقیق توصیفی شامل مجموعه روشهایی است که هدف آنها توصیف کردن شرایط و پدیده‌های مورد بررسی بوده و اجرای آن می‌تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری دادن فرایند تصمیم‌گیری باشد (بازرگان، حجازی، سرمد، ۱۳۹۵).

۳-۳- جامعه آماری

جامعه آماری در این تحقیق شامل کلیه معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم مقطع ابتدایی شهر کوهدشت در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ می‌باشد که با استناد به گزارش معاونت پشتیبانی و برنامه ریزی نیروی انسانی تعداد دانش‌آموزان دوره دوم برابر با ۷۳۴ نفر و تعداد معلمان برابر با ۱۵۰ نفر است.

۳-۴- حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است، و حجم نمونه با استناد به جدول گرجسی و مورگان ۲۵۶ نفر برای دانش‌آموزان و ۱۰۷ نفر برای معلمان از جامعه آماری انتخاب شد.

۳-۵- ابزار گردآوری داده‌ها

در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات از سه پرسشنامه استاندارد، شامل پرسشنامه مهارت‌های بین‌رئیس‌مدیر، پرسشنامه ناهنجاری (۱۳۹۳)، (ب) پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی، پرسشنامه هیجان‌گارفنسکی و همکاران (۲۰۰۱) استفاده شد.

۳-۷- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل نتایج و اطلاعات به دست آمده از آمار توصیفی نظیر جدول، نمودار، درصد و... و آمار استنباطی، برای بررسی نرمال بودن از آزمون کولموگروف، آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و برای پیش‌بینی متغیر ملاک با استفاده از متغیرهای پیش‌بین از آزمون رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام استفاده شده است. نرم افزار مورد استفاده در این پژوهش SPSS21 استفاده شده است.

۴-۴-۱- آزمون کولموگروف - اسمیرنوف نرمال بودن متغیرهای جامعه:

در این بخش تحلیل آماری با استفاده از تکنیک‌های آمار استنباطی صورت می‌گیرد. هدف آمار استنباطی نتیجه‌گیری پیرامون ویژگی‌های جامعه‌ای است که نمونه مورد مطالعه از آن استخراج شده است. با توجه به ماهیت فرضیه‌های پژوهش، برای تحلیل آنها از آزمون

همبستگی پیرسون استفاده شده است. قبل از انجام تحلیل به جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق از آزمون کولموگروف

اسمیرنوف استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴-۶ آمده است.

جدول ۴-۶: توزیع نرمال بودن در جامعه برای متغیرها و ابعاد

ردیف	متغیرها و مولفه ها	آماره	معنی داری
۱	مهارت برنامه ریزی درسی	۰/۱۵۸	۰/۱۷۹
۲	خودکار آمدی تحصیلی	۰/۱۸۸	۰/۱۹۸
۳	مهارت تنظیم هیجان	۰/۱۶۸	۰/۱۷۶

جدول ۴-۶ نتایج بررسی وضعیت نرمال بودن متغیرهای تحقیق را با آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نشان می دهد. نتایج حاکی از آن است که میزان معناداری تمامی متغیرها بالاتر از سطح معناداری ۰/۰۵ شده است در نتیجه می توان بیان کرد که تمامی متغیرها دارای توزیع نرمالی می باشند و پیش فرض نرمال بودن متغیرهای تحقیق تایید می گردد.

۴-۴-۲- بررسی فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی تحقیق:

بین مهارتهای برنامه ریزی درسی معلمان با خودکار آمدی تحصیلی و مهارتهای تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه وجود دارد.

H_0 : بین مهارتهای برنامه ریزی درسی معلمان با خودکار آمدی تحصیلی و مهارتهای تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه معناداری وجود ندارد.

H_1 : بین مهارتهای برنامه ریزی درسی معلمان با خودکار آمدی تحصیلی و مهارتهای تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه معناداری وجود دارد.

این فرضیه با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج حاصل از این بررسی در جدول ۴-۷ نشان داده شده است.

جدول ۴-۷: نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون برای فرضیه اصلی

فرضیه	متغیرها	همبستگی R	سطح معنی داری sig
فرضیه کلی	برنامه ریزی درسی با خود کار آمدی تحصیلی	۰/۷۶۶***	۰/۰۰۰
	برنامه ریزی درسی با مهارت تنظیم هیجان	۰/۴۵۴***	۰/۰۰۰

جدول (۴-۷) نشان می دهد که همبستگی بین برنامه ریزی درسی با خود کار آمدی تحصیلی برابر با ۰/۷۶۶ و بین برنامه ریزی درسی با مهارت های تنظیم هیجان برابر با ۰/۴۵۴ می باشد. با توجه به سطح معناداری برآورد شده که برابر ۰/۰۰۱ می باشد، در سطح اطمینان ۰/۹۹ درصد می توان ادعا کرد که بین برنامه ریزی درسی معلمان با خود کار آمدی تحصیلی و مهارت تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه مثبت معناداری وجود دارد. لذا فرضیه تایید می شود.

آزمون فرضیه جزئی ۱:

بین مولفه های مهارت برنامه ریزی درسی معلمان با خود کار آمدی تحصیلی در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه وجود دارد.

H₀: بین مولفه های مهارت برنامه ریزی درسی معلمان با خود کار آمدی تحصیلی در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه معناداری وجود ندارد.

H₁: بین مولفه های مهارت برنامه ریزی درسی معلمان با خود کار آمدی تحصیلی در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه معناداری وجود دارد.

این فرضیه با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج حاصل از این بررسی در جدول ۴-۸ نشان داده شده است.

جدول ۴-۸: نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون برای فرضیه ی جزئی ۱

متغیر X	متغیر Y	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معنی-داری (sig)
اهداف برنامه	خودکارآمدی تحصیلی	۰/۵۰۱	۰/۰۰۰
محتوی برنامه	خودکارآمدی تحصیلی	۰/۳۶۹	۰/۰۰۰
شیوه ارایه برنامه	خودکارآمدی تحصیلی	۰/۵۳۹	۰/۰۰۰
زمانبندی برنامه	خودکارآمدی تحصیلی	۰/۴۵۵	۰/۰۰۰
فناوری برنامه	خودکارآمدی تحصیلی	۰/۴۸۶	۰/۰۰۰
اجرای برنامه	خودکارآمدی تحصیلی	۰/۴۱۰	۰/۰۰۰
ارزشیابی برنامه	خودکارآمدی تحصیلی	۰/۴۹۴	۰/۰۰۰

اطلاعات جدول ۴-۸، نشان می‌دهد؛ ضریب همبستگی پیرسون بین مولفه‌های مهارت برنامه ریزی درسی با خودکارآمدی تحصیلی در سطح آلفای ۰/۰۱ مثبت و معنی‌دار است. ($Sig < 0/01$) لذا چنین استنباط می‌شود که با ۹۹ درصد اطمینان بین مهارت برنامه ریزی درسی و مولفه‌های آن با خودکارآمدی تحصیلی در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. یعنی با افزایش نمرات مربوط به برنامه ریزی درسی و ابعاد آن، نمرات مربوط به خودکارآمدی تحصیلی نیز افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد.

آزمون فرضیه جزئی ۲:

بین مولفه‌های مهارت برنامه ریزی درسی معلمان با مهارت‌های تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه وجود دارد.

H_0 : بین مولفه‌های مهارت برنامه ریزی درسی معلمان با مهارت‌های تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه معناداری وجود ندارد.

H_1 : بین مولفه‌های مهارت برنامه ریزی درسی معلمان با مهارت‌های تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه معناداری وجود دارد.

این فرضیه با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج حاصل از این بررسی در جدول ۴-۹ نشان داده شده است.

جدول ۴-۹: نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون برای فرضیه‌ی جزئی ۲

متغیر X	متغیر Y	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معنی داری (sig)
اهداف برنامه	مهارت‌های تنظیم هیجان	۰/۴۵۸	۰/۰۰۰
محتوی برنامه	مهارت‌های تنظیم هیجان	۰/۴۲۰	۰/۰۰۰
شیوه ارایه برنامه	مهارت‌های تنظیم هیجان	۰/۴۸۳	۰/۰۰۰
زمانبندی برنامه	مهارت‌های تنظیم هیجان	۰/۴۳۹	۰/۰۰۰
فناوری برنامه	مهارت‌های تنظیم هیجان	۰/۵۳۱	۰/۰۰۰
اجرای برنامه	مهارت‌های تنظیم هیجان	۰/۳۸۹	۰/۰۰۰
ارزشیابی برنامه	مهارت‌های تنظیم هیجان	۰/۳۸۶	۰/۰۰۰

۳-۵- یافته های پژوهش

آزمون فرضیه اصلی:

"بین مهارت‌های برنامه ریزی درسی معلمان با خودکارآمدی تحصیلی و مهارت‌های تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه وجود دارد".

نتایج جدول (۴-۷) نشان داد همبستگی بین برنامه ریزی درسی با خودکارآمدی تحصیلی برابر با ۰/۷۶۶ و بین برنامه ریزی درسی با مهارت‌های تنظیم هیجان برابر با ۰/۴۵۴ بود و با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۱، در سطح اطمینان ۰/۹۹ درصد می توان ادعا کرد که بین برنامه ریزی درسی معلمان با خودکارآمدی تحصیلی و مهارت تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه مثبت معناداری وجود دارد. لذا فرضیه تایید شده است. این یافته با نتایج بدست آمده توسط یار علی و همکاران (۱۴۰۳)، تقیپور، صالحی و عابدینی (۱۴۰۱)،

جلیلینهادواسنجانیاقدم (۱۴۰۰)، شهسواریومنظری (۱۳۹۹)، کمانگر و همکاران (۱۳۹۸)، کاپیسی و آکای (۲۰۲۳)، چانگ، لای و چونگ (۲۰۲۲)، بابوتواستوری (۲۰۱۹)، لوی و مینگ (۲۰۱۹)، وان و همکاران (۲۰۱۸)، اسکیلر (۲۰۱۷)، کانو (۲۰۱۷) همخوانی دارد.

آزمون فرضیه جزئی ۱:

"بین مولفه های مهارت برنامه ریزی درسی معلمان با خودکارآمدی تحصیلی در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه وجود دارد."

اطلاعات جدول ۴-۸، نشان داد؛ ضریب همبستگی پیرسون بین مولفه های مهارت برنامه ریزی درسی با خودکارآمدی تحصیلی در سطح آلفای ۰/۰۱ مثبت و معنی دار است. ($Sig < 0/01$) لذا چنین استنباط می شود که با ۹۹ درصد اطمینان بین مهارت برنامه ریزی درسی و مولفه های آن با خودکارآمدی تحصیلی در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه مثبت معنی دار وجود دارد. بنابراین فرضیه پژوهش تایید شده است.

این یافته با نتایج بدست آمده توسط جلیلینهادواسنجانیاقدم (۱۴۰۰)، شهسواریومنظری (۱۳۹۹)، کمانگر و همکاران (۱۳۹۸)، لوی و مینگ (۲۰۱۹)، وان و همکاران (۲۰۱۸)، کاپیسی و آکای (۲۰۲۳)، چانگ، لای و چونگ (۲۰۲۲)، یار علی و همکاران (۱۴۰۳)، [تقیپور؛ صالحیوعابدینی](#) (۱۴۰۱)، بابوتواستوری (۲۰۱۹)، اسکیلر (۲۰۱۷)، کانو (۲۰۱۷) همخوانی دارد.

a

"بین مولفه های مهارت برنامه ریزی درسی معلمان با مهارتهای تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه وجود دارد."

اطلاعات جدول ۴-۹، نشان داد؛ ضریب همبستگی پیرسون بین مولفه های مهارت برنامه ریزی درسی با مهارتهای تنظیم هیجان در سطح آلفای ۰/۰۱ مثبت و معنی دار است. ($Sig < 0/01$) لذا چنین استنباط می شود که با ۹۹ درصد اطمینان بین مهارت برنامه ریزی درسی و مولفه های آن با مهارتهای تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه مثبت معنی دار وجود دارد. بنابراین فرضیه پژوهش تایید شده است.

این یافته با نتایج بدست آمده توسط جلیلینهادواسنجانیاقدم (۱۴۰۰)، شهسواریومنظری (۱۳۹۹)، کمانگر و همکاران (۱۳۹۸)، یار علی و همکاران (۱۴۰۳)، [تقیپور؛ صالحیوعابدینی](#) (۱۴۰۱)، کاپیسی و آکای (۲۰۲۳)، چانگ، لای و چونگ (۲۰۲۲)، وان و همکاران (۲۰۱۸)، اسکیلر (۲۰۱۷)، کانو (۲۰۱۷)، بابوتواستوری (۲۰۱۹)، لوی و مینگ (۲۰۱۹)، همخوانی دارد.

۴-۵- بحث و نتیجه گیری یافته های پژوهش نشان داد که مدیریت کلاس درس با جو یادگیری همبستگی مثبت و معناداری دارد و در مجموع ۷۱/۶ درصد واریانس مربوط به جو یادگیری به وسیله مدیریت کلاس درس معلمان تبیین می شود. و در تحقیق دیگری چانگ، لای

و چونگ (۲۰۲۲) بهرر سیاتر بخشیمهارت برنامه ریزی در سیاد گیرتر کییدر افزایشایستگیمهارتهای ارتباطیو خود کارآمدیدانشآموزانشان دادند ، برنامه درسیارویکرد یاد گیرتر کییدر بهبودشایستگیمهارتهای ارتباطیو خود کارآمدیدانشآموزان اثر بخش بوده است . در تبیین این نتیجه می توان گفت، توانایی و مهارت معلمان در تدوین مطلوب اهداف آموزشی، محتوی آموزشی و بکار گیری فناوری های آموزشی مناسب و متناسب با علایق و اهداف آموزشی و هم چنین در نظر گرفتن توانایی های شناختی ، عاطفی فراگیران می تواند به همسویی و همگرایی دانش آموزان با فرایند تدریس آموزگاران کمک کند ، در نتیجه ، خود کار آمدی تحصیلی بهبود یابد. از طرفی مهارت داشتن آموزگاران در انجام برنامه ریزی های مناسب و دقیق بویژه در حوزه ارزشیابی می تواند ، اعتماد به نفس شاگردان را ارتقاء دهد، و هیجانات و افکار منفی دانش آموزان را در مورد عملکرد ضعیف احتمالی آنان در فعالیت های آموزشی را کاهش دهد.

۵-۵-پیشنهادهات

۵-۵-۱-پیشنهادهات کاربردی مبتنی بر یافته های پژوهش

با توجه به تایید فرضیه اصلی پژوهش "بین مهارتهای برنامه ریزی درسی معلمان با خود کار آمدی تحصیلی و مهارتهای تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه وجود دارد." در این راستا پیشنهاد ذیل ارایه می شود:

۱- مسئولین و برنامه ریزان آموزش و پرورش دوره آموزشی آموزشی ضمن خدمت ، برای ارتقاء سطح توانمندی معلمان در

مهارت برنامه ریزی درسی برگزار کنند.

۲- مسئولین و دست اندرکاران آموزش و پرورش در تدوین محتوی آموزشی دانشگاههای فرهنگیان ، دروسی که مرتبط با کسب

مهارت در این زمینه برای دانشجو معلمان است را بیشتر مورد توجه قرار بدهند.

با توجه به تایید فرضیه ۱ پژوهش؛ "بین مولفه های مهارت برنامه ریزی درسی معلمان با خود کار آمدی تحصیلی در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه وجود دارد" در این راستا پیشنهاد ذیل ارایه می شود:

معلمان برای کمک به عملکرد بهتر آموزشی دانش آموزان ، قبل از تدوین اهداف آموزشی ، اطلاعات دقیقی را با استفاده از بررسی نیازهای شناختی و عاطفی و نظرخواهی از همکاران خود و مدیران آموزشی انجام دهند.

معلمان محتوا آموزشی را ، با سطح شناختی، زمینه ها، تجارب قبلی و ویژگی های فرهنگی دانش آموزان هماهنگ و مرتبط کنند.

معلمان برای تحقق ، ارتقاء و پرورش مهارت های سطوح بالا شناختی مانند ارزشیابی ، و توانایی تجزیه و تحلیل در شاگردان، از روش های فعال تدریس برای انتقال محتوی آموزشی استفاده کنند.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

مسئولین آموزش و پرورش برای معلمان با توجه به اهمیت "زمان بندی ارائه برنامه درسی" به عنوان یکی از مهارت های اساسی مورد نیاز برای معلمان، دوره های آموزشی برگزار کنند.

با توجه به تایید فرضیه ۲ پژوهش؛ "بین مولفه های مهارت برنامه ریزی درسی معلمان با مهارت های تنظیم هیجان در دانش آموزان دوره دوم ابتدایی شهر کوهدشت رابطه وجود دارد. در این راستا پیشنهاد ذیل ارایه می شود:

معلمان در تعیین اهداف آموزشی و پرورشی برای دانش آموزان، تقویت مهارت حل مساله، خلاقیت، و تولید ایده را برای حل مشکلات هیجانی و اتفاقات رخ داده، لحاظ کنند.

معلمان در فرآیند انتخاب محتوای دروس تربیتی، به دانش آموزان یادآوری کنند که بجای فکر کردن در مورد اتفاقات ناخوشایند گذشته، به تجارب جالب و خوشایند فکر کنند.

معلمان در برنامه ریزی های خود، میزان تطابق زمان اختصاص داده شده به فعالیت های یادگیری را با ظرفیت های هیجانی دانش آموزان در نظر بگیرند.

۳ منابع

آغبلاقی، نازیلا؛ رستمی، حسین؛ آهنگر، احد؛ واقدسی، علی نقی (۱۴۰۳). بررسی تاثیر آموزش مدیریت خشم مبتنی بر بازسازی شناختی بر خستگی روانی، استرس ادراک شده و تنظیم هیجان پرستاران بیمارستان شفای شهر ارومیه زن و مطالعات خانواده، پاییز ۱۴۰۳ - شماره ۶۵ ص ۱۵۳ تا ۱۶۸.

اکبری، بهمن؛ علی پور، گیتا؛ یوسف پور کرباسدهی، اسماعیل و شاه عزیزادگان، بهاره؛ (۱۴۰۳). نقش حرمت خود و خودتنظیمی هیجان در پیش‌بینی تعلل‌ورزی تحصیلی دانشجویان: راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، دی و بهمن ۱۴۰۳، دوره هفدهم - شماره ۵ ص ۲ تا ۱۰.

احمدی سرخونی، مرضیه و هاشمی پور، سارا (۱۴۰۳). ارائه الگوی ساختاری نیازهای بنیادین روانشناختی بر اساس تنظیم شناختی هیجان و استرس ادراک شده با نقش واسطه‌ای راهبردهای مقابله‌ای: مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، زمستان ۱۴۰۳ - شماره ۸۵ ص ۴۹ تا ۶۷.

توکلی، امید و ابرهیمی، صدیقه. (۱۳۹۹) اثربخشی شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر انگیزش تحصیلی، خودکارآمدی و تعلل ورزی تحصیلی دانش آموزان. مجله پیشرفتهای نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۳ (۲۸)، ۴۱-۲۷.

جاذمی، هادی و اعراب شیبانی، خدیجه (۱۴۰۳). اثربخشی آموزش درمان فعال‌سازی رفتاری، بر سرمایه روانشناختی و تنظیم هیجانات معنادار تحت درمان با متادون (مطالعه موردی: شهرستان قوچان): مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، پاییز ۱۴۰۳ - شماره ۸۴ ص ۳۱۳ تا ۳۳۰.

طورانی، فرشتهو نعمت زاده گتایی، شهرام (۱۴۰۳). اثربخشی درمان تنظیم هیجان بر فرسودگی شغلی و خستگی ذهنی پرستاران: رویش روان‌شناسی، آذر ۱۴۰۳ - شماره ۱۰۲ ص ۹۱ تا ۱۰۰.

علی زاده، الهام؛ مامی، شهرام و محمدیان، فتح اله (۱۴۰۳). مقایسه اثربخشی درمان فراشناختی و تنظیم هیجان مبتنی بر مدل گراس بر تکانشگری و هیجانات خواهی در مردان دارای سوء مصرف مواد تحت درمان با متادون شهر ایلام: روانشناسی و روانپزشکی شناخت، آذر و دی ۱۴۰۳، سال یازدهم - شماره ۵ ص ۱۵۹ تا ۱۷۳.

مفاخری، عبداللهمحمدزاده، مینا (۱۴۰۳). رابطه بین زنانگی و خودکارآمدی با ثبات و عدم ثبات هیجانی در زنان شاغل: مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (موسسه آموزش عالی نگاره، زمستان ۱۴۰۳ - شماره ۸۵ ص ۱۱۱ تا ۱۲۰).

##ملکی فاراب، ندا؛ طاهر، محبوبه وسعیدی، معصومه (۱۴۰۳). آموزش فرزندپروری مبتنی بر هشیاری در لحظه‌ها به مادران و بررسی اثربخشی آن بر سازگاری اجتماعی و تنظیم هیجان دختران نوجوان در معرض خطر: توانمند سازی کودکان استثنایی، زمستان ۱۴۰۳، دوره پانزدهم - شماره ۴ ص ۲۷ - ۳۹.

ملکی پیروزیان، زهرا؛ خانجانی، زینب؛ اسماعیل پور، خلیلومحمودعلیلو، مجید (۱۴۰۴). نقش سبک‌های دلبستگی در اختلال انباشت با میانجی‌گری شخصیت اجتنابی و تنظیم هیجان در بین دانشجویان دانشگاه تبریز: پژوهش‌های نوین روانشناختی، بهار ۱۴۰۴ - شماره ۷۷ ص ۲۷۵ - ۲۸۲.

##میرزاییگی، مع؛ وفایی، میرزامحمدی، م (۱۳۹۹). کاربرد ارزیابی درونی در طراحی برنامه استراتژیک در نظام آموزش عالی. فصلنامه مهندسی فرهنگی، پیاپی ۲۳-۲۴، ص ۶۱.

##مهرمحمدی، م (۱۳۹۳). برنامهدرسی: نگاه‌ها، رویکردها و چشم اندازها. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

##نظری، ع. م و سلیمانان، ع. ا (۱۳۸۸) مشاوره مدرسه در عصر حاضر: نظریه، پژوهش و کاربرد. تهران: انتشارات علم.

##نریمانی، محمد و وحیدی، زهره. (۱۳۹۲). مقایسه‌ی نارسایی هیجانی، باورهای خودکارآمدی و عزت نفس در میان دانش‌آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری. مجله ناتوانی‌های یادگیری، ۳(۲)، ۷۸-۹۱.

##نظام خواه سیس آباد، حانیهو پورحیدری، سپیده (۱۴۰۳). اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر کنترل عواطف و امید به زندگی در نوجوانان: مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۴۰۳ - شماره ۸۴ ص ۱۳۹ - ۱۵۹.

##هوشیاری، طاهره؛ همراهی، فرهاد وزارعی، فرزاد (۱۴۰۳). تبیین تاثیر آموزش تنظیم هیجان بر شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان در سیستم‌های آموزشی: مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، پاییز ۱۴۰۳ - شماره ۸۴، ص ۱ تا ۱۹.

##یارعلی، رقیه و ترابی، تالیا و خسروی، ملیحه و سلاقی، فرشته، ۱۴۰۲، بررسی رابطه‌ی مهارت‌های برنامه درسی معلمان با خودکارآمدی و اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهرستان گنبد کاووس، نهمین همایش علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی ایران، تهران، <https://civilica.com/doc/1839312>



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Bandura, A. (1994). Self - efficacy Mechanism in Human Agency. American Psychologist 37(2),122-136.##

Bandura, A. (2001). Social cognitive theory: An agentic perspective. Annual Review of Psychology, 52, 1-26.##

##Barbut, J. E. & Story, J. S. (2019) Investigating the effect of job motivation on job satisfaction of employees of 4 agricultural companies from the perspective of their leaders, 5(1), 123-145

Bedel, E. F. (2021). Exploring Academic Motivation, Academic Self-efficacy and Attitudes toward

-Cano, F. (2017). Approaches to learning and study orchestrations in high school students. European Journal of Psychology of Education, 22(2), 131-151

##Clarke, P. B., Lewis, T. F., Myers, J. E., Henson, R. A., & Hill, B. (2020). Wellness, emotion regulation, ## and relapse during substance use disorder treatment. Journal of Counseling & Development, 98(1), 17-28.

##Chung, J. Y. S., Li, W. H. C., Cheung, A. T. (2022). Efficacy of a blended learning programme in enhancing the communication skill competence and self-efficacy of nursing students in conducting clinical handovers: A randomised controlled trial. BMC Medical Education, 275, 1-10.

##De France, K., & Hollenstein, T. (2017). Assessing emotion regulation repertoires: The regulation of ## emotion systems survey. Personality and Individual Differences, 119: 204-215.

##Fernando Doménech-Betoret, Laura Abellán-Roselló, and Amparo Gómez-Artiga. (2017). Self-Efficacy, Satisfaction, and Academic Achievement: The Mediator Role of Students' Expectancy-Value Beliefs. Published online 2017 Jul 18.

Garland, E. L. (2021). Mindful positive emotion regulation as a treatment for addiction: from hedonic ## pleasure to self-transcendent meaning. Current Opinion in Behavioral Sciences, 39, 168-177.

##Garnefski, N., Koopman, H., Kraaij, V. & Cate, R. T. (2009). Brief report: cognitive emotion regulation strategies and psychological adjustment in adolescents with a chronic disease. Journal of Adolescence, 32(2), 449-454.

##Gong, X., & Paulson, S. E. (2017). Effect of family affective environment on individuals' emotion regulation. Personality and Individual Differences, 117, 144-149.

کاربردهای نوین فناوری در علوم گیاهی برای کارآفرینی مشارکتی (عموم مردم-متخصصان)

صفورا؛ بزی، استادیار، گروه زیست شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

پیشرفت های فناوری در علوم گیاهی، امکان همکاری سازنده میان متخصصان و عموم مردم را در زمینه کارآفرینی مشارکتی فراهم آورده است. فناوری هایی مانند هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، و پلتفرم های داده محور، موجب افزایش مشارکت شهروندان و تقویت اکوسیستم آموزشی و کارآفرینانه در کشاورزی شده اند. در اینجا به بررسی و مرور نقش مشارکت عموم مردم و متخصصان در پیشبرد کارآفرینی در زمینه علوم گیاهی می پردازیم.

واژگان کلیدی: فناوری نوین، کارآفرینی مشارکتی، هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، مشارکت عمومی.

۱. مقدمه

در دهه های اخیر، فناوری های نوین مانند سنسورها، سیستم های داده ای، و هوش مصنوعی تحولی چشمگیر در علوم گیاهی ایجاد کرده اند. این تحولات فرصت هایی مثل شفافیت زنجیره تأمین، مدیریت دقیق منابع، و ارتقاء بهره وری را برای کارآفرینان فراهم نموده اند. مشارکت فعال شهروندان در پروژه های علمی گیاهی، منجر به افزایش آگاهی، آموزش و تعامل دوسویه تخصصی و عمومی شده است. (Henkhaus, Bartlett et al. 2020)

۲. مرور منابع

فناوری های جدید مانند داده کاوی، آنالیزهای ژنوم و اینترنت اشیا به کشاورزان و کارآفرینان کمک می کند تا محصولات را بهبود بخشند و پایدارتر باشند (Gamage, Gangahagedara et al. 2024). پلتفرم های دیجیتال امکان جمع آوری داده های مولکولی و فوتویی توسط عموم مردم را فراهم ساخته و به نوآوری مشترک میان دانشمندان و جامعه کمک می کند (Vlaminck, Vanden Berghen et al. 2024). کاربرد هوش مصنوعی و یادگیری ماشین، نه تنها سرعت پژوهش را افزایش داده، بلکه امکان شناسایی سریع مشکلات و ایده پردازی برای کسب و کارهای جدید را تقویت کرده است (Jimenez, Gamble-George et al. 2022). پروژه های "علم شهروندی" بستر مناسبی برای تعامل متخصصان و شهروندان فراهم آورده و توانسته کیفیت پژوهش های کاربردی را افزایش دهد. افراد



جامعه توانسته‌اند با جمع‌آوری داده از مزارع، انتخاب ارقام گیاهی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات، ارتباط مؤثری با پژوهشگران برقرار سازند (Correa, Charreyre et al. 2025). موانعی نظیر دسترسی به پلتفرم‌های آنلاین و آموزش‌های فناورانه نیز بعنوان چالش مطرح شده‌اند که باید با توسعه زیرساخت‌های فنی و آموزشی برطرف شود (Kaptan, Jones et al. 2024).

مدل‌هایی مانند "مدرسه مزرعه‌داران"، شبکه‌های پژوهشی کشاورزان، و پروژه‌های جمع‌سپاری، زمینه تعامل مستمر بین ذینفعان شهری و روستایی با متخصصان را فراهم نموده و منجر به خلق ایده‌های کارآفرینانه شده‌اند. این از جمله نمونه‌های موفق کارآفرینی مشارکتی است (Oberson, Moussa et al. 2024). مشارکت زنان، جوانان و گروه‌های محلی در پژوهش‌های گیاهی، به توسعه پایدار و اشتغالزایی منطقه‌ای کمک شایان توجهی کرده است (Correa, Charreyre et al. 2025).

۳. نتیجه‌گیری

فناوری‌های نوین در علوم گیاهی نقش کلیدی در تسهیل کارآفرینی و تعامل مردم و متخصصان ایفا می‌کند. پروژه‌های علم شهروندی و مشارکتی، با بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال و داده‌محور، نه تنها به پیشرفت علمی، بلکه به توسعه اقتصادی، اشتغال و پایداری اجتماعی کمک می‌کنند. گسترش زیرساخت‌های فناورانه، آموزش عمومی و توسعه پلتفرم‌های مشارکتی، بستر تحقق کارآفرینی نوآورانه در حوزه علوم گیاهی را فراهم می‌سازد.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

منابع:

- ## Correa, S., et al. (2025). "Why participatory plant research now?" Quantitative Plant Biology 6: e4.<https://doi.org/10.1017/qpb.2024.20>
- ## Gamage, A., et al. (2024). "Advancing sustainability: The impact of emerging technologies in agriculture." Current Plant Biology 40: 100420.<https://doi.org/10.1016/j.cpb.2024.100420>
- ## Henkhaus, N., et al. (2020). "Plant science decadal vision 2020–2030: Reimagining the potential of plants for a healthy and sustainable future." Plant Direct 4(8): e00252.<https://doi.org/10.1002/pld3.252>
- ## Jimenez, J., et al. (2022). "Public engagement with biotechnology inside and outside the classroom: Community-focused approaches." GEN biotechnology 1(4): 346-354
- ## Kaptan, G., et al. (2024). "Using Citizen Science to Explore Plant Breeding and Investigate Food-Chain Transparency for Novel Breeding Methods." FSA Research and Evidence.<https://doi.org/10.46756/001c.122594>
- ## Oberson, N., et al. (2024). "Participatory research at scale: A comparative analysis of four approaches to large-scale agricultural technology testing with farmers." Outlook on Agriculture 53(4): 320-335.<https://doi.org/10.1177/00307270241295763>
- ## Vlaminck, L., et al. (2024). "Citizen science boosts fundamental and applied research for sustainable soybean cultivation in North-Western Europe." Plants, People, Planet 6(2): 490-504. <https://doi.org/10.1002/ppp3.10463>

Innovative Technology Applications in Plant Science for Collaborative (Public-Expert) Entrepreneurship

Safoora Bazzi*

Department of Biology, Payame Noor University, P.O.Box 19395-4697, Tehran, Iran.

* E-mail: safoura.bazzi@pnu.ac.ir



ک: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract

Recent advancements in plant science technologies have enabled participatory entrepreneurship through citizen-scientist collaborations. Digital platforms, artificial intelligence, and data-driven tools empower joint research, foster innovation, and enhance sustainability in agriculture and plant systems.

Keywords: Novel technology, participatory entrepreneurship, citizen science, artificial intelligence, public engagement

بررسی رابطه بین استفاده از فضای مجازی و کاربردهای آن در تعلیم و تربیت صحیح فرزندان

ندا؛ اویسی؛ کارشناس ارشد علوم کامپیوتر؛ nedaovesi760@gmail.com

نگار؛ اویسی؛ کارشناس پرستاری و مراقبت، abbas.oveisi2@gmail.com

چکیده

تعلیم و تربیت در زندگی بشر، مهمترین و اساسی ترین جنبه زندگی است؛ به گونه‌ای که هرگونه انحراف در آن، باعث انحراف در همه امور زندگی میشود. در عصر حاضر، ظهور فن آوری های نوین ارتباطی به همراه تحولاتی که در فضای مجازی به وجود آمده است، بسیاری از کارکردهای تربیتی خانواده ها را دچار اختلال کرده است. شناخت فن آوریهای نوین و استفاده صحیح از آن و تقویت آموزه های دینی در جامعه می تواند از آسیب های تربیتی فضای مجازی بکاهد. فضای سایبری، اینترنت، نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی است و با توجه به اینکه عمر خیلی زیادی ندارد، توانسته است به خوبی در زندگی مردم جا باز کند. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین استفاده از فضای مجازی و کاربردهای آن در تعلیم و تربیت صحیح فرزندان اجتماعی در راستای آن انجام گرفته است که به منظور جمع آوری اطلاعات در زمینه آن از داده های ثانویه، یا همان اطلاعات کتابخانه ای بهره گرفتیم که پس از جمع آوری اطلاعات با اساتید برتر در مورد آن ها بحث و گفتگو کردیم و پس از آن به نتایجی دست پیدا کردیم که اگر به مساله شناخت فضای مجازی درست نپردازیم و افراد جامعه را با نکات مثبت و منفی آن آشنا نکنیم، مسلم است اثرات نامطلوب آن خود را بیشتر نمایان می کند. در واقع فضای مجازی به نوعی تیغ دولبه است و باید مراقب بود تا بیشتر از فواید آن استفاده کرد نه از مضراتش.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، فن آوری نوین، تربیت، دینی، اجتماعی،

مقدمه

«عصر اطلاعات» یا به روایتی «عصر رایانه ها و شبکه ها»، جهانی را ترسیم مینماید که بر پایه شبکه های رایانه‌ای و تعاملات کاربران با رایانه ها شکل گرفته و حتی ارتباطات انسانی و اجتماعی که جزو سنتی ترین خصوصیات بشر هستند، نیز در حال انتقال به این فضای جدید هستند. این جهان نوپا که به سرعت در حال بسط و گسترش بوده و تمامی شئون زندگی بر روی کره زمین را تحت تأثیر قرار داده است، بر پایه فناوری اطلاعات و رسانه های ارتباطی نوین استوار بوده و در فضایی غیرفیزیکی به رشد و بالندگی خود ادامه داده و در حال تسخیر جهان واقعی است. این فضا، فضای سایبر یا فضای مجازی نام دارد. (اکبری، 1390). اهمیت تحقیق از دو منظر قابل بیان خواهد بود که از دیدگاه نخست، مقام معظم رهبری در سال 1390 فرمان تشکیل مرکز ملی فضای مجازی را در عالی ترین سطح

نظام، مورد اهمیت قرار داده و جایگاه موضوع را در فضای کشور مشخص کردند و توجه ایشان به ضرورت برنامه‌ریزی و هماهنگی مستمر به منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از آن اقتضا میکند که نقطه کانونی متمرکزی برای سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی کشور به وجود آید.

از منظر دیگر، گسترش فضای مجازی در حوزه رابطه تربیتی فرزندان و والدین نیز تغییراتی به وجود آورده است که از جمله آن، به کاهش نقش خانواده به عنوان مرجع، کاهش ارتباط والدین با فرزند، شکاف نسلی به دلیل رشد فناوری، از بین رفتن حریم بین فرزندان و والدین و ایستادن در برابر یکی از والدین یا هر دو را میتوان نام برد. در بحث ازدواجها نیز به مسائلی چون ناپایداری ازدواجها، تغییر الگوی همسرگزینی، نداشتن مهارتهایی برای ازدواج، ناتوانی والدین برای آموزش به فرزندان، افزایش روابط دختر و پسر در زمان نامزدی بدون عقد، تمایل به دریافت مهریه‌های سنگین، بالا رفتن سن ازدواج و افزایش تنوع‌طلبی جنسی مردان و ... میتوان اشاره کرد. تغییراتی که در حوزه تربیتی در جامعه رخ داده، کاهش آموزه‌های دینی در خانواده، دوری خانواده از شریعت، کم‌رنگ‌شدن حریمهای دینی در روابط خانوادگی است (احمدی، ۱۳۹۶). از زمانی که فضای مجازی وارد فضای زندگی انسان شده تا به امروز، علیرغم تمام محاسن و مزایای آن، یکسری دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی را بر جامعه تحمیل نموده است. موضوعی که در تمام جوامع، موضوعیت داشته و محدود به جامعه و یا اقلیتی خاص نمیشود. به دلیل ویژگیهای خاص فضای مجازی و نبودن این پدیده، بسیاری از خانواده‌ها فرصت، امکان و یا توان کافی برای شناخت دقیق این فضا و کاربردهای آن را به دست نیاورده‌اند و عدم آشنایی مناسب آنها با این فضا و در مقابل، استفاده روزمره جوانان از این فضا باعث شده است که یک فضای محرمانه و خصوصی در داخل خانه برای آنها ایجاد شود و آنها بدون دغدغه و بدون احساس وجود ناظر بیرونی به این فضا دسترسی یافته و بعضاً به دلیل ویژگیهای سنی و شخصیتی و کنجکاویهایی خود، متأثر از فضاهای ناسالم موجود در آن شوند (عنان پور خیرآبادی، ۱۳۹۵).

در این مقاله قصد داریم تا بررسی رابطه بین استفاده از فضای مجازی و کاربردهای آن در تعلیم و تربیت صحیح فرزندان را مورد پژوهش قرار دهیم. برای تحقق این مهم، ابتدا اهمیت و پیشینه تحقیق را بیان نموده و پس از تبیین ویژگیهای فضای مجازی به بررسی مؤلفه‌های تعلیم و تربیت اسلامی می‌پردازیم. در پایان نیز پیشنهادها و راهکارهای تربیتی استفاده از فضای مجازی را مطرح مینماییم.

واژه سایبر از لغت یونانی ^{Kybernetes} به معنی سکاندار یا راهنما مشتق شده است. نخستین بار این اصطلاح "سایبرنتیک" توسط ریاضیدانی به نام نوربرت وینر ^{Norbert Wiener} در کتابی با عنوان "سایبرنتیک و کنترل در ارتباط بین حیوان و ماشین" در سال ۱۹۴۸ بکار برده شده است. سایبرنتیک علم مطالعه و کنترل مکانیزم‌ها در سیستمهای انسانی، ماشینی (و کامپیوترها) است. فضای سایبر یا شبکه مجازی به مجموعه‌ای از ارتباطات و تعاملات انسانها از طریق رایانه‌ها و شبکه‌ها (رسانه‌های ارتباطی نوین) که مستقل از مکان و جغرافیا عمل میکنند، گفته میشود که در سالهای اخیر تمام جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جوامع را تحت تأثیر قرار داده و در حال رقم‌زدن آینده بشریت است. (عنان پور خیرآبادی، ۱۳۹۵).

تربیت

در تربیت مدرن و علمی، بیشتر سعی بر شکوفا ساختن استعدادهای افراد است. به طور کلی، میتوان تربیت را جریانی دانست که به طور مستمر در جهت رشد همهجانبه فرد (اعم از جسمانی، شناختی، روانی، عاطفی و اجتماعی و دینی) و شکوفا ساختن استعدادهای او است (شریعتمداری، ۱۳۶۷). به عبارت دیگر، تربیت اعم از آموزشهای رسمی و غیررسمی است و کلاً هر جریانی که در جهت تغییر و اصلاح تجربیات فرد است را در برمیگیرد. به این ترتیب، تربیت فرایندی است که در سراسر عمر انسان اتفاق میافتد و قاعدتاً جنبه تکاملی، رشدی و صعودی دارد. لاک معتقد بود که انسان همچون یک لوح سفید به دنیا میآید و از طریق تربیت یاد میگیرد که بر اعمال و رفتار خود تسلط یابد، رفتارهای تکانهای از خود بروز ندهد و قبل از انجام هر عمل و رفتاری در قبال آن اندیشه کند (کرین، ۱۳۷۵). روسو، فیلسوف سوئیسی قرن هجدهم، برخلاف لاک معتقد بود که کودکان حالات و روشهای خاص خود را از نظر احساس و اندیشه دارا هستند. آنها مطابق با طرح طبیعت رشد مییابند و ما باید تنها تسهیلکننده این رشد باشیم.

تربیت اسلامی

مفهوم تربیت اسلامی، تفسیرپذیر است. تربیت اسلامی، مفهومی است مرکب از تربیت و اسلام که هر دو از حیث معنایی بسیار انعطافپذیرند. تفسیر مفاهیم تربیت و اسلام، متنوعتر از آن است که بتوان به توافقی زبانشناختی در جهت تحصیل یک معنای پایه برای تربیت اسلامی رسید. تربیت اسلامی طیف وسیع و البته گشوده‌های از معانی را به فراخور تنوع معنایی تربیت و گوناگونی معنایی اسلام در قرائتهای هفتاد و دو ملت، به خود اختصاص میدهد. از آنجا که درنهایت، این مفهوم بنابر تنوع معنایی خود، دلالتهای مختلف و حتی متقابلی برای عمل تربیتی و نظام آموزشی دربر خواهد داشت. ارائه تعریف روشن و قابل دفاعی از تربیت اسلامی که متلاطم با مبانی و اصول پایه دین اسلام باشد، ضرورتی انکارناپذیر است (احمدی، ۱۳۶۴).

مفهومشناسی فناوری و فضای مجازی

فناوری یعنی کاربرد دانش، ابزارها و مهارتها برای حل مشکلات عملی و گسترش تواناییها یا کاربرد دانش و ابداع وسایل و سیستمهایی برای ارضای نیازهای انسان است و زمینههای عقلانی که در جهت اطمینان از مهار کردن طبیعت فیزیکی به وسیله انسان از طریق کاربرد قوانین علمی شناختهشده، طراحی شده است (سیمون، ۱۳۸۹). در واقع فناوری، قدرت آموزش و یادگیری ندارد؛ بلکه سیستمی نظاممند برای انتقال دانش و یادگیری است که در عصر فعلی کاربرد بسیار دارد.

مبانی نظری در مورد تأثیرات فضای مجازی و تربیت اسلامی

تأثیر فضای مجازی در نارضایتیهای خانوادگی:

یکی از بزرگترین مسائل اجتماعی که جوامع امروزی به آن مبتلا هستند، ضعف بنیاد خانواده است. از آنجایی که مشکلات خانواده ها به صورت ناهنجاریهای اجتماعی بروز میکند، خانواده و سلامت آن از اهمیت فوقالعادهای برخوردار هستند. آماده کردن فرزندان برای پذیرش مسئولیتهای اجتماعی یکی از وظایف مهم و اساسی خانواده ها به شمار میرود. جوانان باید بتوانند بهویژه برای زندگیمشترک آماده شوند و سعی نمایند روابط خود را با پیرامونشان در حد متعارف و قابلقبولی تنظیم نمایند.

صرفنظر از آمار و ارقام بالا و روزافزونی که در مسائلی مانند بالا رفتن سن ازدواج، طلاق، فرار از منزل، فحشا و سایر مسائل خانوادگی وجود دارد، سرد شدن ارتباطات عاطفی و نارضایتیها از زندگی خانوادگی است که باعث ناکامیها و شکستهای بزرگی در زندگی جوانان شده است. اینها نشان از مشکلات عمیقی در سطح خانواده دارد که بهنوعی باید ریشهایی و درمان شوند. یکی از زمینه های اصلی در بروز مشکلات خانوادگی و اصولاً نارضایتی از زندگی مشترک، فضای مجازی است که تحت تأثیر تولیدات رسانهای به وجود آمده و باعث شده تا سطح توقع و ارضاء از زندگیهای مشترک را بهویژه در میان نسل جوان بالا ببرد. تحت تأثیر این فضا، آنچه جوان باید از زندگی مشترک انتظار داشته باشد بهنوعی تحریف میشود. لذت و صمیمیتی که از برنامه ها و محتویات رسانه ها، مانند فیلمها و سریالها در اذهان جوانان نقش میندند تا حد بسیار زیادی در زندگی طبیعی قابلدستیابی نخواهند بود و این میتواند تبعات زیانباری برای آینده جوانان به همراه داشته باشد.

اعتیاد به اینترنت:

یکی از آسیبهای اینترنت، اعتیاد به آن است؛ بهطوریکه «از میان 7۴ میلیون استفادهکننده از اینترنت در امریکا 2 تا 5 میلیون نفر دچار اعتیاد اینترنتی شدهاند و با معضلات زیادی گریبانگیر هستند» (اکبری، 1390، ۸15). در جامعه ما نیز با گسترش روزافزون اینترنت شاهد این مسئله هستیم. نتیجه پژوهشهای انجام شده در کشور نشان میدهد که "بیشترین استفادهکنندگان از اینترنت جوانان هستند و 35 درصد از آنها به دلیل حضور در چت روم، ۸2 درصد برای بازیهای اینترنتی، 30 درصد به منظور چک کردن پست الکترونیکی و 25 درصد نیز به دلیل جستجو، در شبکه جهانی هستند" (رحیمی، 1390). اعتیاد به اینترنت میتواند مشکلات جدی تحصیلی و خانوادگی برای مخاطبان به وجود آورد. اگر استفادهکنندگان از اینترنت نتوانند به مدت یک ماه دوری از اینترنت را تحمل کنند در معرض خطر اعتیاد به آن قرار دارند و متأسفانه ما شاهد این پدیده در میان جوانان هستیم؛ بهطوریکه برخی از جوانان، شبها را تا صبح با اینترنت میگذرانند و تمام صبح را خواب هستند و این مسئله آغازگر آسیبهای متعدد دیگر نیز میشود. از جمله این آسیبها میتوان به آسیبهای خانوادگی، ارتباطی، عاطفی، روانی، جسمی و اقتصادی اشاره کرد (رحیمی، 1390).

بحران هویت و اختلال در شکلگیری شخصیت: عناصر سهگانه هویت، یعنی: شخص، فرهنگ و جامعه، هر یک در تکوین شخصیت فرد نقش مهمی را ایفا میکنند. هویت شخصی، ویژگی بیهمتای فرد را تشکیل میدهد. هویت اجتماعی در پیوند با گروه ها و اجتماعات مختلف قرار گرفته و شکلگیری آن، متأثر از ایشان است؛ و درنهایت، هویت فرهنگی، برگرفته از باورهایی است که در عمق وجود فرد بهواسطه تعامل او با محیط پیرامون و آموزه های آن، از بدو تولد تا کهنسالی جای گرفته است. از آنجا که فضای سایبری،

صحنه‌های فرهنگی و اجتماعی است که فرد خود را در موقعیتهای متنوع، نقشها و سبکهای زندگی قرار میدهد، خود زمینیهای است برای آسپیدری شخصیت کاربر که در نتیجه، موجب چند شخصیتی شدن کاربر خواهد شد. در فضای سایبر بیش از آنکه هویت ظاهری فرد مطرح شود، درونمایه های افراد بروز میکند. هر کس در صدد بیان اندیشه ها و علاقه‌مندیهای خویش است.

مطرح نشدن هویت شخصی و مشخصات فردی در اینترنت موجب تقویت شخصیت‌های چندگانه و رشد و استحکام آن میشود. جوانان در این محیط از آسپیدری بیشتری برخوردارند و به‌ویژه در دورانی که هویت آنان شکل می‌گیرد، این خطر پررنگتر میشود. با امکانات و گزینه های فراوانی که رسانه های عمومی از جمله اینترنت در اختیار جوانان می‌گذارند، آنان دائماً با محرکهای جدید و انواع مختلف رفتار آشنا می‌شوند. چنین فضایی هویت نامشخص و پیوسته متحولی را می‌آفریند؛ یعنی "اینترنت یک صحنه اجتماعی است که فرد را در موقعیتهای متنوع نقشها و سبکهای زندگی قرار میدهد و از آن تأثیر می‌پذیرد" (اکبری، 1390، 162). واقعیت این است که از نظر صاحب‌نظران جامعه‌شناسی، شکلگیری هویت افراد تحت تأثیر منابع گوناگونی است. عمده‌ترین منابع، خانواده، رسانه های گروهی، مدرسه و گروه همسالان است. "از این میان رسانه های گروهی با توجه به گستره نفوذ و فراگیری آن اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند. گسترش تلویزیونهای ماهواره‌ای موجب شده است که شکلگیری نظام شخصی و هویت افراد تحت تأثیر عوامل متعدد و گاه متعارض قرار گیرد" (صبوری خسروشاهی، 1396).

تعارض ارزشها:

تغییرات فناورانه، ارزشها و هنجارهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده است. یکی از چالشهای فراروی فرهنگها، برخورد با این پدیده است؛ چون اساساً ورود اینترنت همراه با ارزشهای غربی، چالشهای جدیدی را در کشورهای دیگر به وجود آورده است. از آنجایی که برخی از عناصر موجود در این پدیده، مغایر با فرهنگ خودی (ارزشهای اسلامی- ایرانی) است، پس میتوان گفت اینترنت میتواند آسیبهایی زیادی را به همراه داشته باشد. مثلاً ورود اینترنت در حوزه خانواده موجب تغییر نظام ارزشی در خانواده ها میشود. در یک مطالعه تجربی نشان داده شد که استفاده جوانان از اینترنت موجب کاهش ارزشهای خانواده شده است (زنجانی زاده، 1384). گسترش ارتباطات نامتعارف میان جوانان: اینترنت به دلیل تسهیل ایجاد روابط دوستانه و عاشقانه، در زمینه های غیراخلاقی بسیار مورد توجه قرار گرفته، تا جایی که اینترنت موجب سهولت خیانت در روابط زناشویی و ایجاد روابط نامشروع میشود (رحیمی، 1390، 19). شکاف نسلها:

اینترنت شکاف میان نسلها را بیشتر کرده است و اکنون شکاف میان نسل دوم و سوم علاقه‌مند به اینترنت نیز آشکار شده، به‌گونه‌ای که هیچیک زبان دیگری را نمی‌فهمند. امروزه با ورود وسایل و فناوریهایی جدید به عرصه خانواده ها شاهد این هستیم که والدین و فرزندان ساعتهای متعددی در کنار یکدیگر مینشینند، بدون آنکه حرفی برای گفتن داشته باشند. ما دیگر کمتر نشانه‌هایی از آن نوع خانواده‌هایی را داریم که والدین و فرزندان دور هم نشسته و درباره موضوعات مختلف خانوادگی و کاری با هم گفتگو کرده و نظرات همدیگر را راجع به موضوعات مختلف جویا شوند. در شرایط فعلی روابط موجود میان والدین و فرزندان به سردی گرائیده و دو نسل به دلیل داشتن تفاوت‌های اجتماعی و تجربه های زیستی مختلف زندگی را از دیدگاه خود نگریسته و مطابق با بینش خود آن را تفسیر میکنند. نسل دیروز

(والدین) احساس دانایی و باتجربگی میکند و نسل امروز (فرزندان) که خواهان تطابق با پیشرفتهای روز است، در برابر آنها واکنش نشان میدهد و چون از پس منطق و نصیحتهای ریشهدار و سرشار از تجربه آنها برنمیآید به لجبازی روی میآورد (رحیمی، ۱۳۹۰، ۱۹).

امروزه سرعت فنآوری، شکاف بین نسل فرزندان و والدینشان را بسط داده است. بر اساس اظهارات معاون سازمان بهزیستی کشور، میزان گفتگو در بین اعضای خانواده در کشور، تنها حدود ۳۰ دقیقه است که این میتواند آسیبزا باشد. با وجود اینکه فرزندان در مقایسه با والدین در یک فضای فرهنگی زندگی میکنند، اما اطلاعات، گرایشها و رفتارهای متفاوتی دارند و عوامل متعددی بر این پدیده تأثیر گذارند و این شکاف را روزبهروز بیشتر میکنند. سرعت تحولات و بسط ارتباطات با جهان توسعهیافته، توجه بیشتر جوانان به برنامه های جهانی شدن فرهنگ، رسانه ها، گسترش روزافزون انجمنها و کانونهایی غیر از کانون خانواده برای پیوستن و تعلق یافتن جوانان به آنها و غیره، از آن جمله است (رحیمی، ۱۳۹۰، ۱۹).

سوءاستفاده جنسی:

در سال ۱۹۹۹ (گردهمایی جهانی تحت عنوان "کارشناسی برای حمایت کودکان در برابر سوءاستفاده جنسی از طریق اینترنت" برگزار، و منجر به صدور قطعنامه های شد که در آن آمده است "هرچه اینترنت بیشتر توسعه پیدا کند، کودکان، بیشتر در معرض محتوای خطرناک آن قرار خواهند گرفت. فعالیتهای محرمانه مربوط به فحشای کودکان و پورنوگرافی که از طریق اینترنت مورد استفاده واقع میشود، اکنون از مسائل حاد به شمار میرود" (اکبری، ۱۳۹۰، ۱۶۳).

انزوای اجتماعی:

امروزه اینترنت در زندگی اجتماعی، جای دوستان و نزدیکان را گرفته و درحقیقت جایگزین روابط دوستانه و فامیلی شده است. افرادی که ساعتها وقت خود را در سایتهای اینترنتی میگذرانند بسیاری از ارزشهای اجتماعی را زیر پا مینهند؛ چراکه فرد، دیگر فعالیتهای اجتماعی خود را کنار گذاشته و به فعالیتهای فردی روی میآورد. "نتایج پژوهش شاندرز نشان داد که استفاده زیاد از اینترنت با پیوند ضعیف اجتماعی مرتبط است. برعکس کاربرانی که از اینترنت کمتر استفاده میکنند، بهطور قابلملاحظهای با والدین و دوستانشان ارتباط بیشتری دارند" (صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۶). بررسی محققان نشان میدهد شاید هیچگاه کاربران اینترنت از افسردگی و انزوای اجتماعی خود آگاه نباشند و در صورت آگاهی، آن را تأیید نکنند؛ اما ماهیت کار با اینترنت چنان است که فرد را در خود غرق میکند. پژوهشهای انجام شده حاکی است دنیای اجتماعی در آینده دنیای منزوی باشد؛ چراکه اینترنت با توجه به رشدی که دارد و جذابیتهای کاذبی که برای نوجوانان ایجاد میکند، آنها را به خود معتاد ساخته و جانشین والدین میشود.

بررسی رابطه بین استفاده از فضای مجازی و کاربردهای آن در تعلیم و تربیت صحیح فرزندان

گسترش اینترنت در کشور ایران باید به گونهای باشد که به رشد خلاقیت در جوانان کمک کند، نه اینکه موجبات خلاقیتزدایی و انزوایی را فراهم آورد. همچنین سیاستگذاری در مورد توسعه اینترنت نباید به توسعه مصرف یا بازتولید محتوای آن محدود شود؛ بلکه

باید گسترش فرهنگ بومی مذهبی و مقاومت فرهنگی را به دنبال داشته باشد؛ بنابراین بیش از توسعه اینترنت باید به نظام تولید و سازماندهی الکترونیک اطلاعات علمی، فرهنگی بر اساس استانداردهای قابل تبادل در شبکه اهتمام داشت و بودجه های کلانی را به این امر اختصاص داد. تدوین و اجرای قوانین مورد نیاز و روزآمد در حوزه ارتباطات شبکه های بسیار اساسی است. در سیاستگذاری آموزشی باید چگونگی کاربرد فناوری توسط متولیان آموزش و پرورش و بررسی تأثیر آن بر مخاطبان در نظر گرفته شود. نظام نظارت فرهنگی بر محتوای داده های مبادله شده و ثبت ملی، نقشی اساسی در پیشگیری از گسترش تهدیدات دارد. به نظر میرسد اینترنت که به طور بالقوه میتواند هم تهدید و هم فرصتی طلایی برای امنیت فرهنگی و سیاسی باشد، به عرصه های فراخ برای رقابت گروه های فشار سیاسی و فرهنگی تبدیل شده است. فقدان دانش جامعنگر در مورد صورت مسئله و نبود مطالعات سیاستگذاری مقایسه ای در کشور، حاکمیت روش آزمونویس و اعمال سلیقه فردی و سازمانی را به دنبال داشته است. مسئولیت پذیری دولت در سیاستگذاری علمی، کارشناسانه و همسوی بوده و بهره گیری از تمام توان علمی کشور، شرط اصلی تحقق بیشترین منافع و کمترین آسیبها از گسترش صنعت اینترنت در ایران است (آشنا، ۱۳۸۰).

با توجه به مطالعات انجام شده میتوان چنین نتیجه گرفت که فضای مجازی، عاملی مؤثر در فرهنگ پذیری، انتقال ارزشها و هنجارها و پر کردن اوقات فراغت برای نوجوانان و جوانان است. فضای مجازی، فرصتهای تعاملات خانوادگی را از اعضای خانواده میگیرد و فضای خانواده را به سوی فردگرایی پیش میراند. اینترنت، در عین جذابیت، در صورتیکه استفاده از آن بدون ملاحظات و برنامه باشد، آسیبهای روانی، عصبی، اخلاقی را برای کاربران به دنبال خواهد داشت. در عین حال میتوان از اینترنت به عنوان وسیله ای برای آموزشهای رسمی (از راه دور) بازماندگان از تحصیل و عامل مؤثری در جهت رفع تبعیض و استفاده از اطلاعات و همسانسازی فرهنگی و آموزشی استفاده کرد. فضای مجازی با توجه به گستره و نفوذ جهانی و استفاده از کیفیت برتر فناوری و جذابیت های تصویری، عاملی مؤثرتر در انتقال ارزشها، هنجارها و فرهنگ غربی است که باید بتوان با آن رقابت کرد. رسانه ها، از جمله اینترنت، افراد را به صورت منفعل و پذیرنده درمیآورد و غالباً قدرت انتخاب، تحلیل و تفکر را از بیننده ها، به ویژه کودکان و نوجوانان میگیرد. گسترش استفاده بحد و حصر از رسانه های جدید موجب گسست فرهنگی و تقدسزدایی از ارزشهای دینی و ملی و میراث فرهنگی به جامعه ایرانی میشود.

به هر میزان که دچار کمکاری شویم و یا ورود و حضور پررنگ در فضای مجازی را جدی نگیریم و یا تعلل و غیبت در صحنه ها و زمینه ها و بسترهای قابل بهره گیری در این فضا داشته باشیم، مطمئناً لطمات و صدمات جبرانناپذیرتری در آینده در زمینه ارتباطات و تبادل اطلاعات با جهان خارج خواهیم داشت و این فرصت بسیار ارزشمند، با بیتوجهی ما، تبدیل به تهدید خواهد شد. لذا شایسته است در این فضای چالشبرانگیز با هدف تبدیل تهدید و تحدید زمان و مکان تبلیغ و ترویج فرهنگ اسلامی و ایرانی به فرصت قدم برداریم و یا برای کاهش تهدیدها در مقابل فرصتها، بسیار زیرکانه و مسئولانه به بهره گیری از تمام توان و ظرفیت سختافزاری و نرمافزاری در این حوزه، وارد عرصه تولید و انتقال مفاهیم، محتوا و اطلاعات شویم. از سوی دیگر، باید فرهنگسازی را در رأس برنامه های آموزشی خود قرار داده و فرهنگ صحیح استفاده از امکانات فضای مجازی را به نوجوانان و کودکان آموزش داد

روش تحقیق

روش پژوهش از نوع توصیفی - مروری می باشد که برای جمع آوری اطلاعات در زمینه آن از داده های ثانویه یا همان مقالات پیشین بهره گرفته شده است.

یافته ها

با توجه به اینکه ارزشهای مذهبی از جامعترین ارزشها بوده و عالیترین وحدت و یکپارچگی خویشتن در اخلاق مذهبی یافت میشود، فقدان چنین اصل ناب و وحدتبخشی، فرد را بهسوی انواع ازهمپاشیدگی شخصیت سوق میدهد و این ازهمپاشیدگی در هنگام رویارویی با جهان مملو از تنوعات نامحدود و همینطور درحرکت درونی روان و ذهن انسان نمایان است. اگرچه در میان وسایل ارتباطجمعی، تنها ماهواره و اینترنت اثر معنیداری بر دینداری داشتهاند. خانواده بیشترین تأثیر را بر دینداری جوانان نشان داده و بعد از آن، مدرسه، عامگرایی و روحانیت، مهمترین متغیرها در این رابطه محسوب شدهاند. یافته های تحقیق نشان که فضای سایبری هم می تواند شیوه های تربیت صحیح را به ما آموزش دهد و هم می تواند بای بی توجهی به آن جامعه را دچار فساد و نسلی با تربیت ناصحیح به وجود آورد.

بحث و نتیجهگیری

با توجه به آنچه گفته شد، نتیجه میگیریم که میل به رشد و کمال در انسان، میل اصیلی است و او همواره درصدد و تکاپوی دستیابی بدان است و در تربیت اسلامی، این میل و گرایش اصیل باید همواره موردتوجه قرار گیرد. هرگاه این اصل بنیادین به فراموشی سپرده شود، نظام تربیت اسلامی دچار سردرگمی و ابهام میشود و به بیراهه رهسپار خواهد شد و یا از هدایت و راهنمایی این میل اصیل بهسوی آنچه بدان گرایش دارد، بازخواهد ماند. بهکارگیری این اصل در تعیین اهداف واسطهای به این صورت است که هیچ هدفی را نمیتوان بدون توجه به این میل و گرایش تعیین کرد و هر هدفی را باید بهعنوان گام و پلهای در مسیر حرکت و تلاش برای هدف اصلی تربیت تلقی کرد و نه هدف نهایی؛ لذا مربی و مربی در هیچ مرحلهای احساس آرامش و سکون نخواهند داشت تا اینکه به مرحله نهایی کمال برسند؛ بهعلاوه این اهداف باید دارای انعطافپذیری بوده و بتوان آنها را با توجه به مراحل رشد مربی تغییر داد تا راه صعود وی به مراحل و مدارج ترقی هموار شود. در روش تربیت نیز باید کمالجویی و رشدطلبی انسان، مدللانظر باشد و مربی این میل و گرایش اصیل را از نظر دور ندارد؛ لذا در روش تربیت باید به دنبال کشف زمینه هایی بود که این میل و گرایش را بیدار کنند و تعلیموتربیت در زندگی بشر، مهمترین و اساسیترین جنبه زندگی است؛ بهگونهای که هرگونه انحراف در آن، باعث انحراف در همه امور زندگی میشود. تواناییهای انسان در زندگی بروز و ظهور پیدا میکند و انسانیت انسان تحقق مییابد. در اسلام به این موضوع مهم توجه بسیار شده و قواعد مناسبی برای رشد انسان تعیین شده است. در زمان حاضر که عصر اطلاعات و عصر استفاده از رایانه و شبکه های مبتنی بر آن است، عصری که سرعت، دانش و مدیریت پویا حرف اول را میزند، شناخت فنآوریهای نوین و استفاده ه موقع و صحیح از آن، برای تربیت صحیح، لازم و ضروری است.

پیشنهادهات



- با توجه به اینکه بیشتر استفاده‌کنندگان از فضای مجازی، نوجوانان و جوانان هستند، فرهنگسازی برای کاهش پیامدهای آن ضروری است؛ لذا اطلاعرسانی، آموزش نحوه استفاده صحیح از این فناوری میتواند مؤثر واقع شود؛
- استفاده از ظرفیتهایی همچون رسانه های دیداری و شنیداری، روزنامه ها، مجلات و نشریات برای نهادینه شدن فرهنگ سایبری؛
- برگزاری جلسات آموزشی از سوی مصادر امور فرهنگی، ه منظور آشنا نمودن و اطلاعرسانی به والدین در مورد فناوریهای جدید، بهویژه اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی؛
- برگزاری کلاسهای آموزشی در مدارس جهت آگاهی دادن به نوجوانان و جوانان در مورد مزایا و معایب فناوریهای جدید و نحوه استفاده صحیح از آنها؛
- طراحی و تدوین بخشی در کتابهای درسی در ارتباط با آشنایی دانشآموزان با فناوریهای جدید، اینترنت و خطرات بالقوه آنها؛
- ساخت و پخش فیلمها و سریالهایی با موضوع اینترنت و مزایا و معایب آن؛
- استفاده از آموزه های دینی، از جمله امره معروف و نهیازمنکر بهعنوان نوعی کنترل اجتماعی توسط هر شخص؛
- هنجارسازیهای مثبت و ترویج فرهنگ استفاده از اینترنت و فضای مجازی؛

منابع

- ## حمیدی، احمد؛ (۱۳۹۸)، اصول و روشهای تربیت در اسلام؛ واحد انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، چاپ دوم، اکبری، ابوالقاسم؛ اکبری، مینا؛ (۱۳۹۰)، آسایشناسی اجتماعی، تهران: انتشارات رشد و توسعه،
- امامجمعه، طیه؛ (۱۳۸۲)، «آموزشوپرورش در عصر اطلاعات»؛ فناوری آموزشی؛ آبان، شماره ۲، ص ۲۵.
- ## آشنا، حسامالدین؛ (۱۳۸۰)، «اینترنت و امنیت فرهنگی - سیاسی ...» (مجموعه مقالات) کمیسیون ملی یونسکو.
- رحیمی، محمد؛ (۱۳۹۰)، «عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی؛ مطالعه ## موردی شهر خلخال»؛ پایاننامه کارشناسی ارشد جامعهشناسی؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز،
- ## زنجانیزاده، هما؛ (۱۳۸۴)، «بررسی تأثیر اینترنت بر ارزشهای خانواده در بین دانش آموزان»؛ مجله انجمن جامعهشناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲،
- ستارزاده، داوود؛ (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتیاد به ## اینترنت و پیامدهای آن»؛ فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، شماره چهاردهم،
- ## شریعتمداری، علی؛ (۱۳۹۰)، «تعلیم و تربیت اسلامی. نهضت زنان مسلمان.
- شکریگی، عالی؛ (۱۳۹۱)، «رسانه، زنان و مناسبات خانواده»؛ نشست انجمن جامعهشناسی ایران،
- ## صادقیان، عفت؛ (۱۳۸۴)، «تأثیر اینترنت بر کودکان و نوجوانان»؛ تهران: مجله الکترونیکی نما، شماره ۴،
- ## صبوری خسروشاهی، حبیب؛ (۱۳۸۶)، «بررسی آسیبههای اجتماعی اینترنت؛ دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی،
- ## عنان پور خیرآبادی؛ مجید؛ عنان پور خیرآبادی؛ محبوبه (۱۳۹۵)؛ تأثیرات فضای مجازی بر تعلیموتربیت اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم.



بررسی فرهنگ و سنت های مردم بلوچستان در دوره قاجار از دیدگاه سیاحان

عباس؛ اویسی؛ استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور abbas.oveisi2@pnu.ac.ir

ندا؛ اویسی؛ کارشناس ارشد نرم افزار nedaoveisi760@gmail.com

نگار؛ اویسی؛ کارشناس پرستاری و مراقبت abbas.oveisi2@gmail.com

چکیده

بررسی اوضاع اجتماعی و فرهنگی بلوچستان در دوره قاجار از مسائل کمتر توجه شده تاریخ معاصر ایران است. بلوچستان در جریان رقابت کشورهای اروپایی بر سر کنترل و تسلط بر هندوستان اهمیت یافت. انگلیسی ها در مبارزه با رقیبان، توانستند کنترل تجارت و سیاست در هندوستان را به دست بگیرند، برای امنیت بخشیدن به سرحدات آن، مصمم بودند مناطق حایلی را در مرزهای شمال غربی هندوستان تشکیل دهند و از این زمان سیاست استعماری انگلیسی ها در این ناحیه از ایران آغاز شد. با تشکیل حکومت قاجار در ایران، شاهد گسترش تسلط حکومت مرکزی در مرزهای شرقی ایران بودند. بلوچستان در آغاز حکومت قاجار گرفتار آشوب خوانین محلی بود. پس از روی کار آمدن حکومت قاجار با توجه اینکه حکومت ایران در این دوره درگیر منازعات خارجی و شورش های داخلی قرار گرفت این حکومت نتوانست شرایط لازم را برای توسعه اقتصادی و ایجاد ثبات در بلوچستان ایجاد کند. سیاحان اروپایی که به ایران در دوره قاجار سفر کرده اند، فرهنگ و آداب اقوام ایرانی از جمله قوم بلوچ را از جنبه مادی و معنوی ارزیابی نموده اند. همین سیاحان فرهنگ و سنن مردم بلوچستان را به عنوان یکی از شاخص های فرهنگی ایرانیان مورد مطالعه قرار دادند. از ابعاد مورد توجه آنها فرهنگ عامه قوم بلوچ است. در این تحقیق نظرات این سیاحان مورد بررسی قرار گرفته و دیدگاه های آنها مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، سنت، بلوچستان، قاجار،

۱. مقدمه

اوضاع اجتماعی و فرهنگی بلوچستان در دوره قاجار از مسائل مغفول و مهجور تاریخ معاصر ایران است. بلوچستان در جریان رقابت کشورهای اروپایی بر سر کنترل و تسلط بر هندوستان اهمیت یافت. انگلیسی ها در مبارزه با رقیبان، توانستند کنترل تجارت و سیاست در هندوستان را به دست بگیرند، برای امنیت بخشیدن به سرحدات آن، مصمم بودند مناطق حایلی را در مرزهای شمال غربی هندوستان

تشکیل دهند و از این زمان سیاست استعماری انگلیسی ها در این ناحیه از ایران آغاز شد. با تشکیل حکومت قاجار در ایران، شاهد گسترش تسلط حکومت مرکزی در مرزهای شرقی ایران بودند. بلوچستان در آغاز حکومت قاجار گرفتار آشوب خوانین محلی بود. پس از روی کار آمدن حکومت قاجار با توجه اینکه حکومت ایران در این دوره درگیر منازعات خارجی و شورش های داخلی قرار گرفت این حکومت نتوانست شرایط لازم را برای توسعه اقتصادی و ایجاد ثبات در بلوچستان ایجاد کند. سیاحان اروپایی که به ایران در دوره قاجار سفر کرده اند، فرهنگ و آداب اقوام ایرانی از جمله قوم بلوچ را از جنبه مادی و معنوی ارزیابی نموده اند. همین سیاحان فرهنگ و سنن مردم بلوچستان را به عنوان یکی از شاخص های فرهنگی ایرانیان مورد مطالعه قرار دادند. از ابعاد مورد توجه آنها فرهنگ عامه قوم بلوچ است. بلوچستان در جنوب شرق ایران سرزمین وسیعی و گسترده ای است که همواره از سوی کشورگشایان مورد توجه بوده به طوری که برای شناسائی این منطقه دور افتاده بویژه از دوره قاجاریه افرادی در قالب ماموران دولت انگلیس و دولت قاجار به این سرزمین سفر و به بررسی همه جانبه این سرزمین به لحاظ جغرافیائی، موقعیت، نژاد، زبان، آثار تاریخی، ایلات و ساکنان آن پرداخته اند و هر یک اهداف خاصی را دنبال می نمودند. از این رو بررسی سفرنامه های دور قاجار به بلوچستان آگهی و اطلاعات ارزنده ای از شرایط آن دوران بویژه اطلاعات عمومی از میزان درآمد محصولات کشاورزی و جامعه شناسی و مردم شناسی، روابط بین دولت و مردم و اهداف استعماری انگلیس و جغرافیایی سیاسی و شکل گیری مرزهای شرقی کشور که از آن زمان آغاز شده را به دست می دهد و با این حوزه سرزمینی آشنائی بیشتری پیدا خواهیم کرد.

بررسی این سفرنامه ها همچنین نشان می دهد در این برهه حکمرانان کرمان و بلوچستان خود سفرهای متعددی به بلوچستان داشته و اوضاع بلوچستان را بررسی و مکتوب کرده اند که این امر نیز نشان دهنده سفرنامه نویسی در میان ایرانیان بویژه از دوران قاجاریه را نشان می دهد.

این پژوهش به بررسی شرایط تاریخی وضعیت اجتماعی سیاسی فرهنگی جامعه بلوچستان در دوره قاجار از دیدگاه کسانی که به این منطقه سفر کرده اند می پردازد که سه گروه بوده اند یا نمایندگان حکومت مرکزی بوده اند یا کارگزاران دولت انگلیس یا کسانی که خود در این منطقه به سیاحت پرداخته اند به طور مثال انگلیس ها از بلوچ هایی که در مقابل آنان به دفاع برخاسته اند به عنوان شرور یاد

می کنند که این نکته در سفرنامه سرپرسی سایکس مشهود است و یا پاتیجر در جای جای سفرنامه خود می کوشد که برای دو قوم بلوچ و فارس و ایرانی ریشه های مختلفی همچون نژاد و زبان و مذهب پیدا کند تا زمینه جدائی بلوچستان را فراهم سازد از این رو مطالعه و پژوهش بلوچستان در دوره قاجار ما را با اهداف انگلیس ها و استعمارگران در این خطه از کشور بزرگ ایران آشنا ساخته و نسل جدید را با گذشته تاریخی خویش پیوند داده تا در هر مقطع تاریخی هوشیاری و بیداری خویش را حفظ نمایند و فریب توطئه های استعماری غرب را نخورده از سوی دیگر نیز آشنائی با وضعیت بلوچستان و نوع تعامل و برخورد حکام قاجار با مردم بلوچستان نیز سبب می شود ابعاد دیگر از بی کفایتی و ظلم و ستم حاکمان قاجار و رژیم های سلطنتی برای نسل جدید تبیین گردد.

۲. مواد و روش ها

از منابع کتابخانه ای و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده های تاریخی بصورت توصیفی تحلیلی استفاده شده است.

۳. فرهنگ و سنت های مردم بلوچستان در دوره قاجار

۳-۱- غذاها

آداب غذایی مردم ایران یکی از شاخص های فرهنگی آنان به شمار می رود. اقوامی که دارای تمدن پیشرفته هستند از فرهنگ غذایی غنی برخوردار هستند. سیاحان خارجی که به ایران سفر کرده اند، فرهنگ ایرانی و اجزا و جنبه های مادی و معنوی آن را ارزیابی نموده اند. یکی از این جنبه ها، توجه به فرهنگ حاکم بر سفره ایرانیان، نوع خوراک، طرز تهیه غذاها و کیفیت آنها است. از نظر سفرنامه نویسان، برخی از خوراک ها جنبه ملی داشت و برخی نیز مربوط به طبقات اجتماعی خاصی بود. با بررسی و نقد دیدگاه سیاحان مشخص می شود که فرهنگ غذایی بلوچ ها ریشه در ارزش های سنتی، مذهبی دارد و از قرن نوزدهم به بعد از تعامل با فرهنگ اروپاییان نیز تأثیر گرفته است. در این تحقیق نظرات سیاحان بررسی شده و برخی از دیدگاه های آنها مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است.

۳-۲- غذاهای بلوچی



با توجه به غلبه دامپروری در منطقه عنصر اصلی و محوری غذاهای منطقه بلوچستان را گوشت تشکیل می دهد. بعد از گوشت این خرماسه که برای مردم نقش محوری در تولید خوراکی ایفا می کند.

جالب اینجاست که برخلاف تصور عمومی در دوره کنونی این منطقه محل مناسبی برای کشت برنج است و در مکران برنج نیز به خوبی کاشته می شود. نکته ای که برخلاف موقعیت جغرافیایی منطقه در رفتار غذایی مردم بلوچستان می توان دید این است که این مردم خیلی کمتر از چاشنی های تند بهره می برند. بلوچستان همجوار با کشور پاکستان است و رفت و آمدهای بسیاری به این کشور و همین طور کشور هندوستان وجود دارد اما رنگ و بوی غذاهای پاکستانی یا هندی خیلی در بلوچستان شدت ندارد.

چنگال: در واقع پذیرایی عشایر بلوچ از میهمانان با همین شیرینی صورت می گیرد. آنها از میهمانان خود با چنگال و دوغ پذیرایی می کنند به ویژه در ماه مبارک رمضان این شیرینی، غذای سفره افطار را نیز رنگ و روی تازه ای می بخشد.

شاید وجه تسمیه آن از این رو باشد که در تهیه این غذا از چنگ زدن توسط انگشتان دست بهره گرفته می شود. مواد اولیه برای تهیه چنگال، آرد، خرما و روغن حیوانی است. بلوچ ها ابتدا آرد و آب را مخلوط می کنند و در شرایطی که این مخلوط هنوز به خمیر تبدیل نشده است آن را به ضخامت حدود ۱ سانتی متر روی تابه می اندازند و می گذارند تا اندکی خود را بگیرد و بپزد.

اگر این مخلوط آب و آرد نازکتر شود نانی از آن به دست می آید. ولی برای چنگال ضخامت یکسانتری متری مناسب است. پس از آنکه این خمیر نیم پز شد آن را بر می دارند و به تناسب حجمی که می خواهند چنگال درست کنند از این نان نیم پز درست می کنند. بعد خرما را در ظرفی دهن گشاد می ریزند. نان نیم پز را درون همین ظرف خرد می کنند یا به عبارت دیگر تکه تکه می کنند.

این دو را با هم ورز می دهند و چنگ می زنند به گونه ای که هسته های خرما از درون آن بیرون می آید و می توان هسته ها را جدا کرد و هم نان و خرما را خوب به خورد هم داد.

این کار تا جایی پیش می رود که دیگر نتوان تشخیص داد نان است یا خرما حال نوبت افزودن روغن است. برای افزودن روغن آن را با همراه کمی پیاز خرد شده داغ می کنند و قبل از آنکه روغن چنان داغ شود که پیازها بسوزند آن را از روی شعله برداشته و به مخلوط نان و خرما می افزایند تا این مخلوط نرم شود و نه بیشتر. امروزه چنگال را با خلال بادم و پسته تزئین می کنند و سپس صرف می کنند.

تنورچه:

«تنورچه» نیز نام خود را از روش پخت در تنور گرفته است. تنورچه را معمولاً به دو صورت سیخ زدن گوشت گوسفند و دیگری به شکل کامل کباب شده در تنور طبخ می کنند.

در روش سیخ زدن، گوشت گوسفندی را ذبح و آن را به قطعات درشت خرد می کنند. سپس هر قطعه بزرگ را به سیخی از چوب نخل می کشند. سیخ ها را زمانی در تنور قرار می دهند که ذغال های دورن تنور گداخته و قرمز شده باشند در این مرحله اگر بخواهند کباب مورد نظر آبدار شود ظرفی از آب را روی ذغال ها درون تنور قرار می دهند.

سیخ ها را دور تا دور ظرف آب به دیواره تنور ایستاده قرار می دهند. این کار باعث می شود گوشت به اصطلاح بخارپز هم بشود. بعد از این مرحله در تنور را با سینی یا هر وسیله دیگری که مقاوم در برابر حرارت باشد می پوشانند و روی آن را با کاهگل می پوشانند. البته تنور مثل همه تنورها از زیر ورودی هوا دارد و این حالت را بین ۴۵ دقیقه تا ۱ ساعت نگاه می دارند البته زمان پخت باز هم به گوشت های سیخ کشیده شده بستگی دارد. سپس نوبت به صرف آن کباب مخصوص بلوچی می رسد. این کباب را به تنهایی یا با پلو سفید سرو می کنند.

در روش دیگر طبخ، یک گوسفند را متناسب با اندازه تنور ذبح کرده و دورن آن را خالی می کنند سپس با نخی مناسب که در برابر حرارت از بین نرود شکم او را می دوزند آنوقت آن را درون تنوری که ذغالهایش گداخته است قرار می دهند و با پوشاندن در تنور با کاهگل به انتظار پخته شدن کامل می نشینند.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

تباهگ:

این کار روشی برای نگهداری گوشت است هنوز هم در بلوچستان متداول است. ماحصل این نوع نگهداری هم به تنهایی قابل خوردن است و هم به عنوان گوشت استانبلی بلوچی.

معمولا اواسط پاییز و بارو به سرما گذاشتن هوا گوسفندان را پروار کرده و از یکسو برای گرفتن روغن حیوانی و از سوی دیگر برای تهیه گوشت از آن استفاده می کردند. گرچه اینک نیروی برق و دستگاه های خنک کننده از قبیل یخچال به زندگی همه وارد شده است اما همچنان این کار در بلوچستان انجام می شود.

البته زمان دیگری نیز هست که بلوچ ها برای تهیه تباهگ دست به کار می شوند و آن زمان «عید قربان» است که گوشت قربانی فراوان می شود. در این روش پودر انار و نمک را به گوشت اضافه می کردند و ماحصل آن را بعد از اندکی که نور آفتاب بر آن می تابید درون مشک ریخته و می بندند.

این گوشت بعد از مدتی قابل خوردن بود. علاوه بر این همین گوشت را برای تهیه استانبلی بلوچی استفاده می کنند.

دوغ پا:

«دوغ پا» خورشتی با گوشت است که به جای آب برای جانداختن و طبخ آن از دوغ استفاده می شود. این روش نیز متأثر از دامپرور بودن بلوچ هاست. دوغ یکی از فراورده های متداول دامپروران است و در بلوچستان وقتی به میان عشایر و دامپروران بروید در نخستین گام بعد از تعارف آب از شما با شیرشتر یا دوغ به عنوان نوشیدنی پذیرایی می کنند.

بت: مخلوطی است از برنج، ماش و سایر حبوبات به همراه روغن و ادویه که غذای عمده مردم بلوچستان است

اشکنه گشنیز نیز خوراک اغلب مردم سراوان است و خوراک خرما که ترکیبی از خرما، نان، برنج و حبوبات است در چابهار مصرف زیادی دارد.

آب گوشت و بزقرمه نیز از جمله غذاهایی است که گوشت را به همراه فلفل قرمز، دارچین و زردچوبه در ظروف سفالی و به سبک غذاهای هندی می پزند و در بین بلوچ های میرجاوه طرفداران زیادی دارد.

آب گوشت ماهی و ماهی نمک سود نیز غذای مخصوص نیک شهری ها است و در این بین «کنک» (نوعی حلوا و ترکیبی از خرما، بادام، پسته، و شیر خرما شبیه مسقطی) از جمله شیرینی هایی است که در چابهار طرفداران زیادی دارد.

«شوده» نیز ترکیبی از خرما، کنجد، بادام و پونه است که در چابهار به عنوان غذاهای کانی دار مطرح است.

برنج یا بت: برنج را معمولاً بصورت دمی درست می کنند و آنرا با آبگوشت یا ماهی یا حبوبات می خورند.

تنوع خورشت یا «واداپ» یا «نارشت» که معمولاً از عدس - لوبیا - ماش - باقلا و ... تهیه می شوند. همچنین نان را در داخل شیر ترید کرده می خورند...

انواع خوراک خرما

خرمای پاتی: ابتدا یک ظرفی بنام «پات» از برگ درخت پُرک درست می کنند و آنگاه خرمایی را که له کرده اند، با فشار در داخل آن قرار می دهند. این نوع خرما چندان مرغوب نیست زیرا گرد و خاک و حشرات از داخل درز و شکافهای پات به داخل نفوذ می کنند.

خرمای خُنَبی: خُنَب در واقع همان خمره است خرما را به دو صورت در داخل خُنَب قرار می دهند: یا خرما را ساده و بدون پیرایه، با فشار در داخل خُنَب قرار می دهند و یا اینکه آن را با شیرهای که قبلاً از میوه خرما گرفته اند و کنجد و پوچینک، در داخل خُنَب قرار می دهند. این نوع خرما بسیار مرغوب است و معمولاً خرمای مضافتی را بدین صورت نگاهداری می کنند.

خرمای هینزکی: هینزک همان پوست بز است که چربی آن را کنار میزنند و آن را نمک سود و دَباغی کرده و خشک می کنند و معمولاً خرمای مضافتی را که قبلاً با پا له کرده اند، در داخل آن قرار می دهند این نوع خرما نیز مرغوب است.

خرمای حَلَبی: در این روش خرمای مضافتی یا انواع دیگر را بدون اینکه له کنند، در داخل حلب می چینند.

لده: خوشه مضافتی را قبل از آنکه بطور کامل برسد، از درخت می برند، هر دانه را نصف کرده و هسته آن را بیرون می آورند. آنگاه ریسمانی را از داخل سوراخ میوه ها عبور داده و آنها را به برج خانه ها آویزان می کنند تا خشک شوند و بعداً آنها را مصرف می کنند. کُتک: مثل لده است با این تفاوت که میوه مضافتی را بصورت طولی می برند و هسته اش را بیرون نمی آورند و آنها را روی حصیری، در معرض تابش خورشید قرار می دهند. و بعد از خشک شدن می خورند.

هارگ: خوشه مضافتی را قبل از رسیدن کامل، از درخت می برند، میوه را از خوشه جدا کرده و در داخل دیگ بزرگی می جوشانند بعد از پخته شدن آنها را در معرض خورشید می گذارند تا کاملاً خشک شوند. معمولاً هارگها را در زمستان می خورند.

چانگال: ابتدا نان ضخیم و قطوری را بصورت نیمه پخته درست می کنند که بی نمک است سپس خرما را آنقدر با دست می مالند تا خوب نرم شود. آنگاه نان گرم را روی خرمای نرم شده می گذارند و با دست نان و خرما را بطور کامل با هم مخلوط می کنند و مقداری روغن را با ازگند سرخ کرده و با خرما مخلوط می کنند که غذای بسیار لذیذی درست می شود.

شیرگ: که از جوشاندن طولانی مدت خرمای رسیده بدست می آید واز آن حلوای محلی نیز درست می کنند و به جای مربا از آن هم استفاده می کنند.

انواع نان

لواش: نان نازکی است که در تنور پخته می شود. بلوچها به تنور (ترون) می گویند.

خمیر: مثل نان لواش است با این تفاوت که اندکی ضخیم تر بوده و در تنور پخته می شود و معمولاً ترش است.

سِیسِرک: نانی است که روی تابه آهنی پخته می شود و چانگال را با آن درست می کنند.

پُرانی: این نان معمولاً اختصاص به کسانی دارد که در نقطه معینی ساکن نیستند و دارای تنور نمی باشند طرز پخت آن بدین طریق است که ابتدا روی یک زمین شنی، آتش را روشن می کنند و بعد از اینکه شن ها داغ شدند، اخگرها را کناری نهاده و خمیر را روی شن ها قرار داده و روی آنرا با شن های داغ می پوشانند و تقریباً بعد از نیم ساعت، خمیر را بیرون می آورند.

هَلْکَاری: خمیر را به چانه های کوچک تقسیم کرده و آن را با غلطک مخصوصی بنام «نَازک» می کنند، آنگاه روغن را در داخل یک دیگ کوچک سرخ کرده و چانه ها را در داخل آن قرار می دهند. معمولاً نان خوشمزه ای است.

دوتینی: طرز پخت آن بدین صورت است که دو چانه را بطور جداگانه پهن کرده و روی هر کدام را روغن می مالند. آنگاه هر دو را روی هم نهاده، پهن می کنند و روی تابه ای که مقداری روغن روی آن مالیده اند، قرار می دهند، تا پخته شود.

تیموش: خمیر را معمولاً به صورت آبکی در می آورند. آنگاه مقداری از این خمیر را با دست روی تابه آهنی پهن می کنند و نان خشک و نازکی درست می شود.

ترشیجات:

ترشی لیمو که در لهجه محلی به آن «حرّام» می گویند و ترشی آنبه که در لهجه محلی به آن «چتنی» می گویند از جمله چاشنی های مورد استفاده در میان بلوچ ها است.

جوشانده سبزیجات نیز به عنوان یکی دیگر از چاشنی ها در بلوچستان طرفداران زیادی دارد.

در ماه های اسفند و فروردین که هوا نسبتاً معتدل و در اثر بارندگی های فصلی زمین سبز شده است، انواع سبزیجات خودرو زیاد است، لذا این سبزیجات را به خانه آورده، آنها را با داس یا چاقو خرد می کنند و پس از شستشو، آنها را در دیگ با مقداری آب می جوشانند آنگاه آب آنها را گرفته، با روغن و انار و ادویه سرخ کرده و با نان می خورند.

۳-۳- نحوه چیدمان سفره و غذا خوردن

در دوره قاجار، بلوچ ها بیشتر از گوشت مرغ و گوسفند استفاده می کردند. بلوچ ها گوشت گاو و شتر را با ارزش می دانستند؛ (ویلز، ۱۳۸۸: ۳۳۰؛ دروویل، ۱۳۶۴: ۶۸۴ رایس، ۱۳۶۶: ۱۴۰؛ دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۲۷).

لبنیات جایگاه مهمی در فرهنگ غذایی بلوچستان داشت. برخی ماست را مائده ای بهشتی نامیده اند (دیولافوا، ۱۳۶۱: ۱۵۳). غذای اصلی مردم بلوچ و دیگر مردم کم بضاعت بلوچ، نان به همراه ماست، پنیر و دوغ بود. وقتی ماست را با آب و مقدار کمی نمک ترکیب می کردند آن را دوغ مینامیدند. این نوشیدنی معمولاً ترش مزه بود و برای فرونشاندن تشنگی در روزهای گرم تابستان، مناسب بود واتسون، ۱۳۴۰: ۲۶ دوید، ۱۳۷۱: ۳۸۳، چریکف، ۱۳۵۸: ۵۱). ایلات سرشناس بلوچ به همراه لبنیات، عسل استفاده می کردند. (زوبر، ۱۳۴۷: ۶۹). با توجه به جایگاه و مقدار مصرف نان و لبنیات در فرهنگ غذایی توده مردم بلوچمی توان گفت که غذای مردم بلوچ نان و لبنیات بود. سیاحان پس از شربت، چای را دو مین نوشیدنی مردم بلوچ ذکر کرده اند. هیچ چیز نمی توانست جای آن را بگیرد و می بایست کم رنگ، داغ و بسیار شیرین باشد. در ماه رمضان نیز هنگام غروب آفتاب، چای فروشان قوری های چای را پراز چای می کردند و در کنار آتش می گذاشتند (رایس، ۱۳۶۶: ۱۴۳، ویلز، ۱۳۶۶: ۲۵۹، لوتی، ۱۳۷۲: ۱۶۶). در هر دهکده ای، چای خانه ای بود که آن را معمولاً قهوه خانه می نامیدند (نیکیتین، ۱۳۶۵: ۱۲۳). قهوه خانه ها همواره در اوضاع و احوال اجتماعی ایران و مردم بلوچستان نقش موثری داشتند و اجتماع کوچکی که در این مراکز به بهانه صرف چای تشکیل می شد و مخصوصاً گفتگوها و بحث هایی که در آن جا جریان داشت اثری تعیین کننده در بعضی حوادث سیاسی و گاهی مسیر ادبی ایران و این قوم به عهده می گرفتند (نجمی، ۱۳۷۱: ۲/۴۹۳).

چای هل دارا برای رفع خستگی سفر یا پیاده روی طولانی، بسیار مفید و با ارزش می دانستند (رایس، ۱۳۶۶: ۱۴۴).

بلوچ ها با وجود تنوعی که در غذاها داشتند، در سر سفره پرخوری نمی کردند و کم غذا می خوردند. (کمبل، ۱۳۸۴: ۱۱۵/۲). مردم بلوچ زندگی ساده ای داشتند. غله، حبوبات، برنج، سبزی ها، لبنیات و انواع میوه غذای اصلی آنها را تشکیل می داد. به خصوص در وعده غذایی ظهر، میوه، حاضری و مربا می خوردند و خانواده ها معمولاً در وعده غذایی بعد از ظهر، گوشت و پلو مصرف می کردند و به طور کلی، گوشت کم می خوردند. اهالی روستاها و ایلات هم در مهمانی ها، گوشت مصرف می کردند و غذای روزانه آنها ساده

بود (اولیویه، ۱۳۷۷: ۱۶۶؛ پولاک، ۱۳۶۱: ۸۲ ویلز، ۱۳۶۶: ۲۳۷). مالکوم می نویسد: ... کمتر مقومی یافت می شود که در تهیه غذا مثل قوم بلوچ زحمت بکشند... (مالکوم، ۸۱۶: ۱۳۸۰). بیشتر سیاحان غذاهای بلوچ ها را لذیذ و ایرانی ها را در کار پخت و پز ماهر و با سلیقه ذکر نموده اند (بلوشر، ۱۳۶۹: ۲۰۵؛ لندر، ۱۳۸۸: ۱/۳۱۴). خوراک های آنها اعم از غذاهای ساده روستایی و غذاهای طبقه ثروتمند، عالی و بی نظیر بود (ویلز، ۱۳۸۸: ۳۲۹؛ نیکیتین، ۱۳۵۶: ۱۲۲). توجه به کیفیت غذا به این دلیل بود که در میان بلوچ ها غذا خوردن یک فرآیند اجتماعی و گرد همایی محسوب می شد. غذا خوردن افراد با یکدیگر صمیمیت ایجاد می نمود. مردم ابلوچ از دیرباز مهمان نواز بودند و با میل قلبی برای مهمان غذا تهیه می کردند. نوع و مقدار غذا میزان رابطه را تعریف می کرد لذا هر چه صمیمیت بیشتر بود زمان گرد همایی ها طولانی تر بود. یکی از ویژگی های غذاهای بلوچی که اکثر سیاحان به آن اشاره نموده اند، پرچرب بودن غذاهای بلوچی است. ماساهارو رئیس هیئت ژاپنی در سفرنامه اش ذکر نموده که وقتی در بلوچستان توقف داشت یکی از بزرگان، بر ایشان سینی بزرگ پر از غذا فرستاد که چندین طرف از غذاهای پرچرب بلوچ در آن بود (ماساهارو، ۱۳۷۳: ۱۷۷).

طبقات فقیر، به جای روغن دنبه گوسفند مصرف می کردند (پولاک، ۱۳۶۸: ۸۹). در گذشته که صنایع ماشینی در ایران وجود نداشت و مشاغل پیشه وری و کشاورزی با نیروی فیزیکی انجام می شد مردم برای تأمین کالری مورد نیاز بدن از چربی و شیرینی به مقدار زیاد استفاده می کردند. نوع نوشیدنی های بلوچ ها نیز توجه سیاحان را به خود جلب کرده است. بلوچ ها در میان غذا، دوغ یا شربت می آشامیدند این شربت ها را از میوه ها تهیه می کردند؛ (دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۳۰؛ دروویل، ۱۳۶۴: ۸۵). به نظر رایس بلوچ ها به ندرت برای مهمانان خود شراب می آوردند؛ زیرا شراب را حرم می دانستند. (رایس، ۱۳۶۶: ۱۳۹).

بلوچ ها هرگز از ظرفی استفاده نمی کردند که اروپایی یا غیر مسلمان در آن غذا یا چای می خورد. آنان پس از رفتن مهمان خارجی، همه ظروف استفاده شده را میشکستند؛ زیرا از نظر بلوچ ها، اروپاییان ناپاک بودند. به همین دلیل، وقتی با آنان همسفره میشاند، ظروف آنها را جدا می کردند که سایر ظروف آلوده نشود و باقی مانده غذای اروپاییان را هم به خدمه و همسایه نمی دادند زیرا دست های غیر مسلمان غذا را نجس کرده بود. (پولاک، ۱۳۶۸: ۹۶؛ دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۳۳؛ ویلسون، ۱۳۶۳: ۷۳؛ گروته، ۱۳۶۹: ۴۹).

پیش از غذا، چند پیشخدمت آفتابه و لگن های قلم زنی شده از جنس مس می آوردند و مهمانان دست های خود را می شستند (لتدر، ۱۳۸۸: ۱/۳۱۴). پس از صرف غذا نیز صاحبخانه به پیشخدمت ها اشاره می کرد که ظروف مخصوص شستن دست را بیاورند (پولاک، ۱۳۶۸: ۹۹؛ هالینگبری، ۵۳: ۱۳۶۳).

یکی از رسوم اجتماعی بلوچ ها آن بود که گاهی از غذایی که درست می کردند، برای یکدیگر می فرستادند. در منزل اشراف، روزی سه مرتبه غذا تهیه می شد که قسمتی از آن را بین خدمه و فقرای اطراف خانه تقسیم می کردند (ماساهاو، ۱۳۷۳: ۱۷۸، کو تزیونه، ۱۳۶۵: ۱۲۲). صرف نظر از اینکه اعیان و اشراف ممکن بود این کار را برای کسب شهرت و ایجاد وجهه مردمی انجام دهند، اطعام فقرا از سنت های بسیار پسندیده در فرهنگ بلوچ بوده و بر آن بسیار تأکید شده است.

۳-۴- رعایت سکوت در حین تناول غذا

در زمان غذا خوردن، مهمانان به ندرت صحبت می کردند و آن را خارج از نزاکت می دانستند. (براون، ۱۳۴۹: ۱۱۶؛ دیولافوا، ۱۳۶۱: ۱۴۸؛ دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۳۲؛ سولتیکفه ۱۳۶۵: ۶۲). از نظر بلوچ ها هنگام غذا خوردن، نباید فکر را پریشان و متشنج کرد، بلکه باید تمرکز خود را به خوراک و کیفیت آن متوجه نمود تا اعضای بدن بهره خود را از خوراک بگیرند (راوندی، ۱۳۶۳: ۱۳۹۱/۶).

۳-۵- دیدگاههای سیاحان درباره فرهنگ غذاخوردن با دست در بلوچستان

بلوچ ها هنگام غذا خوردن کارد و چنگال به کار نمی بردند و با انگشت غذا را بر می داشتند و لقمه را به دهان می گذاشتند که از نظر برخی سیاحان غذا خوردن با دست بی تکلف، ساده و در عین حال کاملاً محترمانه بود. تعبیر محترمانه به دلیل مهارت مردم در غذا خوردن با دست بود بدون آن که منظره ناخوشایند ایجاد شود (اوکانر، ۱۳۷۶: ۸۶؛ اینووه، ۱۳۹۰: ۹۹؛ تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۶۷؛ بارنز، ۱۳۶۶: ۱۴۷).

تعارف غذا با دست از طرف میزبان نشانه توجه ویژه به مهمان بود. میزبان با دست در ظروف مهمان های خود غذا می گذاشت. این یکی از عادات ایرانیان و علامت ملاطفت و مهمان نوازی بود (مک گرگر، ۱۳۶۶: ۲۷۰ / ۱؛ بنجامین، ۱۳۶۳: ۷۹). بلوچ ها به راحتی غذا را با



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

دست می خورند؛ اما این گونه خوردن برای ما مصیبت بار می نمود. تکه های گوشت و برنج از لای انگشتان در پیرامون می ریخت.» (موریه، ۱۳۸۵: ۱/۱۱۷). براون اشاره کرده که در مدت اقامتش در بلوچستان هر چه تلاش کرد نتوانست برنج را با انگشت بخورد براون، (۱۳۴۹: ۶۵)

برخی دیگر از سیاحان، از نبود دستمال سفره، غذا خوردن با دست، نشستن روی زمین، اشتراک در ظروف غذا و شربت انتقاد کرده اند (فوریه، ۱۳۶۲: ۱۲۰). بن تان با دست غذا خوردن و نشستن روی زمین در فرهنگ بلوچی را به غذاخوردن حیوانات تشبیه نموده، که با لباس های فاخر مؤدبانه آنها مغایرت داشت (بستان، ۱۳۵۴: ۷۰). از نظر پاتینجر این که میزبان، دست در ظرف خورش کند عملی وحشیانه بود که در بیننده تولید نفرت می نمود. برای غذا خوردن با دست نیاز به دستمال سفره بود که بلوچ ها از آن استفاده نمی کردند (پاتینجر، ۱۳۴۵: ۲۴۱). هر دو نفر دور یک سینی می نشستند، و از آن غذا می خوردند که منظره این طرز غذا خوردن آزار دهنده بود (فور و کاوا، ۱۳۸۴)

۳-۶- گستردن سفره بر روی زمین

نشستن بر روی زمین، برای خوردن غذا، از دیرباز جزو رسوم مردم بلوچ بوده است. (مالکوم، ۱۳۸۰: ۸۱۶). حتی در باریان آشنا به رسوم غربی، در خانه روی زمین نشسته و بادیست غذا می خوردند (سرنا، ۱۳۶۲: ۱۱۱). به نظر فلاندن مردم بلوچ با میز و صندلی آشنا نبودند تا از آن استفاده کنند. اما با نشستن و خوابیدن روی زمین در کنار مردم زحمتکش سر زمینی بیگانه را باعث احساس نزدیکی دو تمدن و ایجاد شهود باطنی تعبیر نموده است (فلاندن، ۱۳۲۶: ۲۷۰؛ بل، ۱۳۶۳: ۹۱). تعبیر فلاندن درباره نا آشنایی مردم با میز و صندلی نادرست است. روی زمین نشستن برای صرف غذا به دلیل ایجاد آرامش و تمرکز فکری بود و حتی اشراف هم از این سنت پیروی می نمودند.

۴-۱- سرگرمی های قوم بلوچ

مردم این خطه، بیشتر از هر چیزی به چوب بازی و شترسواری علاقه‌مند هستند. آن‌ها بیشتر اوقات فراغت شان را با دو بازی پر می‌کنند و هیچ چیزی به این اندازه برای شان سرگرم کننده و جذاب نیست. برای انجام چوب بازی، دایره بزرگی از جمع بازیکنان تشکیل می‌شود و همراه با نوای ساز و دهل چوب بازی با حرکات آرام و منظمی آغاز می‌شود. به تدریج همراه با تند شدن آهنگ حرکات هم تندتر و تندتر می‌شود. در این حرکات بازیکنان چوب‌های خود را به هم می‌کوبند. کوچک ترین غفلت باعث اصابت چوب به بدن بازیکنان می‌شود. هر بازیکن دو چوب در دست دارد و با آهنگ دو قدم به جلو برمی‌دارد، یک قدم به عقب برمی‌گردد و یک بار به دور خود می‌چرخد. وقتی بازیکن دو قدم جلوتر می‌رود، باید چوب‌های خود را به صورت ضربدر در مقابل صورت خود نگه دارد. هر بازیکن وقتی برمی‌گردد با بازیکن پشت سری خود نیز به بازی می‌پردازد. این بازی بر پایه مهارت و استقامت استوار است. همچنین شترسواری هم از جمله ورزش‌های بومی و محلی بلوچستان است که به ویژه در شهرستان‌های خاش و ایرانشهر رایج است و به مناسبت‌های مختلف برگزار می‌شود. این ورزش هم نیاز به قدرت بدنی بالا و تمرکز زیادی دارد.

۵-۱- لباس سنتی بلوچ

لباس زنان و مردان بلوچی قدمتی بسیار دیرینه دارد. لباس به ویژه شلوار مردان بلوچ را به دوره پارتیان نسبت می‌دهند. لباس مردم غیور سیستان و بلوچستان فقط یک پوشش نیست بلکه این پوشش پشتوانه‌ای به قدرت فرهنگ یکی از اصیل ترین اقوام ایرانی را به دنبال دارد. مردم بلوچستان جزو معدود اقوام ایرانی هستند که به پوشش محلی خود پایبندند تا جایی که نخستین جذابیت گردشگران این منطقه سوزن‌دوزی بلوچ و اولویت خرید مسافران، لباس‌های بلوچی و محصولات سوزن‌دوزی است. زنان بلوچ معتقدند لباس‌های محلی مکمل شخصیت و نشانه بارز هویتی آنان است تا جایی که در فرهنگ عامه مردم بلوچستان پوشش خود نقش تعیین کننده و مهمی دارد و در مناسبات اجتماعی نیز این مهم مشهود است. لباس مورد علاقه زنان سیستان و بلوچستان، لباسی است که سوزن‌دوزی داشته باشد. نگاهی به تاریخچه سیستان و بلوچستان نشان می‌دهد لباس زنان بلوچ، برگرفته از طرح‌های اصیل ایرانی است. طرح‌هایی که درهم می‌آمیختند و حس شاعرانه‌ای به این زنان زحمتکش می‌دادند. زنان بلوچ گران‌ترین لباس‌های ایران را می‌پوشند. ابریشم سبز، قرمز، نارنجی و مشکی



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

در سوزن وقتی با دست درهم می‌آمیزد، لباس دلخواه‌شان، آن هم با طرح‌های اصیل ایرانی را می‌سازد. به شدت پایبند به لباس‌هایی هستند که مادر بزرگ‌هایشان زمانی می‌پوشیدند و قبل از آن‌ها مادر بزرگ‌هایشان.

۵-۲- پوشش بانوان بلوچ

پیراهن تاجیک: قد این پیراهن یک وجب بالای زانو است و در دو طرف آن یک برش راسته قرار دارد. جلو این لباس تا زیر سینه باز است و بر روی سرشانه‌های آن گلدوزی با نخ سیاه که به سیاه دوزی معروف است نقش بسته است.

تنبون: دامن پرچین که در منطقه به تنبون شگاد معروف است. زنان بلوچ به جای شلوار در زیر پیراهن تایک خود تنبون می‌پوشند.

پیراهن پاچین: این پیراهن نیز یکی دیگر از انواع پوشش بانوان بلوچ است که دارای بالاتنه کوتاه و دامنی با چین‌های ریز بوده و قد آن تا زیر زانو است.

شلوار: پیراهن پاچین زنان بلوچ با شلواری به نام کوتاه پوشیده می‌شود. که این شلوار از دو ساق مخروطی و میان ساق کم چین تشکیل می‌شود.

جلیقه: جلیقه‌های بلوچ از پارچه‌های ساده و تیره رنگ تهیه می‌شوند، یقه آنها هفت است که تا کمر می‌رسد و روی آن با نوار قیطان نقش بندی می‌شود.

سرپوش یا چارقد: پارچه چارگوش رنگی یا سفید که آن را بر روی لچک می‌پوشند.

لچک: لچک یا دستمال سر پارچه‌هایی هستند که آن را تا زده و در جلو سر گره می‌زنند و موها را به شکل چتر از زیر دستمال نمایان می‌شود.

روبند: بعضی از بانوان برای پوشاندن صورت خود از روبند استفاده می کنند که از پارچه های کتان سفید تهیه می شود و در محل قرار گرفتن چشم ها توردوزی صورت می گیرد.

۳-۵- لباس مردان بلوچ

لباس مردان بلوچ شامل مواردی است که در ادامه به آن ها اشاره می شود: پاک (پوششی گرد که بر سر می بندند)، پاجامک (شلوار گشاد و چین دار بلوچی)، سرین بند (کمربندی است پارچه ای برای شلوار)، سواس و پوزا (کفشی که با برگ خرما و حشی می بافند)، کرو (جوراب پشمی برای زمستان) و

۱-۶- رسم معمول ازدواج بلوچ های عصر قاجار از نگاه سفرنامه نویسان

از آداب و رسوم رایج در بلوچ دوره ی قاجار، ازدواج و مراسم مربوط به آن است که مردم ملزم بودند از این قواعد و سنت ها پیروی کنند. ازدواج معمولاً به دو صورت انجام می شد: یکی ازدواج دایم و رسمی که طبق قانون هر مردی می توانست همزمان چهار زن عقدی داشته باشد و برای جدا شدن از زنی می بایست او را رسماً طلاق می داد. در این نوع ازدواج مسئله ی جدا شدن از همسر مخارج زیادی در برداشت و تشریفات آن هم به سادگی و سهولت ازدواج نوع دوم که صیغه نام دارد نیست. (فوربز لیث، ۱۵۴۰۱۳۶۶؛ کسری، ۷: ۱۳۴۶).

ازدواج نوع دوم یا صیغه عبارت است از یک ازدواج موقت که از نظر تعداد، هیچ گونه محدودیتی ندارد و مدت آن بستگی به توافق طرفین دارد و می تواند از یک ساعت تا نود و نه سال باشد. صیغه ی نود و نه ساله و از این دست صیغه ها با این مدت زمانی، نوعی ترفند بود و هنگامی صورت می گرفت که مرد چهار زن دائمی داشت و از لحاظ شرعی مجاز به عقد زن دیگری نبود. در این نوع ازدواج مرد ملزم نبود حتماً مدت قرارداد را به اتمام برساند بلکه هر وقت مایل بود می توانست با پرداخت مهریه، از زن خود جدا شود. (سرنا، ۱۸۲:

۱۳۶۲؛ دلریش، ۲۴: ۱۳۷۵) پیروان اهل سنت، به کلی با صیغه مخالفند و آن را عملی حرام می دانند، اما شیعیان آن را عملی شرعی می دانند و فرزندان یک زن صیغه ای مانند زن دائمی حلال زاده هستند و از ارث پدر برخوردار می شوند. (براون، ۵۳۴: ۱۳۷۵)

والدین بچه های خود را از سنین نوجوانی و حتی کودکی نامزد می کردند. در دوران نامزدی مرد حق نداشت به خانه ی همسر خود رفته یا او را ببیند. (گوبینو، بی تا، ۴۰۶-۴۰۷) به غیر از این ازدواج هایی که در سنین کودکی انجام می شد شیوه ی مرسوم دیگر فرستادن خواستگار به خانه ی دختر بود. وقتی پسری به سن ازدواج می رسید به دنبال همسری برای خود می گشت، در این میان نقش واسطه ها یا دلاله های ازدواج آشکار می شد. دلاله ها معمولاً افراد مسنی بودند که کارشان یافتن زن برای پسران جوانی بود که قصد ازدواج داشتند. (دالمانی، ۱۳۷۸: ۱/۱۳۶۱ شهری، ۱۳۶۷: ۶/۱۹۷). برای برخی از این افراد این کار نوعی شغل محسوب می شد. شخصی که واسطه ی ازدواج میان دو طرف بود، از خوبی ها و محاسن طرفین سخن می گفت. به عنوان مثال در مورد وضع مالی پسر، اخلاق نیکوی او در نزد خانواده ی عروس و از زیبایی دختر، و اخلاق و متانت او نزد خانواده پسر تعریف می کرد. (ویلس، ۱۰۵: ۱۳۶۳) خانواده داماد به دیدن دختر می رفتند و اگر مقبول می افتاد اقدام به خواستگاری می کردند، بعد از آنکه هر دو طرف راضی به وصلت می شدند کار دلاله خاتمه می یافت. داماد با شب عروسی نمی توانست چهره ی عروس را ببیند، وی از طریق سخنان دلاله یا مادر و نزدیکانش که ظاهر عروس را تعریف می کردند، تصویری از همسر آینده خود در ذهن مجسم می کرد، اما معمولاً شرایط را طوری فراهم می کردند که پسر بتواند از بام خانه ی همسایه نگاه دزدکی به همسر آینده ی خود بیندازد. (زوبر، ۱۳۴۷: ۲۳۰) گاه دلاله عامل این کار می شد و ترتیبی می داد که پسر بتواند چهره ی نامزدش را ببیند، بدین گونه که دلاله دختر را به منزل شخصی خود دعوت می کرد و در آنجا پسر که پشت پرده با پنجره ای ایستاده بود دختر را می دید. (دالمانی، ۱۳۷۸: ۱/۳۶۴) مشکل عدم دیدار آزادانه ی عروس و داماد قبل از عروسی مورد انتقاد تعدادی از سیاحان قرار گرفته است. بعضی از آنها، نارضایتی جوانان و خواست آنها مبنی بر از میان برداشتن این رسم غلط را به نگارش در آورده اند. (مرنا، ۱۳۶۲: ۲۳۷)

۶-۲- هشت مرحله عروسی بلوچ‌ها در سه شب:

دست کم ۸ مرحله از مراحل عروسی همچنان در میان بلوچ‌ها به اجرا درمی‌آید. در عروسی بلوچی سفره عقد و جهیزیه وجود ندارد و بلوچ‌ها معمولاً در بهار ازدواج می‌کنند.

- **گندونن:** «گند» در بلوچی به معنای دید و «نن» نیز به معنای نشستن است. بنابراین، این عنوان بر مراسمی گذاشته شده است که در آن بزرگان خانواده پسر نزد خانواده دختر می‌روند و در مجلسی که گرد هم آمده‌اند، موضوع علاقه‌مندی خانواده پسر به دختر آن خانواده را اعلام و خواستگاری را رسمی می‌کنند. سپس «حلقه کنان» که نوعی نشان‌گذاری بر عروس است نیز به اجرا گذارده می‌شود و خانواده داماد حلقه انگشتری به همراه ساعت و طلا به عروس هدیه می‌دهند.

- **هیرجنی:** تقریباً به همان مراسم «بله برون» خودمان گفته می‌شود و اساس عروسی و زندگی مشترک در این مرحله بنا گذاشته می‌شود. به عبارت دیگر پس از خواستگاری در این مراسم پاسخ مثبت خانواده دختر اعلام و دیگر برنامه‌ریزی‌ها از این‌جا آغاز می‌شود.

- **بربند مال:** در مراسم بربند مال اقوام درجه یک دو طرف حضور دارند و به موضوع تعیین مهریه می‌پردازند. معمولاً مهریه پول نقد است اما در مناطقی چون سرباز گاه دیده می‌شود که نخل خرما نیز به عنوان مهر عروس تعیین شده است. در خاش به سبب رونق دامداری، شتر و گاو نیز به عنوان تعیین مهریه مد نظر قرار دارند. یک رسم نیز در میان بلوچ‌ها این است که طلا را به عنوان مال عروس به داماد هدیه می‌کنند. این رسم با هدیه ۲۰ مثقال تا ۲ کیلو طلا به اجرا درمی‌آید. بر خلاف مهریه که در میان بلوچ‌ها نه کسی داده و نه کسی گرفته و حتی به هنگام طلاق نیز زنان معمولاً مهریه خود را می‌بخشند، این طلاها را حتماً رد و بدل می‌کنند.

- **جُل بندی:** این مراسم بدین صورت است که اتاقی را برای استقرار عروس در نظر می‌گیرند و پارچه آذین شده را که جل خوانده می‌شود به دو سوی دیوار وصل می‌کنند و فضایی حائل را در یک اتاق به وجود می‌آورند که عروس باید تا زمان

مراسم جایی پشت این جل دور از نظرها منتظر بماند. بلوچ ها معتقدند این رسم برای دور نگاه داشتن عروس از جادو و نظر بوده است. در فاصله جل بندی تا پایان مراسم عروسی، عروس را کسی به جز نزدیکان خاص و محرمان نمی بیند.

- حنا دوزوکی: همان طور که از عنوانش هم به ذهن متبادر می شود، گویا این مراسم به شکل دزدکی برگزار می شود! در این مراسم خانواده های دو طرف هر کدام روی سر داماد و عروس حنا می گذارند. فردای مراسم حنادوزوکی مراسم دعوت از اقوام و بستگان آغاز می شود. به طور معمول عده ای از زنان و مردان فامیل داوطلب می شوند و به سراغ دیگر بستگان در روستاها و آبادی ها و همین طور شهرهای دیگر می روند. آن ها در خانه بستگان را می زنند و چند دقیقه ای درباره عروسی توضیح می دهند و سپس آن خانواده را دعوت می کنند. اگر به خانه ای مراجعه شد و کسی حضور نداشت، دعوت کننده دو چوب را به شکلی خاص جلوی در خانه مد نظر قرار می دهد که در مراجعه صاحبخانه او متوجه شود کسی به قصد دعوت برای عروسی مراجعه کرده بوده و او نبوده است.

- حنا راستکی: به مراسم اصلی حنابندان اطلاق می شود. معمولاً با ساز و آهنگ خاص همراه است و از این به بعد نبض کارها برای رسیدن به مراسم عروسی تندتر می زند. دعوتی ها در این مرحله دیگر باید نهایی شده باشند. همه وسایل عروسی در این مرحله آماده است. حنابندان عروس و داماد شروع می شود ولی هر کدام جداگانه در محلی متفاوت. هر کدام از عروس و داماد توسط بستگان حنا گذاشته می شوند. معمولاً دست ها حنا بسته می شود. شب حنابندان را تا صبح بیدار می مانند و ولیمه عروسی را در همین شب تدارک می بینند و آشپزی برای مهمانان عروسی از این شب آغاز می شود.

- سرآپی و مشاطه: در عروسی بلوچی عروس را نزد داماد نمی برند و به اصطلاح «عروس کشان» ندارند و در عوض این داماد است که نزد عروس می رود. معمولاً با توجه به اهمیت آب در زندگی بلوچ ها و نقشی که در حیات برای آن قائلند و اهمیتی که در زندگی آنان دارد، قدیم ترها داماد را به نزدیک ترین قنات یا رودخانه جاری می بردند و در آن جا خانواده داماد او را در آب استحمام می کردند. امروزه نیز ابتدا داماد به سلمانی یا آرایشگاه می رود و سپس به رودخانه و قنات می روند و چند دقیقه ای در آن جا توقف می کنند. برای مثال در ایرانشهر معمولاً دامادها را به رودخانه دامن در شمال این شهر می برند. در همین زمان

نیز عروس را برای مراسم عروسی آماده می کنند. این قسمت را مشاطه می گویند که تغییر شکل یافته کلمه «مطاشه» به معنای آرایشگر و سلمانی در زبان عربی است. مشاطه بعد از آماده کردن عروس و آرایش او وقتی مراسم عروسی در حال آغاز است چیزی به عنوان هدیه می گیرد و نقاب از چهره عروس برمی دارد.

- شب یک جایی: بعد از خوانده شدن خطبه عقد، عروس و داماد در خانه پدرزن یک جا می شوند و معمولاً تا ۴ روز در خانه پدرزن مستقر هستند. بدین ترتیب در خانه پدرزن زندگی خود را آغاز می کنند. بعد از مراسم شب یک جایی و در واقع روز بعد از عروسی مراسم «مبارکیان صبا» برگزار می شود که اقوام برای تبریک گفتن به عروس و داماد نزد آنان می روند. عروس و داماد نیز بعد از روز چهارم عروسی به خانه پدر داماد می روند و در آن جا مهمانی دیگری برگزار می شود.

۷-۱- صنایع دستی

- از سوزن دوزی تا سفال گری

از مهم ترین صنایع دستی منطقه بلوچستان باید به رودوزی و بافتنی اشاره کرد. سوزن دوزی یکی از مهم ترین انواع رودوزی است و این صنعت دستی در تمام منطقه بلوچستان به جز چابهار که در آن ماهی گیری رواج دارد، دیده می شود. سوزن دوزی به بلوچ دوزی هم معروف است و سند هویت و موجودیت زنان بلوچ است یعنی اولین هنری که تمام زنان بلوچی آن را می آموزند، همین سوزن دوزی است! بسیاری از گردشگران نیز هنگامی که به بلوچستان سفر می کنند، به دنبال خرید این لباس ها هستند. نوع تزیینات روی لباس ها، نشان دهنده نوع طایفه و قبیله در میان اقوام بلوچ بوده است و این تزیینات تنها برای زیبایی نیست! از صنایع دستی دیگر بلوچ ها، باید به سفال گری و شیشه گری اشاره کرد. مهم ترین سازندگان آن در محدوده سراوان به ویژه در روستای گلپورگان مشغول به کارند. مراحل ساخت این سفال ها، بسیار ساده و سنتی انجام می شود و یکی از دلایل خرید این صنعت دستی توسط خارجی ها، شیوه تولید به شدت سنتی آن است. شیشه گری در حوالی سراوان، توربافی به شکل کاملاً سنتی در نواحی ساحلی چابهار و جواهرسازی از دیگر صنایع دستی معروف بلوچستان است.

۸-۱- خرافات در میان مردم بلوچ عصر قاجار

اعتقاد به چشم زخم از قوی ترین باورهای مردم از دیدگاه سیاحان، اعتقاد به نیروی چشم بد بود؛ مردم معتقد بودند که چشم نیرویی دارد که ممکن است باعث آسیب رساندن به اشیاء یا افرادی شود که برایش جالب توجه است. به اصطلاح عوامانه، در مورد این اشخاص چنین شایع شده بود که «چشم فلانی شور است». مردم معتقد بودند که به طور مستقیم نباید از موارد خوشایند تعریف کرد و مثلاً به هنگام تعریف و تحسین از یک کودک باید لفظ «ماشاءالله» را به کار برد یا اینکه بر عکس واقعیت را بیان کرد و گفت: «چه کودک زشتی دارید». (کلپور رایس، ۱۳۸۳: ۱۸۷). آنها برای مصون ماندن از آسیب چشم زخم از انواع افسون و طلسم استفاده می کردند به خصوص سبز یا کبود مهره و صدف. زنان غالباً یکی از این مهره ها را به موهای خود می بستند تا اگر به اصطلاح آسیبی در راه رسیدن باشد، به جای آنها به طلسم بر خورد کند. چشم خشک شده‌ی گوسفند قربانی شده در روز عید قربان در مکه، نگه دارنده و حافظ خوبی برایشان بوده است. (همان، ۱۷۹). بعلاوه مردم بر روی لباس های نوبی خود، در قسمتی که بیشتر به چشم می آمد وصله می دوختند و یا اینکه عمداً در آنجا شکاف کوچکی ایجاد می کردند. (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۴۱). هانری رنه دالمانی مدعی است مادران برای آنکه فرزندانشان را از چشم زخم دیگران در امان نگه دارند، لباس های فقیرانه و مضحکی بر آنان می پوشاندند که ممکن بود با شأن و منزلت خانوادگی شان تناسبی نداشته باشد. (دالمانی، ۱۳۷۸: ۳۵۳ / ۲). از دیدگاه هینریش بروگش اکثر اروپاییان، بلوچ ها را مردمی سخاوتمند می دانستند و معتقد بوده اند که به محض تعریف از اشیاء مورد پسندشان، آن را به طرف مقابل می بخشند؛ بروگش به رد نظر آنها پرداخته و دلیل این کار بلوچ ها را اعتقادشان به نیروی چشم زخم می داند. وی اضافه می کند بلوچ ها بر این عقیده اند که چشم دارای قدرت آسیب رساننده است که وقتی بر روی شیئی متمرکز شد، ممکن است برای دارنده ی آن مصیبت به همراه آورد. به همین دلیل آنان ترجیح می دهند که شیئی مزبور را هر چه زودتر از خود دور کنند تا از آسیبی که ممکن است به آنان برسد در امان بمانند. (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۴۰).

۸-۲- باورهای خرافی هنگام شروع کارها:

در دوره ی قاجار مردم بلوچ برای شروع هر کاری اعتقاد به فرا رسیدن ساعت مناسب یا به قول خودشان ساعت سعد داشته اند، این مسأله برایشان دارای اهمیت بسیاری بود. گاه امکان داشت این اعتقاد مردم و تاخیر آنها برای رسیدن ساعت سعد، ضررهایی برایشان بوجود آورد (شیل، ۱۳۶۲).

می کند که در تقویم ایرانی عصر قاجار، روزهای سعد و نحس و زمان انجام کارها مشخص شده است؛ از جمله اینکه چه روزهایی باید حمام رفت، چه موقع باید ناخن گرفت، چه روزی باید ازدواج کرد، چه زمانی باید معاملات را انجام داد و... (همان). عطسه زدن نیز در هنگام اقدام به کاری، تأثیر زیادی در انجام آن داشت. کلیور رایس به شرح جریانی می پردازد که نشان دهنده ی این اعتقاد مردم بلوچ است. هنگامی که آنها قصد داشتند به سوی منزلگاهی حرکت نمایند یکی از قاطرچی ها عطسه می زند و بقیه دست از کار می کشند و تصمیم می گیرند که آن روز سفر نکنند. وقتی وی دلیل این کار را می پرسد، می گویند عطسه نشانه ی بدشگونی است و آن را به فال بد می گیرند. (کلیور رایس، ۱۳۸۳: ۷۰).

از کارهای دیگری که مردم هنگام اقدام به کاری انجام می دادند، استخاره گرفتن بود. وقتی که می خواستند از کسی دیدن کنند، به هنگام بیماری دارویی بخورند، به سفر بروند یا حتی شیئی کم ارزشی را بخرند اول استخاره می کردند. استخاره نیز به دو صورت بود؛ با قرآن و تسبیح! نتیجه ی آن برای مردم بسیار اهمیت داشت؛ بعلاوه چون تصمیم نهایی شان منوط به جواب استخاره بود، غالباً در تصمیم گیری ها کمتر دچار وسواس و دودلی می شدند (سرنا، ۱۳۶۲: ۹۵) باین و هوسه در «سفرنامه ی جنوب ایران» چنین می آورند: «اگر شخصی در صدد جلب منفعت معین آشکاری حرکت نماید و کسی عطسه زند فی الفور از صرافت رفتن به جایی افتاده سکونت را به حرکت ترجیح می دهند. بر هم زدن چند ورق از کتاب مخصوص یا شمردن چند دانه تسبیح تمام امور را زیر و زبر می کند». (باین و هوسه، ۱۳۶۳/۱۶۶)

بیشتر سیّاحان خرافات رایج در طبابت و توصیه‌های پزشکان در مورد درمان بیماریها را مورد توجه قرار داده‌اند. امروزه باور اینکه این مطالب توصیه‌ی پزشکان بوده بسیار دشوار است. ویلز معتقد است که کلیّی بیماریها به دو گروه گرمی و سردی تقسیم میشوند. به همین دلیل نحوه‌ی درمان هم به همان دو طریق گرمی و سردی صورت میگیرد. به این شکل که بیماری‌ای از نوع گرم را با داروهایی از گروه سرد درمان میکردند و بالعکس (ویلز، ۱۳۶۸: ۶۸).

هانری رنه دالمانی از معالجه‌ی مردی که به پایش گلوله اصابت کرده بود توسط یک طبیب ایرانی سخن می‌نویسد: طبیب بعد از معاینه دستور می‌دهد خروس سفیدی را زنده زنده پوست بکنند و پوست آن را با آتش پهن مایه‌ی الاغ داغ کرده و بر روی زخم بگذارند و وعده می‌دهد که با این مرهم زخم ۲۴ ساعته التیام می‌یابد. البته این تجویز وی باعث ملتهب شدن و عفونی شدن بیشتر زخم شده بود. (دالمانی، ۱۳۷۸: ۱۰۵ / ۲). گاه برای درمان بیماری‌ها به سراغ طالع بین و رمال می‌رفتند. بعد از خروج اولین طالع بین به سراغ طالع بین دیگر می‌رفتند تا در صورت تطبیق کردن نظر هر دو، به دستور آنان عمل کنند. (ویلز، ۱۳۶۸: ۶۹)

۸-۳- زنان و گرایش به خرافات

آنگونه که از نوشته‌های سفرنامه نویسان بر می‌آید اینگونه باورهای خرافی بیشتر در میان زنان رایج بود. بسیاری از آنها برای بدست آوردن مهر و محبت همسرانشان و یا برای پایدار نگه داشتن زندگی خود به طلسم و دعا پناه می‌آوردند. پولاک میگوید: «زن بلوچ که زیاد خرافاتی است، به سحر و جادو، بخت، چشم بد، بخصوص در امور عشقی پایبند است؛ تمام طلسمات و وسایل عجیب و غریب را به کار می‌برد تا مرد محبوب خود را به چنگ آورد و عاشق خود کند، چشم بد را دور سازد، حامله شود یا از بارداری دوستان و رقبای خود جلو بگیرد.» (پولاک، ۱۳۸۸: ۵۵).

زنان بسیار علاقمند بودند که از زندگی و سرنوشت آینده‌ی خود مطلع شوند و به همین دلیل گرایش زیادی به خرافات داشتند و فال گیری و طالع بینی در بین آنها رواج زیادی داشت. تفأل به حافظه این شکل بود که فرد نیت می‌کرد و سر انگشتان خود را در لابه لای

اوراق کتاب می برد و سپس صفحه را می گشود و با دیدن چند شعر در آغاز صفحه فال خود را معنا و تفسیر می نمود. (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۳۸).

نازایی برای زن دوره ی قاجار خصوصا زن بلوچ مشکل بزرگی بود و آنان تمام تلاش خود را میکردند تا صاحب فرزند شوند. برای این کار دست به دامان انواع دعا و طلسم میشدند. همچنین برای دوران بارداری نیز خرافات خاص خود را داشتند. آنها معتقد بودند که زن باردار باید چند دانه گندم و ارزن را همراه با سکه ای طلا در پارچه ای دوخته همواره همراه خود نگاه میداشت، وی باید در حفظ این دانه ها کوشا میبود، وگرنه خود و فرزندش دچار مشکل میشدند. در موقع وضع حمل زن، با تفنگک شلیک میکردند تا اجنه دور شوند و برای محافظت مادر نوزاد از حملات ارواح مودی شمشیر یا اسلحه های بُرنده را تا چند روز در کنار وی قرار میدادند. گاه نیز یک ردیف سرباز مقوایی را بر روی بام قرار میدادند و با نخی آنها را به حرکت در می آوردند. اگر وضع حمل زن سخت و طولانی میشد اسب سفیدی را به نزد زن میآوردند و مقداری جو روی سینه ی زن میریختند تا اسب از آن بخورد (دیولافوا، ۱۳۳۲: ۱۱۶).

معمولا عقیده بر این بود که موجودی به نام «آل» وجود دارد که در روزهای اول زایمان به سراغ زائر می آید و جگر وی را بیرون می آورد، به همین دلیل برای رفع مزاحمت آن چند عدد پیاز را به سیخ می کشیدند و در زیر رختخواب زائر می گذاشتند. همچنین با شمشیری دور رختخواب زائر و نوزاد را حصار می کشیدند. (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۵۶؛ دالمانی، ۱۳۷۸: ۴۳۲ / ۱). هرمان نوردن که به تشریفات زایمان در سیستان و بلوچستان اشاره کرده، معتقد است در زیر تختخواب نوزاد ظرفی می گذارند که معمولا در آن خمیر درست می کنند. در داخل این ظرف مقدار زیادی برنج می ریزند و در هفتمین روز آن را به عنوان صدقه میان فقرا تقسیم می کردند. (نوردن، ۲۵۳۶: ۵۸). المروور علی مرا روز دهم زانو را به حمام می بردند و به مراسم آن «حمام زایمان» می گفتند که دارای آداب زیادی بود. در این روز سیخ پیازی را که در روز اول زایمان تهیه کرده بودند به حمام می بردند و روی پله های حمام گذاشته و زائر باید پایش را روی این پیازها گذاشته تا آنها له شوند، سپس پیازها را به آب روان می دادند. ذاکرزاده، ۱۳۷۹: ۳۱۳).

نتیجه گیری:

اوضاع اجتماعی و فرهنگی بلوچستان در دوره قاجار از مسائل کمتر توجه شده تاریخ معاصر ایران است. بلوچستان در جریان رقابت کشورهای اروپایی بر سر کنترل و تسلط بر هندوستان اهمیت یافت. انگلیسی ها در مبارزه با رقیبان، توانستند کنترل تجارت و سیاست در هندوستان را به دست بگیرند، برای امنیت بخشیدن به سرحدات آن، مصمم بودند مناطق حایلی را در مرزهای شمال غربی هندوستان تشکیل دهند و از این زمان سیاست استعماری انگلیسی ها در این ناحیه از ایران آغاز شد. با تشکیل حکومت قاجار در ایران، شاهد گسترش تسلط حکومت مرکزی در مرزهای شرقی ایران بودند. بلوچستان در آغاز حکومت قاجار گرفتار آشوب خوانین محلی بود. پس از روی کار آمدن حکومت قاجار این حکومت نتوانست شرایط لازم را برای توسعه اقتصادی و ایجاد ثبات در بلوچستان ایجاد کند. سیاحان اروپایی که به ایران در دوره قاجار سفر کرده اند، فرهنگ و آداب اقوام ایرانی از جمله قوم بلوچ را از جنبه مادی و معنوی ارزیابی نموده اند. همین سیاحان فرهنگ و سنن مردم بلوچستان را به عنوان یکی از شاخص های فرهنگی ایرانیان مورد مطالعه قرار دادند. از ابعاد مورد توجه آنها فرهنگ عامه قوم بلوچ است. بلوچستان در جنوب شرق ایران سرزمین وسیعی و گسترده ای است که همواره از سوی کشورگشایان مورد توجه بوده به طوری که برای شناسائی این منطقه دور افتاده بویژه از دوره قاجاریه افرادی در قالب ماموران دولت انگلیس و دولت قاجار به این سرزمین سفر و به بررسی همه جانبه این سرزمین به لحاظ جغرافیائی، موقعیت، نژاد، زبان، آثار تاریخی، ایلات و ساکنان آن پرداخته اند و هر یک اهداف خاصی را دنبال می نمودند. از این رو بررسی سفرنامه های دور قاجار به بلوچستان آگهی و اطلاعات ارزنده ای از شرایط آن دوران بویژه اطلاعات عمومی از میزان درآمد محصولات کشاورزی و جامعه شناسی و مردم شناسی، روابط بین دولت و مردم و اهداف استعماری انگلیس و جغرافیایی سیاسی و شکل گیری مرزهای شرقی کشور که از آن زمان آغاز شده را به دست می دهد و با این حوزه سرزمینی آشنائی بیشتری پیدا خواهیم کرد.

این پژوهش به بررسی شرایط تاریخی وضعیت اجتماعی سیاسی فرهنگی جامعه بلوچستان در دوره قاجار از دیدگاه کسانی که به این منطقه سفر کرده اند می پردازد که سه گروه بوده اند یا نمایندگان حکومت مرکزی بوده اند یا کارگزاران دولت انگلیس یا کسانی که خود در این منطقه به سیاحت پرداخته اند به طور مثال انگلیس ها از بلوچ هایی که در مقابل آنان به دفاع برخاسته اند به عنوان شرور یاد می کنند که این نکته در سفرنامه سرپرسی سایکس مشهود است و یا پاتیجر در جای جای سفرنامه خود می کوشد که برای دو قوم بلوچ و فارس و ایرانی ریشه های اختلافی همچون نژاد و زبان و مذهب پیدا کند تا زمینه جدائی بلوچستان را فراهم سازد از این رو مطالعه و پژوهش بلوچستان در دوره قاجار ما را با اهداف انگلیس ها و استعمارگران در این خطه از کشور بزرگ ایران آشنا ساخته و نسل جدید را با گذشته تاریخی خویش پیوند داده تا در هر مقطع تاریخی هوشیاری و بیداری خویش را حفظ نمایند و فریب توطئه های استعماری



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

غرب را نخورده از سوی دیگر نیز آشنائی با وضعیت بلوچستان و نوع تعامل و برخورد حکام قاجار با مردم بلوچستان نیز سبب می شود ابعاد دیگر از بی کفایتی و ظلم و ستم حاکمان قاجار ورژیم های سلطنتی برای نسل جدید تبیین گردد.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

منابع

- ## هاپکرک، پیتر، بازی بزرگ، ترجمه رضا کامشاد، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۹، ص ۳۹
- ## مجموعه عهدنامه های تاریخی ایران از عهد هخامنشی تا عصر پهلوی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۵۰، صص ۱۵۲ و ۱۵۳
- ## رایت، دنیس، ایرانیان در میان انگلیسی ها، ترجمه لطفعلی خنجی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۹، ص ۱۰۹. کرزن، جرج. ن، ایران و قضیه ایران، ج ۲، ترجمه ع. وحید مازندرانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، ج دوم، ص ۳۰۹.
- ## هنت، جنگ ایران و انگلیس در سال ۱۲۷۳ق، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، شرکت سهامی چاپ، ۱۳۲۷، مقدمه کتاب، ص ۳.
- ## رضاقلی خان هدایت، روضه الصفاتی ناصری، تهران، ج ۹، کتابفروشی مرکزی، ۱۳۳۹، ص ۳۵۹.
- ## واتسون، رابرت گرانت، تاریخ ایران در دوره قاجاریه، ترجمه ع. وحید مازندرانی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۴۸، ص ۱۵۲.
- ## جعفری، علی اکبر بلوچ و بلوچی» مجله سخن، اردیبهشت ماه ۱۳۴۳، ص ۷۹۲.
- ## اوین، اوژن (۱۳۶۲). ایران امروز (۱۹۰۷-۱۹۰۶)، ترجمه ی علی اصغر سعیدی، تهران: زوار
- ## اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱). سفرنامه اولیویه: تاریخ اجتماعی، اقتصادی ایران، ترجمه ی محمد طاهر میرزا، مصحح غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات
- ## هنریش (۱۳۷۴). در سرزمین آفتاب، ترجمه ی مجید جلیلود، تهران: مرکز .
- ## پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»، ترجمه ی کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

دیولافوا، ژان (۱۳۳۲). سفرنامه مادام دیولافوا، ترجمه علی محمد فره وشی (همایون سابق)، تهران: کتابفروشی خیام

سرنا، کارلا (۱۳۶۲). سفرنامه کارلا سرنا «آدمها و آیینها در ایران»، ترجمه ی علی اصغر سعیدی، تهران: زوار

شیل، مری (۱۳۶۲). خاطرات لیدی شیل، ترجمه ی حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو فوربز لیث، فرانسیس (۱۳۶۶).

کیش مات «خاطرات مباشر انگلیسی سردار اکرم»، تهران: اطلاعات کلیور رایس، کلارا (۱۳۸۴). زنان ایرانی و راه و رسم زندگی

آنها، ترجمه ی اسدالله آزاد، تهران: کتابدار

گروته، هوگو (۱۳۶۹). سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیلود، تهران: مرکز

نوردن، هرمان (۲۵۳۶). در زیر آسمان ایران، ترجمه ی سمین سمیعی، تهران: دانشگاه تهران

ویلز، چارلز جیمز (۱۳۶۸). ایران در یک قرن پیش، ترجمه ی غلامحسین قراگوزلو، تهران: اقبال

هردوان، ژاک (۱۳۲۴). در آفتاب ایران (۱۳۰۳-۱۳۰۵)، ترجمه ی مصطفی مهذب، بی جا، چاپخانه چهره پیت، چارز ادوارد (۱۳۶۵).

سفرنامه خراسان و سیستان، ترجمه ی قدرت الله زعفرانلو و مهرداد رهبری، تهران: یزدان.

تحلیل پیشینه حضور اقوام در سیستان با استناد به کتاب «تاریخ سیستان»

عباس؛ اویسی؛ استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور

چکیده

کتاب «تاریخ سیستان» که توسط مولف گمنام تدوین شده است، یکی از بهترین منابع تاریخ محلی بوده است، حاوی اطلاعات ارزشمندی بویژه بعد از ورود اعراب به ایران و ظهور اسلام در منطقه سیستان است. بررسی این اطلاعات می تواند ما را به چگونگی اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سیستان در قبل و بعد از اسلام آشنا نماید. مسایل قابل تحقیق این متن کهن، گروه ها و اقوام اجتماعی است که در دوره قبل و بعد از ورود اسلام به سیستان می تواند مورد پژوهش قرار گیرد. بدیهی است که شناخت اقوام یک زیست بوم جدا و چگونگی ارتباطات آنها با یکدیگر و نقشی را که در جهات مختلف در جامعه خود ایفا می نمایند، بدون شناخت وضعیت جغرافیای طبیعی و انسانی آن امکان پذیر نمی باشد. بررسی روند تاریخی حضور و حیات اجتماعی اقوام گوناگون در این جغرافیای مشخص، نشانه از توانمندی و اهمیت سیستان دارد که توانسته آنها را در خود جای دهد. لذا سوال اساسی این مقاله چگونگی ورود و علل حضور اقوام مختلف در سیستان است؟

نتیجه بررسی کتاب «تاریخ سیستان» آن است که اقوام مختلفی در درازی گذشته به سیستان وارد شده و در آن «بود و باش» داشتند، این موضوع موجب تنوع زیستی، فرهنگی و اجتماعی شده است.

واژگان کلیدی: تاریخ، اقوام، اجتماع، سیستان، اسلام

مقدمه

شناخت و آگاهی پیرامون طبقات و اقوام اجتماعی مستلزم وقوف بر شرایط زیست محیطی و اوضاع جغرافیایی منطقه ای است که این اقوام و گروهها در آنجا سکونت یافته اند. تا از این طریق بتوانیم به علل ورود آنها که ممکن است بخاطر تغییر و تحولاتی باشد که طبیعت در محیط جغرافیایی قبلی شان بوجود آورده باشد و یا به دلیل نظامی و سیاسی... باشد، پی ببریم. از آنجایی که از عناصر اصلی تشکیلدهنده یک جامعه، اقوام آن می باشند که وجوه اشتراک زبانی، فرهنگی، دینی.

می تواند در تمرکز و یکپارچگی آن موثر باشد و بالعکس تمایزات موجود بین آنها می تواند تضادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی را بوجود آورد که از این تقابل اقوام، دسته بندیها و جناح بندیهای جدید در شکل یک گروه با اهداف مشترک شکل بگیرد. گاه نیز یک فرقه مذهبی یا سیاسی می تواند با استفاده از شرایط موجود دسته های کوچک تر را در خود جذب نماید و یک گروه بزرگتر را به جامعه تحمیل نماید و دوام اینگروه آنها را بصورت جزو لاینفک جامعه درمی آورد و به شکل یک گروه اجتماعی برآیرسیدن به اهداف خود اقداماتی اصلاح طلبانه یا دگرگون ساز در قالب شورشها، نهضتها و انقلابها انجام می دهند.

در این پژوهش، طبقات و اقوام اجتماعی سیستان را به استناد کتاب تاریخ سیستان مورد بررسی قرار می دهیم. لذا در این مسیر می بایست شناختی از چگونگی ورود اقوام اولیه و بالطبع پیدایی سیستان داشته باشیم. این امر ما را وادار می دارد تا نگاهی به تاریخ سیستان بیاندازیم و جریان حرکت و مهاجرت اقوام آریایی که سکاها از آن جمله بودند، را دنبال نماییم. در این گذر است که به چگونگی پیدایی سکستان یا سیستان دست می یابیم و تشابه زبانی نخستین دلیلی بود که این اقوام را در سلسله هایپادشاهی قبل از ورود عرب به این سرزمین، بصورت یک قوم واحد و متمرکز درآورده بود. اما در زمان فتوحات اعراب مسلمان این منطقه بدلیل جاذبه های خاص خود که ناشی از پیشینه 'باستانی، مذهبی و ثروت هنگفت آن بود، مورد توجه قبایل مختلف عرب قرار گرفته و روند مهاجرت عرب به این منطقه آغاز شد.

مهاجرت عرب به این سرزمین، فرهنگ قبیله ای و عشیره ای را که در تضاد کامل با فرهنگ تمرکز گرای ایرانی بود، به همراه داشت و این تضاد فرهنگی، تضاد منافع دوقوم را بوجود آورد و این سرآغاز قومیت گرایی در این منطقه بود. ضمن آنکه با رحلت حضرت محمد (ص)، جاهلیت عرب در شکل اشرافیت قبیله ای نه تنها در جامعه عرب بلکه در جامعه ایرانی نیز ظهور کرد. این امر نیز منجر به پیدایی فرقه های مختلف شد که خوارج از آن جمله بودند که می توان آنها را نماد جاهلیت عرب دانست. همچنین برخورد دو فرهنگ عرب و ایرانی، گروه جدیدی بنام موالی و وضعیت اقتصادی که ناشی از عملکرد مالی دستگاه خلافت بود بتدریج یک گروه سازمان یافته به نام عیاران را بوجود آورد. در نهایت این فرقه ها و گروهها که مورد حمایت جامعه نیز قرار می گرفتند، شورشها و نهضت هایی را بوجود آوردند که اوج آن در این منطقه، تشکیل حکومت صفاریان بود.

ضمن اینکه ورود اقوام عرب، مقدمه ای شد برای رخنه تدریجی اقوام دیگر در اینمنطقه که هر یک به نوبه خود تاثیرات مخربی را در زمینه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر پیکر این جامعه وارد آوردند.

لذا در این مقاله سعی شده است که اقوام و گروههای اجتماعی و نقش آنها و پیامدهای عملکرد آنان در منطقه سیستان با توجه به ترتیب اولویت در کتاب تاریخ سیستان مورد بررسی قرار گیرد.

سوال اساسی

مقاله را با فرضیه نقش جاذبه های سیستان برای حضور اقوام مختلف و رشد قومیت گرایی در این منطقه شروع شده و تلاش برای پاسخ به آن دارد.

- چرا اقوام مختلف، سیستان را به عنوان مرکز فعالیت و حضور خود قرار دادند؟

- چگونه حضور این اقوام به شکل گیری گروههای اجتماعی در سیستان کمک کرد و کارکرد این اقوام در سیستان چه آثاری و نتایجی را بجا گذاشت؟

معنی لغوی قوم

قوم به لحاظ لغوی به معنی گروه مردان و زنان بخصوص گروه مردان می باشد و از این معنی است قول خداوند متعال: « لا یسخر قوم من قوم » و « و لا نساء من نساء » (قرآن کریم 49 / 11). یا زنان به تبعیت مردان داخل قومند، مذکر و مونث هر دو آیند* و از این است قول خدای تعالی: « کذب به قومک » (قرآن کریم 6 / 66) و « کذبت قبلهم قوم نوح » (قرآن کریم 22 / 42). جماعت مردان بخصوص و گویند زنان نیز به تبعیت داخل می شوند و به این نام نامیده شدند از آن جهت که به کارهای بزرگ و مهم قیام کنند. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۷۸۱۷)

بدین ترتیب عنصر اصلی تشکیل دهنده یک قوم مردان هستند که با توجه به معنیتبعیت، زنان بر اساس زندگی زناشویی کامل کننده قوم می باشند که می توانند در تغییر شرایط و انجام امور مهم، شورشها، قیامها و نهضت ها و غیره به فعالیت بپردازند.

معنوی لغوی گروه

به لحاظ لغوی گروه به معنی اجتماع اشخاص، جماعت از مردم و غیره از سایر حیوانات، طائفه، جمعیت، دسته، امت، حزب، فرقه، فوج و قبیله می باشد. (همان: ۱۹۱۱۳)

بنابراین برای تشکیل یک گروه ضروری است تمامی زنان، مردان و کودکان اعم از مذکر و مونث و حتی حیوانات حضور داشته باشند تا بتوانند در کنار یکدیگر به تأمین نیازها و اهداف مشترک خود بپردازند. حال با توجه به این که اقوام و گروهها، جامعه یا جوامع انسانی را بوجود می آورند کهبر اساس اقدامات، فعالیت ها و نیازهای آنان و نیز شرایط جامعه، نظامهای مالکیت، طبقات، گروهبندی های اجتماعی، تغییرات اجتماعی و غیره شکل می گیرند. لذا ضروری است که این دو واژه را در حوزه جامعه شناسی نیز بررسی نمائیم. زیرا عنصر اصلی اقوام و گروهها، انسانها هستند که در جوامع زندگی می کنند و انسانها نیز موضوع مطالعه علم تاریخ و جامعه شناسی می باشد. با ورود به قلمرو جامعه شناسی می بینیم اقوام که جزئی از گروهها هستند، در مجموع یک جمعیت را تشکیل می دهند که می توان آن را از نظر حجم و تراکم بررسی کرد. دورکیم معتقد بود که حجم، تعداد واحدهای اجتماعی یعنی افراد یک جامعه و تراکم شماره روابط اجتماعی موجود در آن است. او بین تراکم مادی و معنوی تمایز قائل بود و اعتقاد داشت تراکم مادی از تمرکز جمعیت، رشد شهرها و توسعه وسایل ارتباطی اثر می پذیرد و تراکم معنوی بر حسب افرادی که رابطه موثر (نه صرفا اقتصادی بلکه فرهنگی) دارند، اندازه گیری می گردد. (تی. بی. باتومور، ۲۵۳۶: ۸۹) تمرکز جمعیت نیز به نوبه خود نواحی و بخش ها متفاوتی را بوجود می آورد که دارای ویژگیهای اقتصادی، طبقاتی، قومی است. لذا وارد حوزه دانش جمعیت شناسی، جغرافیای انسانی و طبیعی می شویم. از طرفی جامعه از دو بخش شهری و روستایی تشکیل می شود که بین ساکنین شهرها و روستا تفاوت های مهمی وجود دارد. این وظیفه جامعه شناسان است که این تفاوتها را از لحاظ موقعیت جغرافیایی و همبستگی گروهی و فرهنگ بررسی نماید و علم تاریخ نیز برای رسیدن به علل پیدایاقوام و گروههای اجتماعی در یک منطقه نه تنها سه حوزه مذکور را مورد مطالعه قرار می دهد بلکه به بررسی و مطالعه وجوه اشتراک آنها به لحاظ نژاد، زبان، مذهب، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز می پردازد. از قرن نوزدهم به بعد جنبه های کیفی جمعیت از دو جهت مورد مطالعه قرار گرفت. « ۱- کوشش هایی به عمل آمد تا جوامع بر حسب خصوصیات نژادی یا ملی - که صفاتی ذاتی تصور می شدند - از هم متمایز گردند. 2 - مطالعاتی که پیرامون اختلافات ذاتی مفروض بین افراد یا گروه های داخل جامعه انجام گرفته است». (آنتونی گیدنز، ۱۳۸۶: ۴-۹۳)

تعریف قوم و قومیت از دیدگاه جامعه شناسی

قوم یا قومیت به دیدگاهها و شیوه های عمل فرهنگی که اجتماع معینی از مردم را متمایز می کند اطلاق می شود. اعضای قوم خود را از نظر فرهنگی متمایز از گروهبندی های دیگر در جامعه می دانند و دیگران نیز آنها را همین گونه در نظر میگیرند. این

اقوام دارای ویژگی های مختلفی هستند که وجه تمایز آنها می باشد مانند زبان، تاریخ، تبار و مذهب و شیوه های لباس پوشیدن و آرایش.

در واقع اقوام گروه هایی هستند که اجتماعات قومی مشخصی را در درون جامعه بزرگتر تشکیل می دهند. تمایزات قومی به ندرت خنثی محسوب می شوند زیرا آنها بطور معمول با نابرابری های آشکار در میزان ثروت و قدرت در ارتباط هستند.

جغرافیای طبیعی سیستان

آب و هوای منطقه سیستان به علت نزدیکی به بیابان لوت در تابستان گرم و از نوع بیابانی گرم و خشک است. گرمترین ماه سال تیر است و حداکثر درجه حرارت سالانه بیش از 40 تا 45 درجه ثبت شده است که تا 53 درجه سانتیگراد نیز می رسد. در پاییز هوا معتدل و در زمستانها سرد می باشد. مهمترین منبع آب این ناحیه هیرمند یا هلمند است که یک منبع آب دائمی را فراهم می نماید. در واقع بزرگترین منبع آب شیرین در فلات ایران است. آبهای تغذیه کننده هیرمند پر از رسوبات و جامدات محلول هستند و حداقل در بهار آب بسیار غلیظ و سنگین می شود.

از 1200 مایل مربع دریاچه در دوره [۱]پراچی، 450 مایل مربع خشک شده و نیزارها و پوشش گیاهی کافی برای چرای دامها فراهم می سازد، 300 مایل مربع تبدیل به باتلاق می شود و 450 مایل مربع دیگر نیز به صورت دریاچه با آب شیرین دائمی باقی می ماند. ام [۲] باد 120 روزه که بسیار ساینده می باشد باعث ریزش تمام برگهای گیاهان، بوته ها و کجی درختان می شود. کشت محصولات به دو صورت زمستانی و تابستانی انجام می گیرد و انواع محصولات مانند گندم، جو، لوبیا، یونجه، شبدر، سورقوم (ذرت خوشه ای)، پنبه، سبزیجات و صیفی جات به ویژه خربزه و ارزن در زمینهای آن کشت و تولید می شود. (تاریخ کمبریج، دفتر ۱ جلد ۱، 1386: ۱۰۰-۹۶)

در کتاب تاریخ سیستان وضعیت اقلیمی این منطقه را این چنین می خوانیم: «آدم (ع) ... جایگاهی که اکنون سیستان است، آنجا آب روان دید بریگ، بخورد، سبک بود و باد شمال همی آمد... جبرئیل - علیه السلام - به نزدیک او آمد، او را اندر وقت درخت انار و درخت خرما پدید آورد و بقدرت باری تعالی به بار آمد. سلیمان علیه السلام - باد را گفت: مرا به جایگاهی فرود آر که معتدل تر باشد و هوا سبک، او را به سیستان فرود آورد». (تاریخ سیستان، ۱۳۸۵: ۵۵) همچنین سیستان دارای شهر بزرگ قلعه مانند بود که چندین شهر را در خود جای می داد که آن را «مدینه [۳]العدرا» (همان: ۵۷) می نامیدند و ظاهراً به لحاظ استحکام چنان بود که قابل تسخیر نبود. دارای آب و هوای معتدل که «بادشمال و بادصبا» (همان: ۵۷) دایماً در آنجا میوزید. و ظاهراً نخستین «آسیابهای بادی» (همان: ۵۷) در سیستان

ساخته شده است که گندم را بوسیله آن آرد می کردند و با توجه به کمبود آب در این ناحیه برای آبیاری زمین های کشاورزی چاه های آب حفر و چرخ هایی ساخته شده بود که با آن باغها و زمینها را آبیاری می کردند . همچنین بیابان و ریگ آن باعث سلامت جسم ساکنان آنجا بود و « مردم که بر آنجا نشیند و خُسبد، تن درست باشد و از فضل ریگ است که فرزند آدم را چون خُرد باشد بر آنجا بدارند تا قوی گردد و اعضای وی درست باشد.». (همان: ۵۷) بنابراین می توان گفت که محیط جغرافیایی سیستان که در عناصر مختلف فرهنگی و تمدنی رشد چشمگیری یافته بود، خود یکی از عوامل مهم تجمع اقوام و گروههای اجتماعی در آنجا بوده است. بویژه این شرایط چون باعث پرورش جسمانی و تقویت بنیه ساکنان آنجا بود، این امر موجب پرورش نیروی نظامی لایق در این ناحیه شده بود که « به حرب و شوریدن سلاح عادت کرده باشند که آن ایشان را خردی تا بزرگی پیشه باشد ، و به تعلیم جنگ و مقاتله آموخته باشند.». (همان: ۵۷) این ویژگی موجب شد که حتی بعد از ورود اسلام به ایران ، سیستمی ها همانند قبل از اسلام بعنوان یک نیروی نظامی کارآمد به خدمت سپاه اسلام در آیند .

سیستان قبل از اسلام

تورانی ها و سکاها از جمله اقوام آریایی بودند که از سوی شمال به سرزمین ایران وارد شدند. این اقوام تمدنی پایین تر از دیگر اقوام آریایی داشتند. دسته ای از سکاها که از راه قفقاز به داخل ایران راه یافتند ، ابتدا در دامنه کوههای زاگرس جای گرفتند ، اما [۱] بعدها به سگستان رفتند و آن سرزمین را به کانون تمدنی بزرگ (شهر سوخته زابل) بدل ساختند. (ایرانویج، ۱۳۶۸: ۱۴ و ۲) همچنین مطالعه شاهنامه فردوسی به ما نشان می دهد که بیشتر افسانه های آن در میان قوم سکا و سرزمین ایشان که سگستان و بعدها سیستان خوانده شد ، اتفاق افتاده است . بنابراین سکاها اولین اقوام ایرانی ساکن در سیستان بود که با زبان ایرانی آشنایی داشتند زیرا تمام اصطلاحات دینی اوستا و مجموع مفهومی دینی و فلسفی آن - از قبیل "ارته" ، "نجم" (عدالت) و بسیاری دیگر در میان اقوام ایرانی عمومیت دارند و هم اسکیت ها (سکایان) و هم خوارزمیان با آنها آشنایند. (دیاکونف، ۱۳۷۱: صص ۵۷ و ۵۴) ضمن اینکه تحقیقات زبانشناسی به نزدیکی زبان سکایان با مادی ها اشاره دارد و استرابون نیز به مشابهت زبانهای مادی و پارسیان و باختران اشاره می کند بنابراین « زبانی که مردم عهد باستان مادی می نامیدند به زبانهای ایران تعلق داشته است.». (دیاکونف، ۱۳۷۱: ۶۳) با توجه به محیط جغرافیایی سکاها ، این قوم جنگجویان شایسته ای بودند و در دوره هخامنشیان از نیروهای نظامی موثر و عمده آنان محسوب می شد چون « مادیها به اتفاق پارسیان و سکایان معتمدترین جنگاوران شمرده می شدند و نیروی مسلح ناوگان جنگی خشایارشا را تشکیل می دادند.». (دیاکونف، ۱۳۷۱: ۴۰۵) بنای شهر سیستان در کتاب تاریخ سیستان به گرشاسب نسبت داده شده است که وی آن را به عنوان مأمن و پناهگاه نجات یافتگان از دست ضحاک بنا کرد. البته دلیل بنای شهر بدست گرشاسب را چنین بیان می دارد؛ زمانی که حضرت آدم علیه السلام از "سراندیب" بدنبال حوا رفت، در جایی که آب روان جاری بود و بادشمال می وزید « جایگاهی که اکنون قهستان». (تاریخ سیستان،

۱۳۸۵: صص 55 و 50) است، اقامت کرد و چون در آنجا برای خوردن چیزی نبود، به فرمان خداوند درخت خرما و انار بوجود آمد و علت رغبت گرشاسب برای بنای این شهر همان خرما و اناری بود که در آنجا دید. در این کتاب هیچ اشاره ای به ورود اقوام اولیه در این ناحیه نشده است و بعد از ذکر بنای سیستان بدست گرشاسب، تاریخ سیستان را با ظهور اسکندر مقدونی آغاز می نماید. « که اسکندر برای تصرف هند به سیستان رفت و ارک سیستان را از آثار بجا مانده این دوره می داند ». (تاریخ سیستان، ۱۳۸۵: 56) به همین دلیل سیستان در جریان لشکرکشی اسکندر مقدونی به هندوستان، در تاریخ به وجه روشنتری نمودار می شود به ویژه زمانی که توطئه فیلوتاس روی داد، او مجبور شد برای « سرکوبی شورش او از طریق آریا به سوی سیستان برود ». (چارلز الکساندر رابینسون، 1370: 386) با تأسیس سلطنت سکاها در سکستان یا سیستان، در زمان شاهنشاهی مهرداد دوم، این منطقه خراجگذار دولت اشکانی شد و در طی قرن اول قبل از میلاد یک شعبه از اشکانیان جانشین سلسله سکاها در سکستان شدند که از مهمترین پادشاهان این سلسله گوند فارس یا گوندفر بود که از این پادشاه، سکه هایی در سیستان و هرات حتی در پنجاب پیدا شده است. (کریستن سن، 1368: ۵۲) از دیگر حکمرانان سیستان می توان به «نرسه از پسران شاپور اول و سورن» (همان، ۱۳۶۸: ۵۶) اشاره کرد. در دوره ساسانیان، اردشیر بابکان اولین پادشاه سلسله ساسانی همزمان با تسخیر دیگر ولایات، سیستان را نیز تصرف کرد. (همان: ۱۳۸) بنابراین به نظر می رسد که ورود اقوام مختلف به سیستان، هم به خاطر موقعیت جغرافیایی و اقلیمی سیستان و هم به خاطر اقدامات پادشاهان مملکت ایران بود چراکه توجه اسکندر مقدونی به سیستان، فتح متصرفات شاهنشاهی ایران و یا یزدگرد سوم «به امید کمک گرفتن از پادشاه ترک و یا پناه بردن به خاقان متوجه سیستان و خراسان شد. » (زرین کوب، 1368: ۱۹۷)

سیستان بعد از اسلام

با یک سابقه طولانی باستانی و مذهبی، ثروت هنگفت و محل ظهور پهلوانان افسانه ای و عمران و آبادی آن که ناشی از وجود رودهای « هیرمند و فراه و خاش رود و دریاچه های هامون و گودزره » (همان: ۷-۵۱۶) مقارن فتوحات سپاه اسلام مورد توجه بود. لذا از همان اوایل دوره فتوحات به تصرف اعراب درآمد ولی هرگز محلی آرام برای فاتحان محسوب نمی شد زیرا این سرزمین افسانه ای تا حدودی محل امید عامه و میعادگاه ظهور کسانی بود که می خواستند دعوی خود را با آرزوها و آمال و اهداف عموم مردم ایران تطبیق دهند. در زمان خلافت عثمان، سیستان خراجگذار دولت اسلامی می گردد و مقرر گردید که سالانه سیستان « هزارهزاردرم » (تاریخ سیستان، ۱۳۸۵: ۱۱۳) به امیرالمومنین بپردازند. مقدار خراج تعیین شده خود حکایت از عمران و آبادی و ثروت سیستان دارد. اما بظاهر این مصالحه چندان دوام نداشته است زیرا « مردمان سیستان از فرمان دستبرداشتند، باز عبدالله بن عامر به فرمان عثمان، عبدالرحمن بن سمره را به سیستان فرستاد. » (همان: ۱۱۴) بنابراین می توان گفت که با ورود این سرزمین به قلمرو امپراطوری اسلامی، به جهتهاشتن یک گذشته پرافتخار و موقعیت جغرافیایی خاص خود، از یک طرف زمینه بروز اولین اختلاف و برخورد دو قوم ایرانی و عرب به وجود آمد و از طرف دیگر از بین رفتن رنهای رنگ و نژاد و قوم، زمینه ورود اقوام و گروههای مختلف را به دلیل همان شرایط به سیستان

فراهم نمود. بطوریکه در آینده بدلیل انزوای جغرافیایی سیستان ودوری از مرکز خلافت به کانون ناامنی و داعیان حکومت درآمد. و با حوادثی که در آینده، سیستان شاهد آن بود عملاً دستگاه خلافت و حکمرانان سیستان و خراسان دربرقراری آرامش و امنیت در این ناحیه ناموفق بودند. بهر صورت با پیروزی های اعراب یک مرحله جدید تاریخی طولانی آغاز شد که بدنبال آن «امپراتوری ساسانیان و مناطق شرقی امپراتوری بیزانس» ضمیمه قلمرو امپراتوری اسلامی گردیدند و بسیاری از یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان این مناطق مسلمان شدند. اما این پیروزیها موجی از مهاجرت و اسکان تعداد زیادی از اعراب را در شهرها و روستاهای مناطق متصرفی جدید بدنبال داشت و این امر نیز منجر به بروز تحولات اجتماعی و یکپارچگی تدریجی اما جزئی گروههای عرب و غیرعرب و در نتیجه تشکیلجوامع جدید گردید. (لاییدوس، ۱۳۸۱: ۷۵) با توجه به نوع نگرش فاتحان که به لحاظ اجتماعی بر اساس نظام قبیله ای استوار بود و به لحاظ مذهبی فاتحان، مبلغان دین جدید در مناطق متصرفی بودند و به لحاظ اقتصادی نیز مغلوبان می بایست به بیگانگان باج و خراج پردازند، درواقع سه عامل اساسی که می توانند اقوام و گروههای اجتماعی موجود در جامعه را به حرکت واداشته و به تقابل با نیروهای جدید وادارد و حتی می تواند منجر به تشکیل گروههای اجتماعی جدید از بطن آنها گردد، به سرعت در مناطق مختلف جامعه ایران استوار شد. به ویژه آن که «حکومت خلفای راشدین از لحاظ سیاسی بر پایه جامعه مسلمانان شبه جزیره و نیروهای قبیله ای عرب قرار داده شده بود». (همان، ۱۰۱) با آغاز جنگ های داخلی مسلمانان در اواخر دوره عثمان که دلیل آن را می توان اشرافیت قبیله ای نامید و در تمام دوره حکومت حضرت علی (ع) ادامه یافت، اختلافات سیاسی و دینی در جامعه اسلامی نیز شروع شد. (تاریخ سیستان، ۱۳۸۵: ۱۱۵) یکی از اثرات این جنگ بروز تفرقه و دودستگی میان مسلمانان بر سر مساله جان شینی پیامبر و منصب خلافت بود. طرفداران خلافت معاویه و جانشینان او «سنی» و طرفداران خلافت علی (ع) «شیعه» نام گرفتند. بدیهی است که این اختلافات، باتوجه به اسکان گروههای کثیری از اعراب در ایران، به نقاط مختلف این کشور نیزسرایت نمود. نتیجه دیگر این اختلافات ظهور فرقه های جدید از جمله خوارج بود کسانی که «از طریق برپایی ج [نیش] های فرقه ای بدنبال ایجاد گروههایی بودند تابتوانند در آنها عضویت پیدا کنند و به نوعی هویت و موجودیت دست یابند». (لاییدوس، ۱۳۸۱: ۷۵)

اقوام سیستان

۱- زاوولی: کتاب تاریخ سیستان اولین قومی را که نام می برد «زاوولی» (تاریخ سیستان، ۱۳۸۵: ۴۰) یا زابلی ها هستند که به دوره گرشاسب بر می گردد و بظاهر استعمال این واژه بدلیل وضعیت و موقعیت جغرافیایی آنجا می باشد زیرا وجود دریا و اشیاء قیمتی در آن و نزدیکی به کوه و معادن موجود در کوه را از دلایل این نامگذاری می داند. ذکر این نکته ضروریست که تاریخ سیستان واژه "زاوولی" و "ایرانی" را در کنار هم بکار برده است که بنظر می رسد نشان دهنده نژاد آنهاست. مردم سیستان به لحاظ مذهبی یکتاپرست و پای بند به فرایض دینی و اصول اخلاقی ومهمان نواز بودند. در نزد آنان زنا، لواط، دزدی و قتل نفس حرام بود. دادن صدقه وذبح حیوانات حلال گوشت مرسوم و ازدواج با محارم منفور بود. نظامی گری و تعلیم و تربیت شیوه های جنگ بصورت یک پیشه و شغل و بعبارت بهتر جزو فرهنگ مردمان سیستانی درآمده بود. بطوری که «مردان مرد حربی باشند و حرب و شوریدن سلاح عادت کرده

باشند که آن ایشان را از خردی تا بزرگی پیشه باشند، و به تعلیم جنگ و مقاتله آموخته باشند.» (همان: صص 57 و 51) یکی دیگر از مشاغل مردم سیستان کشاورزی بود و آب و هوای مناسب باعث رونق اقتصاد کشاورزی در این منطقه شده بود. که ساختن "آس بادی" (همان: 57 و مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۵) موجب مزید رونق اقتصادی بود. همچنین وجود رودها و دریاچه ها در این منطقه، موجب ایجاد اقتصاد دریایی و مشاغل مربوط به آن شده بود. مجموع این شرایط، سیستان را به لحاظ اقتصادی و معیشت به صورت یک شهر خودکفا و مستقل درآورده بود و بدیهی است که استقلال اقتصادی خود باعث پرورش و رشد و ظهور روحیه استقلال خواهی مردم آن منطقه می گردد.

2- عجم

به لحاظ لغوی عجم به معنی؛ خلاف عرب، مردم غیرعرب و ایران و توران و غیره می باشد. (دهخدا، جلد ۱۰: 15761) با ظهور اسلام اعراب مسلمانان این واژه را برای اقوام غیر عرب بکار می برد. (تاریخ سیستان، ۱۳۸۵: 54 و 51 و مقدسی، ۱۳۶۱: 13)

اگر چه در ابتدا این واژه صرفاً برای تفکیک ملل عرب و غیرعرب بکار رفت ولی بسرعت فاتحان عرب آن را با نوعی اهانت و خوارشمردن قوم ایرانی بکار بردند. اقدامات عمر برای تشکیل اشرافیت نظامی عرب به منظور کسب فتوحات بیشتر و دفاع از مناطق فتح شده و احداث شهرهای پادگانی مانند بصره، کوفه و فسطاط (تاریخ سیستان، ۱۳۸۵: 107 و لایپدوس، ۱۳۸۱: ۸۳) و استقرارنظامیان عرب در آنجا در رشد این دیدگاه بی تاثیر نبود.

بنظر می رسد که این سیاست عمر بخاطر برخورد با یک تمدن شکوفا در تمامی جهات و جلوگیری از اضمحلال عرب در جامعه ایرانی اتخاذ شده بود زیرا «عمر گفت: به خدا شاهان عجم را با شاهان عرب مقابل می کنم و هر چه سر و صاحب رأی و معتبر و صاحب نفوذ و سخنور و شاعر بود سوی پارسیان فرستاد و آنها را با سران و بزرگان عرب روبرو کرد». (طبری، ج ۴، 1375: 1639)

با خلافت عثمان، سیستان در نهایت با مصالحه به تصرف اعراب مسلمان درآمد و خراجگذار دولت جدید شد و سالانه "هزار هزار درم" (تاریخ سیستان، ۱۳۸۵: 113) به دولت عرب خراج پرداخت می کرد. همچنین مطابق پیمان صلح، دشت های سیستان قرق مسلمانان شد و سپاه مسلمانان مقرری می گرفتند. (طبری، ج ۵، ۱۳۷۵: 2015) این مقرری از محل مالیات هایی که از کشاورزان دریافت می شد و نیز خراج هایی که از مردم شهرها گرفته می شد، پرداخت می گردید.

بنابراین با حضور اعراب در سیستان علیرغم تلاش های عمر مبنی بر جداسازی این دو قوم از یکدیگر در عمل جامعه سیستان به دو قوم عرب و عجم تقسیم شد که بویژه تضاد منافع به تقابل این دو قوم می انجامید و بدیهی است که در شرایط موجود پیروزی در این تقابل از آن قوم فاتح باشد.

در نتیجه این تضاد، در جامعه جدید گروه‌های جدیدی مانند موالی بوجود آمدند که اینان نیز با دگرگونی در جامعه نقش‌های جدیدی را بعهده گرفتند.

بهر صورت این فرضیه که عرب‌ها به عنوان نیروهای نظامی عمل خواهند کرد و عجم‌ها به عنوان نیروهای تولیدکننده و مالیات‌دهنده نه تنها ثابت نشد بلکه گروه‌های فاتح و مغلوب به یکدیگر پیوستند که این پیوستگی ناشی از یکجا نشین کردن عرب‌ها بود. لذا

بتدریج عرب‌ها ضمن تاثیرپذیری و سازگاری با محیط فرهنگی و اجتماعی جامعه جدید، مشاغل نظامی‌گری را رها کرده و مشاغل ایرانی‌ها را فراگرفتند. «آنها به زبان فارسی صحبت می‌کردند، همانند ایرانی‌ها لباس می‌پوشیدند، روزهای مقدس ایرانی‌ها را جشن می‌گرفتند و با زنان ایرانی ازدواج می‌کردند». (لاپیدوس، ۱۳۸۱: ۹۲) لذا ملاحظه می‌شود که جامع‌های طبقه‌بندی شده براساس ثروت و قدرت در حال شکل‌گیری بود. بنابراین می‌توان گفت که در واقع سیاست‌های خلفا به لحاظ اقتصادی، مذهبی و سیاسی و شیوه ملکداری آنها، بستر لازم را برای بروز تضادهای قومی به بهانه‌های اجتماعی، مذهبی، اقتصادی، ظهور شورش‌ها و نهضت‌ها در جامعه جدید ایرانی فراهم نمود.

۳- اقوام هندی در کتاب تاریخ سیستان اولین برخورد ایرانیان با هندیان مربوط به دوره گرشاسب است که به کمک «اندک مردم زاولی و ایرانی برفت... به یاری بهرام هندی تا ... دوبار هزار هزار سوار پیل بگرفت و بکشت و هندوان و آن و دیار هم ایمن کرد». (تاریخ سیستان، ۱۳۸۵: ۲-۵۱)

در دوره هخامنشیان هند از متصرفات ایران بود و به همین دلیل نیز اسکندر پس از تصرف مناطق مختلف ایران، به هند لشکرکشی کرد و آنجا را تصرف نمود. (ابن خلدون، جلد ۱، ۱۳۶۳: ۲۱۷) در دوره ساسانیان نیز ارتباط میان ایران و هند برقرار بود. بهرام گور پسر یزدگرد سوم ساسانی بعد از آنکه وزارت خود را به نرسی داد، پنهانی به هندوستان رفت. این امر بخاطر این بود که پادشاه ایران بر او خشم گرفته بود و در آنجا بود که با دختر پادشاه هند نیز ازدواج می‌کند. (ابن اثیر، ج ۴، ۱۳۷۱: ۲۸۷) این نشان می‌دهد که اگر چه هند جزو قلمرو امپراتوری ساسانیان قرار داشت ولی حکومت آنجا توسط خود هندیان اداره می‌شد و بنظر می‌رسد که روابط فرهنگی و اقتصادی بین ایران و هند برقرار بوده است به ویژه آنکه «پادشاهان سلطان نشین دهلی به تقلید از پادشاهان ایران سعی کردند با احداث بناهای عمومی، ماندگاری قدرت و عظمت خود را به نمایش بگذارند». (لاپیدوس، ۱۳۸۱: ۶۲۸) بنابراین به دلیل داشتن اشتراک فرهنگی بین ایرانیان و هندیان در قبل از ورود اعراب، روابط دوستانه و صلح آمیزی حاکم بوده است. اما با ظهور اسلام و حملات مسلمانان به هند (تاریخ سیستان، ۱۳۸۱: ۱۲۱) که اوج این حملات در دوران خلفای عباسی به بهانه جهاد با کفار و جلب نظر علمای اهل تسنن ولی در اصل برای بدست آوردن «ثروتهای معابد هندوان و اسیر» (ابن خلدون، ج ۳، ۱۳۷۵: ۵۳۶) انجام می‌گرفت عملاً باعث شد که هندیها تاثیرات بیشتری را در جامعه اسلامی از خود بجای بگذارند و حتی در درگیری‌ها و منازعات داخل ایران نیز

نقش بازی می کردند که می توان گفت در واقع آنها برای گرفتن امتیازات بیشتر با دیگر اقوام به رقابت می پرداختند چون زمانی که « عبدالله بن احمد اندر قصر یعقوبی شد و ذخایر و مال و سلاح احمد قدام همه به او افتاد و همه مردم سجزی که با احمد قدام بودند نزدیک عبدالله بن احمد آمدند و هندوان با احمد قدام به بست شدند». (تاریخ سیستان، ۱۳۸۵: 296) حضور هندیها از چند جهت قابل توجه است یکی به لحاظ نظامی و استفاده از توان نیروهای هندی در جنگها که ظاهراً توانسته بودند با حفظ عقاید مذهبی خود، به استخدام سپاه درآیند. زیرا سپاه سلطان محمد « به کرکنک فرود آمد، مردم بسیار از ایشان نحو هزارسوار مشی^۱ اتی رفته بودند، اندر نواحی سیستان و بیشتر هندوان کافر بودند ». (همان، ۱۳۸۵: 333) دوم به لحاظ علمی و فرهنگی که به دنبال فتح هند روی داد. زیرا تعداد زیادی از مسلمانان برای امر تبلیغ دین اسلام به این سرزمین آمدند و مقدمه آشنایی مسلمانان با فرهنگ و علوم مختلف هندیان و رشد و توسعه فلسفه، نجوم و ریاضیات و... هندی در ایران گردید.

4- ترکان

بنظر می رسد که برخورد اقوام ترک با ایران از همان آغاز، برخوردهای نظامی و خصمانه و توأم با حملات طرفین به سرزمینهای یکدیگر بوده است. (همان، ۱۳۸۵: 53) در واقع یکی ازدغدغه های دولتهای ایرانی قبل از اسلام جلوگیری از تهاجمات ترکان به کشورشان بود. (ابن خلدون، ج ۱، ۱۳۶۳: 187)

بعد از ظهور اسلام و در پی فتوحات اعراب مسلمان، در اندیشه ترکان این اعتقاد وجود داشت که مسلمانان فانی نمی باشند لذا از جنگ با مسلمانان هراس داشتند تا اینکه یکی از مسلمانان بدست ترکان کشته می شود و این امر موجب گردید تا ترکان از جنگیدن با سپاه اسلام بیم و هراسی نداشته باشند که خود این امر نیز گواهی بر رشد فرهنگ خرافه پرستی در میان اقوام ترک است. اگر چه درگیریهای نظامی مسلمانان و ترکان از زمان خلافت عمر آغاز شده بود اما هجوم ترکان به ایران به سال ۳۳ ه. ق برمی گردد که لشکر چهار هزار نفری ترکان به فرماندهی قارن به خراسان حمله کردند. (ابن خلدون، ج ۱، ۱۳۶۳: ۵۷۲) علیرغم اینکه این تهاجم به شکست و اسیری رفتن ترکان انجامید اما به تدریج غلامان توانستند به بالاترین مناصب نظامی در سپاه اسلام دست یابند و بعدها نقش سیاسی مهمی را در تاریخ ایران ایفا نمودند. این نقش نیز خود تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زیادی را در مناطق مختلف ایران بوجود آورد که از آن جمله از بین رفتن حافظان و حاملان فرهنگ ایرانی یعنی طبقه دهقان بود.

با مرگ مامون خلیفه عباسی ارتباط میان بنی عباس و خراسانی ها که نیروی اصلی قیام آنان بر علیه امین بودند، از بین رفت و پایان این خویشاوندی دگرگونی اساسی در دولت عباسی بوجود آورد. معتصم "غلام بجگان زرخید ترک" را که برای نظامی گری آموزش می دادند هسته اصلی سپاه خلافت بغداد کرد. (ر.ن. فرای، ج ۴، ۱۳۸۵: ۶۸)

این سیاست سرمشقی بود برای سایر حکمرانان دستگاه خلافت تا ضمن سودجویی از طریق تجارت برده بتوانند با استفاده از کارایی جنگی غلامان ترک از آنها در جهت توسعه قلمرو ارضی و نیز از بین بردن رقیبان خود استفاده نمایند. در واقع این حکومت سامانیان بود که غلامان ترک را برای بدست گرفتن سمت رهبری در کشور آموزش و آماده کردند. (تاریخ ایران تا آمدن دولت سلجوقیان، ج ۴، ۱۳۷۴، ۹۷۳)

ولی قوم جدید در ایران، که هیچگونه دلبستگی و علقه ای نسبت به مردم و خاک این سرزمین نداشتند هرگز در سیستان مورد پذیرش اهالی این منطقه قرار نگرفتند. کتاب تاریخ سیستان «آغاز رنج و محنت و ویرانی این شهر را با شروع حکومت ترکان در ایران می داند». (تاریخ سیستان، ۱۳۸۵: ۳۳۲) سیستان بدلیل بعد مسافت از مرکز خلافت و نیز دوری از بخارا پس از دهه های نخست سده چهارم هجری توانسته بود از زیر سلطه مستقیم دولت سامانی بیرون آید و مردم سیستان با حمایت از یعقوب لیث صفاری یک حکومت محلی در این منطقه بوجود آوردند و حتی غزنویان علیرغم اینکه حکومتشان در سیستان به رسمیت شناخته شد. اما دلبستگی و علاقه مردم سیستان به دودمان محلی خود و کنیه آنها از یوغ بیگانگان ترک همچنان ادامه داشت بطوریکه به محض ظهور مودود بن مسعود سلجوقی در مرزهای سیستان، سیستانیان برای بیرون راندن عمال غزنوی به ترکمانان پیوستند. (تاریخ ایران از ظهور اسلام تا آمدن سلجوقیان، ۱۵۱)

در واقع مردم سیستان با احساس خلاء قدرت، بلافاصله بر علیه ترکان سر به شورش برمی داشتند. (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۸۷) و از پرداخت باج و خراج سرباز می زدند. لذا می توان گفت که حاکمیت

اقوام ترک که مورد پذیرش قوم بومی نبود از یک سو باعث نابودی نیروی انسانی و اقتصاد و عمران و آبادانی این منطقه شده بود و از طرف دیگر رقابت های بین خود ترکان برای دستیابی به قدرت منجر به ضعف دستگاه خلافت و در نهایت ناامنی و بیثباتی در کل امپراطوری اسلامی شده بود. از جمله در شورش بغداد و سامراء که «مردان مخالفت با ترکان آشکار کردند، زیرا از مصالح امور مسلمانان غفلت می ورزیدند... و فریاد جهاد، جهاد برداشتند.» (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۴۰)

۵- رومیان

جنگ های دو امپراطوری ایران و روم در قبل از اسلام که منجر به ورود اسیران رومی به ایران می گردد، بیشتر از جهت معماری و فرهنگی قابل توجه است. (دنیوری، ۱۳۷۱: 73) و تقابل و تضادی بین رومیان و ایرانیان همانند سایر اقوام بوجود نیامد. زیرا به نظر می رسد که از یک طرف عظمت فرهنگ و تمدن ایران مانع از بروز چنین تقابلی می شد و از طرف دیگر رومیان خود اقوامی با سرزمین پهناوری بودند که در علم و فرهنگ و هنر به پیشرفتهای چشمگیری دست یافته بودند. بنابراین پرورش یافته گان چنین سرزمینی نمی توانند رفتاری همانند اقوامی که تنها دلبستگی های آنان اسب، شتر و شمشیر است، داشته باشند.

اما حضور رومیان در سیستان با حضور اسکندرمقدونی در ایران مرتبط است. زمانی که اسکندر ایران را به تصرف خود درآورد، برای تسخیر هند که جزو قلمرو شاهنشاهی

ایران بود، به سیستان آمد و از این ناحیه به طرف هند حرکت کرد که ارگ سیستان از بناهای آن دوره می باشد. (تاریخ سیستان، ۱۳۸۵: 56)

۶- اعراب

در کتاب تاریخ سیستان برای نخستین بار از اعراب در داستان ازدواج قیدارالملک بناسماعیل با یکی از دختران عرب (همان، ۱۳۸۵: 84 و 82) سخن رفته است. سپس کتاب به ذکر سلسله نسب قریش و بنی هاشم می پردازد. (همان، ۱۳۸۵: 99 و 89) و از وضعیت اجتماعی اعراب قبل از اسلام از جمله نظام قبیله ای و برده داری ذکر می کنند.

یکی دیگر از مشخصه های قوم عرب این بوده که در میانشان خط کتابت رواج نداشته است. (زرین کوب، 1368: ۲۰۳) و خلفای عرب تا قرن دوم از با سواد شدن و لיעهد خود نیز جلوگیری کرده آن را ننگی شایسته موالی می شمردند. (مقدسی، ج ۲: 379) بنابراین برخورد دو قوم عرب در ایران علیرغم ظاهر نظامی آن در باطن یک برخورد فرهنگی است و از آنجا که فرهنگ های انسانی بسیار متفاوت اند، شگفت انگیز نیست که مردم متعلق به یک فرهنگ، همدردی کردن با عقاید و یا رفتار افراد متعلق به فرهنگ دیگر را اغلب دشوار می بینند. (آنتونی گیدنز، 1376: 64) بنابراین بدیهی است که ایرانیان تنها از تعالیم و دستورات آسمانی دین مبین اسلام تاثیرپذیرند نه از فرهنگ عرب. در واقع اعراب بیشترین تاثیرات را از فرهنگ و تمدن قوم مغلوب پذیرفتند و از آنجا که یکی از مهمترین وسایل انتقال در جوامع، نوشتن برای ذخیره اطلاعات است و بدین گونه با نیازهای اداری نخستین دولتها و تمدنها پیوند نزدیک داشته است و به همین دلیل است که حضور پررنگ ایرانیان را در دستگاه دیوانسالاری خلفا مشاهده می کنیم. از سوی دیگر

فقدان خط و کتابت در میان اقوام عرب موجب ابهام و آشفتگی تاریخ قبل از اسلام عرب شده است و به عمد کوشیده اند که آثار و اخبار جاهلیت را محو کنند. (زرین کوب، 203)

اما نکته جالب توجه این است که ایرانیان حتی قبل از ورود اعراب به ایران با زبان عربی آشنایی داشتند بطور مثال " خسرو پرویز چون از صومعه بیرون رفت... به مردی عرب برخورد نمودند و خسرو که تا اندازه ای عرب می دانست از او پرسید کیست؟ ". (دینوری، 121) لذا می توان گفت که تنها ویژگی این قوم پرچمداری دین اسلام و مسلمانی آنها بودهاست که بزودی ایرانیان مسلمان حتی در این ویژه گی نیز از اعراب پیشی گرفتند. چرا که مردم سیستان صرفا به خاطر بزرگی و عظمت حضرت محمد(ص) و دین اسلام بود که شهر خود را به صلح بروی مسلمانان گشودند. (تاریخ سیستان، ۱۳۸۵: 104)

در صورتی که این قوم عرب بلافاصله بعد از رحلت رسول خدا(ص) و در جریان سقیفہ بنی ساعده، برای رسیدن به مسند خلافت بجای برتری در تقوا، فضیلت، شجاعت، عدالت، مجدد برتری شمشیر و نژاد و قبیله (ابن قتیبہ دنیوری، 1380: ۲۳) خود را اساس دستیابی به خلافت اعلام نمودند. لذا تعجب آور نیست که امویان و عباسیان با وجود صراحت آیه کریمه " ان اکرمکم عندالله اتقاکم "، مسئله برتری نژاد عرب را پیش آوردند و ملل غیرعرب را تحقیر میکردند و از این رو نهضت بزرگ شعوبه آغاز گردید و اقوام غیرعرب چون ایرانیان و رومیان و جزآنان کنیه عرب را در دل گرفتند و با اعتقاد به اصول مقدس اسلام هر ملتی درصدد استقلال کشور خویش برآمد و در نتیجه خلافت بزرگ عباسیان واژگون گردید. (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۲۴) به هر صورت یکی از آثار حضور قوم عرب در ایران از بین رفتن نیروی انسانی بود که بدیهی است این امر تأثیرات مخربی را در عمران و آبادانی بجا می گذاشت. (تاریخ سیستان، ۱۳۸۵: 152 و 134) همچنین نحوه برخورد آنان با ایرانیان در مسایل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی منجر به شکل گیری گروههای مختلف اجتماعی در ایران گردید که هر یک از این گروه ها نیز با گرایشات مختلف فرقه ای، مذهبی در روی کارآمدن حکومت های مختلف حتی غیرایرانی نقش بسزایی ایفا کردند.

7- ترکمنان

ترکمنان اقوام بودند که در دشت ها و بیابان های خشک فرارود بسر می بردند و از راه تجاوز به اقوام دیگر معاش خود را فراهم می کردند. (ابن خلدون، ج ۱: 518) کتاب تاریخ سیستان حضور این قوم را در این منطقه به دوره سلطان مسعود غزنوی بصورت نظامی مربوط می داند.² (تاریخ سیستان، ۱۳۸۵: 348، ۲-340)

بدلیل دشمنی بین مردم سیستان و غزنویان اهالی این منطقه، از ترکمنان خواستند که علیه غزنویان در سیستان مداخله نمایند. در نهایت سلطان مودود بن مسعود غزنوی در نبرد با سلجوقیان در این منطقه شکست خورد. البته رخنه این اقوام در ماوراءالنهر و خوارزم

بصورت تدریجی صورت گرفت و در قرن های اول و دوم قمری برای دفع تهاجم اعراب و ترکان غربی اینان را از خارج به این ناحیه دعوت کردند.

از اوایل قرن سوم قمری امرای مسلمان در تمامی نواحی شرقی بتدریج به سپاهیان غلامان ترک متکی شدند و این امر جریان ورود آنها را به ماوراءالنهر و خراسان شدت بخشید. هرچند که در " دوره غزنویان در خراسان عده کمی از ترکمنها وجود داشتند" (جی . آ . بویل، ج ۵، 1385 : 28 - 12) و سلاطین غزنوی خیلی دیر متوجه خطر عظیم ترکمن ها شدند، زیرا آنها تصور می کردند که این اقوام مهاجرانی از دشت ها هستند که یا از ایران عبور کرده و به نقاط دورتر می روند و در اقتصاد و ساخت اجتماعی موجود ایران جذب می شوند در صورتی که اینان توانستند تاثیرات پایداری در قوم نگاری و اقتصاد ایران ایجاد نماید. چون دیوارهای شمال شرقی ایران که وظیفه اش جلوگیری از ورود این اقوام بود ، تخریب و جاذبه های خود را از دست دادند. بتدریج سلجوقیان در ماوراءالنهر و خوارزم وارد دسته بندیهای ستیزه جویانه شده و نیروی نظامی خود را در اختیار هر کسی که مرایای برای احشام شان بدهد، قرار می دادند. سلاطین غزنوی نیز در برخورد با آنها سیاست دوگانه: گاهی استمالت و گاهی تنبیه را در پیش گرفتند و سعی نمودند تا رهبران سلجوقی را بعنوان مرزبان شمال خراسان در برابر تهاجمات دیگر ترکمنها قرار دهند اما این قوم صحراگرد هیچگونه آشنایی به مرزهای محدود و حرمت ملک و ضیاع را نداشتند. با ضعف قدرت غزنویان و ناامیدی مردم از غزنویان، حملات سلجوقیان در ایران شدت گرفت و اعیان و زمینداران شهرهای بزرگ باب مذاکره و صلح را با سلجوقیان باز کردند و سرانجام حکومت سلجوقیان در ایران با تصرف خراسان آغاز شد. می توان گفت عدم تمرکز قدرت سیاسی خلافت عباسی و بی توجهی به حفظ و امنیت ولایات دور از مرکز خلافت که باعث ایجاد خلاء قدرت در مناطق مختلف قلمرو امپراطوری اسلامی شده بود یکی از عوامل حضور، قدرت گیری و تشکیل حکومت توسط اقوام مختلف در ایران بود و همین امر نیز باعث شده تا قرن های متمادی ایران بدلیل روی کارآمدن حکومت هایی با نظام قبیله ای و ایلاتی نتواند یکپارچگی و تمرکز سیاسی خود را حفظ نماید. بدیهی است که در چنین شرایطی دیگر از پیشرفت و عمران و آبادانی خبری نیست. چرا که در این جامعه برخورد اقوام مختلف و اختلافات نژادی، فرهنگی و حتی مذهبی آنان باعث می شد تا قومی که از جمعیت انسانی بیشتر و توان نظامی بهتر برخوردار است برای رسیدن به قدرت، دیگر اقوام را به طریق نظام ، یا مطیع نمایند و یا از بینبرند. و یکی از نتایج این جنگها و قتل و عام ها ، ایجاد کینه و نفرت در قوم مغلوب نسبت به قوم غالب است و روشن است که این سیر همینطور ادامه می یابد و در نهایت سیاست، اقتصاد، فرهنگ و حتی مذهب رنگ و بوی قومیت بخود می گیرد و باعث بوجود آمدن دسته ها، فرقه ها، گروه ها با گرایشات و اهداف مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی می گردد که آنها نیز به نوبه خود سعی می کنند با بهره برداری از شرایط موجود، اقداماتی را جهت تحقق آمال و آرزوهای خود انجام دهند و بدین ترتیب زمینه بروز و ظهور شورشها و نهضت های مختلف را با ماهیت ها و اهداف مختلف در جوامع مختلف فراهم می

آوردند. و سلجوقیان نیز با بهره برداری از شرایطی که دستگاه خلافت عباسی در قلمرو خود بوجود آورده بود توانستند بر «غزنویان غلبه یافته و سپس به بغداد لشکر کشیدند و پس از روزگاری بر شهر و هم بر خلیفه چیره شدند. (قزوینی، 1364: 352)

نتیجه

عظمت تمدن و فرهنگ ایران که مبتنی بر اصل تمرکز گرایی و ملی گرایی بود، همواره بعنوان سدی در مقابل نفوذ فرهنگهای بیگانه و رشد قومیت در جامعه ایران بود.

اما با ورود اعراب به مناطق مختلف ایران عملاً دو فرهنگ کاملاً متفاوت در تقابل بایکدیگر قرار گرفتند. بویژه آنکه بعد از رحلت رسول خدا حضرت محمد(ص)، این اصلکه ملاک برتری تقوی است کنار گذاشته شد و در سقیفه بنی ساعده بجای آن، اصلبرتری قوم، قبیله و شمشیر مطرح شد. این امر آغاز جنگهای داخلی در خلافت اسلامی بود که اوج آن در زمان خلافت حضرت امیرالمومنین در مقابله با اشرافیتقبیله ای نمود پیدا کرد. پیامد این جنگها ظهور مجدد جاهلیت عرب در شکل خوارجبود که آسیبهای فراوانی را نه تنها در جامعه اسلامی عرب بلکه در میان مسلمانان ایراننیز بوجود آورد.

نگرش قبیلۀ ای عرب و جاهلیت جدید آن که موجب ظهور شعوبیه گردید، در جامعهایران، مسلمانان ایرانی را وامیدارد در جهت اجرای تعالیم آسمانی اسلام و قرآن کریمگام بردارند و از این زمان به بعد است که ایرانیان در مسلمانی و پرچمداری اسلام ازعرب پیشی می گیرند و در طول تاریخ ایران بعد از اسلام از حامیان واقعی اهل بیتبشمار می آیند.

اما یکی از مهمترین پیامدهای ورود عرب به ایران، رخنه سایر اقوام و مشارکت آنان دردسته بندی های جامعه اسلامی می باشد. عامل اصلی این امر بی اعتمادی خلفای بهنیهروهای بومی اعم از ایرانی و عرب بود که در نهایت نتیجه آن ظهور حکومتهای بیگانه در پهنه امپراطوری اسلامی بود.

در این میان سیستان بدلیل موقعیت جغرافیایی خود و دوری از مرکز خلافت بستری آماده برای تاخت و تاز اقوام و گروههای متفاوتی بود که هر کدام از اینان با توجه بهشدت و ضعف عملکرد خود آثار تخریبی در جامعه سیستان بجای گذاشتند و اگر چه در مقاطعی برخی حکومتهای بومی مانند صفاریان با همراهی همین گروهها ظهور کردند. اما در نهایت این دسته بندیها، قومیت گرایی، شورشهای گروههای اجتماعی منجر به ضعف و انحطاط سیستان به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شد.

منابع و مأخذ

- ##- بهار ، ملک الشعراء ، تاریخ سیستان ، انتشارات معین ، تهران ، 1385
- ##- دهخدا ، علی اکبر ، لغت نامه ، جلد دوازدهم ، انتشارات روزنه ، تهران ، 1377
- ##- باتومور ، تی.بی ، جامعه شناسی ، ترجمه سیدحسن منصور و سیدحسن حسینی ، شرکت سهامی کتابهای حیبی ، تهران ، 2536
- ##- گیدنز ، آنتونی ، جامعه شناسی ، ترجمه منوچهر صبوری ، نشرنی ، تهران ، 1386
- ##- بین فیشر ، سرزمین ایران ، از مجموعه تاریخ کمبریج ، ترجمه مرتضی ثاقب فر ، دفتر نخست ازجلدیکم ، انتشارات جامی ، تهران ، 1386
- ##- دیاکونف. ا. م ، تاریخ ، ترجمه کریم کشاورز ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، تهران ، 1371
- ##- رابینسون ، چارلز الکساندر ، تاریخ باستان ، ترجمه دکتر اسماعیل دولتشاهی ، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی ، تهران ، 1370
- ##- کریستن سن ، آرتور ، ایران در زمان ساسانیان ، ترجمه رشید یاسمی ، انتشاراتدنیای کتاب ، تهران ، 1368
- ##- زرین کوب ، دکتر عبدالحسین ، تاریخ ایران بعد از اسلام ، انتشارات امیرکبیر ، تهران ، 1368
- ##- لاپیدوس ، ایرام ، تاریخ جوامع اسلامی ، ترجمه علی بختیاری زاده ، انتشاراتاطلاعات ، تهران ، 1381
- ##- مقدسی ابو عبدالله محمد بن احمد ، احسن الت قاسیم فی معرفه الاقالیم ، ترجمه علینقی منزوی ، جلد اول ، شرکت مولفان و مترجمان ایران ، تهران ، 1361
- ##- طبری ، محمد بن جریری ، تاریخ ، ترجمه ابوالقاسم پاینده ، جلد چهارم و پنجم ، انتشارات اساطیر ، تهران ، 1375
- ##- ابن خلدون ، تاریخ ، ترجمه عبدالمحمد آیتی ، جلد اول و دوم ، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ، 1363.
- ##- ابن خلدون ، تاریخ ، ترجمه محمد پروین گنابادی ، مقدمه ، انتشارات علمی و فرهنگی ، تهران ، 1375.
- ##- ابن اثیر ، عزالدین علی ، الکامل ، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی ، جلد چهارم ، انتشارات موسسه مطبوعاتی علمی ، تهران ، 1371.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

##-ر. ن. فرای ، تاریخ ایران از ظهور اسلام تا آمدن دولت سلجوقیان ، ترجمه حسنانوشه ، جلد چهارم ، انتشارات امیرکبیر ، تهران
1385 ،

##-مقدسی ، مطهر بن طاهر ، آفرینش و تاریخ ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی ، انتشارات آگه ، تهران ، 1374

##-گردیزی ، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک ابن محمود ، زین الاخبار ، تحقیق عبدالحی حبیبی ، جلد اول ، انتشارات دنیای
کتاب ، تهران ، 1363

##-دنیوری ، ابوحنیفه احمد بن داود ، اخبار الطوال ، ترجمه محمود مهدوی دامغانی ، نشرنی ، تهران ، 1371

##-دنیوری ، ابن قتیبه ، الامه و السیاسه ، ترجمه ناصر طباطبایی ، انتشارات ققنوس

، تهران ، 1380

##-بویل . جی . آ ، تاریخ ایران کمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان

، ترجمه حسن انوشه ، جلد پنجم ، انتشارات امیرکبیر ، تهران ، 1385

##-مستوفی قزوینی ، حمدالله بن ابی بکر بن احمد ، تاریخ گزیده ، تحقیق عبدالحسین نوایی ، انتشارات امیرکبیر ، تهران ،

1364



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

مشارکت جمعی از آموزه‌های دینی تا الزامات توسعه پایدار

لیلی؛ خیدانی، استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران

kheidanileila@pnu.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش، تبیین نقش محوری مشارکت مردمی به عنوان پل ارتباطی بین ارزش‌های دینی و تحقق توسعه پایدار است. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای، به واکاوی مبانی نظری توسعه پایدار و مستندات دینی مرتبط با مشارکت جمعی در متون اسلامی می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میان مؤلفه‌های مشارکت در توسعه پایدار و ارزش‌های دینی اسلام، همپوشانی معناداری وجود دارد. مفاهیم بنیادینی چون «امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان الگویی برای نظارت اجتماعی، «اصل شورا» به عنوان مدلی برای حکمرانی مشارکتی، «مسئولیت اجتماعی» در قالب امت واحده و «خلافت انسان» به مثابه امانتداری در بهره‌برداری از منابع طبیعی، چارچوبی دینی و عمیق برای توجیه و ترغیب مردم به مشارکت فعال در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی فراهم می‌کنند. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که تلفیق خرد جمعی برآمده از علوم مدرن با حکمت دینی برگرفته از متون اسلامی، کارآمدترین مسیر برای نهادینه کردن فرهنگ مشارکت و تحقق توسعه پایدار است. بازگشت به این مبانی دینی می‌تواند یک راهبرد فرهنگی پایدار، زمینه‌ساز مشارکت حداکثری و داوطلبانه مردم در ساختن آینده‌ای مشترک باشد.

کلیدواژه‌ها: توسعه پایدار، مشارکت مردمی، آموزه‌های اسلامی، مسئولیت اجتماعی، حکمرانی مشارکتی

مقدمه

جهان معاصر با چالش‌های بی‌سابقه‌ای همچون تغییرات اقلیمی، شکاف روزافزون اجتماعی، بحران‌های زیست‌محیطی و ناپایداری الگوهای رشد اقتصادی مواجه است (سعیدی، ۱۳۹۰: ۲۵). در پاسخ به این چالش‌های چندبعدی، پارادایم «توسعه پایدار» با تأکید بر توازن

بین سه رکن اقتصاد، جامعه و محیط زیست، به عنوان تنها راهبرد ممکن برای نیل به آینده‌ای مطلوب برای همگان مطرح شده است (عابدی سروستانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵). با این حال، تجربه چند دهه گذشته به وضوح نشان داده است که تحقق این آرمان والا، تنها از طریق تصویب قوانین، تخصیص بودجه یا اجرای پروژه‌های فنی-مهندسی از بالا به پایین میسر نیست. آنچه که این چارچوب نظری را از حد یک شعار سیاسی خارج کرده و به عرصه عمل می‌آورد، «مشارکت واقعی، آگاهانه و همه‌جانبه مردم» در تمامی مراحل برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت است (از کیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۴۵).

اما پرسش بنیادین اینجاست که چگونه می‌توان مردم را به صورتی پایدار و داوطلبانه به این عرصه کشاند؟ آیا انگیزه‌های مادی و ابزاری به تنهایی برای ترغیب به چنین مشارکت عمیقی کافی هستند؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این پرسش را باید در لایه‌های عمیق‌تر فرهنگ و باورهای جوامع جستجو کرد.

در این میان، دین و ارزش‌های برآمده از آن، به عنوان یکی از نافذترین و پایدارترین عوامل شکل‌دهنده به رفتارهای فردی و جمعی، می‌توانند نقش بی‌بدیلی ایفا کنند. اسلام، به عنوان یک دین جامع‌نگر که برای تمامی شئون زندگی بشر برنامه دارد، سرشار از آموزه‌ها و دستورالعمل‌هایی است که مؤمنان را به مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تعاون، همبستگی و مشارکت در امور نیک فرامی‌خواند. مفاهیمی چون «امر به معروف و نهی از منکر» (قرآن کریم، آل عمران: ۱۰۴)، «شورا» (همان، شوری: ۳۸)، «مسئولیت همگانی در قبال طبیعت (خلافت)» (همان، بقره: ۳۰) و «تکوین امت واحده» (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۵۶)، تنها نمونه‌هایی از این ظرفیت غنی هستند.

از این رو، این مقاله در پی آن است تا با واکاوی این پیوند ناگسستنی، استدلال کند که مشارکت مردمی، تنها یک تکنیک مدیریتی نیست، بلکه تجلی عینی یک ضرورت اخلاقی و دینی است. این پژوهش بر آن است تا نشان دهد چگونه می‌توان از رهگذر بازخوانی این مبانی دینی اصیل، مشارکت را از یک «اجبار بیرونی» به یک «تکلیف درونی» و حتی «عبادتی جمعی» تبدیل کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۲۱) و بدین ترتیب، پلی مستحکم بین انگیزه‌های معنوی و اهداف مادی توسعه پایدار ایجاد نمود. در ادامه، پس از مرور ادبیات



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

موضوع و روش تحقیق، به تحلیل جایگاه مشارکت از دو منظر علمی و دینی پرداخته و در نهایت، راهکارهای عملیاتی کردن این پیوند استراتژیک ارائه خواهد شد.

مبانی نظری مشارکت جمعی در اسلام از توحید تا مسئولیت اجتماعی

مشارکت جمعی در اندیشه اسلامی، صرفاً یک ابزار یا تاکتیک اجتماعی نیست، بلکه تجلی عینی یک جهان‌بینی عمیق توحیدی و مبتنی بر مفاهیم بنیادینی است که هستی را به صورت یک منظومه به هم پیوسته می‌بینند. درک این مبانی، کلید فهم جایگاه رفیع مشارکت در اسلام است.

مبانی هستی‌شناختی: توحید و وحدت آفرینش

تمامی مبانی مشارکت در اسلام، ریشه در اصل «توحید» دارد. توحید به معنای یگانگی خداوند، به وحدت در کل نظام آفرینش منجر می‌شود. همان‌گونه که تمامی پدیده‌های جهان در یک سیستم هماهنگ و متعادل قرار دارند، انسان‌ها نیز به عنوان جزئی از این سیستم، باید در جهت حفظ این وحدت و تعادل همکاری کنند. (شهید مطهری، ۱۳۷۳ ص ۱۲۳) در این باره می‌نویسد: «جامعه اسلامی، جامعه‌ای است توحیدی... در چنین جامعه‌ای، افراد چونان اعضای یک پیکرند که در سرنوشت یکدیگر شریک‌اند» (مطهری، ۱۳۷۳ ص ۱۲۲). این نگرش، مشارکت را از سطح یک «قرارداد اجتماعی» صرف، به سطح یک «وظیفه وجودی» و هماهنگی با نظام هستی ارتقا می‌دهد.

مبانی انسان‌شناختی: فطرت اجتماعی و خلافت الهی

اسلام، انسان را موجودی ذاتاً اجتماعی (مدنی الطبع) می‌داند که تحقق استعدادهایش تنها در بستر جامعه میسر است. آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ ۖ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات: ۱۳) بر ضرورت تعامل و شناخت متقابل برای تشکیل جامعه تأکید می‌کند.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

علاوه بر این، انسان در قرآن به عنوان «خلیفه الله» (بقره: ۳۰) معرفی شده است. این مقام، به معنای نمایندگی و امانتداری انسان در زمین است. علامه جوادی آملی (۱۳۸۶) در تفسیر این مفهوم می‌گوید: «خلافت، یعنی انسان وکیل و نماینده خدا در زمین است... و این نمایندگی، مسئولیت‌هایی را در قبال طبیعت، دیگر انسان‌ها و نسل‌های آینده به دنبال دارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ص ۸۷). بنابراین، مشارکت برای آبادانی زمین و خدمت به خلق، جزئی ذاتی از مسئولیت خلافت انسان است ..

مبانی جامعه‌شناختی: امت واحده و اخوت دینی

اسلام به جای مفهوم قبیله‌گرایی یا ناسیونالیسم صرف، مفهوم «امت» را ارائه می‌دهد. امت، جامعه‌ای است که بر پایه ایمان به خدا و ارزش‌های مشترک شکل می‌گیرد و مرزهای آن، جغرافیا یا نژاد نیست، بلکه عقیده و مسئولیت اخلاقی است. آیه «إِنَّ هَٰذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء: ۹۲) بر این وحدت هدفمند تأکید دارد.

این جامعه بر پایه اصل «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) استوار شده است. این اخوت و برادری دینی، تکلیفی اخلاقی و عینی برای حمایت، همدلی و مشارکت با یکدیگر ایجاد می‌کند. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ، مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ، تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى» (مسلم)؛ مثل مؤمنان در دوستی و مهربانی و همدلی، مانند یک پیکر است که وقتی عضوی از آن به درد می‌آید، دیگر اعضا را نیز بی‌قراری و تب فرا می‌گیرد. این حدیث، عالی‌ترین سطح از مشارکت احساسی و عملی را ترسیم می‌کند.

مبانی اخلاقی و فقهی: تکالیف جمعی و مسئولیت همگانی

مشارکت در اسلام، در قالب یک سری تکالیف اخلاقی و فقهی الزام آور شده است:

اصل امر به معروف و نهی از منکر: این فریضه، که در آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۰۴) آمده، شهروندان را به نظارت فعال و دلسوزانه بر سلامت جامعه ملزم می‌کند. این یک مدل کاملاً مشارکتی برای حکمرانی خوب و «نظارت اجتماعی» است که مسئولیت آن را از دوش حاکمان برداشته و بین تمام آحاد جامعه توزیع می‌کند (نراقی، ۱۳۸۵ ص ۷۵).

اصل تعاون: آیه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ» (مائده: ۲)، مشارکت را به یک ارزش مطلق و یک دستور کلی تبدیل می‌کند. «بر» شامل هرگونه کار خیر و سودمند برای جامعه می‌شود؛ از ساخت مدرسه و بیمارستان تا حفظ محیط زیست. این آیه، مشارکت را از حیطه امور فردی فراتر برده و آن را به یک پروژه جمعی برای نیل به «تقوا»ی اجتماعی گره می‌زند.

اصل مشورت (شورا): قرآن کریم با امر به مشورت «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹) و ستایش مؤمنانی که «وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸) هستند، مشارکت در عرصه تصمیم‌گیری و حکمرانی را به یک ارزش و سنت تبدیل می‌کند. این اصل، هسته اصلی «حکمرانی مشارکتی» در اسلام است که مشروعیت تصمیمات را افزایش می‌دهد.

تأکید بر انفاق و ایثار آیات و روایات بی‌شماری درباره انفاق (مانند: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ...» (بقره: ۲۶۱)) و ایثار («وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر: ۹))، مشارکت اقتصادی و ثروت را تشویق می‌کنند. این مفاهیم، بنیان‌گذار «تأمین اجتماعی» و «عدالت اقتصادی» در جامعه اسلامی هستند.

مبانی نظری مشارکت در اسلام، بسیار غنی و چندلایه است. این مشارکت، بر پایه توحید (وحدت گرایی)، خلافت (مسئولیت‌پذیری)، اخوت (همبستگی عاطفی-اجتماعی) و تکالیف فقهی-اخلاقی (نظیر تعاون، شورا و امر به معروف) استوار شده است. این نگاه، مشارکت را به یک «فریضه دینی» و «عبادت جمعی» تبدیل می‌کند که انگیزه‌ای درونی، پایدار و فراتر از منافع مادی محدود به افراد می‌بخشد. این همان نقطه قوتی است که می‌تواند پشتوانه محکمی برای مدل‌های توسعه پایدار باشد.

پیوند استراتژیک مبانی دینی با الزامات توسعه پایدار: از نظریه تا عمل

توسعه پایدار به عنوان یک پارادایم مدرن، زمانی می تواند در یک بافت فرهنگی-اجتماعی خاص موفق باشد که با نظام ارزشی و باورهای آن جامعه گره بخورد. آموزه های دینی اسلام، با ارائه یک چارچوب معنابخش و انگیزشی قوی، می توانند به "درونی سازی" ارزش های توسعه پایدار کمک کنند. این پیوند را می توان در چند محور کلیدی تحلیل کرد.

پیوند مفهومی: هم پوشانی اهداف و ارزش ها

میان مفاهیم بنیادین توسعه پایدار و آموزه های اسلامی، هم پوشانی معناداری وجود دارد :

پایداری اجتماعی (عدالت و انسجام) «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰). این آیه پایه های انسجام اجتماعی و احساس مسئولیت مشترک را می ریزد. (شهید مطهری ۱۳۷۳) عدالت را به مثابه «رعایت استحقاق ها» و قرار دادن هر چیزی در جایگاه خودش تعریف می کند که مستقیماً با توزیع عادلانه منابع در توسعه پایدار مرتبط است (مطهری، ۱۳۷۳ ص ۲۰)

پایداری اقتصادی (مصرف مسئولانه) نهی از اسراف و تبذیر، انفاق «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱). این آیه، اصل «مصرف متعادل» را که از ارکان اقتصاد پایدار است، به یک دستور دینی تبدیل می کند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، اسراف را «تجاوز از حد اعتدال در هر کاری» می داند که شامل مصرف بی رویه منابع طبیعی نیز می شود (طباطبایی، ۱۳۹۳ ق، ج ۸ ص ۹۵)

پایداری زیست محیطی (حفاظت از محیط زیست) «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱). به معنای آبادانی گماشتن شماست. همچنین آیه «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (اعراف: ۵۶) به صراحت از تخریب محیط زیست (فساد) پس از آبادانی آن نهی می کند. (جوادی آملی ۱۳۸۶) استدلال می کند که انسان به عنوان خلیفه الله، «امانت دار» طبیعت است، نه مالک مطلق آن، و بنابراین حق تخریب آن را ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳)

پیوند انگیزشی: از اجبار بیرونی تا تکلیف درونی

مهم‌ترین نقطه قوت پیوند دین با توسعه پایدار، تبدیل انگیزه‌هاست. قوانین و مقررات زیست‌محیطی یا اقتصادی، اغلب مبتنی بر اجبار بیرونی و ترس از جریمه هستند. اما دین، با تکیه بر مفاهیمی چون اخلاص و قرب الهی و مسئولیت در برابر خداوند^۱، می‌تواند انگیزه‌ای "درونی" و پایدار ایجاد کند.

به عنوان مثال، زمانی که یک فرد باور داشته باشد که صرفه‌جویی در آب نه تنها برای کاهش هزینه‌ها، بلکه به دلیل نهي از «اسراف» و انجام وظیفه «خلافت» و امانتداری است، پابندی او بسیار عمیق‌تر و مقاوم‌تر در برابر وسوسه‌های مقطعی خواهد بود. (از کیا و غفاری، ۱۳۸۳) به درستی اشاره می‌کنند که «مشارکتی پایدار است که از بطن فرهنگ و ارزش‌های جامعه برخاسته باشد» (از کیا و غفاری، ۱۳۸۳ ص ۷۲). دین می‌تواند این ارزش‌سازی را انجام دهد.

پیوند نهادی: بازتعریف نقش نهادهای دینی

نهادهای دینی، به ویژه مساجد و حوزه‌های علمیه، می‌توانند به عنوان کانون‌های ترویج توسعه پایدار عمل کنند.

مسجد: به عنوان کانون سنتی اجتماع مسلمانان، می‌تواند از یک فضای صرفاً عبادی به یک پایگاه اجتماعی-فرهنگی تبدیل شود. امکان استفاده از خطبه‌های نماز جمعه برای آموزش حفاظت از محیط زیست (مثلاً در روزهای پرآلودگی)، تشکیل صندوق‌های قرض الحسنه برای توسعه کسب‌وکارهای کوچک محلی (اقتصاد پایدار)، یا سازماندهی گروه‌های جهادی برای آبادانی روستاها (پایداری اجتماعی) از مصادیق این نقش‌آفرینی است.

حوزه‌های علمیه: علمای دین با «بازخوانی اجتهادی» متون دینی می‌توانند به پرسش‌های نوظهور زیست‌محیطی و اجتماعی پاسخ دهند. برای مثال، استنباط احکام مربوط به «حقوق حیوانات»، «آلودگی آب و هوا» و «تولید پسماند» می‌تواند رفتارهای پایدار را تسهیل کند. سعیدی بر این باور است که «رویکردهای فقهی می‌توانند پشتوانه‌ای قانونی برای سیاست‌گذاری‌های پایدار فراهم آورند» (سعیدی،

۱۳۹۰ ص ۱۱۴)



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

چالش‌های عملیاتی‌سازی مفاهیم دینی در توسعه پایدار

برداشت‌های قشری و غیراجتماعی از دین

این چالش به تفسیرهای فردگرایانه و محدود از دین اشاره دارد که در آن، مفاهیم عبادت و سعادت تنها به حوزه‌ای شخصی و اخروی تقلیل می‌یابد و نقش دین در تنظیم روابط اجتماعی، اقتصادی و تعامل با محیط زیست کمرنگ می‌شود. برای مثال، «اصلاح ذات البین» تنها به آشتی دو فرد محدود می‌شود، در حالی که در سطح کلان می‌تواند به معنای «صلح پایدار» و «عدالت اجتماعی» تفسیر شود. یا مفهوم «اکراه» در دین (نهی از منکر) تنها به تغییر یک منکر فردی خلاصه می‌گردد، نه مبارزه با سیستم‌های ناعادلانه‌ای که فساد و تخریب محیط زیست را دامن می‌زنند.

ضعف در ترویج تفسیرهای اجتماعی و زیست‌محیطی از متون دینی

اگرچه متون دینی (قرآن و سنت) سرشار از مفاهیمی مانند «اعتدال»، «قسط»، «عدل»، «اصلاح» و «حفظ محیط زیست» هستند، اما سیستم‌های آموزشی سنتی غالباً بر فقه فردی (عبادات، معاملات شخصی) متمرکز بوده‌اند. مفاهیم کلانی مانند «استخلاف» (جانشینی انسان در زمین که مسئولیت‌پذیری را می‌طلبد، آیه ۳۰ سوره بقره)، «میزان» (قانون توازن در خلقت، آیه ۹-۸ سوره الرحمن) و «لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ» (در زمین فساد نکنید، آیه ۵۶ سوره اعراف) کمتر در مرکز توجه تفسیرهای رایج قرار گرفته‌اند.

جدایی نهادهای دینی و اجرایی

در بسیاری از کشورها، یک شکاف ساختاری بین نهادهای دینی (حوزه‌های علمی، مساجد) و نهادهای اجرایی و برنامه‌ریز (دولت، وزارتخانه‌ها، شهرداری‌ها) وجود دارد. برنامه‌ریزان توسعه ممکن است با زبان و منطق علمی صرف کار کنند و نهادهای دینی نیز در حاشیه



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

سیاست گذاری قرار گیرند. این جدایی باعث می شود مفاهیم ارزشمند دینی به بدنه حکمرانی و سیاست گذاری کلان تزریق نشود و در بهترین حالت، به فعالیت های نمادین و مقطعی محدود بمانند.

راهکارهای پیشنهادی

گفتمان سازی

این راهکار به ایجاد یک فضای فکری مشترک و زنده است که در آن، مفاهیم از انزوا خارج شده و به دغدغه ای عمومی تبدیل شوند. تشکیل کرسی های آزاداندیشی: این کرسی ها باید با حضور متخصصان علوم دینی، اقتصاددانان، جامعه شناسان، فعالان محیط زیست و برنامه ریزان شهری برگزار شود. موضوعاتی مانند «بازخوانی مفهوم ربا در اقتصاد مصرف زده امروز»، «فقه آب و حقوق نسل های آینده» یا «حیات طیب به مثابه الگوی توسعه انسانی» می تواند محور بحث باشند.

تولید محتوا: تولید مستندها، پادکست ها، مقالات علمی-ترویجی و نشریات تخصصی که به زبان ساده و جذاب، پیوند بین ارزش های دینی و اهداف توسعه پایدار را نشان می دهند. برای مثال، نشان دادن اینکه «صرفه جویی در آب» یک عبادت است و همزمان به هدف ششم توسعه پایدار (آب پاک و بهداشت) کمک می کند.

آموزش و توانمندسازی

تغییر پایدار از طریق نظام آموزشی ممکن می شود. این راهکار دو هدف اصلی را دنبال می کند:

ادغام در نظام آموزش رسمی: گنجاندن مفاهیمی مانند مصرف مسئولانه، حفظ محیط زیست، عدالت اجتماعی و مشارکت مدنی با استناد به متون دینی در کتب درسی مقاطع مختلف تحصیلی. این کار نسل جدید را از ابتدا با نگاهی متعالی به دنیای اطراف خود پرورش می دهد.



بازآموزی روحانیون: دوره‌های آموزشی ویژه برای امامان جماعت، خطبا و مبلغان دینی درباره چالش‌های معاصر مانند تغییرات اقلیمی، بحران آب، فقر و نابرابری، و ارائه تفسیرهای اجتماعی از متون دینی مرتبط با این موضوعات. یک روحانی آگاه می‌تواند در خطبه‌های نماز جمعه به جای تکرار مباحث صرفاً تاریخی، به مسائل روز جامعه با رویکرد دینی پردازد.

الگوسازی

هیچ چیزی مانند یک الگوی عملی و موفق، قدرت اقناع‌کنندگی ندارد. مردم و مسئولان زمانی که نتیجه عملی یک ایده را ببینند، بیشتر ترغیب به پیروی از آن می‌شوند.

مستندسازی و معرفی پروژه‌های موفق: شناسایی و معرفی روستاها، شهرک‌ها یا محله‌هایی که با محوریت مسجد و نهادهای دینی محلی به موفقیت‌های چشمگیری در زمینه‌هایی مانند مدیریت پسماند، کشاورزی ارگانیک، صندوق‌های قرض الحسنه برای ایجاد کسب‌وکارهای کوچک یا حل منازعات محلی دست یافته‌اند. برای مثال، «روستای آینده» در ایران که با محوریت مسجد و مشارکت مردمی به الگویی برای توسعه پایدار محلی تبدیل شده است.

فقه پویا

این راهکار، کلیدی‌ترین و زیربنایی‌ترین راهکار است. فقه به عنوان دانش استنباط احکام عملی از منابع دینی، باید بتواند به پرسش‌های نوظهور پاسخ دهد.

تأکید بر مقاصد شریعت مجتهدان باید با اتکا به اهداف کلان شریعت (حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال) که امروزه می‌توان آنها را به «حفظ محیط زیست»، «تحقق عدالت بین‌نسلی» و «تضمین کرامت انسانی» تعبیر کرد، به استنباط احکام پردازند. برای مثال، می‌توان بر اساس «حفظ نفس» و «حفظ نسل»، هر فعالیت صنعتی که منجر به آلودگی شدید هوا و آب و تهدید سلامت عمومی شود را حرام اعلام کرد.

صدور فتاوی سازگار با توسعه پایدار: فتاوی در زمینه منع اسراف و تبذیر، وجوب پرداخت زکات برای پروژه‌های توسعه محلی، حرمت شکار گونه‌های در خطر انقراض، وجوب رعایت حقوق حیوانات و لزوم مشارکت در پروژه‌های احیای زمین‌های موات.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به وضوح نشان می‌دهد که مشارکت جمعی تنها یک مکانیسم مدیریتی یا یک ابزار توسعه نیست، بلکه در بستر فرهنگ و اندیشه اسلامی، ریشه در عمیق‌ترین مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی دارد. آموزه‌های دینی اسلام، با مفاهیمی همچون توحید، خلافت انسان، امت واحده، امر به معروف و نهی از منکر، شورا و تعاون، چارچوبی معنوی و اخلاقی فراهم می‌کنند که مشارکت را از سطح یک «اقدام اختیاری» به یک «تکلیف دینی» و «عبادت جمعی» ارتقا می‌دهد.

از سوی دیگر، توسعه پایدار به عنوان پارادایم مسلط جهان معاصر برای مواجهه با چالش‌های زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی، بدون مشارکت آگاهانه، داوطلبانه و نهادینه شده مردم محقق نمی‌شود. اینجاست که پیوند استراتژیک بین ارزش‌های دینی و الزامات توسعه پایدار معنادار می‌شود. این پژوهش به خوبی اثبات می‌کند که چگونه این دو حوزه می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند: دین با ایجاد انگیزه‌های درونی، پایدار و فرامادی، بستر فرهنگی لازم برای نهادینه شدن مشارکت را فراهم می‌سازد و توسعه پایدار نیز اهداف عینی و مشترکی را ارائه می‌دهد که این مشارکت می‌تواند در راستای آنها جهت‌گیری شود.

برای عملیاتی کردن این پیوند، راهکارهایی همچون گفتمان‌سازی بین نخبگان دینی و متخصصان توسعه، بازتعریف نقش نهادهای دینی مانند مساجد و حوزه‌های علمیه، ادغام مفاهیم دینی-پایدار در نظام آموزشی و به ویژه اجتهاد پویا و صدور فتاوی سازگار با اهداف توسعه پایدار پیشنهاد شده است. این راهکارها می‌تواند مشارکت مردمی را از حاشیه به متن برنامه‌ریزی‌های کلان آورده و آن را به موتور محرک تحقق آینده‌ای مشترک، عادلانه و پایدار تبدیل کند.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

در نهایت، می‌توان ادعا کرد که تلفیق «خرد جمعی مدرن» با «حکمت دینی کهن»، نه تنها یک امکان، که یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای گذار از چالش‌های پیچیده جهان معاصر و حرکت به سمت الگویی از توسعه است که در آن کرامت انسان، عدالت بین‌نسلی و حفظ مواهب طبیعی در پرتو ارزش‌های متعالی دینی محقق می‌شود.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، توسعه پایدار و مشارکت مردمی، تهران: انتشارات کیهان.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، مبانی حکمت اسلامی (حقوق و سیاست در اسلام)، قم: انتشارات اسراء.

سعیدی، علی (۱۳۹۰)، توسعه پایدار و چالش‌های محیط زیستی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عابدی سروسرستانی، احمد و همکاران (۱۳۹۸)، مبانی نظری توسعه پایدار، تهران: نشر آرون.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، جامعه و تاریخ، تهران: انتشارات صدرا.

نراقی، ملا احمد (۱۳۸۵)، معراج السعاده، قم: انتشارات هجرت.

ارائه الگوی تحلیلی رابطه عوامل مؤثر بر کسب و کارهای خانگی، مشارکت و توانمند سازی زنان

صابر؛ شکری؛ استادیار گروه مدیریت دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ shokri@pnu.ac.ir

امیر؛ لعلی سرابی؛ استادیار گروه مدیریت دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ lalisarabi@pnu.ac.ir

اسمعیل؛ رستم زاده گنجی؛ استادیار گروه مدیریت دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ ganji@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

ارتقای سطح آگاهی شغلی زنان با توجه به نقش مؤثر آنان در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی، منجر به بهبود روش های تولید و ارائه خدمات و محصولات و استفاده ی هر چه بیشتر و بهتر از امکانات می شود. در این میان، فعالیت زنان در مشاغل خانگی شرایطی را فراهم می کند تا ضمن کمک به اقتصاد خانواده، بخشی از اهداف توسعه ی اقتصادی کشور نیز تأمین شود. آموزش های فنی و حرفه ای با رشد استعدادها، خلاقیت، نوآوری و ارتقای سطح مهارت و تخصص، این امکان را به زنان می بخشد تا نقش های بیشتر و متنوع تری را در جامعه ایفا کند. این آموزش ها با هدف ایجاد آمادگی برای انجام مشاغل و یا کسب و کار از طریق فراهم آوردن مهارت های لازم و یا ارتقای سطح توانمندی های حرفه ای افراد ارائه می شود. با توجه به نوع استانداردهای مهارتی ارائه شده به زنان، سهم زیادی از این آموزش ها دارای قابلیت ایجاد اشتغال خانگی برای آنان را داشته است (سازمان آموزشی فنی و حرفه ای کشور، ۱۳۹۱).

روند توسعه هر کشوری از طریق منابع انسانی آن تأمین می گردد با توجه به اینکه زنان نیمی از منابع انسانی هر جامعه ای محسوب می شوند. طرح صندوق های قرض الحسنه اشتغالزایی و مردم یاری از جمله طرح هایی است که در بسیج سازندگی سپاه که با اهداف ایجاد نهادهای مردم یاری و مردم داری، افزایش زمینه فعالیت اقتصادی، ارتقاء سطح رفاه و معیشت و توانمند سازی، افزایش مشارکت زنان محروم روستایی و ایجاد کسب و کارهای کوچک و ورود به کارآفرینی و یا خود اشتغالی طراحی و در سطح کشور به اجرا در آمده است.

انسان ها به سبب این که بر فطرت اجتماعی بودن خلق شده اند، لذا زندگی آنها هم بر پایه اجتماعی بنا شده است و همین ضرورت مشوق آنها گردیده تا مشکلات و نارسایی های روزمره و اجتماعی خود را با تشریک مساعی و تعاون و کمک به همدیگر مرتفع ساخته و در راه رسیدن به هدف و یک زندگی سالم اجتماعی گام های موثری را بردارند. تعاون به مفهوم همکاری و همیاری، بخشی از فرهنگ ملت ما است که در پرتو تعالیم اسلامی بارور گردیده و یکی از تجلیات بارز شخصیت مردم این سرزمین به شمار می رود (حسین خنیفر

و همکاران، ۱۳۹۲).

با توجه به استقبال و علاقه زنان روستایی جهت راه اندازی کسب و کارهای کوچک خانگی و علاقه و انگیزه زنان بیکار جامعه به ایجاد اشتغال متناسب با شرایط فردی و اجتماعی و کسب درآمد به منظور استقلال مالی، نیاز به یک ساماندهی به پشتوانه یک برنامه مدون و مطالعه شده احساس می شد که موجبات شروع این تحقیق را فراهم نمود.

مناسب ترین ابزار که بتوان کسب و کارهای کوچک را ساماندهی و پشتیبانی و هدایت کرد، ایجاد شرکت های تعاونی است با پیش نیاز ایجاد صندوق های قرض الحسنه و اشتغالزایی و مردم یار، چرا که صندوق های مذکور خود ابزار، نسخه و کانون تصمیم گیری و اتاق فکری هستند برای برنامه ریزی های دقیق با مشارکت و همکاری خود مردم که توسط یک تسهیلگر آموزش های لازم و شیوه و استراتژی راهبرد اهداف را به عوامل سازگار و مشتاق برای ایجاد کسب و کار در حد مشاغل خانگی در زمان و فرصت مناسب با در نظر گرفتن دارایی ها و ظرفیت های روستاها و توانمندی افراد ارائه می گردد و برای اینکه ما بتوانیم به کسب و کارهای کوچک پراکنده در جغرافیای کشورمان سر و سامان داده و برنامه ریزی های هدفمندی داشته باشیم و می بایست کارگاه کوچک پراکنده را بوسیله شبکه هایی در قالب تعاونی ها که دارای برنامه و توأم با مدیریت تعریف شده ای هستند به همدیگر وصل کنیم و با متمرکز نمودن حاصل زحمات و کار و تلاش آنها را در یک کانون شفاف و هدفمند به یک نتیجه خوب برسیم. ضرورت دارد تا تحت یک برنامه مطالعه شده با یک ساختار سازمانی و مدیریتی جدید و متناسب و سازگار با عوامل اجتماعی و فرهنگی و اقتصاد و معیشت مردم در هر منطقه قدم هایی برداشته شود.

با توجه به شرایط سخت اقتصادی تحمیل شده بطور ناخواسته در جامعه کنونی، و تأثیر مستقیم آن در روند زندگی آحاد مردم و ناکافی بودن درآمد و به تبع آن پائین آمدن سطح معیشت خانواده ها و نیز نبود دانش فنی و سرمایه اولیه و امکانات و تجهیزات برای شروع کارهای بزرگ برای اقشار ضعیف جامعه، تقریباً از دو دهه اخیر با افزایش تمایل و گرایش به راه اندازی مشاغل و کسب و کارهای خانگی توأم با توانمند سازی افراد از لحاظ مهارت آموزی، دانش افزایی، ایجاد انگیزه، کشف و شناساندن توانایی های افراد به خودشان متناسب با علاقمندی خود شخص و ظرفیت ها و قابلیت های محل زندگیشان، نحوه ایجاد کارگاه های کوچک و تولید برحسب نیاز بازار با تأمین تجهیزات کارگاهی و رفع مشکلات مالی، اشتیاق فراوان از سوی گروه های مختلف مردم و به ویژه زنان در اکثر کشورها بخصوص در کشور جمهوری اسلامی ایران و نیز تمایل دولت به حمایت از این نوع مشاغل به عنوان پیش زمینه های شغلی آسان و کم هزینه و از طرفی شرایطی ایجاد شده تا محققان زیادی به کاوش پیرامون عوامل توسعه این مشاغل در سطح جامعه علاقمند شوند. چرا که تنوع و گستردگی حوزه های کاری و نیز تغییر و تحول در شرایط محیط پیرامون اینگونه مشاغل، باعث شده ضرورت پرداختن به جنبه های جدید و نوظهور در ابعاد محتوایی و فرآیندی توسعه این گونه مشاغل در راستای تحقق برنامه های توسعه اقتصادی در سطح کلان به میزان بیشتری نمایان شود. در این راستا از نیمه دوم سال ۱۳۹۶ طرحی در قالب ایجاد صندوق های قرض الحسنه اشتغال زائی و مردم یاری در معاونت بسیج سازندگی سپاه، بطور گسترده در سطح کشور اجرا می شود و قرار است این صندوق ها در تمامی روستاها و محله

های شهری با استفاده از مشارکت خود مردم و عاملی برای شناسایی سرمایه های انسانی، فیزیکی، اجتماعی، طبیعی، اقتصادی، مالی، فکری و دارائی های نامشهود / مخفی در روستاها و محله های شهری و شناسایی مشکلات پیش رو و دور از انتظار از کانون توجه اهالی، شناسایی و برجسته سازی و با انتخاب راه حل های مناسب با تبادل افکار در یک مجمع دورهمی دوستانه و صمیمانه متشکل از افراد توانمند و صاحب نظر که در محیط زندگی خود احساس مسئولیت نموده با نیت خیر خواهانه برای حل مشکلات در قالب سازمان های مردم نهاد (سمن) با اهداف معین و از پیش تعیین شده، پیشقدم شده اند سازماندهی شده و در سمت هیأت امنای صندوق (هر هیأت امنا در واقع سرگروه یک تیم مشارکتی ۱۵ الی ۲۰ نفری است که هر تیم یا گروه به توافق و موافقت خود یک نفر را به عنوان سرگروه معرفی می نمایند) بطور داوطلبانه و بدون هیچگونه چشم داشتی انجام وظیفه می نمایند تا در حل مشکلات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و معیشت مردم، ایفای نقش کنند. و نیز بمنظور تأمین سرمایه وحل مشکلات مالی برای شروع شغلی در حد مشاغل خانگی و یا کارگاه های کوچک زود بازده، هر گروه با مدیریت سرگروه ها، هر ماه مبالغی به وسع مالی خودشان بطور مستمر و لاینقطع با شرایط و مقررات مخصوص به خود در یک حساب واحد و مختص به صندوق افتتاح شده توسط خودشان، واریز می نمایند و این آورده های اندک از طرف اعضای صندوق در قالب گروه های مشارکتی و خود جوش، تبدیل به یک منابع مالی موثر و کارآمد می شود که با تدبیر و مدیریت هیأت امناء در این صندوق ها با درخواست اعضای صندوق که متقاضی ایجاد شغلی در محل زندگی خودشان هستند، بعد از بررسی توانمندی، مهارت، امکانات و علاقه مندی متقاضیان با نظر و رأی هیأت امناء در جلسه های ماهانه خود تصمیم گیری می کنند و هیأت امنا با ارائه وام های کاملاً قرض الحسنه اشتغالزایی بدون ضامن، آسان و روان، در حد اندک و متناسب با راه اندازی یک شغل خانگی، فرد را از هر لحاظ پشتیبانی و تشویق می کنند و برای موفقیت روز افزون متقاضی عضو صندوق در روند کار و عملکرد و حتی در بازاریابی وی از سوی هیأت امنای صندوق کاملاً نظارت و کنترل، اعمال می گردد و تسهیلاتی از قبیل آموزش های لازم و متناسب با علاقمندی و توانایی فرد، در جهت ارتقاء مهارت توأم با دانش روز با معرفی به مراکز تخصصی و یا با استفاده از شیوه های آموزش استاد شاگردی (آموزش در محل کارگاه) ارائه می گردد. با توجه به مطالب گفته شده، این تحقیق درصدد پاسخگویی به این سوال می باشد که عوامل تسهیل کننده و بازدارنده با تأکید بر توانمند سازی زنان روستایی شهرستان سراب چه تاثیری می تواند بر مشارکت در مشاغل خانگی می تواند داشته باشد.

تقی بیگی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه خود اشاره داشتند که نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکار ناپذیر است و می توان آن را کانون ارتباطات انسان و اجتماع تلقی کرد. در جهت این پویایی بی تردید مردم به عنوان اعضای جامعه تأثیری مستقیم در توسعه ی جامعه دارند. یکی از زمینه های مهم فعالیت اقتصادی مشاغل خانگی می باشد. در جامعه ای که مشارکت در زمینه اشتغال و فعالیت های اقتصادی بیشتر باشد رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود. زیرا مشارکت در مشاغل خانگی موجب افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه، باعث افزایش رفاه اجتماعی برای کل جامعه می شود. براساس قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، نوعی کسب و کار است که با عضویت اعضای خانواده در فضای مسکونی و در قالب یک طرح کسب و کار مجاز، بدون مزاحمت و ایجاد اختلال در آرامش واحدهای مسکونی همجوار شکل می گیرد، تعریف می شود و به عنوان راههای مهم برای ایجاد اشتغال و درآمد

در سراسر جهان به شمار می رود. اما با توجه به شرایط روستا و روستائیان، مشاغل خانگی می تواند یکی از راه حل های کارآفرینانه ی مناسب برای رهایی از بسیاری مشکلات باشد. چرا که مشاغل خانگی هزینه ی بالایی را به خانواده ها تحمیل نمی کند و می تواند راهکاری مهم برای ایجاد اشتغال روستائیان به شمار آید (تقی بیگی و همکاران، ۱۳۹۳).

اقتصاددانان، کارآفرینی روستایی را یک استراتژی برای جلوگیری از اغتشاشات و ناآرامی، کشاورزان و روستائیان آن را ابزاری برای بهبود در آمد خویش و زنان آن را امکانی برای اشتغال در مجاورت محل سکونت خود که می تواند خودمختاری و استقلال آنان را در پی داشته باشد می دانند (ملک سعیدی و همکاران، ۱۳۹۳). اما در کشورهای جهان سوم درصد کمی از زنان روستایی در این زمینه مشغول بکار می باشند و متأسفانه کار خانگی این عده نیز در قالب نهاد یا موسسه خاصی تعریف نشده است. در ایران نیز از سال ها قبل، روستائیان در منازل خود مشغول به انجام فعالیت بوده اند. اما این مشاغل با مشکلات زیادی از قبیل ناپایداری روبه رو بوده و علیرغم وجود ظرفیت های زیاد، این کسب و کارها به ندرت توانسته اند موفق عمل نمایند (آکهی و همکاران، ۱۳۹۱). دولت به عنوان یک برنامه ی کارآفرینانه و یکی از راهکارهای حل معضل بیکاری، با اختصاص وام و اعتبارات به متقاضیان اقدام به اجرای طرح ساماندهی مشاغل خانگی از اواخر سال ۱۳۸۹ نموده است (وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۱).

ایجاد مشاغل خانگی بدون توجه به کارآفرینی آن ها می تواند منجر به از بین رفتن و اتلاف منابع و حتی ناپایداری فعالیت این کسب و کارها شود. گفته می شود ارائه تعریف جامع و مانع از کارآفرینی به این دلیل که این مفهوم، یک ویژگی پویاست و درک هر فرد نسبت به آن متفاوت از دیگری است، مشکل است (سعدی و سلیمانی، ۱۳۹۱).

(نجاهی و قاسم پور، ۱۳۸۹) در مطالعه خود بیان داشتند که، مشاغل خانگی در ایران سابقه طولانی دارند و هم اکنون بسیاری از مشاغل آموزشی، صنایع دستی، بافندگی، حصیر بافی، تولیدات دامی و شغل های فراوان دیگری در خانه ها و به خصوص به دست زنان روستایی انجام می گیرد. زمینه های استفاده از کارآفرینی در نواحی روستایی بسیار گسترده و متنوع است. در واقع این نواحی، محیط بکری برای بروز کارآفرینی محسوب می شوند (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷). راهکارهای توسعه مشاغل خانگی را ایجاد فرصت رشد و ارتقای شخصیت زنان برای داشتن موانع اشتغال آن ها، از میان بردن ابهامات و تصورات منفی در باره کار زنان، آگاه کردن زنان از توانایی های شان در فعالیت های اقتصادی، بالا بردن سطح آموزش زنان، عضویت در تعاونی ها، برگزاری نمایشگاه های ملی، منطقه ای و محلی که افزون بر بازاریابی و بازار رسانی تولیدات زنان روستایی و عشایری باعث ایجاد حس خود باوری و اعتماد در زنان می شود.

نتایج مطالعات (رودگر نژاد و همکاران^{۱۲۱}، ۲۰۱۱) با عنوان (چالش ها و موانع توسعه کسب و کارهای خانگی) از جمله مهم ترین راهکارهای توسعه این نوع کسب و کارها را موارد زیر بیان داشته اند: بکارگیری سیاست های تشویقی و حمایتی از صنایع کوچک بویژه تولیدات خانگی، اتخاذ راهکارها و راهبردی توسعه صادرات تولیدات خانگی، سیاست های حمایتی در بازار یابی، بازاریابی و

¹²¹ Roodgarnezad

تبلیغات در سطح جهانی، توسعه همه جانبه توانمندی های فنی و تکنولوژیکی از راه برنامه های اجرایی در سطح کلان کشور، استفاده از شیوه های آموزشی جدید، تشویق و ترغیب کارآفرینان خانگی به استفاده از نوآوری و خلاقیت های تولید محصولات ویژه و منحصر به فرد، تأمین نیازهای مالی و اعتباری از راه تعدیل سیاست های مالی و پولی برای تأمین نیازهای مالی، محدودیت های بازرگانی، صادراتی و قوانین حقوقی.

مهاجرت در اثر وجود شرایط نامساعد از قبیل فقر صورت می گیرد. صاحب نظران بر این اعتقاد هستند که باید بطور ویژه و مشخص به امر توسعه ی روستایی و ریشه کنی فقر گسترده ای که بر آن ها حاکم است ، پرداخت و در این میان، کسب و کار خانگی به عنوان گزینه ای مناسب مطرح می باشد (پورآتشی و همکاران، ۲۰۱۰).

کسب و کارهای خانگی بزرگ ترین گروه کسب و کار در استرالیا بوده، به گونه ای ۶۷ درصد کسب و کارهای کوچک و ۵۸ درصد کل کسب و کار در این کشور را شامل می شود. همچنین، این گروه حدود نیمی از کسب و کارهای کوچک انگلیس و ۵۲ درصد فعالیت های بخش خصوصی در آمریکا را به خود اختصاص داده است و بخشی مهم از اقتصاد این کشورها را کنترل می کنند (والکرو همکاران^{۱۲۲}، ۲۰۰۸). در چند سال اخیر بیشتر به گسترش کمی کسب و کارهای کوچک و به صرف ارائه آمار تعداد این مشاغل اقدام شده است. اگر چه دولت هزینه های زیادی را به منظور ایجاد مشاغل خانگی متقبل شده است اما کارآفرینی روستایی تنها به معنای ایجاد اشتغال نیست، بلکه راهکاری برای کاهش فقر، بهبود کیفیت زندگی ، کاهش مهاجرت و توسعه روستایی است (کادر و همکاران^{۱۲۳}، ۲۰۰۷).

پژوهش (تپیل^{۱۲۴}، ۲۰۰۶) نیز با عنوان مقایسه کسب و کارهای خانگی و مشاغل دولتی در چهار کشور در حال توسعه نشان می دهد که زنان در جوامع با فرهنگ غالب اسلامی و هندو گرایش بیش تری به کسب و کارهای خانگی داشته به گونه ای که بیش از ۷۰ درصد زنان شاغل در این جوامع در خانه کار کرده یا دارای کسب و کار خانگی می باشند.

فرضیات پژوهش به شرح ذیل است:

فرضیه اساسی: عوامل تسهیل کننده و بازدارنده بر میزان مشارکت در مشاغل خانگی با تاکید بر توانمند سازی زنان روستائی تأثیر دارد.

¹²² Walker etl

¹²³ Kader etl

¹²⁴ Tipple

فرضیه اول: عوامل اقتصادی به عنوان تسهیل کننده و یا بازدارنده بر میزان مشارکت در مشاغل خانگی با تاکید بر توانمند سازی زنان روستائی تأثیر دارد.

فرضیه دوم: عوامل ساختار مدیریتی به عنوان تسهیل کننده و یا بازدارنده بر میزان مشارکت در مشاغل خانگی با تاکید بر توانمند سازی زنان روستائی تأثیر دارد.

فرضیه سوم: عوامل آموزشی به عنوان تسهیل کننده و یا بازدارنده بر میزان مشارکت در مشاغل خانگی با تاکید بر توانمند سازی زنان روستائی تأثیر دارد.

فرضیه چهارم: عوامل اجتماعی و فرهنگی به عنوان تسهیل کننده و یا باز دارنده بر میزان مشارکت در مشاغل خانگی با تاکید بر توانمند سازی زنان روستائی تأثیر دارد.

۲. مواد و روش ها

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت از نوع پژوهش های توصیفی - همبستگی است. داده های جمع آوری شده از جنس داده های عددی است، بنابراین این پژوهش از نظر نوع داده ها از نوع تحقیق های کمی و از نظر روش (فرآیند) در زمره تحقیق های پیمایشی به شمار می رود. ابزار اصلی داده های بخش میدانی تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته می باشد. تهیه و تکمیل ابزار مورد استفاده در این پژوهش در چهار مرحله انجام یافته است. ابتدا گویه های مورد نظر با استفاده از ادبیات پژوهش انتخاب شدند. سپس پرسشنامه طراحی شده به منظور اطمینان از روایی ظاهری و محتوایی توسط عده ای از صاحب نظران و افراد خبره (از کارشناسان اداره بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی، اداره کار، سازمان میراث فرهنگی، اداره ترویج و تعاون روستایی و اساتید مدیریت) مورد بررسی و اصلاحات لازم اعمال گردید. در مرحله بعدی با تعدادی از زنان روستایی جهت اصلاح و اعمال دقت بیشتر در سئوالات طراحی شده مصاحبه گردید. و به منظور سنجش پایایی پرسشنامه از روش آتفای کرونباخ استفاده شد. برای حصول به اطمینان از، تعداد ۸۰ نسخه از پرسشنامه در روستای بجنده بخشی از جامعه آماری تحقیق است، توزیع و تکمیل و پس از داده پردازی، ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرها محاسبه شد. میزان این ضریب که در اصل مشخص کننده میزان پایایی ابزار است در سطح ۰/۷۹ بدست آمد. جامعه آماری مورد پژوهش شش دهستان می باشد که هر دهستان یک طبقه در نظر گرفته شد که حجم نمونه با استفاده از جدول گرسی و مورگان تعداد ۳۶۸ برآورد گردید و حجم در طبقه از انتساب متناسب بدست آمد، پس از توزیع و تکمیل نمودن پرسشنامه ها تعداد ۳۵۰ پرسشنامه کامل و بدون ایراد به تایید نهایی رسید، محاسبات آماری با استفاده از برنامه SPSS انجام شد. بخش اول پرسشنامه متغیرهای فردی مد نظر قرار گرفتند که این متغیرها عبارتند از: سن وضعیت تاهل، سطح سواد، تجربه در زمینه مشاغل خانگی.

۳. نتایج

در تحلیل توصیفی، محققان داده‌های جمعیت‌شناختی را با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی خلاصه و طبقه‌بندی نمودند. ۱۰۰ درصد پاسخگویان زن هستند. ۸۶ درصد آنها با بیشترین فراوانی در گروه سنی ۱۷ تا ۲۷ سال و ۱۰/۵ درصد با کمترین فراوانی در گروه سنی ۵۰ سال به بالا هستند. ۳۶ درصد پاسخگویان با بیشترین فراوانی تحصیلات ابتدائی و ۰/۲۸۶ درصد نیز با کمترین فراوانی تحصیلات فوق لیسانس هستند. طبق نتایج ۰/۸ درصد آنها مجرد و ۹۲ درصد نیز متأهل هستند. ۹۹ درصد پاسخگویان عضو صندوق‌های قرض الحسنه و اشتغال زایی هستند. ۹۰/۶ درصد زنان خانگی دارای شغل خانگی هستند. طبق نتایج بدست آمده تولید لبنیات سنتی با ۱۸/۶ درصد بیشترین فراوانی و پرورش گل و گیاه کمترین فراوانی هستند. طبق نتایج و با توجه به اینکه سطح معنی داری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۰/۹۵ بیش از ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان گفت که توزیع متغیرهای تسهیل کننده و بازدارنده، مشارکت در ایجاد مشاغل خانگی و توانمند سازی زنان روستایی نرمال است و جهت تحلیل فرضیات باید از آزمون پارامتریک (رگرسیون) استفاده کرد.

به منظور بررسی فرضیه اول، از برازش رگرسیونی استفاده گردید که در این آزمون متغیر عوامل اقتصادی به عنوان متغیر مستقل و متغیر توانمندی و اشتغال زنان روستایی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شدند:

جدول شماره ۱ خلاصه آماره‌های مربوط به برازش مدل را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی چندگانه میزان همبستگی چندگانه بین متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می‌دهد. مقدار این ضریب بین صفر تا یک نوسان دارد. هر چقدر این ضریب به یک نزدیک‌تر باشد، نشان از همبستگی قوی بین متغیرهای مستقل و وابسته دارد و هر چه مقدار آن به صفر نزدیک‌تر باشد، دلالت بر همبستگی ضعیف بین آن‌ها دارد. مجذور ضریب همبستگی چندگانه نیز میزان تغییرات واریانس متغیر وابسته توسط متغیر مستقل را تبیین می‌کند. به بیان دیگر، یعنی هر چه مقدار از تغییرات واریانس متغیر وابسته توسط متغیر مستقل کنترل می‌گردد. بر اساس نتایج جدول شماره ۱، ضریب همبستگی ۰/۸۳۱ حاکی از این است که عوامل اقتصادی اثر بارزی بر مشارکت در ایجاد مشاغل خانگی با متغیر میانجی توانمند سازی دارد. بر اساس مجذور ضریب همبستگی چندگانه که ۰/۶۹۱ به دست آمده است، می‌توان عنوان نمود که ۶۹/۱ درصد از تغییرات واریانس توانمندی توسط عوامل اقتصادی کنترل می‌گردد.

یکی از مفروضاتی که در رگرسیون مد نظر قرار می‌گیرد، استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی شده توسط معادله رگرسیون) از یکدیگر است. در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. به منظور بررسی استقلال مشاهدات (استقلال مقادیر باقی‌مانده یا خطاها) از یکدیگر از آزمون دورین - واتسون استفاده می‌شود.

آماره دورین - واتسون یک آماره آزمون می‌باشد که برای بررسی وجود خودهمبستگی بین باقیمانده‌ها در تحلیل رگرسیون استفاده می‌گردد. مقدار این آماره همواره بین ۰ تا ۴ قرار می‌گیرد. مفهوم مستقل بودن به این معنی است که نتیجه یک مشاهده تاثیری بر نتیجه مشاهدات دیگر نداشته باشد. در رگرسیون، بیشتر در مواقعی که رفتار متغیر وابسته در یک بازه زمانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد

ممکن است با مشکل مستقل نبودن خطاها برخورد کنیم به این نوع ارتباط در داده‌ها خودهمبستگی می‌گویند. در صورت وجود خود همبستگی در خطاها نمی‌توان از رگرسیون خطی استفاده کرد. برای بررسی این فرض به صورت شهودی می‌توان از آزمون دوربین - واتسون استفاده کرد.

آماره دوربین - واتسون بین ۰ تا ۴ می‌باشد که اگر بین باقی‌مانده‌ها همبستگی متوالی وجود نداشته باشد، مقدار این آماره باید نزدیک به عدد ۲ باشد. اگر آماره دوربین واتسون به صفر نزدیک باشد نشان دهنده همبستگی مثبت و اگر به عدد ۴ نزدیک باشد نشان دهنده همبستگی منفی است. در مجموع اگر این آماره بین ۱ تا ۳ باشد، جای نگرانی نیست و می‌توان از تحلیل رگرسیون استفاده نمود.

بر اساس نتایج به دست آمده برای آزمون‌های دوربین - واتسون برای تحلیل‌های رگرسیونی فرض‌های این تحقیق، تمامی نتایج آزمون دوربین - واتسون بین بازه ۱ تا ۳ قرار دارند و در نتیجه می‌توان عنوان نمود که فرض استقلال خطاها تایید می‌شود و در نتیجه می‌توان از تحلیل رگرسیونی استفاده نمود.

جدول ۱. خلاصه آماره‌های مربوط به برازش رگرسیونی مدل نوع ۱

مدل	ضریب همبستگی	مجدور ضریب	ضریب تعیین	خطای استاندارد	دوربین - واتسون
	چندگانه	همبستگی چندگانه	تعدیل شده	برآورد	
۱	۰/۸۳۱	۰/۶۹۱	۰/۶۹	۰/۱۲۱	۱/۷۸۸

جدول شماره ۲، نتایج تحلیل واریانس را نشان می‌دهد. در این جدول، معنی‌دار شدن اثر مجموع مربعات رگرسیون نشان دهنده قدرت تبیین گری مدل در توضیح تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل است. بنابراین، با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ به دست آمده در این تحقیق، نتایج به دست آمده در مورد اثر عوامل اقتصادی بر توانمندی مجدداً تایید می‌گردد.

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس برازش رگرسیونی مدل نوع ۱

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره فشر	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۱۱/۵۴۲	۱	۱۱/۵۴۲	۷۷۷/۸۷	۰/۰۰۰
باقیمانده	۴/۱۶۴	۳۴۸	۰/۰۱۵		
مجموع	۱۶/۷۰۶	۳۴۹			

ضرایب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) این امکان را می‌دهد تا سهم نسبی هر متغیر مستقل در تبیین تغییرات متغیر وابسته را مشخص نماییم. از این رو، به محققین پیشنهاد می‌شود که در تفسیر نتایج تأثیر رگرسیونی بر اساس ضرایب آن، به ضرایب رگرسیونی استاندارد شده اشاره کنیم. بنابراین، با توجه به نتایج جدول شماره ۳، بر اساس ضریب رگرسیونی استاندارد شده ۰/۸۳۱ و معنی دار شدن آن به دلیل سطح معنی داری ۰/۰۰۰، می‌توان عنوان نمود که متغیر عوامل اقتصادی بر مشارکت در ایجاد مشاغل خانگی توام با توانمندی سازی زنان روستایی مؤثر است.

جدول ۳. نتایج مربوط به ضرایب رگرسیونی برازش رگرسیونی مدل نوع ۱

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	
	B	خطای استاندارد	Beta	t
عدد ثابت	۰/۵۶	۰/۰۳۲		۱۷/۳۲۵
عوامل اقتصادی	۰/۳۳۵	۰/۰۱۲	۰/۸۳۱	۲۷/۸۹
				سطح معنی داری
				۰/۰۰۰
				۰/۰۰۰

به منظور بررسی فرضیه دوم، از برازش رگرسیونی استفاده گردید که در این آزمون متغیر عوامل مدیریتی به عنوان متغیر مستقل و متغیر توانمندی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شدند:

جدول ۴ خلاصه آماره‌های مربوط به برازش مدل ۱ را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج جدول ۴، ضریب همبستگی ۰/۹۸۳ حاکی از این است که عوامل ساختار مدیریتی اثر بارزی بر توانمندی و ایجاد اشتغال دارد. بر اساس مجذور ضریب همبستگی چندگانه که ۰/۹۶۶ به دست آمده است، می‌توان عنوان نمود که ۹۶/۶ درصد از تغییرات واریانس توانمندی توسط عوامل مدیریتی کنترل می‌گردد.

جدول ۴. خلاصه آماره‌های مربوط به برازش رگرسیونی مدل نوع ۱

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	مجدور همبستگی چندگانه	ضریب تعدیل شده	تعیین خطای استاندارد	دوربین - واتسون
۱	۰/۹۸۳	۰/۹۶۶	۰/۹۶۶	۰/۰۴	۱/۸۴۱

جدول ۵، نتایج تحلیل واریانس را نشان می‌دهد. در این جدول، معنی دار شدن اثر مجموع مربعات رگرسیون نشان دهنده قدرت تبیین گری مدل در توضیح تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل است. بنابراین، با توجه به سطح معنی داری ۰/۰۰۰ به دست آمده در این تحقیق، نتایج به دست آمده در مورد اثر عوامل مدیریتی بر توانمندی مجدداً تأیید می‌گردد.

جدول ۵. نتایج تحلیل واریانس برازش رگرسیونی مدل نوع ۱

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	آماره فیشر	سطح معنی داری
رگرسیون	۱۶/۱۴۶	۱	۱۶/۱۴۶	۱۰۳۸/۱۱	۰/۰۰۰
باقیمانده	۰/۵۶	۳۴۸	۰/۰۰۲		
مجموع	۱۶/۷۰۶	۳۴۹			

با توجه به نتایج جدول ۶، بر اساس ضریب رگرسیونی استاندارد شده ۰/۹۸۳ و معنی دار شدن آن به دلیل سطح معنی داری ۰/۰۰۰، می توان عنوان نمود که متغیر عوامل مدیریتی بر توانمندی مؤثر است.

جدول ۶. نتایج مربوط به ضرایب رگرسیونی برازش رگرسیونی مدل نوع ۱

مدل	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده	خطای استاندارد	Beta	t	سطح معنی داری
عدد ثابت	۰/۷۷۳	۰/۰۰۷			۱۱۰/۱۸۲	۰/۰۰۰
عوامل ساختار مدیریتی	۰/۲۰۹	۰/۰۰۲		۰/۹۸۳	۱۰۰/۱۹	۰/۰۰۰

در فرضیه سوم متغیر عوامل ساختار مدیریتی به عنوان متغیر مستقل و متغیر مشارکت در ایجاد مشاغل خانگی به عنوان متغیر وابسته و متغیر میانجی توانمند سازی زنان روستای در نظر گرفته شدند:

جدول ۷ خلاصه آماره های مربوط به برازش مدل ۱ را نشان می دهد. بر اساس نتایج این جدول، ضریب همبستگی ۰/۹۶۴ حاکی از این است که عوامل ساختار مدیریتی اثر بارزی بر توانمندی و ایجاد اشتغال دارد. بر اساس مجذور ضریب همبستگی چند گانه که ۰/۹۳ به دست آمده است، می توان عنوان نمود که ۹۳ درصد از تغییرات واریانس توانمندی توسط عوامل آموزشی کنترل می گردد.

جدول ۷. خلاصه آماره های مربوط به برازش رگرسیونی مدل نوع ۱

مدل	ضریب همبستگی	مجزور	ضریب	ضریب	تعیین	خطای	استاندارد	دوربین - واتسون
۱	۰/۹۶۴	۰/۹۳	همبستگی چند گانه	تعدیل شده	بر آورد			
	۰/۹۶۴	۰/۹۳		۰/۹۲۹	۰/۰۵۸		۱/۷۶۶	

جدول ۸، نتایج تحلیل واریانس را نشان می‌دهد. در این جدول، معنی‌دار شدن اثر مجموع مربعات رگرسیون نشان دهنده قدرت تبیین گری مدل در توضیح تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل است. بنابراین، با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ به دست آمده در این تحقیق، نتایج به دست آمده در مورد اثر عوامل آموزشی بر توانمندی مجدداً تأیید می‌گردد.

جدول ۸. نتایج تحلیل واریانس برازش رگرسیونی مدل نوع ۱

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	آماره فیشر	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۱۵/۵۲۹	۱	۱۵/۵۲۹	۴۵۹۱/۶	۰/۰۰۰
باقیمانده	۱/۱۷۷	۳۴۸	۰/۰۰۳		
مجموع	۱۶/۷۰۶	۳۴۹			

با توجه به نتایج جدول ۹، بر اساس ضریب رگرسیونی استاندارد شده ۰/۹۶۴ و معنی‌دار شدن آن به دلیل سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰، می‌توان عنوان نمود که متغیر عوامل آموزشی بر توانمندی مؤثر است.

جدول ۹. نتایج مربوط به ضرایب رگرسیونی برازش رگرسیونی مدل نوع ۱

مدل	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده	خطای استاندارد	Beta	t	سطح معنی‌داری
عدد ثابت	۱/۰۱۶	۰/۰۰۷			۱۴۴/۷۹۸	۰/۰۰۰
عوامل آموزشی	۰/۱۵۹	۰/۰۰۲		۰/۹۶۴	۶۷/۷۶۲	۰/۰۰۰

به منظور بررسی فرضیه چهارم، از برازش رگرسیونی استفاده گردید که در این آزمون متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی به عنوان متغیر مستقل و متغیر مشارکت بر ایجاد مشاغل خانگی به عنوان متغیر وابسته و متغیر میانجی توانمند سازی زنان روستایی در نظر گرفته شدند:

جدول ۱۰ خلاصه آماره‌های مربوط به برازش مدل ۱ را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این جدول، ضریب همبستگی ۰/۹۷۳ حاکی از این است که عوامل اجتماعی اثر بارزی بر توانمندی دارد. بر اساس مجذور ضریب همبستگی چنگانه که ۰/۹۴۶ به دست آمده است، می‌توان عنوان نمود که ۹۴/۶ درصد از تغییرات واریانس توانمندی توسط عوامل اجتماعی کنترل می‌گردد.

جدول ۱۰. خلاصه آماره‌های مربوط به برازش رگرسیونی مدل نوع ۱

مدل	ضریب همبستگی	مجذور ضریب	ضریب	تعیین خطای استاندارد	دوربین - واتسون
	چندگانه	همبستگی چندگانه	تعدیل شده	برآورد	
۱	۰/۹۷۳	۰/۹۴۶	۰/۹۴۶	۰/۰۵	۱/۸۱۶

جدول ۱۱، نتایج تحلیل واریانس را نشان می‌دهد. در این جدول، معنی دار شدن اثر مجموع مربعات رگرسیون نشان دهنده قدرت تبیین گری مدل در توضیح تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل است. بنابراین، با توجه به سطح معنی داری ۰/۰۰۰ به دست آمده در این تحقیق، نتایج به دست آمده در مورد اثر عوامل اجتماعی بر توانمندی و ایجاد اشتغال مجدداً تایید می‌گردد.

جدول ۱۱. نتایج تحلیل واریانس برازش رگرسیونی مدل نوع ۱

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره فیشر	سطح معنی داری
رگرسیون	۱۵/۸۰۲	۱	۱۵/۸۰۲	۶۰۸۱/۲۳	۰/۰۰۰
باقیمانده	۰/۹۰۴	۳۴۸	۰/۰۰۳		
مجموع	۱۶/۷۰۶	۳۴۹			

با توجه به نتایج جدول ۱۲، بر اساس ضریب رگرسیونی استاندارد شده ۰/۹۷۳ و معنی دار شدن آن به دلیل سطح معنی داری ۰/۰۰۰، می‌توان عنوان نمود که متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر توانمندی مؤثر است.

جدول ۱۲. نتایج مربوط به ضرایب رگرسیونی برازش رگرسیونی مدل نوع ۱

مدل	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده	خطای استاندارد	Beta	T	سطح معنی داری
عدد ثابت	۰/۷۴۲	۰/۰۰۹			۷۹/۰۶۷	۰/۰۰۰
عوامل اجتماعی	۰/۲۲	۰/۰۰۳		۰/۹۷۳	۷۷/۹۸۲	۰/۰۰۰

۴. بحث و نتیجه گیری

با توجه به تحلیل نتایج عوامل تأثیر گذار که در این پژوهش انجام پذیرفت، می توان نتیجه گرفت که موانعی از قبیل ضعف زیر ساخت ها و منابع مالی، موانع اجتماعی و فرهنگی، موانع شخصیتی، ضعف نظام های اجتماعی و حمایتی، موانع خانوادگی و بر خوردار نبودن از فرصت های آموزشی از جمله مهم ترین عوامل بازدارنده در ترغیب زنان روستایی به مشاغل خانگی است. البته طبق نتایج به دست آمده، با وجود این مشکلات و محدودیت ها، اشتیاق و نگرش زنان روستایی به راه اندازی مشاغل خانگی در سطح مطلوب و قابل قبولی قرار گرفته است. که اگر به این موانع و عوامل بازدارنده تدبیری اندیشیده شود و با تدوین راه کارهای مناسب و قابل دسترس، زنان روستایی یکی از عوامل مهمی در راه اندازی مشاغل خانگی و رونق تولید هستند. و اهمیت توجه به آموزش و بهسازی ت. انمندی ها و قابلیت زنان روستایی برای غلبه بر ضعف های موجود و نیز فرهنگ سازی برای رفع موانع و مشکلات موانع اجتماعی و فرهنگی و فعالیت زنان روستایی در عرصه های فعالیت های اقتصادی، اجتماعی از یافته های مهم در این است که این نتایج با تحقیقات متعددی در زمینه عوامل توسعه کار آفرینی در جوامع نظیر مطالعات سازمان بین المللی کار (۲۰۰۶)، دیونینگ و شریل (۲۰۰۶)، لی و وونگ (۲۰۰۵)، سولومون و همکارانش (۲۰۰۲)، صابر (۱۳۸۱)، که در آن ها نسبت به مباحث آموزش و ترویج کارآفرینی برای توسعه ایجاد کسب و کارهای کوچک خانگی توصیه و تأکید شده است، مطابقت دارد. همچنین با اهتمام در نتایج پژوهش می توان به این مهم دست یافت که برنامه های توسعه ی مشاغل خانگی در جوامع روستایی، علاوه بر فرهنگ سازی و ارائه برنامه هایی به منظور آگاه سازی، انگیزش و آموزش، باید با فراهم سازی فضاهای حمایتی مناسب را نیز در مد نظر قرار دهند.

در نهایت، با توجه به محدودیت ها و مشکلات و موانع که در مقابل و پیش روی توسعه ی مشاغل خانگی در جامعه کنونی ما مشاهده می شود مستلزم فعالیت ها، حمایت ها و اقدامات اکثر سازمان ها و نهادهای مربوطه بوده و حصول به اهداف و مقاصد نهایی آن در گرو تعامل و همکاری سازمان ها و نهادهای اداری می باشد. که در حال حاضر ضرورت تدوین برنامه های جامع، تدبیر درست و به هنگام و موثر توأم با سیاست گذاری های منطقی و صحیح و پرهیز از تحویل دروغ به جای اقدام عملی به مردم توسط مسئولین و مدیران ارشد، با اهداف کوتاه مدت و میان مدت و در نهایت بلند مدت و دارای زمان بندی مشخص و فراهم سازی بسترها با شناسایی ظرفیت ها و قابلیت ها و رفع موانع، در راستای اقتصاد مقاومتی و تشویق و ترغیب افراد به فرهنگ اشتغال و رونق تولید، با ایجاد و توسعه ی مشاغل خانگی و کارگاه های کوچک زود بازده، نیاز می باشد.

طبق نتایجی که از تحلیل فرضیات این تحقیق بدست آمد بین تسهیل کننده ها و بازدارنده ها با مشارکت بر میزان ایجاد مشاغل خانگی با نقش میانجی زنان توانمندسازی زنان روستایی رابطه معناداری وجود دارد و همچنین بین ابعاد تسهیل کننده ها و بازدارنده ها (عوامل اقتصادی، عوامل آموزشی، عوامل اجتماعی و فرهنگی و عوامل ساختار مدیریتی) با مشارکت بر میزان مشاغل خانگی رابطه مستقیم معناداری وجود دارد.

با توجه به نتایج فرضیات پیشنهادهای زیر ارائه می گردد:

فراهم نمودن بسترهای لازم جهت فرهنگ سازی مبنی بر راه اندازی مشاغل خانگی و خود اشتغالی زنان در روستاها.
فراهم نمودن زمینه های لازم جهت تعامل و بدون تشریفات آسان ما بین کارشناسان، متخصصان، کارآفرینان موفق، مشاوران و مسئولین با زنان روستایی مایل و مشتاق به ایجاد مشاغل خانگی.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

به کار گماردن عوامل اجرایی دلسوز، مجرب، وظیفه شناس و مسئولیت پذیر در ادارات و سازمان ها توام با آموزش ادب و احترام در مواجهه با ارباب رجوع بخصوص زنانی که می خواهند با ایجاد اشتغال در سنگر تولید فعالیت بکنند. تقویت اعتماد به نفس و ارتقاء روحیه ریسک پذیری در بین زنان روستایی. ایجاد صندوق های قرض الحسنه و اشتغال زایی و مردم یاری ما بین زنان روستایی. تشکیل تعاونی مابین صاحبان کسب و کار های خانگی و کوچک زود بازده جهت انسجام، تبادل نظر با یکدیگر و مرکزی به عنوان تصمیم گیری های لازم و کسب مشاوره، برنامه ریزی برای خریدهای مواد اولیه و آموزش های لازم و ایجاد وحدت رویه در تولید و بازار یابی و ایجاد بازارهای لازم و برند سازی. تلقین این موضوع که زنان روستایی برای شروع کار و کارآفرینی در مرحله اول به خودشان متکی باشند و حدالمقدور خودشان را به ادارات، سازمان ها، بانک ها و یا افراد سودجو استعمارگر در گیر و یا وابسته نکنند، سعی کنند روی پای خودشان بایستند .

منابع

- ## آگهی ، حسین و میرک زاده ، علی اصغر و تقی بیگی ، معصومه (۱۳۹۱) . « اولویت بندی عوامل موثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی » ، فصلنامه ی زن و جامعه ، سال ۳ ، شماره ۳ ، صفحه : ۱۸۱ - ۲۰۲ .
- ## تقی بیگی ، معصومه و آگهی ، حسین و میرک زاده ، علی اصغر (۱۳۹۳) . « بررسی موانع و راهکارهای مناسب توسعه مشاغل خانگی شهرستان اسلام آباد غرب . مجله پژوهش های روستایی ، دوره ۵ ، شماره ۲ ، صفحه ۲۸۳ - ۳۱۰ .
- ## چراغعلی ، ع (۱۳۹۰) . « عوامل موثر بر توسعه کار آفرینی در تعاونی های کشاورزی » . پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه تهران .
- ## حسینی نیا ، غ و یعقوبی فرانی ، ا و سیدین ، س (۱۳۹۳) . « سنجش عوامل موثر بر عملکرد کسب و کار های زنان کارآفرین در روستاهای شهرستان میان رود » . مجله زن در توسعه و سیاست ، دوره ۱۲ ، شماره ۴ ، صفحه ۵۴۵ - ۵۵۸ .
- ## رضوانی ، م و نجارزاده ، م (۱۳۷۸) . « بررسی و تحلیل زمینه های کارآفرینی روستائیان در فرآیند توسعه نواحی روستایی » . مجله توسعه کارآفرینی ، سال ۱ ، شماره ۲ ، صفحه ۱۶۱ - ۱۸۲ .
- ## رودگر نژاد ، ف و کیاکجوری ، ک (۱۳۸۹) . « چالش ها و موانع توسعه کسب و کار های خانگی » . اولین همایش ملی توسعه مشاغل خانگی چالش ها و راهکارها . تهران ۸ آذر ، صفحه ۱۴۳ - ۱۳۵ .
- ## سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور (۱۳۹۱) . پورتال جامع سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور . وب سایت اینترنتی به آدرس : www.portaltvto.com . دسترسی با نام کاربری اختصاصی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۸ .
- ## سعدی ، ح و سلیمانی ، ع (۱۳۹۱) . « ظرفیت کارآفرینی دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان ، مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران ، جلد ۸ ، شماره ۲ ، ص ۱۰۵ - ۱۱۷ .
- فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری
- ## مختاری ، م و کوچ پی ده ، ف (۱۳۹۳) . « تبیین عوامل موثر بر راه اندازی کسب و کارهای خانگی شاهد تجربی : کسب و کارهای تحت پوشش جهاد کشاورزی در غرب استان مازندران » . دومین همایش ملی کارآفرینی و رقابت پذیری ، ساری مرکز کار آفرینی و ارتباط با صنعت دانشگاه مازندران ، ساری ، ۳۱ اردیبهشت ، ص ۸۶۷ - ۸۷۷
- ## ملک سعیدی ، ح و بخشی جهرمی ، ا و فروزانی ، م (۱۳۹۲) . « عوامل موثر بر انگیزه پیشرفت کارآفرینان زن روستایی : مورد مطالعه شهرستان مرودشت » . مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران ، جلد ۹ ، شماره ۱ ، ص ۱۴۱ - ۱۵۱ .
- مرکز آمار ایران ، سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵ ، ۱۳۹۲
- ## نجاهی ، اکبر . قاسم پور ، ابوالحسن (۱۳۸۹) . « مروری بر مدل های رایج کسب و کار خانگی و ارائه مدل مناسب برای ایران » . اولین همایش ملی توسعه مشاغل خانگی و چالش ها و راهکارها تهران .



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

- ## نجفی، ب و صفا، ل (۱۳۹۳). « بررسی کسب و کارهای خانگی کارآفرینانه و موانع و چالش ها توسعه آن ها در مناطق روستایی ». نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد ۱، شماره ۲، ص ۶۱-۷۳.
- ## Alvani, S. (۲۰۰۹). "The fate of future work, public administration", printing ۳۶, Tehran, reed publishing. (In Farsi).
- ## Bureau of statistics. (۲۰۱۲). "Kermanshah province". Retrieved April ۲۰, ۲۰۱۲, From <http://www.ostanks.ir/portal/Home>. (In Farsi).
- ## Emami maibodi, M. A. (۲۰۰۴). "Italy's labor market and labor-sending areas of the country". Journal of political Information – Economics No ۱۷. (pp. ۲۰۴-۲۰۳۰) (In Farsi).
- ## Hisrich, R. D. & Brush. G. (۲۰۰۲). "women-owned businesses. An exp-loratory study comparing factors affecting performance. Rise business Research Institute for small & emerging Business". New York; Praeger. Pp. ۱۱۷-۲۲۰.
- ## Hirsch, R. D., & Fulop, G. (۱۹۹۴). "The role of women entrepreneurs in Hungary's transition economy". International Studies of Management & Organization, ۲۴(۴), ۱۰۰-۱۱۷.
- ## International Labour Organization (ILO) (۲۰۰۶). Stimulating Youth Entrepreneurship : Barriers and Incentives to enterprise start-ups by young people. By Ulrich Schoof. Small Enterprise Development programme job creation and Enterprise Development Department International labour Office. Geneva
- ## Kader, R. A., Mohamad, M. R. B., and Ibrahim, A. A. H. C. (۲۰۰۷). "Success factors for small rural entrepreneurs under the one-district-one industry programme in Malaysia". Contemporary Management Research, ۵(۲), ۱۴۷-۱۶۲.
- ## Khonifar, H. Ahmadi, H. & Zamanifar, M. (۲۰۱۱). "Motivation and Population Study Factors in Home Entrepreneurship". First commission of national development home businesses, Challenges solution of national development home businesses, challenges solution, Tehran. (2010).
- ## Mambula, C. (۲۰۰۲). "Perception of SME growth constraints in Nigeria". Journal of small Business Management, ۴۰(۱), ۵۸-۶۵.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

National portal of statistice Affairs,(۲۰۰۹) . “ Home gobs career development capabilities”.

From <http://iscanews Item.aspu?newsItemID=۳۱۱۱۴۸>

Nahid, M.(۲۰۱۱). “Role of home-based businesses in job creation, entrepreneurship, youth”.

From <http://mojtabanahid.blogfa.com/post-۳.aspu>.(In Farsi).

Pouratashi,M.(۲۰۱۰).”Home business for women”. The farsi national conference of home businesses development, Challenges and Solutions , Tehran(In Farsi) .

Pouratashi,M.(۲۰۱۰). “ Home business for women. The first national conference of home businesses development, “ challenges and solutions” , Thran (In Farsi).

Pishgahifard ,Z. & poolab, O.M.(۲۰۱۱). “ Future study of women employment in middhe east, concentrateto iran position, women study, ۷th volum, no ۳, Fall ۱۳۸۸,page ۸۹-۱۰۶. (Persian).

Roodgarnezhad,F. Kiya-Kajory,K.(۲۰۱۰). “ Challenges and barriers ofhome businesses development, first commission of national development home businesses, challengessolution. Tehran (۲۰۱۰) (Persian).

Presenting an analytical model of the relationship between factors affecting home businesses, women's participation and empowerment

Saber Shokri¹, Amir Lalisarabi^{2*}, Esmacil Rostamzadeh Gangi³

¹ Management Department, Payam Noor University, Tehran, Iran

² Management Department, Payam Noor University, Tehran, Iran

³ Management Department, Payam Noor University, Tehran, Iran

* lalisarabi@pnu.ac.ir



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract

This study was conducted with the aim of presenting an analytical model of the relationship between effective factors (facilitators and inhibitors) on home businesses (occupations), the level of participation and empowerment of rural women. In terms of the nature and method of this descriptive-correlational study, in terms of its purpose, application and data collection tool, it was a standard questionnaire. The statistical population of this study consisted of rural women from four villages, including the villages of Shire Jin, Ardaha, Oghan and Bojand from the functions of Sarab County in East Azerbaijan Province, from which 350 people were randomly selected and studied based on the Grassi and Morgan table using multi-stage cluster sampling. The most important data collection tool was a questionnaire, the validity of which was confirmed by experts and experts, and to examine its reliability, by calculating the Cronbach's alpha coefficient, the reliability in all parts of the questionnaire was estimated to be more than 0.8, which indicates its reliability. According to the results of the analysis, the facilitating and inhibiting factors of rural women's tendency to start home businesses and small quick-turnaround workshops and the impact of four economic, cultural and social factors, management and educational structure on the issue of women's employment and empowerment of rural women were categorized. The results of the research showed that, by considering the facilitators and inhibitors, the attitude of rural women towards starting home businesses with an emphasis on empowerment in terms of skill training, knowledge promotion, reliance on a self-managed loan fund and their own participation has a significant relationship.

Keywords: Facilitating and inhibiting factors, participation rate, empowerment of rural women

روش های جلب مشارکت مردمی در طرح های حفاظت از منابع طبیعی در مناطق روستایی

معصومه؛ عموزاده؛ مربی، گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

بهمن؛ غلامی؛ استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

همان طور که می دانیم نقش مشارکت مردمی در حفاظت از منابع طبیعی از ضرورت و اهمیت بالایی برخوردار است. به این دلیل این پژوهش با هدف بررسی چالش ها و روش های جلب مشارکت مردمی در طرح های حفاظت از منابع طبیعی در مناطق روستایی صورت گرفت. تعداد جامعه آماری تحقیق حاضر تعداد ۸۹ نفر از کارشناسان اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان ایلام می باشد. ابزار اصلی این پژوهش پرسشنامه می باشد. نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی بیانگر آن است که از دیدگاه پاسخگویان، مشکلات فراروی جلب مشارکت مردم در طرحهای حفاظت از منابع طبیعی در چهار عامل زودبازده نبودن طرح ها، عدم آشنایی مجریان با فنون مشارکت، نبود ضوابط قانونی برای مجریان و مردم و عدم توجه به خواسته های مردم که به طور کلی این چهار عامل در مجموع ۶۱/۴۳ درصد کل واریانس را تبیین نموده اند، قرار دارد و از دیدگاه پاسخگویان روش های جلب مشارکت مردم در طرح های حفاظت از منابع طبیعی در عوامل مشورت و نظارت با کمک مردم، اطلاع رسانی به مردم در مورد طرح ها و حمایت ها و مشوق های مالی که در مجموع ۱۱/۵۱ درصد کل واریانس را تبیین می کنند، قرار دارند.

واژگان کلیدی: حفاظت از منابع طبیعی، پایداری، مشارکت مردمی

۱. مقدمه

در دهه های اخیر اهمیت منابع طبیعی تجدیدشونده به صورت فزاینده ای برای برنامه ریزی، سیاست گذاران، قانون گذاران و مردم کشورهای مختلف روشن شده است، احترام به طبیعت امروزه یک ارزش انکارناپذیر است (سواری، ۱۳۹۲: ۲۷۱). یکی از بخش های مهم منابع طبیعی بخش مراتع است که ۵۰ تا ۷۰ درصد از مساحت جهان را تشکیل میدهد و جملگی از پوشش گیاهی طبیعی پوشیده شده است آنها نقش مهمی در ارائه خدمات اکوسیستم ضروری برای انسان دارند (Havstad, 2007: 264). مشکلات و چالشهای محیط زیستی یکی از مهمترین نگرانیها و دل مشغولیهای انسان در هزاره سوم است. یکی از بخشهای مهم محیط زیست و منابع طبیعی که در دهه های اخیر تخریب زیادی را متحمل شده بخش مراتع است. به همین دلیل در سالهای اخیر در کشورهای مختلف پروژه ها و طرحهای احیایی و حفاظتی اجرا شده است (سواری، ۱۴۰۲: ۲۰۹). توسعه پایدار به معنی اداره و بهره برداری صحیح و کارا از منابع پایه، طبیعی،

مالی و نیروی انسانی برای دستیابی به الگوی مطلوب و با به کارگیری امکانات فنی، ساختاری، تشکیلات مناسب و برای رفع نیاز نسل امروز و فاضلاب، منابع، آب، کشاورزی، جنگل، شیلات و آینده به طور مستمر و رضایت بخش می باشد (IUCN/UNEP/WWF, 1980). هدف اصلی توسعه پایدار تامین نیازهای اساسی، بهبود ارتقا سطح زندگی برای همه، حفظ اداره بهتر سرزمینها، آینده امن تر و سعادتمندتر ذکر شده است. این هدف خود متضمن تناقضی است که بسیاری آن را از خصوصیات اصلی واژه توسعه پایدار می دانند (بحرینی و همکاران، ۱۳۸۰: ۷۳). برای رسیدن به توسعه پایدار تشریح و ارزیابی وضعیت محیط زیست و منابع قبل از هرگونه برنامه ریزی لازم و ضروری می باشد (مخدوم، ۱۳۸۱). در این ارزیابی، مشخص می شود که بحران کنونی محیط زیستی را با هیچ مشکلی جهانی دیگر از ابتدای تاریخ تاکنون نمی توان مقایسه کرد به عبارت دیگر، تاکنون هیچ مشکل جدی تر از بحران محیط زیستی وجود نداشته که بر تمام مسایل عصر ما و سیاره ما، بر سطح خارجی و درون اعماق زمین، موجودات زنده بر آب کره و هوا کره این چنین اثر گذاشته و با آنها در تاثیر و تاثر متقابل بوده باشد (پورخباز، ۱۳۸۱: ۲۲). در دهه های اخیر به دلیل تداوم بحران های محیط زیستی علی رغم پیشرفت علم و فناوری خوشبختانه دیدگاه جهانی نسبت به مشارکت های مردمی تغییر کرده و به عنوان عاملی موثر در رفع بحرانهای محیط زیست مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از طرفداران محیط زیست اکنون بر این اعتقادند که سیاستهای محیط زیستی نه تنها میباید از جامعیت برخوردار باشند بلکه این گونه سیاستها در اجرا محتاج حمایتهای فرهنگی، دینی و اخلاقیات زیربنای حفاظت های محیطی می باشند (Richardson, 2005: 112). با توجه به این که منابع طبیعی به عنوان یکی از ارکان جدایی ناپذیر زندگی انسانها به شمار می روند (Krywkow and Hare, 2008: 227).

منابع طبیعی از ارکان جدایی ناپذیر زندگی انسان ها به شمار می آیند (اسحاق و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۷۱). امروزه امر حفاظت و بهسازی محیط زیست و مقابله با بحرانهای محیط زیستی به یکی از مهمترین مسایل در اداره امور کشورها تبدیل شده است و مسایل محیط - زیستی در دستور کار اغلب دولتهای جهان در سطح داخلی و بین المللی قرار دارد (عبداللهی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵۲). مدیریت منابع طبیعی و ادبیات سیاستگذاری عمومی، مشارکت ذینفعان و منافع آنها را در فرایندهای تصمیم گیری و برنامه ریزی توصیه می کند، نشان می دهد که گنجاندن ذینفعان به مشارکت در طرح های حفاظت از منابع طبیعی باعث افزایش احتمال تصمیم گیری بهتر افزایش یادگیری اجتماعی و به افزایش حمایت جامعه کمک می شود (Taller et al. 2016: 47). آشفته گی و بی نظمی زندگی جامعه و و بحرانهای محیط زیستی، حکایتی روشن از عدم توجه به مشارکت - های مردمی است و بدینسان است که صلح و صفا و طراوت محیط زیست زندگی نیز تنها در صورت تحقق آنها در درون آدمی امکان پذیر است (حسینی و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۸). اهمیت مشارکت در کشور ما نیز طی سالهای اخیر توجه برنامه ریزان و سیاستگذاران را به خود معطوف کرده است؛ به گونه ای که در سند منابع طبیعی و آبخیزداری در افق ۱۴۰۴، یکی از شاخصهای اصلی در خصوص منابع طبیعی نسبت مشارکت پذیری مردم در حفاظت از منابع طبیعی است که بر اساس پیش بینی صورت گرفته تا پایان سال ۱۴۰۴، این نسبت باید به صد درصد ارتقا یابد (سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری ایران، ۱۳۹۰: ۱۲۷). از آنجایی که بیش از ۸۰ درصد عرصه کشور تحت پوشش اراضی ملی و منابع طبیعی است، فقط اصلاح، احیا، توسعه و بهره برداری اصولی از این منابع مدیریتی مستقل و توانمند را می طلبد با توجه به محدودیت های موجود در بخش منابع طبیعی و تخریب و خسارت عدیده وارده به دلیل بهره برداری نامناسب و بی رویه و از طرف دیگر شرایط خاص اقتصادی، اجتماعی کشور ایجاب می نماید

تا به جای تحلیل فشارهای مضاعف در بخش منابع در سایر بخشها سرمایه گذاری بیشتری صورت گیرد. مؤثرترین گام جهت حفظ محیط زیست ارزیابی رفتار و عملکرد مردم در رسیدن به اصول اولیه زندگی پایدار است یعنی مردم باید رفتار خویش را در مواجهه با محیط زیست طوری مورد ارزیابی قرار دهند تا به منشا ثابت و اصول همزیستی با طبیعت دست پیدا کنند چرا که بهره وری صحیح از منابع و جلوگیری از تهي سازی مواهب طبیعی، باعث پایداری زندگی می گردد (Eshaghi et al, 2012: 117). ناآگاهی، کم آگاهی و پایین بودن سطح فرهنگ عمومی مردم، از جمله عوامل تخریب محیط زیست به حساب می آید و می تواند زمینه سوء استفاده عده ای را در تخریب منابع خدادادی و سرمایه های ملی فراهم نماید به همین دلیل، توسعه مباحث علمی و تقویت درک علمی مردم در زمینه محیط زیست باید در دستور کار مدیریت محیط زیست قرار گیرد تا از طریق ارتقاء بنیه علمی عموم مردم در زمینه محیط زیست موجب تعدیل رفتار غیر معقولانه آنان نسبت به طبیعت و ایجاد وجدان پایداری محیط زیستی گردد.

اخیراً اقدامات حفاظتی متعددی از قبیل به تعادل رساندن تعداد دام در مراتع، کنترل و اطفای حریق در جنگل خروج دام از جنگل، یکپارچگی اراضی، شخم حداقل، ایجاد بادشکن و غیره از سوی نهادها و سازمان-های مسؤول صورت گرفته است؛ ولی بخش عمده ای از این فعالیت ها و اقدامات بنابه دلایل مختلف به ویژه عدم مشارکت یا مشارکت پایین روستاییان و دخالت ندادن افراد و گروههای محلی در مراحل مختلف طرح ها از کارایی لازم برخوردار نبوده و طی مدت زمان اندکی پس از اجرای طرح ها با مشکلات متعددی مواجه شده اند که این مساله نیز به نوبه خود افزون بر تحمیل هزینه های زیاد به سازمانهای دولتی متولی به منظور اجرا، نگهداری و توسعه طرح ها اثر بخشی مدیریت منابع طبیعی را نیز به طور جدی کاهش داده است. با این اوصاف، هدف کلی این تحقیق "واکاوی چالشها و راهکارهای جلب مشارکت های مردمی در طرحهای حفاظت از منابع طبیعی در مناطق روستایی" می باشد که با توجه به روند رو به تخریب منابع طبیعی کشور و نیز حجم عملیات گسترده ای که این منابع برای اصلاح و بازسازی طلب می کنند دستگاههای دولتی حتی با چندین برابر ظرفیت فعلی نیز قادر نخواهند بود بخش محدودی از آن را بازسازی و احیا کنند؛ کما اینکه گستردگی و توسعه روزافزون تشکیلات اداری منابع طبیعی کشور طی چند دهه اخیر نتوانسته قدم قابل ملاحظه ای در این زمینه بردارد بنابراین تنها با استمداد از نیروهای عظیم مردمی میتوان در این مسیر گام نهاد.

۲. مواد و روشها

پژوهش حاضر از لحاظ میزان و درجه کنترل، غیرآزمایشی و توصیفی، از نظر نحوه گردآوری داده ها، میدانی و به لحاظ قابلیت تعمیم یافته ها، از نوع پیمایشی محسوب می شود. جامعه آماری این تحقیق را کارشناسان اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری و ادارات منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان های استان ایلام به تعداد ۸۹ نفر تشکیل دادند، سپس به گردآوری داده های مورد نیاز از طریق تکمیل پرسشنامه ها مبادرت به عمل آمد. داده های به دست آمده با استفاده از نرم افزار آماری Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد.

۳. نتایج

نتایج حاصل از بررسی پرسشنامه ها در جدول شماره ۱ بیان گردید. بر اساس یافته های موجود در جدول شماره (۱) کارشناسان منابع طبیعی مهمترین چالشهای فرارو در جلب مشارکت مردمی در طرح های حفاظت از منابع طبیعی را ۱. استفاده از افراد وارد و کارداران در انجام طرح ها می دانند، ۲. قابل اعتماد بودن مجریان طرحها برای مردم، ۳. دانش کم و اطلاعات ناکافی در مورد موضوعات حفاظت منابع طبیعی مردم، و ۴. مناسب نبودن طرح ها با مشکلات واقعی منطقه می دانند. همچنین عواملی که از اولویت پائینی برخوردارند را ۱. طرح های دیگری که دولت قبلا د منطقه انجام داده بی فایده بوده است، ۲. عدم قبول مشارکت مردم در طرحهای حفاظتی از سوی مجریان و ۳. بی اعتمادی مردم در پی نادیده گرفتن نظرات و پیشنهادها می دانند.

جدول شماره ۱: رتبه بندی چالش های فرارو در جلب مشارکت مردمی در طرح های حفاظت از منابع طبیعی در مناطق روستایی

گویه ها	میانگین	انحراف معیار	ضرب تغییرات	اولویت
استفاده از افراد وارد و کارداران در انجام طرح ها	۴/۶۷	۰/۵۶	۰/۱۲	۱
قابل اعتماد بودن مجریان طرح ها برای مردم	۳/۵۱	۰/۷۰	۰/۱۳	۲
دانش کم و اطلاعات ناکافی در مورد موضوعات حفاظت منابع طبیعی مردم	۴/۲۱	۱/۱۱	۰/۱۴	۳
مناسب نبودن طرحها با مشکلات واقعی منطقه	۴/۴۵	۰/۶۸	۰/۱۵	۴
اطلاع رسانی طرحها در رسانه ها (رادیو تلویزیون....	۴/۱۶	۰/۷۱	۰/۱۷	۵
آشنایی مردم با اهداف و برنامه های طرحها	۴/۹	۰/۷۹	۰/۱۸	۶
برگشت فوری منافع احتمالی طرحها به خود مردم منطقه	۴/۲۸	۰/۹۱	۰/۱۹	۷
روشن کردن نوع کمکهایی که مردم می توانند انجام بدهند.	۴/۱۲	۰/۹۳	۰/۲۰	۸
مشورت کردن با ریش سفیدان و معتمدان محل در ابتدای شروع طرح ها	۴/۷۱	۱/۱۱	۰/۲۲	۹
زودبازده و فایده مند بودن طرح ها برای مردم	۳/۹۱	۱/۰۱	۰/۲۳	۱۰
آشنا نبودن مجریان با فنون مشارکت نظر سنجی از مردم منطقه برای نوع طرحه	۳/۱۹	۱/۲۲	۰/۲۴	۱۱
فقدان توان مالی مردم برای کمک به طرح ها. الزامات قانونی محکم و مصوب برای مشارکت مردم در طرح ها	۳/۸۲	۱/۳۳	۰/۲۵	۱۲
نهادینه نشدن مشارکت بین مردم و مجریان طرح ها	۳/۵۲	۰/۹۸	۰/۲۶	۱۳
نداشتن سود مالی برای مردم در مشارکت طرح ها	۳/۳۷	۰/۹۵	۰/۲۷	۱۴
وجود موانع سیاسی در مشارکت مردم	۳/۱۵	۱/۲۱	۰/۲۹	۱۵

۱۶	۳۱٪	۱/۳۳	۲/۶۸	طرح های دیگری که دولت قبلا د منطقه انجام داده بی فایده بوده است
۱۷	۳۲٪	۱/۲۵	۲/۴۷	عدم قبول مشارکت مردم در طرحهای حفاظتی از سوی مجریان
۱۸	۳۴٪	۰/۹۶	۳/۲۸	بی اعتمادی مردم در پی نادیده گرفتن نظرات و پیشنهادهای

۴. بحث و نتیجه گیری

واضح است که تخریب منابع طبیعی تجدید شونده ریشه در سه عامل جهل، فقر و طمع دارد. فقر و طمع نیز به نوبه خود محصول ناآگاهی ها و جهل انسانها می باشد. از این رو در یک جامعه ناآشنا با سرشت و نیازهای طبیعت بروز رفتارهای ناسازگار با پایداری طبیعت دور از انتظار نخواهد بود. اکثر فعالیت های منابع طبیعی به دست مردم قابل اجرا می باشد، اما برای رسیدن به هدف نهایی و واگذاری عرصه های ملی به صاحبان اصلی آن باید زمینه جلب مشارکت فراهم گردد و دولتمردان با اعتقاد به اصل مشارکت باید با استفاده از روش های مختلف زمینه مشارکت مردم را در هر طرحی به وضوح مشخص نمایند. با توجه به اهمیت موضوع، تحقیق حاضر در خصوص واکاوی چالش ها و راهکارهای جلب مشارکت مردمی در طرحهای حفاظت از منابع طبیعی در مناطق روستایی انجام گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که بر اساس یافته های تحلیل عاملی در زمینه چالش های فراروی جلب مشارکت مردمی در طرح های حفاظت از منابع طبیعی در مناطق روستایی، پنج عامل شامل ۱. نهادینه نشدن مشارکت بین مردم و مجریان طرح ها، ۲. عدم آشنایی مجریان با فنون مشارکت، ۳. عدم توجه به خواسته های مردم، ۴. نبود ضوابط قانونی برای مجریان و مردم و ۵. زودبازده نبودن طرحها، می باشند که این پنج عامل در مجموع در حدود ۸۲۳/۳۲ درصد واریانس را مشخص می نمایند. در زمینه راهکارهای جلب مشارکت مردمی در طرح های حفاظت از منابع طبیعی در مناطق روستایی چهار عامل شامل روشن کردن نوع کمکهایی که مردم می توانند انجام بدهند، حمایت ها و مشوق های مالی، مشورت و نظارت با کمک مردم و اطلاع رسانی به مردم در مورد طرح ها، می باشند که این چهار عامل در مجموع در حدود ۵۷۶/۳۷ درصد واریانس را مشخص می نمایند. در نتیجه با توجه به یافته های حاصل از بررسی نتایج پژوهش پیشنهادات ذیل ارائه می گردد:

۱. در بحث توانمندسازی دانش بومی با دانش نوین تلفیق شود و مدیریت از پایین به بالا باشد.
۲. مشارکت صحیح روستاییان با هدف توانمندسازی صورت گیرد.
۳. برای بهبود خودکارآمدی افراد در حفاظت از منابع طبیعی، مؤثرترین روش آگاهی و آموزش است.
۴. تشکیل کلاس های ترویجی برگزاری نمایشگاه ها و همایش ها در زمینه های مختلف حفاظت منابع طبیعی و تشکیل کارگاههای آموزشی تهیه و توزیع پوستر و غیره زمینه های بهبود مشارکت افراد محلی در طرح ها را فراهم نمود.
۵. در خصوص عوامل حقوقی و مسایل مربوط به سیاست ها و قوانین توجه به مواردی از قبیل تخصیص اختیارات به جوامع محلی و نهادها تقویت دهیاری ها و شوراهای اسلامی و تصمیمات آنها و به طور کل، جایگزین کردن برنامه ریزی با مردم به جای برنامه ریزی برای مردم می تواند مفید واقع گردد.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

۴. تشکیل انجمن ها و تشکل های مردمی و ارتباط دوسویه بین مردم و مسئولان، تهیه طرحهای منابع طبیعی متناسب با شرایط و توانایی ذی نفعان دادن مسئولیت حفظ و نگهداری طرحها به ذینفعان و فراهم کردن زمینه هایی برای مذاکرات در مورد مسایل محیط زیستی بین ذی نفعان.

منابع

منابع باید در انتهای مقاله و با ترتیب فارسی و سپس انگلیسی مانند نمونه نشان داده شده در ذیل ذکر شوند. هر یک از منابع را با دو هشتک (##) از دیگر منبع جدا کنید. دقت نمائید کلیه منابعی که در فهرست منابع ارائه شده‌اند، در متن مقاله ذکر شده باشند. از نام خانوادگی نویسنده و سال درون پرانتز در متن استفاده نمایید (احمدی، ۱۳۹۸) و فهرست منابع بر حسب نام خانوادگی نویسنده اول به صورت الفبایی مرتب شود. به عنوان این بخش نیز شماره‌ای تعلق نمی‌گیرد. در بخش منابع انتهای مقاله برای منابع فارسی از فونت BZar سایز ۱۱ و برای منابع انگلیسی از فونت Times New Roman سایز ۱۰ استفاده شود. چند مثال از نحوه ارائه منابع در متن و انتهای مقاله، در زیر ارائه شده است:

در متن مقاله:

✓ یک نویسنده: (اصغری، ۱۴۰۰) و برای منابع انگلیسی: (Edwards, 2020)

✓ دو نویسنده: (اصغری و کاظمی، ۱۴۰۰) و برای منابع انگلیسی: (Edwards and Smith, 2020)

✓ بیش از دو نویسنده: (اصغری و همکاران، ۱۴۰۰) و برای منابع انگلیسی: (Edwards et al., 2020)

اسحاقی، س. ر، رضایی، ر. ا، حجازی، س. ی، شیر، ن. ا، قدیمی، س. ع، ۱۳۹۲. تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در طرح‌های حفاظت از منابع طبیعی، دوره ۴۴، شماره ۳، ۴۶۳-۴۷۱.

بحرینی، س. ح و مکنون، ر، توسعه شهری پایدار: از فکر تا عمل، نشریه محیط‌شناسی، ۱۳۸۱. دوره ۲۷، شماره ۲۷، ۱۳۸۰، ۴۱-۶۰.

پورخجاز، ع، ۱۳۸۱. مهمترین اختلالات زیست محیطی قرن. انتشارات نشر.

حسینی، س. ف و عمیق، م، ۱۳۹۶. اخلاق زیست محیطی در اسلام، نشر ژاکان.

سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری ایران، ۱۴۰۴. توسعه منابع طبیعی و آبخیزداری.

دفتر برنامه و بودجه، ۱۳۹۰. تهران، نشر پونه.

سواری، م، اسلامی، م. و منوری فرد، ف، ۱۳۹۲. تأثیر سرمایه اجتماعی بر رضایت شغلی کارکنان کشاورزی، شهرستان دیواندره، مجله پژوهشی بین‌المللی علوم کاربردی و پایه، ۴(۲)، ۲۹۱-۲۹۵.

سواری، م، ۱۴۰۲. بررسی چالش‌های مشارکت دامداران در طرح‌ها و پروژه‌های حفاظت از مراتع (مطالعه موردی: منطقه سارال در غرب ایران)، نشریه علمی تحقیقات حمایت و حفاظت جنگلها و مراتع ایران، جلد ۲۱، شماره ۲، ۲۰۷-۲۲۴.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

عبداللهی، م. و فریادی، م، ۱۳۸۹. چالش های حقوقی سازمان حفاظت محیط زیست ایران، مجله علوم محیطی، ۷(۴)، ۱۴۳-۱۸۰.

مخدوم، م. ف، ۱۳۸۱. مبانی کاربری اراضی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.

##. Havstad, K.M., Peters, D.P, Skaggs, R, Brown, J, Bestelmeyer, B, Fredrickson, E. and Wright, J,(2007). Ecological services to and from rangelands of the United States Ecological Economics, 64(2)t, 261-268..

##. IUCN/UNEP/WWF (1980). World Conservation Strategy Living Resource Conservation for Sustainable Development. Switzerland: IUCN.

##. Krywkow, J. & Hare, M. (2008). Participatory process management. International Congress on Environmental Modeling and Software, EMSS, pp. 888-899.

##. Richardson, T. (2005). Environmental assessment and planning theory: four short stories about power, multiple rationality, and ethics. Environmental Impact Assessment Review, 25, 341-365.

##. Talley, J. L., Schneider, J., & Lindquist, E. (2016). A simplified approach to stakeholder engagement in natural resource management: the Five-Feature Framework. Ecology and Society 21(4):38.

Article title in English (Times New Roman pt.14 Bold)

Masoumeh amozadeh¹, bahman gholami^{2*}

Address 1: ¹ Assistant Professor, Department of Management, Payam Noor University, Tehran, iran

Address 2: instructor, Department of Geography, Payam Noor University, Tehran, Iran

* e-mail: bgholami@pnu.ac.ir



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract

As we know, the role of public participation in the protection of natural resources is of great necessity and importance. For this reason, this research aimed to examine the challenges and methods of attracting public participation in natural resource protection projects in rural areas. The statistical population of the present study is 89 experts from the General Directorate of Natural Resources and Watershed Management of Ilam Province. The main instrument of this study is a questionnaire. The results obtained from factor analysis indicate that from the respondents' perspective, the problems facing attracting public participation in natural resource conservation projects lie in four factors: the lack of quick returns on projects, the lack of familiarity of implementers with participation techniques, the lack of legal regulations for implementers and the public, and the lack of attention to the public's demands. In general, these four factors explained 61.43 percent of the total variance and from the respondents' perspective, methods of attracting public participation in natural resource conservation projects include consultation and monitoring with the help of the public, informing the public about the projects, and financial support and incentives, which together explain 11.51 percent of the total variance.

Keywords: Conservation of natural resources, sustainability, public participation

بررسی تجربه زیسته یادگیری در محیط‌های آموزشی چند فرهنگی

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تجربه زیسته یادگیری در محیط‌های آموزشی چند فرهنگی بوده است. لذا این پژوهش از لحاظ هدف جز تحقیقات توسعه‌ای و از لحاظ روش گردآوری یافته‌ها جز تحقیقات کیفی و با روش پدیدارشناسی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل معلمان و دانش‌آموزان مدارس چند فرهنگی در شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۰۴ بوده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند معیار تعداد ۲۰ دانش‌آموز و ۱۵ معلم به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار گردآوری یافته‌ها در این پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بوده است و اعتباریابی از طریق چهار معیار لینکلن و گوبا^{۱۲۵} (۱۹۸۵) و ضریب توافق بین دو کدگذار مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده‌ها از طریق روش کدگذاری سه مرحله‌ای اشتراوس و کوربین (۱۹۶۷) تحلیل شدند. بر اساس یافته‌های پژوهش تعداد ۴۲۳ کد باز، ۱۷ کد محوری و ۵ کد انتخابی شناسایی شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی چند فرهنگی با چالش‌هایی نظیر اختلافات فرهنگی و زبانی، پذیرش و تبعیض فرهنگی و چالش‌های هویت فرهنگی مواجه هستند. با این حال، این محیط‌ها همچنین فرصت‌هایی برای تقویت مهارت‌های ارتباطی بین فرهنگی، گسترش افق‌های فکری و نگرشی، افزایش فرصت‌های یادگیری زبان‌های مختلف، و تقویت همدلی و همکاری گروهی فراهم می‌آورند. همچنین، معلمان در این محیط‌ها با چالش‌هایی همچون مشکلات زبانی و ارتباطی، مدیریت تنوع فرهنگی و ارزشی، ارزیابی و شناسایی نیازهای متنوع آموزشی و کمبود منابع و حمایت‌های آموزشی مناسب روبه‌رو بودند. با این حال، این شرایط همچنین فرصت‌هایی برای تقویت مهارت‌های بین فرهنگی، افزایش خلاقیت و نوآوری در تدریس، و توسعه شغلی و یادگیری فرهنگی ایجاد می‌کند. بعلاوه، یافته‌ها نشان دادند که تجربیات معلمان در زمینه تدریس به دانش‌آموزان با پیش‌زمینه‌های فرهنگی مختلف شامل چالش‌هایی مانند دشواری‌های ارتباطی، آشنایی و احترام به تنوع فرهنگی، و استفاده از روش‌های تدریس فردی شده بودند که به ارتقای کیفیت آموزش و توجه به نیازهای متنوع دانش‌آموزان کمک می‌کند.

کلیدواژه‌گان: تجربه زیسته، یادگیری، چند فرهنگی، محیط‌های آموزشی چند فرهنگی

¹²⁵ . Lincoln & Guba

مقدمه

با گسترش مهاجرت‌های بین‌المللی و تأثیرات گسترده جهانی شدن، محیط‌های آموزشی به سرعت به فضاهایی چند فرهنگی تبدیل شده‌اند. در این محیط‌ها، دانش‌آموزان و دانشجویان از فرهنگ‌ها، زبان‌ها و زمینه‌های اجتماعی متفاوتی گرد هم می‌آیند و فرآیند یادگیری به مراتب پیچیده‌تر و متنوع‌تر می‌شود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۸). این تنوع، چالش‌هایی اساسی را در حوزه آموزش ایجاد می‌کند. از یک سو، تنوع فرهنگی می‌تواند غنی‌سازی فرآیند یادگیری را تسهیل کند و از سوی دیگر، ممکن است به دلیل تفاوت‌های زبانی و فرهنگی، مشکلاتی مانند نابرابری در دسترسی به منابع آموزشی و سوء تفاهم‌های ارتباطی بروز پیدا کند (گارسیا^{۱۲۶}، ۲۰۱۹). بررسی این پیچیدگی‌ها از منظر تجربه زیسته دانش‌آموزان و دانشجویان اهمیت بسزایی دارد، چرا که تجربیات فردی و گروهی آنها می‌تواند به درک بهتر چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این محیط‌ها کمک کند (زارع و همکاران، ۱۳۹۹).

در محیط‌های چند فرهنگی، یکی از مسائل اساسی که بر فرآیند یادگیری تأثیر می‌گذارد، تفاوت‌های زبانی و فرهنگی است. زبان به عنوان مهم‌ترین ابزار ارتباطی و همچنین بخشی از هویت فردی و فرهنگی افراد عمل می‌کند (صادقی، ۱۴۰۰). در این راستا، دانش‌آموزانی که از زبان مادری متفاوتی برخوردار هستند ممکن است در فهم و استفاده از زبان غالب کلاس با مشکلاتی مواجه شوند که این امر نه تنها بر تعاملات اجتماعی آنها تأثیر می‌گذارد بلکه باعث کاهش توانایی آنها در بهره‌برداری از فرصت‌های آموزشی می‌شود (مدنی و همکاران، ۱۳۹۹). بنابراین، مسئله اصلی که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود، چگونگی تأثیر این تفاوت‌های زبانی و فرهنگی بر تجربه یادگیری دانش‌آموزان است و اینکه چگونه می‌توان محیط‌های چند فرهنگی را به نحوی مدیریت کرد که این تفاوت‌ها به فرصت‌های یادگیری تبدیل شوند.

تحقیقات نشان داده است که تنوع فرهنگی می‌تواند به تقویت مهارت‌های اجتماعی و بین‌فرهنگی در میان دانش‌آموزان منجر شود. این نوع از تعاملات میان‌فرهنگی، فرصت‌هایی برای تبادل دیدگاه‌ها و یادگیری از تجربیات متفاوت فراهم می‌کند (احمدی و همکاران، ۱۴۰۱). با این حال، عدم توجه به نیازهای فرهنگی و زبانی افراد در محیط‌های آموزشی می‌تواند منجر به تضادها و نابرابری‌های آموزشی شود (کیم و همکاران، ۲۰۲۱). برای مثال، در بسیاری از موارد، دانش‌آموزان با پیشینه‌های فرهنگی متفاوت احساس می‌کنند که نیازها و ارزش‌های فرهنگی آنها در فرآیند یادگیری نادیده گرفته می‌شود. این نادیده گرفتن می‌تواند موجب کاهش انگیزه و احساس بیگانگی در میان دانش‌آموزان شود که در نهایت عملکرد تحصیلی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (هال و همکاران، ۲۰۱۹). مروری بر مطالعات داخلی و خارجی انجام‌شده در حوزه آموزش چندفرهنگی نشان می‌دهد که محیط‌های آموزشی چندفرهنگی نقش قابل توجهی در رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. پژوهش‌های داخلی نظیر تحقیقات کریمی (۱۴۰۱)، جعفری (۱۴۰۰)، صالحی و همکاران (۱۳۹۹)،

¹²⁶ . Garcia

فلاحی (۱۳۹۸) و دیگران حاکی از آن است که حضور در چنین محیط‌هایی منجر به تقویت هویت فرهنگی، افزایش انگیزه تحصیلی، رشد مهارت‌های اجتماعی و شخصیتی، بهبود تعاملات فرهنگی و ارتقای توانایی تحمل و همزیستی مسالمت‌آمیز در میان دانش‌آموزان می‌شود. همچنین، آموزش در این فضاها باعث گسترش مهارت‌های میان‌فرهنگی، افزایش کیفیت یادگیری و بهبود توانمندی‌های ارتباطی شده و دانش‌آموزان را برای زندگی در جامعه‌ای متنوع‌تر آماده می‌سازد. با این حال، برخی مطالعات همچون پژوهش عباسی (۱۳۹۷) و زاهدی (۱۳۹۳) به چالش‌هایی نظیر تفاوت‌های زبانی، ناآگاهی فرهنگی معلمان و تنش‌های فرهنگی نیز اشاره دارند که لزوم توانمندسازی معلمان در مدیریت کلاس‌های چندفرهنگی را برجسته می‌کند. یافته‌های پژوهش‌های بین‌المللی مانند تحقیقات اسمیت و براون (۲۰۲۴)، گارسیا (۲۰۲۳)، میلر و رابرتز (۲۰۲۱)، جانسون (۲۰۲۰)، واکر (۲۰۱۹) و دیگران نیز این نتایج را تأیید می‌کنند و نشان می‌دهند که محیط‌های چندفرهنگی، ضمن تقویت تعاملات اجتماعی و انگیزه تحصیلی، به ارتقای عملکرد تحصیلی، یادگیری زبان دوم، توسعه برابری آموزشی و درک بهتر تنوع فرهنگی منجر می‌شوند. در مجموع، آموزش چندفرهنگی نه تنها فرصتی برای ارتقای یادگیری و رشد فردی دانش‌آموزان فراهم می‌سازد، بلکه زمینه‌ساز تربیت نسلی آگاه‌تر، پذیرا‌تر و توانمندتر برای زیست در جهانی متکثر و پیچیده است.

یکی دیگر از چالش‌های مهم در محیط‌های چند فرهنگی، نابرابری در دسترسی به منابع آموزشی است. دانش‌آموزانی که از زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی ضعیف‌تری می‌آیند، ممکن است به دلیل محدودیت‌های مالی یا اجتماعی به منابع آموزشی مناسب دسترسی نداشته باشند. این نابرابری‌ها می‌تواند باعث افزایش شکاف تحصیلی بین دانش‌آموزان شود (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۸). از این رو، مسأله اصلی این پژوهش بررسی چگونگی تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی بر دسترسی به منابع آموزشی در محیط‌های چند فرهنگی است و اینکه چگونه این عوامل بر تجربه زیسته دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد.

تنوع فرهنگی نه تنها چالش‌هایی را در حوزه آموزش ایجاد می‌کند، بلکه فرصت‌هایی نیز به همراه دارد. اگر این تنوع به درستی مدیریت شود، می‌تواند به غنی‌سازی فرآیند یادگیری کمک کند (گارزون و گیسون^{۱۲۷}، ۲۰۱۸). دانش‌آموزان در این محیط‌ها می‌توانند از طریق تعامل با افراد از فرهنگ‌های مختلف، دیدگاه‌های جدیدی نسبت به مسائل جهانی پیدا کنند و مهارت‌های بین‌فرهنگی خود را توسعه دهند. این امر نه تنها به افزایش درک و تحمل میان‌فرهنگی منجر می‌شود بلکه دانش‌آموزان را برای زندگی در جوامع جهانی و چندفرهنگی آماده می‌کند (هال و همکاران، ۲۰۱۹). این پژوهش نیز به بررسی این فرصت‌ها پرداخته و سعی دارد راهکارهایی را برای بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها ارائه دهد.

باتوجه به مطالب ذکر شده هدف اصلی این پژوهش، بررسی تجربه زیسته یادگیری در محیط‌های آموزشی چند فرهنگی است؛ چرا که تعاملات میان‌فرهنگی اگرچه می‌توانند فرصت‌هایی برای تقویت هم‌زیستی، یادگیری متقابل و گسترش شبکه‌های اجتماعی فراهم آورند،

127. Garzon & Gibson

اما در عین حال ممکن است منجر به بروز سوء تفاهم‌ها، تنش‌ها و تضادهای فرهنگی شوند که بر کیفیت یادگیری و فرآیند آموزشی تأثیر منفی می‌گذارند (گارسیا، ۲۰۱۹). این پژوهش می‌کوشد با بررسی عمیق این تعاملات، به درکی جامع‌تر از چگونگی مدیریت مؤثر تنوع فرهنگی در فضای مدارس دست یابد و راهکارهایی عملی برای بهبود ارتباطات میان فرهنگی در محیط‌های آموزشی ارائه دهد. در ادامه، یافته‌های این مطالعه می‌تواند مبنایی برای ارائه پیشنهادهایی راهبردی به سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی جهت بهبود کیفیت آموزش در مدارس چندفرهنگی، کاهش نابرابری‌های آموزشی و ارتقای عدالت آموزشی باشد (هال و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین، این پژوهش با توجه به تجربیات زیسته دانش‌آموزان و معلمان، می‌تواند در ارتقای آگاهی حرفه‌ای معلمان نقش آفرین باشد و آنان را در انتخاب و به کارگیری شیوه‌های آموزشی متناسب با نیازهای فرهنگی متنوع دانش‌آموزان یاری دهد. از این رو، سؤال اصلی این پژوهش چنین تعریف می‌شود: *چالش‌های میان فرهنگی در تعاملات بین دانش‌آموزان و معلمان در محیط‌های آموزشی چندفرهنگی چیست و چگونه می‌توان این چالش‌ها را به طور مؤثر مدیریت کرد؟*

روش پژوهش

در این پژوهش، با توجه به ماهیت پیچیده و انسانی مسئله مورد بررسی که ناظر بر تجربه زیسته یادگیری در محیط‌های آموزشی چندفرهنگی است، روش‌شناسی تحقیق با دقت و حساسیت ویژه‌ای طراحی شده و از چارچوب پژوهش کیفی بهره گرفته شده است؛ زیرا روش کیفی، به ویژه در بررسی پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی، روشی کارآمد برای درک عمیق مفاهیم و تجارب انسانی محسوب می‌شود. در میان رویکردهای کیفی مختلف، روش پدیدارشناسی به عنوان مناسب‌ترین روش تحقیق برای این موضوع انتخاب گردید، چراکه این روش بر کشف و تحلیل معانی نهفته در تجربه‌های زیسته افراد تمرکز دارد و می‌کوشد از طریق بازسازی ذهنی و احساسی تجربیات، به فهمی عمیق از پدیده مورد بررسی دست یابد. پدیدارشناسی امکان آن را فراهم می‌سازد که پژوهشگر با نگاهی باز و بدون پیش فرض، وارد دنیای درونی افراد شده و آنچه را که آن‌ها واقعاً تجربه کرده‌اند، از زبان خودشان و در بافت فرهنگی و اجتماعی آن‌ها دریافت کند. در این مسیر، پژوهشگر نه تنها به توصیف آنچه افراد دیده و احساس کرده‌اند می‌پردازد، بلکه تلاش می‌کند معنای این تجربه‌ها را از منظر افراد درگیر بازشناسد و تفسیر کند.

جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان و معلمان شاغل و مشغول به تحصیل در مدارس چندفرهنگی شهر اصفهان است. انتخاب اصفهان به دلیل وجود تنوع فرهنگی، زبانی، قومی و اجتماعی بالا در این شهر صورت گرفته است؛ شهری که به عنوان یکی از مراکز بزرگ آموزشی و فرهنگی ایران، میزبان خانواده‌هایی از پیشینه‌های قومی گوناگون (از جمله فارس، ترک، لر، عرب، بلوچ و مهاجران افغان و تاجیک) است. مدارس منتخب نیز به گونه‌ای تعیین شدند که از این تنوع برخوردار باشند و بتوانند به طور واقعی بازنمای شرایط یک محیط آموزشی چندفرهنگی باشند. این مدارس شامل مدارس دولتی و غیردولتی، مدارس بین‌المللی، و مدارس هستند که به طور خاص به آموزش گروه‌های اقلیت قومی و زبانی پرداخته و در آن‌ها تنوع فرهنگی دانش‌آموزان و معلمان به خوبی قابل مشاهده است. در

انتخاب شرکت کنندگان، نمونه گیری به صورت هدفمند انجام شد، به این معنا که تنها افرادی وارد نمونه شدند که تجربه عمیق، واقعی و مستقیم از یادگیری یا تدریس در چنین محیط‌هایی داشته باشند. معیارهای ورود به پژوهش شامل داشتن حداقل یک سال سابقه حضور مستمر در محیط آموزشی چندفرهنگی، تمایل به مشارکت در مصاحبه و توانایی بیان تجربیات شخصی و دیدگاه‌ها به صورت تفصیلی بود.

حجم نمونه بر اساس اصل اشباع نظری تعیین شد، به گونه‌ای که روند مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که داده‌ها به نقطه‌ای رسیدند که اطلاعات جدیدی حاصل نمی‌شد. در مجموع، ۲۰ دانش‌آموز از مقاطع تحصیلی مختلف و ۱۵ معلم از رشته‌های گوناگون، که تجربه تدریس در محیط‌های فرهنگی متنوع را داشتند، به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند. این تنوع در نمونه نه تنها از نظر فرهنگی و زبانی، بلکه از نظر جنسیتی، سنی، پیشینه خانوادگی و میزان تعامل با گروه‌های فرهنگی متفاوت نیز رعایت شد تا زمینه برای تحلیل جامع‌تری از تجربه زیسته یادگیری در چنین محیط‌هایی فراهم شود.

برای جمع‌آوری داده‌ها، از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق استفاده شد. این روش مصاحبه به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا ضمن استفاده از چارچوب سوالات از پیش تعیین شده، بتواند در طول مصاحبه، براساس پاسخ‌های مصاحبه‌شونده، پرسش‌های تکمیلی و تعقیبی را نیز مطرح کند. مصاحبه‌ها در محیطی آرام، امن و بدون تنش انجام گرفتند و هر جلسه به طور متوسط بین ۴۵ دقیقه تا یک ساعت زمان برد. مصاحبه‌ها ضبط و سپس به طور کامل پیاده‌سازی شدند. طراحی سوالات به گونه‌ای بود که شرکت کنندگان بتوانند آزادانه و با جزئیات درباره تجربه‌های خود از تعاملات فرهنگی، موانع و فرصت‌های یادگیری، برداشت‌های شخصی از تفاوت‌های فرهنگی، احساسات خود در موقعیت‌های خاص، و اثرات این تعاملات بر یادگیری و انگیزششان سخن بگویند. روند مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت که اطلاعات به دست آمده به سطحی از تکرار رسید و محتوای جدیدی در آن‌ها ظاهر نشد.

در راستای افزایش روایی و پایایی داده‌ها، از راهبردهای متنوعی بهره گرفته شد. در وهله نخست، فرآیند بازبینی و اصلاح سوالات مصاحبه توسط متخصصان حوزه تعلیم و تربیت و نیز صاحب‌نظران در آموزش چندفرهنگی صورت گرفت تا از هم‌راستایی پرسش‌ها با اهداف پژوهش اطمینان حاصل شود. سپس، با استناد به معیارهای چهارگانه لینکلن و گوبا شامل قابلیت تأیید، قابلیت انتقال، قابلیت وابستگی و اعتبار، مجموعه‌ای از اقدامات نظیر بازبینی یافته‌ها توسط مشارکت کنندگان (بازخورد مشارکت کننده)، بازبینی تحلیل‌ها توسط متخصصان (بازبینی همتایان)، و مستندسازی دقیق تمامی مراحل جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها انجام گرفت. برای ارزیابی پایایی تحلیلی، از روش توافق بین دو کدگذار استفاده شد. در این روش، دو تحلیل‌گر به صورت مستقل داده‌ها را کدگذاری کردند و میزان توافق میان کدهای استخراجی با استفاده از فرمول تعیین ضریب توافق مورد محاسبه قرار گرفت که حاصل آن عدد ۰.۷۸ بود؛ عددی بالاتر از حداقل معیار قابل قبول (۰.۶) و نشان‌دهنده ثبات و قابلیت اطمینان بالای فرایند تحلیل داده‌ها.

$$\frac{\text{تعداد توافقی}}{\text{تعداد توافقی پذیر امکان}} = \frac{23}{28} = 0/78$$

تحلیل داده‌های گردآوری شده بر اساس فرآیند سه مرحله‌ای کدگذاری شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام گرفت؛ روشی که از سوی اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) پیشنهاد شده و به‌طور خاص در مطالعات پدیدارشناختی کاربرد دارد. در مرحله اول (کدگذاری باز)، مفاهیم اولیه از دل متن مصاحبه‌ها استخراج شد؛ سپس در مرحله دوم (کدگذاری محوری)، پژوهشگر به دنبال کشف روابط معنایی میان این مقوله‌ها برآمد و یک مقوله محوری را به‌عنوان هسته مرکزی تحلیل انتخاب کرد و مقوله‌های فرعی را به آن مرتبط ساخت. در مرحله سوم (کدگذاری انتخابی)، مقوله‌ها در چارچوبی جامع و منسجم با یکدیگر تلفیق شده و مدل نهایی پژوهش شکل گرفت؛ مدلی که تصویری جامع از نحوه شکل‌گیری و تحول تجربه یادگیری در بستر چندفرهنگی ارائه می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، گروه شرکت‌کنندگان شامل دو بخش اصلی دانش‌آموزان و معلمان مدارس چندفرهنگی شهر اصفهان بودند که به‌منظور تأمین تنوع و نمایندگی جامع، با دقت و بر اساس معیارهای خاص انتخاب شدند. در بخش دانش‌آموزان، ۲۰ نفر به‌طور مساوی از نظر جنسیت شامل ۱۰ دختر و ۱۰ پسر حضور داشتند که همگی در مقطع متوسطه دوم تحصیل می‌کردند. این دانش‌آموزان از پایه‌های مختلف تحصیلی و با سطوح آموزشی متنوع انتخاب شدند تا انعکاس‌دهنده گستره وسیعی از تجارب یادگیری باشند. همچنین، نکته قابل توجه در این گروه، تنوع قابل توجه زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی بود که از پیشینه‌های قومی مختلف نشأت می‌گرفت؛ این ویژگی زمینه مناسبی برای تحلیل تأثیرات فرهنگ‌های گوناگون بر فرایند یادگیری و تعاملات بین فردی فراهم آورد. از سوی دیگر، در بخش معلمان، ۱۵ نفر از رشته‌های تخصصی مختلف آموزشی نظیر علوم انسانی، ریاضیات و زبان انگلیسی به‌عنوان شرکت‌کننده حضور داشتند که از نظر جنسیتی نیز نسبتی متوازن با ۷ زن و ۸ مرد داشتند. تمامی معلمان دارای سابقه تدریس بیش از ۷ سال بودند که این تجربه قابل توجه، توانمندی آنان را در مواجهه با شرایط چندفرهنگی و پیچیدگی‌های مرتبط افزایش می‌داد. معلمان نیز از تنوع فرهنگی و اجتماعی برخوردار بودند و این ویژگی می‌توانست نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش‌ها، شیوه‌های تدریس و کیفیت تعاملات آموزشی آنها ایفا کند. به‌طور کلی، ساختار نمونه تحقیق به گونه‌ای طراحی شده بود که نمایانگر تنوع جنسیتی، فرهنگی، تحصیلی و تخصصی باشد و بدین ترتیب امکان بررسی دقیق و همه‌جانبه تأثیر عوامل متنوع فرهنگی و اجتماعی بر تجارب زیسته یادگیری و تدریس در محیط‌های چندفرهنگی فراهم گردد. این تنوع و تعادل در ترکیب شرکت‌کنندگان، پایه‌ای قوی برای تحلیل‌های کیفی عمیق و جامع ایجاد کرد و به پژوهش اجازه داد تا دیدگاه‌های مختلف و چندبعدی مرتبط با یادگیری و تعاملات فرهنگی را به‌خوبی بازتاب دهد.

جدول (۱): چالش‌ها و فرصت‌های دانش‌آموزان در محیط‌های چندفرهنگی

کد گذاری انتخابی	کد گذاری محوری	کد گذاری باز
چالش های دانش آموزان در محیط های چند فرهنگی	اختلافات فرهنگی و زبانی	من نمی توانم بعضی از کلمات معلم رو درست بفهمم، چون زبانم به فارسی نیست گاهی اوقات نمی دونم که باید چطور حرف بزنم، چون زبانم فرق داره وقتی معلم از کلمات خاص فرهنگی استفاده می کنه، خیلی سخت می فهمم بعضی وقت ها وقتی حرف می زنم، انگار که همه به من نگاه می کنن چون لهجه ام فرق داره همیشه احساس می کنم که نمی توانم به خوبی توضیح بدم چون زبانم خوب نیست معمولاً تو کلاس مجبورم سوالاتم رو با دست اشاره کنم، چون نمی توانم حرف بزنم کلمات زیادی هست که نمی فهمم چون به زبان مادری من نیست گاهی احساس می کنم که نمی فهمم چی می گه چون زبان جدیدیه در بحث های کلاسی خیلی نمی توانم شرکت کنم چون زبانم کامل نیست مترجم نمی آید که به من کمک کنه تا درست بفهمم چی می گن بعضی وقت ها معلم از اصطلاحات پیچیده استفاده می کنه که من اصلاً نمی فهمم ما یک بار تو کلاس یک کلمه رو اشتباه گفتم، همه شروع کردن به خندیدن دستم می لرزه وقتی می خوام جواب بدم چون نگرانم اشتباه حرف بزنم

		بعضی وقت‌ها نمی‌دونم چی باید بگم، چون زبان جدید خیلی سخت شده گاهی با دوستانم صحبت می‌کنم، ولی نمی‌فهمم چی می‌گن چون لهجه‌ها فرق داره من همیشه برای یاد گرفتن زبان بیشتر به کمک نیاز دارم معلم خیلی اوقات کلمات جدید رو به ما یاد نمی‌ده، فقط ادامه می‌ده من اصلاً نمی‌دونم چه جور با دوستانم صحبت کنم چون بعضی وقت‌ها اصطلاحات رو نمی‌فهمم توی مدرسه خیلی احساس تنهایی می‌کنم چون نمی‌تونم درست با بقیه ارتباط برقرار کنم گاهی وقت‌ها نمی‌تونم درسی رو بفهمم چون به زبان‌های مختلف تدریس میشه
	پذیرش و تبعیض فرهنگی	بعضی وقت‌ها احساس می‌کنم که به خاطر پیشینه فرهنگی‌ام از من تبعیض قائل می‌شوند چندبار دیدم که به دانش‌آموزان مثل من نگاه‌های بدی می‌انداختند چون فرهنگ متفاوتی داریم تو کلاس بعضی وقت‌ها معلم‌ها به دیگر بچه‌ها بیشتر توجه می‌کنن چون فرهنگ‌شون نزدیک‌تر به معلمه یکی از بچه‌ها گفت من از کشوری هستم که هیچ وقت نمی‌تونم مثل شما فکر کنم من هیچ وقت نمی‌تونم به راحتی خودم رو تو کلاس نشان بدم چون احساس می‌کنم فرهنگ من براشون عجیبه

		همکلاسی‌ها هیچ وقت با من صحبت نمی‌کنن چون من خارجی‌ام حس می‌کنم وقتی من در مورد کشور خودم حرف می‌زنم، همه ساکت می‌شن چون دوست ندارن بشنون من هیچ وقت نتونستم تو گروه‌های کلاس باشم، همیشه جدا از بقیه بودم وقتی به کلاس میام و لهجه‌ام رو می‌شنوند، یه جور نگاه خاص بهم می‌کنند معلم همیشه به من می‌گه زبانت رو درست کن، انگار به خاطر فرهنگ خودم مشکل دارم گاهی وقت‌ها احساس می‌کنم که همه فرهنگ منو نمی‌فهمن و فقط از خودشان خوششون میاد من نمی‌خواهم بگم من آزار دیدم، ولی بعضی وقت‌ها احساس می‌کنم تبعیض هست گاهی به من می‌گن فرهنگ ما نمی‌تونه تو مدرسه جا بیفته من از روز اول مدرسه حس کردم که همه نسبت به من بی‌اعتمادند به نظر میاد بعضی بچه‌ها از فرهنگ ما چیزی نمی‌دونند، خیلی ناعادلانه است معلم‌ها باید بیشتر درک کنن که فرهنگ‌های مختلف داریم، نه فقط فرهنگ خودشون من هر بار می‌خوام چیزی از کشور خودم بگم، همه به من می‌گن اینا برای مدرسه مهم نیست وقتی فهمیدن من از کشور دیگه‌ای اومدم، شروع کردن بهم نگاه‌های عجیب کردن

		بعضی وقت‌ها فقط چون من از یک کشور دیگه‌ام، بیشتر از دیگران بهم زور می‌کن احساس می‌کنم که همیشه منو از دیگران جدا می‌کنند به خاطر فرهنگ و ملیت من همکلاسی‌ها بعضی وقت‌ها به من می‌گن به کشور خودت برگرد در بعضی از کلاس‌ها، معلم‌ها بیشتر به دانش‌آموزانی که از فرهنگ خودمون میان توجه می‌کنن بعضی وقت‌ها می‌بینم که همکلاسی‌ها در مورد کشور من جوک می‌زنن گاهی فکر می‌کنم چون من از یک فرهنگ متفاوت اومدم، هیچ کس منو جدی نمی‌گیره خیلی وقت‌ها اینطور به نظر میاد که فرهنگ ما اصلاً تو مدرسه جایی نداره
	چالش‌های هویت فرهنگی	من گاهی اصلاً نمی‌دونم باید به کدوم فرهنگم تعلق داشته باشم وقتی وارد مدرسه می‌شم، احساس می‌کنم باید خودم رو تغییر بدم تا پذیرفته بشم گاهی احساس می‌کنم که باید انتخاب کنم بین فرهنگ خودم و فرهنگ اینجا خونه می‌گم به جور دیگه، مدرسه می‌گم به جور دیگه نمی‌دونم کدومو انتخاب کنم اگر بخوام فرهنگ خودم رو نشون بدم، همه فکر می‌کنن عجیب و غریب هست

	اینکه با خانواده‌ام از یک فرهنگ مختلف پیام، گاهی باعث میشه که دو هویت متفاوت داشته باشم من همیشه از خودم می‌پرسم که آیا فرهنگ اصلی من به اندازه کافی خوبه؟ حس می‌کنم تو مدرسه باید همونطور که دیگران می‌کن رفتار کنم، نه اینکه فرهنگ خودم رو نشون بدم خودم رو بین دو فرهنگ گم می‌کنم و نمی‌دونم کدوم رو بپذیرم حس می‌کنم که هرچقدر هم تلاش کنم، هیچ وقت نمی‌تونم هویت فرهنگی خودم رو به طور کامل نشون بدم وقتی با همکلاسی‌ها می‌ام، فکر می‌کنم که باید بیشتر شبیه اون‌ها بشم بعضی وقت‌ها احساس می‌کنم که من هیچ وقت نمی‌تونم واقعاً خودم باشم خیلی وقت‌ها نمی‌دونم باید کدوم هویت خودم رو انتخاب کنم توی مدرسه همیشه سعی می‌کنم از فرهنگ خودم پنهان بشم چون می‌ترسم کسی بهم نگاه بدی بندازه بعضی وقت‌ها بین فرهنگ‌های مختلف احساس تنهایی می‌کنم من نمی‌دونم آیا باید به عنوان یک فرد از یک کشور دیگه به مدرسه برم یا باید شبیه بقیه بشم در کلاس‌هایی که هستم، بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم که نمی‌تونم خودم باشم از وقتی که به این مدرسه اومدم، همیشه در مورد اینکه باید چی باشم سردرگم بودم

		کلاس‌ها بیشتر به فرهنگ اینجا توجه می‌کنن و من همیشه در تلاش هستم تا فرهنگ خودم رو پیدا کنم گاهی فکر می‌کنم که این مدرسه به من اجازه نمی‌ده هویت واقعی خودم رو نشون بدم هیچ وقت نمی‌دونم باید توی مدرسه چطور رفتار کنم که با فرهنگ‌های مختلف سازگار بشم به خودم میگم شاید اگه بخوام تو این محیط با بقیه ارتباط برقرار کنم، باید فرهنگ خودم رو کنار بذارم من خیلی وقت‌ها احساس می‌کنم که باید فرهنگ خودم رو فدای پذیرفته شدن کنم اینجا هیچ وقت به من نگفتن که فرهنگ خودم هم مهمه گاهی نمی‌دونم باید فرهنگ خودم رو حفظ کنم یا تو مدرسه باشم مثل بقیه
فرصت‌های دانش‌آموزان در محیط‌های چند فرهنگی	تقویت مهارت‌های ارتباطی بین فرهنگی	من یاد گرفتم چطور با دوستان از فرهنگ‌های مختلف صحبت کنم در اینجا فرصت داریم که به دیگران گوش بدیم و نظرات مختلف رو بشنویم هر وقت با همکلاسی‌های خارجی صحبت می‌کنم، بیشتر یاد می‌گیرم این محیط به من کمک کرده تا بتونم به راحتی با افراد از هر فرهنگ و زبانی ارتباط برقرار کنم به لطف دوستان مختلفی که دارم، الآن می‌تونم بهتر حرف بزنم و خودمو معرفی کنم

	با همکلاسی‌ها از کشورهای مختلف در مورد عیدها و سنت‌ها صحبت کردیم در این مدرسه یاد گرفتم چطور به عقاید و نظرات دیگران احترام بذارم من از این فرصت استفاده می‌کنم تا با زبان‌های مختلف آشنا بشم گاهی اوقات با دوستان خارجی خودم تفاوت‌های زیادی داریم، ولی این باعث می‌شود بیشتر یاد بگیریم من احساس می‌کنم که بیشتر از فرهنگ‌های مختلف چیزهایی یاد گرفتم همیشه سوال می‌پرسم و این باعث می‌شود بیشتر با یکدیگر درک کنیم همکلاسی‌ها همیشه به من کمک می‌کنند تا درست‌تر صحبت کنم بحث‌هایی که داریم، باعث می‌شود بیشتر در مورد فرهنگ‌های مختلف بفهمم اینکه در یک محیط چندفرهنگی هستم، باعث می‌شود درک بهتری از فرهنگ‌های دیگر پیدا کنم در اینجا، حتی با لهجه‌های مختلف هم راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کنم درست است که فرهنگ‌ها متفاوت است، اما این باعث می‌شود که بهتر بفهمیم همدیگر را من از این فرصت استفاده می‌کنم تا زبان‌های جدید یاد بگیرم همیشه از همکلاسی‌ها می‌پرسم که چطور عیدهایشان را جشن می‌گیرند یاد گرفتم چطور به دوستانم از فرهنگ‌های مختلف نزدیک بشم در این مدرسه، صحبت با دیگران خیلی آسونه چون همه احترام می‌گذارند

	گسترش افق‌های فکری و نگرشی	به دلیل اینکه دوستانم از فرهنگ‌های مختلف دارند، دیدگاه‌های من وسیع‌تر شده همیشه از شنیدن داستان‌های مختلف از دوستانم لذت می‌برم در اینجا یاد گرفتم که همیشه ممکنه نظرات متفاوتی داشته باشیم من قبلاً هرگز در مورد سنت‌ها و آداب دیگر کشورها چیزی نمی‌دانستم با دوستانم از کشورهای مختلف در مورد چگونگی آموزش در کشورهاشان صحبت کردم در این محیط، دیدگاه من بازتر شده است این مدرسه باعث شده تا دیدگاه‌ام نسبت به خیلی از مسائل تغییر کنه از طریق گفتگو با همکلاسی‌ها، فهمیدم که دنیا خیلی بزرگتر از چیزی است که فکر می‌کردم من خیلی چیزها رو از دوستانم یاد گرفتم که قبلاً هیچ وقت بهش فکر نکرده بودم بعد از صحبت با دوستان از کشورهای مختلف، دیدگاه جدیدی نسبت به سیاست‌ها و فرهنگ‌ها پیدا کردم من هر روز با همکلاسی‌ها از کشورهای مختلف گپ می‌زنم و این باعث می‌شود که اطلاعاتم بیشتر بشه دوران مدرسه به من کمک کرده تا به مسائل از دیدگاه‌های مختلف نگاه کنم شاید قبلاً فکر می‌کردم فقط یک راه درست برای انجام کارها وجود دارد، اما الان می‌فهمم که راه‌های مختلفی وجود دارد

		تجربیات دوستان خارجی من باعث شد که دیدگاه من نسبت به دنیا تغییر کنه درباره فرهنگ‌های مختلف مطالعه کردم و بیشتر از قبل به تفاوت‌ها احترام می‌گذارم من دیگه مثل قبل به مسائل نگاه نمی‌کنم، چون با دوستانم از فرهنگ‌های مختلف حرف زدم چیزهایی که از دوستان مختلف یاد گرفتم، باعث شد که بفهمم چقدر دنیا پیچیده است به این فکر می‌کنم که باید همیشه باز باشم و از هر کسی چیزی یاد بگیرم هر روز از گفتگوهایم با دوستانم بیشتر درک می‌کنم که همه چیز نسبی است در اینجا، دیدگاه من نسبت به فرهنگ‌های مختلف وسیع‌تر شده است این مدرسه باعث شد بفهمم که دنیای ما خیلی بزرگتر از چیزی است که فکر می‌کنیم چیزی که از همکلاسی‌های مختلف یاد گرفتم، باعث شد که نگرش جدیدی نسبت به مشکلات پیدا کنم بحث‌های مختلف باعث شد که درک من از مسائل اجتماعی تغییر کنه خانواده‌های مختلف و فرهنگ‌های متفاوت در اینجا باعث شدن که سطح فهم من افزایش پیدا کنه تجربه‌های فرهنگی مختلف باعث شد که دیدگاه من نسبت به مسائل اجتماعی تغییر کنه

		در اینجا فرصت دارم که زبان‌های مختلف یاد بگیرم با دوستان خارجی صحبت کردن به من کمک کرده تا زبان‌های جدید یاد بگیرم در این مدرسه می‌توانم زبان‌های مختلف را به راحتی یاد بگیرم ما در کلاس‌های زبان همیشه از تجربیات مختلف دیگران استفاده می‌کنیم زبان‌های مختلف برای من به یک فرصت تبدیل شده‌اند با یادگیری زبان‌های مختلف، می‌توانم با بیشتر افراد ارتباط برقرار کنم من از این فرصت استفاده می‌کنم تا انگلیسی را بهتر یاد بگیرم زبان‌ها همیشه یک مانع بوده‌اند، اما در اینجا این موانع کمتر شده گفتگوهای کلاس با همکلاسی‌ها باعث شد که بیشتر به زبان‌های مختلف علاقه‌مند بشم یادگیری زبان‌های مختلف در اینجا خیلی راحت‌تر از قبل شده است چون دوستانی از فرهنگ‌های مختلف دارم، زبان‌های مختلفی را می‌توانم یاد بگیرم من شروع به یادگیری اسپانیایی کرده‌ام چون دوستانم به این زبان صحبت می‌کنند یادگیری زبان‌های مختلف، افق‌های من را بازتر کرده است در مدرسه فرصتی داشتم تا زبان‌های مختلف را با دوستانم تمرین کنم این فرصت را دارم که با صحبت کردن با همکلاسی‌ها، زبان‌های مختلف یاد بگیرم
	افزایش فرصت‌های یادگیری زبان‌های مختلف	

		با دوستانی که به زبان‌های مختلف صحبت می‌کنند، بیشتر به یادگیری زبان‌های جدید علاقه‌مند شدم به راحتی می‌توانم زبان‌های مختلف را از طریق تعاملات روزانه یاد بگیرم یادگیری زبان‌های مختلف در این محیط باعث شده که بتوانم در آینده فرصت‌های شغلی بهتری پیدا کنم حالا می‌توانم با همکلاسی‌های خارجی صحبت کنم و این برای من یک دستاورد بزرگ است من در این مدرسه یاد گرفتم که هیچ محدودیتی برای یادگیری زبان‌های جدید وجود ندارد در اینجا با معلمان و همکلاسی‌های خارجی کار می‌کنم که به من کمک می‌کنند زبان‌ها را بهتر یاد بگیرم زبان‌های مختلف به من کمک کرده‌اند که بهتر بتوانم با دنیای بیرون ارتباط برقرار کنم یادگیری زبان‌های جدید به من اجازه داده است که با همکلاسی‌های دیگر راحت‌تر ارتباط برقرار کنم این فرصت باعث شده که به دیگر زبان‌ها علاقه‌مند بشم آموزش زبان در اینجا خیلی جالب و جذاب است و یادگیرش برایم لذت‌بخش بوده
	تقویت همدلی و همکاری گروهی	در کلاس‌های گروهی می‌توانیم بهتر همکاری کنیم

	در این محیط یاد گرفتم چطور با همکلاسی‌ها در حل مسائل گروهی همکاری کنم همیشه از همکاری با دوستانم لذت می‌برم چون باعث می‌شود بهتر درک کنم کار گروهی در اینجا بسیار مهم است و همه می‌خواهیم به هم کمک کنیم در اینجا با همکلاسی‌ها همیشه سعی می‌کنیم مشکلات را با هم حل کنیم همکاری با دانش‌آموزان از فرهنگ‌های مختلف به من کمک کرد تا بیشتر همدلی کنم در پروژه‌های گروهی بیشتر یاد می‌گیرم چون همه افراد باید با هم همکاری کنند کار گروهی به من کمک کرده تا بتوانم نقاط ضعف خودمو بشناسم در گروه‌های مختلف همیشه به همه گوش می‌دهیم و کمک می‌کنیم در این محیط من یاد گرفتم که هیچ کس نباید کنار گذاشته بشه همدلی با همکلاسی‌ها از فرهنگ‌های مختلف به من کمک کرده تا بیشتر درک کنم در اینجا می‌توانیم با همکاری هم مشکلات بزرگتر را حل کنیم هر وقت که مشکلی داریم، همیشه به هم کمک می‌کنیم یاد گرفتم که همکاری باعث می‌شود همه از همدیگر بیشتر یاد بگیرند در کارهای گروهی همیشه احساس می‌کنم که همه با هم پیش می‌رویم در اینجا یاد گرفتم که همکاری با دیگران می‌تواند سریع‌تر به نتیجه برسد

		همکاری گروهی به ما کمک می کند که مشکلات را بهتر حل کنیم همکلاسی ها در کارهای گروهی همیشه حمایت می کنند کار گروهی باعث می شود من در ارتباطات بهتر عمل کنم در اینجا یاد گرفتم که باید همیشه در گروه ها همدل باشیم کارهای گروهی من را به انسان های بهتری تبدیل کرده است

بر اساس داده های مندرج در جدول (۱) در محیط های چندفرهنگی، دانش آموزان با چالش هایی از جمله اختلافات فرهنگی و زبانی روبه رو هستند که می تواند بر روند برقراری ارتباط مؤثر و درک متقابل تأثیرگذار باشد. علاوه بر این، مسائلی همچون پذیرش یا تبعیض فرهنگی و چالش های مرتبط با هویت فرهنگی، ممکن است احساس بیگانگی و کاهش انگیزه تحصیلی را در دانش آموزان به دنبال داشته باشد. با این حال، این محیط ها فرصت های ارزشمندی نیز فراهم می کنند؛ از جمله تقویت مهارت های ارتباطی بین فرهنگی که به دانش آموزان کمک می کند تا بهتر با فرهنگ های مختلف تعامل کنند، گسترش افق های فکری و نگرشی که تفکر چندجانبه را در آنها پرورش می دهد، و افزایش فرصت های یادگیری زبان های مختلف که مهارت های زبانی و ارتباطی شان را ارتقا می بخشد. همچنین، حضور در چنین محیط هایی باعث تقویت همدلی و همکاری گروهی میان دانش آموزان می شود، به طوری که آن ها یاد می گیرند تفاوت ها را به عنوان منبعی غنی برای رسیدن به اهداف مشترک بپذیرند و مهارت های اجتماعی و فرهنگی خود را توسعه دهند.

جدول (۲): چالش ها و فرصت های معلمان در محیط های چند فرهنگی

کد گذاری باز	کد گذاری محوری	کد گذاری انتخابی
زبان تفاوت ایجاد می کند دانش آموزان قادر به فهم مفاهیم نیستند موانع زبانی در تدریس مطالب پیچیده فقدان واژگان مناسب برای تدریس دانش آموزان متوجه دستورالعمل ها نمی شوند	مشکلات زبانی و ارتباطی	چالش های فرهنگی معلمان در محیط های چند



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

		ناتوانی در برقراری ارتباط کلامی مشکل در ارزیابی های شفاهی برقراری ارتباط نوشتاری دشوار است بیشتر وقت صرف ترجمه می شود عدم تفاهم با دانش آموزان در جلسات گروهی محدودیت های زبانی در تدریس آنلاین استفاده از زبان ساده تر تفاوت های زبانی میان دانش آموزان نیاز به مترجم برای درک بهتر مطالب آموزش با زبان دوم سخت است
	مدیریت تنوع فرهنگی و ارزشی	تفاوت های فرهنگی باعث سوء تفاهم می شود بعضی دانش آموزان باورهای متفاوتی دارند برخورد با تنوع رفتارها احترام به آداب و رسوم مختلف انتظارات متفاوت از دانش آموزان بررسی تفاوت های مذهبی در کلاس آموزش مسائل دینی در فضای چندفرهنگی تفاوت در نحوه برخورد با مسائل اجتماعی چالش در برخورد با حساسیت های فرهنگی

		آشنایی با فرهنگ‌های مختلف برای تدریس مؤثر پذیرش تنوع فرهنگی به عنوان یک فرصت تفاوت‌های در نگرش به مدرسه آموزش مهارت‌های همزیستی فرهنگی چالش‌های ارزش‌های مختلف در محیط آموزشی شناسایی و درک تضادهای فرهنگی در کلاس
	ارزیابی و شناسایی نیازهای متنوع آموزشی	دانش‌آموزان نیازهای متفاوتی دارند شناسایی دانش‌آموزان با پیش‌زمینه‌های مختلف نیاز به روش‌های فردی‌سازی تدریس چالش در ارزیابی بر اساس توانمندی‌های مختلف استفاده از روش‌های ارزیابی انعطاف‌پذیر تشخیص نیازهای آموزشی در کلاس‌های چندفرهنگی آموزش متناسب با نیازهای فردی تنوع در سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان شناسایی نقاط قوت و ضعف فردی ارزیابی‌های مختلف برای دانش‌آموزان مختلف عدم هم‌راستایی استانداردهای ارزیابی با نیازها سختی در استفاده از ارزیابی‌های استاندارد نیاز به روش‌های ارزیابی غیررسمی

		فقدان معیارهای مناسب برای ارزیابی دانش آموزان تفاوت در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان
	کمبود منابع آموزشی به زبان‌های مختلف محدودیت در دسترسی به فناوری آموزشی نداشتن منابع آموزشی متناسب با تنوع فرهنگی کمبود برنامه‌های آموزشی برای نیازهای خاص نیاز به منابع حمایتی برای دانش آموزان مهاجر عدم دسترسی به منابع کمک آموزشی برای تدریس نبودن محتوای فرهنگی مناسب چالش در استفاده از ابزارهای آموزشی دیجیتال نداشتن راهکارهای مناسب برای تدریس در کلاس‌های چندفرهنگی مشکل در تأمین منابع برای آموزش‌های زبانی محدودیت‌های بودجه در تأمین منابع آموزشی عدم موجودیت منابع آموزشی برای آموزش مهارت‌های اجتماعی کمبود مواد آموزشی برای تقویت مهارت‌های ارتباطی نیاز به منابع برای آموزش مهارت‌های همزیستی کمبود پشتیبانی از معلمان برای مدیریت تنوع در کلاس	کمبود منابع و حمایت‌های آموزشی مناسب
۱) ۲) ۳)	مهارت‌های بین فرهنگی	ارتباط مؤثر با دانش آموزان از فرهنگ‌های مختلف



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

		فهم و احترام به تفاوت های فرهنگی یادگیری از تجربیات فرهنگی متنوع تقویت توانایی های تعامل میان فرهنگی توسعه ارتباطات با والدین از فرهنگ های مختلف توانمندی در مدیریت کلاس های چندفرهنگی آشنایی با آداب و رسوم مختلف توانایی شناسایی و حل مشکلات فرهنگی برگزاری فعالیت های گروهی با رویکرد فرهنگی پذیرش تنوع به عنوان یک فرصت آموزشی ایجاد فضای آموزشی باز و پذیرنده یادگیری زبان ها و اصطلاحات فرهنگی آموزش همزیستی مسالمت آمیز میان فرهنگ ها تقویت احترام متقابل در کلاس گسترش افق های فرهنگی دانش آموزان گنجاندن فرهنگ های مختلف در محتوای آموزشی شناسایی ویژگی های فرهنگی و بهره برداری از آن ها در تدریس دوران های آموزشی برای ارتقاء مهارت های فرهنگی معلمان درک و مقابله با تعصبات فرهنگی
	خلاقیت و نوآوری تدریس	استفاده از روش های نوین تدریس



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

		ادغام تکنولوژی در فرآیند آموزش ایجاد محیط یادگیری جذاب بازی‌های آموزشی برای تشویق به تفکر خلاق تقویت خلاقیت در حل مسائل درسی استفاده از منابع متنوع برای تدریس پاسخ به نیازهای فردی از طریق تدریس خلاقانه اعمال شیوه‌های مبتنی بر تجربیات واقعی ایجاد فضاهای آموزشی پویا و باز آموزش از طریق پروژه‌ها و کار گروهی استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای یادگیری انجام تدریس پروژه‌محور و فعال کاربرد روش‌های تدریس تحلیلی تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی با شیوه‌های جدید پذیرش ایده‌های نوآورانه از دانش‌آموزان طراحی برنامه‌های درسی متناسب با ذائقه‌های فرهنگی چالش‌های آموزشی جذاب برای ترغیب به یادگیری ایجاد فرصت‌های تفکر مستقل تنوع در شیوه‌های تدریس متناسب با نیازهای مختلف
	توسعه شغلی و یادگیری فرهنگی	یادگیری از تجربیات بین‌المللی معلمان



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

		دوره‌های آموزشی برای بهبود توانمندی‌های فرهنگی به اشتراک گذاری تجربیات آموزشی با معلمان دیگر مشارکت در کارگاه‌های بین فرهنگی پیشرفت شغلی از طریق آشنایی با فرهنگ‌های مختلف فرصت برای تدریس در محیط‌های فرهنگی متنوع پذیرش آموزش‌های مبتنی بر تجربه‌های فرهنگی آموزش مستمر در زمینه تنوع فرهنگی ایجاد شبکه‌های حرفه‌ای بین فرهنگی مشارکت در پروژه‌های فرهنگی در مدارس ملاقات با معلمان از فرهنگ‌های مختلف برای تبادل نظر گسترش دانش فرهنگی از طریق تحقیق و مطالعه شرکت در برنامه‌های تبادل فرهنگی پیشرفت شغلی از طریق ارتقاء مهارت‌های بین فرهنگی فرصت برای توسعه مهارت‌های مدیریتی در محیط‌های چندفرهنگی گرفتن بازخورد از معلمان با تجربیات متنوع یادگیری از اشتباهات فرهنگی و استفاده از آن‌ها به عنوان فرصت آموزش مداوم درباره تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی توسعه شبکه‌های ارتباطی با معلمان دیگر کشورها

بر اساس نتایج مندرج در جدول شماره (۲)، معلمان شاغل در محیط‌های چندفرهنگی با چالش‌های متعددی از جمله مشکلات زبانی و ارتباطی مواجه هستند که می‌تواند انتقال مفاهیم آموزشی و ایجاد تعامل مؤثر با دانش‌آموزان را دشوار سازد. علاوه بر این، مدیریت تنوع فرهنگی و ارزشی در کلاس‌های درس، شناسایی و ارزیابی نیازهای متنوع آموزشی دانش‌آموزان، و کمبود منابع و حمایت‌های آموزشی متناسب، از دیگر مسائل مهمی است که معلمان باید با آن‌ها روبرو شوند. با این حال، این شرایط فرصتی طلایی برای توسعه مهارت‌های بین‌فرهنگی و ارتقای خلاقیت و نوآوری در روش‌های تدریس فراهم می‌آورد، چرا که معلمان مجبورند روش‌های متنوع و پاسخ‌گو به تفاوت‌های فرهنگی و زبانی را به کار گیرند. این تجربه‌ها همچنین زمینه‌ساز توسعه شغلی معلمان و افزایش یادگیری فرهنگی آن‌ها می‌شود که به نوبه خود موجب بهبود کیفیت آموزش و تعاملات فرهنگی در مدارس چندفرهنگی خواهد شد.

جدول (۳): تجربیات معلمان در زمینه تدریس به دانش‌آموزان با پیش‌زمینه‌های فرهنگی مختلف

کد گذاری باز	کد گذاری محوری	کد گذاری انتخابی
برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان غیر فارسی‌زبان مشکل است بسیاری از دانش‌آموزان واژگان محدود دارند که باعث ایجاد سردرگمی می‌شود عدم درک دقیق مفاهیم تدریس به دلیل تفاوت‌های زبانی بعضی از دانش‌آموزان برای فهمیدن زبان تدریس با مشکل مواجه‌اند کلاس‌های پر از دانش‌آموزان با زبان‌های مختلف، به‌ویژه در درس‌های گروهی، چالش‌برانگیز است عدم تطابق کلمات و معانی در زبان‌های مختلف باعث بروز سوء تفاهم می‌شود چالش در استفاده از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فرهنگی نیاز به استفاده از زبان بدن برای توضیح مفاهیم بعضی دانش‌آموزان ممکن است از ابراز نظر در کلاس خودداری کنند به دلیل محدودیت‌های زبانی	چالش‌ها و دشواری‌های ارتباطی	تجربیات معلمان در زمینه تدریس به دانش‌آموزان با پیش‌زمینه‌های فرهنگی مختلف

		تداخل زبانی در تدریس موضوعات پیچیده باعث کنندی یادگیری می شود برخی از معلمان ترجیح می دهند از زبان ساده و عمومی برای تدریس استفاده کنند ایجاد ارتباط عاطفی و انسانی با دانش آموزان غیر فارسی زبان دشوار است مشکل در ارزیابی درست سطح دانش آموزان به دلیل تفاوت های زبانی چالش در توضیح نکات آموزشی به دانش آموزانی که زبان مادری آنها متفاوت است برقراری ارتباط با خانواده های دانش آموزان غیر فارسی زبان به دلیل مشکلات زبانی نیاز به استفاده از مترجم در موارد خاص کمبود منابع آموزشی که به زبان های مختلف موجود باشد برخی از دانش آموزان در موقعیت های اجتماعی از ترس اشتباهات زبانی خودداری می کنند مشکل در تفسیر واژگان و مفاهیم درک شده در محیط های کلاسی عدم آشنایی معلمان با واژگان تخصصی در زبان های مختلف برای تدریس مفاهیم علمی
	آشنایی و احترام به تنوع فرهنگی	آگاهی از تفاوت های فرهنگی می تواند باعث بهبود تعاملات با دانش آموزان شود احترام به باورهای فرهنگی دانش آموزان در فرآیند تدریس ضروری است شناسایی ویژگی های فرهنگی مختلف برای طراحی تدریس کارآمد آشنایی با فرهنگ های مختلف باعث می شود که بتوانیم رویکردهایی متناسب با آنها اتخاذ کنیم

		نباید به فرهنگ‌های مختلف نگاه قضاوتی داشت؛ احترام به آن‌ها مهم است آموزش به دانش‌آموزان با پیش‌زمینه‌های فرهنگی مختلف نیازمند تنظیم روش‌های خاص است برگزاری فعالیت‌های فرهنگی به منظور آشنایی دانش‌آموزان با یکدیگر و احترام به تنوع باید به تفاوت‌های فرهنگی در برنامه درسی و انتخاب منابع آموزشی توجه کنیم مدیران مدارس باید به معلمان آموزش دهند که چگونه با دانش‌آموزان از فرهنگ‌های مختلف تعامل کنند احترام به اعتقادات دینی و فرهنگی دانش‌آموزان در ایجاد فضای آموزش مثبت اهمیت دارد درک تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند به پیشگیری از تعارضات و سوء تفاهم‌ها کمک کند برخی از معلمان در برخورد با تفاوت‌های فرهنگی ممکن است دچار اشتباهات شوند دانش‌آموزان نیاز دارند که احساس کنند فرهنگ و پیشینه‌شان ارزشمند است تفاوت‌های فرهنگی می‌توانند باعث ایجاد فرصت‌های یادگیری متنوع شوند برای آموزش بهتر باید تفاوت‌های فرهنگی را به رسمیت شناخت بعضی از معلمان نیاز به آموزش‌های تخصصی در زمینه شناخت و مدیریت تنوع فرهنگی دارند درک تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند به معلمان کمک کند تا سبک تدریس خود را بهتر تنظیم کنند

		معلمان باید برای درک بهتر رفتارهای فرهنگی دانش آموزان، آگاهی از پیشینه آن‌ها داشته باشند آشنایی با آداب و رسوم مختلف می‌تواند باعث تقویت رابطه معلم-دانش آموز شود
	استفاده از روش‌های تدریس فردی شده	در محیط‌های چندفرهنگی، نیاز به برنامه‌ریزی و تدریس فردی برای هر دانش آموز احساس می‌شود استفاده از روش‌های تدریس فردی شده می‌تواند باعث کاهش شکاف‌های یادگیری شود برخی از دانش آموزان به تدریس ویژه نیاز دارند که از رویکردهای تدریس عمومی متفاوت است با روش‌های تدریس فردی شده، می‌توان نیازهای آموزشی خاص دانش آموزان را پوشش داد ارائه بازخوردهای فردی به دانش آموزان کمک می‌کند تا درک بهتری از مطالب پیدا کنند تدریس فردی باعث افزایش اعتماد به نفس دانش آموزان می‌شود در تدریس فردی شده، معلمان می‌توانند با هر دانش آموز به‌طور خاص و متناسب با نیازهای او برخورد کنند استفاده از تکنولوژی‌های جدید برای تدریس فردی شده به افزایش کیفیت آموزش کمک می‌کند در برخی مواقع، تدریس فردی می‌تواند زمان‌بر باشد اما نتایج آن بیشتر از تدریس عمومی است

		روش های تدریس فردی شده به معلمان این امکان را می دهد که به سرعت مشکلات یادگیری دانش آموزان را شناسایی کنند به دانش آموزانی که نیاز به زمان بیشتری برای یادگیری دارند، آموزش به شیوه فردی بیشتر کمک می کند در تدریس فردی شده، معلمان می توانند فعالیت هایی خاص برای تقویت نقاط ضعف دانش آموزان طراحی کنند آگاهی از سبک های یادگیری متفاوت دانش آموزان در تدریس فردی شده ضروری است استفاده از تدریس فردی شده به معلمان این امکان را می دهد که برای هر دانش آموز یک مسیر یادگیری منحصر به فرد بسازند چالش اصلی در تدریس فردی شده، مدیریت زمان و منابع برای گروه های مختلف دانش آموزان است روش های تدریس فردی شده می توانند باعث شوند که دانش آموزان با سرعت خود پیشرفت کنند تدریس فردی شده امکان تعامل بیشتر و به طور مستقیم تر با دانش آموزان را فراهم می آورد بعضی از معلمان در استفاده از روش های تدریس فردی شده ممکن است به دلیل کمبود منابع و زمان مشکل داشته باشند تدریس فردی شده نیاز به برنامه ریزی دقیق تری دارد تا از هر گونه اشتباه جلوگیری شود روش های تدریس فردی شده برای دانش آموزان با پیش زمینه های فرهنگی مختلف مفید است، زیرا می تواند به تناسب نیازهای فرهنگی و زبانی آنها باشد

بر اساس نتایج جدول شماره (۳)، تجربیات معلمان در تدریس به دانش آموزان با پیش زمینه های فرهنگی مختلف اغلب با چالش ها و دشواری های ارتباطی همراه است که ناشی از تفاوت های زبانی و سبک های ارتباطی متنوع می باشد و نیازمند توانمندی های ویژه ای برای برقراری ارتباط مؤثر است. معلمان برای موفقیت در این فضا، باید به خوبی با تنوع فرهنگی آشنا شوند و احترام عمیقی نسبت به تفاوت ها و ارزش های فرهنگی دانش آموزان قائل باشند، زیرا این آگاهی و احترام پایه ای مهم برای ایجاد محیطی پذیرنده و انگیزشی فراهم می کند. علاوه بر این، استفاده از روش های تدریس فردی شده و متناسب با نیازهای خاص هر دانش آموز، یکی از راهکارهای کلیدی برای پاسخ گویی به تفاوت های فرهنگی و آموزشی است که به معلمان امکان می دهد فرایند یادگیری را شخصی سازی کنند و به طور مؤثرتری به توسعه مهارت ها و توانمندی های دانش آموزان در محیط های چندفرهنگی کمک نمایند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که دانش آموزان در محیط های آموزشی چندفرهنگی با مجموعه ای از چالش های جدی مواجه هستند که از مهم ترین آن ها می توان به اختلافات فرهنگی و زبانی، پذیرش و تبعیض فرهنگی، و مسائل مرتبط با هویت فرهنگی اشاره کرد. این چالش ها به ویژه در جوامعی که دانش آموزان از زمینه های فرهنگی و زبانی متنوع به مدارس وارد می شوند، نمود برجسته تری پیدا می کنند. تفاوت در زبان و سبک های ارتباطی دانش آموزان باعث می شود که برقراری ارتباط مؤثر و درک متقابل دشوار شده و موانع عمیقی در مسیر تعاملات فرهنگی شکل گیرد. این موضوع نه تنها روند یادگیری را تحت تأثیر قرار می دهد، بلکه می تواند به بروز احساسات طردشدگی و انزوا در میان دانش آموزان منجر شود. همچنین، تبعیض های فرهنگی که ممکن است در برخی موارد به صورت ناآگاهانه رخ دهد، فضای مدرسه را از حمایت و احترام تهی می کند و در نهایت انگیزه و عملکرد تحصیلی دانش آموزان را کاهش می دهد. این یافته ها با پژوهش های پیشین مانند مطالعات عباسی (۱۳۹۷) و زاهدی (۱۳۹۳) هم راستا هستند که بر ضرورت افزایش آگاهی و آمادگی فرهنگی معلمان و دانش آموزان پیش از ورود به محیط های چندفرهنگی تأکید کرده اند. علاوه بر این، کاظمی (۱۳۹۶) در تحقیقات خود بر اهمیت طراحی و به روزرسانی برنامه های درسی چندفرهنگی تأکید کرده است که بتوانند تفاوت ها را به رسمیت شناخته و به نحوی سازنده آن ها را مدیریت کنند، به طوری که از بروز تبعیض جلوگیری شود و عدالت آموزشی در کلاس های چندفرهنگی برقرار گردد. این برنامه های درسی با ارتقاء آگاهی های فرهنگی، می توانند فضایی فراهم کنند که در آن دانش آموزان با احترام به تفاوت ها، در یک محیط آموزشی عادلانه و سازنده رشد کنند.

در مقابل این چالش ها، یافته های این پژوهش نشان می دهد که محیط های آموزشی چندفرهنگی فرصت های بسیار مهم و ارزشمندی را برای رشد مهارت ها و توانمندی های فردی و اجتماعی دانش آموزان فراهم می آورند. یکی از بارزترین این فرصت ها، تقویت مهارت های

ارتباطی میان فرهنگی است که دانش آموزان را قادر می‌سازد تا با فرهنگ‌های مختلف آشنا شده و تعاملات خود را در سطحی مؤثرتر و عمیق‌تر ارتقاء دهند. این تجربه‌ها نه تنها به گسترش افق‌های فکری و نگرشی دانش آموزان می‌انجامد، بلکه توانایی آنان را در تفکر چندجانبه و پذیرش دیدگاه‌های متنوع بهبود می‌بخشد. پژوهش‌های کریمی (۱۴۰۱) و صالحی و همکاران (۱۳۹۹) این نتایج را تأیید کرده و بر نقش محیط‌های چندفرهنگی در تقویت هویت فرهنگی و توسعه مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان تأکید داشته‌اند. علاوه بر این، این پژوهش به فرصتی مهم در زمینه یادگیری زبان‌های مختلف اشاره می‌کند که در جوامع چندفرهنگی اهمیت حیاتی دارد. دانش آموزانی که در معرض زبان‌ها و لهجه‌های متنوع قرار می‌گیرند، مهارت‌های زبانی خود را تقویت کرده و توانمندی‌های زبانی‌شان به‌ویژه در یادگیری زبان دوم افزایش می‌یابد. این یافته‌ها با تحقیقات میلر و رابرتز (۲۰۲۱) و اسمیت و براون (۲۰۲۴) همخوانی دارد که نشان داده‌اند حضور در محیط‌های چندفرهنگی می‌تواند به بهبود مهارت‌های زبانی و ارتقاء تعاملات فرهنگی کمک شایانی کند. فرصت دیگر برجسته در این زمینه، تقویت مهارت‌های همدلی و همکاری گروهی دانش آموزان است. در چنین محیط‌هایی، دانش آموزان یاد می‌گیرند که تفاوت‌ها را نه به عنوان مانع، بلکه به عنوان منبعی غنی برای دستیابی به اهداف مشترک بپذیرند و به کار گیرند. این فرآیند موجب تقویت مهارت‌های اجتماعی، افزایش تحمل فرهنگی و بهبود همکاری میان فرهنگی می‌شود. پژوهش‌های فلاحي (۱۳۹۸) و جعفری (۱۴۰۰) نیز به‌وضوح نشان داده‌اند که این نوع محیط‌ها می‌توانند انگیزه تحصیلی دانش آموزان را افزایش داده و مهارت‌های اجتماعی آنان را به شکل قابل توجهی ارتقاء دهند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش و نیز پیشینه‌های پژوهشی داخلی و خارجی، می‌توان نتیجه گرفت که محیط‌های آموزشی چندفرهنگی با وجود داشتن چالش‌های متعدد، یک بستر پیچیده، متنوع و در عین حال پربار برای یادگیری دانش آموزان ایجاد می‌کنند. در حالی که اختلافات فرهنگی و زبانی ممکن است در آغاز فرآیند تحصیل، موانع و مشکلاتی را به وجود آورند، اما این مشکلات در صورت مدیریت صحیح و با استفاده از رویکردهای تدریس مناسب، می‌توانند به فرصتی طلایی برای تقویت مهارت‌های ارتباطی، توسعه تفکر چندجانبه و رشد هویتی دانش آموزان بدل شوند. این مهم مستلزم ایجاد یک فضای آموزشی حمایتی، آگاهانه و همدلانه است که در آن معلمان و مدیران مدارس بتوانند با بهره‌گیری از روش‌های تدریس منعطف و متناسب با تنوع فرهنگی، تفاوت‌ها را به فرصتی برای یادگیری، همبستگی و رشد تبدیل کنند. آموزش چندفرهنگی در این چارچوب نه تنها به تقویت هویت فرهنگی و همدلی گروهی دانش آموزان کمک می‌کند، بلکه موجب ارتقاء کیفیت تعاملات فرهنگی و اجتماعی آن‌ها نیز می‌شود. البته، همان‌طور که عباسی (۱۳۹۷) و تامپسون (۲۰۲۲) نیز اشاره کرده‌اند، چالش‌هایی مانند تفاوت‌های زبانی و فرهنگی همچنان پابرجا بوده و نیازمند راهکارهای آموزشی دقیق و مؤثر برای کاهش تنش‌ها و تقویت همکاری‌های میان فرهنگی هستند. لذا بهره‌گیری از برنامه‌های درسی چندفرهنگی و آموزش تخصصی معلمان در زمینه مدیریت تفاوت‌های فرهنگی، از اهمیت بالایی برخوردار است تا از بروز تبعیض جلوگیری شود و فضای آموزشی به محیطی عادلانه و دموکراتیک تبدیل گردد. در نهایت، این پژوهش به همراه پیشینه‌های مرتبط نشان می‌دهد که با برنامه‌ریزی

و مدیریت مناسب، محیط‌های آموزشی چندفرهنگی می‌توانند به یکی از مهم‌ترین فرصت‌های ارتقاء توانمندی‌های اجتماعی، تحصیلی و فرهنگی دانش‌آموزان تبدیل شوند.

از سوی دیگر، یافته‌های این پژوهش درباره وضعیت معلمان در مدارس چندفرهنگی نیز نشان‌دهنده چالش‌های فراوانی است که آن‌ها با آن روبرو هستند. معلمان علاوه بر مشکلات زبانی که مانع از برقراری ارتباط مؤثر و انتقال دقیق مفاهیم آموزشی می‌شود، با تفاوت‌های فرهنگی و ارزشی گوناگون مواجه هستند که ممکن است به ایجاد تنش‌های اجتماعی در کلاس منجر گردد. همچنین، کمبود منابع آموزشی مناسب و نبود پشتیبانی‌های کافی برای تطبیق با نیازهای متنوع دانش‌آموزان، از دیگر موانع مهم محسوب می‌شود که فرآیند تدریس را پیچیده‌تر می‌کند. این مجموعه چالش‌ها نیازمند ارتقاء مهارت‌های میان‌فرهنگی و مدیریتی معلمان است تا آن‌ها بتوانند فضای آموزشی مؤثری ایجاد کرده و پاسخگوی نیازهای متنوع دانش‌آموزان باشند. اگرچه معلمان در این مسیر با دشواری‌های فراوانی مواجه‌اند، اما محیط‌های چندفرهنگی زمینه‌ای مناسب برای رشد توانمندی‌های فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان و همچنین افزایش خلاقیت و نوآوری در روش‌های تدریس آنان فراهم می‌آورد. مطالعات مختلف داخلی و خارجی بر اهمیت آموزش تخصصی معلمان برای مدیریت بهتر تنوع فرهنگی و استفاده از روش‌های تدریس پاسخگو به نیازهای متنوع تأکید دارند؛ این آموزش‌ها می‌توانند نقش بسیار مؤثری در کاهش تبعیض و بهبود کیفیت آموزش ایفا کنند.

در زمینه آموزش چندفرهنگی، شواهد پژوهشی داخلی بیانگر آن است که این نوع آموزش می‌تواند هویت فرهنگی، انگیزه تحصیلی، مهارت‌های اجتماعی و توانمندی‌های ارتباطی دانش‌آموزان را به طور مؤثری تقویت کند. مطالعات کریمی (۱۴۰۱)، جعفری (۱۴۰۰) و صالحی و همکاران (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که تعامل با فرهنگ‌های مختلف، دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا هویتی چندجانبه و متنوع بسازند و در نتیجه پذیرش و احترام به تفاوت‌های فرهنگی را افزایش دهند. همچنین، این پژوهش‌ها تأکید می‌کنند که آموزش در محیط‌های چندفرهنگی موجب بهبود مهارت‌های همکاری، ارتباطات اجتماعی و تحمل فرهنگی در دانش‌آموزان می‌شود. مطالعات فلاحتی (۱۳۹۸) و عباسی (۱۳۹۷) نیز بر نقش مهم این محیط‌ها در توسعه مهارت‌های شخصیتی و اجتماعی تأکید دارند. افزون بر این، پژوهش‌های بین‌المللی مانند مطالعات گارسا (۲۰۲۳)، اسمیت و براون (۲۰۲۴) و تامپسون (۲۰۲۲) نیز نشان داده‌اند که محیط‌های چندفرهنگی باعث افزایش تعاملات میان‌فرهنگی و ارتقاء انگیزه و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌شوند. اما در مقابل، این محیط‌ها با چالش‌هایی همچون تفاوت‌های زبانی و فرهنگی مواجه‌اند که نیازمند مدیریت هوشمندانه و آموزش مداوم معلمان است. پژوهش‌های میلر و رابرتز (۲۰۲۱) و جانسون (۲۰۲۰) بر اهمیت بهره‌گیری از روش‌های تدریس پاسخگو به تنوع فرهنگی به منظور ارتقای عدالت آموزشی در مدارس چندفرهنگی تأکید می‌کنند.

در نهایت، توجه دقیق به نیازهای فرهنگی دانش‌آموزان و استفاده از استراتژی‌های تدریس منطبق با این نیازها می‌تواند نقش مهمی در بهبود یادگیری و کاهش نابرابری‌های آموزشی ایفا نماید. یافته‌های گی (۲۰۱۸) و بنکس (۲۰۱۸) نیز نشان می‌دهد که استفاده از روش‌های

تدریس فرهنگی محور و متناسب با ویژگی های دانش آموزان، به تقویت مهارت های میان فرهنگی و افزایش درک متقابل میان آن ها کمک شایانی می کند. در مجموع، آموزش چندفرهنگی نه تنها با چالش هایی روبروست، بلکه فرصت های بی نظیری برای ارتقاء مهارت های اجتماعی، فرهنگی و تحصیلی دانش آموزان فراهم می آورد. در این راستا، معلمان نقش کلیدی دارند و باید توانمندی های خود را در مدیریت کلاس های چندفرهنگی افزایش دهند و از روش های تدریس منطبق با تنوع فرهنگی بهره مند شوند تا بتوانند به توسعه برابری و تعاملات سازنده میان فرهنگی در مدارس کمک کنند. بر اساس یافته های پژوهش، برای بهبود تدریس و تقویت تعاملات فرهنگی در مدارس چندفرهنگی پیشنهاد می شود که معلمان آموزش های تخصصی در زمینه مدیریت کلاس های چندفرهنگی و روش های تدریس پاسخگو به نیازهای فرهنگی را دریافت کنند؛ همچنین برنامه های درسی چندفرهنگی طراحی و اجرا شود که فرصت تبادل و درک فرهنگ های مختلف را فراهم آورد. برگزاری کارگاه ها و برنامه های فرهنگی جهت تسهیل تبادل فرهنگی میان دانش آموزان، بهره گیری از فناوری های آموزشی برای رفع موانع زبانی و شخصی سازی یادگیری، و انجام ارزیابی های مستمر فرهنگی برای بهبود روش های تدریس نیز از دیگر راهکارهای مؤثر است. علاوه بر این، ایجاد فرصت های مشارکت فرهنگی گروهی، ارتقای آگاهی فرهنگی والدین، فراهم کردن فضاهای باز گفت و گوی فرهنگی، و پشتیبانی از آموزش زبان دوم در مدارس چندفرهنگی به افزایش انگیزه تحصیلی و ارتقای کیفیت تعاملات فرهنگی کمک می کند و زمینه ساز محیطی آموزشی هماهنگ تر و مؤثرتر خواهد بود.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

منابع و مآخذ

- ##احمدی، ح. (۱۴۰۱). چالش‌های آموزشی در محیط‌های چند فرهنگی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- جعفری، س. (۱۴۰۰). تأثیر تنوع فرهنگی بر انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان در مدارس چند فرهنگی. پژوهش‌های تربیتی ایران، ۲۳(۱)، ۸۹-۷۵.
- ##رضایی، م. و نیکنام، ع. (۱۴۰۲). بررسی چالش‌ها و فرصت‌های به‌کارگیری هوش مصنوعی در آموزش مهارت‌های عملی دانش‌آموزان. مجله آموزش و فناوری، ۱۵(۳)، ۶۰-۴۵.
- ##زارع، م. (۱۳۹۹). یادگیری در محیط‌های چند فرهنگی. تهران: انتشارات دانشگاه.
- ##زاهدی، ح. (۱۳۹۳). تحلیل تجارب زیسته دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی چند فرهنگی. مجله تعلیم و تربیت، ۱۰(۴)، ۹۸-۸۵.
- ##سعیدی، م. (۱۳۹۹). آموزش چند فرهنگی: فرصت‌ها و چالش‌ها. مجله تعلیم و تربیت.
- ##سعیدی، م. (۱۳۹۹). آموزش چند فرهنگی: فرصت‌ها و چالش‌ها. مجله تعلیم و تربیت.
- شهرامی، م. (۱۳۹۵). آموزش چند فرهنگی و تأثیر آن بر تعاملات فرهنگی دانش‌آموزان. مجله آموزش و پرورش، ۲۲(۲)، ۱۰۴-۸۸.
- ##صادقی، ن. (۱۳۹۸). تأثیر تنوع فرهنگی بر یادگیری. مجله آموزش و پرورش.
- صالحی، ر. و همکاران. (۱۳۹۹). نقش آموزش چند فرهنگی در افزایش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان. نشریه علوم تربیتی، ۱۸(۴)، ۱۶۰-۱۴۵.
- ##عباسی، ن. (۱۳۹۷). چالش‌های آموزش در محیط‌های چند فرهنگی: یک مطالعه کیفی. نشریه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۷(۲)، ۸۲-۶۷.
- ##فلاحی، م. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر محیط‌های چند فرهنگی بر رشد شخصیتی دانش‌آموزان. مجله تربیت معلم، ۸(۳)، ۱۱۰-۹۵.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

کاظمی، پ. (۱۳۹۶). نقش برنامه درسی چند فرهنگی در ارتقای مهارت‌های میان فرهنگی دانش آموزان. مجله برنامه‌ریزی درسی، ۱۲(۱)، ۷۰-۵۵.

##کریمی، ف. (۱۴۰۱). نقش محیط‌های چند فرهنگی در تقویت هویت فرهنگی دانش آموزان. فصلنامه مطالعات تربیتی، ۱۰(۲)، ۱۲۰-۱۳۵.

##میرزایی، ل. (۱۳۹۴). نقش تعاملات فرهنگی در بهبود کیفیت آموزش در مدارس چند فرهنگی. پژوهش‌های تربیتی ایران، ۱۷(۳)، ۱۴۵-۱۳۰.

##Banks, J. A. (2016). Multicultural education: Transformative pedagogy and student learning. *Global Education Journal*, 4(2), 12-27.

##Banks, J. A. (2018). Multicultural education: Issues and perspectives. *International Journal of Cultural Education*, 7(2), 15-30.

##Cushner, K., & McClelland, A. (2017). Human diversity in education: An integrative approach. *Journal of Humanistic Education*, 13(1), 19-35.

##Garcia, O. (2019). *Multicultural Education: Perspectives and Practices*. New York: Routledge.

##García, P. (2023). Multicultural learning environments and their impact on academic performance. *International Journal of Comparative Education*, 12(4), 58-73.

##Garzon, P., & Gibson, K. (2018). Teachers' Role in Fostering Multicultural Competencies in Diverse Classrooms. *International Journal of Multicultural Education*, 11(1), 54-67.

##Gay, G. (2018). Culturally responsive teaching: Theory, research, and practice. *Journal of Educational Theories*, 5(4), 38-55.

##Hall, J., & Chapman, M. (2019). *Diversity in Education: Challenges and Opportunities*. London: Sage Publications.

##Johnson, B. (2020). Promoting equity in multicultural classrooms: Strategies and approaches. *Journal of Education and Social Justice*, 11(2), 41-58.

##Kim, S., & Park, J. (2021). Understanding Multicultural Classrooms: A Review of Pedagogical Approaches. *Educational Research Journal*, 45(2), 30-45.

##Miller, K., & Roberts, M. (2021). The impact of multicultural classrooms on language learning. *International Journal of Language and Education*, 9(3), 67-85.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

##Smith, J., & Brown, D. (2024). The role of multicultural education in enhancing student interactions. *Journal of Global Education*, 16(1), 33-50.

##Thompson, L. (2022). Cultural diversity in education: Challenges and opportunities. *Journal of Education and Diversity*, 14(2), 44-60.

##Walker, S. (2019). Learning in multicultural environments: Student experiences and outcomes. *Journal of Learning Development*, 10(3), 29-46.

نقش ایستگاه تحقیقات دامپروری زهک در توسعه پایدار گاو سیستانی با تأکید بر مشارکت اجتماعی و کاهش مهاجرت: تحلیلی با رویکرد BWM

محمود؛ محمد قاسمی، استادیار اقتصاد کشاورزی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی سیستان، سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، زابل، ایران M.Mghasemi@areeo.ac.ir

مجید دهمرده، استادیار گروه اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

محمود محمدی، استادیار گروه علوم اقتصادی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده:

توسعه اقتصادی - اجتماعی در هر فعالیتی با پژوهش معین می گردد و پس از مشخص شدن ارزش اقتصادی - اجتماعی آن فعالیت قابل توصیه و یا عدم توصیه می باشد. فعالیت دامپروری از جمله فعالیت های مهم بخش کشاورزی بوده و آگاهی از این وضعیت و میزان بازدهی اقتصادی آن می تواند در زمینه تصمیم گیری در خصوص سرمایه گذاری در این بخش و نیز برنامه ریزی های اقتصادی موثر واقع شود. ایستگاه تحقیقات دامپروری زهک با هدف فراهم نمودن بستر مناسب جهت حفظ و اصلاح نژاد گاو اصیل سیستانی و انجام تحقیقات مختلف به منظور افزایش عملکرد دام و نیز هسته تولید و تکثیر گاو سیستانی در منطقه ایجاد شده است. این پژوهش با هدف "تحلیل آثار اجتماعی ایستگاه تحقیقات دامپروری زهک در یک دوره ۱۰ ساله (۱۳۸۹-۱۳۹۹) به صورت توصیفی - تحلیلی انجام شده است. پژوهش حاضر از نوع پژوهش های کمی است و از نظر شیوه گردآوری داده ها، مبتنی بر داده های کتابخانه ای و اسنادی و همچنین مطالعات پیمایش - میدانی است. برای این منظور، داده های جمع آوری شده حاوی مشخصات فردی، متغیرهای اجتماعی از بعد مشارکت، امنیت، سطح آموزش، میزان حضور جوانان و زنان در فعالیت های دامپروری بوده است. جهت تصمیم گیری از تکنیک تصمیم گیری چند شاخصه از روش BWM استفاده گردیده است. نتایج کلی ایستگاه نشان داد از نظر معیارهای اجتماعی از دید بهره برداران پیشرو، مقامات محلی و کارکنان در مورد دوره های برگزار شده در ایستگاه و اثر وجود ایستگاه بر جلوگیری از مهاجرت و حفظ و احیاء و توسعه گاو سیستانی براساس معیارهای: میزان شرکت بهره برداران، میزان اثر بخشی دوره های آموزشی، میزان حضور جوانان در دوره های آموزشی، میزان حضور زنان در دوره های آموزشی، ارزش وجود ایستگاه از بعد امنیت اجتماعی و جلوگیری از مهاجرت و حفظ گاو سیستان، اثر بخشی وجود ایستگاه در حفظ و احیاء و توسعه گاو سیستانی، خدمات ایستگاه از بعد امنیت و پایداری شغلی بیشترین وزن ها را داشتند. از این رو با توجه به معیارهای فنی و معیارهای اجتماعی ارزش وجود ایستگاه برای امنیت منطقه ضروری است.

کلمات کلیدی: سطح آموزش، مهاجرت، جلب مشارکت اجتماعی، امنیت

مقدمه:

روند تحولات اقتصادی در جهت آزاد سازی و تعدیل اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی در یک منطقه کمتر توسعه یافته از یک سو و افزایش جمعیت و نیز اهمیت الگوی مصرف غذایی و بهبود نسبی مصرف سرانه مواد پروتئینی از سوی دیگر، ایجاب می نماید که با افزایش سودآوری انواع فعالیت های دامپروری، زمینه جذب و هدایت سرمایه گذاری ها در این زمینه فراهم شود. لذا تحت شرایط فعلی اقتصادی کشور، گزینش ایستگاه های که دارای توجیه مالی و اقتصادی باشند، ضروری است. بنابراین آگاهی از سودآوری فعالیت تحقیقاتی ایستگاه تحقیقات دامپروری که بر اساس تحلیل اقتصادی- اجتماعی بدست می آید، می تواند زمینه مناسبی را برای تصمیم گیری مطلوب در امر سرمایه گذاری ایستگاه های گاوداری فراهم آورد (محمد قاسمی و همکاران، ۱۴۰۲).

در گذشته نه چندان دور و قبل از خشکسالی در منطقه سیستان ۹۰ هزار هکتار از مساحت ۵۷۰ هزار هکتاری تالاب هامون به عنوان مرتع و نیزار، خوراک دام سبک و سنگین منطقه سیستان را تامین می کرد. متأسفانه امروزه این منبع غنی خوراک دام در سیستان از بین رفته و علوفه مورد نیاز دام ها از طریق واردت از استان های دیگر تهیه می شود که فشار زیادی به دامداران وارد کرده است. از بین رفتن مراتع و چراگاه های طبیعی تاثیر زیادی در کاهش تعداد دام های بومی موجود در منطقه سیستان، کاهش درآمد دامداران، بروز خسارت زیست- محیطی، افزایش گرد و غبار و کاهش رشد و ذخیره غذایی گیاهی در این منطقه شده است. بر اثر تداوم خشکسالی ۱۱۴۰۰ واحد پرواربندی صنعتی و یک هزار و ۱۴۷ واحد پرواربندی سنتی استان نیز تعطیل شده است و تعداد ۵۶۰۰ نفر شغل از بین رفته است. به همین منظور ایستگاه تحقیقات دامپروری با هدف عمده این ایستگاه فراهم نمودن بستر مناسب جهت حفظ و اصلاح نژاد گاو اصیل سیستانی و انجام تحقیقات مختلف به منظور افزایش عملکرد دام و نیز هسته تولید و تکثیر گاو سیستانی و توزیع جوانه اصیل در منطقه ایجاد شده است. از این رو در این مطالعه سعی گردیده است که اثرات اجتماعی ایستگاه تحقیقات دامپروری زهک بر حفظ و احیاء توسعه گاو سیستانی در منطقه سیستان انجام شود.

سابقه تحقیق:

محمد قاسمی و همکاران (۱۴۰۲) مطالعه ای در خصوص بررسی استراتژی های توسعه پایدار صنعت دامپروری منطقه سیستان براساس تئوری خاکستری انجام دادند. نتایج نشان داد در استان سیستان و بلوچستان سالیانه حدود ۲۰۹ هزار تن ماده خشک کمبود مواد خوراکی وجود دارد که باید تامین شود و برای تأمین مقدار کمبود پروتئین خام (حدود ۷۰ هزار تن) و انرژی قابل متابولیسم (۲۹۴ میلیون مگا کالری در سال) به صورت تئوری، حدود ۲۰۹ هزار تن ماده خوراکی با حدود ۳۳ در صد پروتئین و ۱/۴۱ انرژی قابل متابولیسم باید تأمین شود نتیجه آنکه در این استان کمبود مواد خوراکی اعم از علوفه و کنسانتره و انرژی و پروتئین وجود دارد و کمبود پروتئین خام خیلی مشهود و به اندازه ۱۳۸۳۷۲۹۴۱ بر حسب مگا کالری است.

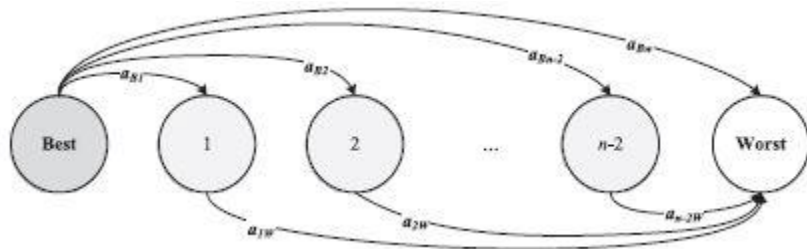
محمد قاسمی و همکاران (۱۳۹۶) مطالعه ای در خصوص تعیین بازدهی اقتصادی پرواربندی گوساله های نر سیستانی در دو سامانه صنعتی و سنتی انجام دادند. نتایج نشان داد که این فعالیت از توجیه اقتصادی بالایی برخوردار است و چنانچه پرواربندی بر اساس روش ارزیابی مالی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند، دارای سودآوری بیشتری نسبت به ارزیابی اقتصادی دارا می باشند که این امر نشانگر وجود مساعدتهای صورت گرفته از سوی اقتصاد ملی در حمایت از این واحدها بوده است.

نعمتی و همکاران (۱۳۹۲) مطالعه ای در خصوص بررسی اثرات اقتصادی- اجتماعی پروژه پرورش گاو شیری برای زنان روستایی استان های کرمانشاه و لرستان پروژه GGP انجام دادند. نتایج این پژوهش در استان کرمانشاه نشان داد که نسبت منفعت به هزینه کوچکتر از یک بوده، لذا اجرای این پروژه توجیه اقتصادی نداشته است. نتایج پژوهش در استان لرستان نشان داد که نسبت منفعت به هزینه برابر ۱۰/۶۹ بوده، لذا اجرای پروژه در استان لرستان مثبت ارزیابی شد و توجیه اقتصادی داشته است.

روش تحقیق

روش بهترین-بدترین (BWM) یک روش تصمیم گیری چندشاخصه برای تعیین وزن معیارهای تصمیم گیری مبتنی بر مقایسه زوجی عناصر با یکدیگر است.

روش بهترین-بدترین برگردان پارسی Best-Worst Method است که به فرم کوتاه BWM نشان داده می شود. در بیشتر مسائل تصمیم گیری چندمعیاره لازم است تا وزن معیارها مشخص باشد. بیشتر زمان ها، روش های فرایند تحلیل سلسله مراتبی و فرایند تحلیل شبکه برای این منظور استفاده می شوند. این روش در ظاهر جایگزینی ساده برای تکنیک AHP است تا تعداد مقایسه های زوجی کمتر شود و میزان سازگاری نظرات بالاتر رود. پرسشنامه روش بهترین-بدترین ساده و کاراتر از روش AHP است زیرا تعداد مقایسه های کمتری دارد اما حل مساله BWM از تکنیک AHP پیچیده تر است.



الگوی روش بهترین-بدترین

همانطور که در شکل فوق مشخص است در یک پرسشنامه تکنیک بهترین-بدترین به جای آنکه همه معیارها باهم مقایسه شوند تنها با بهترین و بدترین عنصر مقایسه می شوند. این سبب می شود تا سازگاری مقایسه ها بالاتر رود و پاسخ دهنده خسته نشود.

از جمله ویژگی های برجسته روش BWM، که یکی از تکنیک های نوین تصمیم گیری چند شاخصه می باشد، نسبت به سایر تکنیک های MCDM موجود، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

ویژگی ۱- تعداد مقایسات زوجی کمتر

این روش جدید، نیاز به تعداد مقایسات زوجی کمتری نسبت به روش AHP دارد. همانطور که سایر مقالات این وب سایت اشاره شده است، تعداد مقایسات زوجی در روش تحلیل سلسله مراتبی برابر فرمول زیر می باشد:

$$\frac{m(m-1)}{2}$$

که در آن m تعداد معیار یا شاخص هایی است که قصد مقایسه آنها با یکدیگر را داریم.

اما در روش BWM تعداد مقایسات زوجی از فرمول زیر به دست می آید:

$$(2 \times m) - 3$$

که تعداد قابل توجهی کاهش در مقایسات زوجی خواهیم داشت. و این نکته، مساله تعداد زیاد مقایسات زوجی در روش ahp را که باعث می شد گاهی حجم صفحات پرسشنامه به ده صفحه برسد را حل می کند.

ویژگی ۲- دستیابی به مقایسات زوجی سازگارتر

دستیابی به مقایسات زوجی سازگارتر و نتایج با قابلیت اطمینان بالاتر از دیگر ویژگی های روش تصمیم گیری BWM می باشد.

نتایج

برای این منظور، داده های جمع آوری شده با هدف با هدف "تحلیل آثار اجتماعی ایستگاه تحقیقات دامپروری زهک، حاوی مشخصات فردی، متغیرهای اجتماعی از بعد مشارکت، امنیت، سطح آموزش، میزان حضور جوانان و زنان در فعالیت های دامپروری بوده است. در مورد دوره های برگزار شده در ایستگاه و اثر وجود ایستگاه بر جلوگیری از مهاجرت و حفظ و احیاء و توسعه گاو سیستانی براساس معیارهای: میزان شرکت بهره برداران، میزان اثر بخشی دوره های آموزشی، میزان حضور جوانان در دوره های آموزشی، میزان حضور زنان در دوره های آموزشی بررسی گردید.

میزان حضور جوانان بهره برداران پیشرو، مقامات محلی و کارکنان در دوره های آموزشی

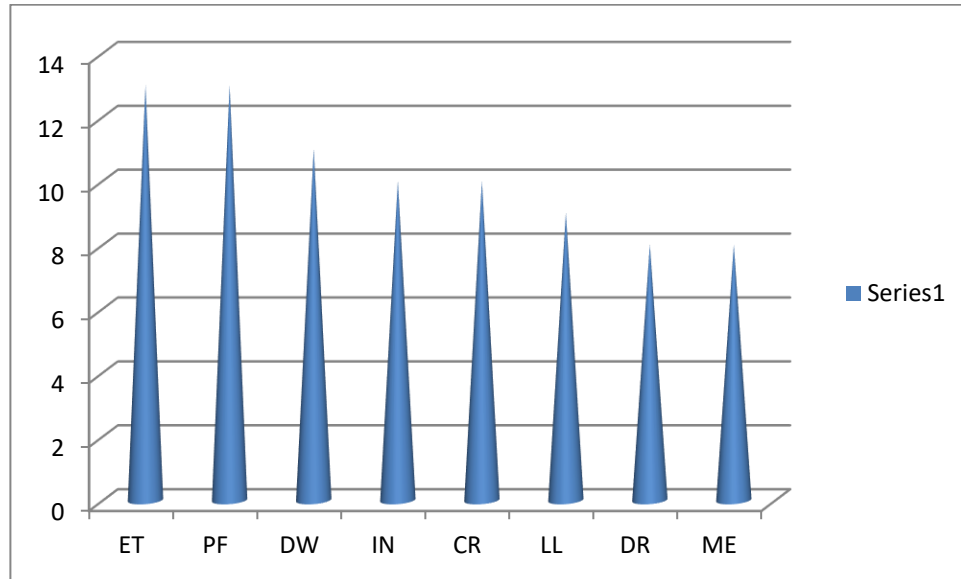
جدول ۱- اولویت بندی میزان حضور جوانان بهره برداران پیشرو، مقامات محلی و کارکنان در دوره های آموزشی براساس

تکنیک BWM

الویت	فعالیت	W_j
۱	حضور خیلی زیاد جوانان در دوره های آموزشی	۰/۱۳
۲	حضور زیاد جوانان در دوره های آموزشی	۰/۱۳
۳	حضور متوسط جوانان در دوره های آموزشی	۰/۱۱

ماخذ: یافته های پژوهش

نمودار ۱ - اولویت بندی میزان حضور جوانان بهره برداران پیشرو، مقامات محلی و کارکنان در دوره های آموزشی



ماخذ: یافته های پژوهش

در نمودار فوق ET حضور خیلی زیاد جوانان در دوره های آموزشی، PF حضور زیاد جوانان در دوره های آموزشی، DW حضور متوسط جوانان در دوره های آموزشی، IN حضور کم جوانان در دوره های آموزشی، CR حضور خیلی کم جوانان در دوره های آموزشی می باشند.

در جدول و نمودار فوق براساس نظر بهره برداران پیشرو وزن معیارها نشان می دهد حضور خیلی زیاد و زیاد جوانان در دوره های آموزشی و استقبال آنها از دوره های آموزشی می باشد.

میزان حضور زنان بهره برداران پیشرو، مقامات محلی و کارکنان در دوره های آموزشی

جدول ۲- اولویت بندی میزان حضور زنان بهره برداران پیشرو، مقامات محلی و کارکنان در دوره های آموزشی براساس تکنیک

BWM

الویت	فعالیت	W_j
۱	حضور متوسط زنان در دوره های آموزشی	۰/۱۳
۲	حضور زیاد زنان در دوره های آموزشی	۰/۱۲

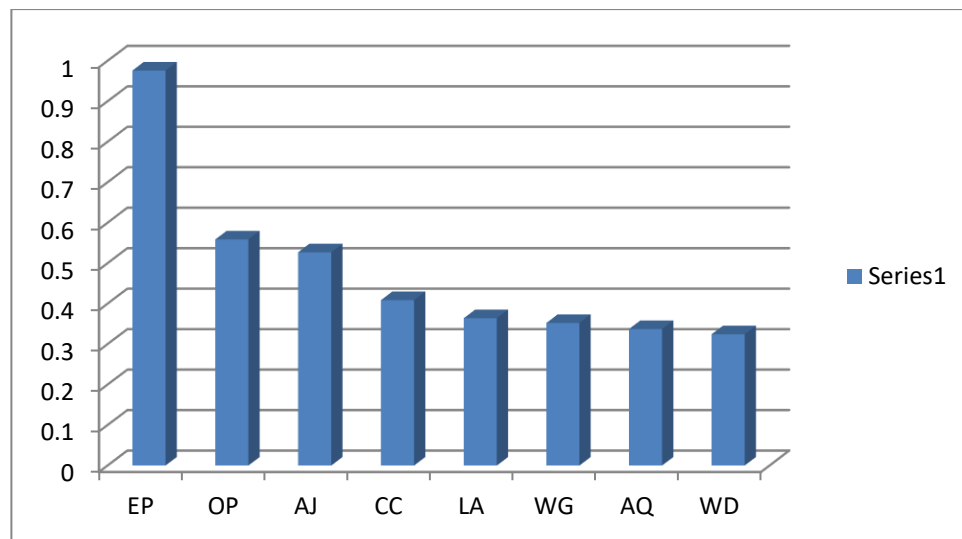
۰/۱۱ حضور خیلی زیاد زنان در دوره های آموزشی

۳

پروری

ماخذ: یافته های پژوهش

نمودار ۲- اولویت بندی میزان حضور زنان بهره برداران پیشرو، مقامات محلی و کارکنان در دوره های آموزشی



ماخذ: یافته های پژوهش

در نمودار فوق CC حضور خیلی زیاد زنان در دوره های آموزشی، OP حضور زیاد زنان در دوره های آموزشی، EP حضور متوسط زنان در دوره های آموزشی، LA حضور کم زنان در دوره های آموزشی، WG حضور خیلی کم زنان در دوره های آموزشی، WD، عدم حضور زنان در دوره های آموزشی، می باشد.

آنچه از نمودار فوق برمی آید این است که میزان حضور زنان بهره برداران پیشرو، مقامات محلی و کارکنان در دوره های آموزشی در اندازه متوسط می باشد.

ارزش وجود ایستگاه از بعد امنیت اجتماعی و جلوگیری از مهاجرت و حفظ گاو سیستان

جدول ۳- دیدگاه بهره برداران پیشرو، مقامات محلی و کارکنان ارزش وجود ایستگاه از بعد امنیت اجتماعی و جلوگیری از مهاجرت و حفظ گاو سیستان براساس تکنیک BWM

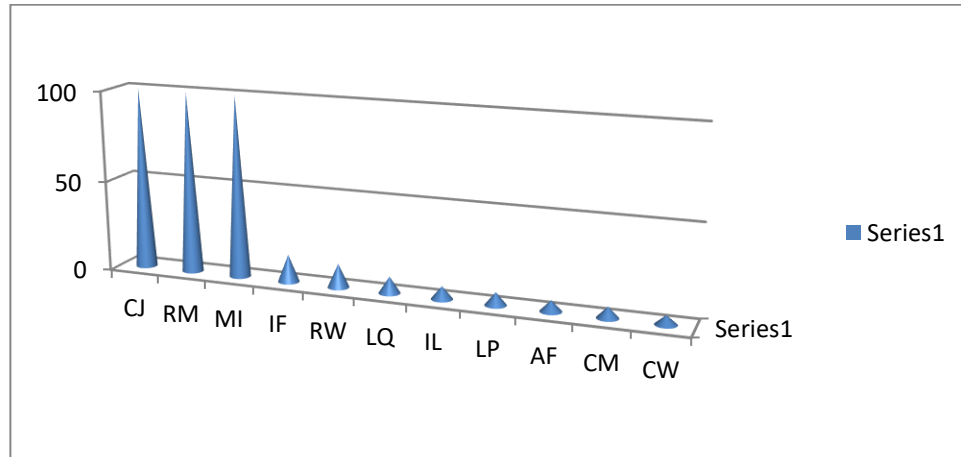
الویت	فعالیت	W_j
۱	ارزش وجود ایستگاه از بعد امنیت اجتماعی ، جلوگیری مهاجرت و حفظ گاو سیستان خیلی زیاد است	۰/۰۰
۲	ارزش وجود ایستگاه از بعد امنیت اجتماعی و جلوگیری مهاجرت و حفظ گاو سیستان زیاد است	۰/۰۰
۳	ارزش وجود ایستگاه از بعد امنیت اجتماعی و جلوگیری مهاجرت و حفظ گاو سیستان متوسط است	۰/۰۰

ماخذ: یافته های پژوهش

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود ارزش وجود ایستگاه از بعد امنیت اجتماعی و جلوگیری مهاجرت و حفظ گاو سیستان خیلی زیاد می باشند.

ارزش وجود ایستگاه از بعد امنیت اجتماعی و جلوگیری از مهاجرت و حفظ گاو سیستان

نمودار ۳- دیدگاه بهره برداران پیشرو، مقامات محلی و کارکنان ارزش وجود ایستگاه از بعد امنیت اجتماعی و جلوگیری از مهاجرت و حفظ گاو سیستان براساس تکنیک BWM



ماخذ: یافته های پژوهش

در نمودار فوق CJ ارزش وجود ایستگاه از بعد امنیت اجتماعی و جلوگیری مهاجرت و حفظ گاو سیستان خیلی زیاد است، RM ارزش وجود ایستگاه از بعد امنیت اجتماعی و جلوگیری مهاجرت و حفظ گاو سیستان زیاد است، MI ارزش وجود ایستگاه از بعد امنیت اجتماعی و جلوگیری مهاجرت و حفظ گاو سیستان متوسط است، RW ارزش وجود ایستگاه از بعد امنیت اجتماعی و جلوگیری مهاجرت و حفظ گاو سیستان کم است، IL ارزش وجود ایستگاه از بعد امنیت اجتماعی و جلوگیری مهاجرت و حفظ گاو سیستان کم است، AF عدم ارزش وجود ایستگاه از بعد امنیت اجتماعی و جلوگیری مهاجرت و حفظ گاو سیستان. همانطور که در نمودار و جدول فوق مشاهده می شود دیدگاه بهره برداران پیشرو، مقامات محلی و کارکنان در مورد ارزش وجود ایستگاه از بعد امنیت اجتماعی و جلوگیری از مهاجرت و حفظ گاو سیستان خیلی زیاد و زیاد است.

نتیجه گیری:

به طور کلی می توان گفت از نظر معیارهای اجتماعی از دید بهره برداران پیشرو، مقامات محلی و کارکنان در مورد دوره های برگزار شده در ایستگاه و اثر وجود ایستگاه بر جلوگیری از مهاجرت و حفظ و احیاء و توسعه گاو سیستانی براساس معیارهای: میزان شرکت بهره برداران، میزان اثر بخشی دوره های آموزشی، میزان حضور جوانان در دوره های آموزشی، میزان حضور زنان در دوره های آموزشی، ارزش وجود ایستگاه از بعد امنیت اجتماعی و جلوگیری از مهاجرت و حفظ گاو سیستان، اثر بخشی وجود ایستگاه در حفظ و احیاء و توسعه گاو سیستانی، خدمات ایستگاه از بعد امنیت و پایداری شغلی بیشترین وزن ها را داشتند. از این رو با توجه به معیارهای مالی و معیارهای اجتماعی ارزش وجود ایستگاه برای امنیت منطقه ضروری است.

پیشنهادهای:



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دوهمین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

براساس نتایج حاصله، اثرات اجتماعی ایستگاه تحقیقات دامپروری زهک بر احیاء و توسعه گاو سیستانی و جلوگیری از مهاجرت پیشنهادهای ذیل ارائه می گردد:

۱ - نتایج تحلیل انجام شده نشانگر آن است که اثر وجود ایستگاه بر جلوگیری از مهاجرت و حفظ و احیاء و توسعه گاو سیستانی، اثر مثبتی است بنابراین با توجه به خشکسالی های اخیر و کم شدن شدید جمعیت دام سیستانی باید تدابیری اندیشیده شود تا از افغانستان دام اصیل شناسایی و به ایستگاه منتقل شوند.

۲- توسعه تکنیک همزمان سازی فحلی و تلقیح مصنوعی به منظور افزایش راندمان تولید مثل.

۳- ایجاد انگیزه برای دامداران منطقه که از خدمات ایستگاه استفاده نموده و نتیجه گرفته اند.

منابع:

ایریلوزاده، رضا و ایرج صالح، ۱۳۸۶. ارزیابی اقتصادی ایستگاههای دامپروری صنعتی (مطالعه موردی: پرورش گوساله نر سیستانی)،

ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مشهد، انجمن اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد.

##-آزرم، حسن و زهره داوودی، ۱۳۹۴. ارزیابی اقتصادی پرورش زنبور عسل در شهرستان مسجد سلیمان، سومین همایش ملی

انجمن‌های علمی دانشجویی رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی، کرج، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران.

##تانگ، آو، توماس پی. آو ۱۳۷۹. اقتصاد مهندسی برای تحلیل سرمایه گذاری، ترجمه محمد تقی بانکی، دانشگاه صنعتی امیر

کبیر. ص ۱۲۹

##جان هانس ۱۳۶۹. راهنمای ارزیابی عملی ایستگاه تحلیل هزینه - فایده اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه مهدی

تقوی، سید احمد میر مطهری، مرکز آموزش و پژوهش سازمان صنایع ملی ایران. ص ۸

##سرگلزهی، احمد رضا. ۱۳۹۴. ارزیابی اقتصادی دام پروری در شرایط صنعتی در منطقه سیستان. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته

اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

##صالحی حسن، ۱۳۸۳. ارزیابی اقتصادی پرورش کپور ماهیان در ایران، مجله علوم شیلاتی ایران، دوره ۴، شماره ۱، از صفحه ۱

تا صفحه ۲۴.

##قهدریجانی، محمد و علی حداد. ۱۳۸۷ بررسی عوامل موثر بر میزان رضایت کشاورزان در شکل های مکانیزاسیون. پنجمین

کنگره ملی مهندسی ماشینهای کشاورزی و مکانیزاسیون

##قائمی، فرزانه و حسین صادقی. ۱۳۹۳. ارزیابی اقتصادی احداث واحدهای بیوگاز در گاوداری های صنعتی ایران، چهارمین

کنفرانس بین المللی رویکردهای نوین در نگهداشت انرژی، تهران.

##کهنسال محمدرضا، سیدان سیدمحسن*، فرهپور علی. ۱۳۹۳. ارزیابی اقتصادی پرورش شترمرغ در استان همدان، علوم دامی

(پژوهش و سازندگی): دوره -، شماره ۱۰۲؛ از صفحه ۲۰ تا صفحه ۲۶.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

محمودیه، محمدرضا؛ یاسر رحیمیان و فاطمه عسگریان دهکردی. ۱۳۹۲. ارزیابی و تحلیل اقتصادی واحدهای دامداری استان چهارمحال و بختیاری (مطالعه موردی شهرستان شهرکرد)، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی، قم، دانشگاه پیام نور،

مرتضوی، سیدابوالقاسم؛ نجمه نخعی و محمدعلی نوازی. ۱۳۸۶. ارزیابی اقتصادی ایستگاه خروج دام از جنگل و تأثیر اجرای ایستگاه در تولیدات دام، ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مشهد، انجمن اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد. ## محمد قاسمی، محمود. ۱۳۸۶. تحلیل هزینه- فایده محصولات کشاورزی در منطقه سیستان». فصلنامه علمی پژوهشی روستا و توسعه

میر مطهری، سیداحمد. ۱۳۷۱. ارزیابی ایستگاه های اقتصادی (راهنمای تهیه و امکان سنجی پروژه های صنعتی)، مرکز آموزش و پژوهش صنایع ایران، انتشارات اطلس. ص ۲۰۵

وطن خواه، محمود، کیخا صابر، مرتضی، عباسی، مختارعلی، بانه، حسن و اسماعیل خانیان، حسن. ۱۳۹۶. برآورد فرصت های اقتصادی هرراس گاو در گاورداری های کوچک در منطقه سیستان. نشریه علوم دامی شماره ۱۱۶ پاییز ۹۶ ص ۱۲۷-۱۳۸

##Harberger,Arnold. 2014. Compering BettwinCost-Benefit Analysis Agricultural Production Vol. 2. p18.

##Marschika ,T. W. Obritzhausera ,P. Wagnerb ,V. Richtera ,M. Mayerhoferc, C. Egger-

Dannerc ,A. Käsbohrera ,B. Piniora ,2018 ,A cost-benefit analysis and the potential trade effects of the bovine viral diarrhoea eradication programme in Styria ,Austria ,The Veterinary Journal ,Volume 231 ,January 2018 ,Pages 19–29.



ک: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

##Pierre Courtoisa , Charles Figuiersb , Chloe Mulierc , Joakim Weilld ,2018 ,A Cost–Benefit Approach for Prioritizing Invasive Species ,Ecological Economics ,Volume 146 ,April 2018 ,Pages 607–620.

##Winter, N. A. 2015, ‘ A Not on Social Cost–Benefit Anahysis in LDC’. Agricultural Economics. Vol. 3, p12

##Winter Joanne R. , Laura E. Green ,2017 ,Cost–benefit analysis of management practices for ewes lame with footrot ,The Veterinary Journal ,Volume 220 ,February 2017 ,Pages 1-6.

تعاونی ها و مشارکت عمومی در تولید ملی

ناصر؛ حسین بر (دکتری اقتصاد) .

چکیده

تولید ملی یکی از شاخص های کلیدی توسعه اقتصادی است که ارتباط مستقیمی با سطح اشتغال، رفاه اجتماعی و استقلال اقتصادی کشور دارد. در این راستا، مشارکت عمومی و نقش تعاونی ها می توانند به عنوان دو ابزار مهم برای تقویت تولید داخلی و کاهش وابستگی به واردات ایفای نقش کنند. در این مقاله، ابتدا مفاهیم تولید ملی، مشارکت عمومی و تعاونی ها بررسی شده و سپس تأثیر آن ها بر توسعه اقتصادی تحلیل می شود. همچنین، خط مشی های اقتصادی و سیاست های حمایتی مورد نیاز برای افزایش مشارکت عمومی و گسترش تعاونی ها در فرآیند تولید ملی بررسی خواهد شد. یافته های تحقیق نشان می دهد که حمایت دولت، سیاست های تسهیل کننده مالی، آموزش کارآفرینی و توسعه تعاونی ها می توانند تأثیر بسزایی در رشد اقتصادی و خودکفایی تولیدی کشور داشته باشند.

کلیدواژه ها: تولید ملی، مشارکت عمومی، تعاونی ها، توسعه اقتصادی، سیاست های حمایتی

مقدمه

تولید ملی به عنوان یکی از مؤلفه های اصلی رشد اقتصادی، نقش مهمی در ایجاد اشتغال، افزایش درآمد سرانه و کاهش وابستگی اقتصادیکشورها دارد. کشورهایی که توانسته اند تولید داخلی خود را تقویت کنند، در برابر بحران های اقتصادی جهانی مقاوم تر عمل کرده اند.

از طرفی مشارکت عمومی یکی از راهبردهای موفق برای افزایش سرمایه گذاری، استفاده از ظرفیت های مردمی و ارتقای بهره وری در بخش تولید است. کشورهای توسعه یافته با اجرای سیاست های تشویقی، شهروندان و بخش خصوصی را به سرمایه گذاری در حوزه های تولیدی ترغیب می کنند.

بطور کلی تعاونی ها یکی از مؤثرترین مدل های اقتصادی برای توزیع عادلانه ثروت و تقویت تولید ملی محسوب می شوند. تعاونی ها با ایجاد بسترهای مناسب برای همکاری بین افراد جامعه، امکان دسترسی به منابع و امکانات را برای کسب و کارهای کوچک و متوسط فراهم می کنند.

هدف مقاله

در این مقاله، به بررسی نقش تولید ملی، مشارکت عمومی و تعاونی‌ها در اقتصاد کشور پرداخته شده و راهکارهای سیاست‌گذاری برای حمایت از این بخش‌ها ارائه خواهد شد. همچنین، نمونه‌هایی از کشورهای موفق در این زمینه تحلیل شده و پیشنهادهایی برای بهبود شرایط اقتصادی کشور ارائه خواهد شد.

بخش اول: تولید ملی و سیاست‌های توسعه‌ای

۱. تعریف تولید ملی و شاخص‌های آن

تولید ملی به مجموع کالاها و خدمات تولیدشده در یک کشور در طی یک دوره زمانی مشخص اطلاق می‌شود. این شاخص معمولاً به‌عنوان محصول ناخالص داخلی (GDP) شناخته می‌شود که تمامی ارزش‌های افزوده شده در فرآیند تولید در یک کشور را اندازه‌گیری می‌کند. تولید ملی نمایانگر توان اقتصادی کشور است و می‌تواند به‌عنوان معیاری برای رشد اقتصادی و سطح رفاه اجتماعی به کار رود. تولید ملی معمولاً بر اساس دو رویکرد اندازه‌گیری می‌شود:

۱. روش تولید (Production Approach): در این روش، ارزش افزوده‌ای که در هر بخش اقتصادی (کشاورزی، صنعت، خدمات) تولید می‌شود، محاسبه می‌گردد.

۲. روش درآمد (Income Approach): در این رویکرد، درآمد حاصل از تولید کالاها و خدمات در نظر گرفته می‌شود که شامل دستمزدها، سودها و مالیات‌های تولید است.

شاخص‌های تولید ملی علاوه بر تولید ناخالص داخلی (GDP)، شامل تولید ناخالص ملی (GNP)، تولید سرانه (Per Capita GDP) و نرخ رشد اقتصادی می‌شود که می‌تواند به سیاست‌گذاران در ارزیابی وضعیت اقتصادی کمک کند.

۲. عوامل مؤثر بر تولید ملی

تولید ملی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی قرار دارد. در ادامه به مهم‌ترین این عوامل اشاره خواهیم کرد:

۱. منابع طبیعی: دسترسی به منابع طبیعی و نحوه بهره‌برداری از آن‌ها یکی از عوامل اساسی در تولید ملی است. کشورهایی که منابع طبیعی فراوان دارند، می‌توانند تولیدات خود را در زمینه‌های مختلف بهبود بخشند.

۲. سرمایه‌گذاری: جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی برای توسعه زیرساخت‌ها و صنایع مختلف نقش بسزایی در رشد تولید ملی ایفا می‌کند. سرمایه‌گذاری در بخش‌های فناوری، آموزش و بهداشت می‌تواند به بهبود بهره‌وری و تولید ناخالص داخلی کمک کند.

۳. نیروی کار: کیفیت و کمیت نیروی کار یکی دیگر از عوامل مهم در تولید ملی است. آموزش نیروی کار، ارتقاء مهارت‌ها و فراهم کردن فرصت‌های شغلی برای جوانان می‌تواند به افزایش تولید کمک کند.

۴. فن‌آوری و نوآوری: استفاده از فناوری‌های نوین و پیشرفته باعث افزایش بهره‌وری در تولید می‌شود. کشورهایی که توانسته‌اند نوآوری را در بخش‌های مختلف تولیدی خود به کار ببرند، توانسته‌اند نسبت به رقبای مزیت نسبی کسب کنند.

۵. سیاست‌های اقتصادی و حکمرانی خوب: وجود یک سیستم اقتصادی پایدار و کارآمد، با سیاست‌های درست و شفاف، می‌تواند باعث جذب سرمایه، افزایش صادرات و رشد تولید ملی شود.

۳. سیاست‌های اقتصادی برای حمایت از تولید داخلی

برای تقویت تولید ملی، دولت‌ها می‌توانند از مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی استفاده کنند. برخی از مهم‌ترین این سیاست‌ها عبارتند از:

۱. سیاست‌های مالی: شامل استفاده از ابزارهایی مانند کاهش مالیات‌ها برای تولیدکنندگان داخلی، ارائه تسهیلات مالی به کسب و کارها و حمایت از صادرات. این سیاست‌ها می‌توانند تولید داخلی را از رکود نجات دهند و محیطی مناسب برای رشد و توسعه تولید فراهم کنند.

۲. سیاست‌های پولی: کاهش نرخ بهره و اعمال سیاست‌های پولی انبساطی می‌تواند منجر به افزایش تقاضا و رشد تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی شود. بانک‌ها می‌توانند تسهیلات ارزان‌قیمت را به تولیدکنندگان ارائه دهند.

۳. حمایت از بخش خصوصی: تشویق سرمایه‌گذاری‌های خصوصی از طریق کاهش بوروکراسی، ساده‌سازی قوانین و فراهم آوردن تسهیلات ویژه می‌تواند تولید ملی را تقویت کند.

۴. تشویق به واردات کالاهای سرمایه‌ای: دولت می‌تواند با معافیت‌های گمرکی و حذف تعرفه‌های وارداتی برای کالاهای سرمایه‌ای، ابزارهایی فراهم کند که بخش‌های تولیدی کشور قادر به استفاده از تکنولوژی‌های جدید و ماشین‌آلات پیشرفته باشند.

۵. حمایت از نوآوری و تحقیق و توسعه (R&D): تخصیص بودجه‌های بیشتر برای تحقیق و توسعه و ایجاد محیط‌های حمایتی برای استارت‌آپ‌ها می‌تواند موجب تقویت خلاقیت و نوآوری در فرآیندهای تولیدی شود.

۴. نقش دولت در تقویت تولید ملی

دولت‌ها در تقویت تولید ملی و پایداری آن نقش کلیدی دارند. این نقش‌ها می‌تواند به صورت زیر باشد:

۱. ایجاد سیاست‌های حمایتی: دولت‌ها باید سیاست‌های مناسبی برای حمایت از صنایع داخلی داشته باشند. این حمایت‌ها می‌تواند شامل کمک‌های مالی، تسهیلات بانکی ارزان‌قیمت و حذف موانع تولید باشد.
۲. توسعه زیرساخت‌ها: ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای بخش تولید، نظیر شبکه حمل‌ونقل، انرژی و ارتباطات، می‌تواند به تقویت ظرفیت تولید ملی کمک کند.
۳. اجرای برنامه‌های آموزشی: از آنجا که نیروی انسانی کارآمد و ماهر برای تولیدات داخلی ضروری است، دولت‌ها باید برنامه‌های آموزشی و مهارتی را برای ارتقاء سطح مهارت‌های نیروی کار خود ایجاد کنند.
۴. حمایت از صادرات: دولت‌ها با کمک به افزایش صادرات از طریق سیاست‌های تشویقی مانند کمک‌های مالی به صادرکنندگان، قراردادهای تجاری و تسهیل فرآیندهای گمرکی می‌توانند نقش مهمی در تقویت تولید ملی ایفا کنند.

بخش دوم: مشارکت عمومی در اقتصاد

۱. تعریف مشارکت عمومی و انواع آن

مشارکت عمومی به فرایندهای مختلفی اطلاق می‌شود که در آن افراد، گروه‌ها یا نهادهای مختلف جامعه به صورت فعال در تصمیم‌گیری‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی شرکت می‌کنند. این مشارکت می‌تواند در قالب‌های گوناگون صورت گیرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. مشارکت دولتی: در این نوع مشارکت، دولت به عنوان نهاد اصلی در توسعه و اجرای پروژه‌های اقتصادی مشارکت می‌کند. این مشارکت شامل سرمایه‌گذاری دولتی، تخصیص منابع مالی و ارائه تسهیلات به بخش‌های مختلف است.
۲. مشارکت خصوصی: در این نوع مشارکت، بخش خصوصی به عنوان سرمایه‌گذار اصلی در پروژه‌ها مشارکت دارد. مشارکت‌های عمومی-خصوصی (PPP) در سال‌های اخیر به عنوان یکی از مدل‌های موفق در توسعه زیرساخت‌ها و پروژه‌های بزرگ شناخته شده‌اند.
۳. مشارکت مردمی: این نوع مشارکت بیشتر به همکاری‌های مردمی در پروژه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی اشاره دارد. در این مدل، افراد و جوامع محلی به صورت داوطلبانه یا از طریق تشکلهای محلی در فرآیندهای تولید و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی شرکت می‌کنند.

۴. مشارکت تعاونی‌ها: تعاونی‌ها به عنوان بخش مهمی از اقتصادهای مختلف، بخصوص در کشورهای در حال توسعه، نقشی ویژه در مشارکت عمومی دارند. این نوع مشارکت شامل همکاری‌های اقتصادی میان اعضای یک تعاونی برای تأمین نیازهای مشترک، تولید و توزیع کالاها و خدمات است.

۲. تجربه کشورهای موفق در زمینه مشارکت عمومی

در بسیاری از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، مشارکت عمومی به عنوان یکی از راه‌های مؤثر برای ارتقای تولید ملی و رشد اقتصادی شناخته شده است. در ادامه به بررسی تجربیات موفق برخی از این کشورها پرداخته می‌شود:

۱. آلمان: آلمان با توجه به سیستم اقتصاد اجتماعی بازار، توانسته است از مشارکت عمومی در بسیاری از حوزه‌ها بهره‌برداری کند. در این کشور، سیاست‌های حمایتی دولت از صنایع کوچک و متوسط، به‌ویژه از طریق تشویق به مشارکت‌های خصوصی و دولتی، منجر به افزایش رقابت‌پذیری و نوآوری در تولید داخلی شده است.

۲. چین: چین با استفاده از مشارکت عمومی و خصوصی در پروژه‌های بزرگ زیرساختی و صنعتی، توانسته است بخش تولید خود را گسترش دهد. این کشور از طریق پیشنهادات سرمایه‌گذاری مشترک بین دولت و بخش خصوصی، به رشد سریع و توسعه تولید داخلی دست یافته است.

۳. برزیل: برزیل با توجه به الگوی مشارکت مردمی در طرح‌های توسعه اقتصادی، توانسته است به رشد پایدار در بخش کشاورزی و تولید محصولات صنعتی دست یابد. طرح‌های مشارکت‌های محلی در تولیدات کشاورزی و توسعه بازارهای داخلی به رشد اقتصادی کمک کرده است.

۳. تأثیر سرمایه‌گذاری عمومی بر رشد اقتصادی

سرمایه‌گذاری عمومی یکی از ارکان اساسی مشارکت عمومی است که تأثیر قابل توجهی بر رشد اقتصادی کشورها دارد. در این بخش، به بررسی تأثیرات مختلف سرمایه‌گذاری عمومی بر بخش‌های مختلف اقتصادی پرداخته خواهد شد:

۱. افزایش تولید و اشتغال: سرمایه‌گذاری عمومی در پروژه‌های بزرگ، به‌ویژه در زیرساخت‌ها و صنایع مادر، موجب افزایش تولید و اشتغال می‌شود. این نوع سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند به رشد اقتصادی پایدار و ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش‌های مختلف اقتصادی کمک کند.

۲. تقویت بخش خصوصی: سرمایه گذاری عمومی، به ویژه در زمینه تحقیق و توسعه (R&D)، می تواند بخش خصوصی را برای نوآوری و افزایش بهره وری تشویق کند. به علاوه، دولت می تواند از طریق ارائه تسهیلات مالی، بازارهای جدید برای محصولات تولیدی داخلی ایجاد کند.

۳. کاهش نابرابری های اقتصادی: با سرمایه گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته، دولت ها می توانند به کاهش فاصله های اقتصادی میان مناطق مختلف کمک کنند. این امر باعث توزیع عادلانه تر ثروت و توسعه بیشتر در تمامی بخش ها خواهد شد.

۴. سیاست های حمایتی برای افزایش مشارکت عمومی

برای افزایش مشارکت عمومی در فرآیند تولید و توسعه اقتصادی، دولت ها نیاز به اعمال سیاست های حمایتی مؤثر دارند. برخی از این سیاست ها عبارتند از:

۱. ایجاد مشوق های مالی: ارائه وام ها، تسهیلات مالی و مشوق های مالیاتی به بخش خصوصی و تعاونی ها می تواند انگیزه های بیشتری برای مشارکت عمومی در تولید ایجاد کند.

۲. تقویت زیرساخت های آموزشی و مهارتی: دولت ها باید از طریق آموزش های فنی و حرفه ای، ظرفیت های مهارتی را در جامعه تقویت کنند تا افراد و گروه ها بتوانند در فرآیندهای تولید و توسعه مشارکت کنند.

۳. ایجاد ساختارهای حقوقی و قانونی مناسب: فراهم کردن قوانین و مقررات شفاف برای فعالیت های مشارکتی، از جمله حمایت از تعاونی ها و گروه های محلی، می تواند به تسهیل فعالیت های اقتصادی و کاهش موانع در مسیر تولید کمک کند.

۴. توسعه مشارکت های اجتماعی و فرهنگی: ارتقای آگاهی عمومی از اهمیت مشارکت در تولید ملی و تشویق به فرهنگ مشارکت می تواند موجب تقویت احساس مسئولیت اجتماعی در جامعه شود.

بخش سوم: نقش تعاونی ها در توسعه اقتصادی و تولید ملی

. تعریف تعاونی ها و جایگاه آن ها در اقتصاد

تعاونی ها نوعی سازمان های اقتصادی-اجتماعی هستند که با هدف همکاری گروهی، افزایش بهره وری و توزیع عادلانه تر ثروت تشکیل می شوند. این نهادها بر اساس اصول مالکیت جمعی، مدیریت دموکراتیک و مشارکت اعضا فعالیت می کنند و نقش کلیدی در توسعه اقتصادی، کاهش فقر و افزایش اشتغال دارند.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

طبق تعریف اتحادیه بین‌المللی تعاون (ICA)، تعاونی سازمانی مستقل از دولت است که افراد با نیازهای مشترک از طریق آن، فعالیت اقتصادی را به‌طور دموکراتیک مدیریت می‌کنند.

در بسیاری از کشورها، تعاونی‌ها در بخش‌های مختلفی فعالیت می‌کنند، از جمله:

- کشاورزی و دامداری (تعاونی‌های تولیدکنندگان محصولات کشاورزی)

- صنعت و معدن (تعاونی‌های کارگری و تولیدی)

- خدمات مالی (بانک‌های تعاونی)

- مسکن و عمران (تعاونی‌های ساخت و ساز)

۲. تأثیر تعاونی‌ها بر رشد تولید ملی

تعاونی‌ها در تولید ملی و اقتصاد نقش اساسی دارند و می‌توانند با تأثیرگذاری در حوزه‌های زیر، رشد اقتصادی را تسریع کنند:

۱. افزایش بهره‌وری و تولید

- تعاونی‌ها از طریق تجمع منابع مالی و انسانی، امکان استفاده بهینه از ظرفیت‌های تولیدی را فراهم می‌کنند.

- در بخش کشاورزی، تعاونی‌ها با استفاده مشترک از ماشین‌آلات و تجهیزات مدرن، بهره‌وری را افزایش داده و هزینه‌ها را کاهش می‌دهند.

۲. ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری

- تعاونی‌ها به دلیل ماهیت جمعی و غیرانتفاعی خود، افراد بیشتری را در فعالیت‌های تولیدی مشارکت می‌دهند.

- در کشورهایی مانند هند و برزیل، تعاونی‌ها توانسته‌اند صدها هزار شغل ایجاد کنند و موجب کاهش بیکاری شوند.

۳. کاهش نابرابری‌های اقتصادی

- تعاونی‌ها امکان مشارکت افراد کم‌درآمد را در فرآیندهای تولیدی فراهم می‌کنند و دسترسی آن‌ها به بازارهای مالی را تسهیل می‌کنند.

- در کشورهایی مانند دانمارک و هلند، تعاونی‌های کشاورزی سهم بزرگی از بازار را در اختیار دارند و سود حاصل را به صورت عادلانه بین اعضا توزیع می‌کنند.

۴. تقویت صادرات و توسعه بازارهای داخلی

- تعاونی‌ها می‌توانند با تجميع محصولات تولیدی اعضا، قدرت رقابتی خود را در بازارهای داخلی و بین‌المللی افزایش دهند.

- در ایران، تعاونی‌های زعفران و پسته نمونه‌هایی موفق از افزایش صادرات غیرنفتی از طریق مشارکت تعاونی‌ها هستند.

۳. چالش‌های توسعه تعاونی‌ها در اقتصاد ایران

با وجود مزایای فراوان، تعاونی‌ها در ایران با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند که مانع رشد و گسترش آن‌ها شده است. مهم‌ترین این چالش‌ها عبارتند از:

۱. کمبود حمایت‌های مالی و اعتباری

- بسیاری از تعاونی‌ها به دلیل مشکلات مالی، نمی‌توانند در بازار رقابت کنند.

- بانک‌های تجاری تمایل کمتری به ارائه وام‌های بلندمدت به تعاونی‌ها دارند.

۲. نبود آموزش و مهارت‌های مدیریتی

- مدیران تعاونی‌ها اغلب فاقد دانش مدیریت کسب‌وکار و بازاریابی هستند، که منجر به ضعف در برنامه‌ریزی و بهره‌وری پایین می‌شود.

۳. مشکلات حقوقی و بروکراسی دولتی

- قوانین پیچیده و فرآیندهای اداری طولانی، تأسیس و گسترش تعاونی‌ها را دشوار کرده است.

- در برخی موارد، دخالت بیش از حد دولت در تعاونی‌ها، استقلال آن‌ها را کاهش داده است.

۴. ضعف در بازاریابی و برندینگ

- بسیاری از تعاونی‌ها نمی‌توانند محصولات خود را به برندهای معتبر و رقابتی تبدیل کنند و سهم کمی از بازار دارند.

. راهکارهای توسعه تعاونی‌ها و مشارکت آن‌ها در تولید ملی



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

برای تقویت تعاونی‌ها و افزایش سهم آن‌ها در اقتصاد، دولت و بخش خصوصی می‌توانند راهکارهای زیر را اجرا کنند:

۱. ایجاد صندوق‌های مالی حمایتی برای تعاونی‌ها

- تخصیص وام‌های کم‌بهره و ارائه تسهیلات مالی برای توسعه تعاونی‌های تولیدی

- ایجاد صندوق ضمانت اعتباری برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در تعاونی‌ها

۲. برگزاری دوره‌های آموزشی برای مدیران تعاونی‌ها

- آموزش مدیریت کسب و کار، بازاریابی و تجارت الکترونیک به اعضای تعاونی‌ها

- ایجاد شبکه‌های مشاوره‌ای برای کمک به تعاونی‌ها در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت مالی

۳. اصلاح قوانین و کاهش بوروکراسی دولتی

- حذف قوانین پیچیده و موانع اداری که فرآیند تأسیس تعاونی‌ها را دشوار می‌کنند

- ایجاد سامانه‌های آنلاین برای ثبت و مدیریت تعاونی‌ها به منظور کاهش هزینه‌های اجرایی

۴. حمایت از صادرات محصولات تعاونی‌ها

- ایجاد برنامه‌های مشوق صادراتی برای تعاونی‌های تولیدی

- برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی برای معرفی محصولات تعاونی‌ها در بازارهای خارجی

۵. افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت تعاونی‌ها

- اجرای کمپین‌های رسانه‌ای برای ترویج فرهنگ همکاری و مشارکت عمومی در تعاونی‌ها

- تشویق جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به تشکیل تعاونی‌های دانش‌بنیان

بخش چهارم: سیاست‌های اجرایی برای تقویت تولید ملی و مشارکت عمومی

۱. ضرورت سیاست‌گذاری برای حمایت از تولید ملی

تولید ملی به عنوان یکی از ستون‌های اصلی اقتصاد هر کشور، نیازمند سیاست‌های اجرایی مؤثر برای تقویت و توسعه است. دولت‌ها معمولاً با استفاده از مشوق‌های مالی، حمایت از کسب و کارها، کاهش وابستگی به واردات و توسعه فناوری‌های داخلی، تولید ملی را تقویت می‌کنند.

در ایران، سیاست‌هایی مانند "اقتصاد مقاومتی" که بر حمایت از تولید داخلی، افزایش بهره‌وری و کاهش وابستگی به منابع خارجی تأکید دارد، نشان‌دهنده اهمیت تقویت تولید ملی است. برای تحقق این اهداف، مشارکت عمومی و تعاونی‌ها نیز باید در سیاست‌های کلان اقتصادی گنجانده شوند.

۲. سیاست‌های کلیدی برای حمایت از تولید ملی

برای افزایش تولید داخلی و کاهش وابستگی به واردات، دولت باید مجموعه‌ای از سیاست‌های هماهنگ را اجرا کند. این سیاست‌ها شامل حمایت‌های مالی، توسعه زیرساخت‌ها، تسهیل قوانین و تقویت مهارت‌های نیروی کار هستند. در ادامه، مهم‌ترین سیاست‌های پیشنهادی بررسی می‌شوند.

۲.۱. حمایت‌های مالی و اعتباری

یکی از موانع اصلی در توسعه تولید داخلی، کمبود سرمایه و عدم دسترسی به اعتبارات بانکی است. برخی راهکارهای کلیدی برای حل این مشکل عبارتند از:

- ایجاد صندوق‌های مالی حمایتی برای ارائه وام‌های کم‌بهره به واحدهای تولیدی و تعاونی‌ها
- کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی برای صنایع کوچک و متوسط
- تخصیص یارانه‌های دولتی برای تولیدکنندگان داخلی، به ویژه در صنایع استراتژیک مانند کشاورزی، پتروشیمی، فناوری و داروسازی

۲.۲. توسعه زیرساخت‌های صنعتی و لجستیکی

بدون زیرساخت‌های قوی، تولید ملی نمی‌تواند رقابتی باشد. دولت باید در زمینه‌های زیر سرمایه‌گذاری کند:

- بهبود شبکه حمل و نقل و لجستیک برای کاهش هزینه‌های تولید و توزیع
- توسعه شهرک‌های صنعتی با امکانات استاندارد برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی
- بهبود زیرساخت‌های ارتباطی و دیجیتال برای تسهیل تجارت الکترونیک و توسعه بازارهای آنلاین

۲.۳. اصلاح قوانین و کاهش بوروکراسی

قوانین پیچیده و روندهای اداری طولانی، یکی از موانع رشد تولید داخلی است. پیشنهادات زیر می‌تواند به بهبود فضای کسب و کار کمک کند:

- حذف مقررات زائد و پیچیده در مسیر تأسیس و گسترش کسب و کارها

- ایجاد سامانه‌های دیجیتال برای ثبت و مدیریت شرکت‌ها و کاهش زمان صدور مجوزها

- افزایش شفافیت در قوانین مالیاتی و گمرکی برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی

۲.۴. تقویت مهارت‌های نیروی کار و تحقیق و توسعه (R&D)

برای افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری تولید ملی، باید بر آموزش نیروی انسانی و نوآوری تمرکز کرد:

- سرمایه‌گذاری در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای تربیت نیروی کار ماهر

- تشویق دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی به همکاری با صنایع داخلی

- افزایش بودجه تحقیق و توسعه (R&D) برای توسعه فناوری‌های بومی

۳. نقش تعاونی‌ها در اجرای سیاست‌های تولید ملی

تعاونی‌ها به دلیل ماهیت مشارکتی خود، می‌توانند نقش مهمی در اجرای سیاست‌های حمایت از تولید ملی ایفا کنند. راهکارهای پیشنهادی برای تقویت نقش تعاونی‌ها عبارتند از:

۱. ایجاد شبکه‌های توزیع تعاونی برای عرضه مستقیم محصولات داخلی بدون واسطه

۲. حمایت از تعاونی‌های صادراتی برای توسعه بازارهای بین‌المللی

۳. تشویق تعاونی‌های نوآور و دانش‌بنیان برای تولید محصولات با فناوری پیشرفته

۴. افزایش مشوق‌های مالیاتی برای تعاونی‌ها که در تولید داخلی مشارکت دارند

۴. نقش بخش خصوصی در توسعه تولید ملی

علاوه بر دولت و تعاونی‌ها، بخش خصوصی نیز باید در فرآیند توسعه تولید داخلی مشارکت داشته باشد. برخی راهکارها برای افزایش این مشارکت شامل موارد زیر است:

- ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری داخلی از طریق کاهش نرخ مالیات بر شرکت‌های تولیدی

- توسعه همکاری‌های بین‌المللی و جذب فناوری‌های نوین

- تسهیل ورود شرکت‌های خصوصی به پروژه‌های زیرساختی و صنعتی از طریق مدل‌های مشارکت عمومی-خصوصی (PPP)

۵. نمونه‌های موفق در جهان

بسیاری از کشورها توانسته‌اند از طریق سیاست‌های مناسب، تولید داخلی خود را تقویت کنند. دو نمونه موفق در این زمینه عبارتند از:

- آلمان: سیاست‌های حمایتی دولت از صنایع کوچک و متوسط (SMEs) و تشویق به سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه (R&D) باعث شده است که تولید داخلی این کشور از پایداری بالایی برخوردار باشد.
- کره جنوبی: با سرمایه‌گذاری گسترده در شرکت‌های دانش‌بنیان و فناوری‌های بومی، کره جنوبی توانسته است وابستگی خود را به واردات کاهش داده و به یکی از قدرت‌های صنعتی جهان تبدیل شود.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

تولید ملی در هر کشوری یکی از مهم‌ترین عوامل در توسعه اقتصادی و ارتقاء رفاه اجتماعی است. برای تقویت تولید ملی، دولت‌ها باید از سیاست‌های مالی، پولی، تجاری و حمایتی به‌درستی استفاده کنند و همچنین محیطی مناسب برای نوآوری، سرمایه‌گذاری و بهره‌وری فراهم آورند.

از طرفی مشارکت عمومی به عنوان یک ابزار مهم در توسعه اقتصادی، می‌تواند به تقویت تولید داخلی، افزایش اشتغال و کاهش نابرابری‌های اقتصادی کمک کند. با استفاده از سیاست‌های حمایتی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب، دولت‌ها می‌توانند فضای مناسبی برای مشارکت همه‌جانبه افراد و گروه‌ها در فرآیندهای اقتصادی فراهم کنند.

همچنین تعاونی‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای افزایش تولید ملی، کاهش بیکاری و بهبود توزیع ثروت در کشورها شناخته می‌شوند. با اجرای سیاست‌های حمایتی مناسب، توسعه زیرساخت‌های مالی و آموزشی و اصلاح قوانین، می‌توان نقش تعاونی‌ها را در رشد اقتصادی و تقویت تولید داخلی افزایش داد.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

برای تقویت تولید ملی، اجرای سیاست‌های حمایتی، بهبود زیرساخت‌ها، اصلاح قوانین و افزایش مهارت نیروی کار ضروری است. دولت، تعاونی‌ها و بخش خصوصی باید با همکاری و مشارکت مؤثر، مسیر توسعه پایدار تولید داخلی را هموار کنند. در این مقاله، اهمیت تولید ملی و مشارکت عمومی را بررسی کردیم و نقش دولت، تعاونی‌ها و بخش خصوصی را در حمایت از تولید داخلی مورد تحلیل قرار دادیم. همچنین، سیاست‌های اجرایی و راهکارهای عملی برای توسعه تولید ملی ارائه شد. پیشنهادات کلیدی:

۱. افزایش حمایت‌های مالی و اعتباری برای کسب و کارهای داخلی
 ۲. توسعه زیرساخت‌های صنعتی و حمل و نقل
 ۳. اصلاح قوانین و کاهش بروکراسی اداری
 ۴. ترویج فرهنگ تعاونی‌ها و حمایت از آنها
 ۵. سرمایه‌گذاری در آموزش نیروی انسانی و تحقیق و توسعه
 ۶. جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در تولید ملی
- با اجرای این پیشنهادات، می‌توان مسیر رشد اقتصادی و کاهش وابستگی به واردات را فراهم کرد.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

منابع

- ## احمدی، محمدرضا. (۱۳۹۸). اقتصاد مقاومتی و تولید ملی: راهبردها و چالش‌ها. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ## حسینی، علی اکبر و رضایی، محمود. (۱۴۰۰). نقش تعاونی‌ها در توسعه اقتصادی ایران. تهران: نشر نی.
- ## نوربخش، سعید. (۱۳۹۷). سرمایه‌گذاری عمومی و تأثیر آن بر تولید ملی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ## سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO). (۱۳۹۹). گزارش توسعه صنعتی ایران و نقش تعاونی‌ها. ترجمه: مرکز پژوهش‌های اقتصادی ایران.
- ## مرکز آمار ایران. (۱۴۰۱). گزارش شاخص‌های کلان اقتصادی ایران. تهران: مرکز آمار ایران.
- ## بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۰). گزارش سالانه اقتصادی و تحلیل تولید ناخالص داخلی.
- ## Stiglitz, J. E. (2012). *The Price of Inequality: How Today's Divided Society Endangers Our Future*. W.W. Norton & Company.
- ## Ostrom, E. (1990). *Governing the Commons: The Evolution of Institutions for Collective Action*. Cambridge University Press.
- ## World Bank. (2021). *World Development Report: Data for Better Lives*. Washington, DC: World Bank Publications.
- ## International Labour Organization (ILO). (2020). *Cooperatives and the Future of Work*. Geneva: ILO Publications.
- ## United Nations Industrial Development Organization (UNIDO). (2019). *The Role of Industrial Policy in Developing Economies*.
- . منابع اینترنتی و گزارش‌های رسمی
- ## مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر تعاونی‌ها بر تولید ملی. بازیابی شده از: www.majlis.ir
- ## سازمان برنامه و بودجه کشور. (۱۴۰۰). تحلیل شاخص‌های اقتصادی در ایران. بازیابی شده از: www.mporg.ir
- ## بانک جهانی. (۲۰۲۳). گزارش جهانی توسعه اقتصادی. بازیابی شده از: www.worldbank.org
- ## سازمان ملل متحد. (۲۰۲۲). تحلیل نقش تعاونی‌ها در اقتصاد جهانی. بازیابی شده از: www.un.org
- ## صندوق بین‌المللی پول (IMF). (۲۰۲۳). چشم‌انداز اقتصاد جهانی و نقش سرمایه‌گذاری عمومی. بازیابی شده از: www.imf.org



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract

National production is one of the key indicators of economic development, directly linked to employment levels, social welfare, and the economic independence of a country. In this regard, public participation and the role of cooperatives can serve as two important tools to strengthen domestic production and reduce dependence on imports. This article first examines the concepts of national production, public participation, and cooperatives, and then analyzes their impact on economic development. Furthermore, it reviews the economic strategies and supportive policies required to enhance public participation and expand cooperatives in the process of national production. The research findings indicate that government support, facilitating financial policies, entrepreneurship training, and the development of cooperatives can have a significant impact on economic growth and production self-sufficiency

Keywords: National Production, Public Participation, Cooperatives, Economic Development, Supportive Policies

Cooperatives and public participation in national production

Author, naser hoseinbor

Address: saravan

تأثیر وابستگی به گروه‌های تجاری بر انتخاب حسابرِس، کیفیت گزارشگری مالی، حق الزحمه حسابرِس و شکاف انتظارات حسابرِس

اسماعیل؛ جمالی؛ استادیار، گروه حسابداری، واحد گلپایگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گلپایگان، ایران؛

esm1358@gmail.com

مریم؛ سادات طباطبائی؛ استادیار، گروه حسابداری، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛

m.tabatabaeian@pnu.ac.ir

سید ابوالفضل؛ بهشتی؛ کارشناس ارشد حسابداری، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر وابستگی به گروه‌های تجاری بر انتخاب حسابرِس، کیفیت گزارشگری مالی، حق الزحمه حسابرِس و شکاف انتظارات حسابرِس است که در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ بر روی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته است. در این پژوهش، وابستگی به گروه‌های تجاری متغیر مستقل و انتخاب حسابرِس، کیفیت گزارشگری مالی، حق الزحمه حسابرِس و شکاف انتظارات حسابرِس متغیرهای وابسته در نظر گرفته شدند. ماهیت و روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است. بر اساس روش حذف سیستماتیک تعداد ۱۳۱ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید. نتایج نشان داد شرکت‌های وابسته به گروه تجاری در مقایسه با سایر شرکت‌ها از موسسات حسابرِس بزرگ استفاده می‌کنند؛ همچنین شرکت‌های وابسته به گروه تجاری که از موسسات حسابرِس بزرگ استفاده می‌کنند، دارای کیفیت گزارشگری مالی و حق الزحمه حسابرِس بالاتری هستند؛ در نهایت شکاف انتظارات حسابرِس در شرکت‌های وابسته به گروه تجاری، کمتر از سایر شرکت‌ها است. این نتایج می‌تواند درک و دانش سرمایه‌گذاران حوزه بازار سرمایه را افزایش دهد و به استفاده کنندگان از اطلاعات مالی که مستقیماً با آثار مالی و نتایج حاصل از کیفیت حسابرِس و گزارشگری مالی شرکت‌ها در ارتباط هستند و همچنین به مدیران در مدیریت صحیح و انتخاب حسابرِس کمک کند.

واژگان کلیدی: وابستگی به گروه‌های تجاری، انتخاب حسابرِس، کیفیت گزارشگری مالی، حق الزحمه حسابرِس، شکاف انتظارات حسابرِس.

۱. مقدمه

حسابرِس و اطمینان خارجی نقش اساسی در ثبات مالی، اعتماد و اطمینان بازار ایفا می‌کند. حسابرِس اعتبار صورتهای مالی را افزایش داده و به عملکرد موثر کسب و کار، بازار سرمایه و اقتصاد کمک می‌کند. با این حال، به دلیل جهانی شدن و خطرات تجارت، محیط کسب و کار پویا و پیچیدگی روزافزون فناوری اطلاعات، کار حسابرسان بسیار زیاد شده است. اگر چه استراتژیهای حسابرِس در طول

سالها تغییر کرده‌اند، اما این تغییرات به خوبی با پویایی محیط کسب و کار مطابقت ندارد و فرآیندهای حسابرسی به دلیل تکنیکهای نمونه‌گیری آماری برای آزمونهای حسابرسی، ریسک‌پذیرتر هستند. بنابراین، در عدم کشف تقلب در شرکت‌ها، حساب‌رسان همیشه مورد انتقاد قرار می‌گیرند (کوئیک، ۲۰۲۰).

با فروپاشی غول‌هایی مانند اندرون و ورلد کام توصیه‌های زیادی از زمان تصویب قانون سارینز - آکسلی در سال ۲۰۰۲ مبنی بر تأکید مجدد به افزایش اعتماد نسبت به گزارشهای حسابرسی، صورت گرفته است؛ زیرا اطمینانی که به واسطه استقلال نظر حرفه‌ای رعایت آیین رفتار حرفه‌ای و سایر الزامات دیگر صورت می‌گیرد، سبب اطمینان بیشتر سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان و سایر گروه‌های ذینفع نسبت به عملکرد و گزارشهای تهیه شده حسابرسی می‌گردد و نهایتاً موجب ارتقا حرفه حسابرسی میشود. فاصله انتظارات مسئله‌ای قابل توجه برای حرفه حسابرسی است، زیرا هر چه این فاصله بیشتر باشد اعتباردهی، درآمد بالقوه و وجهه اجتماعی کمتری برای حساب‌رسان وجود خواهد داشت. بنابراین، یافتن راه‌هایی برای حذف و یا حداقل کاستن اثرات نامطلوب آن همواره مورد توجه محققان حسابرسی بوده است. در این راستا برخی از محققین اظهار داشته‌اند که داشتن اعتماد و اطمینان به گزارشهای حسابرسی شده شرکتها بسیار حیاتی است، زیرا اطمینان بازارهای سرمایه را در سطح مطلوبی قرار میدهد. برای بازار سرمایه پایدار، بدیهی است که سرمایه‌گذاران به حسابرسی صورتهای مالی اطمینان داشته باشند. با این وجود، ده‌ها سال است که حرفه حسابرسی به دلیل عدم موفقیت حساب‌رسان در برآورده کردن انتظارات جامعه با انتقادهای گسترده و دعاوی حقوقی بسیاری مواجه است. از طرفی شکاف انتظار حسابرسی به نوبه خود، اطمینان به عملکرد حسابرسی را تضعیف میکند، زیرا مشتریان انتظارات مشخصی از افراد متخصص به ویژه افرادی مانند حسابداران، حساب‌رسان، وکلا و پزشکان دارند و برخوردهای خدماتی را بر اساس عملکرد ادراک شده از ارائه دهنده خدمات مطابق با انتظارات خود ارزیابی میکنند و رعایت آن انتظارات پایه‌ی مهمی برای ارزیابی کیفیت و اثربخشی خدمات ارائه شده است (ایوانی و همکاران، ۱۴۰۱).

چنین ادعاهایی اغلب از این واقعیت ناشی میشود که عموم مردم انتظارات خاصی از حوزه خدمات حسابرسی قانونی و حسابرسی دارند که توسط عموم درک میشود تا عملکرد حساب‌رسان. در نتیجه، علیرغم اهمیت عملکرد حسابرسی، تعریف نقش حساب‌رسان به قابل قبول ترین روش همیشه دشوار بوده است که انتظار می‌رود از طریق درک متنوع از نقش حساب‌رسان شکاف ایجاد کند. فاصله ادراک بین کاربران و حساب‌رسان به عنوان شکاف انتظارات حسابرسی شناخته میشود. به همین دلیل در چند سال گذشته دانشگاهیان، قانونگذاران، موسسات حسابداری حرفه‌ای و استفادکنندگان از صورت‌های مالی حسابرسی شده بر شکاف انتظارات حسابرسی و نحوه کاهش آن متمرکز شده‌اند.

ادبیات نظری نشان میدهد که عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکتها و سرمایه‌گذاران خارجی میتواند گزینه‌های تأمین مالی شرکت را تحت تأثیر قرار دهد. صورت‌های مالی نقش اساسی در کاهش این عدم تقارن دارند و یکپارچگی آنها برای عملکرد مناسب بازارهای سرمایه ضروری است. برای این منظور، حساب‌رسان باید نقشی حیاتی در تأیید این اطلاعات ایفا کنند. بنابراین، با توجه به کیفیت افشای مالی و انتخاب حسابرسان، ارزشهای حسابرسان میتواند اطلاعات بیشتری را برای کاهش اصطکاک مالی در اختیار بستانکاران قرار دهد. با این حال، همه حسابرسان ممکن است سطح یکسانی از خدمات را ارائه ندهند. ادبیات نظری نشان میدهد که حسابرسان بزرگ خدمات حسابرسی بهتری را نسبت به حسابرسان کوچکتر ارائه میدهند. این حسابرسان نظارت بیشتر و شهرت بالاتری دارند. در نتیجه، انتظار می‌رود که انتخاب

حسابرس نقش اساسی در شکاف انتظارات حسابرسی ایفا کند. با این حال، شواهد تجربی در حمایت از این محدود است و هر گونه انتظار برآورده نشده از جامعه بدون شک اعتبار و توانایی موسسه حسابرسی برای فعالیت را کاهش می‌دهد و به طور گسترده برای ذینفعان مضر خواهد بود. از این رو، شکاف انتظار از حسابرسی در انجام کار حسابرسی بسیار مهم است. با در نظر گرفتن چالشهای فوق، نویسندگان انگیزه یافتند تا میزان و ماهیت پیامدهای انتخاب حسابرس و شکاف بین انتظارات را به صورت تجربی مطالعه کنند (صالحی و آریانپور، ۲۰۲۱).

همچنین ادبیات موجود گروه‌های تجاری وابسته را به عنوان یک گروه حقوقی از شرکتهای متقابل متمایز تعریف می‌کند، که از طریق روابط رسمی یا غیررسمی به یکدیگر متصل هستند و به انجام اقدامات هماهنگ عادت دارند. این شرکتها برای دستیابی به پیشرفتهای کلی در عملکرد گروه، به حقوق صاحبان سهام یا روابط سازمانی مقید هستند. در گروه‌های تجاری وابسته، مدیریت و نظارت به طور کلی توسط همان شرکت اصلی حفظ میشود، بعلاوه، شرکتهای این گروه‌ها معمولاً از ساختارهای هرمی و سهامدار متقابل برای ادغام مالکیت و کمک به دستیابی به سطح کنترل مطلوب خود استفاده میکنند. این گروه‌ها اغلب سرمایه‌گذاری مجدد قابل توجهی دارند، سهامداری یا معاملات مربوط به اشخاص وابسته انجام می‌دهند. این عمل باعث عدم تقارن شدید اطلاعاتی بین شرکتها و سرمایه‌گذاران درون گروهی شده و منجر به مشکلات نمایندگی و دستکاری بالقوه سود توسط مدیریتی شود (جیان و وونگ، ۲۰۰۳؛ کیم و یی، ۲۰۰۶). گروه‌های تجاری صورتهای مالی تلفیقی گروه را منتشر می‌کنند. حسابرسی صورتهای مالی گروه را حسابرسی گروهی مینامند که نگرانیهای شدیدی را در مورد کیفیت حسابرسی گروه‌های چند ملیتی، به ویژه حسابرسی های گروهی که شامل هماهنگی حسابرس اصلی و سایر حسابرسان است، وجود دارد. ریسک اضافی حسابرسی گروهی شامل ۱) خطرات مربوط به مدیریت عملیات تجاری پیچیده، متنوع یا غیرمتمرکز است و ۲) خطرات مربوط به هماهنگی با حسابرسان جز (داونی و بدارد، ۲۰۱۶). جول و همکاران (۲۰۱۶) پیشنهاد کردند که پیچیدگی و خطرات تجاری به طور قابل توجهی بین شرکتهای وابسته به گروه و مستقل متفاوت است. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که هزینه‌های مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی برای شرکت‌های وابسته به گروه تجاری به طور قابل توجهی بالاتر از شرکتهای غیر وابسته به گروه تجاری است و ممکن است شرکای حسابرسی استقلال خود را بیشتر برای صاحبکاران وابسته به گروه تجاری به خطر بیندازند تا صاحبکاران غیر وابسته به گروه تجاری. گروه‌های تجاری ماهیتی وابسته دارند و برای افزایش دامنه کنترل موثر خود از سرمایه‌گذاری مجدد، سهامداری متقابل و معاملات مربوط به اشخاص وابسته استفاده میکنند. بنابراین صاحبکار وابسته احتمالاً از نظر اقتصادی برای حسابرس مهمتر از صاحبکار عدم وابسته به گروه‌های تجاری است.

در واقع، پژوهشات نشان میدهد که گروه‌های تجاری متنوع یک مدل سازمانی بلندمدت در اقتصادهای نوظهور و پیشرفته هستند و نشان میدهند که چگونه گروه‌های تجاری با مکانیسمهای مختلف بازار و نهادی سازگار میشوند. بنابراین، ساختار شرکتهای گروه به گونه‌ای است که شرکتهای گروه میتوانند روی سیاستهای حسابداری و غیرحسابداری یکدیگر از جمله فرآیند انتخاب حسابرس تأثیر بگذارند (صالحی و آریانپور، ۲۰۲۱). بنابراین با توجه به مطالب مطروحه در این بخش سوال اصلی پژوهش این گونه تدوین می‌گردند که تاثیر وابستگی به گروه‌های تجاری بر انتخاب حسابرس، کیفیت گزارشگری مالی، حق الزحمه حسابرسی و شکاف انتظارات حسابرسی چگونه است؟

انجام این پژوهش از چند جنبه حائز اهمیت است. نخست، پژوهشات پیشین مستند نموده‌اند که شرکتهای گروهی تقاضای بیشتر برای استفاده از حسابرسان برتر دارند و این امر نشان می‌دهد که شرکت‌های گروهی، مشتاق به کاهش نامتقارنی اطلاعات برای کاهش نگرانیهای سرمایه‌گذاران نسبت به فعالیت‌های انحصاری عوامل درون گروهی هستند. دوم محققان نشان داده‌اند که شرکتهای گروهی زمانی که سهامداران کنترل دارای سهام غالب هستند و در غیاب نظارت داخلی، سخت‌تر احتمال دارد که حسابرسان برتر را انتخاب کنند. این شواهد با این شهود که حضور حسابرسان با کیفیت بالا برای مقابله با انحراف زمانی که هزینه‌های نمایندگی بالقوه بالاتر است ارزشمندتر میشود، مطابقت دارد. سوم، بعد از جداسازی شرکتهای، گروهی میتوان دریافت که انتصاب حسابرسان برتر کیفیت حسابداری و شفافیت را بر اساس ارزش مطلق تعهدات، اختیاری میزان برآورد مجدد و افشای شرایط قیمت‌گذاری فروش طرفین مرتبط را بهبود می‌بخشد. چهارم، شرکتهای گروهی هزینه‌ها و منافع ناشی از انتخاب حسابرس را در نظر میگیرند. به طور مشخص محققان دریافته‌اند که مشتریان حسابرسان مشهور از سرمایه‌گذاری ارزان‌تر و ارزیابی بالاتری از فروش گروهی بهره می‌جویند؛ گرچه هزینه‌های حسابرسی بالاتری را پرداخت نموده و دامنه کمتری برای رسیدن به اهداف سود از طریق فروش گروهی دارند و عوامل درون گروهی در این شرکتهای با چانه‌زنی از طریق وام‌های مربوطه محدودتر هستند. محققان مدتها حیران هستند که چرا سرمایه‌گذاران در گروه‌های تجاری بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کنند با این وجود که این امر باعث می‌شود آنها نسبت به سلب مالکیت آسیب‌پذیر شوند. یک توضیح قابل قبول این است که عوامل درون گروهی در گروه‌های تجاری خواهان شفافیت و رفتار منصفانه با سرمایه‌گذاران اقلیت هستند. با این حال مطالعات قبلی به ندرت از مکانیزم‌های خاصی برای توسعه چنین شهرتی استفاده می‌کنند. پژوهش حاضر مسیر علمی را بر اساس شواهد بازار سرمایه گسترش می‌دهد تا نشان دهد که نظارت دقیق توسط حسابرسان مشهور یک مکانیزم موثر و گران‌قیمت برای ایجاد اعتبار توسط عوامل درون گروهی در گروه‌های تجاری است.

۲. مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

صورت‌های مالی سالانه "تاریخچه حسابرسی قانونی عدم قطعیت در مورد هدف، محتوا و تاثیر شکاف انتظارات حسابرسی" را نشان میدهد که نشان‌دهنده تفاوت بین سطح عملکرد مورد انتظار کاربر صورت‌های مالی و حسابرس است. به نظر میرسد دو دیدگاه اولیه در مورد علل این شکاف وجود دارد. یکی آنکه افراد به اندازه کافی ماهیت حسابرسان، نقشها و مسئولیتهای مختلف حسابرسان و مبانی احتمالی عملکرد حسابرسی را درک نمیکنند. به نظر میرسد منتقدان حسابرسی از دانش پس از رویداد ناعادلانه برای استدلال اینکه حسابرسان عملکرد کافی ندارند استفاده میکنند. دیدگاه دوم مربوط به علائم توسعه تکاملی مسئولیتهای حسابرسی است که ناشی از شکاف زمانی قابل درک بین شناسایی و پاسخ حرفه حسابداری و تغییر انتظارات عمومی است. طبق نظر پورتر (۱۹۹۳)، شکاف انتظارات حسابرسی دارای دو مولفه اصلی است: شکاف معقول، شکاف بین آنچه جامعه انتظار دارد حسابرسان به آن دست یابند و آنچه که حسابرسان به طور منطقی انتظار دارند انجام دهند. دوم اینکه، شکاف عملکرد فاصله‌ای است که جامعه میتواند انتظار داشته باشد حسابرسان انجام دهند و آنچه را که درک میکنند به دست آورند. با این حال، توضیحات مختلفی برای شکاف انتظارات حسابرسی وجود دارد، به طور عمده دلیل آن است که حرفه حسابرسی آن را به سوء تفاهم کاربران و عموم درباره حسابرسی نسبت میدهد (صالحی و آریان پور، ۲۰۲۲).

انتظارات کاربران و افراد بالا است و اغلب به دلیل عدم اطلاع آنها از ماهیت دقیق، هدف و قابلیت‌های عملکرد حسابرسی است. با این حال، کاربران باید حساب‌رسان را مستقل در نظر بگیرند. در غیر این صورت، آنها اعتماد به کار حساب‌رس را از دست می‌دهند و چنین انتظاراتی غیرمنطقی هستند (کوئیک، ۲۰۲۰). دامنه انتظارات حسابرسی تحت تأثیر عدم قطعیت استقلال حساب‌رسان است. از آنجا که حساب‌رس استقلال نظری بی‌طرفانه ندارد، گزارش حساب‌رس بی‌ارزش خواهد بود. در حال حاضر، انتخاب حساب‌رس معمولاً توسط شرکت (مشتری) صورت می‌گیرد (فنگ و همکاران، ۲۰۱۷).

نگرانی اصلی قانون‌گذاران و تنظیم‌کنندگان استاندارد آن است که همکاری بلندمدت حساب‌رس می‌تواند استقلال حساب‌رس را به دلیل رابطه بسیار نزدیک بین حساب‌رس و مشتری و تهدیدهای بالقوه کاهش دهد که ممکن است توجه به جزئیات حساب‌رسی را کاهش دهد. در این رابطه، کیفیت خدمات حساب‌رسی موثر است. واتز و زیمرمن (۱۹۸۶) بیان کردند که کیفیت حساب‌رس به عنوان "احتمال تشخیص کلاهبرداری و گزارش نقض قرارداد برای ارائه اطلاعات حسابداری مناسب" تعریف می‌شود. معیارهایی که به کیفیت حساب‌رس کمک می‌کنند عبارتند از اعتبار حساب‌رس، عضویت در انجمن‌های حرفه‌ای و شرکت‌های حساب‌رسی بزرگ. نتایج پژوهش‌های دیویس (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که شرکت‌ها و نهادهای بزرگتر با دارایی‌ها و درآمد بالاتر بیشتر مورد حساب‌رسی قرار گرفته و شرکت‌های حساب‌رسی بزرگتر را انتخاب می‌کنند. این نتایج با توضیحات دی‌آنجلو (۱۹۸۱) و واتز و زیمرمن (۱۹۸۶) برای شرکت‌های حساب‌رسی حرفه‌ای، اندازه شرکت حساب‌رسی و اعتبار شرکت حساب‌رسی به عنوان جایگزین کیفیت حساب‌رسان همخوانی دارد (صالحی و آریان پور، ۲۰۲۱). بنابراین، فرضیه اول پژوهش به صورت زیر است:

فرضیه ۱: شرکت‌های وابسته به گروه تجاری در مقایسه با سایر شرکت‌ها از موسسات حساب‌رسی بزرگ استفاده می‌کنند.

تحلیلگران به بیانیه‌های مالی مبتنی بر استانداردهای گزارش‌دهی اقتصادی دسترسی دارند و به دنبال گزارش‌های عاری از دستکاری هستند. اما در عمل کیفیت گزارش‌های مالی می‌تواند بسیار متفاوت باشد. گزارش مالی با کیفیت بالا اطلاعات مفیدی را برای تحلیلگران درباره ارزیابی عملکرد و چشم‌انداز شرکت فراهم می‌کند، در حالی که گزارش مالی با کیفیت پایین حاوی اطلاعات نادرست، گمراه‌کننده یا ناقص است (دیبیا، ۲۰۱۵). برخی پژوهشات نشان می‌دهد که اندازه شرکت حساب‌رسی بر کیفیت حساب‌رسی تأثیر می‌گذارد. جری و سایدو (۲۰۱۸) نشان دادند که اندازه شرکت حساب‌رسی تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت گزارش‌گری مالی دارد. گروه‌های تجاری نقش اساسی در توسعه اقتصادهای در حال ظهور ایفا می‌کنند. این شکل از سازمان تجاری در چنین اقتصادی متداول است. ساختار گروهی شرکت‌ها مزایای اقتصادی دارد، از جمله بهبود دسترسی به دارایی شرکت‌های تابعه و کنترل، انتقال دانش در میان اعضای گروه و تقسیم ریسک (گری و سایدو، ۲۰۱۸). با این حال، سطح بالای کنترل تأثیر سهامداران، مشکلات نمایندگی بیشتری را برای سهامداران اقلیت در شرکت‌های وابسته به گروه نسبت به شرکت‌های مستقل ایجاد می‌کند و کیفیت حساب‌رسی می‌تواند یک مکانیسم ممکن برای افزایش کیفیت گزارش‌گری مالی باشد. وابستگان گروه تجاری که از خدمات حساب‌رسی شرکت‌های حساب‌رسی بزرگ استفاده می‌کنند، احتمالاً کیفیت گزارش‌گری مالی بالاتری دارند. یک حساب‌رس مستقل بزرگ باید این شرکت‌ها را بررسی کند، زیرا آنها عموماً یک بازار سرمایه داخلی تشکیل می‌دهند که شامل شرکت‌های مستقل است که تحت کنترل اجرایی و مالی مشترک در حین پیشبرد اهداف مشترک گروه عمل می‌کنند. از آنجا که نتایج مالی شرکت‌های عضو گروه بر عملکرد شرکت‌های دیگر و شرکت مادر تأثیر می‌گذارد، انتظار می‌رود که هنگامی

که حسابرسی شرکت بزرگ حسابرسی شرکتهای گروه، کیفیت گزارشگری مالی حسابرسی شده را تحت تاثیر قرار دهد. در نتیجه انتظار می‌رود کیفیت گزارشگری مالی افزایش یابد (موتیکان و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین، فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر است:

فرضیه ۲: شرکتهای وابسته به گروه تجاری که از موسسات حسابرسی بزرگ استفاده میکنند، دارای کیفیت گزارشگری مالی بالاتری هستند.

حق الزحمه حسابرسی مربوط به خدمات حسابرسی است. شرکتهای حسابرسی معمولاً هزینه‌های حسابرسی بالاتر را به دلیل قدرت بازار (انحصاری) و خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتر ایجاد میکنند. سرمایه‌گذاران و وام‌دهندگان استدلال میکنند که شرکتهای حسابرسی بزرگ ریسک کمتری دارند و گزارش مالی آنها قابل اعتماد است تا بتوانند هزینه‌های سرمایه و بدهی کمتری را متحمل شوند و از عهده آن برآیند. آنها بحران مالی بیشتری و در نتیجه کیفیت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی بالاتری دارند (گل و همکاران، ۲۰۱۳).

حسابرسان بزرگ توانایی بهتری در اندازه‌گیری پیچیده حسابرسی مانند پیشبینی جریان نقدی و ارزش‌گذاری یا تخریب داراییهای مالی دارند. بنابراین، آنها میتوانند خدمات حسابرسی بهتری را برای مشتریان خود در هنگام ارزش‌گذاری داراییهای مالی فراهم کنند. فرانسیس و کریشنان (۱۹۹۹) شرکتهای حسابرسی آمریکایی را به این روش مطالعه کردند و دریافتند که با توجه به اینکه کاربران بیانیه مالی نیاز به بررسی مسائل کیفیت حسابرسی در ارزیابی کیفیت سود شرکتهای وابسته به گروه دارند، شرکتهای باید بر کیفیت حسابرسی تمرکز کنند تا کارایی بازار را در زمینه گروه‌های تجاری افزایش دهند. علاوه بر این، حسابرسان ارزیابی ریسک حسابرسی مشتریان حسابرسی را با ساختارهای مالکیت پیچیده انجام میدهند (موتیکان و همکاران، ۲۰۱۷). به طور خاص حسابرسان شرکتهای وابسته به گروه میتوانند این عامل را در تحلیل ریسک خود برای تعیین سطح مناسب تلاش حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی مرتبط با آن وارد کنند. از آنجا که حجم اقدامات در شرکتهای گروه بسیار بیشتر از سایر شرکتهای وابسته به حسابرسان باید ریسک‌های بیشتری را تحمل کنند، شرکتهای گروه تجاری عموماً ملزم به پرداخت هزینه‌های حسابرسی بالاتر نسبت به سایر شرکتهای وابسته به حسابرسان، شرکتهای گروه تجاری که شرکتهای حسابرسی بزرگ حسابرسی کرده‌اند به نظر میرسد حق الزحمه حسابرسی بالاتری دارند. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش به صورت زیر است:

فرضیه ۳: شرکتهای وابسته به گروه تجاری که از موسسات حسابرسی بزرگ استفاده می‌کنند، حق الزحمه حسابرسی بالاتری می‌پردازند.

دو استراتژی دفاعی و سازنده برای پاسخ به شکاف بین انتظارات حسابرسی وجود دارد. رویکرد دفاعی بر آموزش و اطمینان عموم از آنچه حسابرسان به عنوان وظایف و مسئولیتهای خود می‌شناسند تمرکز دارد. یکی از عناصر خاص این رویکرد گسترش گزارش حسابرس است که به کاربران اطلاع میدهد حسابرسان چه میکنند و در نتیجه رابطه بین حسابرسان و کاربران را بهبود میبخشد. در عین حال، رویکرد سازنده به دنبال تغییر فعالیتهای حسابرسی برای رسیدگی به نگرانیهای عمومی در تخلفات یا اقدامات غیرقانونی و تقویت استقلال حسابرسان است. پیشنهادها بیشتر شامل روشهای حسابرسی سازمان‌یافته و افزایش عملکرد حسابرس است (منصور و تنگل، ۲۰۱۸).

پژوهشها نشان میدهد که بیشترین شکاف شناسایی شده مربوط به پیشگیری، تشخیص و افشای خطاهای قابل توجه، تقلب و اقدامات غیرقانونی است. شیکدر و همکاران (۲۰۱۸) همچنین بیان کردند که متغیرهایی که شکاف بین انتظارات حسابرسی را کاهش میدهند

عبارتند از آموزش حسابرسی، گزارشهای حسابرسان توسعه یافته، متدولوژی حسابرسی ساختاریافته، نظارت خارجی، بهبود کنترل کیفیت داخلی و کمیته‌های حسابرسی.

در محیط‌هایی که وابستگی گروه تجاری وجود دارد، موتاकिन و همکاران (۲۰۱۷) کیفیت حسابرسی را به عنوان یک حوزه بحرانی برای افزایش بازده بازار سهام توصیف کردند. نتایج آنها نشان می‌دهد که اقلام تعهدی اختیاری با وضعیت وابستگی گروه تجاری رابطه مثبت دارند و کیفیت حسابرسی بالاتر این رابطه را کاهش می‌دهد. همچنین کاربران صورتهای مالی باید کیفیت حسابرسی را برای ارزیابی منطقی کیفیت سود گروه تجاری در نظر بگیرند. کوئیک (۲۰۲۰) بیان می‌کند که افزایش کیفیت حسابرسی وظایف حسابرسان را به سمت انتظارات جامعه تغییر می‌دهد و فاصله بین انتظارات حسابرسی را محدود می‌کند. با توجه به اینکه شرکتها در گروه تجاری که از خدمات حسابرسی شرکتها حسابرسی بزرگ استفاده می‌کنند، کیفیت گزارشگری مالی بالاتری دارند و کیفیت گزارشگری مالی میتواند عاملی در کاهش شکاف بین انتظارات حسابرسی باشد (صالحی و آریان پور، ۲۰۲۱). بنابراین انتظار می‌رود که در شرکتها گروهی فاصله بین انتظارات حسابرسی کوتاهتر باشد. بنابراین، فرضیه چهارم پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه ۴: شکاف انتظارات حسابرسی در شرکتها وابسته به گروه تجاری، کمتر از سایر شرکتها است.

۳. روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت، یک پژوهش توصیفی با تأکید بر روابط همبستگی است، زیرا از یک طرف وضع موجود را بررسی می‌کند و از طرف دیگر، رابطه بین متغیرهای مختلف را با استفاده از تحلیل رگرسیون، تعیین مینماید. علاوه بر این، در حوزه مطالعات پس رویدادی قرار می‌گیرد و مبتنی بر اطلاعات واقعی صورتهای مالی شرکتها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۰ و سایر اطلاعات واقعی است که با روش استقرایی به کل جامعه آماری قابل تعمیم خواهد بود. برای تعیین نمونه آماری ابتدا شرکتها از روش حذف سیستماتیک همگن و سپس نمونه مورد بررسی از جامعه همگن شده انتخاب شد.

نگاره ۱. انتخاب نمونه آماری با اعمال محدودیتها و شرایط جامعه

تعداد شرکتها در بورس تا پایان سال ۱۴۰۰	۵۳۶ شرکت
تعداد شرکتها که در سالهای ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۰ در بورس حضور نداشته اند.	۱۳۲ شرکت
تعداد شرکتها که سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند نمی باشد.	۸۵ شرکت
تعداد شرکتها که اطلاعات مالی مورد نظر پژوهش را ارائه ننوده اند	۵۰ شرکت
تعداد شرکتها که توقف معاملاتی بیش از سه ماه داشته اند	۳۵ شرکت
شرکتها سرمایه‌گذاری و بانکها و بیمه‌ها	۱۰۳ شرکت
جمع	۴۰۵ شرکت
تعداد شرکتها که داده‌های آنها جمع آوری شده است (نمونه نهایی)	۱۳۱ شرکت

به پیروی از صالحی و همکاران (۲۰۲۲) جهت اظهار نظر درباره فرضیه اول الی چهارم، مدل‌های زیر برآورد گردید:

مدل (۱)

$$\begin{aligned} BIG_{it} = & \beta_0 + \beta_1 GROUP_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 LOSS_{it} + \beta_6 ISSUE_{it} \\ & + \beta_7 ATURN_{it} + \beta_8 CURR_{it} + \beta_9 GROWTH_{it} + \beta_{10} CONTROL_{it} \\ & + \beta_{11} LRPTSALE_{it-1} + \beta_{12} LRPTLEND_{it-1} + \beta_{13} LOPINION_{it-1} \\ & + \sum Industry + \sum Year + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

مدل (۲)

$$\begin{aligned} ABSDA_{it} = & \beta_0 + \beta_1 BIG_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 LOSS_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 ISSUE_{it} \\ & + \beta_7 CURR_{it} + \beta_8 GROWTH_{it} + \beta_9 CONTROL_{it} + \beta_{10} MB_{it} \\ & + \beta_{11} INDIR_{it} + \sum Industry + \sum Year + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

مدل (۳)

$$\begin{aligned} LNFE_{it} = & \beta_0 + \beta_1 BIG_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 LOSS_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 ISSUE_{it} \\ & + \beta_6 CURR_{it} + \beta_7 CONTROL_{it} + \beta_8 MB_{it} + \sum Industry + \sum Year \\ & + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

مدل (۴)

$$\begin{aligned} AEG_{it} = & \beta_0 + \beta_1 GROUPEOM_{it} + \beta_2 LNFE_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 ROA_{it} \\ & + \beta_7 ROE_{it} + \beta_9 LOSS_{it} + \beta_{10} GROWTH_{it} + \beta_{11} ACCAU_{it} \\ & + \sum Industry + \sum Year + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

تعریف عملیاتی متغیرهای موجود در مدل‌های مذکور متغیرهای به شرح زیر است:

متغیرهای وابسته:

BIG: اندازه موسسه حسابرسی (پروکسی اندازه‌گیری انتخاب حسابرسان) یک متغیر دامی است که اگر موسسه حسابرسی کننده شرکت از موسسات حسابرسی رتبه الف یا سازمان حسابرسی باشد، برابر یک و در غیر اینصورت، برابر صفر خواهد بود (شاه صاحبی و دارابی، ۱۳۹۷).

ABSDA: قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری (پروکسی اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی) به پیروی از دچاو، اسلون و سویی (۱۹۹۵) و کوتاری، لئون و وسلی (۲۰۰۵) بر اساس الگوی اصلی جونز برآورد می‌شود:

الگوی (۱)

$$\text{Total accrual} / AT_{t-1} = \lambda_1 (1/AT_{t-1}) + \lambda_2 (\Delta SALE_t - \Delta REC_t) + \lambda_3 (PPE_t) + \lambda_4 (ROA_t) + \varepsilon_t$$

که در آن Total accrual: کل اقلام تعهدی (سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه و عملیات متوقف شده منهای جریان های نقدی عملیاتی) تقسیم بر کل دارایی در ابتدای دوره (AT_{t-1}) ؛ $\Delta SALE$: تغییر کل درآمد فروش بین سالهای $t-1$ ، t ؛ ΔREC : تغییرات حسابها و اسناد دریافتی بین سالهای $t-1$ ، t ؛ PPE: اموال، ماشین آلات و تجهیزات؛ ROA: بازده داراییها که برابر است با نسبت سود خالص تقسیم بر کل داراییها و ε : باقیمانده الگوی رگرسیونی مذکور می باشد و منعکس کننده اقلام تعهدی اختیاری است. هر چه سطح قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری بالا باشد نشان می دهد که امکان مدیریت سود توسط مدیریت بالاتر و کیفیت گزارشگری مالی کمتر است (بولو و طالبی، ۱۳۸۹). لذا از معکوس متغیر مذکور به عنوان پروکسی اندازه گیری کیفیت گزارشگری مالی استفاده گردید. LNFEF: حق الزحمه حسابرسی برابر است با لگاریتم طبیعی حق الزحمه پرداختی به حسابرس در طی سال. AEG: شکاف انتظارات حسابرسی که به پیروی از صالحی و همکاران (۲۰۲۲) از طریق قدر مطلق خطای معادله رگرسیونی زیر قابل اندازه گیری است:

$$|ASP|_{it} = \beta_0 + \beta_1 profit\ and\ loss_{it} + \beta_2 industry_{it} + \beta_3 chage\ board_{it} + \beta_4 inflation_{it} + \beta_5 earning\ persistence_{it} + \beta_6 price\ earnings\ ratio_{it} + \beta_7 the\ liquidity_{it} + \beta_8 debt\ ratio_{it} + \beta_9 dividends\ per\ share_{it} + \beta_{10} capital\ structure_{it} + \beta_{11} capital\ increase_{it} + \beta_{12} forecast\ earnings\ per\ share_{it} + \beta_{13} turnover_{it} + \beta_{14} return\ on\ assets_{it} + \beta_{15} stock\ return_{it} + \beta_{16} exchange\ rate_{it} + \beta_{17} oil\ price_{it} + \beta_{18} election_{it} + \beta_{19} current\ ratio_{it} + \beta_{21} quick\ ratio_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر مستقل:

GROUP: وابستگی به گروه تجاری، متغیر دامی است که در صورت وابستگی به گروه تجاری برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر است. گروه تجاری به عنوان یک سازمان شرکتی، که تعدادی از شرکتهای به وسیله مالکیت متقابل و یا مالکیت هرمی به هم وابسته می باشند تعریف میشود (کلانز و همکاران، ۲۰۰۶). در صورتی که حداقل در ۵ سال از ۶ سال نمونه، بیش از ۵۰ درصد سهام شرکت در اختیار شرکت و یا سازمانی بوده و یا شرکت بیش از ۵۰ درصد سهام شرکتی دیگر را در اختیار داشته باشد، به عنوان یک عضو گروه تجاری قلمداد خواهد شد و در غیر این صورت، شرکت عضو یک گروه تجاری نخواهد بود. در این پژوهش از تعریف گروه تجاری در استانداردهای حسابداری ایران استفاده شده است (کاشانی پور و نقی نژاد، ۱۳۸۹).
متغیرهای کنترلی (صالحی و همکاران، ۲۰۲۲):

SIZE: اندازه شرکت، برابر است با لگاریتم طبیعی کل داراییها؛ LEV: اهرم مالی، برابر است با نسبت کل بدهی بر کل دارایی؛ ROA: بازده داراییها، برابر است با نسبت سود خالص پس از کسر مالیات بر ارزش دفتری داراییها؛ LOSS: زیان، متغیر دامی است که در صورت وجود زیان برابر است با یک و در غیر این صورت برابر است با صفر؛ ISSUE: انتشار سهام، متغیر دامی است که در صورت انتشار سهام در سال جاری برابر است با یک و در غیر این صورت برابر است با صفر؛ ATURN: گردش دارایی، برابر است با نسبت فروش به ارزش دفتری داراییهای شرکت؛ CURR: نسبت جاری، برابر است با نسبت دارایی جاری به بدهی جاری.
GROWTH: رشد فروش، برابر است با تفاوت فروش دوره جاری از دوره قبل بر فروش دوره قبل؛ CONTROL: سهامداران



کنترلی، برابر است با درصد سهام در دست بزرگترین سهامدار شرکت؛ LRPTSALE: فروش به افراد وابسته، تغییر دامی است که برای شرکتهایی که به اشخاص وابسته مواد و کالا؛ دارایی ثابت و... فروخته‌اند عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر میگیرد؛ LOPINION: اظهار نظر حسابرس، که برای اندازه‌گیری آن، به گزارش درج و اعلام شده حسابرس (بند مبانی تعدیل) در هر گزارش رجوع شد. و در صورتی که در سال جاری اظهار نظر تعدیلی داشته باشد برابر با ۱ اما در غیر این صورت برابر با صفر است. طبق استاندارد حسابرسی ۷۰۵، مسئولیت حسابرس در رابطه با ارائه گزارش مناسب برای شرایطی مطرح شده است که حسابرس جهت اظهار نظر طبق استاندارد ۷۰۰ (تجدید نظر شده ۱۳۸۹)، به این نتیجه رسیده باشد که تعدیل اظهار نظر نسبت به صورتهای مالی ضروری است؛ MB: ارزش بازار به ارزش دفتری سهام؛ INDIR: استقلال هیئت مدیره، که از طریق نسبت اعضاء غیرموظف به کل اعضاء هیات مدیره محاسبه گردید؛ ROE: بازده حقوق صاحبان سهام، که برابر است با نسبت سود خالص پس از کسر مالیات بر حقوق صاحبان سهام.

۴. یافته‌های پژوهش

قبل از این که به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شود، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش به صورت خلاصه در نگاره شماره ۲ مورد بررسی قرار می‌گیرد:



	کیفیت گزارشگری مالی	حق الزحمه حسابرسی	شکاف انتظارات حسابرسی	انتخاب حسابرس	وابستگی به گروه تجاری	اندازه شرکت	اهم مالی	بازده داراییها	زیان	انتشار سهام	گردش دارایی	نسبت جاری	رشد فروش	فروش به افراد وابسته
	ABSDA	LNFE	AEG	BIG	GROUP	SIZE	LEV	ROA	LOSS	ISSUE	ATURN	CURR	GROWTH	LRPTSAL
میانگین	۰/۰۷	۴/۶۸	-۴۷۳	۰/۷۴	۰/۰۵	۱۵	۰/۵۴	۰/۳۲	۰/۱	۰/۳۴	۱/۶	۱/۶۶	۱۴/۵	۰/۰۹
میانه	۰/۰۷	۴/۶۷	-۵۱۵	۱/۰۰	۰/۰۰	۱۴/۸	۰/۵۴	۰/۱۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۳	۱/۴۳	۰/۱۷	۰/۰۰
ماکسیمم	۰/۱۴	۸/۹۸	۲۱۰۳	۱/۰۰	۱/۰۰	۲۱/۳	۱/۵۲	۶۴/۱	۱	۱	۱۳۵	۱۳/۴	۸۵۰۰	۱
مینیمم	۰/۰۱	۰/۰۰	-۲۹۷۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	-۲۱	۰/۰۰	۰/۰۰	-۰/۰۱	۰/۰۰	-۳۷۶/۷	۰/۰۰
انحراف معیار	۰/۰۲	۱/۵۴	۷۹۲	۰/۴۳	۰/۲۳	۱/۷۵	۰/۲۱	۲/۸۷	۰/۳۱	۰/۴۷	۷/۵۲	۱/۰۹	۳۰۴/۵	۰/۲۹
چولگی	۰/۱۷	۰/۰۸	۰/۰۳	-۱/۱۲	۳/۷۶	۰/۱۲	۰/۱۹	۱/۶۷	۲/۵	۰/۶۴	۱/۴۴	۰/۹۹	۲/۷۵	۲/۷۷
کشیدهی	۲/۹۱	۳/۲۵	۳/۲۵	۲/۲۷	۱۰/۱۴	۱۰/۲	۳/۱۸	۳/۵۳	۷/۲۶	۱/۴۱	۴/۳۱	۳/۲۵	۷/۶۸	۸/۷۲
مشاهدات	۷۸۶	۷۸۶	۷۸۶	۷۸۶	۷۸۶	۷۸۶	۷۸۶	۷۸۶	۷۸۶	۷۸۶	۷۸۶	۷۸۶	۷۸۶	۷۸۶
407														
	نظر حسابرس	ارزش بازار به ارزش دفتری سهام	استقلال هیئت مدعی	بازده حقوق صاحبان سهام	سهمداران کنترلی	LOPINION	MBT	INDIR	ROE	CONTROL				
میانگین	۰/۵۴	۲/۸۵	۰/۵۵	۰/۷۳	۳۸/۶۱									
میانه	۱	۱/۷۶	۰/۵	۰/۳۱	۳۳/۵۲									
ماکسیمم	۱	۸۳/۶	۱	۱۱۹/۷	۹۸/۱									
مینیمم	۰/۰۰	-۵۴	۰/۰۰	-۶۶/۱	۰/۰۰									
انحراف معیار	۰/۴۹	۶/۷۱	۰/۱۸	۷/۸	۲۵/۵									
چولگی	-۰/۱۹	۱/۷۵	۰/۴۱	۱/۸۶	۰/۴۸									
کشیدهی	۱/۰۳	۶/۸۷	۳/۳۷	۸/۶۲	۲/۰۷									
مشاهدات	۷۸۶	۷۸۶	۷۸۶	۷۸۶	۷۸۶									

میانگین که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع بوده و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست، برای متغیر کیفیت گزارشگری مالی برابر ۰/۷۴ است. میانه نیز وضعیت جامعه را بیان میکند و نشان میدهد که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند که برای متغیر کیفیت گزارشگری مالی برابر ۰/۷۳ است. همچنین یکسان بودن مقدار میانگین و میانه نشان دهنده نرمال بودن این متغیر میباشد. انحراف معیار یکی از مهمترین شاخصهای پراکندگی است که نشان دهنده میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است و برای متغیر کیفیت گزارشگری مالی برابر ۰/۲۵ می باشد. اگر ضریب چولگی یا میزان عدم تقارن منحنی فراوانی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه این ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر ضریب منفی باشد چولگی به چپ دارد. مقدار ضریب چولگی برای متغیر کیفیت گزارشگری مالی مثبت و نزدیک صفر میباشد که نشان میدهد توزیع نرمال و خیلی کم چوله به راست میباشد. در این پژوهش برای تمام متغیرها کشیدگی مثبت می باشد.

نرمال بودن متغیر وابسته با استفاده از آزمون جاک-برا نیز آزمون شد و نتایج در نگاره ۳ ارایه گردید:

نگاره ۳. نرمال بودن متغیر وابسته

عنوان متغیرها	کیفیت گزارشگری مالی	حق الزحمه حسابرسی	شکاف انتظارات حسابرسی
شاخص های توصیفی	ABSDA	LNFEED	AEG
آزمون جاکو- برا	۴۰۷	۵۰۷۵	۲۰۲۹
سطح معنی داری	۰۰۱۳	۰۰۵۶	۰۰۳۱۶
مشاهدات	۷۸۶	۷۸۶	۷۸۶

از آنجایی که مقادیر سطح معناداری متغیرهای کیفیت گزارشگری مالی، حق الزحمه حسابرسی و شکاف انتظارات حسابرسی بیشتر از ۵٪ است، بنابراین فرض نرمال بودن توزیع متغیرها تایید می شود. نتایج آزمون لوین، لین و چو برای بررسی مانایی متغیرهای مورد بررسی نیز حاکی از پایایی کلیه متغیرها با ۹۵٪ اطمینان بوده است. در بررسی فروض رگرسیون، کلیه فروض تایید و همچنین در تعیین روش تخمین مدل‌ها، استفاده از روش تابلویی با اثرات ثابت انتخاب شد.

آزمون فرضیه اول با برآورد مدل (۱) به روش لجستیک به شرح زیر انجام شد:

نگاره ۴. خلاصه نتایج مدل ۱ با استفاده از روش لجستیک طی سال های ۱۳۹۵-۱۴۰۰

نتیجه	سطح معناداری	آماره Z	خطای استاندارد	ضرایب		
مثبت	۰/۰۴۳۳	-۲/۰۲۰۸۴۲	۰/۸۹۳۴۸۴	-۱/۸۰۵۵۸۹	α	عرض از مبدأ
مثبت	۰/۰۴۱۳	۲/۰۴۰۴۷۸	۰/۴۷۶۹۷۴	۰/۹۷۳۲۵۵	GROUP	وابستگی به گروه تجاری
مثبت	۰/۰۰۰۰	۴/۸۰۸۵۶۵	۰/۵۵۱۹۳	۰/۲۶۵۳۹۷	SIZE	اندازه شرکت
منفی	۰/۰۰۳۷	-۲/۸۹۸۷۰۴	۰/۵۵۲۵۳۰	-۱/۶۰۱۶۲۲	LEV	اهرم مالی
بی معنی	۰/۴۴۵۱	۰/۷۶۳۶۱۷	۰/۰۷۵۹۱۸	۰/۰۵۷۹۷۲	ROA	بازده دارایی ها
بی معنی	۰/۸۰۳۶	۰/۲۴۸۶۲۸	۰/۲۸۰۲۶۵	۰/۰۶۹۶۸۲	LOSS	زیان
بی معنی	۰/۰۵۹۰	-۱/۸۸۸۰۵۴	۰/۱۸۶۵۵۴	-۰/۳۵۲۲۲۴	ISSUE	انتشار سهام
بی معنی	۰/۷۶۷۰	۰/۲۹۶۳۳۷	۰/۰۲۵۴۵۲	۰/۰۰۷۵۴۲	ATURN	گردش دارایی
منفی	۰/۰۱۹۰	-۲/۳۴۶۲۱۵	۰/۰۹۸۷۶۴	-۰/۲۳۱۷۲۱	CURR	نسبت جاری
بی معنی	۰/۴۶۰۲	۰/۷۳۸۴۶۵	۰/۰۰۳۷۹۹	۰/۰۰۲۸۰۵	GROWTH	رشد فروش
مثبت	۰/۰۴۶۱	۱/۹۹۴۴۹۱	۰/۰۰۳۵۶۹	۰/۰۰۷۱۱۹	CONTROL	سهامداران کنترلی
بی معنی	۰/۵۸۳۱	۰/۵۴۸۷۹۸	۰/۳۰۸۴۲۹	۰/۱۶۹۲۶۵	LRPSALE	فروش به افراد وابسته
بی معنی	۰/۵۹۶۵	-۰/۵۲۹۴۰۶	۰/۱۷۲۱۵۱	-۰/۰۹۱۱۳۸	LOPINION	اظهار نظر حسابرس
۰/۴۴۶۳۷۳					ضریب تعیین مک فادن	
۰/۲۱۱۰					احتمال هاسمرلم شو	
۴۱/۳۴۶۲۴					آماره-LR	
۰/۰۰۰۰۴۳					سطح معناداری LR	
۴/۰۸۳۸۰۱					آزمون والد	
۰/۰۴۳۶					سطح معناداری آزمون والد	

نتایج حاصل از تخمین نشان می‌دهد که احتمال آماره Z برای ضریب ثابت و ضرایب متغیرهای وابستگی به گروه تجاری، اندازه شرکت، اهرم مالی، نسبت جاری و سهامداران کنترلی کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی دار می‌باشد. ضریب برآورد شده برای متغیر وابستگی به گروه تجاری مثبت و معنی دار می‌باشد. ضریب تعیین مک فادن، قدرت توضیح دهنده متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد که قادر است به میزان ۴۵٪ تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهد. مقدار احتمال هاسمر و لمشو برای برازش مدل‌های انتخاب باینری، بیشتر از ۵٪ است و نشان می‌دهد این مدل انطباق بیشتری با مشاهدات واقعی دارد. احتمال آماره LR بیانگر این است که کل الگو از لحاظ آماری معنی دار می‌باشد و مقدار بالای آماره (LR) بیانگر این مطلب است که رابطه‌ای قوی میان متغیرها در این الگو وجود دارد. همانگونه که ملاحظه می‌شود سطح احتمال آماره ی والد نیز کمتر از ۵ درصد است و بنابراین ضرایب صفر نیستند. با توجه

به فرضیه مورد بررسی، چون متغیر وابستگی به گروه تجاری مثبت و معنی دار بوده است، بنابراین شرکت های وابسته به گروه تجاری در مقایسه با سایر شرکت ها از موسسات حسابرسی بزرگ استفاده می کنند.

جهت بررسی فرضیه دوم، مدل رگرسیونی شماره ۲ به روش پنل مورد آزمون قرار گرفت و نتایج زیر حاصل شد:
نگاره ۵. خلاصه نتایج مدل ۲ با استفاده از روش پنل طی سال های ۱۴۰۰-۱۳۹۵

نتیجه	سطح معناداری	آماره-t	خطای استاندارد	ضرایب		
مثبت	۰/۰۰۰۷	۳/۴۲۶۵۰	۰/۰۰۳۱۳۸	۰/۰۱۰۷۵۱	α	عرض از مبدأ
مثبت	۰/۰۰۰۰	۹/۳۲۳۰۴۹	۰/۰۰۰۳۷۱	۰/۰۰۳۴۶۳	BIG	شرکت های وابسته به گروه تجاری که از موسسات حسابرسی بزرگ استفاده میکنند
مثبت	۰/۰۰۰۰	۲۴/۸۸۴۳۶	۰/۰۰۰۱۹۳	۰/۰۰۴۸۰۶	SIZE	اندازه شرکت
منفی	۰/۰۰۰۰	-۴۷/۸۶۱۷۰	۰/۰۰۱۳۵۱	-۰/۰۶۴۶۳۸	LEV	اهرم مالی
منفی	۰/۰۰۰۰	-۸/۳۴۰۳۱۳	۰/۰۰۰۱۳۷	-۰/۰۰۱۱۴۲	ROA	بازده دارایی ها
منفی	۰/۰۰۰۰	-۱۰/۹۸۴۱۲	۰/۰۰۰۴۴۸	-۰/۰۰۴۹۱۷	LOSS	زیان
مثبت	۰/۰۰۰۰	۷۷/۸۴۱۵۵	۰/۰۰۰۲۵۳	۰/۰۱۹۷۰۴	ISSUE	انتشار سهام
مثبت	۰/۰۰۰۰	۱۲/۶۰۷۲۱	۷/۰۵E-۰۵	۰/۰۰۰۸۸۹	CURR	نسبت جاری
مثبت	۰/۰۰۰۰	۲۱/۸۹۷۴۸	۰/۰۰۰۳۷۱	۰/۰۰۸۱۱۳	GROWTH	رشد فروش
منفی	۰/۰۰۰۰	-۲۰/۴۷۹۸۱	۲/۳۳E-۰۶	-۴/۷۶E-۰۵	CONTROL	سهامداران کنترلی
مثبت	۰/۰۰۰۰	۲۵/۶۵۸۲۸	۵/۹۳E-۰۶	۰/۰۰۰۱۵۲	MB	ارزش بازار به ارزش دفتری سهام
منفی	۰/۰۰۰۰	-۱۲/۶۳۷۶۰	۲/۰۳E-۰۵	-۰/۰۰۰۲۵۶	INDIR	استقلال هیئت مدیره
۰/۷۹۹۹۳۰					ضریب تعیین	
۰/۷۵۵۷۴۶					ضریب تعیین تعدیل شده	
۲۷۴/۸۷۵۳					آماره-F	
۰/۰۰۰۰۰۰					سطح معناداری	
۲/۳۰۷۵۹۸					دوربین واتسون	

نتایج حاصل از تخمین نشان می دهد که احتمال آماره t برای ضرایب ثابت و ضرایب متغیرهای شرکت های وابسته به گروه تجاری، اندازه شرکت، اهرم مالی، بازده دارایی ها، زیان، انتشار سهام، نسبت جاری، رشد فروش، سهامداران کنترلی، ارزش بازار به ارزش دفتری سهام و استقلال هیئت مدیره کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی دار می باشد. ضریب برآورد شده برای متغیر شرکت-

های وابسته به گروه تجاری مثبت و معنی دار می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده قدرت توضیح دهندگی متغیرهای مستقل را نشان می دهد که قادر است به میزان ۷۶٪ تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند برای بررسی استقلال پسماندهای مدل های برازش شده از آماره آزمون دوربین- واتسون استفاده شد و مورد تأیید قرار گرفت. با توجه به فرضیه دوم، چون ضریب متغیر شرکت های وابسته به گروه تجاری مثبت و معنی دار است، میتوان گفت شرکت های وابسته به گروه تجاری دارای کیفیت گزارشگری مالی بالاتری هستند.

بررسی فرضیه سوم نیز با آزمون مدل ۳ به روش پنل دیتا صورت گرفت که نتایج حاصل از آن به شرح زیر است:

نگاره ۶. خلاصه نتایج مدل ۳ با استفاده از روش پنل طی سال های ۱۴۰۰-۱۳۹۵

نتیجه	سطح معناداری	آماره-t	خطای استاندارد	ضرایب		
مثبت	۰/۰۰۰۰	۴۲/۵۶۹۹۹	۰/۱۱۰۹۴۰	۴/۷۲۲۷۲۱	α	عرض از مبدأ
مثبت	۰/۰۳۳۰	۲/۱۳۷۰۷۷	۰/۰۵۴۰۵۳	۰/۱۱۵۵۱۴	BIG	شرکت های وابسته به گروه تجاری که از موسسات حسابرری بزرگ استفاده میکنند
بی معنی	۰/۹۵۳۴	۰/۰۵۸۴۶۸	۰/۱۳۰۲۰۳	۰/۰۰۷۶۱۳	LEV	اهرم مالی
منفی	۰/۰۲۳۲	-۲/۲۷۵۴۵۳	۰/۰۱۵۲۵۸	-۰/۰۳۴۷۱۸	ROA	بازده دارایی ها
بی معنی	۰/۹۵۸۲	۰/۰۵۲۴۴۳	۰/۰۵۰۸۷۱	۰/۰۰۲۶۶۸	LOSS	زیان
مثبت	۰/۰۳۰۱	-۲/۱۷۳۹۸۱	۰/۰۲۴۴۸۴	-۰/۰۵۳۲۲۷	ISSUE	انتشار سهام
مثبت	۰/۰۴۰۳	۲/۰۵۴۸۵۴	۰/۰۰۵۵۲۰	۰/۰۱۱۳۴۳	CURR	نسبت جاری
بی معنی	۰/۳۲۷۴	۰/۹۸۰۰۲۸	۰/۰۲۴۱۶۶	۰/۰۲۳۶۸۳	CONTROL	سهامداران کنترلی
بی معنی	۰/۳۲۹۰	۰/۹۷۶۸۷۴	۰/۰۰۰۴۴۶	۰/۰۰۰۴۳۵	MB	ارزش بازار به ارزش دفتری سهام
۰/۶۸۷۵۰۰				ضریب تعیین		
۰/۶۲۰۲۶۰				ضریب تعیین تعدیل شده		
۱۰۵/۸۷۸۴				آماره-F		
۰/۰۰۰۰۰۰				سطح معناداری		
۱/۵۹۲۵۸۲				دوربین واتسون		

نتایج حاصل از تخمین مدل ۳ نشان می دهد که احتمال آماره t برای ضریب ثابت و ضرایب متغیرهای شرکت های وابسته به گروه تجاری، بازده دارایی ها، انتشار سهام و نسبت جاری کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی دار می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد که متغیرهای مستقل به میزان ۶۲٪ قدرت توضیح دهندگی تغییرات متغیر وابسته را دارند. احتمال آماره F نیز

بیانگر آن است که کل مدل از لحاظ آماری معنی دار می باشد. مقدار آماره دورین واتسون ۱/۵۹ است و بنابراین استقلال پسماندهای مدل مورد تأیید قرار می گیرد. با توجه به فرضیه سوم، چون ضریب متغیر شرکت های وابسته به گروه تجاری مثبت و معنی دار است، لذا شرکت های وابسته به گروه تجاری که از موسسات حسابرسی بزرگ استفاده می کنند؛ حق الزحمه حسابرسی بالاتری می پردازند.

فرضیه چهارم نیز با بررسی مدل ۴ به روش پنل دینا صورت پذیرفت و نتایج زیر حاصل گردید:

نگاره ۷. خلاصه نتایج مدل ۴ با استفاده از روش پنل طی سال های ۱۴۰۰-۱۳۹۵

نتیجه	سطح معناداری	آماره-t	خطای استاندارد	ضرایب		
منفی	۰/۰۰۰۰	-۴۸/۳۹۱۰۰	۹۵/۰۳۴۹۶	-۴۵۹۸/۸۳۷	α	عرض از مبدأ
منفی	۰/۰۲۱۳	-۲/۳۰۸۵۴۳	۱۱۸/۹۱۰۷	-۲۷۴/۵۱۰۴	GROUP	وابستگی به گروه تجاری
منفی	۰/۰۰۰۰	-۵/۳۲۶۹۸۰	۵/۶۹۷۱۳۲	-۳۰/۳۴۸۵۱	LNFEED	حق الزحمه حسابرسی
مثبت	۰/۰۰۰۰	۴۳/۹۹۳۸۴	۵/۶۲۳۹۶۰	۲۴۷/۴۱۹۶	SIZE	اندازه شرکت
مثبت	۰/۰۰۰۰	۱۱/۳۰۶۳۳	۳۷/۶۶۰۷۵	۴۲۵/۸۰۴۹	LEV	اهرم مالی
مثبت	۰/۰۰۰۰	۱۱/۴۶۳۰۹	۵/۶۵۷۴۳۸	۶۴/۸۵۱۷۰	ROA	بازده دارایی ها
منفی	۰/۰۰۰۰	-۱۰/۱۴۶۴۰	۱/۹۵۱۲۲۸	-۱۹/۷۹۷۹۳	ROE	بازده حقوق صاحبان سهام
مثبت	۰/۰۰۰۰	۴/۴۲۴۸۹۲	۱۴/۸۲۳۲۳	۶۵/۵۹۱۲۱	LOSS	زیان
منفی	۰/۰۰۰۰	-۸/۷۶۰۴۲۴	۰/۰۲۳۴۶۷	-۰/۲۰۵۵۷۸	GROWTH	رشد فروش
۰/۶۸۶۹۷۰					ضریب تعیین	
۰/۶۲۰۲۰۳					ضریب تعیین تعدیل شده	
۴۶۷/۴۰۶۷					آماره-F	
۰/۰۰۰۰۰۰					سطح معناداری	
۱/۸۶۲۹۹۲					دورین واتسون	

نتایج حاصل از تخمین نشان می دهد که احتمال آماره t برای ضریب ثابت و ضرایب متغیرهای وابستگی به گروه تجاری، حق الزحمه حسابرسی، اندازه شرکت، اهرم مالی، بازده دارایی ها، بازده حقوق صاحبان سهام، زیان و رشد فروش کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی دار است. ضریب تعیین تعدیل شده نیز قدرت توضیح دهندگی متغیرهای مستقل را به میزان ۶۲٪ نشان می دهد احتمال آماره F بیانگر آن است که کل مدل از لحاظ آماری معنی دار می باشد و مقدار آماره دورین واتسون به میزان ۱/۸۶ استقلال

پسماندهای مدل را تأیید میکند. با توجه به فرضیه چهارم، چون ضریب متغیر وابستگی به گروه تجاری منفی و معنی دار می باشد میتوان گفت که شکاف انتظارات حسابرسی در شرکت های وابسته به گروه تجاری، کمتر از سایر شرکت ها است.

۵. بحث و نتیجه گیری

با توجه به آزمونها و تحلیل هایی که از روش رگرسیون و همبستگی انجام شد، این نتیجه حاصل شد که وابستگی به گروه تجاری بر استفاده شرکتها از خدمات موسسات حسابرسی بزرگ تاثیر معنادار دارد. همچنین شرکت های وابسته به گروه تجاری در مقایسه با سایر شرکت ها از موسسات حسابرسی بزرگ استفاده می کنند و این گونه استدلال می شود که شرکت های وابسته به گروه تجاری به دلیل پیچیدگی دارایی ها و درآمدها، بیشتر مورد حسابرسی قرار گرفته و شرکت های حسابرسی بزرگ تر را انتخاب می کنند؛ این نتایج حاکی از آن است که، اندازه شرکت حسابرسی و اعتبار شرکت حسابرسی به عنوان جایگزین کیفیت حسابرسان قلمدارد می شود. در این راستا فنگک و همکاران (۲۰۱۷) دریافتند که در مقایسه با شرکت های غیر گروهی، شرکت های وابسته به گروه تجاری به احتمال زیاد ۱۰ شرکت حسابرسی برتر را برای حسابرسی خود تعیین می کنند، که با نتایج پژوهش حاضر در یک راستا می باشد، البته این نکته نیز گفتنی است که مقایسه نتایج پژوهشهای انجام شده در مکانها و زمانهای مختلف، از سوی افراد مختلف، هر چند ممکن است از جنبه علمی چندان مناسب به نظر نرسد؛ اما از جنبه بیان سیر تکامل تدریجی پژوهشهای انجام گرفته در حیطه موضوعی خاص، این موضوع حائز اهمیت است.

در بررسی فرضیه دوم این نتیجه حاصل شد که وابستگی به گروه تجاری که از خدمات موسسات حسابرسی بزرگ استفاده میکنند، بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر مثبت و معنادار دارد؛ لذا می توان گفت شرکت های وابسته به گروه تجاری که از موسسات حسابرسی بزرگ استفاده می کنند؛ دارای کیفیت گزارشگری مالی بالاتری هستند. سطح بالای کنترل سهامداران، مشکلات نمایندگی بیشتری را برای سهامداران اقلیت در شرکت های وابسته به گروه نسبت به شرکت های مستقل ایجاد می کند. بنابراین برای کاهش این تعارضات شرکتها از حسابرسان بزرگتر استفاده می کنند، چرا که حسابرسان بزرگ، کیفیت حسابرسی را ارتقا می دهند و کیفیت حسابرسی می تواند یک مکانیسم ممکن برای افزایش کیفیت گزارشگری مالی باشد. لذا وابستگان گروه تجاری که از خدمات حسابرسی شرکت های حسابرسی بزرگ استفاده می کنند، دارای کیفیت گزارشگری مالی بالاتری هستند. بنابراین همان گونه که انتظار می رفت، حسابرسی توسط شرکت های حسابرسی بزرگ در شرکت های گروه، کیفیت گزارشگری مالی حسابرسی شده را بالا میبرد. ماتاکین و همکاران (۲۰۱۷) نیز نشان دادند که سطح اقلام تعهدی اختیاری (شاخص اندازه گیری کیفیت گزارشگری مالی در این پژوهش) با وضعیت وابستگی گروه تجاری رابطه معناداری دارد؛ تقی زاده و طالبی نجف آبادی (۱۳۹۸) نیز نشان دادند که وابستگی گروه های تجاری بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر معناداری دارد؛ که در راستای نتایج پژوهش حاضر می باشد.

با توجه به بررسی فرضیه سوم، این نتیجه بدست آمد که وابستگی به گروه تجاری که از خدمات موسسات حسابرسی بزرگ استفاده میکنند بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر معنادار دارد و با توجه به ضریب مثبت متغیر وابستگی به گروه تجاری می توان گفت که این شرکت ها حق الزحمه حسابرسی بالاتری می پردازند. گروه های تجاری صورت های مالی تلفیقی گروه را منتشر می کنند. نگرانی های شدیدی در مورد کیفیت حسابرسی گروه های چند ملیتی، به ویژه حسابرسی های گروهی که شامل هماهنگی حسابرسان اصلی و سایر حسابرسان است، وجود دارد؛ بر این اساس ریسک اضافی حسابرسی گروهی که شامل خطرات مربوط به مدیریت عملیات تجاری پیچیده، متنوع یا غیرمتمرکز است و نیز خطرات مربوط به هماهنگی با حسابرسان جزء، سبب می شود که برای حفظ کیفیت حسابرسی در شرکت های وابسته به گروه تجاری از موسسات حسابرسی بزرگ استفاده شود و به علت ریسک حسابرسی بالاتر در چنین شرکت هایی، حسابرسان بزرگ در خواست حق الزحمه بالاتری می نمایند؛ زیرا برای حسابرسی نیاز به تلاش بالاتری دارند. نتایج پژوهش دو و همکاران (۲۰۲۰) نیز حاکی از وجود ارتباط معنادار بین انتخاب حسابرسان و حق الزحمه حسابرسی بوده است که در راستای نتایج پژوهش حاضر است.

با توجه به آزمون فرضیه چهارم نیز این نتیجه حاصل شد که وابستگی به گروه تجاری بر شکاف انتظارات حسابرسی تاثیر معنادار دارد و با توجه به ضریب منفی متغیر وابستگی به گروه تجاری می توان گفت شکاف انتظارات حسابرسی در شرکت های وابسته به گروه تجاری، کمتر از سایر شرکت ها است. با توجه به اینکه شرکت های گروه تجاری که از خدمات حسابرسی شرکت های حسابرسی بزرگ استفاده می کنند، کیفیت گزارشگری مالی بالاتری دارند و کیفیت گزارشگری مالی می تواند عاملی در کاهش شکاف بین انتظارات حسابرسی باشد، لذا همان گونه که انتظار می رفت در شرکت های وابسته به گروه تجاری فاصله بین انتظارات حسابرسی کمتر است. بنابراین، ساختار شرکت های گروه به گونه ای است که می توانند روی سیاست های حسابداری و غیرحسابداری یکدیگر از جمله شکاف انتظارات حسابرسی تاثیر بگذارند. در این راستا صالحی و آریانپور (۲۰۲۱)، دریافتند که بین عضویت در گروه های تجاری و شکاف انتظارات حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد که در راستای نتایج پژوهش حاضر است.

نتایج به دست آمده در این پژوهش با مستندات اشاره شده در چارچوب نظری پژوهش و ادبیات مالی مطابقت دارد. بنابراین چنین استنباط میشود که وابستگی به گروه های تجاری بر انتخاب حسابرسان، کیفیت گزارشگری مالی، حق الزحمه حسابرسی و شکاف انتظارات حسابرسی شرکت تاثیر گذار است. این نتایج میتواند درک و دانش سرمایه گذاران و پژوهشگران حوزه بازار سرمایه را افزایش دهد و در پرتو آن شاید بتوان به شناسایی عوامل دیگری که توانایی توضیح دادن تغییرات انتخاب حسابرسان، کیفیت گزارشگری مالی، حق الزحمه حسابرسی و شکاف انتظارات حسابرسی را داشته باشند دست یافت. نتایج کاربردی این پژوهش می تواند مورد توجه دو گروه کلی قرار گیرد. گروه اول، استفاده کنندگان از اطلاعات مالی هستند که شامل سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان، مدیران و شرکت های حسابرسی می باشند. این گروه در واقع کسانی هستند که مستقیماً با آثار مالی و نتایج حاصل از کیفیت حسابرسی و گزارشگری مالی شرکت ها در ارتباطند. گروه دوم، پژوهشگران، سیاست گذاران و تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری یا موسساتی همانند بورس اوراق بهادار هستند

که به مسائل اقتصادی و مالی علاقمندند. بخش عمده‌ای از نتایج این پژوهش در تطابق با مبانی نظری بوده و ضمن پر کردن خلاء پژوهشی صورت گرفته در این حوزه می‌تواند به مدیران در مدیریت صحیح و سهامداران در سرمایه‌گذاری و تعیین سیاست و رویه‌های شرکت کمک کند. بنابراین، با توجه به نتایج ارائه شده مبتنی بر یافته‌های هر فرضیه، پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱- با توجه به نتایج حاصل از بررسی فرضیه اول؛ شرکت‌های وابسته به گروه تجاری در مقایسه با سایر شرکت‌ها از موسسات حسابرسی بزرگ استفاده می‌کنند. استفاده از حسابرسان بزرگ در شرکت‌های وابسته به گروه تجاری می‌تواند با افزایش کنترل و نظارت بر ساختار گزارشگری مالی، منجر به افزایش کیفیت حسابرسی شود؛ لذا به سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی شرکت‌ها پیشنهاد میشود هنگام سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها به جوانب غیرمالی موثر بر انتخاب موسسه حسابرسی و تبع آن کیفیت حسابرسی، نظیر میزان وابستگی به گروه تجاری توجه کنند.

۲- با توجه به نتایج حاصل از بررسی فرضیه دوم؛ شرکت‌های وابسته به گروه تجاری که از موسسات حسابرسی بزرگ استفاده می‌کنند دارای کیفیت گزارشگری مالی بالاتری هستند. با توجه به اینکه اندازه موسسه حسابرسی در شرکت‌های وابسته به گروه تجاری می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت اثر گذارد، لذا پیشنهاد میشود از حسابرسان بزرگ به منظور حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده گردد؛ بر این اساس، به نهادهای نظارتی همچون سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد میشود نظارت بیشتری بر رتبه‌بندی موسسات حسابرسی داشته باشند تا از این طریق، رابطه مثبت میان وابستگی به گروه تجاری و کیفیت اطلاعات مالی تعدیل گردد. به سیاست‌گذاران نیز پیشنهاد میشود که برای بهبود کارایی و اثربخشی حسابرسی شرکت‌ها، به ویژگی‌های حسابرسی از جمله اندازه موسسه حسابرسی توجه ویژه‌ای کنند.

۳- با توجه به نتایج حاصل از بررسی فرضیه سوم، شرکت‌های وابسته به گروه تجاری که از موسسات حسابرسی بزرگ استفاده می‌کنند، حق الزحمه حسابرسی بالاتری می‌پردازند. در ایران به دلیل وجود شرایط تورمی و عدم ثبات قیمت در بازار میتوان شاهد افزایش سالانه حق الزحمه حسابرسی بود. از طرفی، در ایران شرکت‌های وابسته به گروه تجاری دارای حجم عملیات بیشتری هستند که مستلزم تلاش بیشتر حسابرسان و افزایش حق الزحمه آنان است. لذا با توجه به نتایج پژوهش حاضر و تاثیر همزمان وابستگی به گروه تجاری و اندازه موسسات حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی، رتبه‌بندی موسسات حسابرسی میتواند در انجام پژوهشهای مرتبط با کیفیت حسابرسی مؤثر واقع شود. در نهایت بر این اساس کمیته‌های حسابرسی برای جبران خدمات، حفظ حسابرسان، نظارت بر حسابرسان، ارزیابی ریسک گزارشگری و کیفیت حسابرسی و همچنین مؤسسه‌های حسابرسی برای انجام کار با کیفیت و بهبود تلاشهای کنترل کیفیت و تعیین حق الزحمه خود، میتوانند از این نتایج استفاده کنند.



۴- با توجه به نتایج حاصل از بررسی فرضیه چهارم، شکاف انتظارات حسابرسی در شرکت‌های وابسته به گروه تجاری کمتر از سایر شرکت‌ها است. بر این اساس به سازمان حسابرسی نیز به عنوان متولی تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی، پیشنهاد می‌گردد، ضمن تحقیق و بررسی دقیق‌تر موضوع شکاف انتظارات حسابرسی و شیوه محاسبه آن، حداقل الزاماتی را برای افشای اطلاعات مرتبط با وابستگی به گروه تجاری را از طریق صورتهای مالی در نظر بگیرد و آن را همراه با صورتهای مالی شرکتها در اختیار استفاده کنندگان قرار دهد. نتایج این پژوهش با توجه به افزایش روز افزون گروه‌های تجاری در بورس اوراق بهادار تهران، میتواند مورد استفاده سازمان بورس به عنوان ناظر بازار سرمایه به منظور تعیین فاکتورهای موثر به منظور کاهش شکاف انتظارات حسابرسی قرار بگیرد.

منابع

- ##ایوانی، فرزاد؛ عبدی، حدیث؛ خیراللهی، فرشید؛ علیمزادی، مهری. (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین شکاف انتظار حسابرسی و اطمینان سرمایه گذاران: بررسی نقش بهبود سطح ارتباطات حسابرسان، *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، (۷۳)، ۱۹، ۱۴۹-۱۱۷.
- ##بولو، قاسم و میثم طالبی، (۱۳۸۹)، "معیارها و مدل‌های اندازه گیری کیفیت سود"، ماهنامه بورس، ماهنامه اقتصادی، مالی، شماره ۹۲.
- تقی زاده، محمدرضا؛ طالبی آبادی، عبدالحسین. (۱۳۹۸). *بررسی رابطه گروه تجاری با مدیریت سود و کیفیت حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، هفدهمین همایش ملی حسابداری ایران*.
- ##شاه صاحبی، سید مصطفی و دارابی، رویا. (۱۳۹۷). اثر تعدیلی اندازه موسسه حسابرسی بر رابطه هزینه های نمایندگی و روابط سیاسی، *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، (۲۸)، ۷.
- ##کاشانی پور، محمد؛ نقی نژاد، بیژن؛ پیشرفت های حسابداری پاییز و زمستان ۱۳۸۹، دوره دوم - شماره ۲، علمی-پژوهشی. ۵۱-۷۴.

Dechow, P., Sloan, R., & Sweeney, A. (1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review*, 70: 193-225.

##Dibia, N. (2015). Audit expectations gap perception of financial reporting, *International Journal of Managerial Studies and Research*, 3: 23-31.

##Downey, D. H., Bedard, J. C. (2016). Coordination and communication challenges in global group audits, *Working paper*, available at https://pcaobus.org/Rulemaking/Docket042/12_DowneyBedard.pdf.

##Du, S., Xu, X., & Yu, K. (2020). Does corporate social responsibility affect auditor-client contracting? Evidence from auditor selection and audit fees, *Advances in Accounting*, 51:100499.

##Fang, J., Pittman, J., Zhang, Y. and Zhao, Y. (2017). Auditor choice and its implications for group affiliated firms, *Contemporary Accounting Research*, 34(1), 39-82.

##Gul, F.A., Wu, D. and Yang, Z. (2013). Do individual auditors affect audit quality? Evidence from archival data, *The Accounting Review*, 88(6): 1993-2023.

##Jerry, M. and Saidu, S. (2018). The impact of audit firm size on financial reporting quality of listed insurance companies in Nigeria, *Iranian Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 2(1): 19-47.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

- ##Jian, M., Wong, T. J. (2003). Earnings management and tunneling through related-party transactions: Evidence from Chinese corporate groups. *Working paper Nanyang Technological University and The Chinese University of Hong Kong*.
- ##Johl, S. K., Khan, A., Subramaniam, N., & Muttakin, M. (2016). Business group affiliation, board quality and audit pricing behavior: Evidence from Indian companies, *International Journal of Auditing*, 20(2), 133–148.
- ##Kim, J. B., Yi, C. H. (2006). Ownership structure, business group affiliation, listing status, and earnings management: Evidence from
- ##Korea, *Contemporary Accounting Research*, 23(2), 427–464.
- Kothari, S.P., A.J. Leone, and C. Wasley. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics* 39: 163–197
- ##Mansur, H. and Tangl, A. (2018). How to bridge the audit expectation gap?, *Journal of Social Sciences*, 7 (2), 61-73.
- ##Muttakin, M.B., Khan, A. and Mihret, D.G. (2017). Business group affiliation, earnings management and audit quality: evidence from Bangladesh, *Managerial Auditing Journal*, 32 (4/5): 1-34.
- ##Quick, R. (2020). “*The audit expectation gap: a review of the academic literature*”. *Maandblad Voor Accountancy en Bedrijfseconomie*, 94(1/2), 5-25.
- ##Salehi, M., Arianpoor, A. (2021). “The consequences of the auditor’s choice in group companies and expectations gap”. *Management Research Review*.
- ##Salehi, M., Jahanbin, F. and Adibian, M.S. (2020). “*The relationship between audit components and audit expectation gap in listed companies on the Tehran stock exchange*”. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 18(1), 199-222.
- ##Shikdar, M.A., Faruk, O. and Chowdhury, M.M.H. (2018). Reducing the audit expectation gap: a model for Bangladesh perspective, *International Journal of Management, Accounting and Economics*, 5(3), 169-180.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract

The aim of this study is to examine the impact of dependence on business groups on the selection of auditors, the quality of financial reporting, the audit fee and the audit expectations gap that took place in the years 2017 to 2022 on companies admitted to the Tehran Stock Exchange. In this study, dependence on independent variable business groups and Auditor selection, financial reporting quality, audit fee and audit expectations gap of dependent variables were considered. The nature and method of research is descriptive-correlation. According to the systematic elimination method, 131 companies were selected as statistical samples. The results showed that trading group affiliates use large audit institutions compared to other companies; also, trading group affiliates that use large audit institutions have higher financial reporting quality and audit fees; ultimately, the audit expectations gap in Trading Group affiliates is lower than in other companies. These results can increase the understanding and knowledge of investors in the capital market and help users of financial information who are directly related to the financial effects and results of the quality of auditing and financial reporting of companies, as well as help managers in the correct management and selection of auditors.

Keywords: Dependence on Business Groups, Selection of Auditors, Quality of Financial Reporting, Audit Fee, Audit Expectations Gap.

The effect of belonging to business groups on auditor selection, financial reporting quality, audit fee and audit expectation gap

Esmaeil Jamali ^۱, Maryam Sadat Tabatabaeian ^{۲*}, Seyed Abolfazl Beheshti^۳

Address 1: ¹ Assistant Professor, Department of Accounting, Golpayegan Branch, Islamic Azad University, Golpayegan, Iran. (esm1358@gmail.com).

Address 2: ² Assistant Professor, Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran, corresponding author, (m.tabatabaeian@pnu.ac.ir).

Address 2: ³ Master of Science in Accounting, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

تحلیل نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات بر ابعاد توسعه پایدار

دکتر رضا؛ نوروژی اجیرلو، استادیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور تهران، ایران

مریم؛ زمانپور، کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی گرایش بین الملل، دانشگاه پیام نور واحد کیش

چکیده

امروزه فناوری ارتباطات و اطلاعات فناوری رشد گسترده و چشمگیری در بین کشورهای مختلف داشته و مزایای زیادی را برای کشورها ایجاد کرده است. در عصر جدید فناوری اطلاعات و ارتباطات با توجه به افزایش عملکرد، سرعت عمل و کاهش هزینه ها در عرصه های مختلف مورد توجه قرار گرفته است و نقش پایه ای در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع ایفا کرده است. گستره کاربرد و تأثیرات آن در ابعاد مختلف زندگی امروزی و آینده جوامع بشری به یکی از مهمترین مباحث روز جهان مبدل شده و توجه بسیاری از کشورهای جهان را به خود معطوف کرده است. در این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی به تحلیل نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات بر ابعاد توسعه پایدار پرداخته شده است. امروزه هر گونه حرکت جهت دستیابی به توسعه بدون توجه به فناوریهای نوین و به خصوص فناوری اطلاعات و ارتباطات امری بیهوده و شکست خورده محسوب میشود و بنابراین نقش موثری در توسعه پایدار ایجاد می کند.

واژگان کلیدی: فناوری اطلاعات، فناوری ارتباطات، توسعه پایدار

مقدمه

فناوری اطلاعات و ارتباطات، بدون شک تحولات گسترده ای را در تمامی عرصه های اجتماعی و اقتصادی بشریت به دنبال داشته و تأثیر آن بر جوامع بشری به گونهای است که جهان امروز به سرعت در حال تبدیل شدن به یک جامعه اطلاعاتی است، جامعهای که در آن دانایی و میزان دسترسی و استفاده مفید از دانش، دارای نقش محوری و تعیین کننده است. فناوری اطلاعات در واقع فناوری غالب در هزاره جدید است از آنجا که عصر دانایی و بحث تعلیم و تربیت در تمامی دوره ها، بحث اساسی جوامع بوده و در قرون اخیر جایگاه خاصی در گفتمان های مختلف برای خود باز کرده است.

۱- مفهوم فناوری اطلاعات و ارتباطات

در اوایل دهه ۱۹۹۰ به مجموعه سخت افزار، نرم افزار، شبکه های کامپیوتری و صنایع مرتبط به آنان، فناوری اطلاعات گفته می شد. با پیشرفت بشر در زمینه فناوری اطلاعات و همگرایی بین کامپیوتر و ارتباطات، فناوری اطلاعات و ارتباطات یا ICT شکل گرفت.

فناوری اطلاعات، همان طور که به وسیله انجمن فناوری اطلاعات آمریکا (ITAA) تعریف شده است: به مطالعه، طراحی، توسعه، پیاده سازی، پشتیبانی یا مدیریت سیستمهای اطلاعاتی مبتنی بر رایانه، خصوصا برنامه های نرم افزاری و سخت افزار رایانه می پردازد.

(Leiner, Barry M. (2009), P 22)

فناوری اطلاعات و ارتباطات اشاره به فناوری است که دسترسی به اطلاعات از طریق ارتباطات از راه دور را امکان پذیر می سازد. (عنصری نژاد، ۱۳۹۲، ۵)

به طور کوتاه، فناوری اطلاعات با مسائلی مانند استفاده از رایانه های الکترونیکی و نرم افزار سروکار دارد تا تبدیل، ذخیره، حفاظت، پردازش، انتقال و بازیابی اطلاعات به شکلی مطمئن و امن انجام پذیرد. اخیرا تغییر اندکی در این عبارت داده میشود تا این اصطلاح به طور روشن دایره ارتباطات مخابراتی را نیز شامل گردد. بنابراین عده ای بیشتر مایلند تا عبارت فناوری اطلاعات و ارتباطات یا به اختصار ICT را به کار برند.

۲- مفهوم توسعه پایدار

توسعه در معنای عام خود، رشد و گسترش معنامیشود. اغلب هدف از توسعه، بهبود بخشیدن، تکامل سطح زندگی و رسیدن به شرایط آرمانی است. اما تحقق این هدف در گرو توجه به عوامل بسیار است. در مفهوم توسعه جنبه ها، حوزه ها و مقیاس ها اهمیت پیدامیکنند. این بهبود یافتن اوضاع کنونی زمانی تحقق می یابد که توسعه، رشد و گسترشی همه جانبه وبدون تعارض و تناقض را در برآوردن احتیاجات محسوس و نامحسوس این جامعه به همراه داشته باشد. رشد در جنبه های مادی و معنوی، از مقیاس های محله ای تا جهانی و در حوزه های متفاوت اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و....

از این رو توجه به کیفیاتی مفهوم توسعه را کارآمدتر میکند. این کیفیات با مفهوم واژه ی پایداری همسو هستند.

پایداری در ابتدا همچون انگاره ای ذهنی ظهور کرد. رشد شتابان شهرنشینی و گسترش فعالیت های صنعتی، ظرفیت زیرساخت های شهری را کاهش و ضایعات زیست محیطی را افزایش داد. با تشدید فعالیت های آلوده کننده در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مجمع عمومی سازمان ملل

متحد تصمیم به برگزاری کنفرانس بین المللی محیط زیست گرفت. به دنبال آن اولین کنفرانس جهانی در ژوئن ۱۹۷۲ برگزار شد که در آن وابستگی انسان به محیط زیست و کاهش آلودگی به عنوان رهیافت توسعه پایدار مطرح شد. (در کنفرانس جهانی محیط زیست و توسعه سازمان ملل (۱۹۸۷)، توسعه ی پایدار به عنوان فرایندی که بدون تخریب توانایی های نسلهای آینده برای برآورده کردن نیازهایشان، نیازهای فعلی را برآورده سازد؛ تعریف شد. (محمدی سنگ لی و قرشی، ۱۳۹۵، ۸۸)

۳- ارزیابی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات بر ابعاد توسعه ی پایدار:

۳-۱- اثرات فناوری بر توسعه ی اقتصادی

جدیدترین گزارش شاخص های علوم و مهندسی که توسط بنیاد ملی علوم آمریکا منتشر شده است نشان میدهد که در سال ۲۰۱۲، ۳۷ درصد تولید ناخالص داخلی در دنیا به خدمات دانش بنیان (نظیر خدمات کسب و کار، مالی و ارتباطات) و صنایع مبتنی بر فناوریهای پیشرفته (نظیر هوافضا و دارو) اختصاص داشته است. البته در اقتصادهای توسعه یافته ای نظیر آمریکا سهم این خدمات و صنایع به ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی هم میرسد و در مورد کشورهای توسعه یافته دیگری نظیر کانادا، کره، ژاپن و کشورهای عضو اتحادیه اروپا سهم مزبور در فاصله زمانی ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۲ همواره رشد داشته است.

ورود عنصر دانش و فناوری در تابع تولید به معنای افزایش چشم گیر بازدهی هاست و غفلت از اهمیت روزافزون فناوری در توسعه اقتصادی، شکاف میان کشورهای پیشرو و عقب مانده تر را به صورت نمایی افزایش میدهد. تحولات فناورانه، خود سبب بروز «موانع نهادی» میشود. مطالعات نشان داده اند نتایج مثبت مشاهده شده در کشورهایی که رشد اقتصادی را تجربه کرده اند حاصل برنامه های سیاستی اثربخش با در نظر گرفتن عناصر مختلف تحلیل نهادی اند. در نتیجه در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران که به اعتقاد خبرگان و اقتصاددانان توسعه غالباً ضعف نهادها مشاهده می شود، لازم است بخش مهمی از سیاستهای دولت با توجه به الزامات نهادی و با هدف ایجاد یا تقویت نهادهای مورد نیاز (در مفهده گسترده آن) تدوین شود، زیرا رشد اقتصادی در بلندمدت علاوه بر توسعه همزمان فناوری ها، نیازمند نهادهای پشتیبان و تنظیم کننده آنهاست. (مطالعات ارتباطات و فناوریهای نوین، ۱۳۹۴، ۱-۳)

۳-۲- اثرات فناوری بر حفاظت محیط زیست

محیط زیست عبارت است از آن چه که فرآیند زیستن را احاطه کرده و با آن در کنش متقابل قرار دارد. با توجه به این تعریف آیا می توان مرزهای مشخصی برای محیط زیست تعیین نمود؟ آیا فرآیند حیات بدون استفاده از هوا و خاک میسر است؟ آیا بدون بهره برداری منطقی از خاک، می توان مواد غذایی تولید نمود و امکان تغذیه سالم جمعیت رو به تزاید را فراهم ساخت؟

بدین ترتیب مشاهده می شود که محیط زیست همه چیز را در بر می گیرد، هم انسان و هم طبیعت و هم رابطه این دو را شامل می شود. در کلیه فعالیت های بشر تاثیر داشته و نیز از آن متاثر می شود. محیط یک موجود زنده عبارت است از فضایی که موجود زنده را احاطه کرده و از طریق روابط متقابل گوناگون با آن در تماس قرار دارد. به بیان دیگر، محیط را می توان مجموعه عوامل جاندار و بی جانی دانست که در یک فضای مشخص و در زمانی معین موجود زنده را تحت تاثیر خود قرار می دهند.

زیست فناوری از مهمترین محورهای توسعه علمی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای جهان و ارتقای آن از اساسی ترین شاخص های تعیین کننده ی توسعه محسوب می شود. کاربرد زیست فناوری در سده بیست و یک به میزانی فراگیر شده است که از محیط زیست تا اقتصاد و صنعت و از کشاورزی و تغذیه تا دیگر جنبه های حیات انسان را تحت تاثیر قرار می دهد. (شهبازی و برلیان، ۱۳۹۷، ۲۴)

از طریق پیشرفت در زمینه علم و فناوری، انسان ها سعی کرده اند شرایط محیط فیزیکی خود را تغییر دهند. این محیط بیرونی در نتیجه این تغییرات است که شامل زیرساخت های مدرن در شهرها، خانه های ما و امکانات رفاهی مرتبط با آن ها، شیوه های ارتباطی و حمل و نقل ما، استراحتگاه های ما به امکانات رفاهی و تجملی، انواع مختلف صنایع تولید کالاهای مجلل، لوازم الکتریکی و غیره است. که در نهایت تمدن و شهرنشینی را هدف قرار می دهد. محیط درونی و بیرونی با هم مرتبط هستند و از این رو غیرقابل تفکیک هستند.

محیط زیست طبق تعریف متن حقوقی شورای جامعه اقتصادی اروپا (۲۷ ژوئن ۱۹۶۷) شامل آب و هوا، خاک، عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده است

۳-۳- اثرات فناوری بر تنوع فرهنگی

فناوری اطلاعات توانسته است تمامی شیوه ها و مسیرهای انتقال، مبادله، نمایش، ذخیره سازی، و مدیریت اطلاعات را متحول و دگرگون سازد. امروزه، فناوری های نوین ارتباطی چنان سرعت و عمقی به تغییرات اجتماعی داده اند که حتی پابرجاترین عرصه حیات بشری یعنی فرهنگ را نیز درنور دیده و انسان را در میانه یک دگرگونی فرهنگی جدی قرار داده اند؛ چرا که سرعت انتقال جریان فرهنگ، به واسطه ارتباطات نوین، در حال افزایش است. از این رو، ترسیم چنان دورنمایی در حوزه فناوری اطلاعات منشأ تحولات مثبت خواهد بود که مبتنی بر جایگاه ها و راهکارهای مطلوب فرهنگی باشد. (روشندلی اربطانی و صابر، ۱۳۹۱، ۱۰۹)

یکی از مهمترین زمینه ها برای ایجاد شهرهای الکترونیک فرهنگ سازی در این زمینه است. باید توجه داشت که دولت الکترونیک صرفا ارائه اطلاعات نهادها و وزارتخانه ها روی وب سایت نیست. به اعتقاد صاحب نظران ارتباطی دولت الکترونیک استفاده از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی برای متحول کردن دولت و فرایند حکومت از طریق قابل دسترسی تر، کارآمدتر و پاسخگوتر کردن آن است. مدیران و برنامه ریزان باید با درک ویژگی ها جامعه اطلاعاتی به پیاده سازی اصولی و صحیح دولت الکترونیک بپردازند و از

سوی دیگر رسانه های جمعی اعم از رادیو و تلویزیون و مطبوعات باید با اطلاع رسانی مناسب نسبت به آگاه سازی افکار عمومی شهروندان در خصوص مفاهیم و مزایای دولت الکترونیک اقدام نمایند.

مطالعات مقدماتی و مرور ادبیات موجود حاکی از آن است که رابطه ای بین ICT و توسعه ی شهری مشاهده میشود. به عبارتی، شکل گیری فناوری اطلاعاتی و ارتباطی، ارتقای آن و یا فقدان این تسهیلات و تکنولوژی جامعه شهری را تحت الشعاع قرار میدهد. بنابراین، تغییراتی که در پرتو تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات به وقوع پیوسته است تحولات عمیقی را در جامعه و حوزه شهری پدیدار نموده است که زمینه ساز نیازهای جدیدی در پارادایم های فکری و بسترهای پژوهشی شده است. شهرها محل استقرار هر پدیده نوین و جایگاهی برای پیشبرد تکنولوژی و توسعه به حساب می آیند. بطوریکه از دیرباز "شهر به عنوان نخستین شکل تمدن و کانون تقدس، قدرت، ثروت همواره در مرکز توجه فلاسفه و اندیشمندان اجتماعی قرار داشته است، مقوله ای که از دوران باستان تاکنون مدام دغدغه خاطر متفکران و صاحب نظران را فراهم نموده و اندیشه ها و نظریات مختلفی را معطوف به خود کرده است.

مروزه، میان تکنولوژی، ثروت و قدرت رابطه ای انکارناشدنی و تنگاتنگ به چشم میخورد، از بارزترین تحولات تکنولوژیکی این عصر فرآورده های اطلاعاتی و ارتباطی است که از آن تحت عنوان نیز ICT این نام برده میشود. بدین ترتیب، ICT به عنوان پدیده های جامع و فراگیر در طیف کامل فعالیتهای بشری از کاربردهای شخصی گرفته تا فعالیتهای اقتصادی و سیاسی تاثیر گذار است. چرا که به عنوان ابزاری چندمنظوره، انعطاف پذیر و دارای قابلیتهای متعدد در نظر گرفته میشود، که امکان راه حل های مناسب را در قالب کاربردهای فردی با محلی، جهت تامین نیازهای مختلف فراهم می آورد.

توسعه بسیاری از کشورها در سالهای اخیر مدیون گسترش ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی است. گواه این امر تجارب کشورهایی چون فیلیپین، مالزی و هند در جنوب شرق آسیا میباشد. ICT. همانند بسیاری از تحولات و نوآوریهای مختلف در جوامع شهری کشورهای پیشرفته به مراتب با سرعتی بیشتر گسترش یافته تا جایی که مفهوم و دامنه سواد و دانش را نیز دستخوش تحول نموده است. بنابر این آنچه مهم است نه تنها شناخت این تکنولوژی نوین بلکه بازتاب آن در جامعه شهری و بطور عینیتر و صریحتر تاثیر آن بر توسعه شهریاست.

کستلر جامعه شبکه های را از ویژگیهای سرمایه داری متکی به اطلاعات به شمار می آورد. به نظر او این نوع جامعه در اواخر دهه ۱۹۶۰ و نیمه ی دهه ی ۱۹۷۰ بر اثر همگرایی، سه فرآیند تاریخی مستقل پدیدار شد: «انقلاب تکنولوژی اطلاعات» که ظهور جامعه شبکه ای را امکان پذیر ساخت به «تجدید ساختار سرمایه داری» و «نهضتهای فرهنگی درجه های ۱۹۷۰-۱۹۶۰» «همچون آزادی خواهی، حقوق بشر، فمینیسم و طرفداری از محیط زیست». تعامل میان این فرآیندها و واکنشهایی که به آن دامن میزنند یک ساختار نوین اجتماعی مسلط یعنی جامعه شبکه ای: یک اقتصاد نوین اطلاعاتی -جهانی و یک فرهنگ نوین یعنی فرهنگ مجازی واقعی را به عرصه وجود آورد

منطق نهفته در این اقتصاد، این جامعه و این فرهنگ، زیربنای کنش و نهادهای اجتماعی در سرتاسر جهان به هم پیوسته است. (کستلز، ۱۳۸۰)

۳-۴- اثرات فناوری بر توسعه شهری

توسعه شهرنشینی و به دنبال آن افزایش روز افزون نیازهای اجتماعی، دولت و دولت مردان حکومت را وادار سازد که این نیازها را به نحوی ساده و با استفاده از امکانات موجود به شهروندان ارائه کنند و به این طریق مشکلات موجود هم برای شهروندان و هم برای نظام ارایه دهنده ی این خدمات به حداقل ممکن خود برسد. در صورت ارائه خدمات شهر الکترونیک قسمت عمده ای از مبادلات و مراودات درون شهری کاهش خواهد یافت و به تبع آن از ترافیک، آلودگیهای زیست محیطی کاسته خواهد شد و این ویژگی های شهر هوشمند با دیدگاه بوم شناسی شهری کاملاً مطابقت دارد. پس با توجه به عصری که در آن زندگی می کنیم (عصر ارتباطات) فناوری اطلاعات و ارتباطات بهترین راهکار و ابزار برای این خدمات در سطح گسترده و فراگیر میباشد. (مرادی مفرد و همکاران، ۱۳۹۳، ۸۱)

فناوری های نوین شهری ابزاری است در افزایش سودمندی طرح ها، محیط های شهری و پشتیبانی محیط شهری. ظهور فناوری های جدید اطلاعات و ارتباطات در عرصه های گوناگون زندگی بشر آثار متفاوتی داشته است با تدوین این فناوری های نوین بر الیه های متفاوت شهر می توان به رویه ای مناسب مال شهرهای ایران دست یافت. شهر هوشمند چارچوبی است که عمدتاً از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) برای توسعه، گسترش و ترویج شیوههای توسعه پایدار و با هدف رفع چالشهای رو به رشد شهرنشینی، ایجاد شده است. بخش بزرگی از این چارچوب، اساساً یک شبکه هوشمند از اشیاء متصل و ماشینهایی است که اطلاعات را با استفاده از فناوری بیسیم و رایانش ابری انتقال میدهند. برنامه های IoT مبتنی بر رایانش ابری، اطلاعات را در لحظه دریافت، تجزیه و تحلیل و مدیریت میکنند تا به شهرداریها، شرکتهای و شهروندان کمک کنند که برای بهبود کیفیت زندگی خود تصمیمات بهتری بگیرند. مردم برای ارتباط با اکوسیستمهای یک شهر هوشمند، از راه های مختلفی همچون تلفنهای هوشمند، ابزارهای هوشمند قابل ممل، اتومبیل ها و خانه های هوشمند، استفاده میکنند. یکپارچه سازی اشیاء و داده ها با زیرساختهای فیزیکی و خدمات شهری، میتواند هزینه ها را کاهش و پایداری را بهبود دهد. جوامع میتوانند روشهای توزیع انرژی را بهبود بخشند، جمع آوری زباله را ساده تر کرده و با کمک IoT باعث کاهش ترافیک و متی بهبود کیفیت هوا گردند (اسماعیلیان و همکاران، ۱۳۹۵)

(بر اساس یافته های وسیع و گسترده ای از ادبیات میان رشته ایی مختلف، هشت عامل مهم شهر هوشمند شناسایی شده اند: مکرروایی هوشمند، انرژی هوشمند، ساخت و ساز هوشمند، جابجایی هوشمند، زیرساخت هوشمند، تکنولوژی هوشمند، مراقبت های بهداشتی هوشمند، شهروندی هوشمند. این عوامل اساس یک چارچوب یکپارچه هستند. که می تواند در بررسی چگونگی ابتکارات دولت

های محلی در تشکیل شهر هوشمند سپس برای رسیدن به توسعه شهری پایدار استفاده شوند. براین اساس در این پژوهش تلاش گردیده تا به تبیین مفهوم شهر هوشمند و راه های تحقق آن در جوامع پرداخته شود.

نتیجه گیری

در دنیای امروز، موزه ارتباطات و تکنولوژیهای وابسته به آن دستخوش تغییر و تحولات گستردهای شده است. بشر شاهد پیدایش نظامهایی از ارتباطات بوده که توزیع و انتقال سریع و گسترده پیامها را از یک نقطه به نقطه دیگر امکانپذیر ساخته است. این نظامها، ابتدا از طریق الکتریکی کردن اطلاعات، یکدست شده و سپس با پیشرفتهای روزافزون تکنولوژیها از راه دیجیتالی کردن آنها توانسته است بر عوامل فضا، زمان و مکان غلبه کند. به دنبال این فرایند، اطلاعات به عنوان نماد و دستمایه توسعه همه جانبه و پایدار سازمان های مدرن شناخته شده و دیگر بدون دسترسی به آن هیچگونه تحول چشمگیری قابل پیش بینی و میسر نیست. بر این اساس برای دستیابی به توسعه پایدار، بدون چشم پوشی از فناوری اطلاعات و ارتباطات امکان پذیر نیست. فناوری اطلاعات بر توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و ... تاثیرات فراوان دارد. ورود عنصر دانش و فناوری در تابع تولید به معنای افزایش چشم گیر بازدهی هاست و غفلت از اهمیت روزافزون فناوری در توسعه اقتصادی، شکاف میان کشورهای پیشرو و عقب مانده تر را به صورت نمایی افزایش میدهد. تحولات فناورانه، خود سبب بروز «موانع نهادی» میشود. مطالعات نشان داده اند نتایج مثبت مشاهده شده در کشورهایی که رشد اقتصادی را تجربه کرده اند حاصل برنامه های سیاستی اثربخش با در نظر گرفتن عناصر مختلف تحلیل نهادی اند. فناوری اطلاعات توانسته است تمامی شیوه ها و مسیرهای انتقال، مبادله، نمایش، ذخیره سازی، و مدیریت اطلاعات را متحول و دگرگون سازد. مطالعات موجود حاکی از آن است که رابطه ای بین ICT و توسعه ی شهری مشاهده میشود. به عبارتی، شکل گیری فناوری اطلاعاتی و ارتباطی، ارتقای آن و یا فقدان این تسهیلات و تکنولوژی جامعه شهری را تحت الشعاع قرار میدهد. بنابراین، تغییراتی که در پرتو تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات به وقوع پیوسته است تحولات عمیقی را در جامعه و حوزه شهری پدیدار نموده است که زمینه ساز نیازهای جدیدی در پارادایم های فکری و بسترهای پژوهشی شده است.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

منابع و مآخذ

##شهبازی آرامش و برلیان پویا، نقش زیست فناوری در توسعه حقوق بین الملل محیط زیست، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره

۱۳۹۷، ۱

##عنصری نژاد سپیده، مسئولیت مدنی در حقوق فناوری اطلاعات و ارتباطات (ارتباطات اینترنتی)، پایان نامه ارشد، دانشگاه خوارزمی،

۱۳۹۲

##کستلز، عصر اطلاعات. ظهور جامعه شبکه ای، ترجمه احمد علیقلیان و احمد خاکباز. تهران: طرح نو ۱۳۸۰

محمدی سنگ لی خشایار و قرشی سیده صدیقه، توسعه ی پایدار شهری؛ رویکرد جهانی با راهکارهای محلی مطالعه ی موردی: بررسی

معیارهای پایداری در معماری سنتی شهر یزد، مطالعات هنر و معماری، شماره ۴ و ۵، ۱۳۹۵

##مرادی مفرد سمیرا و همکاران، تحلیلی بر اثرات فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توسعه پایدار شهری مورد مطالعه: شهر زنجان،

دوفصلنامه پژوهش های بوم شناسی شهری، دوره پنجم، شماره ۱، ۱۳۹۳

##مطالعات ارتباطات و فناوریهای نوین، نقش فناوری در توسعه اقتصادی و الزامات سیاستگذاری برای آن، معاونت پژوهشهای زیربنایی

و امور تولیدی دفتر ۱۳۹۴

##Leiner, Barry M. (2009), "A Brief History of the Internet" ACM SIGCOMM Computer Communication

نقش همگرایانه دولت و بخش خصوصی در تحول و نوآوری‌های آموزشی ایران: محوریت هوش مصنوعی؛ ارائه مدل حکمرانی هوشمند آموزشی

محمد؛ سادات شریفی، کارشناسی ارشد مدیریت نوآوری تکنولوژی دانشگاه تهران، دبیر کارگروه هوشمند سازی مرکز پژوهش های

شورای اسلامی شهر شیراز Mo.sadatsharifi@gmail.com

موسی الرضا؛ بیضاو، لیسانس زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی شیراز reza221157@gmail.com

چکیده

نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران در سده بیست و یکم با تحولات گسترده، به‌ویژه در حوزه هوش مصنوعی، روبه‌رو شده است که این امر نیازمند بازنگری در نقش‌ها و همکاری دولت و بخش خصوصی است. پژوهش حاضر به بررسی نقش مکمل و همگرایی دولت و بخش خصوصی در توسعه آموزش هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی در ایران می‌پردازد. این مطالعه با روش ترکیبی (مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۳۰ نفر از ذینفعان کلیدی و پیمایش از ۱۵۰ معلم و مدیر مدرسه) و تحلیل ۲۵ سند سیاستی صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود ظرفیت‌های بالا در بخش خصوصی و شرکت‌های نوآور، نبود چارچوب حقوقی و نهادی مناسب، کمبود بودجه هدفمند و رقابت نهادهای دولتی با بخش خصوصی (نمونه: پلتفرم شاد) باعث محدودیت در بهره‌برداری کامل از این ظرفیت‌ها شده است. همچنین، شکاف دیجیتالی و ضعف آموزش معلمان برای استفاده از فناوری‌های نوین از دیگر چالش‌هاست. در نهایت، مدل مفهومی «حکمرانی هوشمند آموزشی» در پنج لایه طراحی شده که بر سیاستگذاری راهبردی، توسعه زیرساخت‌ها، تولید محتوای بومی، توانمندسازی سرمایه انسانی و تضمین عدالت آموزشی تأکید دارد و بر همکاری دولت، بخش خصوصی و دانشگاه‌ها برای تحول فناوریانه در نظام آموزشی تمرکز می‌کند.

کلمات کلیدی: هوش مصنوعی آموزشی، حکمرانی دیجیتال، مشارکت عمومی-خصوصی، عدالت آموزشی، اکوسیستم نوآوری.

۱. مقدمه

۱-۱. طرح مسئله: نظام آموزشی ایران در تقاطع تحولات دیجیتال و نیاز به بازآرایی

نظام آموزشی هر کشوری ستون فقرات توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن به شمار می‌رود. در دهه‌های اخیر و به‌ویژه در آستانه‌ی دهه‌ی سوم قرن بیست و یکم، شاهد دگرگونی‌های بی‌سابقه‌ای در اثر پیشرفت‌های خیره‌کننده در حوزه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات، داده‌های بزرگ و به‌طور خاص، هوش مصنوعی هستیم. این فناوری‌ها ظرفیت‌های عظیمی را برای شخصی‌سازی فرآیندهای یادگیری،

افزایش دسترسی به محتوای آموزشی با کیفیت، اتوماسیون وظایف تکراری معلمان، و ارائه‌ی بازخوردهای لحظه‌ای و سازنده فراهم آورده‌اند (گزارش یونسکو، ۲۰۲۲). برای کشوری مانند ایران با جمعیتی بالغ بر ۸۵ میلیون نفر که نزدیک به یک سوم آن را دانش‌آموزان و دانشجویان تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲)، انطباق و بهره‌گیری مؤثر از این فناوری‌ها نه تنها یک انتخاب، بلکه یک ضرورت استراتژیک محسوب می‌شود.

با این حال، نظام آموزشی ایران در مسیر پذیرش و به‌کارگیری مؤثر هوش مصنوعی با چالش‌های ساختاری، زیرساختی و فرهنگی متعددی روبرو است. آمارهای رسمی و گزارش‌های پژوهشی وضعیت هشداردهنده‌ای را در برخی زمینه‌ها نشان می‌دهند:

شکاف زیرساختی: بر اساس آخرین گزارش‌ها، تنها حدود ۳۵٪ از مدارس کشور به اینترنت پرسرعت و پایدار دسترسی دارند. این رقم در مناطق روستایی و کمتر توسعه‌یافته به مراتب پایین‌تر است (گزارش مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲). فقدان زیرساخت‌های سخت‌افزاری مانند رایانه‌های به‌روز، تبلت‌ها و سرورهای مناسب نیز این چالش را تشدید می‌کند.

شکاف دیجیتال و نابرابری دسترسی: نابرابری در دسترسی به ابزارهای آموزشی هوشمند و ارتباطات دیجیتال بین مناطق شهری برخوردار و مناطق روستایی یا حاشیه‌ای به بیش از ۶۰٪ می‌رسد (همان منبع). این شکاف، خطر عمیق‌تر شدن نابرابری آموزشی و ایجاد طبقه‌ای از "نادانش‌آموزان دیجیتال" را در پی دارد.

محدودیت‌های بودجه‌ای: بودجه‌ی تخصیص یافته توسط دولت برای توسعه‌ی آموزش هوشمند و فناوری‌های نوین در سال مالی ۱۴۰۲، تنها حدود ۰.۷٪ از کل بودجه‌ی آموزش و پرورش را شامل می‌شود (اسناد بودجه سالانه، ۱۴۰۲). این میزان، در مقایسه با سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در کشورهای پیشرو در این حوزه، بسیار ناچیز است و امکان تحول گسترده را محدود می‌سازد.

موانع رگولاتوری و حکمرانی: چارچوب‌های قانونی و مقرراتی موجود در کشور، غالباً با سرعت تحولات فناورانه همگام نیستند. فرآیندهای طولانی و پیچیده برای اخذ مجوز فعالیت برای پلتفرم‌های آموزشی خصوصی، نبود قوانین شفاف در حوزه‌ی حفاظت از داده‌های دانش‌آموزان و مالکیت فکری محصولات نرم‌افزاری آموزشی، و عدم وجود یک نهاد رگولاتوری واحد و چابک، از جمله چالش‌های اصلی این حوزه محسوب می‌شوند (محمودی، ۱۳۹۹؛ مصاحبه‌های کیفی با مدیران دولتی و استارت‌آپ‌ها).

رقابت نامتقارن: ورود دولت با پلتفرم‌هایی مانند "شاد" به حوزه‌ی آموزش آنلاین، علی‌رغم اهداف اولیه‌ی تسهیل دسترسی، به دلیل عدم رعایت اصول رقابت سالم و استفاده از بودجه و امکانات دولتی، عملاً بخش خصوصی و استارت‌آپ‌های آموزشی را با چالش جدی در جذب کاربر و بقا مواجه کرده است (مصاحبه‌های کیفی با بنیانگذاران استارت‌آپ‌ها).

در مقابل، بخش خصوصی در ایران، به ویژه در قالب استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان، پویایی و خلاقیت قابل توجهی در توسعه‌ی راهکارهای نوآورانه‌ی آموزشی از خود نشان داده است. پلتفرم‌هایی مانند «آموزشگاه آنلاین راکت» (با بیش از ۲ میلیون کاربر فعال)، «استارت‌آپ آریانا» (توسعه‌دهنده ربات‌ها و سخت‌افزارهای آموزشی)، «مکتب‌خونه» و «فرادرس» (ارائه‌دهندگان محتوا و دوره‌های آموزشی آنلاین)، و «کوئرا» و «دیجی کالج» (فعال در زمینه‌ی آموزش برنامه‌نویسی و مهارت‌های دیجیتال)، ظرفیت عظیمی برای ارائه‌ی خدمات آموزشی با کیفیت، متناسب با نیازهای روز و با بهره‌گیری از آخرین فناوری‌ها از جمله هوش مصنوعی ایجاد کرده‌اند (گزارش ویژه مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱).

با توجه به چالش‌های موجود و ظرفیت‌های بالقوه، پرسش کلیدی این پژوهش آن است که «چگونه می‌توان با ایجاد همگرایی مؤثر و پایدار بین دولت و بخش خصوصی، ضمن فائق آمدن بر چالش‌های ساختاری و زیرساختی، از ظرفیت‌های هوش مصنوعی برای ارتقای کیفیت، افزایش دسترسی و کاهش نابرابری آموزشی در نظام آموزشی ایران بهره‌مند شد؟» این پژوهش به دنبال ارائه‌ی پاسخی جامع به این پرسش و ارائه مدلی عملیاتی برای تحقق این همگرایی است.

۱-۲. مبانی نظری پژوهش: چارچوبی برای تحلیل نقش بازیگران در عصر فناوری

برای تحلیل عمیق‌تر نقش دولت و بخش خصوصی در تحولات آموزشی مبتنی بر هوش مصنوعی، لازم است از چارچوب‌های نظری مرتبط بهره جست. این پژوهش با تکیه بر سه نظریه‌ی کلیدی، به تحلیل وضعیت موجود و ارائه‌ی مدل پیشنهادی می‌پردازد:

۱-۲-۱. نظریه سرمایه انسانی پیشرفته (Advanced Human Capital Theory)

نظریه سرمایه انسانی که توسط اقتصاددانانی چون گری بکر (Becker, 1964) توسعه یافته است، بر اهمیت سرمایه‌گذاری در دانش، مهارت‌ها و توانمندی‌های افراد به عنوان عامل کلیدی رشد اقتصادی و توسعه‌ی اجتماعی تأکید دارد. در بستر تحولات فناورانه، این نظریه به سرمایه‌گذاری در "سرمایه انسانی فناورانه" بسط می‌یابد. از منظر این نظریه، هوش مصنوعی به عنوان یک ابزار قدرتمند می‌تواند به طرق مختلفی در افزایش سرمایه انسانی نقش ایفا کند:

شخصی‌سازی آموزش: الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌توانند با تحلیل داده‌های عملکرد دانش‌آموزان، مسیرهای یادگیری فردی و محتوای متناسب با نیازها و سبک یادگیری هر فرد را پیشنهاد دهند. این شخصی‌سازی، کارایی فرآیند یادگیری را به شکل چشمگیری افزایش داده و منجر به یادگیری عمیق‌تر و ماندگارتر می‌شود (علوی، ۱۳۹۹).

بهبود فرآیندهای تدریس و یادگیری: ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی مانند چت‌بات‌های آموزشی، سیستم‌های ارزیابی خودکار و دستیاران مجازی معلم، می‌توانند به معلمان در انجام وظایف روزمره کمک کرده و زمان بیشتری را برای تعامل مؤثر و راهنمایی دانش‌آموزان فراهم آورند.

توسعه مهارت‌های آینده: یادگیری در مورد هوش مصنوعی و نحوه استفاده از آن، خود بخشی از مهارت‌های ضروری برای نیروی کار آینده است.

از منظر این نظریه، نقش دولت در این فرآیند، سرمایه‌گذاری راهبردی و بلندمدت در زیرساخت‌های فناورانه ملی شامل شبکه‌ی اینترنت پرسرعت و امن در سطح کشور، توسعه‌ی پلتفرم‌های آموزشی ملی با رعایت استانداردها و امنیت داده، و تدوین استانداردهای محتوایی و فنی برای ابزارهای آموزشی هوشمند است. همچنین، دولت باید با سیاست‌های حمایتی و مشوق‌ها، زمینه‌ی فعالیت و رشد بخش خصوصی را فراهم آورد تا این بخش بتواند با نوآوری‌های خود در توسعه‌ی راهکارهای نوین هوش مصنوعی آموزشی مانند سیستم‌های توصیه‌گر، ابزارهای تحلیل پیشرفته عملکرد دانش‌آموزان و پلتفرم‌های واقعیت افزوده و مجازی نقش‌آفرینی کند. مثال‌هایی مانند سامانه‌ی شخصی‌سازی آموزش در پلتفرم «لیموناد» (رضوی، ۱۴۰۰) نمونه‌ای از ظرفیت بخش خصوصی در این حوزه است.

۲-۱-۲. نظریه ساختاربندی گیدنز (Structuration Theory)

نظریه‌ی ساختاربندی آنتونی گیدنز (Giddens, 1984) بر تعامل دوسویه‌ی ساختارها (مانند نهادها، قوانین، هنجارها) و عاملیت (Agency) افراد و گروه‌ها (مانند استارت‌آپ‌ها، معلمان، دانش‌آموزان) تأکید دارد. ساختارها، کنش‌های عاملیت‌ها را محدود یا امکان‌پذیر می‌سازند، در حالی که عاملیت‌ها نیز با کنش‌های خود، ساختارها را بازتولید یا در طول زمان تغییر می‌دهند.

در بستر پژوهش حاضر:

دولت به عنوان ساختار: قوانینی مانند «آیین‌نامه مدارس هوشمند» (مصوب ۱۴۰۰) یا سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (مصوب ۱۴۰۱) نمونه‌هایی از ساختارهای رسمی هستند که دولت وضع می‌کند (وزارت آموزش و پرورش، ۱۴۰۱). این قوانین می‌توانند مسیر حرکت به سوی آموزش هوشمند را تسهیل یا با ایجاد بوروکراسی‌های دست و پا گیر، مانع آن شوند.

بخش خصوصی و سایر ذینفعان به عنوان عاملیت: استارت‌آپ‌های آموزشی با نوآوری‌های فناورانه، معلمان با روش‌های نوین تدریس، و دانش‌آموزان با سبک‌های جدید یادگیری، نمونه‌هایی از عاملیت‌هایی هستند که در درون این ساختارها عمل می‌کنند. کنش‌های آن‌ها می‌تواند منجر به انطباق با ساختارهای موجود (باز تولید ساختار) یا ایجاد فشار برای تغییر و اصلاح ساختارها گردد. به عنوان مثال، توسعه‌ی

کلاس‌های درس مبتنی بر واقعیت افزوده توسط یک استارت‌آپ، نمونه‌ای از کنش عاملیتی است که می‌تواند نیاز به بازنگری در آیین‌نامه‌ها و استانداردها را مطرح کرده و به تدریج منجر به اصلاح ساختارهای دولتی گردد (گزارش یونسکو، ۲۰۲۲).

این نظریه به ما کمک می‌کند تا درک کنیم که تحول در نظام آموزشی صرفاً با وضع قوانین توسط دولت محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند تعامل فعال و دوسویه‌ی دولت با بخش خصوصی، معلمان و سایر عاملیت‌هاست. موفقیت در پیاده‌سازی آموزش هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی، به چگونگی ساختاربندی این تعامل و توانایی عاملیت‌ها در تأثیرگذاری بر ساختارها بستگی دارد.

۳-۲-۱. نظریه انتقادی فناوری آموزشی (Critical Theory of Educational Technology)

نظریه انتقادی فناوری آموزشی، که توسط پژوهشگرانی مانند نیل سلبری (Selwyn, 2018) مطرح شده است، رویکردی محتاطانه و نقادانه به نقش فناوری در آموزش دارد. برخلاف رویکردهای خوش‌بینانه که فناوری را صرفاً ابزاری خنثی برای بهبود می‌بینند، این نظریه به بررسی پیامدهای ناخواسته و بالقوه منفی به کارگیری فناوری، به‌ویژه در بستر روابط قدرت و نابرابری‌های اجتماعی، می‌پردازد. از منظر این نظریه:

خطر کالایی شدن آموزش: استفاده‌ی گسترده از پلتفرم‌های آموزشی خصوصی ممکن است آموزش را از یک حق عمومی به کالایی مصرفی تبدیل کند که تنها برای اقشار مرفه قابل دسترسی باشد. این امر می‌تواند نابرابری آموزشی موجود را تشدید کند (محمدی، ۱۳۹۹).

مسائل مربوط به نظارت و حریم خصوصی: جمع‌آوری حجم عظیمی از داده‌های دانش‌آموزان توسط پلتفرم‌ها (چه دولتی و چه خصوصی) می‌تواند منجر به نگرانی‌های جدی در خصوص حریم خصوصی و پتانسیل استفاده‌ی ابزاری یا نظارتی از این داده‌ها گردد.

انتقاد از جبرگرایی فناورانه: این نظریه با نگاه جبرگرایانه به فناوری که آن را راه‌حل قطعی تمام مشکلات می‌داند، مخالفت کرده و بر نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در نحوه‌ی پذیرش و به کارگیری فناوری تأکید دارد.

از منظر این نظریه، در توسعه‌ی آموزش هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی، توجه به الزامات اخلاقی و عدالت اجتماعی امری حیاتی است. دولت و بخش خصوصی باید با همکاری یکدیگر، چارچوب‌های مشخصی برای تضمین حریم خصوصی داده‌های دانش‌آموزان، جلوگیری از تبعیض الگوریتمی، و تضمین دسترسی عادلانه همه‌ی دانش‌آموزان به فناوری‌های هوشمند، صرف‌نظر از موقعیت جغرافیایی یا وضعیت اقتصادی، تدوین و اجرا نمایند. اشاره‌ی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۴۰۱) به لزوم رعایت ملاحظات اخلاقی و امنیتی در استفاده از فناوری، نمونه‌ای از تلاش برای لحاظ کردن این رویکرد انتقادی در سطح سیاستگذاری است.

۳-۱. پیشینه پژوهش: مرور مطالعات مرتبط و شناسایی شکاف پژوهشی

بررسی مطالعات پیشین، چه در سطح جهانی و چه در سطح داخلی، به درک بهتر وضعیت موجود و شناسایی خلأهای تحقیقاتی کمک می‌کند.

۱-۳-۱. مطالعات جهانی:

سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو و بانک جهانی گزارش‌های متعددی در خصوص نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات و هوش مصنوعی در آموزش منتشر کرده‌اند. گزارش یونسکو (۲۰۲۲) با بررسی تجربیات مختلف کشورها، بر اهمیت مشارکت عمومی-خصوصی (PPP) در موفقیت پروژه‌های بزرگ آموزشی مبتنی بر فناوری تأکید دارد. این گزارش، پروژه‌هایی در کشورهایی مانند هند (استفاده از پلتفرم‌های خصوصی برای آموزش آنلاین در مناطق روستایی) و برزیل (همکاری با شرکت‌های فناوری برای توسعه محتوای آموزشی دیجیتال) را به عنوان نمونه‌های موفق از این نوع مشارکت ذکر می‌کند. این مطالعات نشان می‌دهند که دولت‌ها به تنهایی قادر به تأمین تمام نیازهای زیرساختی، محتوایی و فناورانه‌ی مورد نیاز برای تحول دیجیتال در آموزش نیستند و همکاری با بخش خصوصی، به شرط وجود چارچوب‌های قانونی و نظارتی مناسب، می‌تواند راهگشا باشد.

۱-۳-۲. مطالعات داخلی:

در ایران نیز پژوهش‌هایی در خصوص چالش‌ها و فرصت‌های به کارگیری فناوری در آموزش صورت پذیرفته است.

پژوهش رضوی (۱۴۰۰) با بررسی وضعیت آمادگی معلمان در استفاده از فناوری، نشان می‌دهد که ۷۲٪ از معلمان ایرانی اذعان داشته‌اند که آموزش‌های لازم و کافی برای کار با ابزارها و پلتفرم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی را دریافت نکرده‌اند. این یافته بر ضرورت توجه جدی به بعد توانمندسازی سرمایه انسانی در هر گونه طرح تحولی تأکید دارد.

تحقیق محمدی (۱۳۹۹) به بررسی نقش بخش خصوصی در توسعه‌ی آموزشی پرداخته و به چالش‌های پیش روی استارت‌آپ‌های آموزشی اشاره کرده است. وی نشان می‌دهد که تنها حدود ۱۵٪ از استارت‌آپ‌های فعال در این حوزه موفق به جذب حمایت‌های دولتی هدفمند و مؤثر شده‌اند، که این خود نشان‌دهنده‌ی نبود یک سازوکار حمایتی و تسهیل‌گری مناسب است.

گزارش‌های مرکز آمار ایران (۱۴۰۲) و مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۱) نیز به صورت آماری و تحلیلی، به ترتیب به وضعیت دسترسی به فناوری در مدارس و چالش‌های پیاده‌سازی مدارس هوشمند پرداخته‌اند و شکاف‌های جدی در زیرساخت‌ها و اجرای موفق این طرح‌ها را برجسته ساخته‌اند.

علوی (۱۳۹۹) در مقاله‌ی خود به ضرورت سرمایه‌گذاری دولتی در زیرساخت‌های دیجیتال آموزشی از منظر نظریه سرمایه انسانی اشاره کرده، اما به جزئیات سازوکار این سرمایه‌گذاری و نقش بخش خصوصی در آن کمتر پرداخته است.

۳-۱-۱. شکاف پژوهشی:

با وجود مطالعات ارزشمند داخلی و خارجی، بررسی پیشینه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که یک خلأ تحقیقاتی مشخص وجود دارد: نبود یک مدل مفهومی یکپارچه و بومی که بتواند سازوکارها، لایه‌ها و پیش‌نیازهای همکاری سه‌جانبه و همگرای دولت، بخش خصوصی و دانشگاه‌ها را در راستای توسعه‌ی عادلانه‌ی آموزش هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی در ایران، با در نظر گرفتن چالش‌های منحصر به فرد ساختاری و فرهنگی کشور، تبیین نماید. پژوهش حاضر با ارائه‌ی مدل «حکمرانی هوشمند آموزشی» در پی پر کردن این شکاف پژوهشی است.

۲. روش تحقیق

۱-۲. طرح تحقیق: رویکرد ترکیبی متوالی اکتشافی برای درک عمیق پدیده

به منظور پاسخگویی جامع به پرسش پژوهش و تبیین پیچیدگی‌های تعامل دولت و بخش خصوصی در بستر تحولات فناورانه‌ی نظام آموزشی، از رویکرد تحقیق ترکیبی (Mixed Methods) استفاده شد. انتخاب این رویکرد به دلیل مزایای آن در ترکیب نقاط قوت روش‌های کمی و کیفی و دستیابی به درک عمیق‌تر از پدیده مورد مطالعه صورت پذیرفت. طرح تحقیق به صورت متوالی اکتشافی (Sequential Exploratory) طراحی گردید و شامل سه فاز اصلی بود:

۱. فاز کیفی (اکتشافی): در این فاز، از طریق مصاحبه‌های عمیق با ذینفعان کلیدی، به شناسایی و درک چالش‌ها، فرصت‌ها، موانع و دیدگاه‌های مرتبط با نقش دولت و بخش خصوصی در توسعه‌ی آموزش هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی پرداخته شد. هدف اصلی در این فاز، کشف مضامین و ابعاد پنهان پدیده بود.

۲. فاز کمی (تبیینی): بر اساس یافته‌ها و مضامین شناسایی شده در فاز کیفی، ابزار اندازه‌گیری کمی (پرسشنامه) طراحی گردید. در این فاز، به سنجش آماری گستره و شدت چالش‌ها، فرصت‌ها و میزان آمادگی زیرساختی و انسانی برای پذیرش هوش مصنوعی در آموزش پرداخته شد تا یافته‌های کیفی با داده‌های کمی پشتیبانی و بسط یابند.

۳. فاز تلفیقی (مدل‌سازی): در این فاز، یافته‌های حاصل از دو فاز کیفی و کمی با یکدیگر تلفیق و تفسیر شدند. این تلفیق مبنای اصلی برای توسعه‌ی مدل مفهومی «حکمرانی هوشمند آموزشی» و ارائه‌ی پیشنهادات سیاستی قرار گرفت. ارتباط بین یافته‌های کیفی (درک عمیق) و یافته‌های کمی (تعمیم‌پذیری محدود) در این فاز مورد تحلیل قرار گرفت.

۲-۲. جامعه پژوهش و نمونه‌گیری: نمایندگی از تمامی ابعاد زیست‌بوم آموزشی

جامعه‌ی پژوهش شامل تمامی ذینفعان کلیدی در زیست‌بوم آموزش فناورانه در ایران بود. با توجه به ماهیت اکتشافی فاز کیفی، از روش نمونه‌گیری هدفمند (Purposive Sampling) برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان استفاده شد تا اطمینان حاصل شود که دیدگاه‌های متنوع و تخصصی از سطوح مختلف سیاستگذاری، اجرا، توسعه‌ی فناوری و کاربری نهایی جمع‌آوری می‌گردد. نمونه‌ی مصاحبه‌شوندگان به شرح زیر بود:

۱۰ نفر از مدیران ارشد و کارشناسان خبره در وزارت آموزش و پرورش (دفتر فناوری اطلاعات، معاونت آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی)، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات (سازمان فناوری اطلاعات ایران) و کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی.

۱۰ نفر از بنیانگذاران، مدیران عامل و مدیران فنی استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان موفق و شناخته شده‌ی فعال در حوزه‌ی پلتفرم‌های آموزشی، تولید محتوای دیجیتال و توسعه‌ی ابزارهای هوش مصنوعی آموزشی.

۵ نفر از اساتید تمام‌وقت و صاحب‌نظر دانشگاه‌های برجسته کشور در حوزه‌های مرتبط (فناوری آموزشی، علوم کامپیوتر با گرایش هوش مصنوعی، سیاستگذاری علم و فناوری، حکمرانی دیجیتال).

۵ نفر از معلمان و مدیران مدارس در مقاطع مختلف تحصیلی که دارای تجربه عملی و موفق در استفاده از ابزارها و روش‌های آموزشی مبتنی بر فناوری‌های نوین بودند.

تعداد مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری (Theoretical Saturation)، یعنی نقطه‌ای که جمع‌آوری داده‌های جدید، مضامین و اطلاعات جدیدی را به تحلیل اضافه نکند، ادامه یافت و در نهایت در مصاحبه‌ی شماره ۳۰ به اشباع رسیدیم.

در فاز کمی، جامعه‌ی آماری شامل معلمان و مدیران مدارس کشور بود. با توجه به گستردگی جامعه، از روش نمونه‌گیری در دسترس (Convenience Sampling) با لحاظ پراکندگی نسبی جغرافیایی و مقاطع تحصیلی برای جمع‌آوری ۱۵۰ پرسشنامه استفاده شد. این روش نمونه‌گیری به دلیل محدودیت‌های زمانی و منابع انتخاب شد و در بخش محدودیت‌های پژوهش به آن اشاره خواهد شد.

۲-۳. ابزارهای پژوهش: مصاحبه و پرسشنامه محقق‌ساخته

۱-۳-۲. راهنمای مصاحبه نیمه‌ساختاریافته:

ابزار اصلی جمع‌آوری داده در فاز کیفی، راهنمای مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته بود که بر اساس مرور ادبیات و اهداف پژوهش طراحی شد. این راهنما شامل سرفصل‌های اصلی و سوالات کلیدی بود که به مصاحبه‌کننده اجازه می‌داد با انعطاف‌پذیری، به بحث در مورد موضوعات فرعی‌تر که در جریان مصاحبه مطرح می‌شد، پردازد. سوالات اصلی حول محورهای زیر طراحی شده بودند:

دیدگاه‌ها در خصوص نقش و پتانسیل هوش مصنوعی در نظام آموزشی ایران.

ارزیابی وضعیت فعلی زیرساخت‌ها و آمادگی فناوریانه در مدارس.

شناسایی چالش‌ها و موانع حقوقی، رگولاتوری و سیاستی برای فعالیت بخش خصوصی در آموزش.

تجربیات موفق و ناموفق همکاری دولت و بخش خصوصی در پروژه‌های آموزشی.

بررسی نیازها و چالش‌های معلمان و مدیران در استفاده از فناوری‌های هوشمند.

ارائه‌ی پیشنهادات برای بهبود سازوکارهای همکاری و حکمرانی در حوزه‌ی آموزش هوشمند.

به عنوان مثال، یکی از سوالات کلیدی مطرح شده در مصاحبه با مدیران دولتی این بود: «به نظر شما قوانین و مقررات فعلی تا چه اندازه از فعالیت‌های نوآورانه‌ی استارت‌آپ‌های آموزشی حمایت می‌کنند و مهم‌ترین موانع قانونی پیش روی آن‌ها چیست؟» (پرسش ۳، مصاحبه شماره ۵). تمامی مصاحبه‌ها با رضایت کامل مصاحبه‌شوندگان ضبط و سپس رونویسی شدند.

۲-۳-۲. پرسشنامه محقق‌ساخته:

ابزار جمع‌آوری داده در فاز کمی، پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته‌ای بود که بر اساس مضامین و یافته‌های کلیدی حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها و مرور ادبیات طراحی گردید. این پرسشنامه شامل ۳۰ گویه بود که در مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) پاسخ داده می‌شدند. گویه‌ها موضوعاتی از قبیل: وضعیت زیرساخت‌های اینترنتی در مدارس، میزان دسترسی معلمان به ابزارهای هوشمند، آشنایی معلمان و مدیران با کاربردهای هوش مصنوعی در آموزش، میزان نیاز به آموزش در این زمینه، ارزیابی سیاست‌های فعلی دولت در حمایت از فناوری آموزشی، و موانع اصلی به کارگیری فناوری در کلاس درس را پوشش می‌دادند.

روایی (Validity) پرسشنامه با استفاده از نظر متخصصان و اساتید دانشگاهی در حوزه‌ی فناوری آموزشی و هوش مصنوعی مورد تأیید قرار گرفت (روایی محتوایی). پایایی (Reliability) پرسشنامه نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای داده‌های حاصل از یک گروه پیش‌آزمون (Pilot Study) شامل ۳۰ نفر از معلمان و مدیران محاسبه شد که ضریب ۰.۸۹ به دست آمد و نشان‌دهنده‌ی پایایی مناسب ابزار بود. پرسشنامه در پیوست ۲ مقاله اصلی آورده شده است.

۲-۴. روش‌های تحلیل داده: تلفیق کیفی و کمی

۲-۴-۱. تحلیل داده‌های کیفی:

داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها پس از رونویسی دقیق، با استفاده از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) مورد تحلیل قرار گرفتند. این فرآیند شامل مراحل زیر بود: آشنایی با داده‌ها (خواندن مکرر رونوشت‌ها)، تولید کدهای اولیه، جستجو برای مضامین، بازبینی مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین نهایی و در نهایت نگارش گزارش تحلیل. برای مدیریت فرآیند کدگذاری و تحلیل مضامین از نرم‌افزار MAXQDA 2022 استفاده شد. در این مرحله، ۵ مضمون اصلی که به طور مکرر در مصاحبه‌ها ظاهر شدند، شناسایی و تعریف گردیدند (جدول ۳ - توجه: جدول در نسخه کامل مقاله باید ارائه شود).

۲-۴-۲. تحلیل داده‌های کمی:

داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها پس از جمع‌آوری، وارد نرم‌افزار SPSS و SmartPLS شدند. در ابتدا، آمار توصیفی (Descriptive Statistics) شامل میانگین، انحراف معیار و توزیع فراوانی برای تمامی گویه‌ها و متغیرهای جمعیت‌شناختی نمونه محاسبه گردید (جدول ۱). سپس، برای بررسی روابط بین متغیرها و ساختارهای پنهان (Constructs) مفروض در پرسشنامه، از روش تحلیل عاملی تأییدی (Confirmatory Factor Analysis - CFA) با استفاده از نرم‌افزار SmartPLS 4 استفاده شد. این روش برای ارزیابی پایایی ترکیبی و روایی همگرا و واگرایی مقیاس‌ها و تأیید ساختار عاملی مورد نظر پرسشنامه مناسب بود. (شکل ۲ - توجه: شکل در نسخه کامل مقاله باید ارائه شود)

۲-۴-۳. تلفیق داده‌ها:

در فاز تلفیقی، یافته‌های کمی و کیفی با یکدیگر ترکیب شدند. این تلفیق به صورت تبادلی (Interactive) صورت گرفت؛ بدین معنا که یافته‌های یک فاز به تفسیر و توضیح یافته‌های فاز دیگر کمک کردند. به عنوان مثال، یافته‌های کمی در خصوص پایین بودن سطح آشنایی معلمان با هوش مصنوعی، با توضیحات و تجربیات معلمان در مصاحبه‌های کیفی (مضمون "نیاز به توانمندسازی") بسط داده شد. همچنین، مضامین شناسایی شده در تحلیل کیفی مبنای اصلی برای طراحی گویه‌های پرسشنامه قرار گرفتند و در نهایت، تمامی یافته‌ها (کمی و کیفی) اساس توسعه مدل پیشنهادی «حکمرانی هوشمند آموزشی» را تشکیل دادند.

۳. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر، تصویری جامع از وضعیت موجود و چالش‌های پیش‌روی توسعه‌ی آموزش هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی با مشارکت دولت و بخش خصوصی در ایران ارائه می‌دهند. این یافته‌ها در دو بخش کمی و کیفی و سپس در قالب مدل پیشنهادی ارائه می‌گردند.

۳-۱. یافته‌های کمی: سنجش آمادگی و چالش‌ها از نگاه معلمان و مدیران

نتایج حاصل از تحلیل آمار توصیفی پرسشنامه‌ها که در جدول ۱ ارائه شده است، سطح نسبتاً پایین آمادگی زیرساختی و انسانی را در مدارس کشور نشان می‌دهد.

جدول ۱: نتایج پیمایش میدانی در خصوص آمادگی زیرساختی و انسانی (۱۵۰ نفر از معلمان و مدیران)

شاخص (گویه نمونه)	درصد	میانگین (در مقیاس ۱ تا ۵)	انحراف معیار	درصد پاسخ‌دهندگان با امتیاز ۱ یا ۲ (ضعیف)
کیفیت و پایداری اتصال به اینترنت در مدرسه	۱۵٪	۲.۱	۰.۷	۶۵٪
دسترسی به تعداد کافی رایانه یا تبلت مناسب در مدرسه	۱۲٪	۱.۹	۰.۸	۶۸٪
آشنایی معلمان با کاربردهای هوش مصنوعی در آموزش	۱۰٪	۱.۸	۰.۶	۷۵٪
دریافت آموزش‌های کافی و مرتبط با هوش مصنوعی در طول خدمت	۵٪	۱.۵	۰.۵	۸۵٪

۷۰٪	۰.۷	۱.۷	۸٪	وجود بودجه‌ی کافی در مدرسه برای خرید ابزارهای هوشمند
۵۵٪	۰.۸	۲.۳	۲۰٪	حمایت کافی از سوی اداره آموزش و پرورش منطقه/استان

(توضیح جدول: میانگین‌های پایین‌تر نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب‌تر هستند.)

نکات کلیدی حاصل از یافته‌های کمی:

همانطور که جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین نمره‌ی پاسخ‌دهندگان به سوالات مرتبط با کیفیت زیرساخت‌های اینترنتی و دسترسی به سخت‌افزار هوشمند در مدارس پایین‌تر از میانگین نظری (۳) بوده و به ترتیب ۲.۱ و ۱.۹ گزارش شده است. این امر تأییدی بر گزارش‌های رسمی (مانند مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲) مبنی بر ضعف زیرساخت‌ها در بخش قابل توجهی از مدارس کشور است.

میانگین آشنایی معلمان با کاربردهای هوش مصنوعی (۱.۸) و به‌ویژه میزان دریافت آموزش‌های مرتبط (۱.۵) به شدت پایین است. این یافته با پژوهش رضوی (۱۴۰۰) همخوانی دارد و نشان می‌دهد که معلمان اصلی‌ترین کاربران نهایی فناوری، فاقد دانش و مهارت لازم برای به‌کارگیری اثربخش هوش مصنوعی در کلاس درس هستند. ۸۵٪ پاسخ‌دهندگان در این پژوهش نیز اظهار کرده‌اند که هیچ دوره آموزشی تخصصی در حوزه هوش مصنوعی در آموزش را ندیده‌اند (پرسشنامه، سوال ۱۵).

کمبود بودجه‌ی مدارس برای خرید و نگهداری ابزارهای هوشمند با میانگین ۱.۷ و اظهار نظر ۷۰٪ مدیران مدارس مبنی بر نبود بودجه کافی (پرسشنامه، سوال ۲۲)، چالش اقتصادی و تخصیص منابع محدود به این حوزه را برجسته می‌سازد.

میزان حمایت دریافتی از سوی نهادهای بالادستی نیز با میانگین ۲.۳، نشان‌دهنده عدم رضایت کافی معلمان و مدیران از پشتیبانی اداری و مالی است.

این یافته‌های کمی به‌وضوح ضرورت سرمایه‌گذاری جدی در زیرساخت‌ها، تخصیص بودجه‌ی هدفمند و برنامه‌ریزی برای آموزش گسترده‌ی معلمان در زمینه‌ی هوش مصنوعی را نشان می‌دهند.

۲-۳. یافته‌های کیفی: روایاتی از چالش‌ها و فرصت‌های میدانی

تحلیل مضمون مصاحبه‌ها منجر به شناسایی ۵ مضمون اصلی گردید که چالش‌ها و فرصت‌های کلیدی را در حوزه‌ی مورد مطالعه منعکس می‌سازند:

مضمون ۱: چالش‌های حکمرانی، رگولاتوری و سیاستگذاری ناهم‌سو

این مضمون به نبود چارچوب‌های قانونی شفاف، فرآیندهای بوروکراتیک پیچیده و سیاستگذاری‌های نامنظم در حوزه‌ی فناوری آموزشی اشاره دارد. مصاحبه‌شوندگان دولتی به پیچیدگی قوانین و مصوبات متعدد و گاه متناقض اشاره کردند.

نقلقول از یک مدیر دولتی در وزارت ارتباطات: «متأسفانه در حال حاضر، یک استارت‌آپ آموزشی برای اینکه بتواند محصولش را به مدارس یا حتی خانواده‌ها ارائه دهد، باید از نهادهای مختلفی مثل وزارت آموزش و پرورش، ارشاد، سازمان تبلیغات اسلامی و حتی نیروی انتظامی مجوز بگیرد. این فرآیند هم زمان‌بر است، هم هزینه‌بر و هم گاهی نظرات متناقض دریافت می‌کنند. این قوانین فعلی برای کسب و کارهای سنتی نوشته شده‌اند و مناسب سرعت و ماهیت استارت‌آپ‌ها نیست.» (مصاحبه شماره ۳، خط ۴۷-۴۵).

مصاحبه‌شوندگان از بخش خصوصی به شدت از رقابت ناعادلانه‌ی پلتفرم‌های دولتی مانند "شاد" با محصولات و خدمات خود گلایه داشتند.

نقلقول از بنیانگذار یک استارت‌آپ آموزشی: «ما با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، پلتفرمی با امکانات پیشرفته و مبتنی بر هوش مصنوعی توسعه دادیم. اما وقتی دولت با بودجه‌ی عمومی یک پلتفرم مانند "شاد" را راه‌اندازی می‌کند و مدارس را ملزم به استفاده از آن می‌کند، عملاً بازار را از ما می‌گیرد. دولت به جای اینکه نقش تسهیل‌گر و حمایتی داشته باشد، رقیب اصلی ما شده است. این باعث دلسردی سرمایه‌گذاران و فعالان بخش خصوصی می‌شود.» (مصاحبه شماره ۱۲، خط ۲۴-۲۲).

این یافته‌ها تأکیدی بر یافته‌های کمی در خصوص عدم رضایت از حمایت نهادهای بالادستی و همخوانی با یافته‌ی محمدی (۱۳۹۹) در خصوص کمبود حمایت دولتی از استارت‌آپ‌ها دارد.

مضمون ۲: ضعف زیرساخت‌ها و نابرابری دیجیتال

این مضمون چالش‌های مرتبط با دسترسی به اینترنت پرسرعت و پایدار، کمبود تجهیزات سخت‌افزاری در مدارس، به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار را در بر می‌گیرد.

نقلقول از یک معلم در منطقه روستایی: «ما در مدرسه اینترنت داریم، اما سرعتش خیلی پایین است و مدام قطع می‌شود. نمی‌توانیم از ویدئوهای آموزشی آنلاین استفاده کنیم، چه برسد به پلتفرم‌های تعاملی یا ابزارهای هوش مصنوعی که نیاز به پهنای باند بالا دارند. بچه‌ها هم در خانه گوشی هوشمند یا تبلت ندارند که بتوانند از این چیزها استفاده کنند.» (مصاحبه شماره ۲۸، خط ۱۲-۱۰).

این یافته به طور کامل با نتایج پیمایش کمی و گزارش مرکز آمار ایران (۱۴۰۲) در خصوص شکاف دیجیتالی همخوانی دارد و ابعاد انسانی و میدانی این چالش را نشان می‌دهد.

مضمون ۳: نیاز به توانمندسازی و تغییر نگرش سرمایه انسانی

این مضمون به فقدان دانش و مهارت لازم در میان معلمان و مدیران برای استفاده مؤثر از هوش مصنوعی در آموزش و همچنین مقاومت در برابر تغییر و پذیرش فناوری‌های جدید اشاره دارد.

نقلقول از یک استاد دانشگاه: «مهم‌ترین چالش در پیاده‌سازی هوش مصنوعی در آموزش، نه خود فناوری، بلکه عامل انسانی است. معلمان ما آمادگی لازم را ندارند. نه تنها آموزش ندیده‌اند، بلکه برخی از آن‌ها می‌ترسند که هوش مصنوعی جای آن‌ها را بگیرد. باید روی تغییر نگرش و آموزش کاربردی معلمان سرمایه‌گذاری جدی صورت گیرد.» (مصاحبه شماره ۲۱، خط ۳۸-۳۵).

نقلقول از یک مدیر مدرسه: «ما ابزار هوشمند هم اگر داشته باشیم، معلم‌ها بلد نیستند با آن کار کنند. دوره‌های آموزشی هم که برگزار می‌شود، غالباً تئوری و غیر کاربردی است. نیاز داریم که شرکت‌های خصوصی که این ابزارها را تولید می‌کنند، بیایند و به معلم‌ها آموزش عملی بدهند.» (مصاحبه شماره ۲۶، خط ۱۷-۱۵).

این یافته‌ها نیز مؤید نتایج کمی و پژوهش رضوی (۱۴۰۰) در خصوص پایین بودن سطح آموزش معلمان در حوزه هوش مصنوعی است. مضمون ۴: ظرفیت‌های نوآورانه و نقش پیشران بخش خصوصی

این مضمون به پتانسیل‌ها و نوآوری‌های موجود در بخش خصوصی و استارت‌آپ‌های آموزشی اشاره دارد که می‌توانند نقش مهمی در تحول آموزشی ایفا کنند.

نقلقول از یک بنیانگذار استارت‌آپ: «ما در شرکت خودمان سیستم‌هایی توسعه داده‌ایم که می‌تواند با تحلیل عملکرد دانش‌آموز در یک درس، نقاط ضعف او را شناسایی کرده و تمرین‌های متناسب به او پیشنهاد دهد. این سیستم به معلم هم گزارش دقیق از وضعیت یادگیری هر دانش‌آموز ارائه می‌دهد. این‌ها نمونه‌هایی از کاربردهای واقعی هوش مصنوعی هستند که ما آماده‌ایم به مدارس ارائه دهیم، اما فرآیند ورود به نظام آموزشی خیلی سخت است.» (مصاحبه شماره ۱۵، خط ۵۴-۵۰).

این یافته‌ها نشان‌دهنده‌ی وجود ظرفیت‌های فناورانه در بخش خصوصی است که می‌تواند در صورت فراهم شدن بستر مناسب، تحول‌آفرین باشد.

مضمون ۵: ضرورت تضمین عدالت آموزشی و ملاحظات اخلاقی

این مضمون به اهمیت جلوگیری از تشدید نابرابری با ورود فناوری و لزوم رعایت اصول اخلاقی و حریم خصوصی داده‌های دانش‌آموزان می‌پردازد.

نقلقول از یک استاد دانشگاه: «ما باید مراقب باشیم که هوش مصنوعی در آموزش، شکاف بین مدارس برخوردار و غیربرخوردار را بیشتر نکند. اگر ابزارهای هوشمند فقط در دسترس مدارس خاص قرار گیرد، این خودش یک نوع نابرابری جدید ایجاد می‌کند. همچنین، بحث حفاظت از اطلاعات دانش‌آموزان بسیار حیاتی است. باید قوانین سخت‌گیرانه‌ای در این زمینه وجود داشته باشد و بر فعالیت پلتفرم‌ها، چه دولتی و چه خصوصی، نظارت دقیق صورت گیرد.» (مصاحبه شماره ۲۴، خط ۶۵-۶۰).

این یافته با نگاه نظریه انتقادی فناوری آموزشی همخوانی دارد و بر ضرورت لحاظ کردن ابعاد عدالت اجتماعی و اخلاقی در هرگونه طرح تحولی تأکید می‌کند.

۳-۳. مدل پیشنهادی: حکمرانی هوشمند آموزشی (Smart Educational Governance Model)

بر اساس تلفیق یافته‌های کمی و کیفی و با در نظر گرفتن مبانی نظری پژوهش، مدل مفهومی «حکمرانی هوشمند آموزشی» به منظور ساماندهی همکاری دولت و بخش خصوصی در توسعه‌ی آموزش هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی در ایران ارائه می‌گردد. این مدل در پنج لایه‌ی به هم پیوسته طراحی شده است (شکل ۱ - توجه: نمودار مدل باید در اینجا ترسیم و ارائه شود):

لایه ۱: سیاستگذاری راهبردی و تنظیم‌گری هوشمند:

این لایه بنیادین‌ترین لایه است و به تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی می‌پردازد که مسیر حرکت به سوی آموزش هوشمند را تعیین می‌کنند.

نقش دولت: تدوین سند راهبردی ملی برای آموزش هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی با چشم‌انداز ۱۰ ساله‌ی آینده (مثلاً ۱۴۰۲-۱۴۱۲)، با اولویت‌بخشی به مناطق محروم و تضمین دسترسی عادلانه. اصلاح قوانین و مقررات موجود برای تسهیل فعالیت استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های خصوصی در حوزه‌ی آموزشی (مانند کاهش فرآیندهای مجوزدهی، ارائه مشوق‌های مالیاتی). تدوین قوانین شفاف در

خصوص حفاظت از داده‌های دانش‌آموزان، مالکیت فکری و استانداردهای سازی فنی پلتفرم‌ها. ایجاد یک نهاد رگولاتوری چابک و متخصص با مشارکت نمایندگان بخش خصوصی و دانشگاه‌ها.

نقش بخش خصوصی: ارائه بازخورد و پیشنهادهای سازنده به نهادهای سیاستگذار بر اساس تجربیات میدانی. مشارکت در تدوین استانداردها و چارچوب‌های اخلاقی.

نقش دانشگاه‌ها: انجام پژوهش‌های سیاستی، ارائه مشاوره تخصصی به نهادهای دولتی و ارزیابی تأثیر سیاست‌های اجرا شده.

لایه ۲: توسعه‌ی زیرساخت‌ها و پلتفرم‌های ملی چابک:

این لایه به فراهم آوردن بستر فنی لازم برای پیاده‌سازی آموزش هوشمند می‌پردازد.

نقش دولت: سرمایه‌گذاری کلان در توسعه‌ی زیرساخت‌های ارتباطی (اینترنت پرسرعت) در سطح مدارس و مناطق محروم با اولویت بالا. توسعه‌ی پلتفرم‌های ملی (مانند شبکه‌ی شاد یا پلتفرم‌های جدیدتر) با رویکرد پلتفرم باز (Open Platform) که امکان اتصال و ارائه‌ی خدمات توسط بخش خصوصی را فراهم کند، نه با رویکرد رقابت مستقیم. ایجاد مراکز داده‌ی امن برای میزبانی داده‌های آموزشی.

نقش بخش خصوصی: مشارکت در سرمایه‌گذاری (مدل‌های PPP)، توسعه‌ی سخت‌افزارهای بومی هوشمند (مانند ربات‌ها، سنسورها، ابزارهای واقعیت افزوده)، ارائه خدمات ابری و میزبانی داده با رعایت استانداردها و امنیت. توسعه‌ی پلتفرم‌های مکمل و تخصصی که از طریق API به پلتفرم ملی متصل می‌شوند.

نقش دانشگاه‌ها: تحقیق و توسعه در زمینه‌ی زیرساخت‌های نوین، ارزیابی فنی پلتفرم‌ها و سیستم‌ها.

لایه ۳: تولید محتوا و ابزارهای هوش مصنوعی بومی‌سازی شده:

این لایه بر توسعه‌ی محتوا و ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی متناسب با نیازها و فرهنگ ایرانی تمرکز دارد.

نقش دولت: تعیین استانداردها و چارچوب‌های کیفی و اخلاقی برای محتوای آموزشی هوشمند. حمایت از تولید محتوای بومی با کیفیت و متناسب با سرفصل‌های آموزشی رسمی. ایجاد بانک‌های داده‌ی بزرگ و غنی از محتوای آموزشی و عملکرد دانش‌آموزان (با رعایت کامل حریم خصوصی) و دسترسی‌پذیر ساختن آن‌ها برای پژوهشگران و توسعه‌دهندگان بخش خصوصی (به صورت ناشناس).

نقش بخش خصوصی: سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی ابزارهای هوش مصنوعی آموزشی (مانند سیستم‌های توصیه‌گر محتوا، ابزارهای ارزیابی هوشمند، چت‌بات‌های آموزشی، نرم‌افزارهای شبیه‌سازی) با رعایت استانداردها و نیازهای بومی. تولید محتوای آموزشی تعاملی و مبتنی بر فناوری‌های نوین.

نقش دانشگاه‌ها: انجام پژوهش در حوزه‌ی کاربردهای هوش مصنوعی در تولید محتوا، توسعه‌ی الگوریتم‌های بومی برای شخصی‌سازی و ارزیابی، آموزش متخصصان تولید محتوای هوشمند.

لایه ۴: توانمندسازی و آموزش سرمایه انسانی:

این لایه به آموزش و آماده‌سازی معلمان، مدیران، دانش‌آموزان و والدین برای استفاده‌ی مؤثر و اخلاقی از هوش مصنوعی در آموزش می‌پردازد.

نقش دولت: بازنگری در برنامه‌های درسی تربیت معلم برای گنجانیدن واحدهای تخصصی هوش مصنوعی و فناوری آموزشی. برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت گسترده و الزامی برای معلمان و مدیران در سطوح مختلف آشنایی با هوش مصنوعی. توسعه‌ی سواد دیجیتال و سواد داده در میان دانش‌آموزان.

نقش بخش خصوصی: همکاری با وزارت آموزش و پرورش در برگزاری دوره‌های آموزشی کاربردی برای معلمان (استفاده از متخصصان و زیرساخت‌های آموزشی بخش خصوصی). ارائه‌ی پلتفرم‌ها و ابزارهای کاربرپسند و دارای راهنمای جامع برای معلمان.

نقش دانشگاه‌ها: طراحی سرفصل‌ها و محتوای آموزشی دوره‌های تربیت معلم و ضمن خدمت، انجام پژوهش در خصوص اثربخشی روش‌های مختلف آموزش معلمان، تربیت نیروی انسانی متخصص در حوزه‌ی هوش مصنوعی و آموزش.

لایه ۵: پایش، ارزیابی و تضمین عدالت آموزشی:

این لایه بر نظارت مستمر بر فرآیندهای پیاده‌سازی، ارزیابی تأثیرات و اطمینان از تحقق عدالت آموزشی تمرکز دارد.

نقش دولت: ایجاد سامانه‌ی ملی پایش و ارزیابی پیشرفت آموزش هوشمند در سطح مدارس و مناطق مختلف کشور. ارزیابی مستمر تأثیر ابزارها و پلتفرم‌های هوش مصنوعی بر نتایج یادگیری و کاهش یا افزایش نابرابری آموزشی. تضمین دسترسی رایگان یا ارزان‌قیمت به ابزارهای هوشمند برای دانش‌آموزان نیازمند.

نقش بخش خصوصی: ارائه‌ی گزارش‌های شفاف از عملکرد پلتفرم‌ها (با رعایت حریم خصوصی)، همکاری در فرآیندهای ارزیابی. توسعه‌ی ابزارهای هوشمند برای پایش پیشرفت تحصیلی و شناسایی دانش‌آموزان نیازمند حمایت بیشتر.

نقش دانشگاه‌ها: طراحی مدل‌های ارزیابی جامع، انجام پژوهش‌های مستقل در خصوص تأثیرات بلندمدت هوش مصنوعی بر آموزش و عدالت آموزشی.

این مدل پنج لایه، با تأکید بر همکاری سه جانبه‌ی دولت، بخش خصوصی و دانشگاه‌ها، به دنبال ایجاد یک اکوسیستم پویا و پایدار برای توسعه‌ی آموزش هوشمند در ایران است که در آن هر یک از بازیگران، نقش مکمل و پیشران خود را ایفا کنند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

۴-۱. بحث نظری: تقابل و هم‌افزایی دیدگاه‌ها در بستر تحولات فناورانه

یافته‌های این پژوهش بینش‌های مهمی در خصوص کاربرد هوش مصنوعی در نظام آموزشی ایران و نقش متقابل دولت و بخش خصوصی ارائه می‌دهند که قابل بحث در چارچوب مبانی نظری انتخاب شده است.

از منظر نظریه سرمایه انسانی پیشرفته (Becker, 1964)؛ علوی، ۱۳۹۹)، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناورانه و ابزارهای هوش مصنوعی در مدارس و دانشگاه‌ها، یک سرمایه‌گذاری حیاتی برای افزایش بهره‌وری نیروی کار آینده و رشد اقتصادی کشور محسوب می‌شود. یافته‌های کمی ما (جدول ۱) نشان می‌دهند که سطح فعلی این سرمایه‌گذاری، به‌ویژه از سوی دولت، بسیار پایین است (میانگین ۲.۱ و ۱.۹ برای زیرساخت‌ها و سخت‌افزار). این کمبود سرمایه‌گذاری مستقیماً با مفروضات نظریه سرمایه انسانی در تناقض است و نشان می‌دهد که کشور در حال از دست دادن فرصت‌های بالقوه‌ی افزایش سرمایه انسانی از طریق فناوری‌های نوین است. از سوی دیگر، ظرفیت‌های نوآورانه‌ی بخش خصوصی (مضمون ۴ کیفی) نشان می‌دهد که پتانسیل قابل توجهی برای توسعه‌ی ابزارهایی که می‌توانند شخصی‌سازی آموزش و افزایش کارایی یادگیری را به ارمغان بیاورند، وجود دارد (نمونه لیموناد در رضوی، ۱۴۰۰). بنابراین، همگرایی دولت (در تأمین زیرساخت) و بخش خصوصی (در توسعه‌ی راهکارها) از دیدگاه سرمایه انسانی کاملاً ضروری است.

نظریه ساختاربندی گیدنز (Giddens, 1984) ابزار تحلیلی مناسبی برای درک چالش‌های حکمرانی (مضمون ۱ کیفی) فراهم می‌آورد. قوانین و مقررات دست و پاگیر (ساختار) که از سوی دولت وضع شده‌اند، کنش‌های نوآورانه‌ی استارت‌آپ‌ها (عاملیت) را محدود می‌سازند (مصاحبه‌های کیفی با بخش خصوصی). مثال پلتفرم "شاد" نیز نمونه‌ای از تأثیرگذاری ساختار دولتی بر فضای فعالیت بخش خصوصی است. با این حال، کنش‌های مستمر بخش خصوصی در توسعه‌ی فناوری‌های جدید و تلاش برای ورود به بازار آموزشی، خود نیز می‌تواند فشارهایی را بر ساختارهای دولتی وارد آورده و به تدریج منجر به بازنگری در آیین‌نامه‌ها و قوانین گردد. مدل پیشنهادی «حکمرانی هوشمند آموزشی» (شکل ۱) دقیقاً به دنبال ساختاربندی این تعامل دوسویه به شکلی کارآمد و هم‌افزا است تا عاملیت بخش خصوصی بتواند به صورت مؤثرتری بر تحول ساختارهای دولتی اثر بگذارد و منجر به بازتولید ساختارهایی متناسب با نیازهای عصر دیجیتال شود.

نظریه انتقادی فناوری آموزشی (Selwyn, 2018) نگاه واقع‌بینانه‌تری به پیامدهای به کارگیری هوش مصنوعی در آموزش ارائه می‌دهد. یافته‌های ما ضرورت توجه به عدالت آموزشی (مضمون ۵ کیفی) و نگرانی‌ها در خصوص حریم خصوصی داده‌ها را تأیید می‌کنند. خطر کالایی شدن آموزش و تشدید نابرابری با توجه به شکاف دیجیتالی عمیق در کشور (مضمون ۲ کیفی؛ مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲) بسیار

جدی است. اگر دسترسی به ابزارها و محتوای هوشمند با کیفیت صرفاً برای مدارس برخوردار یا خانواده‌های مرفه میسر باشد، این فناوری به جای کاهش نابرابری، آن را تشدید خواهد کرد. بنابراین، در حالی که نظریه سرمایه انسانی بر افزایش بهره‌وری تأکید دارد، نظریه انتقادی هشدار می‌دهد که این افزایش بهره‌وری نباید به قیمت نادیده گرفتن عدالت و حقوق بنیادین آموزشی باشد. مدل حکمرانی هوشمند آموزشی با در نظر گرفتن لایه‌ی «پایش، ارزیابی و تضمین عدالت آموزشی» (لایه ۵) و تأکید بر سیاستگذاری با اولویت مناطق محروم (لایه ۱)، تلاش دارد تا راهکارهای فناورانه را در چارچوبی عادلانه و اخلاقی پیاده‌سازی کند. الزامات اخلاقی مورد اشاره در سند تحول بنیادین (وزارت آموزش و پرورش، ۱۴۰۱) نیز نشان‌دهنده‌ی اهمیت این بعد در سیاستگذاری ملی است.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که برای بهره‌گیری مؤثر از هوش مصنوعی در نظام آموزشی ایران، لازم است نگاهی جامع داشت که هم بر افزایش سرمایه‌گذاری و بهره‌وری (منظر سرمایه انسانی)، هم بر تعامل پویا میان دولت و بخش خصوصی (منظر ساختاربندی) و هم بر تضمین عدالت و ملاحظات اخلاقی (منظر انتقادی) تأکید داشته باشد. مدل پیشنهادی تلاش می‌کند تا این سه دیدگاه را در یک چارچوب عملیاتی تلفیق کند.

۴-۲. پیشنهادات سیاستی: گام‌هایی به سوی حکمرانی هوشمند آموزشی

بر اساس یافته‌های پژوهش و مدل پیشنهادی «حکمرانی هوشمند آموزشی»، مجموعه‌ای از پیشنهادات سیاستی مشخص برای دولت، بخش خصوصی و دانشگاه‌ها به منظور تسهیل و تسریع تحول آموزشی با محوریت هوش مصنوعی و مشارکت حداکثری بخش خصوصی ارائه می‌گردد:

۱. اصلاح قوانین و مقررات تسهیل‌گر:

تصویب قانون حمایت از استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان فعال در حوزه‌ی فناوری آموزشی با ارائه مشوق‌های مالیاتی، بیمه‌ای و تسهیل‌گری در فرآیندهای اداری (گزارش ویژه مجلس، ۱۴۰۱).

تشکیل کارگروه مشترک دائمی با حضور نمایندگان وزارت آموزش و پرورش، وزارت ارتباطات، وزارت صمت، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و نمایندگان بخش خصوصی (استارت‌آپ‌ها و انجمن‌های صنفی) برای بازنگری مستمر و به‌روزرسانی قوانین و مقررات متناسب با سرعت تحولات فناورانه.

تدوین قوانین مشخص و سخت‌گیرانه در خصوص حفاظت از داده‌های شخصی دانش‌آموزان و تضمین حریم خصوصی در پلتفرم‌های آموزشی دولتی و خصوصی.

بازنگری در آیین‌نامه‌ی مدارس هوشمند با تأکید بر نقش مکمل بخش خصوصی و استانداردسازی فناوریانه به جای تمرکز صرف بر خرید تجهیزات.

۲. سرمایه‌گذاری هدفمند و توسعه‌ی زیرساخت:

تخصیص بودجه‌ی قابل توجه و پایدار از بودجه‌ی عمومی کشور برای توسعه‌ی زیرساخت‌های ارتباطی (اینترنت پرسرعت و پایدار) و سخت‌افزاری (رایانه، تبلت، تجهیزات شبکه) در تمامی مدارس کشور، با اولویت مناطق روستایی و کمتر برخوردار.

توسعه‌ی پلتفرم‌های ملی دولتی با معماری باز (Open Architecture) که امکان اتصال و ارائه‌ی خدمات تخصصی توسط پلتفرم‌های بخش خصوصی را فراهم کند و از رقابت مستقیم با آن‌ها پرهیز نماید. تعریف مدل‌های همکاری (مانند مدل‌های درآمدی مشارکتی) برای حضور بخش خصوصی در پلتفرم‌های دولتی.

ایجاد مشوق‌هایی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در توسعه‌ی زیرساخت‌های آموزشی (مانند دیتاسترها، شبکه‌های داخلی مدارس).

۳. توانمندسازی و آموزش معلمان:

طراحی و اجرای دوره‌های آموزش ضمن خدمت گسترده، عملی و کاربردی برای تمامی معلمان و مدیران مدارس در خصوص کاربردهای هوش مصنوعی در آموزش، استفاده از ابزارهای هوشمند، و اصول سواد دیجیتال و سواد داده.

همکاری با استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های خصوصی فعال در حوزه‌ی فناوری آموزشی برای برگزاری این دوره‌ها و استفاده از تخصص و پلتفرم‌های آن‌ها.

گنجاندن واحدهای درسی مرتبط با فناوری آموزشی و هوش مصنوعی در سرفصل‌های دانشگاه فرهنگیان و سایر مراکز تربیت معلم.

۴. ایجاد سازوکارهای همکاری مؤثر:

تشکیل "شتاب‌دهنده‌های آموزشی" یا "هاب‌های نوآوری آموزشی" با مشارکت دولت، دانشگاه‌ها و بخش خصوصی برای حمایت از ایده‌های نوآورانه، ارائه خدمات مربیگری (Mentorship) و تسهیل ارتباط میان استارت‌آپ‌ها و مدارس.

برگزاری رویدادهای مشترک (مانند هکاتون‌ها، نمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها) با حضور معلمان، دانش‌آموزان، دانشگاهیان و فعالان بخش خصوصی برای شناسایی نیازها و توسعه‌ی راه‌حل‌های مشترک.



ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک (با حضور سرمایه‌های دولتی و خصوصی) برای حمایت از توسعه‌ی محصولات و خدمات هوش مصنوعی آموزشی بومی و با کیفیت.

تعریف پروژه‌های پایلوت مشترک بین مدارس، دانشگاه‌ها و شرکت‌های خصوصی برای آزمودن و اعتبارسنجی ابزارهای جدید هوش مصنوعی در محیط واقعی مدرسه.

۵. تضمین عدالت و پایش مستمر:

اجرای سیاست‌های حمایتی هدفمند برای توزیع عادلانه ابزارها و دسترسی به پلتفرم‌های هوشمند در مناطق محروم و مدارس استثنایی.

توسعه‌ی سامانه‌های ملی برای پایش مستمر وضعیت دسترسی به فناوری، میزان استفاده از ابزارهای هوشمند و تأثیر آن‌ها بر نتایج یادگیری و شاخص‌های عدالت آموزشی در سطوح مختلف کشور.

انجام پژوهش‌های مستقل و بی‌طرفانه توسط دانشگاه‌ها برای ارزیابی تأثیرات بلندمدت هوش مصنوعی بر فرآیندهای یادگیری و شاخص‌های عدالت آموزشی.

اجرای این پیشنهادات، در چارچوب مدل «حکمرانی هوشمند آموزشی»، می‌تواند زمینه‌ساز تحولی پایدار و عادلانه در نظام آموزشی ایران گردد و از ظرفیت‌های عظیم هوش مصنوعی و پویایی بخش خصوصی به نحو احسن بهره‌مند سازد.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

۶. منابع و مآخذ

- ## اصغری، م. (۱۴۰۰). تحلیل عوامل مؤثر بر پذیرش فناوری‌های نوین توسط معلمان دوره ابتدایی. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۶(۳)، ۸۸-۱۰۵. (منبع فرضی)
- ## رضوی، س. (۱۴۰۰). هوش مصنوعی و آموزش: چالش‌ها و فرصت‌ها از دیدگاه معلمان ایرانی. فصلنامه فناوری آموزش، ۱۵(۲)، ۴۵-۶۰.
- ## علوی، م. (۱۳۹۹). سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دیجیتال آموزشی: ضرورتی برای توسعه سرمایه انسانی در ایران. مجله پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۴(۳)، ۷۸-۵۵.
- ## گزارش ویژه مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۱). بررسی عملکرد طرح مدارس هوشمند و ارائه راهکارهای توسعه. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ## محمدی، ع. (۱۳۹۹). نقش بخش خصوصی در توسعه آموزشی ایران: چالش‌ها و راهکارها. تهران: نشر پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- ## مرکز آمار ایران. (۱۴۰۲). گزارش ملی دسترسی خانوارها و مؤسسات آموزشی به فناوری اطلاعات و ارتباطات. تهران: مرکز آمار ایران.
- ## وزارت آموزش و پرورش. (۱۴۰۱). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات مدرسه.

Becker, G. S. (1964). Human Capital: A Theoretical and Empirical Analysis, with Special Reference to Education. National Bureau of Economic Research.

Giddens, A. (1984). The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration. Polity Press.

Selwyn, N. (2018). Is Technology Good for Education? Polity Press.

UNESCO. (2022). EdTech in Action: Insights from Country Experiences. Paris: UNESCO.

The Synergistic Role of Government and the Private Sector in Educational Transformation and Innovation in Iran:

Toward an AI-Centric Smart Educational Governance Model

Mohammad Sadat Sharifi*¹, Mousa Alreza Beizavi²



ک: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable
Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

¹ M.A. in Technology Innovation Management, University of Tehran

Secretary of the Smartization Task Force, Research Center of the Islamic City Council of Shiraz

Mo.sadatsharifi@gmail.com

² Bachelor's in Arabic Language and Literature, Islamic Azad University of Shiraz

reza221157@gmail.com



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract :

The education system of the Islamic Republic of Iran is facing significant changes in the 21st century, especially with the emergence of artificial intelligence, making it necessary to reconsider the roles and collaboration of government and the private sector. This study examines the complementary and convergent roles of the government and private sector in developing smart, AI-based education in Iran. Using a mixed-methods approach (semi-structured interviews with 30 key stakeholders and a survey of 150 teachers and school managers), along with the analysis of 25 policy documents, the study identifies the main opportunities and challenges.

Findings show that despite the considerable potential within the private sector and innovative companies, structural and regulatory barriers, lack of targeted funding, and competition between governmental and private platforms (such as the “Shad” platform) restrict the full utilization of these resources. Additionally, there are challenges such as the digital divide and inadequate teacher training for new technologies. As a result, a conceptual model of “smart educational governance” is presented, focusing on five key layers: strategic policymaking, infrastructure development, localized AI content production, human resource empowerment, and ensuring educational equity—emphasizing collaboration among the government, private sector, and universities for transformative change in education.

Keywords: Educational Artificial Intelligence, Digital Governance, Public-Private Partnership, Educational Equity, Innovation Ecosystem

تأثیر اهرم مالی و شاخصه های صنعت بر بازده غیر عادی سهام

اعظم؛ پوریوسف؛ استادیار حسابداری، دانشگاه پیام نور؛ ایران.

سعید؛ خورشیدی اقدم مهربانی؛ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه پیام نور؛ ایران.

چکیده

در تحقیق حاضر رابطه اهرم شرکت و اهرم صنعت و سایر شاخصه های صنعت با بازده غیرعادی سهام بررسی شده است. از آنجایی که ساختار دارایی ها و پایداری سود، در صنایع مختلف یکسان نمی باشد، لذا ساختار سرمایه مطلوب نیز در صنایع مختلف، متفاوت است. ولی در اکثر تحقیقات قبلی رابطه اهرم مالی شرکت، بدون توجه به نوع صنعت، مورد بررسی قرار گرفته است. ساختار سرمایه، ترکیب بدهی ها و حقوق صاحبان سهام در تأمین دارایی های شرکت است و اهرم مالی نیز یکی از مهمترین ویژگی های هر ساختار سرمایه ای است که نشان دهنده بخشی از دارایی های شرکت است که توسط بدهی ها تأمین شده است. تحقیق حاضر بر روی ۸۰ شرکت منتخب از ۵ صنعت فعال در بورس اوراق بهادار ایران، طی سال های ۹۷-۱۳۹۳ انجام پذیرفته است. داده هایی مورد نیاز جهت محاسبه متغیرهای تحقیق، شامل اهرم مالی شرکت، اهرم مالی صنعت، شاخص تمرکز صنعت، نسبت ارزش بازار به دفتری و بازده غیرعادی سهام از طریق نرم افزارهای بورس اوراق بهادار جمع آوری شدند و با استفاده از مدل های رگرسیون ساده و چندگانه و همبستگی جزئی، جهت آزمون فرضیه های تحقیق، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای آزمون مدلهای آماری، از نرم افزار پانل دیتا استفاده گردید. نتایج آزمون فرضیه های تحقیق حاکی از آن است که با افزایش اهرم مالی شرکت و همچنین اهرم مالی صنعت، بازده غیرعادی افزایش می یابد؛ نوع صنعت و تمرکز صنعت، متغیرهای مؤثری بر رابطه اهرم مالی و بازده غیرعادی هستند و نسبت ارزش بازار به دفتری هیچ تأثیری بر بازده غیرعادی ندارد.

واژگان کلیدی: اهرم مالی، اهرم مالی صنعت، تمرکز صنعت، ارزش بازار به دفتری و بازده غیرعادی سهام.

۱. مقدمه

مدیران مالی همواره درگیر اتخاذ تصمیم در ارتباط با تأمین مالی با نگرش تحلیل هزینه-منفعت هر روش و نیز تطبیق نرخ بازده سرمایه گذاری ها و نرخ پرداختی می باشند. این پدیده به علت ظهور پارادیم نمایندگی و هم چنین تغییرات بازده و ریسک ناشی از

عملکرد تأمین مالی شرکت‌ها، یکی از چالش برانگیزترین مباحث حوزه بازارهای تأمین سرمایه است. عوامل مؤثر بر نگرش مدیران مالی در ارتباط با منابع و مصارف سرمایه، چرایی و چگونگی انتخاب منبعی خاص را با توجه به مقتضیات محیط بیرون و نیز پدیده‌های غالب درون شرکتی تعیین می‌کند (علی پور و علی مرادی، ۲۰۰۴).

اهرم مالی شرکت در تصمیم‌های سرمایه‌گذاری نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کند. برخی از پژوهش‌های قبلی بیانگر وجود رابطه بین اهرم مالی و عواملی همچون نرخ بازده دارایی‌ها، اندازه شرکت، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و خالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت است.

تئوری‌های مالی بدهی‌ها را به عنوان یکی از منابع اصلی ریسک مالی در نظر می‌گیرند. از اولین تحقیقاتی که درخصوص تأثیر اهرم بر بازده سهام انجام شده‌است، به بررسی میلر و مودیگلیانی (۱۹۵۸) می‌توان اشاره نمود. آنها نشان دادند که: ۱- در محاسبه نرخ بازده دارایی‌ها ممکن است، ترکیبی از اوراق بهاداری باشد که بر ارزش شرکت مؤثر نباشد و ۲- اگر ارزش یک شرکت اهرمی ثابت باقی بماند، هزینه سرمایه با افزایش ریسک بدهی افزایش می‌یابد (مارادوگلا، ۲۰۱۲).

در بررسی حاضر رابطه اهرم مالی شرکت‌ها و صنایع فعال در بورس اوراق بهادار تهران با بازده غیرعادی سهام و برخی عوامل اثر گذار بر این رابطه بررسی شده‌است.

بیان مسئله

اهرم مالی^{۱۲۸} شرکت‌ها بر ساختار سرمایه^{۱۲۹} آن شرکت مؤثر است. ساختار سرمایه به ترکیب منابع مختلف (بدهی و حقوق صاحبان سهام) اشاره دارد. متون تحقیقاتی نشان می‌دهند شرکت‌هایی که ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی دارند، برای اجتناب از بحران‌های مالی، در سطح اهرم پایین تری فعالیت می‌کنند. زیرا اهرم بالا انعطاف پذیری مالی را کاهش می‌دهد و در شرکت‌هایی که ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی دارند، به خاطر افزایش قابلیت‌های سودآوری، ظرفیت استقراض کاهش می‌یابد. لذا بازگشت سرمایه در این شرکت‌ها بیشتر و در نتیجه نرخ بازده مورد انتظار سهام کمتر و بازده غیرعادی بیشتر می‌باشد. بازده مازاد بر بازده مورد انتظار سهام، بازده غیرعادی است. در مقابل شرکت‌های که ساختار سرمایه مبتنی بر حقوق صاحبان سهام دارند، برای تأمین سرمایه دارایی‌هایشان ریسک‌زدایی به صاحبان سهام تحمیل می‌کنند. لذا نرخ بازده مورد انتظار سهام بیشتر و بازده غیرعادی کمتر می‌باشد (پنمن و همکاران، ۲۰۰۷).

در بررسی ارتباط اهرم و بازده سهام، ساختار سرمایه یک عامل کلیدی و حائز اهمیت است. ساختار سرمایه مطلوب شرکت در صنایع مختلف متفاوت است، زیرا ساختار دارایی‌ها و پایداری سود در صنایع مختلف یکسان نمی‌باشد. برخی از محققان مجموع ریسک-های یک شرکت را به دو گروه تقسیم کرده‌اند: ریسک خارجی که تا حد زیادی متأثر از ماهیت صنعت است و ریسک داخلی که یک نوع ریسک مالی است که از ساختار سرمایه شرکت متأثر است. برای مثال اگر اهرم یک شرکت صنعتی از حد خاصی بیشتر باشد، با ریسک خارجی زیادتری در تأمین مالی مواجه است. بنابراین شرکت‌های که در صنایع متفاوتی فعالیت می‌کنند، ساختار دارایی‌های

¹²⁸ Gearing

¹²⁹ Capital structure

متفاوتی دارند و ترکیب ساختار دارایی‌ها، ساختار تامین مالی شرکت را تعیین می‌کند. گزینه‌های تامین مالی هر شرکت نیز با توجه به بخشهای تحت نفوذ آنها متفاوت است. لذا در تحقیق حاضر، ارتباط اهرم صنعت و سایر شاخصه های صنعت و بازده غیرعادی سهام بررسی می‌شود (پنمن و همکاران، ۲۰۰۷).

تحقیق حاضر ارتباط بین اهرم شرکت، اهرم صنعت^{۱۳۰} و تمرکز صنعت^{۱۳۱} (به عنوان متغیرهای مستقل) را با بازده غیر عادی^{۱۳۲} در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران تعیین می‌نماید. در تحقیقات قبلی با افزایش اهرم شرکت، بازده غیر عادی کاهش یافته‌است و بازده های غیر عادی در میانگین صنایع اهرمی با افزایش سطح ریسک، افزایش یافته‌است. در این بحث تفکیک سطح میانگین تامین مالی خارجی صنعت از سطح میانگین تامین مالی خارجی شرکت اهمیت دارد. در این تحقیق بر شاخص های صنعت تاکید می‌شود: بر اساس نتایج تحقیقات گذشته ارتباط اهرم و بازده در صنایع متمرکز دستخوش تغییراتی شده‌است (اووتچینکیو، ۲۰۱۰). تحقیقات قبلی در بررسی تاثیر روشهای تامین مالی با هزینه سرمایه، مالیات را مورد توجه قرار داده‌اند. در این تحقیق مالیات هدف اصلی نیست، بلکه آزمون مستقیمی از کاربرد دومین یافته میلر و مودیگلیانی است. با این تفاوت که اهرم صنعت از اهرم شرکت تفکیک شده و تاثیر و ویژگی‌های صنعت مورد توجه قرار گرفته‌است.

پیشینه تحقیقات

نخستین پژوهش‌های انجام شده در رابطه با ساختار سرمایه، توسط دیوید دوراند (۱۹۵۲) و در ادامه به صورت عملی و نوین، توسط میلر و مودیگلیانی (۱۹۵۸) انجام شد. این دو برای اولین بار اعلام داشتند که با فرض کارا بودن بازار، ساختار سرمایه عاملی اثرگذار در تعیین ارزش شرکت نمی‌باشد و با ارائه نظریه‌ای در این خصوص (نظریه MM) موضوع ساختار سرمایه را بسط و توسعه دادند. افرادی از قبیل دیوید دوراند (۱۹۵۹)، فرد وستون (۱۹۷۷)، میز و استوارت (۱۹۸۴) و روبرت هریس (۱۹۸۴) در ارتباط با نظریه MM نظرات موافق و مخالفی ارائه نمودند. در ادامه مرور مختصری بر تحقیقات مرتبط داریم.

باکر (۱۹۷۳) در بررسی "ریسک و سطح سودآوری: یک تحلیل صنعتی" نشان داد که شرکت‌های که در صنایع یکسانی فعالیت می‌کنند، اهرم مالی تقریباً یکسانی دارند. هال و ویز (۱۹۹۹) در بررسی "نسبت‌های اهرمی، هنجارهای صنعت و تغییرات قیمت سهام" دریافتند حداکثر سازی فروش مستلزم نسبت مطلوبی از استقراض است که از صنعتی به صنعت دیگر متفاوت و به عواملی مثل دیدگاه‌های پایداری و اهرم بستگی دارد. گرافی و یان (۲۰۰۳) در بررسی "بحران مالی و تجزیه تحلیل مقطعی بازده سهام"، یک مدل دینامیکی برای تعیین ارتباط میان ریسک و بازده دارایی‌ها از طریق معرفی اهرم، تنیین نمودند. آنها دریافتند که در بیان بازده سهام برای شرکت‌های که با بحران مواجه هستند، اهرم نقش بسزایی دارد. کورتیویچ (۲۰۰۴) در بررسی "اهرم مالی و بازده مورد انتظار: شواهدی از پیشنهادات معاملات" موقعیت دوم میلر و مودیگلیانی را آزمون نمود و دریافت که با افزایش اهرم، بازده کاهش می‌یابد. پنمن و

¹³⁰ Industry Gearing

¹³¹ Industry concentration

¹³² Abnormal Returns

همکاران (۲۰۰۴) در بررسی "تأثیر ارزش دفتری به بازار در بازده سهام" نسبت ارزش دفتری به قیمت (b/p) را به اجزای آن تجزیه و تحلیل و دریافتند که اهرم بازار با بازده سهام ارتباط منفی دارد. آماتو و ویلدر (۲۰۰۴) بررسی "رقابت جهانی و بازارهای جهانی: برخی نتایج تجربی" دریافتند که شاخص‌های صنعت باعث تنوع سودآوری در یک نمونه ای از شرکت‌های چند ملیتی شده است. ماکي و فلیس (۲۰۰۵) در بررسی "چگونه ساختار سرمایه تحت تأثیر صنعت قرار می‌گیرد؟"، اهمیت صنعت را در تصمیمات مالی شرکت‌ها بررسی نمودند. آنها دریافتند که فاکتورهای مرتبط با صنعت خیلی بیشتر از اثرات ثابت صنعت، می‌تواند تفاوت ساختارهای مالی را در صنایع رقابتی تشریح نماید.

هو و رابسون (۲۰۰۶) در بررسی "تمرکز صنعت و میانگین بازده سهام"، دریافتند که ریسک نوآوری و بحران، یک پدیده بارز در صنایع رقابتی است. در نتیجه در این صنایع بازده پایین‌تر است. شرکت‌ها در صنایع متمرکز به دلیل محدودیت‌های قانونی بازده کمتری بدست می‌آورند. دی انجلو (۲۰۰۶) در بررسی خود با عنوان "نقایض دیدگاه میلر و مودیگلیانی از دیدگاه تئوری" دریافت که اهرم مالی بالا انعطاف‌پذیری مالی را کاهش می‌دهد. زیرا به خاطر افزایش قابلیت‌های سودآوری، ظرفیت استقراض شرکت کاهش یافته است. مارادالگو و سیواپرساد (۲۰۰۷) در تحقیق خود تحت عنوان "بررسی تأثیر ساختار سرمایه بر بازده غیرعادی انباشته" تأثیر اندازه شرکت، اهرم مالی، نرخ بهره، نسبت ارزش دفتری به بازار و نسبت قیمت به سود را بر بازده غیرعادی انباشته بررسی نمودند و مهمترین یافته وی حاکی از این بود که بازده حقوق صاحبان سهام با افزایش اهرم مالی، در برخی از گروه‌های ریسک (صنعت) افزایش و در برخی از گروه‌های ریسک کاهش یافته است. دیمیترو جین (۲۰۰۸)، در بررسی "تغییرات اهرم مالی فراتر از رشد دارایی‌ها و سود" تأثیر تغییرات اهرم بر بازده های سهام را بررسی نمودند. این بررسی نشان دهنده ارتباط منفی اهرم و بازده سهام تعدیل شده براساس ریسک بود. آنها دریافتند اهرم مالی، متغیر معناداری در پیش بینی بازده سهام می باشد.

گوداد و همکاران (۲۰۰۹) در بررسی "منابع تغییر در سودآوری و رشد شرکت" نیز شاخص‌های صنعت را یکی از مهمترین تعیین‌کننده‌های عملکرد معرفی کردند. گومز و اسپچید (۲۰۱۰) در بررسی خود با عنوان "بازده های اهرمی" دریافتند که ارزش بازاری اهرم ارتباط مثبتی با بازده دارد. ولی ارزش دفتری اهرم، هیچ ارتباط با بازده سهام ندارد. جی اورج و هانگ (۲۰۱۰) در "بررسی بحران مالی در تحلیل مقطعی بازده سهام" دریافتند که ارتباط منفی اهرم و بازده به حساسیت بالای شرکت‌های اهرمی به ریسک مالی مربوط می‌شود [۱۱]. اوچینکو (۲۰۱۰) در بررسی "تصمیمات ساختار سرمایه: شواهدی از صنایع" نشان داد که چگونه مقرارت‌زدایی (یا آزاد سازی) بر محیط عملیاتی و تصمیمات اهرم مالی تأثیر می‌گذارد. در بررسی آنها، بعد از مقرارت‌زدایی، سطح اهرم مالی شرکت‌ها کاهش و منجر به انتشار سهام در سالهای اولیه آزاد سازی شد. مارادالگو و همکاران (۲۰۱۲) در بررسی خود با عنوان "ساختار سرمایه و بازده غیرعادی سهام" فرضیه را بررسی نمودند: ۱) بررسی رابطه اهرم شرکت و بازده غیرعادی ۲) بررسی رابطه اهرم صنعت و بازده غیرعادی ۳) بررسی رابطه تمرکز صنعت و بازده غیرعادی ۴) بررسی رابطه قانونمندی صنعت و بازده غیرعادی. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که اهرم شرکت و بازده غیرعادی رابطه منفی دارند و اهرم، تمرکز و قانونمندی صنعت با بازده غیر عادی ارتباط معنادار مثبتی دارد.

حسن قالیباف اصل (۱۳۷۲) در تحقیقی با عنوان "بررسی تأثیر ساختار سرمایه بر ریسک سیستماتیک شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" تعداد ۲۶ شرکت را در فاصله زمانی ۷۲-۱۳۶۸ بررسی کرده است. در این تحقیق که تغییرات بازده سهام

شرکت های اهرمی و غیر اهرمی نسبت به پرتفوی بازار و با استفاده از مدل قیمت گذاری داراییهای سرمایه ای به منظور محاسبه ریسک سیستماتیک انجام گرفته است، نشان داده است. که میانگین بتاهای شرکت های غیر اهرمی کوچکتر از میانگین بتاهای شرکت های اهرمی می باشد، یعنی اهرم مالی، ریسک سیستماتیک بازار را افزایش می دهد. همچنین از دیگر یافته های این تحقیق این بود که پراکندگی بتاهای شرکت های غیر اهرمی در داخل صنعت، کوچکتر از پراکندگی بتاهای شرکت های اهرمی در داخل صنعت است. با توجه به این نتیجه اعتبار تئوری MM در بازار بورس ایران به اثبات می رسد.

احمد احمدپور کاسگری در تحقیق خود با عنوان "بررسی تاثیر اهرم مالی، اهرم عملیاتی و اندازه شرکت بر ریسک سیستماتیک" طی سالهای ۷۴-۱۳۷۰ به مطالعه آثار متغیرهای ذکر شده بر ریسک سیستماتیک پرداخت. در این تحقیق از نسبت بدهی به عنوان اهرم مالی استفاده شد و رابطه مستقیم اهرم مالی با ریسک سیستماتیک تأیید شد.

غلامعلی قربانی (۱۳۷۸) در تحقیق خود با عنوان "بررسی رابطه بین ریسک کل و اهرم مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، در فاصله زمانی ۷۶-۱۳۷۱ داده های ۴۴ شرکت پذیرفته شده در بورس را که از صنایع مختلف انتخاب شده بودند، را بررسی کرد. وی از معیار کل بدهی به کل دارایی برای محاسبه اهرم مالی استفاده نمود و هیچ رابطه ای بین اهرم مالی و ریسک کل نیافت.

مهدی شکوهی (۱۳۸۰) در تحقیق خود با عنوان "بررسی تأثیر اهرم مالی بر بازده شرکتهای گروه شیمیایی بورس اوراق بهادار تهران" اطلاعات ۳۰ شرکت مربوط به گروه شیمیایی را طی سالهای ۷۸-۱۳۷۳ بررسی نمود و به این نتیجه رسید که اهرم مالی با بازده مجموع دارایی ها و همچنین با حقوق صاحبان سهام ارتباط معناداری ندارند و احتمالاً علت آن عدم تخصیص بهینه منابع تامین مالی شده در داراییهای سرمایه ای در جهت افزایش ثروت سهامداران است.

شکرا.. خواجوی و همکارانش (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی تأثیر ساختار سرمایه بر بازده غیرعادی انباشته در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" اثر اهرم مالی بر بازده غیرعادی، با در نظر گرفتن چندین فاکتور ریسک شامل ارزش دفتری به بازار و دیگر فاکتورهای فاما و فرنچ بررسی شده است. و یافته ها حاکی از عدم ارتباط معنادار اهرم مالی و بازده غیرعادی سهام می باشد.

توسعه فرضیه ها و مدل مفهومی

شرکت هایی که ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی دارند، برای اجتناب از بحران های مالی، در سطح اهرم مالی پایین تری فعالیت می کنند. زیرا اهرم مالی بالا انعطاف پذیری مالی را کاهش می دهد. لذا در این شرکت ها، به خاطر افزایش قابلیت های سودآوری، ظرفیت استقراض کاهش می یابد. بنابراین بازگشت سرمایه در این شرکتها بیشتر و در نتیجه نرخ بازده مورد انتظار سهام کمتر می شود. بازده مازاد بر بازده مورد انتظار سهام، بازده غیرعادی است، لذا در شرکت های اهرمی بازده غیرعادی بیشتر می باشد. در مقابل شرکت های که ساختار سرمایه مبتنی بر حقوق صاحبان سهام دارند، برای تأمین سرمایه دارایی هایشان ریسک زیادی به صاحبان سهام تحمیل می کنند. لذا نرخ بازده مورد انتظار سهام بیشتر و بازده غیرعادی کمتر می باشد. لذا اولین فرضیه تحقیق به شرح زیر تدوین می گردد:

۱- اهرم مالی شرکت با بازده غیر عادی ارتباط معناداری دارد.

بسیاری از محققان به این نتیجه رسیده‌اند، که صنعت یک شاخص مهم در بررسی اهرم است. آرند بیان می‌کند که هر شرکت از طریق صنعت مرتبطش تعریف می‌شود.

در بررسی ارتباط میان اهرم و بازده بایستی اهرم صنعت از اهرم شرکت متمایز شود. شرکت‌هایی که در صنایع متفاوتی فعالیت می‌کنند با چالش‌های متفاوتی روبرو هستند. این چالش‌ها از بازارهای محصول ناشی می‌شود و شرکت با آنها از طریق تعدیل (یا تنظیم) اهرم مواجه می‌شود. برای مثال کال و شاهرور نشان دادند که شرکت‌های متمرکز و شرکت‌های صنایع تامین کننده، نسبت بدهی بالاتری دارند. بنابراین شاخص‌های صنعت در تشریح ارتباط میان اهرم و بازده‌های غیر عادی نقش بسزایی دارند. لذا دومین فرضیه تحقیق حاضر این است که بازار، اطلاعات اهرم صنعت را در قیمت گذاری سهام در نظر می‌گیرد. در نتیجه بازده‌های غیر عادی در صنایع اهرمی افزایش می‌یابد (کال و همکاران، ۲۰۰۷).

۲- میانگین اهرم مالی صنعت با بازده غیر عادی ارتباط معناداری دارد.

با توجه به تفاوت ساختارهای سرمایه در صنایع مختلف، تجزیه و تحلیل مقطعی اهرم تمام شرکت‌ها، بدون توجه به صنعت ممکن است گمراه کننده باشد. لذا سومین فرضیه این است که ارتباط میان اهرم شرکت و بازده از یک صنعت به صنعت دیگر متفاوت است.

۳- رابطه بین اهرم مالی شرکت و بازده غیر عادی در صنایع مختلف متفاوت است.

محققان دریافته‌اند که بازده غیر عادی در شرکت‌های اهرمی کاهش می‌یابد. این بخاطر ماهیت صنعت است. ماهیت واقعی اهرم را می‌توان از طریق آزمون ارتباط بازده و اهرم درون صنایع بررسی نمود. اهرم در شرکت‌های متمرکز بالا است و کمتر با عملکرد شرکت ارتباط دارد، وقتی قیمت‌ها آزاد می‌شوند اهرم شرکت و در نتیجه سودآوری آن کاهش می‌یابد. تعریف ریسک یک شرکت بوسیله صنعت و یا ساختار بازار محصولات شرکت حائز اهمیت به سزایی است. شرکت‌های فعال در صنایع متمرکز از افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام ایمن هستند و در نتیجه ریسک بحران‌های ناشی از ضعف تصمیمات عملیاتی کاهش می‌یابد. تمرکز صنعت به سهم هر شرکت از بازار هر صنعت اشاره دارد. برای شرکت‌های که در صنایع متمرکز فعالیت می‌کنند، مهمترین تعیین کننده ریسک، تصمیمات مالی مدیریت است (هو و رابینسون، ۲۰۰۶).

بنابراین انتظار داریم که ارتباط میان اهرم و بازده غیر عادی در شرکت‌های متمرکز مثبت باشد. لذا فرضیه چهارم تحقیق حاضر این است که میزان تمرکز بر رابطه میان اهرم و بازده موثر است و انتظار می‌رود ارتباط میان بازده غیر عادی و اهرم در شرکت‌های فعال در صنایع متمرکز مثبت باشد.

۴- رابطه بین اهرم مالی شرکت و بازده غیر عادی در صنایع با درجه تمرکز مختلف متفاوت است

در فرضیه پنجم ارتباط متغیر ارزش بازار به دفتری (M/B)¹³³ با بازده غیر عادی سهام بررسی می‌شود:

۵- ارزش بازار به دفتری با بازده غیر عادی ارتباط معناداری دارند.

¹³³ Market to Book

۲. مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر، تحقیقی توصیفی و از انواع تحقیقات همبستگی مقطعی می‌باشد. زیرا در هر یک از فرضیه‌ها، رابطه دو متغیر اندازه گیری می‌شود. داده‌های مورد نیاز جهت محاسبه متغیرهای تحقیق شامل اهرم مالی، اهرم شرکت، تمرکز صنعت، نسبت ارزش بازار به دفتری و بازده غیرعادی سهام از طریق نرم افزارهای بورس اوراق بهادار ایران جمع آوری شدند. متغیرهای تحقیق برای ۴۰۰ سال-شرکت منتخب محاسبه و با استفاده از نرم افزارهای آماری، تجزیه و تحلیل‌های لازم روی آنها انجام گرفته است. برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون رگرسیون، رگرسیون چندگانه و همبستگی جزئی، به روش پانل دیتا استفاده شده است.

جامعه آماری: تحقیق حاضر بر روی ۸۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران (به تفکیک ۵ صنعت) طی سال ۹۷-۹۳ انجام گرفته است. لذا جامعه آماری تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران می‌باشد.

روش نمونه‌گیری: در تحقیق حاضر از نمونه‌گیری حذفی استفاده شده است. از بین تمام صنایع بورس اوراق بهادار ایران، صنایع سرمایه‌گذاری و بیمه حذف گردید و صنایعی که طی قلمرو زمانی تحقیق، فعال بودند، انتخاب گردیدند. سپس شرکت‌هایی که سال مالی آنها ۱۳۹۲/۲۹ نبوده و همچنین شرکت‌های که نسبت ارزش بازار به دفتری منفی داشتند، از نمونه حذف گردیدند. در نهایت صنایعی که تعداد شرکت‌های فعال در آن، حداقل ۸ شرکت بود، به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند. این صنایع شامل صنعت خودرو و قطعات، صنعت مواد دارویی، صنعت سیمان، صنعت شیمیایی و صنعت فلزات اساسی می‌باشد. مجموع شرکت‌های منتخب این ۵ صنعت، ۸۰ شرکت می‌باشد.

از آنجایی که ۸۰ شرکت منتخب، طی قلمرو زمانی ۵ ساله تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است، تعداد نمونه نهایی تحقیق ۴۰۰ سال-شرکت می‌باشد.

اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق

الف) متغیرهای مستقل:

(۱) اهرم مالی شرکت: از تقسیم بدهی‌ها به مجموع بدهی و حقوق صاحبان سهام به دست می‌آید.

(۲) اهرم مالی صنعت: برای اهرم صنعت، از میانگین اهرم شرکت‌های فعال در هر صنعت استفاده شده است.

(۳) ارزش بازار به دفتری: بعد از مطالعه فاما و فرنچ، تفاوت میان ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و ارزش بازار آن از طریق استفاده از نسبت بازار به ارزش دفتری به عنوان یک فاکتور ریسک مورد توجه قرار گرفت. ارزش بازار به دفتری $\frac{M}{B}$ از تقسیم قیمت پایان دوره سهم بر ارزش دفتری بدست می‌آید.

۴) تمرکز صنعت: تمرکز صنعت سهم بازار هر شرکت از کل صنعت است و از طریق شاخص Herfindahl (HI) محاسبه شده است:

$$\text{Herfindahl}_j = \sum_{i=1}^1 S_{ij}^2$$

در رابط بالا S_{ij} سهم بازار شرکت i در صنعت j است. این شاخص برای هر صنعت محاسبه شده و سپس میانگین آن برای اطمینان از بی اثر شدن خطاهای احتمالی طی ۳ سال محاسبه می گردد. مهمترین معیار محاسبه HI فروش است. لذا در تحقیق حاضر برای سهم بازار، از فروش خالص استفاده شده است. مقادیر کم شاخص HI بیان می کند که بازار به اشتراک شرکت های رقیب زیادی گذاشته شده است. در حالیکه مقادیر زیاد شاخص فوق نشان دهنده این است که سهم بازار در دست چند شرکت بزرگ متمرکز شده است. شرکت ها براساس شاخص HI به ۵ طبقه تقسیم شده اند: چندانک ۱ مربوط به ۲۰٪ از صنایع با کمترین تمرکز و چندانک ۵ مربوط به ۲۰٪ از صنایع با بالاترین تمرکز می باشد.

ب) متغیر وابسته:

بازده غیرعادی: برای هر شرکت، درصد تغییرات در قیمت های پایان دوره سهام تعدیل شده بر اساس تقسیم سود و بازده ماهانه سهام محاسبه شده است. مزایای ناشی از افزایش بازده سالانه هر شرکت بر اساس مدل گوردن محاسبه شده است:

$$r_i = \frac{\text{DIV} + (P_1 - P_0)}{P_0}$$

بازده مورد انتظار نیز از طریق میانگین بازده ۵۰ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار محاسبه شد. و بازده غیرعادی (Ar) از تفاوت بازده مورد انتظار (r_m یا بازار) و بازده واقعی شرکت (r_i) محاسبه شده است:

$$r_i - r_m = Ar$$

۳. نتایج

آمار توصیفی مربوط به داده های پژوهش در جدول ۱ خلاصه شده است:

جدول ۱- آمار توصیفی داده ها

کمترین مقدار	بیشترین مقدار	دامنه تغییرات	میانگین	انحراف معیار
۰/۲۴۲	۰/۸۶۶	۰/۶۲۳	۰/۵۷۲	۰/۱۵۸
۰/۴۶۴	۰/۷۱۵	۰/۵۸۴	۰/۰۹۰	۰/۱۵۴
اهرم مالی				
اهرم مالی صنعت				

۱/۳۷۷	۴/۸۸۸۹	۳/۵۶۸	۳۶/۴۴	۰/۵۶۷	ارزش بازار به ارزش دفتری
۳.۱۸۹	۸۲۰۰۹۲۴	۲۵۷۱۳۳۰	۵۲۶۳۲۹۰.۸	۶۳۲۷۴	درآمد فروش
۳/۸۲۷	-۰/۰۵۸۸	۲۷/۶۵۸	۱۵/۰۰۸	-۱۲/۶۵۰	بازده غیر عادی

ماخذ: خروجی نرم افزار

آزمون فرضیه ها

فرضیه اول: اهرم مالی شرکت با بازده غیر عادی ارتباط معناداری دارد.

در مدل برازش داده شده برای فرضیه اول، سطح معناداری ضریب ثابت و اهرم مالی کمتر از ۰/۰۵ می باشد. لذا متغیر اهرم مالی شرکت تاثیر معناداری بر بازده غیر عادی دارد. همچنین آماره های متناظر با ضرایب رگرسیونی برای ضریب ثابت و اهرم مالی به ترتیب ۴ و ۳/۸ می باشند. و چون این مقادیر تماماً بیش از آماره t - استیودنت ($t = 1/96$) می باشد، لذا معنادار بودن تاثیر آنها بر متغیر وابسته مدل با اطمینان ۰/۹۵ تایید می گردد. مدل نهایی رگرسیونی با لحاظ کردن ضرایب رگرسیونی به صورت زیر خواهد بود:

$$AR_{i,t} = -2.64 + 4.09 * Gearing_{it} + \varepsilon_{it}$$

AR: بازده غیر عادی

Gearing: اهرم مالی شرکت

ε_{it} خطای مدل رگرسیونی

فرضیه دوم: میانگین اهرم مالی صنعت با بازده غیر عادی ارتباط معناداری دارد.

تحلیل نتایج آماری این فرضیه، مشابه فرضیه اول است و مدل نهایی رگرسیونی با لحاظ کردن ضرایب رگرسیونی به صورت زیر خواهد بود:

$$AR_{i,t} = -2.19 + 3.27 * Industry\_Gearing_{it} + \varepsilon_{it}$$

AR: بازده غیر عادی

Industry Gearing: اهرم مالی صنعت

ε_{it} : خطای مدل رگرسیونی

فرضیه سوم: رابطه بین اهرم مالی شرکت و بازده غیر عادی در صنایع مختلف متفاوت است.

برای بررسی فرضیه مذکور، همبستگی بین اهرم مالی شرکت و بازده غیر عادی با در نظر گرفتن صنعت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این فرآیند با نرم افزار SPSS، و با کمک آزمون همبستگی جزئی انجام گرفته است. بر اساس جدول نتایج آماری، میزان همبستگی

محاسبه شده بین اهرم مالی شرکت و بازده غیر عادی با در نظر گرفتن صنعت هر یک از شرکت‌ها به عنوان متغیر کنترل، برابر با ۰/۱۸۹ می‌باشد. با توجه به این که آماره‌ای محاسبه شده ($T=41/60$) با درجه آزادی فوق ($df=397$) از آماره‌ای معیار ($T=1/97$) بیشتر می‌باشد، بنابراین با احتمال ۹۵ درصد فرضیه سوم تایید می‌گردد.

فرضیه چهارم: رابطه بین اهرم مالی شرکت و بازده غیر عادی در صنایع با درجه تمرکز مختلف متفاوت است. آزمون فرضیه چهارم کاملاً شبیه فرضیه سوم می‌باشد. فقط با این تفاوت که در فرضیه چهارم متغیر کنترل علاوه بر نوع صنعت، درجه تمرکز نیز در نظر گرفته شده است. لذا روش آزمون مشابه فرضیه قبل، آزمون همبستگی جزئی می‌باشد، که در آن متغیر نوع صنعت و درجه تمرکز به عنوان متغیرهای کنترل در نظر گرفته شده‌اند. با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۲، رابطه بین متغیرهای مذکور مثبت و معنادار می‌باشد.

فرضیه پنجم: ارزش بازار به دفتری با بازده غیر عادی ارتباط معناداری دارند. بر اساس مدل برازش شده، سطح معناداری ضرایب ثابت و متغیر بیشتر از ۰/۰۵ و آماره‌های متناظر با این ضرایب از تستودنت کمتر است. بنابراین این رابطه تایید نمی‌شود. مدل نهایی رگرسیونی با لحاظ کردن ضرایب رگرسیونی به صورت زیر خواهد بود:

$$AR_{i,t} = -0.148 - 0.0306 * M\_B_{it} + \varepsilon_{it}$$

AR : بازده غیر عادی

M_B : اهرم مالی شرکت

ε_{it} خطای مدل رگرسیونی

فرایند آزمون فرضیه‌های تحقیق و نتیجه آزمون فرضیه‌ها در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول ۲- خلاصه فرایند آزمون فرضیه‌ها

ردیف	مدل آماری	مقادیر ضرایب			آماره ضرایب	آماره فشر	نتیجه
		ضرایب	ضرایب	سطح			
			رگرسیون	معناداری			
اول	رگرسیون	ثابت	-۲/۶۴	۰/۰۰۰۱	-۴/۰۰۹	۱۴/۴۴	تأیید
		اهرم شرکت	۴/۰۹	۰/۰۰۰۲	۳/۸		
دوم	رگرسیون	ثابت	-۲/۱۹	۰/۰۱۱۴	-۲/۵۴	۵/۴	تأیید

		۲/۳۲	۰/۰۲۰۶	۳/۲۷	اهرم صنعت		
پنجم	رگرسیون	ثابت	-۰/۱۴	۰/۵۵۳۵	-۰/۵۹۳	۰/۲۵	رد
		ارزش بازار	-۰/۰۳۰	۰/۶۱۳۵	-۰/۵۰۵		
		به دفتری					
سوم	همبستگی جزئی	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	آماره t	تأیید		
		۰/۱۸۹	۰/۰۰۰	۳/۸۹			
چهار	همبستگی جزئی	۰/۱۹۳	۰/۰۰۰	۳/۹۰	تأیید		
م							

ماخذ: خروجی نرم افزار

تحلیل رگرسیونی چند گانه برای تمام متغیرهای تحقیق: در این بخش مدل رگرسیونی چند گانه، برای تاثیر تمامی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد ارزیابی قرار گرفت. با توجه به سطح معناداری متناظر با هر یک از ضرایب مذکور رابطه بین اهرم مالی شرکت و اهرم مالی صنعت در سطح ۰/۹۵ معنادار و سایر موارد معنادار نمی باشند. البته در مورد متغیر تمرکز صنعت در سطح ۰/۹۰ معنادار می باشد. همچنین ضریب تعیین مدل رگرسیونی برازش داده شده ۰/۰۵۳ می باشد و به عبارت دقیقتر ۵/۳٪ از تغییرات متغیر وابسته از تغییر پذیری متغیرهای مستقل می باشد. با توجه به اینکه مقدار آماره فیشر محاسبه شده بیش از مقدار متناظر در جدول فیشر (۱/۴۴ = $F_{0.95}$) می باشد مدل به طور کلی با اطمینان ۰/۹۵ معنادار است. مدل نهایی به شکل زیر به دست آمده است:

$$AR_{i,t} = -4.97 + 3.94 * GEARING_{it} + 0.028 * M\_B_{it} + 3.12 * INDUSTRY\_GEARING_{it} + 0.196 * INDUSTRY_{it} - 0.0000000295 * H\_I_{it} + \varepsilon_{it}$$

۴. بحث و نتیجه گیری

در مورد فرضیه اول، طبق مبانی نظری مرتبط، در شرکت های که ساختار سرمایه مبتنی بر حقوق صاحبان سهام دارند، برای تأمین سرمایه دارایی هایشان ریسک زیادی به صاحبان سهام تحمیل می کنند. لذا نرخ بازده مورد انتظار سهام بیشتر و بازده غیرعادی کمتر می باشد و در شرکت های اهرمی بازده غیرعادی بیشتر می باشد. بر این اساس انتظار می رفت با افزایش سطح اهرم مالی شرکت ها، بازده غیرعادی افزایش یابد. این انتظار بر اساس آزمون فرضیه اول تایید شد. یافته تحقیق حاضر در این خصوص مطابق با نتایج تحقیقات مشابه می باشد.

موارد استثناء شامل بررسی خواجه‌ای و همکاران (۱۳۸۹) است که در آن رابطه فوق رد گردید و همچنین بررسی ماردانگلو و همکاران (۲۰۱۲) که در آن رابطه فوق منفی بود، می‌باشد.

در مورد فرضیه دوم، طبق متون نظری مرتبط، شاخص‌های صنعت در تشریح ارتباط میان اهرم مالی و بازده‌های غیرعادی نقش بسزایی دارند. نتیجه آزمون فرضیه دوم تحقیق حاضر نیز نشان‌دهنده ارتباط مثبت اهرم مالی صنعت و بازده غیرعادی بود. در این خصوص تحقیقات بسیار اندکی انجام شده‌است، که به همین نتیجه رسیده‌اند.

در مورد فرضیه سوم، از آنجایی که گزینه‌های تامین مالی هر شرکت نیز با توجه به بخش‌های تحت نفوذ آنها متفاوت است. بنابراین انتظار می‌رفت رابطه اهرم مالی شرکت و بازده غیرعادی در صنایع مختلف، متفاوت باشد. نتیجه آزمون فرضیه سوم تحقیق حاضر تأیید کننده این انتظار بود. در این رابطه ماردانگلو و سیواپرساد (۲۰۰۷) با تفکیک صنایع به ۹ صنعت دریافتند که بازده سهام با افزایش اهرم مالی در برخی صنایع افزایش و در برخی صنایع کاهش یافته‌است. در بررسی سینایی و همکاران (۱۳۸۲) ارتباط اهرم مالی و نوع صنعت رد شد. در بررسی هال و ویز (۱۹۹۹)، ماکی و فیلیس (۲۰۰۵) و ماردانگلو (۲۰۱۲) نیز فرضیه فوق تأیید شده‌است.

در مورد فرضیه چهارم، طبق متون نظری مرتبط، اهرم مالی در شرکت‌های متمرکز بالا است و کمتر با عملکرد شرکت ارتباط دارد. تعریف ریسک یک شرکت بوسیله صنعت و یا ساختار بازار محصولات شرکت حائز اهمیت به سزایی است. برای شرکت‌های که در صنایع متمرکز فعالیت می‌کنند، مهمترین تعیین کننده ریسک، تصمیمات مالی مدیریت است. بنابراین انتظار می‌رفت که ارتباط میان اهرم مالی و بازده غیرعادی در شرکت‌های متمرکز مثبت باشد. آزمون فرضیه چهارم تحقیق حاضر این انتظار را برآورده ساخت و رابطه مثبت اهرم مالی با درجه تمرکز تأیید شد. این ارتباط در بررسی هو و رابیتسون (۲۰۰۶) و ماردانگلو (۲۰۱۲) نیز تأیید شده‌است.

در مورد فرضیه پنجم، بر اساس متون نظری مرتبط، نسبت ارزش بازار به دفتری یکی از عوامل مؤثر بر تصمیمات ساختار سرمایه است. لذا در تحقیق حاضر رابطه این متغیر و بازده غیرعادی سنجیده شده‌است. با افزایش نسبت ارزش بازار به دفتری، بازده مورد انتظار افزایش و در نتیجه بازده غیرعادی کاهش می‌یابد. لذا انتظار می‌رود با افزایش نسبت بازار به دفتری، بازده غیرعادی کاهش یابد. نتیجه آزمون فرضیه پنجم تحقیق حاضر، رد کننده این انتظار است. هیچ رابطه‌ای بین ارزش بازار به دفتری و بازده غیرعادی یافت نشد. این رابطه در بررسی‌های مشابه از جمله پنمن و همکاران (۲۰۰۴) و ماردانگلو (۲۰۱۲) تأیید شده‌است. در خصوص این رابطه، نتیجه تحقیق حاضر بر خلاف مبانی نظری مرتبط و پیشینه تحقیقات است.

در این خصوص می‌توان نتیجه گرفت در بازار بورس اوراق بهادار ایران، سرمایه‌گذاران به این نسبت توجهی ندارند، و نسبت ارزش بازار به دفتری محتوای اطلاعاتی ندارد. البته در تعمیم نتایج باید احتیاط لازم صورت گیرد و تصمیم‌گیری در این خصوص نیاز به تحقیقات بیشتر و استفاده از سایر نسبت‌ها دارد.

پیشنهادهای

اهرم مالی اهمیت ویژه ای در مدیریت ساختار سرمایه دارد. لذا دریافت وام و اثرات آن، یکی از تصمیمات حساس به شمار می آید. در اکثر کشورهایی که دارای بازار سرمایه کارا هستند، نسبت های اهرمی تهیه می شوند، ولی اما در کشور ما چنین معیارهایی وجود ندارد. نتایج تحقیق حاضر به مدیران مالی در جهت بهینه سازی تصمیمات مربوط به ساختار مالی کمک می نماید. از آنجایی که ارتباط متغیرهای مورد بررسی با بازده غیرعادی، به جزء یک مورد، تأیید گردید، در بازار سهام می توان از اهرم مالی به عنوان یک متغیر تعیین کننده استفاده نمود. همچنین اعتباردهندگان نیز می توانند از اطلاعات به دست آمده در جهت ارزیابی اعتبار یک شرکت استفاده کنند. در انتها با توجه به نتایج تحقیق حاضر به مدیران مالی پیشنهاد می گردد، سهم بالایی از بافت مالی شرکت را به بدهی (اهرم مالی) تخصیص دهند و سهم بازار محصولات خود را در صنعت افزایش دهند زیرا تأثیر چشم گیری بر بازده سهام دارد.

و همچنین به و سرمایه گذاران پیشنهاد می گردد در شرکت ها و صنایع با اهرم مالی بالا سرمایه گذاری نمایند و در هنگام تشکیل پرتفولیو به عواملی مثل نوع صنعت، اهرم صنعت، تمرکز صنعت و اهرم شرکت توجه شود. زیرا یافته های تحقیق نشان می دهد که این عوامل بر بازده غیرعادی مؤثر است.

همچنین به محققان پیشنهاد می شود در تحقیقات آتی بررسی موارد زیر را در نظر داشته باشد؛ زیرا نتایج جالبی را می تواند به همراه داشته باشد:

- بررسی فرضیه های تحقیق در دوره زمانی طولانی تر: زیرا بررسی دقیق تری از تأثیرات اهرم مالی بر بازده غیرعادی را فراهم می نماید.
- بررسی عواملی غیر از عوامل معرفی شده در این تحقیق مثل نرخ بهره، قانونمندی صنعت، ریسک سیستماتیک، Q توبین در سطوح صنعت و سایر متغیرهای مرتبط.
- بررسی فرضیه های تحقیق با متغیر وابسته بازده غیرعادی انباشته.
- استفاده از سایر شاخص های محاسبه اهرم مالی، مقایسه شاخص های متعدد اهرم مالی و معرفی بهترین شاخص با توجه به وضعیت سرمایه گذاری و بازار سرمایه ایران.
- بررسی تأثیرات کوتاه مدت و بلندمدت نسبت ارزش بازار به دفتری بر اهرم مالی.
- بررسی تأثیر نسبت ارزش بازار به دفتری بر بازده مورد انتظار و بازده غیرعادی، زیرا این رابطه در تحقیق حاضر تأیید نشد.

منابع

- ##Alipour, H. Alimoradi, SH. (2004), investigates the relationship between financial leverage and asset liquidity in Tehran Stock Exchange, *Financial studies*: 4, 35-41.
- ##Amato, L. H., & Wilder, R. P. (2004). Global competition and global markets: some empirical results. *International Business Review*, 13(3): 401-416.
- ##Arend, R. J. (2009). Industry effects and firm effects: no effect is an island. *Journal of Business Research*, 62(6): 651-659.
- ##Baker, S. H. (1973). Risk, leverage and profitability: An industry analysis. *Review of Economics and Statistics*, 55(4):503-507.
- ##Bhandari, L. C. (1988). Debt/equity ratio and expected common stock returns: empirical evidence. *Journal of Finance*, 43: 507-528.
- ##Bradley, M., Jarrell, G. A., & Kim, E. H. (1984). On the existence of an optimal capital structure: theory and evidence. *Journal of Finance*, 39(3): 857-878.
- ##DeAngelo, H., & DeAngelo, L. (2006). The irrelevance of the MM irrelevance theorem. *Journal of Financial Economics*, 79: 293-315
- ##Dimitrov, V., & Jain, P. C. (2008). The value relevance of changes in financial leverage beyond growth in assets and GAAP earnings. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 85:191-222.
- ##Eslami, B, GH. Jola. J. (2009), Investigating the Relationship between Capital Structure and Systematic Risk of Companies Listed in Tehran Stock Exchange, *Stock Exchange Quarterly*, 38:91-113.
- ##Garlappi, L., & Yan, H. Financial distress and the cross-section of equity returns. *Journal of Finance*, in press.
- ##George, T. J., & Hwang, C.-Y. (2010). A resolution of the distress risk and leverage puzzles in the cross section of stock returns. *Journal of Financial Economics*, 96(1): 56-79.
- ##Gomes, J. F., & Schmid, L. (2010). Levered returns. *Journal of Finance*, 65(2): 467-494.
- ##Goddard, J., Tavakoli, M., & Wilson, J. O. S. (2009). Sources of variation in firm profitability and growth. *Journal of Business Research*, 62(4): 495-508.
- ##Hamada, R. S. (1972). The effect of the firm's capital structure on the systematic risk of common stocks. *Journal of Finance*, 27(2): 435-45.
- ##Hou, K., & Robinson, D. T. (2006). Industry concentration and average stock returns. *Journal of Finance*, 61(4), 1927-1956.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

- ##Hull, R. M. (1999). Leverage Ratios, Industry Norms, and Stock Price Reaction: An Empirical Investigation of Stock-for-Debt Transactions. *Financial Management*, 25(2): 32–45.
- ##Kale, J. R., & Shahrur, H. (2007). Corporate capital structure and the characteristics of suppliers and customers. *Journal of Financial Economics*, 83(2): 321–365.
- ##Khajavi, sh. Valipour, H. Hakemi, B(2010), Influence of Capital Structure on Accumulated Abnormal Returns in Tehran Stock Exchange Accepted Companies, *Finansial studies*: 5, 53-65.
- ##Korteweg, A.G. (2004). Financial leverage and expected stock returns: evidence from pure exchange offers. Available at: <http://ssrn.com/abstract=597922>.
- ##Korteweg, A. G. (2010). The net benefits to leverage. *Journal of Finance*, 65(6): 2137–2170.
- ##Mackay, P., & Phillips, G. M. (2005). How does industry affect firm financial structure? *Review of Financial Studies*, 18(4): 1433–1466.
- ##Miao, J. (2005). Optimal capital structure and industry dynamics. *Journal of Finance*, 60(6): 2621–2659.
- ##Modigliani, F., & Miller, M. H. (1963). Corporate income taxes and the cost of capital: a correction. *American Economic Review*, 53(3): 433–443.
- ##Ovtchinnikov, A. V. (2010). Capital structure decisions: evidence from deregulated industries. *Journal of Financial Economics*, 95(2): 249–274.
- ##Muradoglu, G., Sivaprasad, SH. (2007). An Empirical Analysis of Capital Structure and Abnormal Returns. Available at:<http://ssrn.com/abstract=948393>.
- ##Muradogla,Y.G.(2012). Capital Structure and Abnormal returns. *International Business Review*, 21:328-341.
- ##Penman, S. H., Richardson, S. A., & Tuna, I. (2007). The book-to-price effect in stock returns: accounting for gearing. *Journal of Accounting Research*, 45(2): 427–467.
- the Company's capital structure and its relationship with abnormal returns

Pouryousof, Azam*, Khourshidi Aghdam Mehrabani, Saeed

Address 1 and 2: Department of Accounting, Payam Noor University(PNU), Tehran, Iran.

*



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract

In this research, reviewed the relationship of "firm's gearing", "industry gearing" and other characters of industry with Abnormal Returns. Stretcher's assets and stability of profit not equal in different industry, than optima's Capital structure also is different in industries. But in previous researches reviewed the relationship of "firm's gearing", without regard to "industry gearing". Capital structure is combination of equity and debt in financing of company's assets. And financial gearing is one of key characters of any Capital structure. And represent part of assets that financed by debts.

This study done on 80 selected companies from 5 industries in "Iranian Stock Exchange, during time of 20۱۰-201۴. Data needed to calculate the variables, including the company's financial Gearing, Industry Gearing, industry concentration index, the ratio of market value to book and abnormal returns through software Stock Exchange, were collected using simple and multiple regression models and partial correlations to test the research hypotheses, were analyzed. To test the statistical models, the software was used panel data.

Hypothesis test results of research suggests that increasing financial Gearing and financial Gearing industry finds abnormal returns $\rightarrow$ rose, type of industry and industry concentration are variables affecting the relationship between financial Gearing and abnormal returns. And market value to book does not have any effect on abnormal returns

Keywords: Capital structure, financial gearing, industry gearing Abnormal Returns, market value to book, industry concentration.

تحلیل نقش نوآوری دیجیتال و مدیریت دانش در ارتقای عملکرد شرکت‌های تعاونی با تأکید بر توسعه پایدار، مشارکت مردمی و تقویت تولید ملی

مریم؛ رمضانی؛ استادیار دانشگاه پیام نور.

مهدی؛ شهرآئینی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان.

چکیده

امروزه نوآوری‌های دیجیتال به یکی از ارکان اصلی رشد و رقابت پذیری سازمان‌ها تبدیل شده است. نوآوری‌های دیجیتال می‌توانند عملکرد شرکت تعاونی را بهبود بخشند، کنترل هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری را به همراه داشته باشند. پژوهش حاضر به بررسی مدیریت دانش و پذیرش نوآوری‌های دیجیتال در شرکت‌های تعاونی و اثرگذاری بر تولید ملی می‌پردازد و نشان می‌دهد که پذیرش فناوری‌های دیجیتال در شرکت‌های تعاونی با چالش‌هایی همراه است. در این راستا، مدیریت دانش به عنوان ابزار مفیدی است که به پذیرش فناوری‌های دیجیتال کمک می‌نماید. مدیریت دانش با اشتراک گذاری اطلاعات و ارائه آموزش‌های تخصصی، می‌تواند مقاومت در برابر پذیرش نوآوری‌ها را کاهش دهد و موجب بهبود عملکرد شرکت‌های تعاونی گردد. فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی، استفاده از اینترنت و رایانش ابری می‌تواند به بهینه‌سازی فرآیندهای تولید، کاهش هزینه‌ها و بهبود کیفیت محصولات و خدمات در شرکت‌های تعاونی منجر گردد. تحقیق حاضر بر هم‌افزایی مدیریت دانش و نوآوری‌های دیجیتالی تأکید دارد و بیان می‌کند که پیاده‌سازی این دو عامل در شرکت‌ها بخصوص شرکت تعاونی می‌تواند باعث رشد تولید ملی و افزایش رقابت در اقتصاد گردد.

کلمات کلیدی: نوآوری دیجیتالی، مدیریت دانش، شرکت تعاونی، تولید ملی

۱. مقدمه

در دنیای امروز، فناوری‌ها و نوآوری‌های دیجیتالی به عنوان عامل حیاتی در موفقیت و رشد سازمان‌ها شناخته می‌شود. نوآوری دیجیتالی به صورت پذیرش فناوری‌های دیجیتال مدرن توسط یک کسب و کار تعریف می‌شود (نامیسان^{۱۳۴}، ۲۰۱۷). این فرایند به عنوان یک برنامه راهبردی برای بهبود فرآیندهای کسب و کار، تجربه مشتری و عملکرد و همچنین ایجاد مدل‌های کسب و کار جدید

اجرا می گردد. نوآوری دیجیتالی شامل کاربرد و پذیرش راهبردی فناوری های دیجیتال برای بهبود عملیات کسب و کار، ایجاد محصولات یا خدمات نوین، ارتقای تعاملات مشتری و پاسخگویی به تقاضاهای متغیر بازار است (وایال^{۱۳۵}، ۲۰۱۹).

بدین ترتیب در عصر تحولات دیجیتال، نوآوری های فناورانه دیجیتال را می توان به عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی و افزایش بهره وری در بخش های مختلف مد نظر قرار داد. شرکت های تعاونی، به عنوان نهادهای اقتصادی مردم نهاد و عدالت محور، نقش کلیدی در توسعه پایدار و تولید ملی ایفا می کنند. تعاونی ها به توسعه اجتماعی - اقتصادی، به ویژه در زمینه کاهش فقر و ایجاد اشتغال کمک می کنند. شرکت های تعاونی ساختارهای قدرتی متفاوتی نسبت به مؤسسات سرمایه داری سنتی ارائه می دهند و به جای سهامداران سودجو، به نفع اعضای خود عمل می کنند. میلیون ها تعاونی در سراسر جهان وجود دارد و بخش قابل توجهی از جمعیت جهان عضو این سازمان ها هستند. تعاونی ها با ارائه کالاها و خدمات مقرون به صرفه، توزیع عادلانه منابع و پاسخگویی به نارسایی های بازار نقش مهمی ایفا می کنند. عملکرد تعاونی ها مبتنی بر اصولی است که بر خودیاری، دموکراسی، برابری و توجه به جامعه تأکید دارند. تعاونی ها با ترویج شمول اقتصادی، کمک به رقابت بازیگران کوچک با شرکت های بزرگ و کمک به پویایی و ثبات جامعه، نقش بسزایی در اقتصاد ملی ایفا می کنند. این سازمان ها در بخش های مختلفی مانند کشاورزی، مالی و خدمات عمومی حضور پررنگی دارند و به عنوان مدل های کسب و کار پایدار و انعطاف پذیر شناخته می شوند.

با توجه به اهمیت بالای شرکت های تعاونی در رشد و توسعه اقتصاد بررسی ها نشان می دهند بسیاری از این شرکت ها با چالش هایی مانند کمبود سرمایه، مدیریت سنتی و رقابت نابرابر با بخش خصوصی روبه رو هستند (برچال و کتیلسن^{۱۳۶}، ۲۰۰۹). شرکت های تعاونی با تمرکز بر اشتغال زایی، کاهش فقر و توزیع عادلانه درآمد، سهم قابل توجهی در تولید ناخالص داخلی دارند. پذیرش نوآوری های دیجیتال و فناوری های مبتنی بر هوش مصنوعی، بلاکچین، اینترنت اشیا و ... می تواند بهینه سازی فرآیندها، کاهش هزینه ها و توسعه بازارهای جدید را برای تعاونی ها به ارمغان آورند و راهکاری مؤثر برای بهبود عملکرد این شرکت ها، افزایش رقابت پذیری و در نهایت، تقویت تولید ملی باشد.

مسئله ای که وجود دارد این است که آیا شرکت های تعاونی به آسانی حاضر به پذیرش فن آوری ها و نوآوری های دیجیتالی هستند؟ پذیرش نوآوری های دیجیتال در شرکت ها به عوامل مختلفی بستگی دارد. شرکت های خصوصی به دلیل رقابت محور بودن، برای افزایش سودآوری و باقی ماندن در بازار نیاز به استفاده از نوآوری های جدید در فرآیند تولید دارند و البته مشتری ها و رقبا با استفاده از فشار بازار، این شرکت ها را به استفاده از فن آوری های دیجیتال سوق می دهند. در شرکت های تعاونی با توجه به فرآیند تصمیم گیری جمعی،

¹³⁵ . Vial, G

¹³⁶ . Birchall & Ketilson

محدودیت منابع مالی و اولویت نداشتن سودآوری فوری در برابر پذیرش این شکل از فن آوری ها و نوآوری های دیجیتال مقاومت بیشتری از خود نشان می دهند. استفاده از مدیریت دانش می تواند به عنوان محرکی در جهت استفاده از نوآوری های دیجیتال مورد استفاده قرار گیرد. مدیریت دانش با فراهم آوردن امکان خلق، اشتراک گذاری و استفاده مؤثر از دانش سازمانی، به سازمان ها کمک می کند تا نوآوری را پرورش دهند، دسترسی مشتریان به بهترین شیوه ها را افزایش داده و نرخ خروج کارکنان را کاهش دهند. این فرایند شامل جمع آوری دانش کسب شده، اعم از اسناد، داده ها و دستورالعمل ها می شود.

پژوهش حاضر بررسی می کند که از یک سو، به کارگیری فناوری های دیجیتال در شرکت های تعاونی چگونه می تواند منجر به ارتقای عملکرد آن ها و افزایش سهم این بخش در تولید ملی شود. از سوی دیگر، پیاده سازی مدیریت دانش در شرکت های تعاونی چگونه می تواند باعث افزایش پذیرش فن آوری های دیجیتال در این شرکت ها گردد. همچنین، عوامل مؤثر بر پذیرش یا مقاومت در برابر این فناوری ها در شرکت های تعاونی مورد تحلیل قرار می گیرد. در پایان نتیجه گرفته می شود که آیا پذیرش نوآوری های دیجیتالی در شرکت های تعاونی می تواند بر بهره وری، کارایی و عملکرد کلی تعاونی ها تأثیر مثبت داشته باشد و باعث شود بهبود عملکرد این شرکت ها منجر به افزایش تولید ملی گردد؟ برای دستیابی به اهداف پژوهش ابتدا درباره اشکال مختلف شرکت های تعاونی و انواع نوآوری های دیجیتال مورد استفاده در این شرکت ها توضیح داده می شود. سپس مدل های مختلفی از چگونگی پذیرش فناوری در شرکت های تعاونی مورد بحث قرار می گیرد و نحوه تأثیرگذاری مدیریت دانش بر پذیرش نوآوری دیجیتالی و در نهایت چگونگی تأثیرگذاری بر تولید ملی تحلیل و بررسی می گردد.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۱. فن آوری ها و نوآوری های دیجیتالی

در عصر دیجیتال، نوآوری های فناورانه به یکی از ارکان اصلی رقابت پذیری شرکت ها تبدیل شده اند. نوآوری های دیجیتال توانسته اند فرآیندهای عملیاتی را متحول کنند و مدل های کسب و کار جدیدی را نیز ایجاد نمایند (بهارادواج و همکاران، ۱۳۷، ۲۰۱۳). نوآوری دیجیتال به کاربرد فناوری های دیجیتال برای ایجاد بهبودهای بنیادین در محصولات، خدمات، فرآیندها یا مدل های کسب و کار اشاره می کند (نامیسان و همکاران، ۲۰۱۷). نوآوری دیجیتال به کارگیری فناوری های دیجیتال برای بازتعریف مدل های کسب و کار، افزایش بهره وری، بهبود تعاملات مشتری و پاسخ به نیازهای متغیر بازار است. این نوع نوآوری شامل استفاده از ابزارهایی مانند هوش مصنوعی، رایانش ابری برای بهبود یا دگرگونی فرآیندهای سنتی می باشد. در تعریفی دیگر، نوآوری دیجیتال فرایندی است که از طریق آن سازمان ها فناوری های نوین دیجیتال را برای ایجاد محصولات، خدمات یا روش های جدید به کار می گیرند. این نوآوری ها نقش اساسی

در ارتقای مزیت رقابتی و خلق ارزش افزوده ایفا می کنند (باردواج و همکاران، ۲۰۱۳). نوآوری دیجیتالی به معنای پذیرش فناوری های دیجیتال مدرن توسط یک کسب و کار است. این فرایند به عنوان یک برنامه راهبردی برای بهبود فرآیندهای کسب و کار، تجربه مشتری و عملکرد و ایجاد مدل های کسب و کار جدید اجرا می شود. نوآوری دیجیتالی همچنین به عنوان کاربرد و پذیرش راهبردی فناوری های دیجیتال برای بهبود عملیات کسب و کار، ایجاد محصولات یا خدمات نوین، ارتقای تعاملات مشتری و پاسخگویی به تقاضاهای متغیر بازار تعریف می شود (ژانگ^{۱۳۸} و همکاران، ۲۰۲۱). این نوآوری استفاده از فناوری دیجیتال برای بهبود مدل های کسب و کار، محصولات یا خدمات فعلی یا جدید است و نحوه عملکرد و ارائه ارزش به مشتریان را متحول می سازد. انواع نوآوری دیجیتالی شامل نوآوری محصول، نوآوری فرآیند، نوآوری مدل کسب و کار و نوآوری بازاریابی است. کاربردهای نوآوری دیجیتالی شامل بهبود تصمیم گیری از طریق تجزیه و تحلیل داده ها، افزایش بهره وری از طریق اتوماسیون، ایجاد جریان های درآمدی جدید از طریق پلتفرم های آنلاین، بهبود ارتباطات از طریق ابزارهای دیجیتال و تجربیات شخصی سازی شده مشتری با استفاده از داده ها می باشد (صباغچی، ۱۴۰۱). نوآوری های دیجیتال را می توان با توجه به سطح تأثیر و حوزه کاربرد مورد بررسی قرار داد. جدول ۱ تقسیم بندی نوآوری های دیجیتال را نشان می دهد. از نظر سطح تأثیر، نوآوری های دیجیتالی شامل نوآوری افزایشی (بهبودهای تدریجی در فرآیندهای موجود مانند اتوماسیون اداری) و نوآوری تحول آفرین (شامل تغییرات اساسی در مدل های کسب و کار مانند استفاده از پلتفرم های دیجیتال فروش مثل سایت یا اپلیکیشن) می باشد. از نظر حوزه کاربرد نیز، نوآوری های دیجیتالی شامل نوآوری در محصول (محصولات جدید مبتنی بر اینترنت اشیا مانند دوربین امنیتی هوشمند منزل با سنسور در و پنجره)، نوآوری در فرآیند (استفاده از صنعت ربانیک در تولید محصول) و نوآوری در مدل کسب و کار (توسعه اقتصاد اشتراکی) می باشد. شرکت های مختلف با توجه به نوع فعالیت شرکت و شکل کالا یا خدمت تولیدی می توانند فناوری های دیجیتالی متفاوتی را مورد استفاده قرار دهند.

جدول ۱- تقسیم بندی نوآوری های دیجیتالی

نوآوری افزایشی ۱۳۹	از نظر سطح تأثیر	انواع نوآوری های دیجیتالی
نوآوری تحول آفرین ۱۴۰		
نوآوری در محصول	از نظر حوزه کاربرد	
نوآوری در فرآیند		
نوآوری در مدل کسب و کار		

¹³⁸ . Zhang

¹³⁹ . Incremental

¹⁴⁰ . Transformational

صرفنظر از نوع فناوری دیجیتال مورد استفاده در شرکت، واضح است که این شکل از فناوری و نوآوری‌های مرتبط با آن به سرعت در حال دگرگون کردن شیوه‌های سنتی کسب و کار و تولید هستند. شرکت‌های مختلف در سراسر جهان از این فناوری‌ها برای بهبود فرآیندها، افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها استفاده می‌کنند. جدول ۲، فناوری‌های دیجیتال کلیدی مورد استفاده در شرکت‌ها را معرفی می‌نماید.

جدول ۲- فناوری‌های دیجیتال کلیدی مورد استفاده در شرکت‌ها

فناوری	کاربرد اصلی	نمونه
هوش مصنوعی	تحلیل داده‌ها چت‌بات‌های مشتری پیش‌بینی تقاضا	ChatGPT - سیستم‌های توصیه‌گر
بلاکچین	شفافیت در زنجیره تأمین قراردادهای هوشمند	سیستم‌های مالی غیرمتمرکز
اینترنت اشیا	مدیریت دارایی‌ها نظارت بلادرنگ بر عملیات	شهرهای هوشمند کارخانه‌های هوشمند
رایانش ابری	ذخیره‌سازی و پردازش مقیاس‌پذیر داده‌ها	اشتراک گذاری فایل و ذخیره سازی داده در Dropbox
متاورس و واقعیت مجازی	آموزش مجازی تجارت الکترونیک تعاملی	فروشگاه‌های مجازی شبیه‌سازی آموزشی

استفاده از فناوری‌های دیجیتالی می‌تواند به صورت هم‌زمان تأثیرات مثبت و منفی به همراه داشته باشد که برخی از این اثرات عبارتند از:

افزایش بهره‌وری و کارایی: یکی از مهم‌ترین مزایای استفاده از فناوری‌های دیجیتال، افزایش چشمگیر بهره‌وری در فرآیندهای تولید و خدمات است. ابزارهایی مانند هوش مصنوعی (AI)، اینترنت اشیا (IoT)، و اتوماسیون باعث کاهش خطاهای انسانی و سرعت بخشیدن به عملیات‌های مختلف می‌شوند.

کاهش هزینه‌های عملیاتی: با دیجیتالی‌شدن فرآیندها، بسیاری از هزینه‌های اضافی حذف می‌شوند. به‌عنوان مثال، شرکت‌های تولیدی با استفاده از چاپ سه‌بعدی می‌توانند نمونه‌سازی محصولات را با هزینه‌ای بسیار کمتر انجام دهند. همچنین، رایانش ابری^{۱۴۱} نیاز به سرمایه‌گذاری سنگین در زیرساخت‌های فناوری اطلاعات را کاهش می‌دهد.

بهبود تجربه مشتری: فناوری‌هایی مانند چت‌بات‌های هوشمند، تحلیل داده‌های بزرگ^{۱۴۲} و پلتفرم‌های دیجیتال مارکتینگ به شرکت‌ها کمک می‌کنند تا ارتباط بهتری با مشتریان برقرار کنند. این امر منجر به افزایش رضایت مشتری و وفاداری به برند می‌شود.

انعطاف‌پذیری و مقیاس‌پذیری: شرکت‌هایی که از فناوری‌های دیجیتال استفاده می‌کنند، می‌توانند به سرعت خود را با تغییرات بازار وفق دهند. به‌عنوان مثال، کسب‌وکارهای کوچک با استفاده از پلتفرم‌های تجارت الکترونیک مانند دیجی کالا می‌توانند بدون نیاز به سرمایه‌گذاری در فروشگاه‌های فیزیکی، به بازارهای جهانی دسترسی پیدا کنند.

توسعه نوآوری و رقابت‌پذیری: شرکت‌هایی که از فناوری‌های پیشرفته استفاده می‌کنند، می‌توانند محصولات و خدمات نوآورانه‌تری ارائه دهند. این امر به آن‌ها کمک می‌کند تا در بازارهای رقابتی جایگاه بهتری داشته باشند.

۲-۲. پذیرش فناوری‌های جدید

پذیرش فناوری‌های جدید شامل نوآوری‌های دیجیتال توسط شرکت‌ها به خصوص شرکت‌های تعاونی یکی از چالش‌های کلیدی در عصر دیجیتال محسوب می‌شود. در حالی که برخی از سازمان‌ها با آغوش باز به استقبال نوآوری می‌روند تا مزیت رقابتی خود را حفظ کنند، برخی دیگر به دلایل مختلفی در پذیرش فناوری‌های نوین تردید دارند. این تصمیم‌گیری پیچیده، تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی از جمله فرهنگ سازمانی، فشارهای بازار و تحولات صنعتی قرار می‌گیرد.

بررسی ادبیات نشان می‌دهد که برای بررسی چگونگی پذیرش نوآوری‌های دیجیتال در شرکت‌ها روش‌های متعددی وجود دارد که دو روش کاربردی در ادامه توضیح داده می‌شود.

۲-۲-۱. چارچوب فناوری - سازمان - محیط^{۱۴۳} (TOE)

چارچوب فناوری-سازمان-محیط زیست، روشی تئوریک است که شیوه پذیرش فناوری در سازمان‌ها را براساس شرایط محیط درونی و بیرونی توضیح می‌دهد. این چارچوب یکی از مهم‌ترین مدل‌ها و نظریه‌های زیربنایی پذیرش فناوری در سازمان است. چارچوب TOE می‌تواند فرایند پذیرش و بکارگیری نوآوری‌های فناورانه را در سازمان‌ها تشریح کند و این مسأله را بیان می‌کند که یک فناوری

¹⁴¹ . Cloud Computing

¹⁴² . Big Data

¹⁴³ . Technology-Organization-Environment Framework

هرچقدر هم پیشرفته باشد، بدون سازگاری با ساختار سازمانی و محیط رقابتی، موفق نخواهد شد. چارچوب TOE نخستین بار توسط تورناکزی و فلیشر^{۱۴۴} (۱۹۹۰) معرفی گردید و سه بعد از یک زمینه سازمانی را که بر پذیرش و اجرای نوآوری فناوری تأثیر می‌گذارد، شناسایی می‌کند:

فناورانه؛ که ویژگی‌های فناوری موجود در سازمان و قابلیت‌های آن و مزایا و معایب فناوری‌های جدید را مورد بررسی قرار می‌دهد. این ویژگی‌ها شامل دسترسی به فناوری‌های جدید، سودمندی و کارایی فناوری، پیچیدگی و سهولت استفاده و سازگاری با سیستم‌های موجود می‌شود.

سازمانی؛ که به ویژگی‌های داخلی سازمان که بر پذیرش فناوری تأثیر می‌گذارند، اشاره می‌کند که شامل ساختار سازمان و سازماندهی، منابع مالی و منابع انسانی، فرهنگ سازمانی و جو نوآورانه و پشتیبانی مدیران ارشد می‌باشد. محیطی؛ که عوامل بیرونی تأثیرگذار بر پذیرش فناوری را مورد بررسی قرار می‌دهد که شامل فشار رقابتی از سوی سایر سازمان‌ها، قوانین و مقررات دولتی، دسترسی به زیرساخت‌ها و تأمین کنندگان فناوری و روندهای بازار و نیازهای مشتریان می‌باشد.

۲-۲-۲. مدل پذیرش فناوری^{۱۴۵} (TAM)

مدل پذیرش فناوری الگویی عمومی است که برای شناسایی و تبیین عوامل موثر بر انگیزه و نیت استفاده از محصولات و خدمات مبتنی بر تکنولوژی جدید مورد استفاده قرار می‌گیرد. مدل پذیرش فناوری اولین بار توسط دیویس^{۱۴۶} (۱۹۸۹) ارائه گردید و در ادامه توسط ونکاتش و بالا^{۱۴۷} (۲۰۰۸) توسعه پیدا کرد. مدل پذیرش فناوری در مباحث مدیریت و فناوری اطلاعات با استقبال بسیاری مواجه شده است. دیویس در مقاله‌ای با عنوان «سودمندی ادراک‌شده، سهولت استفاده ادراک‌شده و پذیرش فناوری اطلاعات توسط مصرف‌کننده» برای نخستین بار دو مفهوم «سودمندی ادراک‌شده»^{۱۴۸} و «سهولت استفاده ادراک‌شده»^{۱۴۹} را به عنوان زیربنای پذیرش فناوری جدید توسط کاربر نهایی معرفی نمود. هدف او ایجاد مقیاسی برای پیش‌بینی و توضیح رفتار مصرف‌کننده بوده و برای معرفی دو مفهوم فوق پرسشی را به این صورت مطرح کرده است: چه عواملی باعث می‌شود فناوری اطلاعات مورد پذیرش قرار گیرد یا رد شود؟ براساس این مدل سودمندی ادراک‌شده و سهولت استفاده دو عامل اصلی گرایش به استفاده از فناوری‌های جدید هستند. در مدل TAM، سودمندی ادراک‌شده، معیاری است که فرد باور دارد استفاده از یک فناوری ویژه می‌تواند عملکرد شغلی وی را بهبود بخشد.

¹⁴⁴ . Tornatzky & Fleischer

¹⁴⁵ . Technology Acceptance Model

¹⁴⁶ . Fred Davis

¹⁴⁷ . Venkatesh & Bala

¹⁴⁸ . Perceived Usefulness

¹⁴⁹ . Perceived Ease of Use

نخستین عاملی که موجب گرایش یا عدم گرایش افراد به استفاده از فناوری می شود، به باور آنها از میزان سودمندی فناوری بستگی دارد. اگر افراد باور داشته باشند یک فناوری باعث بهبود کارشان می شود به استفاده از آن گرایش خواهند داشت. همچنین سهولت استفاده ادراک شده، معیاری است که فرد باور دارد استفاده از یک فناوری ویژه، می تواند ساده و بی دردسر باشد. با فرض اینکه افراد ممکن است باور داشته باشند یک فناوری بسیار مفید است اما در عین حال ممکن است این تصور را داشته باشند که دشواری استفاده از این فناوری به قدری است که به زحمت استفاده آن نمی ارزد.

۲-۳. مدیریت دانش^{۱۵۰}

مدیریت دانش فرایندی سیستماتیک است که شامل ایجاد، اشتراک گذاری، استفاده و مدیریت اطلاعات و دانش درون یک سازمان می باشد. هدف از مدیریت دانش، افزایش بهره وری، تصمیم گیری بهتر، نوآوری و ارتقاء عملکرد سازمانی از طریق به کارگیری مؤثر دانش موجود و تولید دانش جدید است. به بیان دیگر، مدیریت دانش به سازمان ها کمک می کند تا دانش نهفته در افراد و فرآیندها را استخراج کرده، آن را ساختاردهی کرده و در دسترس سایر اعضای سازمان قرار دهد تا از تکرار اشتباهات جلوگیری شده و بهترین تجربیات تکرار شود (دالکر^{۱۵۱}، ۲۰۱۱). در تعریفی دیگر، مدیریت دانش، فرایند ثبت، توزیع و استفاده مؤثر از دانش به منظور دستیابی به اهداف سازمانی است. در این دیدگاه، دانش به عنوان یک دارایی راهبردی سازمان در نظر گرفته می شود که باید به شیوه ای هدفمند مدیریت گردد (داونپورت و پروساک^{۱۵۲}، ۱۹۹۸). مدیریت دانش، شامل راهبردها و شیوه هایی است که سازمان ها برای شناسایی، خلق، بازنمایی و توزیع دانش به منظور استفاده مجدد، آگاهی بخشی و یادگیری در سراسر سازمان به کار می برند. مدیریت دانش، فرایندی چندبعدی است که شامل ایجاد، ذخیره و بازیابی، انتقال و به کارگیری دانش می باشد و این فرآیند با فناوری و فرهنگ سازمانی پشتیبانی می شود (گلد^{۱۵۳} و همکاران، ۲۰۰۱).

نوآوری های دیجیتالی و مدیریت دانش رابطه ای همزیستی دارند. ابزارهای دیجیتال بستری را برای ثبت، ذخیره و تجزیه و تحلیل دانش فراهم می کنند. ادغام مدیریت دانش با راه حل های دیجیتالی مانند هوش مصنوعی یا پزشکی از راه دور به سازمان ها اجازه می دهد تا از داده ها برای مراقبت فوری و یادگیری بلندمدت استفاده کنند.

¹⁵⁰ . Knowledge Management

¹⁵¹ . Dalkir

¹⁵² . Davenport and Prusak

¹⁵³ . Gold

سیستم های مدیریت دانش^{۱۵۴} (KMS) به عنوان واسطه بین مدیریت دانش و تحول دیجیتال عمل می کنند و این رابطه را تقویت کرده و قابلیت های نوآوری را بهبود می بخشند. تحول دیجیتال ابزارها و پلتفرم ها را فراهم می کند، در حالی که مدیریت دانش اطمینان می دهد که از اطلاعات مناسب به طور مؤثر برای هدایت نوآوری، همکاری و موفقیت کلی سازمان استفاده می شود. نوآوری دیجیتالی می تواند با بهبود فرآیندهای داخلی و افزایش کارایی کار از راه دور بر فرآیندهای مدیریت دانش تأثیر بگذارد. مدیریت دانش برای موفقیت تحول دیجیتال حیاتی است. نوآوری دیجیتالی می تواند از طریق دسترسی آسان تر به دانش، عملیات ساده تر از طریق راه حل های مدیریت دانش و سرمایه گذاری در فناوری های جدید مدیریت دانش، درآمد را افزایش دهد. هم افزایی بین نوآوری دیجیتالی و مدیریت دانش تأثیر مثبت قابل توجهی بر اقتصاد کسب و کار بین المللی دارد و کارایی عملیاتی را بهبود بخشیده و نوآوری را تسریع می کند (میکالف و گوپتا^{۱۵۵}، ۲۰۲۱).

۲-۴. پیشنهاد پژوهش

بولخر و آتیتا^{۱۵۶} (۲۰۲۵)، در پژوهشی با عنوان "تأثیر تحول دیجیتال بر عملکرد تعاونی های صنعتگر در مراکش" با بررسی ۵۰ شرکت تعاونی صنعتی در مراکش بیان می کنند که دیجیتال سازی موجب بهبود دیده شدن تعاونی ها، دسترسی بهتر به منابع مالی و بین المللی شدن فعالیت ها می شود. با این حال، موفقیت دیجیتال سازی وابسته به آموزش مستمر اعضا، سیاست گذاری حمایتی و دسترسی به اینترنت پایدار است. نتایج پژوهش حاکی از این است که دیجیتال سازی نه تنها یک ابزار فناورانه بلکه یک استراتژی تحول ساز برای تعاونی های سنتی محسوب می شود. همچنین موفقیت دیجیتال سازی در تعاونی ها نیازمند رویکرد سیستمی و تلفیقی میان زیرساخت، آموزش، منابع مالی و سیاست گذاری است و اثرگذاری در بلندمدت بسیار چشمگیرتر از کوتاه مدت است.

کائو^{۱۵۷} و همکاران (۲۰۲۵)، در مطالعه ای با عنوان "درک انگیزه های تعاونی های کشاورزان برای پذیرش فناوری دیجیتال" انگیزه های پذیرش فناوری های دیجیتال توسط تعاونی های کشاورزی را در کشور چین و مورد بررسی قرار می دهد. در کشور چین، به رغم تلاش های دولت برای گسترش کشاورزی دیجیتال، نرخ پذیرش این فناوری ها در تعاونی ها هنوز پایین است. دلایل عدم رغبت به پذیرش فناوری را می توان هزینه های بالا، پیچیدگی فناوری، نبود آموزش کافی، و کمبود زیرساخت های دیجیتال دانست. در این مطالعه از داده های مربوط به ۲۳۰ تعاونی کشاورزی در استان سیچوان کشور چین استفاده شده و با استفاده از روش معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) تحلیل و بررسی صورت گرفته است. پژوهش مذکور، شش متغیر اصلی شامل حمایت دولت، شایستگی سازمانی، مزیت

¹⁵⁴ . Knowledge Management Systems

¹⁵⁵ . Mikalef & Gupta

¹⁵⁶ . Boulkhir & Atitaou

¹⁵⁷ . Cao

رقابتی، سهولت استفاده ادراک شده، سودمندی ادراک شده، و قصد پذیرش فناوری دیجیتال و دو متغیر میانجی شامل استفاده از اینترنت و آموزش حرفه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حمایت دولت باعث بهبود وضعیت سهولت استفاده و سودمندی ادراک شده دارد. سودمندی درک شده بیشترین تأثیر را بر قصد پذیرش فناوری دیجیتال دارد. همچنین استفاده از اینترنت و آموزش حرفه‌ای می‌تواند باعث وضعیت بهتر سودمندی ادراک شده گردد و بر قصد پذیرش فناوری دیجیتال نیز تأثیر بگذارد.

مینزار و میشر^{۱۵۸} (۲۰۲۴)، در مطالعه‌ای با عنوان "تحول دیجیتال در تعاونی‌ها فرصت‌ها و چالش‌ها"، بیان می‌کنند که انگیزه‌های اصلی شرکت‌های تعاونی برای ورود به مسیر دیجیتال عبارتند از: افزایش کارایی عملیاتی، ارتقاء تعامل با اعضا، دسترسی به بازارهای جدید و شفافیت و پاسخگویی. همچنین چالش‌های کلیدی در مسیر تحول دیجیتال عبارتند از: شکاف دیجیتال و ضعف سواد فناوری، کمبود زیرساخت، محدودیت منابع مالی، مقاومت فرهنگی، ریسک‌های امنیتی و ضعف دولت در سیاست‌های حمایتی. نتایج پژوهش بیان می‌کند که ظرفیت بالقوه تعاونی‌ها برای پذیرش فناوری بسیار بالا می‌باشد اما چالش‌های زیرساختی، فرهنگی، مالی و دانشی مانع بهره‌برداری از این ظرفیت شده‌اند. در نهایت محققان توصیه می‌کنند برای دستیابی به موفقیت در این مسیر، مشارکت همه‌جانبه میان دولت، دانشگاه‌ها، بخش خصوصی و تعاونی‌ها ضروری می‌باشد.

کریمی و همکاران (۲۰۲۴)، در پژوهشی با عنوان "برنامه مدیریت دانش بازارمحور در تعاونی‌های تولیدی" به بررسی رویکرد جدیدی می‌پردازند که بر اساس آن سازمان‌ها تلاش می‌کنند محصولات و خدمات خود را بر اساس درک عمیق‌تری از بازار طراحی و ارائه کنند. پژوهشگران در این مطالعه به شناسایی عوامل کلیدی موفقیت و پیامدهای پیاده‌سازی مدیریت دانش بازارمحور در تعاونی‌ها با استفاده از روش نقشه شناختی فازی می‌پردازند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت دانش بازارمحور به‌عنوان رویکردی نوین، پاسخی به نیازهای سازمان‌های کوچک و تعاونی است که در معرض رقابت‌های فزاینده و تغییرات سریع بازار قرار دارند. همچنین عوامل کلیدی موفقیت شرکت‌های تعاونی، شامل تعهد رهبری ارشد، زیرساخت فناوری اطلاعات، فرهنگی یادگیری و ساختار پاداش‌دهی مبتنی بر دانش شناسایی شدند. همچنین پژوهش بیان می‌کند که اجرای برنامه مدیریت دانش بازارمحور در شرکت باعث افزایش نوآوری در محصولات و خدمات، بهبود تصمیم‌گیری بازاریابی، چابکی سازمان و بهبود تعاملات درون‌سازمانی می‌گردد.

علی^{۱۵۹} و همکاران (۲۰۲۳)، در مطالعه‌ای با عنوان "سطح پیاده‌سازی مدیریت دانش در تعاونی‌های با اندازه متوسط در مالزی" با استفاده از مدل معادلات ساختاری و تحلیل اطلاعات ۵۴۵ شرکت تعاونی به بررسی سطح پیاده‌سازی مدیریت دانش در این شرکت‌ها پرداخته‌اند. در این پژوهش سه عامل زیرساختی برای موفقیت مدیریت دانش معرفی می‌گردد. فرهنگ (منابع انسانی) شامل تعامل، اعتماد،

¹⁵⁸ . Minzar & Mishra

¹⁵⁹ . Ali

چشم‌انداز مشترک، ارزش‌های سازمانی و خودمدیریتی؛ ساختار حاکمیتی (فرآیندی) شامل سیاست‌ها، رویه‌ها، روابط رسمی و سیستم‌های تشویقی و فناوری شامل فناوری‌های اطلاعات، کشف دانش، همکاری، یادگیری توزیع‌شده و امنیت اطلاعات. نتایج این پژوهش نقش مدیریت دانش را در افزایش تاب‌آوری سازمانی، شفافیت مالی و ایجاد ارزش اجتماعی در تعاونی‌ها مورد تأکید قرار می‌دهد. همچنین فرهنگ مشارکت، گفت‌وگو، اعتماد و چشم‌انداز مشترک، بیشترین نقش را در اثربخشی سازمانی داشتند. تعاونی‌هایی که فضای تعامل و تسهیم دانش دارند، عملکرد بهتری نشان دادند. ساختار رسمی، رویه‌های مشخص و سیستم‌های انگیزشی در تسهیم و استفاده از دانش مؤثر بودند. وجود ساختار گزارش‌دهی استاندارد و مشوق‌های سازمانی به ارتقاء پویایی کمک کرده است. فناوری‌های اطلاعاتی، سامانه‌های گزارش‌گیری، و ابزارهای یادگیری توزیع‌شده به تسهیم و نگهداری دانش کمک کرده‌اند.

لیو و ژانگ^{۱۶۰} (۲۰۲۳)، در مطالعه‌ای با عنوان "تأثیر اقتصاد دیجیتال بر توسعه با کیفیت بالا در تعاونی‌های تخصصی کشاورزی" نشان می‌دهند که اقتصاد دیجیتال به‌طور معناداری به بهبود نوآوری فناورانه و توسعه با کیفیت تعاونی‌ها کمک کرده است. همچنین اقتصاد دیجیتال با افزایش دسترسی به فناوری‌های نو، موجب بهبود کارایی، ارتقاء کیفیت و کاهش وابستگی به نیروی کار ارزان در تعاونی‌ها می‌شود. نتایج تحقیق حاکی از این است که اقتصاد دیجیتال، در صورت بهره‌برداری مناسب، می‌تواند یکی از مؤلفه‌های کلیدی برای تحول ساختاری، ارتقاء عملکرد و پایداری تعاونی‌های کشاورزی در کشورهای در حال توسعه باشد. با این حال، برای بهره‌برداری حداکثری، باید شرایط نهادی، سطح سواد دیجیتال، زیرساخت‌ها و منابع مالی نیز تقویت شوند.

آرپین^{۱۶۱} و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهشی با عنوان "نوآوری دیجیتال و مدیریت دانش، جدیدترین رویکردها در تجارت بین‌الملل در اندونزی" با مرور نظام‌مند بیش از ۷۰ مقاله در بازه زمانی ۲۰۲۳-۲۰۱۰ نشان می‌دهند که شرکت‌ها با نوآوری دیجیتال می‌توانند ساختارهای سنتی را بازتعریف و مدل‌های ترکیبی مانند پلتفرم‌محور، اشتراکی و اکوسیستم‌های باز را پیاده‌سازی کنند و برای تحقق نوآوری دیجیتال، سازمان‌ها نیازمند زیرساخت‌هایی در سطح فناوری اطلاعات، امنیت سایبری و منابع انسانی دیجیتال‌گرا می‌باشند. پژوهش بیان می‌کند که موانع در ادغام نوآوری دیجیتال و مدیریت دانش در اندونزی عبارتند از: تنوع فرهنگی بالا، عدم هماهنگی سیاست‌های دولتی و کمبود نیروی انسانی متخصص. همچنین استراتژی‌های پیاده‌سازی موفق در این زمینه عبارتند از: ترکیب مدیریت دانش با دیجیتال مارکتینگ، آموزش دیجیتالی کارکنان مبتنی بر نقشه‌های دانشی و استفاده از فناوری در کشف و ذخیره دانش پنهان. نتایج پژوهش حاکی از این است که بیشتر سازمان‌های متوسط و کوچک در کشور اندونزی در مرحله ابتدایی دیجیتال‌سازی قرار دارند و هنوز سیستم‌های رسمی مدیریت دانش ندارند. با این حال، شرکت‌هایی که از پلتفرم‌های اجتماعی برای آموزش کارکنان استفاده

¹⁶⁰ . Liu & Zhang

¹⁶¹ . Aripin

کرده‌اند، عملکرد بهتری در مواجهه با تغییرات بازار نشان داده‌اند. همچنین سازمان‌هایی که از فناوری‌های تحلیل کلان‌داده استفاده می‌کنند، چرخه‌های مدیریت دانش سریع‌تر و عمیق‌تری دارند. بدین ترتیب تعامل بین نوآوری دیجیتال و مدیریت دانش، نقطه‌ی اتصال جدیدی در ادبیات تجارت جهانی به‌ویژه در بازارهای در حال رشد مانند اندونزی ایجاد کرده است. این هم‌افزایی می‌تواند منشأ تحول در رقابت‌پذیری، نوآوری در مدل‌های کسب و کار، و ایجاد زنجیره‌های تأمین دانش محور باشد.

فسل^{۱۶۲} و همکاران (۲۰۲۰)، در مطالعه‌ای با عنوان "روش طراحی مشارکتی برای سازمان‌های کوچک و متوسط به منظور پذیرش فناوری‌های جدید برای مدیریت دانش" بیان می‌کنند که این سازمان‌ها از یک طرف، نیاز به رقابت‌پذیری و بهره‌وری بیشتر از طریق پذیرش فناوری‌های جدید دارند و از طرف دیگر، برای اتخاذ و پیاده‌سازی این فناوری‌ها با محدودیت منابع مالی و دانشی روبرو هستند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سازمان باید ابتدا قابلیت دریافت و درک دانش خارجی را داشته باشد تا بتواند آن را به دانش عملیاتی تبدیل کند و در سازمان‌های متوسط و کوچک، ظرفیت جذب متأثر از فرهنگ سازمانی، تجربه پیشین، و ساختار یادگیری غیررسمی است. در این تحقیق از رویکرد طراحی مشارکتی^{۱۶۳} استفاده می‌گردد که رویکرد اجتماعی، تکنیکی برای طراحی راه‌حل‌های فناورانه است و در آن کاربران نهایی، طراحان و متخصصان به‌صورت مشترک در طراحی، توسعه و ارزیابی یک راه‌حل مشارکت دارند. سازمان‌های کوچک و متوسط به دلیل ساختار افقی، اعتماد درون‌سازمانی بالا و نزدیکی مدیران به عملیات روزمره، بستر مناسبی برای پیاده‌سازی طراحی مشارکتی در اختیار دارند. استفاده از این رویکرد هزینه‌های شکست فناوری را کاهش می‌دهد، دانش کارکنان را به‌صورت طبیعی در طراحی دخیل می‌کند، منجر به راه‌حل‌هایی متناسب با زمینه عملیاتی واقعی می‌شود و تصمیم‌گیری درباره پذیرش فناوری را تسهیل می‌کند.

وازیندا^{۱۶۴} و همکاران (۲۰۱۹)، در مطالعه‌ای با عنوان "استقرار مدیریت دانش در تعاونی‌های پس‌انداز و اعتباری نایروبی، کنیا" با بررسی راهکارها، موانع و ظرفیت‌های پیاده‌سازی مدیریت دانش در تعاونی‌های پس‌انداز و اعتباری نشان می‌دهند که شرکت‌های تعاونی پس‌انداز و اعتباری در استفاده مؤثر از دانش در سطوح عملیاتی، مالی و ارتباط با اعضا، ضعف‌های ساختاری داشته‌اند اما در شرکت‌هایی که فرهنگ اشتراک دانش وجود داشته است، پایداری مالی بیشتر دیده شده است. محقق بیان می‌کند که عامل اصلی انتقال دانش در این شرکت‌ها، روابط دوستانه بین کارکنان است و مانع اصلی انتقال دانش نیز شامل فرهنگ سازمانی بسته و محدود، رقابت ناسالم میان کارکنان، فقدان رهبران دانشی، فقدان ساختارهای رسمی و منابع مالی جهت استقرار مدیریت دانش و فقدان انگیزه‌های شخصی برای اشتراک‌گذاری دانش می‌باشد. یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، فقدان ساختار رسمی و نظام‌مند مدیریت دانش در شرکت

¹⁶² . Fessl

¹⁶³ . Cooperative Design

¹⁶⁴ . Wasinda

تعاونی‌های بررسی شده است، بدین صورت که فرآیندهای خلق، ذخیره‌سازی، تسهیم و کاربرد دانش به صورت پراکنده، غیرمتمرکز و عمدتاً اتفاقی انجام می‌شد. این رویه باعث می‌گردد دانش انباشته شده به سختی قابل انتقال، ذخیره یا بازیابی باشد و در صورت خروج کارکنان، از بین برود.

بلالی و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی عوامل اثرگذار در بهبود عملکرد شرکتهای تعاونی تولید روستایی در شهرستان سوادکوه "عوامل تأثیرگذار بر عملکرد تعاونی‌های روستایی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این مطالعه بیان می‌کند که استقرار مدیریت دانش، شناخت وظایف و اهداف تعاونی، ارتباط مؤثر با سازمان‌های مرتبط و حس مشارکت‌پذیری تأثیر مستقیم بر بهبود عملکرد شرکت‌های تعاونی خواهد داشت. بدین ترتیب، پژوهش فوق نتیجه می‌گیرد که آموزش و توانمندسازی اعضا از طریق پیاده‌سازی اصول مدیریت دانش و همچنین ایجاد بانک اطلاعاتی تعاونی‌ها و مستندسازی تجربیات موفق و ارزیابی مستمر عملکرد تعاونی‌ها از طریق روش‌های اصولی مدیریت دانش می‌تواند منجر به بهبود عملکرد تعاونی‌های روستایی، افزایش مشارکت مردمی و دستیابی به اهداف توسعه روستایی پایدار و در نتیجه رشد تولید ملی گردد.

سپهردوست و زمانی شبخانه (۲۰۱۵)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "بررسی نقش تعاونی‌ها در ایجاد انگیزه‌های مشارکتی و توسعه اقتصادی" با بررسی کلیه تعاونی‌های ثبت شده در کشور (شهری و روستایی، کارگری و غیر کارگری، تولیدی و مصرفی) طی دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی بیان می‌کند که رابطه مثبت و معناداری بین فعالیت تعاونی‌ها و تقویت همبستگی اجتماعی و مشارکت سیاسی افراد جامعه وجود دارد.

بیدن^{۱۶۵} (۲۰۰۷)، در پژوهشی با عنوان "مدیریت دانش به عنوان عامل کلیدی موفقیت در رشد تعاونی‌ها در مالزی" بیان می‌کند که مدیریت دانش در تعاونی‌ها می‌تواند موجب حفظ و انتقال تجربیات ارزشمند، کاهش اتکای سازمان به افراد خاص، ارتقای تصمیم‌گیری مشارکتی، تسهیل تعاملات تعاونی و محیط‌های خارجی و ایجاد فضای یادگیرنده و خلاق گردد. همچنین پژوهش به معرفی مؤلفه‌های کلیدی در پیاده‌سازی مدیریت دانش در تعاونی‌ها می‌پردازد. این مؤلفه‌ها شامل منابع انسانی دانش، ساختار یادگیری سازمانی و ابزارهای فناوری اطلاعات می‌گردد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که چالش‌های اجرای مدیریت دانش در تعاونی‌ها عبارتند از نبود فرهنگ مستندسازی و تسهیم دانش، فقدان انگیزه در میان مدیران سنتی، ضعف در زیرساخت فناوری، عدم هماهنگی بین تعاونی‌ها برای یادگیری جمعی و مقاومت در برابر تغییر ساختار سنتی.

۳. شرکت‌های تعاونی، نوآوری دیجیتالی، مدیریت دانش

در قانون تجارت، شرکت تعاونی بدین صورت تعریف می شود: «شرکتی که از اشخاص حقیقی و یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندی های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی شرکاء از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان و تشویق به پس اندازی موافق اصولی که در این قانون مطرح است تشکیل می شود.» بنابراین شرکت های تعاونی حوزه ی کاری بسیار متنوعی دارند و در بخش های مختلف اقتصادی می توان انواع شرکت تعاونی را مورد بررسی قرار داد. با توجه به این که پژوهش حاضر شرکت های تعاونی را به صورت مفهوم عام در نظر می گیرد، درگیر جزئیات مربوط به شرکت های تعاونی نمی شود. به طور کلی شرکت های تعاونی را می توان بر اساس حوزه فعالیت به سه دسته تقسیم نمود:

تعاونی های تولیدی: به شرکت هایی گفته می شود که توسط کارگران و مالکان با هدف تولید کالا اداره می شود.
تعاونی های مصرف: به شرکت هایی گفته می شود که توسط مصرف کنندگان و با هدف تأمین کالاها و خدمات مورد نیاز اعضا با قیمت مناسب و کیفیت مطلوب تشکیل می شود.
تعاونی های اعتباری: مؤسسات مالی با منافع مشترک هستند که توسط اعضا و با هدف ارائه خدمات بانکی مقرون به صرفه اداره می شوند.

ویژگی های^{۱۶۶} شرکت تعاونی: تعاونی ها انجمن های خودمختار افرادی هستند که به طور داوطلبانه برای رفع نیازهای مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود از طریق یک بنگاه اقتصادی با مالکیت مشترک و کنترل دموکراتیک متحد می شوند. آنها انجمن های باز و داوطلبانه با ساختار دموکراتیک هستند که در آن هر عضو یک رأی دارد و نتایج اقتصادی به طور عادلانه و بر اساس حجم معاملات توزیع می شود. تعاونی ها به نیازهای اعضای خود خدمت می کنند و اعضا در سرمایه تعاونی مشارکت می کنند.
ساختار^{۱۶۷} شرکت تعاونی: تعاونی ها با توجه به ساختار مالکیت می توانند اشکال مختلفی داشته باشند، از جمله تعاونی های مصرف کننده، تعاونی های کارگری، تعاونی های تولید کننده، تعاونی های خرید/خدمات مشترک و تعاونی های چند ذینفع. آنها بر اساس هفت اصل عمل می کنند: عضویت داوطلبانه و آزاد، کنترل دموکراتیک اعضا، مشارکت اقتصادی اعضا، خودمختاری و استقلال، آموزش، تربیت و اطلاعات، همکاری بین تعاونی ها و توجه به جامعه.

همان طور که ذکر شد، حیطه کاری شرکت تعاونی در این پژوهش مدنظر قرار نمی گیرد و نوآوری های دیجیتالی صرفنظر از نوع تعاونی می توانند برای بقای شرکت و بالابردن بازدهی و بهره وری شرکت مورد استفاده قرار بگیرند. پیاده سازی مدیریت دانش در این فرآیند نقش تسهیل گری را ایفا می کند و با ذخیره، بازیابی و انتقال دانش مربوط به نوآوری های دیجیتالی، پذیرش فناوری را در شرکت

¹⁶⁶ . Characteristics

¹⁶⁷ . Structure

بالا می‌برد. به طور کلی شرکت‌های تعاونی، سازمان‌هایی غیرمتمرکز و بر پایه مشارکت داوطلبانه می‌باشند و معمولاً منابع محدودی دارند. این ویژگی‌ها فرصت‌ها و محدودیت‌های خاصی در رویارویی با نوآوری‌ها بخصوص نوآوری‌های دیجیتال ایجاد می‌کنند.

۱-۳. نوآوری دیجیتالی و مدیریت دانش

مطالعات مختلف بر نقش کلیدی آموزش، مشارکت اعضا، سطح سواد، سرمایه‌گذاری، سابقه عضویت و آگاهی عمومی در موفقیت تعاونی‌ها تأکید کرده‌اند (رودریگز^{۱۶۸}، ۲۰۱۳). در دهه‌های اخیر، مدیریت دانش به عنوان یکی از حیاتی‌ترین رویکردهای نوین مدیریتی، به ویژه در سازمان‌های بزرگ، مورد توجه قرار گرفته است. با پیچیده‌تر شدن فرآیندهای سازمانی، نیاز به گردآوری، ذخیره‌سازی، انتقال و به کارگیری دانش به شیوه‌ای هدفمند بیش از پیش احساس می‌شود.

بنابراین پیاده سازی مدیریت دانش در شرکت‌های تعاونی به معنای استفاده از دانش و تکنولوژی روز، باعث می‌شود مسیر حرکت شرکت اصلاح گردد. آموزش‌های تخصصی در شرکت‌های تعاونی، مانند آموزش نرم‌افزارهای حسابداری، تکنیک‌های نوین بازاریابی، شیوه‌های مدرن مدیریت منابع انسانی و مدیریت فناوری به مدیران و اعضای تعاونی کمک می‌کند تا با اتخاذ تصمیمات بهینه، عملکرد شرکت را به صورت کارآمدتری مدیریت نمایند. آموزش در زمینه روش‌های جدید تولید و روش‌های نوین ارائه خدمات، منجر به افزایش کیفیت محصولات تولیدی می‌گردد و هزینه‌ها را به صورت چشم‌گیری کاهش خواهد داد. همچنین آموزش‌های تخصصی می‌تواند ایده‌های جدید را پرورش دهد و کسب و کار شرکت تعاونی را توسعه و گسترش دهد. امانی^{۱۶۹} (۲۰۱۱) و رایدر^{۱۷۰} (۲۰۰۵) در مطالعات مختلفی بیان می‌کنند که آموزش کارکنان و مدیران، تبادل تجربیات بین کارکنان شرکت و دسترسی به منابع اطلاعاتی باعث رشد و توسعه شرکت‌های تعاونی می‌گردد. پیاده سازی مدیریت دانش باعث توسعه نوآوری‌ها در شرکت تعاونی می‌شود. در دنیای امروز، نوآوری به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای رقابت‌پذیری سازمان‌ها شناخته می‌شود. در این میان، تعاونی‌های کشاورزی و روستایی به عنوان ساختارهای اجتماعی و اقتصادی مهمی که در توسعه پایدار روستایی نقش دارند، نیازمند مدیریت نوآورانه برای بقا و رشد در بازارهای رقابتی هستند. ضعف در مهارت‌های نوآوری مدیران تعاونی‌های روستایی یکی از موانع اصلی توسعه شرکت‌های تعاونی می‌باشد (سلطانی، ۱۳۹۹).

ابراهیم زاده و بریمانی (۱۳۸۴) و محمدی (۱۳۸۸) بر اهمیت تعاونی‌ها در افزایش سرمایه اجتماعی، توسعه مشارکت مدنی، و تحقق عدالت اجتماعی تأکید کرده‌اند. بدین ترتیب تعاونی‌ها می‌توانند به طور مستقیم در رشد و توسعه اقتصادی نقش داشته باشند. افزایش سهم بخش تعاون در اشتغال و تولید ناخالص داخلی باعث رشد نسبی در تولید ناخالص ملی همراه بوده است (سپهردوست، ۱۳۹۴).

¹⁶⁸ . Rodriguez

¹⁶⁹ . Ommami

¹⁷⁰ . Rhidre

تقویت سرمایه اجتماعی و ارتقاء انگیزه‌های مشارکتی از طریق گسترش شرکت‌های تعاونی، مسیر تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار را هموار خواهد کرد.

در ادبیات توسعه نیز، تعاونی‌ها نقش واسط میان تولیدکنندگان، دولت و مصرف‌کنندگان را ایفا می‌کنند و یکی از راهکارهای مؤثر برای تحقق اهداف توسعه پایدار محسوب می‌شوند. مطالعات پیشین نشان داده‌اند که عملکرد موفق تعاونی‌ها می‌تواند به افزایش بهره‌وری کشاورزی، تقویت انسجام اجتماعی، کاهش فقر و مهاجرت، و بهبود معیشت روستاییان منجر شود (بلالی و همکاران، ۲۰۱۸). سرمایه اجتماعی و انسجام سازمانی در توسعه تعاونی‌ها نقش اساسی دارند (آلتمن^{۱۷۱}، ۲۰۱۵).

شرکت‌های تعاونی روستایی به عنوان یکی از انواع شرکت‌های تعاونی همواره به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در توسعه پایدار در بسیاری از کشورها مطرح بوده‌اند. نقش این شرکت‌ها در سازماندهی منابع انسانی، ارتقاء سطح بهره‌وری، توسعه زیرساخت‌های کشاورزی و بهبود معیشت افراد در دهه‌های اخیر در مطالعات متفاوتی به اثبات رسیده است (آقاجانی ورزنه، ۱۳۹۸). در کشور ایران نیز با توجه به ساختار گسترده روستاها و اهمیت بخش کشاورزی، نقش اولیه‌ی شرکت‌های تعاونی روستایی، واسطه‌ای برای ارائه خدمات به روستاییان می‌باشد و در کنار آن می‌توانند به عنوان ابزار مهمی برای کاهش فقر، افزایش اشتغال و مشارکت مردمی نیز عمل کنند (درویشی‌نیا، ۱۳۸۹). پیاده سازی اصول مدیریت دانش مانند مستندسازی اطلاعات مالی و برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی برای مدیران تعاونی‌های روستایی در حوزه‌های مدیریت نوآوری، فناوری‌های نوین و تصمیم‌گیری استراتژیک و ایجاد مراکز مشاوره و اطلاع‌رسانی نوآوری در سطح استان، شهرستان‌ها و روستاها برای ارتقاء آگاهی مدیران تعاونی‌ها باعث بهبود عملکرد شرکت‌های تعاونی می‌گردد. اصلاح ساختار قانونی با تکیه بر دانش روز و بازنگری در اساسنامه شرکت‌های تعاونی بر اساس تجربیات سایر شرکت‌ها به‌ویژه در خصوص نحوه تقسیم ذخایر و ارزش‌گذاری سهام می‌تواند باعث تسریع در رسیدن به اهداف شرکت تعاونی گردد (لوی^{۱۷۲}، ۲۰۰۰). انتخاب مدیران شایسته و تمرکز بر جذب نیروهای تحصیل کرده و آگاه به اصول تعاون در پست‌های مدیریتی، یکی دیگر از اصول پیاده سازی مدیریت دانش در شرکت‌های تعاونی است و باعث توسعه پایدار در شرکت می‌گردد (آمادئو^{۱۷۳}، ۲۰۱۱).

¹⁷¹ .Altman

¹⁷² . Levi

¹⁷³ . Amodeo

مطالعات مختلف نشان داده‌اند که سازمان‌هایی با فرهنگ تسهیم دانش و یادگیری مستمر، از ظرفیت بالاتری برای پذیرش فناوری‌های دیجیتال برخوردارند و شدت دانش¹⁷⁴ در سازمان و کیفیت فرآیندهای مدیریتی اثر مستقیم بر موفقیت نوآوری دارد (آندریوا و کیانتو^{۱۷۵}، ۲۰۱۱) این رابطه زمانی تقویت می‌شود که فرهنگ سازمانی نیز از نوآوری و یادگیری حمایت کند (دوپلسیز^{۱۷۶}، ۲۰۰۷). از منظر عملیاتی، نوآوری‌های دیجیتالی مانند هوش مصنوعی، اینترنت اشیا و کلان‌داده، در صورتی بیشترین اثربخشی را خواهند داشت که در بستر دانش و با آگاهی سازمانی اجرا شوند (نامبیسان، ۲۰۱۷). این تعامل متقابل، منجر به «نوآوری دانش محور دیجیتال» می‌شود؛ حالتی که در آن، دانش سازمانی و فناوری دیجیتال به‌طور هم‌زمان موجب افزایش انعطاف‌پذیری، خلاقیت و رقابت‌پذیری در سازمان می‌گردند.

در مجموع، می‌توان گفت که مدیریت دانش و نوآوری دیجیتال، نه تنها مکمل یکدیگرند، بلکه ارتباط آن‌ها به مثابه یک چرخه تقویت‌شونده عمل می‌کند؛ به گونه‌ای که ارتقای یکی به بهبود دیگری منجر می‌شود و در نهایت عملکرد کلی سازمان را در محیط‌های پرشتاب امروز ارتقا می‌دهد. نوآوری‌های دیجیتالی و مدیریت دانش رابطه‌ای همزیستی دارند. ابزارهای دیجیتال بسترهایی را برای ثبت، ذخیره و تجزیه و تحلیل دانش فراهم می‌کنند. ادغام مدیریت دانش با راه حل‌های دیجیتالی مانند هوش مصنوعی یا پزشکی از راه دور به سازمان‌ها اجازه می‌دهد تا از داده‌ها برای مراقبت فوری و یادگیری بلندمدت استفاده کنند.

سیستم‌های مدیریت دانش^{۱۷۷} (KMS) به عنوان واسطه بین مدیریت دانش و تحول دیجیتال عمل می‌کنند و این رابطه را تقویت و قابلیت‌های نوآوری را بهبود می‌بخشند. تحول دیجیتال ابزارها و پلتفرم‌ها را فراهم می‌کند، در حالی که مدیریت دانش اطمینان می‌دهد که از اطلاعات مناسب به‌طور مؤثر برای هدایت نوآوری، همکاری و موفقیت کلی سازمان استفاده می‌شود. نوآوری دیجیتالی می‌تواند با بهبود فرآیندهای داخلی و افزایش کارایی کار از راه دور بر فرآیندهای مدیریت دانش تأثیر بگذارد. مدیریت دانش برای موفقیت تحول دیجیتال حیاتی است. نوآوری دیجیتالی می‌تواند از طریق دسترسی آسان‌تر به دانش و راه‌حل‌های مدیریت دانش و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید مدیریت دانش، درآمد را افزایش دهد. هم‌افزایی بین نوآوری دیجیتالی و مدیریت دانش تأثیر مثبت قابل توجهی بر اقتصاد کسب و کار بین‌المللی دارد و کارایی عملیاتی را بهبود بخشیده و نوآوری را تسریع می‌کند.

¹⁷⁴ . Knowledge Intensity

¹⁷⁵ . Andreeva & Kianto

¹⁷⁶ . Du Plessis

¹⁷⁷ . Knowledge Management Systems

۳-۲. مدیریت دانش و تسهیل گردش اطلاعات در شرکت تعاونی

مدیریت دانش را می توان فرآیندی دانست که به موجب آن، دانش در یک سازمان شناسایی و ذخیره می شود تا بتواند به شکل بهتری در سازمان به کار گرفته شود. فرآیندی که شامل دانش صریح، به معنای مستندات و دستورالعمل ها و دانش ضمنی به معنای تجربیات و مهارت های فردی گردد. مدیریت دانش فرایند به دست آوردن، توزیع و استفاده مؤثر از دانش و یک فرایند ساختاریافته است که به جریان یافتن اطلاعات و دانش به افراد مناسب و در زمان مناسب کمک می کند. بدین ترتیب مدیریت دانش به کارکنان شرکت تعاونی امکان می دهد تا به طور کارآمد و مؤثر متوجه دانش شوند، آن را به اشتراک بگذارند و برای ایجاد ارزش از آن استفاده کنند. استقرار مدیریت دانش با مستندسازی اطلاعات مالی، قوانین، صورت جلسات برگزار شده در شرکت، این امکان را فراهم می کند که اعضای شرکت بتوانند به راحتی به داده های مورد نیاز خود دسترسی داشته باشند. بدین ترتیب شفافیت ایجاد شده از انحصار اطلاعات توسط گروه های خاص و ایجاد رانت اطلاعاتی جلوگیری می کند و اعتماد عمومی را افزایش می دهد. با استفاده از سامانه های مربوط به مدیریت دانش، آموزش های تخصصی شامل آموزش های حقوقی، مالی و مدیریتی در اختیار تمام اعضا قرار می گیرد و بدین ترتیب با ثبت آموزه های گذشته، از تکرار اشتباهات جلوگیری می شود و تصمیم گیری ها در تمام سطوح مدیریتی شرکت هوشمند خواهد شد. ابزارهای مدیریت دانش به سازماندهی، ذخیره و به اشتراک گذاری اطلاعات سازمان کمک می کنند و داده های ساختاریافته و بدون ساختار را ثبت می نمایند. این ابزارها شامل مدیریت دانش مبتنی بر هوش مصنوعی، پایگاه دانش، سیستم مدیریت یادگیری، نرم افزار مدیریت اسناد، سیستم مدیریت محتوا، نرم افزار مدیریت پروژه، نرم افزار پشتیبانی تصمیم گیری و پلتفرم های مدیریت دانش می باشند. به عنوان مثال مدیریت دانش مبتنی بر هوش مصنوعی با استفاده از فناوریهای پیشرفته مانند پردازش زبان طبیعی (NLP)، یادگیری ماشین (ML)، و تحلیل داده ها به شرکت های تعاونی کمک می کند تا جریان اطلاعات را بهینه سازی نمایند و تصمیم گیری های هوشمندانه تری داشته باشند. هوش مصنوعی با ایجاد پایگاه های دانش هوشمند، اطلاعات پراکنده در شرکت مانند اسناد، گزارش ها و تجربیات کارکنان را طبقه بندی و ذخیره می کند. همچنین می تواند اسناد متنی را تحلیل، خلاصه سازی و برچسب گذاری نماید تا در صورت وجود مشکل، بازیابی اطلاعات تسهیل گردد. در صورت استفاده از هوش مصنوعی می توان داده های تاریخی شرکت های تعاونی از قبیل داده های مربوط به فروش و داده های مربوط به عملکرد مالی را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد و روندها و الگوهای مفید را شناسایی کند. تحلیل داده ها منجر به ساخت مسیر تصمیم سازی مناسب و ارائه پیشنهادهای عملیاتی در جهت ارائه به مدیران گردد. با استفاده از پلتفرم های آموزشی مبتنی بر هوش مصنوعی می توان دوره های آموزشی شخصی سازی شده برای اعضا و کارکنان شرکت ایجاد نمود. پس از ارائه دوره های آموزشی نیز نظرات و بازخوردهای اعضای شرکت کننده در دوره را تحلیل نمود تا نقاط ضعف و قوت شناسایی شود و در جهت بهبود آن تلاش گردد. یک شرکت تعاونی با استفاده از هوش مصنوعی می تواند قیمت مناسب

محصولات و عوامل تولید را پیش‌بینی نماید، زنجیره تأمین را بهینه‌سازی کند و دانش فنی و به روز را در بین کارکنان و اعضا ترویج دهد.

مدیریت دانش مبتنی بر سیستم مدیریت یادگیری^{۱۷۸} (LMS) با تمرکز بر آموزش ساختاریافته، اشتراک دانش و بهبود مستمر، به شرکت‌های تعاونی کمک می‌کند تا اطلاعات را به صورت کارآمد گردش دهند. با استفاده از سیستم LMS، امکان آپلود و دسته‌بندی محتوای آموزشی شامل فیلم‌ها، اسناد و آزمون‌ها فراهم می‌گردد به صورتی که تمامی اعضای شرکت و کارکنان بتوانند به راحتی و در هر زمان به اطلاعات مورد نیاز دسترسی کامل داشته باشند. همچنین با پشتیبانی از آموزش الکترونیکی^{۱۷۹}، اعضای شرکت تعاونی در مناطق مختلف می‌توانند از منابع اطلاعاتی مربوط به حیطه فعالیت شرکت استفاده نمایند. سیستم مدیریت یادگیری امکان طراحی دوره‌های آموزشی متناسب با نیازهای خاص شرکت تعاونی همچون مدیریت مالی، آشنایی با قوانین شرکت تعاونی و آشنایی با مهارت‌های فروش را فراهم می‌سازد. در صورت استفاده از سیستم مدیریت یادگیری پیشرفته، امکان ایجاد انجمن‌های بحث و تبادل نظر ایجاد می‌شود تا از طریق این فضا روحیه پرسش و پاسخ و انتقال تجربیات بین اعضای شرکت تعاونی و کارکنان تقویت گردد (برای نمونه در شرکت تعاونی روستایی بحث در مورد بهترین روش‌های کشاورزی و یا روش‌های نوین کشاورزی و آبیاری می‌تواند منجر به افزایش تولید شرکت گردد). در انجمن‌های گفت و گو، اعضا می‌توانند دانش غیر رسمی خود شامل تجربیات شخصی و راه حل‌های عملی را در قالب پست، ویدئو یا کامنت به اشتراک بگذارند. با استفاده از LMS، آموزش‌های عمومی مانند آشنایی با قوانین شرکت تعاونی به صورت آنلاین ارائه می‌شود و نیاز به برگزاری جلسات فیزیکی کاهش می‌یابد.

سیستم مدیریت یادگیری در جهت انتشار اطلاعات شفاف نیز می‌تواند نقش مهمی را در شرکت تعاونی ایفا نماید. بدین صورت که مدیران شرکت می‌توانند گزارش‌های مالی، صورت‌جلسات و تصمیمات هیئت‌مدیره را از طریق LMS در اختیار اعضا قرار دهند تا مشارکت اعضا در حکمرانی شرکت تعاونی افزایش پیدا کند. با آموزش مفاهیم مدیریت تعاونی از طریق LMS اعضای شرکت بهتر می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های جمعی مشارکت داشته باشند.

۳-۳. شرکت‌های تعاونی و رشد تولید ملی

رشد تولید ملی یکی از اهداف کلان اقتصادی هر کشور است که از طریق افزایش بهره‌وری، توسعه سرمایه‌گذاری و مشارکت گسترده‌تر عوامل تولید محقق می‌شود. به بیان ساده‌تر؛ رشد تولید ملی به افزایش کالاهای سرمایه‌ای فیزیکی، بهبود فناوری، رشد نیروی کار و افزایش سرمایه انسانی بستگی دارد. عوامل دیگری مانند انباشت سرمایه، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، نیروهای اقتصادی جهانی، توسعه زیرساخت‌ها، ثبات سیاسی و تجارت و نوآوری بر رشد تولید ملی تأثیرگذار می‌باشند. شرکت‌های تعاونی با

¹⁷⁸ . Learning Management System

¹⁷⁹ . E-learning

ماهیت مشارکتی، غیرانتفاعی و مردمی، می‌توانند به عنوان مکانیسمی کارآمد در تحقق این اهداف عمل نمایند. بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار (ILO)، تعاونی‌ها حدود ۱۰٪ از اشتغال جهانی و بیش از ۲.۶ تریلیون دلار گردش مالی سالانه دارند (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۲۳). شرکت‌های تعاونی با تمرکز بر چهار محور اصلی بر رشد تولید ملی تأثیرگذار می‌باشند.

۳-۳-۱. افزایش سرمایه‌گذاری‌های خرد و کلان

شرکت‌های تعاونی با مکانیسم‌های منحصر به فرد خود، امکان تبدیل پس‌اندازهای کوچک به سرمایه‌گذاری‌های مولد را فراهم می‌کنند و با افزایش نرخ تشکیل سرمایه به توزیع عادلانه فرصت‌های سرمایه‌گذاری کمک می‌کنند. طبق ماده ۲ قانون بخش تعاونی ایران، مسئولیت مالی اعضا محدود به میزان سهم‌الشرکه آنان در شرکت تعاونی می‌باشد و این مسأله ریسک‌های مربوط به سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. همچنین بسیاری از شرکت‌های تعاونی با انتشار سهام بدون بهره، منابع مالی اعضای شرکت را جذب می‌کنند که این امر منجر به جمع‌آوری سرمایه‌های خرد و تبدیل آن به سرمایه‌گذاری کلان می‌گردد. منابع آماری نشان می‌دهند شرکت‌های تعاونی توانسته‌اند نرخ تشکیل سرمایه ثابت را افزایش دهند، به این صورت که سهم شرکت‌های تعاونی در سرمایه‌گذاری صنعتی از ۸٪ در سال ۱۳۹۰ به ۱۵٪ در سال ۱۴۰۰ رسیده است (گزارش مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). همچنین سازمان بین‌المللی اعلام کرده است که هر ۲۵ هزار دلار سرمایه‌گذاری در تعاونی‌های تولیدی به طور متوسط ۱۲ شغل ایجاد می‌نماید (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۲۲).

۳-۳-۲. بهبود بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تولید

شرکت‌های تعاونی با استفاده از مزیت‌های ساختاری خود در مدیریت مشارکتی، صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس^{۱۸۰} و کاهش هزینه‌های مبادله، سهم قابل توجهی در ارتقای بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تولید دارند؛ بنابراین تعاونی‌ها با ترکیب مزیت‌های مشارکتی و کارایی اقتصادی، ابزاری کارآمد برای بهبود بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها می‌باشند. صرفه‌جویی ناشی از مقیاس به کاهش هزینه‌های متوسط تولید در نتیجه افزایش حجم تولید اشاره دارد. به عبارت دیگر، وقتی یک شرکت یا بنگاه اقتصادی اندازه خود را گسترش می‌دهد و سطح تولیدش را افزایش می‌دهد، هزینه‌های سرشکن شده بر هر واحد کاهش می‌یابد و در نتیجه سودآوری و کارایی بهبود می‌یابد. یکی از دلایل ایجاد صرفه‌های مقیاس به دلیل خرید عمده نهاده‌های تولید توسط شرکت تعاونی می‌باشد. خرید عمده معمولاً تخفیف‌های قابل توجهی به همراه دارد. تأمین‌کنندگان به خریداران بزرگتر قیمت‌های پایین‌تری پیشنهاد می‌کنند، زیرا هزینه‌های توزیع و مبادله برای آنها کاهش می‌یابد. خرید عمده نهاده‌های تولید توسط شرکت تعاونی، هزینه‌های مذاکره، انعقاد قرارداد و نظارت بر

¹⁸⁰ . Economies of Scale

تحويل را کاهش می‌دهد. برای مثال یک شرکت تعاونی کشاورزی به جای ۱۰۰ مذاکره جداگانه، یک قرارداد واحد با تأمین کننده منعقد می‌کند. از طرف دیگر حمل مقدار زیاد نهاده در یک محموله، هزینه حمل و نقل به ازای هر واحد را به شکل ملموسی کاهش می‌دهد. همچنین خرید عمده، قدرت چانه‌زنی خریداران را افزایش می‌دهد و امکان خرید از تأمین کنندگان با کیفیت تر را فراهم می‌کند. در عین حال امکان استفاده از انبارهای بزرگ تر را ایجاد می‌کند و هزینه ذخیره سازی خرد را کاهش می‌دهد. بدین ترتیب، شرکت تعاونی می‌تواند با بهبود بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تولید، رقابت پذیری را در سطح صنعت افزایش دهد و باعث رشد تولید ملی گردد.

۳-۳-۳. توزیع عادلانه درآمد

شرکت‌های تعاونی با توجه به شرایط خاصی که دارند می‌توانند به توزیع عادلانه درآمد در اقتصاد کمک نمایند. در شرکت‌های تعاونی، مالکیت و کنترل به جای انباشت در دست افراد خاص (مانند سهامداران عمده در شرکت‌های سهامی)، بین اعضای شرکت تعاونی که معمولاً کارگران، کشاورزان و یا مصرف کنندگان هستند، توزیع می‌شود. در بسیاری از شرکت‌های تعاونی، نسبت بالاترین به پایین‌ترین دستمزد از ۸:۱ تجاوز نمی‌کند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). با توجه به اصول تقسیم سود در شرکت تعاونی، سود بر اساس میزان سرمایه گذاری تقسیم نمی‌شود، بلکه بر اساس میزان مشارکت اعضا مثلاً مقدار محصول عرضه شده و یا ساعت‌های کار توزیع می‌گردد. بدین ترتیب معمولاً کارگران یا تولید کنندگان خرد سهم بیشتری از درآمد را دریافت می‌کنند، بنابراین شکاف درآمدی بین سرمایه‌داران و نیروی کار کاهش می‌یابد.

از آنجایی که در شرکت تعاونی اعضای تعاونی در تصمیم‌گیری‌های اصلی شرکت مانند تعیین دستمزد و یا سرمایه‌گذاری‌ها حق رأی برابر دارند، از افزایش نامتناسب درآمد مدیران یا سهامداران عمده جلوگیری می‌شود و منابع به جای سودآوری فردی، به سمت نیازهای جامعه محلی هدایت می‌شود. همچنین شرکت‌های تعاونی با حذف واسطه‌ها، مثل دلالان یا شرکت‌های انحصاری درآمد بیشتری را به اعضای خود منتقل می‌کنند؛ بنابراین کشاورزان خرد یا تولید کنندگان کوچک از نوسانات قیمت بازار در امان می‌مانند.

۳-۳-۴. تقویت اقتصاد محلی و کاهش وابستگی به واردات

شرکت‌های تعاونی با ماهیت مردمی و محلی‌گرای خود، ابزاری کارآمد برای تقویت اقتصادهای محلی و کاهش وابستگی به واردات هستند. شرکت‌های تعاونی با ادغام فعالیت‌های بالادستی و پایین‌دستی، ارزش افزوده را در منطقه فعالیت خود حفظ می‌کنند. برای مثال شرکت تعاونی تولید لبنیات با کنترل نهاده و محصول از مزرعه تا فروشگاه می‌تواند باعث حفظ ارزش افزوده در منطقه گردد و یا اینکه شبکه‌ای از تعاونی‌های مرتبط را در منطقه محل فعالیت تشکیل دهد. همچنین یک شرکت تعاونی با اشتغال‌زایی پایدار در منطقه و توسعه زیرساخت‌های محلی، باعث توسعه اقتصاد محلی گردد.

شرکت‌های تعاونی با تولید نهاده‌های داخلی نیز می‌توانند باعث بهبود وضعیت اقتصاد محلی گردند؛ برای مثال تقویت تعاونی‌های تولید کود و بذر در ایران، اقتصاد را از نیاز به واردات این محصولات بی‌نیاز می‌کند، و یا تعاونی‌های ماشین‌سازی روستایی، با استفاده از فناوری‌های بومی‌سازیشده نیاز به واردات این ماشین‌ها را برطرف می‌سازد. تعاونی‌های کشاورزی در زمینه تولید محصولات کشاورزی مانند پسته و زعفران باعث افزایش صادرات غیرنفتی کشور می‌گردند و پایه‌های رشت تولید ملی را مستحکم می‌کنند.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در عصر دیجیتال، سازمان‌ها به‌ویژه شرکت‌های تعاونی برای حفظ بقا و رقابت‌پذیری در بازارهای متحول‌شونده، نیازمند تحول بنیادین در رویکردهای مدیریتی و فناوریانه خود هستند. مقاله حاضر با تمرکز بر رابطه میان نوآوری دیجیتال، مدیریت دانش و عملکرد شرکت‌های تعاونی، تلاش می‌کند تا نشان دهد که چگونه استفاده از فناوری‌های نوین می‌تواند محرک توسعه پایدار و بهره‌وری در این نهادهای اقتصادی مردمی باشد. همچنین نشان می‌دهد که چگونه نوآوری دیجیتال و مدیریت دانش می‌تواند زمینه‌ساز افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و تسهیل در تصمیم‌گیری‌های کلان و خرد سازمانی شوند.

بر اساس مرور نظری و تجربی، مشخص شد که نوآوری‌های دیجیتال، از جمله هوش مصنوعی، اینترنت اشیاء، بلاکچین، رایانش ابری، کلان‌داده و متاورس، می‌توانند فرآیندهای سنتی شرکت‌های تعاونی را به سیستم‌های هوشمند و چابک تبدیل کند و با کاهش هزینه‌ها، بهبود کیفیت خدمات، تسریع در تصمیم‌گیری و گسترش بازار، عملکرد آن‌ها را متحول سازد. همچنین، نشان داده شد که این تحولات تنها در صورت پیوند مؤثر با سیستم‌های مدیریت دانش سازمانی پایدار خواهند بود. چراکه مدیریت دانش، نقش پیشران در تبدیل داده‌ها و اطلاعات به دانش قابل استفاده و بهبود عملکرد ایفا می‌کند.

نتایج تحقیق بیان می‌کند صرف وجود فناوری، شرط کافی برای موفقیت نیست؛ بلکه پذیرش و کاربست مؤثر آن نیازمند بسترهای سازمانی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی مناسب است. به کارگیری چارچوب‌هایی مانند مدل TOE (فناوری، سازمان و محیط زیست) و مدل TAM (مدل پذیرش فناوری) به تحلیل عمیق‌تر از فرآیند پذیرش فناوری کمک می‌کند. در این میان، عواملی چون فرهنگ سازمانی، سطح آمادگی فناوریانه، آموزش نیروی انسانی، فشارهای رقابتی بازار، سیاست‌های حمایتی دولت و زیرساخت‌های دیجیتال ملی، نقش ویژه‌ای را در سرعت و کیفیت پذیرش نوآوری ایفا می‌کنند.

شرکت‌های تعاونی، به‌ویژه در بخش‌های کشاورزی، خدمات، مالی و تولیدی، با ظرفیت‌های گسترده خود می‌توانند به موتور محرک توسعه در جوامع محلی تبدیل شوند. با این حال، چالش‌هایی چون کمبود منابع مالی، ضعف سواد دیجیتال، مقاومت فرهنگی در برابر تغییر، و نبود سیاست‌های منسجم دولتی، موانعی جدی در مسیر دیجیتالی شدن این نهادها هستند. با تکیه بر تجارب بین‌المللی و

مطالعات انجام شده در سایر کشورها، می توان راهکارهایی را برای تقویت نقش نوآوری دیجیتال و مدیریت دانش در تعاونی ها پیشنهاد نمود:

- طراحی استراتژی تحول دیجیتال با مشارکت اعضا: تدوین برنامه تحول دیجیتال باید به صورت مشارکتی و با در نظر گرفتن نیازها، نگرانی ها و تجارب اعضای تعاونی انجام گیرد تا پذیرش و اجرا آسان تر شود.
- نهادهای سازی سیستم مدیریت دانش: ایجاد پلتفرم های دانش محور جهت ذخیره سازی، اشتراک گذاری، و بازیابی دانش سازمانی به منظور حفظ تجربیات و انتقال آن به نسل های آینده.
- ارتقای سواد دیجیتال و فرهنگ فناوری در بین اعضا و مدیران: برگزاری آموزش های مستمر در حوزه فناوری های نو، داده محوری، امنیت اطلاعات و نوآوری برای مدیران، کارکنان و اعضا.
- تقویت زیرساخت های فناوری با استفاده از راه حل های مقرون به صرفه: بهره گیری از سرویس های ابری، نرم افزارهای متن باز و خدمات دیجیتال بومی با هزینه پایین برای پیاده سازی فناوری در سازمان.
- ایجاد مشوق های دولتی و قانونی: پیشنهاد تدوین سیاست های حمایتی از سوی دولت برای توسعه فناوری در تعاونی ها، شامل تسهیلات مالیاتی، وام های کم بهره و حمایت های مشاوره ای.
- استفاده از مدل های موفق جهانی: الگوبرداری از تعاونی های موفق در سایر کشورها در زمینه تحول دیجیتال و انطباق تجارب آنها با بستر بومی کشور.
- گسترش همکاری های بین تعاونی و شبکه ای: تقویت ارتباطات بین تعاونی ها در سطح منطقه ای و ملی جهت انتقال فناوری، دانش و تجربه.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

منابع

سپهر دوست، ح.، زمان، ص. ۱۳۹۴. «بررسی نقش تعاونی‌ها در ایجاد انگیزه‌های مشارکتی و توسعه اقتصادی»، فصلنامه مطالعات ملی، ۳۶ (۴): ۱-۱۵.

صباغچی، ع.، شفیعی، ش.، و اسفیدانی، م. ر. ۱۴۰۰. «مفهوم‌سازی و شناسایی ابعاد اصلی نوآوری دیجیتال در سازمان‌های صنعتی». پژوهش‌های مدیریت صنعتی، ۱۴ (۳)، ۸۷۱-۸۹۹.

کریمی، م.، موسوی حجت، ن.، وحدتی، ح.، سپهوند، ر. ۱۴۰۳. «برنامه مدیریت دانش بازارمحور در تعاونی‌های تولیدی؛ شناسایی عوامل کلیدی موفقیت و پیامدهای پیاده‌سازی با FCM»، فصلنامه مدیریت راهبردی دانش سازمانی، ۷ (۲۶): ۶۷-۸۶.

Andreeva, T. and Kianto, A. (2011), "Knowledge processes, knowledge-intensity and innovation: a moderated mediation analysis", Journal of Knowledge Management, Vol. 15 No. 6, pp. 1016-1034

Ali, N. A., Nawawi, N., Kassim, N. A., Yatim, F. A., Hashim, N. H., Yakzam, R. C., & Rahman, S. A. (2023). Implementation Level of Knowledge Management of Medium Cluster Cooperatives in Malaysia. International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences, 13(7), 433 – 444.

Aripin, Z., Fitrianti, N. G., & Fatmasari, R. R. (2023). Digital innovation and knowledge management: The latest approaches in international business. A systematic literature review in the Indonesian context. *Kriez Academy*, 1(1), 1–15.

Balali, H., Movahedi, R., & Nazari-Kameroudi, J. (2018). Assessment the factors affecting the performance of rural cooperatives in Savadko, oh County, Mazandaran Province, Iran. Journal of Rural Research, 8(4), 577-590.

Bharadwaj, A., El Sawy, O.A., Pavlou, P.A., & Venkatraman, N. (2013). Digital Business Strategy: Toward a Next Generation of Insights. *MIS Quarterly*, 37(2), 471-482.

Boulkhir, L., Atitaou, A., & El Atoui, M. (2025). The impact of digital transformation on the performance of artisan cooperatives in the Marrakech-Safi region: A dynamic econometric analysis using the ARDL model. *Al-Risalah Forum Kajian Hukum dan Sosial Kemasyarakatan*.

Cao, A., Guo, L., & Li, H. (2025). Understanding farmer cooperatives' intention to adopt digital technology: Mediating effect of perceived ease of use and moderating effects of internet usage and training. *International Journal of Agricultural Sustainability*, 23(1), 2464523.

Dalkir, K. (2011). Knowledge management in theory and practice (2nd ed.). MIT Press.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Davenport, T. H., & Prusak, L. (1998). *Working Knowledge: How Organization Manage They Know*. Boston, MA: Harvard Business Review Press.

Du Plessis, M. (2007), "The role of knowledge management in innovation", *Journal of Knowledge Management*, Vol. 11 No. 4, pp. 20-29.

Fessl, A., Pammer-Schindler, V., Pata, K., Feyertag, S., Mottus, M., Janus, J., & Ley, T. (2020). A cooperative design method for SMEs to adopt new technologies for knowledge management: A multiple case study. *Journal of Universal Computer Science*, 26(9), 1189-1212.

Gold, A. H., Malhotra, A., & Segars, A. H. (2001). Knowledge management: An organizational capabilities perspective. *Journal of Management Information Systems*, 18(1), 185–214

Karimi, S.M., Mousavi, S.N., Vahdati, H., & Sepahvand, R. (2024). Market-oriented knowledge management program in production cooperatives; Identifying key success factors and consequences of implementation with FCM method (Case Study: production cooperatives). *Strategic Management of Organizational Knowledge*, 7(3), 67-86.

Liu, X., & Zhang, X. (2023). The impact of the digital economy on high-quality development of specialized farmers' cooperatives: Evidence from China. *Sustainability*, 15, 7958.

Minzar, M., & Mishra, M.K. (2024). Digital transformation in cooperatives: Opportunities and challenges. *IOSR Journal of Business and Management*, 26(10), 23-31.

Nambisan, S; Lyytinen, K; Majchrzak, A & Song, M. 2017. "Digital Innovation Management: Reinventing Innovation Management Research in a Digital World," *MIS Quarterly*, (41: 1) pp.223-238.

Wasinda, J.A., Kiplang'at, J. & Chebon, P. (2019). Knowledge Management among Savings and Credit Cooperatives (SACCOS) in Nairobi City County, Kenya. *Regional Journal of Information and Knowledge Management*, 4 (1),1-10.

Yeop Hussin Bidin. (2007). POSITIONING KNOWLEDGE MANAGEMENT AS KEY SUCCESS FACTOR IN THE GROWTH OF COOPERATIVES IN MALAYSIA. *Asian Academy of Management Journal*, 12(1), 69–82.

Analyzing the Role of Digital Innovation and Knowledge Management in Enhancing the Performance of Cooperative Enterprises with Emphasis on Sustainable Development, Public Participation, and Strengthening National Production



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract

Today, digital innovations have become one of the main pillars of growth and competitiveness for organizations. Digital innovations can enhance the performance of cooperative companies, leading to cost control and increased productivity. The present study examines knowledge management and the adoption of digital innovations in cooperative companies, as well as their impact on national production. It reveals that the adoption of digital technologies in cooperative companies faces certain challenges. In this context, knowledge management serves as a valuable tool that facilitates the adoption of digital technologies. By sharing information and providing specialized training, knowledge management can reduce resistance to innovation adoption and improve the performance of cooperative companies. Technologies such as artificial intelligence (AI), the Internet, and cloud computing can optimize production processes, reduce costs, and enhance the quality of products and services in cooperative companies. This research emphasizes the synergy between knowledge management and digital innovations, stating that the implementation of these two factors in companies, particularly cooperative ones, can drive national production growth and enhance competitiveness in the economy.

Keywords: Digital Innovation, Knowledge Management, Cooperative Company, National Product

Maryam Ramezani¹⁸¹

Mahdi Shahraeini¹⁸²

1. Assistant Professor at of Payame Noor University, Tehran, Iran
2. Graduate Student (M.A) at University of Sistan & Baluchestan

مشارکت و جایگاه تعاونیها در توسعه اقتصادی و رونق اشتغال و کارآفرینی در ایران

مهناز؛ رنجبر، دانشگاه پیام نور، گروه علمی منابع طبیعی و محیط زیست، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، دانشکده فنی و مهندسی، گروه کشاورزی و منابع طبیعی و طلبه حوزه علمیه جامعه الزهرا ی قم

چکیده

در عصر ما تعاون یک اهرم مناسب برای توسعه اقتصادی است که می تواند همگام با سیاستهای دولت در بهبود شرایط کار، زندگی، تولید، ارتقاء سطح درآمد و بهبود وضعیت اجتماعی مردم مؤثر باشد. دقیقاً بر همین اساس است که سازمانهای بین المللی مطمئن ترین و مناسبترین روش فقرزدایی و توسعه جوامع مختلف را در توسعه و ترویج نهضت میبینند. هدف در این مقاله مشارکت و جایگاه تعاونیها در توسعه اقتصادی و رونق اشتغال و کارآفرینی در ایران میباشد. در این مقاله با روش مطالعات کتابخانه ای و اسنادی بررسی و شناسایی منابع از پایگاههای اینترنتی مستند، اقدام به بررسی منابع صورت گرفت و با اطلاعات مربوط بعنوان تحقیق از طریق روش تحلیل محتوا مطالب تجزیه و تحلیل و نتایج استخراج شده است. نتایج نشان داد که اگر چه فعالیتهای زیادی باید از طرف ادارات تعاون برای جذب مردم و تشویق تعاونیها انجام گیرد لکن بخصوص در شهرهای کوچک، اقدامات ترویجی ادارات تعاون کافی نیست. همچنین تجربه سالهای پس از انقلاب اسلامی رشد ناچیز بخش تعاون را نشان داده است و از طرف دیگر برخی از تعاونیها که به صورت دولتی اداره میشوند زیان ده هستند. نکته مهم، بحث نیازسنجی در مناطق روستایی و محروم کشور است که باید از طرف ادارات تعاون و با کمک مراکز دانشگاهی کشور انجام گیرد. در نتیجه یکی از ارکان مهم در موفقیت تعاونیها بحث مدیریت است. یک شرکت تعاونی بدون یک مدیر باهوش، لایق و دلسوز هرگز موفق نخواهد شد رضایت اعضای تعاونی را تأمین نماید.

کلید واژه ها: مشارکت و جایگاه تعاونیها، رونق اشتغال و کارآفرینی، توسعه اقتصادی ایران

۱- مقدمه

ایجاد و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل؛ قراردادن وسایل کار در اختیار کسانی که قادر به کار هستند ولی وسایل کار ندارند؛ پیشگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی؛ جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت؛ قرار گرفتن مدیریت و سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق بهره برداری مستقیم از حاصل کار خود؛ پیشگیری از انحصار، احتکار، تورم و اضرار به غیر؛ توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه ی مردم جزو اهداف و ضوابط کلی قانون تعاون میباشد. برای تجمیع سرمایه های بزرگ راه های گوناگون وجود دارد که مدت ها مورد توجه کارشناسان اقتصاد دنیا قرار گرفته است. با تشکیل شرکت های بزرگ سهامی تعاونی تولید، تعاونی مصرف، تعاونی تولید و مصرف و... می توان سرمایه های بزرگ متعلق به سرمایه داری های کوچک

به وجود آورد و در راه ترقی و توسعه فعالیت‌های اقتصادی به کار انداخت. بی‌آنکه پای سرمایه‌داری و رباخواری به میان آید (شیرانی، ۱۳۶۸). یکی از دغدغه‌های اصلی کشور ما از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی بحث اشتغال و عدالت اجتماعی بوده است که تا به امروز هم ادامه دارد (ایمان دوست، ۱۳۸۴). پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، یکی از مصوبات مهم شورای انقلاب در آذرماه ۱۳۵۸، تصویب « طرح اشتغال سریع دیپلمه‌ها و فارغ‌التحصیلان بیکار » بود. اگر چه طرح مورد نظر در اجرا با مشکلاتی مواجه شد لیکن عزم شورای انقلاب را برای بهبود وضع اشتغال نمایان می‌سازد. این طرح به منظور اشتغال سریع این بیکاران و دیگر سطوح نیروی انسانی تهیه شده بود. روش اجرای این طرح، انجام طرحهای عمرانی، کشاورزی و صنعتی توسط شرکت‌های تعاونی در مناطق روستایی و محروم کشور بود. ایجاد تعاونی‌ها، عدالت و توزیع سهام عدالت بین اقشار کم درآمد جامعه، یکی از اهداف دولتهای پیشین و فعلی است. اجرای این طرح اگر چه با ابهاماتی از سوی اقتصاددانان روبرو شده است لیکن بار دیگر اهمیت تعاونیها را در امر عدالت اجتماعی مشخص می‌نماید. هدف از نگارش مقاله فوق، آشنایی با مفهوم تعاونی و ایجاد راهکارهایی برای بهبود وضع اشتغال از طریق ایجاد تعاونی‌های مختلف، می‌باشد. بدین منظور مقاله از چهار بخش تشکیل شده است. در بخش دوم تعریف و مفهوم تعاونی و اصول تعاون ارائه شده است. در بخش سوم چگونگی روند انجام کارهای ترویجی در ادارات تعاون و تنگناهای موجود بررسی شده است و در بخش پایانی نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی جهت بهبود وضع موجود ارائه شده است (وزارت تعاون، ۱۳۷۹). هدف در این مقاله مشارکت و جایگاه تعاونیها در توسعه اقتصادی و رونق اشتغال و کارآفرینی در ایران میباشد که در ادامه بیان میگردد.

۱.۱. روش تحقیق

در این مقاله با روش مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی بررسی و شناسایی منابع از پایگاههای اینترنتی مستند، اقدام به بررسی منابع صورت گرفت وبا اطلاعات مربوط به عنوان تحقیق از طریق روش تحلیل محتوا مطالب تجزیه و تحلیل و نتایج استخراج شده است.

۲. یافته‌ها

۲.۲. مفهوم تعاونی

واژه تعاونی (Cooperative) در شکل فعالیت‌های رسمی و برای مؤسساتی که بر مبنای اصول و قواعد تعاونی فعالیت می‌نمایند بکار برده می‌شود. این واژه را معمولاً معادل شرکت تعاونی استعمال می‌کنند، واژه‌ی اخیر از اواسط قرن نوزدهم و به دنبال ایجاد مؤسسات اقتصادی مبتنی بر اصول تعاون رایج گردید. فرانس هلم معتقد است « شرکت تعاونی، سازمانی است اقتصادی که به میل و اراده شخصی افراد تشکیل می‌شود و بر اساس حقوق مساوی و نیل به هدف اقتصادی از پیش تعیین شده‌ی آنان به فعالیت می‌پردازد ».

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم به تعاون اشاره شده است. در اصل چهل و چهارم قانون اساسی آمده است: اقتصاد ایران از سه بخش تشکیل شده است: ۱- بخش دولتی؛ ۲- بخش خصوصی؛ ۳- بخش تعاونی.

در بین سه بخش فوق، بخش دولتی بیشترین سهم را در اقتصاد ایران داراست. با اینکه طی سالهای اخیر تمایل به کاهش سهم دولت در اقتصاد بوده است اما هنوز هم بخش اعظم اقتصاد در انحصار دولت است. بسیاری از صاحب نظران وجود اصل چهل و چهارم قانون اساسی را دلیل اصلی این معضل می دانند. اگرچه طی سالهای اخیر بخش خصوصی در زمینه بانکداری، بیمه، صنایع و آموزشی، مجال بیشتری برای فعالیت یافته است لکن هنوز تا شرایط ایده آل، فاصله ی بسیاری باقی است. سهم بخش تعاون در اقتصاد ایران حدود پنج درصد است (مستعانی، ۱۳۷۶).

۲.۳. اصول تعاون

طبیعی است که برای اینکه یک فعالیت درست انجام شود ملزم به اجرای یک سری اصول و قواعد هستیم (طالب، ۱۳۷۹). برای داشتن یک تعاونی موفق بر طبق بیانیه ی پایانی گزارش کار سی و یکمین کنگره ی اتحادیه ی بین المللی تعاون در منچستر، هفت اصل ارائه شده است:

اصل اول: عضویت اختیاری و آزاد

اصل دوم: کنترل دموکراتیک توسط اعضا

اصل سوم: مشارکت اقتصادی اعضا

اصل چهارم: خودگردانی و عدم وابستگی

اصل پنجم: آموزش، کارورزی و اطلاع رسانی

اصل ششم: همکاری بین تعاونی ها

اصل هفتم: توجه به جامعه (رستمی، ۱۳۸۳).

۲.۴. فعالیت های ادارات تعاون

اما سؤالی که ممکن است برای افراد جامعه ایجاد شود این است که در کشور ما، وزارت تعاون یا ادارات تعاون، برای کسانی که قصد ایجاد تعاونی دارند چه اقدامات مشاوره ای و اداری انجام می دهند؟

فعالیت های ترویجی ادارات تعاون را می توان در قالب فعالیت های هشتگانه خلاصه کرد:

فعالیت شماره یک: مختص جلسات ترویجی، گردهمایی ترویجی برای تشکیل تعاونی ها و گردهمایی ترویجی برای توسعه تعاونی ها می باشد. منظور از جلسات ترویجی ارائه ی راهکارهایی برای بهتر اداره کردن تعاونی است چنانچه تعداد افراد متقاضی زیاد باشد جلسه به گردهمایی ترویجی تبدیل می شود.

منظور از گردهمایی برای توسعه ی تعاونی ها این است که گاهی اوقات گردهمایی برای افرادی که عضو تعاونی هستند و برای گسترش و توسعه ی تعاونی ها ، برگزار می شود. طبیعی است که محتوای گردهمایی یا جلسات ، بستگی به نوع شرکت کنندگان و نوع تعاونی دارد.

فعّالیت شماره دو : بازدید مردم و متقاضیان از تعاونی های نمونه پیش بینی شده است. به عنوان مثال می توان در قالب گروه های دانشجویی از تعاونی های موفق بازدید کرد. این کار به دانشجویان کمک می کند تا بتوانند برای آینده ی کاری خود برنامه ریزی کنند. در اینجا باید توجه داشت که بازدیدها باید متناسب با رشته ی دانشجویان باشد.

فعّالیت سوم : تهیه برنامه های رادیویی و تلویزیونی است تا بدین وسیله مردم با فعّالیت تعاونی ها آشنا و تشویق به فعّالیت های تولیدی شوند. متأسفانه در این زمینه تاکنون بطور شایسته ای اقدام نشده است. در حالی که بهترین وسیله برای آگاهی قشر جوان جویای کار از طریق رسانه های عمومی است.

فعّالیت چهارم : ارائه ی خدمات کتابخانه ای به مردم و بطور کلی مراجعین است. نگارنده پس از مراجعه به کتابخانه ی اداره ی تعاون مشهد که نسبت به سایر شهرهای استان بزرگتر است، مشاهده نمود که این کتابخانه علی رغم اینکه مسئول دلسوزی دارد ولی از بی توجهی مسئولین رنج می برد. به طوریکه کتابها، فاقد کارت یا کدگذاری است و در واقع این کتابخانه از دید یک کتابدار، به انبار کتاب شباهت دارد چون اگر مسئول آن نباشد کسی قادر به پیدا کردن کتاب نیست.

فعّالیت پنجم : امضای توافق نامه ی همکاری بین دو یا سه ارگان دولتی با هم است. مثلاً وزارت آموزش و پرورش و تعاون برای ایجاد تعاونی های دانش آموزی می توانند با یکدیگر همکاری کنند یا وزارت علوم و تعاون برای تشکیل تعاونی های دانشجویی .

همه دانشجویان ، نیازهای مختلفی برای تهیه لوازم التحریر، موادّ خوراکی و امثالهم دارند حال چنانچه یک تعاونی کوچک توسط اینها تشکیل شود می توانند خریده ها را به صورت کلی از طریق تعاونی انجام داده و کالاها را با قیمت کمتری خریداری کنند و چنانچه سودی هم به دست می آید در پایان بین اعضا تقسیم می شود. می توان این کار را در سطح یک دانشکده انجام داد و سپس به کلّ دانشجویان تعمیم داد.

فعّالیت ششم : ایجاد تعاونی های آموزشگاهی یکی از اهداف دیگر وزارت تعاون است. در اینجا هدف کسب سود نیست بلکه آشنایی دانش آموزان با تعاون و همکاری است. در اینجا دانش آموزان با سرمایه هر چند اندک ، تعاونی را تشکیل می دهند و نیازهای خود را از این محل تأمین می کنند. حتّی معّلمین برای تشویق دانش آموزان می توانند به آنها بن کالا بدهند. در کنار این تعاونی می توان تعاونی دیگری برای تولید شانه تخم مرغ ایجاد کرد تا با استفاده از دفاتر و کاغذهای باطله این کار انجام شود (وزارت تعاون ، ۱۳۸۴). در کنار تعاونی های آموزشگاهی، تعاونی های جوانان و تعاونی های زنان هم پیش بینی شده است که در این دو تعاونی تسهیلات خاصی برای فارغ التحصیلان جوان و با نوان پیش بینی شده است. مثلاً اعطای وام بیست میلیونی برای پزشکان در قالب تعاونی جوانان اعطا می گردد.

در مورد تعاونیه‌های زنان، وزارت تعاون حتی وام بلاعوض اعطا می‌کند با این توضیح که اموال خریداری شده توسط تعاونی برچسب دولتی می‌خورد تا پس از انحلال تعاونی به دولت مسترد گردد.

فعالیت هفتم: همکاری اتحادیه‌های شرکتهای تعاونی و اتاق‌های تعاون است. اتحادیه‌ی شرکت‌های تعاونی از تشکیل حداقل ۷ شرکت تعاونی بوجود می‌آید. فایده‌ی اتحادیه‌ی این است که در اینجا خریدها به صورت کلی‌تر و با قیمت کمتر، توسط اتحادیه انجام شده و سپس بین تعاونی‌ها توزیع می‌شود. در واقع در اینجا اتحادیه‌ها از مزایای بازدهی فزاینده‌ی اقتصادی (یا هزینه‌های کاهشدهنده) بهره‌مند می‌شوند. پس از اتحادیه، مرحله‌ی بالاتر تشکیل اتاق تعاون است که از ترکیب حداقل ۷ اتحادیه به وجود می‌آید. اتاق تعاون معمولاً به صورت ملی فعالیت می‌کند و می‌تواند حتی مبادلاتی با خارج از کشور داشته باشد، در حالی که اتحادیه‌های تعاونی به صورت استانی فعالیت می‌کنند.

فعالیت هشتم: فعالیت دیگر ادارات تعاون همکاری شوراهای شهر و روستا با بخش تعاون است. شاید بتوان گفت این فعالیت از مهمترین وظایف ادارات تعاون است که هر اندازه بهتر و بیشتر انجام شود باعث افزایش تولید و اشتغال در جامعه خواهد شد. یکی از کارهای مهم اطلاع‌رسانی ادارات تعاون به جامعه از طریق شوراهای شهر و روستا می‌باشد (وزارت تعاون، ۱۳۷۷).

ممکن است بسیاری از مناطق پتانسیل ایجاد شرکتهای تعاونی را داشته باشند ولی از راهکارها و تسهیلات اداره‌ی تعاون آگاهی نداشته باشند. بنابراین می‌توان در گردهمایی‌های مذهبی و عمومی شهرها از فرصت استفاده کرد و اطلاع‌رسانی نمود. همچنین شوراهای شهر یا روستا باید در مناطق خود نیازسنجی کنند و آنها را به اداره‌ی تعاون اعلام کنند.

متأسفانه بحث نیازسنجی توسط ادارات تعاون به خوبی انجام نشده است. این بحث را استادان در قالب تحقیق‌های دانشجویی نیز می‌توانند ترویج دهند. در نمونه از نیازسنجی‌های موفق، یکی تولید انبوه پرندۀ کمیاب و نادر «هو برده» و دیگری تولید گیاه دارویی «یویوبا» در استانهای خوزستان، فارس و کرمان است (نشریه‌ی کشاورزی بزرگ، ۱۳۸۴). نمونه‌ی اول که یک پرندۀ است را می‌توان به عنوان یک منبع غذایی خوب استفاده کرد. این پرندۀ در کشورهای عربی طرفداران زیادی دارد. اما مورد دوم که گیاه «یویوبا» است دارای طیف وسیع بهره‌وری در زمینه‌های پزشکی، دارویی، بهداشتی، آرایشی، صنعتی و دامپروری است (میربلوک، ۱۳۸۴).

۲.۵. جای اشتغال و بخش تعاون در لوایح برنامه ششم توسعه

ماده ۴- جهت تأمین حداقل دو و هشت دهم (۸/۲) واحد درصد از رشد هشت درصد (۸٪) اقتصاد از محل ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید و همچنین رشد سرمایه‌گذاری به میزان متوسط سالانه بیست و یک و چهاردهم درصد (۴/۲۱٪) در طول سالهای اجرایی برنامه، کلیه دستگاههای اجرایی با هماهنگی با دولت اقدامات زیر را به عمل آورند. مسؤولیت اجراء بر عهده دولت می‌باشد:

ب - محترم شمردن و حمایت از حقوق مالکیت و تولید ثروت و نگاه ارزشی به کار و ثروت آفرینی از راههای قانونی و مشروع و عدم مداخله در تصمیم گیری فعالان اقتصادی و تدوین نظام بنگاهداری نوین در بخش دولتی همراه با ممنوعیت سرمایه گذاری جدید برای بخش دولتی در فعالیت هایی که بخش خصوصی در رقابت سالم با هزینه کمتر و کارایی بیشتر قادر به انجام آن می باشد به نحوی که در پایان سال اول اجرای قانون برنامه اقدامات لازم برای اجرای این حکم توسط دولت تصویب و ابلاغ گردد.

ت - افزایش مهارت و تخصص نیروی کار به ویژه فارغ التحصیلان دبیرستان ها، هنرستان ها تا مقطع کارشناسی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی با ارائه آموزشهای مهارتی، تخصصی و فنی و حرفه ای با استفاده از ظرفیت های خدمت زیر پرچم و کارورزی دانشجویان .

دولت مکلف است در سه ماهه اول هر سال گزارش اجرای این بند را به کمیسیون های برنامه و بودجه و محاسبات و آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

ز - دولت مکلف است به منظور نیل به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت نسبت به اعمال سیاستهای اشتغالزایی، مهارت افزایی و ارتقای دانش حرفه ای و حمایت از مشاغل کوچک خانگی و دانش بنیان مبتنی بر سند ملی کار شایسته که حداکثر تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه با پیشنهاد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اتاق تعاون و سازمان به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید، اقدام نماید. سند مزبور باید مبتنی بر کاهش نرخ بیکاری به میزان حداقل هشت دهم درصد (۸/۰٪) سالانه در طول سالهای اجرای قانون برنامه باشد.

ماده ۲۴ - دولت مکلف است با همکاری اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران و اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران حداکثر تا پایان اجرای قانون برنامه، تمهیدات قانونی لازم را جهت دستیابی سهم تعاون در اقتصاد به بیست و پنج درصد (۲۵٪)، با رویکرد کارآفرینی، اشتغالزایی، حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط و دانش بنیان به عمل آورد.

ماده ۲۵ (الف) به منظور مردمی شدن و گسترش سهم بخش خصوصی و تعاونی در اقتصاد و به منظور افزایش بهره وری و ارتقای سطح کیفی خدمات و مدیریت بهینه هزینه به تمامی دستگاههای اجرایی که عهده دار وظایف اجتماعی، فرهنگی و خدماتی هستند (از قبیل واحدهای بهداشتی و درمانی، مراکز بهزیستی و توانبخشی، مراکز آموزشی، فرهنگی، هنری و ورزشی و مراکز ارائه دهنده خدمات و نهادهای کشاورزی و دامپروری) اجازه داده می شود در چهارچوب استانداردهای کیفی خدمات که توسط دستگاه ذی ربط تعیین می گردد، نسبت به خرید خدمات از بخش خصوصی و تعاونی (به جای تولید خدمات) اقدام نمایند. در اجرای این بند واگذاری مد ارس دولتی ممنوع است .

تبصره - آیین نامه اجرایی این ماده شامل نحوه تعیین قیمت خرید خدمات و تعیین تکلیف نیروی انسانی و ساختار به پیشنهاد سازمان، سازمان اداری و استخدامی کشور و دستگاه اجرایی ذی ربط به تصویب هیأت وزیران می رسد (قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰)).

۲.۶. جای خالی بخش تعاون در لایحه برنامه هفتم

لایحه برنامه هفتم توسعه در حالی رونمایی و منتشر شد که با وجود منویات مقام معظم رهبری و تأکیدات ریاست جمهوری بر اهمیت تعاونی‌ها در اقتصاد، جایگاه و نقش خاصی برای تعاون در آن دیده نشده است. بازخوانی ۷ دهه برنامه‌ریزی توسعه در ایران نشان می‌دهد که ظرفیت‌های مردمی و سهم و نقش تعاونی‌ها در عرصه تصمیم‌سازی و اجرا نادیده انگاشته شده است و باید اذعان کنیم که آشفتگی امروز در اقتصاد کشور، از ضعف این برنامه‌ها نشأت می‌گیرد. در برنامه توسعه هفتم باید جایگاه ویژه بخش خصوصی و تعاونی در اقتصاد دیده می‌شد. بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی بخش تعاون یکی از بخش‌های اقتصادی کشور قلمداد شده و به عنوان دومین بخش اقتصادی، در جایگاه مناسب‌تری از بخش خصوصی قرار گرفته است. در اصل ۴۳ قانون اساسی که بر ضوابط نظام اقتصادی کشور تأکید دارد، بر انسان محوری اقتصاد و تحقق اهداف عدالت اجتماعی و توسعه بخش تعاونی تأکید ویژه‌ای شده است. به رغم این تأکیدات متأسفانه، شاهد این هستیم که سهم این بخش از اقتصاد سهم واقعی به جز در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در هیچ یک از سه برنامه گذشته توسعه بخشی تعاونی مورد توجه جدی نبوده و عمدتاً به همین دلیل این بخش نتوانسته به جایگاه و اهداف مورد انتظار قانون اساسی دست یابد. طبق قانون اقتصاد تعاونی، سند توسعه بخش تعاون، بررسی‌های اسناد و قوانین بالا دستی نظام، چشم‌انداز ۲۰ ساله، برنامه‌های توسعه، به ویژه تأکیدات مقام معظم رهبری در ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ موقعیت راهبردی برای بخش تعاون ترسیم شده است. تدوین یک برنامه راهبردی، مدیریتی در بخش تعاون لازمه تحقق اهداف و رسالت‌های بخش تعاون است که باید مورد توجه دولت و نهادهای فرادستی تعاون در کشور قرار گیرد. در بخش‌ها و فصل‌های لایحه هفتم توسعه توجهی به تعاون به عنوان یکی از ارکان اقتصاد ملی نشده است که با فرمایشات و تأکیدات مقام معظم رهبری و رئیس محترم جمهور در تناقص است.

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان عرصه‌های دانش‌بنیان در بهمن سال گذشته با صراحت فرمودند: مسئله تعاونی‌های تولید می‌تواند یکی از گره‌گشاترین کارها برای ایجاد اشتغال و بخصوص ایجاد عدالت اقتصادی در کشور باشد. همچنین رئیس جمهور شهید آیت الله سید ابراهیم ریسی (ره) نیز از آغاز دولت سیزدهم بر اهمیت و نقش تعاونی‌ها در اقتصاد تأکید داشته‌اند. رئیس جمهور در نشست با جمعی از تولیدکنندگان و کارآفرینان برتر در فروردین سال جاری، با بیان اینکه هنوز بسیاری از ظرفیت‌های کشور در مسیر تولید به کار گرفته نشده است، بر توجه جدی دولت به بخش خصوصی و تعاونی‌ها تأکید کرد و گفت: معتقدیم میدان اقتصاد باید در اختیار بخش خصوصی، تولیدکنندگان و کارآفرینان باشد و دولت صرفاً نقش هدایت، حمایت و نظارت و تنظیم‌گری را به عهده داشته باشد. در اولین جلسه شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در دولت سیزدهم نیز با تأکید بر ضرورت میدان دادن به تعاونی‌ها در اقتصاد کشور تصریح شده است: قانون، سیاست‌ها و تأکیدات رهبر معظم انقلاب در زمینه فعال‌سازی بخش تعاون است. اینکه به دلیل تخلف چند تعاونی این حوزه فعال نشود صحیح نیست و لازم است سهم تعاونی‌ها در اقتصاد حتماً افزایش پیدا کند. با این وصف در لایحه برنامه هفتم توسعه تعاونی‌ها نقشی نداشته و جایی برای آن دیده نشده است. بعلاوه سند توسعه تعاون به مدت ۶ ماه در کمیسیون‌های تخصصی، اصلی و فرعی دولت بررسی شده است، سپس برای تصویب به صحن دولت رفته و بعد از تصویب در هیأت دولت، در ۲۸ اسفندماه ۱۴۰۱ از سوی رئیس جمهور شهید فقید دولت سیزدهم برای اجرا ابلاغ شده است.

سند اصلاحی توسعه بخش تعاون با تصویب هیأت وزیران با هدف افزایش شتاب سهم بخش تعاون در اقتصاد کشور به بیست و پنج درصد تهیه شد. دولت سیزدهم با تنظیم «سند توسعه بخش تعاون» و ارائه مجموعه راهکارها، مسیر نیل به هدف مذکور را تسهیل و آن را ابلاغ کرده است. بانگاه به عدم توجه به بخش تعاون در لایحه برنامه هفتم توسعه و با توجه به خوداظهاری تعاونیها مبتنی بر ارائه اسناد و مدارک به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در سال ۱۴۰۰ مبلغ یک میلیارد و ۳۵۰ میلیون دلار و در سال ۱۴۰۱ مبلغ یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار صادرات غیرنفتی داشته اند و به نظر میرسد توجه مسئولان ذی ربط و تجدید نظر در این لایحه با توجه آنچه تشریح شد، میتواند بستر مناسبی برای استفاده از ظرفیتها و توانمندی بخش تعاون در اختیار دولت قرار دهد و رشد اقتصاد مردمی را موجب شود (برداشت از مصاحبه آقای لاهوتی به نقل از رییس جمهور شهید فقید. گزارش خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۲).

۲.۷. نظام اقتصادی تعاون

اقتصاد اسلامی مبتنی بر نظام مشارکت است و فعالیت های اقتصادی در قالب های شرکت، مضاربه، مزارعه، جعاله، مساقات و غیره دارای خصوصیاتی راستین هستند و آن اینکه در همه آنها مشارکت صاحب و یا صاحبان سرمایه با عامل و یا عوامل اقتصادی برقرار می باشد و در این سیستم، تولید و توزیع عادلانه و مصرف بر پایه اعتدال استوار است. نظام اقتصادی بر اساس کتاب خدا و متون فقهی ائمه طاهرین، دستورالعمل های لازم را در خصوص روابط اقتصادی ارائه می دهد که بر محور عدالت اجتماعی است و قراین این نظام بر اساس جهان بینی الهی استوار است که این مهم منجر به افزایش تولید و توزیع عادلانه و زندگی مرفه به همراه آزادی برای همگان به ارمغان می آورد و بشر را آماده حرکت به سوی کمال و نزدیکی شدن به خدا می سازد. در نظام اقتصادی اسلام علاوه بر احادیث و روایات بی شمار در قرآن کریم در بیش از ۱۲۰۰ آیه یا حدود یک پنجم این کتاب مقدس بیان شده است و همواره نمایانگر عدالت از دیدگاه اسلام و تعیین کننده ارزشها و الگوهای برای تنظیم عادلانه زندگی اقتصادی است (رنجبر و همایون نژاد ۱۴۰۲).

۲.۸. عدالت، اساس کار اقتصاد در اسلام

مقام معظم رهبری (حفظه الله...) در دیدار با مسوولان نظام در رابطه با تعاون و همکاری فرموده اند: ما باید کاری کنیم که مردم بتوانند، همه ی کسانی که نیرو دارند، توان کار دارند، در به اصطلاح محدوده ی کار کردن هستند، بتوانند یک کاری انجام بدهند که به زندگی شان کمک کند، معیشتشان را بهتر کند، به تعبیر رایج، سفره ی آنها را رنگین تر بکند، که بند اوّل سیاستهای اقتصاد مقاومتی هم ناظر به همین است. تمهیداتی را باید انجام بدهید تا طبقات کم درآمد به این وسیله درآمدشان بالا برود. آن وقت توانمندسازی طبقات ضعیف به این شکل انجام خواهد گرفت؛ یعنی نقشه ی راه کاملی در این زمینه به وجود بیاید، و میتواند به وجود بیاید؛ یعنی سازمان برنامه و امثال این تشکیلات در دولت، میتوانند بنشینند و طراحی کنند و مشخص کنند که آحاد مردم، قشرهای ضعیف مردم، چگونه میتوانند در فعالیتهای اقتصادی همکاری کنند. بهترین راه عدالت بنیان کردن اقتصاد همین است. اینکه ما روی مسئله ی عدالت که اساس کار اقتصاد در اسلام عدالت است - «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» تامل و داد قیام کنند (حدید ۲۵) [تأکید میکنیم، عدالت بنیان کردن از این راه به وجود خواهد آمد؛ بتوانیم امکان کار کردن و درآمد کسب کردن را برای همه ی مردم فراهم کنیم (۱۴۰۲/۰۱/۱۵) بیانات در دیدار مسئولان نظام].

۳. نتیجه گیری

در عصر ما تعاون یک اهرم مناسب برای توسعه اقتصادی است که می تواند همگام با سیاستهای دولت در بهبود شرایط کار، زندگی، تولید، ارتقاء سطح درآمد و بهبود وضعیت اجتماعی مردم مؤثر باشد. دقیقاً بر همین اساس است که سازمانهای بین المللی مطمئن ترین و مناسبترین روش فقرزدایی و توسعه ی جوامع مختلف را در توسعه و ترویج نهضت می بینند. بر اساس بند ۲ اصل ۴۳ و اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، به منظور سامان دادن به تعاونیهای سطح کشور ، و با توجه به توسعه ی روز افزون تعاونیها در کشور و تحولات اقتصادی و اجتماعی در سالهای پس از انقلاب اسلامی ، قانونی تحت عنوان قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در ۱۳ شهریور ۱۳۷۰ توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید (رستم نژاد، ۱۳۸۴). نتایج این تحقیق نشان داد که اگر چه فعالیتهای زیادی باید از طرف ادارات تعاون برای جذب مردم و تشویق تعاونیها انجام گیرد لکن بخصوص در شهرهای کوچک ، اقدامات ترویجی ادارات تعاون کافی نیست. همچنین تجربه سالهای پس از انقلاب اسلامی رشد ناچیز بخش تعاون را نشان داده است و از طرف دیگر برخی از تعاونیها که به صورت دولتی اداره میشوند زیان ده هستند. نکته مهم ، بحث نیازسنجی در مناطق روستایی و محروم کشور است که باید از طرف ادارات تعاون و با کمک مراکز دانشگاهی کشور انجام گیرد . نتیجه ای که از مباحث فوق حاصل میگردد این است که دولت بایستی برای نیل به اهداف توسعه بخش تعاون که در برنامه پنجم توسعه و اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی بر آن تأکید شده در مناطق شهری و روستایی در دو بخش اقدام کنند . اولین بخش مربوط به ایجاد زمینه های فرهنگی و ارائه آموزشهای لازم برای انجام کارهای جمعی و تشکیل انواع تعاونیها است و بخش دوم شامل حمایتهای مالی از قبیل ارائه تسهیلات اعتباری ارزان قیمت، قوانین تشویقی نظیر معافیتهای مالیاتی و ارائه خدمات مشاوره ای و..... است (رنجبر ودانیالی ۱۴۰۲). در نتیجه یکی از ارکان مهم در موفقیت تعاونیها بحث مدیریت است. یک شرکت تعاونی بدون یک مدیر باهوش، لایق و دلسوز هرگز موفق نخواهد شد رضایت اعضای تعاونی را تأمین نماید.

در نهایت از جمع بندی مطالب فوق چند موضوع اساسی قابل استنتاج به نظر می رسد:

- ۱- یکی از راههای حلّ معضل اشتغال و برقراری عدالت اجتماعی در کشور ما تقویت بخش تعاونی است لکن به نظر می رسد رشد بخش تعاون در اقتصاد ایران زیاد مطلوب نبوده است .
- ۲- متأسفانه بسیاری از مردم و جوانان ، اطلاعات زیادی از نحوه ی تشکیل تعاونی ندارند و از طرف دیگر ادارات تعاون هم فعالیّت اطلاع رسانی مناسبی برای دانشجویان و افراد جویای کار ندارند.
- ۳- خوشبختانه پس از تشکیل وزارت تعاون در سال ۱۳۷۰، جزوات و کتابچه های راهنمای مناسبی برای افراد علاقه مند در زمینه های مختلف تعاون مثل برنامه و بودجه ی سالانه در تعاونی ها و یا دستورالعمل تشکیل تعاونی ها ، تهیه و منتشر شده است.



۴- متأسفانه پس از انقلاب تعاونیها در کشور ما زیاد موفق نبوده اند و بسیاری از آنها، بخصوص آنهایی که به صورت دولتی اداره میشود زیان ده هستند. علت اصلی این امر، سوء مدیریت در تعاونی ها و همچنین شرایط پیچیده ی بازار در کشور ما است.

۵- به نظر می رسد که ارتباط ادارات تعاون و دانشگاه در کشور ما زیاد قوی نیست. بطوریکه ادارات تعاون تلاش زیادی برای تشویق دانشجویان جهت ایجاد تعاونی انجام نمی دهند. از طرف دیگر نیز لوازم انجام تحقیقات بیشتر از سوی مراکز علمی کشور در زمینه ی تعاون ضروری به نظر میرسد، بخصوص برای نیازسنجی در مناطق محروم کشور.

۶- تجربه ی سالهای اخیر نشان داده که هر قدر نقش دولت در اقتصاد بیشتر باشد بازدهی اقتصادی کمتر است. در مورد تعاون هم باید کوشش شود تا نقش دولت حتی الامکان محدود شود. بهتر است دولت در جهت نظارت و کمکهای ستادی به تعاونی ها فعال باشد نه آنکه خود اقدام به تشکیل تعاونی نماید.

۷- به نظر میرسد بهترین راه برای گسترش روحیه ی تعاون و همکاری در جامعه، تقویت تعاونی های آموزشگاهی است. بهتر است که از همان دوران کودکی افراد با تعاون آشنا شوند.

۷ - همچنین تشکیل تعاونی ها در مراکز روستایی ضرورت بیشتری نسبت به مناطق شهری دارد. به وسیله تشکیل تعاونیهای توزیعی، کشاورزان قادرند محصولات خود را سریعتر به بازار برسانند و دست دلالان را کوتاه نمایند و از طرف دیگر تشکیل تعاونیهای تولیدی، امکان مکانیزاسیون را به کشاورزان میدهد و آنان را قادر میسازد تا از هزینه های کاهنده نسبت به مقیاس تولید استفاده نمایند. (طیبیان و رنجبر، ۱۴۰۲).

۴. منابع

- ## ایمان دوست، صادق، (۱۳۸۴) سهام عدالت و چالشهای نهادی، روزنامه ی قدس، مورخ ۸۴/۱۲/۱، ص ۳
- ## خامنه ای . سید علی (۱۴۰۲) بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۴۰۲/۱/۱۵
- ## رستم نژاد، غلامحسین، (۱۳۸۴) اولین گام برای توسعه ی بخش تعاون ، نشریه ی تعاون شماره ۱۶۷، مراد ۸۴ ص ۵
- ## رنجبر، مهناز ، همایون نژاد، ایمان (۱۴۰۲) . جایگاه اصل تعاون و همکاری درآموزه های دینی (اسلام) اولین همایش آموزش محیط زیست و توسعه پایدار دانشگاه پیام نور
- ## رنجبر ، مهناز(۱۴۰۲)چکیده مقاله نقش تعاونیها در ایجاد وتوسعه اشتغال درایران، اولین همایش اقتصاد تعاونی ایران وزارت تعاون
- ## رنجبر، مهناز ، دانیالی، تهمنه (۱۴۰۲) . واکاوی ظرفیت های اشتغال در توسعه گردشگری و اکوتوریسم در تعاونی های منابع طبیعی در ایران، اولین همایش اقتصاد تعاونی ایران در وزارت تعاون
- ## رستمی، حمدالله، (۱۳۸۳) اصول و اندیشه های تعاون، وزارت تعاون، تهران ۱۳۸۳.
- ## شیرانی، علیرضا ، (۱۳۶۸) . اقتصاد تعاون، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ۱۳۶۸.
- ## سلیم، غلامرضا، (۱۳۷۷) . اصول مدیریت تعاونی ها، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران ۱۳۷۷.
- ## طالب، مهدی، (۱۳۷۹) . اصول و اندیشه های تعاون، انتشارات دانشگاه تهران ، تهران ۱۳۷۹.
- ## طیبیان ، سحر، رنجبر ، مهناز(۱۴۰۲) . ارزیابی توانمندیها و چالشهای پیش روی تعاونیهای تولید روستایی درجهت توسعه پایدارکشاورزی ، اولین همایش کارآفرینی و توسعه پایدار باتاکید بر نقش آب سیستان و بلوچستان .
- ## خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۲) . گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم به اعتقاد علی حسین شهریور، دبیرکل خانه تعاونگران ایران ومعاون حقوقی و امور مجلس اتاق تعاون ایران. .
- ## میریلوک ، عبدالرضا ، (۱۳۸۴) عوامل پرورشی شدن هویره ، نشریه ی کشاورزی برزگر، شماره ی ۹۳۴ ، ص ۱۴-۱۰
- مستعانی، محمدحسین، (۱۳۷۶) قوانین و مقررات تعاونی ج ۲ ، وزارت تعاون، تهران ۱۳۷۶.
- ## مرکز پژوهشهای جمهوری اسلامی . (۱۳۹۶) . قانون برنامه پنجمساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰)
- ## نشریه ی کشاورزی برزگر، (۱۳۸۴) . شماره ۹۴۱ ، پانزدهم شهریور ۸۴، ص ۲۲-۱۹



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

##وزارت تعاون (۱۳۷۷). گزارش کار سی و یکمین کنگره ی اتحادیه ی بین المللی تعاون ، منچستر ۱۹۹۵، انتشارات وزارت تعاون، تهران

۱۳۷۷- ص ۸-۱۰

##وزارت تعاون ، (۱۳۸۴).فرم گزارش کار - معاونت تحقیقات و آموزش و ترویج ، وزارت تعاون.

##وزارت تعاون، (۱۳۷۹) دستورالعمل و فرم های تهیه و تنظیم برنامه و بودجه ی سالانه در تعاونی ها، وزارت تعاون، معاونت نظارت و بهره برداری ، تهران ۱۳۷۹.

##وزارت تعاون ، (۱۳۷۷).دستورالعمل تشکیل شرکتهای تعاونی چند منظوره، وزارت تعاون ، تهران ۱۳۷۷

سایتهای اینترنتی

– KHAMENEEL.IR

الزامات حقوقی مشارکت مردمی در توسعه تقویت کارآفرینی پایدار

دکتر یوسف؛ طرفی سعیدای، استادیار؛ عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور

usef56@pnu.ac.ir

چکیده

کارآفرینی پایدار به عنوان موتور محرک توسعه اقتصادی همسو با ملاحظات اجتماعی و زیست محیطی، بدون مشارکت فعال مردم به عنوان اصلی ترین ذی نفعان، تحقق نمی یابد. این مشارکت نیازمند بسترها و الزامات حقوقی مشخصی است تا امکان حضور مؤثر افراد و جامعه مدنی در عرصه اقتصادی فراهم گردد. هدف این مقاله، تبیین و تحلیل این الزامات حقوقی است. با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با مطالعه اسناد کتابخانه ای، این پژوهش به بررسی چارچوب های حقوقی لازم برای تسهیل مشارکت مردمی می پردازد. یافته ها نشان می دهد که مهم ترین الزامات حقوقی در چهار حوزه کلیدی قابل دسته بندی هستند: ۱) توسعه حقوق شرکتها و کسب و کارها (از طریق تسهیل ثبت شرکت، معرفی ساختارهای حقوقی نوین مانند شرکت های سهامی عام خاص و تعاونی ها)، ۲) ایجاد مشوق ها و تضمین های حقوقی (مانند اصلاح قوانین مالیاتی و حمایت از مالکیت فکری)، ۳) تقویت مسئولیت اجتماعی شرکتها (CSR) و ۴) توسعه سازوکارهای مالی مشارکتی (مانند تنظیم مقررات جامع برای سرمایه گذاری جمعی). در نتیجه گیری بر این امر تأکید می شود که تقویت مشارکت مردمی در توسعه کارآفرینی پایدار، نیازمند یک تحول حقوقی یکپارچه و همسو با اهداف توسعه پایدار است تا از حالت شعار خارج شده و به یک الزام عملیاتی تبدیل گردد.

واژگان کلیدی: کارآفرینی پایدار، مشارکت مردمی، الزامات حقوقی، مسئولیت اجتماعی شرکتها، سرمایه گذاری جمعی، توسعه پایدار.

مقدمه:

در جهان امروز، مفاهیم توسعه پایدار و کارآفرینی به صورت جدایی ناپذیری درهم تنیده شده اند. کارآفرینی پایدار، رویکردی است که در آن ایجاد کسب و کارهای جدید و نوآورانه، نه تنها با اهداف اقتصادی، بلکه با مسئولیت پذیری اجتماعی و حفظ محیط زیست همراه می شود (شومپتر، ۱۹۳۴). تحقق این مفهوم والا، اما تنها از طریق اقدامات دولت ها و نهادهای بزرگ میسر نیست و «مشارکت مردمی» به عنوان رکن اصلی آن شناخته می شود. مشارکت مردمی در این حوزه، به معنای درگیر کردن فعالان شهروندان در قالب سرمایه گذار، کارآفرین، مصرف کننده آگاه و ناظر اجتماعی بر عملکرد بنگاه ها است.

با این وجود، این مشارکت به صورت خودجوش و در خلأ قانونی به حداقل مطلوب خود نخواهد رسید. فقدان چارچوب‌های حقوقی شفاف، حمایت‌کننده و تسهیل‌گر، می‌تواند بزرگ‌ترین مانع برای جلب اعتماد و سرمایه مردم باشد. قوانین می‌توانند نقش یک راهبر و تسهیل‌گر را ایفا کنند یا به عنوان مانعی سرکوبگر عمل نمایند. بنابراین، پرسش اصلی این مقاله آن است که الزامات و چارچوب‌های حقوقی لازم برای تقویت و نهادینه کردن مشارکت مردمی در توسعه کارآفرینی پایدار کدامند؟

این پژوهش با هدف پاسخ به این سؤال، در پی تبیین مهم‌ترین بایسته‌های حقوقی در این عرصه است. اهمیت این تحقیق در آن است که با نگاهی کاربردی و میان‌رشته‌ای (حقوق، مدیریت و توسعه)، راهکارهای عملی برای سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران ارائه می‌دهد. روش مورد استفاده در این مقاله، روشی توصیفی-تحلیلی است و داده‌های آن مبتنی بر مطالعه اسناد معتبر کتابخانه‌ای، قوانین و مقالات علمی است.

ساختار مقاله حاضر بدین صورت است که پس از مقدمه، در بخش متن اصلی، الزامات حقوقی در چهار محور اصلی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در پایان نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه خواهد شد.

الزامات حقوقی تقویت مشارکت مردمی در توسعه کارآفرینی پایدار :

مشارکت مردمی در کارآفرینی پایدار را می‌توان در اشکال مختلفی از جمله سرمایه‌گذاری، تأسیس کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (SMEs)، مشارکت در تعاونی‌ها و حتی مصرف محصولات پایدار مشاهده کرد. برای نهادینه کردن این مشارکت‌ها، وجود یک پشتوانه حقوقی قوی امری ضروری است. این الزامات را می‌توان در قالب چهارگانه زیر مورد بررسی قرار داد:

- توسعه و بازنگری در حقوق شرکتها و کسب‌وکارها

قوانین حاکم بر تشکیل و اداره شرکتها، اولین نقطه تماس مردم با عرصه کارآفرینی رسمی است. قوانین دست و پاگیر، پیچیده و پرهزینه، می‌تواند بسیاری از شهروندان بالقوه کارآفرین را دلسرد کند.

- تسهیل فرآیند ثبت شرکت: ایجاد سامانه‌های یکپارچه الکترونیکی، حذف مراحل زائد اداری و کاهش هزینه‌های ثبتی، از جمله الزاماتی است که می‌تواند زمینه را برای مشارکت گسترده‌تر مردم فراهم آورد (عدلی پور، ۱۳۹۸).
- معرفی ساختارهای حقوقی نوین: قانون‌گذار می‌تواند با معرفی ساختارهای جدیدی مانند: « شرکت‌های سهامی عام خاص » (که جمع کردن سرمایه‌های خرد را تسهیل می‌کنند) یا حمایت بیشتر از « شرکت‌های تعاونی » (که ذاتاً مبتنی بر مشارکت مردمی هستند)، بسترهای حقوقی متنوعی برای مشارکت ایجاد کند. قانون‌گذار باید به گونه‌ای عمل کند که این نهادها از انعطاف‌پذیری لازم برای فعالیت در عرصه کارآفرینی پایدار برخوردار باشند (کاویانی، ۱۳۹۹).

- ایجاد مشوق ها و تضمین های حقوقی

قانون گذار می تواند با ابزارهای مختلف، انگیزه شهروندان برای مشارکت در فعالیت های کارآفرینانه پایدار را افزایش دهد.

- مشوق های مالیاتی : تصویب قوانینی برای معافیت ها یا تخفیف های مالیاتی برای کسب و کارهایی که استانداردهای زیست محیطی مانند (ISO 14001) را رعایت می کنند، در تولید محصولات سبز فعالیت دارند یا در مناطق محروم سرمایه گذاری می کنند، یک الزام مؤثر است. (Asadi et al., 2021).
- حمایت از مالکیت فکری : ایجاد سیستم های کارآمد و سریع برای ثبت و حمایت از اختراعات، علائم تجاری و طرح های صنعتی مرتبط با فناوری های پاک و پایدار، به نوآوران اطمینان خاطر می دهد که دستاوردهایشان مصون خواهد ماند. این امر به طور مستقیم به تقویت مشارکت افراد خلاق و نوآور کمک می کند (صلحی، ۱۴۰۰).
- قراردادهای مشارکت عمومی-خصوصی (PPP) تدوین یک قانون جامع و شفاف برای مشارکت عمومی-خصوصی در پروژه های زیرساختی پایدار (مانند انرژی های تجدیدپذیر)، می تواند چارچوب حقوقی مطمئنی برای جذب سرمایه و مدیریت مردمی فراهم کند (World Bank, 2017).

- تقویت مسئولیت اجتماعی شرکتها (CSR)

تبدیل مسئولیت اجتماعی از یک اقدام داوطلبانه به یک الزام حقوقی، می تواند مشارکت مردمی را در قالب نظارت اجتماعی تقویت کند.

- الزام گزارش دهی : قانون گذار می تواند شرکت های بزرگ را ملزم به انتشار گزارش های سالانه «پایداری» یا «مسئولیت اجتماعی» کند که در آن عملکرد اجتماعی، زیست محیطی و حکمرانی خود را شفاف سازند. این شفافیت، امکان نظارت و انتخاب آگاهانه را به مردم (به عنوان مصرف کننده و سهامدار) می دهد. (Jaffe, 2019).
- اعطای امتیاز به شرکت های پایدار : قوانین می توانند در مناقصات دولتی، به شرکت هایی که سابقه مثبت در زمینه مسئولیت اجتماعی دارند، امتیاز ویژه اعطا کنند. این کار انگیزه اقتصادی قدرتمندی برای حرکت بنگاه ها به سمت پایداری و جلب رضایت مردم ایجاد می کند.

- توسعه سازوکارهای حقوقی مالی مشارکتی

یکی از ملموس ترین اشکال مشارکت مردمی، مشارکت مالی است. قوانین باید امکان استفاده از شیوه های نوین تأمین مالی را فراهم آورند.

- سرمایه‌گذاری جمعی (Crowdfunding) تنظیم و تصویب « قانون مقررات‌گذاری سرمایه‌گذاری جمعی » یک ضرورت انکارناپذیر است. این قانون باید با تعریف Platforms (پلتفرم‌ها)، تعیین حدود مسئولیت آن‌ها، شفاف‌سازی فرآیندها و حمایت از سرمایه‌گذاران خرد، فضای امنی برای جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک مردمی ایجاد کند (Ziegler et al., 2020). بدون چنین قانونی، این ابزار قدرتمند مشارکتی با ریسک کلاهبرداری بالا و بی‌اعتمادی مواجه خواهد شد.
 - توسعه حقوقی صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر (VC) ایجاد چارچوب‌های حقوقی شفاف برای فعالیت صندوق‌های VC که تخصصاً بر حوزه فناوری‌های پاک و کسب‌وکارهای اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌کنند، می‌تواند کانال مهم دیگری برای هدایت سرمایه‌های مردمی به سمت کارآفرینی پایدار باشد.
- نتیجه‌گیری و پیشنهادات:
- نتیجه‌گیری کلی این مقاله آن است که « مشارکت مردمی » به عنوان قلب تپنده « توسعه کارآفرینی پایدار »، بدون پشتوانه یک « نظام حقوقی پیشرو، حمایتگر و یکپارچه » به سرمنزل مقصود نخواهد رسید. قوانین می‌توانند با ایفای نقش تسهیل‌گری، حمایتی و انگیزشی، مردم را از حاشیه به متن فعالیت‌های اقتصادی پایدار بیاورند. همان‌طور که تحلیل شد، این الزامات در حوزه‌های مختلفی از حقوق تجارت و شرکت‌ها گرفته تا مالیات، مالکیت فکری و مالی مشارکتی پراکنده هستند و نیازمند نگاهی سیستمی و هماهنگ هستند.
- بر این اساس، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:
۵. پیشنهاد تقنینی: تدوین و تصویب « قانون توسعه سرمایه‌گذاری جمعی » و « قانون جامع حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط پایدار » به عنوان اولویت‌های قانون‌گذاری.
 ۶. پیشنهاد سیاستی: تشکیل « کارگروه ملی حقوق و توسعه پایدار » با حضور نمایندگان قوه قضائیه، قوه مقننه، مجریه و بخش خصوصی به منظور هماهنگی و پایش قوانین مرتبط.
 ۷. پیشنهاد اجرایی: ایجاد « سامانه یکپارچه اطلاعاتی شفافیت شرکتها » که در آن گزارش‌های پایداری، عملکرد زیست‌محیطی و اجتماعی شرکت‌های بزرگ به طور عمومی قابل دسترسی باشد.
 ۸. پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده: تحقیق در مورد « مطالعه تطبیقی قوانین موفق کشورهای پیشرو در حوزه کارآفرینی پایدار » و « بررسی نقش دادگاه‌ها در تفسیر قوانین به نفع توسعه پایدار » می‌تواند گام بعدی این مسیر پژوهشی باشد.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

- منابع و مآخذ :

##پورعدلی، حمید. (۱۳۹۸). *تأسیس و انحلال شرکتها در حقوق ایران*. تهران: انتشارات خرسندی.

##کاویانی، محمد. (۱۳۹۹). "تحلیل حقوقی شرکت های تعاونی به عنوان ایزاری برای توسعه پایدار". *فصلنامه حقوقی دادگستر*, 45-67, 65.

##صلحی، نغمه. (۱۴۰۰). *حقوق مالکیت فکری و توسعه اقتصادی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

##Asadi, S., Pourhashemi, S. O., & Nilashi, M. (2021). The role of tax incentive promoting sustainable entrepreneurship: A systematic review. *Journal of Cleaner Production*, 279, 123235.

##Jaffe, A. B. (2019). *Corporate Social Responsibility and the Law*. Routledge.

##Schumpeter, J. A. (1934). *The Theory of Economic Development*. Harvard University Press.

##World Bank. (2017). *Public-Private Partnerships Reference Guide*. World Bank Publications.

##Ziegler, T., Shneor, R., Wenzlaff, K., et al. (Cambridge Centre for Alternative Finance.2020). *The Global Crowdfunding Market 2020: A Year in Crisis*.



کتاب: ۸۷۹۶۹-۰۳۲۴۰

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract

Title: Legal Prerequisites for Strengthening Public Participation in Sustainable Entrepreneurship Development

Sustainable entrepreneurship, as a driver of economic development aligned with social and environmental considerations, cannot be realized without the active participation of the people as the primary stakeholders. This participation requires specific legal frameworks and prerequisites to enable the effective involvement of individuals and civil society in the economic sphere. This article aims to explain and analyze these legal prerequisites. Using a descriptive-analytical research method and through the study of library resources, this research examines the necessary legal frameworks to facilitate public participation. Findings indicate that the most critical legal prerequisites can be categorized into four key areas: 1) Development of Corporate and Business Law (by facilitating company registration, introducing new legal structures such as specific public joint-stock companies and cooperatives), 2) Creating Legal Incentives and Guarantees (such as reforming tax laws and protecting intellectual property), 3) Strengthening Corporate Social Responsibility (CSR), and 4) Developing Participatory Financial Mechanisms (e.g., establishing comprehensive regulations for crowdfunding). In conclusion, it is emphasized that strengthening public participation in sustainable entrepreneurship development requires an integrated legal transformation aligned with sustainable development goals to move beyond rhetoric and become an operational imperative.

Keywords: Sustainable Entrepreneurship, Public Participation, Legal Prerequisites, Corporate Social Responsibility, Crowdfunding, Sustainable Development.

بررسی نقش شاخص های اقتصادی و اجتماعی بر توسعه پایدار

میرناصر میرباقری، دانشیار اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. mirbagheri@pnu.ac.ir

شمس الدین؛ نیک منش، استادیار گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. niksh1400@pnu.ac.ir

چکیده

محیط منابع انسانی ایران بی تاثیر از تغییر و تحولات جهانی نیست و هدف های آن همگام با تحولات جهانی، در حال تغییرند. شایستگیها، مزایای متفاوتی برای توسعه سازمانها در مناطق مختلف دارند. در حقیقت شایستگی نوعی نگرش سیستمی و توسعه ای دارد که همه آن صفات، ویژگیها، مهارتها و نگرشها در ارتباط با اثربخشی در انجام وظایف و مسئولیتها را شامل میشود. پژوهش حاضر با بررسی نقش شاخص های اقتصادی و اجتماعی بر توسعه منطقه ای انجام شده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها، از آزمون رگرسیون ساده و رگرسیون چندگانه، در نرم افزار SPSS استفاده شد. نتایج نشان می دهد ابعاد شایستگی کارکنان، بر توسعه منطقه ای، تأثیر مثبتی داشته است. در مجموع ۵۵/۲ درصد ($R^2 \text{Adj} = 0.552$) تغییرات در افزایش توسعه منطقه ای، توسط ابعاد شایستگی کارکنان، قابل پیش بینی است.

واژگان کلیدی: شایستگی، کارکنان، توسعه پایدار

۱- مقدمه

افزایش تناوب تغییرات در سازمانها، تغییرات متناوبی که از سطح فرد تا سطح سازمان را شامل می شود و بی ثباتی حاصل از این تغییرات موجب می شود افراد کارهای طرح ریزی شده توسط سازمان را رها کنند و به جای آن به اهداف و کارهای شخصی خود پایبند شوند این بدان معنی است که پس از هر تغییر دوباره به جامعه پذیری سازمانی نیاز میشود (وان منن و شاین، ۱۹۷۹). دیدگاه وان منن و شاین این تغییرات باعث عدم اطمینان می شود و همین عدم اطمینان نیاز به نیرویی دارد که باعث خارج کردن کارکنان از شک شود و جامعه پذیری در چنین شرایطی می تواند راهگشا باشد.

در این راستا، آموزش و پرورش، یکی از نهادهای بخش عمومی است که رویکرد آن بر روی تعالی دانش و فرهنگ عامه مردم تمرکز دارد و با توجه به اهمیتی که این سازمان می تواند در برطرف کردن نیازهای مردم داشته باشد، باید عملکرد آن مورد بررسی قرار گیرد تا بدین وسیله نقاط ضعف و قوت و فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب در آن شناخته شده و با توجه به آنها تدابیری جهت غلبه بر ضعف ها و بهبود عملکرد سازمان و در نهایت توسعه منطقه ای اندیشیده شود.

برای اثربخش بودن نظام آموزش و پرورش به عنوان نهادی اجتماعی و پیچیده امروزی وجود مدیران شایسته و ماهر ضرورتی قطعی است. بدیهی است بجز یک مدیر شایسته شخص دیگری قادر به تحقق انتظارات یک سازمان نخواهد بود و مدیر شایسته کسی

است که هم دانش مدیریت داشته باشد و هم بتواند از تجارب استفاده مطلوب ببرد و از آنجا که یکی از مسائل و مشکلات بارز مدارس، ضعف مدیریت است و این ضعف مدیریت باعث شده است که مدارس نتواند پاسخگوی نیاز دانش آموزان و معلمان از یک طرف و توسعه منطقه ای از طرف دیگر باشد و این مسئله موجب افزایش نارضایتی شغلی در معلمان گردد.

آناوو^{۱۸۳} (۲۰۰۷) یکی از روان شناسان معتقد بود افراد براساس نوع شخصیت ونحوه تربیت خانوادگی به شغل خاصی گرایش پیدا می کنند اگر این نوع شخصیت با شغل فرد همخوانی داشته باشد فرد در عملکرد سازمانی خود نیز موفق تر خواهد بود (بریری، ۱۳۸۴). محققان در چند سال اخیر بر این نقطه اتفاق نظر دارند که اولاً الگوی پنج عاملی شخصیت که می تواند برای توصیف مهمترین جنبه های شخصیت مورد استفاده قرار بگیرد. ساختار پنج عاملی از لحاظ معیارها و فرهنگ ها و منابع ارزیابی عمومیت دارد. ثانياً الگوی پنج عاملی در بسیاری از عرصه های روان شناسی صنعتی و سازمانی بویژه در ارتباط با عملکرد شغلی مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته است (باریک و مونت^{۱۸۴}، ۱۹۹۱). و از آنجا که عملکرد افراد تحت تأثیر متغیرهای زیادی است که یکی از مهمترین آنها ویژگیهای شخصیتی آنان است. نتایج به دست آمده از بررسی خصوصیات شخصیتی افراد حاکی از آن است که رفتار افراد به منشها و خصوصیات شخصیتی آنها بستگی دارد و بنابراین، ویژگیهای شخصیتی افراد زمینه ساز رفتارهای آنان است (مغانلو، ۱۳۸۶). لذا در این تحقیق به بررسی تأثیر شایستگی کارکنان بر توسعه منطقه ای پرداخته شده است.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱ مبانی نظری: جامعه پذیری سازمانی، عاملی کارآمد و مؤثر در یکپارچه سازی کارکنان تازه وارد در سازمان است (آنتوناکوپولو و گوتل^{۱۸۵}، ۲۰۱۰). هماهنگ شدن با شغل و وظیفه جدید، می تواند گزاره ای دلهره آور باشد. افراد تازه وارد در سازمان، به یادگیری چگونگی انجام وظایف و نیز دستیابی به رفتار عادی و قابل قبول از سوی همکاران نیاز دارند (کامیارمولر^{۱۸۶} و همکاران، ۲۰۱۲). در واقع، افراد تازه وارد باید یاد بگیرند که چگونه محیط جدید را درک کنند و با آن سازگار شوند (گرومن^{۱۸۷} و همکاران، ۲۰۰۵). جامعه پذیری تغییر، مهارت های نوین، دانش، توانایی ها، نگرش ها، ارزش ها و روابط و درک صحیح و چارچوب های کاری را شامل می شود (کوپر^{۱۸۸} و همکاران، ۲۰۱۰). از طریق این فرایند، فرد، دانش و مهارت های اجتماعی و فرهنگ را می

¹⁸³ - Anaoo

¹⁸⁴ -Barrick & mount

¹⁸⁵ - Antonacopoulou & Guttel

¹⁸⁶ - Kammeyer-Mueller

¹⁸⁷ - Gruman

¹⁸⁸ - Cooper

آموزد و با شیوه های عمل آشنا می شود و آنچه را که در سازمان مورد انتظار است، فرا می گیرد که در نتیجه، عدم اطمینان و اضطراب فرد در اوایل ورود به سازمان کاهش می یابد (فیلستاد^{۱۸۹}، ۲۰۰۵).

از دیدگاه تلفیقی، جامعه پذیری فرایند مستمری است که در آن فرد و سازمان با هم تعامل می کنند و بر هم تأثیر می گذارند. افراد از طریق فرایند یادگیری، ارزش ها، هنجارها، شبکه های غیررسمی و مهارت های مورد نیاز سازمانی را می آموزند. علاوه بر این، سازمان از طریق فرایند مدیریتی، کارکنان را ملزم به اطاعت و پیروی از ارزش ها، قوانین و رفتارهای مورد انتظار می کند. جامعه پذیری سازمانی، بیانگر محتوایی است که از طریق آن، فرد با نقش خاص خود در سازمان سازگار می شود (قی^{۱۹۰} و همکاران، ۲۰۱۰). در این پژوهش افزایش جامعه پذیری سازمانی را معادل با توسعه منطقه ای فرض نموده ایم.

نظریه پردازان جامعه شناسی و مدیریت معتقدند که جامعه پذیری سازمانی دارای چندین بعد است. تقسیم بندی مطرح شده توسط چائو و همکارانش برگرفته از کار شاین (۱۹۸۵)، فلدمن (۱۹۸۱) و فیشر^{۱۹۱} (۱۹۸۶) می باشد. به نظر آنها جامعه پذیریسازمانی دارای سه حیطه کلی نقش یا وظیفه فردی، اهداف سازمانی و ارزشهای سازمانی می باشد. این ابعاد توسط چائو و همکاران او توسعه داده شد و شامل شش بعد خبرگی (مهارت در وظایف فردی)، افراد (همکاران در سازمان)، سیاست، زبان، اهداف و ارزشهای سازمانی و تاریخ می باشد.

اهمیت شایستگی در سازمان

محیط منابع انسانی ایران نیز بی تأثیر از این تغییر و تحولات نیست و هدف های آن همگام با تحولات جهانی، در حال تغییرند. پذیرش و گسترش سریع رویکرد شایستگی محور و به کارگیری آن در برنامه های توسعه کارکنان بیش از هر چیز، نتیجه مزایا و فوایدی است که در این رویکرد نهفته است. شایستگیها، مزایای متفاوتی برای سازمانها و مدیران در سطوح مختلف دارند و سازمانها نیز به دلایل گوناگونی، نظیر: انتقال رفتارهای ارزشمند و فرهنگ سازمانی، عملکرد موثر برای همه کارکنان، اثربخش کردن سازمانها و مدیریت آنها و تأکید بر ظرفیتهای افراد (به جای شغل آنها) به عنوان شیوه کسب مزیت رقابتی، تقویت رفتار تیمی و متقابل از شایستگی ها استفاده می کنند (یگانگی، ۱۳۸۹). تا بدینوسیله شرایط و زمینه توسعه منطقه ای فراهم شود.

در راهبردهای شغلی مفهوم شایستگی های محوری به عنوان ابزار رقابت و شیوه های مزیت های راهبردی برخی از شرکتها بیان می شود، در حالی که منابع انسانی، به ویژه بر تعاریف، استخدام، انتخاب و توسعه شایستگی فردی تمرکز دارند. در دیدگاه نخست، شایستگی های کلیدی که توسط پرالد و هامل^{۱۹۲} (۱۹۹۰) ارائه شده بر مقوله های راهبردی تمرکز دارند که سازمان را به صورت یک کل در نظر می گیرند. اما در دیدگاه دوم، تمرکز بر افراد و منابع انسانی است که در حال رقابت برای ابراز ارزش های خویش

¹⁸⁹ - Filstad

¹⁹⁰ - Ge

¹⁹¹ - Fisher

¹⁹² - Prald & Hamel

هستند. با تعاریف شایستگی، چنین به نظر می رسد که شایستگی همانند چتری است که هر چیزی را که به گونه ای مستقیم یا غیرمستقیم بر روی عملکرد شغلی تاثیر داشته باشد، در بر می گیرد. به عبارت دیگر، شایستگی تصویری از یک انسان رشد یافته را نشان می دهد که برای انجام یک شغل، آمادگی های کامل را از هر جهت داشته باشد. در حقیقت شایستگی نوعی نگرش سیستمی به کارکنان دارد که همه آن صفات، ویژگیها، مهارتها و نگرشها در ارتباط با اثربخشی در انجام وظایف و مسئولیتها برای توسعه منطقه ای را شامل میشود. به این ترتیب شایستگیها را می توان ابعاد رفتاری تلقی کرد که روی عملکرد شغلی تاثیر دارند. شایستگی ها بیانگر این است که افراد چگونه باید انجام وظیفه کنند و یا در شرایط خاص چگونه واکنش نشان داده، یا چگونه رفتار کنند؟ (عریضی، ۱۳۸۴).

بنابراین منابع انسانی ارزشمندترین منابع سازمان به منظور توسعه منطقه ای محسوب میشوند که با تلاش و کوشش و ایجاد هماهنگی و بکارگیری دیگر اجزا سازمان، اهداف سازمانی را تحقق می بخشد. این منابع دارای توانائیها و قابلیتهای بالقوه ای هستند که در محیط سازمانی به فعل تبدیل می شود. دستیابی به این مهم نیازمند درک و شناخت کامل انسانها و فراهم کردن شرایط مناسب برای کار و تلاش است. یکی از مواردی که در این زمینه قابل بررسی است قرار دادن افراد در جایگاه های متناسب با توانایی، تجارب و قابلیت آنها است. این فرآیند در قالب نظام شایسته سالاری بررسی گردیده است. مفهوم شایسته سالاری به اجمال شایستگی، گزینش، جلب و جذب مداوم نیروها و سپس فراهم کردن زمینه های اعمال مدیریت حسب توانمندی های افراد می باشد (عسگری آزاد، ۱۳۸۲).

برای تحقق اهداف سازمانی و به تبع آن توسعه منطقه ای، افراد لایق و کاردان باید در راس امور قرار گیرند. بدیهی است بجز یک مدیر شایسته شخص دیگری قادر به تحقق انتظارات یک سازمان نخواهد بود و مدیر شایسته کسی است که هم دانش مدیریت داشته باشد و هم بتواند از تجارب است ۰۹۱۵۵۴۱۰۴۱۳ فاده مطلوب ببرد. شایستگی در مدیریت

مفهوم شایستگی به این معناست که افراد کفایت لازم را برای انجام کار خود داشته باشند این در حالی است که کفایت داشتن یک فرد سازمان را اصلاح نمی کند و مقوله کلان تر و فراتر از این رویکرد استقرار نظام مدیریت بر مبنای شایستگی^{۱۹۳} است. یک رویکرد منسجم و چارچوب مشترک و هماهنگ برای اداره سرمایه های انسانی در مدیریت بر مبنای شایستگی بلندمدت است که بر مبنای مجموعه مشترکی از شایستگی های مرتبط با راهبردهای کلان سازمان تدوین می شود. به عبارت دیگر مدیریت بر مبنای شایستگی یک فرایند تلفیقی است که باعث قرار گرفتن افراد در جایگاه سازمانی مناسب مطابق با توانایی ها، قابلیت ها و مهارت های کاری شده و موجب گسترش صلاحیت های تخصصی و حرفه ای می شود و منجر به توسعه منطقه ای می گردد.

پیشینه داخلی

یگانگی (۱۳۸۹) در تحقیقی تحت عنوان بررسی نقش شایستگی مدیران در اثربخشی مدیریت نشان داد که بین شایستگی فردی و اجتماعی مدیران و اثربخشی مدیریت همبستگی وجود دارد و همچنین بین تمام متغیرهای ابعاد شایستگیهای مدیران (بعد فردی و بعد اجتماعی) و اثربخشی آنان همبستگی معناداری وجود دارد.

بهرامیان و همکاران (۱۳۹۳) طی پژوهشی تحت عنوان «رابطه شایستگی مدیران مدارس با پذیرش نوآوری در امر آموزش آنان» نشان دادند که میان شایستگی مدیران در ابعاد مختلف، با پذیرش نوآوری در امر آموزش رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. از طرفی یافته های حاصل از تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که شایستگی می تواند معیار معتبری برای پیش بینی پذیرش نوآوری توسط مدیران آموزشی بشمار آید. همچنین بعد تغییر و تشویق بهترین مولفه پیشین برای نوآوری بود است.

فتحی و همکاران (۱۳۹۳) طی تحقیقی با عنوان: «بررسی رابطه بین آرزوهای شغلی و جامعه پذیری سازمانی» سعی در بررسی رابطه بین آرزوهای شغلی و جامعه پذیری سازمانی در میان کارکنان ادارات کل ورزش و جوانان شمال غرب ایران بوده است. از روشهای آمار توصیفی و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه) نیز استفاده شده است. نتایج نشان داد که بین آرزوهای شغلی و مؤلفه های آن (شایستگی فنی/کارکردی، شایستگی مدیریت عمومی، ثبات سازمانی، خلاقیت کارآفرینانه، خدمت یا تأثیر داشتن، خودمختاری/استقلال، سبک زندگی و چالش محض) با جامعه پذیری سازمانی و ابعاد آن (دریافت آموزش، تفاهم، حمایت کارکنان و چشم انداز از آینده سازمان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

پیشینه خارجی

بیگلاردی و همکاران (۲۰۰۵) در مطالعه خود نشان دادند که جامعه پذیری سازمانی در قالبی کلی با آرزوهای شغلی مبتنی بر کارراهه شغلی رابطه مثبت دارد. براساس نتایج حاصل از تحقیق این محققان، جامعه پذیری سازمانی به احساس وجود فرصت های شغلی در سازمان منجر می شود. این احساس وجود فرصت شغلی از یک طرف موجب افزایش و تقویت ارکان کارراهه شغلی افراد که بخشی از خودپنداره شغلی آنهاست و از طرف دیگر، کاهش تمایل به ترک خدمت می شود.

ادواردز^{۱۹۴} (۲۰۱۰) در طی تحقیقی، شایستگیهای مدیریت را توسعه و پرورش کارکنان، ارتباطات، حل مسئله، مدیریت تغییر، مهارت های فنی و وظیفه، تشکیل گروه، مدیریت عملکرد (وظیفه)، آگاهی بین فردی، یکپارچه کردن دیدگاه ها بیان کرده است.

روشین^{۱۹۵} (۲۰۱۳) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که مهارت های مدیران ارشد دانشگاه در ایجاد رضایت شغلی اساتید تأثیر دارند. از این مهارت ها، مهارت های انسانی و ادراکی مدیران بیشترین آمار را به خود اختصاص داده اند.

۳-روش شناسی تحقیق

194. Edwards

195 . Roshini

روش انجام تحقیق

این پژوهش بر حسب اهدافی که دنبال می‌کند، از نوع کاربردی است و از نظر ماهیت و روش گردآوری داده‌ها و پاسخ به سؤالات مربوط، این پژوهش توصیفی - پیمایشی است. در این تحقیق از هر دو روش کتابخانه‌ای و میدانی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. به عبارت دقیق‌تر برای تکمیل مبانی تئوریک از روش کتابخانه‌ای و برای گردآوری سایر اطلاعات مورد نیاز در ارتباط با متغیرهای تحقیق از روش میدانی استفاده شد. بر اساس اطلاعات به دست آمده از یک نمونه با مستندات آماری و با استفاده از آمار استنباطی روابط فی‌مابین به جامعه آماری تعمیم داده شد.

هدف تحقیق

۱- بررسی نقش شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بر توسعه منطقه‌ای (ویژگیهای شخصیتی و شایستگی)

فرضیه تحقیق

۱- نقش شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بر توسعه منطقه‌ای (ویژگیهای شخصیتی و شایستگی) تأثیر معناداری دارد.

قلمرو تحقیق

قلمرو موضوعی: موضوع تحقیق عبارت است از بررسی نقش شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بر توسعه منطقه‌ای

۲- (ویژگیهای شخصیتی و شایستگی)

۳- روش‌ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها

به پیروی از روش کلی تحقیق (روش پیمایشی) اطلاعات و داده‌هایی تحقیق با استفاده از ابزار پرسشنامه گردآوری شده و سپس با استفاده از نرم افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفت. آزمون نرمال بودن جامعه با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (نیکویی برازش) و برای آزمون و سنجش رابطه متغیرهای پیش بین و ملاک از آزمون رگرسیون ساده همچنین برای اطلاع از میزان ضریب تأثیرگذاری هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق

آزمون فرضیه اصلی

۲- شایستگی کارکنان بر توسعه منطقه‌ای تأثیر معناداری دارد

مطابق با اطلاعات مندرج در جدول (۴-۱) و بر اساس معادله رگرسیونی ساده می توان گفت که رابطه خطی معناداری بین متغیر پیش بین و ملاک با میزان همبستگی برابر با $R = 0.727$ و سطح معناداری $P < 0.01$ وجود دارد. مقدار $R^2 \text{ Adj} = 0.526$ نشان می دهد که ۵۲/۶ درصد از واریانس جامعه پذیری سازمانی مدیران از طریق شایستگی مدیران قابل پیش بینی است؛ و همچنین بر اساس داده های جدول (۴-۳) شایستگی مدیران با ضریب بتای 0.727 دارای تاثیر معنی دار در افزایش جامعه پذیری سازمانی می باشند؛ بر اساس این نتیجه افزایش یک واحد در انحراف استاندارد شایستگی مدیران، انحراف استاندارد جامعه پذیری سازمانی را به میزان 0.727 افزایش می دهد بر عکس کاهش یک واحد در انحراف استاندارد شایستگی مدیران، موجب کاهش 0.727 واحد در انحراف استاندارد متغیر جامعه پذیری سازمانی می شود. همچنین مطابق با اطلاعات مندرج در جدول (۴-۲) مقدار F با برابر با $199/716$ می باشد که در سطح $0.000 = p$ معنادار است و نشان می دهد که نقش شایستگی مدیران در افزایش جامعه پذیری سازمانی معنادار است. لذا ضمن تایید فرضیه اصلی تحقیق می توان گفت که شایستگی مدیران بر جامعه پذیری سازمانی تاثیر مثبت داشته و موجب افزایش آن می شود. در این پژوهش افزایش جامعه پذیری سازمانی را معادل با توسعه منطقه ای فرض نموده ایم.

جدول (۴-۱): خلاصه مدل به دست آمده از رگرسیون ساده

متغیر پیش بین	R	R^2	R^2 تعدیل شده
شایستگی کارکنان	۰/۷۲۷	۰/۵۲۹	۰/۵۲۶

جدول (۴-۲): نتایج آزمون Anova

آزمون رگرسیون	مجموع توانهای دوم	درجه آزادی	میانگین توانهای دوم	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۷/۵۰۵	۱	۷/۵۰۵	۱۹۹/۷۱۶	۰/۰۰۰
باقیمانده	۶/۶۸۹	۱۷۸	۰/۰۳۸		
جمع	۱۴/۱۹۵	۱۷۹			

جدول (۴-۳): ضرایب معادله رگرسیون

سطح معنی داری	t	ضریب استاندارد شده	ضریب استاندارد نشده	متغیر پیش بین

	B	خطای برآورد	Beta		
ضریب ثابت	-۰/۶۱۹	۰/۲۹۷		۰ -۲/۸۸	۰/۰۳۸
شایستگی کارکنان	۱/۱۴۴	۰/۰۸۱	۰/۷۲۷	۱ ۱۴/۳۲	۰/۰۰۰

متغیر ملاک: جامعه پذیری سازمانی یا توسعه منطقه ای

۵-۱- نتایج

مهمترین مرحله در هر نوع مطالعه و پژوهش مرحله بحث و نتیجه گیری است. بدیهی است که پژوهش در هر زمینه ای که انجام شود، دارای هدف و انگیزه ای خاص است لیکن آنچه مهم است نتایج و دستاوردهای حاصل از آن است که در صورت کاربردی بودن تحقیق می تواند ظهور و بروز یابد. در این قسمت به ترتیب بحث و نتیجه گیری، پیشنهادات برخاسته از نتایج تحقیق بیان می گردد.

خلاصه یافته های توصیفی

یافته های جمعیت شناختی پژوهش حاضر نشان داد که ۵۳ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۷ درصد هم زن می باشند. ۸ درصد از پاسخگویان فوق دیپلم، ۷۴ درصد لیسانس و ۱۸ درصد فوق لیسانس می باشند. ۴ درصد از پاسخگویان در فاصله سنی کمتر از ۳۰ سال، ۳۱ درصد در فاصله سنی ۳۰ تا ۴۰ سال، ۴۵ درصد در فاصله سنی ۴۰ تا ۵۰ سال و ۲۰ درصد هم بالاتر از ۵۰ سال قرار دارند. ۸ درصد از پاسخگویان دارای ۶ تا ۱۰ سال، ۱۸ درصد دارای ۱۱ تا ۱۵ سال، ۳۶ درصد دارای ۱۶ تا ۲۰ سال و ۲۰ درصد هم بیشتر از ۲۰ سال سابقه خدمت هستند.

یافته های مربوط به ویژگی های متغیرهای تحقیق در بین نمونه آماری نشان می دهد که از بین ویژگی های شخصیتی، برونگرایی دارای بالاترین میانگین و روان رنجورخویی دارای کمترین میانگین می باشد. شایستگی مدیران بالاتر از میانگین قرار دارد و از بین ابعاد شایستگی کارکنان، میانگین شایستگی فردی مدیران بیشتر از میانگین شایستگی اجتماعی است.

بحث و نتیجه گیری

مطابق با نتایج آزمون فرضیه اصلی پژوهش، ویژگی های شخصیتی بر توسعه منطقه ای کارکنان تأثیر مثبت و معناداری دارد. هر چند پیشینه پژوهشی که بتواند از این یافته حمایت کند، یافت نشده است، ولی با شواهد عقلی و تجربی این یافته سازگار است. . شخصیت هر فرد نقش مهمی در عملکرد شغلی اش دارد. زیرا شخصیت هر فرد انگیزش و نگرش فرد را نسبت به یک شغل و شیوه ای که فرد به اقتضائات شغلی پاسخ می دهد، مشخص می کند. در میان عوامل پیش بینی کننده موفقیت شغلی بنا به اظهار کوپر و



روبرتسون^{۱۹۶} (۲۰۰۴) ویژگی های شخصیتی به دلیل توسعه و پایداری قابل قبول آنها بر سایر ویژگی ها برتری دارند.. نظریه های مختلف به همراه تحقیقات تجربی از این عقیده حمایت می کنند که برخی صفات و ویژگی های شخصیتی با عملکرد یا موفقیت شغلی رابطه معنادار دارند (سپتور^{۱۹۷}، ۲۰۰۱). بنابراین شخصیت یکی از پیش بینی کننده های موفقیت شغلی است با شناسایی دقیق عناصر و ابعاد شخصیت و به کارگیری فرد براساس ابعاد و عناصر آن می توان مطمئن بود که فرد در آینده عملکرد مطلوبی از خود نشان خواهد داد. و بر توسعه منطقه ای موثر می گردد.

از نتایج این تحقیق می توان چنین استنباط کرد که ویژگی های شخصیتی انسان به عنوان عوامل مهم جدا نشدنی از شخصیت انسان و شایستگی در محیط سازمانی انسان تاثیر می گذارد، زیرا رفتار هر فرد تا حدود زیادی تحت تاثیر شخصیت و شایستگی های اوست و جامعه پذیری و توسعه سازمانی و منطقه ای به طور مستقیم تحت تاثیر شاخص های کلیدی (شخصیت و شایستگی های) وی می باشد.

¹⁹⁶ - Cooper & Robertson

¹⁹⁷ - Septor

۶- منابع

- ## حاجی کریمی، علی؛ رضائیان، اکرم، هادی زاده مقدم، علی و بنیادی، نائینی. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر شایستگی یهای هوش عاطفی، شناختی و اجتماعی در شایستگی های مدیران منابع انسانی بخش دولتی ایران، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره اول، شماره پیاپی ۹، صص ۲۵۴-۲۲۳
- ## خورشیدی، عباس و اکرامی، محمود. (۱۳۹۰). شناسایی عوامل سازنده شایستگی های مدیران، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی سال ششم، شماره ۴، صص ۵۹۲-۵۸۰
- ## دهقانان، حامد. (۱۳۸۶). مدیریت بر مبنای شایستگی، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، مجله مجلس و پژوهش، سال ۱۳، شماره ۵۳، صص ۱۴۲-۱۳۶
- ## دولان، شیمون ال؛ شولر، راندال. اس. (۱۹۹۰). مدیریت امور کارکنان و منابع انسانی، ترجمه محمد علی طوسی و محمد صائبی (۱۳۸۱)، چاپ ششم، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی
- ## دیانتی، محمد و عرفانی، مریم. (۱۳۸۸). شایستگی، مفاهیم و کاربرد، ماهنامه تدبیر، شماره ۲۰۶، صص ۲۳-۱۱
- ## رابیتز، پی ایتیفن، ۱۹۹۸، رفتار سازمانی (مفاهیم، نظریه ها و کاربردها)، ترجمه پارسیان، علی و اعرابی، سید محمد (۱۳۸۵)، جلد اول، تهران، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی
- ## علی. (۱۳۸۴). مقاله شایستگی های مدیریت برای دنیای متلاطم، مجله تدبیر، شماره ۱۵، صص ۳۸-۲۷
- ## ماهدخت؛ اسدی لویه، عطاالله و خوشرننگ، حسین. (۱۳۹۳). ارتباط بین سبک های رهبری مدیران گروه های آموزشی و رضایت شغلی اعضای هیات علمی، مجله پرستاری و مامایی جامعه نگر، سال ۲۴، شماره ۷۱، صص ۶۳-۵۶
- ## عریضی، حمید رضا. (۱۳۸۴). پیشنهاد طرح، تهران، انتشارات سازمان گسترش و نوآوری صنایع ایران
- ## عسگری آزاد، محسن. (۱۳۸۲). انتخاب و انتصاب و تغییر مدیران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور

##Boyatzis, R E (2000), The Competent Manager: a Model For Effective Performance, Mcber and Co/ Wiley, pp102.

##Boyatzis, R E (2007), The Competent Manager: a Model For Effective Performance, Mcber and Co/ Wiley, pp102.

##Draganidis, F. and Mentzas, G. (2006), Competency Based Management : A Review of Systems and Approaches, Journal of Information Management & Computer Security, No. 1, Pp. 51-64.

##Miller, V.D. (1996), "An experimental study of newcomers' information seeking behaviors during organizational entry", Communication Studies, Vol. 47, pp. 1-24.

##Morrison, E.W. (1993), "Longitudinal study of the effects of information seeking on newcomer socialization", Journal of Applied Psychology, Vol. 78 No. 3, pp. 173-83



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Investigating the Role of Key Management Indicators on Regional Development

Abstract

The human resources environment in Iran is not influenced by global change and its goals are changing in line with global developments. Competencies have different benefits for the development of organizations in different regions. In fact, competence is a kind of systematic and evolving attitude that includes all those attributes, characteristics, skills, and attitudes in relation to the effectiveness of tasks and responsibilities. The present study was conducted to investigate the role of key management indicators (personality traits and competencies) on regional development. For data analysis, simple regression and multiple regression tests were used in SPSS software. The results show that the dimensions of managerial competence have a positive effect on regional development. In general, 55.2% ($R^2_{Adj} = 0.552$) changes in increasing regional development are predictable by the dimensions of managers' merit.

Key words: competence, managers, regional development

بررسی تاثیر درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی کسب و کارها بر عملکرد بازاریابی سبز

مورد مطالعه: شرکت گلرنگ

۱- توحید عزیزاده حسین حاجلو، استادیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

E-mail: t.alizadeh@pnu.ac.ir

۲- منوچهر نوروزی، دانش آموخته رشته مدیریت بازرگانی، گرایش بازاریابی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

شرکت گلرنگ به دلیل ارتقای تصمیم گیری در مورد خدمات، توسعه سازمانی، بهبود کیفیت، کارایی خود و نیز کاهش هزینه ها نیازمند استفاده از مسئولیت اجتماعی شرکتی و بهبود عملکرد پایدار می باشند. بنابراین، هدف از انجام این پژوهش بررسی تاثیر درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی کسب و کارها بر عملکرد بازاریابی سبز با نقش میانجی اعتماد سازمانی، تعهد سازمانی و رضایت شغلی؛ مورد مطالعه: شرکت گلرنگ باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر را تمامی کارکنان زیرمجموعه شرکت گلرنگ (۱۵۰ نفر) تشکیل می دهند که تعدادی (۱۱۰ نفر) از آن ها به روش نمونه گیری تصادفی ساده و با استفاده از فرمول کوکران مورد مطالعه قرار گرفت. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه های استاندارد سیلوا و همکاران، ۲۰۲۳ بوده و روایی سازه از طریق استاد راهنما و پایایی پژوهش با نرم افزار اس پی اس و با آزمون آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت و مورد تایید می باشد. تجزیه و تحلیل داده های پژوهش از طریق مدلسازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار پی ال اس انجام شد. یافته های این پژوهش نشان داد تمام فرضیات پژوهش مورد تایید قرار گرفت. به طوری که درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی کسب و کارها بر عملکرد بازاریابی سبز با نقش میانجی اعتماد سازمانی، تعهد سازمانی و رضایت شغلی تاثیر مثبت و معنادار دارد.

واژگان کلیدی: درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی، عملکرد بازاریابی سبز، رضایت شغلی، تعهد سازمانی، اعتماد سازمانی

مقدمه

در دو دهه اخیر، عملکرد بازاریابی سبز شرکت ها به یکی از موضوعات جذاب مبدل شده است و این تمایل در زمینه های تحقیقاتی و کاربردی به نوآوری های بسیاری منجر شده است، زیرا اطلاعات مربوط به عملکرد، شرکت ها را قادر می کند مزایای رقابتی کسب

کنند (یونیس و همکاران ۱۹۸، ۲۰۱۹). بسیاری از شرکت ها به منظور بهبود عملکرد در کیفیت بهداشت، ایمنی (شرایط کار) با عوامل متعددی همچون فرصت های بازار، کاهش هزینه و رقابت برای بهبود عملکرد مواجه می شوند (ناوراو و همکاران ۱۹۹، ۲۰۱۵). شرکت ها برای بهبود عملکرد بازاریابی سبز و مقابله با رقبا، باید دارای مزایای رقابتی باشند تا بتوانند در شرایط پیچیده، عملکردی برتر داشته و خود را در بازارها حفظ نمایند. بنابر دیدگاه مبتنی بر منابع، عملکرد برتر شرکت ها می تواند از منابع منحصر به فرد آنها، یکپارچگی منابع و یا توانایی پاسخ گویی به محیط ناشی شود. بر اساس این دیدگاه، تفاوت عملکرد شرکت ها به این دلیل است که سازمان های موفق دارای منابع استراتژیکی (فیزیکی، انسانی و سازمانی) هستند که رقبا آنها فاقد آن منابع هستند (سینایی و همکاران، ۱۳۹۰). از طرفی اقدامات منابع انسانی محور تمام فعالیت های سازمان ها است، این انسان ها هستند که در سازمان کار می کند و سازمان خود به خود عمل نمی کند (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۱). فقدان نظام عملکرد در ابعاد مختلف سازمان، اعم استفاده از تامین نیازهای کارکنان، مشتریان، عرضه کنندگان به عنوان یکی از علایم بیماری سازمان ها قلمداد می شود و از سوی دیگر نبود نظام ارزیابی و کنترل در یک سیستم به معنای عدم برقراری ارتباط با محیط درون بیرون شرکت است که پیامدهای آن کهولت و نهایتاً مرگ سازمان می باشد (رضائیان و همکاران، ۱۳۹۸).

در مورد مشروعیت و ارزش اتخاذ مسئولیت اجتماعی شرکتی توسط شرکت ها، دیدگاه های مختلفی وجود دارد. برخی از صاحب نظران معتقدند که مشکلات اجتماعی باید توسط دولت ها حل شود. این گروه معتقدند که منابع سازمانی برای حل مشکلات اجتماعی، کافی نیست و نباید منابع سازمانی را به منظور حل مشکلات جامعه هدر داد. گروه دیگری از صاحب نظران معتقدند که اگرچه دولت ها مسئول اصلی حل مشکلات جامعه اند، ولی مشارکت سازمان ها در این زمینه راه گشاست. این دسته از صاحب نظران معتقدند که، از آنجا که امروزه، قدرت اقتصادی، از دولت ها به سازمان ها انتقال یافته، مشارکت سازمان ها در حل مشکلات اجتماعی ضروری و لازم است (چیمما ۲۰۰ و همکاران، ۲۰۲۰). بیشتر صاحب نظران معتقدند که هزینه های مسئولیت اجتماعی، کوتاه مدت و منافع آن اغلب از نوع بلندمدت است. مسئولیت اجتماعی در واقع نوعی سرمایه گذاری برای آینده به امید کسب مزیت رقابتی پایدار و بلندمدت است. مدیران ارشدی که دارای دید کوتاه مدت هستند هزینه های کوتاه مدت مسئولیت اجتماعی را بر نمی تابند. با این استدلال که مشکلات اجتماعی فقط به دست دولت ها قابل حل است، از کنار این مقوله به راحتی می گذرند. بر عکس، مدیرانی که دارای دید بلندمدت می باشند حاضرند برای بهبود رفاه جامعه، حل مشکلات اجتماعی، آلودگی محیط زیست، بهبود شرایط محیط کار و مدیریت منابع انسانی سبز، رعایت حقوق بشر، شرکت در امور عام المنفعه و ... هزینه کنند تا در بلندمدت بتوانند از پیشرفت اجتماعی بهره مند شده و از سوی دیگر، در جامعه و در بین مشتریان و ذینفعان خود، برای خود اعتبار و شهرت کسب کنند (قاسمی، ۱۳۹۶).

همچنین تعهد سازمانی به عنوان یک معیار مهم در نظر گرفته می شود که بر اساس آن سازمان ها با یکدیگر رقابت می کنند. تحقیقات نشان داده است که بسیاری از عوامل سازمانی بر تعهد عاطفی تأثیر می گذارد (توکلتزک و همکاران، ۲۰۱۹). با وجود این که کارکنان بزرگترین سرمایه ی سازمان می باشند، هم اکنون همه ی سازمان ها اعم از صنعتی، بازرگانی و خدماتی بیش از پیش به افزایش بهره وری خود و به طبع به افزایش توان تخصصی و رضایت شغلی خود روی آورده و بهره وری را با انگیزش کارکنان و کیفیت زندگی کاری آنان مرتبط ساخته است (جلیل وند، ۱۳۹۶).

نیروی انسانی متعهد در سازمان، با کردار و اعمال خود و اتخاذ تصمیمات صحیح و بموقع، می تواند زیان های مادی را بزودی جبران و تأمین کند، نیروی انسانی متعهد بیش از هزینه ای که صرف تربیت، تجهیز و آموزش او شده است، برای سازمان فایده و ارزش به وجود می آورد برعکس، نیروی انسانی ناراضی، غیرمتعهد، غیر کارآمد و نا آگاه، ممکن است با تصمیمات و اعمال غلط خود بر مشکلات و زیان های سازمان می افزاید از این رو شناخت عوامل موثر بر رضایت کارکنان سازمان از اهمیت خاصی برخوردار است و در این زمینه مطالعات بسیار از طرف پژوهشگران حوزه مدیریت و منابع انسانی انجام گرفته است و نظریه های مختلفی در این باره طرح شده است به نظر می رسد که مدیران سازمان ها باید با آگاهی از این نظریه ها و بکار گیری مناسب و اقتضایی آنها، در این موارد از ریزش بی دلیل سرمایه های سازمان جلوگیری نموده و از زیان های حاصله جلوگیری نمایند (لوتانز، ۲۰۱۸).

یکی از چالش ها و ضرورت هایی که در شرکت گلرنگ توجه نمی شود، عدم بکارگیری و استفاده از ویژگی های کافی از مدیریت منابع انسانی و مسئولیت اجتماعی آنها در بهبود عملکرد بازاریابی سبز است. در اغلب این سازمان ها از توانایی های کارکنان استفاده بهینه نمی شود. به عبارت دیگر، افراد توان بروز خلاقیت، ابتکار و رفتارهای داوطلبانه بیشتری دارند اما در محیط سازمانی به دلایلی از این قابلیت ها به طور مطلوب بهره برداری نمی شود. با توجه به این که شرکت گلرنگ از جمله سازمان هایی هست که با این چالش رو به رو هستند، لذا نبود مسئولیت اجتماعی می تواند مساله ای جدی برای کارکنان این سازمان باشد. بنابراین هدف از این پژوهش بررسی تاثیر درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی کسب و کارها بر عملکرد بازاریابی سبز با نقش میانجی اعتماد سازمانی، تعهد سازمانی و رضایت شغلی؛ مورد مطالعه: شرکت گلرنگ می باشد. به این ترتیب طبق اهداف تحقیق، این پژوهش به دنبال پاسخ به سوال زیر می باشد:

تا چه حد درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی کسب و کارها بر عملکرد بازاریابی سبز با نقش میانجی اعتماد سازمانی، تعهد سازمانی و رضایت شغلی؛ مورد مطالعه: شرکت گلرنگ موثر می باشد؟

مبانی نظری پژوهش

مسئولیت اجتماعی شرکتی به این منظور برنامه ریزی می شود که برای جامعه و سهامداران حامل ارزش پایدار باشد و به ارائه روش هایی می پردازد که شرکت ها در فضاهای کسب و کار خود به آن عمل می کنند. مسئولیت اجتماعی شرکتی به عنوان یک بعد مهم و انسانی

در ادبیات مدیریت مطرح شد (دی و همکاران ۲۰۱۱، ۲۰۱۷). اگر چه اجرای مسئولیت اجتماعی شرکت دارای هزینه های اولیه ای برای شرکت است اما در نهایت منجر به بهبود عملکرد شرکت در بلند مدت می شود زیرا مسئولیت اجتماعی شرکت ها باعث بهبود ادراکات مصرف کنندگان، وفاداری بلند مدت مشتریان، شهرت شرکت، نشان نام تجاری بالاتر، نتایج مالی مثبت، نیروی کار سالم تر و ایمن تر، مدیریت ریسک، نظارت مؤثرتر بر امور شرکت و رضایت شغلی بالاتر می شود که همه این عوامل منجر به واکنش مثبت مشتریان و افزایش بهره وری شرکت ها کمک می کنند. پیاده سازی مسئولیت اجتماعی در شرکت ها به منظور کسب مزیت رقابتی نیاز به توسعه فرهنگ جدید در شرکت است زیرا فرهنگ شرکت است که به کسب و کار جهت می دهد (کن ۲۰۲، ۲۰۱۷).

به عبارت دیگر، اجرای مسئولیت اجتماعی شرکت منجر به بهبود موفقیت شرکت ها در بلند مدت می شود و در نهایت منجر به رشد اقتصادی و افزایش توان رقابتی شرکت و بهبود عملکرد مالی و افزایش بهره وری آن می گردد (ویسر ۲۰۳، ۲۰۱۴). سن و باتاچاریا (۲۰۱۶) در تحقیقی دریافتند که فعالیت های مرتبط با مسئولیت اجتماعی در شرکت باعث کسب مزیت رقابتی برای شرکت ها می شود و می تواند ذهنیت مشتریان نسبت به شرکت را مدیریت کند. بسیاری از محققین نیز باور دارند که تمرکز بر نیازهای ذینفعان منجر به کسب مزیت رقابتی و افزودن به سهم بازار می شود (سن و هاتاچاریا ۲۰۴، ۲۰۱۶).

رضایت شغلی به واکنش های شناختی، عاطفی و سنجشی افراد، نسبت به شغلشان اطلاق می گردد. عوامل مهم در رضایت شغلی شامل دو گروه عوامل می باشند که توسط زنجیره ای از پژوهش های مختلف مشخص شده اند. یک گروه شامل عوامل سازمانی و گروه دیگر شامل عوامل شخصیتی می باشد. از عوامل سازمانی می توان به سیستم پاداش، کیفیت شخصی پایگاه و ارشدیت، عزت نفس بالا، خوش بین بودن، رضایت از زندگی و عوامل ژنتیکی اشاره کرد. عواملی که بر رضایت مندی شغلی تأثیر می گذارند را می توان به عوامل درونی و عوامل بیرونی تقسیم نمود. عوامل بیرونی به نوبه خود شرایط کاری و مناسبات بین شخصی در کار تقسیم می شود. از نتایج دیگر رضایت مندی شغلی می توان رضایت مندی کلی از زندگی، سازگاری عاطفی و غیبت از کار را نام برد. از آنجایی که رضایت مندی شغلی می تواند منبع فشار باشد و فشار موجب بیماری های متعدد جسمی می شود، این پیوند منطقی می نماید. رضایت شغلی نشان دهنده حدی است که افراد از شغل خود راضی هستند و آن را دوست می دارند. برخی افراد از کار خود لذت می برند و آن را به عنوان محور اصلی زندگی خود تلقی می نمایند و برخی از کار خود متنفرند و فقط به خاطر این که مجبورند، آن را انجام می دهند. مفهوم رضایت شغلی بیانگر احساسات و نگرش های مثبتی است که شخص نسبت به شغلش دارد. وقتی گفته می شود که کسی از رضایت شغلی سطح بالایی

201 Du Et Al

202 Cone

203 Visser

204 Sen & Bhattacharya

برخوردار است؛ یعنی به طور کلی، شغلش را دوست می دارد، برای آن ارزش زیادی قائل است و به گونه ای مثبت به آن می نگرد و در مجموع، از احساس خوب و مطلوبی نسبت به آن برخوردار می باشد (تافولی و کراتر، ۲۰۲۱).

با توجه به دگرگونی های سریع و پرشتاب دانش و معلومات بشری، همه چیز به شدت در حال تغییر و تحول است. سازمان ها به عنوان یک سیستم باز با محیط در تعامل می باشند و برای تداوم حیات نیازمند پاسخگویی به تغییرات محیطی هستند. از آنجائی که نیروی انسانی مهمترین عامل و محور توسعه سازمان ها محسوب می شوند، تجهیز و آماده سازی این منابع برای مواجهه با تغییرات از اهمیت ویژه برخوردار است و کلیه سازمان ها با هر نوع مأموریتی باید بیشترین سرمایه، وقت و برنامه را به پرورش انسان ها در ابعاد مختلف اختصاص دهند. بی تردید منابع انسانی در همه اعصار و قرون، مهمترین عامل دستیابی به توسعه به شمار می رود و همواره به عنوان موتور توسعه مطرح شده است (جامی پور و شرکت، ۱۳۹۴).

در نهایت می توان گفت، شرکت گلرنگ به دلیل ارتقای تصمیم گیری در مورد خدمات، توسعه سازمانی، بهبود کیفیت، کارایی خود و نیز کاهش هزینه ها نیازمند استفاده از مسئولیت اجتماعی شرکتی و بهبود عملکرد پایدار می باشند. بنابراین، انجام تحقیق در رابطه با مفاهیم مسئولیت اجتماعی شرکتی، رهبری اخلاقی، رضایت شغلی از ضرورت های جلوگیری از فساد اداری در جهت بهبود عملکرد پایدار می باشد. همچنین با توجه به این که در این رابطه تحقیقات مدونی صورت نگرفته لذا نیازمند این است مطالعاتی صورت بگیرد و با توجه به اهمیت موضوع، در صدد این هستیم تا رابطه بین این ۴ متغیر را مورد مطالعه قرار دهیم و شکاف موجود را پر کنیم. ضرورت و اهمیت این تحقیق نیز حاکی از این موضوع می باشد که در این پژوهش بدان پرداخته خواهد شد.

پیشینه تحقیق

خارجی

تافولی و کراتر (۲۰۲۳) در تحقیقی با عنوان تاثیر مسئولیت اجتماعی درک شده بر فساد اداری درک شده با نقش میانجی رضایت شغلی و سبک رهبری اخلاقی درک شده به این نتیجه رسیدند که مسئولیت اجتماعی درک شده بر فساد اداری درک شده با نقش میانجی رضایت شغلی تاثیر دارد. همچنین مسئولیت اجتماعی درک شده بر فساد اداری درک شده با نقش میانجی سبک رهبری اخلاقی درک شده تاثیر دارد.

جی اون و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان درک مسئولیت اجتماعی شرکت و رضایت شغلی در صنعت خدمات پس انداز به این نتیجه رسیدند که نتایج نشان داد که مسئولیت اجتماعی شرکت تاثیر معنی داری بر رضایت شغلی خود دارد. با این وجود، هیچ تاثیر مستقیمی از مسئولیت اجتماعی شرکت بر رضایت شغلی مشخص نشده است، در حالی که اثرات واسطه گری بین مسئولیت اجتماعی شرکت و رضایت شغلی تشخیص داده شد.

مالیک و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان مسئولیت اجتماعی شرکت بر اعتماد سازمانی و عملکرد بازاریابی سبز: آیا رفتار شهروندی سازمانی حلقه گمشده است؟ به این نتیجه رسیدند که تاثیر مسئولیت اجتماعی بر اعتماد سازمانی و عملکرد بازاریابی سبز با توجه به نقش متغیر میانجی رفتار شهروندی سازمانی تأثیر داری دارد.

پرز و رودریکوئز دلباسکیو (۲۰۲۰) نشان دادند که فعالیت های مسئولیت اجتماعی شرکت بر رضایت مشتری، توصیه به دیگران و رفتارهای خرید مجدد در نمونه بانک های تجاری و پس انداز به طور مثبت و مداوم تأثیر می گذارد. ابعاد تصویر مسئولیت اجتماعی شرکت مربوط به فعالیت های اجتماعی گرا و کارمندگرا هستند و بر پاسخ های مشتری در نمونه بانک های پس انداز به طور مثبت تأثیر می گذارند.

داخلی

قنبرپور نصرتی و همکاران (۱۴۰۱)، تحقیقی تحت عنوان "نقش رضایت شغلی در ارتباط تعهد سازمانی با عملکرد شغلی و تمایل به ترک شغل در بین کارشناسان فدراسیون های ورزشی" انجام داده اند. آنها نتیجه گرفتند که اثر تعهد سازمانی بر عملکرد شغلی، معنادار و بر تمایل به ترک شغل، غیرمعنادار است. همچنین نتایج حاکی از اثر منفی و معنادار رضایت شغلی بر تمایل به ترک شغل بود. دیگر یافته تحقیق این بود که اثر غیرمستقیم تعهد سازمانی بر عملکرد شغلی بیشتر از اثر مستقیم آن است.

صنوبر و همکاران (۱۴۰۰)، تحقیقی با عنوان بررسی رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی با عملکرد شرکت ها انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین متغیر مسئولیت پذیری اجتماعی و هر یک از ابعاد پنجگانه آن با متغیر عملکرد مالی، رابطه ای وجود ندارد. همچنین، بین اندازه و ریسک سازمان با عملکرد مالی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

صفرزاده و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر رفتار شهروندی سازمانی بر تعهد و رضایت سازمانی (مطالعه موردی مراکز بهداشتی و درمانی شمال فارس)» که روی ۱۲۰ نفر از کارکنان مراکز بهداشتی و درمانی شمال فارس انجام دادند به این نتیجه رسیدند که رفتار شهروندی سازمانی، تعهد و رضایت سازمانی رابطه مستقیم و مثبتی دارند.

صیدی عقیل آبادی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان بررسی تاثیر رضایت شغلی بر عملکرد زیست محیطی و رفتار دوستانه با محیط زیست کارکنان انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که رضایت شغلی بر رفتار دوستانه با محیط زیست کارکنان و عملکرد زیست محیطی شرکت تاثیر مثبت و معنادار دارد و همچنین رفتار دوستانه با محیط زیست کارکنان بر عملکرد زیست محیطی شرکت نیز تاثیر مثبت و معنادار دارد. این مطالعه نشان داد که بخش رضایت شغلی با توجه به نقش مهم رفتار کارکنان در تقویت خروجی های زیست محیطی در سازمان ها نقش مهمی در ایجاد پایداری سبز شرکت ها ایفا می کند.

فرضیات تحقیق

درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر عملکرد بازاریابی سبز با نقش میانجی رضایت شغلی تاثیر دارد.

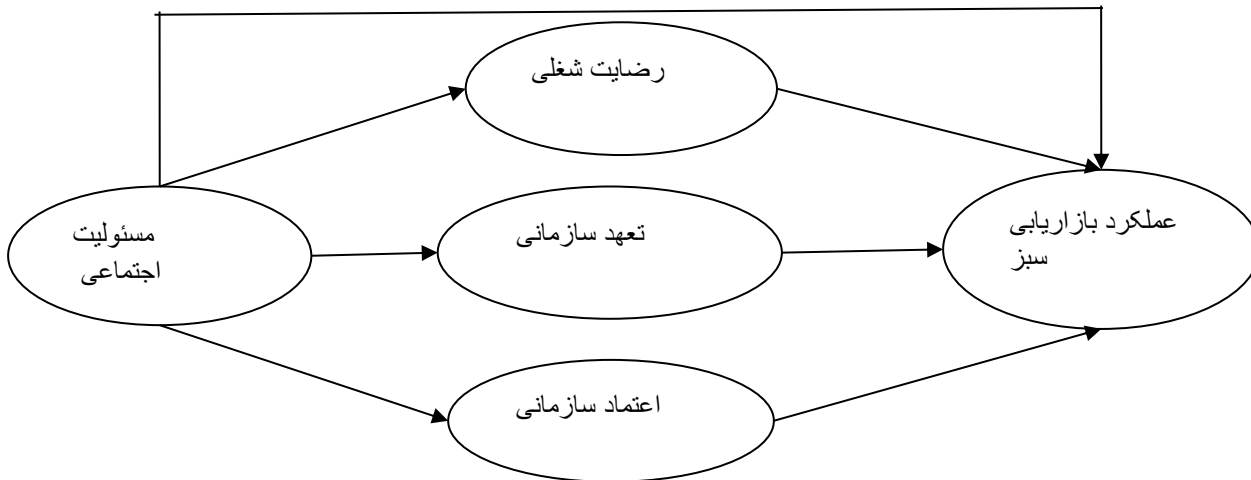
درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر عملکرد بازاریابی سبز با نقش میانجی تعهد سازمانی تاثیر دارد.

درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر عملکرد بازاریابی سبز با نقش میانجی اعتماد سازمانی تاثیر دارد.

درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر رضایت شغلی تاثیر دارد.

درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر تعهد سازمانی تاثیر دارد.

درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر اعتماد سازمانی تاثیر دارد.



شکل ۱-۱: مدل مفهومی (سیلوا و همکاران، ۲۰۲۳)

روش تحقیق

روش مورد نظر در این تحقیق روش توصیفی-پیمایشی و از نوع کاربردی است و ابزار مورد استفاده پرسشنامه می باشد. در این تحقیق به منظور روشن شدن مباحث نظری از روش جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای به عنوان مفیدترین روش استفاده شده است. لذا با مطالعه کتب، مقالات داخلی و خارجی، پایان نامه ها، اطلاعات مورد نیاز جمع آوری شده است. همچنین از آنجایی که پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق مدیران ستادی شرکت گلرنگ (۱۵۰

نفر) هستند که تعدادی (۱۱۰ نفر) از آن ها به روش نمونه گیری تصادفی ساده و با استفاده از فرمول کوکران مورد مطالعه قرار گرفت. برای این تحقیق از پرسشنامه ۲۶ گویه ای سیلوا و همکاران، ۲۰۲۳ استفاده گردید.

جدول ۱: مستندات پرسشنامه

متغیر	سوالات	منبع
مسئولیت اجتماعی شرکتی	۷-۱	سیلوا و همکاران، ۲۰۲۳
رضایت شغلی	۱۳-۸	سیلوا و همکاران، ۲۰۲۳
تعهد سازمانی	۱۶-۱۴	سیلوا و همکاران، ۲۰۲۳
اعتماد سازمانی	۲۰-۱۷	سیلوا و همکاران، ۲۰۲۳
عملکرد بازاریابی سبز	۲۶-۲۱	سیلوا و همکاران، ۲۰۲۳

اعتبار محتوای این پرسشنامه توسط استاد راهنما مورد تأیید قرار گرفته است و از اعتبار لازم برخوردار می باشد. در این تحقیق به منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی با استفاده از نرم افزار SPSS۲۴ انجام گردید.

جدول ۲: ضریب پایایی و پایایی ترکیبی عوامل

عوامل	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
اعتماد سازمانی	۰/۷۰۱	۰/۸۱۴

تعهد سازمانی	۰/۷۵۹	۰/۸۶۱
درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی	۰/۸۳۹	۰/۸۸۰
رضایت شغلی	۰/۸۰۷	۰/۸۶۲
عملکرد بازاریابی سبز	۰/۸۲۵	۰/۸۷۳

در این پژوهش برای سنجش متغیرها و روابط آنها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. برای بررسی ویژگی ها و داده های جمعیت شناختی پاسخ دهندگان از آمار توصیفی استفاده گردیده است. همچنین اعتبار محتوا، اعتبار عاملی و شناخت و بررسی متغیرهای مکنون با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و همچنین آلفای کرونباخ به منظور برآورد اعتبار همسانی درونی مورد محاسبه قرار گرفت. در آمار، تحلیل عاملی روشی است برای تحلیل واریانس بین چند متغیر وابسته براساس توصیف آنها برحسب تعداد اندکی متغیر (عامل) نهان. به عبارت دیگر، تحلیل عاملی می‌خواهد داده‌های پیچیده را با توصیف آنها برحسب تعداد کمتری متغیر ساده‌سازی کند. تحلیل عاملی ابتدا در زمینه روان‌سنجی آغاز شد و در علوم اجتماعی، بازاریابی، مدیریت تولید، تحقیق در عملیات و هر زمینه‌ای که نیاز به تحلیل مقادیر وسیعی از داده دارد استفاده می‌شود. در نهایت برای تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها از مدل معادلات ساختاری استفاده گردید. برای انجام این تحلیل ها از نرم افزارهای SPSS و Smart PLS استفاده شده است.

آمار استنباطی

در این بخش ابتدا به توضیح روش تجزیه و تحلیل مورد نظر در این پژوهش (مدل‌یابی معادله ساختاری) پرداخته شده است و سپس با استفاده از این روش فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی و آزمون قرار گرفته است.

روایی مدل اندازه‌گیری

روایی در این پژوهش در چهار بخش مجزا بررسی شده است.

(۱) روایی صوری

(۲) روایی سازه



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

(۳) روایی همگرا

(۴) روایی واگرا

در ادامه پژوهش به بررسی هر یک از روایی‌ها پرداخته می‌شود:

بررسی روایی سازه

برای بررسی روایی سازه از تحلیل عامل تأییدی استفاده می‌شود که نتایج این تحلیل در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول (۳): نتایج تحلیل عامل تأییدی مربوط به سؤال‌های مؤلفه‌ها

متغیر	سؤال	بار عاملی	آماره t
درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی	سؤال ۱	۰/۷۱۰	۹/۸۴۴
	سؤال ۲	۰/۷۴۷	۱۳/۹۹۳
	سؤال ۳	۰/۷۲۷	۱۲/۳۴۹
	سؤال ۴	۰/۸۸۸	۴۴/۳۸۸
	سؤال ۵	۰/۷۵۱	۱۳/۱۶۷
	سؤال ۶	۰/۵۷۹	۷/۰۱۵
	سؤال ۷	۰/۵۷۴	۷/۱۶۵



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

رضایت شغلی	سوال ۸	۰/۷۱۷	۱۱/۰۰۲
	سوال ۹	۰/۶۷۰	۸/۱۲۰
	سوال ۱۰	۰/۷۱۲	۹/۱۲۸
	سوال ۱۱	۰/۷۶۰	۱۲/۱۲۵
	سوال ۱۲	۰/۵۶۴	۵/۴۳۸
	سوال ۱۳	۰/۸۴۵	۲۲/۶۴۷
تعهد سازمانی	سوال ۱۴	۰/۸۱۳	۱۴/۸۰۹
	سوال ۱۵	۰/۸۰۴	۱۶/۴۳۴
	سوال ۱۶	۰/۸۴۶	۲۱/۹۹۵
اعتماد سازمانی	سوال ۱۷	۰/۶۵۲	۹/۲۹۱
	سوال ۱۸	۰/۷۵۲	۸/۹۶۲
	سوال ۱۹	۰/۷۶۷	۱۳/۳۶۸
	سوال ۲۰	۰/۷۱۸	۱۰/۱۶۶

۷/۸۰۰	۰/۶۷۸	سوال ۲۱	عملکرد بازاریابی سبز
۸/۲۶۴	۰/۶۷۳	سوال ۲۲	
۱۱/۶۱۲	۰/۷۴۵	سوال ۲۳	
۷/۹۲۱	۰/۶۵۹	سوال ۲۴	
۱۹/۳۴۴	۰/۸۱۷	سوال ۲۵	
۱۷/۸۷۸	۰/۸۰۱	سوال ۲۶	

بر اساس نتایج جدول فوق مشخص شده است که تمام نشانگرهای سازه‌های مورد مطالعه به دلیل بیشتر بودن مقدار آماره t از ۱/۹۶ و نیز بیشتر بودن مقادیر بارهای عاملی از ۰/۴، از اهمیت لازم برای اندازه‌گیری سازه‌های خود برخوردار هستند. لذا روایی سازه که برای بررسی دقت و اهمیت نشانگرهای انتخاب شده است، نشان می‌دهد که نشانگرها، ساختارهای عاملی مناسبی را جهت اندازه‌گیری ابعاد مورد مطالعه در مدل تحقیق فراهم می‌آوردند.

بررسی روایی همگرا

در ادامه نتایج حاصل از بررسی روایی همگرا در پژوهش حاضر ارائه شده است.

جدول (۴): نتایج اعتبار همگرایی

متغیر	(AVE)
اعتماد سازمانی	۰/۵۲۴



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

۰/۶۷۴	تعهد سازمانی
۰/۵۱۵	درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی
۰/۵۱۳	رضایت شغلی
۰/۵۳۵	عملکرد بازاریابی سبز

با توجه به نتایج جدول (۴) می‌توان نتیجه گرفت که روایی همگرایی مطلوب می‌باشد.

بررسی روایی واگرا

جدول (۵): نتایج روایی واگرا به روش HTMT

متغیر	اعتماد سازمانی	تعهد سازمانی	درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی	رضایت شغلی	عملکرد بازاریابی سبز
اعتماد سازمانی					
تعهد سازمانی	۰/۸۵۴				
درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی	۰/۸۳۱	۰/۶۳۴			
رضایت شغلی	۰/۸۰۴	۰/۸۰۸	۰/۸۶۸		

عملکرد بازاریابی سبز	۰/۷۳۲	۰/۷۵۰	۰/۶۳۲	۰/۶۷۹

روایی واگرا را به روش HTMT نشان می دهد. این نسبت ارزشی حاصل از مقایسه مقدار میانگین واریانس استخراج شده با مربع همبستگی سازه است. اگر این نسبت کمتر از ۰/۹۰ باشد روایی واگرایی بین سازه ها تأیید می شود. این نسبت که در جدول (۵) نشان داده شده بیانگر آنست که تمامی مقادیر کمتر از حد متوسط یعنی ۰/۹۰ روایی واگرایی قابل قبول سازه ها را نشان می دهد.

پایایی مدل اندازه گیری

قابلیت اطمینان ابزار اندازه گیری، درجه ای است که نتایج بدست آمده می تواند از اندازه گیری های مجدد نیز بدست آید. نانالی (۲۰۵) (۱۹۷۸) اشاره می کند، ساختارهایی دارای پایایی هستند که آلفای کرونباخ آن ها ۰/۷ یا بیشتر باشد. برای آزمون پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. براساس این روش با یک مطالعه مقدماتی روی ۳۰ نفر از نمونه آماری مورد بررسی و با استفاده از نرم افزار آماری Smart Pls میزان پایایی سؤالات مشخص گردید. ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای هر یک از پرسشنامه ها در جدول (۵) به دست آمده است.

شایان ذکر است، از آنجایی که معیار آلفای کرونباخ یک معیار سنتی برای تعیین پایایی سازه ها می باشد، روش حداقل مربعات جزئی معیار مدرنتری نسبت به آلفا به نام پایایی ترکیبی به کار می برد. این معیار توسط ورتس و همکاران (۱۹۷۴) معرفی شد. در صورتی که مقدار آن برای هر سازه بالای ۰/۷ شود. نشان از پایایی درونی مناسب برای مدل اندازه گیری دارد. شایان ذکر است که معیار پایایی ترکیبی در مدل سازی معادلات ساختاری معیار بهتری از آلفای کرونباخ به شمار می رود.

جدول (۶): سؤالات مربوط به متغیرها و ضریب پایایی پرسشنامه ها

عوامل	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
اعتماد سازمانی	۰/۷۰۱	۰/۸۱۴
تعهد سازمانی	۰/۷۵۹	۰/۸۶۱



درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی	۰/۸۳۹	۰/۸۸۰
رضایت شغلی	۰/۸۰۷	۰/۸۶۲
عملکرد بازاریابی سبز	۰/۸۲۵	۰/۸۷۳

با توجه به اینکه ضرایب آلفای کرونباخ و ترکیبی به دست آمده برای پرسشنامه‌های پژوهش بیشتر از ۰/۷ می‌باشد می‌توان گفت پایایی پرسشنامه‌ها در حد مطلوب می‌باشد.

ضریب تعیین و شاخص برازش مدل

ضریب تعیین

قدرت پیش‌بینی مدل طراحی شده، با استفاده از مقدار واریانس توضیح داده (ضریب تعیین) برای متغیرهای وابسته تحلیل می‌شود. ضریب تعیین بین صفر و یک در نوسان است و به این صورت توجیه می‌شود که اگر برابر صفر باشد یعنی خط رگرسیون هرگز نتوانسته است تغییرات متغیر تابع را به تغییرات متغیر مستقل نسبت دهد اگر ضریب تعیین برابر یک باشد، یعنی خط رگرسیون دقیقاً نتوانسته است تغییرات متغیر وابسته را به تغییرات متغیر مستقل نسبت دهد.

جدول (۷): ضریب تعیین متغیرهای پژوهش

متغیر	ضریب تعیین
اعتماد سازمانی	۰/۵۱۱
تعهد سازمانی	۰/۷۱۰
رضایت شغلی	۰/۵۴۰

عملکرد بازاریابی سبز	۰/۸۶۵

طبق جدول (۷)، ضریب تعیین مربوط به متغیر اعتماد سازمانی (۰/۵۱۱) است. این مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد این مدل بیش از ۵۰ درصد عوامل تاثیرگذار بر اعتماد سازمانی را شناسایی و آزمون کرده است. همچنین، ضریب تعیین مربوط به متغیر تعهد سازمانی (۰/۷۱۰) است. این مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد این مدل بیش از ۷۰ درصد عوامل تاثیرگذار بر تعهد سازمانی را شناسایی و آزمون کرده است. ضریب تعیین مربوط به متغیر رضایت شغلی (۰/۵۴۰) است. این مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد این مدل بیش از ۵۰ درصد عوامل تاثیرگذار بر رضایت شغلی را شناسایی و آزمون کرده است. ضریب تعیین مربوط به متغیر عملکرد بازاریابی سبز (۰/۸۶۵) است. این مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد این مدل بیش از ۸۰ درصد عوامل تاثیرگذار بر عملکرد بازاریابی سبز را شناسایی و آزمون کرده است.

برازش کلی مدل

مدل کلی شامل هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری است و با تایید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. شاخص GOF برازش بخش ساختاری و اندازه‌گیری را به صورت همزمان محاسبه می‌کند. این شاخص با استفاده از میانگین شاخص R2 و میانگین شاخص‌های اشتراکی قابل محاسبه است. در حداقل مربعات جزئی مقدار Commonality با AVE برابر است. وتزل و همکاران (۲۰۰۹) فرمول زیر را ارائه کرده‌اند:

$$GOF = \sqrt{\text{average (AVE)} \times \text{average (R2)}}$$

و در آن شاخص GOF اگر بین ۰/۱ تا ۰/۲۵ باشد ضعیف است، اگر بین ۰/۲۵ تا ۰/۳۶ باشد، متوسط است و اگر از ۰/۳۶ بیشتر باشد، قوی است. نتایج مربوط به بررسی برازش مدل کلی در جدول (۴-۱۱) ارائه شده است.

جدول (۸): مقادیر برازش کلی مدل

عنوان شاخص	شاخص برازش	حد مجاز	مقدار محاسبه شده
میانگین ضریب تعیین	مجدور R	بزرگتر از ۰/۳۶	۰/۶۵۷

۰/۵۵۳	حداقل ۰/۵	AVE	میانگین اعتبار همگرایی
۰/۶۰۳	حداقل ۰/۳۶	GOF	برازش کلی مدل

با توجه به تأیید برازش مدل در قسمت بعد به آزمون و بررسی فرضیه‌های مربوطه با استفاده از ابعاد تأیید شده پرداخته شده است.

بررسی فرضیه‌های پژوهش

آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

برای آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شده است. در این آزمون:

$H_0: \beta=0$ توزیع داده‌ها نرمال است.

$H_1: \beta \neq 0$ توزیع داده‌ها نرمال نیست.

در صورتی که سطح معناداری برابر یا کمتر از α (آلفا) سطح خطایی است که محقق در نظر می‌گیرد (مقدار آلفا معمولاً ۰/۰۵ درصد است) به عنوان سطح خطای قابل قبول باشد ($\text{sig} \leq \alpha$) فرض H_0 رد می‌شود و فرض H_1 تأیید می‌شود و در نتیجه توزیع داده نرمال می‌باشد و اگر ($\text{sig} > \alpha$) در این صورت فرض H_1 رد می‌شود و فرض H_0 تأیید می‌شود و در نتیجه خطای α توزیع داده‌ها نرمال می‌باشد.

جدول (۹): نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای متغیرهای پژوهش

متغیر	سطح معنی‌داری	مقدار خطاء
مسئولیت اجتماعی	۰/۱۰۹	۰/۰۵
رضایت شغلی	۰/۱۵۳	۰/۰۵

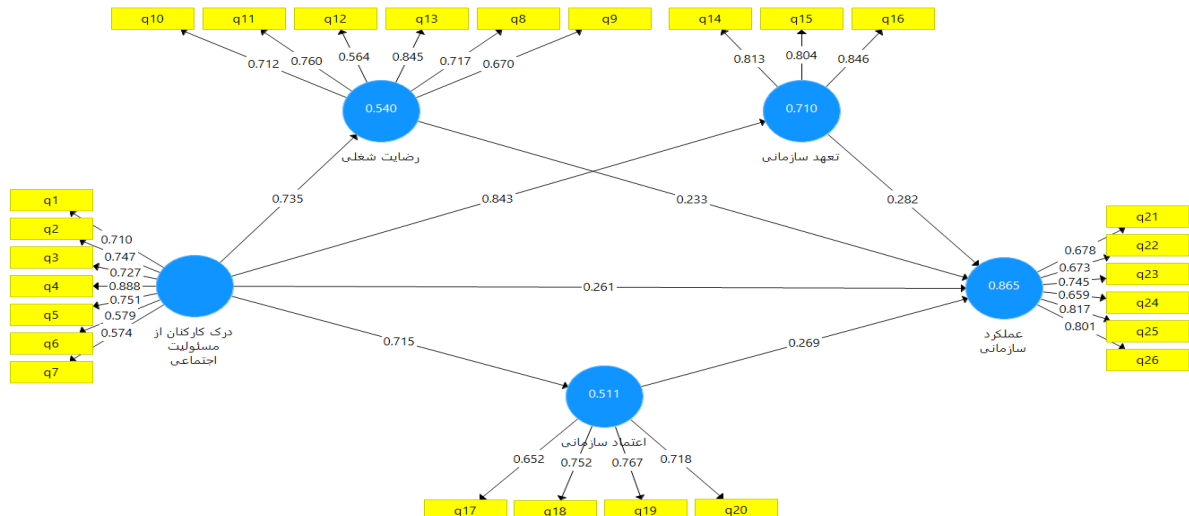
تعهد سازمانی	۰/۰۰۵	۰/۰۵
اعتماد سازمانی	۰/۰۳۳	۰/۰۵
عملکرد بازاریابی سبز	۰/۱۳۰	۰/۰۵

با توجه به جدول (۹) مشاهده می‌شود که در آزمون کولموگرواف- اسمیرنوف مقدار سطح معنی‌داری به دست آمده برای متغیرهای (تعهد سازمانی و اعتماد سازمانی) تحقیق کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد در نتیجه این متغیرهای تحقیق در نمونه مورد بررسی از توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشند. به همین علت جهت آزمون فرضیه‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی از نرم افزار Smart PLS استفاده می‌شود.

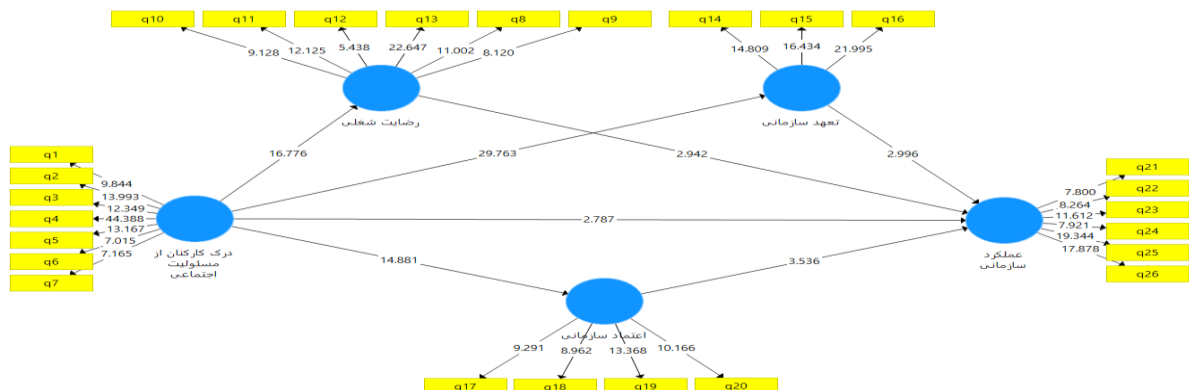
آزمون فرضیه‌های پژوهش

در پژوهشهایی که هدف، آزمون مدل خاصی از رابطه بین متغیرهاست از تحلیل مدل معادلات ساختاری (SEM) استفاده می‌شود. این مدل یک رویکرد جامع برای آزمون فرضیات درباره روابط متغیرهای مشاهده شده و مکنون است.

شکل‌های (۱) و (۲) مدل‌های تحقیق مربوط به فرضیه‌های پژوهش را نشان می‌دهد. ضرایب موجود در این نمودارها به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول روابط بین متغیرهای پنهان (بیضی) و متغیرهای آشکار (مستطیل) می‌باشند که این روابط را اصطلاحاً بارهای عاملی گویند با توجه به بارهای عاملی می‌توان گفت سهم کدام متغیر در اندازه‌گیری سازه مربوطه بیشتر است و سهم کدام متغیر کمتر. به بیان دیگر متغیری که بارعاملی بزرگتری داشته باشد سهم بیشتری در اندازه‌گیری سازه مربوطه دارد و متغیری که بارعاملی کمتری داشته باشد، سهم کمتری را دارد و دسته دوم روابط بین متغیرهای پنهان و پنهان هستند که تحت عنوان ضرایب مسیر نام برده می‌شوند و برای آزمون فرضیات استفاده می‌شوند. تمامی ضرایب با استفاده از آماره t آزمون می‌گردند. آماره t زمانی معنادار می‌باشد که مقدار قدر مطلق آن بیشتر از ۱/۹۶ باشد.



تأثیرگذاری هر یک از متغیرهای پژوهش بر همدیگر چقدر است. بر اساس مطالعات گوناگون مقادیر مختلفی را برای تأیید حداقل بار عاملی قابل قبول ذکر گردیده است. کلاین و همکاران (۲۰۱۴) مقدار قابل قبول بار عاملی را برای تأیید روایی پرسشنامه ۰/۴ عنوان نموده است که ملاک این پژوهش نیز همین مقدار بوده است. نمودار ضرایب مسیر نشان‌دهنده میزان تأثیرگذاری متغیرهاست. ضریب مسیر به شرطی قابل قبول است که آماره مربوط در رابطه موردنظر معنی‌دار باشد. بر این اساس هرچه قدرمطلق مقدار ضریب مسیر بزرگتر باشد نشان‌دهنده اثر بیشتر آن خواهد بود و علامت مقدار ضریب مسیر بازگوکننده نوع اثرگذاری (مستقیم یا معکوس) است. بر اساس توضیحات داده شده و شکل می‌توان گفت بیشترین تأثیر، تأثیر درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر تعهد سازمانی (۰/۸۴۳) است.



آماره‌های t متغیرهای پژوهش می‌باشد. آماره t نشان‌دهنده معنی‌دار بودن روابط موجود بین متغیرهای پژوهش با ضریب خطای ۵ درصد است. بر این اساس چنانچه قدرمطلق آماره t بزرگتر از ۱/۹۶ باشد می‌توان گفت روابط مورد نظر بین متغیرهای پژوهش معنادار است. چنانچه آماره t معنادار باشد آنگاه ضریب مسیر قابل تفسیر است.

نتیجه پژوهش

از آنجا که امروزه توسعه منابع انسانی با ارزشترین عامل تولید و مهمترین سرمایه هر سازمان و منبع اصلی زاینده مزیت رقابتی و ایجاد کننده قابلیت های اساسی هر سازمان است، پس یکی از عمده ترین برنامه ریزی های سازمانی، برنامه ریزی منابع انسانی است. عامل مهم برای وجود برنامه ریزی منابع انسانی، برنامه ریزی جهت نیل به نیازهای مهارتی، آموزشی و در نهایت بهسازی منابع انسانی است. مؤثرترین راه دستیابی به مزیت رقابتی در شرایط فعلی کارآمدتر کردن کارکنان سازمانها از طریق بهبود و بهسازی آنان است و آنچه که در راستای توسعه منابع انسانی اهمیت دارد این است که بهبود منابع انسانی تنها با آموزشهای فنی و تخصصی حاصل نمی شود بلکه از طرق متعدد به توسعه کارکنان پرداخت و این مهم جزء با اعمال مدیریت استراتژیک در قلمرو مدیریت منابع انسانی امکان پذیر نخواهد بود. با توجه به اینکه منابع انسانی، منبع استراتژیک برای سازمانها محسوب می شود، جزء مهم و لاینفک مباحث برنامه ریزی استراتژیک است و اکثر برنامه ریزی های سازمانی و منابع انسانی ماهیت راهبردی دارند.

در دنیای امروز، سازمان ها دریافته اند مهمترین سرمایه های آنان منابع انسانی است که عامل مهمی در موفقیت و پیشرفت هر سازمان بوده و هیچ سازمانی بدون وجود آن نخواهد توانست به تمامی اهداف مورد نظر خود دست یابد. ظهور و حاکمیت این دیدگاه که موفقیت و اثربخشی سازمان ها را در گرو هدایت صحیح منابع، به ویژه منابع انسانی می داند، موجب شده تا در سال های اخیر به بررسی و مطالعه رفتارهای کارکنان، از جمله عملکرد آنان توجه قابل ملاحظه ای معطوف شود.

نتایج یافته ها و مقایسه آنها با یافته های دیگران

از آنجا که امروزه منابع انسانی با ارزشترین عامل تولید و مهمترین سرمایه هر سازمان و منبع اصلی زاینده مزیت رقابتی و ایجاد کننده قابلیت های اساسی هر سازمان است، پس یکی از عمده ترین برنامه ریزی های سازمانی، برنامه ریزی منابع انسانی است. عامل مهم برای وجود برنامه ریزی منابع انسانی، برنامه ریزی جهت نیل به نیازهای مهارتی، آموزشی و در نهایت بهسازی منابع انسانی است. مؤثرترین راه دستیابی به مزیت رقابتی در شرایط فعلی کارآمدتر کردن کارکنان سازمان ها از طریق بهبود و بهسازی آنان است و آنچه که در راستای توسعه منابع انسانی اهمیت دارد این است که بهبود منابع انسانی تنها با آموزشهای فنی و تخصصی حاصل نمی شود بلکه از طرق متعدد به توسعه کارکنان پرداخت و این مهم جزء با اعمال مدیریت استراتژیک در قلمرو مدیریت منابع انسانی امکان پذیر نخواهد بود. با توجه به اینکه منابع انسانی، منبع استراتژیک برای سازمانها محسوب می شود، جزء مهم و لاینفک مباحث برنامه ریزی استراتژیک است و اکثر برنامه ریزی های سازمانی و منابع انسانی ماهیت راهبردی دارند.

آزمون فرضیه اصلی اول پژوهش

درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر عملکرد بازاریابی سبز با نقش میانجی رضایت شغلی تاثیر دارد.

برای بررسی درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر عملکرد بازاریابی سبز با نقش میانجی رضایت شغلی از سطح معنی داری آزمون سوبل استفاده شد. با توجه به اینکه آماره Z به دست آمده (۲/۹۰۴) از آزمون سوبل بیشتر از ۱/۹۶ است لذا این نتیجه حاصل می گردد که درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر عملکرد بازاریابی سبز با نقش میانجی رضایت شغلی تاثیر دارد. نتایج پژوهش این فرضیه با تحقیقات تافولی و کراتر (۲۰۲۳) و عباسی و همکاران (۱۳۹۵) همراستایی دارد.

آزمون فرضیه اصلی دوم پژوهش

درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر عملکرد بازاریابی سبز با نقش میانجی تعهد سازمانی تاثیر دارد.

برای بررسی درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر عملکرد بازاریابی سبز با نقش میانجی تعهد سازمانی از سطح معنی داری آزمون سوبل استفاده شد. با توجه به اینکه آماره Z به دست آمده (۲/۹۸۵) از آزمون سوبل بیشتر از ۱/۹۶ است لذا این نتیجه حاصل می گردد که درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر عملکرد بازاریابی سبز با نقش میانجی تعهد سازمانی تاثیر دارد. نتایج پژوهش این فرضیه با تحقیقات جی اون و همکاران (۲۰۲۲) و صیدی عقیل آبادی و همکاران (۱۳۹۸) همراستایی دارد.

آزمون فرضیه اصلی سوم پژوهش

درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر عملکرد بازاریابی سبز با نقش میانجی اعتماد سازمانی تاثیر دارد.

برای بررسی درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر عملکرد بازاریابی سبز با نقش میانجی اعتماد سازمانی از سطح معنی داری آزمون سوبل استفاده شد. با توجه به اینکه آماره Z به دست آمده (۲/۸۱۰) از آزمون سوبل بیشتر از ۱/۹۶ است لذا این نتیجه حاصل می گردد که درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر عملکرد بازاریابی سبز با نقش میانجی اعتماد سازمانی تاثیر دارد. نتایج پژوهش این فرضیه با تحقیقات مالیک و همکاران (۲۰۲۲) و صفرزاده و همکاران (۱۳۹۹) همراستایی دارد.

آزمون فرضیه فرعی اول پژوهش

درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر رضایت شغلی تاثیر دارد.

در بررسی تأثیر درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر رضایت شغلی، همانطور که در نمودار (۴-۵) ملاحظه می شود، ضریب مسیر برابر با (۰/۷۳۵) است که مقدار مثبت می باشد و مقدار قدر مطلق آماره t در نمودار (۴-۶) برابر با (۱۶/۷۷۶) است که از عدد ۱/۹۶ بیشتر

می‌باشد در نتیجه با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر رضایت شغلی تأثیر دارد. و در نتیجه فرضیه فرعی اول پژوهش پذیرفته می‌شود. نتایج پژوهش این فرضیه با تحقیقات پرز و رودریکوئز دلباسکیو (۲۰۲۰) و قنبرپور نصرتی و همکاران (۱۴۰۱) همراستایی دارد.

آزمون فرضیه فرعی دوم پژوهش

درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر تعهد سازمانی تأثیر دارد.

در بررسی تأثیر درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر تعهد سازمانی، همانطور که در نمودار (۴-۵) ملاحظه می‌شود، ضریب مسیر برابر با (۰/۸۴۳) است که مقدار مثبت می‌باشد و مقدار قدر مطلق آماره t در نمودار (۴-۶) برابر با (۲۹/۷۶۳) است که از عدد ۱/۹۶ بیشتر می‌باشد در نتیجه با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر تعهد سازمانی تأثیر دارد. و در نتیجه فرضیه فرعی دوم پژوهش پذیرفته می‌شود. نتایج پژوهش این فرضیه با تحقیقات یونیس و همکاران (۲۰۱۹) و صنوبر و همکاران (۱۴۰۰) همراستایی دارد.

آزمون فرضیه فرعی سوم پژوهش

درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر اعتماد سازمانی تأثیر دارد.

در بررسی تأثیر درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر اعتماد سازمانی، همانطور که در نمودار (۴-۵) ملاحظه می‌شود، ضریب مسیر برابر با (۰/۷۱۵) است که مقدار مثبت می‌باشد و مقدار قدر مطلق آماره t در نمودار (۴-۶) برابر با (۱۴/۸۸۱) است که از عدد ۱/۹۶ بیشتر می‌باشد در نتیجه با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که درک کارکنان از مسئولیت اجتماعی بر اعتماد سازمانی تأثیر دارد. و در نتیجه فرضیه فرعی سوم پژوهش پذیرفته می‌شود. نتایج پژوهش این فرضیه با تحقیقات روسکو و همکاران (۲۰۱۹) و عباسی و همکاران (۱۳۹۵) همراستایی دارد.

پیشنهادهای مبتنی بر یافته‌های پژوهش

نسبت به یافته‌های فرضیات به مدیران شرکت گلرنگ پیشنهاد می‌گردد:

شرکت گلرنگ می‌تواند با به کارگیری عدالت رویه‌ای و مراوده‌ای که هزینه اقتصادی اجرای آنها بسیار ناچیز است، در جهت افزایش رضایت کارکنان سازمانی گام بردارند، به منظور حفظ و ایجاد عدالت رویه‌ای بایستی وضوح و شفافیت در دستورالعمل‌ها و رویه‌های سازمانی وجود داشته باشد و از آنجایی که فرهنگ کشور ما جمع‌گرا می‌باشد، توجه به عدالت مراوده‌ای از اهمیت بالایی برخوردار

است. برای برقراری عدالت تعاملی باید تصمیمات اتخاذ شده در سازمان با برخورد خوب و تعاملات مناسب در اختیار کارکنان قرار گیرد.

برای حفظ و افزایش تعهد سازمانی، مقدمات ایجاد عدالت در سطح سازمان را فراهم نمایند تا بدان وسیله کارکنان تعهد بیشتری نسبت به سازمان خود داشته باشند. بنابراین مدیران شرکت گلرنگ بایستی در مورد عدالت سازمانی اطلاعات کافی را اخذ نموده و نحوه اجرای آن را در سازمان مورد بررسی قرار دهند.

با اتخاذ استراتژی منابع انسانی و انعطاف پذیری رفتاری در سازمان تحت فرمان خود باعث به وجود آمدن مزیت تمایز و رهبری هزینه گردند. این روش به اعتماد کارکنان می افزاید تا با موقعیت های جدید به راحتی سازگار شوند و در مقابل تغییراتی که برای سازمان اجتناب ناپذیرند، مقاومت کمتری از خود نشان دهند.

که شرایطی فراهم شود که کارکنان بتوانند در زمانی کوتاه از شغل فعلی به شغل جدید با مسئولیت مشابه جابه جا شوند. همچنین کارکنان باید مهارت های متعددی داشته باشند تا در وظایف متناظر با شغل های دیگر به کار برند.

در خصوص پاداش دهی مناسب، بهبود کیفی و کمی انجام عملیات روزمره و افزایش سادگی محیط کار، توجه ویژه ای داشته باشند. افراد توانمند شده، اطمینان دارند که می توانند کار را با کفایت انجام دهند بنابراین باید بستر و زمینه لازم برای ارتقای رضایت شغلی در شرکت گلرنگ فراهم آید. همچنین در خصوص سازگاری کارکنان با قوانین و مقررات، رویه ها، سیاست ها و شیوه های رایج در سازمان، افزایش مسئولیت پذیری کارکنان، بهبود خلاقیت فردی آنها، افزایش هویت بخشی در کارکنان، افزایش سازش با تعارضات موجود، افزای تعهد به ارزش های سازمان، بهبود انعطاف پذیری کارکنان، افزایش آستانه تحمل آنها، بهبود جمع گرایی، کاهش فردگرایی و برای بهبود نوآوری و به دنبال آن بهبود عملکرد در سازمان اقدام نمایند. در مجموع باید گفت که با ارتقای رضایت شغلی در مجموعه سازمان، کارکنان، احساس برتری شخصی کرده و معتقدند که می توانند برای رویارویی با چالش های تازه بیاموزند و رشد کنند، آنان قادر خواهند بود که به میل خود اقدامات نوآورانه انجام دهند، تصمیم های مستقل بگیرند و افکار جدیدی را به آزمون بگذارند که کلیه این عوامل منجر به بهره وری سازمان و نیل به اهداف و رسالت های سازمانی می گردد.

برای افزایش اعتماد فردی و سازمانی باید کارهای تیمی را افزایش دهد تا بتواند بهره وری سازمان افزایش یابد. همچنین به منظور تامین نیازها و باقی ماندن در صحنه رقابت به طور مستمر به توسعه مهارت های کارکنان پردازند. در این راستا شرکت گلرنگ به کارکنان خلاق و با انگیزه دارد تا بتواند طرح های حساس مهم استراتژیک را از مرحله برآورد تا اجرا عملی محقق سازد. لذا با اجرای مستمر مهارت های توانمندسازی می توان در آینده خود توانمندسازی را در رفتار و طرز کار کارکنان مشاهده کرد. کارکنانی که خود توانمند می باشند فعالیت های هدفمند آگاهانه منسجم تری را انجام می دهند.

منابع و مآخذ

صیدی عقیل آبادی، فاطمه؛ احمد نوری؛ علی صیدی عقیل آبادی و زهرا صیدی عقیل آبادی (۱۳۹۸)، بررسی تاثیر مدیریت منابع انسانی سبز بر عملکرد زیست محیطی و رفتار دوستانه با محیط زیست کارکنان، بیست و هفتمین کنفرانس سالانه بین المللی انجمن مهندسان مکانیک ایران، تهران، انجمن مهندسان مکانیک ایران.

ولایی، ع (۱۳۹۴)، الگوهای رفتار با طبیعت (محیط زیست) از دیدگاه قرآن و سنت. پایان نامه دکتری علوم قرآن و احادیث، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.

گراوندی، شهاب،، پاپ زن، علی. و، افشارزاده، نادر. (۱۳۹۱). مدلسازی توسعه پایدار زیست محیطی با استفاده از تئوری بنیانی، مورد مطالعه: روستای شروینه شهرستان جوانرود. مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۶، صفحات ۶۷-۷۸.

قنبری سیروس، زندی خلیل و دهقان اعظم (۱۳۹۵) تحلیل روابط رهبری اصیل، امنیت روانی و رفتار شهروندی سازمانی، خط مشی گذاری عمومی در مدیریت (رسالت مدیریت دولتی)، دوره 7، شماره 22

پورعلی، محمدرضا. و حجامی، مهدی. (۱۳۹۴) تأثیر عملکرد زیست محیطی بر عملکرد مالی شرکت ها؛ تبیین نقش متغیر مداخله گر افشای مسئولیت اجتماعی. دومین همایش ملی بررسی راهکارهای ارتقاء مباحث مدیریت، حسابداری و مهندسی صنایع در سازمانها. گچساران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران.

زارعی متین، ح؛ طهماسبی، ر، و مهدی موسوی، سید، م. (۱۳۹۶). نقش مولفه های فرهنگ سازمانی در اعتماد سازی: بررسی روابط بین ابعاد فرهنگی گلوب و اعتماد. فصلنامه علوم مدیریت ایران. ۴ (۱۵)، ۱۴۵-۱۷۸.

رابینز، ا. پی (۱۳۹۷). رفتار سازمانی، مفاهیم، نظریه ها و کاربردها. ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش های سازمانی.

اردلان محمدرضا، محمود تعجبی و حسین معجونی (۱۳۹۹)، نقش رهبری اخلاقی در رفتار شهروندی سازمانی با میانجیگری عدالت سازمانی و تعهد سازمانی، فصلنامه مدیریت بر آموزش سازمان ها، سال هشتم، شماره ۲، صص ۲۲-۳۹.

Anderson, J., Gerbing, D., 1988. Structural Equation Modeling In Practice: A Review Andrecommended Two-Step Approach. Psychol. Bull.103 (3), 411-423.

Babione, F., 1964. Retailer Adjustment To A Rental Economy. J. Retail. 40 (3), 1.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Ballús-Armet, I., Shaheen, S., Clonts, K., Weinzimmer, D., 2014. Peer-To-Peer Carsharing: Exploring Public Perception And Market Characteristics In The San Francisco Bay Area, California. Transp. Res. Rec. 2416 (1), 27–36.

Bardhi, F., Eckhardt, G., 2012. Access-Based Consumption: The Case Of Car Sharing. J. Consum. Res. 39, 881–898.

Becker-Olsen, K., Cudmore, A., Hill, R., 2006. The Impact Of Perceived Corporate Social Responsibility For Consumer Behavior. J. Bus. Res. 59 (1), 46–53.
Belk, R., 2014. You Are What You Can Access: Sharing And Collaborative Consumption online. J. Bus. Res. 67 (8), 1595–1600.

Berry, L., Maricle, K., 1973. Consumption Without Ownership: Marketing Opportunity For today And Tomorrow. Msu Business Topics 21 (1), 33–41.

Bhattacharya, C., Sen, S., 2003. Consumer-Company Identification: A Framework For Understanding Consumers' Relationships With Companies. J. Mark. 67 (2), 76–88.

Bhattacharya, C., Sen, S., 2003. Consumer-Company Identification: A Framework For Understanding Consumers' Relationships With Companies. J. Mark. 67 (2), 76–88.

Bhattacharya, C., Sen, S., 2004. Doing Better At Doing Good: When, Why, And How Consumers Respond To Corporate Social Initiatives. Calif. Manage. Rev. 47 (1), 9–24.

Bhattacharya, C., Sen, S., 2004. Doing Better At Doing Good: When, Why, And How Consumers Respond To Corporate Social Initiatives. Calif. Manage. Rev. 47 (1), 9–24.

Birdsall, M., 2014. Carsharing In A Sharing Economy. Institute Of Transportation Engineers. ITE Journal 84 (4), 37

Cheema, Sadia. Afsar Bilal, Farheen Javed (2020), Employees' Corporate Social Responsibility Perceptions And Organizational Citizenship Behaviors For The Environment: The Mediating Roles Of Organizational Identification And Environmental Orientation Fit, Environment Management, 11-32.

Kathan, W., Matzler, K., Veider, V., 2016. The Sharing Economy: Your Business Model's Friend Or Foe? Bus. Horiz. 59 (6), 663–672.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Kim, Y., Woo, E., Nam, J., 2018. Sharing Economy Perspective On An Integrative Framework Of The Nam And Tpb. Int. J. Hosp. Manag. 72, 109–117.
Kim, J., Song, H., Lee, C., Lee, J., 2017. The Impact Of Four Csr Dimensions On A Gaming Company's Image And Customers' Revisit Intentions. Int. J. Hosp. Manag. 61, 73–81.

Kolodinsky, R., Madden, T., Zisk, D., Henkel, E., 2010. Attitudes About Corporate Social Responsibility: Business Student Predictors. J. Bus. Ethics 91 (2), 167–181.
Kotler, P., Lee, N., 2008. Corporate Social Responsibility: Doing The Most Good For Yourcompany And Your Cause. John Wiley & Sons.
Lee, Z., Chan, T., Balaji, M., Chong, A., 2018. Why People Participate In The Sharingeconomy: An Empirical Investigation Of Uber. Internet Res. 28 (3), 829–850

Malik, S.Y.; Hayat Mughal, Y.; Azam, T.; Cao, Y.; Wan, Z.; Zhu, H.; Thurasamy, R. Corporate Social Responsibility, Green Human Resources Management, And Sustainable Performance: Is Organizational Citizenship Behavior Towards Environment The Missing Link?. Sustainability 2021, 13, 1044. <https://doi.org/10.3390/Su13031044>

Moon, B., Lee, L., Oh, C.H., 2015. The Impact Of Csr On Consumer-Corporate Connectionand Brand Loyalty: A Cross Cultural Investigation. Int. Mark. Rev. 32 (5), 518–539

Shaheen, S., Cohen, A., 2007. Growth In Worldwide Carsharing: An International Comparison. Transp. Res. Rec. 1992 (1), 81–89

Uber? Exploring The Factors Affecting The Adoption Of On-Demand Ride Services Incalifornia. Travel Behav. Soc. 13, 88–104.

Tafolli Festim And Sonja Grabner-Kräuter (2021)Employee Perceptions Of Corporate Social Responsibility And Organizational Corruption: Empirical Evidence From Kosovo, Corporate Governance Vol. 20 No. 7 2020, Pp. 1349-1370, Emerald Publishing Limited, Issn 1472-0701

جستاری در نقش تعاون در پیشرفت پایدار منطقه ای ایران

ایمان همایون نژاد، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، دانشکده فنی و مهندسی، گروه کشاورزی و منابع طبیعی، تهران، ایران.

homayoonnezhad@pnu.ac.ir

چکیده

تعاون، همیاری، همکاری، مساعدت، معاضدت، مراقبت و... که در آیین ها و آداب و رسوم گوناگون اجتماعی هر جامعه ای خصوصاً ملل شرقی به چشم میخورد. این امور ریشه در فطرت آدمی داشته و از نیاز او به جمع بودن روحیه ی مشارکت جویی و پرهیز از انزوا گزینی حکایت دارد. در کشور ایران نیز این آداب و سنن پسندیده به صورت مختلفی دیده می شود. در این راستا نهضت تعاونی به منظور ایجاد اشتغال تولید درآمد ایجاد رفاه اجتماعی بهسازی زندگی جمعی و تحقق عدالت اجتماعی فرهنگی سیاسی و محیطی نیازمند تشریک مساعی و مشارکت اقشار گوناگون جامعه بصورت یک نهضت تعاونی است. در واقع کم کردن حجم و بدنه ی دولت افزایش بهره وری و گسترش سهم مشارکت مردم کلید طلایی حل مشکلاتی است که بر سر راه کشورمان قرار دارد. مسایل و مشکلاتی نظیر نهادینه نشدن فرهنگ تعاون در بین بسیاری از مردم کشور مشکلات مدیریتی کمبود دانش و مهارت های فنی و تخصصی مشکلات متنوع سازمانی کمبود سرمایه و نقدینگی از عمده ترین چالش های فراوری تعاونی هادر کشور است. حل این معضلات از طریق اقدامات وسیع در سطوح محلی منطقه ای و سپس ملی از طریق حمایت های دولت امکان پذیر است. همچنین بایستی روحیه ی تعاون از طریق خودیاری و احساس مسئولیت مورد توجه جدی قرار گرفته و نسبت به اشاعه ی افکار و اندیشه های تعاونی از طریق رسانه های جمعی و مطبوعات اقدامات مؤثری صورت گیرد. در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته، هدف جستاری در نقش تعاون در پیشرفت پایدار منطقه ای ایران است. نتیجه، حاکی از آن است که از رهگذر تعاونی ها می توان نظام ارزشی کشور را به سوی جایگاه واقعی اش هدایت نمود و با تبیین راهکارها و راهبردهای پیشرفت می توان به پیشرفت منطقه ای گسترش عدالت اجتماعی و پیشرفت پایدار کشور کمک کرد. ایران کشوری اسلامی و شرقی است. کشوری که در آن بایستی منافع جمعی بر منافع فردی غلبه داشته باشد.

کلمات کلیدی: نقش تعاون، پیشرفت پایدار منطقه ای، عدالت اجتماعی و پیشرفت پایدار کشور ایران.

۱- مقدمه

تعاون و همیاری ریشه در نهاد آدمی داشته و از نیاز انسانها به همگرایی و روابط اجتماعی سرچشمه می گیرد. حضور انسانها در عرصه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، محیطی و... حکایت از نیاز آن ها به تعاون و همکاری دارد. به گونه ای که در مراودات، آیین ها و آداب و رسوم گوناگون اجتماعی هر جامعه ای به چشم می خورد.

بررسی تاریخ و جغرافیای مناطق مختلف کشور ایران حکایت از روحیه ی تعاون و همکاری در میان اقوام مختلف این سرزمین دارد .

واحد هایی چون صحرا ، بنه و حراثه در گذشته و همچنین حفر چاه و قنوت ، لایروبی ، احداث مساجد ، مدارس و سایر بناهای عمومی همگی حکایت از روحیه همکاری و همیاری در بین مردمان این سرزمین کهن دارد. بدین گونه ایجاد و تقویت حس خودیاری و بهره گیری از فرهنگ اصیل و بومی مناطق مختلف پیش زمینه ی مشارکت مردم در این رهگذر خواهد بود که این مهم نیز نیازمند طیّ مراحل و تمهید مقدماتی است و می باید از آن به عنوان ابزاری مهم و مناسب در جهت پیشرفت کشور بهره جست . در واقع ، ایجاد و تقویت حس خودیاری و همیاری و بهره گیری از فرهنگ اصیل و بومی مناطق مختلف ، پیش زمینه ی مشارکت مردم در رهگذر پیشرفت پایدار خواهد بود . امری که نیازمند طیّ مراحل و تمهید مقدماتی است و می باید از آن به عنوان ابزاری مهم و مناسب در جهت پیشرفت کشور بهره جست. نهضت تعاونی با مشارکت مردمی در ایجاد اشتغال ، تولید درآمد ، ایجاد رفاه اجتماعی ، پیشرفت اقتصادی ، اجتماعی فرهنگی و سیاسی و در مجموع بهسازی زندگی جمعی و تحقق عدالت اجتماعی به عنوان یکی از ضروریات پیشرفت مناطق و پیشرفت ی پایدار کشور به حساب می آید . زیرا امروزه در جهت رسیدن به پیشرفت پایدار در ساختارهای متعدد جامعه تشریک مساعی و مشارکت اقشار گوناگون به صورت یک نهضت تعاونی از ضروریات به حساب می آید. هدف تعاون ارتقای منافع جمعی از افراد است که با تشریک مساعی یکدیگر به پیشرفت و پیشرفت نایل می شوند. امروزه در کشور ایران با توجه به مسایل خاص اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی ، سیاسی ، محیطی و... نیاز به یک وفاق اجتماعی گسترده احساس می شود . امری که از رهگذر یک نهضت تعاونی امکان پذیر است . در این مقاله که به روش توصیف - تحلیلی صورت می گیرد ، هدف ، بررسی نقش تعاون و همیاری در پیشرفت پایدار محلی ، منطقه ای و ملی است . نتیجه حاکی از آنست که بخش تعاون با چهره ی مردمی که دارد قادر است کشور را به سمت پیشرفت پایدار به حرکت درآورد.

۱-۱ بیان مسأله و ضرورت تحقیق

امروزه اغلب اندیشمندان و صاحب نظران پیشرفت بر این باورند که مبانی پیشرفت جز از طریق انسان محوری و دخالت مستقیم انسان بر سرنوشت خویش معنی دار نخواهد بود که بر این مبنا انسان محور پیشرفت و نقش اصلی در ابعاد گوناگون پیشرفت پایدار را به عهده خواهد داشت. حال اگر کشوری خواهان پیشرفت متوازن و پایدار است بایستی به مردم خود احترام بگذارد و همواره در مشارکت دادن آنان در امر پیشرفت کوشش نماید. کشوری که قادر به بسیج مردم در امر سازندگی نباشد و خود را به فناوری روز مجهّز ننماید یا نتواند بر دانش و آگاهی جامعه خود بیافزاید و از راه درست بهره گیری از منابع انسانی را نیاموزد در فرایند تحولات فناوری ره به جایی نخواهد برد. از آنجا که در امر پیشرفت جوامع ، انسان محور به حساب می آید بر این اساس مشارکت فعال مردم در فرایند اشتغال و درآمد زایی جزیی لاینفک از نظام پیشرفت منابع انسانی است که امکان ایجاد ، کسب قابلیت ها و فرصت ها را برای تمامی اقشار یک جامعه فراهم می آورد و امکان ذخیره و تشکیل هر نوع سرمایه ی انسانی را فراهم می سازد. برای مشارکت مردم در سرنوشت خویش راهی بهتر از گسترش تعاونی ها وجود ندارد ، زیرا تعاون ، همیاری ، همکاری ، اتحاد و تلفیق امکانات و مساعی افراد و آحاد جامعه در یک طریق و

فعالیت مشترک آنان به منظور حصول به مقصد و اهداف جمعی یکی از خصایص و ویژگیهای خاص بشر است که در تمامی دوران و حتی در قدیمی ترین آثار به جای مانده از تاریخ بشری توان به وضوح مشاهده نمود. در واقع همیاری و همکاری بشر در ذات آفرینش اوست. هدف تعاون ارتقای منافع جمعی افراد است که با تشریک مساعی یکدیگر به پیشرفت نائل می شوند و این فرایند باعث پیشرفت مناطق و کلّ یک کشور می شود. این هدف معتبر، به واقع مقصودی است که سازمانهای تعاونی را از واحد های مشابه اقتصادی و تجاری متمایز می سازد و کارایی تجاری و مادی را با رزشهای اجتماعی و اخلاقی زندگی بشر تلفیق می نماید. اصل تعاون به مردم یک منطقه مجال می دهد تا به مقتضای تمایل، نیاز و امکاناتی که دارند در جهت تأمین احتیاجات مادی، فرهنگی و اجتماعی، افزایش درآمد، فروش محصولات تولیدی و سایر خدمات بهره مند گردند. از رهگذر تعاونی هاست که می توان نظام ارزشی یک کشور را به جایگاه واقعی اش هدایت کرد. با تبیین راهکارها و راهبردهای پیشرفت می توان جامعه را به سمت پیشرفت متوازن هدایت کرد تا همگان عدالت اجتماعی را در زندگی خود دریابند. یک تعاونی که با همکاری و همیاری عده ای از اشخاص حقیقی و حقوقی با یکدیگر در جهت رفع نیازمندیهای مشترک اعضا شکل می گیرد، به شرط برنامه ریزی و اشتراک مسئولانه ی اعضا می تواند در اهداف تعاونی به شرح ذیل موفق گردد:

- ۱- تحقق عدالت اجتماعی با فراهم آوردن زمینه های رشد و پیشرفت بخش تعاونی به صورت محلی، منطقه ای و سپس ملی
- ۲- تجمع سرمایه های کوچک و افکار متعدد برای تبدیل به سرمایه های بزرگتر و استفاده از افکار معقولانه تر در راه رسیدن به اهداف جامع تر
- ۳- ایجاد اشتغال موکد در سطح منطقه و فعالیت های سازگار با محل
- ۴- کاهش هزینه های تولید از طریق احساس مسئولیت جمعی و همکاری صمیمانه ی افراد با یکدیگر
- ۵- مبارزه با گرانی، فقر و رشد نابرابر مناطق کشور

در این مقاله که به روش توصیف - تحلیلی صورت گرفته، هدف جستاری در نقش تعاون در پیشرفت پایدار منطقه ای ایران است. امروزه در کشور ایران با توجه به مسایل خاص سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی و... به یک وفاق گسترده نیازی ضروری احساس می شود. امری که تنها از رهگذر تعاونی ها امکان پذیر و قابل حصول است. ما کشوری شرقی هستیم که در آن یکی از فرضیه های فلسفی متافیزیکی کشورمان، تقدّم منافع جمع بر فرد است. درست نقطه مقابل فلسفه ی لیبرالیسم غربی که منافع فرد بر جمع تقدّم می یابد. بر این مبنا ضرورت دارد از طریق تقویت و گسترش روحیه ی تعاون مبتنی بر خودیاری و احساس مسئولیت و با اشاعه ی افکار و اندیشه های تعاونی از طریق مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی اقدامات مؤثری در جهت پیشرفت ی پایدار منطقه ای و ملی برداریم. در واقع بایستی کاری کنیم که فرهنگ تعاون در کشور نهادینه شود. جهت این امر بهبود در امر آموزش یکی از مهمترین امور است، زیرا یکی از مهمترین مشکلات تعاونی ها کمبود دانش و مهارت است.

۲-۱ فرضیه تحقیق

تعاونی ها به دلیل مردمی بودن و از طریق تلفیق کارایی تجاری و مادی با ارزشهای اجتماعی و اخلاقی زندگی بشر به عنوان محور پیشرفت مناطق خصوصاً در کشورهای عقب مانده تر به حساب آمده ، به دلیل رویکرد های خاص اجتماعی و فرهنگی قادرند از طریق مشارکت دادن مردم در سرنوشت خویش ، در پیشرفت اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی مناطق جغرافیایی درون کشورها مؤثر و موجبات پیشرفت پایدار را فراهم آورند.

۲-۲ یافته ها

۲-۱-۲ تعاون و پیشرفت

بیکاری ، فقر گسترده ، نابرابریهای عمیق ، تبعیض و بی عدالتی و سایر مشکلات فزاینده ی اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی در کشورهای عقب مانده از جمله ایران ، حاکی از آن است که هرگونه اقدامی که در زمینه ی سیاست پیشرفت مناطق به صورت خرد و کشور به صورت کلان ، منوط به یافتن ضوابط و راهکارهایی است که در شرایط محدود امکانات قادر باشد بر این مسائل و مشکلات فائق آید. یعنی آن چنان راهکاری که باتوجه به شرایط و ساخت هر منطقه ، تمامی منابع منطقه ای و ملی را به طور مداوم و با موفقیت بسیج نموده و با به کارگیری تاکتیکی ، به دور از هرگونه مناقشه در حد اقل زمان ممکن ، دامنه ای از رفاه محسوس را برای همگان فراهم نماید. گرچه تلاشهای فزاینده ای در جهت پیشرفت مناطق صورت می گیرد اما به دلایل خاص از جمله عدم تناسب استراتژیهای پیشرفت با خصوصیات و ویژگیهای مناطق و مشکلات ساختاری و زیربنایی و از همه مهمتر اعمال سیاست پیشرفت از بالا به پایین و عدم دخالت دادن مردم در سرنوشت خودشان نه تنها مشکلات حل نشده بلکه باعث رواج بیش از حد تبعیض و بی عدالتی ، گسترش فقر ، بیکاری ، بی خانمانی ، آسیب های اجتماعی و... گردیده است. حال که سیاست پیشرفت از بالا به پایین موجب چنین نابسامانی هایی گشته ، چنین به نظر می رسد که یکی از راه های روشن برای رفع و کاهش این معضلات ، استفاده از شیوه تعاون و همیاری اجتماعی باشد. زیرا تعاونی ها از طریق تجمع پس اندازهای اندک اعضا و از طریق حمایتهای مالی دولت و سرمایه گذاری و تولید و آموزش مداوم اعضا، منجر به ارتقای بهره وری نیروی انسانی شده، موجبات افزایش تولید، اشتغال و رشد اقتصادی مناطق و کل کشور را فراهم می آورند. همچنین به دلیل رویکردهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خاص تعاونی ها که الهام گرفته از اصول و ارزشهای تعاون است، زمینه های پیشرفت اقتصادی، اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی در کشورهای عقب مانده تر از جمله ایران فراهم شده و نهایتاً کشور به سوی پیشرفت جامع حرکت خواهد کرد.

۲-۲-۲ تعاون و مشارکت

مشارکت، شرکت داوطلبانه ی گروهی از مردم در برنامه ها و طرحهای پیشرفت است. مشارکت برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه افزایش آگاهی، درک و توان آنان برای دخالت در فرآیندهای تصمیم گیری ، برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی طرحها و برنامه های پیشرفت

است. مشارکت همانند ابزاری برای رونق بخشیدن به فعالیت‌ها و در نتیجه شتاب دادن به آهنگ پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. مشارکت، ابزاری برای افزایش و توزیع تصمیم‌سازیهای جمعی، همیاری و دیگریاری در پیشرفت و بهره‌مند شدن از نتایج آن تلقی می‌شود.

هر چقدر مشارکت مردم در سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از منابع از طریق دخالت آنها در برنامه‌ریزی، سازماندهی و اجرای طرح‌های پیشرفت بیشتر شود، نابرابریها کاهش خواهد یافت. تعاون و شرکتهای تعاونی در تضعیف و زایل ساختن نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های اقتصادی نقش مؤثری دارند، زیرا تعاونی‌ها به منزله‌ی نهادهای مردمی، عامل تشویق و مشارکت مردم و دخالت دادن آنها در فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی است. بنابراین هر چه نقش بخش تعاون در جوامع فزاینده‌تر شود، میزان نابرابریها در جامعه بیشتر کاهش خواهد یافت. در واقع، بخش تعاون در مقایسه با بخش‌های دولتی و خصوصی، بهتر می‌تواند پیشرفت منطقه‌ای و سپس ملی را مبتنی بر عدالت و مساوات به ارمغان آورد، زیرا جوهره‌ی اصلی این بخش بر مشارکت اصیل، داوطلبانه و علاقه‌مندانه مردم استوار است. دراصل، بخش تعاونی، یک بخش اقتصادی با چهره‌ای مردمی است. امروزه این اصل پذیرفته شده است که برای نیل به پیشرفت منطقه‌ای و سپس ملی در کشورهای عقب‌مانده‌تر، بیش از هر چیز نیاز به مشارکت فعال و مؤثر مردم می‌باشد، زیرا فقدان روحیه مشارکت در شهروندان یک جامعه، فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی را با مخاطرات گوناگون مواجه می‌سازد. در حالی که هر اندازه میزان مشارکت عامه مردم در فرآیند پیشرفت افزون گردد، مؤلفه‌های پیشرفت در راستای واحد حرکت خواهند کرد و این همسویی موجب بالندگی، تسهیل و تسریع رشد و پیشرفت خواهد شد.

تعاونی‌ها محیط مناسبی جهت تصمیم‌سازی گروهی فراهم می‌نمایند و از این حیث، کانون آموزش، مشارکت و رفتار مشارکتی به حساب آمده و اصل اساسی در زمینه‌ی جلب مشارکت مردمی، همکاری داوطلبانه، رضایت‌مندانه و همه‌جانبه‌ی مردم هستند. امروزه لازم است برای پاکسازی کشورمان از فقر، بیکاری، تورم، نابسامانی‌های متعدد، بی‌عدالتی‌ها و... گرد هم آییم، اما نه با رویه‌ای خشمگین و اعتقادی جزم‌اندیش و نه با تنش‌های آنی، بلکه به شیوه‌ای مهربانانه از طریق تعادل و همیاری و مشارکت صلح‌آمیز به گونه‌ای که مشارکت خلاقانه‌ی تمامی آحاد مردم را جلب نماید.

۳-۲ تعاون و پیشرفت اقتصادی

یکی از مهمترین ویژگیهای ممالک عقب‌مانده، پایین بودن تولید داخلی، سطح پایین اشتغال و وجود بیکاری آشکار و پنهان فراوان، توزیع نابرابر درآمدها و کمبود سرمایه است. در این کشورها، کشاورزی به عنوان مهمترین منبع اشتغال، درآمد و بهره‌وری پایین در بخشهای مختلف اقتصادی به حساب می‌آید. نوع و حجم تولید در اقتصاد منطقه‌ای و ملی یک کشور به بسیج مجموعه‌ای از عوامل در جهت مقاصد تولیدی و ایجاد هماهنگی بین آنها بستگی دارد. بر این مبنا شرکتهای تعاونی - تولیدی می‌توانند نقش بسیار مهمی را ایفا نمایند. این شرکتها می‌توانند با تجمع سرمایه‌های اندک مردم، حمایت و تسهیلات مالی دولت، سرمایه‌های پراکنده و سرگردان جامعه را با استفاده از منابع و امکانات بالقوه فراوان موجود در کشور در خدمت تولید و اقتصادی درآورند که انجام این کار مشارکت تک تک

افراد به صورت تعاون و همیاری را می‌طلبند، کشاورزان می‌توانند با تشکیل تعاونی‌های کشاورزی با دریافت تسهیلات از دولت به مکانیزاسیون کشاورزی دست یافته و در صورت نیاز فصلی به اعتبار، وام دریافت نمایند و بدین طریق، دست رباخواران و کسانی که محصولات آنان را به بهای اندک پیش خرید می‌کنند، کوتاه و منافع حاصل از تلاش را نصیب خودشان سازند. عضویت در تعاونیها باعث یکنواخت سازی عرضه ی محصولات کشاورزی، ثبات در قیمت محصولات و بازاریابی بهتر خواهد شد. همچنین تعاونی ها در امر بازاریابی و فروش محصولات بسیار مؤثر عمل می نمایند. در مناطق روستایی، خصوصاً در کشورهای عقب مانده و فقیر، اعتماد روستائیان به شرکتهای تعاونی بیش از اعتماد آنان به بانکها و مؤسسات اعتباری است. بنابراین در این کشورها می توان با تجهیز و تقویت تعاونی ها به اهداف پیشرفت روستاها کمک کرد. امروزه مهمترین مانع پیشرفت اقتصادی کشورهای فقیر، فقر است. فقر باعث به وجود آمدن چرخه ای می شود که از آن به عنوان دور و تسلسل باطل فقر یاد می شود. این چرخه ی باطل از آنجائیکه می شود که در کشورهای عقب مانده، بهره وری و کارایی به دلیل کمبود و عدم کارایی سرمایه، ناکامل بودن بازار، عقب ماندگی اقتصادی و پیشرفت نیافتگی، اندک است. بر این مبنا یکی از شیوه های مؤثر در بسیج مردم، امکانات و درآمدهای اندک آنان در جهت افزایش تولید، بهره وری و اشتغال مؤسسات تعاونی است. در مجموع، تعاونی ها از طرق زیر در پیشرفت اقتصادی کشور مؤثر عمل می نمایند:

- استقرار عدالت اجتماعی

- توزیع عادلانه تر درآمدها

- تأمین منابع لازم جهت سرمایه گذاریها از طریق تجمع سرمایه های کوچک

- افزایش قدرت رقابتی و توانمندسازی بنگاههای اقتصادی متوسط و کوچک

- کاهش تصدّی گری دولت

- گسترش مالکیت و پیشرفت مشارکت عامّه ی مردم در فعالیت های اقتصادی

بالاخره اینکه در شرایط نوین اقتصادی امروز، رونق و پیشرفت هر مؤسسه ای مرهون اطلاعات، آگاهی ها و سطح دانش مدیران آن مؤسسه است. بنابراین، پیشرفت، رونق و پیشرفت، نصیب کشورهایی خواهد شد که دولت مردان لایق تری در اختیار داشته و از مشارکت بسیار بالای شهروندان بهره مند شوند. وجدان کاری، انضباط مطلوب اجتماعی، تجزیه و تحلیل مسایل گوناگون روز دنیا، دسترسی به منابع نوین فناوری، ممانعت از اتلاف وقت، بهره وری در سرمایه و انرژی از جمله ویژگیهایی است که می تواند کشور را به سمت پایداری در پیشرفت هدایت نماید.

۴-۲ تعاون و پیشرفت فرهنگی

تعاون از طریق گسترش آگاهی روحیه مسئولیت پذیری می تواند نقش مؤثری در پیشرفت ی فرهنگی نواحی جغرافیایی ایفا نماید. در واقع، تعاونی ها نیروهای فردی و جمعی را که در جهت عکس یکدیگر در حرکتند به وسیله فعالیت های خود آموزشی و با توجه به تمایلات جمعی با یکدیگر تلفیق و مرتبط می سازند و این وظیفه برای کشورهای عقب مانده بسیار حائز اهمیت است. اهمیت وظایف تربیتی و فرهنگی نهادهای تعاونی آنگاه آشکار می شود که به روشهای انجام کار و اصولاً طرز تفکر مردم نسبت به مسأله ی کار و فعالیت در مناطق روستایی توجه ی خاصی مبذول گردد. در چنین اوضاع و احوالی است که شرکتهای تعاونی با ویژگیهای خاص خود و با استفاده از آموزش می توانند گام مهمی را در زدودن افکار غلط سنتی و دست و پاگیر جوامع عقب مانده برداشته و موجبات رشد و شکوفایی هر چه بیشتر این کشورها را فراهم سازند.

همسویی اهداف تعاون با پیشرفت فرهنگی و آموزش در زمینه های برقراری عدالت اجتماعی، ایجاد اشتغال و پیشرفت نیروی انسانی انکار ناپذیر است و در جریان فعالیت های اقتصادی، رونق و پیشرفت تعاونی ها مرهون اشاعه فرهنگ تعاون، آموزش عمومی و تخصصی و در مجموع نهادینه شدن فرهنگ تعاون در بین مردم مناطق و کشور است.

۵-۲ تعاون و پیشرفت سیاسی

در کشورهای عقب مانده قدرت سیاسی عمدتاً یا در دست طبقه ی خاصی از اجتماع است که خود را از توده ی مردم به میزان قابل توجهی مجزا نموده یا در اختیار رهبران عوام فریبی است که استبداد را بر تارک تندیس آزادی نشانده و در پی تحقق اهداف غیر انسانی خویش، یکسره با ظاهر سازی و تأیید گرفتن های تصنعی از عمال خود سعی می نمایند اینگونه در اذهان مردم جا نمایند که مردمی اند و مورد تأیید آنان! بنابراین در چنین جوامعی عامه مردم به سختی ممکن است در تصمیم گیریهای سیاسی شرکت نمایند.

با توجه به مسایل بالا اهمیت تعاون، نهادها و مؤسسات تعاونی در کشورهای عقب مانده در این است که در این کشورها از طریق شرکتهای تعاونی، شرایطی ایجاد می شود که مردم به تدریج و به طور سیستماتیک جهت اداره و رهبری سیاسی و ایجاد حس مسئولیت پذیری آماده و تربیت می شوند و بدین طریق شرکتهای تعاونی زمینه های لازم جهت شکل دادن به نوعی حکومت دموکراتیک را مهیا می سازند. همچنین نهضت های تعاونی قادرند برای نیل به مقاصد اساسی دولت در زمینه ی آزادی و عدالت از طریق اصول و عقاید خویش شرایطی را به وجود آورند تا مردم به طور سیستماتیک آماده مسئولیت پذیری و مشارکت در سرنوشت سیاسی کشور خویش گردیده ، زمینه ی لازم جهت ایجاد دموکراسی مردمی را فراهم نمایند. تجربه نشان داده است که تعاونی ها قادرند برای نیل به مقاصد اساسی دولت در زمینه ی آزادی و عدالت بالنسبه بهتر از هر نهضت دیگری عمل نمایند. زیرا تعاون، آزادی فردی را با تمایل به زندگی جمعی ضمن تأمین حقوق مساوی تلفیق و هماهنگی لازم را در این زمینه به وجود می آورد.

تعاونی ها قادرند از طریق آموزش و با توجه به اصل خودسازی که جزء لاینفک اندیشه های تعاونی است به پرورش اراده اعضا همت گمارده و قدرت تصمیم گیری را در آنها تقویت نمایند.

در مجموع، اندیشه ی تعاونی از جمله نیروهایی است که پایه گذار سیستم های حکومتی دموکراتیک بوده و در واقع، سرچشمه ی استقرار نظام تعاونی با نظام دموکراتیک یکی است و توجه به همین واقعیت است که موجب شده امروزه در برخی کشورهای عقب مانده تر سعی شود تا از طریق پیشبرد و تقویت نهضت تعاونی، بلوغ سیاسی اعضا و در نتیجه عامه ی مردم افزایش یابد و وقایع سیاسی این کشورها را تحت تأثیر خود قرار دهد.

۶-۲ تعاون و ایجاد اشتغال

یکی از مهمترین معضلات کشورهای کمتر پیشرفت یافته، بیکاری آشکار و پنهان است. دلیل این امر نه تنها رشد شتابان جمعیت، بلکه عدم هماهنگی بخش صنعت مولد و اشتغال زا با نیازهای جامعه و سرمایه گذاری کم برای جذب این نیروهای کار سرگردان است. با توجه به بیکاری پنهان و آشکار گسترده در کشور، تشکیل تعاونی ها بویژه تعاونی های تولیدی و خدماتی در چنین شرایطی می تواند با استفاده از تجمع سرمایه های اندک، حمایت و تسهیلات دولتی، فرآیند تولید و سپس رشد اقتصادی را شتاب دهند و بدین طریق تا حدودی مشکل بیکاری مناطق و کشورها را مرتفع نمایند. از طریق تعاونی ها می توان به جذب سرمایه های راکد و سرگردان برای استفاده در طرحهای عمرانی و اقتصادی و نیز پرداخت وام و تسهیلات سهل الوصول و با شرایط و امتیازات ویژه به صاحبان حرف و مشاغل تولیدی، توزیعی و خدماتی که باعث ایجاد اشتغال در جامعه و بالا رفتن سطح تولید داخلی و افزایش درآمد ملی می شود اهتمام ورزید.

در مجموع تعاونی ها به عنوان مؤسسات عضو محور، با مدیریت مردم سالار که ریشه در جامعه محلی داشته و ارزش مدارند، موجب بسیج، خودیاری و همیاری بین مردم مناطق شده و بدین طریق با تشویق اقشار مردم به پس انداز و سرمایه گذاری و بهبود درآمد خانوارها، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم جهت تأمین عدالت اجتماعی از طریق افزایش سطح عمومی اشتغال و کاهش بار مالی و مدیریتی دولت منجر به شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد منطقه ای و ملی شده، موجبات پیشرفت پایدار کشور را فراهم می نمایند.

۳- بحث و نتیجه گیری

تعاونی های واقعی دارای جنبه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی محیطی اند. بنابراین قادرند به برنامه ریزی و جنبه ی انسانی و محیطی داده و آن را منطبق با احتیاجات و آرمانهای مردم نمایند. تعاونی ها قادرند در برنامه های پیشرفت عمومی مناطق و کشور، ملاحظات انسانی و بشری را مد نظر قرار داده، مناطق و سپس کشور را به سمت پیشرفت متوازن و جامع هدایت نمایند. از منظر دیگر، تعاونیها قادرند مداخله ی دولتها را در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کاهش داده و با کوچکتر نمودن حجم دولت از طریق پیشرفت و بسط تعاونی ها، جنبه ی نظارتی دولت را گسترش داده، دولت را به امر سرمایه گذاری کلان در زیر ساختها



تشویق نمایند. همچنین تعاونی ها به عنوان سازمان های مردمی قادرند سیاست های مربوط به پیشرفت کشور را تفسیر نموده و به اجرا گذارند و با جلب مشارکت گسترده ی مردم ، موجبات اشتغال قشر وسیعی از آنان را فراهم نمایند. آنها نقش رابط بین مردم و دولت را ایفا نموده، با ایجاد یک نوع انضباط اجتماعی، ریسک سرمایه گذاری را کاهش داده و برای اعضا آسودگی خاطر ایجاد می نمایند. با عنایت به اینکه مالکیت غالب تعاونی ها از نوع بومی و محلی است، منافع حاصله از آنها در چرخه ی اقتصادی مناطق به کار رفته، منجر به سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال بیشتر شده و در پیشرفت مناطق مؤثر عمل می نمایند. در مجموع، در صورتی که تعاونی ها از مدیریت صحیح و نظارت دموکراتیک برخوردار باشند، بهترین راه مشارکت توده مردم در فعالیت های پیشرفت به حساب آمده، احساس مسئولیت ، همیاری و همکاری را گسترش داده، گامی اساسی در جهت پیشرفت پایدار نواحی جغرافیایی و کشورها خواهند بود.

منابع

- ## ایمان دوست، صادق، (۱۳۸۴) سهام عدالت و چالشهای نهادی، روزنامه ی قدس، مورخ ۸۴/۱۲/۱، ص ۳
- ## رستم نژاد، غلامحسین، (۱۳۸۴) اولین گام برای پیشرفت بخش تعاون، نشریه ی تعاون شماره ۱۶۷، مراد ۸۴ ص ۵
- ## رنجبر، مهناز، همایون نژاد، ایمان (۱۴۰۲). جایگاه اصل تعاون و همکاری درآموزه های دینی (اسلام) اولین همایش آموزش محیط زیست و پیشرفت پایدار دانشگاه پیام نور
- ## رنجبر، مهناز(۱۴۰۲)چکیده مقاله نقش تعاونیها در ایجاد وپیشرفت اشتغال درایران، اولین همایش اقتصاد تعاونی ایران وزارت تعاون
- ## رنجبر، مهناز، دانیالی، تهمنه (۱۴۰۲). واکاوی ظرفیت های اشتغال در پیشرفت گردشگری و اکوتوریسم در تعاونی های منابع طبیعی در ایران، اولین همایش اقتصاد تعاونی ایران در وزارت تعاون
- ## رستمی، حمدالله، (۱۳۸۳) اصول و اندیشه های تعاون، وزارت تعاون، تهران ۱۳۸۳.
- ## رحیمی، حسین، مقدمه ای بر جغرافیا و توسعه پایدار- انتشارات اقلیدس، چاپ اول، ۱۴۰۲
- ## رحیمی، حسین، مقاله - بحران بیکاری و امنیت ملی در ایران دهه ی هشتاد، ماهنامه ی اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ۱۳۷۹
- ## رحیمی، حسین، مقاله - بررسی اثر فقر بر محیط زیست، ماهنامه ی اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۳۸۱.
- ## رحیمی، حسین مقاله- بررسی نقش فرهنگ در توسعه پایدار، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۳۸۳.
- ## رحیمی، حسین، مقاله - بررسی نقش خرد و دانایی در اقتدار ملی - فصلنامه مطالعات دفاعی - استراتژیک، سال ۱۳۸۰
- ## رحیمی، حسین، مقدمه ای بر جغرافیا و توسعه پایدار در کشورهای در حال پیشرفت، انتشارات پیشرفت ی روستایی ایران، ۱۳۹۸.
- ## شیرانی، علیرضا، (۱۳۶۸). اقتصاد تعاون، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ۱۳۶۸.
- ## سلیم، غلامرضا، (۱۳۷۷). اصول مدیریت تعاونی ها، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران ۱۳۷۷.
- ## طالب، مهدی، (۱۳۷۹). اصول و اندیشه های تعاون، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۹.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

طیبیان ، سحر، رنجبر ، مهناز (۱۴۰۲). ارزیابی توانمندیها و چالشهای پیش روی تعاونیهای تولید روستایی در جهت پیشرفت پایدار کشاورزی ، اولین همایش کارآفرینی و پیشرفت پایدار باتاکید بر نقش آب سیستان و بلوچستان .

مستعانی، محمدحسین، (۱۳۷۶) قوانین و مقررات تعاونی ج ۲ ، وزارت تعاون، تهران ۱۳۷۶.

مرکز پژوهشهای جمهوری اسلامی . (۱۳۹۶). قانون برنامه پنجساله ششم پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)

وزارت تعاون (۱۳۷۷). گزارش کار سی و یکمین کنگره ی اتحادیه ی بین الملل تعاون ، منچستر ۱۹۹۵، انتشارات وزارت تعاون، تهران ۱۳۷۷- ص ۸-۱۰

وزارت تعاون ، (۱۳۸۴). فرم گزارش کار - معاونت تحقیقات , آموزش و ترویج ، وزارت تعاون.

وزارت تعاون، (۱۳۷۹) دستورالعمل و فرم های تهیه و تنظیم برنامه و بودجه ی سالانه در تعاونی ها، وزارت تعاون، معاونت نظارت و بهره برداری ، تهران ۱۳۷۹.

وزارت تعاون ، (۱۳۷۷). دستورالعمل تشکیل شرکتهای تعاونی چند منظوره، وزارت تعاون ، تهران ۱۳۷۷

study into the Role of Cooperation in Iran's Sustainable Regional Progress

IMAN, HOMAYOONNEZHAD (Corresponding Author)

Assistant Professor and Faculty Member, Payam Noor University, Faculty of Technology and Engineering, Department of Agriculture and Natural Resources, Tehran, Iran



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract

Cooperation, assistance, collaboration, assistance, support, care, etc., are seen in the various social rituals and customs of every society, especially Eastern nations. These matters are rooted in human nature and indicate his need for togetherness, a spirit of participation, and avoidance of isolation. In Iran, these desirable customs and traditions are also seen in various forms. In this regard, the cooperative movement, in order to create employment, generate income, create social welfare, improve collective life, and achieve social, cultural, political, and environmental justice, requires the joint efforts and participation of various segments of society in the form of a cooperative movement. In fact, reducing the size and body of the government, increasing productivity, and expanding the share of people's participation is the golden key to solving the problems facing our country. Issues and problems such as the lack of institutionalization of the culture of cooperation among many people in the country, managerial problems, lack of technical and specialized knowledge and skills, various organizational problems, lack of capital and liquidity are among the major challenges facing cooperatives in the country. Solving these problems is possible through extensive measures at the local, regional and then national levels through government support. In this article, which is conducted using a descriptive-analytical method, the aim is to investigate the role of cooperatives in the sustainable regional progress of Iran. The result indicates that through cooperatives, the country's value system can be guided towards its true position, and by explaining the solutions and strategies for progress, regional progress, the expansion of social justice, and the sustainable progress of the country can be helped. Iran is an Islamic and Eastern country. A country in which collective interests should prevail over individual interests.

Keyword: The role of cooperation, sustainable regional progress, social justice and sustainable progress of Iran.

مطالعه تاثیر مدیریت استرس بر کاهش رفتار ضد تولید در نیروگاه سیکل ترکیبی شهرستان جهرم

محمد جعفر موغلی گراشی؛ عضو هیات علمی، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

mjmogholi@pnu.ac.ir

چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی نقش مدیریت استرس بر کاهش رفتار ضد تولید در نیروگاه سیکل ترکیبی جهرم می باشد. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر روش گردآوری، توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه مدیران ارشد، میانی و عملیاتی نیروگاه سیکل ترکیبی جهرم می باشند. روش نمونه گیری به روش نمونه گیری تمام شماری است. روایی پرسشنامه به روش محتوایی پایایی آن به روش کرونباخ که پرسشنامه مدیریت استرس (۹۷ درصد) و پرسشنامه رفتار ضد تولید (۸۹ درصد) به تائید رسید. برای آزمون فرضیه ها از نرم افزار spss استفاده شد. نتایج یافته حاکی از آن است که بین هر چهار توانمندی مدیریتی، احترام و مسئولیت پذیری مدیران و همچنین مدیریت و ابلاغ کار موجود و آتی، مدیریت اشخاص در گروه و استدلال و مدیریت وضعیت های مشکل و کاهش رفتارهای ضد تولید در نیروگاه سیکل ترکیبی جهرم رابطه معنادار وجود دارد. پس فرضیه ها تایید می گردد، که نشان دهنده نقش مهم مدیریتی جهت مدیریت استرس و در نتیجه باعث کاهش رفتارهای ضد تولید در سازمان می گردد.

واژگان کلیدی: مدیریت استرس، رفتارهای ضد تولید، توانمندی مدیریتی، نیروگاه سیکل ترکیبی جهرم

۱. مقدمه

گسترده ی رفتارهای کارکنان در محیط های کار آن چنان پر تنوع و گوناگون است که اندیشمندان و محققان را وادار نموده تا این رفتارها را در طبقات متعددی طبقه بندی نمایند. در یک طبقه بندی ساده می توان این رفتارها را در رفتارهای مطلوب و مثبت و طبقه دیگر را رفتار های نامطلوب و منفی نامید. یک دسته از رفتارهای بسیار مورد توجه در عرصه پژوهش ها و نظریات روانشناسی صنعتی و سازمانی رفتارهای انحرافی است. واژه های متعدد دیگری نیز برای گسترده ی رفتارهای زیان بار کارکنان در محیط کار، نظیر رفتارهای ضد تولید، رفتارهای ضد بارآوری و غیره مطرح شده است (گل پرور و همکاران، ۱۳۹۰).

رفتارهای ضد تولید، هر نوع رفتاری تلقی می شود که باعث زیر پا گذاشتن قواعد، رسوم، سنتها و مقررات درون سازمان شده، عمدی است و با هدف آسیب رسانی به سازمان یا کارکنان آن به مرحله اجرا درمی آید (گل پرور، نیری و مهداد، ۱۳۸۷). بر پایه هدف رفتارهای انحرافی، دو دسته از رفتارهای انحرافی، موسوم به رفتارهای انحرافی معطوف به سازمان و همکاران در عرصه پژوهشها و نظریات مطرح شده که هر یک مؤلفه های رفتاری خاصی را پوشش می دهند. در رفتارهای ضد تولید معطوف به سازمان، غیبت، کم کاری، آسیب رسانی به تجهیزات و اثاثیه، نقض و نادیده گرفتن مقررات سازمان و در رفتارهای انحرافی معطوف به همکاران، بد دهنی، بد رفتاری،

دزدی از همکاران و مواردی از این دست مطرح می شوند. مجموعه تحقیقات گوناگونی که تاکنون در مورد رفتارهای انحرافی صورت گرفته، عوامل متعدد فردی، موقعیتی و سازمانی را بعنوان پیش بینی کننده ی این رفتارها معرفی نموده اند (تایو، بنت، میچل و بنت مارس ، ۲۰۰۹). از میان عوامل مختلفی که قادر به پیش بینی رفتارهای ضد تولید هستند، در این پژوهش بر استرس شغلی تمرکز شده است. استرس شغلی، به عوامل فشارآوری اطلاق می شود که باعث تحمیل فشار روانی، اجتماعی و فیزیولوژیک بر افراد می شود و به مرور زمان بهزیستی روانی و فیزیولوژیک افراد را به مخاطره می افکند (اویانگ، ۲۰۰۹). از آنجا که بخش عمده ای از زندگی انسان و تامین نیازهای مادی و معنوی او، از طریق کارکردن میسر می شود، شناخت این پدیده نحوه ی کنترل و اداره ی آن در محیط های کاری یا به عبارت دیگر، مدیریت استرس برای مقابله با عوارض و پیامدهای نامطلوب آن، اهمیت به سزایی می یابد.

استرس، یکی از مشکلاتی است که بشر، طی قرون متمادی به آن مبتلا بوده است. اما به نظر می رسد با پیشرفت تکنولوژی، نه تنها از میزان استرسهای روانی- اجتماعی کاسته نشده، بلکه بر میزان و شدت آن نیز افزوده شده است. (استوراتجین بنجامین، ۱۳۷۷) انتشار صدها هزار کتاب و مقاله در زمینه بررسی اثرات استرس و شیوه مقابله و کنترل آن، خسارتها و هزینه های اقتصادی ناشی از آن و نیز ارتباط استرس با بسیاری از مسایل بهداشت روان و تاثیر آن در عملکرد افراد، این مساله را تایید می کند.

۱-۱. بیان مساله

عملکرد سازمانی، در واقع نشان دهنده حدی از اهداف از پیش تعریف شده است که تاکنون توسط سازمان محقق شده است؛ همچنین می توان عملکرد سازمانی را به عنوان یک ارزیابی بر روی اثربخشی افراد و گروه های موجود در سازمان و خود سازمان دانست. برای موفقیت در افزایش عملکرد سازمانی، راه های بسیاری وجود دارد؛ یکی از این راه ها، مبحثی بحرانی و جنجال برانگیز می باشد که عبارت است از ایجاد و تعیین یک ابزار اندازه گیری جامع که برای مدیران و کارکنان شرایطی را ایجاد نماید تا با دستورالعمل ها و مجموعه ای از اهداف که به روشنی تبیین شده اند، به سوی هدف حرکت نمایند. منابع انسانی یا به عبارت بهتر سرمایه های انسانی از مهم ترین عوامل تولید در یک سازمان به شمار می رود. نظرسنجی از مدیران ارشد شرکت های بزرگ و موفق که مجله معروف فورچون آنها را فهرست می کند، نشان می دهد که بزرگ ترین دلیل شکست یا ناکامی مدیران از دیدگاه این مقامات، نداشتن مهارت های لازم در زمینه روابط انسانی است. تحقیقاتی نیز از نوع پیمایشی انجام شده است که نتایج آن نشان می دهد مهارت یا مساله روابط انسانی بالاترین اهمیت را در سازمان ها دارد. مدیران با بهره گیری از این مهارت و با استفاده از دانش و سایر منابع سازمانی قادر به انگیزش کارکنان در جهت نیل به اهداف سازمانی خواهند بود؛ بنابراین پرسش مطرح شده آن است که عوامل موثر بر عملکرد کارکنان بانک های خصوصی شهرستان جهرم کدام است؟

۲-۱. مبانی نظری

استرس

استرس وضعیت و حالتی است که از دخالت متغیرات مختلف روانی فیزیولوژیکی بر دو عامل محیط کار و سلامتی جسمی و احساسی فرد بروز می‌کند که مجموعه‌ای از واکنش‌های عمومی و شخصی نسبت به عوامل ناسازگار و غیرمنتظره محیط است که موجب اختلال در سیستم سازگاری و تطبیق بدن آدمی با محیط خارجی می‌گردد و او را وادار می‌کند با اتخاذ روش جنگ یا گریز، با خطر مقابله نموده و یا از آن دور شود. بررسی‌های جدید و تئوری‌های جامع استرس، بر تعامل فرد و محیط تأکید دارد و عکس‌العمل فرد در برابر استرس بستگی به تفسیر و ارزیابی آگاهانه و یا ناآگاهانه، اهمیت حوادث زیان‌آور، تهدیدآمیز و دارای چالش دارد (دایر، ۱۳۸۰). هرچند فشار عصبی به شک‌های مختلف تعریف شده اما زمینه مشترک همه تعاریف این است که علت ایجاد فشار عصبی، وجود محرکی به صورت فیزیکی یا روانی است و فرد به طریقی خاص نسبت به آن عکس‌العمل نشان می‌دهد. در این بحث، استرس به عنوان عکس‌العمل فرد برای سازگاری نسبت به محرکی که الزامات فیزیکی و روانی گسترده‌ای برای وی به وجود می‌آورد، در نظر گرفته شده که شخص خود را به طرُق متعدد با شرایط توأم با فشار روانی تطبیق می‌دهد و محرک‌ها عامل ایجاد استرس فیزیکی یا روانی محسوب و زمانی به وجود می‌آیند که فرد احساس کند از او چیزی خواسته شده که از عهده انجام آن بر نیاید (گریفین، ۱۳۷۴). به هر حال فشار عصبی یکی از پدیده‌های اجتماعی و سازمانی است که به طور گسترده‌ای بر فضای سازمان، روابط انسان‌ها و بهداشت روانی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (فقهی‌فرهمند، ۱۳۸۱).

اگر چه عده‌ای از صاحب‌نظران، فشار روانی را الزاماً مخرب نمی‌دانند اما اکثر پژوهشگران معتقدند که فشار روانی برهم‌زننده بهداشت روانی است و در شرایط فعلی سازمان‌ها، یکی از مشکلات مدیران می‌باشد که تا حدود زیادی بازدهی و بهره‌وری راکاهش داده و سبب مشکلات رفتاری و تعارض در سازمان‌ها شده و به عنوان موضوعی فراگیر و نفوذکننده، در همه جوانب و زوایای سازمان مانند شرایط فیزیکی، نوع کار، مسئولیت، ارزشیابی، ساختار، نقش، نوع شخصیت، فرآیند تولید یا عملیات، ارتباطات و غیره قابل بررسی است (رشیدی، ۱۳۸۷).

ضرورت مسئله استرس

همان‌طور که تکنولوژی پیشرفت می‌کند، عوامل استرس‌زا هم بیشتر می‌شوند. استرس مخصوص افراد جامعه یا طبقه خاصی از مردم نیست و افراد با توجه به نوع و شرایط زندگی‌شان با عوامل استرس‌زای گوناگونی مواجه هستند، به طوری که نمی‌توان آن را از زندگی حذف و جدا کرد. دنیای صنعتی و فراصنعتی امروز، مشکلات و گرفتاری‌های بسیاری به بار آورده است. نگرانی افراد نسبت به کار، پیشرفت شتابان علم و تکنولوژی و نگرانی از کهنه شدن معلومات و اطلاعات و... از جمله موارد ایجادکننده

تنش ها، هیجانات و نگرانی های روزمره هستند که حالت هایی از فشار عصبی و روانی تحت عنوان استرس را در افراد ایجاد می نماید، فشاری که آن را مدت ها یک اختلال روانی عاطفی به حساب می آوردند اما امروزه ثابت شده که هنگام بروز آن، سه سیستم عصبی، هورمونی و دفاعی بدن در یک تأثیر متقابل به فعالیت می پردازند. اخیراً ثابت شده که در صورت بروز استرس سیستم دفاعی بدن تضعیف و شماری از گلبول های سفید که عامل دفاع بدن هستند، می میرند (فقیهی فرهمند، ۱۳۸۲).

استرس امروزه تقریباً واژه ای متداول شده و همگان با مفهوم آن آشنا بوده و یا آن را تجربه کرده اند و دلایل غیر قابل انکار بیانگر این واقعیت است که آن بر سلامت جسمی، روانی، رفتار و نحوه انجام کار اثرات منفی و غیر قابل جبرانی می گذارد که برای فرد و یا سازمان بسیار پر هزینه می باشد و بدین دلیل بحث استرس در مدیریت رفتار سازمانی از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است (فخیمی، ۱۳۸۳). و از آن جایی که شرایط کار دائماً در حال تغییر است، استرس همواره با درجات مشخصی در رابطه با مسائل مرتبط با کار در سازمان ها وجود دارد. در چند دهه اخیر استرس به صورت جدی تری خود نمایی نموده و با توجه به این تحولات، فشار عصبی از مسائل عادی و معمولی شده و اغلب کارکنان آن را به گونه ای و با شدت و ضعف تجربه کرده اند (کارتورت، ۲۰۰۳).

استرس شغلی

استرس شغلی مسئله ای است که جویندگان کار بایستی به آن توجه عمیقی داشته و در فرآیند کاریابی خود مسائل عاطفی و روانی ناشی از شغل مورد نظر را مورد توجه قرار دهند (الوانی، ۱۳۷۶). کما این که استرس حاصل از کار، بسیاری از مسائل جسمی، روانی، خانوادگی و اجتماعی را برای فرد رقم می زند و فشار عصبی در زندگی روزانه فراوان مشاهده می گردد و با این که این پدیده را از دیدگاه منفی مورد بحث قرار می دهند، ولی می تواند دارای ارزش مثبت هم باشد. دنیای صنعتی و فراصنعتی، گرفتاری های فراوان به بار آورده و نگرانی افراد نسبت به کار، خانواده، نگرانی های مادران نسبت به وضع کودکان خود، مشکلات اجتماعی، انتظارات و توقعات سازمان از کارکنان، پیشرفت تکنولوژی و نگرانی از کهنه شدن معلومات و اطلاعات، مشکلات مدیریت و ... همگی سبب شده که افراد همواره دچار هیجان ها، تنش ها، نگرانی ها و بیم و امیدهای گوناگونی شوند که گاه با ظرفیت جسمانی و روانی آن ها سازگار نیست (علوی، ۱۳۸۱).

فشار عصبی معمولاً وقتی ایجاد می گردد که فرد با چالش، تهدید و یا تحولی مواجه گردد و بین توان فرد برای انجام کار و کار خواسته شده از وی، توازن وجود نداشته باشد (بن هریسون، ۱۳۸۵) هانس سلیه با تشریح تفاوت های بین اسب مسابقه و لاک پشت، اعلام کرد برخی افراد هنگامی که نیازهای زیادی دارند، استرس زیادی بر آن ها وارد می شود، کارشان را بهتر انجام می دهند

و این گونه افراد مانند اسب مسابقه اند که سطح مطلوب استرس در آن ها بالا است اما افرادی نیز هستند که بهترین عملکرد آن ها زمانی است که نیازهای کمتری دارند و استرس کمتری را تجربه می کنند و آن ها مثل لاک پشت سطح مطلوب استرس شان نسبتاً پایین است. در واقع حد مطلوب استرس در هر فرد یا هر سازمان، نشانگر سلامت آن فرد یا سازمان و مقدار مناسب استرس آن ها است (غفوریان، ۱۳۷۷). از طرفی آمارها نشان می دهند که محیط های کاری شلوغ با اربابان رجوع فراوان، سطح استرس کارکنان را به شدت بالا برده و عوامل ایجاد کننده آن فردی، سازمانی و بیرونی است (عباس زادگان، ۱۳۷۸). که کان و بایوسیر این محرک ها را به محتوای کار یعنی ساده، پیچیده، یکنواخت و متنوع بودن و ویژگی های شغل یعنی ابعاد اجتماعی شغل یا روابط با سرپرست و تعارض شغلی تقسیم بندی کرده اند (ساعتچی، ۱۳۷۷) خط مشی ها، ساختار، شرایط فیزیکی و فرآیندهای سازمانی نمونه هایی از عوامل ایجاد کننده استرس شغلی هستند. (روینس ۲۰۷، ۲۰۰۱):

عواملهای استرس شغلی در محیط کار

عواملهایی که در طبقه بندی ما مورد بحث قرار گرفته اند به دسته های زیر تقسیم شده اند: ویژگی های نقش، ویژگیهای شغل، روابط میان-فردی، جو و ساختار سازمانی، راه و روشهای مدیری منابع انسانی و فن آوری و خصوصیات مادی (خواجه پور، ۱۳۹۲).

پیآمد های ناشی از استرس شغلی

استرس سبب ایجاد گسترده ای از نتایج نامطلوب، پرهزینه و جبران ناپذیر می شود که هم بر فرد و هم بر سازمان تاثیرگذار است. در یک محیط سازمانی، استرس عامل اصلی بروز مشکلات در عملکرد افراد و سلامتی آنها است که ناخواسته اتفاق می افتد و پیامدهایی را برای سازمان در پی دارد. بنابراین، آگاهی از این پی آمدها در مدیریت بر آن موثر خواهد بود. پیامدهای ناشی از استرس شغلی را می توان در ابعاد فردی و سازمانی مورد بررسی قرار داد. این پی آمدها از جهت فردی، در سه گروه زیر قابل بررسی است:

۱- رفتارها و احساسات ناخوشایند - همانند: ناراضا یتی شغلی، انگیزش پایین، تضعیف روحیه ی کارمند، ازدست رفتن تعهد سازمانی، افت کیفیت زندگی کاری، غیبت، تغییر و تبدیل، تمایل به ترک کار، بهره وری پایین، کاهش کمیت و کیفیت در کار، کاهش قدرت تصمیم گیری، افزایش دزدی، خراب کاری و وقفه در کار، فرسودگی شغلی، بیگانگی، و افزایش در مصرف سیگار و مشروبات الکلی.

۲- اختلالات فیزیولوژیکی- همانند: افزایش فشار خون و ضربان قلب، بیماری های قلبی- عروقی، افزایش کلسترول، افزایش

قند خون، بی خوابی، سردرد، عفونت، مشکلات پوستی، وخستگی

۳- اختلالات روانی- همانند: پریشانی، اضطراب، کاهش مقاومت و تجاوز، خستگی، ازدست دادن اعتماد به نفس و خود

برانگیختگی، از دست دادن تمرکز، احساس پوچی کردن، شتاب زدگی، بی اعتنایی به هنجارها و ارزشهای اجتماعی، نارضایتی از

شغل و زندگی، دورماندن از واقعیات و فرسودگی هیجانی (جزنی و همکاران، ۱۳۸۹).

از بعد سازمانی پیامدهای استرس را می توان در دو گروه اصلی طبقه بندی کرد:

۱- پی آمدهای سازمانی:

از دست دادن روحیه ی کاری، کاهش بهره وری و عملکرد، کاهش در کیفیت خدمات و تولیدات، کاهش ارتباط با مشتریان،

از دست دادن مشتریان، خدشه دارشدن تصویر و شهرت شرکت، ازدست رفتن فرصت ها، پراکندگی در تولیدات، افزایش نرخ

تصادفات و اشتباهات، افزایش در تغییر و تبدیلات، از دست دادن کارمندان خبره، افزایش مرخصی استعلاجی، بازنشستگی زودرس،

کاهش همکاری، کاهش ارتباطهای داخلی، افزایشت عارضهای داخلی و جو کاری غیرقابل پیش بینی (جزنی و همکاران، ۱۳۸۹).

۲- هزینه های سازمانی- همانند: هزینه ی ناشی از کاهش عملکرد و بهره وری، هزینه های ناشی از جایگزینی افرادی که

سازمان را ترک کرده اند، افزایش مخارج درمانی، افزایش هزینه های حفظ سلامتی، هزینه های ناشی از طرح دعوا علیه شرکت و

هزینه های ناشی از صدمه دیدن تجهیزات (جزنی و همکاران، ۱۳۸۹).

مدیریت استرس

مدیریت استرس امروزه در سازمان ها کاربرد وسیعی دارد که باید مورد توجه دقیق مدیران قرار گیرد، استرسی که در یک

رابطه علت و معلولی کار می کند و چنانچه علت یا علل آن از بین نروند، معلول نیز از بین نخواهد رفت (دسنزو^{۲۰۸}، ۲۰۰۶). از طرفی

تقلیل و رفع فشار عصبی از نظر مدیریت رفتار سازمانی و اصول روابط انسانی دارای اهمیت ویژه ای می باشد و پرسنلی که به هر دلیل

گرفتار فشار عصبی هستند، عملاً به عنوان بخشی از ثروت معنوی جامعه

در معرض خسارت قرار می گیرند و این وظیفه مدیران است که آن ها را از نظر رفتاری زیر نظر داشته و در جلوگیری از وارد

شدن خسارت تلاش نمایند (سلگ، ۲۰۰۶). در این رابطه اقداماتی از قبیل تغذیه صحیح و ورزش، استفاده از تعطیلات، مدیریت زمان،

تقویت مبانی دینی، معتدل بودن، آموزش تمدد اعصاب و تغییر عکس العمل های رفتاری برای حفاظت در برابر استرس های مختلف

مطرح شده اند (فخیمی، ۱۳۸۱). اگر چه عده ای از صاحب نظران، فشار روانی را الزاماً مخرب نمی دانند، اما اکثریت پژوهشگران

معتقدند که آن در شرایط فعلی سازمان ها، عامل برهم زننده بهداشت روانی، یکی از مشکلات مدیران می باشد که تا حدود زیادی بازدهی و بهره وری را کاهش داده و سبب مشکلات رفتاری و تعارض شده است. لذا یافتن راهبردهای پیشگیری بسیار حائز اهمیت است (غفوریان، ۱۳۷۷). زیرا فشار شغلی تحت تأثیر موقعیت شغلی، فرد را از کنش معمولی منحرف و نوعی پاسخ انطباقی می شود که از طریق ویژگی های شخصی و یا فرآیندهای روانشناختی تحقق می یابد (مشبکی، ۱۳۷۶). از تحقیق روی ۶۰۰ کارگر و کارمند سازمان های آمریکایی، این نتیجه حاصل شد که ۴۶٪ افراد تحت فشار عصبی بسیار زیاد بودند و ۳۴٪ گفتند که تنش و فشار روانی بیش از حد باعث شده که به فکر ترک سازمان باشند (اینلندر، ۱۳۷۸). در این زمینه نتایج مطالعات نشان می دهد که مهم ترین عوامل سازمانی پدیدآورنده تنش و استرس و ایجاد کننده فشار عصبی را می توان در شرایط فیزیکی، ساختار سازمانی، شرایط شغلی، قوانین و دستورالعمل ها خلاصه نمود (گریفن، ۱۳۷۴). که در این بررسی، جایگاه هر یک از آن ها در ایجاد استرس در بین مدیران و کارکنان سازمان ها، مورد بررسی قرار می گیرند (رضائیان، ۱۳۸۵).

رفتار ضد تولید

رفتارهای کاری انحرافی، رفتارهایی است که با نقض قوانین کاری، سازمان را تهدید می کند و این موضوع، محققان زیادی را در سرتاسر جهان بر آن داشته که در مورد این رفتارها، شناسایی پیش زمینه ها، عوامل مرتبط و راه های مبارزه با آنها به تحقیق بپردازند. مطالعات مربوط به انحراف کاری بیش از ۲۵ سال قبل شروع به رشد کرده و دانشمندان به مطالعه سازمان های متعدد پرداخته اند تا بتوانند انحراف را به درستی تشریح نمایند. نمونه های شاخص انحراف کاری عبارتند از: دزدی، خلافتکاری، نقض قوانین، رفتار ضد بهره وری، رفتار خرابکارانه، پذیرش رشوه و اتلاف منابع، رفتار بی ادبانه با همکاران و مضایقه کردن از تلاش ها. دزدی کارکنان، اصلی ترین نوع انحرافات سازمانی است. مطالعات نشان داده که بیشتر از دو سوم کارکنان مرتکب دزدی از سازمان ها می شوند. این نوع رفتار انحرافی برای سازمان ها بسیار گران تمام می شود و بنابراین موضوع مطالعات مختلفی بوده، به طور مثال، یک تحقیق در این زمینه نشان داده که کارکنان شادتر، کمتر دزدی می کنند.

در مورد پیش زمینه های انحراف کاری تحقیقاتی صورت گرفته است و عوامل فردی، ادراکی، سازمانی و ... در انحرافات کاری اثرگذار شناسایی شده اند. هم چنین تحقیقات بسیاری در زمینه شناسایی انواع رفتارهای کاری انحرافی و مطالعه آنها انجام شده و نقش مدیران و سازمان ها در بروز این رفتارها و مقابله با آنها نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است. که به بررسی آنها می پردازیم:

رفتارهای انحرافی می توانند هم سازنده و هم مخرب باشند. بیشتر تحقیقات در زمینه انحرافات مخرب بوده و با وجود اهمیت انحرافات سازنده (رفتار ارادی در جهت نقض هنجارها که منابع مهمی برای نوآوری و کارآفرینی می باشد و به ایجاد مزیت رقابتی

کمک نماید)، تحقیقات کمی در این زمینه انجام شده است. به علاوه مطالعات زیادی در مورد پیامدهای انحراف کاری انجام شده است. انحراف ممکن است مخرب بوده و سلامتی یک سیستم اجتماعی را تهدید کند. به طور مثال، در سازمان ها می تواند هزینه های اقتصادی و اجتماعی مثل خسارت های بیمه و کاهش اعتبار را به همراه داشته باشد. اما می تواند پیامدهای مثبت زیادی نیز داشته باشد. مثل تغییر علایق رایج در اعضای گروه ها و ارایه علایم هشدار دهنده به سازمانها (سلمانی و رادمند، ۱۳۸۸).

رفتارهای ضدتولید، مجموع های متنوع از رفتارها نظیر تخطی از قواعد، سیاستها و اصول زیربنایی مور نیاز برای فعالیت های فردی و سازمانی را شامل می شود، که دارای مشخصه عمدی بودن و با هدف آسیب رسانی به مرحله اجرا درمی آیند (اپل بام، آیاکونی و ماتوسک، ۲۰۰۷).

چنین رفتارهایی اغلب در قالب آسیب رسانی به وسایل، امکانات و تجهیزات سازمان، زیر پا گذاشتن اصول و قواعد کاری رسمی، اذیت و آزار کلامی و فیزیکی همکاران و یا مراجعان و دزدی و استفاده از وسایل سازمان برای مقاصد شخصی در دو طبقه اصلی، به نام های رفتارهای ضدتولید معطوف به سازمان و رفتارهای ضدتولید معطوف به افراد (همکاران، مشتریان، مراجعان، سرپرست) جای می گیرند در طبقه رفتارهای ضدتولید معطوف به سازمان در سطحی جزئی تر مواردی نظیر زیان رساندن به سازمان و وسایل آن، کم کاری، بدگویی از سازمان نزد دیگران، غیبت و تاخیرهای بدون برنامه و سپس دروغگویی راجع به دلایل آن، کند کار کردن، سرگرم بازی و تفریح شدن در زمان استفاده از اینترنت، تماس تلفنی شخصی از طریق تلفن سازمان، و در رفتارهای ضدتولید معطوف به همکاران، فاش سازی اسرار همکاران و بدرفتاری های کلامی و غیرکلامی با آنها مد نظر هستند (مکلین و والمسلی، ۲۰۱۰).

رفتارهای ضدتولید، هر نوع رفتاری تلقی می شود که باعث زیر پا گذاشتن قواعد، رسوم، سنتها و مقررات درون سازمان شده، عمدی است و با هدف آسیب رسانی به سازمان یا کارکنان آن به مرحله اجرا درمی آید (گل پرور، نیری و مهداد، ۱۳۸۷). بر پایه هدف رفتارهای انحرافی، دو دسته از رفتارهای انحرافی، موسوم به رفتارهای انحرافی معطوف به سازمان و همکاران در عرصه پژوهشها و نظریات مطرح شده که هر یک مؤلفه های رفتاری خاصی را پوشش می دهند. در رفتارهای ضد تولید معطوف به سازمان، غیبت، کم کاری، آسیب رسانی به تجهیزات و اثاثیه، نقض و نادیده گرفتن مقررات سازمان و در رفتارهای انحرافی معطوف به همکاران، بد دهنی، بد رفتاری، دزدی از همکاران و مواردی از این دست مطرح می شوند. مجموعه تحقیقات گوناگونی که تاکنون در مورد رفتارهای انحرافی صورت گرفته، عوامل متعدد فردی، موقعیتی و سازمانی را بعنوان پیش بینی کننده ی این رفتارها معرفی نموده اند (تایو، بنت، میچل و بنت مارس، ۲۰۰۹). از طرف دیگر رفتارهای ضد تولید موضوع بسیار مهم پیش روی سازمانها است. به همین جهت، بعضی از پژوهش های تجربی بر پیشایندها و پی آمدهای این رفتارها متمرکز گردیده اند (مهداد و مهدی زادگان، ۱۳۸۸).

شناسایی انواع انحرافات کاری

نوع شناسی رفتارهای انحرافی کارکنان برای توسعه مطالعات سیستماتیک در این زمینه مفید است و ما را قادر می سازد که به تئوری جامعی در مورد آنها دست یابیم. طبقه بند یهای زیادی از رفتارهای انحرافی کاری صورت گرفته است که معروف ترین آنها، این رفتارها را به چهار گروه تقسیم می کند:

انحراف تولیدی (Production Deviance): زمانی رخ می دهد که کارکنان استاندارهای کیفیت و کمیت در تولید خدمت یا محصول را نقض می کنند و می تواند باعث افزایش هزینه های تولید و کاهش در کنترل موجودی شود.

انحراف سیاسی (Political Deviance): زمانی رخ می دهد که کارکنان از سهامداران خاص حمایت کنند که در این صورت سایرین در معرض مضراتی قرار میگیرند. چنین حمایت هایی ممکن است هزینه هایی ایجاد کند که ناشی از کیفیت بی ثبات خدمات، نارضایتی و احساس بی عدالتی است.

انحراف مالی (Property Deviance): شامل کسب یا اتلاف اموال شرکت بدون تایید شرکت است. مثل دزدی و دستکاری در حسابهای هزینه.

تهاجم شخصی (Personal Aggression): شامل خصومت و رفتارهای تجاوزکارانه نسبت به دیگران می شود که می تواند اعتبار شرکت را به خطر بیندازد و پیامدهای جدی منفی برای افراد مورد نظر داشته باشد.

نقش استرس بر رفتارهای ضد تولید

بطور نسبی هر یک از عوامل استرس آور مطرح در مشاغل و محیط های کار برای افراد در سطح روانی، رفتاری و فیزیولوژیکی تبعات محسوس و قابل توجهی را به بار می آورند که به نوعی زمینه را برای تضعیف کارایی و اثربخشی افراد فراهم می آورند. چهار متغیر مطرح بعنوان تبعات بی واسطه و با واسطه برای استرس شغلی، فرسودگی هیجانی، رفتارهای انحرافی، رفتارهای مدنی سازمانی و خلاقیت است. رفتارهای غیراخلاقی و انحرافی، رفتارهای متضاد با رفتارهای مورد قبول سازمان (بر پایه قواعد، رسوم، هنجارها) است که در قالب هایی نظیر دزدی، آسیب رسانی به امکانات و تجهیزات، بدرفتاری با همکاران، مشتریان، رفتارهای کلامی غیرمؤدبانه، شایعه پراکنی، کم کاری مضایقه گونه، غیبت و دیرآمدگی های بدون هماهنگی و غیرمجاز را شامل می شوند. در درجه اول شواهد به نسبت متقنی از رابطه میان استرس و با رفتارهای انحرافی وجود دارد (گل پرور و همکاران، ۱۳۸۷).

۲. مواد و روش‌ها

۱-۲. فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی

فرضیه اصلی: بین مدیریت استرس و کاهش رفتار ضد تولید در نیروگاه سیکل ترکیبی شهرستان جهرم رابطه معنا دار وجود دارد.

فرضیات فرعی

۱. بین احترام و مسئولیت پذیری مدیران و کاهش رفتارهای ضد تولید در نیروگاه سیکل ترکیبی شهرستان جهرم رابطه معنا دار وجود دارد.

۲. بین مدیریت و ابلاغ کار موجود و آتی و کاهش رفتارهای ضد تولید در نیروگاه سیکل ترکیبی شهرستان جهرم رابطه معنا دار وجود دارد.

۳. بین مدیریت اشخاص در گروه و کاهش رفتارهای ضد تولید در نیروگاه سیکل ترکیبی شهرستان جهرم رابطه معنا دار وجود دارد.

۲-۲. روش تحقیق

روش تحقیق، چارچوب عملیات یا اقدامات جستجوگرانه برای تحقیق هدف پژوهش جهت آزمودن فرضیه یا پاسخ دادن به سوال های تحقیق را فراهم می آورد (دلاور، ۱۳۹۵). روش ما در این تحقیق توصیفی پیمایشی است که شامل مجموعه روش هایی است که هدف آن ها توصیف کردن شرایط یا پدیده های مورد بررسی است. اجرای تحقیق توصیفی می تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری دادن به فرآیند تصمیم گیری باشد و برای بررسی توزیع ویژگی های یک جامعه آماری به کار می رود (سرمد و بازرگان، ۱۴۰۰). در این تحقیق از ابزار پرسشنامه استاندارد استفاده شده که بین کارکنان نیروگاه سیکل ترکیبی شهرستان جهرم توزیع شده است. سوال های پرسشنامه بر اساس طیف پنج درجه ای لیکرت تهیه شده اند. ضمناً در تحقیق حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است که برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۳ می باشد که بیانگر ضرایب پایایی مطلوب پرسشنامه یاد شده می باشد همچنین به منظور تجزیه و تحلیل داده ها به کمک نرم افزار SPSS، از روش های آمار توصیفی و به منظور بررسی فرضیه های پژوهش از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و آزمون T-Test استفاده شده است.

۳-۲. جامعه آماری، نمونه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری تحقیق ۴۵ نفر می باشد که به دلیل تعداد کم، به روش سرشماری تمامی آنها به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شدند.

۳. نتایج

۱-۳. یافته های تحقیق

۳-۱-۱- یافته های توصیفی مربوط به متغیر های پژوهش

جدول ۲ توزیع و درصد فراوانی بر اساس سن

متغیر	فراوانی	درصد
۳۳-۲۳	۱۲	۲۷
۴۴-۳۴	۱۸	۴۰
۵۵-۴۵	۱۵	۳۳
کل	۴۵	۱۰۰

جدول شماره ی ۲ به توزیع فراوانی و درصد فراوانی در آزمودنی های مورد بررسی بر اساس سن پرداخته است. که ۲۷ درصد در محدوده سنی ۲۳-۳۳، ۴۰ درصد در محدوده سنی ۳۴-۴۴ و ۳۳ درصد در محدوده سنی ۴۵-۵۵ می باشند.

جدول ۳ توزیع و درصد فراوانی بر اساس تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد
فوق دیپلم	۵	۱۱
لیسانس	۲۸	۶۲
فوق لیسانس و بالاتر	۱۲	۲۷
کل	۴۵	۱۰۰

در جدول شماره ی ۳ توزیع فراوانی و درصد فراوانی آزمودنی های مورد بررسی بر اساس تحصیلات نشان می دهد که حدود ۱۱ درصد فوق دیپلم، ۶۲ درصد لیسانس و ۲۷ درصد فوق لیسانس و بالاتر هستند.

جدول ۴ توزیع بر حسب سابقه خدمت (سال)

سابقه خدمت (سال)	فراوانی	درصد
۱۰ - ۱	۱۳	۲۸
۲۰ - ۱۱	۲۱	۴۵
۲۱ سال به بالا	۱۲	۲۷
کل	۴۵	۱۰۰

همان طوری که در جدول شماره ی ۴ نشان داده شده است، آزمودنی های با سابقه خدمت ۱۱ تا ۲۰ سال بیشترین فراوانی را با حدود ۴۵ درصد و آزمودنی های با سابقه خدمت کمتر از ۱۰ سال، کمترین فراوانی را با حدود ۲۸ درصد نمونه به خود اختصاص داده اند.

۳-۱-۲- یافته های استنباطی

آزمون فرضیه ی اصلی

در این تحقیق فرضیه ی اصلی تحقیق عبارت است از:

بین مدیریت استرس و کاهش رفتار ضد تولید در نیروگاه سیکل ترکیبی جهرم رابطه معنا دار وجود دارد.

جهت تأیید فرضیه پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده می گردد. علت استفاده از آزمون مذکور این است که متغیرهای تحقیق نرمال می باشند.

جدول ۵ آزمون فرضیه اصلی تحقیق

مدیریت استرس	ضریب همبستگی	تعداد	سطح معناداری
رفتار ضد تولید	۰/۰۰۵	۴۵	۰۰۰

در جدول ۵، ضریب همبستگی برابر با ۰/۰۰۵ و سطح معناداری آزمون نیز برابر با ۰/۰۰۰ نشان داده شده است. این امر به معنی وجود رابطه ی مثبت بین مدیریت استرس و کاهش رفتار ضد تولید است. همچنین مقدار سطح معنی داری نیز، مؤید معناداری آزمون فرضیه ی اصلی می باشد.

آزمون فرضیه ی فرعی اول

حال بنابر ترتیب فرضیات تحقیق باید فرضیه ی فرعی اول را مورد آزمون قرار داد. فرضیه ی مورد بحث عبارت است از:

۱. بین احترام و مسئولیت پذیری مدیران و کاهش رفتارهای ضد تولید در نیروگاه سیکل ترکیبی جهرم رابطه معنا دار وجود دارد.

جدول ۶ آزمون فرضیه فرعی اول تحقیق

احترام و مسئولیت پذیری مدیران	ضریب همبستگی	تعداد	سطح معناداری
کاهش رفتار ضد تولید	۰/۰۱۴	۴۵	۰۰۰

همانطور که پیدا است سطح معناداری بدست آمده کمتر از ۰/۰۵ می باشد، پس فرض صفر رد می شود لذا در سطح اطمینان ۹۵ درصدی بین احترام و مسئولیت پذیری مدیران و کاهش رفتارهای ضد تولید است. همچنین سطح معنی داری ۰/۰۰۰ نیز مؤید معناداری

آن می‌باشد. لذا می‌توان گفت که فرضیه‌ی فرعی اول تحقیق مورد پذیرش واقع گردیده و با احتمال ۰/۹۵ می‌توان گفت که احترام و مسئولیت پذیری مدیران و کاهش رفتارهای ضد تولید دارای رابطه‌ی معناداری می‌باشند.

آزمون فرضیه‌ی فرعی دوم

در تحقیق پیش‌رو فرضیه‌ی فرعی دوم عبارت است از:

۲. بین مدیریت و ابلاغ کار موجود و آتی و کاهش رفتارهای ضد تولید در نیروگاه سیکل ترکیبی چهارم رابطه معنادار وجود دارد. فرضیه‌ی فوق در علم آمار به صورت زیر نوشته می‌شود:

جدول ۷ بررسی تأیید فرضیه دوم فرعی تحقیق

متغیر مدیریت و ابلاغ کار موجود و آتی	ضریب همبستگی	تعداد	سطح معناداری
کاهش رفتار ضد تولید	۰/۰۸۷	۴۵	۰/۰۰۰

همان‌طور که جدول ۷ نشان می‌دهد، می‌توان وجود رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری را میان دو متغیر مدیریت و ابلاغ کار موجود و آتی و کاهش رفتارهای ضد تولید را دید. بنابراین، می‌توان فرضیه‌ی فرعی دوم تحقیق پیش‌رو را نیز پذیرفت و چنین ابراز داشت که با اطمینان ۹۵ درصد، بین دو متغیر متغیر مدیریت و ابلاغ کار موجود و آتی و کاهش رفتار ضد تولید ارتباط معناداری وجود دارد.

آزمون فرضیه‌ی فرعی سوم

در آزمون فرضیات، به فرضیه‌ی سوم می‌رسیم. در این تحقیق فرضیه‌ی فرعی سوم به شکل زیر بیان شده است:

بین مدیریت اشخاص در گروه و کاهش رفتارهای ضد تولید در نیروگاه سیکل ترکیبی چهارم رابطه معنادار وجود دارد. همچون مراحل قبل، ابتدا فرضیه فوق را در شکل آماری خود ارائه می‌کنیم:

جدول ۸ بررسی تأیید فرضیه سوم فرعی تحقیق

مدیریت اشخاص در گروه	ضریب همبستگی	تعداد	سطح معناداری
کاهش رفتار ضد تولید	۰/۰۳۱	۴۵	۰/۰۰۰

بنابر شواهد فوق، می‌توان گفت که متغیر مدیریت اشخاص در گروه دارای رابطه‌ی مثبت و معناداری با متغیر کاهش رفتار ضد تولید می‌باشد، چرا که ضریب همبستگی پیرسن مقدار ۰/۰۳۱ و سطح معناداری این آزمون ۰/۰۰۰ را نشان می‌دهد. لذا می‌توان گفت که شواهدی مبنی بر رد فرضیه‌ی فرعی سوم مشاهده نگردید و این فرضیه مورد پذیرش واقع می‌گردد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

در بررسی و تحلیل فرضیه اصلی تحقیق نشان دادیم که بین مدیریت استرس و کاهش رفتار ضد تولید در نیروگاه سیکل ترکیبی جهرم رابطه معنا دار وجود دارد. در حمایت از تبیین نظری ارایه شده در مورد رابطه استرس شغلی با رفتارهای انحرافی، در مطالعات متعدد بین استرس شغلی با رفتارهای انحرافی رابطه مثبت گزارش شده است (ون یارسولد، واکر و اسکارلیکی، ۲۰۱۰). برای مثال، در فراتحلیلی مبتنی بر ادغام نتایج حاصل از ده پژوهش، بین محدودیتها و عوامل استرس زای موقعیتی با رفتارهای انحرافی و پرخاشگرانه معطوف به افراد و سازمان، اندازه اثر معنادار ۰/۳ تا ۰/۳۶ گزارش شده است (هرسکویس، ترنر، بارلینگ، آرنولد، دوپری و همکاران، ۲۰۰۷). در مطالعه گل پرور و همکاران (۲۰۱۲) نیز بین استرس شغلی با رفتارهای انحرافی رابطه مثبت برابر با ۰/۳۸ گزارش شده است. به طور کلی می توان بیان داشت که بنابراین وقتی که استرس و فرسودگی با ایجاد فضای روانی هیجانی منفی، تعادل تصمیم گیری رفتاری فرد را برهم می زنند، و در عین حال خستگی، بی انرژی بودن و رنجش و خشم را پدید می آورند، فرد از سطح خلاقیت و رفتارهای مدنی سازمانی اش کاسته می شود و متقابلاً تمایل وی به رفتارهای انحرافی افزایش می یابد. و هم چنان که در این پژوهش بر اساس نتایج به دست آمده میتوان این نتیجه رایبان داشت که با کاهش و مدیریت استرس هم میتوان باعث کاهش رفتارهای انحرافی در سازمان شد.

در بررسی فرضیه فرعی اول، نشان دادیم که بین احترام و مسئولیت پذیری مدیران و کاهش رفتارهای ضد تولید در نیروگاه سیکل ترکیبی جهرم رابطه معنا دار وجود دارد. نتایج این تحقیق با تحقیقات سلمانی و رادمند (۱۳۸۸) آنها بیان داشتند که ایجاد یک جو سازمانی اخلاقی و مورد احترام به وسیله پرورش روابط بر مبنای اعتماد دو جانبه امکان پذیر می شود هم خوانی دارد. روابط معتمدانه می تواند از طریق ایجاد قراردادهای روانی ارتباطی حاصل شود. این قراردادهای، توافقات ضمنی هستند که کارکنان با کارفرماهایشان ایجاد می کنند و مبتنی بر اعتماد است. هرچه اعتماد بیشتر باشد، میزان تعهد کارکنان به سازمان افزایش یافته و از احتمال درگیری آنها در رفتارهای انحرافی کاسته خواهد شد. در ایران نیز گل پرور و همکاران (۱۳۸۷) نشان داده اند که استرس ناشی از محدودیت مسئولیت و اختیار و استرس ناشی از ابهام و تعارض با رفتارهای انحرافی دارای رابطه مثبت است. نکته مهم در این بین این حقیقت است که نوع روابط با سرپرست و همکاران، در زمان مثبت بودن بعنوان یک عامل تسهیل گر موفقیت و اثربخشی شغلی و و در زمان منفی بودن، بعنوان یک عامل استرس آور و تشدید کننده استرس عمل می کند (آل موسی، ۲۰۱۰). در این شرایط همسو با یافته ها و تأکیدات اپل بام و همکاران (۲۰۰۵ و ۲۰۰۷)

در بررسی فرضیه فرعی دوم، نشان دادیم بین مدیریت و ابلاغ کار موجود و آتی و کاهش رفتارهای ضد تولید در نیروگاه سیکل ترکیبی جهرم رابطه معنا دار وجود دارد. در واقع مدیرانی که پیشتازانه کار خویش و اعضای گروهشان را مدیریت می نمایند. با مسائل پیش آمده در محیط کار برخورد و تصمیم گیری لازم را اعمال می نمایند. همچنین اعضای گروهشان را در تصمیم گیری ها درگیر و



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

از مشارکت کارکنان حمایت می نمایند می توانند در محیط کار باعث کاهش استرس و در نتیجه از رفتارهای انحرافی و ضد تولید جلوگیری به عمل آورند. که این پژوهش با تحقیقات جزئی و همکاران (۱۳۸۹) مشابهت دارد. در بررسی فرضیه فرعی سوم، نشان دادیم بین مدیریت اشخاص در گروه و کاهش رفتارهای ضد تولید در نیروگاه سیکل ترکیبی جهرم رابطه معنادار وجود دارد. این توانمندی خصوصاً به جنبه انسانی مدیریت اشخاص اشاره دارد. که شامل: شخصاً در دسترس بودن، اجتماعی بودن و التزام همدلی و همدردی مدیر می باشد. در تحقیقات گل پرور و همکارانش (۱۳۸۹) دریافتند که سازش و حل مسئله پائین، و همدردی مدیریت با کارکنان فرسودگی هیجانی با رفتارهای انحرافی معطوف به سازمان روابط نیرومندتری را برقرار می سازد.

منابع

- ## استاذزاده، مریم. ۱۳۹۷، عوامل مؤثر در افزایش یا کاهش بهره‌وری نیروی انسانی. مجله راهکار مدیریت.
- ## استوراتجین - بنجامین، ۱۳۷۷، تنیدگی یا استرس بیماری جدید قرن، ترجمه: دادستان پریخ، تهران: انتشارات رشد.
- ## آزاد مرزآبادی - اسفندیار، طرخورانی - حمید، ۱۳۸۶، بررسی ارتباط بین استرس‌های شغلی و رضایتمندی شغلی کارکنان، فصلنامه علوم رفتاری، دوره یک، شماره ۲، ص ۱۲۴.
- ## الوانی - مهدی، ۱۳۷۶، مدیریت عمومی، چاپ دهم، تهران: نشرنی.
- ## اینلندر - چارلز، موران - سینتار، ۱۳۷۸، استرس، ترجمه مهریار و همکاران، تهران: نشر حکایت.
- ## ارشدی - نسرين، پیریایی - صالحه، زارع - راضیه، ۱۳۹۱، نقش تعدیل‌کننده صفات شخصیتی در رابطه بین ادراک طردشدگی در محیط کار و رفتارهای انحرافی محیط کار، مجله علوم رفتاری دوره ۶، شماره ۳، ص ۲۲۱-۲۳۰.
- ## بن‌هریسون - کارتر، ۱۳۸۵، بهبود بهره‌وری کارکنان، ترجمه شهرام میرزایی و همکاران، انتشارات ترمه.
- ## حافظ‌نیا - محمدرضا، ۱۳۸۴، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: چاپ یازدهم، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ## جزنی - نسرين، حبیبی - معصومه، نصر - سجاد، ۱۳۸۹، تحلیل عوامل مؤثر بر استرس شغلی و راهکارهای مدیریت آن. (مورد پژوهشی منطقه ۳ عملیات انتقال گاز). فصلنامه مدیریت و منابع انسانی در صنعت نفت. سال چهارم، شماره ۱۱، ص ۱۲۷-۱۵۰.
- ## خاکی - غلامرضا، ۱۳۸۹، روش تحقیق در مدیریت. تهران: انتشارات بازتاب.
- ## دانایی‌فرد - حسن، الوانی - مهدی، و آذر، عادل، ۱۳۹۱، روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: انتشارات صفار.
- ## رضائیان - علی، ۱۳۸۵، مدیریت و رفتار سازمانی، چاپ پنجم، تهران.
- ## ساعتچی - محمود، ۱۳۷۷، روانشناسی بهره‌وری، مؤسسه نشر ویرایش، چاپ دوم.
- ## سرمد - زهره، بازرگان - عباس، حجازی - الهه، ۱۳۸۵، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگه.
- ## شیروانی - علیرضا، صریحی اسفستانی، رسول، ۱۳۹۳، بررسی تأثیر مؤلفه‌های هوش عاطفی بر رفتارهای کاری مخرب و رفتارهای شهروندی ## علوی - امین ا.، ۱۳۷۱، روانشناسی مدیریت و سازمان، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ## فقهی‌فرهمند - ناصر، ۱۳۸۸، مدیریت استرس مدیران و کارکنان سازمان، فصلنامه مدیریت بهره‌وری (فراسوی مدیریت)، دوره ۳، شماره ۱۰.
- ## گل‌پرور - محسن، واثقی - زهرا، جوادیان - زهرا، ۱۳۹۰، الگوهای ساختاری رابطه استرس شغلی و فرسودگی هیجانی با رفتارهای مثبت و منفی به‌خوشونت و رفتارهای انحرافی در کارکنان، پژوهش‌های مدیریت منابع سازمان، ۶، ۲، ۱۲۳-۹۳.
- ## گریفین - مورهد، ۱۳۷۴، رفتار سازمانی، ترجمه مهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، انتشارات مروارید.



مهداد- علی، مهدی زادگان- ایران، ۱۳۸۹، مقایسه رفتار شهروندی سازمانی و رفتارهای ضد تولید در میان کارکنان کارخانه جات خودرو سازی ایران و مالزی، یافته های نو در روان شناسی، ص ۷۹-۹۳.

نادری- عزت الله، نراقی، مریم، ۱۳۸۲، راهنمای علمی فراهم سازی طرح تحقیق، تهران: نشر روان.

Appelbaum, S.H., Iaconi, G.D., & Matousek, A. (2007). Positive and negative deviant workplace behaviors: causes, impacts, and solutions. *Corporate Governance*, 7(5), 586-598.

Berry, C. M., Carpenter, N. C., & Barratt, C. L. (2012). Do other-reports of counterproductive work behavior provide an incremental contribution over self-reports? A meta-analytic comparison. *Journal of Applied Psychology*, 97, 613- 636.

Bazy, J. D. (2012). Integrity, self-control, and the impact of ego depletion on counterproductive behavior. Unpublished Doctoral dissertation. University of Tennessee.

Colbert A.E., Mount M.K., Harter J.K., Witt L.A., Barrick M.R. (2004). "Interactive Effects of Personality and Perception of the Work Situation on Workplace Deviance", *Journal of Applied Psychology*. 89/4:599-609.

Chraif, m and Aniței, m. (2011), *Social and Behavioral Sciences*. No.(30) , PP2644 – 2650.

Chirasha, V., & Mahapa, M. (2012). An analysis of the causes and impact of deviant

Cartwright, Susan (2003), *Managing Workplace Stress*, London, Sage Publication.

Fox, S. , Specter, P. E. , & Miles, D. (2001). Counterproductive work behavior (CWB) in responses to job stressors and organizational justice: some mediator and moderator tests for autonomy and emotions. *Journal of Vocational Behavior*, 59, 291-309

Hirokawa, K., Taniguchi, T., Tsuchiya, M., & Kawakami, N. (2012). Effects of a stress management program for hospital staffs on their coping strategies and interpersonal behaviors. *Industrial Health*, 50, 487-498.

Harper, D. (1990). Spotlight abuse-save profit. *Industrial Distribution*, 7, 47-51.

Hollinger, R. C. , & Davis, J. L. (2003). 2002 national retail security survey: Final report.

<http://www.hse.gov.uk/stress/mcit.htm>.

MacLane, C. N., & Walmsley, P. T. (2010). Reducing counterproductive work behavior through employee selection. *Human Resource Management Review*, 20, 62-72.

Rentz ED, Marshall SW, Martin SL, Gibbs DA, Casteel C, Loomis D. (2008), "Occurrence of maltreatment in active duty military and nonmilitary families in the state of Texas". *Mil Med*; 173(6):515-

Robbins, Tony (2001), *The management of workplace stress*, European Foundation for the improvement of living and working condition.

van Jaarsveld, D. D., Walker, D. D., & Skarlicki, D. P. (2010). The role of job demands and emotional exhaustion in the relationship between customer and employee incivility. *Journal of Management*, 38, 1486-1504.

Wuestner, Kerstin. (2002). "New Forms of Work and Their Implications for Occupational Stress". International Sociological Association, Brisbane, Australia.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract

The purpose of the present study is to investigate the role of stress management on reducing counterproductive behavior in the Jahrom Combined Cycle Power Plant. The present study is descriptive survey in terms of its applied purpose and collection method. The statistical population in this study is all senior, middle and operational managers of the Jahrom Combined Cycle Power Plant. The sampling method is the whole-count sampling method. The validity of the questionnaire was confirmed by the content method and its reliability by the Cronbach's alpha method, which was confirmed by the Stress Management Questionnaire (97 percent) and the Counterproductive Behavior Questionnaire (89 percent). SPSS software was used to test the hypotheses. The results indicate that there is a significant relationship between all four managerial capabilities, respect and responsibility of managers, as well as management and communication of current and future work, management of individuals in the group, and reasoning and management of problem situations, and reducing counterproductive behaviors in the Jahrom Combined Cycle Power Plant. Therefore, the hypotheses are confirmed, which indicates the important role of management in managing stress and, as a result, reducing counterproductive behaviors in the organization.

Keywords: Stress management, counterproductive behaviors, managerial capability, Jahrom combined cycle power plant

Studying the effect of stress management on reducing counterproductive behavior in the combined cycle power plant in Jahrom city

Mohammad Jafar Mooghali Gerashi*

Faculty member of Management Department, Payame Noor University, Tehran, Iran

* mjmogholi@pnu.ac.ir

نقش معماری مساجد در پایداری فرهنگی و زیست محیطی شهرهای ایرانی اسلامی

حسن مرتضوی؛ استادیار گروه هنر و معماری؛ دانشگاه پیام نور؛ زاهدان؛ ایران

پست الکترونیکی (mortazavi@pnu.ac.ir)

چکیده

مساجد سنتی ایرانی-اسلامی نه تنها فضاهایی برای عبادت و مناسک مذهبی هستند، بلکه از منظر معماری، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی، نقش کلیدی در پایداری شهرهای ایرانی ایفا می کنند. این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل تأثیرات معماری مساجد بر پایداری فرهنگی و زیست محیطی انجام شده است و متغیرهای اصلی شامل ابعاد اقلیمی، کارکردهای اجتماعی، ارزش های فرهنگی و طراحی فضایی مساجد سنتی ایرانی مورد توجه قرار گرفته اند. اهمیت تحقیق از این جهت است که مساجد به عنوان مراکز اجتماعی و فرهنگی، ظرفیت بالایی برای انتقال دانش بومی، حفظ هویت فرهنگی و کاهش مصرف انرژی دارند و بررسی علمی این ظرفیت ها می تواند الگوی مناسبی برای طراحی های معاصر و توسعه شهرهای پایدار فراهم نماید. روش تحقیق تحلیلی-توصیفی بوده و بر اساس مطالعه میدانی، اسناد تاریخی و تحلیل نمونه های شاخص مساجد ایرانی انجام شده است. داده های گردآوری شده با استفاده از روش تحلیل محتوایی و مقایسه ای بررسی و تحلیل شدند. نتایج پژوهش نشان می دهد که طراحی حیاط مرکزی، ایوان ها و شبستان ها ضمن ایجاد تهویه طبیعی، کاهش مصرف انرژی و تأمین آسایش حرارتی، با تقویت تعاملات اجتماعی و انسجام محله ای، و نیز با بهره گیری از تزئینات هنری و نقوش هندسی، نقش قابل توجهی در حفظ هویت فرهنگی و اجتماعی جامعه ایفا می کند. یافته ها همچنین نشان می دهد که معماری مساجد سنتی، نمونه ای موفق از پایداری چندبعدی و همزمان زیست محیطی، فرهنگی و اجتماعی است و می تواند الگوی عملی و کاربردی برای طراحی مساجد و فضاهای عمومی پایدار در شهرهای ایرانی-اسلامی باشد.

واژگان کلیدی: مساجد ایرانی-اسلامی، پایداری فرهنگی، پایداری زیست محیطی، هویت فرهنگی، تعاملات اجتماعی

۱. مقدمه

مساجد در شهرهای ایرانی-اسلامی، بیش از آنکه صرفاً مکانی برای عبادت باشند، نقش محوری در شکل دهی به بافت اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی شهرها ایفا می کنند. این فضاها همواره به عنوان مراکز فرهنگی، آموزشی و اجتماعی در تعامل مستقیم با جامعه و محیط طبیعی قرار داشته اند. معماری سنتی مساجد ایرانی، با بهره گیری از اصول بومی، اقلیمی و فرهنگی، نمونه ای شاخص از تحقق پایداری چندبعدی است که می تواند الهام بخش طراحی های معاصر باشد (پیرنیا، ۱۳۷۰؛ Fathy، ۱۹۸۶).

پایداری در معماری مساجد ایرانی اسلامی را می توان در سه بعد اصلی تحلیل کرد:

۱. پایداری زیست‌محیطی: استفاده از مصالح بومی، تهویه طبیعی، مدیریت نور و انرژی و کاهش مصرف منابع، به گونه‌ای که آسایش حرارتی و محیطی برای کاربران فراهم شود. حیاط‌های مرکزی، ایوان‌ها، شبستان‌ها و گنبد‌ها نمونه‌هایی از این کاربردها هستند که علاوه بر عملکرد کالبدی، با شرایط اقلیمی نیز هماهنگ‌اند (خداامرادی، ۱۳۹۵؛ Ahmadi & Khademi, ۲۰۱۸).

۲. پایداری فرهنگی: مساجد نماد هویت فرهنگی و معنوی شهرهای اسلامی هستند. تزیینات، نمادها، و فضاهای آموزشی و فرهنگی مساجد، انتقال ارزش‌ها و دانش سنتی را تضمین می‌کنند و موجب تداوم فرهنگ محلی و ملی می‌شوند (رضایی، ۱۳۹۶؛ ناصری، ۱۳۹۴).

۳. پایداری اجتماعی: مساجد نقش محوری در ایجاد تعاملات اجتماعی، انسجام محلی و فعالیت‌های جمعی دارند. رواق‌ها، صحن‌ها و حجره‌ها، فضایی برای هم‌اندیشی، مباحثه و فعالیت‌های اجتماعی فراهم می‌آورند و پیوند میان شهروندان را تقویت می‌کنند (کریمی، ۱۳۹۷).

تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که طراحی مساجد سنتی، با توجه به اقلیم، مصالح بومی، و معماری کالبدی، می‌تواند مصرف انرژی ساختمان را کاهش داده، آسایش حرارتی را افزایش دهد و همزمان تعاملات فرهنگی و اجتماعی را تقویت کند (Fathy, ۱۹۸۶؛ Emami & Shafieyan, ۲۰۱۵). این همخوانی میان ابعاد مختلف پایداری، باعث شده که مساجد ایرانی-اسلامی نمونه‌ای کم‌نظیر از معماری پایدار سنتی باشند و مطالعات آن برای معماری معاصر و سیاست‌های مرمتی ارزشمند باشد.

۲. مبانی نظری

۲.۱. پایداری در معماری و شهرسازی

پایداری در معماری به معنای طراحی و مدیریت فضاهایی است که همزمان با احترام به محیط زیست، بهینه‌سازی منابع و حفظ ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، آسایش و کارآمدی را برای کاربران فراهم کند (کبرت، ۱۳۹۵). نظریه‌های مختلف در این زمینه بر ابعاد سه‌گانه زیست‌محیطی، فرهنگی و اجتماعی تأکید دارند و این چارچوب در مطالعات معاصر معماری اسلامی به‌ویژه تحلیل طراحی مساجد سنتی به کار گرفته می‌شود (امامی و شفیعیان، ۱۳۹۴).

در معماری ایرانی-اسلامی، رعایت اصول اقلیمی، بهره‌گیری از مصالح محلی و طراحی فضاهای باز و نیمه‌باز، نقش اساسی در کاهش مصرف انرژی و افزایش آسایش حرارتی ایفا می‌کند. مطالعات خداامرادی (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که معماری سنتی ایران با تلفیق دانش تجربی و فرهنگ بومی، نمونه‌ای برجسته از تحقق همزمان پایداری زیست‌محیطی، فرهنگی و اجتماعی ارائه کرده است. فاطمی

(۱۳۹۱) نیز بر این نکته تأکید دارد که مساجد سنتی، با طراحی دقیق خود، می‌توانند الگویی مناسب برای معماری معاصر و سیاست‌های مرمتی باشند.

۲.۲. معماری مساجد ایرانی و ابعاد پایداری

مساجد سنتی ایرانی، علاوه بر عملکرد مذهبی، با طراحی متناسب با اقلیم، مصالح بومی و کالبد اجتماعی، نمونه‌ای از معماری پایدار چندبعدی ارائه می‌دهند. ویژگی‌های طراحی مساجد، از جمله حیاط مرکزی، ایوان‌ها، شبستان‌ها، مناره‌ها و گنبد‌ها، ضمن ایجاد شرایط آسایش حرارتی و تهویه طبیعی، به تعمیق پیوندهای فرهنگی و اجتماعی نیز کمک می‌کنند (پیری، ۱۳۹۲).

۲.۲.۱. پایداری زیست‌محیطی

یکی از شاخص‌های کلیدی پایداری مساجد ایرانی، استفاده از مصالح محلی و طراحی مبتنی بر اقلیم است. آجر، خشت، سنگ و چوب به عنوان مصالح اصلی، ضمن تأمین مقاومت سازه‌ای، حرارت را تنظیم و رطوبت داخلی را متعادل می‌کنند (فاتحی، ۱۳۶۵). طراحی حیاط‌های مرکزی، ایوان‌ها و شبستان‌های باز، امکان تهویه طبیعی و کنترل نور خورشید را فراهم می‌آورد و مصرف انرژی را به حداقل می‌رساند.

برای نمونه، در مسجد جامع اصفهان، استفاده از ایوان‌های سایه‌دار و حیاط وسیع باعث شده که دمای داخلی فضا در تابستان بین ۲۵ تا ۲۸ درجه سانتی‌گراد باقی بماند بدون نیاز به سیستم‌های تهویه مکانیکی (احمدی و خادمی، ۱۳۹۷). مطالعات انرژی‌سنجی مشابه در مساجد شیراز و یزد نشان می‌دهد که مصرف انرژی برای سرمایش و گرمایش در مساجد سنتی کمتر از ۴۰ درصد ساختمان‌های مدرن مشابه است (امامی و شفیعیان، ۱۳۹۴).



تصویر ۱. حیاط مرکزی مسجد آقا بزرگ کاشان با ایوان‌ها و فضای باز برای تهویه طبیعی و نورگیری

۲.۲.۲. پایداری فرهنگی

مساجد ایرانی-اسلامی نه تنها فضاهای مذهبی بلکه **مرکز انتقال ارزش‌ها، هنر و دانش بومی هستند. عناصر تزئینی همچون کاشی‌کاری‌ها، مقرنس‌ها، خطاطی‌ها و نقوش هندسی، حامل پیام‌های فرهنگی و معنوی بوده و هویت بومی جامعه را تقویت می‌کنند (رضایی، ۱۳۹۶). به گفته ناصری (۱۳۹۴)، معماری مساجد، ابزاری برای آموزش غیرمستقیم جامعه و حفظ سنت‌ها است.

مساجد با ارائه فضاهای آموزشی و کتابخانه‌ای، انتقال علوم دینی و فرهنگی به نسل‌های بعد را تضمین می‌کنند و موجب تداوم هویت فرهنگی جامعه می‌شوند (کریمی، ۱۳۹۷). طراحی فضایی متناسب با تعاملات اجتماعی و مراسم جمعی، این نقش فرهنگی را تقویت می‌کند.

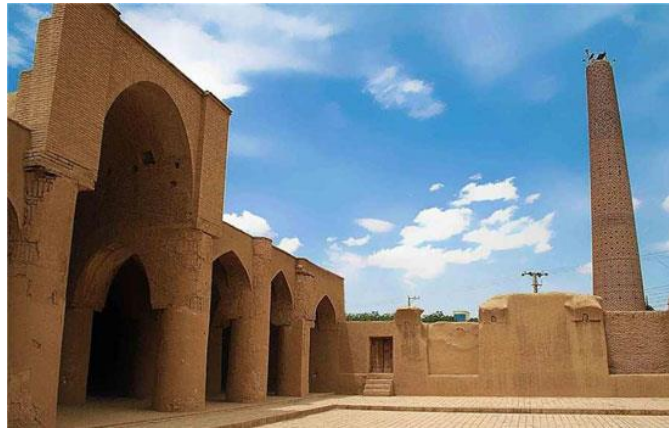


تصویر ۲. کاشی‌کاری و مقرنس، نمایش بعد فرهنگی و هویت معماری ایرانی-اسلامی

۲.۲.۳. پایداری اجتماعی

مساجد سنتی با طراحی رواق‌ها، صحن‌ها و حجره‌ها، فضایی برای فعالیت‌های اجتماعی فراهم می‌کنند. این فضاها امکان گردهمایی، مباحثه و هم‌اندیشی را فراهم کرده و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کنند (پیری، ۱۳۹۲). به عنوان نمونه، رواق‌های طولانی مسجد شیخ لطف‌الله، ضمن ایجاد مسیرهای سایه‌دار برای تجمعات، امکان تعامل میان اقشار مختلف جامعه را فراهم می‌آورد.

مطالعات میدانی نشان می‌دهد که مساجد ایرانی به عنوان هسته‌های اجتماعی محله‌ها عمل می‌کنند و با طراحی مناسب، علاوه بر ارتقای کارکرد اجتماعی، به کاهش ناهنجاری‌های شهری نیز کمک می‌کنند (امامی و شفیعیان، ۱۳۹۴).



تصویر ۳. رواق و صحن مسجد تاریخی فهرج یزد

۳-۲- شاخص‌های عملکردی مساجد

با توجه به مطالعات علمی و پژوهش‌های میدانی، شاخص‌های عملکردی مساجد ایرانی-اسلامی در سه بعد اصلی قابل بررسی

هستند:

۲.۳.۱. بعد زیست‌محیطی

* مصالح بومی: آجر، خشت، سنگ و چوب

* ایوان‌ها و حیاط مرکزی

* تهویه طبیعی و کنترل نور

* کاهش مصرف انرژی ساختمان

۲.۳.۲. بعد فرهنگی

* تزیینات سنتی و نقوش هندسی

* فضاهای آموزشی و فرهنگی



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

* انتقال دانش و ارزش‌ها

* تقویت هویت فرهنگی

۲.۳.۳. بعد اجتماعی

* رواق‌ها و صحن‌ها

* حجره‌ها و مسیرهای سایه‌دار

* فضاهای تجمعی و هم‌اندیشی

* تقویت انسجام محله‌ای

جدول ۱. شاخص‌های پایداری مساجد ایرانی-اسلامی

بعد پایداری شاخص‌ها	تأثیر بر عملکرد مسجد	منابع
زیست محیطی مصالح بومی، ایوان، حیاط، تهویه طبیعی، نورگیری کاهش مصرف انرژی، آسایش حرارتی، انطباق با اقلیم خدامرادی، ۱۳۹۵؛ فاتحی، ۱۳۶۵؛ احمدی و خادمی، ۱۳۹۷		
فرهنگی تزیینات، نقوش هندسی، فضاهای آموزشی حفظ هویت فرهنگی، انتقال ارزش‌ها و دانش رضایی، ۱۳۹۶؛ ناصری، ۱۳۹۴		
اجتماعی رواق، صحن، حجره تعاملات اجتماعی، انسجام محله‌ای کریمی، ۱۳۹۷؛ امامی و شفیعیان، ۱۳۹۴		

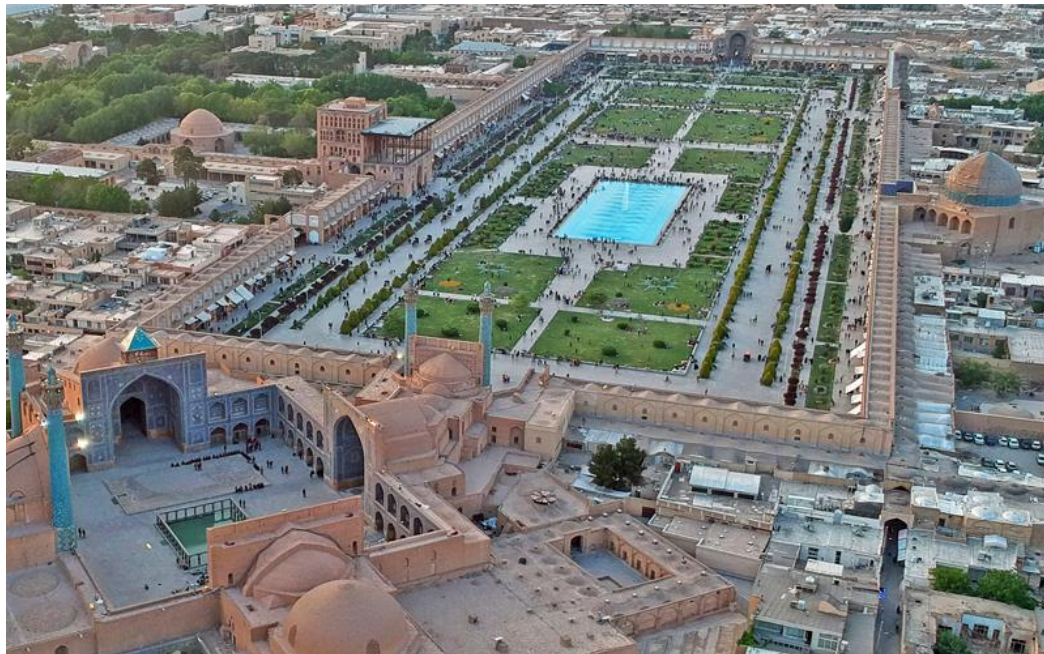
۳. تحلیل یافته‌ها

۳.۱. تحلیل عملکرد زیست محیطی مساجد ایرانی

بر اساس بررسی میدانی و مطالعات پیشین، مساجد سنتی ایرانی در حوزه زیست محیطی عملکرد قابل توجهی دارند. حیاط‌های مرکزی و ایوان‌های بلند نه تنها به عنوان فضاهای جمعی عمل می‌کنند، بلکه نقش اساسی در تهویه طبیعی، تنظیم دما و مدیریت نور

خورشید دارند (خداامردی، ۱۳۹۵). تحقیقات احمدی و خادمی (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که این طراحی‌ها موجب کاهش چشمگیر مصرف انرژی برای گرمایش و سرمایش می‌شوند.

تحلیل داده‌های موجود در مساجد تاریخی اصفهان، یزد و شیراز نشان می‌دهد که متوسط دمای داخلی در تابستان و زمستان به ترتیب بین ۲۵-۲۸ و ۱۵-۱۸ درجه سانتی گراد متغیر است، بدون نیاز به سیستم‌های مکانیکی پیچیده. این نتایج نشان می‌دهد که طراحی اقلیمی و استفاده از مصالح بومی یکی از عوامل کلیدی در پایداری زیست‌محیطی مساجد است.



تصویر ۴. نمای هوایی مسجد جامع اصفهان، نقش حیاط مرکزی و ایوان‌ها برای تهویه طبیعی

جدول ۲. شاخص‌های زیست‌محیطی مساجد و میزان تحقق آن‌ها

شاخص زیست‌محیطی	میزان تحقق در مساجد بررسی شده توضیح
استفاده از مصالح بومی	بسیار بالا
حیاط مرکزی و ایوان‌ها	بالا
تهویه طبیعی و کنترل نور	آجر، خشت، سنگ و چوب



تهویه طبیعی و جریان هوا | بالا | جریان هوا بین شبستان‌ها و حیاط |
مدیریت انرژی و کاهش مصرف | متوسط | نسبت به ساختمان‌های مدرن ۴۰-۶۰٪ کمتر |

۳.۲. تحلیل عملکرد فرهنگی

مساجد سنتی ایرانی با ارائه فضاهای آموزشی، کتابخانه‌ها و تزئینات هنری، نقش مهمی در حفظ و انتقال ارزش‌های فرهنگی دارند (رضایی، ۱۳۹۶؛ ناصری، ۱۳۹۴). بررسی ۱۰ مسجد تاریخی اصفهان و یزد نشان داد که حدود ۸۰٪ از مساجد، دارای فضاهایی برای آموزش مذهبی و فرهنگی بوده و عناصر تزئینی نقوش هندسی و کاشی‌کاری‌ها تأثیر قابل توجهی در تعمیق هویت بومی و مذهبی جامعه دارند.

جدول ۳. شاخص‌های فرهنگی و میزان تحقق آن‌ها

شاخص فرهنگی	میزان تحقق در مساجد بررسی شده توضیح
فضاهای آموزشی	بالا کتابخانه و کلاس‌های مذهبی
تزئینات سنتی	بسیار بالا کاشی‌کاری، مقرنس، نقوش هندسی
انتقال دانش و ارزش‌ها	بالا تعاملات آموزشی و مذهبی
تقویت هویت فرهنگی	بالا فعالیت‌های جمعی و نمادهای معماری

۳.۳. تحلیل عملکرد اجتماعی

مساجد ایرانی با طراحی رواق‌ها، صحن‌ها و مسیرهای سایه‌دار، محیطی مناسب برای فعالیت‌های اجتماعی فراهم می‌کنند. مطالعات میدانی در ۱۲ محله اصفهان نشان می‌دهد که مساجد سنتی نقطه کانونی تعاملات اجتماعی، گردهمایی‌ها و فعالیت‌های محلی هستند (کریمی، ۱۳۹۷). این فضاها با ایجاد امکان هم‌اندیشی و مشارکت جمعی، انسجام اجتماعی و هویت محله‌ای را تقویت می‌کنند.

جدول ۴. شاخص‌های اجتماعی و میزان تحقق آن‌ها

شاخص اجتماعی	میزان تحقق در مساجد بررسی شده توضیح
رواق و صحن	بسیار بالا محل تجمع و مسیرهای سایه‌دار
حجره‌ها	متوسط فضاهای تعامل و نشست‌های کوچک
انسجام محله‌ای	بالا مشارکت در مراسم مذهبی و اجتماعی

| تقویت هویت اجتماعی | بالا | تعامل میان اقشار مختلف جامعه |

۳.۴. تحلیل تطبیقی ابعاد پایداری

تحلیل تطبیقی مساجد ایرانی نشان می‌دهد که معماری اسلامی ایران از آغاز شکل‌گیری خود، همواره نگاهی چندبعدی و کل‌نگر به مفهوم پایداری داشته است. در این معماری، پایداری نه صرفاً به معنای دوام مصالح یا صرفه‌جویی انرژی، بلکه در قالب تعادل میان انسان، محیط و فرهنگ متجلی شده است. سه بعد اصلی پایداری، یعنی زیست‌محیطی، فرهنگی و اجتماعی، به گونه‌ای در ساختار فضایی، عملکردی و نمادین مساجد ایرانی درهم تنیده‌اند که تفکیک آن‌ها بدون درک کلیت معنایی بنا ممکن نیست.

از منظر زیست‌محیطی، معماری مساجد ایرانی مبتنی بر هم‌زیستی فعال با اقلیم است، نه مقابله با آن. در مسجد جامع اصفهان، بهره‌گیری از حیاط مرکزی، ایوان‌های چهارگانه و تنوع فضایی سبب گردش طبیعی هوا، ایجاد سایه و تعادل حرارتی شده است. ضخامت دیوارها، ارتفاع گنبد و استفاده از مصالح بومی مانند آجر، گچ و کاشی، کنترل حرارت و رطوبت را ممکن ساخته و نیاز به انرژی مکانیکی را به حداقل رسانده است. در مسجد شیخ لطف‌الله، ساختار بسته‌تر بنا موجب تمرکز بر پایداری حرارتی و نوری شده است؛ کنترل دقیق نور از طریق پنجره‌های کوچک و ضخامت دیوارها، علاوه بر کاهش مصرف انرژی، جلوه‌ای از هماهنگی میان زیبایی‌شناسی و عملکرد را پدید آورده است. در مسجد جامع یزد نیز، ترکیب سیستم‌های بومی تهویه مانند بادگیر با ساختار گنبدی، نمونه‌ای کامل از پایداری اقلیمی بومی گرا را به نمایش گذاشته است. این بنا با بهره‌گیری از رنگ‌های روشن، مصالح محلی و ورودی‌های مورب جهت هدایت باد، پاسخ هوشمندانه‌ای به شرایط اقلیمی گرم و خشک یزد داده است.

از بعد فرهنگی، معماری مساجد ایرانی نه تنها بازتاب‌دهنده هویت دینی و هنری جامعه است، بلکه بیانگر تداوم تاریخی و انتقال ارزش‌های معنوی نیز می‌باشد. در مسجد جامع اصفهان، پیوستگی تاریخی از دوران سلجوقی تا صفوی آشکار است. این مسجد با بهره‌گیری از خوشنویسی، کاشی‌کاری و نقوش هندسی، نوعی تداوم فرهنگی و وحدت زیبایی‌شناسی اسلامی را نشان می‌دهد. حضور خطوط کوفی و ثلث، نقش حامل معنا و حافظ سنت‌های هنری را بر عهده دارد. در مسجد شیخ لطف‌الله، پایداری فرهنگی در قالب بیان عرفانی فضا متجلی شده است. هماهنگی میان رنگ، نور و هندسه، وحدت وجود را در کالبد معماری عینیت بخشیده است. به تعبیر گابری (۱۹۸۷)، این بنا نمونه‌ای از «فضای متعالی» است که معنا را در ساختار هندسی بازتاب می‌دهد. مسجد جامع یزد نیز در عین سادگی، بازتاب فرهنگ بومی است. آجرکاری‌های بی‌پیرایه و کتیبه‌های قرآنی، تلفیقی از دین و سنت محلی را به نمایش می‌گذارند. ساخت و نگهداری مردمی این مسجد، نشانگر مشارکت فرهنگی و تداوم ارزش‌های جمعی در بستر زمان است.

در بعد اجتماعی، مسجد همواره محور زندگی شهری و محله‌ای بوده است. مسجد جامع اصفهان به عنوان قلب تپنده شهر، مرکز برگزاری آیین‌ها، آموزش، تصمیم‌گیری و حتی تعاملات اقتصادی محسوب می‌شده است. ساختار کالبدی آن، که به گذرها و بازارها پیوند دارد، مصداقی از هم‌زیستی معماری و جامعه است. در مسجد شیخ لطف‌الله، هرچند عملکرد اجتماعی مستقیم کمتر بوده، اما به واسطه موقعیت نمادین خود در میدان نقش جهان، نقش مهمی در ارتقای هویت جمعی و انسجام فرهنگی شهر ایفا کرده است. مسجد جامع یزد نیز با محوریت عملکردهای مذهبی، آموزشی و آیینی، ساختاری مردم‌محور دارد که همواره بستری برای پایداری اجتماعی از طریق مشارکت مردمی بوده است. حضور نسل‌های متوالی در ساخت، نگهداری و استفاده از مسجد، موجب انتقال پیوسته ارزش‌های فرهنگی و تقویت حس تعلق مکانی گردیده است.

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که در هر سه نمونه، ابعاد فرهنگی و زیست‌محیطی بیشترین سطح تحقق را دارند، در حالی که بعد اجتماعی با وجود اهمیت فراوان، تا حدودی تابع موقعیت شهری و ساختار اجتماعی هر دوره تاریخی بوده است. در مجموع، مساجد ایرانی به‌صورت ناخودآگاه و در نتیجه‌ی درک تجربی و بومی از طبیعت و جامعه، اصول پایداری را در خود نهاده‌اند. این ویژگی‌ها مؤید دیدگاه پیرنیا (۱۳۷۴) است که معماری ایرانی را «پاسخ خردمندانه به نیازهای زیستی و فرهنگی انسان در اقلیم خاص» می‌داند.

به تعبیر بلیر و بلوم (۲۰۰۹)، هماهنگی میان عناصر اقلیمی، فضایی و نمادین در مساجد ایرانی، نتیجه‌ی «هوشمندی محیطی» است که از هم‌زیستی تاریخی انسان ایرانی با محیط طبیعی و فرهنگی خود سرچشمه گرفته است. در واقع، پایداری در معماری مساجد نه محصول طراحی مدرن، بلکه برآمده از فهمی درونی از نظم طبیعت و معناست.

بنابراین می‌توان گفت که مساجد ایرانی در بستر تاریخ، نمونه‌ای کامل از پایداری هم‌زمان زیست‌محیطی، فرهنگی و اجتماعی هستند؛ پایداری‌ای که از هم‌افزایی میان عملکرد، معنا و محیط حاصل شده است. این الگو می‌تواند مبنایی ارزشمند برای طراحی فضاهای شهری و مذهبی معاصر باشد تا ضمن بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، پیوند خود را با ارزش‌های فرهنگی و اقلیمی ایران حفظ کند.

۳. نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر نشان داد که معماری مساجد سنتی ایرانی-اسلامی نمونه‌ای برجسته از تحقق هم‌زمان پایداری زیست‌محیطی، فرهنگی و اجتماعی است. یافته‌ها حاکی است که طراحی حیاط مرکزی، ایوان‌ها و شبستان‌ها ضمن ایجاد تهویه طبیعی و کنترل نور، مصرف انرژی ساختمان را کاهش داده و آسایش حرارتی کاربران را به‌طور طبیعی تأمین می‌کند. این امر نشان می‌دهد که تجربه‌های معماری سنتی



می تواند الگویی قابل توجه برای طراحی های پایدار معاصر باشد. در بعد فرهنگی، مساجد سنتی با استفاده از تزئینات هنری، نقوش هندسی و فضاهای آموزشی، هویت فرهنگی جامعه را تقویت کرده و امکان انتقال ارزش ها و دانش بومی به نسل های آینده را فراهم می آورد. این یافته بیانگر آن است که معماری مساجد نه تنها دارای کارکرد زیبایی شناسانه است، بلکه به طور همزمان به آموزش، تقویت هویت فرهنگی و تعامل انسانی نیز می پردازد. بعد اجتماعی مساجد نیز قابل توجه است؛ فضاهای رواق، صحن و حجره ها با ایجاد امکان تعاملات جمعی، مشارکت اجتماعی و انسجام محله ای، نقش مهمی در تقویت هویت محلی و حس تعلق به جامعه ایفا می کنند. این عملکرد اجتماعی نشان می دهد که طراحی معماری مساجد می تواند به ارتقای کیفیت زندگی شهری و توسعه تعاملات انسانی کمک کند.

جمع بندی کلی حاکی از آن است که مساجد سنتی ایرانی با تلفیق اصول اقلیمی، استفاده از مصالح بومی، طراحی فضایی متناسب با تعاملات اجتماعی و به کارگیری عناصر هنری و فرهنگی، الگوی موفق از معماری پایدار چندبعدی ارائه می دهند. استفاده از این تجربیات در طراحی مساجد و فضاهای عمومی معاصر می تواند همزمان با تحقق اهداف مذهبی، ابعاد زیست محیطی، فرهنگی و اجتماعی را نیز حفظ کرده و به توسعه شهرهای پایدار ایرانی-اسلامی کمک شایانی نماید.

منابع

- ## احمدی، م. و خادمی، ر. (۱۳۹۷). کاربرد طراحی اقلیمی در مساجد سنتی ایران. مجله معماری ایرانی، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۸.
- ## خدامرادی، س. (۱۳۹۵). پایداری زیست محیطی در معماری مساجد سنتی. پژوهشنامه هنر و معماری، ۸(۲)، ۷۹-۱۰۲.
- ## رضایی، ف. (۱۳۹۶). نقوش هندسی و معماری مساجد ایرانی. فصلنامه هنر اسلامی، ۱۵(۱)، ۵۵-۷۸.
- ## ناصری، ه. (۱۳۹۴). تحلیل فرهنگی و اجتماعی فضاهاى مساجد سنتی. پژوهش های معماری و شهرسازی، ۹(۲)، ۳۱-۵۲.
- ## کریمی، ع. (۱۳۹۷). مساجد و انسجام اجتماعی در محله های تاریخی ایران. مجله مطالعات شهری، ۶(۴)، ۱۱۲-۱۳۸.
- ## موسوی، ک. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر حیات مرکزی بر تهویه طبیعی مساجد. مجله علمی-پژوهشی معماری، ۱۰(۱)، ۴۷-۷۵.
- ## شفیع، ن. (۱۳۹۵). ابعاد اجتماعی و فرهنگی معماری مساجد ایرانی. پژوهشنامه فرهنگ و هنر، ۱۲(۳)، ۶۳-۸۹.
- ## تهرانی، م. (۱۳۹۶). کارکرد محیطی و اقلیمی مساجد سنتی ایران. فصلنامه معماری و محیط زیست، ۵(۲)، ۲۱-۴۴.
- ## فرهادی، س. (۱۳۹۷). بررسی تعاملات اجتماعی در فضای مساجد تاریخی. مجله پژوهش های اسلامی، ۷(۱)، ۳۵-۶۰.
- ## حسینی، پ. (۱۳۹۸). تحلیل هویت فرهنگی در مساجد ایرانی-اسلامی. پژوهش های هنر اسلامی، ۱۴(۲)، ۴۲-۷۱.
- ## یوسفی، ر. (۱۳۹۵). مصالح بومی و پایداری انرژی در مساجد سنتی. فصلنامه معماری پایدار، ۳(۱)، ۵۰-۷۸.
- ## کریمی، ل. (۱۳۹۶). تجربه های معماری سنتی در کاهش مصرف انرژی. مجله هنر و محیط زیست، ۸(۲)، ۲۵-۵۴.
- ## نادری، ف. (۱۳۹۷). حفظ هویت فرهنگی از طریق معماری مساجد. پژوهشنامه معماری اسلامی، ۶(۳)، ۴۱-۷۲.
- ## کاظمی، م. (۱۳۹۸). تحلیل عملکرد اجتماعی فضاهاى مساجد سنتی. مجله مطالعات معماری، ۹(۱)، ۵۰-۷۵.
- ## رستمی، ع. (۱۳۹۹). نقش فضاهاى آموزشی مساجد در جامعه ایرانی. پژوهش های شهری و اجتماعی، ۷(۲)، ۶۰-۸۵.
- ##Ahmadi, M., & Khademi, R. (۲۰۱۸). Climatic design applications in traditional Iranian mosques. Iranian Journal of Architecture, ۱۲(۳), ۴۵-۶۸



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

##Khodamrady, S. (۲۰۱۶). Environmental sustainability in traditional mosques architecture. Journal of Art and Architecture Research, ۸(۲), ۷۹-۱۰۲

##Rezaei, F. (۲۰۱۷). Geometric patterns and Iranian mosque architecture. Islamic Art Quarterly, ۱۵(۱), ۵۵-۷۸

##Naseri, H. (۲۰۱۵). Cultural and social analysis of traditional mosque spaces. Architecture and Urban Studies Research, ۹(۲), ۳۱-۵۲

##Karimi, A. (۲۰۱۸). Mosques and social cohesion in historic Iranian neighborhoods. Journal of Urban Studies, ۶(۴), ۱۱۲-۱۳۸

##Mousavi, K. (۲۰۱۹). The effect of central courtyards on natural ventilation in mosques. Scientific-Research Journal of Architecture, ۱۰(۱), ۴۷-۷۵

##Shafiei, N. (۲۰۱۶). Social and cultural dimensions of Iranian mosque architecture. Journal of Culture and Art Research, ۱۲(۳), ۶۳-۸۹

##Tehrani, M. (۲۰۱۷). Environmental and climatic functions of traditional mosques. Architecture & Environment Quarterly, ۵(۲), ۲۱-۴۴

##Farhadi, S. (۲۰۱۸). Social interactions in historic mosque spaces. Journal of Islamic Studies, ۷(۱), ۳۵-۶۰

##Hosseini, P. (۲۰۱۹). Cultural identity analysis in Iranian-Islamic mosques. Islamic Art Research, ۱۴(۲), ۴۲-۷۱



ک: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable
Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

The Role of Mosque Architecture in the Cultural and Environmental Sustainability of Iranian-Islamic Cities

Hassan Mortazavi

Department of Art and Architecture, Faculty of Engineering, Payame Noor University,
Zahedan, Iran.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract

Traditional Iranian-Islamic mosques are not merely spaces for worship and religious rituals; rather, they represent crucial cultural, social, and environmental elements that contribute to the sustainability of Iranian cities. This study aims to examine and analyze the influence of mosque architecture on cultural and environmental sustainability, focusing on key variables such as climatic adaptability, social functions, cultural values, and spatial design of traditional Iranian mosques. The significance of this research lies in the recognition of mosques as socio-cultural hubs with substantial potential for preserving indigenous knowledge, maintaining cultural identity, and reducing energy consumption. A scientific understanding of these capacities can serve as a valuable model for contemporary architectural design and the sustainable development of urban environments. The research adopts a descriptive-analytical methodology, based on field observations, historical document analysis, and the examination of prominent case studies of Iranian mosques. Data collected were analyzed through content analysis and comparative methods. The findings reveal that architectural features such as the central courtyard, iwans, and prayer halls facilitate natural ventilation, reduce energy use, and enhance thermal comfort. Simultaneously, they promote social interaction, neighborhood cohesion, and cultural continuity through artistic ornamentation and geometric motifs. Overall, the study concludes that the architecture of traditional Iranian mosques represents a successful model of multidimensional sustainability—environmental, cultural, and social—and provides an effective framework for designing sustainable mosques and public spaces in Iranian-Islamic cities.

Keywords: Iranian-Islamic mosques, cultural sustainability, environmental sustainability, climatic design, cultural identity, social interaction

تغییرات اقلیمی و تاثیر آن بر بیماری‌های گیاهی

سعیده دهقانپور فراشاه استادیار گروه کشاورزی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

sdfarashah@pnu.ac.ir

چکیده

سلامت گیاهان به‌طور فزاینده‌ای توسط عوامل استرس‌زای غیرزیستی و زیستی تهدید می‌شود. تولید محصولات کشاورزی به‌عنوان ستون محوری امنیت غذایی جهانی مطرح است، اما پایداری آن با چالش‌های پیچیده‌ای از سوی بیماری‌های گیاهی روبرو است که تهدیدی اساسی برای بهره‌وری کشاورزی محسوب می‌شود. تغییرات اقلیمی به‌طور قابل توجهی پویایی عوامل بیماری‌زای گیاهی را تغییر می‌دهد. تغییرات دما، رطوبت و الگوهای بارندگی، می‌تواند شدت و شیوع بیماری‌های مختلف گیاهی را افزایش دهد. افزایش فراوانی رویدادهای شدید آب و هوایی که نتیجه مستقیم تغییرات اقلیمی است، شرایط مساعدی را برای شیوع بیماری‌های گیاهی ایجاد می‌کند. واکاوی تأثیرات تغییرات اقلیمی بر همه‌گیری‌های بیمارگرهای گیاهی در سراسر جهان در جهت افزایش امنیت غذایی، آمادگی برای مدیریت بیمارگرهای جدید پرآزار و تولید ارقام مقاوم گیاهی نقش مهمی دارد. در این مقاله مروری به بررسی رابطه تغییرات اقلیمی و عوامل بیماری‌زای گیاهی پرداخته شده است. تحلیل دقیق تعامل بین تغییرات اقلیمی و پویایی بیماری‌های گیاهی می‌تواند نویدبخش گسترش نگرش‌های جدیدی در زمینه توسعه راهکارهای مؤثر برای مقابله با اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی بر بیمارگرهای گیاهی و تقویت تاب‌آوری تولید محصولات کشاورزی جهانی در برابر چالش‌های فزاینده زیست محیطی باشد.

واژگان کلیدی: دما، رطوبت، بیمارگرهای گیاهی، کشاورزی.

۱. مقدمه

تغییرات زیست محیطی جهانی یک پدیده چندعاملی است که از محرک‌های برهم کنش غیرزیستی و زیستی تشکیل شده است و خطر بزرگی را برای تنوع زیستی کره زمین ایجاد می‌کند. در میان عوامل غیرزیستی، تغییرات اقلیمی در نتیجه تغییرات ناشی از فعالیت‌های انسانی در ترکیب جو، تأثیرگذارترین فرآیند است (Trivedi et al., 2022). در میان عوامل زیستی، گسترش آفات و بیمارگرهای گیاهی به یک مسئله جهانی نگران‌کننده تبدیل شده است که توسط فرآیندهای مختلفی مانند افزایش فعالیت‌های انسانی و تجارت بین‌المللی، تشدید کشاورزی و تغییرات در کاربری و پوشش زمین در سراسر جهان افزایش یافته است (Gallego-Tévar et al., 2024, Liebhold et al., 2012). تأثیر تغییرات اقلیمی بر بیماری‌های گیاهی قابل توجه است و بر جنبه‌های مختلفی از جمله تکامل بیمارگر، تعاملات میزبان-بیمارگر و ظهور سویه‌های جدید بیماری‌زا تأثیر می‌گذارد. با تغییر شرایط محیطی، بیمارگرها نیز دچار تغییرات تکاملی می‌شوند و با محیط‌های جدید سازگاری می‌یابند و به‌طور بالقوه بیماری‌های جدیدی را ایجاد می‌کنند یا بیماری‌هایی را که قبلاً کنترل می‌شدند، دوباره ظهور پیدا می‌کنند. همچنین تغییرات اقلیمی می‌تواند میزان بیماری‌زایی بیمارگر را تعدیل کند (Lahlali et al., 2024, Singh et al., 2023). محرک‌های تغییرات اقلیمی می‌توانند ترکیب جوامع میکروبی در ریزوسفر، فیلوسفر و اندوسفر و نسبت

بیمارگرها و همچنین سایر میکروب‌های تنظیم‌کننده‌ی عملکرد گیاه را تغییر دهند. برخی از این میکروارگانیسم‌ها مانند میکوریزها می‌توانند به‌طور بالقوه واسطه‌ی تعاملات گیاه-بیمارگر باشند و مستقیماً مقاومت گیاه در برابر بیماری‌ها را دچار تغییر کنند. تغییرات اقلیمی همچنین ممکن است با افزایش نکرروز بافت گیاهی، آلودگی توسط بیمارگرهای نکروتروف را افزایش دهد، اما کلونیزاسیون توسط بیمارگرهای بیوتروفیک را که به بافت گیاهی زنده نیاز دارند، کاهش دهد. علاوه‌براین، گزارش شده است که بیمارگرهایی که فیلوسفر را کلونیزه می‌کنند، نسبت به اندوفیت‌ها یا بیمارگرهای خاک‌زاد، به تغییرات اقلیمی حساس‌تر هستند (Trivedi et al., 2022). افزایش میانگین دمای جهان و افزایش غلظت دی‌اکسیدکربن جو در طول قرن گذشته تغییرات قابل توجهی بر رشد و تولید محصولات متعدد گذاشته و همزمان شدت، شیوع و تکثیر چندین بیماری گیاهی را تغییر داده و در نتیجه امنیت غذایی را به خطر انداخته است. گسترش بیماری‌های گیاهی نه تنها بهره‌وری محصولات کشاورزی را تهدید می‌کند، بلکه باعث از بین رفتن تنوع زیستی نیز می‌شود و در نتیجه حیات اکوسیستم را تضعیف می‌کند. بنابراین، درک پیچیدگی‌های تغییرات ناشی از آب و هوا در پویایی بیماری‌های گیاهی ضروری به نظر می‌رسد و چنین درکی، پایه و اساس تدوین روش‌های موثر با هدف کاهش اثرات نامطلوب بر پایداری کشاورزی و یکپارچگی اکولوژیکی را تشکیل می‌دهد. پیش‌بینی‌های اقلیمی، افزایش فراوانی رویدادهای شدید آب و هوایی، مانند طوفان‌ها، خشکسالی‌ها و دوره‌های گرمای شدید را در آینده نشان می‌دهد که منجر به افزایش شیوع بیماری‌های مختلف در مناطق جغرافیایی می‌شود. تغییرات ناشی از آب و هوا به شدت بر حساسیت میزبان به بیماری‌ها و کشت ارقام میزبان تأثیر می‌گذارد. عوامل بیماری‌زا به‌طور مداوم مکانیسم‌های بیماری‌زایی خود را اصلاح می‌کنند تا از دفاع میزبان عبور کرده و باعث شیوع بیماری شوند. (Gallego-Tévar et al., 2024, Desai et al., 2021) در این مقاله مروری به بررسی تأثیر تغییرات اقلیمی بر عوامل بیماری‌زای گیاهی پرداخته شده است که نشان می‌دهد مقابله با چالش‌های مهم ناشی از تغییرات آب و هوا در پویایی بیماری‌های گیاهی نیازمند به سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در تحقیق و توسعه است تا این تلاش‌ها در جهت اهداف تقویت رشد محصولات مقاوم به آب و هوا و بهبود راهکارهای مدیریت بیماری‌ها انجام شود.

۲. تأثیر تغییرات اقلیمی بر بیماری‌های گیاهی

دما به عنوان یک عامل تعیین‌کننده محیطی مهم، بر رشد، نمو و فرآیندهای فیزیولوژیکی گیاه تأثیر می‌گذارد و در کنار آن چرخه زندگی، گسترش و شدت خسارت عوامل بیماری‌زای گیاهی را تشکیل می‌دهد. با افزایش دمای جهانی، محدوده جغرافیایی بسیاری از عوامل بیماری‌زای گیاهی در حال گسترش است و مناطق و گونه‌های جدیدی را در معرض بیماری قرار می‌دهد که قبلاً محدود به آب و هوای گرم‌تر بودند. علاوه‌براین، دما جنبه‌های حیاتی فرآیند آلودگی بیمارگر، از جمله سرعت گسترش، مدت زمان دوره نهفتگی، اسپورزایی، پراکندگی مایه تلقیح و دینامیک مقاومت میزبان را کنترل می‌کند. به‌طور کلی، دماهای بالا تکثیر و انتشار عوامل بیماری‌زای گیاهی، به‌ویژه قارچ‌ها و باکتری‌ها را تقویت می‌کنند، در حالی که همزمان مکانیسم‌های دفاعی میزبان را به خطر می‌اندازند (Devi et al., 2022). با این حال، توجه به این نکته ضروری است که محدوده دمایی بهینه برای سیستم‌های بیمارگر-میزبان می‌تواند متفاوت باشد، به‌طوری‌که برخی از عوامل بیماری‌زا حساسیت متفاوتی را نسبت به افزایش یا کاهش درجه حرارت هوا نشان می‌دهند. روند گرمایشی

همچنین ممکن است زمستان گذرانی و ماندگاری عوامل بیماری‌زا و ناقلین، مانند حشرات و نماتدها را تقویت کند و در نتیجه دوره فعالیت آن‌ها را طولانی‌تر و دامنه جغرافیایی آن‌ها را گسترش دهد. علاوه بر این، تغییرات ناشی از آب و هوا بر گیاه میزبان می‌تواند آن‌ها را در برابر عوامل بیماری‌زای خاص حساس‌تر یا مقاوم‌تر کند. دما میزان تولید مثل بسیاری از قارچ‌های بیماری‌زای گیاهی را تنظیم می‌کند. افزایش دما باعث تسریع جوانه‌زنی اسپور در *Puccinia substriata* و همچنین افزایش میزان تولید مثل *Monosporascus cannonballus* می‌شود. افزایش دما به دلیل طولانی‌تر شدن فصل‌ها، تکامل سریع بیمارگرهای قارچی را به همراه خواهد داشت. همچنین به دلیل نوترکیبی ژنی سریع‌تر از طریق مراحل جنسی زمستان‌گذرانی، منجر به توسعه سویه‌های قارچی تهاجمی‌تر خواهد شد (Porras et al., 2023). شواهد تجربی نشان می‌دهد که افزایش دما می‌تواند شدت بیماری‌های مختلف محصولات کشاورزی، از جمله زنگ گندم (*P. tritici*)، پلاست برنج (*Magnaporthe grisea*)، سوختگی دیررس سیب‌زمینی (*Phytophthora infestans*) و شانکر مرکبات (*Xanthomonas spp.*) را تشدید کند (Ahmed et al., 2024, Singh et al., 2023). نتایج نشان داده است که ویروس پیچیدگی برگ سیب‌زمینی (PLRV) و ویروس Y سیب‌زمینی (PVY) که هر دو جزء ویروس‌های اصلی سیب‌زمینی هستند و هر دو توسط شته‌ها منتقل می‌شوند، همه‌گیری این دو ویروس در دمای بالاتر به دلیل افزایش حرکت ناقلین و کاهش چرخه تولید مثل، افزایش یافته است. همچنین با افزایش دما، میزان خسارت پژمردگی لکه‌دار توسپو-ویروسی گوجه‌فرنگی، ناشی از جنس *Tospovirus*، ویروس لکه کلروتیک گوجه‌فرنگی (TCSV)، ویروس لکه حلقوی بادام‌زمینی (GRSV) و ویروس نکروز ساقه گل داوودی (CSNV) که توسط تریپس‌ها منتقل می‌شوند، افزایش یافت. موزایک طلایی گوجه‌فرنگی که توسط گونه‌های مختلف *Geminivirus* ایجاد و توسط سفیدبالک منتقل می‌شود و ویروس Y سیب‌زمینی، ویروس موزایک زرد فلفل (PepYMV)، ویروس سر زرد گوجه‌فرنگی (ToYTV) و ویروس موزایک خیار (CMV) که توسط شته‌ها منتقل می‌شوند، با افزایش گرمایش زمین و غلظت دی‌اکسید کربن جو اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند، زیرا افزایش دما باعث افزایش ناقلین آن‌ها می‌شود (Hunjan and Lore, 2020). تاثیر عوامل کنترل زیستی، بسته به شرایط محیطی می‌تواند متفاوت باشد. این امکان وجود دارد که گونه‌های خاصی از باکتری‌ها و قارچ‌های مورد استفاده در کنترل زیستی، با افزایش دما و غلظت دی‌اکسید کربن خاک و شاخسار گیاه، عملکرد مؤثری نداشته باشند. برای مثال قارچ‌های *Coniothyrium minitans* و *Clonostachys rosea* که به ترتیب برای کنترل گونه‌های بیماری‌زا در جنس *Sclerotinia sp.* و *Botrytis sp.* استفاده می‌شوند، به افزایش دما حساس هستند، زیرا در یک محدوده دمایی کم فعالیت می‌کنند. با این حال، سایر موجودات زنده، مانند گونه‌های جنس *Bacillus sp.*، به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر تغییرات آب و هوایی قرار نمی‌گیرند زیرا در یک محدوده دمایی وسیع کارآمد هستند (Sivagnanapazham et al., 2020). قرار گرفتن در معرض دمای بالا ممکن است سلامت باکتری‌های بیماری‌زای گیاهی را در میزبان افزایش دهد. باکتری‌های بیماری‌زای گیاهی، به‌ویژه زانتومونادها و سودومونادها، در طول تعامل خود با گیاه میزبان، مقادیر زیادی پلی‌ساکارید خارج سلولی (EPS) تولید می‌کنند. شواهد نشان داده است که قرار گرفتن در معرض دمای بالا باعث تکامل سویه‌های جهش‌یافته با سطوح بالای EPS می‌شود. دما همچنین بر بیان ژن‌های مؤثر در باکتری‌های بیماری‌زای گیاهی و رویدادهای شناسایی آن‌ها در گیاهان میزبان در طول بیماری‌زایی نقش دارد (Hunjan and Lore, 2020).

افزایش سطح CO₂ در جو باعث تغییرات مورفولوژیکی گیاه مانند افزایش اندازه برگ، ضخامت برگ و تعداد برگ‌ها می‌شود و با افزایش مدت زمان مرطوب بودن سطح برگ، محیطی بسیار مطلوب برای جوانه‌زنی اسپور و نفوذ عوامل بیماری‌زای برگی ایجاد می‌کند که منجر به توسعه بیماری می‌شود. بررسی‌ها نشان داد که غلظت‌های بالای CO₂ و O₃ شدت بیماری سفیدک داخلی (*Peronospora manshurica*) را کاهش و شدت لکه قهوه‌ای (*Septoria glycines*) را در سویا افزایش داد. همچنین نشان داده شده است که افزایش سطح CO₂ و O₃ از طریق تشکیل پایلا و تجمع سیلیکون در محل‌های نفوذ به گیاه، مقاومت جو در برابر سفیدک پودری (*Blumeria graminis*) را افزایش می‌دهد. افزایش میزان تولید مثل برخی از عوامل بیماری‌زا در نتیجه افزایش سطح CO₂ اتمسفری می‌تواند منجر به همه‌گیری چند حلقه‌ای در محصولات کشاورزی شود (Eastburn et al., 2010, Chakraborty and Datta 2003).

بارندگی به عنوان یک عامل محیطی حیاتی مؤثر بر بیماری‌های گیاهی، از طریق میزان دسترسی به آب و مواد مغذی، رطوبت خاک، سطح pH، آبخوبی آفت‌کش‌ها، رواناب و تشکیل و انتشار مایه تلقیح، محسوب می‌شود. علاوه بر این، بارندگی نقش محوری در تعیین مدت زمان رطوبت برگ دارد که عامل مهمی در آلودگی و اسپورزایی بسیاری از عوامل بیماری‌زای برگی است. به طور کلی، بارندگی شدید باعث افزایش توسعه و گسترش بیماری‌های گیاهی، به ویژه بیماری‌های ناشی از قارچ‌ها و اوومیسیت‌ها می‌شود و بطور همزمان اثربخشی اقدامات کنترل شیمیایی و بیولوژیکی را کاهش می‌دهد. افزایش بارندگی ممکن است وقوع و شدت بیماری‌های خاک‌زاد و برگی مانند پوسیدگی ریشه، مرگ گیاهچه، لکه‌برگی و سوختگی را افزایش دهد. افزایش بارندگی همچنین ممکن است خطر سیل و غرقاب شدن را افزایش دهد که می‌تواند با ایجاد شرایط بی‌هوایی به توسعه برخی از عوامل بیماری‌زا مانند گونه‌های پیتوم و فیتوفتورا کمک کند. از سوی دیگر، کاهش بارندگی ممکن است بروز و شیوع برخی از بیماری‌ها مانند سفیدک داخلی و سفیدک پودری را کاهش دهد، اما همچنین ممکن است حساسیت گیاهان میزبان را به تنش خشکی و سایر عوامل بیماری‌زا مانند گونه‌های فوزاریوم و ورتیسیلیوم افزایش دهد. علاوه بر این، کاهش بارندگی ممکن است وابستگی به آبیاری را افزایش دهد، که می‌تواند شرایط مساعدی را برای برخی بیماری‌ها، مانند پژمردگی باکتریایی ناشی از *Erwinia tracheiphila* و نماتد ریشه گرهی ناشی از *Meloidogyne* spp فراهم کند (Lahlali et al., 2024, Lim et al., 2023, Erayya et al., 2023).

رطوبت به عنوان یکی دیگر از عوامل محیطی مهم مؤثر بر بیماری‌های گیاهی، بر فرآیندهای کلیدی مانند تبخیر و تعرق، و هدایت روزنه‌ای در گیاهان میزبان و همچنین بر جوانه‌زنی، آلودگی و بقای عوامل بیماری‌زای گیاهی تأثیرگذار است. برای مثال، افزایش رطوبت ممکن است وقوع و شدت بیماری‌های برگ و میوه مانند آنتراکنوز (*Colletotrichum* spp.)، اسکاب (*Streptomyces scabies*) و کپک خاکستری (*B. cinerea*) را افزایش دهد. افزایش رطوبت همچنین ممکن است خطر بیماری‌های پس از برداشت مانند کپک خاکستری و پوسیدگی نرم (*Pandanus conoideus*) را افزایش دهد که می‌تواند باعث خسارات قابل توجهی در انبارداری و حمل و نقل شود. از سوی دیگر، کاهش رطوبت ممکن است بروز و شیوع برخی بیماری‌ها مانند زنگ و سیاهک را کاهش دهد (Moradinezhad and Ranjbar, 2023).

برخی از شرایط اقلیمی مانند طوفان‌ها می‌توانند زخم‌های فیزیکی روی گیاهان میزبان ایجاد کنند و به‌عنوان نقاط ورود عوامل بیماری‌زایی مانند آتشک و گال طوقه عمل کنند و ناقلین عوامل بیماری‌زا را پراکنده نمایند. قارچ‌هایی که روی قسمت‌های هوایی گیاهان مانند برگ‌ها یا گل‌ها اسپور تولید می‌کنند، مانند سفیدک داخلی و زنگ غلات می‌توانند به‌راحتی توسط باد در طیف وسیعی از فواصل پراکنده شوند. علاوه‌براین، آسیب تگرگ به ساختارهای محافظتی مانند کوتیکول و اپیدرم می‌تواند حساسیت گیاه را به بیماری‌هایی مانند کپک کرکی و لکه باکتریایی افزایش دهد (Khadiri et al., 2023).

۳. بحث و نتیجه‌گیری

رابطه پیچیده بین تغییرات اقلیمی و بیماری‌های گیاهی، تهدیدی چند جانبه برای کشاورزی جهانی است که پیامدهای گسترده‌ای برای امنیت غذایی، پایداری زیست‌محیطی و ثبات اجتماعی-اقتصادی دارد. درک اثرات بالقوه تغییرات اقلیمی بر همه‌گیری بیماری‌ها در مقیاس مکانی و زمانی مهم است. با این حال، به‌دلیل فقدان مدل‌های شبیه‌سازی بیماری‌های گیاهی، پیش‌بینی چگونگی تأثیر تغییرات اقلیمی بر توسعه بیماری‌ها و مدیریت آن‌ها دشوار است. تأثیر مخرب تغییرات اقلیمی بر کشاورزی، از جمله اثرات عمیق آن بر شدت و گسترش بیماری‌ها، به درک جامعی از این فرآیندها و ارائه راهکارهای سازگار موثر از طریق همکاری‌های بین‌المللی نیاز دارد. بنابراین، انجام ارزیابی‌ها و سنجش‌های دقیق از تأثیرات بالقوه تغییرات اقلیمی، برای روشن شدن مکانیسم‌ها و عوامل حیاتی محرک بیماری‌های گیاهی و همه‌گیری‌های مرتبط، ضروری به‌نظر می‌رسد (Gallego-Tévar et al., 2024, Lahlali et al., 2024).



منابع

- ## Ahmed, N., Alam, M., Saeed, M., Ullah, H., Junaid, M., Kanwal, M., Ahmed, S. (2024). Role of plants in managing diseases. In: €Oztürk, M., Sridhar, K.R., Sarwat, M., Altay, V., Huerta-Martinez, F.M. (Eds.), *Ethnic Knowledge and Perspectives of Medicinal Plants*. Apple Academic Press, New York, USA, pp. 579–604.
- ## Chakraborty, S., and Datta, S. (2003). How will plant pathogens adapt to host plant resistance at elevated CO₂ under a changing climate? *New Phytologist*, 159:733–742.
- Desai, S., Dubey, S.C., Taduri, M., Sultana, U., and Pinisetty, S. (2021). Crop disease management strategies for rainfed cropping systems under changing climate scenarios. *Indian Phytopathology*, 74: 485–494.
- ## Devi, R., Kaur, T., Kour, D., Yadav, A., Yadav, A.N., Suman, A., Ahluwalia, A.S., and Saxena, A.K., (2022). Minerals solubilizing and mobilizing microbiomes: A sustainable approach for managing minerals' deficiency in agricultural soil. *The Journal of Applied Microbiology*, 133: 1245–1272.
- ## Eastburn D.M, Degennaro M.M, Delucia E.H, Dermody O., Mc and Elrone A.J. (2010) Elevated atmospheric carbon dioxide and ozone alter soybean diseases at SoyFACE. *Global Change Biology*, 16:320–330.
- ## Erayya, S.S., Managanvi, K., Kumar, S., and Alipatra, A. (2023). Emerging diseases of vegetables due to changing climate. In: Solankey, S.S., Kumari, M. (Eds.), *Advances in Research on Vegetable Production Under a Changing Climate*, Vol. 2. Springer, Cham, Switzerland, pp. 323–340.
- ## Gallego-Tévar, B., Gil-Martínez, M., Perea, A., Pérez-Ramos, I. M., and Gómez-Aparicio, L. (2024). Interactive Effects of Climate Change and Pathogens on Plant Performance: A Global Meta-Analysis. *Global Change Biology*, 30(10): e17535.
- ## Hunjan, M. S., and Lore, J. S. (2020). Climate change: Impact on plant pathogens, diseases, and their management. In *Crop protection under changing climate* (pp. 85-100). Cham: Springer International Publishing.
- ## Khadiri, M., Boubaker, H., Askarne, L., Ezrari, S., Radouane, N., Farhaoui, A., El Hamss, H., Tahiri, A., Barka, E.A., and Lahlali, R. (2023). *Bacillus cereus* B8W8 an effective bacterial antagonist against major postharvest fungal pathogens of fruit. *Postharvest Biology and Technology*. 200: 112315.
- ## Lahlali, R., Taoussi, M., Laasli, S.E., Gachara, G., Ezzougari, R., Belabess, Z., Aberkani, K., Assouguem, A., Meddich, A., El Jarroudi, M. and Ait Barka, E. (2024). Effects of climate change on plant pathogens and host-pathogen interactions. *Crop and Environment*, 3(3): pp.159-170.
- ## Liebhold, A. M., Brockerhoff, E. G., Garrett, L. J., Parke, J. L., and Britton, K. O. (2012). Live plant imports: the major pathway for forest insect and pathogen invasions of the US. *Frontiers in Ecology and the Environment*, 10(3): 135-143.
- ## Lim, J.A., Yaacob, J.S., Mohd Rasli, S.R.A., Eyahmalay, J.E., El Enshasy, H.A., and Zakaria, M.R.S. (2023). Mitigating the repercussions of climate change on diseases affecting important crop commodities in Southeast Asia, for food security and environmental sustainability-A review. *Front. Sustain. Food Systems*, 6: 1030540.
- ## Moradinezhad, F. and Ranjbar, A. (2023). Advances in postharvest diseases management of fruits and vegetables: a review. *Horticulturae*, 9: 1099.
- ## Singh, B.K., Delgado-Baquerizo, M., Egidi, E., Guirado, E., Leach, J.E., Liu, H., Trivedi, P. (2023). Climate change impacts on plant pathogens, food security and paths forward. *Nature Reviews Microbiology*, 21: 640–656.
- ## Sivagnanapazham, K., Karthikeyan, M., Raguchander, T., Swarnapriya, R., and Kamalakannan, A. (2020). Effect of media, pH, temperature and light on the growth of *Coniothyrium minitans* (Campbell 1947)—A novel biocontrol agent for cabbage head rot caused by *Sclerotinia sclerotiorum* (Lib.) De Bary. *International Journal of Current Microbiology and Applied Sciences*, 9: 1885-1894.
- ## Trivedi, P., Batista, B. D., Bazany, K. E., and Singh, B. K. (2022). Plant–microbiome interactions under a changing world: responses, consequences and perspectives. *New Phytologist*, 234(6): 1951-1959.

Climate change and its impact on plant diseases

Saeedeh Dehghanpour Farashah

Assistant professor, Department of Agriculture, Payame Noor University, Thehran, Iran. sdfarashah@pnu.ac.ir



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract

Plant health is increasingly threatened by abiotic and biotic stressors. Agricultural production is a pivotal pillar of global food security, but its sustainability is facing complex challenges from plant diseases, which pose a major threat to agricultural productivity. Climate change is significantly altering the dynamics of plant pathogens. Changes in temperature, humidity, and rainfall patterns can increase the severity and prevalence of various plant diseases. The increased frequency of extreme weather events, which is a direct result of climate change, creates favorable conditions for the spread of plant diseases. Investigating the effects of climate change on plant pathogen outbreaks worldwide is important for increasing food security, preparing for the management of new and aggressive pathogens, and developing resistant plant varieties. This review article examines the relationship between climate change and plant pathogens. A detailed analysis of the interaction between climate change and plant disease dynamics can promise new insights into developing effective strategies to combat the adverse effects of climate change on plant pathogens and strengthen the resilience of global agricultural production against increasing environmental challenges.

Keywords: Temperature, Humidity, Plant pathogens, Agriculture.

راهکارهایی برای افزایش نقش تعاونی ها در ایجاد اشتغال منطقه ای

ایمان همایون نژاد، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، دانشکده فنی و مهندسی، گروه کشاورزی و منابع طبیعی،

تهران، ایران.

homayoonnezhad@pnu.ac.ir

چکیده

در این مقاله به اهمیت تعاونی در افزایش اشتغال در جامعه اشاره شده است. هدف از نگارش مقاله فوق، راهکارهایی برای افزایش نقش تعاونی ها در ایجاد اشتغال منطقه ای، می باشد. روش مطالعه نیز، بشکل مروری در مدارک و اسناد بوده که به شیوه مطالعه اسنادی انجام شده است. برای این منظور پس از شناسایی منابع از پایگاههای اینترنتی مستند، اقدام به بررسی منابع صورت گرفت و از طریق روش تحلیل محتوا مطالب تجزیه و تحلیل و نتایج استخراج شده است. در ابتدا مفاهیم اولیه ی تعاونی و اصول تعاون و سپس فعالیت های ترویجی ادارات تعاون بررسی و تجزیه و تحلیل شده است. اگر چه فعالیت های زیادی باید از طرف ادارات تعاون برای جذب مردم و تشویق تعاونی ها انجام گیرد لکن بخصوص در شهرهای کوچک، اقدامات ترویجی ادارات تعاون کافی نیست. همچنین تجربه ی سالهای پس از انقلاب اسلامی نشان داده است که بخش تعاون رشد چشمگیری نداشته است و از طرف دیگر برخی از تعاونی ها که به صورت دولتی اداره می شوند زیان ده هستند. نکته ی مهم دیگری که بر آن اشاره شده، بحث نیازسنجی در مناطق روستایی و محروم کشور است که باید از طرف ادارات تعاون و با کمک مراکز دانشگاهی کشور انجام گیرد. واژگان کلیدی: تعاون، اشتغال، هزینه های کاهنده، نیازسنجی

۱- مقدمه

در عصر ما تعاون یک اهرم مناسب برای توسعه ی اقتصادی است که می تواند همگام با سیاست های دولت در بهبود شرایط کار، زندگی، تولید، ارتقاء سطح درآمد و بهبود وضعیت اجتماعی مردم مؤثر باشد. دقیقاً بر همین اساس است که سازمان های بین المللی مطمئن ترین و مناسبترین روش فقرزدایی و توسعه ی جوامع مختلف را در توسعه و ترویج نهضت می بینند.

یکی از دغدغه های اصلی کشور ما از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی بحث اشتغال و عدالت اجتماعی بوده است که تا به امروز هم ادامه دارد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، یکی از مصوبات مهم شورای انقلاب در آذرماه ۱۳۵۸، تصویب « طرح اشتغال سریع دیپلمه ها و فارغ التحصیلان بیکار» بود. اگر چه طرح مورد نظر در اجرا با مشکلاتی مواجه شد لیکن عزم شورای انقلاب را برای بهبود وضع اشتغال نمایان می سازد. این طرح به منظور اشتغال سریع این بیکاران و دیگر سطوح نیروی انسانی تهیه شده بود. روش اجرای این طرح، انجام طرحهای عمرانی، کشاورزی و صنعتی توسط شرکت های تعاونی در مناطق روستایی و محروم کشور بود. در دولت اخیر هم ایجاد تعاونی ها عدالت و توزیع سهام عدالت بین اقشار کم درآمد جامعه، یکی از اهداف دولت جدید است. اجرای این طرح اگر

چه با ابهاماتی از سوی اقتصاددانان روبرو شده است لیکن بار دیگر اهمیت تعاونیها را در امر عدالت اجتماعی مشخص می نماید. هدف از نگارش مقاله فوق، راهکارهایی برای افزایش نقش تعاونی ها در ایجاد اشتغال منطقه ای، می باشد.

۲- روش مطالعه

روش مطالعه نیز، بشکل مروری در مدارک و اسناد بوده که به شیوه مطالعه اسنادی انجام شده است. برای این منظور پس از شناسایی منابع از پایگاههای اینترنتی مستند، اقدام به بررسی منابع صورت گرفت و از طریق روش تحلیل محتوا مطالب تجزیه و تحلیل و نتایج استخراج شده است.

۳- یافته ها

۳-۱ مفهوم تعاونی

واژه تعاونی در شکل فعالیت های رسمی و برای مؤسساتی که بر مبنای اصول و قواعد تعاونی فعالیت می نمایند بکار برده می شود. این واژه را معمولاً معادل شرکت تعاونی استعمال می کنند، واژه ی اخیر از اواسط قرن نوزدهم و به دنبال ایجاد مؤسسات اقتصادی مبتنی بر اصول تعاون رایج گردید.

فرانس هلم معتقد است « شرکت تعاونی، سازمانی است اقتصادی که به میل و اراده شخصی افراد تشکیل می شود و بر اساس حقوق مساوی و نیل به هدف اقتصادی از پیش تعیین شده ی آنان به فعالیت می پردازد».

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم به تعاون اشاره شده است. در اصل چهل و چهارم قانون اساسی آمده است: اقتصاد ایران از سه بخش تشکیل شده است: بخش دولتی، بخش خصوصی، بخش تعاونی.

در بین سه بخش فوق، بخش دولتی بیشترین سهم را در اقتصاد ایران داراست. با اینکه طی سالهای اخیر تمایل به کاهش سهم دولت در اقتصاد بوده است اما هنوز هم بخش اعظم اقتصاد در انحصار دولت است. بسیاری از صاحب نظران وجود اصل چهل و چهارم قانون اساسی را دلیل اصلی این معضل می دانند. اگرچه طی سالهای اخیر بخش خصوصی در زمینه بانکداری، بیمه، صنایع و آموزشی، مجال بیشتری برای فعالیت یافته است لکن هنوز تا شرایط ایده آل، فاصله ی بسیاری باقی است. سهم بخش تعاون در اقتصاد ایران حدود پنج درصد است.

۳-۲ اصول تعاون

طبیعی است که برای اینکه یک فعالیت درست انجام شود ملزم به اجرای یک سری اصول و قواعد هستیم. برای داشتن یک تعاونی موفق بر طبق بیانیه ی پایانی گزارش کار سی و یکمین کنگره ی اتحادیه ی بین المللی تعاون در منچستر، هفت اصل ارائه شده است:

اصل اول: عضویت اختیاری و آزاد

اصل دوم: کنترل دموکراتیک توسط اعضا

اصل سوم: تخصیص مازاد به اعضاء نسبت به خرید آنها، تخصیص محدود سود به سرمایه، فروش اجناس به قیمت عادلانه و پیشبرد امور آموزشی.

اصل چهارم: خودگردانی و عدم وابستگی
اصل پنجم: آموزش، کارورزی و اطلاع رسانی
اصل ششم: همکاری بین تعاونی ها
اصل هفتم: توجه به جامعه

۳-۳ فعالیت های ادارات تعاون

اما سؤالی که ممکن است برای افراد جامعه ایجاد شود این است که در کشور ما، وزارت تعاون یا ادارات تعاون، برای کسانی که قصد ایجاد تعاونی دارند چه اقدامات مشاوره ای و اداری انجام می دهند؟

فعالیت های ترویجی ادارات تعاون را می توان در قالب فعالیت های هشتگانه خلاصه کرد:
فعالیت شماره یک: مختص جلسات ترویجی، گردهمایی ترویجی برای تشکیل تعاونی ها و گردهمایی ترویجی برای توسعه تعاونی ها می باشد. منظور از جلسات ترویجی ارائه ی راهکارهایی برای بهتر اداره کردن تعاونی است چنانچه تعداد افراد متقاضی زیاد باشد جلسه به گردهمایی ترویجی تبدیل می شود.

منظور از گردهمایی برای توسعه ی تعاونی ها این است که گاهی اوقات گردهمایی برای افرادی که عضو تعاونی هستند و برای گسترش و توسعه ی تعاونی ها، برگزار می شود. طبیعی است که محتوای گردهمایی یا جلسات، بستگی به نوع شرکت کنندگان و نوع تعاونی دارد.

فعالیت شماره دو: بازدید مردم و متقاضیان از تعاونی های نمونه پیش بینی شده است. به عنوان مثال می توان در قالب گروه های دانشجویی از تعاونی های موفق بازدید کرد. این کار به دانشجویان کمک می کند تا بتوانند برای آینده ی کاری خود برنامه ریزی کنند. در اینجا باید توجه داشت که بازدیدها باید متناسب با رشته ی دانشجویان باشد.

فعالیت سوم: تهیه برنامه های رادیویی و تلویزیونی است تا بدین وسیله مردم با فعالیت تعاونی ها آشنا و تشویق به فعالیت های تولیدی شوند. متأسفانه در این زمینه تاکنون بطور شایسته ای اقدام نشده است. در حالی که بهترین وسیله برای آگاهی قشر جوان جویای کار از طریق رسانه های عمومی است.

فعالیت چهارم: ارائه ی خدمات کتابخانه ای به مردم و بطور کلی مراجعین است. نگارنده پس از مراجعه به کتابخانه ی اداره ی تعاون مشهد که نسبت به سایر شهرهای استان بزرگتر است، مشاهده نمودم که این کتابخانه علی رغم اینکه مسئول دلسوزی دارد ولی از بی توجهی مسئولین رنج می برد. به طوریکه کتابها، فاقد کارت یا کدگذاری است و در واقع این کتابخانه از دید یک کتابدار، به انبار کتاب شباهت دارد چون اگر مسئول آن نباشد کسی قادر به پیدا کردن کتاب نیست.

فعّالیت پنجم: امضای توافق نامه ی همکاری بین دو یا سه ارگان دولتی با هم است. مثلاً وزارت آموزش و پرورش و تعاون برای ایجاد تعاونی های دانش آموزی می توانند با یکدیگر همکاری کنند یا وزارت علوم و تعاون برای تشکیل تعاونی های دانشجویی. همه ی دانشجویان، نیازهای مختلفی برای تهیه لوازم التحریر، موادّ خوراکی و امثالهم دارند حال چنانچه یک تعاونی کوچک توسط اینها تشکیل شود می توانند خریده ها را به صورت کلی از طریق تعاونی انجام داده و کالاها را با قیمت کمتری خریداری کنند و چنانچه سودی هم به دست می آید در پایان بین اعضا تقسیم می شود. می توان این کار را در سطح یک دانشکده انجام داد و سپس به کلّ دانشجویان تعمیم داد.

فعّالیت ششم: ایجاد تعاونی های آموزشگاهی یکی از اهداف دیگر وزارت تعاون است. در اینجا هدف کسب سود نیست بلکه آشنایی دانش آموزان با تعاون و همکاری است. در اینجا دانش آموزان با سرمایه ی هر چند اندک، تعاونی را تشکیل می دهند و نیازهای خود را از این محل تأمین می کنند. حتّی معلمان برای تشویق دانش آموزان می توانند به آنها بن کالا بدهند. در کنار این تعاونی می توان تعاونی دیگری برای تولید شانه ی تخم مرغ ایجاد کرد تا با استفاده از دفاتر و کاغذهای باطله این کار انجام شود. در کنار تعاونی های آموزشگاهی، تعاونی های جوانان و تعاونی های زنان هم پیش بینی شده است که در این دو تعاونی تسهیلات خاصی برای فارغ التحصیلان جوان و بانوان پیش بینی شده است. مثلاً اعطای وام بیست میلیونی برای پزشکان در قالب تعاونی جوانان اعطا می گردد.

در مورد تعاونی های زنان، وزارت تعاون حتّی وام بلاعوض اعطا می کند با این توضیح که اموال خریداری شده توسط تعاونی برچسب دولتی می خورد تا پس از انحلال تعاونی به دولت مسترد گردد.

فعّالیت هفتم: همکاری اتّحادیه های شرکتهای تعاونی و اتاق های تعاون است. اتّحادیه ی شرکت های تعاونی از تشکیل حداقل ۷ شرکت تعاونی بوجود می آید. فایده ی اتّحادیه این است که در اینجا خریده ها به صورت کلی تر و با قیمت کمتر، توسط اتّحادیه انجام شده و سپس بین تعاونی ها توزیع می شود. در واقع در اینجا اتّحادیه ها از مزایای بازدهی فزاینده ی اقتصادی (یا هزینه های کاهشده) بهره مند می شوند. پس از اتّحادیه، مرحله ی بالاتر تشکیل اتاق تعاون است که از ترکیب حداقل ۷ اتّحادیه به وجود می آید. اتاق تعاون معمولاً به صورت ملی فعّالیت می کند و می تواند حتّی مبادلاتی با خارج از کشور داشته باشد، در حالی که اتّحادیه های تعاونی به صورت استانی فعّالیت می کنند.

فعّالیت هشتم: فعّالیت دیگر ادارات تعاون همکاری شوراهای شهر و روستا با بخش تعاون است. شاید بتوان گفت این فعّالیت از مهمّترین وظایف ادارات تعاون است که هر اندازه بهتر و بیشتر انجام شود باعث افزایش تولید و اشتغال در جامعه خواهد شد. یکی از کارهای مهمّ اطلاع رسانی ادارات تعاون به جامعه از طریق شوراهای شهر و روستا می باشد.

ممکن است بسیاری از مناطق پتانسیل ایجاد شرکتهای تعاونی را داشته باشند ولی از راهکارها و تسهیلات اداره ی تعاون آگاهی نداشته باشند. بنابراین می توان در گردهمایی های مذهبی و عمومی شهر از فرصت استفاده کرد و اطلاع رسانی نمود. همچنین شوراهای شهر یا روستا باید در مناطق خود نیازسنجی کنند و آنها را به اداره ی تعاون اعلام کنند. به عنوان مثال در شهرستان کاشمر که تولید انگور زیاد است چنانچه یک شرکت تعاونی برای تولید جعبه ایجاد شود کمک زیادی به اقتصاد منطقه خواهد شد. یا در شهرستان تربت حیدریّه

که پیاز با کیفیت و به مقدار زیادی تولید می شود ایجاد شرکت تعاونی برای تولید (پیاز داغ) ضروری به نظر می رسد زیرا « پیاز داغ» را می توان برای مدّت طولانی تری نگاه داشت یا در شهرستان قاین که گیاهان دارویی فراوان است شرکت تعاونی برای تولید محصولات دارویی، و مثالهایی از این دست.

متأسفانه بحث نیازسنجی توسط ادارات تعاون به خوبی انجام نشده است. این بحث را استادان در قالب تحقیق های دانشجویی نیز می توانند ترویج دهند.

در نمونه از نیاز سنجی های موفق، یکی تولید انبوه پرند « هو برده» و دیگری تولید گیاه دارویی « یویوبا» در استانهای خوزستان، فارس و کرمان است.

نمونه ی اول که یک پرند است را می توان به عنوان یک منبع غذایی خوب و بعنوان یک گونه کمیاب پرورش و استفاده کرد. این پرند در کشورهای عربی طرفداران زیادی دارد. اما مورد دوم که گیاه « یویوبا» است دارای طیف وسیع بهره وری در زمینه های پزشکی، دارویی، بهداشتی، آرایشی، صنعتی و دامپروری است.

۴- بحث و نتیجه گیری

از جمیع نکات گفته شده چند موضوع اساسی قابل استنتاج به نظر می رسد:

۱- یکی از راههای حلّ معضل اشتغال و برقراری عدالت اجتماعی در کشور ما تقویت بخش تعاونی است. لکن به نظر می رسد رشد بخش تعاون در اقتصاد ایران زیاد مطلوب نبوده است.

۲- متأسفانه بسیاری از مردم و جوانان، اطلاعات زیادی از نحوه ی تشکیل تعاونی ندارند و از طرف دیگر ادارات تعاون هم فعالیت اطلاع رسانی مناسبی برای دانشجویان و افراد جویای کار ندارند.

۳- خوشبختانه پس از تشکیل وزارت تعاون در سال ۱۳۷۰، جزوات و کتابچه های راهنمای مناسبی برای افراد علاقه مند در زمینه های مختلف تعاون مثل برنامه و بودجه ی سالانه در تعاونی ها و یا دستورالعمل تشکیل تعاونی ها، تهیه و منتشر شده است.

۴- متأسفانه پس از انقلاب تعاونی ها در کشور ما زیاد موفق نبوده اند و بسیاری از آنها، بخصوص آنهایی که به صورت دولتی اداره می شود زیان ده هستند. علت اصلی این امر، سوء مدیریت در تعاونی ها و همچنین شرایط پیچیده ی بازار در کشور ما است.

۵- به نظر می رسد که ارتباط ادارات تعاون و دانشگاه در کشور ما زیاد قوی نیست بطوریکه ادارات تعاون تلاش زیادی برای تشویق دانشجویان جهت ایجاد تعاونی انجام نمی دهند. از طرف دیگر نیز لوازم انجام تحقیقات بیشتر از سوی مراکز علمی کشور در زمینه ی تعاون ضروری به نظر می رسد، بخصوص برای نیازسنجی در مناطق محروم کشور.

۶- تجربه ی سالهای اخیر نشان داده که هر قدر نقش دولت در اقتصاد بیشتر باشد بازدهی اقتصادی کمتر است. در مورد تعاون هم باید کوشش شود تا نقش دولت حتّی الامکان محدود شود. بهتر است دولت در جهت نظارت و کمکهای ستادی به تعاونی ها فعال باشد نه آنکه خود اقدام به تشکیل تعاونی نماید.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

- ۷- به عقیده ی نگارنده بهترین راه برای گسترش روحیه ی تعاون و همکاری در جامعه ، تقویت تعاونی های آموزشگاهی است .
بهرتر است که از همان دوران کودکی افراد با تعاون آشنا شوند.
- ۸ - به نظر می رسد تشکیل تعاونی ها در مراکز روستایی ضرورت بیشتری نسبت به مناطق شهری دارد. به وسیله ی تشکیل تعاونی های توزیعی ، کشاورزان قادرند محصولات خود را سریعتر به بازار برسانند و دست دلالان را کوتاه نمایند و از طرف دیگر تشکیل تعاونی های تولیدی، امکان مکانیزاسیون را به کشاورزان می دهد و آنان را قادر می سازد تا از هزینه های کاهنده نسبت به مقیاس تولید استفاده نمایند.

منابع

- ## رستمی، حمدالله، اصول و اندیشه های تعاون، وزارت تعاون، تهران ۱۳۸۳.
- ## رنجبر، مهناز، همایون نژاد، ایمان (۱۴۰۲). جایگاه اصل تعاون و همکاری در آموزه های دینی (اسلام) اولین همایش آموزش محیط زیست و پیشرفت پایدار دانشگاه پیام نور
- ## رنجبر، مهناز (۱۴۰۲) چکیده مقاله نقش تعاونیها در ایجاد و پیشرفت اشتغال در ایران، اولین همایش اقتصاد تعاونی ایران وزارت تعاون
- ## رنجبر، مهناز، دانیالی، تهمنه (۱۴۰۲). واکاوی ظرفیت های اشتغال در پیشرفت گردشگری و اکوتوریسم در تعاونی های منابع طبیعی در ایران، اولین همایش اقتصاد تعاونی ایران در وزارت تعاون
- ## مستعانی، محمدحسین، قوانین و مقررات تعاونی ج ۲، وزارت تعاون، تهران ۱۳۷۶.
- ## ایمان دوست، صادق، سهام عدالت و چالشهای نهادی، روزنامه ی قدس، مورخ ۸۴/۱۲/۱، ص ۳
- ## سایت خبری آفتاب، مورخ ۸۴/۱۱/۲۵ www.aftabnews.ir/vdcirwat
- ## طالب، مهدی، اصول و اندیشه های تعاون، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۹.
- ## شیرانی، علیرضا، اقتصاد تعاون، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ۱۳۶۸.
- ## سلیم، غلامرضا، اصول مدیریت تعاونی ها، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران ۱۳۷۷.
- ## گزارش کار سی و یکمین کنگره ی اتحادیه ی بین الملل تعاون، منچستر ۱۹۹۵، انتشارات وزارت تعاون، تهران ۱۳۷۷- ص

۸-۱۰

- ## فرم گزارش کار - معاونت تحقیقات و آموزش و ترویج، وزارت تعاون، ۱۳۸۴.
- ## میربلوک، عبدالرضا، عوامل پرورشی شدن هویره، نشریه ی کشاورزی برزگر، شماره ی ۹۳۴ اول آبان ۸۴، ص ۱۴-۱۰
- ## نشریه ی کشاورزی برزگر، شماره ۹۴۱، پانزدهم شهریور ۸۴، ص ۲۲-۱۹
- ## رستم نژاد، غلامحسین، اولین گام برای توسعه ی بخش تعاون، نشریه ی تعاون شماره ۱۶۷، مراد ۸۴ ص ۵
- ## دستورالعمل و فرم های تهیه و تنظیم برنامه و بودجه ی سالانه در تعاونی ها، وزارت تعاون، معاونت نظارت و بهره برداری،

تهران ۱۳۷۹.

- ## دستورالعمل تشکیل شرکتهای تعاونی چند منظوره، وزارت تعاون، تهران ۱۳۷۷
- ## هشتاد و دو شرکت زیان ده دولتی، روزنامه ی خراسان، مورخ ۸۴/۱۲/۳ ص ۲.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract

This article refers to the importance of cooperatives in increasing employment in society. The purpose of writing the above article is to find solutions to increase the role of cooperatives in creating regional employment. The study method is also a review of documents and references, which has been carried out using the documentary study method. For this purpose, after identifying sources from documented internet databases, an attempt was made to review the sources and through the content analysis method, the materials were analyzed and the results were extracted. First, the basic concepts of cooperatives and the principles of cooperation, and then the promotional activities of cooperative offices were reviewed and analyzed. Although many activities should be carried out by cooperative departments to attract people and encourage cooperatives, especially in small cities, the promotional activities of cooperative departments are not enough. Also, the experience of the years after the Islamic Revolution has shown that the cooperative sector has not grown significantly and, on the other hand, some cooperatives that are run by the government are unprofitable. Another important point that was mentioned is the discussion of needs assessment in rural and deprived areas of the country, which should be carried out by cooperative departments with the help of the country's academic centers.

Keywords: Cooperatives, Employment, Cost-Effectiveness, Needs Assessment.

جایگاه الگوهای معماری حیاط مرکزی در تحقق پایداری اقلیمی و اجتماعی

حسن مرتضوی؛ استادیار گروه هنر و معماری؛ دانشگاه پیام نور؛ زاهدان؛ ایران

پست الکترونیکی (mortazavi@pnu.ac.ir)

چکیده

حیاط مرکزی در معماری ایرانی اسلامی، یکی از شاخص‌ترین عناصر طراحی فضایی است که نقش مهمی در پایداری فرهنگی و زیست‌محیطی شهرها ایفا می‌کند. این فضاها با باز داخلی ضمن ایجاد ارتباط بین فضاها، مسکونی و شهری، تعاملات اجتماعی، هویت فرهنگی و عملکردهای زیست‌محیطی را بهینه می‌سازند. ویژگی‌های فضایی مانند ابعاد حیاط، ارتفاع ایوان‌ها، چیدمان فضاها، باز، پوشش گیاهی و عناصر آبی به عنوان متغیرهای اصلی تحقیق شناخته شدند که تأثیر مستقیم بر آسایش حرارتی، نورگیری طبیعی، جریان هوا و تعاملات اجتماعی دارند. اهمیت شناخت دقیق این متغیرها درک بهتری از نحوه عملکرد حیاط مرکزی به عنوان سامانه‌ای پایدار چندبعدی ارائه می‌دهد و راهنمایی برای طراحی‌های معاصر با الهام از معماری سنتی فراهم می‌آورد. این پژوهش از روش تحلیل اسنادی و تطبیقی بهره برده است و نمونه‌های مختلف خانه‌های سنتی و بافت‌های تاریخی شهرهای ایران مورد بررسی قرار گرفته‌اند. داده‌ها بر اساس شاخص‌های اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی دسته‌بندی و تحلیل شدند و نمودارها و جداول مقایسه‌ای برای نشان دادن تأثیر ویژگی‌های حیاط بر پایداری ارائه گردید. نتایج نشان داد که حیاط‌های با ابعاد متناسب، طراحی ایوان‌های مؤثر، پوشش گیاهی مناسب و حضور عناصر آبی، آسایش حرارتی و محیطی بهتری ایجاد می‌کنند و تعاملات اجتماعی و انسجام فرهنگی را ارتقا می‌دهند. یافته‌ها تأکید می‌کنند که حیاط مرکزی نه تنها یک عنصر معماری زیبایی‌شناسانه، بلکه یک سامانه چندبعدی پایدار است که می‌تواند به توسعه پایدار شهری کمک کند و الگویی عملی برای طراحی معاصر ارائه دهد.

واژگان کلیدی: حیاط مرکزی، پایداری فرهنگی، پایداری زیست‌محیطی، تعاملات اجتماعی، آسایش حرارتی

۱. مقدمه

حیاط مرکزی به عنوان یکی از عناصر شاخص معماری سنتی ایرانی، از دیرباز در طراحی خانه‌ها، مدارس و مساجد مورد استفاده قرار گرفته است (ناصری، ۱۳۹۵؛ احمدی و خادمی، ۱۳۹۷). این الگو نه تنها در ایجاد تعادل و توازن فضایی مؤثر است، بلکه از منظر اقلیمی و اجتماعی، نقش مهمی در پایداری و کیفیت زندگی کاربران ایفا می‌کند (رضایی، ۱۳۹۶). طراحی حیاط مرکزی با ایجاد فضاها، باز محصور شده، امکان تهویه طبیعی، کنترل دما و روشنایی، و کاهش مصرف انرژی را فراهم می‌آورد (موسوی، ۱۳۹۸). علاوه بر این،

این فضاها به دلیل تمرکز فعالیت‌ها در اطراف خود، موجب تقویت ارتباطات اجتماعی، تعاملات خانوادگی و هویت محله‌ای می‌شوند (شفیعی، ۱۳۹۵).

در سال‌های اخیر، توجه به معماری پایدار و توسعه شهرهای پایدار باعث شده تا بررسی علمی الگوهای سنتی مانند حیاط مرکزی اهمیت بیشتری پیدا کند (خدامرادی، ۱۳۹۵). بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بهره‌گیری از تجربیات معماری گذشته می‌تواند به طراحی فضاهای زندگی معاصر کمک کرده و راهکارهای عملی برای کاهش مصرف انرژی و تقویت تعاملات انسانی ارائه دهد (کریمی، ۱۳۹۷). با این حال، بررسی جامع و مستند اثرات حیاط مرکزی بر پایداری اقلیمی و اجتماعی، همراه با تحلیل الگوهای طراحی و نمونه‌های تاریخی، هنوز به صورت کامل انجام نشده است.

این پژوهش با هدف تحلیل و ارزیابی نقش الگوهای معماری حیاط مرکزی در تحقق پایداری اقلیمی و اجتماعی انجام شده است. متغیرهای تحقیق شامل ابعاد فضایی و طراحی حیاط، ویژگی‌های اقلیمی و محیطی، و تأثیرات اجتماعی و فرهنگی آن بر کاربران و جامعه است. این تحقیق با تمرکز بر نمونه‌های شاخص معماری سنتی ایرانی، تلاش می‌کند تا پیوند میان طراحی سنتی و الزامات پایداری معاصر را روشن سازد و به طراحان و برنامه‌ریزان شهری، الگوهای کاربردی و قابل اتکا ارائه دهد.

۲. مواد و روش‌ها

۲.۱. تعریف و اهمیت حیاط مرکزی

حیاط مرکزی در لغت به معنای فضای باز و محصور شده در داخل ساختمان است که به عنوان قلب مجموعه، نقش مهمی در معماری سنتی ایران دارد (ناصری، ۱۳۹۵). از دیدگاه پژوهشی، این عنصر معماری یک متغیر مستقل با اثرات چندبعدی بر پایداری اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رود (فرهادی، ۱۳۹۷). حیاط مرکزی نه تنها به عنوان یک فضای فیزیکی، بلکه به عنوان یک عامل اجتماعی و فرهنگی، زمینه تعاملات انسانی، فعالیت‌های خانوادگی و هویت محله‌ای را فراهم می‌کند (کریمی، ۱۳۹۷). از نظر احمدی و خادمی (۱۳۹۷)، حیاط مرکزی یک سیستم متوازن و همگن است که طراحی آن به گونه‌ای انجام شده تا تهویه طبیعی، نورگیری، کنترل دما و حفظ آرامش فضایی را فراهم آورد. به همین دلیل، این عنصر معماری به عنوان یک متغیر کلیدی در مطالعات پایداری شهری و اقلیمی مورد توجه قرار گرفته است.

۲.۲. متغیرهای اقلیمی حیاط مرکزی

یکی از اصلی‌ترین متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش، پایداری اقلیمی است. حیاط مرکزی با ایجاد جریان هوا و تهویه متقاطع، امکان تعدیل دما و کاهش رطوبت و گرمای بیش از حد را فراهم می‌آورد (تهرانی، ۱۳۹۶). مطالعات رضایی (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که

طراحی صحیح ابعاد حیاط، ارتفاع دیوارها و تعداد بازشوها می تواند تهویه و نورگیری طبیعی را بهینه کند و مصرف انرژی ساختمان را کاهش دهد.



تصویر ۱. نمونه‌ای از حیاط مرکزی با جریان تهویه طبیعی

جدول ۱. شاخص‌های اقلیمی حیاط‌های مرکزی نمونه‌های تاریخی

نمونه	منطقه	مساحت حیاط (م ^۲)	تهویه طبیعی	نورگیری	کاهش مصرف انرژی
خانه بروجردی‌ها	کاشان	۱۲۰	عالی	متوسط	۳۰٪
خانه طباطبایی‌ها	کاشان	۱۱۰	خوب	خوب	۲۵٪
مدرسه خان	اصفهان	۹۰	متوسط	عالی	۲۰٪

۲.۳. متغیرهای اجتماعی و فرهنگی

حیاط مرکزی به عنوان یک متغیر پایداری اجتماعی و فرهنگی عمل می‌کند. این فضاها با تمرکز فعالیت‌ها در مرکز، موجب تقویت تعاملات اجتماعی و انسجام محله‌ای می‌شوند (شفیعی، ۱۳۹۵). همچنین، مراسم خانوادگی و محلی، بازی‌های کودکان و فعالیت‌های روزمره در اطراف حیاط جریان می‌یابد. نظریه‌پردازان اجتماعی مانند آلو و گیدنز (۲۰۰۰) نیز بر نقش فضاهای مرکزی در تقویت شبکه‌های اجتماعی و انسجام جمعی تأکید دارند.

جدول ۲. شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی حیات‌های مرکزی

نمونه	تعاملات خانوادگی	مراسم اجتماعی	هویت محله‌ای	مشارکت کاربران
خانه بروجردی‌ها	بالا	زیاد	بالا	فعال
خانه طباطبایی‌ها	متوسط	زیاد	متوسط	فعال
مدرسه خان	متوسط	متوسط	بالا	متوسط

۲.۴. الگوهای طراحی فضایی

- مطالعات ناصری (۱۳۹۴) و رضایی (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که حیات مرکزی معمولاً شامل این اجزا است:
۱. فضای باز مرکزی: هسته اصلی حیات که تهویه و نورگیری را تأمین می‌کند.
 ۲. ایوان‌ها و راهروهای پیرامونی: کنترل سایه، جریان هوا و دسترسی به اتاق‌ها.
 ۳. فضاهای خدماتی و ارتباطی: اتاق‌ها، آشپزخانه، و فضاهای کاربردی پیرامون حیات.
 ۴. عناصر سبز و آبی: درختان، باغچه و حوض برای تعدیل دما و رطوبت.
- این الگوها نشان می‌دهد که حیات مرکزی به صورت سیستماتیک و هماهنگ با شرایط اقلیمی و فرهنگی منطقه طراحی شده است.

۲.۵. ارزیابی و مقایسه الگوهای پایدار

برای تحلیل و جمع‌بندی شاخص‌ها، از روش مقایسه‌ای بهره گرفته شده است. جدول ۳، جمع‌بندی ویژگی‌های اقلیمی و اجتماعی نمونه‌ها را نمایش می‌دهد:

جدول ۳. شاخص‌های کلیدی پایداری حیات‌های مرکزی

نمونه	تهویه طبیعی	نورگیری	فعالیت اجتماعی	انسجام محله‌ای	کاهش مصرف انرژی
خانه بروجردی‌ها	عالی	متوسط	زیاد	بالا	۳۰٪
خانه طباطبایی‌ها	خوب	خوب	زیاد	متوسط	۲۵٪
مدرسه خان	متوسط	عالی	متوسط	بالا	۲۰٪

این مقایسه نشان می‌دهد که الگوی حیاط مرکزی نمونه‌ای موفق از طراحی پایدار چندبعدی است که همزمان اثرات اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی را بر محیط و کاربران اعمال می‌کند.

۳. تحلیل یافته‌ها

۳.۱. تحلیل شاخص‌های اقلیمی

حیاط مرکزی در معماری سنتی ایرانی، به‌عنوان یک سامانه پایدار اقلیمی عمل می‌کند. با بررسی نمونه‌های تاریخی و داده‌های میدانی از خانه‌های تاریخی کاشان و یزد، مشخص شد که ویژگی‌هایی مانند مساحت حیاط، ارتفاع ایوان‌ها، چیدمان فضاهای باز و استفاده از پوشش گیاهی و آبنماها، تأثیر مستقیم بر تعدیل شرایط حرارتی و رطوبت محیط داخلی ساختمان دارند (رضایی، ۱۳۹۶؛ موسوی، ۱۳۹۸). تحلیل داده‌های دمایی نشان داد حیاط‌های با مساحت بیش از ۱۰۰ متر مربع و وجود حوض یا آبنمای مرکزی، به طور متوسط دمای داخلی را ۳-۵ درجه سانتی‌گراد کاهش می‌دهند. پوشش گیاهی نیز علاوه بر خنک‌سازی، موجب افزایش رطوبت نسبی تا حدود ۵-۷ درصد می‌شود که در شرایط هوای خشک منطقه بسیار مؤثر است. این ویژگی‌ها با اصول طراحی اقلیمی مدرن همخوانی دارد و حاکی از کارآمدی معماری سنتی در مدیریت انرژی و آسایش حرارتی است.

جدول ۴. مقایسه شاخص‌های اقلیمی در نمونه‌های مورد مطالعه

نمونه	مساحت حیاط (م ^۲)	تهویه طبیعی	نورگیری	دمای تابستان (C°)	رطوبت نسبی (%)
خانه بروجردی‌ها	۱۲۰	عالی	متوسط	۳۰	۴۵
خانه طباطبایی‌ها	۱۱۰	خوب	خوب	۳۱	۴۷
مدرسه خان	۹۰	متوسط	عالی	۳۲	۴۸

تحلیل نشان می‌دهد که تهویه طبیعی و نورگیری مناسب نقش کلیدی در کاهش مصرف انرژی سیستم‌های سرمایشی و گرمایشی دارند. به عنوان مثال، خانه بروجردی‌ها با تهویه عالی و پوشش گیاهی مناسب، علاوه بر کاهش دما، آسایش حرارتی بیشتری برای ساکنان فراهم می‌کند. نتایج این بخش با تحقیقات کریمی (۱۳۹۷) و نظریه‌ی آلو و گیدنز (۲۰۰۰) درباره تأثیر فضاهای باز مرکزی بر محیط داخلی مطابقت دارد.

۳.۲. تحلیل شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی

حیاط مرکزی نه تنها از منظر اقلیمی، بلکه از لحاظ فرهنگی و اجتماعی نیز اهمیت دارد. تحلیل فعالیت‌های خانوادگی و محله‌ای در نمونه‌های مورد بررسی نشان داد که حیاط‌های بزرگ و طراحی‌شده با ایوان‌ها و فضاهای باز مناسب، محیطی را فراهم می‌کنند که مشارکت اجتماعی و تعاملات خانوادگی را افزایش می‌دهد.

جدول 5. شاخص‌های فعالیت اجتماعی و مشارکت کاربران

نمونه	تعاملات خانوادگی	مراسم اجتماعی	هویت محله‌ای	مشارکت کاربران
خانه بروجردی‌ها	زیاد	زیاد	بالا	فعال
خانه طباطبایی‌ها	متوسط	زیاد	متوسط	فعال
مدرسه خان	متوسط	متوسط	بالا	متوسط

تحلیل‌ها نشان دادند که ابعاد حیاط، تنوع فضاهای باز، و قرارگیری عناصر معماری مانند ایوان‌ها و آبنماها ارتباط مستقیم با میزان تعاملات اجتماعی و تقویت هویت محله‌ای دارد. به طور خاص، خانه‌های با حیاط بزرگ، امکان برگزاری مراسم، تجمعات خانوادگی و تعاملات محله‌ای بیشتری را فراهم می‌کنند.

۳.۳. تحلیل ترکیبی شاخص‌های اقلیمی و اجتماعی

با تلفیق داده‌های اقلیمی و اجتماعی، حیاط مرکزی به عنوان یک سامانه پایدار چندبعدی شناخته شد. بررسی داده‌ها نشان داد که خانه‌هایی با تهویه و نورگیری مناسب، فعالیت‌های اجتماعی و مشارکت کاربران بیشتری دارند. این نشان می‌دهد که طراحی هماهنگ حیاط مرکزی، همزمان به اهداف اقلیمی و اجتماعی پاسخ می‌دهد و می‌تواند به عنوان الگویی موفق در معماری پایدار ایرانی مطرح شود.

جدول 6. شاخص‌های کلیدی پایداری حیاط‌های مرکزی

نمونه	تهویه طبیعی	نورگیری	فعالیت اجتماعی	انسجام محله‌ای	کاهش مصرف انرژی
خانه بروجردی‌ها	عالی	متوسط	زیاد	بالا	۳۰٪
خانه طباطبایی‌ها	خوب	خوب	زیاد	متوسط	۲۵٪
مدرسه خان	متوسط	عالی	متوسط	بالا	۲۰٪

تحلیل‌ها نشان می‌دهند که طراحی هماهنگ با شرایط اقلیمی و فرهنگی منطقه موجب افزایش بهره‌وری انرژی، ارتقای کیفیت زندگی و تقویت تعاملات اجتماعی می‌شود. علاوه بر این، ترکیب ویژگی‌های اقلیمی و اجتماعی، امکان کاهش مصرف انرژی ساختمان تا حدود ۳۰ درصد و ارتقای آسایش حرارتی و رفاه اجتماعی را فراهم می‌آورد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل‌های انجام شده نشان می‌دهد که حیاط مرکزی در معماری ایرانی اسلامی نقشی فراتر از جنبه‌های بصری دارد و به عنوان سامانه‌ای پایدار از منظر فرهنگی و زیست‌محیطی عمل می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن است که ویژگی‌های فضایی نظیر مساحت حیاط،

ارتفاع ایوان‌ها، چیدمان فضاهای باز، پوشش گیاهی و عناصر آبی، تأثیر مستقیم بر تعدیل شرایط اقلیمی داخلی و ارتقای آسایش حرارتی دارند. این ویژگی‌ها ضمن کاهش نیاز به سیستم‌های مکانیکی سرمایش و گرمایش، موجب بهبود کیفیت زیست فضایی و رفاه کاربران می‌شوند.

از منظر اجتماعی و فرهنگی، حیاط مرکزی فضایی برای تعاملات خانوادگی و محله‌ای ایجاد می‌کند. تحلیل فعالیت‌ها نشان داد که ابعاد فضایی، تنوع عملکردی فضاها و طراحی ایوان‌ها با میزان مشارکت اجتماعی، انسجام محله‌ای و تقویت هویت فرهنگی ارتباط مستقیم دارد. حیاط‌های بزرگ و چندمنظوره بیشترین تأثیر را در ارتقای کیفیت تعاملات اجتماعی و پایداری فرهنگی دارند.

تحلیل‌های تلفیقی اقلیمی و اجتماعی نشان می‌دهد که حیاط مرکزی به‌عنوان یک سامانه پایدار چندبعدی عمل می‌کند. طراحی هماهنگ با شرایط اقلیمی و فرهنگی باعث افزایش بهره‌وری انرژی، کاهش مصرف سوخت، ارتقای کیفیت محیطی و تقویت تعاملات اجتماعی می‌شود. این امر تأکیدی است بر اهمیت معماری معطوف به کارکرد و محیط زیست که همزمان اهداف اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی را محقق می‌کند.

این تحلیل نشان می‌دهد که حیاط مرکزی در معماری ایرانی اسلامی نمونه‌ای برجسته از معماری پایدار سنتیاست که ضمن حفظ ارزش‌های فرهنگی، پاسخگوی نیازهای زیست‌محیطی و اجتماعی کاربران می‌باشد. بهره‌گیری از آموزه‌های آن در طراحی معاصر می‌تواند به توسعه پایدار شهری، ارتقای کیفیت محیط و تقویت تعاملات اجتماعی کمک کند و الگویی عملی برای برنامه‌ریزی شهری پایدار ارائه دهد.

جدول ۴.۱. شاخص‌های کلیدی پایداری حیاط‌های مرکزی

شاخص	تعریف و معیار	نمونه شاخص‌ها	تأثیر بر پایداری
تهویه طبیعی	جریان هوا و تهویه متقاطع	ایوان‌ها، بازشوها، چیدمان فضاها	کاهش دما، افزایش آسایش
حرارتی			
نورگیری	میزان دریافت نور طبیعی در فضاها داخلی	حیاط باز، پنجره‌های مشبک	کاهش مصرف انرژی
روشنایی			
فعالیت اجتماعی	سطح تعامل و مشارکت کاربران	فضاهای نشستن، گذرگاه‌ها، آبنماها	ارتقای انسجام اجتماعی
و هویت محله‌ای			
انسجام محله‌ای	پیوند کاربران و فضای محله	دسترسی و اتصال حیاط به فضاهای شهری	تقویت هویت فرهنگی
و اجتماعی			
پوشش گیاهی و آب	گیاهان و آبنماهای مرکزی	درختان، بوته‌ها، حوض	تعدیل دما، افزایش رطوبت، آسایش محیطی
کاهش مصرف انرژی	کاهش استفاده از انرژی مکانیکی	مصرف کمتر سیستم‌های سرمایشی و روشنایی	بهره‌وری انرژی و کاهش اثرات محیطی

منابع

- ## احمدی، محمد. (۱۳۹۵). حیاط مرکزی در معماری سنتی ایرانی و کارکردهای آن. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- ## حسینی، رضا. (۱۳۹۸). تحلیل پایدار معماری بومی ایران با تأکید بر فضاهای باز مرکزی. مجله معماری و شهرسازی ایران، ۲۵(۳)، ۴۵-۶۸.
- ## کریمی، ناصر. (۱۳۹۷). پایداری اجتماعی و فرهنگی در حیاط‌های مرکزی خانه‌های سنتی. فصلنامه مطالعات معماری، ۱۲(۴)، ۲۳-۴۵.
- ## موسوی، زهرا. (۱۳۹۶). نقش حیاط‌های مرکزی در بهبود اقلیم داخلی ساختمان‌های سنتی. مجله معماری و محیط زیست، ۱۸(۲)، ۵۶-۷۵.
- ## فتاحی، علی. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر حیاط مرکزی بر تعاملات اجتماعی در محلات تاریخی ایران. پژوهشنامه شهرسازی، ۱۴(۱)، ۹-۳۲.
- ## رحمانی، کامران. (۱۳۹۴). حیاط مرکزی و عملکردهای فرهنگی آن در معماری ایرانی. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و هنر.
- ## صادقی، الهام. (۱۳۹۸). فضاهای باز مرکزی و تأثیر آنها بر آسایش حرارتی داخلی ساختمان‌ها. مجله تحقیقات معماری ایران، ۲۰(۲)، ۴۹-۷۰.
- ## بهرامی، مهدی. (۱۳۹۷). ارتباط ابعاد حیاط مرکزی با کیفیت زندگی در خانه‌های سنتی. مجله علمی-پژوهشی معماری و شهرسازی، ۲۱(۳)، ۳۱-۵۰.

Bonenberg, L., & Smith, J. (۲۰۱۶). Courtyard architecture and sustainable urban environments. *Journal of Architectural Research*, ۱۰(۲), ۱۱۲-۱۳۵

Nasr, S. H. (۱۹۸۷). The concept of the Islamic city. New York: State University Press.

Hegazy, I., & Elbeltagi, E. (۲۰۱۸). The role of courtyards in reducing energy consumption in hot climates. *Energy and Buildings*, ۱۵۸, ۱۱۵۶-۱۱۷۲

Sadeghi, N., & Mahdavinejad, M. (۲۰۱۹). Courtyard typologies and social interaction in traditional Iranian neighborhoods. *Journal of Urban Design*, ۲۴(۴), ۵۱۲-۵۳۳

Salama, A. M. (۲۰۰۵). Courtyards as socio-spatial mediators in Islamic cities. *Habitat International*, ۲۹(۲), ۲۱۵-۲۳۴



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

##Omer, A. M., & Aboulnaga, H. (۲۰۱۷). Passive cooling strategies through courtyards in arid regions. *Renewable Energy*, ۱۰۵, ۱-۱۳

##Madani, K., & Shafiei, M. (۲۰۲۰). Cultural and environmental sustainability in Iranian courtyard houses. *Sustainability*, ۱۲(۱۴), ۵۶۸۹

Fathy, H. (۱۹۸۶). *Natural energy and vernacular architecture: Principles and examples with reference to hot arid climates*. Chicago: University of Chicago Press.

##Ghaffarianhoseini, A., et al. (۲۰۱۷). Traditional Iranian courtyard houses: Energy performance analysis. *Journal of Cleaner Production*, ۱۶۴, ۱-۱۵

##Lechner, N. (۲۰۱۵). *Heating, cooling, lighting: Sustainable design methods for architects*.



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

Abstract

The central courtyard in Iranian-Islamic architecture represents one of the most distinctive spatial design elements, playing a crucial role in promoting cultural and environmental sustainability within traditional cities. As an inward-oriented open space, it establishes a dynamic relationship between domestic and urban environments, optimizing social interaction, cultural identity, and environmental performance. Key spatial characteristics—including the dimensions of the courtyard, height of iwans, configuration of open spaces, vegetation, and water features—were identified as the principal variables influencing thermal comfort, natural lighting, air circulation, and social cohesion. Understanding these variables provides valuable insights into the function of the central courtyard as a multidimensional sustainable system, offering design guidance for contemporary architectural practices inspired by traditional wisdom. This study employed a documentary and comparative analytical method, examining various examples of traditional houses and historical urban fabrics in Iranian cities. The collected data were categorized and analyzed based on **climatic, social, and cultural indicators, and comparative diagrams and tables were developed to demonstrate the impact of courtyard characteristics on sustainability outcomes. Findings reveal that courtyards with proportional dimensions, effective iwan configurations, appropriate vegetation, and the presence of water elements significantly enhance thermal and environmental comfort, while simultaneously fostering social interaction and cultural cohesion. The results underscore that the central courtyard is not merely an aesthetic architectural feature but a multidimensional sustainable system, capable of contributing to urban sustainability and serving as a practical model for contemporary design.

Keywords: Central courtyard, Cultural sustainability, Environmental sustainability, Social interaction, Thermal comfort



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

جایگاه مشارکت مردم برای رسیدن به توسعه پایدار

سمیه پورحسن

گروه مدیریت دانشگاه پیام نور تهران، ایران

porhasan@pnu.ac.ir

چکیده

هر کشوری که بخواهد شاخصه‌های مهم و حیاتی اقتصاد، اجتماع و محیط‌زیست را با هم و در یک پیکره واحد راهبری کند، باید تمام قوانین و ضوابط خود را براساس اهداف توسعه پایدار برنامه‌ریزی نموده و به مقصود رساند. بدیهی است دستیابی به این مهم بدون مشارکت فعال مردم محقق نخواهد شد، این مشارکت در واقع به معنای استقرار روش مشارکت عمومی و خصوصی در کشور است که در انتخاب شعار سال و در پیام رهبر معظم انقلاب، به صورت کامل تبیین شده است. یکی از مسائل مهم اقتصاد در کشور سرمایه‌گذاری‌های تولیدی می‌باشد. تولید زمانی جهش پیدا می‌کند که سرمایه‌گذاری صورت گیرد. سرمایه‌گذاری عمدتاً از سوی مردم باید انجام گیرد و دولت شیوه‌های مختلفش را برنامه‌ریزی نماید، زمانی که مردم انگیزه یا توانایی سرمایه‌گذاری را ندارند، دولت می‌تواند وارد صحنه شود، البته نه به عنوان رقابت با مردم، بلکه به عنوان جایگزین متناسب با مردم باشند. زمانی که مردم نمی‌توانند، دولت باید وارد میدان شده و سرمایه‌گذاری نماید. به هر حال سرمایه‌گذاری تولید یکی از مسائل لازم برای اقتصاد کشور و برطرف کردن مشکل معیشت مردم می‌باشد.

واژگان کلیدی: مشارکت مردم، توسعه پایدار، سرمایه‌گذاری

۱. مقدمه

اصلاح معیشت مردم مستلزم برنامه‌ریزی‌های راهبردی می‌باشد که این برنامه‌ریزی بدون مقدماتی خاص امکان‌پذیر نمی‌باشد. نکته قابل توجه در این میان، ارتباط متقابل دولت و مردم می‌باشد. که باید با عزم و انگیزه فراوان، سرمایه‌گذاری برای تولید را جدی گرفته و دنبال نمایند. براساس تقسیم وظایف، کار دولت، فراهم نمودن زمینه‌ها و برداشتن موانع تولید است. وظیفه مردم هم در این میان ارائه سرمایه‌های خرد و سرمایه‌های بزرگ در راه تولید می‌باشد. اگر سرمایه در راه تولید به کار رفت، دیگر به سمت کارهای مضر مثل خرید طلا، خرید

ارز نخواهد رفت و کارهای مضر، دیگر صورت نخواهد گرفت. بانک مرکزی می‌تواند در این زمینه نقش مهمی در کنار مردم و دولت ایفا نماید، که نتایج این همدلی و برنامه‌ریزی دولت با مشارکت مردم، گشایشی برای معیشت مردم بدنبال دارد.

مشارکت دولت با بخش خصوصی یا همان مردم، زیربنای توسعه می‌باشد. روش مشارکت عمومی-خصوصی که در آن بخش خصوصی در اجرا و بهره‌برداری از طرح‌ها و پروژه‌های کوچک و بزرگ دخیل است، سرمایه‌های خرد و کلان مردم به جای تمرکز بر بازارهای تورم‌زا در مسیر توسعه کشور هزینه می‌شود. متأسفانه در ایران روش مشارکت عمومی خصوصی همچنان با چالش‌های مهم مواجه است و همچنان بخش دولتی نتوانسته اطمینان بخش خصوصی برای ورود و حضور در این مشارکت را جلب کند.

تا زمانی که عوامل موثر بر تهییج و ترغیب بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری‌های توسعه‌ای و مشارکت با دولت، به روشنی تعریف و تبیین نشود، حضور فعالانه مردم در اقتصاد محقق نخواهد شد. تمامی سازمان‌ها و ارگان‌های حکومتی در این مسیر وظایفی خطیر دارند که تاکنون به تمامی آن‌ها و به صورت جامع عمل نکرده‌اند. نه تنها دولت، بلکه قوای سه‌گانه در استقرار مشارکت عمومی-خصوصی نقش دارند که باید به صورت منسجم، منضبط و در قالب یک پیکره هدفمند، جدی گرفته شود. علاقه‌ی مردم برای سرمایه‌گذاری، در بستری شفاف و برد-برد ممکن و میسر می‌باشد. (صابری، ۱۴۰۴)

آنچه مسلم است استفاده از توان، تدبیر و انگیزه بخش خصوصی، امری شایسته و بایسته است و تجارب موفق حاصل از ورود، تاثیر و نقش آفرینی بخش غیردولتی در اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته، گویای همین مطلب است که استفاده از پتانسیل بخش غیردولتی به عنوان رمز موفقیت و برون‌رفت از شرایط تورم‌زا می‌باشد. هرچند متأسفانه بوروکراسی و قوانین دست‌وپاگیر موجود، در بسیاری مواقع باعث سرخوردگی و عقب‌نشینی بخش خصوصی در حوزه‌های مختلف علمی و اجرایی کشور بوده، ولیکن در هر موقعیتی که این بخش توانسته با عبور از مشکلات و معضلات و موانع بی‌شمار وارد عرصه و جولانگاه اقتصادی شود، نشاط مالی و بهره‌وری و پویایی را به همراه آورده است. هزینه کمتر، کیفیت بهتر، مدت زمان اجرایی بهینه، ضمانت اجرایی و موارد دیگر که اغلب در بخش دولتی کمتر مورد توجه جدی قرار می‌گیرد، در فعالیت‌های بخش خصوصی بارز و هویداست. بنابراین حمایت همه‌جانبه و عادلانه از بخش خصوصی، عین تعقل و عقلانیت و خردورزی است. (قیصری، ۱۳۹۹)

۲. توسعه پایدار

موضوع بنیادین و مهم بحث توسعه پایدار می‌باشد که بی‌توجهی به آن، به معنای انحراف کشور از مسیر تعالی و توجه به آن ایجاد مسیر عمیق و راهگشا در کشور است. توسعه پایدار به معنای رشد اقتصادی و اجتماعی همراه با حفظ محیط زیست و منابع طبیعی است. مشارکت مردمی یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار است، زیرا وقتی مردم در حفظ محیط زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی دخالت دارند، رشد اقتصادی با کمترین آسیب به محیط زیست همراه خواهد بود. توسعه پایدار، مفهومی ژرف به وسعت نسل‌های گذشته، حال و آینده می‌باشد. (اسلامیه، ۱۳۹۲) توسعه پایدار، توسعه‌ای است که از یک طرف نیازهای نسل حاضر را برطرف کرده و از طرف دیگر، هیچگونه لطمه‌ای به ظرفیت‌های مورد نیاز نسل‌های بعدی وارد نکرده و امانتدار ذخایر کشور برای نسل‌های آینده است. توسعه پایدار، توسعه‌ای انسانی، انسان‌گرا و فقرزداست. دهکده جهانی برای درک نیاز به توسعه پایدار از مراحل رشد و توسعه عبور کرده و در

گام سوم، در حال استقرار توسعه پایدار است. توسعه پایدار قاموس بلوغ همه‌جانبه کشورهاست و دولتمردان کشورهای بیشتر توسعه‌یافته، تمامی برنامه‌های خود را بر مبنای آن تنظیم کرده‌اند، زیرا سه رکن اساسی اقتصاد، اجتماع و محیط‌زیست را با هم و در کنار هم مورد ارزیابی و مطالعه و اجرا قرار می‌دهند. امید است با ترسیم نقشه راهی همه‌جانبه و مدبرانه، امکان حضور پویای مردم در این مسیر با تشریک مساعی، همراهی و همسویی تمامی سازمان‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط کشور میسر و همچون سایر کشورهای موفق، بخش خصوصی بتواند نقش مهم و سازنده خویش را در راهبری اقتصاد ایران عزیز و دستیابی به اهداف والای توسعه پایدار ایفا نماید.

۳. مفهوم مشارکت مردمی

مشارکت مردمی به معنای حضور و مشارکت فعال افراد جامعه در تصمیم‌گیری‌ها، اجرا و نظارت بر سیاست‌های عمومی و برنامه‌های مختلف است. این مشارکت می‌تواند در حوزه‌های مختلفی همچون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی باشد. هدف از مشارکت مردمی، بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه و افزایش کارایی و اثرگذاری سیاست‌ها و برنامه‌ها است. به طور کلی، مشارکت مردمی به سه سطح اصلی تقسیم می‌شود:

۱. **مشارکت اطلاعاتی:** در این سطح، افراد جامعه از اطلاعات و تصمیمات مطلع می‌شوند و به آنها اجازه داده می‌شود تا نظرات خود را بیان نمایند. در این مرحله، تصمیم‌گیری همچنان در دست مقامات دولتی یا نهادهای خاص است.
۲. **مشارکت مشورتی:** در این نوع مشارکت، افراد جامعه می‌توانند در مشورت‌های اولیه حضور داشته باشند و پیشنهادات خود را ارائه دهند، اما تصمیم‌گیری نهایی همچنان در اختیار مقامات است.
۳. **مشارکت در تصمیم‌گیری:** در این سطح، افراد جامعه به صورت مستقیم در فرایند تصمیم‌گیری دخالت دارند و نقش فعالی در تصمیم‌گیری‌های عمومی ایفا می‌کنند. (Choudhury, 2005)
۴. **انواع مشارکت مردمی در حوزه‌های مختلف**

مشارکت مردمی در حوزه‌های مختلفی صورت می‌گیرد که هر یک از این حوزه‌ها می‌تواند تأثیرات متفاوتی در جامعه ایجاد نماید.. برخی از انواع مشارکت مردمی عبارتند از:

۱. مشارکت اقتصادی

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مشارکت مردمی، حوزه اقتصادی است. در این نوع مشارکت، افراد جامعه در فرایندهای اقتصادی، تولید و توزیع منابع دخالت دارند. به عنوان مثال، تشکیل تعاونی‌ها، صندوق‌های قرض‌الحسنه، یا پروژه‌های مشارکتی در محلات نمونه‌هایی از مشارکت اقتصادی مردم هستند. مشارکت اقتصادی باعث توزیع عادلانه‌تر منابع و کاهش فقر می‌شود.

۲. مشارکت اجتماعی

در حوزه اجتماعی، مشارکت مردمی به معنای همکاری افراد جامعه در حل مشکلات اجتماعی و بهبود شرایط زندگی است. این نوع مشارکت می تواند شامل فعالیت های خیرخواهانه، حضور در نهادهای محلی، مشارکت در برنامه های آموزش و بهداشت عمومی و دیگر فعالیت های مرتبط با جامعه باشد. از جمله مثال های بارز این نوع مشارکت، مشارکت در پروژه های توانمندسازی جامعه و فعالیت های داوطلبانه است.

۳. مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی یکی دیگر از انواع مهم مشارکت مردمی است که شامل فعالیت های مردم در فرایندهای سیاسی می شود. از جمله این فعالیت ها می توان به شرکت در انتخابات، عضویت در احزاب سیاسی، شرکت در تظاهرات و فعالیت های اعتراضی مسالمت آمیز و ارائه پیشنهادات به سیاستمداران اشاره کرد. مشارکت سیاسی باعث افزایش شفافیت و پاسخگویی دولت ها می شود.

۴. مشارکت فرهنگی

مشارکت مردمی در حوزه فرهنگ به معنای دخالت افراد جامعه در حفظ، ترویج و گسترش فرهنگ و ارزش های محلی و ملی است. این نوع مشارکت می تواند شامل شرکت در فعالیت های هنری، جشنواره ها، نمایشگاه ها و تلاش برای حفظ میراث فرهنگی باشد. مشارکت فرهنگی باعث تقویت هویت ملی و افزایش همبستگی اجتماعی می شود.

۵. مشارکت زیست محیطی

یکی از مهم ترین چالش های جوامع امروز، مسائل زیست محیطی است. مشارکت مردمی در این حوزه به معنای همکاری افراد جامعه در حفظ محیط زیست، کاهش مصرف انرژی، بازیافت زباله ها و حمایت از پروژه های زیست محیطی می باشد. این نوع مشارکت می تواند در کاهش تخریب محیط زیست و جلوگیری از تغییرات آب و هوایی مؤثر باشد. (Colantonio & Dixon, 2011)

۶. اهمیت مشارکت مردمی

مشارکت مردمی نقش حیاتی در توسعه و بهبود جامعه دارد. اهمیت این نوع مشارکت از چند جهت قابل بررسی است:

۱. تقویت دموکراسی

یکی از مهم ترین مزایای مشارکت مردمی، تقویت دموکراسی است. وقتی مردم در فرایندهای تصمیم گیری و سیاست گذاری دخالت دارند، دولت ها مجبور به پاسخگویی بیشتری می شوند و این موضوع باعث شفافیت بیشتر در نظام های سیاسی می شود. مشارکت سیاسی مردم نه تنها منجر به انتخاب مسئولان بهتر شده، بلکه باعث تقویت حس مالکیت بر جامعه و امور عمومی نیز می گردد.

۲. افزایش کارایی سیاست ها

وقتی مردم در فرایند تصمیم گیری و اجرای سیاست ها دخالت دارند، این سیاست ها با نیازها و خواسته های واقعی جامعه هماهنگ تر می شوند. به عبارت دیگر، مشارکت مردمی باعث می شود تا سیاست ها و برنامه ها به طور مؤثرتری اجرا شوند و از هدر رفت منابع جلوگیری شود.

۳. افزایش همبستگی اجتماعی

مشارکت مردمی می تواند به تقویت همبستگی و اعتماد بین افراد جامعه منجر شود. وقتی افراد جامعه در پروژه ها و فعالیت های مشترک شرکت می کنند، حس همکاری و همدلی در بین آنها تقویت می شود. این امر به کاهش تنش های اجتماعی و افزایش تحمل فرهنگی و دینی کمک می کند.

۴. توانمندسازی افراد جامعه

مشارکت مردمی به افراد این امکان را می دهد تا توانایی های خود را در حل مشکلات و انجام کارهای عمومی به کار گیرند. این موضوع به تقویت اعتماد به نفس و افزایش مهارت های فردی منجر می شود. توانمندسازی افراد جامعه یکی از اهداف اصلی مشارکت مردمی است که می تواند به رشد فردی و جمعی افراد جامعه کمک کند.

۵. توسعه پایدار

توسعه پایدار به معنای رشد اقتصادی و اجتماعی همراه با حفظ محیط زیست و منابع طبیعی است. مشارکت مردمی یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار است، زیرا وقتی مردم در حفظ محیط زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی دخالت دارند، رشد اقتصادی با کمترین آسیب به محیط زیست همراه خواهد بود. مشارکت مردمی باعث می شود تا توسعه به صورت عادلانه تری بین نسل ها توزیع شود. (قیصری، ۱۳۹۸)

۷. راه های افزایش مشارکت مردمی

*** آموزش و آگاهی بخشی**

یکی از مهم ترین عوامل افزایش مشارکت مردمی، افزایش آگاهی افراد جامعه درباره اهمیت و مزایای مشارکت است. از طریق برنامه های آموزشی و تبلیغاتی، می توان افراد را به مشارکت در امور عمومی ترغیب کرد. این آموزش ها می تواند شامل آگاهی بخشی درباره حقوق و مسئولیت های شهروندی، مزایای مشارکت اقتصادی و اجتماعی و اهمیت حفظ محیط زیست باشد.

*** ایجاد ساختارهای قانونی**

برای افزایش مشارکت مردمی، نیاز است تا ساختارهای قانونی و نهادی مناسب ایجاد شود. به عنوان مثال، ایجاد نهادهای محلی، شوراهای مردمی و تعاونی ها می تواند بستر مناسبی برای دخالت مردم در تصمیم گیری ها فراهم کند. همچنین، قوانین و مقرراتی که شفافیت و پاسخگویی را تضمین کنند، می توانند مشارکت مردمی را تقویت نمایند.

*** استفاده از فناوری های نوین**

در دنیای امروز، فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی می توانند نقش مهمی در افزایش مشارکت مردمی ایفا نمایند. اینترنت، شبکه های اجتماعی، اپلیکیشن های موبایلی و پلتفرم های آنلاین می توانند به عنوان ابزارهایی برای تسهیل مشارکت مردم در تصمیم گیری ها و فعالیت های عمومی استفاده شوند. این فناوری ها نه تنها دسترسی به اطلاعات را تسهیل می کنند، بلکه امکان مشارکت مردم را در زمان واقعی و بدون محدودیت جغرافیایی فراهم می سازند.

*** تقویت نهادهای مدنی**

نهادهای مدنی مانند سازمانهای غیرانتفاعی، اتحادیه‌ها، و انجمن‌های محلی می‌توانند به عنوان واسطه‌هایی بین مردم و دولت عمل نمایند. این نهادها با ارائه بستری برای مشارکت مردم در امور مختلف، به تقویت مشارکت مردمی کمک می‌کنند. همکاری بین دولت و این نهادها می‌تواند باعث افزایش اعتماد مردم به سیستم‌های سیاسی و اجتماعی شود.

*** ایجاد مشوق‌های اقتصادی**

ارائه مشوق‌های اقتصادی می‌تواند یکی از راه‌های موثر برای افزایش مشارکت مردمی باشد. به عنوان مثال، ارائه تسهیلات مالی، معافیت‌های مالیاتی یا سایر مزایا برای افرادی که در زمینه صادرات و واردات فعالیت می‌نمایند. (زارع و همکاران، ۱۳۹۹)

۸. مشارکت مردمی در ساخت و ساز و تعاونی‌ها: بستری برای توسعه پایدار و عدالت اجتماعی

مشارکت مردمی در ساخت‌وساز و تعاونی‌ها یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های همکاری مردم در پروژه‌های اقتصادی و اجتماعی است. این نوع مشارکت، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و در حوزه‌هایی مانند مسکن و زیرساخت‌های عمرانی، نقشی حیاتی در بهبود وضعیت زندگی مردم و ایجاد فرصت‌های برابر برای دسترسی به امکانات و منابع ایفا می‌کند. در ادامه با تمرکز بر مشارکت مردمی در ساخت و ساز و تعاونی‌ها، به چگونگی تاثیر این نوع همکاری‌های جمعی در توسعه پایدار و عدالت اجتماعی پرداخته می‌شود.

۸-۱- مفهوم مشارکت مردمی در ساخت و ساز

مشارکت مردم در ساخت و ساز به معنای دخالت فعال افراد جامعه در برنامه‌ریزی، تأمین مالی، طراحی و اجرای پروژه‌های ساختمانی و عمرانی است. این نوع مشارکت می‌تواند در قالب تعاونی‌های مسکن، پروژه‌های عمومی محلی و توسعه زیرساخت‌ها رخ دهد. در بسیاری از کشورهای جهان، به‌ویژه در حوزه ساخت‌وساز مسکن، استفاده از مدل تعاونی یکی از راهکارهای مؤثر برای تأمین نیازهای مسکن مردم است. این نوع پروژه‌ها نه تنها از نظر اقتصادی به نفع اعضا بوده، بلکه باعث افزایش حس تعلق و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه نیز می‌شوند.

۸-۲- تعاونی‌ها و نقش آنها در مشارکت مردمی

تعاونی‌ها سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی هستند که به منظور تحقق اهداف مشترک و منافع اعضای خود ایجاد می‌شوند. در تعاونی‌ها، مردم به صورت داوطلبانه عضو شده و با همکاری یکدیگر برای رسیدن به هدفی خاص فعالیت می‌کنند. تعاونی‌های مسکن و ساخت‌وساز نمونه‌های بارز این نوع سازمان‌ها هستند. (اسلامیه و ملائیان، ۱۳۹۱)

۸-۳- تعاونی‌های مسکن

تعاونی‌های مسکن یکی از محبوب‌ترین انواع تعاونی‌ها در حوزه ساخت‌وساز می‌باشند. در این نوع تعاونی‌ها، افراد جامعه به‌طور مشترک سرمایه‌گذاری کرده و منابع مالی را برای خرید زمین و ساخت مسکن تأمین می‌نمایند. هدف اصلی این تعاونی‌ها، تأمین مسکن با کیفیت و قیمت مناسب برای اعضای خود است.

۸-۴- مزایای مشارکت مردمی در ساخت و ساز و تعاونی‌ها

مشارکت مردمی در پروژه‌های ساخت‌وساز و تعاونی‌ها می‌تواند به توسعه پایدار و افزایش عدالت اجتماعی کمک نماید.

افزایش دسترسی به مسکن

یکی از مهم‌ترین مزایای مشارکت مردمی در ساخت‌وساز، افزایش دسترسی به مسکن مناسب برای گروه‌های مختلف جامعه است. تعاونی‌های مسکن به ویژه در کشورهای در حال توسعه، به افراد کمک می‌کنند تا با هزینه‌ای کمتر نسبت به بازار آزاد، خانه‌های با کیفیتی برای خود تهیه کنند. این موضوع نه تنها باعث کاهش بحران مسکن می‌شود، بلکه به عدالت در توزیع مسکن نیز کمک می‌کند.

کاهش هزینه‌ها

یکی از بزرگ‌ترین مزایای مشارکت مردمی در ساخت و ساز، کاهش هزینه‌ها است. وقتی مردم به صورت جمعی منابع خود را برای تأمین مالی پروژه‌های ساخت‌وساز به کار می‌گیرند، هزینه‌ها به دلیل عدم نیاز به سودآوری بالا برای سرمایه‌گذاران خصوصی کاهش می‌یابد. در تعاونی‌های مسکن، اعضا به صورت مستقیم در تأمین منابع مالی و نظارت بر هزینه‌ها دخالت دارند، که این امر موجب کاهش هزینه‌های نهایی ساخت مسکن می‌شود.

بهبود کیفیت ساخت و ساز

وقتی مردم به طور فعال در فرایندهای ساخت‌وساز مشارکت می‌کنند، می‌توانند نظارت بهتری بر کیفیت کارها داشته باشند. اعضای تعاونی‌ها به دلیل دخالت مستقیم در فرایندهای ساخت و اجرای پروژه‌ها، به افزایش کیفیت ساخت‌وساز توجه بیشتری دارند. این موضوع باعث می‌شود که ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها با کیفیت بالاتری ساخته شوند و در بلندمدت دوام بیشتری داشته باشند.

ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی محلی

پروژه‌های ساخت‌وساز و تعاونی‌ها باعث ایجاد اشتغال برای افراد محلی می‌شوند. در بسیاری از موارد، این پروژه‌ها از نیروی کار محلی استفاده می‌کنند و این امر باعث رونق اقتصادی مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته می‌شود. علاوه بر این، تعاونی‌ها با توزیع عادلانه‌تر منابع و فرصت‌های اقتصادی، به کاهش فقر و نابرابری‌ها کمک می‌کنند.

▪ تقویت حس تعلق و مسئولیت اجتماعی

وقتی مردم در ساخت‌وساز و پروژه‌های تعاونی مشارکت می‌کنند، حس تعلق به جامعه و مسئولیت‌پذیری در آنها تقویت می‌شود. این افراد نه تنها در ایجاد محیط زندگی خود دخالت دارند، بلکه به دلیل سرمایه‌گذاری مالی و زمانی که در این پروژه‌ها انجام می‌دهند، اهمیت بیشتری برای حفظ و نگهداری از این پروژه‌ها قائل هستند. این موضوع به تقویت حس همبستگی اجتماعی و افزایش همکاری‌های جمعی منجر می‌شود. (سلورزی زاده و همکاران، ۱۳۹۷)

۹-۸- راهکارهای بهبود مشارکت مردمی در ساخت و ساز و تعاونی‌ها

۱. **حمایت دولت از تعاونی‌ها:** ایجاد سیاست‌های حمایتی و ارائه تسهیلات مالی و قانونی به تعاونی‌ها می‌تواند نقش مؤثری در افزایش مشارکت مردمی داشته باشد.

۲. آموزش و توانمندسازی: آموزش اعضای تعاونی‌ها و توانمندسازی آنها در زمینه‌های مدیریتی و فنی می‌تواند به بهبود کارایی و کیفیت پروژه‌ها کمک کند.
۳. استفاده از فناوری‌های نوین: استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای مدیریت بهتر پروژه‌ها و تسهیل ارتباطات بین اعضای تعاونی می‌تواند به بهبود کارایی مشارکت مردمی کمک کند.
۴. جذب سرمایه‌های خارجی و داخلی: جلب سرمایه‌گذاران خصوصی و خارجی به پروژه‌های تعاونی مسکن می‌تواند به تأمین منابع مالی بیشتر کمک کند. (اکبریان و فتحی، ۱۳۹۳)

۱۰-۸- اهمیت مشارکت مردمی در تعاونی‌ها

- تقویت حس مالکیت: مشارکت در تعاونی‌ها، احساس مالکیت و مسئولیت‌پذیری اعضا را نسبت به سازمان افزایش می‌دهد.
- افزایش کارایی و بهره‌وری: مشارکت فعال اعضا در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای فعالیت‌ها، منجر به افزایش کارایی و بهره‌وری تعاونی می‌شود.
- توسعه پایدار: تعاونی‌ها با تأکید بر منافع بلندمدت و اجتماعی، نقش مهمی در توسعه پایدار ایفا می‌کنند.
- تقویت جامعه: تعاونی‌ها با ایجاد فرصت‌های اشتغال و بهبود وضعیت اقتصادی اعضا، به تقویت جامعه کمک می‌کنند.

۱۱-۸- انواع مشارکت مردمی در تعاونی‌ها

- مشارکت در مدیریت: اعضا در انتخاب هیئت مدیره و تعیین سیاست‌های تعاونی نقش فعال دارند.
- مشارکت در تصمیم‌گیری: اعضا در تصمیم‌گیری‌های مهم تعاونی مانند سرمایه‌گذاری، تولید، و فروش محصولات شرکت می‌کنند.
- مشارکت در کار: اعضا به صورت مستقیم در فعالیت‌های تولید و ارائه خدمات تعاونی مشارکت دارند.
- مشارکت در آموزش: تعاونی‌ها با برگزاری دوره‌های آموزشی، به ارتقای سطح دانش و مهارت اعضا کمک می‌کنند.

۱۲-۸- چالش‌ها و موانع مشارکت مردمی در تعاونی‌ها

- عدم آگاهی: برخی از اعضا به دلیل عدم آگاهی کافی از اصول و مزایای تعاونی‌ها، مشارکت فعالی ندارند.
- کمبود وقت: مشغله‌های زندگی روزمره، مانع از مشارکت فعال برخی از اعضا می‌شود.
- عدم اعتماد: عدم اعتماد به مدیران و سایر اعضا، می‌تواند مانع از مشارکت فعال برخی افراد شود.
- محدودیت‌های ساختاری: برخی از تعاونی‌ها، به دلیل ساختارهای پیچیده یا عدم وجود مکانیزم‌های مناسب برای مشارکت، با چالش‌های مشارکت روبرو هستند.

۸-۱۳- راهکارهایی برای افزایش مشارکت مردمی در تعاونی‌ها

- آموزش و آگاهی‌رسانی: برگزاری دوره‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی به اعضا در مورد اصول تعاونی‌ها و مزایای مشارکت.
- ساده‌سازی فرایندهای تصمیم‌گیری: ساده‌سازی فرایندهای تصمیم‌گیری و ایجاد فرصت‌های بیشتر برای مشارکت اعضا.
- تقویت ارتباطات: ایجاد کانال‌های ارتباطی موثر بین هیئت مدیره و اعضا برای افزایش اعتماد و شفافیت.
- تشویق به مشارکت: تشویق اعضا به مشارکت فعال از طریق ارائه پاداش‌ها و جوایز.
- ایجاد کمیته‌های تخصصی: تشکیل کمیته‌های تخصصی برای بررسی مسائل مختلف تعاونی و جلب مشارکت اعضا در این کمیته‌ها (Colantonio & Dixon, 2011)

۸-۱۴- نقش فناوری اطلاعات در افزایش مشارکت مردمی در تعاونی‌ها

فناوری اطلاعات به عنوان یک ابزار قدرتمند، توانایی تحول‌آفرینی در بسیاری از جنبه‌های زندگی ما دارد. در حوزه تعاونی‌ها نیز، فناوری اطلاعات می‌تواند به عنوان یک کاتالیزور عمل کرده و مشارکت مردمی را به شدت افزایش دهد. از جمله مهم‌ترین نقش‌های فناوری اطلاعات در بخش تعاونی عبارتند از:

۱- دسترسی آسان به اطلاعات و ارتباطات:

شفافیت در تصمیم‌گیری: با استفاده از پلتفرم‌های آنلاین، تعاونی‌ها می‌توانند اطلاعات مربوط به تصمیم‌گیری‌ها، عملکرد مالی و فعالیت‌های خود را به صورت شفاف در اختیار اعضا قرار دهند. این امر اعتماد اعضا را جلب کرده و انگیزه آن‌ها برای مشارکت را افزایش می‌دهد.

ارتباطات مؤثر: ابزارهای ارتباطی مانند ایمیل، پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی به اعضا اجازه می‌دهند تا به راحتی با یکدیگر و با هیئت مدیره تعاونی ارتباط برقرار کنند. این امر باعث تسهیل در تبادل اطلاعات و ایده‌ها می‌شود.

نظرسنجی و پرسش‌وپاسخ آنلاین: با استفاده از ابزارهای نظرسنجی آنلاین، تعاونی‌ها می‌توانند نظرات و پیشنهادات اعضا را در مورد مسائل مختلف جمع‌آوری کنند و به این ترتیب در تصمیم‌گیری‌ها از مشارکت فعال اعضا بهره‌مند شوند. (اکبری، ۱۴۰۴)

۲- تسهیل در فرآیندهای تصمیم‌گیری:

رای‌گیری الکترونیکی: با استفاده از سیستم‌های رای‌گیری الکترونیکی، اعضا می‌توانند به صورت آنلاین در تصمیم‌گیری‌های مهم تعاونی شرکت کنند. این امر باعث افزایش سرعت و دقت در فرآیند تصمیم‌گیری می‌شود.

مدیریت اسناد و مدارک: با استفاده از سیستم‌های مدیریت اسناد دیجیتال، تعاونی‌ها می‌توانند تمام اسناد و مدارک مربوط به فعالیت‌های خود را به صورت متمرکز و قابل دسترسی برای اعضا ذخیره نمایند.

- **همکاری گروهی:** ابزارهای همکاری گروهی مانند Google Drive و Microsoft Teams به اعضا اجازه می‌دهند تا به صورت مشترک روی پروژه‌های مختلف کار کنند و ایده‌های خود را به اشتراک بگذارند. (اسلامیه، ۱۳۹۲)
- **۳- افزایش کارایی و بهره‌وری:**
- **اتوماسیون فرایندها:** با استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی، بسیاری از فرایندهای اداری و مالی تعاونی‌ها می‌توانند به صورت خودکار انجام شوند. این امر باعث صرفه‌جویی در زمان و هزینه و افزایش کارایی تعاونی می‌شود.
- **مدیریت پروژه‌ها:** ابزارهای مدیریت پروژه به تعاونی‌ها کمک می‌کنند تا پروژه‌های مختلف را به صورت مؤثر برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت نمایند.
- **تحلیل داده‌ها:** با استفاده از ابزارهای تحلیل داده، تعاونی‌ها می‌توانند داده‌های خود را جمع‌آوری و تحلیل کنند تا به بینش‌های ارزشمندی دست یابند و تصمیمات بهتری اتخاذ کنند.
- **۴- ایجاد حس تعلق و مشارکت:**
- **پورتال‌های تعاونی:** ایجاد یک پورتال اختصاصی برای تعاونی، فضایی را برای تعامل اعضا فراهم می‌کند. در این پورتال، اعضا می‌توانند اخبار تعاونی را دنبال کرده، در بحث‌ها شرکت کنند و به منابع مختلف دسترسی داشته باشند.
- **شبکه‌های اجتماعی داخلی:** ایجاد شبکه‌های اجتماعی داخلی برای تعاونی‌ها، باعث تقویت ارتباطات بین اعضا و افزایش حس تعلق آن‌ها به تعاونی می‌شود.
- **رویدادهای آنلاین:** برگزاری رویدادهای آنلاین مانند وبینارها و کنفرانس‌ها، فرصتی را برای تعامل و یادگیری مشترک اعضا فراهم می‌کند. (Colantonio & Dixon, 2011).

نتیجه‌گیری

مشارکت مردمی در تعاونی‌ها، کلید موفقیت و پایداری این سازمان‌ها است. با افزایش مشارکت اعضا، تعاونی‌ها می‌توانند به اهداف خود دست یافته و به توسعه پایدار جامعه کمک نمایند.

مشارکت مردمی در ساخت و ساز و تعاونی‌ها یکی از ابزارهای مؤثر برای تحقق توسعه پایدار و افزایش عدالت اجتماعی است. این نوع مشارکت‌ها باعث کاهش هزینه‌ها، بهبود کیفیت ساخت‌وساز، ایجاد اشتغال و تقویت حس مسئولیت اجتماعی می‌شوند. با توجه به چالش‌های موجود، نیاز به حمایت دولتی، آموزش و توانمندسازی اعضای تعاونی‌ها و استفاده از فناوری‌های نوین برای بهبود مشارکت مردم در این حوزه احساس می‌شود. فناوری اطلاعات به عنوان یک ابزار قدرتمند، می‌تواند به طور چشمگیری مشارکت مردمی در تعاونی‌ها را افزایش دهد. با استفاده از فناوری اطلاعات، تعاونی‌ها می‌توانند فرایندهای خود را بهبود بخشند،



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable
Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

تصمیم‌گیری‌های شفاف‌تر داشته باشند و ارتباطات بین اعضا را تقویت کنند. در نهایت، این امر به افزایش کارایی، بهره‌وری و پایداری تعاونی‌ها کمک خواهد نمود (Colantonio & Dixon, 2011).



منابع

- # اسلامی، فاطمه و محمد داودی، امیرحسین. (۱۳۹۲). نقش مشارکت اجتماعی شهروندان بر رویکرد جامعه محوری پلیس و تعدیلگری امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، 389-736 و 51
- # اسلامی، فاطمه و ملانیان، صدیقه (۱۳۹۱). تأثیرپذیری شهروندان ایرانی از فضای سایبر در گرایش به مشارکتهای مردمی، تهران، مجموعه مقالات همایش ملی رسانه، ارتباطات و آموزشهای شهروندی.
- # کبریان، مهدی و فتحی، لیلا (۱۳۹۳). مشارکت مردمی اساس توسعه اجتماعی، مجله تخصصی پژوهش و سلامت، 2-8. (۳)
- # سلاورزی زاده، محمد. شیخی، حجت، شکاری، زینب، (۱۳۹۷) تحلیل و ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محلهای (مطالعه موردی: شهر ایلام) برنامه ریزی توسعه کالبدی، دوره ۱۲ (۱) ۱۲۰-۱۳۳
- # زارع، الهام؛ فرامرزی اصل، مهسا؛ عباسی پرام، الناز (۱۳۹۹) بررسی نقش مشارکت اجتماعات محلی در توسعه پایدار اجتماعی شهرها (مطالعه موردی: محله سنگلج تهران)، معماری و شهرسازی پایدار، 332-343 (۱۸) ۵
- # قیصری، نوراله. (۱۳۹۸). مشارکت اجتماعی؛ معناکاوی یک مفهوم راهبردی، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، 13-59. (۳)
- #Carpentier, Nico. (2012) **The Concept of Participation, if They Have Access and Interact, Do They Really Participate?**, Revista Fronteiras – Estudos Midiáticos, 14(2):164- 177.
- #Choudhury, I..(2005). **A Conceptual Model of Resident Satisfaction with Reference to Neighborhood Composition.**
- #Colantonio & Dixon. (2011). **urban regeneration & social sustanibility: best practice from European cities.**
- ## Singh, P., and Narayanan, S.S. (2013). **Biometrical Techniques in Plant Breeding.** Kalyani publishers



کد: ۰۳۲۴۰-۸۷۹۶۹

دومین همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار با تاکید بر مشارکت مردم

The 2nd National Conference on Entrepreneurship and Sustainable Development with Emphasis on Public Participation



دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان

----- The role of people's participation in achieving sustainable development

Somayeh.pourhasan*

Management Department, Payam Noor University, Tehran, Iran

Abstract

Any country that wants to manage the important and vital indicators of the economy, society and environment together and in a single entity must plan all its laws and regulations based on the goals of sustainable development and achieve the goal. Obviously, achieving this goal will not be achieved without the active participation of the people, this participation actually means establishing a public-private partnership method in the country, which has been fully explained in the selection of the slogan of the year and in the message of the Supreme Leader of the Revolution.

One of the important economic issues in the country is productive investments. Production takes a leap when investment is made. Investment should be done mainly by the people and the government should plan its various methods. When the people do not have the motivation or ability to invest, the government can enter the scene, of course not as a competition with the people, but as an alternative that is suitable for the people. When the people cannot, the government should enter the field and invest. In any case, investment in production is one of the necessary issues for the country's economy and solving the problem of people's livelihood

Keywords : People's participation, sustainable development, investment

* e-mail :porhasan@pnu.ac.ir

بررسی حقوق شهروندی در تقویت مشارکت مردم در فرآیندهای کارآفرینی و توسعه پایدار

سعید رادمرد، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. S.radmard@pnu.ac.ir

الهام احمدی، عضو اصلی شورای حل اختلاف، دادگستری شهرستان عجب شیر

چکیده

توسعه پایدار به عنوان یکی از مهم ترین اهداف جوامع معاصر، بدون مشارکت فعال شهروندان تحقق نمی یابد. از سوی دیگر، کارآفرینی به مثابه موتور محرک توسعه اقتصادی و اجتماعی، نیازمند بستری حقوقی است که در آن حقوق شهروندی به رسمیت شناخته شود. حقوق شهروندی ضمن تضمین آزادی ها و حقوق اقتصادی و اجتماعی، بستر مناسبی برای مشارکت مردم در فرایندهای کارآفرینی و توسعه پایدار فراهم می سازد. این مقاله با رویکرد تحلیلی-حقوقی و با تکیه بر اسناد ملی و بین المللی، به بررسی جایگاه حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران و تأثیر آن بر تقویت مشارکت مردمی در کارآفرینی می پردازد. در این راستا، موانع و چالش های حقوقی موجود مورد تحلیل قرار گرفته و راهکارهایی برای اصلاح و تقویت بسترهای حقوقی ارائه می شود. یافته ها نشان می دهد که تضمین حقوق شهروندی، پیش شرط لازم برای تحقق توسعه پایدار و تقویت مشارکت مردم در فرایندهای کارآفرینی است.

کلیدواژه ها: توسعه پایدار - حقوق شهروندی - کارآفرینی - مشارکت مردمی - نظام حقوقی ایران

۱. مقدمه

امروزه توسعه پایدار به عنوان یکی از مهم ترین اهداف سیاست گذاری در سطح ملی و بین المللی شناخته می شود. تحقق این نوع توسعه مستلزم توجه به سه بعد اساسی اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است و در این میان نقش مردم به عنوان صاحبان اصلی فرآیند توسعه غیرقابل انکار است. مشارکت فعال شهروندان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی، نه تنها موجب تقویت سرمایه اجتماعی می شود، بلکه بنیانهای لازم برای رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی را نیز فراهم می آورد (رضایی، ۱۳۹۷). کارآفرینی به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی توسعه اقتصادی، زمینه ساز اشتغال زایی، کاهش فقر و ارتقای رفاه عمومی است. اما این پدیده تنها در صورتی می تواند کارکرد واقعی خود را ایفا کند که در چارچوب حقوقی مناسب قرار گیرد (Sachs, 2015). در این میان، حقوق شهروندی به عنوان مجموعه ای از حقوق و آزادی های مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، نقش بنیادینی در تضمین مشارکت مؤثر مردم در فرآیندهای کارآفرینی دارد. در ایران، اصول متعددی از قانون اساسی و همچنین برخی قوانین موضوعه بر اهمیت حقوق شهروندی و لزوم مشارکت مردم در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی تأکید دارند. با این حال، ضعف در ضمانت اجرا، بوروکراسی اداری و برخی موانع قانونی، مانع از تحقق کامل این حقوق در عرصه کارآفرینی و توسعه پایدار می شوند.

پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی-حقوقی و با بهره‌گیری از اسناد ملی و بین‌المللی، درصدد است ضمن تبیین جایگاه حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران، نقش آن را در تقویت مشارکت مردم در فرآیندهای کارآفرینی و تحقق توسعه پایدار بررسی نماید (عباسی، ۱۴۰۰).

۲. مبانی نظری و مفهومی

۱-۲. حقوق شهروندی

حقوق شهروندی را می‌توان به‌عنوان یکی از ارکان اساسی زندگی اجتماعی دانست که به همه افراد جامعه، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیتی، قومی، مذهبی یا جایگاه اجتماعی، تعلق می‌گیرد. این مجموعه از حقوق، پایه‌های یک جامعه عادلانه و متوازن را شکل می‌دهد و تضمین‌کننده کرامت انسانی و آزادی‌های بنیادین است (United Nations, 1948). به طور کلی، این حقوق در چند حوزه اصلی دسته‌بندی می‌شوند:

الف- حقوق مدنی: این بخش بنیادی‌ترین حقوق فردی را شامل می‌شود؛ مانند حق حیات و زندگی، آزادی اندیشه و بیان، امنیت فردی و مصونیت از تعرض. این حقوق به هر فرد اجازه می‌دهد تا در جامعه با آرامش و آزادی نسبی به زیست خود ادامه دهد و از تهدیدها و فشارهای بیرونی در امان باشد.

ب- حقوق سیاسی: در این دسته، تأکید بر نقش فعال شهروندان در عرصه تصمیم‌گیری‌های عمومی و اداره جامعه است. حق رأی، امکان انتخاب شدن و انتخاب کردن، آزادی تشکیل انجمن‌ها، احزاب و نهادهای مدنی، از جمله حقوقی هستند که زمینه مشارکت سیاسی و تحقق دموکراسی را فراهم می‌آورند.

ج- حقوق اقتصادی: این حوزه به جنبه‌های معیشتی و تأمین نیازهای مادی انسان مربوط می‌شود. حق مالکیت، آزادی در اشتغال، دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی و امکان فعالیت در بازار کار و کسب و کار، از جمله مواردی است که تضمین‌کننده استقلال اقتصادی و رفاه نسبی شهروندان به شمار می‌رود.

د- حقوق اجتماعی و فرهنگی: این حقوق به ابعاد انسانی و اجتماعی زندگی مرتبط‌اند. برخورداری از آموزش با کیفیت، دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی، داشتن محیط زیست سالم و ایمن، و مشارکت در حیات فرهنگی و هنری جامعه از مهم‌ترین مصادیق این بخش هستند. این حقوق به رشد همه‌جانبه افراد و ارتقای کیفیت زندگی آنان کمک می‌کند.

از نگاه اندیشمندانی همچون تی. اچ. مارشال، روند گسترش حقوق شهروندی در جوامع مدرن مسیری تدریجی داشته است؛ ابتدا با تثبیت حقوق مدنی آغاز شده، سپس به حوزه حقوق سیاسی راه یافته و در نهایت به حقوق اجتماعی رسیده است (Marshall, 1950). این سیر تکاملی نشان می‌دهد که عدالت اجتماعی و توسعه پایدار تنها در صورتی محقق می‌شود که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به‌درستی به رسمیت شناخته و اجرا گردند (Giddens, 200).

۲-۲. توسعه پایدار

اندیشه‌ی «توسعه پایدار» برای نخستین بار به شکل جدی در گزارش کمیسیون برانتلند در سال ۱۹۸۷ میلادی وارد ادبیات جهانی شد. در این گزارش، توسعه پایدار چنین تعریف گردید: «توسعه‌ای که ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای نسل کنونی، توانایی نسل‌های آینده را برای رفع نیازهای خود به خطر نیندازد.»

به بیان ساده‌تر، توسعه پایدار یعنی رشد و پیشرفت جامعه به گونه‌ای که هم امروز مردم بتوانند از منابع و فرصت‌ها برای زندگی بهتر بهره‌مند شوند و هم فردا فرزندان و نسل‌های بعدی امکان استفاده از همان منابع و فرصت‌ها را داشته باشند.

این مفهوم سه بُعد اصلی دارد:

بُعد اقتصادی که به پایداری اقتصاد و رفاه مالی جامعه می‌پردازد. توسعه اقتصادی پایدار تنها به افزایش تولید ناخالص داخلی محدود نمی‌شود، بلکه همراه با ایجاد فرصت‌های شغلی، کاهش نرخ فقر، توزیع عادلانه‌تر درآمد و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط است. رشد اقتصادی در این چارچوب باید متوازن و مداوم باشد، نه موقتی و ناپایدار.

بُعد اجتماعی که در آن ارزش‌هایی چون همبستگی، اعتماد، همکاری و برابری تأکید دارد. بدون انسجام اجتماعی، توسعه اقتصادی هم دیر یا زود با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد شد.

بُعد زیست‌محیطی که شامل حفاظت از منابع طبیعی، کاهش آلودگی‌ها، مدیریت صحیح انرژی و آب، و تضمین حق نسل‌های آینده برای داشتن محیطی پاک و ایمن است. از بین رفتن منابع طبیعی یا تخریب اکوسیستم‌ها به معنای تهدید مستقیم برای رفاه انسان‌ها در بلندمدت است و لذا هیچ توسعه‌ای پایدار نخواهد بود مگر اینکه محیط زیست سالم حفظ شود.

در این میان، یکی از عناصر کلیدی که موفقیت توسعه پایدار را تضمین می‌کند، مشارکت فعال شهروندان است. اگر مردم تنها ناظران منفعل باشند و نقش آنان در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای سیاست‌ها نادیده گرفته شود، مفهوم توسعه پایدار بیشتر به یک شعار زیبا شباهت خواهد داشت تا یک واقعیت عملی. اما زمانی که شهروندان در فرآیندهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مشارکت کنند - مثلاً در انتخاب شیوه‌های تولید و مصرف، همکاری در پروژه‌های محلی، یا پیگیری سیاست‌های عادلانه و محیط‌زیستی - آنگاه توسعه پایدار به یک تجربه ملموس و ماندگار تبدیل می‌شود.

پس می‌توان گفت توسعه پایدار تلاشی است برای ایجاد تعادل سه‌گانه بین اقتصاد، جامعه و محیط زیست. اگر تنها بر اقتصاد تمرکز کنیم و از محیط زیست غافل شویم، رشد اقتصادی به بهای نابودی منابع طبیعی تمام خواهد شد. اگر فقط بر مسائل اجتماعی تکیه کنیم و اقتصاد را نادیده بگیریم، جامعه در گیر رکود و فقر می‌شود. همچنین اگر محیط زیست سالم باشد اما فرصت‌های اقتصادی و عدالت اجتماعی وجود نداشته باشد، جامعه باز هم به توسعه پایدار دست نمی‌یابد.

به همین دلیل، توسعه پایدار مانند یک مثلث است که هر ضلع آن (اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی) باید همزمان تقویت شود. مشارکت شهروندان هم همان نیرویی است که این مثلث را استوار نگه می‌دارد.

۲-۳. کارآفرینی

کارآفرینی را می‌توان فرآیندی پویا، خلاقانه و نوآورانه دانست که طی آن افراد با شناسایی فرصت‌ها و به‌کارگیری منابع موجود، ایده‌ای تازه را به یک فعالیت اقتصادی یا اجتماعی تبدیل می‌کنند. در این مسیر، کارآفرینان نه تنها کسب و کارهای جدیدی راه‌اندازی می‌کنند، بلکه با خلق ارزش افزوده، به ارتقای سطح زندگی جامعه و ایجاد تحول در بازارها نیز کمک می‌نمایند (کردبچه، ۱۳۹۶). از منظر اقتصادی، کارآفرینی موتور محرک رشد، اشتغال‌زایی و توسعه پایدار به شمار می‌رود. کارآفرینان با ایجاد محصولات و خدمات نوین، رقابت را افزایش داده، کیفیت را ارتقا می‌بخشند و بازارهای تازه‌ای می‌گشایند.

از منظر اجتماعی، کارآفرینی ابزاری مهم برای توانمندسازی مردم است. زیرا افراد از طریق ورود به عرصه کارآفرینی می‌توانند استعدادها و ظرفیت‌های خود را شکوفا کنند، در تصمیم‌گیری درباره آینده‌شان نقش فعال داشته باشند و میزان مشارکت خود را در تحولات اجتماعی و اقتصادی افزایش دهند.

در ادبیات حقوقی نیز کارآفرینی بدون پشتوانه قانونی نمی‌تواند شکوفا شود. حمایت‌های حقوقی از کارآفرینان شامل مراحل چگونگی ثبت و تأسیس کسب و کار، تضمین حقوق مالکیت فکری و معنوی (اختراعات، علائم تجاری، آثار نوآورانه)، تنظیم و اجرای قراردادها و نیز ایجاد شرایط برابر برای دسترسی به منابع مالی و فرصت‌های اقتصادی است. وجود این حمایت‌ها نه تنها امنیت خاطر کارآفرینان را فراهم می‌کند، بلکه زمینه‌ساز رشد ایده‌های نو و گسترش فعالیت‌های اقتصادی می‌شود.

۲-۴. ارتباط حقوق شهروندی، توسعه پایدار و کارآفرینی

رابطه میان حقوق شهروندی، توسعه پایدار و کارآفرینی را می‌توان همچون سه حلقه‌ی به‌هم‌پیوسته دانست که هر یک بدون دیگری ناقص خواهد بود. این سه حوزه نه تنها مکمل یکدیگرند، بلکه تحقق هر کدام وابسته به تقویت دیگری است.

در ارتباط با پیوند حقوق شهروندی و توسعه پایدار می‌توان گفت که حقوق شهروندی به افراد این امکان را می‌دهد که از حداقل‌های زندگی شایسته همچون آموزش، بهداشت، امنیت اجتماعی و فرصت‌های برابر برخوردار باشند. در غیاب چنین حقوقی، مشارکت واقعی مردم در فرآیند توسعه ممکن نخواهد شد. به بیان دیگر، توسعه پایدار تنها زمانی شکل می‌گیرد که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد به رسمیت شناخته و در عمل اجرا شود.

در خصوص پیوند حقوق شهروندی و کارآفرینی می‌توان گفت کارآفرینی در بستری شکوفا می‌شود که در آن آزادی اقتصادی، امنیت سرمایه‌گذاری، حمایت از مالکیت فکری و دسترسی برابر به منابع و فرصت‌ها تضمین شده باشد. همه این عناصر، بخشی از حقوق شهروندی هستند. وقتی شهروندان بدانند که تلاش و نوآوری‌شان مورد حمایت قانونی قرار می‌گیرد، انگیزه بیشتری برای ورود به عرصه کارآفرینی خواهند داشت.

پیوند کارآفرینی و توسعه پایدار نیز یک واقعیت ملموس و عمیق می‌باشد، به طوری که کارآفرینی با خلق کسب و کارهای نوین، تولید فرصت‌های شغلی و ارائه راه‌حل‌های خلاقانه برای مشکلات اقتصادی و زیست‌محیطی، یکی از ابزارهای اصلی تحقق توسعه

پایدار است. کارآفرینان با نوآوری‌های خود می‌توانند به کاهش فقر، ارتقای عدالت اجتماعی و حتی حفاظت از محیط زیست از طریق فناوری‌های سبز یا کسب و کارهای پایدار کمک کنند.

در نهایت، این سه حوزه در کنار هم یک چرخه تکمیلی را تشکیل می‌دهند؛ حقوق شهروندی زمینه را برای مشارکت برابر و عادلانه همه افراد فراهم کرد، کارآفرینی این مشارکت را به فعالیت اقتصادی و اجتماعی مولد تبدیل می‌کند و در نهایت توسعه پایدار نتیجه‌ای است که از هم‌افزایی دو بخش پیشین حاصل می‌شود.

بنابراین، توسعه پایدار نه تنها به تصمیمات کلان دولت‌ها، بلکه به رعایت حقوق شهروندی و حمایت از کارآفرینی بستگی دارد. اگر یکی از این سه ضلع تضعیف شود، کل سیستم دچار اختلال خواهد شد. به همین دلیل، تقویت یکی بدون دیگری نتیجه‌ای پایدار ندارد. جامعه‌ای موفق خواهد بود که به‌طور همزمان حقوق شهروندی را تضمین کند، زمینه کارآفرینی را فراهم سازد و نگاه بلندمدت به توسعه پایدار داشته باشد.

۳. تحلیل حقوقی

۳-۱. جایگاه حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان میثاق ملی و بنیادی‌ترین سند حقوقی کشور، شالوده‌ی اصلی نظام حقوقی و سیاسی را تشکیل می‌دهد. این قانون نه تنها ساختار حکومت و روابط نهادهای سیاسی را مشخص کرده، بلکه به شکل گسترده‌ای به حقوق و آزادی‌های شهروندان پرداخته است. در حقیقت، می‌توان گفت که قانون اساسی ایران مبانی حقوق شهروندی را به رسمیت شناخته و مشارکت فعال مردم را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به‌عنوان یکی از اصول کلیدی خود معرفی کرده است. یکی از ویژگی‌های برجسته قانون اساسی ایران آن است که حقوق شهروندی را در پیوند با ارزش‌های اخلاقی و اسلامی تعریف می‌کند. به همین دلیل، اصول متعددی از این قانون به شکل مستقیم به حقوق شهروندی، عدالت اجتماعی و تضمین مشارکت مردم در اداره جامعه مربوط می‌شوند که ذیلاً به چند مورد اشاره می‌گردد:

اصل سوم دولت را مکلف می‌کند که همه امکانات خود را برای ایجاد شرایط مساعد به کار گیرد؛ شرایطی که در آن رشد فضایل اخلاقی تقویت شود، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی تضمین گردد، تبعیض‌های ناروا برچیده شود و مشارکت عمومی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تحقق یابد. این اصل به‌روشنی نشان می‌دهد که مشارکت شهروندان یک رکن اساسی در نظام جمهوری اسلامی است.

اصل بیستم بر اصل برابری همه افراد ملت—اعم از زن و مرد—در برابر قانون تأکید می‌کند و به آنها حق بهره‌مندی از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را می‌دهد. این اصل یکی از مهم‌ترین پایه‌های حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران به‌شمار می‌رود، چرا که بر نفی تبعیض و تضمین برابری تأکید دارد.

اصل بیست و دوم به طور خاص به مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل افراد اشاره دارد و هر گونه تعرض به آنها را تنها در صورت وجود حکم قانونی مجاز می‌داند. این اصل، امنیت فردی و اجتماعی را که از ارکان حقوق شهروندی است تضمین می‌کند.

اصل بیست و هشتم حق انتخاب آزادانه شغل را برای هر فرد به رسمیت می‌شناسد، البته مشروط بر آنکه مغایر با اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران نباشد. در کنار این حق، دولت نیز موظف است شرایط برابر برای اشتغال همه افراد جامعه را فراهم آورد. این اصل پیوندی مستقیم با مقوله عدالت اجتماعی و کارآفرینی دارد.

اصل چهل و سوم بر این موضوع تأکید می‌کند که نظام اقتصادی کشور باید بر پایه تأمین نیازهای اساسی مردم همچون مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و آموزش بنا شود و از سلطه اقتصادی بیگانگان جلوگیری کند. به این ترتیب، عدالت اقتصادی و استقلال ملی به عنوان دو ارزش بنیادین در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

اصل چهل و چهارم ضمن به رسمیت شناختن مالکیت‌های عمومی، تعاونی و خصوصی، بر مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی تأکید می‌کند. این اصل، زمینه‌ای برای حضور گسترده‌تر مردم در اقتصاد و تقویت کارآفرینی فراهم می‌سازد.

علاوه بر قانون اساسی، قوانین عادی و سیاست‌های کلان نیز در راستای حمایت از حقوق شهروندی و تحقق توسعه پایدار نقش مهمی ایفا کرده‌اند. که از آن جمله می‌توان به قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار (۱۳۹۰) اشاره نمود که با هدف ایجاد شفافیت در فرآیندهای اقتصادی و کاهش موانع اداری تصویب گردید. این قانون دولت را مکلف می‌سازد که شرایطی را فراهم کند تا تشکل‌های مردمی و بخش خصوصی بتوانند به طور فعال در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مشارکت داشته باشند.

نمونه دیگر قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها (۱۳۸۹) می‌باشد که بستری حقوقی برای توسعه کارآفرینی مبتنی بر دانش و فناوری ایجاد کرده است (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۹۰). این قانون، راه را برای رشد استارت‌آپ‌ها و نوآوری‌های علمی و فناورانه باز می‌کند و نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران اهمیت ویژه‌ای برای پیوند علم و اقتصاد قائل است.

همچنین می‌توان به سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی اشاره کرد. این سیاست‌ها با هدف کاهش وابستگی، افزایش بهره‌وری و تقویت نقش بخش خصوصی در اقتصاد ابلاغ شده‌اند و به طور مستقیم بر رشد اقتصادی، توسعه پایدار و توانمندسازی شهروندان تأثیر می‌گذارند.

۲-۳. جایگاه حقوق شهروندی در اسناد و مقررات بین‌المللی

بحث حقوق شهروندی و نقش مشارکت مردم در توسعه پایدار، تنها محدود به قوانین داخلی کشورها نیست، بلکه در سطح بین‌المللی نیز به عنوان یکی از اصول بنیادین مورد توجه جدی قرار گرفته است. بسیاری از اسناد و معاهدات بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، عدالت اجتماعی و توسعه پایدار، بر اهمیت حقوق شهروندی تأکید کرده و کشورها را موظف به رعایت این حقوق کرده‌اند. در واقع، می‌توان گفت که چارچوب‌های بین‌المللی، تکمیل‌کننده قوانین ملی هستند و استانداردهای جهانی برای تضمین آزادی‌ها،

عدالت و رفاه اجتماعی را فراهم می آورند. اسناد بین المللی زیر در این ارتباط حائز اهمیت بوده که جایگاه حقوق شهروندی را تبیین می نماید:

الف- اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸): اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان نخستین سند جامع بین المللی در زمینه حقوق بشر، نقطه عطفی در تاریخ حقوق بین الملل به شمار می رود. این اعلامیه، اصول اساسی حقوق انسان را بدون توجه به نژاد، جنسیت، دین یا جایگاه اجتماعی بیان می کند و برای همه ملت ها جنبه الهام بخش دارد. ماده ۲۳ این اعلامیه تصریح می کند که هر فرد حق دارد کار کند، شغل خود را آزادانه انتخاب نماید و از شرایط منصفانه و رضایت بخش در محیط کار برخوردار شود. این ماده ارتباط مستقیم با موضوع کارآفرینی و اشتغال دارد و بر ضرورت ایجاد فرصت های برابر برای همه افراد تأکید می کند. ماده ۲۵ نیز بیان می کند که هر کس حق دارد از سطح زندگی کافی برای تأمین سلامت و رفاه خود و خانواده اش برخوردار باشد. این سطح زندگی شامل خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت های پزشکی و خدمات اجتماعی لازم است. این ماده با اهداف توسعه پایدار هم خوانی دارد، زیرا رفاه اجتماعی و عدالت اقتصادی از ارکان توسعه پایدار به شمار می روند.

ب- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶): این میثاق که به عنوان یکی از معاهدات الزام آور حقوق بشری شناخته می شود، اصول اعلامیه جهانی را بسط داده و ضمانت های اجرایی بیشتری برای آنها فراهم کرده است. کشورهایی که به این میثاق ملحق شده اند، متعهد به تحقق تدریجی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان خود هستند. ماده ۶ بر به رسمیت شناختن حق کار و ضرورت اتخاذ تدابیری برای دستیابی به اشتغال کامل و مولد تأکید دارد. این ماده نه تنها بر حق انتخاب شغل بلکه بر وظیفه دولت ها در فراهم سازی فرصت های شغلی تأکید می کند. ماده ۷ به شرایط عادلانه و مطلوب کار می پردازد؛ از جمله دستمزد منصفانه، امنیت شغلی و شرایط کاری انسانی. ماده ۱۱ این میثاق نیز به حق هر فرد برای داشتن سطح زندگی مناسب اشاره دارد. این حق شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی و همچنین بهبود مستمر شرایط زندگی است. این موارد با اهداف توسعه پایدار و عدالت اجتماعی ارتباط تنگاتنگی دارند.

ج- دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار (۲۰۱۵): یکی از مهم ترین اسناد بین المللی معاصر، دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل برای توسعه پایدار است که مجموعه ای از ۱۷ هدف کلان و ۱۶۹ شاخص را برای تحقق توسعه انسانی و زیست محیطی ترسیم کرده است. برخی از اهداف این سند ارتباط مستقیم با حقوق شهروندی و کارآفرینی دارند. به عنوان نمونه هدف ۸ به ارتقای رشد اقتصادی پایدار و فراگیر، اشتغال کامل و کار شایسته برای همه افراد تأکید می کند. این هدف به طور خاص بر تقویت کارآفرینی و نوآوری نیز توجه دارد. هدف ۱۰ بر کاهش نابرابری ها درون کشورها و میان کشورها متمرکز است و بر عدالت اجتماعی به عنوان یکی از پایه های توسعه پایدار تأکید می ورزد. هدف ۱۶ به ایجاد نهادهای کارآمد، پاسخگو و شفاف اختصاص دارد. این هدف بیان می کند که بدون حاکمیت قانون، دسترسی به عدالت و تضمین مشارکت مردم، دستیابی به توسعه پایدار ممکن نیست.

بررسی اسناد فوق نشان می دهد که حقوق شهروندی و حق بر توسعه به عنوان حقوق بنیادین بشر شناخته شده اند و جامعه جهانی بر اهمیت آنها در تحقق توسعه پایدار تأکید دارد. این اسناد، کشورها را موظف می کنند که فرصت های برابر برای اشتغال، آموزش، رفاه اجتماعی و مشارکت مردم فراهم آورند و بستر لازم برای رشد کارآفرینی و نوآوری را ایجاد کنند.

لذا می‌توان گفت که پیوند حقوق شهروندی، کارآفرینی و توسعه پایدار نه تنها در قوانین داخلی کشورها، بلکه در سطح بین‌المللی نیز به رسمیت شناخته شده و به‌عنوان یک تعهد مشترک جهانی مطرح است. هرچه کشورها بیشتر به اجرای مفاد این اسناد پایبند باشند، امکان تحقق عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و توسعه پایدار در سطح ملی و بین‌المللی افزایش خواهد یافت.

۴. موانع و چالش‌های حقوقی

با وجود آنکه در اسناد رسمی و حقوقی کشور، از جمله قانون اساسی، قوانین عادی و سیاست‌های کلی نظام، و نیز در تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، بر حق مشارکت شهروندان در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید فراوان شده است، اما در عرصه عمل، تحقق کامل این حقوق با موانع و چالش‌های گوناگونی روبه‌رو است. در واقع، میان «اعتبار حقوقی» این اصول و «اجرای واقعی» آن‌ها شکاف عمیقی وجود دارد. این شکاف نه تنها مانع تحقق عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی می‌شود، بلکه سبب کاهش اعتماد عمومی به کارآمدی نظام حقوقی و مدیریتی کشور نیز می‌گردد. مهم‌ترین موانع و چالش‌های حقوقی در این زمینه عبارتند از:

۴-۱. ضعف ضمانت اجرای حقوق شهروندی

یکی از چالش‌های بنیادین نظام حقوقی ایران در حوزه مشارکت اقتصادی، نبود ضمانت اجرای مؤثر برای اصول قانون اساسی و حقوق شهروندی است.

هرچند قانون اساسی در اصول متعددی همچون اصل ۲۸ (حق اشتغال)، اصل ۴۳ (حق برخورداری از امکانات اقتصادی عادلانه) و اصل ۴۴ (تقسیم‌بندی بخش‌های اقتصادی کشور) بر این حقوق تصریح دارد، اما در عمل هیچ سازوکار الزام‌آور و نظام نظارتی کارآمدی برای اجرای این حقوق تعریف نشده است.

به‌عنوان نمونه، اصل ۲۸ قانون اساسی دولت را موظف به فراهم‌سازی فرصت‌های شغلی برای همه شهروندان می‌کند، اما ابزارهای قانونی مشخصی برای پیگیری این حق یا مطالبه آن از سوی افراد وجود ندارد. این خلأ موجب می‌شود اصول قانون اساسی در حد شعار باقی بمانند و شهروندان در عمل نتوانند از ظرفیت‌های آن بهره‌مند شوند.

علاوه بر این، نهادهای نظارتی مانند دیوان عدالت اداری یا مجلس شورای اسلامی نیز در این حوزه بیشتر نقش واکنشی دارند تا پیشگیرانه. نبود دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به تخلفات مربوط به حقوق شهروندی، ضعف در ضمانت اجرای اداری و نبود شفافیت در پاسخ‌گویی نهادهای دولتی، این معضل را دوچندان کرده است.

در نتیجه، اجرای اصول حقوق شهروندی بیش از آنکه تابع یک نظام منسجم قانونی باشد، به اراده سیاسی و تصمیمات موردی مدیران وابسته است؛ امری که ثبات حقوقی و پیش‌بینی‌پذیری را تضعیف می‌کند.

۲-۴. بوروکراسی اداری و پیچیدگی مقررات

یکی از مهم‌ترین موانع عملی در مسیر تحقق مشارکت اقتصادی شهروندان، پیچیدگی نظام اداری و تعدد مقررات است. در ایران، راه‌اندازی یک کسب‌وکار یا فعالیت اقتصادی مستلزم طی کردن مراحل متعدد، مراجعه به سازمان‌های مختلف و دریافت مجوزهای گوناگون است. این وضعیت نه تنها زمان و هزینه شهروندان را افزایش می‌دهد، بلکه بستر مناسبی برای فساد اداری، تبعیض و عدم شفافیت فراهم می‌کند.

در بسیاری از موارد، قوانین و مقررات اقتصادی کشور دارای تعارض یا تداخل صلاحیت میان نهادهای مختلف هستند. برای مثال، یک سرمایه‌گذار ممکن است برای اخذ مجوز از چند وزارتخانه، شهرداری و سازمان‌های وابسته اقدام کند و هر کدام از این نهادها تفسیر متفاوتی از قانون ارائه دهند. این پراکندگی نهادی و رویه‌های اداری پیچیده، مانع جدی در مسیر توسعه اقتصادی و مشارکت مردم در فعالیت‌های مولد است.

اصلاح این وضعیت مستلزم تدوین قوانین جامع، حذف مقررات زائد، دیجیتالی‌سازی فرایندها و ایجاد سامانه‌های یکپارچه خدمات عمومی است. در غیر این صورت، حتی بهترین سیاست‌های تشویقی برای کارآفرینی نیز در بوروکراسی اداری گرفتار خواهند شد.

۳-۴. محدودیت‌های مشارکت اجتماعی و اقتصادی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعددی (از جمله اصول ۳، ۲۶ و ۴۳) بر مشارکت مردم در تعیین سرنوشت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور تأکید دارد.

با این حال، در عمل ظرفیت نهادهای مردمی، تعاونی‌ها و تشکل‌های مدنی برای اثرگذاری در تصمیم‌گیری‌های کلان محدود است. بیشتر سیاست‌گذاری‌ها از بالا به پایین انجام می‌شود و نهادهای مدنی تنها در مراحل مشورتی یا اجرایی وارد می‌شوند. ضعف ساختاری در نظام حقوقی مربوط به سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOها) و تشکل‌های صنفی، مانع از شکل‌گیری ارتباط مؤثر میان دولت و جامعه مدنی شده است. به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، نهادهای کارگری، کارفرمایی و کارآفرینی از قدرت چانه‌زنی کافی برخوردار نیستند و در تدوین سیاست‌های اشتغال، مالیات یا حمایت از تولید نقشی تعیین‌کننده ندارند.

این در حالی است که در نظام‌های پیشرفته اقتصادی، مشارکت تشکل‌های مردمی و صنفی نقش کلیدی در تحقق عدالت اقتصادی و کاهش شکاف طبقاتی دارد. بنابراین، بازنگری در قوانین ناظر بر فعالیت نهادهای مدنی و تقویت جایگاه حقوقی آنها در فرآیند تصمیم‌گیری، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

۴-۴. چالش‌های حقوق مالکیت فکری

در دنیای امروز، دارایی‌های فکری و معنوی از جمله ایده‌ها، اختراعات، طرح‌ها و برندها از مهم‌ترین منابع خلق ثروت و پیشرفت اقتصادی محسوب می‌شوند.

در ایران، اگرچه با تصویب قانون ثبت اختراعات، علائم تجاری و طرح‌های صنعتی (۱۳۸۶) گام‌هایی برای حمایت از این حقوق برداشته شده، اما در عمل نظام مالکیت فکری کشور هنوز با چالش‌های متعدد مواجه است. ضعف در اجرای قوانین، نبود دادگاه‌های تخصصی مالکیت فکری، بی‌اطلاعی کارآفرینان از حقوق قانونی خود و تأخیر در رسیدگی به دعاوی، از جمله مشکلات جدی در این زمینه است. در نتیجه، بسیاری از کارآفرینان و نوآوران نسبت به حفاظت از ایده‌ها و نوآوری‌های خود اطمینان ندارند و از ثبت رسمی آن‌ها خودداری می‌کنند. این وضعیت نه تنها انگیزه نوآوری را کاهش می‌دهد، بلکه سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را نیز نسبت به امنیت حقوقی سرمایه‌های فکری در کشور دل‌سرد می‌کند. توسعه اقتصادی دانش‌بنیان بدون نظام مؤثر مالکیت فکری امکان‌پذیر نیست و در این راستا، ایجاد نهادهای قضایی و داوری تخصصی، افزایش آگاهی عمومی و اصلاح فرآیندهای ثبت و حمایت قانونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۴-۵. ناهمخوانی قوانین با الزامات توسعه پایدار

یکی دیگر از موانع حقوقی در مسیر مشارکت شهروندان، عدم هماهنگی میان قوانین اقتصادی کشور و اصول توسعه پایدار است. بسیاری از مقررات فعلی در حوزه‌های صنعت، معدن و انرژی، بر مبنای الگوهای سنتی رشد اقتصادی تدوین شده‌اند و هنوز با رویکردهای جدید زیست‌محیطی و اجتماعی انطباق کامل ندارند. به عنوان مثال، سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، بازیافت یا فناوری‌های سبز با موانع قانونی و مالی متعددی روبه‌روست. نبود مشوق‌های مالیاتی برای فعالیتهای سازگار با محیط زیست، ضعف حمایت‌های بیمه‌ای و عدم تعریف نظام حقوقی مشخص برای پروژه‌های اقتصاد سبز، موجب شده است تا بسیاری از فعالان اقتصادی تمایلی به ورود به این حوزه‌ها نداشته باشند. از سوی دیگر، برخی از قوانین موجود، حتی با تعهدات بین‌المللی ایران در حوزه محیط زیست و تغییرات اقلیمی نیز هم‌راستا نیستند. بازنگری در این قوانین و تدوین چارچوب‌های جدید با محوریت توسعه پایدار، از ضروریات حقوقی و راهبردی کشور در مسیر توسعه متوازن به شمار می‌آید.

۴-۶. ضعف در آموزش و آگاهی حقوقی شهروندان

آخرین اما یکی از مهم‌ترین موانع، فقدان آگاهی عمومی از حقوق شهروندی و اقتصادی است. بخش قابل توجهی از مردم از حقوق خود در زمینه اشتغال، مالکیت، مشارکت اجتماعی یا استفاده از تسهیلات قانونی بی‌اطلاع‌اند. این ناآگاهی سبب می‌شود تا حتی در مواردی که بستر قانونی وجود دارد، شهروندان نتوانند از آن بهره‌مند شوند. نظام آموزشی کشور نیز در حوزه آموزش حقوق شهروندی و اقتصادی ضعف جدی دارد. آموزش‌های عمومی در مدارس و دانشگاه‌ها اغلب بر مهارت‌های فنی تمرکز دارد و به مباحث حقوقی و آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندان کمتر پرداخته می‌شود. در نتیجه، آگاهی حقوقی در سطح جامعه پایین مانده و این امر خود به تضعیف مشارکت مردمی در فرآیند توسعه منجر می‌شود.

ارتقای آموزش حقوقی می‌تواند از طریق برنامه‌های آموزشی رسمی، رسانه‌های عمومی و کمپین‌های اطلاع‌رسانی صورت گیرد. این اقدام، هم موجب افزایش اعتماد به نظام حقوقی و هم تسهیل در اجرای سیاست‌های توسعه‌ای خواهد شد. به طور کلی، موانع و چالش‌های حقوقی موجود، تحقق کامل حقوق شهروندی و مشارکت مؤثر مردم در توسعه اقتصادی و اجتماعی را با دشواری‌های جدی مواجه کرده‌اند. ضعف ضمانت اجرا، بوروکراسی سنگین، محدودیت نهادهای مدنی، ناکارآمدی نظام مالکیت فکری، ناهمخوانی قوانین با توسعه پایدار و ناآگاهی حقوقی شهروندان، همگی از عواملی هستند که باید در چارچوب یک اصلاح حقوقی و نهادی جامع مورد بازنگری قرار گیرند (عباسی، ۱۴۰۰؛ نادری، ۱۳۹۰). تحقق توسعه پایدار در ایران، مستلزم بازتعریف نقش دولت، تقویت نهادهای مدنی، و ایجاد سازوکارهای حقوقی مؤثر برای تضمین مشارکت واقعی مردم است؛ مشارکتی که نه صرفاً در سطح شعار، بلکه در بستر قانون و عمل تحقق یابد.

۵. راهکارها و پیشنهادها

با توجه به موانع و چالش‌هایی که در بخش پیشین مورد بررسی قرار گرفت، روشن است که تحقق کامل حقوق شهروندی و مشارکت مؤثر مردم در فرآیندهای اقتصادی و کارآفرینی، مستلزم اصلاحات حقوقی، نهادی و فرهنگی است. در واقع، بدون بازنگری در ساختارهای حقوقی و اجرایی کشور، حتی بهترین سیاست‌های حمایتی در زمینه توسعه اقتصادی، اثرگذاری محدودی خواهند داشت.

در این بخش، مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی برای رفع موانع موجود و ایجاد بستر حقوقی پایدار جهت مشارکت فعال شهروندان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی ارائه می‌شود.

۵-۱. تقویت ضمانت اجرای حقوق شهروندی

یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای تحقق مشارکت مؤثر مردم، تبدیل اصول کلی حقوق شهروندی به حقوق قابل مطالبه و الزام‌آور است. در حال حاضر، بسیاری از اصول قانون اساسی که به حقوق اساسی مردم اشاره دارند - همچون اصل ۲۰ (تساوی حقوق شهروندان)، اصل ۲۸ (حق اشتغال) و اصل ۴۳ (تأمین عدالت اقتصادی) - از ضمانت اجرای مشخص و مؤثر برخوردار نیستند. بنابراین، ضروری است که از طریق تصویب قوانین عادی مکمل، زمینه اجرایی‌سازی این اصول فراهم شود. برای مثال، می‌توان با تصویب «قانون حمایت از حقوق شهروندی در اشتغال و کارآفرینی»، دولت را ملزم کرد تا به طور سالانه گزارش عملکرد خود در زمینه تحقق برابری فرصت‌های شغلی و حمایت از کسب‌وکارهای مردمی را منتشر کند.

از سوی دیگر، ایجاد نهادهای نظارتی مستقل همچون «شورای ملی نظارت بر حقوق شهروندی اقتصادی» می‌تواند نقش مؤثری در رصد تخلفات اداری، تبعیض‌های اقتصادی و نقض حقوق مشارکت داشته باشد. همچنین، پیش‌بینی امکان طرح دعوا در مراجع قضایی یا دیوان عدالت اداری در موارد نقض این حقوق، به شهروندان قدرت پیگیری قانونی می‌دهد و موجب افزایش اعتماد عمومی به نظام عدالت اداری می‌شود.

در نهایت، باید حقوق شهروندی از حالت نمادین به یک نظام الزام‌آور تبدیل شود؛ نظامی که هر شهروند بتواند در برابر نقض آن، به نهاد مشخصی مراجعه و مطالبه‌گری مؤثر انجام دهد.

۵-۲. اصلاح و ساده‌سازی قوانین و مقررات اقتصادی

یکی از موانع ریشه‌ای مشارکت در فعالیتهای اقتصادی، تعدد قوانین، مقررات متعارض و رویه‌های اداری پیچیده است. بسیاری از فعالان اقتصادی، به‌ویژه کارآفرینان جوان، در آغاز فعالیت خود با فرآیندهای زمان‌بر و پرهزینه‌ای مواجه‌اند که انگیزه و سرمایه آن‌ها را تحلیل می‌برد.

به منظور رفع این مشکل، باید نظام صدور مجوزها و ثبت شرکت‌ها بازنگری اساسی شود. تشکیل «سامانه ملی جامع مجوزهای اقتصادی» که کلیه مراحل ثبت، دریافت مجوز و تمدید فعالیت را در قالب یک فرآیند الکترونیکی انجام دهد، از مهم‌ترین اقدامات در این زمینه است.

علاوه بر این، تدوین یک قانون جامع کارآفرینی و بنگاه‌های اقتصادی می‌تواند ضمن یکپارچه‌سازی مقررات پراکنده، بستر حقوقی شفاف و قابل پیش‌بینی برای فعالان اقتصادی ایجاد کند. این قانون باید ضمن حذف مقررات متضاد، شرایط تأسیس، حمایت، انحلال و حل اختلافات اقتصادی را به‌صورت دقیق تبیین نماید.

در کنار اصلاح قوانین، دولت باید به سمت چابک‌سازی ساختارهای اداری حرکت کند. کاهش تعداد دستگاه‌های تصمیم‌گیر، واگذاری اختیارات به سطوح محلی، و تقویت دولت الکترونیک می‌تواند منجر به افزایش سرعت، شفافیت و عدالت در فرآیندهای اقتصادی شود. چنین اصلاحاتی در نهایت به افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی منجر خواهد شد.

۵-۳. حمایت از مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی

مشارکت مؤثر مردم در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، یکی از شاخص‌های اصلی توسعه پایدار و حکمرانی خوب است. در حال حاضر، نقش تشکلهای صنفی، تعاونی‌ها، انجمن‌های کارآفرینی و سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی بسیار محدود است و بیشتر به مشاوره‌های غیرالزام‌آور تقلیل یافته است.

برای رفع این ضعف ساختاری، باید جایگاه حقوقی و مشورتی این نهادها در قانون تقویت شود. ایجاد «شوراهای مشورتی اقتصادی» در سطوح ملی و استانی، با حضور نمایندگان بخش خصوصی، تعاونی و جامعه مدنی، می‌تواند پل ارتباطی مؤثری میان دولت و مردم باشد.

همچنین، باید مکانیسم‌های مشارکت عمومی (Public Participation) در فرآیند قانون‌گذاری و تصویب مقررات اقتصادی نهادینه گردد. برای مثال، پیش‌نویس قوانین اقتصادی پیش از تصویب نهایی می‌تواند برای نظرخواهی عمومی منتشر شود تا نخبگان و فعالان اقتصادی دیدگاه‌های خود را بیان کنند.

چنین اقداماتی موجب افزایش شفافیت، پاسخ‌گویی و مشروعیت تصمیمات اقتصادی می‌شود و به تدریج فرهنگ مشارکت آگاهانه و مسئولانه را در جامعه نهادینه خواهد کرد.

۴-۵. تقویت نظام حقوق مالکیت فکری

در اقتصاد دانش‌محور امروز، دارایی‌های فکری مهم‌ترین سرمایه کارآفرینان محسوب می‌شوند. اما در ایران، ضعف در نظام مالکیت فکری باعث شده است که بسیاری از مخترعان و صاحبان ایده‌ها از حمایت کافی برخوردار نباشند. برای رفع این چالش، لازم است قوانین مرتبط با مالکیت فکری بازنگری و به‌روز شوند تا بتوانند با تحولات سریع فناوری و فضای دیجیتال هماهنگ گردند. به عنوان مثال، قوانین فعلی هنوز پاسخ روشنی به مسائل جدیدی مانند مالکیت نرم‌افزار، داده‌های دیجیتال یا هوش مصنوعی ارائه نمی‌دهند.

علاوه بر اصلاح قوانین، فرآیند ثبت و حمایت از اختراعات باید ساده‌تر، سریع‌تر و شفاف‌تر شود. ایجاد سامانه‌های الکترونیکی ثبت اختراع، کاهش هزینه‌های اداری، و آموزش کارآفرینان درباره نحوه حفاظت از دارایی‌های فکری می‌تواند در این مسیر مؤثر باشد. همچنین، تشکیل دادگاه‌ها و مراجع داوری تخصصی در حوزه مالکیت فکری برای رسیدگی دقیق و سریع به دعاوی ضروری است. این دادگاه‌ها باید از قضات و کارشناسان متخصص در زمینه حقوق فناوری، تجارت و نوآوری تشکیل شوند تا بتوانند تصمیمات کارشناسی و منصفانه اتخاذ کنند.

تقویت نظام مالکیت فکری نه تنها موجب حمایت از نوآوران می‌شود، بلکه اعتماد سرمایه‌گذاران را به بازار نوآوری و فناوری در کشور افزایش می‌دهد.

۵-۵. انطباق قوانین با الزامات توسعه پایدار

یکی از ضرورت‌های اصلی در اصلاح نظام حقوقی کشور، هماهنگ‌سازی قوانین اقتصادی با اصول توسعه پایدار است. توسعه پایدار بر سه محور اصلی اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی استوار است؛ اما قوانین اقتصادی ایران بیشتر بر بعد اقتصادی تمرکز داشته و ابعاد محیط‌زیستی و اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

برای ایجاد پیوند واقعی میان کارآفرینی و توسعه پایدار، باید ملاحظات زیست‌محیطی و اجتماعی در فرآیند صدور مجوزها الزامی شود. به عبارت دیگر، هیچ پروژه یا سرمایه‌گذاری نباید بدون ارزیابی اثرات محیط‌زیستی و اجتماعی مجوز فعالیت دریافت کند. از سوی دیگر، باید برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های سبز مانند انرژی‌های تجدیدپذیر، بازیافت، کشاورزی پایدار و صنایع پاک، مشوق‌های مالیاتی، تسهیلات بانکی و حمایت‌های بیمه‌ای پیش‌بینی شود.

در این چارچوب، گنجاندن مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR) در قوانین تجاری نیز اهمیت فراوانی دارد. شرکت‌ها باید متعهد شوند که بخشی از سود خود را صرف فعالیت‌های عام‌المنفعه، زیست‌محیطی یا آموزشی کنند. این امر، هم موجب افزایش اعتماد عمومی به بنگاه‌های اقتصادی می‌شود و هم نقش بخش خصوصی را در تحقق اهداف توسعه پایدار تقویت می‌کند.

۵-۶. ارتقای آموزش حقوق شهروندی و فرهنگ مشارکت

یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی، ارتقای آگاهی حقوقی و تقویت فرهنگ مشارکت است. شهروندان زمانی می‌توانند در فرآیندهای اقتصادی و تصمیم‌گیری‌های عمومی نقش فعال ایفا کنند که از حقوق و مسئولیت‌های خود آگاه باشند.

به همین منظور، باید آموزش حقوق شهروندی در سطوح مختلف نظام آموزشی رسمی (مدارس، دانشگاه‌ها و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای) گنجانده شود. علاوه بر این، رسانه‌های عمومی و نهادهای فرهنگی می‌توانند از طریق برنامه‌های آموزشی، مستندها و کمپین‌های اطلاع‌رسانی، آگاهی عمومی نسبت به حقوق اقتصادی، کارآفرینی و توسعه پایدار را افزایش دهند. دانشگاه‌ها نیز می‌توانند با برگزاری دوره‌های تخصصی در حوزه حقوق کارآفرینی، حقوق اقتصادی و توسعه پایدار، نیروی انسانی آگاه و متخصص برای حمایت از این حوزه تربیت کنند. این آموزش‌ها باید نه تنها جنبه نظری، بلکه جنبه کاربردی داشته باشند تا دانشجویان بتوانند از آن‌ها در فعالیت‌های حرفه‌ای خود بهره ببرند.

۵-۷. بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی و همکاری‌های حقوقی

بسیاری از کشورهایی که در حوزه توسعه پایدار و گسترش کارآفرینی موفق بوده‌اند، از نظام‌های حقوقی منعطف، شفاف و مشارکت‌محور برخوردارند. بررسی تجربیات موفق این کشورها می‌تواند برای ایران الهام‌بخش باشد. در این راستا، همکاری با نهادهای بین‌المللی همچون سازمان بین‌المللی کار (ILO)، برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP)، و سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) می‌تواند در تدوین و اصلاح قوانین کار، حمایت از نوآوری و ارتقای مهارت‌های حقوقی مؤثر واقع شود.

همچنین، تبادل تجربیات با کشورهای منطقه در قالب پیمان‌های دو یا چندجانبه می‌تواند به ارتقای نظام حقوقی ایران در زمینه‌های مالکیت فکری، توسعه کارآفرینی و حمایت از محیط زیست کمک کند.

الگوگیری از تجربیات کشورهای موفق، البته نباید به تقلید صرف منجر شود، بلکه باید با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی، اقتصادی و حقوقی ایران، بومی‌سازی گردد.

مجموعه راهکارهای فوق در صورت اجرای هماهنگ و هدفمند، می‌تواند بستر تحقق حقوق شهروندی و گسترش مشارکت مردم در فرآیندهای اقتصادی را فراهم کند. تقویت ضمانت اجرا، اصلاح قوانین، حمایت از نهادهای مدنی، به‌روزرسانی نظام مالکیت فکری، هم‌راستا کردن سیاست‌ها با توسعه پایدار و افزایش آگاهی عمومی، همه اجزای یک نظام حقوقی پویا و پاسخ‌گو هستند.

تحقق این اهداف مستلزم اراده سیاسی، همکاری میان قوا و مشارکت فعال جامعه مدنی است. تنها در این صورت می توان انتظار داشت که اصول قانون اساسی و اسناد بین المللی مرتبط با حقوق شهروندی از سطح نظری فراتر رفته و در عمل به واقعیتی ملموس در زندگی مردم تبدیل شود.

۶. نتیجه گیری

تحلیل انجام شده در این پژوهش نشان می دهد که حقوق شهروندی نقش بنیادینی در تقویت مشارکت مردم در فرآیندهای کارآفرینی و تحقق توسعه پایدار ایفا می کند. بدون تضمین آزادی ها و حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان، مشارکت فعال آنان در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی محدود خواهد بود و توسعه پایدار تنها در حد شعار باقی می ماند.

مهم ترین یافته های این پژوهش عبارتند از:

جایگاه حقوق شهروندی در قوانین ایران و اسناد بین المللی: اصول قانون اساسی ایران و اسناد بین المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوق شهروندی و حق مشارکت مردم در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی را تضمین کرده اند.

موانع و چالش ها: ضعف ضمانت اجرا، پیچیدگی مقررات، محدودیت مشارکت اجتماعی، چالش های مالکیت فکری و عدم انطباق قوانین با توسعه پایدار، از جمله موانع اصلی تحقق این حقوق هستند.

راهکارها و پیشنهادها: تقویت ضمانت اجرا، اصلاح و ساده سازی قوانین، حمایت از مشارکت مردم در تصمیم گیری ها، تقویت نظام مالکیت فکری، انطباق قوانین با توسعه پایدار، ارتقای آموزش حقوق شهروندی و بهره گیری از تجارب بین المللی، از جمله مهم ترین راهکارها هستند.

در مجموع، این پژوهش تأکید می کند که حقوق شهروندی شرط لازم برای مشارکت مؤثر مردم و تحقق توسعه پایدار است. کارآفرینی مردم محور تنها در صورتی می تواند رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست را همزمان محقق کند که بسترهای حقوقی آن فراهم شده باشد. بنابراین، اصلاح قوانین، تقویت نهادهای نظارتی، افزایش آگاهی حقوقی و ترویج فرهنگ مشارکت، از الزامات اصلی سیاست گذاری در مسیر توسعه پایدار و کارآفرینی مردم محور محسوب می شود.

در ادامه پیشنهادهایی ارائه می گردد؛ تدوین قانون جامع کارآفرینی با رویکرد مردم محور و توسعه پایدار، ایجاد نهادهای مستقل نظارتی برای پایش اجرای حقوق شهروندی، گسترش آموزش حقوق شهروندی و کارآفرینی در سطوح مختلف جامعه، بهره گیری از تجارب بین المللی و همکاری با نهادهای جهانی در زمینه توسعه پایدار و کارآفرینی.

۷. منابع

۷-۱. منابع فارسی

- جهان‌بین، علی. اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار در ایران، تهران: نشر پژوهشگاه مطالعات اسلامی، ۱۳۹۶.
- رضایی، ناصر. کارآفرینی و مشارکت مردمی در توسعه اقتصادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۷.
- سیاست‌های کلی اصل ۴۴، شورای نگهبان و مقام معظم رهبری.
- عباسی، نوذر، چالش‌های حقوق شهروندی در ایران. تهران: انتشارات میزان، ۱۴۰۰.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، مصوب ۱۳۹۰، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها، مصوب ۱۳۸۹، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- کردبچه، منصور، کارآفرینی و توسعه پایدار. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۸(۳)، ۷۱-۹۲.
- کریمی، فاطمه. نقش حقوق شهروندی در مشارکت اجتماعی و اقتصادی مردم، فصلنامه حقوق و توسعه، شماره ۲۳، ۱۳۹۸.
- محمدی، حسین. حقوق شهروندی و توسعه پایدار، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۵.

۷-۲. منابع انگلیسی

- ##United Nations. Universal Declaration of Human Rights. New York: UN, ۱۹۴۸.
- ##United Nations. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR), ۱۹۶۶.
- ##United Nations. Transforming Our World: The ۲۰۳۰ Agenda for Sustainable Development, New York: UN, ۲۰۱۵.
- ##Marshall, T. H. Citizenship and Social Class, Cambridge University Press, ۱۹۵۰.
- ##Drucker, Peter. Innovation and Entrepreneurship, New York: Harper & Row, ۱۹۸۵.
- ##Sachs, Jeffrey D. The Age of Sustainable Development, New York: Columbia University Press, ۲۰۱۵.
- ##Sen, Amartya. Development as Freedom, New York: Knopf, ۱۹۹۹.
- ##North, Douglass C. Institutions, Institutional Change and Economic Performance, Cambridge: Cambridge University Press, ۱۹۹۰.